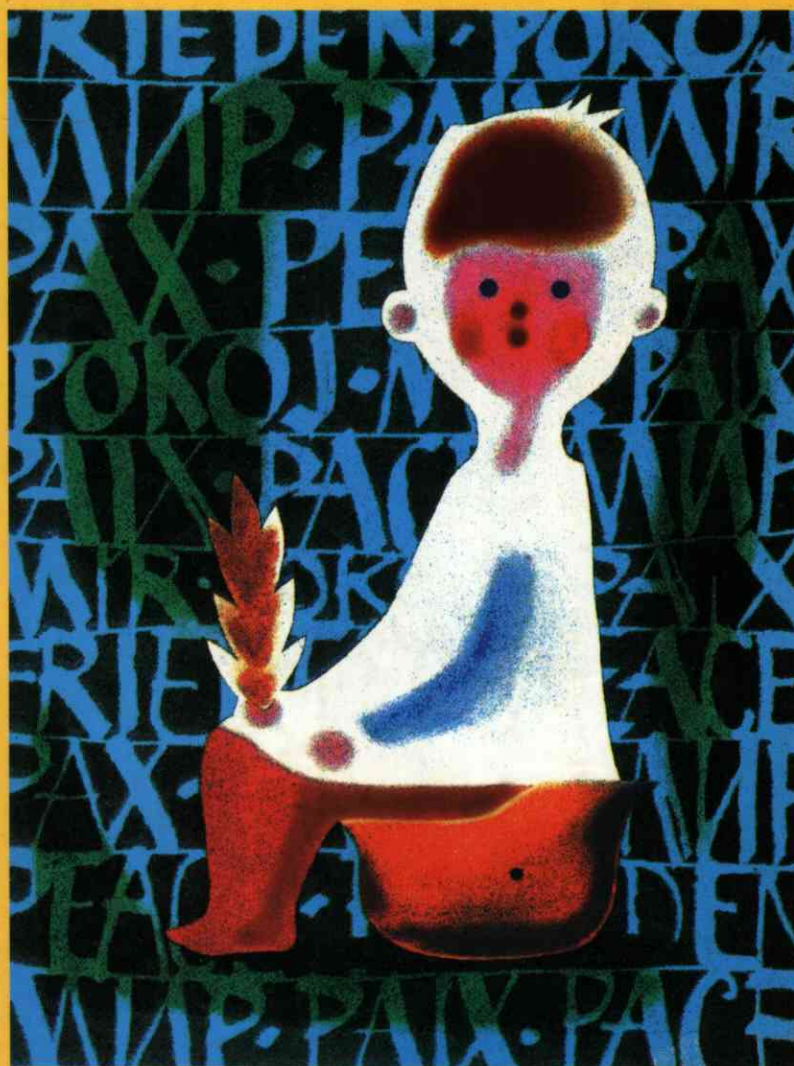




فرهنگ علوم سیاسی

مینو افشاری راد

علی آقابخشی



فرهنگ علوم سیاسی

علی آقابخشی
مینو افشاری راد



آقابخشی، علی اکبر، ۱۳۲۷ -
فرهنگ علوم سیاسی / علی آقابخشی، مینو افشاری راد. - [ویرایش ششم]. تهران:
چاپار، ۱۳۸۳.
۹۳، ۷۵۱ ص.

ISBN 964-7790-27-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

A. Aghabakhshi, M. Afsharirad

A Dictionary of Political Science.

ص.ع. به انگلیسی:

کتابنامه: ص. [۸۷]-۹۳.

۱. علوم سیاسی - واژه نامه ها - انگلیسی. ۲. علوم سیاسی - واژه نامه ها - فارسی. ۳.
زبان انگلیسی - واژه نامه ها - فارسی. ۴. فارسی - واژه نامه ها - انگلیسی. ۵. علوم
سیاسی - اصطلاح ها و تمبیرها. الف. افشاری راد، مینو. ب. عنوان.

1. Persian language-Dictionaries-English.
2. English language-Dictionaries-Persian.

۳۲۰/۰۳

JA۶۴ / ۲۷۲

۱۳۸۳

۳۲۶۷۱-۸۳

کتابخانه ملی ایران



مرکز پخش: شرکت اطلاع رسانی و خدمات کتابداری چاپار. تلفن ۸۸۹۹۶۸۰



فرهنگ علوم سیاسی

پدیدآورندگان: علی آقابخشی با همکاری مینو افشاری راد

چاپ اول [ویرایش ششم]، زمستان ۱۳۸۳

تیراژ: ۳۰۰۰

امور رایانه ای، صفحه آرایی: مؤسسه علم روز

ISBN 964-7790-27-9

شابک: ۹۶۴-۷۷۹۰-۲۷-۹

همه حقوق محفوظ است. نقل جزئی مطالب با ذکر مأخذ آزاد است.

۸۵۰۰ تومان

مقدمه

هدف از تدوین این فرهنگ، به دست دادن تعریف اصطلاحات و ارائه اطلاعات مختصر و مفید در حوزه علوم سیاسی است که صرف نظر از فواید آموزشی و آگاهی رسانی، می تواند به توسعه فرهنگ و زبان مشترک در میان اهل حرفه نیز کمک کند. اغلب اصطلاحات، با توجه به منابع علم سیاست تعریف شده است. در مواردی که اصطلاح تعریف شده، کاربرد وسیعتری داشته، تعریف آن از منابع عمومی استخراج شده است. همین جا باید به دو نکته اشاره شود: ۱- ارائه تعریف جامع و مانع در علوم اجتماعی و سیاسی با قواعد پر از استثنای آن، آسان نیست و ارزش تعریفهای گوناگونی هم که از مفاهیم سیاسی و اجتماعی می شود، نسبی است. ۲- ویژگی اصطلاحات علوم اجتماعی و به ویژه علم سیاست، ناهمسانی معانی آنها نزد کاربران آنها است و نباید انتظار داشت که همگان در مورد تعریف یا تعریفهایی که در برابر هر اصطلاح آورده شده، عقیده واحدی داشته باشند و یا آنها را قطعی تلقی کنند. به نظر متفکری به نام آلن رایان Alan Ryan، مشکل بودن تعریف اصطلاحات سیاسی در این است که واژه های سیاسی، ذاتاً جدلی هستند. بدین معنی که این اصطلاحات، همواره راه به بحث و جدل می دهند. مثلاً اگر اصطلاح لیبرالیسم، اعتقاد به این امر تعریف شود که آزادی فردی، والاترین ارزش سیاسی است و نهادها و ارزشها بایستی بر مبنای موفقیتشان در اعتلای آزادی فردی مورد قضاوت قرار گیرند، همین تعریف، بحث و جدلهای بعدی را به وجود می آورد: آزادی چیست؟ آزادی آیا مثبت است یا منفی؟ به چه صورتی آزادی تمام ملت به آزادی اعضای آن مرتبط می شود؟ آیا کودکان را هم در بر می گیرد؟ آیا شامل بیماران روانی، بیگانگان مقیم و امثال اینها هم می شود؟

فرهنگ حاضر که ویرایشهای قبلی آن توسط انتشارات تندر، بهرنگ و مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران منتشر شده است، عمدتاً اصطلاحات سیاسی قدیم و جدید و سازمانهای بین‌المللی را دربر می‌گیرد. این فرهنگ، اگر چه انگلیسی-فارسی است، اما تعدادی از واژه‌های لاتین، عربی، فرانسوی و آلمانی نیز به ضرورت در آن آمده و شامل دو بخش است: متن اصلی و نمایه فارسی. در بخش نخست، ۳۷۵۳ اصطلاح به ترتیب الفبای انگلیسی آورده شده و در برابر هر اصطلاح، معادل یا معادلهای فارسی و در زیر آن، تعریف یا تعریفهای اصطلاح آمده است. اگرچه متن اصلی به علت وجود معادلهای متعدد فارسی، براساس الفبای انگلیسی مرتب شده است، ولی دستیابی به مطالب مورد نظر از طریق بخش دوم، یعنی نمایه فارسی-انگلیسی نیز به سهولت امکان‌پذیر است. در تدوین این اثر به رساله‌ها و کتابها (که مشخصات بخشی از آنها در فهرست منابع ذکر شده) و رسانه‌ها و منابع دیگر مراجعه شده و کوشش به عمل آمده است تا تعریف هر اصطلاح، کوتاه و روشن باشد.

در پایان سزاوار است که از جمله از آقایان دکتر حسین غریبی (رئیس مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران)، کامران فانی، مهدی بابائی‌زاده روشنفکر، موسی محمدی بزنج (مدیر نشر چاپار)، مسعود فیروزخانی (مؤسس علم روز)، محمد جواهرکلام، محمد محمدعلی، جمشید برزگر، سیداحمد رضا طهوری، مصطفی زرین قلم، حسن واقف، خانم‌ها طرلان عطایی قهرمانی، معصومه و مریم‌السادات کشفی، زهره نادرلوئی، ملوک‌السادات بهشتی مدیر گروه پژوهشی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران (به ویژه در مورد اصطلاحات آلمانی) سپاسگزاری شود.

پدیدآورندگان

واژه‌نامه فارسی - انگلیسی

آ

Atlantism	آتلانتيک‌گرایی		
Globo Cop	آجان کره زمین	آآپسو (سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا)	
Adjutant	آجودان	AAPSO (Afro-Asian People's Solidarity	
Eleventh Hour	آخرین لحظه	Organization)	
Etiquette	آداب معاشرت	Doing Time	آب خنک خوردن
Panjandrum	آدم از خودراضی	Hydrodiplomacy	آب - دیپلماسی
Snob	آدم افاده‌ای	International Waterways	آبراه‌های بین‌المللی
Headbanger	آدم افراطی	International Channel	آبراه بین‌المللی
Lame Duck	آدم به‌درد نخور	Prestige	آبرو
Person of Loose Morals	آدم بی‌بند و بار	Rehabilitation	آبرو بخشی دوباره
Namby-Pamby	آدم بی‌هو و بی‌خاصیت	Slyboots	آب زیرکانه
Hawk	آدم جنگ طلب	Free Waters	آب‌های آزاد
Sycophant	آدم چاپلوس	International Waters	آب‌های بین‌المللی
Davos Man	آدم داووسی	Internal Waters	آب‌های داخلی
Organization Man	آدم سازمانی	Littoral Waters	آب‌های ساحلی
Gentleman	آدم شریف	Territorial Waters	آب‌های سرزمینی
Dove	آدم صلح طلب	National Waters	آب‌های ملی
Trimmer (Opportunist)	آدم فرصت طلب	Apatride (Stateless)	آپاترید
Organization Man	آدمک تشکیلاتی	Apparat	آپارات (حزبی)
Egghead	آدم کله‌دار	Apartheid	آپارتاید
Fat Cat	آدم کله‌گنده	Apolitisme (Apoliticism)	آپولیتیسیم
Fossil	آدم متحجر	Attaché	آتاشه
Snob	آدم متفرعن	Cease-Fire	آتش‌بس
Diehard	آدم محافظه کار دو آتشه	Truce	آتش‌بس موقت

Academic Freedom	آزادی دانشگاهی	Panjandrum	آدم مدمنغ
Freedom of the (High) Seas	آزادی دریاها	Diehard	آدم مرتجع
	آزادی دستیابی به اطلاعات دولتی	Mediocrity	آدم میانمایه
Freedom of Information		Jack of all Trades	آدم همه فن تمام
Freedom of Religion	آزادی دین	Adomide	آدمید
Political Freedom	آزادی سیاسی	Appeasement	آرامبخشی
Freedom of Opinion (Conscience)	آزادی عقیده	Ataraxia	آرامش درون
Academic Freedom	آزادی علمی	Quietism	آرامش طلبی
Autonomy	آزادی عمل	Regional Cooperation for Development (RCD)	آر.سی.دی
	آزادی فعالیت اقتصادی	Arme	آرم
Laissez-Faire , Laissez-Passer		Ideal / Ideology	آرمان
Positive Freedom	آزادی مثبت	Idéologue (Ideologist)	آرمان شناس
Parole	آزادی مشروط زندانی	Utopia	آرمانشهر
Freedom of the Press	آزادی مطبوعات	Utopianism	آرمانشهرگرایی
Negative Freedom	آزادی منفی	Idealism	آرمانگرایی
Four Freedoms	آزادیهای چهارگانه	National Ideals	آرمانهای ملی
Public Freedoms	آزادیهای عمومی	Aristodemocracy	آریستو دموکراسی
Individual Freedoms /	آزادیهای فردی	Aristocrat	آریستوکرات
Civil Liberties		Aristocracy	آریستوکراسی
Civil Liberties	آزادیهای مدنی	Latitudinarianism	آزاداندیشی
Harassment	آزار	Freethinking	آزاد اندیشی
Sexual Harassment	آزار جنسی	Libertarianism	آزادخواهی
Acid Test	آزمایش تعیین کننده	Feminism	آزادخواهی زنان
Agent Provocateur	آژان پرووکاتور	Liberation / Emancipation	آزادسازی
	آژانس بین المللی انرژی	Latitudinarianism	آزاد فکری
International Energy Agency (IEA)		Freethinking	آزادفکری
	آژانس بین المللی انرژی اتمی	Deregulation / Permissiveness	آزادگذاری
International Atomic Energy Agency (IAEA)		Freedom (Liberty)	آزادی
	آژانس چندجانبه تضمین سرمایه گذاری (میگا)	Freedom of Association	آزادی اجتماعات
Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA)		Freedom of Information	آزادی اطلاعات
		Freedom of Belief	آزادی اعتقاد
Jewish Agency	آژانس یهود	Laissez-Faire , Laissez-Passer	آزادی اقتصادی
Agitator	آژیتاتور	Academic Freedom	آزادی بحث و تحقیق
Agitation	آژیتاسیون	Freedom of Speech	آزادی بیان
Permissiveness	آسانگیری	Democrat	آزادیخواه
Open Sky	آسمان باز	Liberalism	آزادیخواهی
Air Space	آسمان کشور	Academic Freedom	آزادی دانش پژوهی
Association of South-East Asian	آسه آن		

Anti-Communism	آنتی کمونیسم	Nations (ASEAN)	
United Nations Special Commission (UNSCOM)	آنسکام	Vulnerability	آسیب پذیری
Angary	آنکاری	Country Exposure	آسیب پذیری کشور
Anomie (Anomy)	آنومی	Conciliation	آشتی
Displaced Persons	آوارگان	Riot	آشوب
Diaspora	آوارگی	Agitator	آشوبگر
Diaspora	آوارگی یهودیان	Agitation / Sedition	آشوبگری
Propaganda	آوازه گری	Gentleman	آقا
Adventurism (Aventurisme)	آوانتوریسم	Big Brother	آقا بالاسر
Avant-garde (Vanguard)	آوانگارد	Aware	آگاه
Owenism	آوینیسم	Conscientization	آگاه سازی
Incrementalism	آهسته روی	Revolutionary Consciousness	آگاهی انقلابی
Islamic Educational, Scientific and Cultural Organization (ISESCO)	آیسیسکو	Dual Consciousness	آگاهی دوگانه
Iconography	آیکونوگرافی	Intelligence	آگاهی سری
Doctrine	آیین	Class Consciousness	آگاهی طبقاتی
Impeachment	آیین اتهام و تعقیب	False Class-Consciousness	آگاهی طبقاتی کاذب
Positivism	آیین اثباتی	Alternative	آلترناتیو
Etiquette	آیین ادب	Rubber Stamp	آلت فعل
Particularism	آیین اصالت جزء	Information Pollution	آلودگی اطلاعات
Universalism	آیین اصالت کل	Slum	آلونک
Eclecticism	آیین التقاطی	Logistics	آمادگاری
Doctrinaire	آیین پرست	Disposition	آمادگی
Protestantism	آیین پروتستانی	Alert	آماده باش
Gradualism	آیین پیشرفت تدریجی	Territorial Management / Spatial Planning	آمایش سرزمین
Multiculturalism	آیین تعدد فرهنگها	Ombudsman	آمبودسمن
Erastianism	آیین تفوق دولت بر کلیسا	Americanism	آمریکادوستی
Parallelism	آیین توازن	Yankee	آمریکایی
Rules of Warfare	آیین جنگ	Americanization	آمریکایی سازی
Cosmopolitanism	آیین جهان میهنی	Americanization	آمریکایی مآب شدن (کردن)
Theory of Two Swords	آیین دو شمشیر	Americanism	آمریکایی مآبی
Zoroastrianism	آیین زردشتی	Doctrine	آموزه
Reductionism	آیین ساده سازی	Anarchism	آنارشسیسم
Zwinglianism (Zwingliism)	آیین سوینگلی	Anarcho-Syndicalism	آناروکوسندیکالیسم
Iconoclasm	آیین شکنی	Anarcho-Communism	آناروکومونیسم
Caesaropapism	آیین قیصر پایی	Entente	آنتانت
Machiavellism (Machiavellianism)	آیین ماکیاولی	Antithesis	آنتی تز
		Anti-Semitism	آنتی سعی تیسم

Western European Union (WEU)	اتحادیه اقتصادی بنلوکس	Impeachment	آیین محاکمه مسئولان اجرایی
Benelux Economic Union	اتحادیه انجمنهای بین‌المللی	Democratism	آیین مردم سالاری
Union of International Associations (UIA)	اتحادیه بین‌المللی	Bylaw	آیین‌نامه
Interparliamentary Union	اتحادیه بین‌المللی مخابرات دور	Mutualism	آیین همیاری
International Telecommunication Union (ITU)	اتحادیه تجارت آزاد اروپا		
European Free Trade Association (EFTA)	اتحادیه جهانی پست		
Universal Postal Union (UPU)	اتحادیه سازمانهای بین‌المللی		
Union of International Associations (UIA)	اتحادیه شخصی		
Personal Union	اتحادیه عرب		
Arab League	اتحادیه کارگری		
Union / Labour Union	اتحادیه کارگری منحصر به یک شرکت		
Trade Union	اتحادیه گمرکی		
Company Union	اتحادیه مغرب عربی		
Customs Union / Zollverein	اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا		
Arab Maghreb Union	اتحادیه هیئاری مالی و مالیاتی شهروندان		
Association of South-East Asian Nations (ASEAN)	اتحاد مالیاتی شهروندان		
Association for the Taxation of Financial Transactions for the Aid of Citizens (ATTAC)	اتفاق		
Alliance / Entente	اتفاق آراء		
Unanimity	اتفاق نظر		
Consensus	اتمام حجت		
Ultimatum	اتوبوس مبارزه انتخاباتی		
Battlebus	اتوریته		
Authority	اتیکت		
Etiquette	اتیوپیانیسم		
Ethiopianism	اثبات‌گرایی		
Positivism	اثربخشی سیاسی		
Political efficacy	اثر دنباله‌گیری		
Coattails Effect			
		Permissiveness	اباحه‌گری
		Strategic Defense Initiative (SDI)	ابتکار دفاع استراتژیک
		Regret	ابراز تأسف
		Assertiveness	ابراز وجود
		Information Superhighway	ابر بزرگراه اطلاعاتی
		Superpowers	ابرقدرتها
		New Superpowers	ابرقدرتهای جدید
		Urbemensch (Superman)	ابرمرد
		Instrumentalism	ابزار انگاری
		Falsifiability	ابطال‌پذیری
		Notification	ابلاغیه
		Oblomovism	ابلوموویسم
		Trimmer (Opportunist)	ابن‌الوقت
		Opportunism	اپورتونیسم
		Opposition	اپوزیسیون
		Smoke-Filled Room	اتاق پر دود
		Unity / Alliance	اتحاد
		Appartementment	اتحاد (احزاب در فرانسه)
		Pan-Islamism	اتحاد اسلام
		Political Unity	اتحاد سیاسی
		Holy Alliance	اتحاد مقدس
		National Unity	اتحاد ملی
		Union / Association / Confederacy / Syndicat	اتحادیه
			اتحادیه آسیای جنوبی برای همکاری منطقه‌ای
			South Asian Association for Regional Cooperation (SAARC)
			اتحادیه ادغام اقتصادی آمریکای لاتین
			American Intégration Association (LAIA)
			اتحادیه اروپا
			European Union
			اتحادیه اروپای غربی

الف

Feelings	احساسات	Environmental Impact	اثر زیست محیطی
Public Sentiment	احساسات عمومی	Coattails Effect	اثر سایه گستری
Guilt Feeling	احساس گناه	Guliver Effect	اثر گالیور
Feeling for the New	احساس نوظوایی	Dialogue	اثرگذاری متقابل ارتباطی
Charity	احسان	Greenhouse Effect	اثر گلخانه‌ای
Recall	احضار	Externalities	اثرهای بیرونی
Habeas Corpus	احضار زندانی به دادگاه	Lease	اجاره
Letter of Recall	احضارنامه	Letters of Marque	اجازه‌نامه دزدی دریایی
Hansard	اخبار مجلس	Exequatur	اجازه‌نامه کنسولی
Embezzlement	اختلاس	Coercion	اجبار
International Dispute	اختلاف بین‌المللی	Community	اجتماع
Authority	اختیار	Rally	اجتماع (حزبی)
Prerogative	اختیار انحصاری	Communitarianism	اجتماع‌گرایی
Full Powers	اختیار تام	Sociable	اجتماعی
Subsidiarity	اختیار تصمیم‌گیری	Sociability	اجتماعی بودن
Libertarianism	اختیارگرایی	Socialization	اجتماعی شدن
Full Powers	اختیارنامه	Political Socialization	اجتماعی شدن از جنبه سیاسی
Prerogative	اختیار ویژه	Socialization	اجتماعی کردن
Expulsion	اخراج	Societal	اجتماعی وار
Deportation	اخراج از کشور	Disengagement	اجتناب از درگیری
Abusive Dismissal	اخراج اهانت‌آمیز	Session	اجلاس
Xenelasia	اخراج بیگانگان	World Social Forum	اجلاس اجتماعی جهانی
Abusive Dismissal	اخراج ناروا		اجلاس اقتصادی جهانی (اجلاس داووس)
Notification	اخطار	World Economic Forum (Davos Meeting)	اجلاس داووس (مجمع اقتصادی جهانی)
Point of Order	اخطار نظام‌نامه‌ای	Davos Meeting (World Economic Forum)	
Morality / Ethic(s)	اخلاق	Earth Summit	اجلاس زمین
Infoethics	اخلاق اطلاعاتی		اجلاس سران دنیا برای توسعه اجتماعی
International Morality	اخلاق بین‌المللی	World Summit for Social Development	
Protestant Ethic	اخلاق پروتستانی	Session	اجلاسیه
Sexual Morality	اخلاق جنسی	Consensus	اجماع
Amoralisme / Immoralisme	اخلاق ستیزی	Alien	اجنبی
Sexual Morality	اخلاق سکسی	Esteem / Respect	احترام
Ethic(s)	اخلاق‌شناسی	Self-Esteem	احترام به خود
Public Morals	اخلاق عمومی	Pacta Sunt Servanda	احترام به قرارداد
Morality and Politics	اخلاق و سیاست	Hoarding	احتکار
Morals	اخلاقیات	Risk	احتمال خطر
Administration	اداره	Prescription	احراز حق در اثر مرور زمان
	اداره آگاهی فدرال (اف. بی. آی)		

Axiology	ارزش شناسی	Federal Bureau of Investigation (FBI)	
Values	ارزشها	Global Governance	اداره امور جهان
Threat Assessment	ارزیابی تهدید	Private Administration	اداره امور خصوصی
Indoctrination	ارشاد	Public Administration	اداره امور عمومی
Seniority	ارشدیت	Bureaucratism	اداره‌بازی
Pillarization	ارکان‌بندی	Public Relations	اداره روابط عمومی
Organ	ارگان	Governance	اداره (گرداندن)
Party Organ	ارگان حزبی	Bureaucrat	اداری
Euro-Centrism	اروپاگرایی	Bureaucratization	اداری شدن (کردن)
Euro-Centrism	اروپا محورینی	Salute	ادای احترام
Knifing	از پشت خنجر زدن	Politeness	ادب
Alienation	از خود بیگانگی	Political Correctness	ادب سیاسی
Altruism	از خود گذشتگی	Propagandist Literature	ادبیات تبلیغ‌گر
Privileged, the	از ما بهتران	Propagandist Literature	ادبیات تبلیغی
Disintegration	از هم پاشیدگی	Folklore	ادبیات توده
SS(Schutzstaffel)	اس اس (شوتس - اشتافل)	Samizdat (Self-Publishing)	ادبیات زیراکسی
	اساسنامه	Irredentism	ادغام‌طلبی
Statute (Constitution , Articles of Association)		General Will	اراده عمومی
Trojan Horse	اسب تروا	Voluntarism	اراده‌گرایی
Asian and Pacific Council (ASPAC)	اسپک	National Will	اراده ملی
Stakhanovism	استاخانوویسم	Real Will	اراده واقعی
Strategic Arms Reduction Talks (Start)	استارت	Erastianism	اراستیانسم
Destalinization	استالین‌زدایی	Lord of the Manor	ارباب
Stalinism	استالینیسم	Master and Slave	ارباب و برده
Prefect	استاندار (در فرانسه)	Political Communication	ارتباط سیاسی
Despotism / Autarchy / Absolutism /	استبداد	Reactionism (Reactionaryism)	ارتجاع
Dictatorship		Reactionary	ارتجاعی
Asiatic Despotism	استبداد آسیائی	Heresy	ارتداد
Democratic Despotism	استبداد خلقی	Bribery	ارتشاء
Oriental Despotism	استبداد شرقی	Militarism	ارتش‌سالاری
Authoritarianism	استبدادطلبی	International Easement	ارتفاق بین‌المللی
Dictatorship of Proletariat	استبداد کارگری	Consciousness-raising	ارتقای آگاهی
Praetorianism	استبداد نظامیان فاسد	Orthodox	ارتودوکس
Totalitarianism (Totalitarisme)	استبداد همه‌گیر	Concentration Camp	اردوگاه اسیران
Exploitation	استثمار	Concentration Camp	اردوگاه کار اجباری
Favouritism	استثناء قائل شدن	Foreign Exchange	ارز
Alteration	استحاله	Dumping	ارزان فروشی مصلحتی در خارج
Entitlement	استحقاق	Surplus Value	ارزش اضافی

Islam	اسلام	Dialectic	استدلال
American Brand of Islam	اسلام آمریکایی	Strategy	استراتژی
Method	اسلوب	Countervailing Strategy	استراتژی خنثی‌کننده
Name Calling	اسم‌گذاری	Shock and Awe Strategy	استراتژی شوک و ارعاب
Top-Secret Documents	اسناد به کلی سری	National Strategy	استراتژی ملی
Confidential Documents	اسناد خیلی محرمانه	Military Strategy	استراتژی نظامی
Diplomatic Documents	اسناد دیپلماتیک	Bugging	استراق سمع
Secret Documents	اسناد سری	Extradition of Criminals	استرداد مجرمین
Classified Documents	اسناد طبقه‌بندی شده	Colonialism	استعمار
Restricted Documents	اسناد محرمانه	Neo-Colonialism	استعمار جدید
Snob	اسنوب	Internal Colonialism	استعمار داخلی
Prisoner of War	اسیر جنگی	Decolonization	استعمارزدایی
Miscarriage of Justice	اشتباه قضایی	Anti-Colonialism	استعمارستیزی
Collectivization	اشتراکی کردن	Colonialism	استعمارگری
Patrician	اشراف (روم)	Collective Colonialism	استعمارگری جمعی
Aristocrat / Gentleman	اشراف زاده	Free Rider	استفاده‌کننده مختار
Aristocracy	اشراف سالاری	Perseverance	استقامت
Patrician	اشرافی	Independence	استقلال
Labour Aristocracy	اشرافیت کارگری	Economic Independence	استقلال اقتصادی
Illuminism	اشراق باوری	Nationalism	استقلال طلبی
Occupation	اشغال	Judiciary Independence	استقلال قوه قضائیه
Authenticity	اصالت	Collegialism	استقلال‌گرایی کلیسا
Revolutionism	اصالت انقلاب	Continuity of Nationality	استمرار تابعیت
Collectivism	اصالت جمع	Continuity of State	استمرار دولت
Individualism	اصالت فرد	Interrogation	استطاق
Negritude	اصالت نژاد سیاه	Denial of Justice	استنکاف از احقاق حق
Existentialism	اصالت وجود بشر	Impoundment	استنکاف از صرف وجه تخصیصی
Augean Stables	اصطبلهای اوژیاس	Credentials (Letter of Credence) /	استوارنامه
Revolution	اصقلاب	Letter of Credence (Credentials)	
Norm	اصل	Interpellation	استیضاح
Reform	اصلاح	Subjugation	استیلا
Land Reform	اصلاحات ارضی	Strategic Defense Initiative (SDI)	اس.دی.آی
Thought Reform (Re-education)	اصلاح افکار	Myth	اسطوره
Reformation	اصلاح دینی	United Nations Economic	اسکاپ
Reformism	اصلاح طلبی	and Social Commission for Asia and the	
Amendment	اصلاح (قانون)	(ESCAP) Pacific	
Eugenics	اصلاح نسل	Escort	اسکورت
Amendment	اصلاحیه (قانون)	Scholasticism	اسکولاستیسیسم

Strike	اعتصاب	اصل استقصای طرق احقاق حق
Token Strike	اعتصاب اخباری	Exhaustion of Local Remedies Rule
Wildcat Strike	اعتصاب بی پشتوانه	Majority Rule
Blackleg / Strike Breaker / Scab	اعتصاب شکن	Non-Refoulement
General Strike	اعتصاب عمومی	Rebus Sic Stantibus
Hunger Strike	اعتصاب غذا	Peter Principle
Wildcat Strike /	اعتصاب غیر مجاز	Point Four
Unauthorized Strike		Jus Soli (Law of the soil)
Slow-Down Strike	اعتصاب کندکاری	Jus Sanguinis (Law of the Blood)
Sit-Down Strike	اعتصاب نشسته	Ex Aequo et Bono
Sympathetic Strike	اعتصاب همدردی	Fundamentalism
Belief / Conviction	اعتقاد	Axiom
Departmentalism	اعتقاد به تقسیم وظایف	اصل مصونیت رئیس کشور
Utopianism	اعتقاد به مدینه فاضله	Sovereign Immunity Principle
Trust	اعتماد	اصل ملت کامله الوداد
Social Trust	اعتماد اجتماعی	Most-Favoured -Nation Clause
Self-confidence	اعتماد به نفس	Difference Principle
Confidence Building	اعتمادسازی	Public Morals
Accredit (Accréditér)	اعزام با استوارنامه	Morals
Members of the Consular Post	اعضای پست کنسولی	Doctrine
Members of the Mission	اعضای مأموریت	Doctrinaire
Deconcentration	اعطای اختیارات فوق العاده	Overpopulation
Naturalization	اعطای تابعیت	Rent
Impeachment	اعلام جرم علیه مأموران دولت	Obedience
Declaration	اعلامیه	Passive Obedience
Islamic Declaration of Human Rights	اعلامیه اسلامی حقوق بشر	Silent Filibuster
Balfour Declaration	اعلامیه بالفور	Filibuster
Universal Declaration of Human Rights	اعلامیه جهانی حقوق بشر	Information / Intelligence
Act of Chapultepec	اعلامیه چاپولتپک	Military Intelligence
Right to Development Declaration	اعلامیه حق توسعه	Affidavit
Bill of Rights	اعلامیه حقوق (انسانی)	Rehabilitation
Declaration of the Rights of Man	اعلامیه حقوق بشر	Emancipation
Joint Declaration	اعلامیه مشترک	Credit
		Prestige
		Appropriation
		Protest
		Confession
		Non-Conformism

Planned Economy	اقتصاد برنامه‌دار	Unilateral Declaration	اعلامیه یک جانبه
International Economics	اقتصاد بین‌المللی		اعلامیه یک جانبه استقلال
Hidden Economy	اقتصاد پنهانی	Unilateral Declaration of Independence	
War Economy	اقتصاد جنگی	Declaration	اعلان
Microeconomics	اقتصاد خرد	Declaration of War	اعلان جنگ
Knowledge Economy	اقتصاد دانایی		اعمال صلاحیت یک دولت در سرزمین دیگر
Economism	اقتصاد زدگی	Extraterritoriality	
Geopolinomics	اقتصاد ژئوپولیتیکی		اعمال کنترل غیر نظامیان بر نظامیان
Hidden Economy	اقتصاد سایه‌ای	Civilian Control of the Military	
Political Economy (Economics)	اقتصاد سیاسی		اعمال نفوذ (بر اعضای قوه مقننه)
Webeconomics	اقتصاد کامپیوتری	Lobbying (Lobbyism)	
Classical Economics	اقتصاد کلاسیک	Peer of the Realm	اعیان زاده
Neo-Classical Economics	اقتصاد کلاسیک جدید	Top Drawer	اعیان و اشراف
Macroeconomics	اقتصاد کلان	Commotion	اغتشاش
Economism	اقتصادگرایی	European Free Trade Association (EFTA)	افتا
Mafianomics	اقتصاد مافیائی	Humility	افتادگی
Mafianomics	اقتصاد مافیاسالار	Honour	افتخار
Knowledge Economy	اقتصاد متکی به اطلاعات	Slander	افترا
Knowledge Economy	اقتصاد متکی به دانش	Libel	افترا (هجو)
Mixed Economy	اقتصاد مختلط	Extremism	افراط‌گرایی
Measures Short of War	اقدامات کمتر از جنگ	Accretion	افزایش طبیعی خاک
Social Action	اقدام اجتماعی	Rent	افزونه
	اقدام ایمنی بین‌المللی مواد هسته‌ای	Rent-Seeking	افزونه خواری
International Nuclear Materials Safeguard		Muckraker	افشای فساد
	اقدام ایمنی میهنی مواد هسته‌ای	Disclosure	افشای گری
Domestic Nuclear Materials Safeguard		Muckraking	افشای مفسد اجتماعی
Reprisal	اقدام تلافی جویانه	Muckraking	افشای فساد
Military Reprisal	اقدام تلافی جویانه نظامی	Public Opinion	افکار عمومی
Belligerent Reprisal	اقدام تلافی جویانه متحارب	Domicile	اقامتگاه
Démarche	اقدام (دیپلماتیک)	Residency	اقامتگاه فرماندار مستعمره
Retortion (Retorsion)	اقدام قصاصی	Class Action Suit	اقامه دعوی طبقاتی
Retortion (Retorsion)	اقدام متقابل	Tychism	اقبال‌گرایی
Belligerent Retortion	اقدام متقابل متحارب	Authority	اقتدار
Direct Action	اقدام مستقیم	Authoritarianism	اقتدار طلبی
Confession	اقرار	National Power	اقتدار ملی
Estoppel	اقرار نافذ و مانع انکار	Free Economy	اقتصاد آزاد
Minority	اقلیت	Controlled Economy	اقتصاد ارشادی
Creative Minority	اقلیت خلاق	Planned Economy	اقتصاد با نقشه

Consular Premises	اماکن کنسولی	Minority and Majority	اقلیت و اکثریت
Premises of the Mission	اماکن مأموریت	Satellites	اقمار
Imam	امام	United Nations Economic Commission for Asia and the Far East (ECAFE)	اکافه
Imamate (Leadership)	امامت	Landslide	اکثریت آراء
Quarter	امان	Moral Majority	اکثریت اخلاقی
Sanctuary	امانگاه	Moral Majority	اکثریت اخلاقی
Safe-Conduct	امان نامه	Majoritarianism	اکثریت باوری
Emperor	امپراتور	Silent Majority	اکثریت خاموش
Empire	امپراتوری	Majoritarianism	اکثریت سالاری
American Empire	امپراتوری آمریکا	Absolute Majority	اکثریت مطلق
Imperialism	امپراتوری طلبی	Concurrent Majority	اکثریت موافق
Imperialism	امپریالیسم	Plurality / Relative Majority	اکثریت نسبی
Communication Imperialism (Media Imperialism)	امپریالیسم ارتباطی	Accredited (Accrédité)	اکردیته
Information Imperialism	امپریالیسم اطلاعاتی	Exequatur	اکزکواتور
Communication Imperialism (Media Imperialism)	امپریالیسم پیام رسانی	Economic Cooperation Organization (ECO)	اکو
Imperialism		Ecofeminism	اکوفمینیسم
Neo-Imperialism	امپریالیسم جدید	Economism	اکونومیسم
Information Imperialism	امپریالیسم خبری	Imperialist Economism	اکونومیسم امپریالیستی
Cultural Imperialism	امپریالیسم فرهنگی		اکو (واحد پول اروپا)
Cultural - Information Imperialism	امپریالیسم فرهنگی - خبری	European Currency Unit (ECU)	اگرمان
Yankee Imperialism	امپریالیسم یانکی	Agrément	اگرستانسیالیسم
Ummah (Religious Community)	امت	Existentialism	القطا
Fin de Non Recevoir	امتناع از قبول اعتراض	Eclecticism	الحداد
Abstentionism	امتناع گزایی	Atheism	الحاق
Concession	امتیاز	Accession / Annexation / Adhesion	الحاقیه
Imperial Preference	امتیازات امپراتوری	Rider	الزام
Capitulations	امتیازات برونمرزی	Obligation	الفا گزایی
Capitulations	امتیازات ویژه بیگانگان	Abolitionism	الفا گری
Privilege	امتیاز استثنائی	Abolitionism	الفبای سیاست
Parliamentary Privilege	امتیاز پارلمانی	ABC of Politics	القاعده
Privileged, the	امتیاز دارها	AI-Qaeda	القای عقیده
Executive Privilege	امتیاز قوه مجریه	Indoctrination	الگو برداری از بهترینها
Dead Heat	امتیاز مساوی	Benchmarking	الگوهای قدرت
Debellatio	امحای دشمن	Patterns of Power	الگوی نظری
Paradox	امر باطلنما	Paradigm	الهیات آزادبخش
		Liberation Theology	الهیات سیاسی
		Political Theology	

Internationalism	انترناسیونالیسم	Axiom	امر بدیهی
Proletarian Internationalism	انترناسیونالیسم پرولتری	Paraphe (Initial)	امضا (غیر رسمی)
Internuncio (Internonce)	انترنونس	Life-Chances	امکانات زندگی
Intrigue	انتریگ	Ways and means	امکانات مالی
Pornography	انتشارات مستهجن	Security	امنیت
Adventism	انتظار ظهور	Social Security	امنیت اجتماعی
Intifada	انتفاضه	International Security	امنیت بین‌المللی
Al-Aqsa Intifada	انتفاضه الاقصی	Collective Security	امنیت جمعی
Autocritics	انتقاد از خود	Individual Security	امنیت فردی
Cultural Transmission	انتقال فرهنگی	National Security	امنیت ملی
Transculturation		Administrative Affairs	امور اداری
Revanchisme	انتقام‌جویی	Foreign Affairs	امور خارجه
Union / Association	انجمن	Political Affairs	امور سیاسی
Intelligence Community	انجمن اطلاعاتی	Emirate	امیرنشین
International	انجمن بین‌المللی توسعه	Primitive Accumulation	انباشت نخستین
Development Association (IDA)	انجمن جهانی جشنهای سال ۲۰۰۰	Crowd	انبوه خلق
World Association for Celebrating Year 2000 (WACY 2000)		Election	انتخابات
Secret Society	انجمن سری	Parliamentary Election	انتخابات پارلمانی
Corporation	انجمن شهر	Indirect Election	انتخابات دو درجه
Association of South-East Asian Nations (ASEAN)	انجمن ملل جنوب شرقی آسیا	Psephology	انتخابات‌شناسی
Deviationism	انحراف طلبی	General Election	انتخابات عمومی
Monopoly	انحصار	Indirect Election	انتخابات غیرمستقیم
Oligopoly	انحصار چندقطبی	By-Election	انتخابات فرعی
Monopolism	انحصار طلبی	Direct Election	انتخابات مستقیم
Monopolism	انحصار‌گرایی	Primary election	انتخابات مقدماتی
Decadence	انحطاط	By-Election	انتخابات میاندوره‌ای
Liquidationism	انحلال طلبی	Proportional Representation	انتخابات نسبی
Dissolution of the Legislature	انحلال مجلس (مقننه)	Direct Election	انتخابات یکدرجه
Political Thought	اندیشه سیاسی	Preference	انتخاب اول
Brainstorming	اندیشه‌گشائی	Leadership Selection	انتخاب رهبری
Isolationism	انزواطلبی	International	انترناسیونال
Isolationism	انزواگرایی	Fourth International	انترناسیونال چهارم
Man (Human)	انسان	Second International	انترناسیونال دوم
		Two and a Half International	انترناسیونال دو و نیم
		Third International	انترناسیونال سوم
		Comintern (Communist International)	انترناسیونال کمونیستی

Bourgeois Revolution	انقلاب بورژوایی	Economic Man	انسان اقتصادی
Passive Revolution	انقلاب بی‌کنش	Humanism	انسان باوری
Continuous Revolution	انقلاب پیوسته	Other-Directed Man	انسان دگرراهبر
Sexual Revolution	انقلاب جنسی	Humanism / Humanitarianism	انسان دوستی
Permanent Revolution	انقلاب دائم	Organization Man	انسان سازمانی
	انقلاب دموکراتیک نوین	Political Anthropology	انسان‌شناسی سیاسی
Neo-Democratic Revolution		Humanism	انسان‌گرایی
Raelian Revolution	انقلاب رائل	Humanism	انسانمداری
Spiritual Revolution	انقلاب روحی	New Man	انسان نو
Green Revolution	انقلاب سبز	Last Man	انسان ولپسین
Sexual Revolution	انقلاب سکسی	Dehumanization	انسانیت زدایی
Socialist Revolution	انقلاب سوسیالیستی	One-Dimensional Man	انسان یک بعدی
Political Revolution	انقلاب سیاسی		انستیتوی بین‌المللی مطالعات استراتژیک
Industrial Revolution	انقلاب صنعتی	International Institute for Strategic Studies	
Arab Revolt	انقلاب عربی	Social Closure	انسداد اجتماعی
	انقلاب علمی - فناوریانه	Paper Blockade	انسداد جعلی راه
Scientific-Technological Revolution		Blockade	انسداد راه
	انقلاب علمی - فنی	Pacific Blockade	انسداد عادی راه
Scientific-Technological Revolution		Equity	انصاف
French Revolution	انقلاب فرانسه	Discipline	انضباط
Cultural Revolution	انقلاب فرهنگی	Party Discipline	انضباط حزبی
Palace Revolution	انقلاب کاخ‌نشینان	Annexation	انضمام
Palace Revolution	انقلاب کاخی	Adaptation	انطباق
Revolutionism	انقلاب‌گرایی	Reconversion	انطباق مجدد
Velvet Revolution	انقلاب مخملی	Secession	انفصال
Permanent Revolution	انقلاب مداوم	Deflation	انقباض پولی
Managerial Revolution	انقلاب مدیریتی	Revolution	انقلاب
Meiji Revolution	انقلاب میجی	Passive Revolution	انقلاب آرام
Revolutionary	انقلابی	American Revolution	انقلاب آمریکا
	انقلابیگری خرده بورژوایی	Social Revolution	انقلاب اجتماعی
Petty-Bourgeois Revolutionism		Administrative Revolution	انقلاب اداری
Inquisition	انکیزیسیون	Palace Revolution	انقلاب از بالا
Anglophile	انگلو‌فیل	Islamic Revolution	انقلاب اسلامی
Social Parasitism	انگلی اجتماعی	Economic Revolution	انقلاب اقتصادی
Anglophobia	انگلیس ترسی	Internet Revolution	انقلاب اینترنت
Anglophilia	انگلیس دوستی	Commercial Revolution	انقلاب بازرگانی
Little Englander	انگلیسی حقیر		انقلاب بورژوادموکراتیک
Motivation (Motive)	انگیزش	Bourgeois-Democratic Revolution	

Ist	ایست	Achievement Motivation	انگیزش پیشرفت
Attitude	ایستار	Motivation (Motive)	انگیزه
Ism (Isme)	ایسم	Organization of Arab Petroleum	اوپک
International Civil Aviation	ایکائو	Exporting Countries (OPEC)	
Organization (ICAO)		Football Hooliganism	اوباشگری طرفداران فوتبال
Icarianism	ایکاریانیزم	Organization of Petroleum Exporting	اوپک
Tribe	ایل	Countries (OPEC)	
Faith	ایمان	Autarchy / Autarky	اوتارکی
Inter-Governmental Maritime	ایمکو	Odyssey of Spirit	اودیسه روح
Consultative Organization (IMCO)		European Atomic Energy Community	اوراتوم
	ایمو	(EAEC or EURATOM)	
International Maritime Organization(IMO)		Eurasism	اوراسیاگرایی
International Criminal Police	اینترپل	Social Conditions	اوضاع اجتماعی
Organization (Interpol)		Conjuncture	اوضاع و احوال
Internet	اینترنت	Ultra-Imperialism	اولترا امپریالیسم
Netocracy	اینترنت سالاری	Ultimatum	اولتیماتوم
Intelligence Service	اینتلیجنس سرویس	Olympians	اولمپیان
		Oligarchy	اولیگارشی
		Humanism	اومانیزم
Mutatis Mutandis	با اعمال تغییرات لازم	United Nations Conference on Trade	اونکتاد
Babeufism	بابوفیزم	and Development (UNCTAD)	
Babbitt	بابیت	Owenism	ااونیزم
Butskellism	باتسکلیسم	Political	اهل سیاست
Appeasement	باح دهی	State	ایالت
Blackmail	باح سبیل	Coalition	ائتلاف
Chantage (Blackmail)	باحگیری	Rainbow Coalition	ائتلاف رنگارنگ
Ad Referendum	باح مراجعه	Altruism	ایشار
Sycophant	بادنجان دورقاب چین	Confidence Building	ایجاد اطمینان
Body Politic	بادی پلیتیک	Peace Building	ایجاد صلح
Bodyguard	بادی گارد	Focoism	ایجاد کانون شورش
Holy See (Vatican)	بارگاه قدسی (واتیکان)	Obstruction	ایجاد مانع
Baron	بارون	Regulation	ایجاد محدودیت
Robber Baron	بارون دزد	Ideal	ایده آل
Barricade	باریکاد	Idealism	ایده آلیسم
Hawk	باز	Ideology	ایدئولوژی
Realignment	بازآرایی	Idéologue (Ideologist)	ایدئولوگ
Market	بازار	Iranology	ایران شناسی
Free Market	بازار آزاد	Ism (Isme)	ایزم

ب

Cohabitation	باهمباشی	Black Market	بازار سیاه
Deontology	بایاشناسی	Common Market	بازار مشترک
Boycott	بایکوت		بازار مشترک آمریکای مرکزی
Diplomatic Archives	بایگانی دیپلماتیک	Central American Common Market (CACM)	
Consular Archives	بایگانی کنسولی	European Economic Community (Common Market)	بازار مشترک (اروپا)
Paper Tiger	ببر کاغذی	European Single Market	بازار واحد اروپا
Asian Tigers	ببرهای آسیا	Thought Reform (Re-education)	بازپروری
Commodity Fetishism	بت‌سازی از کالا	Interrogation	بازجویی
Iconoclast	بت شکن	Deterrence	بازدارندگی
Iconoclasm	بت شکنی	Ombudsman	بازرس پارلمانی
Namby-Pamby	بچه ننه	Reconstruction	بازسازی
Polemics (Polemique)	بحث	Repatriation	بازگردانی به میهن
	بحث محاسباتی سوسیالیستی	Hawks and Doves	بازها و کبوترها
Socialist Calculation Debate		Zero-Sum Game	بازی با حاصل صفر
Crisis	بحران	Great Game	بازی بزرگ
Social Crisis	بحران اجتماعی	Game of Chicken	بازی جوانک ترسو
Economic Crisis	بحران اقتصادی	Manipulation (Of Opinion)	بازی دادن
Energy Crisis	بحران انرژی	Manipulation (Of Opinion)	
International Debt Crisis	بحران بدهی بین‌المللی	Zero-Sum Game	بازی مجموع صفر
Crisis of Democracy	بحران دموکراسی	War Games	بازیهای جنگی
Crisis of Capitalism	بحران سرمایه‌داری	Boss-Tweed	باس توید
Crisis of Socialism	بحران سوسیالیسم	Club	باشگاه
Political Crisis	بحران سیاسی	Paris Club /	باشگاه پاریس
Urban Crisis	بحران شهرنشینی	Group of Ten (Paris Club)	
Urban Crisis	بحران شهری	Political Club	باشگاه سیاسی
Fiscal Crisis	بحران مالی	Country Clubs	باشگاههای بیرون شهر
Legitimacy Crisis	بحران مشروعیت	Dual Consciousness	باطن دوگانه
Penetration Crisis	بحران نفوذ	Bakuninism	باکونینیسیم
Midlife Crisis	بحران نیمه‌راه زندگی	Balkanization	بالکان مانند شدن
Identity Crisis	بحران هویت	Balkanization	بالکانی کردن
Tychism	بخت‌باوری	Band	باند
Private Sector	بخش خصوصی		بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه
Public Sector	بخش دولتی	International Bank for Reconstruction and Development (IBRD)	
Public Sector	بخش عمومی	Islamic Development Bank	بانک توسعه اسلامی
Circular Letter	بخشنامه	World Bank	بانک جهانی
Misrule / Misgovernment	بدحکومتی	Conscientiousness	باوجدانی
Malism	بدذاتی جهان		
Heresy	بدعت		

Structural Adjustment Program		Political Paranoia	بدگمانی سیاسی
Development Plan	برنامه توسعه	Mudslinging	بدگویی
United Nations	برنامه توسعه ملل متحد	Quid Pro Quo / Logrolling	بدهستان
Development Programme (UNDP)		Alternative	بدیل
Comprehensive Plan	برنامه جامع	Antithesis	برابر نهاد
	برنامه جهانی خواربار	Equality	برابری
World Food Programme (WFP)		Isonomy	برابری در برابر قانون
	برنامه جهانی غذا	Equality of Opportunities	برابری فرصتها
World Food Programme (WFP)		Military Parity	برابری نظامی
Minimum Platform	برنامه حداقل	Big Brother	برادر بزرگ
Planning	برنامهریزی	Fraternity	برادری
Spatial Planning	برنامهریزی فضایی	World Brotherhood	برادری جهانی
Grand Area Planning	برنامهریزی منطقه بزرگ	Subversion	براندازی
Military Planning	برنامهریزی نظامی	Hegemony	برتری
Platform	برنامه (سیاسی)	Hegemonism	برتری طلبی
United Nations	برنامه عمران ملل متحد	Tower of Babylon	برج بابل
Development Programme (UNDP)		Ivory Tower	برج عاج
Development Plan	برنامه عمرانی	Name Calling	برچسب زدن
United Nations	برنامه محیط زیست ملل متحد	Birchism	برچیسیم
Environment Programme (UNEP)		Clash of Civilizations	برخورد تمدنها
First-Past-the-Post	برنده با بیشترین رأی	Attitude	برداشت
Condorcet Winner	برنده کندرسه	Tolerance	بردباری
Bernsteinism	برنشتاینیسم	Abolitionism	بردگی مستیزی
Enclave	برونبوم	Debt Slavery	بردگی ناشی از بدهکاری
Interactionism	برهمکنش باوری	Slavery	برده‌داری
Cowardice	بزدلی	Judicial Review	بررسی قضائی
Information Highways	بزرگراههای اطلاعاتی	Brazilification	برزیل مانند شدن
Snob	بزرگنما	Brazilification	برزیلی کردن
Magnanimity	بزرگواری	Peace Building	برقراری صلح
Mobilization	بسیج	Democratization	برقراری مردم‌سالاری
Partial Mobilization	بسیج جزئی	Neutralization	برکناری (غیرنظامی کردن)
General Mobilization	بسیج عمومی	Elite	برگزیدگان
Man (Human)	بشر	Australian Ballot	برگه رأی استرالیائی
Humanitarianism	بشر دوستی صوفیانه	Ballot	برگه رأی‌گیری
Baath (Resurrection)	بعث	Hidden Curriculum	برنامه آموزشی نامرئی
	بقای وضع زمان عقد معاهده به حال خود	Master Plan (Guide Plan)	برنامه اصلی
Rebus Sic Stantibus		Hidden Agenda	برنامه پنهان
Scapegoat	بلاگردان		برنامه تعدیل ساختاری

Bourgeois	بورژوا	Blanquism	بلانکیسم
Bourgeoisie	بورژوازی	Bolshevism	بلشویسم
Bureaucratic Bourgeoisie	بورژوازی اداری	Ambition	بلند پروازی
Bureaucratic Bourgeoisie	بورژوازی بوروکراتیک	Magnanimity	بلند همتی
Agrarian Bourgeoisie	بورژوازی کشاورزی	Sedition	بلوا
Comprador Bourgeoisie	بورژوازی کمپرادور	Bluffing	بلوف زدن
National Bourgeoisie	بورژوازی ملی	Bloc	بلوک
Embourgeoisement	بورژوا شدن	East Bloc	بلوک شرق
Stock Exchange	بورس اوراق بهادار	West Bloc	بلوک غرب
Bureaucrat	بوروکرات	Yes-Man	بله قربان گو
Bureaucracy	بوروکراسی	Population Bomb	بمب جمعیتی
Stalinist Bureaucracy	بوروکراسی استالینیستی	Dirty Bomb	بمب کثیف
Corporacy	بوروکراسی صنفی	Bonapartism	بناپارتیسم
Guardian Bureaucracy	بوروکراسی محافظ	Deadlock	بن بست
Emigration	بوم گذاری	Free Port	بندر آزاد
Immigration	بوم گزینی	Servitude	بندگی
Spring of Prague	بهار پراگ	Boss	بند و بستچی
Pigeonholing	به بایگانی سپردن	Political Patronage	بند نه نوازی سیاسی
Meliorism	بهبود باوری	International Finance Corporation (IFC)	بنگاه مالی بین المللی
Meliorism	بهبودگرایی	Institution	بنیاد
Exploitation	بهره کشی		بنیاد اقتصاد جدید
Rent	بهره مالکانه	New Economics Foundation (NEF)	بنیاد بین المللی
Productivity	بهره وری	International Institution	بنیاد پیشرفت بشر
Eugenics	بهبودی نژاد	Foundation for Progress of Human (FPH)	بنیاد زیست محیطی جهانی
Tax Heaven	بهشت مالیاتی	Global Environment Facility	بنیادستیز
Ecclecticism	بهگزینی	Radical	بنیادستیزی
Challenge	به مبارزه طلبیدن	Radicalism	بنیادگرا
Eugenics	به نژادی	Orthodox / Fundie (Fundy, Fundi)	بنیادگرایی
Amoralisme	بی اخلاقی	Fundamentalism	بنیادگرایی اسلامی
Amoralisme	بی اعتقادی به اخلاق	Islamic Fundamentalism	بنیان گرا
Stoicism	بی اعتنائی به رنج و لذت	Fundie (Fundy, Fundi)	بنیان گرایی
Laicism	بی اعتنائی به مذهب	Fundamentalism	بودجه
Political Apathy	بی اعتنائی سیاسی	Budget	بودجه بندی
Adomide	بی اقامتگاه	Budgeting	بودجه خاص
Disadvantage	بی امتیازی	Appropriation	
	بی.ام.دی (دفاع موشک بالیستیک)		
BMD (Balistic Missile Defense)			
Declaration / Manifesto	بیانیه		

Political Apathy	بی عملی سیاسی	Declaration of Algeria	بیانیه الجزائر
Ataraxia	بی غمی	Manifesto 2000	بیانیه سال ۲۰۰۰
Philistine	بی فرهنگ	Joint Declaration	بیانیه مشترک
Philistinism	بی فرهنگی	Bravery	بی باکی
Lumpenproletariat	بیکاره ها	Disadvantage	بی بهرگی
Unemployment	بیکاری		بی بی سی (بنگاه سخن پراکنی انگلستان)
Disguised Unemployment	بیکاری پنهان	BBC (British Broadcasting Corporation)	
Alienation	بیگانگی	Apatride (Stateless)	بی تابعیت
Alien / Outsider	بیگانه	Statelessness	بی تابعیتی
Xenocentrism	بیگانه پرستی	Immobilisme	بی تحرکی
Xenophobia	بیگانه ترسی	Destabilization	بی ثبات سازی
Enemy Alien	بیگانه دشمن	Political Instability	بی ثباتی سیاسی
Xenophile	بیگانه دوست	Social Inertia	بیحالی اجتماعی
Alienation	بیگانه شدن با خود	Bag People	بیخانمانها
Xenocentrism	بیگانه مداری	Irrationalism	بی خردی
Bilderberg	بیلدربرگ	Oppression	بیدادگری
Bodin Disease	بیماری بودن	Aware	بیدار
International	بین الملل	Disenchantment	بیدار شدن از خواب و خیال
First International	بین الملل اول	Great Awakening	بیداری بزرگ
Fourth International	بین الملل چهارم	Black Consciousness	بیداری سیاه
Second International	بین الملل دوم	Anarchism	بی دولتی
Two and a Half International	بین الملل دو و نیم	Deracinement	بی ریشگی
Socialist International	بین الملل سوسیالیست	Inorganization	بی سازمانی
Third International	بین الملل سوم	Social Disorganization	بی سازمانی اجتماعی
	بین الملل کمونیست	Bag People	بی سرپناهان
Comintern (Communist International)		Anarchism	بی سروری
Internationalization	بین المللی شدن	Maximin	بیشترین کمینه
Vulgarity	بی نزاکتی	Strategic Energy Ellipse	بیضی استراتژیک انرژی
Pauperism	بینواتی	Neutralization	بیطرف سازی
Pauperization	بینواشدن	Neutrality / Neutralism	بیطرفی
Bioterrorism (Germ Terrorism)	بیوتروریسم	Permanent Neutrality	بیطرفی دائم
Anomie (Anomy)	بی هنجاری	Apolitisme (Apoliticism)	بیطرفی در سیاست
		Armed Neutrality	بیطرفی مسلح
		provisional Neutrality	بیطرفی موقت
Ultramontanism	پاپ سالاری	Pledge of Allegiance	بیعت
Frame - Up	پاپوش دوزی	Injustice	بی عدالتی
Patrician	پاتریسین	Lame Duck	بی عرضه
Patrimonialism	پاتریمونیا لیسم	Political Apathy	بی علاقگی سیاسی

Perseverance	پایداری	Sovereign / King	پادشاه
Social Status	پایگاه اجتماعی	Kingship	پادشاهی
Socio-Economic Status	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	Counter-Culture	پاد فرهنگ
Class Status	پایگاه طبقاتی		پادمان ملی مواد هسته‌ای
Continental Shelf	پایگاه قاره	Domestic Nuclear Materials Safeguard	
Gold Standard	پایه طلا	Paradigm	پارادایم
Rank and File	پایینی‌ها	Chisholm Paradox	پارادوکس چیزم
Revolutionary Potential	پتانسیل انقلابی	Paraphe (Initial)	پاراف
Power Potential	پتانسیل قدرت	Political Paranoia	پارانویای سیاسی
	پخش مستقیم تلویزیونی	Favouritism / Nepotism	پارتی‌بازی
Direct Television Broadcasting		Partisan	پارتیزان
Founding Fathers	پدران بنیانگذار	Parliament	پارلمان
Patriarchy	پدرسالاری	European Parliament	پارلمان اروپا
Patriarchy	پدرشاهی	European Parliament	پارلمان اروپائی
Paternalism	پدرمآبی	Hung Parliament	پارلمان بلاتکلیف
Agrément	پذیرش	Hung Parliament	پارلمان پادروا
	پذیرفتن سفرا (اعتبارنامه دادن)	Parlementaire	پارلمانتیر
Accredit (Accrédité)		Parliamentarism	پارلمانداری
Pragmatism	پراگماتیسم	Parliamentarism	پارلمان‌سالاری
Flag	پرچم	Passport	پاسپورت
Flag of Truce	پرچم ترک‌مخاصمه	Flexible Response	پاسخ انعطاف‌پذیر
False colors	پرچم دروغی	Picketing	پاسداری اعتصاب
Red Flag	پرچم سرخ	Peacekeeping	پاسداری صلح
False colors	پرچم مبدل	Achilles' Heel (Heel of Achilles)	پاشنه آشیل
Flag of Convenience	پرچم نفع‌و راحتی	Clean Hands	پاک‌دستی
Aggressiveness	پرخاشگری	Puritanism	پاک‌دینی (مسیحیت)
White Elephant	پروخرج و کم‌مصرف	Purge	پاکسازی
Equal Pay	پرداخت برابر	Ethnic Cleansing	پاکسازی قومی
Iron-Curtain	پرده آهنین	Pan	پان
Bamboo Curtain	پرده خیزرانی	Pan-Islamism	پان اسلامیسیم
Veil of ignorance	پرده نادانی	Pancasila (Panch Shila)	پانچاشیلا
Baby Boom	پرزایی (در آمریکا)	Pancasila (Panch Shila)	پانکاسیلا
Perestroika (Reconstruction)	پرسترویکا	Pavillon	پاویون
Prestige	پرستیژ	Last Man	پایان انسانها
Residence Card	پروانه اقامت	Endism	پایان باوری
Laissez-Passer Passport	پروانه عبور	End of History	پایان تاریخ
Frontier Card	پروانه مرزی	Endism	پایان‌گرایی
Protestant	پروتستان	Capital	پایتخت

Polyarchy	پلی آرکی	Protocol	پروتکل
Police	پلیس		پروتکل الحاقی منع گسترش سلاحهای هسته‌ای
Polycentrism	پلی سانتریسم	Additional Protocol of the Nuclear Non-Proliferation Treaty	
International Criminal Police Organization (Interpol)	پلیس بین‌المللی		پروتکل تغییر آب و هوایی کیوتو
Globo Cop	پلیس سیاره	Kyoto Climate Change Protocol	
Secret Police	پلیس مخفی	Geneva Protocol (1925)	پروتکل ژنو (۱۹۲۵)
Voluntary Refugees	پناهندگان داوطلب	Protocols of Zion	پروتکل‌های صهیون
Involuntary Refugees	پناهندگان غیر داوطلب	Process	پروسه
Exterritorial Asylum / Territorial Asylum	پناهندگی برونمرزی	Proletariat	پرولتاریا
Diplomatic Asylum	پناهندگی دیپلماتیک	Proletarianization	پرولتاریایی شدن
Political Asylum	پناهندگی سیاسی	Proletarian (Proletaire)	پرولتر
Refugee	پناهنده	Proletarianization	پرولتری شدن
Economic Refugee	پناهنده اقتصادی	Proletcult	پرولتکولت
Political Refugee	پناهنده سیاسی	Frame - Up	پرونده سازی
Pentagon	پنتاگون	Peronism	پرونیسم
Pancasila (Panch Shila)	پنج اصل	Provocation	پرووکاسیون
	پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز	Asceticism	پرهیزکاری
Five Principles of Peaceful Coexistence		Post-Structuralism	پسا ساختارگرایی
Secret Searching	پنهان‌پژوهی	Post-Zionism	پساصهیونیسم
Concealment (Secrecy)	پنهانکاری	Cultural Lag	پس‌افتادگی فرهنگی
Publicist	پوبلیسیست	Post-Fordism	پسافوردیسم
Populism	پوپولیسم	Post-Modernism	پسانوگرایی
Putsch	پوچ	Consular Post	پست کنسولی
Nihilism	پوچ‌انگاری	Post-Materialism	پست - ماتریالیسم
Absurdism	پوچ‌گرایی	Post-Modernism	پست مدرنیسم
Pourcentage	پورسانتاژ	Abasement	پستی
Excuse	پوزش خواهی	Post-Modernism	پس‌نوگرایی
Positivism	پوزیتیویسم	Perseverance	پشتکار
Poujadism	پوژادیسم	Logistics	پشتیبانی تدارکاتی عملیات
Pogrom	پوگروم	Platform	پلاتنفرم
Foreign Exchange	پول خارجی	Plebeian	پلبین
Floating Currency	پول شناور	Plenum	پلنوم
Money Laundering	پولشویی	Pluto-Democracy	پلوتودموکراسی
Monetarism	پولمداری	Religious Pluralism	پلورالیسم دینی
Politburo	پولیت بورو	Political Pluralism	پلورالیسم سیاسی
Polity	پولیتی	Plebiscite	پله‌بیسیت
		Polyarchy	پلی آرشی

Rio Treaty	پیمان ریو	Politique	پولیتیک
Perfidy / Abjuration	پیمان شکنی	Polis	پولیس
Peace Pact	پیمان صلح	Group Dynamics	پویایی شناسی گروهی
Non-Aggression Pact	پیمان عدم تجاوز	Judicial Activism	پویایی قضائی
	پیمان عمومی انصراف از جنگ	Dispatch (Despatch)	پیام
General Treaty for the Renunciation of War		Environmental Impact	پیامد زیست محیطی
Kellog-Briand Pact	پیمان کلوگ - بریان	Externalities	پیامدهای خارجی
Maastricht Treaty	پیمان ماستریخت	Puritanism	پیرایشگری (مسیحیت)
	پیمان منع آزمایشهای هسته‌ای		پیرزن خیابان تردنیدل
Nuclear Test-Ban Treaty		Old Lady of Threadneedle Street	
	پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای	Gerontocracy	پیرسالاری
Nuclear Non-Proliferation Treaty		Pyrrhic Victory	پیروزی برابر با شکست
	پیمان ورشو	Pyrrhic Victory	پیروزی پرخرج
Warsaw Treaty Organization (Warsaw Pact)		Pyrrhic Victory	پیروزی پیروس وار
Puritanism	پیوریتانیسم	Landslide	پیروزی در انتخابات
Adhesion / Association	پیوستگی	Paraphe (Initial)	پیش امضا
Legislative Graft	پیوند تقنینی	Vanguard of the Proletariat	پیشاهنگ پرولتاریا
		Scouting	پیشاهنگی
		Avant-garde (Vanguard)	پیشتاز
Nimby	تابع منافع خصوصی	Prejudice	پیشداوری
Nationality	تابعیت	Progress	پیشرفت
Citizenship	تابعیت	Gradualism	پیشرفت گام به گام
Islamic Nationality	تابعیت اسلامی (امی)	Progressivism	پیشرفت‌گرایی
Dual Nationality	تابعیت دوگانه	Progressive	پیشرو
Dual Nationality	تابعیت مضاعف	Avant-garde (Vanguard)	پیشگام
Effective Nationality	تابعیت واقعی	Early Day Motion	پیشنهاد اولین فرصتی
Political Efficacy	تأثیر سیاسی	Diplomatic Courier	پیک دیپلماتیک
Crown	تاج	Institutional Configuration	پیکربندی نهادی
Coronation	تاجگذاری	Alliance / Pact / Confederacy / Treaty	پیمان
Thatcherism	تاچریسم	Treaty of Amsterdam	پیمان آمستردام
Drop-Out	تارک تحصیل	Anzus Pact	پیمان آنزوس
Historicism	تاریخ باوری	General Alliance	پیمان اتحاد عمومی
History of Diplomacy	تاریخ دیپلماسی	Baghdad Pact	پیمان بغداد
Herstory	تاریخ زنان	Offensive Alliance	پیمان تهاجمی
Anti-Historicism	تاریخ ستیزی		پیمان دفاع جمعی آسیای جنوب شرقی
Historicism	تاریخ‌گرایی	South-East Asia Collective Defense Treaty	
Historicity	تاریخ‌مندی	Defensive Alliance	پیمان دفاعی
Herstory	تاریخ مؤنث	Dunkirk Treaty	پیمان دونکرک

ت

Cartographical Aggression	تجاوز نقشه‌ای	Historicity	تاریخیت
Modernity (Modernite)	تجدد	Historicism	تاریخی نگری
Renaissance	تجدید حیات	Obscurantism	تاریک‌اندیشی
Rapprochement	تجدید روابط دوستانه	Tactics (Tactique)	تاکتیک
Realignment	تجدید سازمان	Salami Tactics	تاکتیک سالامی
Revisionism	تجدید نظرطلبی	Thalweg	تالوگ
Empiricism	تجربه‌گرایی	Social Security	تأمین اجتماعی
Separatism	تجزیه‌طلبی	Political Finance	تأمین مالی سیاسی
Analysis	تجزیه و تحلیل	Taylorism	تایلورگرایی
Cost-Benefit Analysis	تجزیه و تحلیل هزینه - فایده	Approval (Approbation)	تأیید
Unlawful Assembly	تجمع غیرقانونی	Cultural Exchange	تبادل فرهنگی
Protectorate	تحت‌الحمایگی	Exchange of Notes (Letters)	تبادل نامه‌ها
Fanaticism	تحجر	Forum	تبادل نظر
Bigotry	تحجر	National / Citizen	تبعه
Dual Containment	تحدید نفوذ دوجانبه	Exile	تبعید
Containment of Communism	تحدید نفوذ کمونیسم	Ostracism	تبعید (با رأی عمومی)
Social Mobility	تحرک اجتماعی	Discrimination	تبعیض
Judicial Activism	تحرک قضائی	Nepotism	تبعیض به نفع خویشان
Agitation / Provocation	تحریر	Sexism	تبعیض جنسی
Sedition	تحریر مردم به آشوب	Positive Discrimination	تبعیض مثبت
Boycott / Sanction	تحریم	Apartheid	تبعیض نژادی
Embargo / Economic Sanction	تحریم اقتصادی	Segregation	تبعیض (نژادی)
Arms Embargo	تحریم تسلیحاتی	Propaganda	تبلیغ
Factionalism	تحرز	Agitation	تبلیغ (آزیتاسیون)
Intelligentsia	تحصیل‌کرده‌ها	Propaganda	تبلیغات
Inquiry	تحقیق	International Propaganda	تبلیغات بین‌المللی
	تحقیق و توسعه		تبلیغات فرهنگی بین‌المللی
Research and Development (R and D)		International Cultural Propaganda	
Analysis	تحلیل	Doorstepping	تبلیغ انتخاباتی خانه به خانه
Tolerance	تحمل آرای دیگران	Propaganda of the Deed	تبلیغ به وسیله عمل
Tolerationism	تحمل عقاید دیگران	Counter-Propaganda	تبلیغ متقابل
Lobbying (Lobbyism)	تحمیل (بر اعضای قوه مقننه)	Explanation	تبیین
Lobbyist	تحمیلگر (بر اعضای قوه مقننه)	Free Trade	تجارت آزاد
Evolution	تحول	Electronic Commerce	تجارت الکترونیکی
Historical Development	تحول تاریخی	Aggression	تجاوز
Evolutionism	تحول‌گرایی		تجاوز مسلحانه غیرمستقیم
Vandalism	تخریب	Indirect Armed Aggression	
Dumping	تخلیه پسماند سمی و پرتوزا	Direct Armed Aggression	تجاوز مسلحانه مستقیم

Terror of the Revolution	ترور انقلاب	تدابیر ایجاد اطمینان
Character Assassination	ترور شخصیت	Confidence-Building Measures
Terrorist	تروریست	Logistics
Terrorism	تروریسم	تدارک رسانی به نیروها
International Terrorism	تروریسم بین‌المللی	تدارک نیروی انسانی نظامی
Cyberterrorism	تروریسم دور آما یانه	Military Manpower Procurement
State Terrorism	تروریسم دولتی	Global Governance
Cyberterrorism	تروریسم کامپیوتری	تدبیر جهانی
	تروریسم میکروبی	تدبیر حفاظتی ملی مواد هسته‌ای
Bioterrorism (Germ Terrorism)		Domestic Nuclear Materials Safeguard
Nuclear Terrorism	تروریسم هسته‌ای	Reason of State
Troika	تروییکا	تدبیر مملکت
Tribune	تریبون	Aide Mémoire / Memorandum
Forum	تریبون آزاد	تذکاریه
Trade Union	ترید یونیون	Representation
Thesis	تز	تذکر
Tsarism	تزاریسم	Diplomatic Representation
Dominant Ideology Thesis	تز ایدئولوژی مسلط	تذکر دیپلماتیک
Catharsis	تزکیه	Passport
Tolerance	تساهل	تذکره
Conquest	تسخیر	Balance of Trade
Social Control	تسلط اجتماعی	تراز بازرگانی
Economic Domination	تسلط اقتصادی	Balance of Payments
Conventional Armament	تسلیحات قراردادی	تراز پرداختها
Moral Rearmament	تسلیح اخلاقی	Trust
Surrender / Cession	تسلیم	تراست
Unconditional Surrender	تسلیم بلا شرط	Tract
Capitulationism	تسلیم طلبی	تراکت
	تسهیل زیست محیطی جهانی	Political Education (Instruction)
Global Environment Facility		تریت سیاسی
Snob	تشخص مآب	Fear
Protocol	تشریفات	ترس
Red Tape	تشریفات زائد اداری	Spy Phobia
Establishment / Organization	تشکیلات	ترس از خبرچین
Underground	تشکیلات زیر زمینی	Red Scare
Detente	تشنج زدایی	ترس از کمونیسم
Anguish	تشویش	Cryptotechnophobia
Escalation of War	تصاعد جنگ	ترس پنهان از دانش فنی
		Cowardice
		ترسویی
		Diplomatic Manoeuvres
		ترفندهای سیاسی
		Progress
		ترقی
		Progressive
		ترقی خواه
		Progressivism
		ترقی خواهی
		Suspension of Arms
		ترک اسلحه
		Expatriation
		ترک تابعیت
		Armistice
		ترک مخاصمه
		Armistice
		ترک مطلق اسلحه
		Truce
		ترک موقت اسلحه
		Synthesis
		ترکیب
		Thermidor
		ترمیدور
		Cabinet Reshuffle
		ترمیم کابینه
		Trotskyism
		تروتسکیسم
		Terror
		ترور
		Assassination
		ترور

Prejudice / Fanaticism	تعصب	Approval (Approbation)	تصدیق
Sexism	تعصب جنسیتی	Approval by Acclamation	تصدیق به وسیله کف زدن
Provincialism	تعصب محلی	Testimonial	تصدیق و تأیید (شاهد گرفتن)
Lock-Out	تعطیل کارخانه (توسط کارفرما)	Conquest	تصرف
Adjournment	تعطیل موقت (بحث)		تصرف غیر قانونی هواپیما
Rationality	تعقل	Unlawful Seizure of Aircraft	
Hot Pursuit	تعقیب فوری	Purge	تصفیه
Hot Pursuit	تعقیب مداوم	Liquidationism	تصفیه طلبی
Moratorium	تعلیق	Ethnic Cleansing	تصفیه قومی
Doctrine	تعلیم	Decision	تصمیم
Obligation / Commitment	تعهد	General Act	تصمیم عمومی
Erga Omnes Obligations	تعهدات ارگامنس	Decision - Maker	تصمیم گیرنده
Placement	تعیین جا	Decision - Making	تصمیم گیری
Delimitation	تعیین حدود	Approval (Approbation) / Ratification	تصویب
Policy-Making	تعیین خط مشی	Image	تصویر ذهنی
Agenda Setting	تعیین دستور جلسه	Contradiction (Law of)	تضاد
Policy-Maker	تعیین کننده خط مشی	Contradiction of Capitalism	تضاد سرمایه داری
Demarcation	تعیین مرز	Devaluation	تضعیف پولی
Alteration	تغییر	Guarantee	تضمین
Social Change	تغییر اجتماعی	Money Laundering	تطهیر پول
Conversion	تغییر دین	Demonstration	تظاهرات
Pantouflage	تغییر شغل	Snob	تظاهر پسند
Conversion	تغییر عقیده	Equilibrium	تعادل
Cultural Change	تغییر فرهنگی	Class Conflict	تعارض طبقاتی
Avulsion	تغییر وضع خاک	Conflict of Laws	تعارض قوانین
Entente	تفاهم	Transcendentalism	تعالی گرایی
Memorandum of Understanding	تفاهمنامه	Social Interaction	تعامل اجتماعی
Trans-Atlantic Free Trade Area	تفتا	Interactionism	تعامل گرایی
Inquisition	تفتیش عقاید	Cooperation	تعاون
Divide and Rule	تفرقه بینداز و حکومت کن	Mutualism	تعاون و همکاری متقابل
Creative Thinking	تفکر خلاق	Cooperative	تعاونی
Autistic Thinking	تفکر رویائی		تعبیر اقتصادی تاریخ
Stereotype	تفکر کلیشه ای	Economic Interpretation of History	
Demarcation	تفکیک حدود	Oppression	تعدی
Separation of Powers	تفکیک قوا	Checks and Balances	تعديل و توازن
Segregation	تفکیک نژادی	Invasion	تعرض
Marine Corps	تفنگداران دریایی	Tariff	تعرفه
Delegation of Authority /	تفویض اختیار		

National Integration	تلفیق ملی	Devolution	
Attitude	تلقی	Carte Blanche	تفویض اختیار تام
Suggestion	تلقین	Delegation of Power	تفویض قدرت
Indoctrination	تلقین افکار	Opposition	تقابل
Poverty Trap	تله فقر	Predestination	تقدیر
Territorial Integrity	تمامیت ارضی	Fatalism	تقدیرگرایی
Territorial Integrity	تمامیت سرزمینی	Local Divisions	تقسیمات کشوری
National Integrity	تمامیت ملی	Agrarianism	تقسیم اراضی به تساوی
Civilization	تمدن		تقسیم غیر عادلانه حوزه‌های انتخاباتی
Sedition	تمرد	Gerrymandering	
Centralization	تمرکز	Division of Labour	تقسیم کار
Deconcentration	تمرکززدایی	Apportionment	تقسیم کرسیها
Flattery	تملق	War Guilt	تقصیر جنگ
Contradiction (Law of)	تناقض	Conformism	تقلید
Paradox	تناقض (گونی)	Reductionism	تقلیل گرایی
Chisholm Paradox	تناقض نمای چیزم	Virtue	تقوا
Alternat	تناوب	Taqiyah (Precautionary Concealment)	تقیه
Punishment of Culpable	تنبيه مقصر	Group Dynamics	تکاپوشناسی گروه
Radical	تندرو	Evolution	تکامل
Extremism / Radicalism	تندروی	Historical Development	تکامل تاریخی
Tension	تنش	Evolutionism	تکامل گرایی
Revolutionary Tension	تنش انقلابی	Cultural Shock	تکان فرهنگی
Detente	تنش زدایی	Arrogance	تکبر
Budgeting	تنظیم بودجه	Démenti	تکذیب
Adjournment	تنفس (بحث)	Maverick	تکرو
International Strait	تنگه بین‌المللی	Individualism	تکروی
Balance of Terror	توازن ترس	Monarchy	تک سالاری
Balance of Power	توازن قوا	Excommunication	تکفیر
Humility	تواضع	Task	تکلیف
Consensus / Accord (Agreement)	توافق	Deontology	تکلیف شناسی
Modus Vivendi	توافق موقت	Techno-Diplomacy	تکنودپلماسی
Agreed Minute(s)	توافقنامه	Technocrat	تکنوکرات
Helsinki Accord	توافق هلسینکی	Technocracy	تکنوکراسی
Empowerment	تواناسازی	Information Technology	تکنولوژی اطلاعاتی
Strategic Capability	توان استراتژیک	Reprisal	تلافی
Charisma	توان ذاتی رهبری	Massive Retaliation	تلافی بزرگ
Countervalue Capability	توان ضدارزش	Belligerent Reprisal	تلافی در جنگ
Timarchy (Timocracy)	توانگر سالاری	Hot Line	تلفن قرمز

Money Illusion	توهم پولی	Empowerment	توانمندسازی
Conspiracy Paranoia	توهم توطئه	Totalitarianism (Totalitarisme)	توتالیتریانیسم
	توهین و حمله به قدرت حاکم	Totalitarianism (Totalitarisme)	توتالیتریسم
Lese Majesty (Lèse Majesté)		Totemism	توتم آیینی
Invasion	تهاجم	Totemism	توتم پرستی
Pictorial Invasion	تهاجم تصویری	Totemism	توتم‌گرایی
Cultural Invasion	تهاجم فرهنگی	Justification	توجیه
Nuclear Threat	تهدید هسته‌ای	Monotheism	توحید
Slander	تهمت	Mass	توده
Bravery	تهوّر	Massification	توده‌سازی
Titoism	تیتوایسم	Massification	توده کردن
Social Deterioration	تیرگی روابط اجتماعی	Swinish Multitude	توده‌های خوک آسا
Taylorism	تیلوریسم	Inflation	تورم
Timarchy (Timocracy)	تیمارشی	Galloping Inflation	تورم عنان گسیخته
Timarchy (Timocracy)	تیموکراسی	Subsidiarity	توزیع اختیار
Teenager	تین‌ایجر	Gerrymandering	توزیع متقلبانه حوزه‌های رأی‌گیری
Theory	تئوری	Development	توسعه
Conspiracy Theory	تئوری توطئه	Social Development	توسعه اجتماعی
Political Theory	تئوری سیاسی	Sustainable Development	توسعه ادامه‌دار
Theocracy	تئوکراسی	Economic Development	توسعه اقتصادی
Fief	تیول		توسعه انسانی پایدار
		Sustainable Human Development	
		Sustainable Development	توسعه پایدار
		Political Development	توسعه سیاسی
		Expansionism	توسعه طلبی
		National Development	توسعه ملی
		Underdevelopment	توسعه نیافتگی
		Use of Force	توسل به زور
		Recommendation	توصیه
		Demand of Explanation	توضیح خواستن
		Confederacy / Conspiracy / Cabal (Junto)	توطئه
		Intrigue	توطئه‌چینی
		Rising Expectations	توقعات فزاینده
		Embargo	توقیف کشتی در بندر
		Quietism	توکل
		Production	تولید
		Gross Domestic Product	تولید ناخالص داخلی
		Gross National Product	تولید ناخالص ملی

ث

Economic Stability	ثبات اقتصادی
Uti Possidetis	ثبات حقوق و تعهدات ارضی
Political Stability	ثبات سیاسی
Perseverance	ثبات قدم
Registration of Treaty	ثبت عهدنامه
Wealth	ثروت
National Wealth	ثروت ملی

ج

Social Gravity	جاذبه اجتماعی
Spy	جاسوس
Spy Phobia	جاسوس ترسی
Sleeper Agent	جاسوس خاموش
Double Agent	جاسوس دو جانبه
Double Agent	جاسوس دوسره

Industrial Society	جامعه صنعتی	Espionage	جاسوسی
Arab League	جامعه عرب	Cup of Poison Hemlock	جام زهر شوکران
Post-Industrial Society	جامعه فراصنعتی	Society	جامعه
Post-Industrial Society	جامعه فوق صنعتی	Atlantic Community	جامعه آتلانتیک
Folk Society	جامعه قومی	Utopia	جامعه آرمانی
Caribbean Community	جامعه کارائیب	Rentier, Society	جامعه آماده‌خوار
	جامعه کشورهای مشترک‌المنافع (بریتانیا)	European Community	جامعه اروپا
Commonwealth (of Nations)		Islamic Community	جامعه اسلامی
Community	جامعه (کوچک)	Information Society	جامعه اطلاعاتی
Societal	جامعه گانی	Rentier Society	جامعه افزونه‌خوار
Asocial	جامعه گریز	European Economic	جامعه اقتصادی اروپا
Well-Ordered Society	جامعه متعادل	Community (Common Market)	
Civil Society	جامعه مدنی	Secure Community	جامعه امن
Affluent Society	جامعه مرفه	European Atomic Energy	جامعه انرژی اتمی اروپا
Consumer Society	جامعه مصرفی	Community (EAEC or EURATOM)	
League of Nations	جامعه ملل	Open Society	جامعه باز
Well-Ordered Society	جامعه موزون	International Community	جامعه بین‌المللی
Mass Society	جامعه وسیع	Sociable	جامعه پذیر
John Bull	جان بول	Sociability	جامعه‌پذیری
Bodyguard	جانپاس	Phalanstere (Phalanstery)	جامعه تعاونی
Alternative	جانشین	Spassgesellschaft	جامعه تفریحی
State Succession	جانشینی دولت	Mass Society	جامعه توده‌ای
Political Succession	جانشینی سیاسی	Mass Society	جامعه توده‌وار
Zoon Politikon	جانور سیاسی	Conspiratorial Society	جامعه توطئه‌آمیز
Social Climber	جاه‌طلب	World Community	جامعه جهانی
Ambition	جاه‌طلبی	Plural Society	جامعه چندگانه
Sanctuary	جای بست‌نشینی	Risk Society	جامعه خطرخیز
Jackpot	جایزه بزرگ	Achieving Society	جامعه دست‌به‌کار
Noble Peace Prize	جایزه صلح نوبل	Rentier Society	جامعه رانت‌خوار
Pavillon	جایگاه ویژه	Affluent Society	جامعه رفاه و فراوانی
Alternative	جایگزین	European	جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا
Tyranny	جبارسالاری	Coal and Steel Community (ECSC)	
Tyranny	جباریت	Socialism	جامعه سالاری
Tyranny of the Majority	جباریت اکثریت	Anti-Social	جامعه ستیز
Economic Determinism	جبر اقتصادی		جامعه سوسیالیستی تخیلی
Reparations	جبران خسارت	Phalanstere (Phalanstery)	
Environmental Determinism	جبر باوری محیطی	Body Politic	جامعه سیاسی
Geographical Determinism	جبر جغرافیایی	Political Sociology	جامعه‌شناسی سیاسی

Geopolitics	جغرافیا - سیاست‌شناسی	Determinism	جبرگرایی
Geopacifics	جغرافیا - صلح‌شناسی	Environmental Determinism	جبرگرایی زیستگاهی
Geographism	جغرافیا‌گرایی	Cowardice	چین
Electoral Geography	جغرافیای انتخاباتی	Front	جبهه
Political Geography	جغرافیای سیاسی	Bloc	جبهه (بلوک)
Pair (Parliament)	جفت ممتنع (پارلمان)	Steadfastness Front	جبهه پایداری
Expatriation	جلای وطن	Popular Front	جبهه خلق
Emigration	جلای وطن	National Democratic Front	جبهه دموکراتیک ملی
Grandstanding	جلب حضار	United Front	جبهه متحد
Grandstanding	جلب حمایت مخاطبان	National United Front	جبهه متحد ملی
Session / Conference	جلسه	National Front	جبهه ملی
Caucus	جلسه حزبی	Laic	جدا از دین
Smoke-Filled Room	جلسه خصوصی سیاست‌بازان	Secularism	جدانگاری دین و دولت
Secret Session	جلسه سری	Laicization	جداسازی دین از روحانیان
Plenum	جلسه عمومی	Segregation	جدایی
Conclave	جلسه محرمانه	Separatism	جدایی‌خواهی
Crowd	جماعت	Laicité (Laicity, Secularity)	جدایی دین از دولت
Communitarianism	جماعت‌گرایی	Laicité (Laicity, Secularity)	جدایی دین و دولت
Collectivity	جمع	Apartheid	جدایی نژادی
Canvass	جمع‌آوری آراء	Secularism	جدایی سیاست از دین
Pogrom	جمع‌کشی	Polemics (Polemique) / Dialectic	جدل
Collectivism	جمع‌گرایی	Neo	جدید
Aggregation	جمع مطالبات	Charisma	جذب
Black Friday	جمعه سیاه	Assertiveness	جرات
Overpopulation	جمعیت بیش از اندازه	Vice Crimes	جرایم بدکارگی
Populationist	جمعیت خواه	White Collar Crimes	جرایم یقه سفیدها
Secret Society	جمعیت سری	Brainstorming	جرقه زنی فکری
Fanaticism	جمود فکری	Clemency	جرم بخشی
Republic	جمهوری	International Crime	جرم بین‌المللی
Islamic Republic	جمهوری اسلامی	Political Offence	جرم سیاسی
Republicanism	جمهوریخواهی	Process	جریان
Sanculottism	جمهوریخواهی افراطی	Mainstream	جریان اصلی
Autonomous Republic	جمهوری خودمختار	Mainstream	جریان غالب
Democratic Republic	جمهوری دموکراتیک	Dogma	جزم
	جمهوری دموکراتیک خلق	Dogmatism	جزم‌اندیشی
People's Democratic Republic		Doctrinaire	جزمی
Banana Republic	جمهوری موز	Growth Enclave	جزیره رشد
Wing / Faction	جناح	Pandora's Box	جعبه پاندورا

Armageddon	جنگ آخرالزمان	Left Wing	جناح چپ
Accidental War	جنگ اتفاقی	Right Wing	جناح راست
Information Warfare	جنگ اطلاعاتی	Opposition	جناح مخالف
War of Nerves	جنگ اعصاب	War Crimes	جنایات جنگی
Undeclared War	جنگ اعلان نشده	Crime against Humanity	جنایت علیه بشریت
Economic Warfare	جنگ اقتصادی	Crime against Peace	جنایت علیه صلح
Electronic Warfare	جنگ الکترونیک	Movement	جنبش
Revolutionary War	جنگ انقلابی		جنبش آزادیبخش ملی
Ideological Warfare	جنگ ایدئولوژیک	National Liberation Movement	
Preventive War	جنگ بازدارنده	Social Movement	جنبش اجتماعی
War of Subversion	جنگ براندازی	New Social Movement	جنبش اجتماعی جدید
Biological Warfare	جنگ بیولوژیکی	Urban Social Movement	جنبش اجتماعی شهری
Total War	جنگ تام	Revitalization Movement	جنبش احیاءگری
Accidental War	جنگ تصادفی	Revolutionary Movement	جنبش انقلابی
War of Succession	جنگ جانشینی	Irredentism	جنبش بازستانی
World War	جنگ جهانی	Garden City Movement	جنبش باغشهری
Guerrilla Warfare	جنگ چریکی	Mass Movement	جنبش توده گیر
People's War	جنگ خلق	Youth Movement	جنبش جوانان
Civil War	جنگ داخلی	Green Party Movement	جنبش حزب سبزه‌ها
Proletarian Civil War	جنگ داخلی پرولتری	Student Movement	جنبش دانشجویی
Living-room War	جنگ در اتاق نشیمن	Peasant Movement	جنبش دهقانی
Sea Warfare	جنگ دریائی	Religious Movement	جنبش دینی
Cybernetic War	جنگ دور آماپانه	Peace Movement	جنبش صلح
Psychological Warfare	جنگ روانی	Antiwar Movement	جنبش ضد جنگ
Sham Quarrel	جنگ زرگری		جنبش ضدنظام (سرمایه‌داری)
Submarine Warfare	جنگ زیردریائی	Anti-System Movement	
War Lord	جنگسالار	Survivalist Movement	جنبش طرفداران حفظ بقا
Star Wars	جنگ ستارگان	Non-Alignment Movement	جنبش عدم تعهد
Cold War	جنگ سرد	Great Awakening	جنبش عظیم
Political Warfare	جنگ سیاسی	Labour Movement	جنبش کارگری
Cybernetic War	جنگ سیبرنتیکی	Gentleman	جنتلمن
Chemical Warfare	جنگ شیمیایی	Alarmist	جنگال برانگیز
Anti-Submarine Warfare	جنگ ضد زیر دریائی	Second Sex	جنس دوم
Just War	جنگ عادلانه	Femininity	جنس لطیف
Conventional War	جنگ عادی	Sexism	جنسیت پرستی
Iraq War	جنگ عراق	Sexism	جنسیت‌گرایی
Ideological Warfare	جنگ عقیدتی	War	جنگ
Unjust War	جنگ غیرعادلانه	Water War	جنگ آب

Second World	جهان دوم	War of Attrition	جنگ فرسایشی
Globalism	جهان سالاری	Space Warfare	جنگ فضایی
Third World	جهان سوم	Power Struggle	جنگ قدرت
Cosmopolitan City	جهانشهر	Conventional War	جنگ قراردادی
Globalism	جهان‌گرایی	Price War	جنگ قیمت‌ها
Universalization	جهانگستر شدن	Low-Intensity Warfare	جنگ کم شدت
Cosmopolitanism	جهان وطنی	Spy Satellite Warfare	جنگ ماهواره جاسوسی
Globalization	جهانی‌سازی	Limited War	جنگ محدود
Globalization	جهانی‌شدن	Local War	جنگ محلی
Canalization	جهت دادن	Absolute War	جنگ مطلق
Great Leap Forward	جهش بزرگ به پیش	Mechanized Warfare	جنگ مکانیزه
Ignorance	جهل	Resources War	جنگ منابع
Obscurantism	جهل‌پروری	Bacteriological Warfare	جنگ میکروبی
Rationing	جیره‌بندی	Mine Warfare	جنگ مین
Jingoism	جینگوایسم	Total War	جنگ نامحدود
		Proxy Warfare	جنگ نیابتی
		Catalytic War	جنگ واسطه‌ای
		Nuclear War	جنگ هسته‌ای
		Total War	جنگ همه‌جانبه
		Air Warfare	جنگ هوایی
		Antarctica	جنوبگان (قاره قطب جنوب)
		Mass Hysteria	جنون توده‌ای
		Safe-Conduct	جواز امان
		Letters of Marque	جواز تصرف و غارت
		Laissez-Passer Passport	جواز عبور
		Letters of Marque	جواز کورس
		Yuppie	جوان تازه بدوران رسیده
		Youthquake	جوانلرزه
		Jubilee 2000	جووبیلی ۲۰۰۰
		Juche (Autonomy)	جوچه (خوداتکایی)
		Propaganda	جوسازی
		Brainstorming	جوشش فکری
		Jihad (Holy Campaign)	جهاد
		Free World	جهان آزاد
		First World	جهان اول
		Glocalization	جهان - بومی‌سازی
		Weltanschauung (World-outlook)	جهان‌بینی
		Fourth World	جهان چهارم

ج

Flattery	چاپلوسی		
Nomadism	چادرنشینی		
Chartism	چارتیسم		
Challenge	چالش		
Collective Bargaining	چانه‌زنی جمعی		
Chinada	چاینادا		
American Brand of Left	چپ آمریکایی		
Leftism	چپ روی		
McCarthyism	چپ‌ستیزی		
Leftist	چپ‌گرا		
Pink	چپ‌گرا		
Gauchisme / Leftism	چپ‌گرایی		
Left-Liberal	چپ لیبرال		
Leftism	چپ‌نمایی		
New Left	چپ نو		
Left and Right	چپ و راست		
Leftist / Leftie	چپی		
Green Light	چراغ سبز		
Hog Cycle	چرخه خوک‌پروری		
Hog Cycle	چرخه خوکی		
Partisan / Guerrilla	چریک		

Maximalist	حد اکثر خواه	Urban Guerrilla	چریک شهری
Three-Mile Limit	حد سه میل	Emulation	چشم و همچشمی
Quorum	حد نصاب	Multilateralism	چند جانبه گرای
Frontier	حدود و نفور	Polyarchy	چند سالاری
Conservation	حراست	Multilateralism	چند سو گرای
Keynote	حرف اصلی	Multiculturalism	چند فرهنگ گرای
Career	حرفه	Political Pluralism	چند گرای سیاسی
Movement	حرکت	Polycentrism	چند مرکزی
Circulation of Elites	حرکت دورانی نخبگان	Four Freedoms	چهار آزادی
Esteem	حرمت	Four Dragons	چهار اژدها
Air Space	حریم هوایی	Fourteen Points	چهارده ماده
Party / Faction	حزب	Reification	چیز گشتگی
Minor Party	حزب اقلیت		
Hezbollah (Party of God)	حزب الله		
Trimmer (Opportunist)	حزب باد (عضو)	Adventurism (Aventurisme)	حادثه جویی
Factionalism	حزب باوری	Armageddon	حار مجدون
Anti-System Party	حزب ضد نظام	Marginals	حاشیه نشینان
Catch-All Party	حزب فراگیر	Marginalism	حاشیه نشینی
Catholic Party	حزب کاتولیک	Sovereign	حاکم
Agrarian Party	حزب کشاورزی	Enlightened Despot	حاکم مستبد روشنگر
Communist Party	حزب کمونیست	Autocrat	حاکم مطلق
Factionalism	حزب گرای	Sovereignty	حاکمیت
Centre Party	حزب میانه رو	Theocracy	حاکمیت الله
Political Arithmetic	حساب سیاسی	Parliamentary Sovereignty	حاکمیت پارلمانی
Thriftiness	حسابگری	People's Sovereignty	حاکمیت خلق
Jealousy	حسادت	Rule of Law	حاکمیت قانون
Nostalgia	حسرت گذشته	Condominium	حاکمیت مشترک و مشاع
National Sentiment	حس ملی	National Sovereignty	حاکمیت ملی
Audience	حضار	State of War	حالت جنگ
Constructive Presence	حضور مؤثر	Belligerency	حالت جنگ (داخلی)
Conservation	حفاظت	State of Nature	حالت طبیعی
Environmental Protection	حفاظت از محیط زیست	State of Emergency	حالت فوق العاده
Protection of Interests	حفاظت از منافع	Clientelism	حامی پروری
Self-Preservation	حفاظت مشروع	Debt-Limit	حد استقراضی
Equal Protection	حفاظت یکسان	Minimalist	حد اقل خواه
Affirmative Action	حفظ تساوی حقوق	Minimum Level of Living	حد اقل سطح زندگی
Uti Possidetis	حفظ متصرفات پس از توقف جنگ	National Minimum Level of Living	حد اقل سطح زندگی در سطح ملی

ح

Constitutional Law	حقوق اساسی	Self-Preservation	حفظ موجودیت
	حقوق اساسی تطبیقی	Right	حق
Comparative Constitutional Law		Blackmail	حق السکوت
Exterritoriality	حقوق برونمرزی	Divine Right	حق الله
Human Rights	حقوق بشر	Right of People	حق الناس
Interstate Law	حقوق بین الدول	Divine Right of Kings	حق الهی پادشاهان
International Law	حقوق بین الملل	Option of Nationality	حق انتخاب تابعیت
Islamic International Law	حقوق بین الملل اسلامی	Prerogative	حق انحصاری
Universal International Law	حقوق بین الملل جهانی	Right of Revolution	حق انقلاب
	حقوق بین الملل خاص (ویژه)	Legitimacy	حقانیت
Particular International Law		Right of Visit and Search	حق بازدید و جستجو
Private International Law	حقوق بین الملل خصوصی	Right of Approach	حق بازرسی
General International Law	حقوق بین الملل عام		حق برداشت مخصوص
Public International Law	حقوق بین الملل عمومی	Special Drawing Rights (SDR)	
International Criminal Law	حقوق بین الملل کیفری	Right of Asylum	حق پناهندگی
Refugee Law	حقوق پناهندگان	Reservation	حق تحفظ
Law of State Succession	حقوق جانشینی دولت	Eminent Domain	حق تسلط دولت به اموال اتباع
Laws of War	حقوق جنگ	Right of Self-Determination	حق تعیین سرنوشت
Municipal Law	حقوق داخلی	Right of Visit and Search	حق تفتیش
Law of the Sea	حقوق دریاها	Right of Approach	حق تفحص
Law of the Sea	حقوق دریایی	Eminent Domain	حق تملک دولت
Maritime Law	حقوق دریایی	Right of Self-Determination	حق خودمختاری
Diplomatic Law	حقوق دیپلماتیک	Franchise	حق رأی
Antifeminism	حقوق زن ستیزی	Suffrage	حق رأی
Political Rights	حقوق سیاسی	Right to Privacy	حق زندگی خصوصی
Common Law	حقوق عرفی	Pro-Choice	حق سقط جنین
Public Law	حقوق عمومی	Reservation	حق شرط
Space Law	حقوق فضا	Gratitude	حق شناسی
Consular Law	حقوق کنسولی	Citizenship Right	حق شهروندی
Civil Rights	حقوق مدنی	Natural Right	حق طبیعی
Soft Law	حقوق ملایم	Natural Right	حق فطری
Positive Law (Statutory Law)	حقوق موضوعه	Capitulations	حق قضاوت کنسولی
Soft Law	حقوق نرم	Injustice	حق کشی
Truth	حقیقت	Executive Privilege	حق مخصوص قوه مجریه
Governance	حکمرانی	Inalienable Right	حق مسلم
Global Governance	حکمرانی جهانی	Law	حقوق
Consular Commission	حکم مأموریت کنسولی	Civil Rights	حقوق اجتماعی
Arbitration	حکمت	Administrative Law	حقوق اداری

Majority Party Government	حکومت حزب اکثریت	Administration / Governance / Government / State	حکومت
Sophocracy	حکومت خردمندان	Bureaucracy	حکومت اداریان
Arbitrary Government	حکومت خودسرانه	Despotism / Absolutism	حکومت استبدادی
Home Rule	حکومت داخلی	Autocracy	حکومت استبدادی فردی
Governance	حکومتداری	Islamic Government	حکومت اسلامی
Government-in-Exile	حکومت در تبعید	Aristocracy	حکومت اشراف
Squadrist	حکومت دسته‌های مسلح	Authoritarian Regime (Government)	حکومت اقتدار طلب
Democratic Regime	حکومت دموکراتیک	Minority Government	حکومت اقلیت
Dyarchy (Diarchy)	حکومت دونفره	Oligarchy	حکومت اقلیت منتفذ
Dictatorship	حکومت دیکتاتوری	Commonwealth by Acquisition	حکومت اکتسابی
Theocracy	حکومت دینی	Majority Rule	حکومت اکثریت
Pnocracy	حکومت روسپیان	Representative Government	حکومت انتخابی
Presidential Government	حکومت ریاست جمهوری	Isocracy	حکومت با اختیارات برابر
Prime Ministerial Government	حکومت رئیس‌الوزاری	Open government	حکومت باز
Oligarchy	حکومت زرو زور	Limited Government	حکومت با مسئولیت محدود
Gynaecocracy / Gynarchy	حکومت زنان	Crisis Government	حکومت بحران
Gerontocracy	حکومت سالخوردگان	Kakistocracy	حکومت بدان
Tyranny	حکومت ستمگر	Self-Government	حکومت بر خود
Protectorate	حکومت سرپرستی	Unitary Government	حکومت بسیط
Albocracy	حکومت سفیدپوستان	Polis	حکومت بلدی
Timarchy (Timocracy)	حکومت سلحشوران	Pantisocracy	حکومت به تساوی
Monarchy	حکومت سلطنتی	Parliamentary Government	حکومت پارلمانی
Absolute Monarchy	حکومت سلطنتی استبدادی	Parliamentarism	
Constitutional Monarchy	حکومت سلطنتی مشروطه	Paternalism	حکومت پدروار
	حکومت سیاستمداران غیرمحلّی	Governability	حکومت‌پذیری
Carpetbaggers Government		Plutocracy	حکومت پول
Meritocracy	حکومت شایستگیان	Commonwealth by Institution	حکومت تأسیسی
Netocracy	حکومت شبکه‌های کامپیوتری	Comparative Government	حکومت تطبیقی
Licit Government	حکومت شرعی		حکومت تک حزبی خودکامه
Technocracy	حکومت صاحبان فن	Totalitarianism (Totalitarisme)	
Protocracy	حکومت صالحان	Nation-State	حکومت تک ملتّی
Tyranny	حکومت ظلم و استبداد	Plutocracy	حکومت توانگران
Ochlocracy	حکومت عوام	Ochlocracy	حکومت توده بی‌سروپا
Arbitrary Government	حکومت غیرقانونی	Polity	حکومت (جمهوری)
Federal Government	حکومت فدرال	Republic	حکومت جمهوری
Supranational Government	حکومت فراملیتی	World Government	حکومت جهانی

Cabinet Government	حکومت وزرا	حکومت فرصت طلبان
Government of the Day	حکومت وقت	Carpetbaggers Government
Global Governance	حکومت همه جهانی	Mobocracy
Monarchy	حکومت یک تن	Sophocracy
Slum	حلی آباد	Rule of Law
	حل مسالمت آمیز اختلافات	Nomocracy
Pacific Settlement of Disputes /		Constitutional Government
Peaceful Settlement of Disputes		Legitimate Government
Arrangement	حل و فصل	Cabinet Government
Epic	حماسه	Commission Government
Social Support	حمایت اجتماعی	حکومت کیسه گشادان
Diplomatic Protection	حمایت دیپلماتیک	Carpetbaggers Government
Functional Protection	حمایت شغلی	Governance
Featherbedding	حمایتگری	حکومت مبتنی بر نمایندگی
Consumerism	حمایتگری از مصرف کنندگان	Representative Government
Political Patronage	حمایتگری سیاسی	Timarchy (Timocracy)
	حملات ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱)	Oligarchy
September 11 Attacks (2001)		Limited Government
Cabotage (Coastal Trade)	حمل و نقل ساحلی	Local Government
Preemptive Attack	حمله پیشدستانه	حکومت محلی انتخابی
Preventive Attack	حمله پیشگیرنده	Local Representative Government
Armed Attack	حمله مسلحانه	حکومت محلی غیرانتخابی
Zeal	حمیت	Local Non-Representative Government
European Economic Area	حوزه اقتصادی اروپا	Mixed Government
Constituency	حوزه انتخاباتی برگزینندگان	Androcracy
North American Free trade Area (NAFTA)		Democracy
Free Trade Area	حوزه تجارت آزاد	Demarchy
	حوزه تجارت آزاد آمریکای شمالی	Central Government
North American Free trade Area (NAFTA)		Responsible Government
	حوزه تجارت آزاد فرااطلسی	Gerontocracy
Trans-Atlantic Free Trade Area		Constitutional Government
Consular District	حوزه کنسولی	Legitimate Government
Safe District	حوزه مطمئن	Autarchy / Absolutism
Zone of Agreement	حوزه مورد توافق	Caretaker Government
Sphere of Influence	حوزه نفوذ	Provisional Government
Shame	حیا	Elitism
Political Life	حیات سیاسی	Military Government /
Prestige	حیثیت	Martial Law / Curfew

Rationality	خردمندی	Embezzlement	حیف ومیل
Rationalization	خردورزی	Circumvention of the Law	حیله قانونی
Petty Bourgeois (Petit Bourgeois)	خرده بورژوا	Zoon Politikon	حیوان مدنی الطبع
	خرده بورژوازی		
Petty Bourgeoisie (Petite Bourgeoisie)			خ
Micropolitique	خرده سیاست	Ultra Vires	خارج از حدود اختیارات
Khroshchevism	خروشچفیسیم	Outsider	خارج گودی
Think Tanks	خزانه‌های فکری	Near Abroad	خارج نزدیک
Bigotry / Dogmatism	خشک‌اندیشی	Particularism	خاص‌گرایی
Bigotry	خشک‌مغزی	Pork-Barrel	خاصه خرجی
Violence	خشونت	Bluffing	خالی‌بندی
Violence at Work	خشونت در محل کار	Lord of the Manor	خان
Revolutionary Character	خصلت انقلابی	Nuclear Family	خانواده هسته‌ای
National Character	خصلت ملی	Freedom House	خانه آزادی
Privatization	خصوصی‌سازی	Bag People	خانه‌بدوشان
Line	خط	Housework	خانه‌داری
Thalweg	خط القعر	Orientalism	خاورشناسی
Line of the Imam	خط امام	Middle East	خاورمیانه
Khutba (Sermon)	خطبه	New Middle East	خاورمیانه جدید
Hot Line	خط داغ	Quisling / Renegade	خائن
Risk	خطر	Scab	خائن اعتصاب
Risk	خطرپذیری	News Agency	خبرگزاری
Entrepreneurship	خطرکردن اقتصادی	Intelligence	خبرگیری
Country Risk	خطر کشور	Master and Slave	خداایگان و بنده
Entrepreneur	خطرکننده اقتصادی	Social Services	خدمات اجتماعی
Cordon Sanitaire	خط زنجیر صحتی	Unneutral Service	خدمت خلاف بیطرفی
Hot Line	خط سرخ	Dollar a Year Man	خدمتگزار افتخاری
Policy	خطمشی	Military Service	خدمت نظام وظیفه
Median Line	خط منصف	Military Service	خدمت وظیفه عمومی
Straight Base-Lines	خطوط مبدأ مستقیم		خدمه مأموریت
Minutes (Proces Verbale)	خلاصه مذاکرات	Members of the Service Staff of the Mission	
Caliphate (Khalifate)	خلافت	Sabotage / Luddism	خرابکاری
Irrationalism	خلاف عقل‌گرایی	Superstition	خرافات
Denationalization	خلع تابعیت	Superstition	خرافه
Investiture	خلعت پوشان	Boondoggling	خرج بیبعماری کردن
Disarmament	خلع سلاح	Salami Tactics	خرد کردن مخالفان
Expropriation	خلع ید	Rationalism	خردگرایی
People	خلق	Irrationalism	خردگریزی

Euthanasia (Mercy Killing)	خوشمرگی	Narodism (Narodnism)	خلق‌گرایی
Junta	خونتا	Ethos	خلقیات
Vendetta	خونخواهی	Historic Bay	خلیج تاریخی
Kinship	خویشاوندی	Khomeinism	خمینیسیم
Self-Control	خویشتن‌داری	Abasement	خواری طلبی
Appropriation	خویشتن‌یابی	General Will	خواست همگانی
Autonomy	خویشکاری	Sisterhood	خواهری
Utopia	خیال‌آباد	Self-Reliance	خوداتکائی
Betrayal / Treachery	خیانت	Conceit	خودبینی
High Treason	خیانت به دولت	Egotism	خودبینی
Treason	خیانت (به مملکت)	Self-Realization	خودپروائی
Knifing	خیانت سیاسی	Self-Reliance	خودپشتوانی
Perfidy	خیانتکاری	Particularism	خودجدایی
Treachery	خیانتگری	Egoism	خودخواهی
Charity	خیرات	Autocrat	خودرأی
Agathism	خیر باوری	Autarchy	خودسالاری
Benevolence	خیرخواهی	Congregationalism	خودسالاری کلیسایی
Common Good	خیر عمومی	Autogestion	خودسامانی اداری
		Self-Censorship	خودسانسوری
		Despotism / Autocracy	خودکامگی
Petition	دادخواست	Tyranny of the Majority	خودکامگی اکثریت
Class Action Suit	دادخواهی گروهی	Democratic Despotism	خودکامگی مردم سالارانه
Miscarriage of Justice	دادرسی غیر عادلانه	Autocrat / Dictator	خودکامه
Ombudsman	دادستان پارلمانی	Altruistic Suicide	خودکشی ایثاری
European Court of Justice (ECJ)	دادگاه اروپا	Self-Sufficiency	خودکفائی
	دادگاه اروپائی حقوق بشر	Autarky	خودکفائی اقتصادی
European Court of Human Rights		Autism	خوددگرایی
Revolutionary Tribunal	دادگاه انقلابی	Self-Government / Autogestion	خودگردانی
Inquisition	دادگاه تفتیش عقاید	Autonomy	
	دادگاه جزائی بین‌المللی	Home Rule / Self-Determination	خودمختاری
International Criminal Court		Autonomy	
Supreme Court	دادگاه عالی	Ethnocentrism	خودمرکزی قومی
Prize Court	دادگاه غنائم جنگی دریائی	Samizdat (Self-Publishing)	خودنشر
Kangaroo Court	دادگاه فرمایشی	Insider	خودی
Kangaroo Court	دادگاه قلابی	Self-Help	خوددیاری
Hague Tribunal	دادگاه لاهه	Amenity	خوشایندی
Kangaroo Court	دادگاه مسخره	Hedonism	خوشباشی
Court-Martial	دادگاه نظامی	Happiness	خوشبختی

National Income	درآمد ملی	Nurnberg Tribunal	دادگاه نورنبرگ
Silent Filibuster	درازگویی ساکت	Unjust Enrichment	داراشدن غیر عادلانه
	در باغ سبز نشان دادن	Territory of Islam	دارالاسلام
Give Somebody the Come-On			دارالحرب
Pigeonholing	در بوته فراموشی گذاشتن	Enemy Territory (Non-Muslim Territory)	
Intra Vires	در حدود اختیارات	Band	دارودسته
Declaration of Intention	درخواست تابعیت	Social Darwinism	داروینیسیم اجتماعی
Autism	درخود فرورفتگی	Sickle and Hammer	داس و چکش
Weltschmerz(World Pain)	درد جهان	Christian Missionaries	داعیان مسیحی
Orthodox	درست کیش	Dumping	دامپینگ
Rightness	درستی	Social Traps	دامهای اجتماعی
Political Correctness	درستی سیاسی	Knowledge	دانایی
Verstehen (Understanding)	درک	Knowledge	دانش
Confrontation	درگیری	United Nations University	دانشگاه ملل متحد
Polygraph	دروغسنج	Sciolism	دانشمندنمائی
Verstehen (Understanding)	درون فهمی	Cognitariat	دانشوران
Autism	درونمداری	Arbitration	داوری
Piracy	دریازنی	Value Judgement	داوری ارزشی
Privateering (Course)	دریاستیزی	Ad Hoc Arbitration	داوری خاص
High Sea	دریای آزاد	Institutional Arbitration	داوری نهادی
High Sea / Open Sea	دریای باز	Judgement of Fact	داوری واقعی
	دریای بسته یا نیمه بسته	Amicus Curiae	داوطلب کمک به دادگاه
Enclosed or Semi-Enclosed Sea		Downing Street	داونینگ استریت
Open Sea	دریای پهناور	Quality Circle	دایره کیفی
High Sea	دریای پهناور باز	Debellatio	دبلسیور
Coastal Sea / Marginal Sea	دریای ساحلی	Secretary	دبیر
Territorial Sea	دریای سرزمینی	Secretariat	دبیرخانه
Mare Nostrum	دریای ما	Secretary-General	دبیرکل
Kleptocracy	دزدسالاری	Departmentalism	دپارتمانالیسم
Piracy	دزدی دریائی	Detente	دتانت
Fortress Europe	دژ اروپا	Intervention	دخالت
Manipulation (Of Opinion)	دست‌آموزی	Humanitarian Intervention	دخالت انسانی
Leftist	دست چپی	Political Participation	دخالت در سیاست
Rightist	دست راستی	Interventionism	دخالت دولت در اقتصاد
Political Access	دسترسى سیاسی	Dirigisme	دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی
Black Hand	دست سیاه	Armed Intervention	دخالت مسلحانه
System	دستگاه	Quarter Seeker	دخیل
Civil Service / Bureaucracy	دستگاه اداری	Per Capita Income	درآمد سرانه

United Nations Office on Drugs and Crime		دستگاه ایدئولوژیک دولت
Xenelasia	دفع بیگانگان	Ideological State Apparatus
Due Diligence	دقت کافی	Administration
Doctrine	دکترین	Machine
Eisenhower Doctrine	دکترین آیزنهاور	Establishment
Estrada Doctrine	دکترین استرادا	Civil Service
Act of State Doctrine	دکترین اعمال حاکمیت	Invisible Hand
Brezhnev Doctrine	دکترین برژنف	Directive
Bush Doctrine	دکترین بوش	Instructions
Truman Doctrine	دکترین ترومن	Circular Letter
Tobar Doctrine	دکترین توبار	Agenda
Act of State Doctrine	دکترین حاکمیت دولت	Gag Rule (order)
	دکترین حاکمیت محدود	Agenda for Development
Limited Sovereignty Doctrine		Faction
Drago Doctrine	دکترین دراگو	Hands-Off
Uncleanhands Doctrine	دکترین دستهای ناپاک	Dirty Hands
Reagan Doctrine	دکترین ریگان	Cabal (Junto)
Counterforce Doctrine	دکترین ضد نیرو	Faction
Carter Doctrine	دکترین کارتر	Junta
Calvo Doctrine	دکترین کالوو	Machination
Clinton Doctrine	دکترین کلینتون	Continental Shelf
Monroe Doctrine	دکترین مونرو	Collaborationist
Nixon Doctrine	دکترین نیکسون	Challenge
Hallstein Doctrine	دکترین هالشتاین	Feminism
	دکترین یک لیوان آب	Anticipatory Self-Defense
One Glass of Water Doctrine		Civil Defence (Defense)
Dissident	دگراندیش	Civil Defence (Defense)
Dissidence	دگراندیشی	Self-Defense (Legitimate Defense)
Social Change	دگرگونی اجتماعی	Collective Self-Defense
Catastrophic Change	دگرگونی فاجعه آمیز	دفاع مشروع سبقت گیرنده بر تجاوز
Cultural Change	دگرگونی فرهنگی	Anticipatory Self-Defense
Dogma	دگم	National Defense
Dogmatism	دگماتیسیم	Liason Office
Narcodollars	دلارهای موادمخدر	Cominform
Petrodollars	دلارهای نفتی	(Communist Information Bureau)
Dollarization	دلاری شدن	Politburo
Heroism	دلوری	People's Bureau
Attachment	دلبستگی	دکتر مقابله با موادمخدر و جرم ملل متحد

Followism / Conformism	دنباله‌روی	Nostalgia	دلتنگی برای وطن
Secularization	دنیازدگی	Bravery	دلیری
Secularization	دنیوی‌سازی	Demarchy	دمارکی
Two Superpowers	دو ابر قدرت	Electoral Volatility	دمدمی مزاجی انتخاباتی
Ambivalence	دو احساسی	Democrat	دموکرات
Continuity of State	دوام دولت	Democratorship	دموکراتوری
Intrigue	دوهم‌زنی	Christian Democrats	دموکرات‌های مسیحی
Double-Talk	دو پهلوگویی	Democratism	دموکراتیسم
Dyarchy (Diarchy)	دو تن سالاری	Revolutionary Democratism	دموکراتیسم انقلابی
Dyarchy (Diarchy)	دو حکومتی	Democratic	دموکراتیک
Dynasty	دودمان	Democratization	دموکراتیک کردن
Straddle the Fence / Double - Cross	دو دوز به بازی	Democracy	دموکراسی
Millennium	دوران دادگری هزار ساله مسیح	Athenian Democracy	دموکراسی آتنی
Prudence	دوراندیشی	Directed Democracy	دموکراسی ارشادی
Millennium	دوران طلایی	Indirect Democracy	دموکراسی با واسطه
Vicious Circle	دور باطل	Bourgeois Democracy	دموکراسی بورژوایی
Hog Cycle	دور حریصانه	Direct Democracy	دموکراسی بی‌واسطه
Coloured People	دورگه‌ها	People's Democracy	دموکراسی توده‌ای
Phase	دوره	Jeffersonian Democracy	دموکراسی جفرسونی
Cooling-Off Period	دوره آرامش	Jacksonian Democracy	دموکراسی جکسونی
Presidency	دوره ریاست جمهوری	People's Democracy	دموکراسی خلق
Friendship	دوستی	Socialist Democracy	دموکراسی سوسیالیستی
Ambivalence	دو سودانی	Cyberdemocracy	دموکراسی سبیرنتیکی
Duchy (Dukedom)	دوک نشین	Industrial Democracy	دموکراسی صنعتی
Government / State	دولت	Representative Democracy	دموکراسی غیر مستقیم
Rentier State	دولت افزونه‌خوار	Cyberdemocracy	دموکراسی کامپیوتری
Minority Government	دولت اقلیت	Demarchy	دموکراسی گزیدگان
Electronic Government	دولت الکترونیکی	Liberal Democracy	دموکراسی لیبرال
Unitary State	دولت بسیط		دموکراسی مبتنی بر نمایندگی
Welfare State	دولت بهبودبخش	Representative Democracy	
Welfare State	دولت بهزیستی	Mixed Democracy	دموکراسی مختلط
Garrison State	دولت پادگانی	Direct Democracy	دموکراسی مستقیم
Receiving State	دولت پذیرنده	Christian Democracy	دموکراسی مسیحی
Post-Colonial State	دولت پسا استعماری	National Democracy	دموکراسی ملی
Police State	دولت پلیسی	Semi-Direct Democracy	دموکراسی نیمه مستقیم
Rentier State	دولت تحصیلدار	Consociational Democracy	دموکراسی همگامانه
Nation-State	دولت تک ملیتی	Consociational Democracy	دموکراسی همیاورانه
State of the Whole People	دولت تمام خلقی	Demonstration	دمونستراسیون

Dialogue	دیالوگ	Secular State	دولت جدا از دین
Diplomat (Diplomatist)	دیپلمات	Warfare State	دولت جنگ طلب
Diplomatic	دیپلماتیک	War State	دولت جنگی
Diplomacy / Diplomatics	دیپلماسی	Social-Service State	دولت خدمتگزار جامعه
Hydrodiplomacy	دیپلماسی آب	Vassal State	دولت خراجگزار
Islamic Diplomacy	دیپلماسی اسلامی	Statecraft	دولتداری
Imperialist Diplomacy	دیپلماسی امپریالیستی	Nanny State	دولت دایه‌وار
Preventive Diplomacy	دیپلماسی بازدارنده	Crown	دولت (در انگلستان)
Shirt-Sleeve Diplomacy	دیپلماسی بدون تشریفات	Government-in-Exile	دولت در تبعید
Basic Diplomacy	دیپلماسی بنیادی	Rentier State	دولت رانت خوار
Parliamentary Diplomacy	دیپلماسی پارلمانی	Rentier State	دولت رانتی
Shuttle Diplomacy	دیپلماسی پروازی	Welfare State	دولت رفاه عمومی
Ping Pong Diplomacy	دیپلماسی پینگ پنگ	Statism / Étatism / Dirigisme	دولت سالاری
Kid-Glove Diplomacy	دیپلماسی تشریفاتی	Rogue State	دولت سرکش
Biased Diplomacy	دیپلماسی جانبدارانه	Night - Watchman State	دولت شبگرد
People's Diplomacy	دیپلماسی خلق	Statesperson	دولتشخص
Permanent Diplomacy	دیپلماسی دائم	Failed State	دولت شکست خورده
Shuttle Diplomacy	دیپلماسی در حرکت	Polis / City-State	دولت شهر
Dollar Diplomacy	دیپلماسی دلار	Corporate State	دولت صنفی
Democratic Diplomacy	دیپلماسی دموکراتیک	Secular State	دولت غیردینی
Digital Diplomacy	دیپلماسی دیجیتالی	Sending State	دولت فرستنده
Kid-Glove Diplomacy	دیپلماسی رسمی	Tribal State	دولت قبیله‌ای
Shuttle Diplomacy	دیپلماسی رفت و برگشت	Étatism	دولت محوری
Coercive Diplomacy	دیپلماسی زور	Statesman	دولتمرد
Summit Diplomacy	دیپلماسی سران	Volksstaat	دولت مردمی
Coercive Diplomacy	دیپلماسی سرکوبگرانه	Sovereign State	دولت مستقل
Secret Diplomacy	دیپلماسی سری	Nation-State	دولت - ملت
Open Diplomacy	دیپلماسی علنی	Nation-State	دولت ملی
Shock Diplomacy	دیپلماسی غافلگیرکننده	Caretaker Government	دولت موقت
Shirt-Sleeve Diplomacy	دیپلماسی غیررسمی	Dependent State	دولت وابسته
Gunboat Diplomacy	دیپلماسی قایق توپدار	Government of the Day	دولت وقت
Conference Diplomacy	دیپلماسی کنفرانس	Duma	دوما
Machiavellian Diplomacy	دیپلماسی ماکیاوولی	Dominion	دومینیون
Democratic Diplomacy	دیپلماسی مردمی	Quixotism	دون کیشوتیسم
Kid-Glove Diplomacy	دیپلماسی ملایم	Global Village	دهکده جهانی
Resources Diplomacy	دیپلماسی منابع	Global Pillage	دهکده چپاول (چپاول جهانی)
New Diplomacy	دیپلماسی نو	Diaspora	دیاسپورا
Wilsonian Diplomacy	دیپلماسی ویلسونی	Dialectic	دیالکتیک

		Stereotype	دید قابلی
		Dirigisme	دیریزیم
Nuclear Stockpiles	ذخایر هسته‌ای	Diplomatics	دیرین نویسه‌شناسی
Stockpiling	ذخیره سازی	Discipline	دیسپلین
Atomization	ذره ذره سازی	Dictator	دیکتاتور
Subjectivism	ذهن‌گرایی	Enlightened Despot	دیکتاتور مصلح
		Dictatorship	دیکتاتوری
		Dictatorship of Proletariat	دیکتاتوری پرولتاریا
Realism	رألیسم	Totalitarian Dictatorship	دیکتاتوری توتالیتر
Socialist Realism	رألیسم سوسیالیستی	Simple Dictatorship	دیکتاتوری ساده
Whip	رابطه پارلمانی حزب	Totalitarian Dictatorship	دیکتاتوری فراگیر
Joking Relationship	رابطه شوخی‌آمیز	Constitutional Dictatorship	دیکتاتوری قانونی
Terms of Trade	رابطه مبادله	Caesaristic Dictatorship	دیکتاتوری قیصرانه
Radical	رادیکال	Caesaristic Dictatorship	دیکتاتوری قیصرآبانه
Radical Chic	رادیکال شیک	Others	دیگران
Radicalism	رادیکالیسم	Tolerance	دیگرپذیری
Demystification	راززدایی	Religion	دین
Orthodox	راست باور	Official Religion	دین رسمی
Rightist	راست‌گرا	Zoroastrianism	دین زردشتی
Truthfulness	راستگویی	Theocracy	دین‌سالاری
New Right	راست نو	Iconoclasm	دین شکنی
Rightness	راستی	Revealed Religion	دین وحی بنیاد
Rent	رانت	Judaism	دین یهود
Rent-Seeking	رانت جوئی	Wall of China	دیوار چین
Rent-Seeking	رانت خواری		دیوان بین‌المللی حقوق دریاها
Strategy	راهبرد	International Tribunal for the Law of the Sea	دیوان بین‌المللی دادگستری
Brinkmanship	راهبرد خطرپذیری	International Court of Justice	دیوان بین‌المللی کیفری
Opinion Leader	راهبر عقاید	International Criminal Court	دیوانسالاری
Zero Option	راه حل صفر	Bureaucracy	دیوانسالاری شرکتی
Alternative	راه (دیگر)	Corpocracy	دیوان عالی
	راه رشد غیر سرمایه‌داری	Supreme Court	دیوان لاهه
Non-Capitalist Path of Development	راهزنی	Hague Tribunal	دیوانمداری
Brigandage (Brigandism)	راهکار	Bureaucracy	دیوانی شدن (کردن)
Mechanism	راهنمای اعتصاب	Bureaucratization	دیون غیر قابل وصول
Strike Manual	راهنمای مسیر (طرح صلح)	Bad Debts	دیون منفور
Road Map (Peace Plan)	راههای آبی بین‌المللی	Bad Debts	

Red Herring	ردگم کردن	Free Vote	رای آزاد
Rank and File	رده پائین	Block Vote	رای اعتباری
Strategy / Tactics (Tactique)	رزم آرای	Vote of Confidence	رای اعتماد
Armageddon	رزمگاه نهایی	Vote of Intent (Inclination)	رای تمایل
Freedom Fighter	رزمنده آزادی	Alternative Vote	رای جایگزین شونده
Regime	رژیم	Tactical Voting	رای دادن مصلحتی
International Regime	رژیم بین‌المللی	Floating Voter	رای دهنده غیر حزبی
Puppet Regime	رژیم دست‌نشانده	Floating Voter	رای دهنده مستقل
Ancien Régime	رژیم سابق	Compulsory Voting	رای دهی اجباری
	رژیم سلطه‌طلب	Approval Voting	رای دهی تأییدی
Authoritarian Regime (Government)		Issue Voting	رای دهی موضوعی
Political Regime	رژیم سیاسی	Counsellor	رایزن
Puppet Regime	رژیم عروسکی	Reich	رایش
Fascist Regime	رژیم فاشیستی	Ticket Splitting	رای شکنی
Democratic Regime	رژیم مردمی	Vote of no Confidence	رای عدم اعتماد
Military Regime	رژیم نظامی	Straw Vote	رای گیری آزمایشی
	رسانه‌های ارتباط جمعی	Cumulative Voting	رای گیری انباشتی
Media of Mass Communication		Standing Vote	رای گیری باقیام
Megamedia	رسانه‌های بزرگ	Alternative Vote	رای گیری تناوبی
Universalism	رستگاری عام	Voice Vote	رای گیری شفاهی
Res Communis	رس کمونیس	Cumulative Voting	رای گیری متزاید
Res Nullius	رس نوللیوس	Limited Vote	رای محدود
Political Scandal	رسوائی سیاسی	Ballot	رای مخفی
Residues	رسوبها	Free Vote	رای مستقل
Adjudication	رسیدگی قضایی	Advisory Opinion	رای مشورتی
Economic Growth	رشد اقتصادی	Veto	رای منفی (وتو)
Growth of Citizenship	رشد شهروندی	Block Vote	رای نسبی
Jobbery	رشوه‌خواری	Single Transferable Vote	رای واحد قابل انتقال
Bribery	رشوه‌دهی	Usury	رباخواری
Bribery	رشوه‌گیری	Rijal (Men)	رجال
Consent	رضایت	Mobocracy	رجاله‌سالاری
Due Process of Law	رعایت تشریفات قانونی	Preference	رجحان
Comradeship	رفاقت	Imperial Preference	رجحان امپراتوری
Collective Behaviour	رفتار جمعی	Statesman	رجل سیاسی
Sexual Conduct	رفتار جنسی	Hacker	رخنه‌گر
Voting Behaviour	رفتار رای دهی	Social Inertia	رخوت اجتماعی
Political Behaviour	رفتار سیاسی	Falsifiability	ردپذیری
Reciprocity	رفتار متقابل	Veto	ردکردن

Superstructure	روینا	National Treatment (GAAT)	رفتار ملی (گات)
Rotary International	روتاری بین‌المللی	Referendum	رفراندوم
Disclericalization	روحانیت‌زدایی	Heresy	رفض
Anti-Clericalism	روحانیت ستیزی	Affirmative Action	رفع تبعیض
	روح زمان	Work to Rule	رفع تکلیف
Zeitgeist (Spirit of the Times)		Deregulation	رفع محدودیت
Volksggeist	روح عامه	Comrades	رفقا
Volksggeist	روح قومی	Reform	رفورم
Volksggeist	روح ملی	Reformism	رفورمیسم
Morale	روحیه	Cronyism	رفیق بازی
Social Spirit	روحیه اجتماعی	Rivalry	رقابت
National Character	روحیه ملی	Fourth Estate	رکن چهارم (مطبوعات)
International River	رودخانه بین‌المللی	Economic Depression	رکود اقتصادی
May Day	روز اول ماه مه (روز کارگر)	Stagflation	رکود تورمی
	روز جهانی آزادی مطبوعات	Romanticism	رمانتیسم
World Press Freedom Day		Cipher	رمز
D-Day	روز حمله سرنوشت‌ساز	Cryptography	رمز نویسی
Earth Day	روز زمین	Proletariat	رنجبران
Qods Day	روز قدس	Renaissance	رنسانس
National Day	روز ملی	Coloured People	رنگین پوستان
D-Day	روز موعود	Social Relations	روابط اجتماعی
Official Journal	روزنامه رسمی	International Relations	روابط بین‌المللی
Publicist	روزنامه‌نگار	Relations of Production	روابط تولید
Superstructure	روساخت	Diplomatic Relations	روابط دیپلماتیک
Sovietology	روس‌شناسی	Public Relations	روابط عمومی
Method	روش	Consular Relations	روابط کنسولی
Tactics (Tactique)	روش (اجرای سیاست)		روابط مرکز - پیرامون
Aware	روشن	Centre - Periphery Relations	
Intellectual / Egghead	روشنفکر	Central-Local Relations	روابط مرکزی - محلی
Intelligentsia	روشنفکران	Toleratationism / Tolerance	رواداری
	روشنفکران اداری - حرفه‌ای	Visa	روادید
Professional - Bureaucratic Intelligentsia		Transit Visa	روادید عبوری
	روشنفکران امتیازدار	Exequatur	روانامه
Priviligentsia (privilegentsia)		Social Psychology	روانشناسی اجتماعی
Chattering Classes	روشنفکران زبان‌آور	Collective Psychology	روانشناسی جمعی
Enlightenment	روشنفکری	Psychology of Peoples	روانشناسی خلقها
Intelligentsiaism	روشنفکریگری	Political Psychology	روانشناسی سیاسی
Enlightenment	روشنگری	Psychology of Peoples	روانشناسی ملل

Head of the Mission	رئیس مأموریت	رئیس انقلابی جهانی
Speaker	رئیس مجلس	World Revolutionary Process
Lord Chancellor	رئیس مجلس اعیان (لردها)	Confrontation
		رویارویی
		American Dream
		رؤیای آمریکایی
		Boycott
		رویکردانی تنبیهی
Feminism	زادزن‌گرایی	Jurisprudence
		رویه قضایی
Radical Feminism	زاد زن‌گرایی بنیادستیز	Paradox
		رویه مخالف معمول
Radical Feminism	زادزن‌گرایی تمام عیار	Emancipation
		رهايي
Slum	زاغه	Leader
		رهبر
Sanctimony (Sanctimoniousness)	زاهدنمایی	Floor Leaders
		رهبران کنگره
Rhetoric	زبان آوری	Charismatic Leader
		رهبر با جذب
Flattery	زبانازی	Opinion Leader
		رهبر عقیدتی
Chattering Classes	زبان‌درازاها	Charismatic Leader
		رهبر فره‌مند
Diplomatic Language	زبان دیپلماتیک	Leadership
		رهبری
Official Language	زبان رسمی	Collective Leadership
		رهبری جمعی
Linguicide	زبانکشی	Directive
		ره‌نمود
Lynching	زجرکشی	Instructions
		ره‌نمودها
Proletariat	زحمتکش‌ان	Canalization
		ره‌یابی
Arsenal of Democracy	زرادخانه دموکراسی	Tactics (Tactique)
		ره‌یافت
Yellow	زرد	Austerity
		ریاضت (اقتصادی)
Zoroastrianism	زردشت‌گرایی	Asceticism
		ریاضت‌گرایی
Plutocracy	زرسالاری	Hypocrisy
		ریاکاری
Statesman / Statesperson	زامامدار	Risk
		ریسک
Administration	زامامداری	Deracinement
		ریشه بریدگی
Nuclear Winter	زمستان هسته‌ای	Revisionism
		ریویزیونیسم
No Man's Land	زمین بی‌صاحب	Boss / Cacique
		رئیس
Feudalism	زمینداری	Prime Minister (Premier)
		رئیس‌الوزراء
No Man's Land	زمین هیچکس	Head of Consular Post
		رئیس پست کنسولی
Femininity	زنانگی	President
		رئیس جمهور
Feminization of Poverty	زنانه شدن فقر	Presidentialism
		رئیس جمهور سالاری
Prisoner of War	زندانی جنگی	Presidentialism
		رئیس جمهور محوری
Political Prisoner	زندانی سیاسی	President
		رئیس جمهوری
Conscience Prisoner	زندانی وجدان	Head of Government
		رئیس حکومت
Communalism	زندگی اشتراکی	Head of State
		رئیس دولت
Parasitism	زندگی انگلی	رئیس شورای سلطنتی (در انگلستان)
Agrarianism	زندگی روستایی	Lord President of the Council
Political Life	زندگی سیاسی	Boss-Tweed
		رئیس فاسد
Philistinism	زندگی مبتذل	Head of State
		رئیس کشور

Quango	سازمان ظاهراً غیردولتی	Civil Aviation Organization (ICAO)	سازمان بین دولتی مشورتی دریانوردی
Amnesty International	سازمان عفو بین‌المللی	Inter-Governmental Maritime Consultative Organization (IMCO)	سازمان پیمان آتلانتیک شمالی
Nongovernmental Organization (NGO)	سازمان غیردولتی (بین‌المللی)	North Atlantic Treaty Organization (NATO)	سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی
Organization of American States (OAS)	سازمان کشورهای آمریکایی	South-East	سازمان پیمان مرکزی
Organization of Islamic States (OIC)	سازمان کشورهای صادرکننده نفت	Central Treaty Organization (CENTO)	سازمان پیمان ورشو
Petroleum Exporting Countries (OPEC)	سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت	Warsaw Treaty Organization (Warsaw Pact)	سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد
Organization of Arab Petroleum Exporting Countries (OAPEC)	سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت	United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)	سازمان توسعه صنعتی ملل متحد
Organization of the Islamic Conference	سازمان کنفرانس اسلامی	United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)	سازمان جهانی بهداشت
Organization of Islamic Parliaments (OIP)	سازمان مجالس اسلامی	World Health Organization (WHO)	سازمان جهانی تجارت
United Nations Organization (UNO) / United Nations (UN)	سازمان ملل متحد	World Trade Organization (WTO)	سازمان جهانی تندرستی
Unrepresented Nations and Peoples Organization (UNPO)	سازمان ملل و خلقهای بدون نماینده	World Intellectual Property Organization (WIPO)	سازمان جهانی مالکیت معنوی
Subregional Organization	سازمان منطقه‌ای فرعی	World Meteorological Organization (WMO)	سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد
Organization of African Unity (OAU)	سازمان وحدت آفریقا	Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO)	سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد
Adhocracy	سازمان ویژه موقت	Authority	سازمان (دولتی)
Front Organizations	سازمانهای ظاهر ساز	Organizing	سازماندهی
Front Organizations	سازمانهای ظاهری	Community Organizing	سازماندهی اجتماع
Supranational Organizations	سازمانهای فراملی	Formal Organization	سازمان رسمی
Latin American Solidarity Organization	سازمان همبستگی آمریکای لاتین	Subregional Organization	سازمان زیرمنطقه‌ای
Afro-Asian	سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا	Transparency International	سازمان شفافیت بین‌المللی
People's Solidarity Organization (AAPSO)	سازمان همبستگی سه قاره	Disorganization	سازمان شکنی
Three Continents Solidarity Organization	سازمان همبستگی سه قاره		
Asian-Pacific	سازمان همکاری اقتصادی		
Economic Cooperation (APEC) / Economic Cooperation Organization (ECO)	سازمان همکاری اقتصادی و توسعه		
Organization for Economic Cooperation and			

Fifth Column	ستون پنجم	Development (OECD)	
Sixth Column	ستون ششم	سازمان همکاری شانگهای	
Conflict	ستیزه	Shanghai Cooperation organization	
Diligence	سخت‌کوشی	سازمان همکاری عمران منطقه‌ای	
Regimentation	سخت‌گیری	Cooperation for Development (RCD)	
Filibuster	سخنرانی کارشکنانه (در مجلس)	سازمان همکاری کشورهای ساحلی (حوزه) دریای خزر	
Rhetoric	سخنوری	Caspian Littoral States Cooperation Organization	
Political Eloquence (Oratory)	سخنوری سیاسی	Organization of Security and Co-operation in Middle East	
Containment of Communism	سد نفوذ کمونیسم	Cooperation and Security in Middle East	
Elite	سرآمدان	Constructivism	سازندگی گرای
Power Elite	سرآمدان قدرتمند	Constructivism	سازنده گرای
Hostile Infection	سرایت دشمنی	Mechanism	ساز و کار
Lumpen	سربار	Constructivism	سازه انگاری
Stratocracy	سربازسالاری	Zero Hour	ساعت صفر
Unknown Soldier	سرباز گمنام	Strategic Arms Limitation Talks (Salt)	سالت
Mercenary	سرباز مزدور	System	سامانه
Military Service	سربازی	Samizdat (Self-Publishing)	سامیزدات
Desaparecido(Disappeared)	سربه‌نیست شده	Anti-Semitism	سامی ستیزی
Paternalism	سرپرستی پدرمآبانه	Review	سان
Civil Disobedience	سریچی مدنی	Centralism	سانترالیسم
Skinheads	سرتراشیدگان	Democratic Centralism	سانترالیسم دموکراتیک
Boundary	سرحد	Centrism	سانتریسم
International Boundary	سرحد بین‌المللی	Sandinism	ساندینیسم
De Jure Boundary	سرحد دوژور	Censorship	سانسور
De Facto Boundary	سرحد دوفاکتو	Censor	سانسورچی
Red	سرخ	Cyberterrorism	سایبر تروریسم
Captain	سردسته	Green	سبز
Cacique	سردمدار	Competition	سبقت جویی
Territory	سرزمین	Life Style	سبک زندگی
Leased Territory	سرزمین در اجاره	Stratocracy	سپاه‌سالاری
Abandoned Territory	سرزمین رها شده	Human Shield	سپر انسانی
Enclave	سرزمین محاط	Scapegoat	سپر بلا
Non-Self Governing Territories	سرزمینهای غیر خودمختار	Generalissimo	سپهسالار
Overseas Territories	سرزمینهای ماورای بحار	Red Star	ستاره سرخ
Hardliner	سرسخت	Oppression	ستم
Human Nature	سرشت بشر	Absolute Monarchy	ستمشاهی
Census	سرشماری	Oppression	ستمگری

Level of Living	سطح زندگی	Titanism	سرکش خوبی
Happiness	سعادت	Consul - General	سرکنسول
Tolerance	سعه صدر	Consulate-General	سرکنسولگری
Embassy	سفارت	Repression	سرکوبی
Legation	سفارت	Disorientation	سرگشتگی
Nunciature	سفارت پاپ	Capital	سرمایه
Embassy	سفارتخانه	Social Capital	سرمایه اجتماعی
Speculation	سفته بازی	Human Capital	سرمایه انسانی
Continuous Voyage	سفر مداوم	Capitalism	سرمایه داری
Sophistry	سفسطه	Monopoly Capitalism	سرمایه داری انحصاری
Sophistry	سفسطه گری		سرمایه داری انحصاری دولتی
Albocracy	سفید سالاری	State-Monopoly Capitalism	
Ambassador	سفیر	International Capitalism	سرمایه داری بین المللی
Ambassador Accrédité	سفیر اکردیده	Advanced Capitalism	سرمایه داری پیشرفته
(Accredited Ambassador)		Commercial Capitalism	سرمایه داری تجاری
Nuncio (Nonce)	سفیر پاپ		سرمایه داری خالص مبتنی بر بازار
	سفیر سیار	Pure Market Capitalism	
Ambassador-at-Large (Roving Ambassador)		People's Capitalism	سرمایه داری خلقی
Ambassador Extraordinary	سفیر فوق العاده	State Capitalism	سرمایه داری دولتی
Sectarism	سکتاریسم	Corporate Capitalism	سرمایه داری شرکتی
Pornography	سکس نگاری	Industrial Capitalism	سرمایه داری صنعتی
Quietism	سکوت گرایی		سرمایه داری مبتنی بر شرکت های سهامی
Secularism	سکولاریسم	Corporate Capitalism	
Social Inertia	سکون اجتماعی	Late Capitalism	سرمایه داری محض
Continental Shelf	سکوی قاره	People's Capitalism	سرمایه داری مردمی
Anti-Satellite Weapons	سلاح های ضد ماهواره ای	Capitalism	سرمایه سالاری
	سلاح های هسته ای استراتژیک	Investment	سرمایه گذاری
Strategic Nuclear Weapons		Physical Capital	سرمایه مادی
	سلاح های هسته ای تاکتیکی	Truth Serum	سرم حقیقت
Tactical Nuclear Weapons		Truth Serum	سرم راستگویی
Salute	سلام	Paradigm	سرمشق فکری
Denationalization	سلب تابعیت	Planted Editorials	سرمقاله های کاشته شده
Expropriation	سلب مالکیت	Predestination	سرنوشت
Dynasty	سلسله	Human Destiny	سرنوشت انسان
Hierarchy	سلسله مراتب	National Hymn (Anthem, Song)	سرود ملی
Sultan (Ruler)	سلطان	Secret Service	سرویس مخفی
King	سلطان	Czarism / Caesarism	سزارسم
Sultanate	سلطان نشین	Asthenia	سستی

Barricade	سنگربندی خیابانی	Crown / Monarchy / Kingship	سلطنت
Abuse of Right	سوء استفاده از حق	Elective Monarchy	سلطنت انتخابی
Graft	سوء استفاده مالی	Limited Monarchy	سلطنت با مسئولیت محدود
Maldevelopment	سوء توسعه	Patrimonialism	سلطنت پدر - میراثی
Miscarriage of Justice	سوء جریان در دادگستری	Legitimist	سلطنت طلب حقانی
Misgovernment	سوء حکومت	Royalism	سلطنت طلبی
Attentat	سوء قصد	Limited Monarchy	سلطنت محدود
Maladministration	سوء مدیریت	Constitutional Monarchy	سلطنت مشروطه
Computer Literacy	سواد کامپیوتری	Dualistic Monarchy	سلطنت مشروطه دوگانه
Freedom Riders	سواران آزادی	Absolute Monarchy	سلطنت مطلقه
Question	سؤال	Hereditary Monarchy	سلطنت موروثی
Subsidy	سوبسید	Hegemony / Dominance (Domination)	سلطه
Soupape	سوپاپ (اطمینان)		سلطه جهانی امپریالیسم
Merchants of Death	سوداگران مرگ	Imperialism World Dominance	
Speculation / Mercantilism	سوداگری	Imperialism	سلطه گرایی
Rent-Seeking	سودجویی نامتعارف	Condominium	سلطه مشترک و مشاع
Utilitarianism	سودگرایی	Patrimonialism	سلطه موروثی
Namby-Pamby	سوسول	Islamic Fundamentalism	سلفیت اسلامی
Social Imperialism	سوسیال امپریالیسم	Fellow-Traveller	سمپات
Social Democracy	سوسیال دموکراسی	Simpatizante (Sympathizer)	سمپاتیزان
Socialism	سوسیالیسم	Symposium	سمپوزیوم
Utopian Socialism	سوسیالیسم آرمانشهری	Socialist Orientation	سمتگیری سوسیالیستی
Market Socialism	سوسیالیسم بازار	Seminar	سمینار
	سوسیالیسم با سیمای انسانی	Scenario	سناریو
Socialism with a Human Face		Tradition	سنت
International Socialism	سوسیالیسم بین المللی	Traditionalism	سنت پرستی
Developed Socialism	سوسیالیسم پیشرفته	Synthesis	سنتز
Utopian Socialism	سوسیالیسم تخیلی	Heresy	سنت شکنی
Evolutionary Socialism	سوسیالیسم تدریجی	Traditionalism	سنت گرایی
Evolutionary Socialism	سوسیالیسم تکاملی	Central Treaty Organization (CENTO)	سنتو
Creeping Socialism	سوسیالیسم خزنده	Public Opinion Poll	سنجش افکار عمومی
	سوسیالیسم در یک کشور	Document	سند
Socialism in One Country		General Act	سند عمومی
Command Socialism	سوسیالیسم دستوری	Final Act	سند نهایی
Democratic Socialism	سوسیالیسم دموکراتیک	Syndicat	سندیکا
State Socialism	سوسیالیسم دولتی	Syndicalism	سندیکالیسم
Competitive Socialism	سوسیالیسم رقابتی	Anarcho-Syndicalism	سندیکالیسم آنارشستی
Green Socialism	سوسیالیسم سبز	Revolutionary Syndicalism	سندیکالیسم انقلابی

Lean to One Side Policy	سیاست تکیه به یک طرف	Guild Socialism	سوسیالیسم صنفی
Body Politics	سیاست تن	Scientific Socialism	سوسیالیسم علمی
Mass Politics	سیاست توده گیر	Marxian Socialism	سوسیالیسم مارکسی
	سیاست توسعه‌های برون نگر	Market Socialism	سوسیالیسم مبتنی بر بازار
Outward-Looking Development Policy	سیاست توسعه‌های درون نگر	Democratic Socialism	سوسیالیسم مردمی
Inward-Looking Development Policy		Christian Socialism	سوسیالیسم مسیحی
Reproductive Politics	سیاست تولیدمثلی		سوسیالیسم واقعاً موجود
Community Politics	سیاست جامعه کوچک	Actually Existing Socialism	
	سیاست جدید اقتصادی	Subcommission	سوکمیسیون
New Economic Policy (NEP)		Loyalty Oath	سوگند وفاداری
Criminal Policy	سیاست جنایی	Zollverein	سولفراین
Sexual Politics	سیاست جنسیتی	Soviet (Council)	سوویت
Youth Politics	سیاست جوانان	Quota	سهیمه
Big Stick Policy	سیاست چماق بزرگ	Rationing	سهیمه بندی
Multiculturalism	سیاست چندفرهنگی	Droop Quota	سهیمه دروپ
Good Neighbor Policy	سیاست حسن همجواری	Hegemony	سیادت
Protectionism	سیاست حمایت از محصولات داخلی	Hegemonism	سیادت طلبی
Foreign Policy	سیاست خارجی		سیا (سازمان مرکزی اطلاعات)
Bipartisan Foreign Policy	سیاست خارجی دو حزبی	CIA (Central Intelligence Agency)	
Student Politics	سیاست دانشجویی	Policy / Politics	سیاست
Incomes Policy	سیاست درآمدها	Hydropolitics	سیاست آب
Incomes Policy	سیاست درآمدی	Community Politics	سیاست اجتماع
Big Lie Policy	سیاست دروغ بزرگ	Appeasement	سیاست ارضاء
Open Door Policy	سیاست درهای باز	Colonialism	سیاست استعماری
Doctrine	سیاست (دکترین)	Presidential Style Politics	سیاست استیل ریاستی
Two Chinas Policy	سیاست دو چین	Islamic Politics	سیاست اسلامی
Linkage Politics	سیاست ربط مسائل به یکدیگر	Economic Policy	سیاست اقتصادی
	سیاست زبانی (سیاست زبان)	Minority Politics	سیاست اقلیت
Linguistic Politics (Politics of Language)		Boss	سیاستباز
Politicization	سیاست زدگی	Linkage Politics	سیاست بستگی و ارتباط
Gunboat Diplomacy / Power Politics	سیاست زور	Neutralism	سیاست بیطرفی
Ecological Politics	سیاست زیستبومی	Positive Neutralism	سیاست بیطرفی مثبت
Policy-Maker	سیاست ساز	International Politics	سیاست بین‌المللی
Policy-Making	سیاست سازی	Peanut Politics	سیاست پست و بی اهمیت
High Politics	سیاست سطح بالا	Brinkmanship	سیاست پیشروی تا آستانه جنگ
Low Politics	سیاست سطح پائین	Politician	سیاست پیشه
Ostpolitik	سیاست شرقی	Comparative Politics	سیاست تطبیقی
		Realpolitik	سیاست تعقیب منافع ملی

Cyberdemocracy	سیبر دموکراسی	Politics	سیاست‌شناسی
South-East	سیتو	Affirmative Action	سیاست ضد تبعیض شغلی
Asia Treaty Organization (SEATO)		Neutralism	سیاست عدم تعهد
City	سیتی	Scientific Policy	سیاست علمی
Historical Development	سیر تاریخی	Peanut Politics	سیاست عوام فریبانه
System	سیستم		سیاست فقیرسازی همسایه
Jus Soli (Law of the soil)	سیستم خاک	Beggar-My-Neighbour Policy	
Jus Sanguinis (Law of the Blood)	سیستم خون	Power Politics / Realpolitik	سیاست قدرتمدار
		Gambling Policy	سیاست قمار
		Criminal Policy	سیاست کیفری
		Policy-Maker	سیاستگذار
		Policy-Making	سیاستگذاری
		Policy-Maker / Politician	سیاستگر
		Ostpolitik	سیاست گرایش به شرق
		Politicalism	سیاستگرایی
		Policy-Making	سیاستگری
		Apolitisme (Apoliticism)	سیاست گریزی
		Brinkmanship	سیاست لبه پر نگاه
		Dynamic Policy	سیاست متحرک
		Power Politics	سیاست متکی به قدرت
		Belt Tightening Policy	سیاست محکم کردن کمربندها
		Community Politics /	سیاست محلی
		Local Politics	
		Diplomat (Diplomatist) / Statesman	سیاستمدار / سیاستمدار
		Statesperson / Politician	
		Teflon Politician	سیاستمدار پوست کلفت
		Diplomacy / Statecraft	سیاستمداری
		Civics	سیاست مدن
		Single Issue Politics	سیاست مسائل منفرد
		Negative Balance (Policy)	سیاست موازنه منفی
		Ethic(s)	سیاست نفس
		Realpolitik	سیاست واقعگرا
		Adversary Politics	سیاست هموردی
		Gay Politics	سیاست همجنس‌بازان
		Diplomatic / Political	سیاسی
		Politicization	سیاسی شدن
		Oubliette	سیاهچال
		Negritude	سیاهگرایی

ش

Power Index	شاخص قدرت		
Olive Branch	شاخه زیتون		
Happiness	شادکامی		
Charge d'Affaires	شارژدافر		
Charlatanism	شارلاتانی		
Chantage (Blackmail)	شانتاژ		
Life-Chances	شانسهای زندگی		
King	شاه		
Information Highways	شاهراههای اطلاعاتی		
Principality	شاهزاده‌نشین		
Regicide	شاهکش		
Regicide	شاهکشی		
Emperor	شاهنشا		
Meritocracy	شایسته‌سالاری		
Rumour	شایعه		
Rumourmonger	شایعه‌پرداز		
Rumourmonger	شایعه‌ساز		
Protocracy	شاینده‌سالاری		
Dignity	شان		
Network	شبکه		
	شبکه جاسوسی اشلون		
Echelon Intelligence Network			
	شبکه سراسری جهانی (وب)		
World Wide Web (WWW)			
Netizen	شبکه‌وند		
Semiproletarian	شبه‌پرولتر		
Shadow Cabinet	شبه‌کابینه		
Human Cloning	شبییه‌سازی انسان		

Religious Law	شریعت	Courage	شجاعت
Brain Washing	شستشوی مغزی	Personality Cult	شخص پرستی
Slogan	شعار	Confidence Trick Man	شخص ظاهرالصلاح
Class Consciousness	شعور طبقاتی		شخص مورد حمایت بین‌المللی
False Class-Consciousness	شعور طبقاتی کاذب	Internationally Protected Person	
Career	شغل ثابت	Personal as Political	شخصی به مثابه سیاسی
Transparency International	شفافیت بین‌المللی	Character	شخصیت
Hunting for Brain	شکار مغزها	Authoritarian Personality	شخصیت استبدادطلب
Cleavage	شکاف	Bureaucratic Personality	شخصیت بوروکراتیک
Digital Gap	شکاف دیجیتالی	International Personality	شخصیت بین‌المللی
Defeatism	شکست باوری	Depersonalization	شخصیت زدایی
Defeatism	شکست پذیری	Authoritarian Personality	شخصیت قدرت‌اندیش
Humility	شکسته نفسی	Bureaucratic Personality	شخصیت مقرراتی
	شکل‌گیری اجتماعی - اقتصادی	Social Conditions	شرایط اجتماعی
Socio-Economic Formation		Life Conditions	شرایط زندگی
Torture	شکنجه و آزار	Tolerationism	شرح صدر
Tolerationism	شکیبایی	Tolerance	شرح صدر
Electoral Manoeuvres	شگردهای انتخاباتی		شرط دولت کامله‌الوداد
Launch-on-Warning	شلیک به محض دریافت هشدار	Most-Favoured -Nation Clause	
North and South	شمال و جنوب	Attentat Clause	شرط سوء قصد
Iconoclast	شمایل شکن	Most-Favoured -Nation Clause	شرط عنایت برابر
Iconoclasm	شمایل شکنی	Calvo Clause	شرط کالوو
Iconography	شمایل نگاری	Martens Clause	شرط مارتنز
Sword of Damocles	شمشیر داموکلس		شرط مشارکت همگانی
Sword and Censer	شمشیر و عودسوز	General Participation Clause	
Recognition of Government	شناسائی حکومت	Religious Law	شرع
De Jure Recognition	شناسائی دوزور	Honour	شرف
De Facto Recognition	شناسائی دوفاکتو	Orientalism	شرق شناسی
Recognition of State	شناسائی دولت	East and West	شرق و غرب
Recognition of Insurgents	شناسائی شورشیان	Corporation / Concern	شرکت
Tacit Recognition	شناسائی ضمنی		شرکت بین‌المللی تأمین مالی
De Facto Recognition	شناسائی عملی (بالفعل)	International Finance Corporation (IFC)	
De Jure Recognition	شناسائی قانونی (بالحق)	Global Corporation	شرکت جهانی
Recognition of Belligerency	شناسائی مخاصمه	Multinational Corporation	شرکت چندملیتی
Dabbling in Politics	شوخی گرفتن سیاست	Political Participation	شرکت در سیاست
Reading / Zeal	شور	Public Corporation	شرکت دولتی
Soviet (Council)	شورا	Turnout	شرکت کنندگان (انتخابات)
	شورای آسیا و اقیانوس آرام	Shame	شرم

Healthy City	شهر سالم	Asian and Pacific Council (ASPAC)	
Citizen	شهروند	Council of Europe	شورای اروپا
World Citizen	شهروند جهان		شورای اقتصادی و اجتماعی
Citizenship	شهروندی	Economic and Social Council (ECOSOC)	
Active Citizenship	شهروندی فعال	Security Council	شورای امنیت
King	شهریار	World Peace Council (WPC)	شورای جهانی صلح
Kingship	شهریاری	Privy Council	شورای خاصان (در انگلستان)
Martyrology	شهیدشناسی	Council of State (Conseil d'Etat)	شورای دولتی
Charlatanism	شیادی		شورای روابط خارجی
Reification	شیءزدگی	Council on Foreign Relations	
Reification	شیءشدگی	Privy Council	شورای سطنتی (در انگلستان)
Sheikhdom (Shaykhdom)	شیخ نشین	Nordic Council	شورای شمالی
Radical Chic	شیک تندرو	Trusteeship Council	شورای قیمومت
Mode of Production	شیوه تولید		شورای همکاری آتلانتیک شمالی
Asiatic Mode of Production	شیوه تولید آسیائی	North Atlantic Cooperation Council	
Life Style	شیوه زندگی		شورای همکاری خلیج فارس
Modus Operandi	شیوه کار	Persian Gulf Cooperation Council	
		(Cooperation Council of Gulf)	
			شورای همکاری کشورهای عرب
Vested Interests	صاحبان منافع	Cooperation Council of Arab Countries	
Theatre of War	صحنه جنگ		شورای همیاری اقتصادی
Scenario	صحنه سازی	Council for Mutual Economic	
Authentication	صحه گذاری	Evil Eye	شور چشمی
Honesty	صداقت	Rebellion / Insurgency / Insurrection /	شورش
Pourcentage	صدانه	Backlash	
	صدای اعتراض - وفاداری - خروج	Tax Revolt	شورش مالیاتی
Exit-Loyalty-Voice		Insurrection	شورش مسلحانه
Vox Populi	صدای مردم	Renegade	شورش
Chancellor (Kanzler)	صدراعظم	Sovietism	شوروی گرایی
Charity	صدقه	Cultural Shock	شوک فرهنگی
Export of Revolution	صدور انقلاب	Chauvinism	شوونیسم
Thriftness	صرفه جویی	Martyrdom	شهادت
Social Climbing	صعود اجتماعی	Courage	شهامت
Line and Staff	صف و ستاد	Queen	شهبانو
Ex Aequo et Bono	صلاح و صوابدید	Metropolis (Metropole)	شهر بزرگ
Common Good	صلاح همگان	Cosmopolitan City	شهر جهانی
Appellate Jurisdiction	صلاحیت رسیدگی پژوهشی	Mayor	شهردار
Territorial Jurisdiction	صلاحیت سرزمینی	City Manager	شهردار (در آمریکا)

ص

Minutes (Proces Verbale)	صور تجلسه	Personal Jurisdiction	صلاحیت شخصی
Agreed Minute(s)	صور تجلسه مذاکرات	Flag-State Jurisdiction	صلاحیت کشور صاحب پرچم
Formalism	صورت گرایي	Peace	صلح
Pornography	صور قبیحه	Pax Americana	صلح آمریکایی
Abbey of Créteil	صومعه کره تی	Pax Britannica	صلح انگلیسی
Zion	صهیون	Peacekeeping	صلحجانی
Zionism	صهیونیسم	Peaceableness	صلح دوستی
Zion	صیون	Pax Romana	صلح رومی
Zionism	صیونیسم	Star Peace	صلح ستارگان
		Cold Peace	صلح سرد
		Pacifism	صلح طلبی
		Pacificism	صلح طلبی فعال
Criterion	ضابطه	Carthaginian Peace	صلح قرطاجنی
Antiamericanism	ضد آمریکایی گری	Carthaginian Peace	صلح کارتاژی
Anti-Social	ضد اجتماع	Armed peace	صلح مسلح
Anti-Colonialism	ضد استعمار	Swastika(Hooked Cross)	صلیب شکسته
Counter - Reformation	ضد اصلاح دین	German Marshall Fund	صندوق آلمانی مارشال
Counter-Intelligence	ضد اطلاعات	Opec Fund	صندوق اوپک برای توسعه بین المللی
Lock-Out	ضد اعتصاب	for International Development	صندوق بین المللی پول
Counter-Revolution	ضد انقلاب	International Monetary Fund (IMF)	صندوق بین المللی توسعه کشاورزی
Counter-Revolutionary	ضد انقلابی	Fund for Agricultural Development (IFAD)	صندوق توسعه زنان ملل متحد
Counter-Propaganda	ضد تبلیغ	United Nations	صندوق جمعیت ملل متحد
Deflation	ضد تورم	Development Fund for Women	صندوق جمعیت ملل متحد
Counter-Espionage	ضد جاسوسی	United Nations Population Fund	صندوق زیست محیطی جهانی
Counter-Movement	ضد جنبش	Global Environment Facility	صندوق کودکان ملل متحد
Antiglobalization	ضد جهانی سازی	United Nations Children's Fund (UNICEF)	صنعت اساسی
Pro-Life	ضد سقط جنین	Essential Industry	صنعت گرایي
Counter-Insurgency	ضد شورش	Industrialism	صنعتی شدن (کردن)
Counter-Culture /	ضد فرهنگ (حاکم)	Industrialization	صنف
Counter-Culturalist		Guild	صنف گرایي
Immoralisme	ضدیت با اخلاق	Corporatism (Corporativism)	صورتبندی اجتماعی - اقتصادی
First Strike	ضربه اول	Socio-Economic Formation	
Retaliatory Strike	ضربه تلافی جورانه		
Necessity	ضرورت		
Vulnerability / Asthenia	ضعف		
Sanction	ضمانت اجرایی		
Taghut (Idol)	طاغوت		

ض

ط

Attitude	طرز تلقی	Arc of Crisis	طاق بحران
Attitude	طرز فکر	Tribe	طایفه
Radical	طرفدار اصلاحات اساسی	Consular Classes	طبقات کنسولی
Populationist	طرفدار افزایش جمعیت	Leisure Class	طبقه آسوده
Orthodox	طرفدار ایمان اولیه	Social Class	طبقه اجتماعی
Legitimist	طرفدار تکسالار موروثی	Upper Class	طبقه بالا
Suffragette	طرفدار حق رأی زنان	Caste	طبقه بسته
Democrat	طرفدار دموکراسی	Plebeian	طبقه پایین (روم)
Rebellion / Revolt	طغیان	New Class	طبقه جدید
Putsch	طغیان بی‌حاصل	Ruling Class	طبقه حاکم
Revolt of the Masses	طغیان توده‌ها	Service Class	طبقه خدماتی
Jacqeri (Jacquery)	طغیان دهقانی	Cognitariat	طبقه دانشور
Parasitism	طفیلی‌گری	Peasantry	طبقه دهقان
Social Parasitism	طفیلی‌گری اجتماعی	Ruling Class	طبقه فرمانروا
Remembrancer	طلبستان پادشاه (در انگلستان)	Working Class	طبقه کارگر
Cordon Sanitaire	طناب قرنطینه	Proletariat	طبقه کارگر (صنعتی)
Augean Stables	طویله‌های اوزیاس	Middle Class	طبقه متوسط
		New Middle Class	طبقه متوسط جدید
		Leisure Class	طبقه مرفه
		Caste	طبقه منفصل
Formalism	ظاهرپرستی	Headbanger	طبل توخالی
Tokenism / Window - Dressing	ظاهرسازی	Human Nature	طبیعت انسانی
Injustice	ظلم	Physiocracy	طبیعت‌گرایی
Adventism	ظهور باوری	Physiocratism	طبیعت‌مداری
Advent of Mahdi	ظهور مهدی (ع)	Atoms for Peace Plan	طرح اتم برای صلح
		Baruch Plan	طرح باروخ
		Agenda Setting	طرح برنامه
International Usage	عادت بین‌المللی	Master Plan (Guide Plan) /	طرح جامع
Normalization	عادی‌سازی	Comprehensive Plan	
Superpower Syndrome	عارضه ابرقدرت بودن	Rapacki Plan	طرح راه‌پاکی
Superpower Syndrome	عارضه ابرقدرتی	Schuman Plan	طرح شومن
Chalfont Syndrome	عارضه چالفونت	Schlaing Peace Project	طرح صلح اشلاینگ
Sèvres Syndrome	عارضه سور	Bill	طرح (قانونی)
Creon Syndrome	عارضه کرئون	Colombo Plan	طرح کلمبو
Vietnam Syndrome	عارضه ویتنام	Marshall Plan	طرح مارشال
Dutch Disease	عارضه هلندی	Articulation	طرح مطالبات
Deferred Gratification	عاقبت‌طلبی	Master Plan (Guide Plan)	طرح هادی
Human Destiny	عاقبت بشر	Ostracism	طرد (اجتماعی)
Consequentialism	عاقبت‌گرایی		

ظ

ع

Member	عضو (حزب)	Sciolism	عالم نمائی
Alderman	عضو شورای شهر	Gentleman	عالیجناب
Frontbencher	عضو صدر نشین کابینه (در انگلستان)	Economic Eminence	عالیجناب اقتصادی
	عضو کابینه اصلی یا خیالی (در انگلستان)	Grey Eminence	عالیجناب خاکستری
Frontbencher		Red Eminence	عالیجناب سرخپوش
Communard	عضو کمون	Universalism	عام گرایی
Peer of the Realm	عضو مجلس اعیان	Sleeper Agent	عامل خفته
Crypto	عضو مخفی	Agent Provocateur	عامل فتنه انگیز
Crossbencher	عضو مستقل پارلمان (در انگلستان)	Agent Provocateur	عامل مخرب
Amnesty	عفو	Plebeian	عامی
Amnesty International	عفو بین المللی	Innocent Passage	عبور بی ضرر
Amnesty	عفو عمومی	Justice	عدالت
Baldheaded Eagle	عقاب بی مو	Social Justice	عدالت اجتماعی
Cultural Lag	عقب ماندگی فرهنگی	Justicialism	عدالت خواهی
	عقد دو جانبه برای شخص ثالث ایجاد حق یا تکلیف	Justice	عدل
Pacta Tertiis Nec Nocent Nec	نمی کند	Distributive Justice	عدل توزیعی
Prosunt		Non-Alignment	عدم تعهد
Complex	عقد	Decentralization	عدم تمرکز
Rationality	عقلانیت	Federalism	عدم تمرکز سیاسی (حکومت)
Rationalization	عقلانی سازی	Non-Intervention	عدم دخالت
Rationalization	عقلایی کردن (شدن)	Disengagement	عدم درگیری
Rationalism / Intellectualism	عقل باوری	Non-Intervention	عدم مداخله
Irrationalism	عقل ستیزی	Excuse	عذر خواهی
Intellectualism	عقل گرایی	Olympians	عرشیان
Thriftiness	عقل معاش	Petition	عرضحال
Doctrine	عقیدت	International Custom	عرف بین المللی
Opinion	عقیده	National Sentiment	عرق ملی
Dogma	عقیده جزمی	Petition	عریضه
Political Thought	عقیده سیاسی	Respect	عزت
Public Opinion	عقیده عمومی	Self-Esteem	عزت نفس
Stereotype	عقیده قالبی	National Will	عزم ملی
Casus Foederis	علت پیمان	Love	عشق
Casus Belli (Cause of War)	علت جنگ	Asabiyyat (Group Feeling or Spirit of	عصبیت
Determinism	علت گرایی	Kinship)	
Revolutionary Science	علم انقلاب	Post-Historical Age	عصر پساتاریخی
Laic	علمانی	Adherent	عضو آزمایشی
Secularization	علمانیت	Alderman	عضو انجمن شهر
Scientism	علم باوری	Backbencher	عضو پارلمان (در انگلستان)

Treaty of Tlatelolco	عهدنامه تلاتولکو	Eugenics	علم بهبود نسل
Self-Executing Treaty /	عهدنامه خود اجراشدنی	Hermeneutics	علم تأویل
Non-Self Executing Treaty		Hermeneutics	علم تبیین معانی و مفاهیم
	عهدنامه عمومی انصراف از جنگ	Jurisprudence	علم حقوق
General Treaty for the Renunciation of War		Scientism	علم زندگی
Outer Space Treaty	عهدنامه فضای ماورای جو	Politics / Political Science	علم سیاست
Lateran Treaty	عهدنامه لاتران	Declassification	علمی سازی
Moon Treaty	عهدنامه ماه	Geographical Determinism	علیت باوری جغرافیایی
	عهدنامه منع آزمایش سلاحهای هسته ای	Social Action	عمل اجتماعی
Nuclear Test-Ban Treaty		Fait Accompli	عمل انجام شده
	عهدنامه منع استقرار سلاحهای هسته ای و سایر	Evil Deed	عمل بد
	سلاحهای نابودی جمعی در بستر دریا	Hostile Act	عمل خصومت آمیز
Treaty on the Prohibition of the		Moral Turpitude	عمل خلاف اخلاق حسنه
Implacement of Nuclear Weapons and other		Praxis	عمل راههای بخش
Weapons of Mass Destruction on the Seabed		Unfriendly Act	عمل غیر دوستانه
	عهدنامه منع گسترش سلاحهای هسته ای	Actionism / Activism / Pragmatism	عمل گرایی
Nuclear Non-Proliferation Treaty		Direct Action	عمل مستقیم
Treaty of Friendship	عهدنامه مودت	Hostilities	عملیات جنگی
Objectivism	عین گرایی	Unilateral Act	عمل یکجانبه
Objectivism	عینیت گرایی	Uncle Tom	عمو توم
		Uncle Sam	عمو سام
		Persona Grata	عنصر مطلوب
		Persona non Grata	عنصر نامطلوب
War Indemnity / Reparations	غرامت جنگ	Plebs	عوام
Westernism	غرب باوری	Commoners	عوام
Nostalgia	غربت زدگی	Rabble	عوام الناس
Westomania	غرب زدگی	Vulgarity	عوامانگی
Westernism	غرب گرایی	Vulgarization	عوامانه کردن (شدن)
Wild West	غرب وحشی	Vulgarization	عوام زدگی
Westernization	غربی شدن	Demagogue	عوام فریب
Westernization	غربیگری	Demagogy	عوام فریبی
Pride	غرور	Populism	عوام گرایی
Instinct of Workmanship	غریزه کارگری	Factors of Production	عوامل تولید
Instinct of Workmanship	غریزه کارورزی	Quid Pro Quo	عوض
Instinct of Workmanship	غریزه هنروری	Treaty	عهدنامه
Usurpation of Power	غصب قدرت	Treaty of Neutrality	عهدنامه بیطرفی
Knownothingism	غفلت گرایی		عهدنامه تأمینیه و بیطرفی
Brainstorming	غلیان ذهنی		
Weltschmerz(World Pain)	غم عالم	Treaty of Guarantee and Neutrality	

غ

Federal	فدرال	Nostalgia	غم غربت
Federalism	فدرالیسم	War Booty	غنیمت جنگی
Cooperative Federalism	فدرالیسم تعاونی	Mob	غوغا
Recall	فراخوانی	Ochlocracy / Mobocracy	غوغاسالاری
Escapism	فرار از واقعیت	Colossus of the North	غول شمال
Flight of Capital	فرار سرمایه	Absenteeism	غیبت از کار
Brain Drain	فرار مغزها	Asocial	غیراجتماعی
Fraction	فراکسیون	Zeal	غیرت
Progressionism	فراگشت گرایی	Altruism	غیرخواهی
Post-Materialism	فراماده گرایی	Secularization	غیردینی شدن (کردن)
Freemasonry (Franc-maçonnerie)	فراماسونری	Laic	غیرروحانی
Francoism	فرانکوایسم	Laic	غیرکلیسایی
Post-Modernism	فرانواگرایی	Non-Belligerent	غیرمتحارب
Process	فرایند	Non-Belligerent	غیرمتخاصم
End of History	فرجام تاریخ	Demilitarization	غیرنظامی کردن
Individualism	فردگرایی		
Sophocracy	فرزانه سالاری		
Envoy	فرستاده (سیاسی)	Fabianism	فابیانیسم
Envoy Extraordinary	فرستاده فوق العاده	Fabianism	فابیوس مآبی
Special Envoy	فرستاده ویژه	Phase	فاز
Opportunism	فرصت طلبی	Fascism	فاشیسم
Class Opportunities	فرصتهای طبقاتی	Neo-Fascism	فاشیسم جدید
Sect	فرقه	Clerico-Fascism	فاشیسم کلیسایی
Sectarism	فرقه گرایی	Social Distance	فاصله اجتماعی
Confessionalism	فرقه گرایی مذهبی	Revolutionary Space	فاصله انقلابی
Charter	فرمان	Class Distance	فاصله طبقاتی
Obedience	فرمانبرداری	Falange (Phalange)	فالانژ
Authoritarianism	فرمان پرستی	Falangism	فالانژیسم
	فرمان حقوق بشری کوروش کبیر	Phalanstere (Phalanstery)	فالانستر
Cyrus the Great Charter of Human Rights		Utilitarianism	فایده گرایی
Governor General	فرماندار کل	Food and Agriculture Organization of the	فائو
Resident	فرماندار مستعمره	United Nations (FAO)	
Governor Generalship	فرمانداری کل	Conquest	فتح
Residency	فرمانداری مستعمره	Interval	فترت
Commander-in-Chief /	فرمانده کل قوا	Sedition / Intrigue	فتنه انگیزی
Generalissimo		Fatwa (Formal Legal Opinion)	فتوا
	فرماندهی نیروهای استقرار سریع	Snob	فخر فروش
Rapid Deployment Forces Command		Confederacy / Federation	فدراسیون

ف

Administrative Corruption	فساد اداری	فرماندهی نیروهای واکنش سریع
Political Corruption	فساد سیاسی	Rapid Deployment Forces Command
Fossil	فسیل	Sovereign / Caudillo
Oppression	فشار	فرمانروا
Social Pressure	فشار اجتماعی	Despot
Group Pressure	فشار گروهی	فرمانروای مستبد
Lebensraum (Living Space)	فضای حیاتی	Enlightened Despot
Cyberspace	فضای سبیرنتیکی	فرمانروای مستبد منورالفکر
Cyberspace	فضای کامپیوتری	Demarchy
Outer Space	فضای ماورای جو	فرمانروائی مردم
Air Space	فضای ملی	فرمانروائی مطلق کارگران
Busybody	فضول	Dictatorship of Proletariat
Virtue	فضیلت	Home Rule
Activism	فعالگری	فرمانروائی میهنی
Activism	فعالیت (سیاسی)	فرمانروائی همه
Poverty	فقر	Pantisocracy
Pauperization	فقر زحمتکشان	Conscientious Objector
Absolute Poverty	فقر مطلق	فرمان شکن وجدانی
Relative Deprivation	فقر نسبی	Diplomatics
Slum	فقیر آباد	فرمان شناسی
Pauperization	فقیر شدن زحمتکشان	Consular Commission
Political Thought	فکر سیاسی	فرمان کنسولی
Fallacy	فکر غلط	فرمول یک کشور و دو نظام
Continental Shelf	فلات قاره	One Country, Two Systems Formula
Palestinians	فلسطینیها	Westernization
Dogmatism	فلسفه جزمی	Disintegration
Jurisprudence	فلسفه حقوق	فرهنگی مآبی
Stoicism	فلسفه رواقی	Humility
Political Philosophy	فلسفه سیاسی	فروپاشی
Scholasticism	فلسفه مدرسی	فروتنی
Feminism	فمینیسم	Arms Sale
Radical Feminism	فمینیسم رادیکال	فروش تسلیحاتی
Liberal Feminism	فمینیسم لیبرال	Mob
Information Technology	فناوری اطلاعات	فرهنگ
Cryptotechnophobia	فناوری ترسی باطنی	Charisma
Technocrat	فن‌سالار	Culture
Technocracy	فن‌سالاری	Culture of Feeling
Finlandization	فن‌لانندی کردن	فرهنگ احساسی
		Acculturation
		فرهنگ پذیری
		Assimilation
		فرهنگ پذیری فردی
		Proletcult
		فرهنگ پرولتری
		Counter-Culturalist
		فرهنگ حاکم ستیز
		Political Culture
		فرهنگ سیاسی
		Folklore
		فرهنگ عامه
		Folklore
		فرهنگ قومی
		Counter-Culture
		فرهنگ متقابل
		Civic Culture
		فرهنگ مدنی
		National Culture
		فرهنگ ملی
		Clerisy
		فرهنگتگان
		Chattering Classes
		فرهنگتگان زباندار
		Manipulation (Of Opinion)
		فریفتگری
		Social Deterioration
		فساد اجتماعی
		Moral Turpitude
		فساد اخلاق

Written Constitution	قانون اساسی مدون	Technocrat	فئمدار
Divine Law	قانون الهی	Technocracy	فئمداری
Electoral Law	قانون انتخابات	Fordism	فوردیسم
International Law	قانون بین‌المللی	Force Majeure	فورس مازور
Jim Crow Law	قانون تبعیض نژادی	Forum	فوروم
Contradiction (Law of)	قانون تضاد	Fourierism	فوریه آیینی
Law of Social Gravity	قانون جاذبه اجتماعی	Fourierism	فوریه گرایبی
Law of Jungle	قانون جنگل	Focoism	فوکوایسم
Jim Crow Law	قانون جیم کراو	Electoral List	فهرست کاندیداها
Martial Law	قانون حکومت نظامی	Verstehen (Understanding)	فهم
Constitutionalism	قانون خواهی	Physiocratism	فیزیوکراتیسم
Municipal Law	قانون داخلی	Physiocracy	فیزیوکراسی
Duverger's Law	قانون دوورژه	Philosopher-King	فیلسوفشاه
Zipf's Law	قانون زیف	Filibuster	فیلیباستر
Constitutionalism	قانون سالاری	Silent Filibuster	فیلیباستر خاموش
Anti-Trust Law	قانون ضد تراست	Feudalism	فئودالیسم
Natural Law	قانون طبیعت		
Golden Rule	قانون طلائی		
Natural Law	قانون فطری		
Delegated Legislation	قانون‌گذاری تفویضی	Convertibility of Currency	قابلیت تبدیل پول
Initiative	قانون‌گذاری مستقیم	Productivity	قابلیت تولید
Delegated Legislation	قانون‌گذاری وکالتی	Contraband (of War)	قاچاق جنگ
Legalism	قانون‌گرایی	Conditional Contraband	قاچاق مشروط جنگ
Patriot law (Act)	قانون میهنی	Absolute Contraband	قاچاق مطلق جنگ
Legitimacy	قانونیت	Qasit (Tyrant)	قاسط
Deputy	قائم‌مقام	Jus Cogens	قاعده آمره
Gentlemen's Agreement	قبولی شرافتمندانه		قاعده بیست و چهار ساعت
Tribe	قبیله	Twenty-Four Hours Rule	
Assassination	قتل	Cube Rule	قاعده توان سوم (کعب)
Euthanasia (Mercy Killing)	قتل از روی ترحم	Cannon Shot Rule	قاعده تیررس توپ
Massacre	قتل عام	Golden Rule	قاعده زرین
Euthanasia (Mercy Killing)	قتل نجات بخش		قاعده مراجعه به کلیه مراجع صلاحیتدار داخلی
Famine	قحطی	Exhaustion of Local Remedies Rule	
Dignity	قدر	Law	قانون
Power	قدرت	Iron Law of Oligarchy	قانون آهنین اولیگارش
Community Power	قدرت اجتماع	Iron Law of Wages	قانون آهنین مردها
Power Potential	قدرت بالقوه	Constitution (Fundamental Law)	قانون اساسی
Productivity	قدرت تولید	Customary Constitution	قانون اساسی عرفی
		Unwritten Constitution	قانون اساسی غیرمدون

ق

Treaty of Friendship	قرارداد دوستی	Bargaining Power	قدرت چانه‌زنی
Sykes-Picot Agreement	قرارداد سایکس - پیکو	Establishment	قدرت حاکم
Schengen Convention	قرارداد شنکن	Countervailing Power	قدرت خنثی‌کننده
Seat Agreement	قرارداد محل	Sea Power	قدرت دریائی
Concordat	قرارداد مذهبی	State Power	قدرت دولتی
Headquarters Agreement	قرارداد مقر	Spiritual Power	قدرت روحانی
	قرارداد مقر سازمان ملل متحد (۱۹۴۷)	Red Power	قدرت سرخوستان
Headquarters of the United Nations Agreement (1947)		Political Power	قدرت سیاسی
Munich Accord	قرارداد مونیخ	Black Power	قدرت سیاهپوستان
Cartel	قرارداد نظامی	Authoritarianism	قدرت گرای
Geneva Conventions	قراردادهای ژنو	Empowerment	قدرت‌گیری
Camp David Agreements	قراردادهای کمپ دیوید	Treaty-Making Power	قدرت معاهده‌سازی
Helsinki Accord	قرارداد هلسینکی	National Power	قدرت ملی
Modus Vivendi	قرار موافقت	Unilateral Power	قدرتمندی یکجانبه
Arrangement	قرار و مدار	Military Power	قدرت نظامی
Interim Measures of Protection (Provisional Measures)	قراره‌های تأمین	Great Powers	قدرتهای بزرگ
National Loan	قرضه ملی	Micropowers	قدرتهای بسیار کوچک
Short Century	قرن کوتاه	Small Powers	قدرتهای کوچک
People's Century	قرن مردم	Middle Powers	قدرتهای متوسط
Middle Ages	قرون وسطی		قدرتهای هسته‌ای آستانه‌ای
Qist (Fairness, Justice)	قسط	Threshold Nuclear Powers	
Plank	قسمت مهم برنامه حزب	Countervailing Power	قدرت همسنگ
Plank	قسمت مهم مراسم	Air Power	قدرت هوایی
Social Stratum	قشر اجتماعی	Powerful as Fate	قدر قدرت
Social Stratification	قشربندی اجتماعی	Embargo	قذغن تجاری
Underclass	قشر فقیر جامعه	Accord (Agreement)	قرار
Judgement of Fact	قضاوت بر اساس واقعیت	Arrangement	قرار تنظیمی
Pole	قطب	Accord (Agreement) / Contract / Convention	قرارداد
Polarization	قطب‌بندی	social Contract	قرارداد اجتماعی
Antarctica	قطب جنوب (قاره)		قرارداد استخدام مشروط به عدم عضویت در اتحادیه
Polarization	قطبی‌شدن	Yellow-Dog Contract	
Guillotine	قطع اجباری بحثهای پارلمانی	Agreement	قرارداد (بسیط)
Disengagement	قطع درگیری	Buy Back Contract	قرارداد بیع متقابل
Breaking-off (Rupture) of Diplomatic Relations	قطع روابط دیپلماتیک	Capitulation	قرارداد تسلیم پایگاه
Resolution	قطعنامه	Gentlemen's Agreement	قرارداد جوانمردانه
		Compromis	قرارداد داوری
		Bilateral Agreement	قرارداد دوجانبه

Cabinet	کابینه	Heartland	قلب زمین
Kitchen Cabinet	کابینه آشپزخانه	Domain	قلمرو
War Cabinet	کابینه جنگی	Territorial Jurisdiction	قلمرو حاکمیت
Shadow Cabinet	کابینه حزب مخالف	Deterritorialization	قلمروزدایی
Shadow Cabinet	کابینه خیالی	Erga Omnes Obligations	قواعد عام‌الشمول
Shadow Cabinet	کابینه سایه	قوانین حمایت از سرمایه گذاران در بورس اوراق	قوانین حمایت از سرمایه گذاران در بورس اوراق
Shadow Cabinet	کابینه غیررسمی	Blue Sky Laws	بهادار
Capitalism	کاپیتالیسم	Draconian Laws	قوانین سخت
Captain	کاپیتان	Draconian Laws	قوانین شدید
Capitulations	کاپیتولاسیون	Statute Law	قوانین مصوب
Catholic	کاتولیک	Positive Law (Statutory Law)	قوانین موضوعه
White House	کاخ سفید	Extraterritoriality	قوت برونمرزی حقوق کشور
Cadre	کادر	Discourse	قول
Political Cadre	کادر سیاسی	Ethnos	قوم
Caudillo	کادیلو	Ethnocentrism	قوم پرستی
Caudillo	کادی‌بو	Pogrom	قوم‌کشی
Labour / Work	کار	Ethnocentrism	قوم‌مداری
Entrepreneur	کارآفرین اقتصادی	Ethnicity	قومیت
Entrepreneurship	کارآفرینی اقتصادی	Force Majeure	قوه قاهره
Compulsory Labor	کار اجباری	Judicial Power	قوه قضائیه
Political Efficiency /	کارائی سیاسی	Executive Power	قوه مجریه
Political efficacy		Legislative Power	قوه مقننه
Epic	کار برجسته	Quixotism	قهرمانبازی
Green Card	کارت سبز	Hero Worship / Personality Cult	قهرمان پرستی
Carte Blanche	کارت سفید	Heroism	قهرمان‌گرایی
Cartel	کارتل	Heroism	قهرمانی
Logrolling	کارچاق‌کنی	Cybercafe	قهوه‌خانه کامپیوتری
Act of God	کار خدا	Insurgency	قیام
Charge d'Affaires	کاردار	Jacqeri (Jacquery)	قیام دهقانی
Charge d'Affaires ad Interim	کاردار موقت		قیام مردم (علیه دشمن اشغالگر)
Work to Rule	کار در حد مقررات	Levee en Masse (People's Uprising)	قیام مسلحانه
Career	کارراهه	Insurrection / Armed Uprising	قیام مسلحانه
Entrepreneur	کار سالار	Caesarism	قیصرسالاری
Entrepreneurship	کار سالاری	Equilibrium Price	قیمت تعادلی
Obstruction	کارشکنی	Petroleum Pricing	قیمت‌گذاری نفت
Feat	کار عظیم		
Entrepreneurship	کارفرمایی اقتصادی کارآمد		
Functionalism	کارکردباوری	Cabotage (Coastal Trade)	کابوتاژ

ک

Old Commonwealth	کامنولث قدیم	Functionalism	کارکردگرایی
International Channel	کانال بین‌المللی	Members of the Consular Staff	کارکنان کنسولی
Canalization	کانالیزه کردن	Union Shop	کارگاه اتحادیه‌ای
Condominium	کاندومینیوم	Sweatshop	کارگاه بهره‌کشی
Candidate	کاندیدا	Closed Shop	کارگاه محدود
Carpetbagger	کاندیدای ابن‌الوقت	Proletarian (Proletaire)	کارگر
Carpetbagger	کاندیدای غیرمحملی	Proletariat	کارگران
Dark Horse	کاندیدای گمنام	Cognitariat	کارگران فکری
Favourite Son	کاندیدای محبوب همولایتیها	Fink	کارگر خیرچین
Dark Horse	کاندیدای ناشناس	Affluent Worker	کارگر مرفه
Constructivism	کانستراکتیویسم	Proletarianization	کارگری شدن
Association / Club	کانون		کارگزاریهای تخصصی ملل متحد
Jewish National Home	کانون ملی یهود	United Nations Specialized Agencies	
Insurrectional Focuses	کانونهای شورشی	Work to Rule	کار مطابق مقررات
Devaluation	کاهش ارزش برابری پول	Work to Rule	کار مقرراتی
Reductionism	کاهشگری		کارمندان دیپلماتیک
Kaizen	کایزن	Members of the Diplomatic Staff	
Dove	کبوتر		کارمندان مأموریت
Blue Book	کتاب آبی	Members of the Staff of the Mission	
Heretical Books	کتابهای ضاله	International Functionary	کارمند بین‌المللی
Heretical Books	کتابهای مُضِل	Civil Servant	کارمند دولت
Kitman (Concealment)	کتمان	Consular Employee	کارمند کنسولی
Religious Pluralism	کثرت‌گرایی دینی	Public Works	کارهای ساختمانی دولتی
Political Pluralism	کثرت‌گرایی سیاسی	Career	کاریر
Stolypinian Tie	کراوات استولپین	Caste	کاست
Parliamentary Cretinism	کرتینیسم پارلمانی	Castroism	کاستروایسم
Praxis	کردار انقلابی	Bureaucratism / Red Tape	کاغذبازی
Evil Deed	کردار زشت	Internet Cafe	کافه اینترنتی
Sexual Conduct	کردار سکسی	Cybercafe	کافه سبیرتیبکی
Diplomatic Corps	کر دیپلماتیک	Cybercafe	کافه کامپیوتری
Marginal Seat	کرسی حاشیه‌ای	Coffee Net	کافی نت
Curfew	کرفیو	Commodity Fetishism	کالاپرستی
Consular Corps	کرکنسولی	Contraband (of War)	کالای غیرمجاز
Kremlin	کرملین	Strategic Material	کالای مهم (از لحاظ نظامی)
Kremlinology	کرملین‌شناسی	Electoral College	کالج انتخاباتی
Economic Depression	کساد اقتصادی	Common Law	کامن‌لا
Naturalization	کسب تابعیت	Commonwealth (of Nations)	کامنولث
Ad Referendum	کسب تکلیف	New Commonwealth	کامنولث جدید

Geographically Disadvantaged States	کشورهای متوسط	Peasantry	کشاورزان
Middle Powers	کشورهای مستقل مشترک المنافع	Massacre	کشتار جمعی
Commonwealth of Independent States (CIS)	کشورهای ملی	Quick Kill	کشتار سریع
National States	کشورهای ملی	Euthanasia (Mercy Killing)	کشتن دلسوزانه
One-Party State	کشور یک حزبی	Merchant Ship	کشتی تجارتي
Hierocracy	کشیش سالاری	Warship	کشتی جنگی
Guillotine	کفایت مذاکرات	Conflict	کشمکش
Closure	کفایت مذاکرات (رأی)	International Conflict	کشمکش بین المللی
Globo Cop	کلانتر جهان	State / Country	کشور
Macropolitique / Megapolitics	کلان سیاست	Landlocked State	کشور بی ساحل
Circumvention of the Law	کلاه شرعی	Receiving State	کشور پذیرنده
Nuclear Warhead	کلاهک هسته‌ای	Newly Industrialized Country	کشور تازه صنعتی
Clientelism	کلاینتلیسم	Protected State	کشور تحت الحمايه
Cynicism	کلیبی گری	Blend Country	کشور ترکیبی
Cynicism	کلیبی مشربی	Buffer State	کشور حائل
Colony	کلنی	Statesperson	کشوردار
Club	کلوب	Civics / Statecraft	کشورداری
Paris Club	کلوب پاریس	City-State	کشور شهر
Club of Ten	کلوب ده	Rogue State	کشور غیر مسئول
Club of Rome	کلوب رم	Federal State	کشور فدرال
Political Club	کلوب سیاسی	Sending State	کشور فرستنده
Human Cloning	کلونسازی انسان	Debt Ridden Country	کشور قرض زده
Skinheads	کله طاسها	Archipelagic State	کشور مجمع الجزایری
Top Brass	کله گنده‌ها	Buffer State	کشور میانگیر
Established Church	کلیسای رسمی	ABC Powers	کشورهای آرژانتین - برزیل - شیلی
Perfectionism	کمال باوری	Superpowers	کشورهای ابر قدرت
Perfectibilism	کمال پذیری	Great Powers	کشورهای بزرگ
Kemalism	کمالیسم	Front-Line States	کشورهای خط مقدم جبهه
East India Company	کمپانی هند شرقی	Developing Countries	کشورهای در حال توسعه
Minimax	کمترین پیشینه	Dynastic States	کشورهای دودمانی
Disadvantage	کمداری	Micropowers	کشورهای ذره‌ای
Cordon Sanitaire	کمر بند حفاظی	Emerging Countries	کشورهای رو به نمو
Shyness (Bashfulness, Timidness)	کمر وئی	Emerging Countries	کشورهای سر بر آورنده
Assistance	کمک	Abackwarded Countries /	کشورهای عقب افتاده
Subsidy	کمک بلا عوض دولتی	Backwarded Countries	
Foreign Aid	کمک خارجی	Non-Aligned Countries	کشورهای غیر متعهد
Block Grant	کمک کلی	Small Powers	کشورهای کوچک
			کشورهای متضرر جغرافیائی

United Nations Economic Commission for Latin America (ECLA)	Grants-in-Aid	کمکهای بلاعوض
کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا	Block Grant	کمک یکجا
United Nations Economic Commission for Europe (ECE)	Commune	کمون
کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه	Communalism	کمون‌گرایی
United Nations Economic and Social Commission for Asia and the (ESCAP) Pacific	Communitarianism	کمونیتاریانیسم
کمیسیون برانت	Commie	کمونیت
Independent Commission on International Development Issues (Brandt Commission)	Margarine Communist	کمونیت مارگارین
کمیسیون حقوق بشر ملل متحد	Pink	کمونیت میانه‌رو
United Nations Commission on Human Rights	Communism	کمونیزم
کمیسیون حقوق بین‌الملل	Anarcho-Communism	کمونیزم آنارشستی
International Law Commission (ILC)	Euro-Communism	کمونیزم اروپائی
کمیسیونر عالی	Garrison Communism	کمونیزم پادگانی
High Commissioner (Commissaire)	Decommunization	کمونیزم‌زدایی
کمیسیون سه‌جانبه	Anti-Communism	کمونیزم ستیزی
High Commission	National Communism	کمونیزم ملی
کمیسیون فرعی	Committee	کمیته
Subcommission	International	کمیته بین‌المللی صلیب سرخ
Parliament Commission	Committee of the Red Cross (ICRC)	کمیته بین‌المللی صلیب سرخ
کمیسیون محدود پارلمانی	Committee of 300	کمیته سیصد (۳۰۰)
کمیسیون مرکزی	Central Committee	کمیته مرکزی
کمیسیون مجلس	Commissar	کمیسر
کمیسیون محدود پارلمانی	People's Commissar	کمیسر خلق
کمیسیون مستقل بررسی مسائل رشد و توسعه جهان	High Commissioner (Commissaire)	کمیسر عالی
Independent Commission on International Development Issues (Brandt Commission)	کمیسیونر عالی ملل متحد برای پناهندگان	کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان
کمیسیون مقام زن	United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)	کمیسیونر عالی ملل متحد برای پناهندگان
کمیسیون وضعیت زنان	Commission	کمیسیون
United Nations Special Commission (UNSCOM)	European Commission	کمیسیون اروپا
کناره گیری (از سلطنت)	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیا و خاور دور	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیا و خاور دور
کناره گیری از نمایندگی مجلس	United Nations Economic Commission for Asia and the Far East (ECAFE)	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیای غربی
کنترا	United Nations Economic Commission for Western Asia (ECWA)	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیای غربی
کنترل اجتماعی	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا
کنترل ارز	United Nations Economic Commission for Africa (ECA)	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا
کنترل افکار	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آمریکای لاتین	کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آمریکای لاتین
کنترل بحران		

Congress	کنگره	Arms Control	کنترل تسلیحات
Convention	کنوانسیون	Manipulation (Of Opinion)	کنترل عقاید
American Convention on Human Rights	کنوانسیون آمریکائی حقوق بشر	Civilian Control of the Military	کنترل غیر نظامی ارتش
Protection of European Convention for the Human Rights and Fundamental Freedoms	کنوانسیون اروپائی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی	Checks and Balances	کنترل و موازنه
Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space (1974)	کنوانسیون ثبت اشیای پرتابی به فضای ماورای جو (۱۹۷۴)	Consortium	کنسرسیوم
Convention on the Elimination of all forms of Discrimination against Women	کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان	Concern	کنسرن
Schengen Convention	کنوانسیون شنگن	Consul	کنسول
Lome Convention	کنوانسیون لومه	Honorary Consular Officer	کنسول افتخاری
United Nations Convention on ClimateChange	کنوانسیون ملل متحد درباره تغییر آب و هوا	Consulate	کنسولگری
Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment	کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای وحشیانه و غیر انسانی یا تحقیرآمیز	Vice Consul	کنسولیار
Vienna Convention on Diplomatic Relations (1961)	کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)	Actionism	کنش‌گرایی
Vienna Convention on Consular Relations (1963)	کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی (۱۹۶۳)	Social Interaction	کنش متقابل اجتماعی
Vienna Convention on Special Missions (1969)	کنوانسیون وین درباره مأموریت‌های ویژه (۱۹۶۹)	Affirmative Action	کنش مثبت
Vienna Convention on the Representation of States in their Relations with International Organization of a Universal	کنوانسیون وین درباره نمایندگی دولتها در روابطشان با سازمانهای بین‌المللی جهانی (۱۹۷۵)	Confederacy / Confederation	کنفدراسیون
Geneva Conventions	کنوانسیونهای ژنو	Confederation of Free Trade Unions (ICFTU)	کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد
		Confederation of the Peoples of Caucasus	کنفدراسیون خلقهای قفقاز
		Labour Confederation	کنفدراسیون کارگری
		Conference	کنفرانس
		Conference on Security and Cooperation in Europe (CSCE)	کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا
		Bandung Conference	کنفرانس باندونگ
		Bretton Woods Conference	کنفرانس برتون وودز
		International Conference on Religions for Peace	کنفرانس بین‌المللی ادیان برای صلح
		Potsdam Conference	کنفرانس پوتسدام
		United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)	کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد
		World Conference on Human Rights	کنفرانس جهانی حقوق بشر
		World Conference on Women	کنفرانس جهانی زن
		Yalta Conference	کنفرانس یالتا
		Concordat	کنکوردا

Laicism	گرایش به جدایی دین و سیاست	کوئولوگی بلاهت آمیز پارلمانی
Agenda Setting	گرداندن دستور جلسه	Parliamentary Cretinism
Cyclism	گردگشت گرای	Gnomes of Zurich
	گردهمایی داووس (مجمع اقتصادی جهانی)	کوئوله‌های زوریخ
Davos Meeting (World Economic Forum)		Parochialism
Conference	گردهمایی	کوئوتهینی
Meeting	گردهمایی	Migration
Hostage	گروگان	کوچ
Hostage Taking	گروگانگیری	Downsizing of Government
Group	گروه	کوچک سازی دولت
Andean Group	گروه آندی	Deindustrialization
Groupthink	گروه اندیشی	کوچک شدن سهم صنعت
Grouping	گروه بندی	Downsizing of Government
Consortium	گروه بندی چند شرکت	کوچک کردن حکومت
Regional Grouping	گروه بندی منطقه‌ای	Nomadism
Group of Paris	گروه پاریس	کوچگری
Group of Fifteen (G15)	گروه پانزده	Coup d'Etat
Pressure Group	گروه تحمیل	کودتا
Ginger Group	گروه تندرو	Privateering (Course)
Group of Ten (Paris Club)	گروه ده	کورس
Developing-8(D-8) Group	گروه دی-۸	Activism
Interest Group	گروه ذینفع	کوشندگی
Group of Shanghai	گروه شانگهای	Kulak
Pressure Group	گروه فشار	کولاک
Tiny Group (Grouplet)	گروهک	Council for Mutual Economic
Brain Trust	گروه کارشناس	Assistance (CMEA or COMECON)
Quality Circle	گروه کنترل کیفیت	کمک (CMEA or COMECON)
Small Group	گروه کوچک	Comintern (Communist International)
Contadora Group	گروه کونتادورا	کومینترن
Opposition	گروه مخالف	کومینفورم
Reference Group	گروه مرجع	Cominform (Communist Information Bureau)
	گروه ناظران نظامی ملل متحد در ایران و عراق	کوئیزلینگ
Think Tanks	گروه‌های اندیشه پردازی	Obscurantism
Vested Interests	گروه‌های ذینفع	کهنه پرستی
Think Tanks	گروه‌های محققان	Kibbutz
Group of Eight (G8)	گروه هشت	کیبوتز
Group of Seventy-Seven	گروه هفتاد و هفت	Diplomatic Bag
Gordian Knot	گره کور	کیسه دیپلماتیک
		Personality Cult
		کیش شخصیت
		Quixotism
		کیشوت مآبی
		Vendetta
		کین خواهی
		Keynesianism
		کینزیانیسم
		گ
		General
		گات
		Agreement on Tariffs and Trade (GATT)
		گارد احترام
		Guard of Honour
		Ghetto
		گتو
		Slum
		گدا آباد
		Passport
		گذرنامه
		Duty Passport
		گذرنامه خدمت
		Diplomatic Passport
		گذرنامه دیپلماتیک
		Nansen Passport
		گذرنامه نانسن
		White Elephant
		گران و کم فایده

Bill of Attainder		Gordian Knot	گره گوردیوسی
Bill	لایحه (قانونی)	Escapism	گریزگرایی
	لایحه محرومیت از حقوق اجتماعی	Guerrilla	گریلا
Bill of Attainder		Green Card	گرین کارد
Lions International	لایتنز بین‌المللی	Alternative	گزینہ
Social Stratum	لایه اجتماعی	Zero Option	گزینہ صفر
Underclass	لایه اجتماعی فرودست طبقه (کارگر)	Nuclear Proliferation	گسترش سلاحهای هسته‌ای
Ozone Layer	لایه اوزون	Gestapo	گشتاپو
Social Stratification	لایه‌بندی اجتماعی	Discourse	گفتار
Laic	لائیک	Dialogue	گفتگو
Logistics	لجستیک	Critical Dialogue	گفتگوی انتقادی
Mudslinging	لجن‌پراکنی	Dialogue among Civilizations	گفتگوی تمدنها
Hedonism	لذت‌گرایی	Discourse	گفتمان
Law Lord	لرد حقوقدان	Glasnost	گلاسنوست
Life Peer	لرد مادام‌العمر	Human Herd	گله انسانی
Lèse Majesty (Lèse Majesté)	لرماژسته	Gaullism	گلیسم
Loge (Lodge)	لژ		گماینشافت و گزلفاشت
Legion	لژیون	Gemeinschaft and Gesellschaft	
Laissez-Passer Passport	لسه‌پاسه پاسپورت	Desaparecido(Disappeared)	گمشده
Recall	لغو نمایندگی	Disorientation	گم‌گشتگی
Rhetoric	لغاطی	Navicert	گواهی معافیت از بازرسی
Smear Word	لقب موهن	Gorbachevism	گورباچفیسیم
Leninism	لنینیسم	Gorby	گوربی
Lutheranism	لوتری اندیشی	Vigilants	گوش به‌زنگها
Lumpen	لومپن	Human Shield	گوشت دم توپ
Lumpenproletariat	لومپن پرولتاریا	Eremitism	گوشه‌گیری
Longuetisme (Longuetism)	لونگتیسیم	Outsider	گوشه‌نشین
Leviathan	لویاتان	Gulag	گولاگ
Legate (Legat)	لدگا		
Liberal	لیبرال		
Liberal Democracy	لیبرال دموکراسی	Lobbyist	لابی‌ایست
Liberal Unionist	لیبرال وحدت‌طلب	Lobbying (Lobbyism)	لابی‌ایسم
Liberalism	لیبرالیسم	Lumpen	لات
Economic Liberalism	لیبرالیسم اقتصادی	Luddism	لادیسم
Bourgeois Liberalism	لیبرالیسم بورژوایی	Bluffing	لافزنی
Neo-Liberalism	لیبرالیسم جدید	Espionage Den	لانه جاسوسی
Lèse Majesty (Lèse Majesté)	لیزماجستی	Transcendentalism	لاهورت‌گرایی
Visa Look-out List	لیست احتیاطی ویزا		لایحه سلب حقوق اجتماعی

Machiavellism (Machiavellianism)	ماکیاویلیسم	Electoral List	لیست انتخاباتی
Magna Carta (Great Charter)	ماگنا کارتا	Diplomatic List	لیست دیپلماتیک
Malthusianism	مالتوس‌گرایی	Blacklist	لیست سیاه
Private Property	مالکیت خصوصی	Lynching	لینچ کردن
Prescription	مالکیت دائر مرور زمان		
Absenteeism	مالکیت غایبانه		
Tax	مالیات	Deferred Gratification	مال‌اندیشی
Poll Tax	مالیات سرانه رأی دهندگان	Ultra-Imperialism	مابعد امپریالیسم
Public Finance	مالیه عمومی	Post-Modernism	مابعد نوگرایی
Sleeper Agent	مأمور خوابیده	Materialism	ماتریالیسم
Diplomatic Agent	مأمور دیپلماتیک	Historical Materialism	ماتریالیسم تاریخی
Diplomat (Diplomatist)	مأمور سیاسی	Dialectical Materialism	ماتریالیسم دیالکتیک
	مأمور عالی‌رتبه دولت	Adventurism (Aventurisme)	ماجراجویی
High Commissioner (Commissaire)		Matriarchy	مادرسالاری
	مأمور عالی ملل متحد برای پناهندگان	Matriarchy	مادرشاهی
United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)		Metropolis (Metropole)	مادرشهر
Refugees (UNHCR)		Optional Clause	ماده اختیاری
Consular Officer	مأمور کنسولی	Strategic Material	ماده استراتژیک
Honorary Consular Officer	مأمور کنسولی افتخاری	Rider	ماده الحاقی
Bureaucrat	مأمور مقرراتی	Materialism	ماده پرستی
Ombudsman	مأمور ویژه رسیدگی به شکایت مردم	Materialism	ماده‌گرایی
Mission	مأموریت	Dialectical Materialism	ماده‌گرایی جدلی
	مأموریت خاص	Article Nineteen	ماده نوزده (سازمان)
Ad Hoc Mission (Special Mission)		Materialism	مادیگری
Diplomatic Mission	مأموریت دیپلماتیک	Mariq (Defector)	مارق
Extraordinary Mission	مأموریت فوق‌العاده	Marxism	مارکسیسم
Sacred Mission	مأموریت مقدس	Neo-Marxism	مارکسیسم جدید
	مأموریت ویژه	Dogmatic Marxism	مارکسیسم جزمی
Ad Hoc Mission (Special Mission)		Creative Marxism	مارکسیسم خلاق
Electoral Manoeuvres	مانورهای انتخاباتی	Vulgar Marxism	مارکسیسم عامیانه
Diplomatic Manoeuvres	مانورهای دیپلماتیک	Legal Marxism	مارکسیسم قانونی
Manifesto	مانیفست	Marxism-Leninism	مارکسیسم - لنینیسم
Human Nature	ماهیت بشر	Marianne	ماریان
Maoism	مائوایسم	Machine	ماشین
Barter	مبادله پایاپای	Rubber Stamp	ماشین تأیید
Exchange of Notes (Letters)	مبادله یادداشتها	State Machine	ماشین دولتی
Militant	مبارز	Machinism	ماشینیسم
Electioneering	مبارزه انتخاباتی	Mafia	مافیا

World Economic Forum (Davos Meeting)	مجمع اقتصادی جهانی (اجلاس داووس)	Class Struggle	مبارزه طبقاتی
Electoral College	مجمع انتخاباتی	Power Struggle	مبارزه قدرت
Electoral College	مجمع برگزینندگان	Jihad (Holy Campaign)	مبارزه مقدس
Plenum	مجمع حزب	Grass Roots Campaign	مبارزه وسیع و مردمی
Symposium	مجمع علمی	Agitator	مبلغ (آژیتاتور)
General Assembly	مجمع عمومی	Armistice	متارکه جنگ
Paper Blockade	محاصره بی اثر	Truce	متارکه موقت جنگ
Blockade	محاصره دریایی	Grace	متانت
Containment of Communism	محاصره کمونیسم	Belligerent	متحارب
Escort	محافظان	Belligerent	متخاصم
Self-Protection	محافظت از خود	Mutraf (Rich)	مترف
Bodyguard	محافظ شخصی	Progressive	مترقی
Conservatism	محافظه کاری	Metropolis (Metropole)	متروپل
Neo-Conservatism	محافظه کاری جدید		متصدی امور کنسولی
Working Class Conservatism	محافظه کاری طبقه کارگر	Charge des Affaires Consulaires	
Show Trial	محاکمه نمایشی	Snob	متکبر
Regimentation	محدودیت شدید	Me-tooism	متوایسم
Parochialism	محدودیت فکر	Mediocrity	متوسط الحالی
Judicial Restraint	محدودیت قضائی	Growth Triangle	مثلث رشد
Motivation (Motive)	محرک	Economic Sanction	مجازات اقتصادی
Agitator	محرک	Sanction	مجازات نقض قانون
Insider	محرم (خودی)	Contiguity	مجاورت
Disadvantage	محرومیت	Military-Industrial Complex	مجمع نظامی - صنعتی
Civil Degradation	محرومیت از حقوق اجتماعی	Parliament / Assembly	مجلس
Relative Deprivation	محرومیت نسبی	Upper House	مجلس بالاتر
Gross Domestic Product	محصول ناخالص داخلی	Lower House	مجلس پایین تر
Gross National Product	محصول ناخالص ملی	Lower House	مجلس تالی
Coterie	محفل	People's Assembly	مجلس خلق
Quality Circle	محفل کارشناسی	Second Chamber	مجلس درجه دو
Sanctuary	محل تحصن	First Chamber	مجلس درجه یک
Slum	محل فقیرنشین	Senate Assembly	مجلس سنا
Ghetto	محل محرومان	Consultative Assembly	مجلس شورا
Ghetto	محل یهودی نشین	Upper House	مجلس عالی
Parochialism	محل گری	National Assembly	مجلس ملی
Diplomatic Bag	محموله دیپلماتیک	Constituent Assembly	مجلس مؤسسان
Axis	محور	Conference / Congress / Convention /	مجمع
		Assembly	
		World Social Forum	مجمع اجتماعی جهانی

Strategic Arms Limitation Talks (Salt)	مذاکرات کاهش تسلیحات استراتژیک	Axis of Evil	محور شرارت
		Social Milieu	محیط اجتماعی
Strategic Arms Reduction Talks (Start)		Belligerency	مخاصمه
Negotiation	مذاکره	Risk	مخاطره
Conversation	مذاکره (غیررسمی)	Dissenter / Dissident	مخالف
Protestantism	مذهب پروتستان	Opposition	مخالفان سیاسی
Official Religion	مذهب رسمی	Pocket Veto	مخالفت بی سروصدا
Zwinglianism (Zwingliism)	مذهب زوینگلیانی	Think Tanks	مخزنهای فکری
Calvinism	مذهب کالونی	Concealment (Secrecy)	مخفی‌کاری
Lutheranism	مذهب لوتری	Intervention	مداخله
Plebiscite	مراجعه به آحاد ناس		مداخله به خاطر بشردوستی
Referendum	مراجعه به آرای عمومی	Humanitarian Intervention	
Ceremony	مراسم	Constructive Engagement	مداخله سازنده
Minder	مراقب	Tolerance	مدارا
Picketing	مراقبت اعتصاب	Continuous Voyage	مداومت سفر
Ideology	مرام	Deschooling	مدرسه‌زدایی
Platform	مرامنامه	Document	مدرک
Reactionary	مرتجع	Diploma Disease	مدرک زدگی
Renegade	مرتد	Credentialism	مدرک‌گرایی
Authoritarianism	مرجع باوری	Modern	مدرن
	مرجع بین‌المللی بستر دریاها	Modernity (Modernite)	مدرنیته
International Seabed Authority		Modernism	مدرنیسم
Authority	مرجعیت	Rastow Model	مدل راستو
Phase	مرحله		مدل سرمشق نادرست از توسعه نیافتگی
Historic Stage	مرحله تاریخ	False Paradigm Model of Underdevelopment	
Patriarchy	مردسالاری		مدل نواستعماری درباره توسعه نیافتگی
People	مردم	Neocolonial Model of Underdevelopment	
Sociable	مردم‌آمیز	Manager	مدیر
Sociability	مردم‌آمیزی	Entrepreneur	مدیر اقتصادی کارآمد
Populism	مردم باوری	Administratocracy	مدیر سالاری
Mob	مردم بی سروپا	Managing Director	مدیر عامل
Androcentrism	مردمحوری	Management	مدیریت
Sociable	مردمدار	Authoritarian Management	مدیریت اقتدار طلب
Sociability	مردمداری	Maladministration	مدیریت بد
Androcentrism	مردمداری (مردمحوری)	Authoritarian Management	مدیریت قدرت نما
Democracy	مردم سالاری	Conflict Management	مدیریت کشمکش
Political Anthropology	مردم‌شناسی سیاسی	Utopia	مدینه فاضله
Knownothingism	مردم‌فریبی		مذاکرات تحدید تسلیحات استراتژیک

Nationality Problem	مسأله ملی	Democratic	مردمی
Equality	مساوات	Democratization	مردمی کردن (شدن)
Egalitarianism	مساوات طلبی	Boundary / Frontier	مرز
Babeufism	مساوات طلبی افراطی	Demarcation	مرزبندی
Dictator	مستبد	International Boundary	مرز بین‌المللی
Counsellor	مستشار	De Facto Boundary	مرز غیررسمی
Mustazaf (Oppressed)	مستضعف	De Jure Boundary	مرز قانونی
Colony	مستعمره	Mercantilism	مرکانتی‌لیسم
Crown Colony	مستعمره فرمانگزار	United Nations Centre for Human Settlement (Habitat)	مرکز اسکان بشر ملل متحد
Mustakber (Arrogant)	مستکبر	for Human Settlement (Habitat)	مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در مورد فلسطین
Dominion	مستملک	United Nations Information System on the Question of Palestine (UNISPAL)	مرکز اطلاعات ملل متحد
Remembrancer	مستوفی	United Nations Information Centre	مرکز توأمن‌سازی سازمانهای جامعه مدنی ایران
Alienation	مسخ	Iranian Civil Society Organizations Resource Center	مرکز گرای
Ideology	مسلک	Centralism / Centrism	مرکز مداری
Provincialism	مسلک استقلال ایالات	Centrism	مرکزیت
Particularism	مسلک خصوصیات	Centralism	مرکزیت آزادمنشانه
Messianism	مسیح‌گرایی	Democratic Centralism	مرکزیت دموکراتیک
Messianism	مسیح‌گرایی	Democratic Centralism	مرگ خود خواسته
Administration	مسئولان	Euthanasia (Mercy Killing)	مزاحم
Lame Duck	مسئول رفتنی	Hacker	مزاحمت
Lame Duck	مسئول موقت	Harassment	مزایای دیپلماتیک
Commitment	مسئولیت	Diplomatic Privileges	مزایای کنسولی
Responsibility	مسئولیت	Consular Privileges	مزدبگیر
International Responsibility	مسئولیت بین‌المللی	Proletarian (Proletaire)	مزدور
Indirect International Responsibility	مسئولیت بین‌المللی غیر مستقیم	Mercenary	مزیت ویژه
Direct International Responsibility	مسئولیت بین‌المللی مستقیم	Privilege	مسابقه تسلیحاتی
Accountability	مسئولیت (پاسخگویی)	Arms Race	مساعدت
Collective Responsibility	مسئولیت جمعی	Assistance	مساعدت خصومت‌آمیز
Liability	مسئولیت (حقوقی)	Hostile Assistance	مساعی جمیله
Accountability	مسئولیت گزارش‌دهی	Good Offices	مسافرت تفریحی با پول دولت
Ministerial Responsibility	مسئولیت وزارتی	Junket	مسأله
Human Cloning	مشابه‌سازی انسان	Problem	مسأله اجتماعی
Partnership for Peace	مشارکت برای صلح	Social Problem	
Political Participation	مشارکت سیاسی		
Brain Trust	مشاوران اندرونی		
Kitchen Cabinet	مشاوران پشت پرده		

Nomination	معرفی کانیداً	Political Consultant	مشاور سیاسی
Criterion	معیار	Res Communis	مشترکات
Norm	معیار	Constitutionalism	مشروطه خواهی
Fallacy	مغالطه	Constitutionalism	مشروطیت
Brain Washing	مغزشویی	Legitimacy	مشروعیت
Egghead	مغز متفکر	Problem	مشکل
Brain Trust	مغزهای مشاور	Social Problem	مشکل اجتماعی
Free Rider	مفت خور	Gordian Knot	مشکل حل نشدنی
Agent Provocateur	مفسده جو	Interview	مصاحبه
Provocation	مفسده جویی	Angary	مصادره بحری
Desaparecido(Disappeared)	مفقودالائز	Angary	مصادره و تخریب اموال بیطرف
Reprisal	مقابله به مثل	Compromise	مصالحه
Federalist Papers	مقالات فدرالیست	Modus Vivendi	مصالحه موقت
Social Climber	مقام پرست	Conspicuous Consumption	مصرف برای تشخیص
Careerism	مقام پرستی	Conspicuous Consumption	مصرف تظاهر آمیز
Careerism	مقام جوئی	Consumerism	مصرف گرایی
Presidency	مقام ریاست جمهوری	Expediency (Expedience)	مصداحت
Authority	مقام (صلاحیت دار)	Reason of State	مصداحت دولت
Protocol	مقاوله نامه	Reason of State	مصداحت کشور
Non-Violent Resistance	مقاومت بی خشونت	Pragmatism	مصداحت گرایی
Active Resistance	مقاومت مثبت	Reason of State	مصداحت مملکت
Passive Resistance	مقاومت منفی	Ratifications	مصوبات
Sacred	مقدس	Immunity	مصونیت
Sanctimony (Sanctimoniousness)	مقدس نمایی	Inviolability	مصونیت از تعرض
Dean of the Diplomatic Corps	مقدم السفراء	Immunity from Jurisdiction	مصونیت از صلاحیت
Dean of the Consular Corps	مقدم کنسول	Parliamentary Immunity	مصونیت پارلمانی
Preamble of Treaty	مقدمه عهدنامه	Diplomatic Immunity	مصونیت دیپلماتیک
Curfew	مقررات منع رفت و آمد	Judicial Immunity	مصونیت قضایی
Ultimate Destination	مقصد نهایی	Consular Immunity	مصونیت کنسولی
Diplomatic Correspondence	مکاتبات دیپلماتیک	Fourth Estate	مطبوعات (در نظام مرتبته)
Official Correspondence	مکاتبات رسمی	Aware	مطلع
Mechanism	مکانیسم	Sociable	معاشرتی
Market Mechanism	مکانیسم بازار	Barter	معامله تهاتری
Doctrine	مکتب	Retortion (Retorsion)	معامله متقابل
School	مکتب	Belligerent Retortion	معامله متقابل در جنگ
Libertarianism	مکتب آزادی اراده	Treaty	معاهده
Monetarism	مکتب اصالت پول	Conscientious Objector	معتز اخلاقی
	مکتب اصالت خصوصیات ملی	Conscientious Objector	معتز وجدانی

Social Relationships	مناسبات اجتماعی	National Particularism	
Relations of Production	مناسبات تولید	Pragmatism	مکتب اصالت عمل
Polemics (Polemique)	مناظره	Utilitarianism	مکتب اصالت نفع
Vital Interests	منافع حیاتی	Cynicism	مکتب بدبینی
Class Interests	منافع طبقاتی		مکتب حمایت اقتصادی از محصولات ملی
National Interests	منافع ملی	Protectionism	
International Dispute	مناقشه بین‌المللی	Political School	مکتب سیاسی
Man on Horseback	منجی	Physiocracy / Physiocratism	مکتب طبیعیون
Messianism	منجی‌باوری	Frankfurt School	مکتب فرانکفورت
Outsider	منزوی	Cynicism	مکتب کلیبی
Character	منش	Doctrinaire	مکتبی
Charter	منشور	McCarthyism	مک کارتیسم
Atlantic Charter	منشور آتلانتیک	Megamedia	مگامیدیا
	منشور آزادی نوع بشر کوروش بزرگ	Mala (Notables)	ملاء
Cyrus the Great Charter of Human Rights		Criterion	ملاک
Magna Carta (Great Charter)	منشور کبیر	Nation	ملت
Chartism	منشورگرایی	Debtor Nation	ملت بدهکار
United Nations Charter	منشور ملل متحد	Aggressor Nation	ملت تجاوزکار
Menshevism	منشویسم	Nation of Shopkeepers	ملت دکاندار
Social Climber	منصب‌جو	Nation of Shopkeepers	ملت کاسب
Region	منطقه	Nation-State	ملت - کشور
Free Trade Zone	منطقه آزاد تجاری	Genocide	ملت کشی
Silk Stocking District	منطقه اعیان نشین	Nationalism	ملت‌گرایی
	منطقه انحصاری اقتصادی	King	ملک
Exclusive Economic Zone		Queen	ملکه
Zoning	منطقه‌بندی	United Nations (UN)	ملل متحد
	منطقه بین‌المللی بستر دریاها		ملل مشترک المنافع (بریتانیا)
International Seabed Area		Commonwealth (of Nations)	
Free Trade Area	منطقه تجارت آزاد	National	ملی
Region of War	منطقه جنگی	Nationality	ملیت
Zone of Three-Mile	منطقه سه‌میل	Nationalization	ملی‌سازی
Regionalism	منطقه‌گرایی	Nationalization	ملی‌کردن
Contiguous Zone	منطقه مجاور	Nationalism	ملی‌گرایی
Contiguous Zone	منطقه نظارت	Meliorism	ملیوریسیم
Sphere of Influence	منطقه نفوذ	Due Diligence	ممارست و دقت لازم
Hidden Agenda	منظور پنهانی	Country	مملکت
Picketing	منع اعتصاب شکی	Kingdom of Ends	مملکت غایات
Estoppel	منع انکار پس از اقرار	Ways and means	منابع مالی

مؤسسه سلطنتی امور بین‌المللی (کاتام هاوس)	Estoppel	منع تناقض‌گویی به ضرر دیگری
Royal Institute for International Affairs (Chatham House)	Interest	منفعت
Public Institution	Negativism	منفی‌بافی
مؤسسه عمومی	Negativism	منفی‌گرایی
United Nations	Egotism	من‌گویی
مؤسسه کمک و کار ملل متحد	Balance of Payments	موازنه پرداختها
Relief and Works Agency (UNRWA)	Balance of Trade	موازنه تجاری
Closed Shop	Political Balance	موازنه سیاسی
مؤسسه محدود	Balance of Power	موازنه قدرت
Class Position	Negative Balance (Policy)	موازنه منفی
موضع طبقاتی	Balance of Terror	موازنه وحشت
Agenda	Convention / Agreement	موافقتنامه
موضوعهای مورد بحث	موافقتنامه چندجانبه سرمایه گذارها	
Social Situation	Multilateral Agreement on Investments	موافقتنامه دوستانه
موقعیت اجتماعی	Gentlemen's Agreement	موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت
Associated Status	General	موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت
موقعیت وابسته	Agreement on Tariffs and Trade (GATT)	موالید بعد از جنگ جهانی دوم (در آمریکا)
Migration	موالید بعد از جنگ جهانی دوم (در آمریکا)	
مهاجرت	Baby Boom	موج سوار
Revolutionary Migration	Free Rider	موج سوم
مهاجرت انقلابی	Third Wave	مؤسسات تخصصی ملل متحد
Emigration	United Nations Specialized Agencies	
مهاجرت (به خارج)	Corporation	مؤسسه
Immigration	مؤسسه آموزشی و پژوهشی ملل متحد	
مهاجرت (به داخل)	United Nations Institute for Training and Research (UNITAR)	مؤسسه آموزش و پژوهشی ملل متحد
International Migration	Stockholm	مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم
مهاجرت بین‌المللی	International Peace Research Institute	مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک
Socialist Migration	International Institute for Strategic Studies	مؤسسه پژوهشی ملل متحد برای خلع سلاح
مهاجرت سوسیالیستی	United Nations Institute for Disarmament Research (UNIDIR)	مؤسسه تحقیقات خلع سلاح ملل متحد
Political Migration	United Nations Institute for Disarmament Research (UNIDIR)	مؤسسه تحقیقات خلع سلاح ملل متحد
مهاجرت سیاسی	Public Institution	مؤسسه دولتی
Colony		
مهاجرنشین		
Muhadana (Conclusion of Truce)		
مهادنه		
Dual Containment		
مهار دو جانبه		
Triple Containment		
مهار سه جانبه		
Containment of Communism		
مهار کمونیسم		
مهردار سلطنتی عالی بریتانیای کبیر (رئیس مجلس اعیان) Lord High Chancellor of Great Britain		
(Lord Chancellor)		
Moratorium		
مهلت قانونی		
Guestage		
مهمان‌گروگان		
Social Engineering		
مهندسی اجتماعی		
Human Engineering		
مهندسی انسانی		
Mediation		
میانجیگری		
Peacemaking		
میانجیگری صلح		
Mediocrity		
میانمایگی		
Moderate		
میان‌رو		
Centrism		
میان‌روی		
Meeting		
میتینگ		
Covenant		
میثاق		
میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی		

Diplomatic Illness	ناخوشی دیپلماتیک	International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights	میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بریتانیا و فرانسه بر حقوق مدنی و سیاسی
Alienation	ناخویشی	International Covenant on Civil and Political Rights	میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
Ignorance	نادانی	Mir	میر
Secularism	نادینی‌گری		میراث مشترک بشریت
Dissident	ناراضی	Common Heritage of Mankind	میزان
Narodism (Narodnism)	نارودیسیم	Criterion	میزگرد
Double - Cross	ناروزنی	Round Table	میسوین‌های مسیحی
Jackpot	ناز شست	Christian Missionaries	میلرانیزم
Nazism	نازیسم	Millerandism	میلیتاریسم
Neo - Nazism	نازیسم جدید	Militarism	میلشیا
Nonconformists	ناسازگاران	Militia	میهن
Anachronism	ناسازگاری با زمان	Motherland (Homeland)	میهن پرستی
National Bolshevism	ناسیونال بلشویسم	Patriotism	میهن پرستی تهاجمی
National Socialism	ناسیونال سوسیالیسم	Jingoism	میهن پرستی سفهانه
Nationalism	ناسیونالیسم	Chauvinism	میهن پرستی کاذب
Chauvinism	ناسیونالیسم افراطی	Jingoism	میهن خواهی
Economic Nationalism	ناسیونالیسم اقتصادی	Patriotism	
Integral Nationalism	ناسیونالیسم تمام عیار		
Nasserism	ناصریسم		
Observer	ناظر (در سازمان‌های بین‌المللی)		
Big Brother	ناظر کبیر	ن	
Whip	ناظم حزبی در مجلس	Social Unrest	ناآرامی اجتماعی
Civil Disobedience	نافرمانی عمومی	Insecurity	ناامنی
Civil Disobedience	نافرمانی مدنی	Social Inequality	نا برابری اجتماعی
	نافرمانی مدنی الکترونیکی	Income Inequality	نا برابری درآمدی
Electronic Civil Disobedience		Anomie (Anomy)	نابسامانی
Nakis (Perfidious)	ناکث	Anachronism	نا بگاهی
Utopia	ناکجا آباد		نا بودی حتمی متقابل
Utopianism	ناکجا آبادگرایی	Mutual Assured Destruction (MAD)	
Depersonalization	ناکس شدن	Holocaust	نا بودی همه
Candidate	نامزد	Anachronism	نا بهنگامی
Nomination	نامزدسازی	Desaparecido (Disappeared)	نا پدید شده
Sponsored Candidate	نامزد مورد حمایت	Nonconformists	نا پیروان
Zinoviev Letter	نامه زینوویف		نا تو
Logrolling	نان به هم قرض دادن	North Atlantic Treaty Organization (NATO)	نا توی انترژتیک
Nanotechnology	نانو تکنولوژی	Energetic Nato	نا توی نفتی
Warship	ناو جنگی	Energetic Nato	نا حیه گرایبی
Dissenter	ناهرآی	Regionalism	

Publication of False Novel	نشر اکاذیب	Non-Conformism	ناهرنگی با جماعت
Session	نشست	Non-Conformism	ناهمسازی
Conclave	نشست پنهانی	Regent	نایب‌الحکومه
Obstruction	نصاب شکنی	Viceroy / Regent	نایب‌السلطنه
Regulation	نظارت	Kulturkampf	نبرد فرهنگی (کولتورکامپف)
Exchange Control	نظارت ارزی	New Economic Policy (NEP)	نپ
Global Governance	نظارت جهانگیر	Consequentialism	نتیجه‌گرایی
Checks and Balances	نظارت و موازنه	Dead Heat	نتیجه مساوی
System	نظام	Netizen	نتیزن
Order	نظام	Elite	نخبگان
Admass	نظام آگهی‌های تجاری	Administrative Elites	نخبگان اداری
Social System	نظام اجتماعی	Power Elite	نخبگان قدرت
Agrarian System	نظام ارضی	Elitism	نخبه‌پروری
Collectivism	نظام اشتراکی	Elitism	نخبه‌سالاری
Primitive Communal System	نظام اشتراکی ابتدائی	Elitism	نخبه‌گرایی
	نظام اطلاع‌رسانی ملل متحد در مورد فلسطین	Prime Minister (Premier)	نخست‌وزیر
United Nations Information System on the Question of Palestine (UNISPAL)		Exchange Rate	نرخ ارز
Additional Member System	نظام اعضای اضافی	Flexible Exchange Rates	نرخ‌های انعطاف‌پذیر مبادله
Economic System	نظام اقتصادی	Flexible Exchange Rates	نرخ‌های متغیر ارز
Imperial System	نظام امپراتوری	Politeness	نزاکت
Electoral System	نظام انتخاباتی	International Comity	نزاکت بین‌المللی
Market Mechanism	نظام بازار	Genocide	نژاد آزاری
International System	نظام بین‌المللی	Master Race	نژاد برتر
Gold Standard	نظام پولی پایه طلا	Racism	نژادپرستی
Suggestions System	نظام پیشنهادها	Master Race	نژاد سرور
Spoils System	نظام تاراج	Racism	نژادگرایی
New World Order	نظام جدید جهانی	Relativism	نسبی‌اندیشی
Multiparty System	نظام چندحزبی	Cultural Relativism	نسبی‌انگاری فرهنگی
Multipolar System	نظام چندقطبی	Relativism	نسبیت‌باوری
Multicameralism	نظام چندمجلسی	Relativism	نسبی‌گرایی
Competitive Party System	نظام حزبی رقابتی	Generation	نسل
Polity	نظام حکومتی	Generation X	نسل ایکس
Bipartism	نظام دوحزبی	Genocide	نسل‌زدایی
Two-Party System	نظام دوحزبی	Political Generation	نسل سیاسی
Bimetalism	نظام دوفلزی پول	Me Generation	نسل فقط خودم
Bipolar system (Bipolarity)	نظام دوقطبی	Generation X	نسل ناشناخته
Bicameralism	نظام دومجلسی	Arme	نشان

End of Ideology Theory	نظریه پایان ایدئولوژی	Corporate Welfarism	نظام رفاه صنفی
Theoretician (Theorist)	نظریه پرداز	Presidentialism	نظام ریاست جمهوری
Balance Theory	نظریه تعادل	Mandate System	نظام سرپرستی
Fault Theory	نظریه تقصیر	Anarchic Order	نظام سروری ستیز
Conspiracy Theory	نظریه توطئه	Political System	نظام سیاسی
Risk Theory	نظریه خطر	Merit System	نظام شایستگی
Theory of Two Swords	نظریه دو شمشیر	Corporatism (Corporativism)	نظام صنفی
Domino Theory	نظریه دومینو	Caesarism	نظام قیصری
Spatial Competition Theory	نظریه رقابت مکانی	Trusteeship System	نظام قیمومت
Structuration Theory	نظریه ساختاریابی	Plantation System	نظام کشتگاهی
Structuration Theory	نظریه ساختدهی	Grants-in-Aid System	نظام کمک و اعانه
Structuration Theory	نظریه ساختیابی	Parliamentarism	نظام مجلسی
Rimland Theory	نظریه سرزمینهای حاشیه‌ای	Estate System	نظام مراتب اجتماعی
Three Worlds Theory	نظریه سه جهان	Estate System	نظام مرتبتی
Political Theory	نظریه سیاسی	Colonial System	نظام مستعمراتی
Doctrine Theory	نظریه عقیدتی		نظام نوین اقتصادی بین‌المللی
Illicit Act Theory	نظریه عمل خلاف حقوق	New International Economic Order	
End of Ideology Theory	نظریه فرجام ایدئولوژی	Military Service	نظام وظیفه
Melting Pot Theory	نظریه کوره مذاب		نظام هماهنگ‌کننده مقیم ملل متحد
Cat Theory	نظریه گربه	United Nations Resident Coordinator System	
Social Choice Theory	نظریه گزینه اجتماعی	Single-Party System	نظام یک حزبی
Public Choice Theory	نظریه گزینه عمومی	Unicameralism	نظام یک مجلسی
J Curve Theory	نظریه منحنی جی	Militarism	نظامیگری
Dependency Theory	نظریه وابستگی	Thesis / Opinion / Attitude	نظر
Theory Y	نظریه وی	Forum	نظر آزمایشی
Chaos Theory	نظریه هرج و مرج	Consensus	نظر اکثریت
Order	نظم	Poll	نظرخواهی
Social Order	نظم اجتماعی	Exit Poll	نظرخواهی موقع خروج
New World Order	نظم نوین جهانی	Poll	نظرسنجی
Red Herring	نعل وارونه نفتا	Public Opinion Poll	نظرسنجی عمومی
North American Free trade Area (NAFTA)		Exit Poll	نظرسنجی موقع خروج
Commanding Soul (Carnal Soul)	نفس اماره	Vox Populi	نظر مردم
	نفس نوازه	Doctrine / Theory	نظریه
Reproaching Soul (Self-Blaming Soul)		Labour Theory of Value	نظریه ارزش کار
Tranquil State of Mind (Soul which is at Peace with God)	نفس مطمئن	Critical Theory	نظریه انتقادی
		Dominant Ideology Thesis	نظریه ایدئولوژی غالب
Interest	نفع	Theory X	نظریه ایکس
		Game Theory	نظریه بازی

Microcosm	نمونه کوچک	Self-Interest	نفع شخصی
Neo	نو	Common Good	نفع مشترک
Innovation	نوآوری	Influence	نفوذ
Neo-Colonialism	نواستعمار	Infiltration	نفوذ (رخنه)
Teenager	نوجوان	Hacker	نفوذگر
Feeling for the New	نخواهی	Lobbyist	نفوذگر (بر اعضای قوه مقننه)
Renaissance	نوزایش	Entryism	نفوذگری
Modernization	نوسازی	Entryist (Entrist)	نفوذی
Nostalgia	نوستالژی	Exile	نفی بلد
Humanitarianism	نوع پروری	Liquidity	نقدینگی
Life Style	نوع زندگی	Social Role	نقش اجتماعی
Modernity (Modernite) / Modernism	نوگرایی	National Role	نقش ملی
Misonicism	نوگریزی	Road Map (Peace Plan)	نقشه راه (طرح صلح)
Nomenclatura	نومانکلاتورا	Breach of the Peace	نقض صلح
Nomocracy	نوموکراسی	Abjuration	نقض عهد
Nuncio (Nonce)	نونس	Turning Point	نقطه عطف
Muckraker	نویسنده فساد ستیز	Attitude	نگرش
Publicist	نویسنده مقالات سیاسی - اجتماعی	Attitude to Women	نگرش به زنان
Institution	نهاد	Commoners	نمایندگان مجلس عوام
Eurasia Foundation	نهاد اوراسیا	Representation / Mission	نمایندگی
Governmental Institutions	نهادهای حکومتی		نمایندگی به نسبت رأی
Governmental Institutions	نهادهای دولتی	Proportional Representation	
Neither East nor West	نه شرقی نه غربی	Nunciature	نمایندگی پاپ
Movement	نهضت	Proportional Representation	نمایندگی تناسبی
Irredentism	نهضت آزادسازی	Diplomatic Mission /	نمایندگی دیپلماتیک
Feminism	نهضت آزادی زنان	Legation	
Syndicalism	نهضت اتحادیه‌های صنفی	High Commission	نمایندگی عالی
Social Movement	نهضت اجتماعی	Consular Agency	نمایندگی کنسولی
Revolutionary Movement	نهضت انقلابی	Parlementaire / Delegate / Deputy	نماینده
Negritude	نهضت بیداری سیاهپوستان	Legate (Legat)	نماینده پاپ
Pugwash Movement	نهضت پوگواش	Law Lord	نماینده حقوقدان مجلس اعیان
Revitalization Movement	نهضت تجدید حیات		نماینده دائمی (در سازمان ملل متحد)
Ecumenism	نهضت تقریب ادیان	Permanent Representative	
Mass Movement	نهضت توده‌ای		نماینده عالیرتبه بین‌المللی
Communitarianism	نهضت جامعه‌گرا	High Commissioner (Commissaire)	
Enclosure Movement	نهضت حصاربندی	Consular Agent	نماینده کنسولی
Enclosure Movement	نهضت حصارکشی	Gratitude	نمک شناسی
Environmentalism	نهضت حفاظت از محیط زیست	Paradigm	نمونه عالی

Dependency	وابسته (تحت‌الحمایه)	Labour Movement	نهضت کارگری
Cultural Attaché	وابسته فرهنگی	Resistance Movement	نهضت مقاومت
Press Attaché	وابسته مطبوعاتی	Underground	نهضت مقاومت (زیرزمینی)
Military Attaché	وابسته نظامی	Need for Achievement	نیاز به پیشرفت
Reactionary	واپسگرا	Need for Achievement	نیاز به دست به کار شدن
Reactionism (Reactionaryism) /	واپسگرایی	Need for Achievement	نیاز به کسب موفقیت
Anachronism		Nechayevism	نیچایفیسیم
Holy See (Vatican)	واتیکان	Diplomatic Manoeuvres	نیرو نشاندهیهای سیاسی
International Unit	واحد بین‌المللی	Market Forces	نیروهای بازار
European Currency Unit (ECU)	واحد پول اروپا	Forces of Production	نیروهای تولید
Mir	واحد کشاورزی تعاونی	Political Forces	نیروهای سیاسی
Emancipation	وارستگی	Paramilitary Forces	نیروهای شبه‌نظامی
Drop-Out	وازده	Forces of Production	نیروهای مولده
Pragmatism	واقع بینی	Irregular Forces	نیروهای نامنظم
Realism	واقع‌گرایی		نیروهای نظامی ملل متحد
Socialist Realism	واقع‌گرایی سوسیالیستی	United Nations Military Forces	
Fact	واقعیت	Rapid Deployment Force	نیروی استقرار سریع
Social Fact	واقعیت اجتماعی		نیروی اضطراری ملل متحد
Backlash	واکنش	United Nations Emergency Force	
Cession	واگذاری	Manpower	نیروی انسانی
Disintegration	واگرایی	Revolutionary Potential	نیروی بالقوه انقلابی
Retrogressionism	واگشت‌گرایی		نیروی حافظ صلح ملل متحد
Social Contagion	واگیری اجتماعی	United Nations Peace-Keeping Force	
Wall Street	وال استریت	Third Force	نیروی سوم
Immobilisme	واماندگی	Militia	نیروی شبه‌نظامی
Lame Duck	وامانده	Treaty-Making Power	نیروی معاهده‌سازی
Foreign Loan	وام خارجی	Rapid Deployment Force	نیروی واکنش سریع
Vansittartism	وانسیتارتیسیم	Beneficence	نیکی‌کاری
	وب (شبکه سراسری جهانی)	Nimby	نیمی
World Wide Web (WWW)		Neo - Nazism	نئونازیسم
Weblog	وبلاگ	Nihilism	نیپیلیسم
Veto	وتو		
Pocket Veto	وتوی ساکت		
Conscience	وجدان	Dependence	وابستگی
Social Conscience	وجدان اجتماعی	Attachment	وابستگی (احساس عاطفی)
Collective Conscience	وجدان جمعی	Interdependence	وابستگی متقابل
Work Ethics (Employee Motivation)	وجدان کار	Attaché	وابسته
Existentialism	وجودگرایی	Commercial Attaché	وابسته بازرگانی

Economic Status	وضع اقتصادی	Mode of Production	وجه تولید
Revolutionary Situation	وضع انقلابی	Asiatic Mode of Production	وجه تولید آسیائی
State of Nature	وضع طبیعی	Prestige	وجهه
Status Quo	وضع موجود	National Popularity	وجهه ملی
وضعیت پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه		Pan-Islamism	وحدت اسلامی
Status of the Diplomatic Courier and Diplomatic Bag not Accompanied by Diplomatic Courier (1989)		Unity of Word and Deed	وحدت حرف و عمل
Prisoner's Dilemma	وضعیت دشوار زندانی	Political Unity	وحدت سیاسی
Motherland (Homeland)	وطن	Syncretism	وحدت عقیده
Patriotism	وطن‌داری	National Unity	وحدت ملی
Patriotism	وطن دوستی	Unanimity	وحدت نظر
Consular Functions	وظایف کنسولی	Red Scare	وحشت از سرخها
Task	وظیفه	Noble Savage	وحشی بزرگوار
Conscientiousness	وظیفه‌شناسی	Social Deterioration	وخامت اجتماعی
Loyalist	وفادار به حکومت قانونی	Transparency International	ورائمانی بین‌المللی
Loyalist	وفادار به حکومت وقت	Lame Duck	ورشکسته
Loyalty to Principles	وفاداری به اصول	Ruin and Rule	ورشکسته‌ساز و حکومت‌کن
Pacta Sunt Servanda	وفای به عهد و احترام به قول	China Card	ورق چین
Grace	وقار	Foreign Office /	وزارت امور خارجه
Velayat (Guardianship)	ولایت	Ministry of Foreign Affairs	
Velayat-e Faqih (Theocratic Guardianship)	ولایت فقیه	Department / Ministry	وزارتخانه
Crown Prince	ولیمهد	Home Office / Ministry of Interior	وزارت کشور
Vietcong	ویت‌کنگ	Ministerialism	وزارت‌گرایی
Vandalism	ویرانگری	Secretary / Minister	وزیر
Visa	ویزا	Minister of Foreign Affairs	وزیر امور خارجه
Transit Visa	ویزای عبوری	Chancellor of the Exchequer	وزیر خزانه‌داری
		Chancellor of the Exchequer	وزیر دارایی
		Minister Plenipotentiary	وزیر مختار
		Internuncio (Internonce)	وزیر مختار پاپ
		Minister without Portfolio	وزیر مشاور
		Minister Resident	وزیر مقیم
		Mediation	وساطت
Habeas Corpus	هابس کورپوس	Westphalia (Peace and Treaties)	وستفالی (صلح و عهدنامه‌ها)
Emigration	هجرت	Instrumentalism	وسيله‌گرایی
Dirigisme	هدایت دولتی اقتصاد	Organ	وسيله نشر افکار
Purpose of Life	هدف زندگی	Political Testament	وصیت‌نامه سیاسی
Military Objective	هدف نظامی	Social Position	وضع اجتماعی
National Objectives	هدفهای ملی	State of Emergency	وضع اضطراری
Anarchy of Production	هرج و مرج تولید		
Pornography	هرزه‌نگاری		

Commensalism	همسفرگی	Upper Ten (Thousand)	هزار فامیل
Collaborationist	همکار دشمن	Millennium	هزاره
Cooperation	همکاری	Millenarianism	هزاره‌باوری
Antagonistic Cooperation	همکاری تعارض آمیز	Millenarianism	هزاره‌گرایی
Integration	همگرایی	Human Cost	هزینه انسان
Convergence	همگرایی (تقارب)	Hegemony	هژمونی
Regional Integration	همگرایی منطقه‌ای	Think Tanks	هسته‌های مشاوران
National Integration	همگونسازی ملی	Existentialism	هستی‌گرایی
Sympathy	همنوایی	Alarmist	هشداردهنده
Synthesis	هم‌نهاد	Conscientization	هشیارسازی
Plebiscite / Referendum	همه‌پرسی	Revolutionary Vigilance	هشیاری انقلابی
Pantarchy	همه‌سالاری	Seven Sisters	هفت خواهران
Pansexualism	همه‌سکس‌انگاری		هفت کشور بزرگ صنعتی
Holocaust	همه‌سوزی	Seven Major Industrial States	
Jack of all Trades	همه فن حریف	Hacker	هکر
Cooperation	همیاری	Arc of Crisis	هلال بحران
Norm	هنجار	Syncretism	هم‌اندیشی
Art for Art's Sake	هنر برای هنر	Assimilation	هماندسازی
Hijacking (Air Hijacking)	هوایماربایی	Conference	همایش
Simpatizante (Sympathizer) /	هوادار	Cohabitation	همباشی
Fellow-Traveller / Adherent		Solidarity	همبستگی
Anglophile	هوادار انگلستان	Social Cohesion	همبستگی اجتماعی
Fellow-Traveller	هوادار حزب کمونیست	National Integration	همبستگی ملی
Communard	هوادار کمون پاریس	Confederation	هم‌پیمانی
Democrat	هوادار مردم سالاری	Human Cloning	همتاسازی انسان
Legitimist	هوادار وارث قانونی	Rabble	همج‌الرعا
Agrarianism	هواداری از اصلاحات ارضی	Sympathy	همدردی
Territorial Air	هوای سرزمینی	Empathy / Sympathy	همدلی
Chantage (Blackmail)	هوچیگری	Fellow-Traveller	همراه
Humanism	هومانیسم	Consensus	هم‌رأیی
Identity	هویت		هم‌رنگ جماعت شدن
Ethnic Identity	هویت قومی	Bandwagon, Climbing Aboard the	
Commission	هیأت	Conformism	هم‌رنگی با جماعت
Mission	هیأت اعزامی	Escort	همروان
Electoral College	هیأت انتخاب‌کنندگان	Peaceful Coexistence	همزیستی مسالمت آمیز
Committee	هیأت بررسی	Accommodation	همسازی
Cabinet	هیأت دولت	Assimilation	همسان‌گردی
Diplomatic Corps	هیأت دیپلماتیک	Dialogue	همسخنی

Unilateralism	یکسوگرایی	Body Politic	هیأت سیاسی
Totalitarianism (Totalitarisme)	یکه تازی	Consular Corps	هیأت کنسولی
Autocracy	یکه سالاری	Jury	هیأت منصفه
Cultural Shock	یکه فرهنگی	Cabinet	هیأت وزیران
Integration	یگانه سازی	Storm in a Tea Cup	هیاهوی بسیار برای هیچ
Utopia	یوتوپیا	Unperson	هیچکس
Uti Possidetis	یوتی پاسیدیتیس	Nihilism	هیچ گرای
Euroland	یورولند	Mass Hysteria	هیستری جمعی
Yoke	یوغ		
Yaumullah (Day of God)	یوم الله		
United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)	یونسکو	Yuppie	یابی
United Nations Institute for Training and Research (UNITAR)	یونیتار	Note / Pro Memoria / Aide Mémoire	یادداشت
United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)	یونیدو	Protest Note	یادداشت اعتراض
	یونیسف	Tanaka Memorial	یادداشت تاناکا
United Nations Children's Fund (UNICEF)		Memorandum of Understanding	یادداشت تفاهم
United Nations Iran-Iraq Military Observer Group (UNIMOG)	یونیمگ	Collective Note	یادداشت جمعی
Anti-Semitism	یهود آزاری	Note-Officielle	یادداشت رسمی
Judah	یهودا	Memorandum	یادداشت (سیاسی غیررسمی)
Anti-Semitism	یهود ستیزی	Note-Verbale	یادداشت شفاهی
Judaism	یهودیت	Identical Notes	یادداشت‌های همانند
Wandering Jew	یهودی سرگردان	Subsidy	یارانه
Pogrom	یهودی کشی	Yankee	یانکی
Judaism	یهود یگری	Integration	یکپارچگی
Yippies	یی پی ها	National Integration	یکپارچگی ملی
		Integrisme	یکپارچه خواهی
		Integratation	یکپارچه سازی
		Monotheism	یکتاپرستی
		Unilateralism	یکجانبه گرایی

ی

فهرست بخشی از منابع

فارسی:

- آبراهامیان، یرواند. ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران، نی، ۱۳۷۷.
- آبر کرامبی، نیکلاس؛ هیل، استفن؛ ترنر، برایان اس. فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه حسن پویان. تهران، چاپخش، ۱۳۶۷.
- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. جامعه‌شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
- آرنت، هانا. خشونت. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران، خوارزمی، ۱۳۵۹.
- آریائی، هوشنگ. تحول و نقش اتحادیه‌های کارگری در انگلستان. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
- آشوری، داریوش. دانشنامه سیاسی. تهران، مروارید، ۱۳۷۰.
- آشوری، داریوش. دو مقاله: پیرامون نثر فارسی و واژه‌سازی، پسوند «ایسم» و مسئله‌ی برابری برای آن در فارسی. تهران، آگاه، ۱۳۵۶.
- آشوری، داریوش. فرهنگ علوم انسانی، انگلیسی - فارسی. تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴.
- آقابخشی، علی. فرهنگ علوم سیاسی (انگلیسی - فارسی). تهران، تندر، ۱۳۶۳.
- آقابخشی، علی؛ افشاری راد، مینو. فرهنگ علوم سیاسی: فارسی انگلیسی، انگلیسی - فارسی. تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
- آقائی، بهمن. فرهنگ حقوقی بهمن: انگلیسی - فارسی. تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.
- آگاریشف، آ. زندگی سیاسی ناصر. ترجمه محمد جواهرکلام. تهران، نشر ویس، ۱۳۶۹.
- آگ‌برن، ویلیام فیلدینگ؛ نیم‌کف، میر فرانسیس. زمینه جامعه‌شناسی. اقتباس امیرحسین آریان‌پور. تهران، دهخدا، ۱۳۴۷.
- آل‌احمد، جلال. در خدمت و خیانت روشنفکران. تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷.

- ابوالحمد، عبدالحمید. علم سیاست، جلد یکم: عرصه سیاست، شخصیتها و نهادهای سیاسی. تهران، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۳.
- احمدی، علی. عدم توسعه سیاسی و امنیت ملی در کشورهای جنوب. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر حسین سیف‌زاده، ۱۳۷۲.
- ادیبی، حسین. طبقه متوسط جدید در ایران. تهران، جامعه، ۱۳۵۸.
- ارفع‌نیا، بهشید. حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران، بهتاب، ۱۳۷۹.
- ازغندی، علیرضا. میلیتاریسم و عقب‌ماندگی اقتصادی جهان سوم. ۱۳۶۲.
- اسناد لانه جاسوسی. تهران، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۳۵۸.
- اطاعت، جواد. ژئوپولیتیک و جهت‌گیری سیاست خارجی ایران نسبت به قطبهای قدرت جهانی در قرن بیستم. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر حسین سیف‌زاده، ۱۳۷۳.
- افتخار جهرمی، گودرز. گزیده متون حقوقی و مطالب دیگر برای دانشجویان حقوق (به زبان انگلیسی). تهران، گنج دانش و دادآفرین، ۱۳۷۸.
- الهی، همایون. خلیج فارس و مسائل آن. تهران، اندیشه: قومس، ۱۳۶۸.
- الیوت، جفری. ام؛ رجب‌الد، رابرت. فرهنگ اصطلاحات سیاسی - استراتژیک. ترجمه میرحسین رئیس‌زاده لنگرودی. تهران، معین، ۱۳۷۳.
- باربور، ایان. علم و دین. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- باطنی، محمدرضا. فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی. با دستیاری فاطمه آذر مهر. تهران، مؤسسه فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱.
- بخشی از واژه‌های علوم اجتماعی. ویراسته حمید عنایت و داریوش آشوری. تهران، فرهنگستان زبان ایران، ۱۳۵۳.
- بريجانيان، ماری. فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی. ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. رساله نونین امام خمینی، ۴: مسائل سیاسی و حقوقی، حاوی فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی. ترجمه و توضیح از عبدالکریم بی‌آزار شیرازی. تهران، انجام کتاب، ۱۳۶۰.
- بیرو، آلن. فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی). ترجمه باقر ساروخانی. تهران، کیهان، ۱۳۶۶.
- پی‌یتر، آندره. مارکس و مارکسیسم. ترجمه شجاع‌الدین ضیائی‌ان. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
- تافلر، الوین. جابجایی در قدرت: دانایی و ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران، نشر نو، ۱۳۷۰.

- تافلر، الوین؛ تافلر، هایدی. به سوی تمدن جدید، سیاست در موج سوم. ترجمه محمدرضا جعفری تهران، سیمرخ، ۱۳۷۴.
- تنک، آندره. حقوق ایالات متحده آمریکا. ترجمه سیدحسین صفائی. تهران، مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
- توانایان فرد، حسن. مکتب‌های اقتصادی. تهران، آگاه، ۱۳۶۱.
- تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی و حمید سهرابی. تهران، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۲ جلد، ۱۳۶۴-۱۳۶۵.
- ثقفی عامری، ناصر. ابتکار دفاع استراتژیک آمریکا یا جنگ ستارگان. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۵.
- جاسبی، عبدالله. انقلاب ویتنام، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲.
- جاسبی، عبدالله. فلسطین در فراز و فرود تاریخ: تبیینی مختصر بر وقوع انتفاضه در فلسطین اشغالی. تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر فرهنگ مقاومت، ۱۳۷۹.
- جاسبی، عبدالله. نظام‌های اقتصادی. تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
- جاسمی، محمد؛ جاسمی، بهرام. فرهنگ علوم سیاسی. تهران، گوتنبرگ، ۱۳۵۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۶.
- جیلان، میلوآن. طبقه جدید، تحلیلی از تحول جامعه کمونیست. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- حیبی، حسن. جامعه، فرهنگ، سیاست. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- حق‌شناس، علی محمد؛ سامعی، حسین؛ انتخایی، نرگس. فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی. تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.
- حکمت، محمدعلی. مقدمه بر تاریخ دیپلماسی عمومی (پلی‌کپی). تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- حلبی، علی اصغر. تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلامی. تهران، بهبهانی، ۱۳۷۲.
- خاتمی، محمد. از دنیای «شهر» تا شهر «دنیای» (سیری در اندیشه سیاسی غرب). تهران، نی، ۱۳۷۷.
- خبیری، سیروس حسین. قانون بین‌المللی. تهران، ۱۳۳۲.
- خلیلیان، خلیل. حقوق بین‌الملل اسلامی، جلد اول، کلیات. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.
- دونت، ژاک. درآمدی بر هگل: نگاهی به زندگی، آثار و فلسفه هگل - همراه با چکیده‌ای از آثارش. ترجمه محمدجعفر پوینده. تهران، فکر روز، ۱۳۷۷.
- دوورژه، موریس. احزاب سیاسی، ترجمه رضا علومی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- رحیمی، مصطفی. اصول حکومت جمهوری. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- رحیمی، مصطفی. گامها و آرمانها. تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۱.

- روحانی، سید حمید (زیارتی). بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی. تهران، انتشارات راه امام و واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۰ و ۱۳۶۴.
- روس، شارل. حقوق بین الملل عمومی. ترجمه محمدعلی حکمت. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- روسک، جوزف؛ وارن، رولند. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی. ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی. تهران، مؤسسه عالی حسابداری، ۱۳۵۰.
- رهجو، حسین. واژه‌نامه اجتماعی - سیاسی اسلامی. تهران، قلم، ۱۳۵۸.
- زرین قلم، مصطفی (مترجم). حقوق جزای انگلستان، برگردان متونی از Law Text. تهران، خیام، ۱۳۷۷.
- زعیترا، اکرم. سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار. ترجمه اکبر هاشمی رفسنجانی. قم، ۱۳۵۶.
- سابین، جرج. تاریخ نظریات سیاسی. ترجمه بهاء‌الدین بازارگاد. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳.
- ساروخانی، باقر. درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران، کیهان، ۱۳۷۰.
- شاهنده، بهزاد. انقلاب چین. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۵.
- شریعتمداری، علی. فلسفه: مسائل فلسفی - مکتب‌های فلسفی - مبانی علوم. اصفهان، قائمی، ۱۳۵۵.
- شوپ، لورنس اچ؛ مینتر، ویلیام. تراست مغزهای امپراطوری: شورای روابط خارجی و سیاست خارجی آمریکا. ترجمه منصور آسیم و علی رضائی. تهران، ۱۳۶۴.
- شهیدی، جعفر. تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- شیخ‌الاسلامی، جواد. مسائل مهم سیاسی معاصر (پلی‌کی). تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- صدری افشار، غلامحسین (و دیگران). فرهنگ مترجم. تهران، آفتاب، ۱۳۶۳.
- صلیبا، جمیل. فرهنگ فلسفی. ترجمه منوچهر صانمی دره‌بیدی. تهران، حکمت، ۱۳۶۶.
- ضیائی بیگلری، محمدرضا. حقوق بین‌الملل عمومی. تهران، ۱۳۶۳.
- طارمسری، مسعود؛ عالم، عبدالرحمن؛ مستقیمی، بهرام. چین: سیاست خارجی و روابط با ایران (۵۷-۱۳۲۸). تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۴.
- طبری، احسان. شناخت و سنجش مارکسیسم. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- علی‌بابائی، غلامرضا؛ آقائی، بهمن. فرهنگ علوم سیاسی. تهران، ویس، ۱۳۶۵.
- عمیدزنجانی، عباسعلی. مبانی فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جامعه‌کنونی ایران و انقلاب اسلامی). تهران، بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- عنایت، حمید. اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲.
- عنایت، حمید. بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، از هراکلیت تا هابز. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- فارسی، جلال‌الدین. استراتژی بین‌المللی. تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
- فانی، کامران. جنگهای جهانی اول و دوم. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

- فرهنگ، منوچهر. فرهنگ بزرگ اقتصادی، انگلیسی - فارسی. تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱.
- فرهنگ اندیشه‌نو. ترجمه احمد بیرشک و دیگران. ویرایش ع. پاشائی. تهران، مازیار، ۱۳۶۹.
- فریره، پائولو. آموزش ستمدیدگان. ترجمه احمد بیرشک و سیف‌الله داد. تهران، خوارزمی، ۱۳۵۸.
- قادری، حاتم. پژوهشی در روابط ایران و روسیه شوروی یا قرارداد ۱۹۲۱. تهران، ۱۳۵۹.
- قاضی، ابوالفضل. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، مبانی و کلیات. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- قامت، جعفر. وحدت دو آلمان و همگرایی یا واگرایی در اروپا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر احمد نقیب‌زاده، ۱۳۷۲.
- کاتوزیان، ناصر. فلسفه حقوق، جلد اول: تعریف حقوق. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- کدیور، جمیله. انتفاضه: حماسه مقاومت فلسطین. تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵.
- کشاورز، بهمن. فرهنگ حقوق انگلیسی به فارسی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- کلییار، کلودآلبر. نهادهای روابط بین‌الملل، مجلد اول: سیر تحول بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی و موجودیت بین‌المللی. ترجمه و تحقیق از هدایت‌الله فلسفی. تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
- کولانی، الهه. نقش اکو در همگرایی منطقه‌ای. پایان‌نامه دکتری روابط بین‌الملل. به راهنمایی قاسم افتخاری. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴.
- کولمن، جان. کمیته ۳۰۰ (کانون وطنه‌های جهانی). ترجمه یحیی شمس. تهران، فیروزه، ۱۳۷۹.
- کیالی، عبدالوهاب. تاریخ نوین فلسطین. ترجمه محمد جواهرکلام. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- کی‌نیا، مهدی. مقدمه حقوق بین‌الملل عمومی. تهران، دانشکده علوم معقول و منقول، ۱۳۴۰.
- گلریز، حسن. فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، انگلیسی - فارسی. تهران، مرکز آموزش بانکداری، ۱۳۶۸.
- گنجی، منوچهر. حقوق بین‌الملل عمومی. تهران، ۱۳۴۸.
- گورویچ، ژرژ. دیالکتیک یا سیر جدالی و جامعه‌شناسی. ترجمه حسن حبیبی. تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۱.
- لاگوما، آکس (گردآورنده). آبارتهید. ترجمه کریم امامی. تهران، خوارزمی، ۱۳۶۰.
- لوید، پیتر. طبقه کارگر در جهان سوم: بررسی و تحلیلی پیرامون وضعیت طبقاتی و قشربندی نیروی کار در جهان سوم. ترجمه حسینعلی نودری. تهران، همراه، ۱۳۷۲.
- مارکس، کارل. گروندریسه. مبانی نقد اقتصاد سیاسی (جلد اول). ترجمه باقر پرهام و احمد تدین. تهران، آگاه، ۱۳۶۳.
- ماکیاوی، نیکولو. گفتارها. ترجمه محمدحسن لطفی تبریزی. تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷.
- مختاری، محمد. تمرین مدارا. تهران، نشر ویستار، ۱۳۷۷.
- مدنی، جلال‌الدین. خلع سلاح و سازمان ملل متحد. تهران، ۱۳۵۲.

- مصاحب، غلامحسین. دایرةالمعارف فارسی. تهران، فرانکلین و امیرکبیر، ۱۳۴۵ و ۱۳۷۴.
- مصفا، نسرین؛ طارم‌سری، مسعود؛ عالم، عبدالرحمن؛ مستقیمی، بهرام. مفهوم تجاوز در حقوق بین‌المللی، تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۶۵.
- مطهری، مرتضی. قیام و انقلاب مهدی (ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ، به ضمیمه: شهید. قم، صدرا، رجب ۱۳۹۸.
- معین‌زاده، عباس. حقوق دیپلماتیک نوین. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.
- معینی‌علمداری، جهانگیر. تحول گفتار و جایگاهی پارادایمی، ارتباط آن با تحول مفاهیم در اندیشه سیاسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر حسین بشیریه، ۱۳۷۲.
- مقتدر، هوشنگ. مباحثی درباره سیاست بین‌المللی و سیاست خارجی. تهران، دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی، ۱۳۵۶.
- ممتاز، جمشید. حقوق دریاها. تهران، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، ۱۳۵۴.
- مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران. با اصطلاحات کنفرانسها آشنا شویم. اداره تکثیر و انتشارات، ۱۳۶۴.
- مهاجرانی، عطاءالله. فلسطینی‌ها. تهران، اطلاعات، ۱۳۸۰.
- میرحیدر، دره. اصول و مبانی جغرافیای سیاسی. تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- نراقی، احسان. علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن. تهران، ۱۳۴۷.
- نصیری، مرتضی. حقوق چندملیتی. تهران، امیرکبیر و ندا، ۱۳۷۰.
- نیک‌گهر، عبدالحسین. فرهنگ علوم اقتصادی، بازرگانی و مالی: انگلیسی - فرانسه - فارسی. تهران، علمی و صفار، ۱۳۶۹.
- وارد، هاریت. قدرت‌های جهانی در قرن بیستم. ترجمه جلال رضائی راد. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- واژه‌های نو، برخی از واژه‌های آموزشی. تهران، پیشرو، ۱۳۵۷.
- واندرمرج، و. ژ. گانزوف. حمایت حقوق بشر در حقوق اساسی. ترجمه نجادعلی الماسی. تهران، مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
- وینر، مایرون (گردآورنده و ویراستار). نوسازی جامعه: چندگفتار در شناخت دینامیسم رشد. ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای و همکاران. تهران، جیبی و فرانکلین، ۱۳۵۳.
- هانت، ای. ک. تکامل نهادها و ایدئولوژیهای اقتصادی. ترجمه سهراب بهداد. تهران، جیبی، ۱۳۵۸.
- یازرلو، حجت‌الله. نظام حقوقی مؤسسات عمومی. پایان‌نامه فوق‌لیسانس دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به راهنمایی اردشیر امیرارجمند، ۱۳۷۹.

لاتین:

- Advanced Learner's Dictionary of Political Science. New Delhi, Amol Publications Pvt. Ltd., 2000.
- Bealey, Frank. The Blackwell Dictionary of Political science. Oxford, Blackwell Publishers Ltd., 1999.
- Bledsoe, Robert L.; Boczek, Boleslaw Adam. The International Law Dictionary. ABC-Clio Inc., 1987.
- Chandra, prakash. International Law. Delhi, Vikas Publishing House, Pvt Ltd., 1994.
- Degenhardt, Henry W. Treaties and Alliances of the World. London. Longman, 1981.
- Dictionary of Ethics, Theology and Society. Edited by Paul Barry Clarke and Andrew Linzey. London and NewYork, Routledge, 1996.
- McLean, Iain. The concise Oxford Dictionary of Politics. Edited by Iain McLean. Great Britain, Oxford University Press, 1996.
- Oxford Illustrated Encyclopedia, Volume 3 and Volume 4: World History from Earliest Times to the Present Day. 1988.
- Plano, Jack C.; Greenberg, Milton. The American Political Dictionary. NewYork, Holt, Reinehart and Winston, 1982.
- Plano, Jack C; Olton, Roy. The International Relations Dictionary. ABC-Clio, 1988.
- Politics in Western Europe Today: Perspective, Policies and Problems Since 1980. Edited by D.W. Urwin and W.E.Paterson. Longman, 1990.
- Robertson, David. A Dictionary of Modern Politics, London, Europa Publications Limited, 1985.
- Schaefer, R. T.; Lamm, R.P. Sociology. NewYork, McGraw-Hill, 1992.
- Scruton, Roger. A Dictionary of Political Thought. NewYork, Hill and Wang, 1984.
- Sorensen Max. Manual of Public International Law. London, Macmillan, 1968.
- Ziring, Lawrence. The Middle East Political Dictionary. Clio, California, 1984.

Zoon Politikon

حیوان مدنی الطبع؛ جانور سیاسی

واژه یونانی به معنی حیوان مدنی الطبع که ارسطو در تعریف انسان به کار برده است. به نظر ارسطو، کشور یا جامعه سیاسی، پدیده‌ای طبیعی است و انسان به حکم طبیعت، حیوان مدنی الطبع یا جاندار شهری منش است. به عقیده وی، جامعه سیاسی با آنکه برای انسان به همان اندازه طبیعی است که کندوی عسل برای زنبورها، مع ذلک این ویژگی ممتاز را دارد که اعضای آن برخلاف زنبورها کورکورانه از قوانین اجتماع خود پیروی نمی‌کنند. بالغت پلیتیک، بازی لفظی می‌شود و از آن صفات ردیپلانه سیاستمداران اشرافی و بورژوا و حقه‌باز مستفاد می‌گردد. ابوالعلاء معری ادیب معروف عرب در قرن پنجم هجری که چهل و پنج سال از خوردن گوشت خودداری کرد و از حکیمانی پیروی می‌نمود که از ذبح و اذیت حیوان اجتناب می‌کردند، شعری بدین مضمون دارد: "کار را بدون عقل و خرد راه می‌برند و فرمانشان نافذ می‌شود و ایشان را سیاستمدار می‌گویند؛ بیزارم از زندگی و بیزارم از خودم، و از روزگاری که ریاستش با فرومایگان است."

Zoroastrianism

زردشت‌گرایی؛ آیین زردشتی؛ دین زردشتی

آیین یا گرایش به آیین زردشت (حدود ۵۴۵-۶۲۵ پیش از میلاد مسیح) پیامبر ایران باستان و بانی دین زردشتی (زرتشتی) در ایران. در این آیین، اهورمزدا (سرور دانا) خدای بزرگ است. اهریمن، روان خبیث است. سه رکن مهم دین زردشت عبارتند از: پندارنیک، گفتار نیک، و کردار نیک. اعتقاد به جهان دیگر و صراط و میزان و داوری و بهشت و دوزخ در این آیین آشکار است و تضاد بین نیکی (مظهر آن اهورمزدا) و تاریکی (مظهر آن اهریمن) جنبه محوری دارد و بالأخره، پیروزی از آن راستی است و انسان باید در راه این پیروزی تلاش کند.

Zwinglianism (Zwingliism)

مذهب زوینگلیانی؛ آیین سوینگلی

یکی از سه شاخه اصلی آیین پروتستان (مذهب لوتری و مذهب کالون) که از نام اولریش زوینگلی یا سوینگلی یا تسوینگلی (۱۵۳۱-۱۴۸۴) رهبر نهضت اصلاح دینی در سوئیس گرفته شده است. وی اعتقاد داشت که دین باید مستقیماً از کتاب مقدس استخراج شود و وظیفه دینی خود می‌دانست که جامعه مسیحی را در مسائل سیاسی راهنمایی کند. او با تشریفات ظاهری و اجرای آیین‌های مذهبی و استعمال شمایل در کلیسا، منع ازدواج کشیشان، دستگاه پاپی و رهبانیت مخالف بود. در زمان حیات زوینگلی، بیشتر اصول اصلاحی او در شهرهای اروپای مرکزی انتشار یافت و سرانجام باعث جنگ داخلی بین پیروان وی و کاتولیکها شد که زوینگلی نیز در یکی از این جنگها به قتل رسید. از نتایج جنگهای معروف به کاپل (نزدیک زوریخ) در سوئیس، تقسیم این کشور به مناطق کاتولیک‌نشین و پروتستان‌نشین است و از همین زمان در سوئیس نیز مثل آلمان، ایالت‌های مختلف به علت اختلافات مذهبی به خصومت با هم برخاستند و کشور را دچار تفرقه کردند و مانع از ایجاد یک کشور قدرتمند شدند و در نتیجه، این کشور در روابط بین‌المللی ناچار شد که بیطرف باشد. بعدها این شیوه به شکل سنتی در سیاست خارجی سوئیس تجلی یافت و این کشور کوشش کرد تا در روابط و مناسبات بین‌المللی و جریانات سیاسی این شیوه را رعایت کند.

یهودیان سراسر جهان وجود دارد، خواستار تأسیس کشوری یهودی و مرجحاً در فلسطین شد. صهیونیستها در همگامی با استعمارگران اروپایی (بویژه استعمارگران انگلیسی) و در اتحاد با آنها، این واقعیت را که در فلسطین عملاً ملتی با تمدن اصیل و غنی سکونت دارد، نادیده گرفتند. در واقع، صهیونیسم، نهضت سیاسی ساخته و پرداخته سرمایه‌داران یهودی اروپایی و با محتوای ناسیونالیسم افراطی، جنگ طلبی و توسعه طلبی است که خواسته‌های خود را نه تنها به حساب ملتی دیگر که هیچ نقشی در یهودستیزی ندارد، بلکه به حساب یهودیان جهان تحقق بخشیده است. صهیونیستها برای تحقق هدفهای خود در فلسطین به تمامی اشکال تروریسم و حیل‌گری روی آوردند و به این ترتیب، فلسطینیها را از خانه و کاشانه خود آواره نمودند و در سال ۱۹۴۸ تشکیل دولت اسرائیل را در یکی از مهم‌ترین نقاط سه قاره دنیا و در قلب ذخایر انرژی خاورمیانه و در نقطه تمرکز و تراکم مسلمانان اعلام کردند. صهیونیسم از نظر خارجی در خدمت امپریالیسم جهانی قرار دارد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در تاریخ ۱۹۷۵/۱۱/۱۰ بیانیه‌ای را به تصویب رساند که مقرر می‌دارد: "صهیونیسم شکلی از شکلهای نژادپرستی و تبعیض نژادی است." در جهان عرب، شناسائی دولت اسرائیل می‌تواند به معنی دست کشیدن فلسطینیها از حقوق تاریخی و آینده‌شان در فلسطین باشد. "اسرائیل" که مفهوم نامشخص و نامحدودی از کشورش دارد، تنها کشور جهان است که به خود به‌عنوان کشور در حال تکوین نگاه می‌کند. بدین ترتیب، تجاوز و توسعه طلبی و نقض حقوق دیگران از اموری است که در ماهیت آن قرار دارد.

Zipf's Law

قانون زیف

قانونی که جورج کینگزلی زیف ارائه کرده است و به اصل حداقل تلاش مشهور است. طبق این اصل، فرد می‌خواهد برای نیل به مقصود، کمترین تلاش را به عمل آورد.

Zollverein

سولفراین؛ اتحادیه گمرکی

واژه آلمانی به معنی اتحادیه گمرکی. اول بار، فریدریش لیست فکر الغای سدهای گمرکی را رواج داد که مانعی در راه دادوستد بین کشورهای اتحادیه ژرمنی (آلمانی) و نیز وحدت آلمان بودند. نخست پروس در سال ۱۸۱۸ موانع گمرکی داخلی را از بین برد و بالأخره با پیوستن دیگر کشورهای ژرمنی در سال ۱۸۳۸، سولفراین آلمان کامل شد.

Zone of Agreement

حوزه مورد توافق

حوزه‌ای که افراد یا گروه‌های رقیب یا متخاصم در حدود آن، ناگزیر و به طور ضمنی یا آشکار توافق کرده‌اند و عبور از خطوط مشخص آن موجب کشمکش می‌شود.

Zone of Three-Mile

منطقه سه‌میل

حداقل وسعت و پهنای دریای سرزمینی.

Zoning

منطقه‌بندی

اختصاص مناطق جغرافیائی به‌امور خاص که اغلب در برنامه‌ریزیهای توسعه انجام می‌شود.

مشاهده می‌شود که هگل، زور را حق می‌داند و فلسفه او به‌جائی ختم می‌گردد که حکومت زمان خود را کمال مطلوب، عین عدالت و مشعلدار تمدن می‌شمارد.

Zero Hour

ساعت صفر

۱- لحظه شروع. ۲- ساعت شروع حمله در ارتش.

Zero Option

راه حل صفر؛ گزینه صفر

این اصطلاح برای اشاره به ناپودی تسلیحات هسته‌ای موجود در اروپا در مدت زمان معین به کار رفته که توسط ریگان و گورباچف در دهه ۱۹۸۰ مطرح شده است.

Zero-Sum Game

بازی با حاصل صفر؛ بازی مجموع صفر

وضعیتی در نظریه بازی‌ها که مجموع برد و باخت‌های آن صفر است؛ به این معنی که آنچه را یک بازیگر از دست می‌دهد، بازیگر دیگر دقیقاً همان را به دست می‌آورد. مثل دوئل. عده‌ای حتی آزادی سیاسی را بازی با حاصل صفر دانسته‌اند که اعطای آن به یک طرف، متضمن محدود شدن آزادی طرف دیگر است.

Zinoviev Letter

نامه زینوویف

نامه گریگوری زینوویف (۱۸۸۳-۱۹۳۶) اولین رئیس بین‌الملل سوم به حزب کمونیست بریتانیا که در آن بر مبارزه مسلحانه برای براندازی نظام سرمایه‌داری تأکید شده بود. انتشار این نامه که چهار روز پیش از انتخابات پانزده سپتامبر ۱۹۲۴ صورت گرفت، لطمه شدیدی به حزب کارگر در انتخابات وارد کرد و به شکست حزب مزبور در مقابل حزب محافظه کار انجامید. کمونیستها، نامه زینوویف را جعلی خواندند. این مطلب بعدها به اثبات رسید و سپس اصالت نامه زینوویف، در گزارش کمیته کابینه کارگری نیز مورد تردید قرار گرفت.

Zion

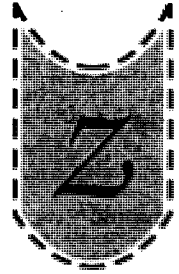
صهیون؛ صیون

کوهی در قدس یا بیت المقدس که هیکل سلیمان، مسجد الاقصی و قبه الصخره بر روی آن ساخته شده است. قدس از نظر سه دین یکتاپرست و در نظر مسلمانان، مسیحیان و یهودیان در نهایت درجه تقدس قرار دارد. قدس، پیش از شهر مکه مکرمه، قبله نمازگزاران مسلمان بود. همچنین حضرت محمد (ص) از قدس به آسمان عروج کرد. صخره‌ای که پیامبر اسلام از آنجا عروج کرده بود در درون مسجد عمر موجود است و قبه صخره نام دارد. شهر قدس همراه با مکه و مدینه از مقدس‌ترین اماکن اسلامی شمرده می‌شوند. یهودیان، کوه صهیون و شهر قدس (اورشلیم یا جروزالم) را سمبل ملیت خود می‌دانند و عقیده دارند که مقدسات ملی و مذهبی ایشان توسط پادشاهان بنی اسرائیل - داود و سلیمان - در این شهر بنا شده است. واژه سیاسی صهیونیسم از این کلمه گرفته شده است.

Zionism

صهیونیسم؛ صیونیسم

نهضتی که در سال ۱۸۹۷ توسط تئودور هر تسل (یهودی اتریشی) در اولین کنگره جهانی صهیونیستها در شهر بازل سویس به وجود آمد و با این اعتقاد که یک ملت واحد یهود، مرکب از



Zeal

شور؛ غیرت؛ حمیت

همت، سعی و کوشش مشتاقانه برای انجام کاری یا قصد و توجه دل به تمام قوای روحی و هدایت آن به سوی حق برای وصول به کمال برای خود یا دیگران یا اخلاص نسبت به چیز یا شخص معین.

Zeitgeist (Spirit of the Times)

روح زمان

اشاره به معیارهای اجتماعی که در هر دوره، روح غالب بر جامعه را مشخص می‌سازد. واژه آلمانی که مربوط به فلسفه تاریخ هگل (۱۸۳۱-۱۷۷۰) فیلسوف آلمانی و بانی ایده آلیسم جدید است. از نظر هگل، سیر تحول تاریخ به منظور تکامل روح و آزادی و عقل است و نمایشگر روح جهانی. زندگی هر ملت، از لحاظ جغرافیائی و انسانی، بریک اصل طبیعی قرار دارد و اگر این اصل با یکی از مراحل تکامل روح جهانی انطباق یابد، آن ملت عهده‌دار اجرای ضرورت‌های آن مرحله تکامل می‌گردد. در زمان معین، این ملت بر دیگر ملتها برتری پیدا می‌کند و مشعلدار تمدن و تکامل روح جهانی می‌شود. ولی چون سیر زمان، آن اصل را کهنه کرد، ملت دیگری تسلط فکری پیدا می‌کند که پایه زندگیش به حق مطلق نزدیکتر است. بنابراین، نزاع دائمی بین دولتها، نابودی یک قوم و غلبه قوم دیگر، لازمه پیشرفت روح جهانی به سوی حق مطلق است. از این رو، پیروزی دولتی بر دولت دیگر، پیروزی حق بر باطل است. بدین ترتیب، با توجه به تاریخ تمدن مشاهده می‌شود که در هر زمان، قومی مظهر حق بوده و چندی بعد جای خود را به دیگری داده است، چنانکه سیر تمدن از خاور زمین آغاز شده، سپس به یونانیها و رومیها رسیده و سرانجام زمان حکومت و برتری قوم ژرمن و دولت آلمان فرارسیده است. هگل عقیده دارد که روح ملت در هر زمان براساس همه مظاهر تمدن، زبان، فرهنگ، مذهب، سازمانهای سیاسی و حقوق بنا شده و اصولاً حقوق و دولت، همان است که باید باشد و ملت، سزاوار حکومتی است که در زمان معین دارد. هرچند که هگل در این سیر تاریخی، بیشتر به غلبه فکری و تمدن توجه دارد تا به پیروزی نظامی، اگر این سیر تکامل با اصل دیگر فلسفه وی که معقول را واقع می‌داند (آنچه معقول است واقع است و آنچه واقع است معقول) ترکیب شود،

مواهب نیز به مسائلی مثل قومیت، جنسیت، خاستگاه اجتماعی، دین و مذهب و صلاحیتهای آموزشی بستگی دارد.

Youthquake

جوانلرزه

در اکتبر سال ۱۹۹۹ جمعیت جهان از مرز شش میلیارد نفر گذشت. یک میلیارد نفر از این جمعیت را جوانان پانزده تا بیست و چهار ساله تشکیل می‌دهند. نیازهای آموزشی، کاری و تفریحاتی جمعیت جوان در سراسر جهان یکی از مسائل مهم است. از این رو، جمعیت شناسان سازمان ملل متحد، واژه جوانلرزه را برای بیان مشکلات ناشی از افزایش جمعیت جوانان به کار برده‌اند.

Yuppie

یایی؛ جوان تازه بدوران رسیده

جوان متخصص طبقه متوسط شهری یا در نظر عامه، جوان متخصص و پر ادعای دههٔ ۱۹۸۰ که - برخلاف هیپی‌ها و بی‌بی‌ها - محافظه کار، جاه طلب، مادی و هوسباز توصیف می‌شود و اینکه در پی کسب مال و پول زیاد و مشاغل پردرآمد و زندگی تجملی و مصرفی است.

کشورهای دچار بی‌ثباتی نهادی و ضعف کارایی و مشروعیت، محیط‌های مناسبی برای رفتارها و فعالیت‌های اعتراض آمیزند. دهه ۱۹۶۰ (بوژه سال ۱۹۶۸) را باید دوره گسترش نهضت‌های جوانان در جهان شمرد. ریشه اعتراض افراد جوان در این دهه را ناشی از نابرابری‌های دوره بعد از جنگ جهانی دوم دانسته‌اند که بر موارد زیر متمرکز بود: براندازی و اصلاح رژیم‌های سیاسی نژادپرست و استعمارگر، اتحاد با کارگران و زحمتکشان جهان، ایجاد نهضت دانشجویی بین‌المللی، اصلاحات دانشگاهی و آموزشی، ایجاد فرهنگها و ضدفرهنگهای (حاکم) مستقل برای جوانان. شیوه‌های مورد استفاده جوانان برای نیل به موارد بالا از جمله عبارت بود از: تظاهرات، اشغال، اعتراض مسالمت‌آمیز و معمولاً به صورت نشسته در اماکن عمومی، اعتصاب و شورش. شورش ماه مه ۱۹۶۸ دانشجویان فرانسوی که برای مدتی کوتاه مورد پشتیبانی کارگران نیز قرار گرفت، مهم‌ترین جنبش دهه ۱۹۶۰ شمرده می‌شود. از آن پس تا اندازه زیادی به علت تدابیر و اقدامات سرکوبگرانه در فرانسه، آلمان و آمریکا با بازجویی‌های پلیسی و محرومیت از استخدام دولتی در مورد افرادی که در ارتباط با تشکیلات و سازمان‌های سیاسی رادیکال و چپ بودند، از شدت جنبش‌های دانشجویی کاسته شد. نهضت‌های جوانان در دهه ۱۹۸۰ اگرچه مشابه شیوه‌های نهضت‌های جوانان دهه ۱۹۶۰ است، ولی موضوع‌های مورد اعتراض متفاوتند: در کشورهای مرفه (مثلاً در اروپای غربی، آمریکا و ژاپن) اصلی‌ترین نگرانی فکری جوانان در دهه ۱۹۸۰ را اثر اجتماعی و سیاسی و زیست‌شناختی تکنولوژی هسته‌ای، محیط زیست، خلع سلاح و از خود بیگانگی ناشی از دیوانسالاری تشکیل می‌دهد. در سایر کشورهای جهان (مثل کشورهای اروپای شرقی و آمریکای لاتین و خاورمیانه) موضوع‌های اصلی در تظاهرات جوانان، تقاضای آزادی بیشتر و رعایت حقوق بشر، عدالت اجتماعی، نوگرایی، دموکراسی و حق تعیین سرنوشت است. ضمناً از جمله جدی‌ترین و خشونت‌بارترین جنبش‌های جوانان، جنبش‌هایی هستند که شامل درگیری‌های قومی، مذهبی و نژادی می‌شوند. در بعضی موارد نیز، جنبش‌های جوانان در دهه ۱۹۸۰، بیانگر برخورد بین نسلها و مخالفت جوانان با بزرگترهایشان بوده است.

Youth Politics

سیاست جوانان

شرایطی که در قالب آن، جوانان در عرصه سیاست مشارکت یا اقدام می‌کنند. مشارکت سیاسی و ارزش‌های سیاسی جوانان در کشورهای مختلف، یکسان نیست. مثلاً در اروپای غربی، جوانان با وجود جناح‌های سازمان یافته جوانان در مراکز مذهبی، احزاب و تشکیلات سیاسی، مظهر نیروی سیاسی قدرتمندی شمرده نمی‌شوند. شمار زیادی از آنان به علت عدم توجه به گرایشها، علاقه‌ها و نگرانی‌های جوانان از طرف حکومت‌کنندگان، معمولاً رأی نمی‌دهند و به جریان سیاست حاکم نیز علاقه‌ای ندارند. به طور کلی، موضوع‌هایی که در اروپا مورد توجه جوانان است، عدالت اجتماعی و مسائل زیست محیطی و در بعضی کشورهای آسیایی، آزادی‌های فردی و اجتماعی، عدالت اجتماعی، اشتغال، آموزش، امکان ابراز وجود و خودشکوفاسازی، آزادی جنسی، آزادی زنان است. اینک جوانان در موقعیتی آشفته قرار دارند و با مسائل مربوط به هویت و حمایت اجتماعی مواجه هستند. مسائل مربوط به آموزش و بازارکار، موجب شده تا آنها به صورت یک گروه حاشیه‌ای و آسیب‌پذیر در آیند و به خانواده‌ها یا نهادهای دولتی وابسته شوند. برخورداری و محرومیت آنها از

آمریکایی به وجود آورند، دولت ایالات متحده ناگزیر خواهد بود که به عنوان حافظ و پشتیبان این کشورها در برقراری نظم و امنیت با استفاده از نیروی نظامی خود بکوشد.

Yaumullah (Day of God)

یوم الله

در فرهنگ اسلامی به روزی اطلاق می شود که نور خدا در آن متجلی شده باشد، نوری که روشنی بخش قلوب مستضعفان است. و هر روز که حق و عدالتی برپا شده و شراره های ظلم و جور خاموش گشته باشد، از ایام الله است.

Yellow

زرد

صفت زرد سابقاً در مورد خطر زرد، یعنی خطر ابلغار مغولان چنگیزی به کار می رفت. در نهضت کارگری، صفت زرد در مورد عناصر اعتصاب شکن و اتحادیه های ضدانقلابی و به طور کلی سازمانهای اصلاح طلب همدست سرمایه داران و امپریالیسم به کار رفته است.

Yellow-Dog Contract

قرارداد استخدام مشروط به عدم عضویت در اتحادیه

قراردادی که بین کارگر و کارفرما بسته می شود و کارگر ضمن اقرار به اینکه عضو اتحادیه نیست، تعهد می کند که هرگز به اتحادیه های کارگری نپیوندد.

Yes-Man

بله قربان گو

چاپلوس و بادنجان دورقاب چین یا شخصی که بدون چون و چرا رأی و نظر مافوق خود را هر چند که نادرست و غیر منطقی باشد بپذیرد.

Yippies

یی پی ها

جنبش جوانان آمریکا در دهه ۱۹۶۰ که به حزب بین المللی جوانان Youth International Party نیز شهرت دارد. آنها از هر فرصتی برای ضربه زدن به هر نهادی استفاده می کردند و گرایش به نوعی نیهیلیسم و هرج و مرج طلبی داشتند. ضدیت با فرهنگ حاکم، اعتیاد به مخدرها، نفی جامعه آمریکا، اعتقاد به عشق آزاد نیز از ویژگیهای یی پی ها بود.

Yoke

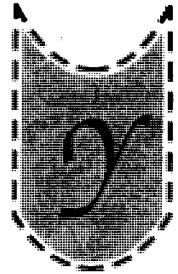
یوغ

این واژه بیانگر رابطه سلطه توجیه ناپذیر یک شخص یا گروه بر شخص یا اشخاص دیگر است.

Youth Movement

جنبش جوانان

تلاش و کوشش آگاهانه و سازمان یافته جوانان (۱۵ تا ۳۰ ساله) برای ایجاد دگرگونی یا مقاومت در برابر نظم اجتماعی. وقتی که نهادهای سنتی نتوانند پاسخگوی نیازهای مشروع گروههای سنی جامعه باشند و زمانی که شمار زیادی از افراد از وضعیت خود، آگاهی یابند و احساس کنند که برای رفع یا کاهش مسائل و مشکلات می توانند کاری انجام دهند، جنبشهای مربوط به یک نسل یا جنبشهای جوانان پدید می آیند. ریشه ناآرامی جوانان در درک اختلاف و مغایرت بین نیازها یا آرزوهای جوانان و شرایط سیاسی و اجتماعی قرار دارد. پدید آمدن فعالیتهای سیاسی در میان جوانان را معمولاً باید در کشورهایی انتظار داشت که در معرض دگرگونیهای سریع قرار دارند.



کنفرانس یالتا

Yalta Conference

کنفرانسی که در تاریخ چهارم تا یازدهم فوریه سال ۱۹۴۵ در یالتا تشکیل شد و چرچیل، استالین و روزولت سران کشورهای بریتانیا، شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا از جمله در موارد زیر به توافق رسیدند: تسلیم بدون قید و شرط آلمان و اشغال آن، پذیرفتن منشور آتلانتیک به عنوان اساس روابط کشورها پس از جنگ و تأسیس یک سازمان بین‌المللی جدید بجای جامعه ملل و توافق در مورد امتیاز "توتو"، حمایت از عضویت جمهوریهای شوروی اوکراین و بیلوروسی و نیز خود شوروی سابق در مجمع عمومی ملل متحد (یعنی داشتن سه کرسی نمایندگی)، شوروی ظرف دو تا سه ماه پس از تسلیم آلمان به ژاپن اعلان جنگ دهد و پس از شکست ژاپن، چند جزیره آن را به خاک خود ملحق سازد و اینکه دولتهای غربی استقلال مغولستان خارجی را به رسمیت بشناسند.

یانکی؛ آمریکایی

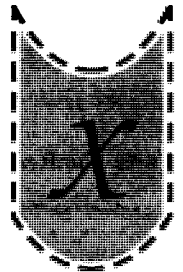
Yankee

دراصل به بومی نیوانگلند، و در ضمن جنگ داخلی آمریکا به هر شمالی گفته می‌شد. ولی اغلب این کلمه، بویژه در جریان جنگهای بین‌المللی و جنگ ویتنام به آمریکائیان اطلاق شده است.

امپریالیسم یانکی

Yankee Imperialism

این واژه نخستین بار برای تقبیح سیاست خارجی مداخله‌گرانه دولت ایالات متحده آمریکا - در زمان ریاست جمهوری تئودور روزولت - در امور داخلی کشورهای آمریکای لاتین به کار رفته است. سیاست تئودور روزولت کوشش در برقراری نفوذ قدرت ایالات متحده آمریکا در قاره آمریکا بود. روزولت می‌گفت: " مثلی است معروف، ملایم حرف بزن ولی چماق بزرگی را همراه داشته باش. " دخالت ویلهلم امپراتور آلمان در امور ونزوئلا و دو مینیکن، روزولت را بر آن داشت که ظاهراً برای حمایت از استقلال منطقه، اعلامیه‌ای در تعبیر دکترین مونرو صادر نماید. به موجب این اعلامیه، روزولت دکترین مونرو را گسترش داد و ایالات متحده را مسئول حفاظت این قاره خواند. تعبیر روزولت از دکترین مونرو به این صورت درآمد که چنانچه کشورهای خارج از قاره آمریکا بخواهند برخلاف دکترین مونرو در امور قاره آمریکا دخالت کنند و اختلالی در روابط جوامع



Xenelasia

دفع بیگانگان؛ اخراج بیگانگان

۱- منع ورود اتباع دشمن، حق ناشی از جنگ برای دول متخاصم به منظور جلوگیری از ورود اتباع دشمن به خاک کشور. ۲- اخراج و نفی بلد بیگانگان و ممانعت از اقامت آنان در دولت شهر اسپارت.

Xenocentrism

بیگانه‌مداری؛ بیگانه‌پرستی

حالتی که به موجب آن، گروه‌هایی که قادر نیستند با هنجارهای جامعه خود هم‌نوایی کنند، به اقتضای تبلیغات جوامع دیگر، شیفته آن جوامع می‌شوند. بیگانه‌مداری، بیانگر این عقیده است که کالاها، شیوه زندگی، افکار و اندیشه‌های خودی در برابر بیگانگان، پست و بی‌ارزش است.

Xenophile

بیگانه‌دوست

کسی که مجذوب آداب و رسوم، فرهنگ، شیوه زندگی بیگانگان و در مجموع خود بیگانگان است.

Xenophobia

بیگانه‌ترسی

اشاره است به ترس، بدگمانی یا نفرت از بیگانگان و بویژه خارجی‌ان. به‌عنوان مثال می‌توان از انزوای ژاپن در طول قرن‌های هفده و هجده و نوزده نام برد. از آنجا که به گمان ژاپنیها، مبلغین مسیحی اروپایی، غاصبین سیاسی واقعی بودند و سوداگران اروپایی نیز استثمارگرانی بی‌انصاف قلمداد می‌شدند، فرمان رسمی سال ۱۶۳۹ مبنی بر قطع تماس با اروپائیان صادر شد که تا سال ۱۸۵۳ به قوت خود باقی بود.

به عضویت این سازمان درآید و ضمن حذف یارانه از اقتصاد داخلی، دگرگونیهای محسوسی نیز در روابطش با کشورهای مثل آمریکا ایجاد کند. مرکز سازمان در ژنو قرار دارد.

World War

جنگ جهانی

جنگی که دولتها و ملل عمده جهان در آن درگیر شوند. جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) بین متفقین (یعنی انگلستان، فرانسه، روسیه، ایتالیا، آمریکا، ژاپن، بلژیک، صربستان، مونتنگرو، یونان، پرتغال، رومانی) و دولتهای مرکزی (آلمان، اتریش-هنگری، عثمانی، بلغارستان) به وقوع پیوست. جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) بین متفقین (یعنی انگلستان، آمریکا، شوروی سابق، فرانسه، چین) و دولتهای محور یا متحدین (آلمان، ایتالیا و ژاپن) درگرفت. به نظر فرمانده مارکوس رهبر جنبش زاپاتیستا (چیپاس مکزیک) با پایان جنگ جهانی سوم یا جنگ سرد (۱۹۸۹-۱۹۴۶) اوضاع بفرنج بین‌المللی و تشدید وخامت در رابطه بین دو بلوک شرق و غرب، جهان از مرحله دوقطبی گذشت و تحت سلطه یک قدرت پیروز یعنی بلوک غرب (اردوگاه سرمایه‌داری آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن) درآمد. شکست اردوگاه سوسیالیستی، بازارهای جدیدی را گشوده است که مبارزه برای فتح آنها جنگ جدیدی را آغاز کرده که همان جنگ جهانی چهارم است. جیمز وولسی Woolsey مدیر سازمان «سیا» در زمان ریاست جمهوری بیل کلینتون و رئیس «خانه آزادی» نیز در ۸ آوریل ۲۰۰۳ ضمن سخنرانی در جمع دانشجویان آمریکائی (در UCLA) گفت که جنگ سرد، جنگ جهانی سوم بود و جنگ کنونی علیه تروریسم و علیه عراق، سوریه، ایران و افراطیون اسلامی، جنگ جهانی چهارم است که بیشتر از جنگهای جهانی اول و دوم طول خواهد کشید.

World Wide Web (WWW)

شبکه سراسری جهانی (وب)؛ وب (شبکه سراسری جهانی)

شبکه سراسری جهانی که اغلب با "وب" یا "www" مشخص می‌شود، کاراترین سرویس اینترنت است که با امکانات چندرسانه‌ای خود، قابلیت انتقال متن، صدا، تصویر و متحرک سازی را فراهم می‌سازد. پایگاههای وب در سراسر جهان پراکنده‌اند، ولی بیشترین تعداد آنها در آمریکا قرار دارد. در شبکه اینترنت، میلیونها کامپیوتر میزبان وجود دارد که به یکدیگر راه دارند. هر یک از این کامپیوترها در حافظه خود، اطلاعات گوناگونی را جای داده‌اند. اگر کسی بخواهد از این دریای اطلاعات به سرعت به اطلاعات مورد نظرش و به اشکال مختلف مثل متن، صدا و تصویر دسترسی پیدا کند، باید از طریق شبکه جهانی وب (که به کوشش تیم برنرز-لی Tim Berners-Lee شهروند آمریکائی اختراع و در سال ۱۹۹۲ اولین پایگاه آن توسط مرکز تحقیقات فیزیک ذرات اروپا - سرن - CERN ارائه شد) عمل کند. به این منظور، نرم افزارهایی عرضه شده که از طریق آنها امکان اتصال به "وب" و بهره‌برداری از آن برای عموم فراهم شده است.

Written Constitution

قانون اساسی مدون

قانون اساسی مدون یا نوشته، قانونی است که توسط یک قوه عالیه وضع و درسند یا اسنادی بیان شده باشد.

روند انقلابی جهانی

World Revolutionary Process

مجموع جنبشهای انقلابی عصر حاضر: انقلابهای سوسیالیستی و آزادیبخش ملی و ضد امپریالیستی و ضد فئودالی، انقلابهای دموکراتیک و مردمی و مذهبی، مبارزه علیه رژیمهای فاشیستی و استبدادی، مبارزه در راه صلح و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی.

مجمع اجتماعی جهانی؛ اجلاس اجتماعی جهانی

World Social Forum

این مجمع از سال ۲۰۰۱ توسط سوسیالیستها، طرفداران محیط زیست، نمایندگان اتحادیه‌های کاری، شخصیت‌های گوناگون و گروه‌های مخالف جهانی شدن از سراسر جهان برای حمایت از صلح و عدالت اجتماعی و مقابله با نظام‌گیری و لیبرالیسم جدید در برابر «مجمع اقتصادی جهانی (اجلاس داووس)» شکل گرفت و در ژانویه ۲۰۰۳ سومین نشست خود را همزمان با اجلاس داووس، در شهر پورتو آلگره Porto Alegre برزیل به منظور بحث در زمینه‌های توسعه پایدار دموکراتیک، فرهنگ و حقوق بشر، عدالت اجتماعی، دموکراسی و رسانه‌ها و نیز تبادل تجربیات بین اتحادیه‌های شمال - جنوب، سازمانهای غیردولتی و جنبشهای اجتماعی برگزار کرد.

اجلاس سران دنیا برای توسعه اجتماعی

World Summit for Social Development

پایان جنگ سرد و تحولات سیاسی در سال ۱۹۸۹ به جای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، راه را برای صلح سردی هموار نمود که به صورت فروپاشی سیاسی گسترده و بحران اجتماعی و اخلاقی بازتاب یافت. به جای هماهنگی اجتماعی و رفاهی که وعده‌اش داده شده بود، فقر و بیکاری افزایش پیدا کرد و احساس عدم امنیت بیشتر از گذشته شد. سازمان ملل متحد در پاسخ به اوضاع و احوال اجتماعی رو به وخامت جهان با برپائی گردهمایی یا کنفرانس سران دنیا برای توسعه اجتماعی و اکنش نشان داد تا سه مشکل فقر، بیکاری و فروپاشی اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد. گردهمایی یا اجلاس سران دنیا برای توسعه اجتماعی (۶-۱۲ مارس ۱۹۹۵ در دانمارک) یکی از هشت کنفرانسی است که به هزینه سازمان ملل متحد در چهارچوب چهارمین دهه توسعه سازمان ملل (۱۹۹۱-۲۰۰۰) برگزار می‌شود.

سازمان جهانی تجارت

World Trade Organization (WTO)

با پایان یافتن گفتگوهای معروف به دور اورگوئه، قرار شد که "گات" از اول ژانویه سال ۱۹۹۵ جای خود را به نهادی تازه به نام سازمان جهانی تجارت بدهد. در جریان تبدیل گات به سازمان جهانی تجارت، زمینه‌های تازه‌ای تحت پوشش آن قرار گرفته است: محصولات کشاورزی، بخش خدمات (در برابر بخش کشاورزی یا بخش صنعتی)، مالکیت‌های معنوی مثل حقوق مربوط به مؤلفین و ناشرین و شبکه‌های تلویزیونی و ویدیویی و ماهواره. اخیراً گنجاندن استانداردهای کاری و محیط زیست هم مطرح شده است. کنفرانس وزیران کشورهای عضو، عالی‌ترین رکن سازمان است و دبیر کل آن نیز توسط این کنفرانس منصوب می‌شود. تا سال ۲۰۰۳ حدود ۱۴۶ کشور به این سازمان پیوستند. حدود ۷۰ درصد تجارت جهانی در دست آمریکا، کانادا، اروپای غربی و ژاپن قرار دارد و حدود ۳۰ درصد در دست کشورهای دیگر. بدین ترتیب، هر کشوری که بخواهد با مقررات بازرگانی بین‌المللی (آنها در شرایط نابرابر و حساب شده موجود) هماهنگ شود، باید

حکومت جهانی**World Government**

قدرت سیاسی عالی واحد جهانی برای پیشبرد صلح و کاهش جنگ و خشونت. حکومت جهانی، پیشنهادی است مبنی بر یک راه حل منطقی برای مسأله صلح بین المللی، یعنی برای حفظ صلح بین المللی باید دولتی جهانی بنیاد گذاشت که البته در برابر آن، دولتهای ملی ناگزیرند حاکمیت خود را تسلیم چنین حکومت جهانی کنند.

سازمان جهانی بهداشت؛ سازمان جهانی تندرستی**World Health Organization (WHO)**

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد که در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد و هدف آن، حصول عالی ترین سطح ممکن بهداشت و تندرستی برای همه مردم است و تندرستی آن طور که در اساسنامه سازمان بیان شده، حالت رفاه کامل جسمانی، روانی و اجتماعی است نه صرفاً فقدان بیماری یا علیلی. مقر سازمان جهانی بهداشت یا تندرستی در ژنو است.

سازمان جهانی مالکیت معنوی**World Intellectual Property Organization (WIPO)**

این سازمان در سال ۱۹۷۰ تأسیس شد و از دسامبر ۱۹۷۴ به صورت یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد درآمد. هدفهای آن عبارتند از: پیشبرد حمایت از مالکیت معنوی (یا قوانین مربوط به حمایت از مالکیت صنعتی و ادبی و هنری) در سراسر دنیا از طریق همکاری میان دولتها و همچنین سازمانهای بین المللی، ارتقاء فعالیت معنوی خلاق و تسهیل انتقال تکنولوژی مربوط به مالکیت صنعتی به کشورهای در حال توسعه، گردآوری و اشاعه اطلاعات مربوط به پروانه های اختراع. مقر این سازمان در ژنو است.

سازمان جهانی هواشناسی**World Meteorological Organization (WMO)**

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد که هدف آن، بهبود سیستمهای هواشناسی و ایجاد موازین و ضوابط مشترک مربوط به گزارشهای هواشناسی است. مرکز این سازمان در ژنو قرار دارد.

شورای جهانی صلح**World Peace Council (WPC)**

شورای جهانی صلح که به عنوان ارگان جنبش جهانی صلح عمل می کند در ۲۲ نوامبر سال ۱۹۵۰ توسط دومین کنگره جهانی صلح (ورشو) به وجود آمد. هدفهای آن عبارتند از: حمایت از صلح و امنیت جهانی، استقلال ملی، خلع سلاح و حفظ محیط زیست انسان، پیشگیری از یک جنگ جهانی دیگر، مبارزه با استعمار و نژادپرستی و تسلیحات هسته ای. بودجه شورای جهانی صلح از طریق کمیته های ملی صلح و همچنین کمکهای اهدایی تأمین می شود. دبیرخانه شورا در هلسینکی است.

روز جهانی آزادی مطبوعات**World Press Freedom Day**

روز سوم ماه مه که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر سال ۱۹۹۳ به عنوان روز جهانی آزادی مطبوعات اعلام کرد. پیشنهاد انتخاب چنین روزی رایونسکو در سال ۱۹۹۱ مطرح ساخت. آزادی و توسعه مطبوعات، ارتقای آگاهی مردم در مورد اهمیت آزادی مطبوعات، گرامیداشت روزنامه نگاران و یادآوری به دولتها برای احترام گذاشتن به تعهدات خود در مورد آزادی مطبوعات از جمله هدفهای نامگذاری روز سوم ماه مه هر سال به عنوان روز جهانی آزادی مطبوعات است.

World Conference on Women**کنفرانس جهانی زن**

عنوان کنفرانسهایی است که به ابتکار مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای بررسی مسائل و حقوق زنان برگزار می‌شود. اولین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۷۵ در مکزیکو و به مناسبت سال بین‌المللی زن، دومین کنفرانس در سال ۱۹۸۰ در کینهاگ تحت عنوان اشتغال، بهداشت و آموزش، سومین کنفرانس در سال ۱۹۸۵ در نایروبی تحت عنوان اعتلای زن تا سال ۲۰۰۰ و چهارمین کنفرانس در سال ۱۹۹۵ در پکن تحت عنوان برابری، توسعه و صلح و با شرکت نمایندگان دولتهای عضو سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن، نمایندگان جنبشهای آزادیبخش، سازمانهای غیر دولتی، مجامع تخصصی و کارشناسان مستقل برگزار شد.

World Economic Forum (Davos Meeting)**مجمع اقتصادی جهانی (اجلاس داووس): اجلاس اقتصادی جهانی (اجلاس داووس)**

نشستهای سالانه بانکداران، صاحبان سهام، رؤسای شرکتهای چندملیتی، سیاستمداران، نخبگان و مقامهای عالی‌رتبه اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه‌داری که هر سال در منطقه تفریحی داووس واقع در کشور سوئیس برگزار می‌شود. هدف اساسی آن، بهبود وضع اقتصاد جهانی اعلام شده است. مجمع دارای دو نهاد گرداننده خارجی است که از اعضا تشکیل می‌شوند: هیأت امنای بنیاد که از رهبران و مدیران بخشهای دولتی و خصوصی بین‌المللی تشکیل می‌شود و شورای مجمع که نماینده منافع شرکا و اعضای مجمع است. برای اولین بار از سال ۱۹۷۱-۱۹۷۰ که این مجمع تشکیل شد، نشست سال ۲۰۰۲ برای ابراز همدردی با نیویورک به علت حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در این شهر برگزار شد. کلاوس شواب، بنیانگذار اجلاس داووس در آستانه برگزاری اجلاس سال ۲۰۰۳ در داووس گفت که بیاد ندارد هیچ نشستی به پیچیدگی، شکنندگی و آسیب‌پذیری شرایط موجود جهانی این سال برگزار شده باشد. از جمله مسائل مورد بررسی در اجلاس ۲۰۰۳ داووس می‌توان از بحران عراق، القاعده، نفت، ایدز و نحوه مقابله با دولتها و جنبشهای مخالف با خصوصی‌سازی نام برد. به نظر عده‌ای، این تشکیلات، از جمله کانونهای بین‌المللی علنی امپریالیسم و فراماسونری جهانی است که در کنار و موازی تشکیلات سری و نیمه علنی برای رسوخ برنامه‌ها و گرایشهای فلسفی، اقتصادی و اجتماعی مورد نظر فراماسونری و امپریالیسم، در میان روشنفکران و دولتمردان کشورهای جهان سوم و عضوگیری از میان آنها فعال است.

World Food Programme (WFP)**برنامه جهانی خواربار؛ برنامه جهانی غذا**

این برنامه در سال ۱۹۶۳ مشترکاً به وسیله سازمان ملل متحد و سازمان خواربار و کشاورزی به وجود آمد. طبق این برنامه از مازاد محصولات کشاورزی و دیگر مواد غذایی اهداتی کشورها و کمکهای نقدی و انجام پاره‌ای خدمات برای توسعه اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌شود. مرکز اجرائی برنامه جهانی خواربار در شهر رم است. برنامه جهانی خواربار در سال ۱۹۹۵ اعلام کرد که حتی اگر کشورهای کمک‌کننده، کمکهای غذایی خود را به سه برابر افزایش دهند، تقریباً ۸۰۰ میلیون نفر در دهه آینده با گرسنگی و سوء تغذیه روبرو خواهند شد.

شده توسط مدیریت تلف می‌کنند. مانند این اصل که رانندگان باید قبل از راه‌اندازی وسایل نقلیه، از بی‌عیب و نقص بودن آنها اطمینان داشته باشند.

World Association for Celebrating Year 2000 (WACY 2000)

انجمن جهانی جشنهای سال ۲۰۰۰

این انجمن در سال ۱۹۶۳ تأسیس شد و هدف آن، سازماندهی جشنهایی بود در سراسر جهان به مناسبت آغاز سال دوهزار میلادی. مرکز انجمن در لندن قرار داشت و نشریه نامنظمی به همین عنوان منتشر می‌کرد.

World Bank

بانک جهانی

نام دیگر "بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه" است که هدف آن، تسهیل سرمایه‌گذاری کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته در کشورهای توسعه نیافته از طریق به‌جریان انداختن وجوه خصوصی یا اعطای وام از محل موجودی بانک است. به‌طور کلی، هدف واقعی مؤسسه‌ای مثل بانک جهانی، بنگاه مالی بین‌المللی، انجمن عمران بین‌المللی، گات و صندوق بین‌المللی پول عبارت است از کسب کنترل بیشتر کشورهای سرمایه‌داری بر کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین.

World Brotherhood

برادری جهانی

جمعیتی است که در آن کلیه افراد بشر بدون در نظر گرفتن نژاد، زبان، مذهب و رنگ پوست می‌توانند عضویت داشته باشند. این تشکیلات در سال ۱۹۵۰ در کاخ یونسکو و به پیشنهاد دکتر کلینچی رئیس انجمن ملی یهودیان و مسیحیان و یکی از برجستگان تشکیلات فراماسونری آمریکا و پروفیسور کامپتون فیزیکدان آمریکایی به‌وجود آمد. این دونفر در سال ۱۹۵۸ از آمریکا به ایران آمدند و مرکز سازمان برادری جهانی را در خاورمیانه و خاور نزدیک در تهران تشکیل دادند.

World Citizen

شهروند جهان

این اصطلاح برای اشاره به اندیشمندان، دانشمندان و دانش پژوهان و امکان تحرک و فعالیت آزادانه آنها در سطوح ملی و جهانی به کار رفته است.

World Community

جامعه جهانی

مجموعه کشورهای مستقل در دوره معین است که از نظر سیاسی بریکدیگر اثر می‌گذارند، و معمولاً به‌جهت تحصیل منافع ملی، با هم روابط متقابل و دیپلماتیک برقرار می‌کنند.

World Conference on Human Rights

کنفرانس جهانی حقوق بشر

طبق تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای بزرگداشت سال بین‌المللی حقوق بشر، اولین کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۶۸ با حضور نمایندگان دولتی ۸۴ کشور در تهران برگزار شد و پس از سه هفته بحث و تبادل نظر، بیانیه‌ای شامل ۱۹ بند تصویب نمود که به "بیانیه تهران" شهرت یافت. دومین کنفرانس در سال ۱۹۹۳ با حضور نمایندگان ۱۷۱ کشور در وین برگزار شد و پس از دو هفته بحث و تبادل نظر، سندی تحت عنوان "اعلامیه و برنامه اقدام" در سه بخش تنظیم کرد.

و یک ملوان آمریکایی با سرنیزه جلو در مراقب بود تا مانع ورود بی‌اجازه متخصصان و دیپلماتها و نمایندگان مختار و حتی همکاران آمریکایی شخص رئیس جمهوری بشود.

Window - Dressing

ظاهرسازی

تظاهر یا وانمود کردن چیزی که حقیقت ندارد.

Wing

جناح

بخشی از یک واحد یا جریان سیاسی: جناح حکومت، جناح حزب، جناح راست و جناح چپ.

Withering Away of the State

زوال دولت

مفهوم مارکسیستی که به موجب آن، دولت به عنوان مظهر تسلط یک طبقه بر بقیه اقشار و طبقات اجتماعی، تحت نظام سوسیالیستی (که دولت در آن نماینده اکثریت زحمتکش جامعه است) به تدریج رو به زوال می‌رود و جای خود را به "خودگردانی اجتماعی کمونیستی" یا نظام "اداره امور اشیاء" می‌دهد. زوال دولت به معنی از میان رفتن سازمانها و دستگاههای اداره کننده جامعه نیست، بلکه به معنی از میان رفتن دستگاه سیادت یک طبقه بر طبقه دیگر است.

Work

کار

فعالیت فکری یا یدی برای کسب یا ایجاد درآمد و تولید کالا یا انجام خدمت.

Work Ethics (Employee Motivation)

وجدان کار

گرایشی است درونی در انسان برای انجام کار بیشتر و بهتر و معمولاً ناشی از عوامل اجتماعی (ارزشهای حاکم، آداب و رسوم، قوانین و مقررات اجتماعی) و عوامل سازمانی و مدیریتی (ضوابط و مقررات سازمانی، شیوه مدیریت، تقسیم کار، فرهنگ سازمانی، تشویق و تنبیه) است.

Working Class

طبقه کارگر

طبقه رنجبر یا قشر وسیعی از کارگران یدی و غیریدی که از نظر پایگاهش در روند تولید، نوع کار و درآمد، اعتبار، شیوه زندگی و صرف درآمد دارای ویژگیهای خاصی است. طبقه کارگر، معمولاً فاقد هرگونه تملک و تصاحب بر وسایل تولید است و مایحتاج خود را فقط از طریق فروش نیروی کارش تأمین می‌کند. این واژه همچنین مترادف پرولتاریاست.

Working Class Conservatism

محافظه کاری طبقه کارگر

این اصطلاح بیانگر حالت آن دسته از کارگران جوامع پیشرفته صنعتی است که بر اثر عواملی مثل شعور طبقاتی کاذب که ناشی از تبلیغات مداوم و گسترده بورژوازی است، بورژوا شدن و از دست دادن رسالت و بزرگی، ظهور و گسترش طبقه متوسط جدید و نیز پیدایش طبقه کارگر مرفه، به محافظه کاری و محافظه کاران گرایش یافته‌اند.

Work to Rule

کار مقرراتی؛ کار مطابق مقررات؛ کار در حد مقررات؛ رفع تکلیف

یکی از شکلهای اعتصاب که در آن، کارکنان عمداً و قششان را برای رعایت دقیق مقررات تدوین

جرایم یقه سفیدها**White Collar Crimes**

جرایمی که صاحبان مؤسسات بازرگانی و صنعتی و شرکتهای بزرگ و افراد طبقه بالا و عالی مقام مرتکب می شوند، مانند تبلیغات غیر واقعی، زیر پا گذاشتن حقوق تالیف و اختراع، اجحاف و بیعدالتی در مورد کارگران و کارمندان، دزدی و حیف و میل اموال عمومی و فرار از مالیات. یقه سفیدهای بزهکار اگر هم مورد پیگرد قانونی قرار گیرند، در سایه امتیازات اجتماعی خویش و با تأمین ضامن و وجه الضمان و استخدام و کلای مبرز دادگستری و یا پرداخت جریمه از رسوا شدن و مجازات نجات می یابند. به همین علت است که مردم معمولاً از شنیدن کلمه بزهکار، شخص بدلباس و بدقیافه و پریشان احوالی را مجسم می سازند و به سختی می توانند بزهکاریهای یقه سفیدهای خوش قیافه و آراسته را باور نمایند.

گران و کم فایده؛ پرخرج و کم مصرف**White Elephant**

اصطلاح فیل سفید، کنایه از وبال گردن، چیز کم استفاده و کم فایده است، بویژه چیزی که به قیمت گرانی تهیه شده باشد. عده ای در انگلستان، مالکیت مجدد این کشور بر جزایر فالکلند (مالویناس) آرژانتین را که به دنبال جنگ سال ۱۹۸۲ حاصل شد، گران و کم فایده شمرده اند.

کاخ سفید**White House**

مقر ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا در واشنگتن دی سی که گاهی برای اشاره به حکومت آمریکا به کار می رود.

اعتصاب بی پشتوانه؛ اعتصاب غیرمجاز**Wildcat Strike**

عمل خودبه خودی اعتصاب بدون پشتیبانی اتحادیه کارگری مربوطه و بدون ارتباط با جریان اصلی دعوت به اعتصاب را مشخص می کند. این نوع اعتصاب را اعتصاب غیرقانونی، اعتصاب برقی و اعتصاب با اخطار فوری نیز می خوانند.

غرب وحشی**Wild West**

این اصطلاح برای اشاره به غرب آمریکا در دوره سکونت پذیری و بی قانونی به کار رفته است.

دیپلماسی ویلسونی**Wilsonian Diplomacy**

اشاره به دیپلماسی علنی که "وودرو ویلسون" (۱۸۵۶-۱۹۲۴) رئیس جمهوری آمریکا علمدار آن بود. ماده اول از چهارده ماده معروفی که وی در سال ۱۹۱۸ در کنفرانس صلح پاریس عرضه نمود، مقرر می داشت که در آینده، مذاکرات پیرامون پیمانهای صلح باید علنی انجام پذیرد و دیپلماسی باید به طور صریح و آشکار اجرا شود و مذاکرات محرمانه سیاسی نیز موقوف گردد. هنوز یک سال از اعلام این نظر نگذشته بود که خود ویلسون دعوت شد تا در مذاکرات مربوط به پیمان ورسای شرکت کند. نه تنها آلمان و متحدانش از شرکت در مذاکرات محروم شده بودند و نه تنها تمام کشورهای کوچک از جریان مذاکرات موضوعهای مختلف بی اطلاع بودند و نه تنها جز اخبار ساده و رسمی چیزی از مذاکرات در جراید منعکس و منتشر نشده بود، بلکه آخر کار، ویلسون در اتاق خود با لویدجرج و کلمانسو نخست وزیران انگلستان و فرانسه نشسته و در راهروی خویش بستند

Western European Union (WEU)**اتحادیه اروپای غربی**

این اتحادیه در پنجم ماه مه سال ۱۹۵۵ بجای سازمان پیمان بروکسل و به منظور همکاریهای نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین کشورهای عضو تشکیل شد. اعضای آن عبارتند از: آلمان، ایتالیا، بریتانیا، بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ و هلند. آژانس کنترل تسلیحات این اتحادیه که در پاریس قرار دارد، با "ناتو" در ارتباط است. مرکز اتحادیه اروپای غربی در لندن قرار دارد. اتحادیه اروپای غربی در دوران جنگ سرد، امکانات خود را در اختیار ناتو قرار داد، ولی پس از امضای پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۱ و شروع روند وحدت اروپا، دوباره فعال شد. مع هذا، اتحادیه اروپای غربی نتوانسته است جای ناتو را در عرصه امنیتی اروپا بگیرد.

Westernism**غربگرایی؛ غرب باوری**

طرز فکر خاصی که به پذیرش هر چه غربی باشد گرایش دارد و از هر چه سنتی و شرقی است، بیزار است.

Westernization**غربی شدن؛ فرنگی مآبی؛ غربیگری**

جریان خاص فرهنگی است که به موجب آن، جامعه یا بخشی از آن، فرهنگی را که در غرب به دنبال رنسانس و انقلاب صنعتی به وجود آمده است، به طور کامل یا به صورت جزئی اقتباس می کند. این جریان ناگزیر باعث دوراندختن پاره‌ای عناصر و یا نهادهای سنتی جامعه می شود.

Westomania**غربزدگی**

علاقه و شیفتگی مفرط (شرقپها) به نهادها و آداب و رسوم غربیها و تقلید از آنها.

Westphalia (Peace and Treaties)**وستفالی (صلح و عهدنامه‌ها)**

نام صلح و دو معاهده‌ای که پس از مذاکرات مفصل (نمایندگان فرانسه، سوئد، امپراتور آلمان و شاهزادگان مستقل شمال آلمان) شروع شده از سال ۱۶۴۴ در شهرهای اسنبروک Osnabrueck و منستر Muenster در وستفالی آلمان، به جنگهای سی ساله مذهبی پروتستانها و کاتولیکها پایان داد. با امضای معاهده وستفالی در ۲۴ اکتبر ۱۶۴۸، استقلال هلند و سوئیس به رسمیت شناخته شد، قریب ۳۵۰ واحد سیاسی آلمان مستقل شدند و آزادی مذهبی و حق اتحاد با کشورهای خارجی کسب کردند و امپراتوری ملغی گردید، سوئد دهانه کلیه رودخانه‌هایی را که به دریای بالتیک و دریای شمال می‌ریزد به تصرف درآورد؛ فرانسه نیز آژانس را به استثنای استراسبورگ به دست آورد. به طور کلی، اهمیت صلح و معاهدات وستفالی در این است که سازمان داخلی آلمان و تقطیع سیاسی آن سرزمین را به طور قطع برقرار و امپراتوری را ملغی و حدود کشورهای اروپا را به طور روشن تعیین کرد و آنها را از مداخله پاپ و امپراتوری روم در امور داخلی شان آزاد ساخت.

Whip**ناظم حزبی در مجلس؛ رابط پارلمانی حزب**

نماینده‌ای که در پارلمان از طرف حزب به صورت غیررسمی برای ابلاغ دستورات حزب و فراخواندن اشخاص برای شرکت در جلسه‌ها و موارد دیگر مأمور می شود.

ایترنت بنویسد. نوشته‌های روزانه شخصی افراد گوناگون روی ایترنت در سه سطح تولید اطلاعات، انتقال اطلاعات و توزیع اطلاعات به سمت بی‌مرکزی گرایش دارد. هر فردی تنها به شرط دسترسی به ایترنت می‌تواند اطلاعات تولید کند، آن را به وسیله زیرساختها و نرم‌افزارهای متعدد به ایترنت منتقل کند و به هر فرد دیگری امکان بدهد که به شکل‌های مختلف و با استفاده از نرم‌افزارهای گوناگون آن اطلاعات را دریافت کند. به عبارت دیگر، وبلاگ یک صفحه ساده «وب»، با مجموعه‌ای از نوشته‌ها است که در زمانهای مختلف، روزآمد شده‌اند و بیشتر در آنها امکان نظرسنجی وجود دارد و معمولاً در بین نوشته‌ها، امکان برقرارکردن ارتباط به سایتهای دیگر هم وجود دارد. نوشته‌های وبلاگ ممکن است با عکس، موسیقی یا نمایشهای ویدئویی ایترنتی نیز همراه باشند.

Welfare State

دولت بهبودبخش؛ دولت رفاه عمومی؛ دولت بهزیستی

دولتی که هدفش بهروزی عمومی و خدمت کردن به جامعه از طریق تأمین خدمات بهداشتی و آموزشی، مدد معاش ایام بیکاری، حقوق بازنشستگی و تأمین نیازهای سالمندان، ناتوانان و تهیدستان است. این واژه در سال ۱۹۴۱ به وسیله سر اسقف ویلیام تمپل به کار رفت. در عصر حاضر، به اقتضای جبر اجتماعی، تقریباً همه دولتهای صنعتی سرمایه‌داری برای حفظ موجودیت خویش به خدمات عمومی فراوان تن در داده‌اند و به صورت دولتهای بهبودبخش درآمده‌اند. به عبارت دیگر، فشار سازمانهای کارگری و احزاب کمونیست و سوسیال دموکرات در داخل و فشار نهضتهای انقلابی و آزادیبخش از خارج آنها را وادار نموده تا سهم زیادتری از غارت جهان را صرف ایجاد دولتهای بهبودبخش کنند. سرکارل ریموند پوپر، ایجاد دولتهای رفاه عمومی را نتیجه مهندسی اجتماعی در داخل جامعه لیبرال دانسته است.

Well-Ordered Society

جامعه موزون؛ جامعه متعادل

جامعه‌ای که در آن، خیر و صلاح فردی تضمین و عدالت اجتماعی نیز برقرار شده باشد.

Weltanschauung (World-outlook)

جهان‌بینی

جهان‌بینی معادل واژه آلمانی "ولت آن شاوونگ" است و به مجموعه نظریات، مفاهیم و تصورات یک فرد یا گروهی از افراد درباره جهان پیرامون، اعم از طبیعت یا جامعه اطلاق می‌شود. مفهوم محدودتر این واژه، نظریات و عقاید فلسفی است.

Weltschmerz (World Pain)

غم عالم؛ درد جهان

واژه آلمانی ولت شمرتس، به معنی خستگی مالیخولیائی از زندگی، بدبینی احساساتی در مورد وضع دنیا، حزن و دلنگی بواسطه بدبهای عالم که در هر صورت، ممکن است جهان‌بینی شخص از آن رنگ گیرد.

West Bloc

بلوک غرب

این واژه برای اشاره به کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و بویژه کشورهایی که در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) متحد شده‌اند، به کار رفته است.

کند، ناچار است که به شکل دولت جنگی درآمد و در نتیجه، برحوزه اقتدار سازمانهای اجرایی خود بیفزاید و در بسیاری از فعالیتهای تولیدی خصوصی دخالت کند و آزادیهای فردی را محدود سازد. دولتی که به شکل دولت جنگی درآمد، معمولاً بعد از رفع بحران نیز به همان شکل دوام می آورد و برای پیشگیری از بحرانهای دیگر، همچنان مجهز و قدرتمند می ماند.

جنگ آب

Water War

جنگ احتمالی بر سر آب (شیرین قابل تجدید) به عنوان یک کالای کمیاب و گران قیمت. در سالهای اخیر، کمبود آب شیرین، یکی از ریشه های اصلی رویارویی در خاورمیانه و آسیای جنوب غربی بوده است. حوضه های رودخانه های نیل، اردن، دجله، فرات، سند، گنگ، براهماپوترا، اروندرود و هیرمند از جمله مناطق مورد مناقشه بر سر آب است. حفاظت از سدها یا دستگاههای عظیم آب شیرین کن نیز که هر کدام به اندازه یک شهر کوچک وسعت دارند و در صورت بروز جنگ، ممکن است هدف حملات خصمانه و خرابکاری قرار گیرند از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانکه نگرانیهای عربستان سعودی در مورد آب و دستگاههای آب شیرین کن، در سال ۱۹۹۱ که صدها هزار نیروی مداخله گر آمریکائی در بیابانهای هم مرز با کویت و عراق مستقر شده بودند، برای آمریکا هم قابل درک بود. برآورد شده که به علت رشد بی رویه جمعیت، فرسایش منابع و آلودگی، تا سال ۲۰۵۰ میلادی، حداقل دو میلیارد نفر در ۴۸ کشور با کمبود آب شیرین مواجه شوند.

منابع مالی؛ امکانات مالی

Ways and means

روشها، منابع و امکانات مالی تحت اختیار حکومت، شخص یا مؤسسه یا طرق و محلهای تأمین بودجه.

ثروت

Wealth

هر آنچه که ارزش یا مطلوبیت داشته باشد و نیاز و میل انسان را برآورده سازد. نیاز به ثروت یا مال برای زندگی، امری طبیعی است. اما کسانی که از راه نامشروع کسب مال و ثروت می کنند و برایشان اهمیت ندارد چگونه به آن دست یابند، نمی توانند خوشبخت و سعادتمند باشند، اگرچه امکان دارد تمام مردم نیز به آنها رشک برند و نسبت به خوشگذرانیهای آنها حسادت ورزند. در تفکر سنتی، ثروت یک امر طبیعی تلقی می شد و در تفکر نو، ثروت عمدتاً حاصل کار و تدبیر افراد بشر تلقی می شود و نه ناشی از سخاوت طبیعت.

اقتصاد کامپیوتری

Webeconomics

اقتصاد مبتنی بر شبکه های کامپیوتری بین المللی مثل اینترنت که برخلاف اقتصاد سنتی و بازارهای فیزیکی آن، بر اساس شبکه های کامپیوتری پایه گذاری شده است و مبادلات اقتصادی و بازرگانی از همین طریق صورت می گیرد.

وبلاگ

Weblog

محیطی که امکان می دهد، انتشار ایده ها، افکار و دیدگاه ها عملی شود و نوعی روزنامه نگاری فردی است که شخص می تواند یادداشتهای شخصی خود را برای آگاهی و تعامل با دیگران در

جنگ براندازی**War of Subversion**

جنگی که از طریق کمکهای اعطائی مادی، معنوی و نظامی به گروههای براندازنده در داخل کشور دیگر به پیش برده شود.

جنگ جانشینی**War of Succession**

جنگی که بر سر جانشینی فرمانروائی رخ می دهد که بدون وارث قانونی مورد اتفاق، در گذشته است.

سازمان پیمان ورشو؛ پیمان ورشو**Warsaw Treaty Organization (Warsaw Pact)**

پیمان ورشو در ۱۴ ماه مه ۱۹۵۵ در برابر تهاجم احتمالی امپریالیستی و به عنوان پاسخی به توسعه "ناتو" و پیوستن آلمان غربی سابق به آن، بین کشورهای شوروی سابق، آلمان شرقی سابق، بلغارستان، چکسلواکی سابق، رومانی، لهستان، مجارستان و آلبانی در ورشو به امضا رسید. مقر فرماندهی مشترک سازمان پیمان ورشو در مسکو قرار داشت. سازمان پیمان ورشو در سال ۱۹۹۱ منحل شد.

کشتی جنگی؛ ناو جنگی**Warship**

کشتی جنگی یا کشتی عمومی را می توان با خصوصیات زیر شناخت: ۱- ناو جنگی باید جزء نیروی دریایی کشور باشد (مثلاً در اسناد رسمی ناوگان جنگی ثبت شده باشد). ۲- فرمانده کشتی از افسران دائمی نیروی دریایی باشد. ۳- ملوانانی که در ناوکار می کنند از ناویان نیروی دریایی باشند. ۴- اجازه حمل پرچم و مشعل جنگ نیروی دریایی را داشته باشد و برای انجام دادن مقاصد نظامی نبرد آماده شده باشد و بتواند واقعاً در عملیات نظامی شرکت کند. ناو جنگی ممکن است در زمان صلح (با اجازه صریح) به آبهای کشور ساحلی وارد شود. کشور ساحلی می تواند با اعلان قبلی، ورود آنها را به آبهای خود ممنوع سازد و یا به شرایطی مشروط نماید، مگر در مواقعی که ناو جنگی خارجی به علت معیوب شدن و یا در اثر پیشامد اجتناب ناپذیر و یا جبر طبیعی مجبور گردد در یکی از بنادر کشور ساحلی لنگر اندازد. در زمان جنگ، ورود ناو جنگی بیطرف، مشروط به کسب اجازه قبلی است. کشور ساحلی حق دارد مدت اقامت کشتی را تعیین نماید. کشتیهای جنگی و تجارتی باید هنگام ورود به آبهای داخلی و اقامت در بندر کشور ساحلی، حاکمیت و سلطه کشور محل اقامت را محترم شمارند. در صورتی که مجرم غیرسیاسی یا عادی (کشور ساحلی) به کشتی جنگی (خارجی) پناه برد، فرمانده ناو مکلف است داوطلبانه، مجرم را تسلیم و تحویل نماید و احتیاجی به انجام دادن تشریفات استرداد مجرمین نیست. در صورتی که مجرم سیاسی باشد، معمولاً فرمانده ناو از نظر انسانیت از وی پذیرایی می کند و اگر هم مقامات محلی او را بخواهند، موظف نیست مجرم سیاسی را تحویل دهد. ولی این طرز رفتار خالی از اشکال نیست و دولت ساحلی می تواند کشتی را مجبور به خروج از آبهای داخلی خود کند.

دولت جنگی**War State**

در مواقع بحرانی و بویژه در زمان جنگ، دولت برای اینکه بتواند با سرعت و وحدت زیاد عمل

دولت جنگ طلب**Warfare State**

این واژه در سال ۱۹۴۱ توسط سراسقف ویلیام تمپل (۱۸۸۱-۱۹۴۴) برای اشاره به دولتی به کار رفته که ساختار اصلی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن مطابق و یا در جهت شرایط جنگی ایجاد شده است و بواسطه تثبیت آن شرایط یا از طریق درگیریهایی بدون وقفه برای جنگ، خواه در پوشش دفاع از خود و یا به هر صورت دیگر، به حیات خود ادامه می‌دهد.

بازیهای جنگی**War Games**

سناریوهایی که توسط استراتژیستهای نظامی یا رزم‌آرایان برای پیش‌بینی نتیجه نزاع مسلحانه طرح می‌شود. بازیهای جنگی نتیجه منطقی نظریه بازی است که در آنها هر بازیگر در موقعیتهای نزاع و رقابت قرار می‌گیرد و باید از استراتژیهای تصمیم‌گیری برای به‌حداکثر رساندن سود و به‌حداقل رساندن ضرر استفاده کند. از دهه ۱۹۸۰ این سناریوها را به‌صورت بازیهای کامپیوتری در آورده‌اند.

تقصیر جنگ**War Guilt**

ماده‌ای که در عهدنامه ورسای درج شده و بیانگر آن بوده که مسئولیت تلفات و خسارات ناشی از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) بر عهده دولت آلمان و متحدان آن کشور است. در سال ۱۹۳۸ آدولف هیتلر اعلام کرد که ماده تقصیر جنگ، مندرج در عهدنامه ورسای، برای آلمان قابل قبول نیست و به‌دنبال آن، به‌نیروهای آلمان دستور داد برای حمایت از آلمانیهای مقیم اتریش، وارد خاک آن کشور شوند و آن کشور را به آلمان ضمیمه سازند.

غرامت جنگ**War Indemnity**

مبلغی که باید مغلوب به‌غالب، با تعهد پرداخت در مدت معین، بپردازد.

جنگسالار**War Lord**

رهبر نظامی که با نیروی اسلحه، کنترل شخصی را بر قسمتهایی از کشور اعمال می‌کند. از جنبه تاریخی، بویژه در مورد رهبران نظامی چینی و اخیراً در مورد سپهسالاران، سرداران و فرماندهان نظامی افغانی (مثل احمد شاه مسعود) به کار رفته است.

جنگ فرسایشی**War of Attrition**

جنگی که هدف از ادامه آن، خسته کردن دشمن (از راههایی مثل محاصره دریائی و نابودی قابلیت‌های تولیدی حریف) است. در جنگ فرسایشی هر طرف می‌کوشد با وارد کردن بیشترین تلفات و ضایعات بر طرف مقابل، حریف را فرسوده کند و از پای درآورد.

جنگ اعصاب**War of Nerves**

نگهداشتن دشمن یا حریف در حالت نگرانی و ترس دائم از تهاجم به‌وسیله حرکت آشکار ارتش، هواپیماها، کشتیها و نظایر اینها.

مسأله جنگ باعث طبقه‌بندی انواع گوناگون جنگ شده است. به عبارت دیگر، جنگ با توجه به سطح فنون، قدرت اسلحه، بزرگی کشورها یا گروه‌های در حال نزاع و شمار کسانی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در منازعات شرکت دارند، اشکال گوناگونی می‌یابد. نیوت گینگریج سیاستمدار راست‌گرای افراطی جمهوریخواه آمریکایی در مقدمه کتاب تافلر به نام به‌سوی تمدن جدید نوشته است: "در سال ۱۹۹۱ جهان شاهد اولین جنگ بین سیستم‌های نظامی موج سوم با یک ماشین نظامی کهنه موج دومی بود. عملیات نظامی طوفان صحرا، انهدام یکجانبه عراق به‌دست آمریکا و متحدانش بود. آن هم بیشتر به این دلیل که سیستم‌های موج سوم به‌نحو قاطعی ثابت کردند که سیستم‌های ضدهوایی پیچیده موج دومی در برابر جنگنده‌های رادار گریز موج سوم، هیچ خاصیتی ندارند و ارتش‌های سنگر گرفته موج دومی در مقابله با سیستم‌های اطلاعاتی موج سوم برای هدفگیری و لجستیک، به آسانی مقهور و منهدم می‌شوند." در جنگ نفت یا جنگ سلطه یا جنگ علیه ترور در سال ۲۰۰۳ عراق به اشغال آمریکا در آمد. به نظر عده‌ای، کشورهای دیگر از این جنگها درس‌هایی آموختند. مثلاً برای نیروی نظامی کره شمالی، درسها این بود که اجازه ندهند آنها سلاحهای مخرب و کشتار جمعی را در قدرت هوایی خود قرار دهند و اجازه ندهند ابتکار عمل را به دست گیرند و دست به جنگی بزنند که تلفات آنها کم باشد. نیروی نظامی هند نیز آموخت که با آمریکا وارد جنگ نشود، مگر اینکه به سلاحهای هسته‌ای مجهز باشد. بعضی نیز متوجه سلاحهای غیرمتعارف، کم حجم و به آسانی قابل انتقال، اما دارای قدرت کشتار، مسمومیت و آلودگی وسیع شدند. و بالآخره، بعضی نیز (مثل سوئدیها) برای ریشه کن شدن جنگ، در جهت پرورش انسانهای نو، دانا، فهیم، نودست، صلحدوست، بافضیلت و باشعور همت کردند.

War Booty

غنیمت جنگی

اموال عمومی یا دولتی دشمن که متخاصم در میدان نبرد می‌یابد یا به‌جنگ می‌آورد. متخاصم می‌تواند این اموال را چه در عملیات نظامی قابل استفاده باشند و چه نباشند، به‌خود اختصاص دهد. ضبط یا توقیف اموال خصوصی، جز در موارد معین و به‌شرط استرداد، پرداخت غرامت و یا تأدیه ما بازای آنها، مجاز نیست.

War Cabinet

کابینه جنگی

کابینه‌ای که متشکل از عده کمی از مأمورین مهم دولتی است و تصمیم‌گیری اساسی درباره سیاست حکومتی را در زمان جنگ به‌عهده می‌گیرد.

War Crimes

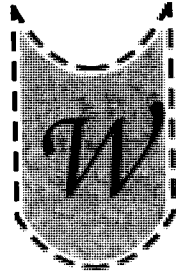
جنایات جنگی

ارتکاب اعمالی که خلاف آداب و رسوم و قوانین بین‌المللی جنگ باشد، مثل استفاده از گازهای سمی و شیمیایی، اذیت و آزار یا کشتار مردم غیرمسلح یا غارت اموال آنها و انهدام مناطق مسکونی. مرتکبین جنایات جنگی قابل مجازاتند.

War Economy

اقتصاد جنگی

اقتصاد زمان جنگ بر مبنای تولید محصولات نظامی و اسلحه جنگی و رساندن حداکثر تجهیزات و خواربار به‌جبهه و تنظیم اقتصادیات به‌منظور تفوق جنگی.



دیوار چین

Wall of China

کاربرد این واژه در مباحث سیاسی، کنایه از وسیله جدا کردن کامل، مجزا کردن قطعی و ایجاد سد غیر قابل عبور است.

وال استریت

Wall Street

خیابانی که در بخش جنوبی ناحیه مانهاتان شهر نیویورک قرار دارد و از سال ۱۷۹۲ در آن، مؤسسات مالی اصلی ایالات متحده آمریکا متمرکز شده است. وال استریت در فرهنگ اقتصادی و سیاسی به مرکز اصلی سرمایه‌داری آمریکا و به سرمایه‌داران آمریکایی و قدرت و نفوذ و سیاستهای آنها و یا به بازار پول آمریکا اطلاق می‌شود.

یهودی سرگردان

Wandering Jew

یهودی افسانه‌ای که مسیح را در وقتی که صلیب را حمل می‌کرد، مورد ریشخند قرار داد و به همین علت، سرنوشتش آن شد که تا روز قیامت سرگردان باشد.

جنگ

War

۱- تبدیل شدن کشمکش دائمی بین کشورها به ستیزه‌ای خشونت بار و خونین. ۲- حالتی از روابط بین دو دولت یا بین گروهی از دولتها یا بین یک دولت و گروهی از دولتها که براساس آن، آثار عادی قانون بین‌المللی، یعنی قانون کلی صلح، بینشان به حال تعلیق درآمده باشد. ۳- مبارزه مسلحانه بین کشورها یا بین طبقات برای اجرای هدفهای سیاسی و اقتصادی. ۴- از نظر کارل فون کلاوس ویتس (۱۸۳۱-۱۷۸۰) ژنرال پروسی، جنگ ادامه سیاست است با وسایل دیگر. او می‌گوید جنگ عمل قهری است که منظور از آن مجبور ساختن خصمان به اجرای اراده ما است. کلاوس ویتس، اصل اساسی جنگ را حفظ نیروهای خودی و نابودی نیروهای دشمن، هدف جنگ را خلع سلاح یا سرنگون کردن دشمن و عامترین اصل پیروزی در جنگ را برتری تعداد افراد مسلح دانسته است. پیشرفتهای وسایل تکنولوژیکی ویرانگر در سازماندهی سیاسی، در نظام بین‌المللی و در تحلیل

کشورهای پیشرفته و سلطه گر است. مثلاً به نظر یکی از پژوهشگران هندی به نام آنیل داتی: کشورهای در حال توسعه با چهار مسأله روبه‌رو هستند: ۱- از میان بردن بیکاری ۲- مهاجرت روستایی- شهری ۳- توزیع نابرابر سودهای حاصل از توسعه ۴- آسیب‌پذیری بیش از پیش در برابر سیاستهای سایر کشورها.

Vote of no Confidence**رای عدم اعتماد**

در حکومت‌های پارلمانی عبارت است از ابراز رسمی عدم حمایت از هیأت دولت از سوی اکثریت قوه مقننه.

Voting Behaviour**رفتار رای دهی**

رفتار رأی دهندگان که از طریق بررسی‌های نمونه صورت می‌گیرد. از بیش از ۶۰ سال که این گونه بررسی‌ها انجام شده، به خوبی مشاهده می‌شود که رفتار رأی دهندگان تغییر کرده، اما گرایش‌های اصلی ثابت مانده است. به نظر فرانک بیلی Bealey طبقات بالا و متوسط، تمایل به رأی دادن به راست و جناح راست احزاب میانه دارند. در حالی که طبقه کارگر، تمایل به رأی دادن به چپ و جناح چپ احزاب میانه دارد. رأی دهندگان روستائی بیشتر به راست تمایل دارند و رأی دهندگان شهری بیشتر به چپ تمایل دارند. زنان، کمتر رادیکال هستند و بیشتر محافظه کارند. رأی دهندگان جوان از نظر سیاسی آگاهی کمتری نسبت به دیگران دارند و کمتر رأی می‌دهند، ولی آنهایی که رأی می‌دهند، معمولاً به چپ گرایش دارند. مع ذلک، رفتار رأی دهندگان در هر جا متفاوت و متغیر است.

Vox Populi**صدای مردم؛ نظر مردم**

اصطلاح لاتین به معنی صدای مردم و افکار عمومی که در شرایط بحرانی و انقلابی شنیده شده و به فروپاشی سلطنتها و حکومتها منجر شده است.

Vulgarity**عوامانگی؛ بی‌نزاکتی**

این واژه بیانگر شیوه تفکر و زندگی بی‌ظرافت، زمخت و بی‌فرهنگ است که در آن، ارزشهای روحی انسان بی‌اندازه ساده و شأن و قدر انسان بسیار پائین آورده شده است. منافع پست و ناچیز، انگیزه‌های حقیر، گفتار و کردار سطحی و بی‌ارزش و بی‌مایه که در پرده استدلال پر آب و تاب پوشیده می‌شود و خیالپردازیهای احساساتی از جمله مشخصات عوامانگی است.

Vulgarization**عوامانه کردن (شدن)؛ عوام زدگی**

قدر و ارزش کاری یا چیزی را تا حد افراد عامی و فروپایه پائین آوردن، عامیانه گری، مبتذل و عوام پسند کردن، طرح و ترویج امور به حد ابتدال و در خور مردمان پست.

Vulgar Marxism**مارکسیسم عامیانه**

اصطلاحی که برای اشاره به صورتهای خام و ظاهری یا برداشت نادرست از ماتریالیسم تاریخی به کار رفته است، بویژه سعی در توضیح این نکته که تمام باورها و ارزشها، ناشی از عوامل اقتصادی و وضع طبقاتی است.

Vulnerability**آسیب پذیری؛ ضعف**

هر عامل کالبدی، ساختاری یا اجتماعی و اقتصادی که در برابر یک عامل خطر آفرین امکان دارد خسارت ببیند، ویران شود و یا نابود گردد. کاربرد این واژه در مورد کشورهای در حال توسعه، اشاره به میزان ضربه پذیری آنها از جنبه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در ارتباط با

رای گیری شفاهی**Voice Vote**

رای گیری در مورد یک موضوع از طریق گفتن آری، نه و یا کلمات دیگر که شیوه چندان مناسبی نیست.

روح قومی؛ روح عامه؛ روح ملی**Volksgeist**

واژه آلمانی به معنی روح قوم یا ملت که بویژه توسط فیلسوفان و نویسندگان اواخر قرن هجدهم میلادی مثل یوهان هررد (۱۸۰۳-۱۷۴۴) به کار رفته تا به جایگاه ناسیونالیستی اساس نظری یا تئوریک داده شود، بدین معنی که هر قوم یا ملتی دارای روح ویژه ای است که اساس وحدت افراد آن را نیز تشکیل می دهد. به عبارت دیگر، فرد با ملت یکی است و روح ملی یا قومی، جلوه واقعی تر اراده دائمی شخص است تا هرگونه ترجیح و تمایل شخصی. براین اساس، اراده عام تبدیل به وسیله ای می شود برای ادعای اینکه تصمیم شخصی وقتی با روح ملی مخالف باشد، بی ربط و فاقد موضوعیت است.

دولت مردمی**Volksstaat**

واژه آلمانی به معنی دولت مردمی: ترتیب سیاسی و اجتماعی همسانی که از تنظیم نهادهای دولتی با روح قومی مردم پدید می آید و در حکومت بر آنها مورد استفاده قرار می گیرد. بر اساس دکترینهای ملی گرایانه راجع به ماهیت یک قوم و ملت، کوششی برای طرح و قالب ریزی مجدد آن در واژگانی که برای خود مردم قابل فهم و مربوط به دکترین حاکمیت آنان باشد به عمل آمد. از لحاظ نظری، هر نهاد با روح واحد قومی احیا می شد. این فکر برای بعضی از نازیها خوشایند بود.

اراده گرایی**Voluntarism**

۱- مکتبی که مبتنی بر اصالت اراده است و عمل را بالاتر از اندیشه می داند. ۲- تمایل و اراده شخصی را اساس تحلیل و عمل قرارداد و واقعیت را نادیده گرفتن. در سیاست به معنی برخورد ذهنی با مسائل و گاهی نیز مترادف و همراه ماجراجویی (آوانتوریسم) به کار رفته است.

پناهندگان داوطلب**Voluntary Refugees**

مردمی که با میل خود و داوطلبانه و پیش از اینکه از طرف دولت بر آنها فشاری وارد شود و یا اینکه از نظر سیاسی دچار گرفتاری شده باشند، به کشور دیگر مهاجرت کنند، مثل مهاجرت یهودیان از ترس نازیهای هیتلری.

رای اعتماد**Vote of Confidence**

پیشنهاد برای رأی در مجمع شرکتها یا مجالس مقننه، به منظور ابراز اطمینان و اعتماد به هیأت مدیره یا هیأت دولت.

رای تمایل**Vote of Intent (Inclination)**

اظهار میل و رغبت کردن به شخصی برای تصدی یک مقام دولتی، از سوی اعضای قوه مقننه.

خشونت**Violence**

کاربرد نیرو در غیر جای خود و یا برخلاف قانون. خشونت وسیله‌ای است برای اعمال فشار و اجبار و با این خصیصه ممتاز می‌شود که نیاز به آلات و ادوات دارد. خشونت نزدیک به نیرو است، زیرا آلات خشونت نیز مانند هر ابزار دیگر به این منظور طراحی و به کار می‌روند که نیروی طبیعی را زیاد کنند تا جایی که در مرحله آخر، ممکن است جایگزین آن گردند. قدرت و خشونت ضد یکدیگرند و آنجا که یکی سلطه مطلق پیدا کند، دیگری وجود نخواهد داشت.

خشونت در محل کار**Violence at Work**

این اصطلاح بیانگر رویدادهایی است که به موجب آن، افراد در شرایط مربوط به کارشان مورد سوء استفاده، بدرفتاری و تهاجم واقع شوند و سلامت، رفاه و بهداشت آنها مورد تهدید قرار گیرد.

فضیلت؛ تقوا**Virtue**

۱- هر صفتی که موجب مزیت معنوی دارنده آن بشود. فضیلت داشتن، تطابق رفتار و سیاست و زندگی انسان است با اصول اخلاقی. فضایل، هنجارها یا کردارهایی هستند که برای پیروی از اصول اخلاقی کسب شده‌اند. در برابر فضایل اخلاقی، رذائل یا زشتیها قرار دارند. ۲- ضمیر بیدار به حق و نگهدار حریم، و اثر آن هماهنگی قوای نفسانی و ظهور فضایل خلقی مثل عدالت و پاکدامنی و شجاعت است. ۳- استعداد دائم برای رفتار خیر. شرط فضیلت آن است که در زندگی اجتماعی تحقق یابد، زیرا زندگی کردن دور از مردم، فضیلت به وجود نمی‌آورد. به نظر افلاطون، فضایل نسبت به طبقات جامعه متفاوت است: اگر عفت، فضیلت کارگران باشد و شجاعت فضیلت سپاهیان و حکمت فضیلت فرمانروایان، چنین جامعه با فضیلتی یک جامعه عادل است که تمام فضیلت‌های بشری در یک حالت منسجم و متوازن در آن تحقق پیدا کرده است. از نظر مونته‌سکیو، فضیلت سیاست عبارت است از برتری دادن منافع عمومی به منفعت شخصی.

ویزا؛ روادید**Visa**

امضای گذرنامه از سوی مأموران کشور مورد بازدید یا گواهی کتبی یا مهر که در گذرنامه تبعه یک کشور به وسیله مأمورین صلاحیتدار کشور دیگر انجام می‌شود و نشانگر این است که مأمورین مزبور، اوراق و اسناد تبعه مورد نظر را بررسی کرده و به‌وی اجازه ورود به کشور خود یا ادامه مسافرت از آن را اعطاء کرده‌اند. هیچکس نمی‌تواند بدون ویزا وارد کشوری شود، مگر اینکه ترتیبات دیگری مقرر شده باشد. نوع ویزا به ماهیت سفر و اقسام گذرنامه بستگی دارد.

لیست احتیاطی ویزا**Visa Look-out List**

فهرستی است که مقامات مسئول، در مراکزی نظیر سفارتخانه‌ها از اسامی کسانی تهیه می‌کنند که بویژه به دلایل سیاسی باید از ویزا محروم شوند.

منافع حیاتی**Vital Interests**

۱- بهانه‌ای که برخی دولتها با توسل به آن، بسیاری از اعمال غیرمنطقی، نامشروع و تجاوزکارانه خود را توجیه می‌کنند. ۲- منفعی که یک دولت، محافظت از آنها را برای موجودیت خود، اساسی و ضروری می‌داند.

به این کشور (۱۹۷۵-۱۹۶۴) علیه نیروهای آمریکایی (تا سال ۱۹۶۹ بیش از نیم میلیون نظامی آمریکایی در ویتنام جنوبی مستقر شده بودند) و رژیم دست نشانده آن در ویتنام جنوبی مبارزه می کردند و در سال ۱۹۶۰ همراه با چند گروه استقلال طلب دیگر، در جبهه آزادیبخش ملی ویت‌مین گرد آمدند و سرانجام در سال ۱۹۷۵ (و در حالی که نیروهای نظامی آمریکا از سال ۱۹۶۴ به بعد وسیعاً ویتنام شمالی را بمباران کرده و بیشتر نقاط آن را به سرزمینهای ویران و سوخته تبدیل کرده بودند) شکست سختی بر آمریکائیان وارد کردند. در واقع، جنگ ویتنام نخستین جنگی بود که ایالات متحده آمریکا در آن آشکارا بازنده شد. در اسناد پنتاگون در مورد جنگ ویتنام از جمله آمده است که: "آمریکا در آسیای جنوب شرقی دارای منافع اقتصادی و استراتژیک است. در اختیار داشتن سرزمین "هندوچین" برای حفظ این منافع اهمیت اساسی دارد. اگر یک کشور در آسیای جنوب شرقی به دست کمونیستها بیفتد، کشورهای همجوار آن نیز یکی پس از دیگری سقوط می کنند." والت روستو مشاور کندی و جانسون نیز در سال ۱۹۵۵ نوشت: "آمریکا از یک تهدید ایدئولوژیک در آسیای جنوب شرقی و خاور دور وحشت داشت. آمریکا از این می ترسید که اگر کمونیستها بتوانند در چین به پیشرفتهایی نائل گردند، آنگاه آسیائیهاتصور خواهند کرد که روشهای کمونیستها بهتر از روشهای آنها است. به همین دلیل آمریکا می خواست به هر تریبی که شده از پیشرفت اقتصادی کشورهای کمونیست در آسیا جلوگیری کند. در واقع، اگر چین و ویتنام شمالی به پیشرفت اجتماعی چشمگیری می رسیدند، سیستم حکومتی آنها می توانست قوه جاذبه‌ای برای مردم سایر کشورهای آسیای جنوب شرقی باشد. یکی از هدفهای آمریکا نیز این بود که نگذارد منطقه‌ای سودبخش از حوزه نفوذ قدرتهای صنعتی غرب و ژاپن خارج شود و این قدرتها از دستیابی آزادانه خود به بازار، مواد خام، نیروی کارگر ارزان و امکانات سرمایه گذاری آنجا محروم گردند." به نظر نوام چامسکی، از همان ابتدا، دخالت آمریکائیها در ویتنام دو هدف داشت: هدف اول، جلوگیری از توسعه کمونیسم در آسیا بود. به نظر آنها کمونیسم (که در چین بر سرکار نیز آمده بود) توانائی آن را داشت که در سراسر آسیای جنوب شرقی گسترش یابد و به اندونزی و فیلیپین برسد. هدف دوم نیز این بود که منطقه را که از بسیاری جهات، غنی بود و امپراتوریهای اروپایی قادر به حفظ آن نبودند، در حوزه نفوذ خود وارد سازد.

Vietnam Syndrome

عارضه ویتنام

عارضه یا سندروم ویتنام، کنایه از عدم تمایل بسیاری از رهبران و مردم آمریکا در مورد دخالت نظامی این کشور در کشورهای خارجی به هر دلیل و به هر صورتی است. این بی میلی ناشی از شکست بزرگ ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۷۰ در جریان جنگ ویتنام است که همراه با تلفات انسانی و اعتراضات گسترده داخلی و خارجی بود. با وجود این، در دهه ۱۹۸۰، عارضه ویتنام از یاد رفت و به ندای پرزیدنت رونالد ریگان برای افزایش هزینه‌های دفاعی و تقویت بنیه نظامی و دخالت مستقیم و غیر مستقیم در امور سایر کشورها پاسخ مثبت داده شد.

Vigilants

گوش به‌زنگها

در تاریخ آمریکا به گروههای خودگماشته مجری قانون اطلاق شده است که در موقع عدم تمایل یا ناتوانی مقامات مسئول در مقابله با قانون شکنی و بی قانونی وارد عمل می شوند.

مثل وزیران مختار و فرستادگان فوق العاده، وزیران مقیم و کاردارها. پس از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بین الملل را مأمور تهیه یک موافقتنامه بین المللی درباره روابط دیپلماتیک نمود. این کمیسیون طرح پیشنهادی خود را در سال ۱۹۵۸ به پایان رساند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۱ کنفرانسی در وین تشکیل داد و در آن، طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین الملل به اتفاق آراء پذیرفته شد و از آوریل سال ۱۹۶۴ به مرحله اجرا درآمد. این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و ۵۳ ماده و دو پروتکل ضمیمه است: ۱- پروتکل اختیاری مربوط به حل اجباری اختلافات ۲- پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت. در مورد مسائلی که ضمن مقررات کنوانسیون وین صریحاً تعیین تکلیف نشده است، قواعد عرف و عادت حقوق بین الملل همچنان حاکم خواهد بود. طبق ماده ۱۴ کنوانسیون وین، رؤسای مأموریت به سه طبقه به شرح زیر تقسیم شده اند: ۱- سفیران دولتها و نمایندگان پاپ (نونس) که نزد رؤسای دولتها مأموریت می یابند و سایر رؤسای مأموریت که هم مقام آنانند ۲- فرستادگان و وزیران مختار دولتها و نمایندگان پاپ (انترنونس) که نزد رؤسای دولتها مأموریت می یابند ۳- کاردارها که نزد وزیران امور خارجه مأموریت می یابند.

Vienna Convention on Special Missions (1969)

کنوانسیون وین درباره مأموریت‌های ویژه (۱۹۶۹)

مأموریت‌های دیپلماتیک دائمی شامل گروهی از کارمندان وزارت امور خارجه است که معمولاً در رشته‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی تحصیل کرده‌اند. با گسترش دامنه علوم و فنون، نیاز به متخصصان زیادی احساس شد که تحت نظارت کلی مأموریت دیپلماتیک، منافع ملی و مسائل کشور خود را از همه جنبه‌ها و ابعاد حفظ کنند و پاسخگو باشند. از این رو، کنوانسیون ۱۹۶۹ نیز تدوین گردید که در واقع، مبانی و رژیم حقوقی مأموریت‌های عصر تحول علوم و فنون است. این کنوانسیون دارای یک مقدمه و پنجاه و چهار ماده، بعلاوه یک پروتکل اختیاری درباره حل و فصل اجباری اختلافات است.

Vienna Convention on the Representation of States in their Relations with International Organization of a Universal

کنوانسیون وین درباره نمایندگی دولتها در روابطشان با سازمانهای بین المللی جهانی (۱۹۷۵)

این کنوانسیون در واقع، مبانی و رژیم حقوقی مأموریت‌های ویژه بین دولتها و سازمانهای بین المللی جهانی است و مشتمل بر یک مقدمه و ۹۲ ماده است. در این کنوانسیون، اصطلاح سازمان بین المللی در مورد سازمانهای بین الدول و اصطلاح سازمان بین المللی جهانی در مورد سازمانهایی مثل سازمان ملل متحد، آژانسهای تخصصی آن، آژانس بین المللی انرژی اتمی و سازمانهای مشابهی که عضویت و مسئولیت‌های آنها در سطح جهانی قرار دارد، به کار رفته است.

Vietcong

ویت‌کنگ

کنایه از چریک سریع العمل، دلیر و مبارز و نام سازمان چریکی یا عناصر و رزمندگان کمونیست فعال در ویتنام جنوبی (قبل از اتحاد ویتنام در سال ۱۹۷۶) که در جریان جنگ ویتنام و تجاوز آمریکا

رأی در شورای امنیت در مسائل مهم سیاسی، پنج عضو دائمی این شورا، یعنی آمریکا، انگلستان، چین، روسیه و فرانسه باید اتفاق رأی داشته باشند، و الا هر یک از آنها می‌تواند با استفاده از رأی منفی که تو نامیده می‌شود، از اجرای تصمیمات شورا جلوگیری کند. قدرت و تو در "کنفرانس یالتا" به رسمیت شناخته شد. شورای امنیت، تنها بخش سازمان ملل متحد است که اصل برابری دولت‌ها را با قاعده وحدت نظر قدرتهای بزرگ (امتیاز و تو) زیر پا گذاشته است.

Vice Consul

کنسولیار

طبقه سوم از طبقات چهارگانه رؤسای پستهای کنسولی و منظور کسی است که در محل کنسولگری، کارهای کنسول را انجام می‌دهد.

Vice Crimes

جرایم بدکارگی

جرایم و جنایات ناشی از فسق و فجور، مفساد اخلاقی مثل قماربازی، فحشاء، هرزه نگاری، صور قبیحه در رسانه‌ها و مطبوعات و فیلمهای مبتذل و مستهجن.

Viceroy

نایب السلطنه

کسی که به نیابت از طرف شاه و در حدود قانون اساسی مربوطه به انجام امور سلطنت می‌پردازد.

Vicious Circle

دور باطل

جریان مستمر تأثیر و تأثر عناصر تشکیل دهنده یک مجموعه یا ساختار به نحوی که این مجموعه یا ساختار در وضع اولیه خود باقی بماند. مثلاً دور بازرگانی بین‌المللی به صورتی تنظیم یافته است که شرایط ایجاد وضعی ممتاز را برای اقتصادهای مسلط در بازار جهان فراهم نماید. در حالی که کشورهای کم‌رشد یا در حال رشد و تولید کننده مواد اولیه، همچنان تحت تسلط کشورهای دارای اقتصاد مسلط باقی می‌مانند.

Vienna Convention on Consular Relations (1963)

کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی (۱۹۶۳)

موافقتنامه بین‌المللی حاکم بر روابط کنسولی که در آوریل سال ۱۹۶۳ به تصویب رسید. این موافقتنامه مشتمل بر یک مقدمه و ۷۹ ماده و دو پروتکل ضمیمه است و از سال ۱۹۶۷ به اجرا درآمده است. طبق ماده نهم این موافقتنامه، طبقات رؤسای پستهای کنسولی عبارتند از: سرکنسولها، کنسولها، کنسولیارها و نمایندگان کنسولی.

Vienna Convention on Diplomatic Relations (1961)

کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)

قواعد مربوط به روابط دیپلماتیک تا سال ۱۸۱۵ جنبه عرفی داشت. در ۱۹ مارس سال ۱۸۱۵، قرارداد دیپلماتیک بر هفت ماده در زمینه درجه و مقام نمایندگان دیپلماتیک به تصویب رسید که پروتکل اکس‌لاشاپل مورخ ۲۱ نوامبر ۱۸۱۸ آن را تکمیل کرد. براساس این دو سند، نمایندگان دیپلماتیک به چهار طبقه زیر تقسیم شده بودند: سفرا و نمایندگان پاپ، نمایندگان دیپلماتیک با عناوین مختلف

غیبت امام. ولایت به طور کلی به دو معنی "حب و دوستی" و "سرپرستی" به کار می‌رود. "ولی" به کسی اطلاق می‌شود که دارای اختیارات خاصی است و می‌تواند در امور مربوط به امت بر طبق موازین الهی تصرف و تدبیر کند. ولی مطلق، خداوند متعال است و در درجه دوم، پیامبر و امام که از سوی خداوند انتخاب و تعیین می‌شوند، ولی مؤمنین و صاحب اختیار آنها هستند و می‌توانند بر اساس موازین الهی، در امور امت تصرف و تدبیر کنند و زمام رهبری آنان را به دست گیرند.

Velvet Revolution

انقلاب مخملی

تظاهرات و قیامهای آرام مردم پراگ و سایر شهرهای چک اسلواکی در سال ۱۹۸۹ که به حکومت کمونیستی پایان داد.

Vendetta

کین خواهی؛ خونخواهی

دشمنی شدید و تلخ و طولانی، پدرکشتگی و کینه توزی.

Verstehen (Understanding)

فهم؛ درون فهمی؛ درک

واژه آلمانی به معنی درک، فهم یا قوه فهم که از اواخر قرن نوزده میلادی در آلمان برای اشاره به درک درونی (در مقابل شناخت بیرونی) و قرار دادن خود در وضعیت دیگران برای درک اعمال و نیت آنها به کار رفته است.

Vested Interests

صاحبان منافع؛ گروههای ذینفع

این واژه را ویلن (۱۹۲۹-۱۸۵۷) جامعه‌شناس و اقتصاددان آمریکایی در سال ۱۹۱۹ برای اشاره به اشخاص یا گروههایی به کار برد که در نتیجه دگرگونی اجتماعی دچار زیان می‌شوند و نفعشان در حفظ وضع موجود است و به همین دلیل با تبلیغ و دروغ و فریب، منافع خصوصی خویش را به صورت مصالح عمومی جلوه می‌دهند و مردم را به مخالفت با تغییر وضع موجود اغوا می‌کنند. این معهود برخورداران از منافع و مزایای مخصوص در سراسر تاریخ از بزرگترین موانع تحول و دگرگونی بوده‌اند و حتی در جوامع صنعتی عصر حاضر برای تحمیل اراده خویش بر مردم سازمانهای وسیعی به وجود آورده‌اند که از جمله می‌توان از گروههای فشار و همسود و گروههای تحمیلگر آمریکایی نام برد. بدین ترتیب بود که در ایالات متحده آمریکا، صاحبان وسایل حمل و نقل آبی با تأسیس راه آهن به سختی مخالفت می‌کردند زیرا می‌ترسیدند که راه آهن، رونق راههای آبی را از بین ببرد و به منافع آنها لطمه وارد کند. اشراف زمیندار فرانسه نیز در دوره قبل از انقلاب کبیر در حفظ نظام قدیم ذینفع بودند و در برابر هرگونه تغییری که ممکن بود موقعیت آنها را متزلزل کند، مقاومت می‌کردند.

Veto

وتو؛ رد کردن؛ رای منفی (وتو)

واژه لاتین به معنی "من منع می‌کنم"، و آن قدرتی است برای جلوگیری از یک عمل یا سیاست، از طریق یک رأی منفی. این واژه در ارتباط با فعالیت‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، مفهوم ویژه‌ای دارد. در این مورد، وتو امتیازی است که به موجب آن، هرگونه اتخاذ تصمیم مهمی که موافق با نظر یکی از اعضای دائمی شورای امنیت نباشد، غیرممکن می‌گردد. به بیان دیگر، در موقع اخذ

و عمل می‌کنند و همراه با پرولتاریا خود را در یک حزب متشکل می‌سازند و در همه مسائلی که برای پیشبرد انقلاب مؤثر است، همچون تنی واحد عمل می‌کنند. آن نوع برداشت از پیشاهنگ نهضت انقلابی که نهضت‌های اجتماعی توده‌ای را تحت کنترل کامل پیشاهنگ قرار می‌دهد و آنها را به پیروی از خط مشی و برنامه انقلابی خود وادار می‌سازد کهنه شده است.

Vansittartism

وانسیتارتیسم

دکترین لرد رابرت وانسیتارت (۱۹۵۷-۱۸۸۱) دیپلمات انگلیسی، مبنی بر اینکه همه مردم آلمان نیز مانند رژیم نازی در مورد نظامیگری، جنگ و تجاوز مسئولیت داشته‌اند.

Vassal State

دولت خراجگزار

دولتی که با یک دولت مقتدر (خراج گیرنده) روابط و تعهدات متقابلی داشته باشد. دولت خراجگزار متعهد می‌شود کمک مالی و نظامی به دولت خراج گیرنده بکند و دولت اخیر در ازای این تعهدات، دولت خراجگزار را در مقابل حملات خارجی حفظ می‌کند. امروزه، دولت خراجگزار در روابط بین‌المللی وجود ندارد، اما در قرن نوزدهم در کشورهای بالکان و شرق نزدیک، نمونه‌های چندی از آن وجود داشته است: مثل صربستان، رومانی، بلغارستان و مصر که جزو خاک امپراتوری عثمانی بودند و بر اثر قیام و شورش علیه امپراتوری مزبور، از آن جدا شدند و مدتی به صورت دولتهای خراجگزار تحت نفوذ دولت عثمانی درآمدند و به تدریج استقلال کامل خود را به دست آوردند و دولتهای مستقل و آزادی تشکیل دادند.

Veil of ignorance

پرده نادانی

این اصطلاح راجان راولز در سال ۱۹۷۱ در نظریه عدالت خویش، به یک طرفند ذهنی داده که به افراد امکان می‌دهد تا معیاری برای عدالت تعیین کنند، در حالی که از ارزش و جایشان در جامعه، بی‌خبر باقی می‌مانند.

Velayat-e Faqih (Theocratic Guardianship)

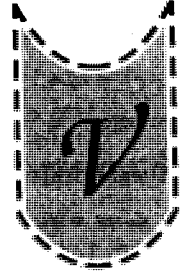
ولایت فقیه

حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین اسلامی یا تحقق بخشیدن به قانون حاکمیت الهی در زمان غیبت امام قائم (ع). به بیان دیگر، ولایت فقیه چنانکه در کتاب ولایت فقیه امام خمینی (ره) آمده، یعنی ولایت کسانی که تابع هوی و هوس نیستند و آنچه می‌گویند متکی به حاکمیت الهی است. در دوره غیبت، در میان قانوندانان عادل و با تقوا، کسی که از همه داناتر و با تقواتر بوده، دارای شجاعت و مدیریت کافی و مورد قبول اکثریت جامعه است، بهترین و شایسته‌ترین فرد برای رهبری و ولایت و سرپرستی جامعه می‌باشد و می‌تواند حکومت اسلامی تشکیل دهد و همان ولایتی را که رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه بر عهده داشت، او نیز دارا است و همه مردم لازم است که از او امر ولی فقیه، یعنی داناترین و نزدیکترین شخص به خدا پس از پیامبر و ائمه، اطاعت کنند.

Velayat (Guardianship)

ولایت

در حقوق اسلام (شیعه)، سرپرستی، حکومت، زمامداری و حاکمیت را "ولایت" گویند. ولایت، مقامی است در دنبال امامت امام معصوم، نیابتی است از جانب او، اعم از زمان حضور امام یا زمان



داوری ارزشی

Value Judgement

قضاوت یا حکم ارزشی دال بر اینکه چیزی، شخصی یا موقعیتی نیک یا بد است و یا عملی باید و یا نباید انجام داده شود.

ارزشها

Values

شکلی از تجلی روابط اخلاقی در جامعه، یا معیارهای مشترک فرهنگی در یک جامعه که به موجب آنها، قدر و اهمیت اخلاقی یا زیباشناختی یا نظری و عقلی چیزهایی که موضوع آرزو یا نیاز و یا برداشتهای افرادند، تعیین و سنجیده می شود. به طور کلی، ارزشها بیانگر آنچه خوب، پسندیده و درست، باید، ناپسند و نادرست در هر فرهنگ است.

ویرانگری؛ تخریب

Vandalism

رفتار بزهکارانه در جهت تخریب آگاهانه اشیا و اموال عمومی و نابودی آثار هنری و تاریخی است. خرابکاران با این گونه کارها، سرخوردگیهای روانی، ناکامیها و شکستها و نارضایتیهای خود را ارضا می کنند. واندالیسم مأخوذ از نام قبیله ژرمنی واندالها است که در حدود قرن پنجم قبل از میلاد مسیح در دره رودخانه اودر جای گرفتند. واندالها قوم هنرمندی نبودند و از دوران سلطنت آنها اثری باقی نمانده است. از جنبه دینی، پیرو مذهب مسیحی آریوس بودند. کاربرد این اصطلاح در زبانهای اروپایی به معنی ویرانگر و نادان، بیانگر کینه و هراس کاتولیکهای آفریقائی نسبت به آنها است و همچنین یادآور غارتی است که واندالها در سال ۴۵۵ میلادی در شهر رم صورت دادند.

پیشاهنگ پروتاریا

Vanguard of the Proletariat

در ادبیات سیاسی چپ، واژه‌ای است برای اشاره به حزب کمونیست در هر جامعه. طبق تئوری پیشاهنگ، توده‌های معمولی پرولتاریای صنعتی نمی توانند به آگاهی واقعی برسند، مگر با وجود انقلابیون حرفه‌ای که آگاهی انقلابی توده‌ها را بالا ببرند و آنها را به سوی انقلاب هدایت کنند. انقلابیون حرفه‌ای مقدماً از بین روشنفکران بورژوا ظاهر می شوند، به نام پرولتاریا سخن می گویند

از منابع و مواد ساخته شده استفاده می‌کنند و چون تجمل و میل به تراکم ثروت وجود ندارد و همه می‌دانند که هیچگاه شخصاً به چیزی محتاج نخواهند بود، سازمان سیاسی و اداری جزیره، به صورت یک سازمان دموکراتیک است. هر سی خانواده یک نماینده برمی‌گزینند و مجموع این نمایندگان، هیأت اداری جزیره را انتخاب می‌کنند و تمام ادیان نیز در این جزیره مورد قبول است.

Utopian Socialism

سوسیالیسم تخیلی؛ سوسیالیسم آرمانشهری

نامی که مارکس برای توصیف عقاید سوسیالیستی عده‌ای از مصلحان اجتماعی نیمه دوم قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم مثل سن سیمون، اوون، پرودون، سیسموندی و فوریه به کار برده است که می‌پنداشتند با موعظه و راهنمایی و دعوت مردم به سوسیالیسم و با نشان دادن راه و رسم زندگی سالم می‌توانند سوسیالیسم را در جوامع مستقر سازند. سوسیالیستهای این دوره اگرچه تضادها و نابسامانیهای دوران اولیه جامعه سرمایه‌داری را مشاهده می‌کردند و شدیداً آنها را محکوم می‌کردند، اما رفع نابسامانیهای مزبور را در عقل متفکر می‌دیدند و به اقدامات اساسی و بویژه انقلابی توجه نداشتند و تنها به پاره‌ای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی کفایت می‌کردند. مارکس همچنین اعتقاد داشت که بیشتر این مصلحان اجتماعی می‌خواهند با اتکاء به خرد و شعور اخلاقی طبقه تحصیلکرده، جامعه را تکامل بخشند. درحالی که اغلب تحصیلکرده‌ها اعضای طبقات بالاینده به همین دلیل پایگاه اجتماعی، رفاه، دانش و آموزش برتر خویش را مادیون امتیازات موجود در نظام سرمایه‌داری هستند. از این رو، بیشتر آنها می‌کوشند تا نظام موجود را حفظ کنند و معدودی انساندوست واقعی در میان آنها نیز نمی‌توانند پایگاه قدرتی برای تبدیل جامعه سرمایه‌داری به سوسیالیستی باشند.

کاپیتالیستی است توجهی ندارد. به‌طور کلی، نظریه‌های اخلاقی مدح فایده‌گرایی و سودورزی و توجیه آن، ستایش از ابرمردان و قدرت طلبی و یا موازین ماکیاویلیستی توجیه زورگویی و انکار انگیزه‌های شریف به‌عنوان تدابیر سیاسی، برای دادن مبنای علمی و توجیه بی‌اخلاقی رایج است. اگرچه بنتام، سرانجام ارضای خواسته‌های فردی را به‌سوی دلسوزی برای دیگران هدایت نموده است، نظریه‌اش همچنان نادرست است. زیرا فردی که هدف زندگی را تأمین لذتها و نفع شخصی قرار دهد، ترسی از درهم ریختن سعادت و خوشبختی دیگران ندارد و اصولاً تأمین سود فردی با منافع دیگران مغایر است.

یوتی پاسیدیتیس؛ حفظ متصرفات پس از توقف جنگ؛ ثبات حقوق و تعهدات ارضی Uti Possidetis
واژه لاتین به‌مفهوم تملک اراضی اشغالی یا وضع موجود و قاعده‌ای است که به‌موجب آن، هریک از متخاصمان پس از توقف جنگ، مناطقی را که در لحظه پایان مخاصمات در تصرف داشته است، حفظ می‌کند. سابقاً در محاورات دیپلماتیک وقتی منظور، توضیح سرزمینی بود که در تاریخ معینی در دست سلطانی قرار داشت از این واژه استفاده می‌شد.

آرمانشهر؛ مدینه فاضله؛ ناکجاآباد؛ یوتوپیا؛ جامعه آرمانی؛ خیال‌آباد Utopia
جامعه کمال مطلوب که از کتابی به‌همین نام، نوشته توماس مور (۱۵۳۵-۱۴۷۸) دانشمند انگلیسی گرفته شده است. سرتوماس مور در این کتاب، کشوری خیالی را توصیف کرده که در آن عدالت و مساوات برقرار است. از نظر ابونصر فارابی (۲۶۰-۳۳۹ هجری قمری) مدینه فاضله شهری است که مقصود از اجتماع در آن، تعاون براموری باشد که مردم از طریق آن به خوشبختی و اصل می‌گردند و اجتماعی که برای وصول به سعادت همکاری کند، اجتماع خوشبخت است و بدین ترتیب، هر قوم (ملت) که شهرهای آن برای وصول به سعادت همکاری کنند قوم خوشبخت شمرده می‌شوند و مردم روی زمین نیز وقتی خوشبخت می‌گردند که همه اقوام ساکن در آن، برای وصول به کمال و سعادت همکاری کنند. کسی که اداره مدینه فاضله را برعهده دارد باید دارای هوش سرشار، حافظه قوی، فصاحت و بلاغت، ذوق و علاقه به تحقیق، روح بزرگ، عشق به عدالت، استقامت و پشتکار باشد و اگر همه این صفات در یک فرد موجود نباشد، باید افرادی اداره مدینه فاضله را به‌دست گیرند که جمعاً دارای این گونه صفات باشند. اکنون این واژه بیشتر برای اشاره به یک سرزمین رویانی و غیرواقعی و یا افکار و اندیشه‌های غیرعملی به‌کار می‌رود.

آرمانشهرگرایی؛ اعتقاد به مدینه فاضله؛ ناکجاآبادگرایی Utopianism
روش فکری کسانی که در آثار خود، جامعه‌ای با نهادها و افراد بدون نقص و در حد کمال مطلوب تصویر می‌کنند و آن را به‌عنوان الگویی برای جوامع جهان معرفی می‌کنند. مثلاً سرتوماس مور (۱۵۳۵-۱۴۷۸) با الهام از مدینه فاضله افلاطون، در کتاب خود به‌نام "یوتوپیا" از جزیره‌ای سخن می‌گوید که ساکنان آن در حالت مساوات و در رفاه و سعادت زندگی می‌کنند و از رنج و درد و بی‌عدالتی اثری نیست. مهم‌ترین عاملی که در این جزیره وجود دارد، حذف مالکیت خصوصی است. زیرا زمینها، خانه‌ها و کارگاهها و تمام ذخایر به‌دولت تعلق دارد و پول و قرارداد نیز بین مردم وجود ندارد. مردم به‌کار کشاورزی و یا حرفه‌های دیگر مشغولند و در رفع نیازهای خود

خدمات گوناگونی مثل مسکن، حمل و نقل، آموزش و پرورش و نظایر اینها صورت می‌گیرد ولی تغییرات اساسی به بار نمی‌آورد.

Use of Force

توسل به زور

منشور ملل متحد به‌خلاف میثاق جامعه ملل، از به‌کار بردن واژه جنگ خودداری کرده و از واژه‌های عامتری مثل تهدید، توسل به زور، تهدید صلح یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی استفاده کرده است. مشخص‌ترین شکل توسل به زور، استعمال قوای نظامی است. اقدام نظامی مستقیم با عناوین جدید ولی با ماهیت مشابه دوران گذشته، مثلاً تحت عنوان دفاع مشروع، دخالت انسانی یا مداخله به‌خاطر بشردوستی و نجات جان اتباع، دفاع پیشگیرانه و اقدام تلافی‌جویانه توجیه شده است. استفاده از فشارهای سیاسی و اقتصادی از اشکال دیگر توسل به زور است. توسل به زور در سالهای اخیر به‌اشکال گوناگون صورت گرفته است، مثل کاربرد زور به‌بهانه اعاده دموکراسی در پاناما و مجازات رئیس این کشور توسط ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۹. برای آنکه اقدامات ناشی از توسل به زور براساس قواعد و حقوق بین‌الملل قابل توجیه باشند، لازم است که مشروعیت آنها در تمام مراحل، یعنی آغاز، استمرار و پایان به‌اثبات برسد.

Usurpation of Power

تصرف قدرت

قبضه کردن غیر قانونی یا نامشروع قدرت سیاسی.

Usury

رباخواری

بهره گرفتن بیش از نرخ متعارف یا فعل حرامی که به‌موجب آن، وام دهنده پول، نرخ بهره بیشتر از معمول و یا بیشتر از میزانی که در قوانین مربوطه برای انواع مختلف قرض معین شده مطالبه نماید. رباخواری هم باعث گران شدن هزینه‌های سرمایه‌های لازم برای کسب و کار می‌شود و هم نابرابریهای اجتماعی را عمیق‌تر می‌سازد.

Utilitarianism

فایده‌گرایی؛ سودگرایی؛ مکتب اصالت نفع

نظریه اخلاقی و مکتبی که بیانگر تمایلات و طرز فکر بورژوازی لیبرال انگلستان در دوران شکوفایی سرمایه‌داری در قرن نوزدهم و ادامه دهنده سنن لذت‌گرایی و سعادت‌گرایی در اخلاق است. نمایندگان اصلی آن عبارتند از: جرمی بنتام (۱۸۳۲-۱۷۴۸)، جیمز میل و جان استوارت میل. فایده‌گرایی براساس اصل سودمندی بنتام قرار دارد که به‌موجب آن، معیار سنجش هر چیز، آن است که واجد حداکثر فایده برای حداکثر افراد باشد. از جنبه سیاسی، یعنی آن دسته از سیاستهای حکومت که بالاترین حد رضایت را برای بالاترین تعداد افراد (اتباع) فراهم سازد، بهترین سیاستها است. این مکتب، بزرگترین خیر را بیشترین حد به‌روزی برای بیشترین تعداد افراد می‌داند و اصولاً ارضای خواسته‌های فرد را در مرکز توجه خود قرار می‌دهد. الگوی ساخته شده از این مکتب نیز در عمل اجتماعی آن است که افراد به‌طور عقلانی منافع خود را دنبال می‌کنند. طرفداران فایده‌گرایی، منشأ اخلاق را نه در قوانین تاریخی - اجتماعی، بلکه در طبیعت بشر می‌بینند که به‌دنبال لذت و اجتناب از درد است. این مکتب به‌کشمکش منافع طبقاتی که ناشی از سبقت‌جوییهای

قانون اساسی غیرمدون**Unwritten Constitution**

مبنای قانون اساسی نانوشته یا نقلی و عرفی عبارت است از رسوم و عادات و پیشینه‌های تاریخی و سیاسی و قوانین پارلمانی و تصمیمات قضائی که به تدریج به وجود آمده ولی یکجا گردآوری و تدوین نشده است، مثل قانون اساسی انگلستان.

طبقه بالا**Upper Class**

در جوامع طبقاتی، اشاره به بالاترین مرتبه در قشر بندی اجتماعی از لحاظ ثروت و در آمد، در اختیار داشتن وسایل تولید، اعتبار و زندگی مرفه است.

مجلس بالاتر؛ مجلس عالی**Upper House**

مجلسی که منعکس کننده آریستوکراسی است و معمولاً با عنوانهایی مثل مجلس سنا یا مجلس دردها مشخص می شود.

هزار فامیل**Upper Ten (Thousand)**

۱- اشراف و طبقه بالا. ۲- اعضای بالاترین طبقه اجتماعی که بیشتر درآمدها، ثروت و وسایل تولید را در اختیار دارند.

بحران شهرنشینی؛ بحران شهری**Urban Crisis**

بحران ناشی از جابجائی و نقل مکان تدریجی ولی مداوم میلیونها نفر از مردم کشورهای جهان سوم از سکونتگاههای روستائی به شهرهای بزرگ که بیشتر به افزایش یا انفجار جمعیت، ناتوانی بسیاری از روستائیان در ادامه زندگی در روستاها یا بی بهره بودن از حداقل سطح زندگی و تمایل بسیاری دیگر برای نیل به زندگی بهتر از طریق مهاجرت به شهرها و یافتن کسب و کار بهتر مربوط است. ازدیاد جمعیت در شهرهای بزرگ کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا، اداره امور شهرها را از جنبه‌های مختلف (مثل بیکاری، جمع آوری و دفع زباله‌ها، امنیت، حمل و نقل، بهداشت و محیط زیست، تأمین نیازهای ضروری مردم) با مشکلات جدی مواجه ساخته است.

چریک شهری**Urban Guerrilla**

کسی که مسلحانه با رژیم کشورش که به نظر او استثمارگر و ستمگر است مبارزه می کند تا یک ساختار سیاسی - اجتماعی جدید را که در آن خلق مسلح، قدرت را در دست داشته باشد، به وجود آورد. تکنیکهای چریک شهری مرکب است از تاکتیکهای چریکی و انواع فعالیت‌های مسلحانه از قبیل دام گستری و شبیخون، مصادره، خرابکاری، گروگانگیری، ترور، حمله به منافع استثمارگران و ستمگران، میتینگهای برق آسا، پخش تراکت و جزوه و شعارنویسی. مشی جنگ چریکی شهری را که عده‌ای تیلور ماجراجویی، تروریسم و اراده گرایی دانسته‌اند، زمانی در پاره‌ای از کشورها - بویژه کشورهای آمریکای لاتین مثل پرو، برزیل و اوروگوئه - بسیار رواج داشت.

جنبش اجتماعی شهری**Urban Social Movement**

حرکت اعتراض آمیز شهری که به دنبال بروز مشکلات عمومی در امر دسترسی به کالاها و

در انگلستان ایجاد شد تا هر کس در جنگ، فردی را از دست داده باشد، جسدی را که در آرامگاه دفن شده است، جسد فرد خود تصور نماید.

Unlawful Assembly

تجمع غیر قانونی

گردآمدن سه نفر یا بیشتر به قصد ارتکاب اعمالی که برای امنیت جامعه مضر باشد در شرایط ویژه یا فوق العاده.

Unlawful Seizure of Aircraft

تصرف غیر قانونی هواپیما

هر عمل تعدی آمیزی که در مورد هواپیمای در حال پرواز و با هدف تصرف غیر قانونی آن هواپیما از طرف فرد یا افرادی صورت گیرد. این واژه، مترادف واژه هواپیماربابی است.

Unneutral Service

خدمت خلاف بیطرفی

در حقوق بین الملل، یعنی اقدام یا رفتار کشتیها یا هواپیماهای کشورهای بیطرف در جهت منافع دشمن.

Unperson

هیچکس

واژه‌ای که جورج اورول (۱۹۵۰-۱۹۰۳) نویسنده انگلیسی در کتاب ۱۹۸۴ در مورد افرادی به کار برده که دولت یکه تاز تصمیم به محو خاطره وجودشان گرفته است. منظور این نویسنده، حذف نامهای رقیبان استالین از تمام کتب تاریخ، سرگذشتنامه‌ها و مراجع بوده است.

Unrepresented Nations and Peoples Organization (UNPO)

سازمان ملل و خلقهای بدون نماینده

نوعی "سازمان ملل متحد" که در ۱۱ فوریه سال ۱۹۹۱ برای کمک به اقلیتهای محروم از حق و امتیاز جهان در جهت حق تعیین سرنوشت ملل شکل گرفت. تعداد اعضای اولیه آن، ۱۴ خلق و ملت بود که در سال ۱۹۹۲ به ۲۶ عضو (نماینده تقریباً ۳۵۰ میلیون نفر) رسید. این سازمان غیر از ۲۶ عضو کامل، تعدادی ملل ناظر، مثل گروههای بومی آمریکا را نیز شامل می‌شود. در ماه اوت سال ۱۹۹۱ تعداد ۱۰ ملت ناظر در مجمع عمومی این سازمان شرکت کردند. بزرگترین عضو سازمان ملل و خلقهای بدون نماینده، کره‌ستان و کوچکترین عضو آن یک جزیره کوچک تحت قیمومت آمریکا به نام بیلا Belau (در اقیانوس آرام) و با جمعیت ۱۴۰۰۰ نفر است. آنچه که این خلقها را متحد می‌سازد، حس مشترک محرومیت بیش از حد ناشی از انکار ابتدائی‌ترین حقوق بشری فردی و جمعی آنها است. مثلاً در ترکیه، کردها حتی به اسم کرد شناخته نمی‌شوند و از آنها به عنوان ترکهای کوهی یاد می‌شود. مردم بیلا مکرراً در سالهای اخیر مخالفت خود را با استقرار سلاحهای هسته‌ای در سواحلشان ابراز کرده‌اند، اما حکومت آمریکا آنها را تحت فشار قرار داده تا برای رسیدن به یک وضعیت مستقل، کشتیهای جنگی را بپذیرند. تبت از سال ۱۹۵۰ تحت کنترل چین قرار گرفته و مردم او یغور ترکستان شرقی تحت کنترل مقامات چینی درآمده‌اند. مع‌هذا، یک شرط عضویت در این سازمان، انصراف از خشونت به عنوان وسیله کسب حق تعیین سرنوشت است. مرکز سازمان ملل و خلقهای بدون نماینده در لاهه قرار دارد.

Universal Declaration of Human Rights**اعلامیه جهانی حقوق بشر**

اعلامیه‌ای که در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و مشتمل بر یک مقدمه و سی ماده است. به موجب این اعلامیه، کلیه افراد بشر از نظر حقوق و حیثیت برابر و متساوی به دنیا می‌آیند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

Universal International Law**حقوق بین‌الملل جهانی**

مقررات و قوانین بین‌المللی که مراعات آنها برای تمام کشورها واجب است، مثل قواعد مربوط به حقوق و مزایای نمایندگان دیپلماتیک و قواعد حاکم بر تنظیم و تصویب و تفسیر و سایر مسائل مربوط به قرارداد‌های بین‌المللی.

Universalism**رستگاری عام؛ عام‌گرایی؛ آیین اصالت کل**

۱- در الهیات مسیحی نظریه نجات و رستگاری عام (انسان، فرشته و دیو) یا نظریه نجات عالم توسط مسیح. ۲- اعتقاد به اصول جهانروای حکومت و حقوق فردی که معمولاً براساس یک دکترین طبیعت انسانی عام یا جهانگیر مثل سوسیالیسم بین‌المللی، حقوق بشر و قانون اخلاقی کانت قرار دارد. نقطه مقابل عام‌گرایی معمولاً با پارتيکولاریسم (خاص‌گرایی) و ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) مشخص می‌شود.

Universalization**جهانگستر شدن**

گسترش اشیاء و تجربه‌ها به مردم سراسر کره زمین.

Universal Postal Union (UPU)**اتحادیه جهانی پست**

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد که هدف آن، بهبود خدمات پستی بین‌المللی است. مرکز این اتحادیه در برن قرار دارد. این اتحادیه در سال ۱۸۷۴ به دنبال امضای اولین کنوانسیون بین‌المللی پست به وجود آمد و در سال ۱۹۴۸ یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد شد.

Unjust Enrichment**دارا شدن غیر عادلانه**

دارا شدن غیر عادلانه آن است که بر دارایی یک شخص به طور غیر عادلانه و بدون وجود مبنای قانونی یا قراردادی، به ضرر شخص دیگر افزوده شود که در این صورت براساس عدالت و انصاف و طبق قاعده‌ای که در اکثر کشورها پذیرفته شده است، استفاده کننده باید عین مالی را که از این طریق کسب کرده یا بدل آن را به‌زیان دیده برگرداند. در قرآن (سوره نساء - آیه ۲۸) و فقه اسلامی، دارا شدن غیر عادلانه به عنوان خوردن مال یکدیگر به ناحق مطرح و منع شده است.

Unjust War**جنگ غیر عادلانه**

جنگی است که به خاطر اشغال سرزمینهای دیگران، تسلط بر ملت‌های دیگر، سرکوب زحمتکشان و توسعه طلبی صورت می‌گیرد.

Unknown Soldier**سرباز گمنام**

در اغلب کشورها رسم است که جسد سربازی ناشناس را به عنوان نماینده و نماد همه کشتگان جنگ، به خاک می‌سپارند و آرامگاه وی را مورد تجلیل قرار می‌دهند. آرامگاه سرباز گمنام، اولین بار

جهانی مالکیت معنوی ۱۵ - صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی. اعضای مؤسسات تخصصی ملل متحد می‌توانند از بین کشورهای عضو یا غیر عضو سازمان ملل متحد باشند. نظام مدیریت بیشتر این مؤسسات چنان است که همیشه کنترل اصلی در دست کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری قرار دارد که سیاست کلی و تمایلشان در جهت توسعه اجتماعی - اقتصادی خویش و کسب کنترل بیشتر بر کشورهای جهان سوم است.

United Nations (UN)

ملل متحد؛ سازمان ملل متحد

۱ - نام اختصاری سازمان ملل متحد. ۲ - ملتهایی که در جنگ با دولت‌های "محور" متحد شدند. این ملتها در اول ژانویه سال ۱۹۴۲ در واشنگتن سندی را به نام "اعلامیه ملل متحد" امضا کردند که در آن به اجتماعی از دولتها اشاره شده بود. امضاکنندگان در اعلامیه ملل متحد، ضمن قبول اصول منشور آتلانتیک، متعهد شدند که تمام قوای نظامی و منابع اقتصادی خود را علیه دولتهای محور به کاراندازند و هیچکدام نیز با دشمنان، صلح جداگانه برقرار نکنند. "ملل متحد" سپس نام سازمانی بین‌المللی شد که منشور آن در کنفرانس سال ۱۹۴۵ سان‌فرانسیسکو به تصویب دولتهای شرکت کننده رسید. "سازمان ملل متحد"، رسماً در سال ۱۹۴۷ جانشین "جامعه ملل" شد.

United Nations University

دانشگاه ملل متحد

فکر تأسیس این دانشگاه در سال ۱۹۶۹ توسط اوتانت دبیرکل سازمان ملل متحد بیان شد و پس از فراهم آمدن مقر آن در توکیو با کمک اولیه دولت ژاپن، از سال ۱۹۷۵ برای سازمان دادن همکاری علمی و پژوهشی به منظور کمک به رفع مشکلات مربوط به بقای انسان در زمین و توسعه و رفاه کار خود را آغاز کرد. دانشگاه را سازمان ملل متحد و یونسکو اداره می‌کنند. اصول حاکم و سیاستهای دانشگاه توسط یک شورای ۲۴ نفره تعیین می‌گردد که توسط دبیرکل سازمان ملل متحد و مدیرکل یونسکو انتخاب می‌شوند. منبع اصلی بودجه آن را کمکهای اهدایی دولتها تشکیل می‌دهد. این دانشگاه دارای دانشکده و دانشجو به شکل رایج نیست، بلکه به جای آن، فعالتهای دانشمندان و پژوهشگران را در سراسر جهان از طریق برنامه‌های خاص هماهنگ می‌سازد.

Unity

اتحاد

نزديکی، هماهنگی و مبارزه مشترک نیروهای گوناگون برای نیل به هدف مشترک.

Unity of Word and Deed

وحدت حرف و عمل

اصل اخلاقی و اجتماعی یگانگی یا همخوانی گفتار و کردار که بدون آن، فعالتهای مشترک و ارتباطات انسانی و ایجاد اعتماد و اطمینان ممکن نیست. اثبات اصل وحدت حرف و عمل در فعالتهای اجتماعی و سیاسی متضمن ۱: مردمی بودن زندگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه ۲- مسئولیت پاسخگویی و گزارش دهی مقامات و اولیای امور در برابر مردم ۳- وجود فضای باز در فعالتهای تمام سازمانها و نهادهای دولتی است.

مؤسسه کمک و کار ملل متحد United Nations Relief and Works Agency (UNRWA)

مؤسسه کمک و کار ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی در خاورمیانه، رکن و ویژه‌ای است که توسط مجمع عمومی ملل متحد در ژانویه سال ۱۹۵۱ به منظور کمک به خانواده‌هایی که در نتیجه جنگ ۱۹۴۸ خانه و وسایل زندگی خود را در فلسطین از دست داده بودند تشکیل یافت. در ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ نام بیش از ۱۸۰۳۵۶۴ نفر (در اردن، لبنان، سوریه و اراضی اشغال شده توسط اسرائیل) در این مؤسسه ثبت شده بود. مؤسسه کمک و کار ملل متحد، با همکاری دولتهای میزبان و کمکهای داوطلبانه، برای پناهندگان غذا، مسکن، خدمات بهداشتی و آموزشی فراهم می‌کند. مراکز این مؤسسه در وین و عمان (اردن) قرار دارند.

نظام هماهنگ‌کننده مقیم ملل متحد United Nations Resident Coordinator System

نظامی که مسئولیت هماهنگی فعالیت تمام کارگزاریها و برنامه‌های سازمان ملل متحد را که در زمینه توسعه، فعالیت عملی دارند، گذشته از حضور یا عدم حضور آن کارگزاریها در کشور محل مأموریت، بر عهده دارد. دفاتر هماهنگ‌کننده مقیم با هدف بهبود کارایی و مؤثرتر شدن فعالیتهای اجرایی برنامه‌های گوناگون سازمان ملل متحد در سطح کشوری عمل می‌کنند. هماهنگ‌کننده‌های مقیم را برنامه توسعه ملل متحد، مدیریت و از نظر مالی تأمین می‌کند.

United Nations Special Commission (UNSCOM)

کمیسیون ویژه سازمان ملل متحد؛ آنسکام

در سال ۱۹۹۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، قطعنامه شماره ۶۸۷ را تصویب کرد. طبق مفاد این قطعنامه، به دنبال خروج عراق از کویت، شرایط آتش بس ایجاد گردید. شرط اصلی آتش بس، انهدام سلاحهای هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی و سیستمهای پرتاب موشکهای بالستیک با برد بیش از ۱۵۰ کیلومتر آنها تحت نظارت بین‌المللی تعیین شد. قطعنامه ۶۸۷ همچنین خواستار ایجاد کمیسیون ویژه گردید که هدف از آن بررسی اظهارنامه‌های عراق و تعیین اماکن، مقدار و نوع چنان اقلامی توسط آنسکام و اجرای فوری بازرسیها در محل در مورد توانائی‌های میکروبی، شیمیایی و موشکی است.

United Nations Specialized Agencies

کارگزاریهای تخصصی ملل متحد؛ مؤسسات تخصصی ملل متحد

سازمانهای بین‌الدولی مستقلی که در نتیجه موافقتنامه‌های ویژه‌ای با سازمان ملل متحد مرتبط شده‌اند. فعالیتهای این مؤسسات از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی ملل متحد هماهنگ می‌شود. تا سال ۱۹۸۲ موافقتنامه‌هایی با پانزده کارگزاری تخصصی به‌امضا رسیده است که عبارتند از: ۱- سازمان بین‌المللی کار ۲- سازمان خواربار و کشاورزی ۳- سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) ۴- سازمان جهانی بهداشت (تندرستی) ۵- بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) ۶- بنگاه مالی بین‌المللی ۷- انجمن عمران بین‌المللی ۸- صندوق بین‌المللی پول ۹- سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری ۱۰- اتحادیه جهانی پست ۱۱- اتحادیه بین‌المللی مخابرات دور ۱۲- سازمان جهانی هواشناسی ۱۳- سازمان بین‌المللی دریانوردی ۱۴- سازمان

امنیت بین‌المللی ضروری است در اختیار شورای امنیت بگذارند. "انواع مختلف عملیاتی که ممکن است با نیروهای نظامی سازمان ملل متحد رابطه داشته باشند عبارتند از: الف) اقدامات قهری که علیه دولت متجاوز به کار می‌رود ب) عملیات برقراری صلح که از جمله شامل عملیاتی به شرح زیر است: ۱- صدور دستور آتش‌بس، متارکه یا صلح موقت ۲- کنترل مرز ۳- کنترل مراجعه به آرای عمومی ۴- جلوگیری از اغتشاشات داخلی ۵- جلوگیری از کشتارهای دسته‌جمعی ۶- عملیات خلع سلاح.

دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد United Nations Office on Drugs and Crime

این دفتر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ برای مقابله با مواد مخدر و جرم تأسیس شد. دفتر ایران در سال ۱۹۹۹ با افتتاح دفتر تهران و امضای برنامه چهارساله نوروژ و با بودجه‌ای معادل ۱۳ میلیون دلار شروع شد.

سازمان ملل متحد United Nations Organization (UNO)

مهم‌ترین سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۵ به عنوان جانشین "جامعه ملل" ایجاد شد و هدفهای اصلی آن عبارتند از: حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه میان ملل، همکاری بین‌المللی برای از بین بردن فقر، بیماری و بیسوادی در جهان و تشویق احترام به حقوق و آزادیهای یکدیگر. تشکیلات یا ارکان اصلی سازمان ملل متحد عبارتند از: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای قیمومت، شورای اقتصادی و اجتماعی، دیوان بین‌المللی دادگستری و دبیرخانه. مرکز اصلی سازمان ملل متحد در نیویورک قرار دارد. سازمان ملل متحد و بویژه رکن مهم سیاسی آن، یعنی شورای امنیت، در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی موفقیت چشمگیری نداشته است. زیرا تمام اعضای دائمی شورای امنیت را دولت‌های بزرگ (ایالات متحده آمریکا، انگلستان، چین، روسیه و فرانسه) تشکیل می‌دهند و همه امکانات حتی دستور جنگ علیه دولت یا دولت‌هایی که متجاوز یا خطاکار شناخته شوند در اختیار آنها قرار دارد. در واقع، این تشکیلات فقط برای سرکوبی متجاوزان و خطاکارانی ایجاد شده که عضو دائمی شورای امنیت نیستند و اصولاً این تشکیلات نمی‌تواند علیه اعضای دائمی شورا اقدامی به عمل آورد. بعلاوه، دولت‌هایی که خود را در پناه یکی از کشورهای عضو دائمی شورا قرار دهند می‌توانند از حمایت آن دولت استفاده نمایند، بدون اینکه با خطر درگیری با سازمان ملل متحد روبرو شوند. بدین ترتیب، علل عدم موفقیت این سازمان را در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باید در عدم همکاری اعضای دائمی شورای امنیت جستجو کرد. ظاهراً قرار است که در این سازمان مهم بین‌المللی، تحولاتی صورت گیرد.

نیروی حافظ صلح ملل متحد United Nations Peace-Keeping Force

نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد که در مناطق بحرانی جهان به منظور تخفیف تنشج و جلوگیری از گسترش جنگ استقرار می‌یابند.

صندوق جمعیت ملل متحد United Nations Population Fund

این صندوق که مرکز آن در نیویورک قرار دارد، در سال ۱۹۶۹ برای کمک به کشورهای در حال توسعه در زمینه‌های جمعیتی آنها تأسیس شد و نقش هدایت‌کننده‌ای در ترویج برنامه‌های جمعیتی سازمان ملل متحد بر عهده دارد.

متحد معروفند، همراه با دفاتر خدمات اطلاعاتی سازمان ملل متحد، مقر سازمان ملل متحد در نیویورک را با بیش از ۷۷ شهر واقع در کشورهای عضو مرتبط می‌کند.

United Nations Information System on the Question of Palestine (UNISPAL)

مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در مورد فلسطین؛ نظام اطلاع رسانی ملل متحد در مورد فلسطین این مرکز در سال ۱۹۹۳ طبق مصوبه مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۹۱ مجمع عمومی ملل متحد و به منظور ارائه اسناد و مدارک سازمان ملل متحد در مورد فلسطین، برخوردهای بین عربها و اسرائیلیها در خاورمیانه و سرزمینهای اشغالی از ۱۹۴۶ به بعد شروع به کار کرد. در این مرکز تا سال ۱۹۹۸ بیش از سه هزار سند از اسناد سازمان ملل متحد شامل اسناد معتبر، نقشه و عکس در مورد فلسطین و امور مرتبط با سازمان ملل متحد گردآوری شده است.

United Nations Institute for Disarmament Research (UNIDIR)

مؤسسه پژوهشی ملل متحد برای خلع سلاح؛ مؤسسه تحقیقات خلع سلاح ملل متحد این موسسه در سال ۱۹۸۰ توسط مجمع عمومی و به منظور برعهده گرفتن پژوهش مستقل در زمینه خلع سلاح و مسائل مربوط به آن، بویژه مسائل مربوط به امنیت بین‌المللی به وجود آمد و مقر آن در ژنو است.

United Nations Institute for Training and Research (UNITAR)

مؤسسه آموزشی و پژوهشی ملل متحد؛ یونیتار این مؤسسه که یک سازمان خودمختار در داخل سازمان ملل متحد است در مارس ۱۹۶۵ به وجود آمد تا برنامه‌ای را به منظور تعلیم افراد کشورهای در حال توسعه برای کار در سازمان ملل متحد و یا در کشورهای خود آنان به‌مورد اجرا گذارد. یونیتار همچنین فعالیتهای پژوهشی در زمینه مسائلی که سازمان ملل متحد با آن روبرو است، انجام می‌دهد: مثل انتقال دانش فنی به کشورهای در حال توسعه، حل مسائل بعضی از کشورها و سرزمینهای کوچک، آلودگی محیط زیست و فرار مغزها به سوی کشورهای ثروتمند. مقر این مؤسسه در نیویورک است.

United Nations Iran-Iraq Military Observer Group (UNIMOG)

گروه ناظران نظامی ملل متحد در ایران و عراق؛ یونیماک گروهی از نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد که پس از برقراری آتش‌بس در جنگ ۸ ساله ایران و عراق برای نظارت بر اجرای این امر در مرزهای دو کشور مستقر شدند. این جنگ در سال ۱۳۵۹ با تجاوز عراق به ایران آغاز شد و در سال ۱۳۶۷ خاتمه یافت.

United Nations Military Forces

نیروهای نظامی ملل متحد

نیروهایی که بویژه از سال ۱۹۵۶ براساس ماده ۴۳ منشور ملل متحد تشکیل شد تا به امنیت و صلح جهانی کمک کند. ماده ۴۳ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد که "برای شرکت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تمام اعضای ملل متحد متعهد می‌شوند بنابر دعوت شورای امنیت و طبق قرارداد یا قراردادها، نیروهای مسلح معاضدت و تسهیلات منجمله حق عبور را که برای حفظ صلح و

United Nations Environment Programme (UNEP) برنامه محیط زیست ملل متحد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۸ اعلام نمود که بهبود و حمایت از محیط زیست انسانی را باید به عنوان یکی از موضوعهای مهم مورد توجه ملل متحد تلقی کرد. به همین جهت در سال ۱۹۷۲ کنفرانس راجع به محیط زیست انسانی به منظور گسترش همکاریهای بین المللی برای بهبود محیط زیست، در استکهلم تشکیل شد. مجمع عمومی بر اساس قطعنامه کنفرانس، شورایی برای تنظیم، پیشبرد و هماهنگی فعالیتهای زیست محیطی تأسیس کرد. مرکز برنامه محیط زیست ملل متحد در نایروبی (کنیا) قرار دارد.

United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)**کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان؛ مأمور عالی ملل متحد برای پناهندگان**

کمک به پناهندگان در سطح بین المللی برای اولین بار در سال ۱۹۲۱ پس از انتصاب نانسن به سمت کمیسیون عالی جامعه ملل برای پناهندگان آغاز شد. پس از شروع جنگ جهانی دوم، اولین کارگزاری مهم بین المللی برای پناهندگان و آوارگان، "اداره امداد و نوتوانی سازمان ملل متحد" بود که در سال ۱۹۴۳ تأسیس شد. سپس "سازمان بین المللی پناهندگان" به وجود آمد که اساسنامه آن در سال ۱۹۴۶ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسید. در سال ۱۹۴۹ مجمع عمومی که به مسئولیت مستمر سازمان ملل متحد در قبال حمایت بین المللی از پناهندگان واقف شده بود، "کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان" را مأمور این کار کرد که اداره آن در اول ژانویه ۱۹۵۱ به وجود آمد. شخص کمیسیون عالی، توسط دبیرکل سازمان ملل متحد نامزد و به وسیله مجمع عمومی انتخاب می شود. وظیفه اساسی این سازمان، تأمین حمایت بین المللی برای پناهندگانی است که مشمول فرمان کمیسیون عالی و جوای راه حل های دائمی برای مسائل خود از طریق تسهیل بازگشت ارادی و یا جذب آنها در جوامع ملی جدید هستند. پناهندگانی که مشمول فرمان اداره کمیسیون عالی می شوند، آن پناهندگانی هستند که در اثر ترس مستدل از تعقیب و ایذا و به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی و یا عقاید سیاسی، در خارج از موطن اصلی خود به سر می برند و نمی توانند و یا در اثر چنین ترسی نمی خواهند تبعه و تحت حمایت آن کشور باشند. مقر این اداره در ژنو است.

United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)**سازمان توسعه صنعتی ملل متحد؛ یونیدو**

این سازمان در سال ۱۹۶۶ به وجود آمد تا به صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه کمک دهد و آهنگ این کار را تسریع کند و فعالیتهای دستگاههای مختلف سازمان ملل متحد را در زمینه توسعه صنعتی هماهنگ سازد. استراتژی یونیدو، کمک به کشورهای در حال توسعه برای دسترسی به توسعه پایدار صنعتی و براساس اقتصاد رقابتی، اشتغال مولد و محیط زیست سالم است. مقر آن در وین است.

United Nations Information Centre**مرکز اطلاعات ملل متحد**

مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ برای امکان دستیابی مردم جهان به بیشترین اطلاعات در مورد سازمان ملل متحد پایه گذاری شد. اینک، شبکه دفاتری که به مراکز اطلاعات ملل

United Nations Economic Commission for Europe (ECE)**کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا**

این کمیسیون در سال ۱۹۴۷ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به منظور ایجاد هماهنگی و تشریک مساعی در اقدامات مختلفی که برای نوسازی اقتصادی اروپا انجام می‌شود و نیز ارتقاء سطح فعالیت‌های اقتصادی اروپا و حفظ و تقویت روابط اقتصادی کشورهای اروپایی تأسیس شد. مقر آن در ژنو است.

United Nations Economic Commission for Latin America (ECLA)**کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آمریکای لاتین**

این کمیسیون در سال ۱۹۴۸ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی تأسیس شد تا به دولتهای منطقه آمریکای لاتین در ترویج توسعه اقتصادی کشورهاشان و ارتقاء سطح زندگی ملت‌هایشان کمک کند. کمیسیون، در سال ۱۹۷۹ مقدمات عضویت اسپانیا را در این سازمان فراهم نمود. مقر کمیسیون در سانتیاگو (شیلی) است.

United Nations Economic Commission for Western Asia (ECWA)**کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیای غربی**

این کمیسیون در ژانویه ۱۹۷۴ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی تأسیس شد و هدف آن، ارتقاء سطح فعالیت‌های اقتصادی در آسیای غربی و حفظ و تقویت روابط اقتصادی کشورهای منطقه و سایر کشورهای جهان با کشورهای عضو است. مرکز آن در بیروت قرار دارد.

United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)
سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد؛ سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد؛ یونسکو (UNESCO)

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد است که در سال ۱۹۴۵ به وجود آمد و هدفهای آن عبارتند از: کمک به صلح و امنیت جهان به وسیله ترویج همکاری میان ملتها از راه آموزش، علوم و فرهنگ به طوری که در همه جا احترام به عدالت، حکومت قانون و حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان را تحکیم کند. مقر یونسکو در پاریس است.

United Nations Emergency Force**نیروی اضطراری ملل متحد**

نیروی نظامی غیررزمی حافظ صلح سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۵۶ در جریان جنگ سوئز توسط مجمع عمومی ملل متحد ایجاد شد تا بر منطقه کانال و عقب نشینی قوای اسرائیل، انگلستان و فرانسه از خاک مصر نظارت نماید. تشکیل این نیرو بر پنج اصل عمده استوار است: ۱- تعیین وظایف آن توسط سازمان ملل متحد ۲- تأیید حضور آن توسط کشور میزبان ۳- متشکل از نیروهای کشورهای بیطرف است ۴- ایفای نقش غیررزمی و متعارفی ۵- تأمین هزینه‌های مالی آن از طریق مبالغی که از کلیه اعضای سازمان ملل متحد دریافت می‌گردد. این واژه مترادف نیروهای نظامی ملل متحد است.

طرح‌هایی که در حکومت سابق شروع شده، ادامه یابد. کارگزاران تحقیقاتی آفریقایی که با محققان خارجی سخن می‌گویند، جلوی زبان‌شان را می‌گیرند، زیرا سودای آن را دارند که در سازمان‌های بین‌المللی شغلی به دست آورند. ما با وجود نیت خیر نهادها، ناگهان فقط با آدم‌های متظاهر و متکبری سروکار پیدا می‌کنیم که به حرف هیچکس توجه نمی‌کنند. چنین به نظر می‌رسد که نوعی فرهنگ سکوت پرورده شده است. در یک طرف، مردم ناآگاه قرار دارند که نه سواد و اطلاعاتی دارند و نه حقیقت را می‌دانند و در طرف دیگر، تصمیم‌گیرندگان هستند که ترجیح می‌دهند ساکت بمانند. تاجانی که به سواد مربوط می‌شود، عیبی ندارد. مادر پس از مشاهده بعضی از برنامه‌های تلویزیونی شما به من گفت: به نظر من انگار دلها دیگر علاقه‌ای به یکدیگر ندارند. همه این ماجرای توسعه، نوعی یأس و سرخوردگی است. همه از یکدیگر عصبانی و دلخورند. طبق گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۸ برنامه توسعه ملل متحد، ارزش داراییهای ۲۲۵ نفر از ثروتمندترین مردم جهان مجموعاً بیش از یک تریلیون دلار است. این رقم، معادل درآمد سالانه دو و نیم میلیارد نفر از مردم جهان است که ۴۷ درصد جمعیت کره زمین را تشکیل می‌دهند. اخیراً فعالیتهای برنامه توسعه ملل متحد از جمله بر: حکومتگری مردمسالار، کاهش فقر، جلوگیری از ایجاد بحران و جبران خسارتهای ناشی از آن، انرژی و محیط زیست، فناوری و ارتباطات و بیماری‌های ایدز متمرکز شده است.

United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific

(ESCAP)

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه؛ اسکاپ

این کمیسیون در سال ۱۹۷۴ جایگزین کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیا و خاور دور (اکافه) شد. وظایف و هدفان اسکاپ عبارتند از: هماهنگی اقدامات مشترک به منظور پیشبرد وضعیت اقتصادی، فنی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای عضو، ایجاد مراکز تبادل اطلاعات اقتصادی و اجتماعی در سطح منطقه، ایجاد شرایط مناسب برای بحث و تبادل نظر در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی بین اعضا. اسکاپ دارای ۳۵ عضو پیوسته و ۹ عضو وابسته است و دامنه فعالیت آن از غرب به ایران، از شمال شرقی به ژاپن، از جنوب غربی به جزایر کوک، از شمال به مغولستان و از جنوب به استرالیا و زلاندنو گسترده شده است. مرکز اسکاپ در بانکوک قرار دارد.

United Nations Economic Commission for Africa (ECA)

کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا

این کمیسیون در آوریل ۱۹۵۸ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و به منظور هماهنگ کردن اقدامات مختلف جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی آفریقا و حفظ و تقویت روابط اقتصادی کشورهای آفریقایی تأسیس شد. مقرآن در آدیس آبابا است.

United Nations Economic Commission for Asia and the Far East

(ECAFE)

کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیا و خاور دور؛ اکافه

یکی از کمیسیونها یا هیاتهای منطقه‌ای سازمان ملل متحد که از سال ۱۹۷۴ به اسکاپ معروف شده است.

تنظیم اصول بازرگانی بین‌المللی و کمک به کشورهای در حال توسعه در جهت پیدا کردن بازارهای بیشتر، تأسیس یافت. مقر کنفرانس در ژنو است.

United Nations Convention on Climate Change

کنوانسیون ملل متحد درباره تغییر آب و هوا

تغییرات آب و هوایی جهان در دهه ۱۹۸۰ به عنوان موضوعی علمی و سیاسی مطرح می‌شود. از این رو، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در برابر نگرانی دانشمندان که خطر گرم شدن زمین و نشر گازهای گلخانه‌ای را گوشزد کرده‌اند، اقدام به تأسیس کمیته بین‌دولتی تغییرات آب و هوایی می‌کند تا امکان مقابله جدی با بحران زیست محیطی فراهم گردد. در نتیجه، کنوانسیون تغییر آب و هوا در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید و در ۲۱ آوریل ۱۹۹۴ به اجرا درآمد. یکی از اصول کلی حاکم بر کنوانسیون تغییر آب و هوا آن است که تغییر آب و هوا را مشکل مشترک تمام ملتها می‌داند که باید با اشتراک مساعی بین‌المللی با آن مقابله شود.

United Nations Development Fund for Women صندوق توسعه زنان ملل متحد

صندوق توسعه زنان ملل متحد به عنوان صندوق داوطلبانه دهه سازمان ملل متحد برای زنان (۱۹۸۵-۱۹۷۶) در سال ۱۹۷۶ تأسیس شد. نام صندوق داوطلبانه در سال ۱۹۸۵ به صندوق توسعه زنان ملل متحد تغییر یافت. این صندوق به زنان کم‌درآمد کشورهای در حال توسعه که در حال تلاش برای بالابردن سطح زندگی خود هستند، پشتیبانیهای مالی و فنی مستقیم ارائه می‌دهد و مرکز آن در نیویورک قرار دارد.

United Nations Development Programme (UNDP)

برنامه عمران ملل متحد؛ برنامه توسعه ملل متحد

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۵ تصمیم گرفت "برنامه گسترده کمکهای فنی" و "صندوق ویژه سازمان ملل متحد" را در هم ادغام کند و نام آن را برنامه عمران ملل متحد بگذارد. هدف برنامه عمران یا توسعه ملل متحد، تهیه و اجرای طرحهای رشد اقتصادی و اجتماعی و کمک به عمران کلی کشورها است. مرکز برنامه عمران ملل متحد در نیویورک قرار دارد که در سال ۱۹۸۶ انتقال آن به بیت‌المقدس مطرح گردید. خانم امیناتاترثوره سرپرست مالیاتی (اهل مالی) طرح منطقه‌ای برنامه توسعه ملل متحد در مورد آب و بهداشت در آفریقای غربی عقیده دارد که "از لحاظ مادی، نتیجه توسعه را می‌توان از وضعیت نابسامان زیربنای اقتصادی ما و از میزان آلودگی و عدم سلامت تخمین زد. از لحاظ روانی، آسیبهای وارد شده از آن هم بیشتر است. در دوران استعمار، و به شکل پنهانی تر در سی سال گذشته، خوار شمردن خویش به‌ما القاء شده است. هیچکس از علل واقعی شکست برنامه توسعه حرفی نمی‌زند. هیچکس از این همه اسراف و یا از نحوه ایجاد این بدهیهای کمرشکن سخن نمی‌گوید. این فرایند با مجموعه طرحها و برنامه‌های بی‌معنی پی‌درپی آن همچنان ادامه دارد. جوانها و پدر و مادرانشان هیچ اطلاعی درباره این بدهیها ندارند. نمی‌دانند که زندگی حال و آینده‌شان به‌رهن گذاشته شده است. آنها حتی از وجود بانک جهانی هم بی‌اطلاعند. نمایندگان تازه انتخاب شده احتیاج به پول دارند و به‌همین دلیل، ساکت می‌مانند و اجازه می‌دهند که

ایالات و تشکیلات اداری آن نیست. چنین دولتی گرچه از یکنواختی قوانین و طرز اداره برخوردار است، ولی اغلب از تمرکز بیش از حد اداره امور ایالات در پایتخت در زحمت است.

United Front

جبهه متحد

اتحادیه‌ای از احزاب، نیروها یا دولتهای گوناگون که معمولاً به قصد مبارزه با یک تهدید عام به یکدیگر ملحق می‌شوند. تفاوت این جبهه با جبهه خلق در آن است که احزاب جبهه متحد معمولاً از طبقه کارگرند. این واژه همچنین برای بیان همکاری بین احزاب کمونیست و سوسیال دموکرات به کار رفته است.

United Nations Centre for Human Settlement (Habitat) مرکز اسکان بشر ملل متحد

این مرکز در سال ۱۹۷۸ برای بهتر شدن سریناه فقیران و برای هماهنگی تلاشهایی که در زمینه اسکان بشر در درون تشکیلات ملل متحد صورت می‌گیرد تأسیس شد و مرکز آن در نایروبی (کنیا) قرار دارد.

United Nations Charter

منشور ملل متحد

منشور ملل متحد، اساسنامه سازمان ملل متحد است. این منشور، حاوی مقاصد و اصول سازمان و قواعد و مقررات لازم برای نیل به هدفهای ملل متحد و مشتمل بر یک مقدمه، صد و یازده ماده و یک ضمیمه هفتاد ماده‌ای مربوط به اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است. منشور ملل متحد در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ بعد از تصویب دولتهای چین، فرانسه، بریتانیا، شوروی سابق، ایالات متحده آمریکا و اکثریت کشورهای عضو به مرحله اجرا درآمد.

United Nations Children's Fund (UNICEF) صندوق کودکان ملل متحد؛ یونیسف

این صندوق در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ تحت عنوان "صندوق کمکهای اضطراری بین‌المللی سازمان ملل متحد برای کودکان (یونیسف)" (United Nations International Children's Emergency Fund (UNICEF)) توسط مجمع عمومی به وجود آمد و چند سال بعد، نام آن به صندوق کودکان ملل متحد تغییر یافت، اما نام اختصاری آن همچنان به کار می‌رود. هدف این سازمان، کمک به مادران و کودکان در کشورهای در حال توسعه است. مرکز صندوق کودکان ملل متحد در نیویورک قرار دارد.

United Nations Commission on Human Rights کمیسیون حقوق بشر ملل متحد

ارگان فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد که در سال ۱۹۴۶ براساس ماده ۶۸ منشور ملل متحد به وجود آمد و اولین اقدام مهم آن، "اعلامیه جهانی حقوق بشر" است. ماده ۶۸ منشور ملل متحد: "شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیسیونهایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترقی حقوق بشر و همچنین کمیسیونهای دیگری که برای اجرای مأموریت خود لازم می‌داند تأسیس می‌نماید." تصمیمات این کمیسیون از ضمانتهای اجرای لازم برخوردار نیست.

United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD) کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد؛ اوکتاد

این کنفرانس در سال ۱۹۶۴ با موافقت مجمع عمومی سازمان ملل متحد و به منظور توسعه و

Unilateralism

یکجانبه‌گرایی؛ یکسوگرایی

ترک یا قطع علاقه یک طرف از یک مزیت یا برتری (معمولاً نظامی) در یک رویارویی بین‌المللی. در دهه ۱۹۵۰ برای ترک انتخاب هسته‌ای به کار رفته است.

Unilateral Power

قدرتمندی یکجانبه

دکترین جورج بوش (پسر) رئیس‌جمهوری آمریکا مبنی بر اقدام به عملیات پیشگیرانه و پیشدستی بر به اصطلاح تروریستها و دولتهای سرکش و محور شرارت که جایگزین دکترین نظامی «بازدارندگی» است که در دوران جنگ سرد، اساس استراتژی این کشور در زمینه سیاست خارجی و روابط بین‌المللی بود. نظریه قدرتمندی یکجانبه پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که قلب آمریکا هدف قرار گرفت، پایه سیاست دفاعی و امنیتی حکومت بوش را تشکیل داده است.

Union

اتحادیه؛ اتحادیه کارگری؛ انجمن

۱- واحد مشترکی از سازمانهای جداگانه. ۲- انجمنی از اشخاص حقیقی یا حقوقی برای پیگیری هدفهای مشترک. ۳- سازمان متشکل از کارگرانی که برای حفاظت از منافع مشترک و بهبود بخشیدن به شرایط کارشان به آن پیوسته‌اند.

Union of International Associations (UIA)

اتحادیه انجمنهای بین‌المللی؛ اتحادیه سازمانهای بین‌المللی

این اتحادیه در سال ۱۹۰۷ توسط هانری لافونتن La Fontaine و پل اتله Otlet به عنوان دفتر مرکزی انجمنهای بین‌المللی در بروکسل ایجاد شد و در سال ۱۹۱۰ در جریان اولین کنگره جهانی انجمنهای بین‌المللی با شرکت نمایندگان ۱۳۲ مؤسسه بین‌المللی و ۱۳ کشور به این نام خوانده شد. کمک به برقراری نظم جهانی براساس شرافت و همبستگی بشری و آزادی ارتباطات، گردآوری و انتشار اطلاعات مربوط به مؤسسات بین‌المللی دولتی و غیردولتی از جمله هدفهای این اتحادیه مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی است. شورای اجرایی اتحادیه دارای ۱۵ تا ۲۱ عضو است که هر دو سال یکبار برای دوره‌های چهارساله توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. ۲۵۰ نفرند.

Union Shop

کارگاه اتحادیه‌ای

جایی که استخدام در آن برای کسانی که عضو یک اتحادیه کارگری نیستند آزاد است به شرط اینکه پس از اشتغال به عضویت اتحادیه درآیند.

Unitary Government

حکومت بسیط

نوعی حکومت مشروطه یا مبتنی بر قانون اساسی که قدرت در اختیار مقامات مرکزی است و در آن، جایی برای قدرتهای خودمختار وجود ندارد.

Unitary State

دولت بسیط

دولتی که تمام ایالات و تشکیلات اداری آن تابع قدرت مرکزی است و هیچگونه استقلال برای

می توان مترادف واژه لومین پرولتاریا دانست.

Underdevelopment

توسعه نیافتگی

این واژه که در مورد بعضی کشورها به کار می رود، مانند مفهوم توسعه، فرایندی چندبعدی است و مشخصات آن از جمله عبارتند از: میزان بالای رشد جمعیت، پائین بودن سطح زندگی، تفوق بخش کشاورزی بر صنعت، ساختارهای سنتی کشاورزی و ایلاتی، اختلافات قومی، سرمایه کم، فقدان پس انداز، اشتغال ناکافی، سوء تغذیه، وضع بد بهداشت و مسکن، ضعف قابلیت تولید یا بهره وری.

Underground

تشکیلات زیرزمینی؛ نهضت مقاومت (زیرزمینی)

گروه های مخالفین سیاسی که به هر عنوان نتوانند آشکارا فعالیت کنند به مخالفین، جنبشها یا سازمانهای مخفی و زیرزمینی شهرت دارند. در جریان جنگ جهانی دوم، هر کشور تحت اشغال آلمان نازی اقدام به تشکیل سازمانهای زیرزمینی معروف به "نهضت مقاومت" نمود و از این طریق دست به تبلیغات سیاسی، مقاومت منفی و مقاومت مسلحانه زد.

Unemployment

بیکاری

نبودن کار برای کسانی که توان فعالیت دارند و یا ناتوانی در یافتن کار دارای مزد، به نرخ دستمزدهای رایج.

Unfriendly Act

عمل غیر دوستانه

هر نوع عملی که از دولتی سرزند و دولت دیگر در آن ضرری نسبت به منافع خود احساس کند.

Unicameralism

نظام یک مجلسی

نظامی که قوه قانونگذاری آن فقط شامل یک مجلس (مجلس شورا) است.

Unilateral Act

عمل یکجانبه

عملی است به منظور ایجاد آثار حقوقی که به صرف ابراز اراده یک کشور، منشأ آثار وقاعده حقوقی می گردد، بدون اینکه برای کشورهای دیگر تعهدی به وجود آورد، مگر در مواردی که حقوق بین الملل عمومی اجازه داده باشد و یا سایر کشورها به آن رضایت داده باشند.

Unilateral Declaration

اعلامیه یک جانبه

گاهی دولتها، سیاست یا نظریات خود را ضمن اعلامیه هایی ابراز می کنند و آن را برای اطلاع سایر دولتها می فرستند. مثل اصل مونروئه، و بخشنامه سال ۱۹۲۲ لرد کرزن به سایر دولتها که ضمن آن اعلام داشت: "انگلستان اجازه نخواهد داد که روابط خاص موجود بین آن کشور و مصر مورد ایراد یا مذاکره دولت دیگری واقع شود و هر اقدام و دخالت در امور مصر، عمل غیر دوستانه تلقی خواهد شد."

Unilateral Declaration of Independence

اعلامیه یک جانبه استقلال

اعلامیه ای که طبق آن، سرزمینی که جزئی از فدراسیون یا تابع کشور دیگری است، جدایی و خودمختاری خود را اعلام می کند.

حتی با سیاست اتحادیه نیز مغایرت دارد، مع هذا محرکین، کارفرما را مسئول وقوع این گونه اعتصابات قلمداد می‌کنند.

دکترین دستهای ناپاک

Uncleanhands Doctrine

طبق این دکترین، دعای دادخواهانی که خودشان برخلاف وجدان و با سوء نیت عمل کرده‌اند، از لحاظ انصافی قابل استماع نیست.

عموسام

Uncle Sam

سمبل دولت و مردم آمریکا و نام تصویر مضحک (کارتون) مرد بلند قد ریش بزی ملبس به شلوار راه‌راه سرخ و سفید، فراک آبی ستاره نشان و کلاه بلند راه‌راه ستاره‌داری که سبب اسمیت (۱۸۶۸-۱۷۹۲) آفرید. در طول جنگ آمریکا و انگلستان - که در سال ۱۸۱۲ آغاز شد و با عقد پیمان گنت در سال ۱۸۱۵ خاتمه یافت - بشکه‌های گوشت با علامت US (که در واقع حروف اول نام کشور، یعنی "ایالات متحده" بود) توسط یک صاحب کارگاه بسته‌بندی گوشت در شهر تروی در ایالت نیویورک به نام سامونل ویلسون (۱۸۵۴-۱۷۶۶) به بازار عرضه می‌شد. چنین شایع گردید که علامت مزبور به معنی عموسام ویلسون است. صداقت، سخت‌کوشی، عقل معاش و آمریکاپرستی او نیز چنان بود که خیلی زود لقب "عمو سام" گرفت و بر سرزبانها افتاد، به طوری که در پایان سال ۱۸۱۲ همه‌جا از عموسام به‌نشانه تجسمی از شخصیت ملت و دولت ایالات متحده آمریکا نام برده می‌شد.

عمو توم

Uncle Tom

واژه تحقیرآمیزی که از عنوان کتاب "کلبه عمو توم" اثر "هریت بیچراستو" گرفته شده و توسط مبارزان سیاه (بلاک) برای اشاره به سیاهان (نگرو) خوش‌خدمتی به کار رفته است که نظام سیاسی و اجتماعی سفیدپوستان - بویژه در ایالات متحده آمریکا - را مورد سؤال قرار نداده‌اند. به‌نظر مبارزان سیاه، نگروهایی که در چارچوب حکومت سفیدپوستان تقلا می‌کنند، مثل برده‌های قرن نوزدهم که به‌نظام اجتماعی جنوب (ایالات جنوبی آمریکا) گردن نهاده‌اند، ضعیف و منفعل هستند. این واژه، کنایه از "نوکر صفت" است.

تسلیم بلاشرط

Unconditional Surrender

در جنگ، به تسلیم مغلوب و ترک کامل سلاح اطلاق می‌شود، بدون اینکه فاتح، شرط سیاسی و یا تکلیفی را پذیرفته باشد.

جنگ اعلان نشده

Undeclared War

جنگی که شروع آن به‌وسیله یک بیانیه رسمی ابراز نشده باشد.

لایه اجتماعی فرودست طبقه (کارگر)؛ قشر فقیر جامعه

Underclass

قشر اجتماعی زیر طبقه کارگر که دارای کمترین ثروت است و بیکاران، فواحش، گدایان و بی‌خانمانها را در بر می‌گیرد. هر زمان که بیکاری زیادتر شود، این زیر طبقه نیز بزرگتر می‌شود. فروپاشی خانواده‌ها و به دنبال آن بزهکاری نوجوانان نیز بر وسعت زیر طبقه می‌افزاید. این واژه را

مدت کوتاهی برای جوابگویی به طرف داده می شود و در آن یادآوری می شود که پاسخ باید روشن و قاطع، و متضمن حل مسائل موجود به نحو احسن باشد. این سند، خالی از تعارضات سیاسی است.

Ultra-Imperialism

اولترا امپریالیسم؛ مابعد امپریالیسم

به نظر کارل کائوتسکی (۱۹۳۸-۱۸۵۴)، از رهبران حزب سوسیال دموکرات آلمان، قدرتهای امپریالیستی در تقسیم جهان بین خود ناچار به ستیزند. دوره نزاع به زودی سپری می شود و آنها در یک نوع کارتل جهانی به طور مسالمت آمیز، جهان را بین خود تقسیم می کنند و این مرحله ای است که جایگزین امپریالیسم می شود و اولترا امپریالیسم نام دارد. لنین در انتقاد از این نظریه گفته است: رقابت و مسابقه چند قدرت بزرگ در تلاش به منظور کسب هژمونی، جوهر امپریالیسم است.

Ultramontanism

پاپ سالاری

در لغت به معنی ماورای کوه (آلب). گرایشی است در کلیسای کاتولیک رومی برای برتری پاپ و تمرکز اختیارات در مقام پاپی.

Ultra Vires

خارج از حدود اختیارات

واژه لاتین و ناظر بر اقداماتی است که خارج از حدود اختیارات قانونی شخص یا سازمان قرار دارد.

Ummah (Religious Community)

امت

جماعتی از انسانها که در یک قصد و هدف مشترک باشند. امت، همه کسانی را که در یک مرز مشترک جغرافیائی - سیاسی زندگی می کنند و یا به یک زبان حرف می زنند و یا دارای وحدت نژادی و قومی یا خونی هستند در بر نمی گیرد، بلکه تنها شامل مردمی است که دارای عقیده و طرز فکر و هدف و راه مشترک و واحدی هستند. در نظام سیاسی و حکومت اسلامی، امت جای خلق یا ملت را گرفته و امت اسلامی عبارت است از جامعه مسلمان تحت حکومت اسلامی. در حکومت اسلامی، تنها عاملی که عضویت در امت و تابعیت را تحقق پذیر می سازد، ایمان به اسلام است. اگرچه از آغاز اسلام، واژه عربی امت برای تعیین جامعه اسلامی به کار رفته است ولی به طور کلی می توان گفت که این واژه دلالت بر گروههای زبانی، اقلیتی و دینی خاصی است که مورد رحمت، هدایت و توجه الهی قرار گرفته اند.

Unanimity

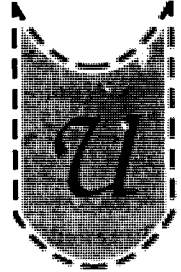
اتفاق آراء؛ وحدت نظر

موافقت و یا رضایت کلیه اعضای یک گروه در موردی خاص.

Unauthorized Strike

اعتصاب غیرمجاز

اعتصابی است که برق آسا و بدون اجازه و تصویب مقامات اتحادیه کارگری ذینفع انجام می گیرد و در بعضی کشورها به نام اعتصاب برقی یا اعتصاب با اخطار فوری و در بعضی دیگر به نام گریه وحشی یا غیرقانونی شهرت دارد. در پاره ای موارد، اعتصاب برقی به علت تحریک کارگران به خاطر اعمال نامطلوب کارفرما یا سرکارگر به وقوع می پیوندد و گرچه با تصویب اتحادیه نبوده و



ابرمرد

Übermensch (Superman)

اصطلاح آلمانی به معنی انسان برتر. نیچه (۱۸۴۴-۱۹۰۰) فیلسوف آلمانی برای جهان، معنایی قائل نیست. به نظر او انسان به کمک علم و منطق برای آن معنی می آفریند، چرا که در هر صورت برای درماندگان خاصیت تسکینی دارد و برای توانایان وسیله نبرد و عمل است. تاریخ بشر عبارت است از تاریخ مبارزه بین نژادهای عالی و پست، بین افراد توانا و افراد ناتوان و اینکه جهان و جامعه، عرصه عمل ابرمردها و نوابغ و ذوات بزرگوار است که با تمام توان به سوی اوج، نبرد و پیروزی می روند و فقط آنها هستند که سازنده تاریخند و به هیچ قاعده اخلاقی در این حرکت به سوی اوج مقید نیستند و نمی توانند باشند چرا که نیل به عظمت با نفی موازین اخلاق همراه است. انسان به موجب عادت، تابع افرادی است که خواهان رسیدن به قدرتند، لذا خوی و منش ابرمردان باید جای اخلاق گله‌های بندگان را بگیرد. هم اخلاقیات مسیحی و هم اخلاقیات جمع‌گرایانه و سوسیالیستی از نوع اخلاق گله‌های بندگانند. دعوت به شفقت و عدالت و آزادی و دموکراسی نیز از میان گله‌های بندگان به عمل آمده است. نیچه آرزو می کرد که "جانور موبور" با شیوه بربرمنشانه، تمدن "نژاد سروان" را برقرار کند. به طور کلی، نیچه مبلغ قدرت ابرمردان، فردگرایی، اراده‌گرایی و خردستیزی بود.

مقصد نهایی

Ultimate Destination

دکترینی که به موجب آن، مقصد نهایی مال التجاره، شرط ممنوعیت قانونی آن است. یعنی اگر کالا برای کشور بیطرفی ارسال شود ولی مقصد نهایی آن، کشور دشمن و یا سرزمینیهایی باشد که تحت کنترل کشور دشمن است، ممنوعیت قانونی مال‌التجاره (یا کالای غیرمجاز) همچنان باقی می ماند، زیرا آنچه که موجب ممنوعیت مال‌التجاره می شود، رسیدن آن به دشمن است، خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم.

اولتیماتوم؛ اتمام حجت

Ultimatum

سندی که دولتی به دولت دیگر تسلیم می کند و در آن حداقل امتیازاتی که دولت تسلیم کننده از طرف می خواهد و نیز حداکثر امتیازاتی که می تواند به طرف بدهد منعکس می شود. در اولتیماتوم،

دموکراسی است. بسیاری از فرمانروایان خود رأی، چه در گذشته و چه در حال، نخست از رهبران ملی بوده‌اند ولی بعداً به‌بانه از بین بردن هرج و مرج و کشمکشهای اجتماعی، به‌راه استبداد افتاده‌اند. همچنین به عقیده افلاطون، اولین ویژگی هر حکومت ستمگر، شخصی بودن ماهیت حکومت است. یعنی تمام اختیارات در دست یک شخص است که تنها اراده خود را معیار درستی و خوبی می‌داند و همه کارها را مطابق میل خود اداره می‌کند. دومین ویژگی حکومت ستمگر، آن است که خود تباه کننده خویشان است زیرا زمامدار ستمگر چون مایل به دیدن هیچ رقیبی نیست، تمام افراد اندیشمند، آگاه و بلند نظر را از میان برمی‌دارد و در نتیجه، کشورش از وجود نیکان خالی می‌شود و کارها به‌دست نادانان و کوته‌نظران می‌افتد و معلوم است که چه نتایج مضرى به‌وجود می‌آورد. همچنین، فرمانروا برای منحرف ساختن توجه مردم از عیبهای کار حکومت، مدام به‌جنگهای خارجی محتاج است و این خود بر مشکلاتش می‌افزاید. سومین ویژگی حکومت ستمگر، شباهت رئیس آن به بز هکاران است.

Tyranny of the Majority

جباریت اکثریت؛ خودکامگی اکثریت

به نظر توکویل (۱۸۵۹-۱۸۰۵) سیاستمدار و مورخ فرانسوی، دو عامل محرک تاریخ در عصر دموکراسی (دموکراسی معاصر توکویل)، حرکت به‌سوی برابری اجتماعی - اقتصادی و حرکت به‌سوی آزادی سیاسی - فرهنگی است. ولی این دو عامل، لزوماً پاسدار یکدیگر نیستند و ممکن است یکدیگر را نفی نیز بکنند. بزرگترین خطری که دموکراسی را تهدید می‌کند، خطر جباریت اکثریت است که در آن، اکثریت تازه به‌دوران رسیده در التهاب برابریهای قانونی و اجتماعی تازه به‌دست آمده، حاضر است از آزادیهای فردی و اجتماعی اقلیتهای فرهنگی و سیاسی با خشونت جلوگیری نماید.

Two Chinas Policy

سیاست دو چین

سیاست ایالات متحده آمریکا، مبنی بر شناسایی دیپلماتیک دو چین، یعنی چین کمونیست و چین ملی (تایوان). دولت ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۲ (بعد از تصویب نامه مورخ ۱۲۵ اکتبر ۱۹۷۱ سازمان ملل متحد که بر اساس آن رژیم چین ملی از سازمان ملل اخراج و دولت چین کمونیست محل هیأت نمایندگی چین را در سازمان ملل متحد اشغال کرد) دفتر ارتباطی در پکن تأسیس کرد و چین کمونیست نیز دفتر ارتباطی در واشنگتن تأسیس نمود. در سال ۱۹۸۰، دولت آمریکا سفارت خود را در چین ملی بست و در چین کمونیست سفارت دایر کرد.

Two-Party System

نظام دو حزبی

در برخی از کشورها مثل بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، دو حزب قوی شبیه به هم برای به دست گرفتن حکومت مبارزه می‌کنند و اگر احزاب دیگری در این کشورها وجود داشته باشند، نسبت به دو حزب اصلی قدرت اندکی دارند به نحوی که نمی‌توانند راساً اداره امور حکومت را به دست گیرند.

Two Superpowers

دو ابر قدرت

مفهوم ابداعی کمونیستهای چینی که به موجب آن: دو ابر قدرت ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی (سابق) می‌کوشند تا جهان را به قلمروهای نفوذ و برقراری سلطه جهانی خود تبدیل کنند، با کشورهای کوچک و متوسطی به مقابله برمی‌خیزند که پیکارشان علیه سیاست قدرت طلبانه این دو ابر قدرت، جریان تاریخی نرمش ناپذیری را نشان می‌دهد. آنها همچنین با اشاره به این واقعیت که ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی (سابق) نیرومندترین جنگ‌افزارهای هسته‌ای جهان را در اختیار دارند، ادعا کردند که: تنها آن دو کشور می‌توانند اوضاع جهانی را زیر نظر بگیرند و نتیجه تمامی مسائل بین‌المللی تنها به مبارزه یا سازش آنها بستگی دارد. به نظر طرفداران مانوئسه دون: مبارزه دو ابر قدرت امپریالیست آمریکا و شوروی (سابق) به خاطر سیادت بر جهان، ادامه تاریخ مبارزه بین قدرتهای بزرگ امپریالیستی برای کسب برتری است. عده‌ای عقیده دارند که پس از تحولات سال ۱۹۸۹ در اروپای شرقی و فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، ایالات متحده آمریکا اگر چه به تنها ابر قدرت جهان تبدیل شده است، ولی قدرت مطلق نیست و در مقایسه با دوره دو ابر قدرتی، کنترل کمتری بر اقمار خود دارد (مثل شکست در سومالی)، و اینکه ایالات متحده آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلستان، ژاپن و دولت‌های امپریالیستی دیگر به گسترش و نفوذ در حوزه جغرافیائی خاص خود ادامه خواهند داد.

Tyichism

بخت‌باوری؛ اقبال‌گرایی

نظریه‌ای که به نقش شانس خالص در دنیا اعتقاد دارد.

Tyranny

حکومت ظلم و استبداد؛ حکومت ستمگر؛ جباریت؛ جبارسالاری

حکومتی که در آن، همه چیز مردم در دست یک فرمانروا یا زمامدار ستمگر و مستبد قرار گرفته باشد. به عقیده افلاطون، حکومت ستمگر، حاصل اوضاع آشفته کشمکشهای ناشی از مسخ

حقیقت را نمی‌داند، احتمالاً مقصر است. اما کسی که حقیقت را می‌داند و پنهان می‌کند، خیانتکار است.

Truth Serum

سرم راستگویی؛ سرم حقیقت

دارویی که برای گرفتن اقرار به‌افرادی تزریق می‌شود که در مقابل شکنجه و آزار مقاومت می‌کنند. آمیتال، سدیم پنتوتال و اسکوپولامین از جمله داروهایی هستند که به‌این منظور به‌کار برده می‌شوند. تأثیر داروهای مزبور در همه افراد یکسان نیست و همه کس را نمی‌توان با آنها مجبور به‌اقرار نمود. همچنین نمی‌توان یقین پیدا کرد که آنچه شخص متهم تحت تأثیر این داروها بر زبان می‌راند، عین واقعیت باشد. اقراریری که با تزریق سرمهای راستگویی گرفته شده باشد، قابل ارائه در دادگاه نیست.

Tsarism

تزاریسیم

تزار، عنوان امپراتوران سابق روسیه است. این لفظ مدتها مشتق از عنوان رومی قیصر تصور می‌شد، حال آنکه از یک لفظ زبان اسلاوونی کهن (به‌معنی شاه یا امپراتور) و از ریشه تاناری است. اصطلاح تزاریسیم اشاره است به‌استبداد و سلطنت فردی و قدرت مطلقه امپراتوری که با ستمگری همراه باشد. به‌این معنی می‌توان آن را مترادف دسپوتیسیم و اتوکراسی دانست.

Turning Point

نقطه عطف

لحظه‌ای خاص که تغییر قطعی در مسیر رویدادها ایجاد می‌شود.

Turnout

شرکت‌کنندگان (انتخابات)

میزان رأی دهندگان در یک انتخابات.

Twenty-Four Hours Rule

قاعده بیست و چهار ساعت

اصلی که به‌موجب آن، هیچ کشتی یا ناو جنگی متخاصمی نباید بیش از بیست و چهار ساعت در یک بندر بیطرف باقی بماند. در صورتی که کشتی جنگی متخاصم پس از تمام شدن مدتی که کشور محل تعیین کرده است باز هم به‌توقف خود ادامه دهد، کشور مزبور حق دارد ناو را خلع سلاح و کارکنان آن را توقیف کند. ناو جنگی متخاصم همچنین حق ندارد بندر کشور بیطرف را مبدأ عملیات جنگی قرار دهد و اقدام به‌این نوع عملیات، ممنوع است.

Two and a Half International

بین‌الملل دو و نیم؛ انترناسیونال دو و نیم

انترناسیونال وین با نام رسمی اتحادیه بین‌المللی احزاب سوسیالیست، سازمان بین‌المللی احزاب و گروههای سوسیالیست بود که تحت فشار توده‌های انقلابی مجبور به‌خروج از انترناسیونال دوم شد. انترناسیونال دو و نیم در کنفرانس وین در فوریه ۱۹۲۱ به‌وجود آمد. در ماه مه سال ۱۹۲۳، با ادغام انترناسیونال دوم و انترناسیونال وین، بین‌الملل کارگران سوسیالیست تشکیل شد. لنین، انترناسیونال وین را به‌مسخره، انترناسیونال دو و نیم نامید و شرکت‌کنندگان آن را فرصت‌طلب، سازشکار و تجدیدنظرطلب خواند. در سال ۱۹۵۱ بین‌الملل سوسیالیست، جایگزین بین‌الملل کارگران سوسیالیست شد.

نظارت بر ادغام شرکت‌هایی که به منظور تشکیل انحصار صورت می‌گیرد، جلوگیری از تعرفه‌بندی تبعیض‌آمیز قیمت‌ها، جلوگیری از شرایط تبعیض‌آمیز فروش و قراردادهای انحصاری، جلوگیری از تبلیغات همراه کننده یا دروغین. ۲- حالت، نگرش و برخورد انسان به عمل شخص دیگر و خود شخص، براساس اطمینان به درستی، وفاداری، باوجدانی و صداقت طرف مقابل.

Trusteeship Council

شورای قیمومت

یکی از ارکان ششگانه سازمان ملل متحد که در جهت پیشرفت مردمی که در سرزمینهای تحت قیمومت ملل متحد به سر می‌برند، تلاش می‌کند. قبلاً یازده سرزمین تحت قیمومت سازمان ملل قرار داشتند، اما تاچندی پیش، تنها جزایر اقیانوس آرام - میکرونزی - تحت اداره ایالات متحده آمریکا در زیر نظر شورای قیمومت قرار داشتند. اعضای شورا عبارتند از: چین، روسیه، بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده آمریکا. پرزیدنت رونالد ریگان در سال ۱۹۸۶ اعلام کرد که به سه قسمت از این سرزمین، موقعیت مشارکت و پیوستگی با ایالات متحده آمریکا داده می‌شود. ولی میکرونزی (جمهوری فدرال) در سال ۱۹۹۱ مستقل شد.

Trusteeship System

نظام قیمومت

نظام نظارت سازمان ملل متحد بر سرزمینهایی که دارای استقلال نیستند. قیمومت، جایگزین نظام سرپرستی جامعه ملل شد. هدف این نظام در منشور ملل متحد، بهبود وضع سکنه بومی و آماده کردن آنها برای استقلال ذکر شده است. سرزمینهای تحت قیمومت، از اراضی تحت قیمومیت جامعه ملل و از متصرفات سابق دولتهای محور به وجود آمد. سرپرستی نظام قیمومت با شورای قیمومت است.

Truth

حقیقت

ویژگی حکمی که یا بدیهی و یا از نظر علمی قابل اثبات است. ملاک و معیار حقیقت را باید در تجربه و عمل اجتماعی - تاریخی نوع بشر جستجو کرد.

Truthfulness

راستگویی

خصوصیت اخلاقی شخصی که مستعد و آماده گفتن حقیقت است و واقعیت امور را نه از خود و نه از دیگران پنهان نمی‌دارد. بر تولد برشت نوشته است که امروز نویسنده‌ای که بخواید با دروغ و نادانی مبارزه کند و حقیقت را بنویسد باید حداقل با پنج مشکل دست و پنجه نرم کند. برای چنین نویسنده‌ای، "شجاعت" بیان حقیقت لازم است، در صورتی که حقیقت را همه جا خفه می‌کنند. "هوشیاری" باز شناسی حقیقت لازم است، در صورتی که همه جا آن را پنهان می‌سازند. این "هنر" لازم است که از حقیقت، سلاحی ساخته شود. نیروی "تشخیص" دادن و انتخاب کردن کسانی لازم است که حقیقت در دست آنان مؤثر و کاری واقع شود. و بالأخره، "تدبیر" فراوان لازم است تا حقیقت میان چنین مردمی گسترش یابد. این مشکلات برای کسانی که در رژیمهای فاشیستی مطلب می‌نویسند، بزرگ است. مانند این مشکل، برای اشخاصی که از میهن رانده شده‌اند یا فرار کرده‌اند و برای اشخاصی که در دموکراسیهای بورژوازی بسر می‌برند نیز وجود دارد. به نظر برشت، کسی که

اسب تروا

Trojan Horse

در کتاب ایلیاد (مجموعه‌ای از اشعار حماسی یونانی منسوب به هومر) آمده است که یونانیان پس از ده سال محاصره شهر تروا، برای تصرف شهر، اسب چوبی بزرگی ساختند و در دل آن زبده‌ترین جنگجویان یونانی را جای دادند. آنگاه اسب چوبی را به تروائی‌ان هدیه کردند. شبانگاه، مردان پنهان شده در اسب بیرون ریختند و دروازه‌های شهر تروا را به روی سپاهیان یونانی گشودند و آن را به آتش کشیدند. امروزه در سیاست، اسب تروا کنایه از حيله ناجوانمردانه و پنهانکاری خائنانه است.

تروتسکیسم

Trotskyism

مجموعه نظریات عنوان شده از سوی لئون تروتسکی (۱۹۴۰-۱۸۷۹) که عمدتاً انتقاد از حکومت شوروی دوره استالین و طرفداری از "انقلاب مداوم" در مقابل خط مشی استالینی "سوسیالیسم در یک کشور" است. این واژه از سوی مخالفان تروتسکی مطرح شده است و پیروان وی، خود را مارکسیست - لنینیست یا مارکسیستهای انقلابی خوانده‌اند. تروتسکی پس از مرگ لنین در مبارزه قدرت، از استالین شکست خورد و در تبعیدگاه خود در مکزیک به دست یکی از عوامل استالین به قتل رسید.

ترک موقت اسلحه؛ متارکه موقت جنگ؛ آتش بس موقت

Truce

مقاله‌ای است نظامی بین فرماندهان طرفین مخاصمه برای تعطیل موقت زد و خورد در مدت محدود که معمولاً از "روز" تجاوز نمی‌کند و هدف آن گردآوری و دفن کشتگان، بیرون بردن مجروحان و کسب تکلیف از مقامات بالا است.

دکترین ترومن

Truman Doctrine

ترومن رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در دوازدهم مارس ۱۹۴۷ در کنگره آمریکا نطقی ایراد کرد. ماحصل نطق مزبور این بود که آمریکا موظف است به آن دسته از کشورهایی که در مقابل نفوذ کمونیسم مقاومت می‌کنند، کمکهای اقتصادی و فنی و نظامی برساند و گرنه امنیت آنها - و مآلاً امنیت خود آمریکا - به خطر خواهد افتاد. سپس ترومن از کنگره اجازه خواست که اعتباری به مبلغ چهارصد میلیون دلار در اختیار کشورهای یونان و ترکیه بگذارد و کنگره این اجازه را به وی داد. سیاستی که در این مورد اتخاذ شد، یعنی کمک مالی به دولتهایی که در مقابل نفوذ کمونیسم مقاومت می‌کردند، به دکترین ترومن (یا سیاست "محاصره کمونیسم") شهرت یافت.

تراست؛ اعتماد

Trust

۱- انحصار بزرگی که از ادغام شرکت‌های مختلف به وجود می‌آید و نهایتاً به ضرر مصرف‌کنندگان است. در کارتل، شرکت‌های عضو دارای استقلال هستند، اما در تراست مؤسسات عضو، استقلال خود را از دست می‌دهند و همه امور تحت نظارت تراست قرار می‌گیرد. کشورهای سرمایه‌داری برای جلوگیری از ایجاد تراست‌های بزرگ و خنثی کردن رفتارهای انحصارگرانه، قوانین ضد تراست وضع کرده‌اند. مثلاً در حال حاضر عناصر سیاست ضد تراست ایالات متحده آمریکا عبارتند از:

هدف آن، حفظ منافع کشورهای سرمایه‌داری و جلوگیری از تغییرات انقلابی است. این گروه متشکل از نخبگان سیاسی و اقتصادی اروپای غربی، آمریکا و ژاپن است و جلسات آن به صورت غیرعلنی و سری برگزار می‌شود. دیوید راکفلر در سال ۱۹۸۰ ضمن یادداشتی که برای نیویورک تایمز نوشت، ماهیت کمیسیون را چنین تشریح کرد: کمیسیون سه جانبه اکنون حدود ۳۰۰ عضو از آمریکای شمالی، اروپای غربی و ژاپن دارد. قریب به یک چهارم این عده از ایالات متحده آمریکا هستند، و نه فقط بازرگانان و صاحبان مؤسسات، بلکه رهبران اتحادیه‌های کارگری و اساتید دانشگاه و مدیران مؤسسات پژوهشی و اعضای کنگره و نمایندگان رسانه‌های گروهی و دیگران را دربرمی‌گیرد. تقریباً همان قدر که اعضای حزب جمهوریخواه هستند، اعضای حزب دموکرات نیز هستند و بیشتر اقدار مردم در آن نمایندگی دارند. کمیسیون در مسائل، موضع‌گیری نمی‌کند و بر صلاحیت اشخاص صحنه نمی‌گذارد. جلساتی تشکیل می‌دهد. گروه‌های ویژه‌ای را مأمور تهیه گزارشاتی می‌کند و این گزارشات را مورد بحث قرار می‌دهد. این گزارشات به جنبه‌های مختلف بازرگانی جهانی، منابع انرژی، نظام پولی بین‌المللی، روابط شرق و غرب و چیزهای دیگر می‌پردازند.

Trimmer (Opportunist)

حزب باد (عضو)؛ ابن‌الوقت؛ آدم فرصت طلب

کسی که بنا بر مصلحت به هر طرف باد بیاورد می‌دهد، به دنبال قدرت روز است و از خود نظری ندارد و یا اگر داشته باشد، آن را سخت پنهان می‌کند.

Triple Containment

مهار سه جانبه

دکترین اعلان نشده (آمریکائی) که در سال ۲۰۰۱ پس از «مهار دو جانبه» یا سیاست کنترل ایران و عراق مطرح شده است. مهار سه جانبه بر پایه نظریه «برخورد تمدنها» ساخته شده و بیانگر کنترل کشورهای چین کفوسیوسی، روسیه ارتودوکسی و ایران اسلامی است.

Troika

ترویکا

۱- واژه روسی (به معنی درشکه سه اسبه) برای اشاره به یک گروه سه نفره که قدرت یا رهبری سیاسی را مشترکاً اعمال می‌کنند. ۲- نام طرح پیشنهادی نیکیتا خروشچف که طبق آن می‌بایست یک گروه سه گانه جایگزین دبیرکل واحد سازمان ملل متحد گردد. خروشچف روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۶۰ در پانزدهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد اظهار داشت که نیروهای سازمان ملل مستقر در کنگو (در جریان مداخله نظامی بلژیک در دوران حکومت لومومبا) به نفع استعمارگران کار می‌کنند و شخص داگ هامرشولد دبیرکل این سازمان نیز مجری سیاست آمریکا و دولتهای استعمارگر است. سپس خروشچف گفت که چون در دنیای ماکشور بیطرف وجود دارد، لیکن شخص بیطرف وجود ندارد عاقلانه است یک گروه سه گانه مرکب از یک نماینده کشورهای غیر متعهد، یک نماینده کشورهای سوسیالیستی و یک نماینده کشورهای سرمایه‌داری جایگزین دبیرکل واحد شود و اینکه هر یک از آنها در اتخاذ تصمیمات، حق و تو داشته باشند. در این صورت، دستگاه اجرایی سازمان ملل به منزله یک مجمع دموکراتیک خواهد بود که منافع کلیه کشورهای عضو را قطع نظر از نظامهای سیاسی و اجتماعی آنها تضمین خواهد کرد.

مناسبات سیاسی و مدنی ناشی از حقوق بین‌الدول بر مبنای قوانین بین‌المللی است که پس از این توافق کلی، قرارداد‌های اختصاصی در هر مورد به تفصیل تنظیم و اجرا می‌شود.

Treaty of Guarantee and Neutrality

عهدنامه تأمینیه و بیطرفی

معاهده‌ای که در آن، طرفین امضاکننده متعهد می‌شوند به‌خاک یکدیگر تجاوز نکنند و خاک خود را مبدأ حمله علیه دیگری قرار ندهند.

Treaty of Neutrality

عهدنامه بیطرفی

معاهده‌ای است بین دولتها که مقرر می‌دارد هرگاه یکی از آنها از جانب دولت دیگر مورد حمله قرار گیرد، طرف دیگر معاهده در مورد این حمله بیطرف باقی بماند.

Treaty of Tlatelolco

عهدنامه تلاتولکو

عهدنامه منع سلاحهای هسته‌ای در آمریکای لاتین که در ۱۴ فوریه ۱۹۶۷ به‌وسیله نمایندگان ۲۱ کشور (آمریکای لاتین) در تلاتولکوی مکزیک به‌امضا رسید.

Treaty on the Prohibition of the Implacment of Nuclear Weapons and other Weapons of Mass Destruction on the Seabed

عهدنامه منع استقرار سلاحهای هسته‌ای و سایر سلاحهای نابودی جمعی در بستر دریا

این عهدنامه که استقرار سلاحهای هسته‌ای و سایر سلاحهای نابودی جمعی را در بستر دریاها و اقیانوسهای مجاور هر کشور در فاصله بیش از دوازده مایلی ممنوع می‌کند در سال ۱۹۷۱ به‌امضای بسیاری از دولتها از جمله دولتهای آمریکا، شوروی سابق و انگلستان رسید.

Tribal State

دولت قبیله‌ای

دولت یا حکومتی که براساس شیخوخیت دینی و سنتی به وجود می‌آید. در دنیای اسلام، آن را امارت نامیده‌اند.

Tribe

قبیله؛ طایفه؛ ایل

موجودیت سیاسی محدود یا مستقل یا گروهی اجتماعی در یک سرزمین معین با زبان و فرهنگ همسان و احساس مشترک همبستگی.

Tribune

تریبون

واژه فرانسوی به‌معنی کرسی خطابه که گاهی به‌معنی هواخواه و حامی به‌کار می‌رود. واژه تریبون در روم باستان، عنوان کارگزارانی بود که از طرف توده مردم برای حمایت از مردم در برابر اشراف، انتخاب می‌شدند و تریبون توده مردم خوانده می‌شدند.

Trilateral Commission

کمیسیون سه‌جانبه

گروه خصوصی که توسط دیوید راکنفلر و به‌دنبال اجلاس سال ۱۹۷۲ بیلدربرگ پایه‌گذاری شد و در جلسات سالانه خود مسائل مهم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی را مورد بحث قرار می‌دهد و

می تواند مانع استقرار او شود. او به هر صورتی که ظاهر گردد به راستی خائن است. هر کس که می تواند در مقابل دشمن، با فکر و عمل خود واکنش نشان دهد، ولی با جبن و ضعف، خود را تیره نماید، خائن است.^۲

Treaty

عهدنامه؛ معاهده؛ پیمان

۱- توافق یا قراردادی که کتباً بین دو یا چند دولت و در زمینه‌های عمده و اساسی صورت پذیرد، مثل عهدنامه مودت و عهدنامه استرداد مجرمان و عهدنامه مرزی. عهدنامه دوجانبه بین دو دولت و عهدنامه چندجانبه یا دسته‌جمعی بین چندین دولت منعقد می‌شود. به‌طور کلی، واژه معاهده درباره تہداتی بین‌المللی به کار می‌رود که با دخالت رسمی و صریح دستگاه‌های صالح در عقد عهدنامه برقرار شده باشد. دخالت دستگاه صالح در اغلب کشورها، همان دخالت رسمی و صریح رئیس کشور است. تشریفات انعقاد یک عهدنامه، شامل مذاکره و امضا و تصویب است. ۲- توافقی بین‌المللی که به موجب مقررات حقوق بین‌الملل به صورت مکتوب از سوی چند کشور تحقق پذیرفته باشد و ممکن است در سندی واحد و یا دو یا چند سند پیوسته ثبت گردد و فرق نمی‌کند به چه عنوانی خوانده شود. یعنی، معاهده یا دو معیار مکتوب بودن و انعقاد بین دو یا چند کشور شناخته می‌شود و ممکن است به نامهای گوناگونی مثل معاهده، عهدنامه، پروتکل، میثاق، پیمان، منشور، قرارداد، کنوانسیون، موافقتنامه و نظایر اینها نامیده شود. آنچه که اهمیت دارد، محتوای معاهده است.

Treaty-Making Power

نیروی معاهده‌سازی؛ قدرت معاهده‌سازی

معاهده درباره تہداتی بین‌المللی به کار می‌رود که با دخالت رسمی و صریح دستگاه‌های صالح در عقد عهدنامه برقرار شده باشد - این همان نیروی معاهده‌سازی است - و دخالت دستگاه صالح، در اغلب کشورها همان دخالت رسمی و صریح رئیس کشور است.

Treaty of Amsterdam

پیمان آمستردام

این پیمان در ۱۸ ژوئن ۱۹۹۷ در پایان کنفرانس سران پانزده کشور اتحادیه اروپا در آمستردام هلند به امضا رسید. در اجلاس آمستردام، بویژه مسائل مربوط به سیاست خارجی، آزادی، امنیت و عدالت، جرائم فرامرزی، امور دفاعی و سیستم تصمیم‌گیری در داخل اتحادیه اروپا مورد بحث قرار گرفت و در پیمان نیز موضوع برداشتن کنترل مرزی بین کشورهای اتحادیه اروپا، به استثنای بریتانیا و ایرلند، زمانبندی شد، "اتحادیه اروپای غربی" تنها مرجع دفاعی اتحادیه اروپا برای انجام عملیات پاسداری از صلح و یا عملیات بشردوستانه شناخته شد و پذیرش دو، سه یا چهار کشور دیگر به سال ۲۰۰۱ یا سال ۲۰۰۲ موکول شد.

Treaty of Friendship

عهدنامه مودت؛ قرارداد دوستی

عهدنامه‌ای که به موجب آن، دو کشور روابط حسنه‌ای را که بین آنها موجود است تصریح می‌کنند. این گونه عهدنامه‌ها شامل توافق عمومی و کلی مربوط به ایجاد روابط سیاسی و کنسولی و بازرگانی و دریانوردی و امور مربوط به اتباع طرفین و رفع اختلاف به وسیله حکمیت و به‌طور کلی،

است. گرفت، سرپرست بخش انگلستان سازمان شفافیت بین‌المللی نیز از جمله گفته است که فقط کشورهای فقیر نیستند که فساد در آنها بیداد می‌کند، بلکه سطح فساد در کشورهای اروپایی مثل ایتالیا و یونان و در کشورهای با ذخایر نفتی بالا مثل نیجریه، آذربایجان، لیبی، ونزوئلا و عراق بسیار نگران‌کننده است. وی با اشاره به این نکته که حزبهای سیاسی، دادگاهها و پلیس به عنوان سه موردی که نیازمند بیشترین اصلاحاتند، گفت که این موضوع نشان می‌دهد که نسبت به این موارد سه‌گانه بی‌اعتمادی کامل وجود دارد. فهرست ۱۳۳ کشور مورد بررسی به ترتیب پاکی به شرح زیر است: فنلاند، ایسلند، دانمارک، زلاندنو، سنگاپور، سوئد، هلند، استرالیا، نروژ، سوئیس، کانادا، لوکزامبورگ، انگلستان، اتریش، هنگ کنگ، آلمان، بلژیک، ایرلند، آمریکا، شیلی، اسرائیل، ژاپن، فرانسه، اسپانیا، پرتغال، عمان، بحرین، قبرس، اسلوانی، بوتسوانا، تایوان، قطر، استونی، اروگوئه، ایتالیا، کویت، مالزی، امارات متحده عربی، تونس، مجارستان، لتوانی، نامیبیا، کوبا، اردن، ترینیداد و توباگو، بلژیک، عربستان سعودی، موریتوس، آفریقای جنوبی، کاستاریکا، یونان، کره جنوبی، بیلاروس، برزیل، بلغارستان، چک، جامائیکا، لاتوی، کلمبیا، کرواسی، السالوادور، پرو، اسلواکی، مکزیک، لهستان، چین، پاناما، سریلانکا، سوریه، بوسنی و هرزگوین، دومینیک، مصر، غنا، مراکش، تایلند، سنگال، ترکیه، ارمنستان، ایران، لبنان، مالی، فلسطین، هند، مالاوی، رومانی، موزامبیک، روسیه، الجزایر، ماداگاسکار، نیکاراگوئه، یمن، آلبانی، آرژانتین، اتیوپی، گامبیا، پاکستان، فیلیپین، تانزانیا، زامبیا، گواتمالا، قزاقستان، مولداوی، ازبکستان، ونزوئلا، ویتنام، بولیوی، هندوراس، مقدونیه، صربستان و مونتنگرو، سودان، اوکراین، زیمبابوه، کنگو، اکوادور، عراق، سیرالئون، اوگاندا، ساحل عاج، قرقیزستان، لیبی، گینه‌نو، اندونزی، کنیا، آنگولا، آذربایجان، کامرون، گرجستان، تاجیکستان، میانمار، پاراگوئه، هائیتی، نیجریه، بنگلادش.

Treachery

خیانت؛ خیانتگری

نقض وفاداری به آرمان مشترک، پشت‌پازدن به منافع ملی یا طبقاتی، ترک کردن، تحویل و استرداد هم‌زمان یا اسرار نظامی یا دولتی، اقدامات خصومت‌آمیز عمدی نسبت به آرمان مشترک ولی سودمند برای دشمنان. خیانت معمولاً همراه با بی‌شرفی و بی‌وجدانی، بزدلی سیاسی و منافع پرولع است. نقض تعهدات شخصی، پیمان‌شکنی یک دوست، برادر و یا هر فردی که شخص با او دارای پیوندهای سنتی یا قراردادی است نیز از مفاهیم دیگر این واژه است.

Treason

خیانت (به مملکت)

۱- نقض وفاداری به کشور یا اقدام به‌اعمالی علیه امنیت و ایمنی کشور توسط اتباع آن و یا بیگانگان مقیم. ۲- عمل مجرمانه‌ای که توسط یکی از اتباع کشور صورت گیرد که به وسیله آن، دولت بیگانه را کمک کند با قصد خیانت و اضرار به مصالح کشورش. جمال‌الدین اسدآبادی درباره خائنان می‌گوید "مراد ما از خائن کسی نیست که کشورش را به پول می‌فروشد و برای مبلغی آن را تحویل دشمن می‌دهد، خواه آن مبلغ بزرگ باشد یا کوچک، زیرا هیچ مبلغی که انسان کشورش را برای آن می‌فروشد نمی‌تواند بزرگ باشد. خائن واقعی کسی است که مسئول اجازه پانهادن دشمن در سرزمین خودش است و اجازه می‌دهد که دشمن در خاک کشورش مستقر گردد، در حالی که

Tranquil State of Mind (Soul which is at Peace with God) نفس مطمئنه

ضمیر یا وجدان اخلاقی شخص که بر اثر ریاضت و تربیت و تمرین اخلاقی از نگرانی و کوهش نفس لوامه آزاد شده و طبق موازین اخلاقی عمل می‌کند.

Trans-Atlantic Free Trade Area حوزه تجارت آزاد فراطلسی؛ تفتا

منطقه تجارت آزاد برای همبستگی و ادغام اقتصادی و ایجاد رابطه مبادله کالایی و سرمایه‌گذاری متقابل کشورهای سرمایه‌داری میان دو کرانه اقیانوس آتلانتیک یا اطلس (اروپا و آمریکا). فکر ایجاد تفتا در ماه سپتامبر سال ۱۹۹۴ و در کنفرانسی که به دنبال خروج نیروهای نظامی انگلستان و فرانسه و آمریکا از برلن برگزار شد، مطرح گردید. سخنگوی صنایع آلمان پیشنهاد کرد چنین منطقه‌ای به‌عنوان حاصل تغییرات بزرگی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ رخ داده است به‌وجود آید. وی اظهار داشت که ساختار اقتصاد جهان امکان دارد از دوستان و شریکان، دشمنانی بسازد و برای حل این مسائل، آمریکا و اروپا و به‌عبارتی، آمریکا و آلمان وظیفه حساسی را بر عهده دارند.

Transcendentalism لاهوت‌گرایی؛ تعالی‌گرایی

۱- تبیین وقایع اجتماعی با عوامل لاهوتی. ۲- اعتقاد به یا تأکید بر آنچه که فراتر از کمال است.

Transculturation انتقال فرهنگی

این واژه هم به‌معنی کسب و هم به‌معنی امحای یک فرهنگ به‌کار رفته است.

Transit Visa ویزای عبوری؛ روادید عبوری

روادید گذرنامه تبعه خارجی، از طرف کنسولگری دولتی که می‌خواهد از خاک آن دولت عبور کند.

Transparency International شفافیت بین‌المللی؛ ورنمانی بین‌المللی؛ سازمان شفافیت بین‌المللی

سازمان غیردولتی که در سال ۱۹۹۳ توسط ایگن که قبلاً در بانک جهانی کار می‌کرد، در شهر برلن تأسیس شد و در بیش از ۶۰ کشور دارای نمایندگی است. اتحادیه اروپا و سازمان توسعه بین‌المللی آمریکا و چند بنیاد دیگر با کمکهای مالی خود، انجام تحقیقات این سازمان غیرانتفاعی را ممکن می‌سازند. هدف این سازمان، مبارزه با فساد و اختلاس در سطح جهان، تدوین شاخصهای اندازه‌گیری فساد و تنظیم خطمشی‌ها و راه‌حلهای کنترل و ازبین بردن آن در کشورهای جهان است. سازمان شفافیت بین‌المللی در گزارش سال ۲۰۰۳ خود، کشور فنلاند را با نمره ۹/۷ پانزدهم و کشور بنگلادش را با نمره ۱/۳ فاسدترین کشور از لحاظ شاخصهای فساد اقتصادی اعلام کرد. در این گزارش، ایران با نمره ۳ در ردیف ۷۹ قرار گرفته است. امتیاز ۹۰ درصد کشورهای درحال توسعه در شاخص فساد اقتصادی سازمان شفافیت بین‌المللی زیر نمره ۵ بوده است. در این شاخص، نمره ۱۰ پانزدهم و نمره صفر، فسادپذیرترین نمره است. ایگن Eigen رئیس سازمان، در ارتباط با این گزارش از جمله گفته است که شاخص جدید فساد به این نکته اشاره دارد که در کشورهای ثروتمند نیز مانند کشورهای فقیر، فساد اقتصادی در سطوح بالا به چشم می‌خورد... در بین ۱۳۳ کشور مورد بررسی، ۷۰ درصد کشورهایی که نمره کمتر از ۵ دارند، فساد در بین سیاستمداران و مقامات آنها نفوذ کرده

مخاصصات، متوقف نمی‌شود و با جنگ سرد ادامه می‌یابد. اکنون تکنولوژی هسته‌ای به قدری میزان خشونت و تخریب را افزایش داده که جنگ همه جانبه ممکن است به سرعت به نابودی کشوری که اقدام به جنگ کرده است منجر شود.

Totemism

توتمی‌گرایی؛ توتمی‌پرستی؛ توتمی‌آیینی

شکل ابتدایی بیان اندیشه معنوی که اساس آن، اعتقاد به وجود رابطه یا قرابت سرنوشت بین انسان و یک حیوان یا گیاه و یا شیء است.

Tower of Babylon

برج بابل

بنابر افسانه، مردم بابل باستان در صدد ساختن برج عظیمی شدند که سر بر آسمان بساید، اما خداوند، آنها را مورد غضب قرار داد و مردم را که تا آن زمان به یک زبان سخن می‌گفتند دچار اختلاف زبان کرد و مردم چون نتوانستند به مقاصد یکدیگری پی ببرند، بنای برج ناتمام ماند. این واژه، کنایه از تفرقه است.

Tract

تراکت

اعلامیه یا رساله‌ای که یک سازمان یا گروه سیاسی و یا مذهبی برای تبلیغ منتشر می‌کند.

Trade Union

اتحادیه کارگری؛ تریدیونیون

۱- اجتماعی از کارگران که به خاطر حفظ و دفاع از منافع مشترک گرد هم آمده‌اند. ۲- سازمانی پایدار و دائمی است که توسط کارگران تشکیل شده است و هدف آن، تأمین و حمایت از منافع آنان و بهبود و اصلاح شرایط کار از طریق مذاکرات دسته‌جمعی و کوشش در جهت بهتر ساختن شرایط زندگی و ایجاد پایگاهی است که با استفاده از آن، ابراز نظریات کارگران در مسائل و امور اجتماعی امکان‌پذیر شود. با اینکه در انگلستان از لحاظ قانونی به اجتماعات و سازمانهای کارگری و کارفرمایی، تریدیونیون اطلاق می‌گردد، مع‌هذا عملاً در مذاکرات روزمره این کشور، تریدیونیون به معنی اخص صرفاً ناظر بر سازمان کارگری است و آنچه یک انگلیسی زبان از تریدیونیون استنباط می‌کند، همان اتحادیه یا به‌طور کلی سازمان کارگری است. اتحادیه‌های کارگری معمولاً در دو سطح محلی و ملی سازمان می‌یابند. اتحادیه‌های ملی در بعضی کشورها در یک فدراسیون متشکل شده‌اند.

Tradition

سنت

مجموعه اندیشه‌ها، عادات و رسوم که به یک ملت تعلق دارد و به‌عنوان میراث اجتماعی از نسلی به‌نسل دیگر منتقل می‌شود.

Traditionalism

سنت‌گرایی؛ سنت پرستی

اعتقاد به اصالت تمام رسوم و سننی است که در یک جامعه پذیرفته شده و به بیان دیگر، اعتقاد به جامعه‌ای است که بر مبنای ارزشها و نهادهای کهن پی‌ریزی شده باشد. این واژه همچنین برای اشاره به فلسفه سیاسی و تاریخی جنبش ضدانقلابی قرون ۱۸ و ۱۹ فرانسه که طرفدار دکتترین "حق الهی" پادشاهان بود، به کار می‌رود.

تجزیه و تحلیل کرده است: ۱- تبدیل دولت مبتنی بر حکومت قانون به یک دولت پلیسی. ۲- گذر از مرحله‌ای - که در دولتهای لیبرال قدرت پخش می‌شود - به مرحله‌ای که در رژیمهای توتالیتر قدرت تمرکز می‌یابد. ۳- وجود یک حزب انحصارگر دولتی که بتواند نیروی لازم را برای در اختیار گرفتن دستگاه دولت و جامعه فراهم سازد. دار و دسته‌ای که می‌خواهد دیکتاتوری توتالیتر ایجاد کند، مجبور است به‌ظاهر یک نهضت دموکراتیک درآید و حتی بعد از روی کار آمدن نیز در حفظ این ظاهر کوشش کند اگرچه محتوای آن را به کلی نفی نماید. ۴- گذر از مرحله کنترل اجتماعی مبتنی بر تنوع و چندگانگی به مرحله کنترل تام و تمام یا توتالیتر که از طریق روشهای زیر صورت می‌گیرد: ۱- اصل رهبری برای اجرای رهنمودهای صادره از بالا و برقراری مسئولیت نسبت به بالا. ۲- همگام سازی همه سازمانهای اجتماعی به منظور در دست گرفتن آنها و نیز قرارداد آنها در خدمت دولت. ۳- ایجاد درجاتی از خواص یا نخبگان برای اینکه حکمرانان بتوانند بر مردم از داخل تسلط داشته باشند و بتوانند مردم را بازی دهند. ۴- پراکندن و منزوی کردن افراد. ۵- تبدیل فرهنگ به تبلیغات یا تبدیل ارزشهای فرهنگی به کالاهای قابل خرید و فروش. پنجمین عاملی که فرانتس نویمان تجزیه و تحلیل کرده، تکیه بر ارباب است که دائماً افراد را مورد تهدید قرار می‌دهد.

Totalitarianism (Totalitarisme)

استبداد همه‌گیر؛ توتالیترانیسم؛ حکومت تک حزبی خودکامه؛ یکه تازی؛ توتالیترانیسم

۱- شیوه اداره بسیار خشن و خودکامانه‌ای که حاکمیت گروهی محدود را ضمن محو هرگونه دموکراسی و آزادی و دست زدن به خونریزی و ترور، مجاز می‌شمارد. ۲- نظارت دولت بر کلیه شئون زندگی اجتماعی و انحصار قدرت سیاسی در دست یک حزب حاکم و حذف کلیه اشکال نظارت دموکراتیک جامعه و توسل به ترور برای سرکوب هرگونه مخالفت، و تسلط یک فرد در رأس حزب و دولت و تلاش برای شکل دادن به جامعه براساس ایدئولوژی حزبی و تجهیز مجموع قوای جامعه در راه هدفهای حزب و دولت و از بین بردن آزادی فرد. این واژه توسط موسولینی ابداع شد و طبق تعریف او، نظامی است که در آن همه چیز به‌خاطر دولت وجود دارد و هیچ چیز خارج از دولت و علیه دولت نیست. به‌طور کلی در نظام استبداد همه‌گیر، هر فرد جزئی از کل جامعه و در خدمت آن است، قدرت دولت بر ایدئولوژی خاصی متکی است و اینکه دولت، قدرت خود را منبعث از توده‌های مردم می‌داند.

Total War

جنگ تام؛ جنگ همه‌جانبه؛ جنگ نامحدود

جنگی که هدف آن پیروزی کامل بر دشمن و استفاده بدون قید و شرط از سلاحهای مخرب است. جنگ تام، نخست با گسترش در مکان مشخص می‌شود و عبارت است از: ۱- جنگی که در تمام جهان گسترش یابد ۲- جنگی که وسعت میدان نبردش از حدود سرزمین اختصاصی متخاصمان تجاوز کند ۳- جنگی که همه مردم، حتی غیرمتحارب را نیز دربرگیرد. جنگ تام همچنین با بسط یافتن در زمان مشخص می‌شود: ۱- مفهوم جنگ تام، هم در عمل حقوقی که به مبارزه مسلحانه پایان می‌دهد، منعکس می‌شود و هم آثار سیاسی، اقتصادی و نظامی به‌بار می‌آورد که از حدود دایره متخاصمان می‌گذرد و به کشورهای بیطرف نیز سرایت می‌کند ۲- جنگ تام پس از قطع

شود، ولی مورد قبول و تصویب او نیز نباشد. مجمع عمومی یونسکو در تاریخ ۱۶ نوامبر سال ۱۹۹۵ بیانیه اصول تجمل آرای دیگران را به تصویب رساند. در این بیانیه از جمله آمده است: براساس موازین حقوق بشر، به کار بستن رواداری، به معنی پذیرفتن بیعدالتی اجتماعی و یادست کشیدن از باورهای خود و یا دادن امتیاز در این عرصه نیست. کاربرد رواداری بدین معنی است که هر کس در گزینش باورهای خود آزاد است و می پذیرد که دیگران نیز از همین آزادی بهره مند شود.

Tolerationism

شکیبایی؛ رواداری؛ تحمل عقاید دیگران؛ شرح صدر

دکترین رواداشتن اختلافات دینی و مذهبی یا آیین آرامش، وقار، صبوری، دل کندن از دنیا و دل بستن به آخرت، آراسته شدن به نور علم و خرد، پرهیز از جنگ و خشونت، انتقادپذیری، عیب پوشی و گذشت.

Top Brass

کله گنده ها

در اصطلاح عامیانه برای اشاره به رؤسا و مقامات به کار رفته است.

Top Drawer

اعیان و اشراف

اصطلاحی برای اشاره به متمولان، از ما بهتران و کله گنده ها.

Top-Secret Documents

اسناد به کلی سری

اسنادی که افشای آنها ضرر و خطری فوق العاده برای دولت و امنیت کشور ایجاد می کند.

Torture

شکنجه و آزار

هرشکل از خشونت که سبب درد و رنج روانی یا جسمی قربانی شود. شکنجه ممکن است به عنوان نوعی از تنبیه یا به عنوان یک اقدام کینه جوینانه بر دشمن شکست خورده اعمال شود و یا برای گرفتن مدرک یا اعتراف از زندانی مورد استفاده قرار گیرد. طبق ماده یک کنوانسیون ضد شکنجه سازمان ملل متحد مصوب سال ۱۹۸۴، شکنجه شامل هر نوع عمل آگاهانه مأمور مشاغل دولتی و عمومی است که به منظور کسب اطلاعات یا اقرار، درد و رنج شدید روحی یا جسمی را به فردی وارد کند. معمولی ترین و مؤثرترین روشی که در برخی از کشورهای جهان، بویژه برای گرفتن اقرار از زندانیان سیاسی به کار برده می شود، شکنجه جسمی و روانی است. یکی از دادرسان خارجی به نام "بلاک" گفته است: "تعمیها و محاکمه های قرون گذشته که حکومتها نسبت به بیروان ادیان گوناگون و طرفداران عقاید خلاف و اقلیتهای نژادی به عمل آورده اند، نشان می دهد که شکنجه های جسمی و روحی موجب شده است تا ممتازترین و مفیدترین فرزندان آن عصر به نحو غیر عادلانه ای قربانی شوند. سه پایه های عذاب و گازانبرهای شکنجه و دستبند های سنگین و همچنین تنهائی مداوم و بازجوییهای طولانی، تن دردمند و مغز پریشان آنان را به اظهار مطالبی کشانیده است که پایان آن چوبه های دار یا گیوتین یا تیرهایی بوده است که محکومین را بدان بسته و زنده می سوزانیده اند."

Totalitarian Dictatorship

دیکتاتوری توتالیتر؛ دیکتاتوری فراگیر

نوعی دیکتاتوری که فرانتس نیمان (۱۹۵۴-۱۸۹۹) متفکر آلمانی آن را به پنج عامل اساسی

تیتوایسم

Titoism

این واژه پس از قطع رابطه تیتو (۱۹۸۰-۱۸۹۲) رهبر کمونیست یوگوسلاوی با استالین در سال ۱۹۴۸ مصطلح شد و به طور کلی اشاره است به سیاست داخلی و خارجی مشخص یوگوسلاوی (سابق) پس از سال ۱۹۴۸ و سیاست سایر احزاب کمونیست مبتنی بر "کمونیسم ملی"، یعنی مستقل از شوروی (سابق) یا هر قطب کمونیستی دیگر. از جمله سیاستهای داخلی و خارجی تیتو می توان به کنترل نقش حزب و پلیس سیاسی، آزادی سفر و توسعه تورسیم، بهره برداریهای کشاورزی کوچک فردی، فعالیت شوراهای کارگری، خودگردانی مؤسسات اقتصادی، مبارزه با گرایشات جدائی خواهانه و ملی گرایانه، برقراری روابط نزدیک با کشورهای در حال توسعه و جنبش عدم تعهد اشاره کرد.

دکترین توبار

Tobar Doctrine

نظریه‌ای که در سال ۱۹۰۷ به وسیله دکتر توبار وزیر امور خارجه اکوادور بیان شد و طبق آن، دولتها نباید حکومتی را که از طریق کودتای نظامی و قیام و شورش تشکیل شده باشد به رسمیت بشناسند و یا لاقبل باید پیش از اینکه چنین حکومتی مورد تأیید و تصدیق پارلمان کشور خود واقع شود، نسبت به شناسایی آن اقدامی نکنند.

ظاهرسازی

Tokenism

حفظ ظاهر یا تظاهر و نمایش ظاهری که در فرهنگ فمینیستی مفهوم ویژه خود را دارد. به نظر مری دیلی Daly فیلسوف رادیکال آمریکایی، زنان صاحب شغل که در دستگاه حاکم کار می کنند، زنان صوری هستند که فقط قدرت مردانه را مخفی می کنند. به نظر دیلی، اصلاحات ایجاد شده از طریق نهضت زنان، فقط نمونه‌هایی از ظاهرسازی است، زیرا چنین اصلاحاتی، نه واقعیت، بلکه توهم آزادی زنان است.

اعتصاب اخباری

Token Strike

اعتصابی که معمولاً به مدت یک تا دو روز برای تهدید کارفرما به یک اعتصاب طولانی تر انجام می شود.

مدارا؛ تساهل؛ رواداری؛ بردباری؛ تحمل آرای دیگران؛ سه صدر؛ دیگرپذیری؛ شوح صدر

Tolerance

۱- حالتی که به موجب آن، دو طرف اختلاف، ناگزیر وجود یکدیگر را تحمل کنند. ۲- تحمل هرگونه عقیده و رواداشتن بیان آن که از ارزشهای مهم لیبرالیسم سیاسی است. با شروع عصر روشنگری، رواج این باور که حقیقت نسبی است، بنیان تساهل و اعتقاد به آزادی استوار شد. ولتر می گفت: من با آنچه شما می گوئید مخالفم، اما تا پای جان از حق شما برای گفتن آن دفاع می کنم. ۳- خصوصیت اخلاقی که بیانگر طرز برخورد با تمایلات، اعتقادات، عادات، عقاید و رفتار با دیگران است. این خصوصیت، مستلزم پذیرش گرایشات فکری مختلف، وجود بینش آزادبخواهانه و طرد هرگونه خودکامگی است. ۴- رواداشتن وجود آراء و عقاید مختلف سیاسی و عقیدتی و اجتماعی و هنری در درون یک نظم سیاسی و اجتماعی. ۵- پذیرش انفعالی آنچه که فرد نتواند مانع بروز آن

رای شکنی

Ticket Splitting

تمایل رأی دهندگان - بویزه در آمریکا - برای رأی دادن همزمان به کاندیداهای حزبهای مختلف.

تیمارشی؛ تیموکراسی؛ حکومت سلحشوران؛ حکومت متفاخران؛ تواتر سالاری (Timarchy (Timocracy

تیمارشی از تیمه Time یونانی به معنی آزر و شکوه و شرف است و فارابی حکیم مسلمان از آن به عنوان مدینه کرامه یاد کرده است. این اصطلاح را افلاطون در کتاب جمهوریت خود در مورد حکومتی به کار برده است که به دست اشخاصی اداره می شود که تنها به خاطر شرف و افتخار کار می کنند نه بر اساس عدالت و قضائیات و اموال و عناوین دیگر. در زمان حاضر برای تیمارشی نمی توان معادلی ذکر کرد، زیرا چنانکه افلاطون خود گفته، این حکومت فرآورده مشخصات جامعه اسپارتی است. افلاطون برای جامعه اسپارتی ارزش ویژه ای قائل بود و در حقیقت، حکومت کمال مطلوب خود او شباهتهایی با سازمان حکومت اسپارت دارد. اسپارتیان، سپاهیان بلندتبار بودند که در میان بندگانی روستایی به نام قوم هلوت زندگی می کردند. هلوتها در خدمت اربابان اسپارتی خود به کشاورزی اشتغال داشتند و تقریباً از هیچ گونه حق و امتیازی برخوردار نبودند. اسپارتیان چون قومی کم جمعیت بودند که در میان فرمانبرداران پرجمعیت و ناراضی خویش زندگی می کردند و همواره از طغیانشان واهمه داشتند، طریق خاصی برای زندگی خود انتخاب کردند که هدف آن، ایمنی از خطر دشمنان و پیروی سعادت و مصلحت فردی، از سعادت و مصلحت جمعی بود. هر شهروند در حکم سربازی بود که آموزش و زناشویی و ریزه کاریهای زندگی روزانه اش با انضباط شدید منظم می شد تا از حداکثر کفایت نظامی برخوردار باشد. هیچ اسپارتی حق تملک ثروت به صورت طلا یا نقره نداشت و سادگی زندگی او معروف بود. در اردوگاه، مطابق انضباط نظامی زندگی می کرد و آماده بود که هر زمان در راه وطن بجنجد. سازمان حکومت اسپارتی، ترکیبی از پادشاهی موروثی و انتخابات عمومی و شورای ریش سفیدان بود. اسپارتیان علی رغم مقتضیات نظام اجتماعی و سیاسی خود، مردم آزمندی بودند و به رسم مالکیت خصوصی شدیداً دلیستگی داشتند و افلاطون، مالکیت خصوصی را عامل آزر و سایر زشتیهای خوی بشر می دانست. افلاطون اگر چه تیمارشی را به خاطر نظم و قانوندانی و دلاوری مردانش می ستود ولی از نادانی و حماقت و آزمندی و همچنین آزار اسپارتیان در حق زیردستان هلوتی نکوهش می کرد. نظام اسپارتی بجز در جزیره کرت در جای دیگر یونان همانند نداشت.

گروهک

Tiny Group (Grouplet)

به گروههای سیاسی بدون برنامه و تاکتیک و سازمان و فاقد اصول ثابت یا جدی اطلاق می شود که هیچ ریشه ای در میان مردم ندارند و به جهت دنبال کردن خط مشی سیاسی ماجراجویانه و جدا از مردم، یا پس از مدتی کوتاه از بین می روند و یا همواره محکوم به این خواهند بود که به صورت گروهک باقی بمانند.

سرکش خوئی

Titanism

روح طغیان یا ایستادگی در برابر میثاقها و رسوم اجتماعی.

Three Continents Solidarity Organization

سازمان همبستگی سه قاره

سازمان همبستگی خلقهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که هدف آن مقابله با امپریالیسم و حمایت از جنبشهای انقلابی و نهضتهای آزادیبخش بوده است. بیش از ۵۰۰ نماینده در اولین کنفرانس همبستگی خلقهای سه قاره که در اوایل ژانویه سال ۱۹۶۶ در هاوانا برگزار شد، شرکت کردند. در قسمتی از قطعنامه سیاسی کنفرانس، سازمان ملل متحد متهم شد که خود را آلت "امپریالیسم آمریکا" ساخته است.

Three-Mile Limit

حد سه میل

قاعده‌ای مربوط به وسعت و پهنای دریای سرزمینی. در قرن هیجدهم برای تعیین پهنای دریای سرزمینی از نظریه‌ای پیروی می‌شد که آن را نویسنده هلندی بینکر شوئک در کتاب "راجع به مالکیت دریائی" بیان کرده بود. بینکر، مطابق ضرب‌المثلی که می‌گوید سلطنت بر خاک در نقطه‌ای متوقف می‌شود که در آن نیروی اسلحه پایان می‌یابد، تیررس توپ را مقیاس قرار داده بود. تیررس توپ در آن زمان، پهنای دریای سرزمینی را تقریباً به سه میل می‌رسانید.

Three Worlds Theory

نظریه سه جهان

مائوتسه تونگ در سال ۱۹۷۴ ضمن گفتگویی با کنت کائوندا رئیس جمهوری زامبیا، دیدگاه خود را درباره جهان وقت چنین بیان کرد: "به نظر من، ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی (سابق) جهان اول را تشکیل می‌دهند. نیروهای بینابینی مانند ژاپن، کانادا و اروپا که بخش میانی را تشکیل می‌دهند به جهان دوم تعلق دارند. ماجهان سوم هستیم. جهان سوم جمعیت عظیمی دارد. بجز ژاپن، آسیا متعلق به جهان سوم است. همه آفریقا و نیز آمریکای لاتین به جهان سوم تعلق دارند." به عقیده مائو، جهان سوم باید با جهان دوم در برابر جهان اول متحد شود. دلیلی که وی برای به‌شمار آوردن جمهوری خلق چین در زمره جهان سوم به آن استناد می‌کند این است که چین نمی‌تواند با کشورهای غنی و نیرومند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و دیگر زمینه‌ها برابری جوید و فقط می‌تواند در صف کشورهای فقیر درآید.

Threshold Nuclear Powers

قدرتهای هسته‌ای آستانه‌ای

این اصطلاح در مورد کشورهایی به کار رفته است که می‌توانند اقدام به تهیه سلاحهای هسته‌ای کنند. هندوستان، آلمان، کانادا، استرالیا، پاکستان، اسرائیل، آفریقای جنوبی، سوئد، ایتالیا، برزیل، آرژانتین از جمله این کشورها شمرده می‌شوند.

Thriftness

حسابگری؛ عقل معاش؛ صرفه‌جویی

دقت و سنجش همه جوانب امور، قوه تدبیر زندگانی، توجه و مراقبت از مواهب و مزایای مادی و معنوی و نقطه مقابل اتلاف و ضایع کردن، اسرافکاری و سوءمدیریت. این خصوصیت، همواره مورد نظر اشرار متوسط اجتماعی بوده و اکنون بویژه از نظر حفظ منابع طبیعی اهمیت یافته است.

شده یا کشورهای توسعه نیافته. معمولاً دو اصطلاح کشورهای در حال توسعه و کشورهای جهان سوم به منظور مشخص کردن گروه سوم به کار می‌رود. اصطلاح جهان سوم، بویژه در مقابل اصطلاحات بلوک غرب و بلوک شرق و در مورد کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا به کار برده می‌شود که بیشتر آنها در جنبش عدم تعهد شرکت دارند. وجوه مشترک بسیاری از کشورهای جهان سوم عبارت است از: گذشته استعماری و نفرت از امپریالیسم، جمعیت زیاد و رشد اقتصادی اندک، اعمال کنترل و نظارت بر غالب امور از سوی دولت و اینکه بخش عظیمی از توسعه صنعتی آن از خارج تأمین می‌شود و وابستگی اقتصادی و فنی به اقتصادهای جهان اول.

Thought Control

کنترل افکار

نظام مبارزه با اندیشه‌ها و عقایدی که مضر به حال حکومت و براندازنده آن تلقی می‌شوند و از آنها به عنوان افکار خطرناک یاد می‌شود. نظام کنترل فکر و اندیشه در دهه ۱۹۳۰ توسط حکومت میلیتاریست ژاپن برقرار گردید. جورج اورول (۱۹۵۰-۱۹۰۳) نویسنده و طنزپرداز در توصیف نظام کنترل افکار در انگلستان نوشته است که افکار نامعمول و غیرعامة پسند ممکن است مسکوت واقع شوند و واقعیتهای مزاحم نیز پنهان و ناشناخته بمانند، بدون اینکه نیازی به تحریم رسمی آنها باشد. این امر، نتیجه تمرکز مطبوعات در دستهای افراد ثروتمندی است که دارای انواع انگیزه‌ها هستند تا در بعضی موارد مهم، "نادرست" باشند. نوام چامسکی زبان‌شناس و متفکر معروف معاصر نیز در توصیف کنترل افکار در جوامعی مثل آمریکا گفته است که مردم ناچارند تماشاگر باشند و نه مشارکین در صحنه عمومی زندگی و سیاست. آنها بیگانگانی ناآگاه و زبان دراز قلمداد می‌شوند که جانی در صحنه زندگی عمومی ندارند، غیر از اینکه در مراسم انتخابات، از بین رجال مسئول، عده‌ای را برگزینند. برای برحذر داشتن مردم از زبان درازی، یا آنها را به کارهای پوچ و بیهوده مشغول می‌سازند یا افکارشان را کنترل می‌کنند. یعنی به کمک تبلیغات، آنها را به ذرات منفرد مصرف، ابزار مطیع تولید و خدمتگزاران وفادار و مؤمن قدرت خصوصی و دولتی تبدیل می‌نمایند. ایجاد ترس نیز، معمولاً به کنترل فکر منجر می‌شود. زیرا قربانیان آن آمادگی پیدا می‌کنند که برای دفاع از خود، عقاید و نگرشهایشان را بر دستگاہهای قدرت منطبق نمایند. به طور کلی، آنچه اندیشیدن درباره آنها خطرناک است، از کشوری تا کشور دیگر و از دوره‌ای تا دوره دیگر تفاوت دارد.

Thought Reform (Re-education)

اصلاح افکار؛ بازپروری

فرآیندی که طبق آن، عقاید و گرایشهای فرد را به نحوی سنجیده از طریق آموزش و تبلیغ و گاهی همراه با تهدید و اجبار تغییر می‌دهند و یا سرکوب می‌کنند.

Threat Assessment

ارزیابی تهدید

از جنبه روابط بین‌المللی، بخشی از تفکر راهبردی مربوط به مسائل دفاعی و سیاست خارجی است. پرسشهایی که سیاستگذاران دولتها باید در مورد تهدید مطرح کنند عبارت است از: منشأ، ماهیت، دامنه و چگونگی مقابله با تهدید. ارزیابی تهدید بدون مشورت با برنامه‌ریزان نظامی و بدون داشتن اطلاعات نظامی مقدور نیست. نگرانی کارشناسان غیرنظامی سیاست خارجی آن است که ارتش برای بالابردن اهمیت خود و درخواست هزینه‌های بیشتر، تهدیدات خارجی را بیش از حد برآورد کند.

همچنین در دوره ظهور نهضت گلیستی در فرانسه، نیروی سوم به گروه‌های ناهمگونی گفته می‌شد که بین دو نیروی کمونیستی و گلیستی قرار داشتند و بجز در مورد مخالفت با کمونیستها و گلیستها، فاقد وجه اشتراک دیگری با یکدیگر بودند.

بین‌الملل سوم: انترناسیونال سوم

Third International

این واژه، مترادف کومیترن یا انترناسیونال کمونیستی است که در سال ۱۹۱۹ (با شرکت احزاب کارگری و کمونیستی) تشکیل و در سال ۱۹۴۳ منحل شد.

موج سوم

Third Wave

به نظر آلون تافلر نویسنده اجتماعی-سیاسی و طرفدار تمدن سرمایه‌داری غرب، بشر تاکنون دو موج عظیم را پشت سر گذاشته است که هر کدام فرهنگ و تمدن پیشین را محو کرده و شیوه‌هایی از زندگی را که برای پیشینیان قابل تصور نبود، جایگزین آن ساخته است. موج اول تمدن، یعنی انقلاب کشاورزی در ده هزار سال پیش نقطه شروع یک موج عظیم دگرگونی در تاریخ بشر بود که به پیدایش دهکده‌ها و سکونتگاههای دائمی و تحولات اجتماعی و سیاسی بسیار بویژه تحول در ساختار دولت و نیز ظهور پدیده جنگ به معنی انحصار آن انجامید. موج دوم دگرگونیها یعنی پیدایش تمدن صنعتی، از سیصد سال پیش آغاز شد و همراه با آن، شیوه‌ای از زندگی بر اساس کارخانه تقریباً در یک چهارم کره زمین جانشین تمدن کشاورزی شد. انقلاب صنعتی نظام جدیدی برای تولید ثروت به وجود آورد به نحوی که تمام ستونهای نظام قدیمی قدرت را خالی کرد و زندگی خانوادگی، کسب و کار، سیاست، دولت ملی و ساختار قدرت جهانی را دگرگون کرد. کسانی که برای تسلط بر آینده می‌جنگیدند، از خشونت و ثروت و دانایی استفاده کردند. اکنون، جهش شتابنده‌تری آغاز شده است. تغییراتی که در دوره حاضر در کسب و کار، اقتصاد و سیاست در سطح جهانی روی داده است، فقط اولین زدوخوردها بر سر قدرت از منازعات بزرگتر آینده است. زیرا انسان همزمان با افول موج دوم، در آستانه عمیقترین جابجایی قدرت و در حال ورود به جهان کامپیوتری موج سوم قرار دارد. تعریف این موج یا انقلاب سوم دشوار است. انسان خود را در همان وضعیتی می‌یابد که یک فرد متولد شده در انقلاب صنعتی خود را در آن می‌یافت. او می‌توانست بفهمد که دگرگونیهای مهم روی داده است اما پیچیدگی آن دگرگونیها او را دچار سرگشتگی می‌کرد. اکنون نیز گریز دگرگونیهای ناشی از موج سوم احساس می‌شود، اما برقراری ارتباط بین آنها دشوار است. به عقیده تافلر، درگیری اصلی قرن آینده، نه می‌تواند مؤید نظریه "برخورد تمدنها" باشد و نه نظریه "پایان تاریخ"، بلکه نوعی درگیری بین تمدن موج سوم با تمدنهای موج دوم و اول خواهد بود. وی ویژگیهای تمدن قرن آینده را در کتاب به سوی تمدن جدید (سیاست در موج سوم) خود به نحوی ترسیم نموده است که گویی این تمدن از آمریکا سرچشمه خواهد گرفت. تافلر در این اثر تلاش کرده تا دنیای غرب را برای ورود آگاهانه و صلح‌جویانه‌تر به جامعه‌ای خردگراتر از آنچه وجود داشته است آماده کند.

جهان سوم

Third World

کشورهای جهان بویژه در دهه ۱۹۶۰ به سه گروه تقسیم شدند: ۱- کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته. ۲- کشورهای سوسیالیستی. ۳- کشورهای از نظر اجتماعی و اقتصادی عقب‌نگهداشته

به وجود می‌آید به این آیین رجوع می‌شود. آیین مزبور در عرف کلیسای مسیحی به آیین دوشمشیر معروف است.

Theory X

نظریه ایکس

نظریه مربوط به رفتار افراد در محیط کار. طبق این نظریه، افراد، کارکردن را دوست ندارند، قبول مسئولیت را نمی‌پسندند و از این رو، باید تحت نظارت و مراقبت و کنترل دائمی قرار گیرند.

Theory y

نظریه یای

نظریه‌ای مربوط به رفتار افراد در محیط کار. طبق این نظریه، افراد به طور طبیعی فعالند و از قبول مسئولیت، رضایت خاطر پیدا می‌کنند. از این رو، مدیران باید از این ویژگی استفاده کنند و به افراد تفهیم کنند که به نفع آنهاست که در جهت هدفهای سازمان گام بردارند.

Thermidor

ترمیدور

یازدهمین ماه تقویم انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) و اشاره است به مرحله ارتجاعی و ضدانقلابی و استقرار دیکتاتوری پس از انقلاب. پیروان ترمیدور کسانی بودند که از کودتای ۲۷ ژوئیه (۹ ترمیدور) ۱۷۹۴ پشتیبانی کردند، به حاکمیت ژاکوبینها پایان دادند، روبسپیر و یارانش را کشتند و با دستاوردهای انقلاب کبیر فرانسه دشمنی ورزیدند.

Thesis

تز؛ نظر

هر فرض یا رأی و نهادی که در بحث از آن دفاع شود.

Think Tanks

مخزنهای فکری؛ گروههای محققان؛ خزانه‌های فکری؛ هسته‌های مشاوران؛

گروههای اندیشه پرداز

این واژه ظاهراً پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا رایج شده و اشاره به سازمانها، مؤسسات یا گروههایی است که معمولاً برای پژوهش در مسائل خاص مثل مسائل دفاعی یا تکنولوژی یا اجتماعی تشکیل می‌شوند و به کار تحلیل سیستمها و تحقیق عملیاتی مشغولند. از جمله مخزنهای فکری بزرگ می‌توان از شرکت راند، بنیاد کارنگی و مؤسسه تحقیقاتی استانفورد نام برد. گروههای اندیشه‌پردازی، نقش مهمی در زمینه تدوین سیاست خارجی آمریکا دارند. اکنون حدود ۱۵۰۰ مورد از این گروهها در آمریکا فعالیت می‌کنند که به تولید ایده‌ها و افکار تازه برای استفاده تصمیم‌گیرندگان سیاسی، تأمین کارشناسهای لازم برای ارائه خدمات به دولت و کنگره اشتغال دارند و همچنین به سیاستگذاران امکان می‌دهند که در مورد گزینه‌های سیاستگذاری به نتایج مشترکی دست یابند.

Third Force

نیروی سوم

این اصطلاح در مورد نیرویی به کار می‌رود که نه در جناح راست قرار دارد و نه در جناح چپ، نه در برابر بلوک غرب متعهد است و نه در برابر بلوک شرق. در واقع، برنامه نیروی سومها را می‌توان ترکیبی از سوسیالیسم و کاپیتالیسم دانست. آنها معمولاً خود را سوسیالیستهای آزادیخواه می‌نامند.

Thatcherism

تاجریسم

از نام مارگارت تاجر، نخست وزیر انگلستان گرفته شده که از سال ۱۹۷۹ تا سال ۱۹۹۰ حکومت می کرد. تاجریسم که به عنوان یک ضد ایدئولوژی توصیف شده، بیانگر گرایش به لیبرالیسم و اقتصاد آزاد سرمایه داری، انتخاب فردی، خصوصی سازی، محدود ساختن اتحادیه های کارگری، دور شدن از عدالت اجتماعی، عدم توجه به خیر و صلاح عمومی و جدی نگرفتن مسأله بیکاری است.

Theatre of War

صحنه جنگ

جائی که عملیات جنگی جریان دارد، قانوناً صحنه یا محل جنگ است.

Theocracy

حکومت دینی؛ دین سالاری؛ حاکمیت الله؛ تئوکراسی

۱- حکومتی که خداوند را فرمانروای عالی آن می شمارند و روحانیون را مجری اوامر الهی. ۲- حکومتی که زمامداران اصلی آن را پیشوایان دینی تشکیل می دهند. ۳- نظریه سیاسی و دینی مبنی بر اینکه حکومت دینی درست است و قانون صحیح، همان قانونی است که توسط پیامبران به مردم ابلاغ شده و خداوند واضح آن است. با توجه به این نظریه، دین و سیاست از هم جدا نیستند و باید حدود و قوانین الهی درباره مردم اجرا شود.

Theoretician (Theorist)

نظریه پرداز

کسی که درباره مسائل سیاسی، اجتماعی و علمی نظریات نو ارائه می دهد و به زبان فرانسه، تئورسین Theoricien نامیده می شود.

Theory

نظریه؛ تئوری

۱- این واژه از Theoria کلمه یونانی به مفهوم شناسائی هنر و دانش در یک امر معین گرفته شده و عبارت است از سیستم مفاهیم و نظریات. یعنی مجموعه ای از اندیشه های راهنما در این یا آن زمینه از دانستنیهای بشری، و توجیه و توضیح علمی قوانین تکامل در طبیعت یا در اجتماع. ۲- مجموعه نظام معرفت تعمیمی بشر که نه همه واقعیت، بلکه این یا آن جهت واقعیت را توضیح می دهد. از این رو، تئوری بخشی از جهان بینی است. یک جهان بینی می تواند مرکب از تئوریهای مختلف مربوط به مسائل مختلف باشد. تئوری همینکه توده های مردم را فراگیرد، به نیروی مادی بدل می شود. شرط آنکه این معنی درباره یک نهضت فکری مصداق پیدا کند، آن است که توده های مردم با احراز یقین بر صحت نظریه هایی که پذیرفته اند، آماده هرگونه کوششی در راه پیروزی آن باشند. بدون داشتن آن یقین و این آمادگی، هیچ نظریه ای در تاریخ، ملتها را به جنبش مؤثر وادار نکرده است.

Theory of Two Swords

نظریه دو شمشیر؛ آیین دو شمشیر

به طوری که از تاریخ مسیحیت برمی آید، جدایی دین از سیاست در قرن پنجم میلادی و طبق اعلامیه پاپ گلاسیوس اول رسمیت یافت. براساس این اعلامیه، حیطه و قلمرو دولت از کلیسا مشخص گردید. به این ترتیب که امور دنیوی و مادی و سیاست در حیطه عمل دولت، و علائق و منافع روحانی در حیطه اقتدار کلیسا قرار گرفت و هرزمان بین پاپ و امپراتور اختلاف یا رقابتی

است از یک جریان خرده بورژوازی که در مرحله‌ای از جنبش انقلابی در اروپا ظاهر شد. تروریسم به تئوری قهرمانان فعال و توده‌های غیرفعالی که در انتظار هنرنمایی این قهرمانان هستند، معتقد است. اعتقاد تروریسم به این تئوری در اساسی‌ترین نمودهایش به صورت ناتوانی کامل در شناخت جنبش توده‌ای و فقدان ایمان به آن، عدم درک نیازمندی و کمبودهای جنبش، عدم توانایی در آمیختن فعالیت انقلابی خود با جنبش توده‌ای و بی‌ارزش تلقی کردن فعالیت انقلابی توده‌ها و در نتیجه، ناگزیر به شکل توسل به ترور انفرادی برای خاموش ساختن احساسات خشم‌آگین و انرژی انقلابی خویش و جستجوی وسایل تهییج مصنوعی و نظایر اینها متجلی می‌شود. ترور انفرادی، عوام‌فریبان و ستمگران را به خطر نمی‌اندازد و یا اگر حتی جامعه را موقتاً از شر ستمگرانی که در رأس آن ممکن است قرار گرفته باشند، خلاص کند، رژیم ستمگری و نظام عوام‌فریبی را محفوظ نگه می‌دارد و اصولاً جز در موارد خاص، هرگز نمی‌تواند راه انقلاب یا تحولات اساسی را بگشاید.

Terrorist

تروریست

فرد یا گروهی که برای پیشبرد هدفهای سیاسی خود که معمولاً واژگون کردن نظام موجود است، توسل به تهدید و خشونت و اخافه می‌شود. این واژه غالباً توسط طرفداران یک رژیم خاص برای اشاره به مخالفان رژیم که به اعمال خشونت‌آمیز دست زده باشند، به کار می‌رود. مخالفان رژیم، ترجیح می‌دهند که پارتیزان، انقلابی و یا عضو نهضت مقاومت خوانده شوند. برای تمایز تروریست از مبارز راه آزادی سه معیار مطرح شده است: ۱- تفاوت در روش جنگی. ۲- انقلابیون یا مبارزان راه آزادی با نظام و حاکمیت ظالمانه می‌جنگند. ۳- تروریستها با رژیمهای خودکامه همپیمانند.

Terror of the Revolution

ترور انقلاب

تلفیق مبارزات عمومی با ترور. ترور انقلابی در چارچوب مبارزه عمومی نهضت و علیه "ضد انقلاب" صورت می‌گیرد، مثل ترور انقلاب کبیر فرانسه.

Testimonial

تصدیق و تأیید (شاهد گرفتن)

روشی که هم در تبلیغ و هم در سیاست مورد استفاده است، مثل استفاده از تأیید و تصدیق شخص مشهور و با نفوذی برای کسب وجهه و مقبولیت موضوع مورد تبلیغ یا کاندیدای معین.

Thalweg

تالوگ؛ خط القعر؛ ژرفاخط

تالوگ واژه‌ای است آلمانی به معنی راه دره‌ای و در اصطلاح حقوقی، خطی است که در وسط گودترین نقاط یک رودخانه مرزی برای تعیین خط مرزی رسم می‌شود. معمولاً در صورتی که رودخانه‌ای حدفاصل دو کشور باشد، به دو طریق عمل می‌شود: یا خط مرزی دوکشور نیمساز است که عرض رودخانه را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کند و به خط منصف مشهور است و یا خطی است که از وسط عمیق‌ترین قسمت رودخانه (خط القعر) می‌گذرد و به تالوگ معروف است. تالوگ به جهات زیر بر خط منصف برتری دارد: ۱- از قرارگرفتن ناحیه قابل کشتیرانی تحت حمایت مطلق یک دولت جلوگیری می‌کند ۲- تغییر ناگهانی در جریان آب رودخانه، موجب تغییر سرحد دو کشور نمی‌شود.

قوانین و مقررات داخلی خود و چه در قراردادهای دوجانبه با سایر کشورها، حداقل ۳ میل و حداکثر ۱۲ میل (مثل ایران) را به عنوان حد دریای سرزمینی خود پیش‌بینی نموده‌اند. برخی از کشورهای آمریکای لاتین (مثل اکوادور، برزیل و پاناما) نیز طرفدار گسترش حاکمیت دولت ساحلی تا ۲۰۰ میلی سواحل هستند. انگلستان در سال ۱۹۸۷ و آمریکا در سال ۱۹۸۸ محدوده ۱۲ میل را پذیرفته‌اند. روند افزایش حمایت از محدوده دوازده میل برای عرض دریای سرزمینی به گونه‌ای بوده است که بنابر آمار ارائه شده تا ۳۰ آوریل سال ۱۹۹۰، ۱۱۲ کشور جهان این محدوده را برای دریای سرزمینی خود پذیرفته‌اند.

آبهای سرزمینی

Territorial Waters

این واژه مترادف واژه دریای سرزمینی است که گاهی به غلط، آبهای ساحلی نیز خوانده می‌شود.

سرزمین

Territory

قسمتی از کره زمین که حدود آن از نظر بین‌المللی مشخص شده و مخصوص دولت معینی است. سرزمین یا قلمرو یک کشور شامل این عناصر است: اراضی واقع در درون سرحدات کشور، آبهای داخلی، آبهای سرزمینی آن تا حداکثر ۱۲ میلی ساحل از خط جزر، فلات قاره، هوای مافوق خاک که ارتفاع آن هنوز در حقوق بین‌الملل مشخص نشده است.

دارالاسلام

Territory of Islam

به قلمرو اسلام اطلاق می‌شود که در صدر اسلام به آن دارالجهنم نیز می‌گفتند.

ترور

Terror

ترور به معنی وحشت و ترس زیاد است. همچنین در معنی حزب یا جنبشی که باعث حالت ترور شود، به کار رفته است. اصطلاحاً به حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خونریزی از سوی یک گروه، حزب و یا دولت به منظور نیل به هدفهای سیاسی، کسب و یا حفظ قدرت است. اشخاصی که دست به ترور می‌زنند، تروریست نامیده می‌شوند. ترور شخصیت یا ترور روانی یعنی ترساندن و تهدید افراد از طریق قراردادن روحیه، حس شهامت و اعتبار آنها. رژیم ترور نیز به رژیمی اطلاق می‌شود که از طریق ایجاد وحشت، تهدید، حبس و کشتار مخالفان خود حکومت می‌کند.

تروریسم

Terrorism

۱- نظام حکومت ترور و اعتقاد به لزوم آدمکشی و ایجاد وحشت در میان مردم و رهبران سیاسی و حکومتی و یا نظام فکری که هر نوع عملی را برای رسیدن به هدف سیاسی مجاز می‌شمارد. ۲- کاربرد سیستماتیک ترور، بویژه به عنوان وسیله اجبار. یا روا شمردن اقدامات دارای ماهیت وحشت‌آفرینی در اذهان عامه و گروه‌های انسانی، مثل تروریسم انقلابی برای ساقط کردن حکومت، تروریسم ظالمانه برای حفظ حکومت یا دفاع از آن، تروریسم شبه انقلابی که از ترور برای نیل به هدفهایی مثل وادار کردن حکومت به تغییر سیاست یا در واکنش به سیاست حکومت استفاده می‌کند. ۳- تروریسم به معنی مبارزه تروریستی روشنفکران انقلابی جدا از توده‌ها، عبارت

Territorial Asylum**پناهندگی درونمرزی**

حقی است که در داخل سرزمین دولت اعطاءکننده، رسمیت دارد و منشأ آن، اصل حاکمیت کشور است. دادن حق پناهندگی درونمرزی از اختیارات کشورها در صدور اجازه ورود به خاک خود سرچشمه می‌گیرد. این واژه، مترادف واژه "پناهندگی سیاسی" است.

Territorial Integrity**تمامیت ارضی؛ تمامیت سرزمینی**

تثبیت مرزهای جغرافیائی یک کشور. به بیان دیگر، تمامیت ارضی به این معنی است که هیچ گاه نباید پاره‌ای از کشور (از وطن) جدا شود.

Territorial Jurisdiction**صلاحیت سرزمینی؛ قلمرو حاکمیت**

در مواردی که حق حاکمیت شامل صلاحیت در مورد کلیه افراد و سایر مسائل در داخل سرحدات کشور است، آن را صلاحیت سرزمینی یا قلمرو حاکمیت گویند. به بیان دیگر، صلاحیت دولت است اولاً درباره مردمی که در سرزمین دولت زندگی می‌کنند، ثانیاً درباره اشیائی که در آن سرزمین یافت می‌شود و ثالثاً درباره اموری که در آن سرزمین اتفاق می‌افتد.

Territorial Management**آمایش سرزمین**

۱ - تنظیم روابط بین انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسانی در سرزمین به منظور استفاده مناسب و پایدار از همه امکانات انسانی و فضائی سرزمین برای بهبود وضعیت جامعه در طول زمان. ۲ - سازماندهی فضای جغرافیایی ساخت یافته از نظر اقتصادی و اجتماعی برای سودمند ساختن منابع طبیعی آن و برآوردن احتیاجات و آرزوهای مردم. در آمایش سرزمینی از جریانی که تمام نیروهای فعال کشور را به طرف چند مرکز بزرگ سوق می‌دهد جلوگیری به عمل می‌آید و با نابرابریهای بزرگ اقتصادی در مناطق مختلف مقابله می‌شود. اندیشه‌های اصلی آمایش سرزمین، نخست این است که توسعه اقتصادی برای نگرانیها و دلواپسیهای افراد و جامعه، اقدامی کافی نیست و دیگر اینکه نحوه پخش شدن افراد در فضای جغرافیائی در امر بهزیستی و رفاه آنها نقش اساسی دارد و سرانجام، کارائی اقتصاد فقط بستگی به عوامل فنی، کمی، بخشی و کوتاه مدت ندارد، بلکه تابع ملاحظات کیفی و دراز مدت است. واژه آمایش از ریشه آمدن به معنی آباد کردن، آراستن، آماده کردن و مهیا کردن آمده است.

Territorial Sea**دریای سرزمینی**

دولت ساحلی به دلایل نظامی، امنیتی، اقتصادی و بهداشتی، حاکمیت و مقررات داخلی خود را به بخشی از آبها که بین سواحل خود (خط جزر) و دریای آزاد قرارداد، گسترش می‌دهد که آن را دریای سرزمینی (و گاهی به غلط، دریای ساحلی) می‌خوانند. در شرایط عادی، عبور بی‌ضرر کشتیهای تمام دولتها از این منطقه مجاز است. عبور، تاجایی بی‌ضرر تلقی می‌شود که منخل آرامش و نظم و امنیت دولت ساحلی نباشد. همچنین زیردریایی‌ها باید در موقع عبور از آبهای سرزمینی از روی آب حرکت کنند. کنفرانس سال ۱۹۸۲ ملل متحد در زمینه حقوق دریاها، وسعت دریای سرزمینی را حداکثر ۱۲ میل دریایی (حدود ۲۲ کیلومتر) تعیین کرده است. اما اکثر کشورها چه در

که اهرام فرماندهی مؤثر بر مکانیسم قدرت را در دست دارد. ۳- عضو حکومت یا کارمند عالیمرتبه‌ای که مأموریت حکومتی و اداری خود را منحصراً بر اساس مطالعه تئوریهای اقتصادی انجام می‌دهد و به عوامل انسانی توجه کافی ندارد. ۴- صاحب فن یا فنمندی که قدرت مسلط یا اقتداری را در جامعه (صنعتی) احراز کرده باشد و به‌اداره زمین‌هایی از زندگی اجتماعی پردازد که در حوزه تخصص او قرار ندارند. ۵- متخصص بیطرفی که برایش فرق نمی‌کند تحت چه رژیمی زندگی می‌کند. برای چنین کسی، منافع شخصی یا روحیات فردی دارای اهمیت بیشتری از خدمت به مردم است.

تکنودپلماسی

Techno-Diplomacy

دیپلماسی مبتنی بر تخصص و تکنولوژی.

تین‌ایجر؛ نوجوان

Teenager

این واژه در سال ۱۹۴۵ برای اشاره به نوجوانان بین سیزده تا نوزده ساله (Thirteen-Nineteen) به کار رفته است. در آن دوره، گروهی از سوداگران مبتکر در نیویورک دریافتند که گروه سنی یادشده، از نظر اقتصادی دارای قدرت خرید بالقوه‌ای است و از این رو بر آن شدند تا برای افرادی که در این طبقه از گروه سنی قرار می‌گیرند، یک هویت اجتماعی بسازند. سرانجام در سال ۱۹۴۵ محافل اقتصادی نیویورک، اصطلاح تین‌ایجر را ساختند و آن را از طریق رسانه‌های جمعی در سراسر آمریکا و سایر کشورها رواج دادند. ساختن این اصطلاح و تعیین چنین هویتی، به نوجوانان تولدی دوباره داد و آگاهی اعضای این گروه را که تا آن هنگام از وجود چندین میلیون خود به‌عنوان یک گروه بزرگ و مصرف‌کننده بیخبر بودند، چندبرابر کرد.

سیاستمدار پوست کلفت

Teflon Politician

تفلون، ماده‌ای است از نوع پلاستیکهای فلوتوره که از لحاظ جنس، از بهترین پلاستیکهای مقاوم شیمیایی و حرارت‌های زیاد است. این اصطلاح در مورد سیاستمدارانی به کار رفته که توانسته‌اند از انتقادات سخت و رسوائی‌ها جان سالم به در برند، بدون اینکه لکه‌ای بر دامنه‌شان نشسته باشد.

تنش

Tension

کشمکشهای پنهان، تعارض، تخالف یا وضعی در مناسبات دو کشور، دو گروه یا بین افراد که امکان دارد به قطع روابط آنها بینجامد.

رابطه مبادله

Terms of Trade

رابطه بین ارزش کالاها و خدماتی که کشور از خارج به دست می‌آورد و ارزش کالاها و خدماتی که در مقابل به خارج ارسال می‌دارد.

هوای سرزمینی

Territorial Air

قسمتی از جو یا آسمان (حریم هوایی) روی قلمرو زمینی و دریائی یک کشور.

Tax Heaven**بهشت مالیاتی**

جائی که نرخ مالیاتی (بویژه مالیات بردرآمد) پایین است یا کشورهای کوچکی که به سبب پایین بودن نرخهای مالیاتی، شرکتهای خارجی را برای فعالیتهای مالی و بازرگانی جذب می کنند.

Tax Revolt**شورش مالیاتی**

انواع جدید مالیات بندی اغلب به شورش و عزل یا انفصال سیاسی منجر شده است. حکومت مهندس فرانس به خاطر مالیات فروش در سال ۱۹۵۶ مورد اعتراض پوژادستها قرار گرفت که مایه شکست حکومت او شد. مارگارت تاچر نیز به دنبال شورشهایی که علیه مالیات سرانه صورت گرفت، در سال ۱۹۹۰ مجبور به استعفا شد.

Taylorism**تایلورگرایی؛ تیلوریسم**

این واژه از نام فردریک وینسلو تیلور (۱۹۱۵-۱۸۵۶) مهندس آمریکایی گرفته شده و بیانگر نظامی است در سرمایه داری سنتی برای عقلانی کردن فرایند کار به منظور اخذ حداکثر بازده. تیلوریسم را گاهی مدیریت علمی نیز خوانده اند. نظر تیلور حاکی از آن بود که مدیر باید از طریق تحلیل علمی بهترین روش را برای انجام هر وظیفه ای به وجود آورد، کارکنان را برای اعمال بهترین شیوه ها انتخاب کند و آموزش دهد، با کارکنان همکاری داشته باشد و مدیریت و کار تولیدی را در هر مؤسسه به عنوان دو عامل برابر بشناسد. در هر صورت، هدف این نظام، استفاده هر چه بیشتر از کار کارگران و کارکنان (حتی به قیمت پیری زودرس آنان) است که طبق قراردادی در مقابل دستمزد به اجاره گرفته می شوند. بر تیلوریسم انتقادات زیادی نیز وارد شده است. مثلاً چارلی چاپلین در فیلم عصر جدید، بهره کشی به هر قیمت از نیروی کار را از جنبه انسانی نادرست و از جنبه اقتصادی غیرمقرون به صرفه شمرد. کار از نظر منتقدینی مثل چارلی چاپلین، جزئی از وجود انسان شناخته شده که اگرچه برای امرار معاش لازم است، ولی باید ارضای روانی همراه با احساس مفید بودن و احساس خلاقیت با مشاهده حاصل کار خویش نیز مورد توجه قرار گیرد.

Technocracy**تکنوکراسی؛ فن سالاری؛ حکومت صاحبان فن؛ فنمنداری**

تکنوکراسی به مفهوم زمامداری کارشناسان و صاحبان فن است که بر ماشینیسیم و دانش فنی و مهارتهای تکنولوژیک تکیه دارند و زندگی اقتصادی و سیاسی را رهبری می کنند. نهضت تکنوکراسی در جریان بحران بزرگ اقتصادی آمریکا (۱۹۲۳-۱۹۲۹) که اقتصاددانان و سیاستمداران از غلبه بر آن و امانده بودند، رواج یافت و گمان می رفت که صاحبان فن بتوانند آن را مهار کنند. سن سیمون (۱۸۲۵-۱۷۶۰) سوسیالیست و جامعه شناس فرانسوی عقیده داشت که تشکیلات و مدیریت جامعه مدرن باید به دست دانشمندان و اهل صنعت سپرده شود، زیرا دیوانیان، وکلا، قضات و جماعت کارمند ذاتاً غیرمولد و طفیلی مآبند. صاحبان فن یا تکنوکراتها معمولاً در خدمت بورژوازی قرار دارند.

Technocrat**تکنوکرات؛ فن سالار؛ فنمदार**

۱- هوادار تکنوکراسی، کارشناس فنی و بویژه کسی که سلطه مدیری را اعمال می کند. ۲- کسی

طاغوت

Taghut (Idol)

کلمه‌ای که چند بار در قرآن مجید ذکر شده است و عبادت و پیروی از او در برابر عبادت و پیروی از خداوند قرار داده شده است. بسیاری از مفسران، طاغوت را کلمه عربی می‌پندارند و می‌گویند از کلمه طغی (سرکشی کرد) مشتق است. مراد از طاغوت کسی است که برخلاف حق حکومت کند و سزاوار آن مقام نباشد. خداوند متعال در قرآن، اطاعت از طاغوت و قدرتهای ناروای سیاسی را نهی فرموده و مردم را به قیام بر ضد سلاطین ظالم تشویق کرده و موسی را به قیام علیه فرعون واداشته است.

یادداشت تاناکا

Tanaka Memorial

تاناکا نخست وزیر ژاپن در سال ۱۹۲۷ ضمن یک یادداشت سری، طرحی را جهت غلبه بر جهان (از طریق نفوذ در منچوری و مغولستان و سپس تسخیر چین) به امپراتور این کشور ارائه داد. در یادداشت منسوب به تاناکا از جمله چنین آمده است: "اگر بخواهیم در آینده بر سرزمین چین تسلط داشته باشیم، نخست باید ایالات متحده آمریکا را شکست دهیم، چنان که سابقاً نیز مجبور به شرکت در جنگ روس و ژاپن بودیم.. شیوه نفوذ در منچوری و مغولستان این است که ضمن تظاهر به تجارت و برقراری روابط اقتصادی، از این مناطق به عنوان پایگاه برای تسلط بر سرزمین چین استفاده کنیم." یادداشت تاناکا در سال ۱۹۲۹ توسط منابع چینی افشاشد و ژاپنیا آن را جعلی خواندند.

تقیه

Taqiyah (Precautionary Concealment)

واژه عربی به معنی خودداری از اظهار عقیده و مذهب خویش در مواردی که ضرر مالی یا جانی یا عرضی متوجه شخص باشد.

تعرفه

Tariff

جدول یا نظام حقوق گمرکی یا درصد مالیات ثابتی که دولت وضع می‌کند و از کالاهای وارداتی و یا صادراتی گرفته می‌شود.

وظیفه؛ تکلیف

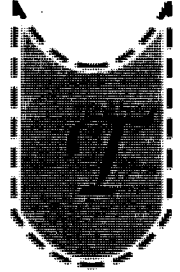
Task

۱- آنچه که اجرای آن در عهده کسی باشد. ۲- ضرورتی برای کار یا فعالیت انسان که به نتیجه معینی انجامد.

مالیات

Tax

۱- قسمتی از دارایی که شخص برای امنیت بقیه دارایی خود یا برای اینکه بتواند از بقیه دارایی با آسایش بهره‌مند شود، به دستگاه دولت پرداخت می‌کند. ۲- برداشت قسمتی از دارایی یا درآمد افراد بر حسب توانایی پرداخت آنان برای تأمین مخارج عمومی. ۳- مبلغی که دولت از اشخاص، شرکتها و مؤسسات بر طبق قانون برای تقویت عمومی حکومت و تأمین مخارج عامه می‌گیرد. افزون بر خصلت اجباری بودن، ویژگی دیگر مالیات این است که رابطه صحیح دوطرفه یا متناسبی بین میزان مالیات و ارزش خدمات عمومی که مالیات دهندگان از آن برخوردار می‌شوند، وجود ندارد.



Tacit Recognition

شناسائی ضمنی

به آن نوع شناسائی اطلاق می شود که نه به صورت رسمی و صریح، بلکه به طور تلویحی ابراز شود. ممکن است دولت خارجی بخواهد با دولت جدیدی که مثلاً به سبب انقلاب بر سرکار آمده است، روابط دیپلماتیک برقرار سازد. برقراری روابط دیپلماتیک در حقیقت همان شناسائی رسمی، اما بدون صراحت است. چنانکه دولت فرانسه، در سال ۱۹۶۴ دولت چین کمونیست را به طور ضمنی به رسمیت شناخت. ترتیبی که به عمل آمد، این بود که هر دو دولت با اطلاعیه‌ای که مشترکاً صادر کردند، تصمیم خودشان را مبنی بر استقرار روابط دیپلماتیک بین دو کشور و مبادله سفیران در مدتی که نمی بایست از سه ماه تجاوز نماید، به اطلاع رسانیدند.

Tactical Nuclear Weapons

سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی

سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی یا سلاحهای هسته‌ای صحنه عملیات یا جنگ برای انهدام پایگاههای نظامی و تأسیسات پشتیبانی طراحی شده‌اند و از جمله عبارتند از: مهمات تخریبی اتمی (مثل مینهای زمینی هسته‌ای) و موشکهای بالستیک با برد کوتاه.

Tactical Voting

رای دادن مصلحتی

رای دادن به کاندیدای انتخاباتی نه به این علت که دلخواه رای دهنده است، بلکه در واقع برای جلوگیری از انتخاب یا علیه کاندیدائی است که رای دهنده از او بدش می آید.

Tactics (Tactique)

تاکتیک؛ روش (اجرای سیاست)؛ وهیافت؛ رزم آرای

به هنر طراحی و آرایش نظامی در جنگ و مانورهای منطقی‌های و مرحله‌ای اطلاق می شود که معمولاً توسط فرماندهان محلی طرح‌ریزی می‌گردد. در امور سیاسی به هرگونه برنامه‌ریزی مرحله‌ای اطلاق می شود که در مراحل مختلف مبارزه یا برنامه‌کسوری یا سازمانی، دستیابی به هدفهای تعیین شده استراتژیک را نزدیک‌تر سازد. تاکتیک مناسب در قالب یک استراتژی قرار می‌گیرد و مستلزم اطلاع از شرایط ملموس، وضع و نقاط ضعف حریف است.

Syndicalism

سندیکالیسم؛ نهضت اتحادیه‌های صنفی

۱- نهضت کارگرانی که به مبارزه علیه سرمایه‌داری اعتقاد دارند، اما رسیدن به هدف خود را از راه مبارزه اقتصادی می‌جویند، درحالی که سوسیالیستها مبارزه سیاسی را وسیله نیل به هدف می‌دانند. سندیکالیسم، اساس خود را از سوسیالیسم و بخشی از نظریات آنارشیستی گرفته و کوشش می‌کند تا از طریق اتحادیه‌های کارگری و مبارزه اقتصادی، دولت سرمایه‌داری را به شکلی غیر سازمانی سرنگون کند. ۲- دکترین کنترل مستقیم کارگر بر سرمایه.

Syndicat

سندیکا؛ اتحادیه

اتحادیه کارگری یا سازمان صنفی کارگران و کارکنان یک حرفه. این واژه فرانسوی همچنین به هر اتحادی که خواه به‌طور موقت و خواه به‌طور دائم برای تنظیم روابط کارگر و کارفرما یا بین کارگران و یا کارفرمایان تشکیل شده باشد، اطلاق می‌شود. واژه سندیکا معنی دیگری هم دارد و آن شکلی از انحصار سرمایه‌داری، نظیر کارتل است که هدف آن تثبیت قیمت‌های انحصاری در بازار است.

Synthesis

سنتز؛ هم‌نهاد؛ ترکیب

کلیتی که از اجزای با هم نهاده تشکیل می‌شود.

System

نظام؛ سیستم؛ دستگاه؛ سامانه

۱- واژه استعاری برای حکومت یا سبک حکومت یک دولت. ۲- مجموعه عناصری که بین خود به شکل معینی پیوند می‌یابند و یک نوع کل واحد را به وجود می‌آورند. ۳- اجتماع اصول و قواعد مربوط به یک موضوع و مرتبط به هم به شکلی که تشکیل یک نظریه یا مکتب را بدهد. ۴- مجموعه‌ای از عناصر و آحاد که با ایجاد روابط متقابل، کلیت واحدی را به وجود آورند. ۵- هر مجموعه اجزاء، قطعات، اشیاء، امور یا موجودات زنده‌ای که متقابلاً با هم مرتبط باشند.

(انقلاب عربی) از داخل گرفتار و متلاشی کند، مزدوران و دست پروردگان خود را در جهان عرب بر سرکار آورد و امنیت نقاط استراتژیک و بویژه راههای آبی مدیترانه به هندوستان را تأمین نماید. عاملی که برای اجرای نقشه از طرف انگلستان در نظر گرفته شد، شریف حسین بود که به شریف مکه و ملک حسین اول نیز شهرت دارد. عده‌ای از مأموران زبده انگلستان، مثل لارنس (مشهور به لارنس عربستان) نیز نقش مهمی در سازماندهی نیروهای انقلاب عربی بازی کردند. نامه‌نگاریهای سال ۱۹۱۶ سره‌نری مک ماهون کمیسر عالی انگلستان در قاهره و شریف حسین رهبر انقلاب عربی علیه عثمانیهای ترک، افشاگر این واقعیت است که انگلستان به شریف حسین وعده استقلال سرزمینهای عربی را داده بود. اما هنوز مرکب نامه‌نگاریهای میان حسین و مک ماهون خشک نشده بود و هنوز اعراب خود را متحد انگلستان می‌دانستند که دولت انگلستان برای تعیین مناطق نفوذ خود در سرزمینهای تابع عثمانی با دولت استعمارگر فرانسه وارد مذاکره سری شد و سرانجام به موجب قرارداد سایکس-پیکو، مناطق وسیعی از سوریه، جنوب آناتولی و موصل به فرانسه، و از جنوب سوریه تا عراق (شامل بغداد و بصره) و فلسطین شمالی (شامل بنادر حیفا و عکا) به انگلستان تعلق گرفت تا بر سرنوشته اعراب حاکم گردند و ثروتهایشان را غارت کنند. حجاز نیز به شریف حسین که خود، تحت حمایت انگلستان بود سپرده شد. قرارداد سایکس-پیکو یکی از مظاهر واقعی نیرنگ و فریبکاری در سیاست و دیپلماسی امپریالیستی است.

Sympathetic Strike

اعتصاب همدردی

اعتصابی که به موجب آن، کارگرانی که شخصاً از کارفرمای خود گله و شکایتی ندارند، به خاطر همدردی با کارگران اعتصابی، دست از کار می‌کشند. اعتصاب همدردی مورد توجه خاص حزبها و سازمانهای دست چپی است و نه تنها در مورد کارگران یک حرفه یا صنعت، بلکه در مورد کارگران صنایع مختلف و حتی طبقات اجتماعی مختلف المنافع نیز از آن استفاده می‌کنند.

Sympathy

همدلی؛ همنوایی؛ همدردی

همدردی، همفکری، توافق، همبستگی یا اشتراک در امیال و عواطف و اتحاد در افکار و تمایلات که فقط محدود به مشارکت در غم و شادی نیست، بلکه مستلزم تلاش در جهت کمک به یکدیگر نیز است.

Symposium

سمپوزیوم؛ مجمع علمی

جلسه تخصصی، کنفرانس علمی - فنی، همسگالی و یا اجلاس گروهی عالم و متخصص که در آن درباره یک یا چند موضوع وابسته به هم سخنرانیهای کوتاه ایراد می‌شود، پرسشهایی مطرح می‌گردد و پاسخهای لازم داده می‌شود. سمپوزیوم دارای سطح بالاتری از سمینار است و در آن مطالب جدید ارائه می‌شود.

Syncretism

هم‌اندیشی؛ وحدت عقیده

مذهب سازش، آشتی و التقاط بین مکتبهای متضاد یا گوناگون فلسفی یا دینی، با تأکید بر عناصر مشترک این مکتبها.

کشور آلمان نقش گر دید. آدولف هیتلر در سال ۱۹۳۹ صلیب آهن Iron Cross را نیز دوباره برقرار کرد. این نوع صلیب در سال ۱۸۱۳ در پروس توسط فردریک ویلهلم سوم ایجاد گردید و به کسانی که در جنگ آزادیخواهانه آلمان علیه ناپلئون از خود شهادت و شجاعت نشان داده بودند اعطا شد.

Sweatshop

کارگاه بهره‌کشی

کارگاه یا کارخانه‌ای که در آن، کار فرما به راحتی، رفاه و ایمنی کارگران توجهی ندارد و تنها می‌خواهد تا جایی که امکان دارد از کارگران کار بکشد.

Swinish Multitude

توده‌های خوک آسا

این واژه را ادmond برک (۱۷۹۷-۱۷۲۹) فیلسوف و نظریه پرداز محافظه کار ایرلندی در واکنش به انقلاب فرانسه برای اشاره به عوام به کار برده است.

Sword and Censer

شمشیر و عودسوز

کنایه از ارتش و روحانیون است.

Sword of Damocles

شمشیر داموکلس

داموکلس یا داموکلس در افسانه‌های یونانی، یکی از درباریان و چاپلوسان دیونیسوس، سلطان خودکامه سیراکوز بوده که همیشه درباره خوشبختی و عظمت دیونیسوس به مبالغه سخن می‌گفته است. دیونیسوس برای تنبه، وی را به مهمانی شاهانه دعوت می‌کند. داموکلس غرق در شادی و خوشی بود که ناگهان متوجه شد شمشیری با یک موی اسب در بالای سرش آویخته است و امکان داشت با کمترین حرکت و تکان، موی اسب پاره شود و شمشیر بر فرق سرش فرود آید. با مشاهده این شمشیر فهمید که جاه و جلال فرمانروایان تا چه حد به از دست رفتن آسایش و آرامش آنان تمام می‌شود. از این افسانه، اصطلاح شمشیر داموکلس گرفته شده که مقصود از آن عبارت است از یک خطر حاد، یک تهدید همیشگی که دائماً وجود دارد و هر حرکت و واکنش را ناممکن می‌سازد.

Sycophant

بادنجان دورقاب چین؛ آدم چاپلوس

شخصی که با چرب زبانی، تملق و خوشامدگویی، دیگری را فریب دهد.

Sykes-Picot Agreement

قرارداد سایکس-پیکو

قرارداد سری انگلستان و فرانسه که در سال ۱۹۱۶ به دنبال مذاکرات سرمارک سایکس (۱۸۷۹-۱۹۱۹) و فرانسوا ژرژ پیکو برای تقسیم امپراتوری عثمانی بعد از جنگ جهانی اول حاصل شد. دولت عثمانی در سال ۱۹۱۵ با متفقین وارد جنگ می‌شود. انگلستان، یعنی دولت استعمارگر حيله گر و کهنه کار آن دوران، به اعراب وعده استقلال می‌دهد و بدین وسیله آنها را در کنار متفقین وارد جنگ می‌کند. حکومت انگلستان از سالها پیش از آغاز جنگ جهانی اول به بهره‌برداری از این احساسات استقلال طلبانه در بین اعراب پرداخت و توطئه‌ها و تحریکات و تفرقه اندازیهای خود را شروع کرد. نقشه انگلستان این بود که دولت عثمانی را از طریق کمک به شورش یا نهضت اعراب

را برآورده می‌کند بدون اینکه توانائی نسلهای آینده را در رفع نیازهایشان مورد مصالحه قرار دهد. ۲ - این اصطلاح در اوایل دهه ۱۹۷۰ در مورد محیط زیست و توسعه به کار رفت و به معنی: توسعه بدون وارد شدن خسارت به محیط زیست، استفاده از درسهای بوم‌شناختی در فرایندهای اقتصادی و خودداری از انجام هر نوع فعالیتی است که برای محیط زیست و نسلهای آینده زیانبار باشد. برای تحقق واقعی توسعه پایدار باید به مسأله افزایش جمعیت و امرار معاش فقیران الویت داده شود، زیرا ارتباط تنگاتنگ جمعیت، محیط زیست و توسعه، نه تنها در نسلهای کنونی که در نسلهای آینده نیز صادق است. استراتژی حفاظت محیط زیست جهانی همچنین بر سه هدف زیر تأکید کرده است: استفاده از زمینهای زراعتی برای کشت محصول به جای دامداری، مدیریت کارای بوم شناختی بر محصولات و حفاظت جنگلها و پوشش گیاهی هر حوضه آبریز. "برنامه محیط زیست ملل متحد" برای توسعه پایدار، جنبه‌های زیر را بر شمرده است: ۱ - کمک به فقیران، زیرا تهیدستان راهی جز استثمار منابع برای بقا در کوتاه مدت ندارند. ۲ - توجه به تفکر توسعه خودی (خود - پستوان) در چارچوب محدودیتهای منابع طبیعی. ۳ - توجه به مؤثر بودن توسعه با بکارگیری و ویژگیهای اقتصادی غیر سنتی. ۴ - توجه به موضوعهای مهم تکنولوژی مناسب، بهداشت و مسکن برای همه. ۵ - درک این حقیقت که انگیزه‌های مردم محوری مورد نیاز است. کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه نیز هدفهای زیر را برای مفهوم توسعه پایدار بر شمرده است: ۱ - افزایش رشد. ۲ - تغییر کیفیت رشد. ۳ - رفع نیازهای ضروری برای اشتغال، غذا، انرژی، آب و بهداشت. ۴ - کنترل جمعیت در تصمیم‌گیریها. ۸ - دگرگون کردن روابط بین‌المللی اقتصادی. ۹ - مشارکتی کردن توسعه. به طور کلی، توسعه و پیشرفت یک جامعه، زمانی پایدار است که ضمن برآورده کردن نیازهای شهروندان، شانسها و امکانات ساکنان دیگر مناطق جهان و نیز نسلهای آینده را زایل و محدود نکند.

Sustainable Human Development

توسعه انسانی پایدار

توجه به رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی، همراه با آگاهی نسبت به محدودیتهای بوم شناختی و احساس نیاز به حفظ محیط زیست برای نسلهای آتی و در چارچوب دموکراسی، مشارکت و جامعه مدنی.

Swastika (Hooked Cross)

صلیب شکسته

صلیب، علامتی است به شکل دو خط متقاطع و معمولاً عمود بر هم و همچنین وسیله‌ای شبیه به همین شکل که سابقاً برای اعدام یا اذیت و آزار مجرمین مورد استفاده قرار می‌گرفت. پس از مصلوب کردن حضرت عیسی، این علامت شهرت یافت به طوری که نماد ایمان مسیحی شد. صلیب دارای اشکال گوناگونی، از جمله صلیب شکسته است که در بقایای عصر مفرغ در بسیاری از نقاط دنیا پیدا شده است. صلیب شکسته (سواستیکا)، از ریشه سانسکریت و به آلمانی (Hakenkreuz) معمولاً به صورت صلیبی یونانی (به صورت دو خط متقاطع عمود بر هم) است که در یکی از انواع آن، انتهای هر یک از خطوط به زاویه‌ای قائمه منتهی می‌شود که همه آنها نیز در یک جهت خم شده‌اند. این شکل از صلیب در سال ۱۹۳۳ به عنوان علامت حزب نازی انتخاب شد و پس از به قدرت رسیدن، بر پرچم

Supranational Government**حکومت فراملیتی**

حکومت از طریق مرجع یک انجمن یا اتحادیه‌ای از دولتها که در آن حاکمیت دولتهای عضو برقرار می‌ماند، مثل اتحادیه اروپا.

Supranational Organizations**سازمانهای فراملی**

سازمانهای بین‌المللی که لاقلاً به‌طور محدود از کنترل دولتها خارج باشند.

Supreme Court**دیوان عالی؛ دادگاه عالی**

دادگاه نهائی فرجام خواهی که نمونه معروف آن در آمریکا است. قضات دیوان عالی آمریکا که تعدادشان محدود نه نفر است، از طرف ریاست جمهوری و با موافقت مجلس سنا منصوب می‌شوند و در بعضی ایالات نیز بارأی مردم انتخاب می‌شوند.

Surplus Value**ارزش اضافی**

تفاوت میان مزدکارگر و ارزش کالایی که طی یک دوره معین تولید می‌شود. ارزش اضافی، تئوری کارل مارکس برای اشاره به قانون تولید سرمایه‌داری است که از نظر وی اساس استثمار کارگر و منبع سود و ثروت سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد. مثلاً در یک کارخانه، روز کاری هشت ساعت طول می‌کشد. کارگر ظرف چهار ساعت ارزشی تولید می‌کند که مخارج خود و خانواده‌اش را تأمین می‌کند. در واقع، مزدی که دریافت می‌دارد، برابر چهار ساعت کاراوست. کارگر، بقیه روز را برای هیچ کار می‌کند. آنچه که در این مدت تولید می‌شود به‌نفع سرمایه‌دار است. این مازاد محصول را ارزش اضافی می‌نامند.

Surrender**تسلیم**

در حقوق بین‌الملل به معنی توقف مقاومت از سوی یک متحارب است. به‌طور کلی، تسلیم به‌منظور تنظیم قول و قرارهایی برای پایان دادن به جنگ و طرح امتیازات یا گذشتهای دوجانبه صورت می‌گیرد.

Survivalist Movement**جنبش طرفداران حفظ بقاء**

نهضتی متشکل از افراد و سازمانهایی که عقیده دارند می‌توان از حمله هسته‌ای جان به‌دربرد و اینکه باید برای روزی که چنین حمله‌ای صورت می‌گیرد آمادگی داشت. جنبش طرفداران حفظ بقاء در دهه ۱۹۷۰ و به‌دلایلی مثل سرخوردگی آمریکائیاها از جنگ ویتنام و گسترش زرادخانه‌های هسته‌ای آمریکا و شوروی سابق به‌وجود آمد.

Suspension of Arms**توقف اسلحه**

توقف موقتی و محلی مخاصمات که طبق قرارداد و به‌وسیله فرماندهان نظامی برای برگزاری مراسمی و یا دفن کشته‌ها صورت می‌گیرد و فاقد جنبه سیاسی است.

Sustainable Development**توسعه پایدار؛ توسعه ادامه‌دار**

۱- فرایند تغییر و تحولی که در آن، استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذارها، سمتگیری توسعه تکنولوژی و تغییر نهادی با نیازهای حال و آینده سازگار باشد. یا توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر

سلطان

Sultan (Ruler)

فرمانروا یا پادشاهی که بالاترین درجه قدرت و تسلط را دارا باشد و مافوق او در قلمرو فرمانروائی یا سلطنتش کسی نباشد.

دیپلماسی سران

Summit Diplomacy

مذاکرات شخصی که بین رؤسای دولتها یا وزیران حکومتها - معمولاً ابرقدرتها - برای حل اختلافات انجام می‌گیرد.

ابر قدرتها؛ کشورهای ابر قدرت

Superpowers

به کشورهایی اطلاق می‌شود که از لحاظ توان اقتصادی و نظامی و فنی و فرهنگی از قدرتها و کشورهای بزرگ جهان باز هم قویتر و بزرگتر باشند. ابر قدرت بودن به خودی خود، حسن است نه عیب، به شرط آنکه کشور ابر قدرت، قدرت خود را در راه درست به کاربرد.

عارضه ابر قدرت بودن؛ عارضه ابر قدرتی

Superpower Syndrome

این اصطلاح را کسانی مثل لیفتون Robert Jay Lifton روانشناس آمریکائی و محقق در زمینه خشونت و کلر Michael Klare برای اشاره به ابر قدرت آمریکا به کار برده‌اند. به نظر لیفتون، بسیاری از مردم و سیاستمداران آمریکائی دچار چیزی به نام عارضه یا بیماری ابر قدرتی شده‌اند. بدین معنی که در اثر قدرت عظیم فنی و نظامی آمریکا و فقدان نیروی متوازن کننده در نظام بین‌المللی بویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در رهبری آمریکا، احساس قادر مطلق بودن به وجود آمده است که همزمان، با بنیادگرایی مسیحی آمیخته شده است. این عارضه، موجب بروز حالت روحی عجیبی می‌شود: احساس توقع آسیب ناپذیر بودن که عامل توجیه این مسأله است که آمریکا حق دارد به هرکسی که تهدیدی جدی علیه این آسیب ناپذیری باشد، به هر دلیل، حمله کند. هسته عارضه ابر قدرتی، جنگ دائمی برای کسب امنیت مطلق است. یک ابر قدرت، هیچ وقت نمی‌تواند بیاساید. به نظر لیفتون، سربازان آمریکائی می‌توانند بدون احساس ناراحتی و تأسف آدم بکشند. آنها ترسی را که در دیگران به وجود می‌آورند، احساس نمی‌کنند. با توجه دادن سربازان آمریکائی به این نکته که آنها «مأموریت مقدس» را انجام می‌دهند، بی‌احساسی بیشتر به چشم می‌خورد و این همان چیزی است که دولت آمریکا می‌خواهد. ملت، بی‌احساس می‌شود و درد ورنج و احتیاجات سایر مردم دنیا را کمتر جدی می‌گیرد. در این حالت، به آسانی می‌توان مردم را به خشونت ترغیب کرد. از این رو، من می‌گویم که نگران روح کشورم هستم.

خرافات؛ خرافات

Superstition

خبر و عمل و عقیده باطل و بی‌اساس و خلاف عقل و منطق و علم.

روبنا؛ روساخت

Superstructure

در ادبیات سیاسی چپ یعنی روابط فکری و مؤسسات انسانی جامعه. به بیان دیگر، روبنا شامل نظریات سیاسی، حقوقی، فلسفی، هنری، اخلاقی و مذهبی جامعه، نهادها و سازمانهای مربوط به آنها و اشکال گوناگون آگاهی اجتماعی است.

Subsidy

سوبسید؛ کمک بلاعوض دولتی؛ یارانه

۱- کمک دولتی برای پایین نگهداشتن قیمت مایحتاج عمومی. ۲- مخارج قطعی به سود شخص خصوصی یا عمومی برای سبک کردن یا جبران هزینه‌ای یا به منظور مساعدت به عملی، مثل سوبسید صادراتی برای تشویق فروش کالا در خارج، سوبسید مواد غذایی برای پایین نگهداشتن هزینه زندگی، سوبسید کشاورزی برای تشویق افزایش تولیدات کشاورزی.

Subversion

براندازی

۱- انهدام و واژگون کردن حکومت یک کشور، توسط افراد همان کشور. ۲- فعالیت‌هایی که به منظور ناتوان کردن و از بیخ و بن کندن اساس تشکیلات دشمن و عوامل حمایت کننده آن و روی کار آوردن یک نظام مترقی انجام می‌شود. براندازی شامل دو مرحله است: ۱- ویرانگری یا از میان برداشتن دشمن و زیرورو کردن اساس تشکیلاتی او ۲- سازندگی.

Suffrage

حق رای

حق رأی و حق انتخاب، بویژه در انتخابات پارلمانی یا همگانی. معمولی‌ترین شرایطی که رأی‌دهنده باید داشته باشد عبارت است از: شهروندی، رسیدن به سن معین، سکونت در کشور و حوزه رأی‌گیری، ثبت نام به‌عنوان رأی‌دهنده در دفاتر ویژه. اعطای حق رأی به زنان نیز در سال ۱۸۹۳ از کشور زلند جدید شروع شد و امروزه در اغلب کشورهای جهان به زنان حق رأی داده شده است.

Suffragette

طرفدار حق رای زنان

در انگلستان به کوشنده مبارز برای حق رأی زنان اطلاق شده است.

Suggestion

تلقین

عملی که به کمک آن می‌توان بدون تحکم یا فشار، شخص یا ملتی را به انجام امری یا قبول فکر و عقیده‌ای برانگیخت. تلقین، کاری است ذهنی که به موجب آن، شخص بدون نقد و بررسی و موشکافی از نظر عقیده و عمل، افکاری را می‌پذیرد که در نتیجه تأثیر کلمات، مواضع و افعال شخص با اشخاص دیگر است. تلقین به خود، یعنی عملی که شخص به وسیله آن می‌تواند انجام کاری یا فکر و عقیده‌ای را به خود بقبولاند. تلقین چه از جانب خود و چه از جانب غیر صورت گیرد، اگر مثبت باشد باعث موفقیت و شادکامی و اگر منفی باشد موجب شکست و ناکامی است.

Suggestions System

نظام پیشنهاد

راه مناسب مشارکت فکری همه اعضای سازمان به منظور ارائه طرح‌ها و ایده‌های نو و پیشنهادها که براساس فلسفه مدیریت مشارکتی، توسعه منابع انسانی، خلاقیت و نوآوری قرار دارد. مدیریت سازمان، با استفاده از نظام پیشنهادها می‌تواند از پیشنهادها و نظرهای متعددی برای پیشبرد هدف و اعتلای سازمان بهره‌مند شود.

Sultanate

سلطان‌نشین

به قلمرو یک سلطان اطلاق می‌شود.

سوزکتیویسم به دو شکل دکماتیسم و تجربه گرایی (اتکاء به چند تجربه ویژه) بروز می‌کند.

Subjugation

استیلا

استیلا (یا تسخیر و انقیاد) که با تسلیم سرزمین فرق دارد، به محض خاتمه جنگ، به صورت الحاق و انضمام از طرف کشور فاتح تحقق می‌یابد. در استیلا فرض بر این می‌شود که یکی از کشورهای متخاصم، به اطاعت محض وادار شده و در عین حال نیز حیات سیاسی آن کشور به پایان رسیده است. وحدت کشور آلمان و همچنین ایتالیا به این ترتیب واقع شد.

Submarine Warfare

جنگ زیر دریایی

استفاده رزمی از کشتیهایی که اختصاصاً به منظور عملیات در زیر آب و طولانی مدت، طراحی شده‌اند. درباره کاربرد سلاح زیر دریایی تا دوران جنگ جهانی اول مقررات خاصی وجود نداشت. در این جنگ، دولت آلمان برای اولین بار، سلاح زیر دریایی را به طور منظم و مرتب به ضد کشتیرانی تجارتي متحدین و دولتهای بیطرف به کار برد. پس از جنگ جهانی اول، دو نوع مقررات درباره کاربرد زیر دریایی تهیه و وضع گردید. اولاً با انعقاد معاهده واشنگتن در ششم فوریه سال ۱۹۲۲، اصل منع کاربرد زیر دریایی به قصد انهدام تجارت، وضع و اعلام شد. ثانیاً با معاهده دریایی لندن مورخ بیست و دوم آوریل سال ۱۹۳۰، اصل کلی مشابهت تام زیر دریایی و ناو جنگی روی دریا در عملیات جنگی برقرار و تقریباً همان قواعدی مقرر شد که در معاهده واشنگتن درباره زیر دریایی وضع گردیده بود، مثل الزام متوقف ساختن کشتی و اعمال حق بازدید و جستجو و منع انهدام کشتی تجارتي یا تعیین حدود برای انهدام آن در موقعی که در سرپیچی از امر توقف پافشاری کند و جدا از اجرای حق بازدید و جستجو جلوگیری نماید و در این صورت، کارکنان و مسافران و اسناد و اوراق رسمی کشتی باید قبلاً در محل امن مستقر شده باشند تامصون و محفوظ بمانند. در تاریخ ششم نوامبر سال ۱۹۳۶ نیز پروتکل لندن که مفاد معاهده دریایی ۱۹۳۰ لندن را نقل می‌کرد، آماده شد که تا شب جنگ جهانی دوم، ۳۶ کشور (حتی عموم دولتهای بزرگ دریایی) مقررات آن را پذیرفته بودند. مع هذا در جریان جنگ جهانی دوم، کلیه متخاصمان بدون استثناء، با کاربرد این سلاح، قاعده حقوق موضوعه موجود را صریحاً و رسماً نقض و پایمال کردند.

Subregional Organization

سازمان زیر منطقه‌ای؛ سازمان منطقه‌ای فرعی

سازمانهایی که پس از جنگ دوم جهانی به منظور پرکردن خلأ سیاسی و به وجود آوردن مبنایی برای تأمین امنیت و همکاری اقتصادی کشورهای اروپایی ایجاد شدند. پس از پایان جنگ سرد در سال ۱۹۸۹ نیز چند سازمان زیر منطقه‌ای فعال در شرق و مرکز اروپا به وجود آمدند که از جمله می‌توان به شورای همکاری کشورهای حاشیه بالتیک و شورای اقتصادی دریای سیاه و منطقه آزاد تجاری اروپای مرکزی اشاره کرد. هدف اصلی این‌گونه گروه‌بندیها، سازماندهی همکاری نزدیک‌تر با سازمانهای فراگیری مثل اتحادیه اروپا، اتحادیه اروپای غربی و ناتو است.

Subsidiarity

اختیار تصمیم‌گیری؛ توزیع اختیار

این اصطلاح برای اشاره به توزیع و تخصیص اختیار تصمیم‌گیری یا مسئولیتها تا پائین‌ترین سطح جامعه به کار رفته است.

در شرایط بحرانی می‌تواند تبدیل به یک جنبش نیرومند شود.

Student Politics

سیاست دانشجویی

دانشجویان از سالها پیش و به طور سنتی درگیر سیاست و فعالیتهای انقلابی بوده‌اند. آنها بویژه در جنبشهای ناسیونالیستی که به انقلابهای ۱۸۴۸ در اروپا منجر شد، نقش فعالی داشتند. دانشجویان به علت برخوردار بودن از وقت آزاد و نوع و کیفیت آموزششان، به آرمان‌گرایی و زیر سؤال قرار دادن اولیای امور، اقتدار و «وضع موجود» گرایش پیدا می‌کنند. هربرت مارکوزه (۱۸۹۸-۱۹۷۹) که در دهه ۱۹۶۰ به پدر چپ نو و رهبر رادیکالیسم دانشجویی مشهور بود، دانشجویان را در نوشته‌هایش تشویق به فکر کردن در مورد توانائی انقلابی خودشان کرد. دوران پرشور فعالیتهای انقلابی دانشجویان، دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ یعنی در جریان جنبش حقوق مدنی (آمریکا) و سپس تظاهرات و اقدامات اعتراضی علیه جنگ ویتنام بود. رویدادهای ماه مه ۱۹۶۸ در پاریس نیز که حکومت دوگل را تکان داد، محرکی شد برای دانشجویان در اروپا و نقاط دیگر جهان که نه تنها در برابر مقامات دانشگاهی، بلکه علیه نظام سرمایه‌داری، دولت و استبداد به مبارزه برخیزند. در ایتالیا، آلمان و کشورهای دیگر، تعدادی از دانشجویان وارد انواع گروه‌های آنارشستی، انقلابی و تروریستی شدند. روزگاری دانشجویان قشر کوچکی از نخبگان بودند که مدرک دانشگاهی، گذرنامه‌ای بود برای ورود آنها به حلقه تحصیل کردگانی که کلید دانش را در دست داشتند. اینک شمار دانشجویان به میلیونها می‌رسد و به همین دلیل نیز به صورت گروه فشار پراهمیتی درآمده‌اند. در هر صورت، دانشجویان اغلب در صف مقدم جنبشهای انقلابی قرار داشته‌اند. و در بسیاری از کشورها، رژیمهای به ظاهر شکست‌ناپذیر را سرنگون کرده‌اند. مثلاً در مه ۱۹۹۸ دانشجویان اندونزیایی با رهبری جنبش برای سرنگونی دیکتاتوری سوهارتو، وی را از اریکه قدرت به زیر کشیدند. مع‌هذا، دانشجویان وضعیتی موقتی دارند و خواستهای جامعه دانشگاهی نیز به علت اینکه یک گروه اجتماعی ثابت و همگون و دارای خط فکری سیاسی واحد نیست، برحسب بافت اجتماعی که در آن قرار دارند، متغیر است. اکنون دانشجویان اگرچه بیشتر از هر چیز، به بهبود شرایط آموزش، کاهش هزینه آموزش، امکانات رفاهی و فرصتهای شغلی علاقه دارند، اما بسیاری از آنها کم و بیش به مبارزه در راه آرمانهایشان نیز ادامه می‌دهند.

Subcommission

کمیسیون فرعی؛ سوکمیسیون

سوکمیسیون واژه‌ای فرانسوی است که به معنی زیر کمیسیون است. گاهی کار یک کمیسیون جنبه‌های مختلفی پیدا می‌کند که هر جنبه، محتاج بررسی جداگانه و تخصصی است. از این رو، گروهی از اعضای کمیسیون اصلی مأمور بررسی این جنبه‌های خاص می‌شوند.

Subjectivism

ذهن‌گرایی

سوبژکتیویسم یا شیوه ذهنی تفکر و عمل، به مفهوم آن است که ساخته ذهن، جانشین واقعیت عینی شود و ذهن، مستقل از عین - چیزی که بدان معرفت حاصل می‌شود و مضمون شناخت است - عمل کند. فرد ذهن‌گرا، خواص و قوانین و تضادهای عین را مستقیماً از ذهن خود بیرون می‌کشد، بدون توجه به اینکه تاچه اندازه ساخته‌های ذهنی او با واقعیت عینی خارج انطباق دارد.

درهای باز در امر تجارت از جمله موارد مورد توجه در این طرح بودند. درباره نتایج این برنامه به عنوان نمونه می‌توان به این نکته اشاره کرد که به اعتراف کارشناسان بانک جهانی، قسمت اعظم طرح‌هایی که این بانک طی دو دهه گذشته در برزیل اجرا کرده است، به جای تحقق اهداف اعلام شده، منجر به بی‌خانمانی عده کثیری از مردم برزیل، گسترش فقر و فحشا و فساد و نابسامانی و وارد آمدن آسیب‌های جدی به محیط زیست شده است. به نظر احمد سیف، برنامه تعدیل ساختاری نوعی استعمار مبنی بر بازار است که مردم عادی و دولت‌ها را با استبداد پول ولی به ظاهر به وسیله نیروهای بی‌اثر بازار، تحت سلطه و قیمومیت در می‌آورد. این کار از جمله از طریق انهدام اقتصادهای بومی و دلاری کردن قیمت‌ها انجام می‌شود. به نظر وی، راه حل بهتر، کارآمدتر شدن کارکرد دولت در جوامع در حال توسعه، اصلاح ساختار سیاسی این کشورها، مشارکت حداکثر مردم در امور کشور، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت و مقامات دولتی در برابر مردم است.

Structuralism

ساختارگرایی

۱- اعتقاد به اینکه واحدهای انفرادی در هر سیستم، فقط برحسب روابط خود با یکدیگر معنی می‌دهند. ۲- نظریه جامعه‌شناختی مبتنی بر این فرض که جامعه، پیش از افراد ظاهر می‌شود.

Structuration Theory

نظریه ساختدهی؛ نظریه ساختیابی؛ نظریه ساختاریابی

تلاش برای غلبه بر دوگانگی ساختار و سازمان و موضوع (سوژه) و عین (شیء) به وسیله فرمولبندی مجدد مفاهیم سازمان، ساختار، اقدام اجتماعی و تعامل اجتماعی. طبق این نظریه، قلمرو اساسی مطالعه علوم اجتماعی، نه تجربه فردی و نه وجود هر شکل از کلیت جامعه‌وار، بلکه اقدام‌های اجتماعی، بدون نادیده گرفتن اهمیت ترکیبات ساختاری نهادهای اجتماعی است.

Structure

ساخت؛ ساختار

این واژه برای مشخص نمودن طرز به هم پیوستگی یک مجموعه و ناهمگنی آن با سایر مجموعه‌هاست. به عبارت دیگر، ساخت یا ساختار، بیانگر نظم و نسق مجموعه‌ای از اشیاء، اجزاء و نیروهایی است که به نحوی کنار هم قرار گرفته‌اند که کلی خاص را تشکیل می‌دهند.

Student Movement

جنبش دانشجویی

جنبش سیاسی جوانان دانشجوی و دانش آموز که بازتاب تناقضات، برخوردها و کشمکش‌های اجتماعی و نیز بیانگر این واقعیت است که پیشرفت فنی و رشد اقتصادی مبتنی بر اصل مصرف وسیع و بازده بالا و فشار سیستماتیک، بدحکومتی و اقتدار یا اتوریت، بحران‌های اجتماعی و بن‌بست‌های انسانی خاص خود را آشکار کرده است. جنبش دانشجویان تنها متوجه اقتدار سیاسی جامعه نیست، بلکه علیه اقتدار اساتید و معلمان، مسئولان و کارگزاران و مدیران و حتی اقتدار مسلط در سطح خانواده است که جوانان دانشجوی آن را خفقان‌آمیز می‌شمارند. اگرچه دانشجویان را نمی‌توان به عنوان یک طبقه اجتماعی و گردهم آمدن آنها را دائمی دانست، ولی جنبش دانشجویی

به نظر عبدالحسین ساسان محقق ایرانی، "اداره کشور وظیفه رهبران و سردمداران نیست. وظیفه استراتژیها است. رؤسای جمهورها، وزرا و سیاستمداران نباید پرکارترین مردم کشور باشند. اگر آنها زیاد کار می‌کنند نشانه ضعف یا فقدان استراتژی است. آنها اصولاً کاری برای انجام دادن ندارند. کار آنها محدود است به تعیین و تبلیغ استراتژیها. تنها استراتژیها هستند که می‌توانند کشورها را اداره کنند. اگر کشوری خوب اداره شود، استراتژیها خوب انتخاب شده‌اند نه آنکه مدیران خوبی انتخاب شده باشند. اگر کشوری بد اداره شود، استراتژیها بد بوده‌اند نه آنکه لزوماً سیاستمداران ضعیف بوده‌اند. ضعف سیاستمداران به عدم توانائی آنها برای تدوین استراتژیها و یا تبلیغ آن استراتژیها منحصر و محدود می‌شود."

Stratocracy

سپاه‌سالاری؛ سربازسالاری

حکومت نظامی یا حکومتی که مبتنی بر استیلا یا افراد ارتشی است.

Straw Vote

رای‌گیری آزمایشی

رای‌گیری غیررسمی، به منظور سنجش افکار و پیش‌بینی نتیجه رای‌گیری رسمی.

Strike

اعتصاب

دست کشیدن کارگران، کارمندان و مزدبگیران از کار، برای به دست آوردن خواسته‌هایشان. اعتصاب می‌تواند جزئی یا کلی و به مدت معین یا نامعین باشد. اعتصاب، مهم‌ترین وسیله دفاع اقتصادی اتحادیه‌های کارگری است که برای بهبود بخشیدن به وضع زندگی اعضای اتحادیه، به کار می‌رود. پدیده خارجی و مشترک هر اعتصابی را می‌توان به شکل متوقف کردن کار از طرف کارکنان، مورد مطالعه قرار داد.

Strike Breaker

اعتصاب شکن

کسی که به منظور سست کردن وحدت اعتصاب کنندگان و ایجاد تفرقه در بین آنها، از طرف کارفرما اجیر شده است و در کارخانه به کار می‌پردازد. این واژه، بویژه به فردی نسبت داده می‌شود که تنها برای مدت اعتصاب به استخدام درآید.

Strike Manual

راهنمای اعتصاب

مجموعه‌ای شامل مواردی که باید در جریان اعتصاب رعایت شود. اگر این مجموعه را اتحادیه کارگری منتشر نماید، شامل موضوعهایی مثل حقوق، راهبرد و مسئولین اعتصاب است و اگر مؤسسه آن را منتشر سازد، شامل موارد مربوط به چگونگی انجام خدمات اساسی و تعمیر و نگهداری در جریان اعتصاب است.

Structural Adjustment Program

برنامه تعدیل ساختاری

برنامه‌ای که در سال ۱۹۷۵ به توصیه اجلاس سران هفت کشور صنعتی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در دستور کار کشورهای جهان سوم قرار گرفت. اتخاذ سیاستهای پولی و ثبات نرخ ارز، خصوصی سازی یا کاهش فعالیت‌های بخش دولتی و حذف یارانه‌ها و سیاست

کردن فضای کیهان در پنجم سپتامبر ۱۹۸۶ با پرتاب دو ماهواره از پایگاه کیپ کاناورال برداشته شد؛ این دو ماهواره، یکدیگر را در فضا منهدم کردند. ظاهراً از زمان پیشنهاد رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا در سال ۱۹۸۳ برای تهیه این برنامه تا سال ۱۹۹۲ بیش از ۲۹ میلیارد دلار برای آن خرج شده است. مع‌هذا، رقم واقعی سرمایه‌گذاری در این برنامه نظامی کردن فضای کیهان فاش نشده است. اس.دی.آی. علی‌رغم از بین رفتن به اصطلاح تهدید هسته‌ای شوروی سابق که برانگیزنده پزیدنت ریگان در ارائه آن بود، همچنان دنبال می‌شود. هنری کوپرمدیر برنامه اس.دی.آی. در وزارت دفاع آمریکا نیز در سال ۱۹۹۲ گفت که هدف این برنامه، از دفاع از آمریکا در مقابل حمله گسترده موشک‌های شوروی سابق، به‌حفظ و حراست از این یا آن نقطه در جهان در مقابل حملات موشکی محدود تغییر یافته است.

بیضی استراتژیک انرژی

Strategic Energy Ellipse

سرزمینهای دارای بیشترین منابع نفت و گاز. این اصطلاح در سال ۱۹۹۷ توسط متفکر آمریکایی جفری کمپ Geoffrey Kemp در مورد مجموع سرزمینهای در برگیرنده دریای خزر و خلیج فارس به کار رفت. دریای خزر به تنهایی دارای حجم منابع نفتی برآورد شده بین ۴۰ تا ۲۰۰ میلیارد بشکه است.

ماده استراتژیک؛ کالای مهم (از لحاظ نظامی)

Strategic Material

هر نوع ماده خام یا اولیه که از نظر استراتژی با ارزش و برای دفاع ملی و پیشبرد جنگ مدرن ضروری باشد. اگر در یک کشور عرضه واقعی یا بالقوه کالاهای استراتژیک کمتر از مقداری باشد که برای شرایط اضطراری پیش‌بینی شده است، قبل از پدید آمدن چنان شرایطی اقدام به ذخیره‌سازی (Stockpiling) کالاهای مزبور می‌گردد. آلومینیم، آنتیموان، الماس، اورانیم، تنگستن، جیوه، سرب، قلع، کادمیم، کبالت، مس، منیزیم، نفت و مواد غذایی از جمله کالاهای مهم شمرده می‌شوند.

سلاحهای هسته‌ای استراتژیک

Strategic Nuclear Weapons

سلاحهایی مثل موشکهای بین قاره‌ای، بمب افکنهای سنگین دوربرد و محموله آنها، موشکهای دوربرد و موشکهای دفاعی هسته‌ای که برای حمله هسته‌ای علیه پایگاههای استراتژیک دشمن و یا به‌منظور دفاع عامل در برابر حمله دشمن با چنین سلاحهایی طراحی شده‌اند.

استراتژی؛ راهبرد؛ رزم‌آرایی

Strategy

- ۱- در اصطلاح نظامی، به هنر طراحی و آرایش نظامی در تمام مراحل جنگ اطلاق می‌شود که معمولاً توسط فرماندهان عالی‌رتبه و ستاد ارتش طرح‌ریزی می‌شود. در امور سیاسی به تعیین خط مشی کلی یک کشور یا سازمان یا حزب که برنامه مراحل بلندمدت آن را مشخص می‌کند، اطلاق می‌شود.
- ۲- علم و فن توسعه و به‌کار بردن قدرتهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت - هنگام جنگ و صلح - به‌منظور تأمین حداکثر حمایت از سیاستهای ملی و افزایش احتمالات و نتایج مطلوب برای پیروزی و تقلیل احتمال شکست.
- ۳- روش یا سیاست کلی برای نیل به هدفهای معین.
- ۴- هنر یا علم توسعه و به‌کارگیری بهتر امکانات در جهت نیل به هدف در مقابل سایر بازیگران.

Straight Base-Lines

خطوط مبدا مستقیم

مبدأ دریای سرزمینی معمولاً با حدپست جزر مشخص می‌شود. در مواردی که ساحل کشوری مضرّس باشد و یا در مجاورت ساحل، جزایر متعددی وجود داشته باشد، روش دیگری برای مشخص کردن مبدأ دریای سرزمینی به کار می‌رود. در این موارد، خط مبدأ می‌تواند به جای اینکه امتداد طبیعی ساحل را تعقیب کند، به صورت خطوط مستقیمی درآید که پیشرفته‌ترین نقاط تضاریس یا جزایر را به هم پیوندند. آبهایی که در پشت چنین خطوطی قرار گرفته، جزء آبهای داخلی کشور به شمار می‌آید. این روش را روش خطوط مبدأ مستقیم می‌خوانند.

Strategic Arms Limitation Talks (Salt)

مذاکرات تحدید تسلیحات استراتژیک؛ سالت

به یک سلسله گفتگوها در مورد محدود کردن سلاحهای اتمی و استراتژیک اطلاق می‌شود که از سال ۱۹۶۹ بین ایالات متحده آمریکا و شوروی سابق آغاز شد. عهدنامه سالت یک در سال ۱۹۷۲ و عهدنامه سالت دو در سال ۱۹۷۹ به امضا رسید. اما تا شروع کنفرانسهای عالی بین ریگان رئیس جمهوری آمریکا و گورباچف رهبر شوروی سابق در سال ۱۹۸۵، پیشرفت واقعی در این زمینه صورت نگرفت.

Strategic Arms Reduction Talks (Start)

مذاکرات کاهش تسلیحات استراتژیک؛ استارت

عنوان سلسله مذاکرات مربوط به کاهش تسلیحات استراتژیک بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی سابق که از ماه ژوئن سال ۱۹۸۲ در ژنو آغاز شد و در ۳۱ ژوئیه سال ۱۹۹۱ به انعقاد پیمانی در مورد کاهش سلاحهای استراتژیک هسته‌ای انجامید. در سوم ژانویه سال ۱۹۹۳، بوش ویلتسین رؤسای جمهوری آمریکا و روسیه در مسکو ضمن امضای پیمان خلع سلاح هسته‌ای استراتژیک (استارت ۲) تعهد کردند که دوسوم سلاحهای هسته‌ای انباشته شده از دوران جنگ جهانی دوم تا این تاریخ را ظرف ده سال کاهش دهند.

Strategic Capability

توان استراتژیک

قابلیت جنگی یا انتقام‌گیری کشورهای دارنده هواپیما، موشکهای دوربرد و تسلیحات استراتژیک دیگر.

Strategic Defense Initiative (SDI)

ابتکار دفاع استراتژیک؛ اس.دی.آی

برنامه نظامی کردن فضای کیهان که از سوی رسانه‌های گروهی به "جنگ ستارگان" معروف شده است. هدف از طرح "ابتکار دفاع استراتژیک" ایالات متحده آمریکا، تأمین شرایط وارد کردن ضربه اول از پشت سپر فضایی و تسلط برکل جهان است. به بیان دیگر، هدف از "اس.دی.آی" که یک برنامه تحقیقاتی دراز مدت است، توسعه و استقرار سیستمی در زمین و فضا است که در آن با به کار بردن تکنولوژی بسیار پیشرفته، مانند اشعه لیزر و توپهای الکترومغناطیسی بتوان موشکهای اتمی دشمن را در مراحل مختلف پرتاب و پرواز، نابود ساخت. مقامات آمریکایی این طرح را به عنوان یک سیستم دفاعی معرفی می‌کنند ولی به عقیده کارشناسان نظامی، از آن می‌توان به عنوان یک سیستم مهم تعرضی استفاده کرد. گام واقعی به سوی طرحهای گسترده آمریکا برای نظامی

سفارش می‌دهد و کارگزار پس از اطلاع از قیمت آن در بازار، معامله را به وسیله یک کارگزار دیگر عضو بورس و حاضر در محل انجام می‌دهد. معمولاً اگر اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور از رونق و ثبات برخوردار باشد، قیمت سهام بالا می‌رود. در عین حال، قیمت سهام هر شرکتی با توجه به میزان درآمد و نیز موفقیت بالقوه آن در نوسان است.

Stockholm International Peace Research Institute

مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم

مؤسسه مستقل و بین‌المللی برای تحقیق در مورد مسائل مربوط به صلح و مناقشات، خلع سلاح و کنترل تسلیحات که در سال ۱۹۶۶ به عنوان یادبود صلح پایدار صدوپنجاه ساله سوئد تأسیس شد. هیأت رئیسه و کارکنان مؤسسه از ملیتهای مختلفند و پارلمان سوئد پشتیبان آن است.

Stockpiling

ذخیره سازی

انبار کردن مواد خام و استراتژیک و محصولات تولید شده و آماده مصرف به منظور استفاده در زمان جنگ (غیر هسته‌ای) یعنی زمانی که ممکن است عرضه آنها قطع شود. بدون ذخیره سازی مواد استراتژیک (مثل مواد غذایی، نفت، آلومینیم، اورانیم، مس، سرب، قلع) نمی‌توان به جنگی طولانی مبادرت کرد.

Stoicism

فلسفه رواقی؛ بی‌اعتنایی به رنج و لذت

مکتبی که توسط زنون (۳۳۶-۲۶۴ قبل از میلاد) تأسیس شد و چون حوزه پیروان آن در یکی از رواقهای آتن منعقد می‌شد به نام رواقی معروف شده است. نظریه رواقیه در امور طبیعی، نظریه‌ای مادی بود. در اخلاق، آنها فضیلت را مقصود می‌دانستند و اعتقاد داشتند که زندگی باید سازگار با طبیعت و قوانین آن باشد. از نظر رواقیه آزادی واقعی زمانی حاصل می‌شود که انسان افکار ناصواب و شهوتها را به کنار نهد و در راه آزادی و وارستگی تلاش کند.

Stolypinian Tie

کراوات استولیپین

کنایه از طناب‌دار است و از نام پیوتر استولیپین (۱۹۱۱-۱۸۶۲) دولتمرد روسیه تزاری آمده که دوره او یعنی ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ در تاریخ روسیه به‌عنوان دوره ترور و وحشت شناخته شده است. استولیپین بعد از شکست انقلاب سال ۱۹۰۵ در روسیه، دست به کشتار آزادیخواهان زد و آن قدر این کار را ادامه داد که مردم، طناب‌دار را کراوات استولیپین می‌خواندند.

Storm in a Tea Cup

هیاهوی بسیار برای هیچ

اصطلاح توفان در فنجان چای، کنایه از جنجال بزرگ در مورد یک موضوع کم‌اهمیت یا داد و فریاد بی‌بهره است.

Straddle the Fence

دودوزه بازی

اتخاذ موضع ابهام‌آمیز در مورد یک موضوع، به امید جلب حمایت دو طرف.

فرستنده بر مبنای مشخصی یا برای مأموریت معینی و به عنوان پیک موقت انجام وظیفه می‌کند) از اصطلاحات قدیمی حقوق دیپلماتیک هستند. پیش‌نویس کنوانسیون "وضعیت پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه پیک دیپلماتیک نباشد" در سال ۱۹۸۹ به تصویب کمیسیون حقوق بین‌الملل رسید و مشتمل بر ۳۲ ماده و دو ضمیمه است.

Status Quo

وضع موجود

اصطلاحی که از سوی تحلیل‌گران سیاسی برای توصیف سیاست خارجی کشورها در مورد حفظ وضع موجود (توزیع قدرت) در جهان به کار می‌رود و از اصطلاح دیپلماتیک Status quo ante bellum به معنی حالت پیش از جنگ، گرفته شده است.

Statute (Constitution , Articles of Association)

اساسنامه

مجموعه موازین و قوانین و مقررات حاکم بر حیات داخلی یک حزب یا یک سازمان که ترکیب و ساختمان، نحوه عمل و ترتیب کار و فعالیت آن را بر اساس هدفهای برنامه‌ای حزب یا سازمان مربوطه مشخص می‌سازد.

Statute Law

قوانین مصوب

مجموعه قوانین و مقرراتی که از تصویب مجلس قانونگذاری گذشته است.

Steadfastness Front

جبهه پایداری

جبهه‌ای مرکب از الجزایر، سازمان آزادیبخش فلسطین، سوریه، لیبی و یمن (جنوبی) که در سال ۱۹۷۷ برای مقابله با هدفهای قرارداد کمپ دیوید و همچنین تداوم مبارزه علیه اسرائیل پدید آمد و به جبهه رد نیز شهرت یافت.

Stereotype

دید قالبی؛ تفکر کلیشه‌ای؛ عقیده قالبی

۱ - عقیده یا نگرشی که در برابر دلیل مخالف، سخت ایستادگی کند و مایه تعصب دارنده آن شود.
۲ - عقیده و باوری که به شکل قالبی یا کلیشه‌ای در میان گروه اجتماعی یا جامعه بخصوصی، رواج داشته باشد، چنانکه افراد بدون تأمل و ملاحظه دلایل مخالف، آن را قبول کنند. عقاید قالبی ممکن است هم باعث همبستگی و هم باعث اختلاف بین مردم شود. چنانکه عقایدی که آلمانیها در مورد لهستانها داشتند، حمله نازیها را به کشور لهستان هموار نمود.

Stock Exchange

بورس اوراق بهادار

محل خرید و فروش اوراق قرضه و سهام که مخصوص کشورهای سرمایه‌داری یا دارای اقتصاد مختلط است. در بازار بورس، واسطه‌ها (کارگزاران) سهام شرکتها و اوراق قرضه را به نمایندگی از طرف سرمایه‌گذاران خرید و فروش می‌کنند. فعالیت بورس در هر کشور تابع مقررات خاص است. مثلاً در آمریکا اگر شرکتی بخواهد سهامش را در بورس نیویورک واقع در خیابان وال استریت بفروشد، باید ثابت نماید که شرایط مالی رضایتبخشی دارد. هر شخص حقیقی یا حقوقی بخواهد سهامی را خریداری نماید، آن را به یکی از واسطه‌ها یا کارگزاران

تروریسم دولتی

State Terrorism

تروریسم حکومت‌های توتالیتر یا تمام‌تخواه علیه مردم برای ایجاد ارباب و جلوگیری از مخالفت سیاسی با حکومت و یا سیاست تهدید و مداخله خشن و قهرآمیز یک دولت در امور دولتهای دیگر و تخلف از قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد. استراتژی تروریسم دولتی، شکل افراطی اعمال روشهای خشونت، تهدید و باج سبیل در حوزه‌های نظامی، سیاسی و ایدئولوژیک است. ویلیام دی پردیو Perdue در سال ۱۹۸۹ در اثر خود به نام تروریسم و دولت، ویژگیهای تروریسم دولتی را به شرح زیر بیان کرده است: ۱- اقدامات سیاسی یک دولت نسبت به مردمش برای اعمال سلطه از طریق ایجاد وحشت که ممکن است از راه کنترل مطبوعات و رسانه‌ها، شکنجه و آزار، محاکمات غیرعادلانه، منع گردهمانیها و اعدامهای سریع تحقق یابد. ۲- حمله مسلحانه نیروی نظامی یک دولت به هدفهایی از دولت دیگر که در آن جان مردم به خطر افتد. ۳- تلاش برای از بین بردن مأموران دولتهای دیگر. ۴- اشغال نظامی یک کشور، خواه به صورت کنترل مستقیم و خواه از طریق ایجاد پایگاه عملیاتی. ۵- عملیات سری و پنهانی یک دولت برای بی‌ثبات یا ساقط کردن دولت دیگر. ۶- تبلیغات مبتنی بر مطالب بی‌اساس توسط یک دولت، خواه به منظور بی‌ثبات کردن دولت دیگر و خواه جلب حمایت عمومی از نیروهای نظامی، سیاسی یا اقتصادی هدایت شده در کشور دیگر باشد. ۷- عملیات نظامی یا مانورهای انجام شده توسط یک دولت در خارج از سرزمین یا آبهای سرزمینی آن دولت. ۸- استفاده از مزدوران نظامی توسط یک دولت برای ساقط کردن حکومت کشور دیگر. ۹- حمایت و پشتیبانی از دولتهایی که حق تعیین سرنوشت مردم را نفی می‌کنند. ۱۰- فروش اسلحه در جهت ادامه جنگهای منطقه‌ای، با وجود تلاشهایی که برای یافتن راه حل سیاسی و فیصله مسالمت‌آمیز اختلافات در جریان است. ۱۱- انتقال تسلیحات اتمی توسط یک دولت به سرزمین یا آبهای سرزمینی یا فضای دولتهای دیگر و یا در آنها و فضای بین‌المللی. ۱۲- گسترش یا آزمایش تسلیحات دارای قدرت تخریبی زیاد که در تمام شرایط احتمالی، موجب کشتار جمعی و تخریب محیط زیست می‌شود.

Statism

دولت سالاری

تمایل دولت یا حکومت مرکزی به کنترل زندگی اقتصادی یک جامعه سرمایه‌داری، بویژه هنگامی که به وسیله برنامه‌ریزی اقتصادی عمومی و ملی ساختن صنایع مهم، نفوذ زیادی در اداره و هدایت زندگی اقتصادی ملت به دست می‌آورد. چنین حکومتی سرانجام، بر بیشتر حوزه‌ها، مثل اقتصاد، آموزش و پرورش، رسانه‌های گروهی و جزاینها مسلط می‌گردد. دولت سالاری معمولاً در شرایط اضطراری و در جریان بحرانهای اقتصادی ظهور می‌کند.

Status of the Diplomatic Courier and Diplomatic Bag not Accompanied by Diplomatic Courier (1989)

وضعیت پیک دیپلماتیک و کیسه دیپلماتیک که همراه

پیک دیپلماتیک نباشد (پیش نویس کنوانسیون ۱۹۸۹)

کیسه دیپلماتیک (بسته حاوی مکاتبات رسمی و یا اسناد و موادی که صرفاً مورد استفاده رسمی قرار می‌گیرد و با علائم خارجی مشخص می‌گردد) و پیک دیپلماتیک (شخصی که از جانب دولت

لحاظ خلق و خوی به شرح زیر تقسیم کرده اند: سیاستمدار صاحب نظریه که می‌کوشد به نظریه‌ها و نگرشهای خود جامه عمل بپوشاند، مثل مائو و لنین. سیاستمدار فرصت طلب که برایش هدف اصلی از فعالیت سیاسی، موفقیت در زندگی سیاسی است و جهان بینی‌ها در نظر او تا آن جا مفیدند که به هدفهایش کمک کند، مثل چرچیل. سیاستمدار آشتی طلب و مسالمت جو که می‌کوشد به دشمنیها و اختلافات از راه مذاکره و سازش پایان دهد، مثل گاندی. سیاستمدار سرسخت و جنگ طلب که مبارزه و درگیری را به سازش یا مذاکره ترجیح می‌دهد، مثل کلمانسو که در تمام طول جنگ جهانی اول می‌گفت من جنگ را ادامه می‌دهم. سیاستمدار آرمانگرا که منافع کشور خود را جزئی از منافع تمام بشریت می‌داند و آن دورا یکی فرض می‌کند. سیاستمدار فایده طلب که چندان به سرنوشت همه بشریت علاقه مند نیست، بلکه حقوق کشور خود را به هر حق دیگری مقدم می‌شمارد، مثل بیسمارک. سیاستمدار متعصب که حاضر به پذیرش انعطاف در عمل نیست و در برابر حوادث غیر مترقبه حیران می‌ماند و بدون ابتکار است. سیاستمدار مبتکر که خود را در برابر پیشامدهای غیر منتظره به دست تقدیر نمی‌سپارد، بلکه می‌کوشد تا راه‌حلهای مناسبی بیابد و دشواریها را از میان بردارد. سیاستمدار ماجراجو که به پیشواز خطر می‌رود ولی گاهی خطر جویی او سنجیده نیست. سیاستمدار محتاط که از دگرگونیها بیم دارد و ترسو و مردد است. سیاستمدار اصلاح طلب که تمام اقدامات و برنامه‌های خود را منطبق با قانون می‌کند و با حفظ اصول می‌خواهد در فروع دست به اصلاح بزند. سیاستمدار انقلابی که با نظم مستقر مخالف است و آن را برحق و مشروع نمی‌داند و می‌خواهد نظام عادلانه و برحق جدیدی را برقرار سازد. اخیراً برای اجتناب از مردانه شدن مفهوم این واژه انگلیسی، واژه Statesperson به کار رفته است.

سوسیالیسم دولتی

State Socialism

مداخه وسیع دولت در اقتصاد، مثل ملی کردن صنایع بزرگ و یا دست زدن به اقداماتی برای از بین بردن تمایلات انحصاری و استقرار ثبات زندگی اقتصادی. حمایت از قوانین رفاه اجتماعی و سیاست مالیات تصاعدی برای کم کردن درآمدهای بالا نیز از جمله ویژگیهای سوسیالیسم دولتی است.

سیاستمدار؛ زمامدار؛ کشوردار؛ دولتمند

Statesperson

این واژه برای اجتناب از مردانه شدن مفهوم Statesman (دولتمرد، رجل سیاسی) به کار رفته است.

جانشینی دولت

State Succession

جانشینی دولت به این معنی است که دولتی حاکمیت بر کشوری را از دست می‌دهد و دولتی دیگر جای آن را می‌گیرد. موارد جانشینی در عمل: ۱- واگذاری سرزمین به دولت دیگر. ۲- ضمیمه کردن سرزمین توسط دولتی دیگر. ۳- وحدت با دولت دیگر. ۴- تشکیل فدراسیون. ۵- تجزیه و تقسیم کشور. ۶- جدایی و انفصال سرزمین. جانشینی دونوع دارد: ۱- جانشینی تام که به موجب آن، دولتی شخصیت بین‌المللی دولت دیگر را کاملاً در داخل شخصیت خود مستهلک کند و بدین وسیله نماینده حقوقی تعهدات دولت قبلی شود. ۲- جانشینی ناقص که به موجب آن، دولتی حاکمیت قسمتهایی از سرزمینی را که قبلاً متعلق به دولت دیگری بوده است، خواه از طریق اعمال زور و خواه به طور اختیاری به دست آورد.

State of Nature**وضع طبیعی؛ حالت طبیعی**

وضع انسان پیش از آنکه قانون و دولت و جامعه‌ای در کار باشد. توماس هابس، وضع طبیعی انسان را زاییده همه مفاسد می‌پندارد و معتقد است که آدمیزادگان هرچه از وضع طبیعی یا گذشته خود دورتر شوند به‌بهروزی و ایمنی نزدیکتر می‌شوند، حال آنکه ماکیاول و روسو، انسان را در جامعه ابتدایی، شاد و پاکدل می‌دانند و وضع کنونی و حال اجتماعی او را محکوم می‌کنند. فرق روسو با سایر صاحب‌نظران حقوق طبیعی آن است که روسو می‌کوشید تا به‌عکس دیگران که تغییر و تحول انسان را از حالت یا وضع طبیعی به‌جامعه متشکل، امری ناگهانی تلقی می‌کردند، ثابت کند که این تغییر و تحول به‌صورت تدریجی بوده است. روسو در کتاب قرارداد اجتماعی می‌گوید نظر به‌اینکه دولت، آلت دست قدرتمندان است و در هر صورت وجود دارد و نمی‌توان آن را از میان برداشت و انسان نمی‌تواند به‌زندگی اولیه بازگردد، پس چگونه می‌توان آن را براساس قانونی بنا نهاد که عقل و عدالت بر آن حاکم باشد. روسو چنین پاسخ می‌دهد که چون در حالت طبیعی هرکس بر سرنوشت خود حاکم است، لذا اشخاص باید زمانی حقوق خود را به‌جامعه تفویض نمایند که حق مشارکت و عضویت در این "اراده عمومی" را که "دولت" نامیده می‌شود، داشته باشند. بدین ترتیب، دولت برای حمایت منافع اکثریت اشخاص ایجاد می‌گردد و نتیجه این اصل آن است که تنها دولت قانونی، دولتی است که حاصل دموکراسی مستقیم یا بیواسطه باشد. زیرا روسو با این روش که افراد جامعه، نمایندگانی را برگزینند تا آنان قانون وضع نمایند، موافق نبود.

State of the Whole People**دولت تمام خلقی**

در ادبیات سیاسی چپ، منظور دولت سوسیالیستی است که در پی دیکتاتوری پرولتاریا برقرار می‌گردد و استثمار فرد از فرد را از بین می‌برد. این واژه در زمان خروشچف، رهبر شوروی سابق به‌جای دیکتاتوری پرولتاریا مطرح شد.

State of War**حالت جنگ**

فقدان روابط مسالمت‌آمیز بین دو یا چند دولت که بروز عملیات خصمانه را به‌دنبال دارد. با اینهمه، اصطلاح حالت جنگ، بیانگر وضعیت طرفین است تا اعمال واقعی زور. زیرا دولتها گاهی به‌یکدیگر اعلان جنگ می‌دهند، بدون اینکه واقعاً با یکدیگر درگیر شوند.

State Power**قدرت دولتی**

شکلی از قدرت اجتماعی (دارای ویژگی طبقاتی) که به‌ابزار مخصوص قهرمتکی است و در صدور قوانین و احکام الزامی دیگر برای همه جمعیت از حق انحصاری برخوردار است. انتقال قدرت دولتی از یک طبقه به‌طبقه دیگر، نشانه اصلی و اساسی "انقلاب" است.

Statesman**سیاستمدار؛ دولتمرد؛ رجل سیاسی؛ زمامدار**

شخص متبحر و متخصص در علوم سیاسی و بصیر و آشنا به‌رموز سیاست داخلی و بین‌المللی و مسائل و جریانهای دیپلماسی. سیاستمداران یا دولتمردان در سطوح مختلف، از ریاست کشور تا کوچکترین عضو یک دستگاه دولتی را شامل می‌شوند. عده‌ای، سیاستمداران و زمامداران را از

State Machine**ماشین دولتی**

دولت برای انجام هدفهایش، احتیاج به سیستم معینی از نهادها، مؤسسات و وسایل مخصوص دارد. تصور دولت بدون ارتش، دادگاه، زندان و نظایر اینها، امکان ندارد. در ادبیات سیاسی چپ، به مجموعه دستگاهها، مؤسسات و نهادهایی که دولت به وسیله آنها فرمانروایی می‌کند، ماشین دولتی اطلاق می‌شود که دارای دو بخش است: ۱- بخش قهری دولت، مثل ارتش، پلیس، پلیس مخفی، دادگاه و زندان که در واقع مهم‌ترین ابزار حکومتی دولت است و بدون آنها هیچ دولتی نمی‌تواند حکومت کند ۲- بخش سیاسی دولت، که شامل ارگانهای دولتی مثل رهبری دولت، حکومت، ارگانهای محلی حکومتی و نظایر اینها هستند و طبقه یا طبقات حاکمه از طریق این دستگاهها بر بخش قهری دولت و از طریق آنها بر تمام جامعه فرمان می‌رانند.

State-Monopoly Capitalism**سرمایه‌داری انحصاری دولتی**

اتحاد انحصارها و دولت بورژوایی در یک مکانیسم واحد. سرمایه‌داری انحصاری دولتی که اکنون در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری وجود دارد، محصول رشد سرمایه‌داری در مرحله عالی تر آن است و بنیاد آن را تراکم تولید و سیادت انحصارات تشکیل می‌دهد. روند تبدیل سرمایه‌داری انحصاری به سرمایه‌داری انحصاری دولتی، بازتاب تضاد اصلی سرمایه‌داری، یعنی تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شکل مصرف خصوصی محصول آن است. اگر تراکم تولید در مرحله عالی تری به تشکیل انحصارها منتهی می‌شود، سیادت انحصارها نیز به نوبه خود شرایط دخالت هرچه بیشتر دولت را در حیات اقتصادی و به منظور جلوگیری از بروز بحران و سرکوبی جنبشهای انقلابی فراهم می‌آورد. سرمایه‌داری انحصاری دولتی همچنین با ظهور جوامع انحصارگر بین‌الدولی - مثل بازار مشترک اروپا - مشخص می‌شود، یعنی سرمایه‌داری انحصاری دولتی حاکی از درهم آمیختگی و ادغام و تشکیل سازمانهای جدید مافوق ملی، سیاسی و اقتصادی در یک دستگاه واحد برای تحکیم وضع بورژوازی انحصارگر و حفظ نظام سرمایه‌داری است.

State of Emergency**وضع اضطراری؛ حالت فوق‌العاده**

وضعیتی که به موجب آن، حیات و نظام یک دولت در مخاطره قرار می‌گیرد، به طوری که نمی‌تواند از طریق پروسه‌های طبیعی قانون اساسی به شکل عادی درآید. در این شرایط لازم می‌شود که به منظور حفظ نظام قانونی و حکومت، اختیارات فوق‌العاده‌ای در دست دولت متمرکز گردد تا بتواند بر وضع استثنائی غلبه کند. حالت فوق‌العاده ممکن است ناشی از تأثیرات یک جنگ خارجی باشد و یا ناشی از شورش، بحرانهای اجتماعی و اقتصادی و مصایب بزرگ طبیعی. معمولاً در هر دو صورت فوق، تحدید آزادیهای فردی و تمرکز قدرت دولتی را لازمه مقابله با حالت فوق‌العاده دانسته‌اند. وضع فوق‌العاده در قوانین اساسی کشورهای جهان به تدریج شناخته شده و با مرور زمان بسط یافته و به عنوان عذری موجه برای عدول از مبانی حقوق اساسی پذیرفته شده است. با این همه، اقدامات مزبور باید معقول باشند.

خصوصی و بهره‌کشی است و نوع چهارم به‌مثابه حاکمیت اکثریت خلق بر اقلیت بهره‌کش ظهور می‌کند. شکل اداره یک دولت عبارت است از ساختار، شیوه تشکیل و اختیارات عالی‌ترین مقامات دولتی. مثلاً شکل یک دولت نوع سرمایه‌داری ممکن است در یک کشور، جمهوری و در کشور دیگر، سلطنتی باشد. ۵- واحد جغرافیائی که دارای نظم داخلی و استقلال خارجی است و برای تحصیل هدفهای ملی، با واحدهای هم‌نظیر خود روابط متقابل برقرار می‌کند. موجودیت یک کشور بستگی به وجود جمعیت، سرزمین و دولت دارد. ۶- به‌معنی ایالت، یعنی یکی از واحدهای تشکیل‌دهنده کشوری که دارای حکومت فدرال است. ۷- به‌نظر پیروز مجتهدزاده، واژه State در انگلیسی و مترادف آن در زبان فرانسوی Etat با واژه فارسی - عربی «حکومت» برابر است. در حالی که واژه «دولت» در فارسی با واژه گاورمنت Government در انگلیسی و واژه گو ورنمان در زبان فرانسوی برابری دارد. واژه State یا حکومت، به سازمان عمودی اداره‌کننده کشور اطلاق می‌شود که شامل ارکان گوناگون این سازمان است همانند «دولت» یا قوه مجریه در قوانین اساسی کشورها. حال آنکه «دولت» بخشی از حکومت است و به‌گروهی از مجریان سیاسی محدود می‌شود که اداره امور کشور را برای دوره‌ای مشخص برعهده می‌گیرند و به کمک دایرگوناگون کشورداری، برنامه سیاسی و اقتصادی گروهی یا حزبی ویژه خود را در کشور اجرا می‌کنند. بدین ترتیب، در حالی که State یا «حکومت»، جنبه‌ای کلی و دائمی دارد، «دولت» یا Government جزئی از حکومت است و پدیده‌ای است موقت و براساس موازین پیش‌بینی شده در قانون اساسی کشور، برای دوره ویژه‌ای از سوی مردم انتخاب می‌شود. در عین حال، گاهی پیش می‌آید که واژه State در استفاده عام با مفهوم «دولت» و گاهی با مفهوم «کشور» برابری پیدا می‌کند.

State Capitalism

سرمایه‌داری دولتی

این واژه برای اشاره به سیاست اقتصادی بلشویکی در روسیه شوروی در طول دوره کوتاه بین انقلاب و سیاست جدید اقتصادی (نپ) به‌کار رفته است. واژه سرمایه‌داری انحصاری دولتی نباید با مفهوم وسیع‌تر سرمایه‌داری دولتی اشتباه شود. سرمایه‌داری انحصاری دولتی تنها در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری وجود دارد، در حالی که سرمایه‌داری دولتی به‌عنوان یک ساختار مشخص اقتصادی حتی ممکن است در کشورهای در حال توسعه نیز ایجاد شود. بعلاوه، سرمایه‌داری دولتی یکی از ساختارهای ایجاد شده در اقتصاد شوروی سابق و در اقتصاد کشورهای سوسیالیستی دیگر، در دوره انتقال از سرمایه‌داری به سوسیالیسم بود. مع‌هذا، اصطلاح سرمایه‌داری دولتی را به‌کنایه و برای انتقاد از نظامهای اقتصادی کشورهای کمونیستی و بویژه شوروی سابق نیز به‌کار برده‌اند که در آنها، سرمایه‌داری دولتی و بهره‌کشی بوروکراسی جانشین سرمایه‌داری خصوصی شده است.

Statecraft

کشورداری؛ سیاستمداری؛ دولتداری

فن و هنر اداره امور کشور.

Statelessness

بی‌تابعیتی

وضعیت شخصی که تبعه هیچ کشوری نباشد. این وضع ممکن است به‌عللی مثل بهم ریختگیهای ناشی از جنگ، انقلاب یا دلایل سیاسی دیگر، مسائل ناشی از تعارض قوانین تابعیت، جلای وطن و ترک تابعیت ایجاد گردد.

مایوس از پیروزی انقلاب در کشورهای پیشرفته اروپا، از صحنه مبارزه سیاسی کنار می‌کشید و استالین نیز با سرکوبی مخالفان، زمینه را برای استحکام سلطه بوروکراسی بیشتر مهیا کرد.

Standing Vote

رای‌گیری با قیام

رای‌گیری غیرشفاهی که معمولاً از طریق برخاستن صورت می‌گیرد و اصولاً شیوه مناسبی نیست.

Star Peace

صلح ستارگان

ادوارد شواردنادزه، وزیر امور خارجه شوروی سابق در سال ۱۹۸۵ ضمن نطقی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، "صلح ستارگان" را به عنوان آلترناتیوی برای "جنگ ستارگان" مطرح کرد و خواستار ایجاد یک سازمان بین‌المللی برای کنترل فعالیتهای فضائی کشورهای ذینفع گردید.

Star Wars

جنگ ستارگان

نامی که از سوی رسانه‌های گروهی به طرح "ابتکار دفاع استراتژیک" یا "اس.دی.آی" داده شده است. رونالد ریگان رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در ۲۳ مارس ۱۹۸۳ در یک سخنرانی تلویزیونی، آغاز برنامه گسترده تحقیقاتی به منظور ساختمان تسلیحات استراتژیک فضایی و استقرار ایستگاههای مدارای نظامی را به بهانه جلوگیری از بروز جنگ هسته‌ای و اولین ضربه آن توسط موشکهای دؤربرد شوروی سابق، اعلام کرد. رسانه‌های گروهی به خاطر جنبه‌های خیال پردازانه طرح "ابتکار دفاع استراتژیک" که صحنه‌های یکی از فیلمهای سینمایی به نام جنگ ستارگان را به یاد می‌آورد و با توجه به سابقه هنر پیشگی رئیس جمهوری آمریکا به آن عنوان جنگ ستارگان (ریگان) دادند که در عین حال، معرف سیاست جنگ طلبی او نیز بود. علی‌رغم بهبود روابط سیاسی شرق و غرب و فروپاشی شوروی، طرح ابتکار دفاع استراتژیک همچنان دنبال می‌شود.

State

دولت؛ کشور؛ ایالت؛ حکومت

۱- سازمان سیاسی جامعه که متشکل از حکومت، مردم و سرزمینی با مرزهای معین است. اگر یکی از این سه عنصر در میان نباشد، دولت به وجود نمی‌آید. حکومت Government، کارگزار و نمایشگر قدرت دولت و یا مکانیسمی است که دولت از طریق آن عمل می‌کند. مع‌هذا، این واژه به معنی حکومت نیز به کار رفته است. ۲- قدرتی که از جامعه برخاسته و خود را مافوق جامعه قرار داده و دارای مفاهیم حقوقی، سیاسی و اقتصادی است و عوامل تشکیل دهنده آن عبارتند از: جامعه، قلمرو دولتی و تشکیلات حکومتی. ۳- نهاد سیاسی - حقوقی که در رأس هرم قدرت یک کشور جای می‌گیرد و حق انحصاری کاربرد قانونی زور را دارد. ۴- دولت از نظر مارکسیستها، دستگاه یا ماشینی است برای حفظ سیادت یک طبقه بر طبقه دیگر. ساختمان ماشین یا دستگاه دولت مرکب است از: ۱- بخش بوروکراتیک (کارمندان) ۲- بخش قهری (ارتش و پلیس و دادگاه و زندان) که به بخش بوروکراتیک کمک می‌کند تا بتواند قوانین و مقررات به سود استثمارگران وضع و اجرا کند. نوع تاریخی دولت برحسب آنکه کدام طبقه قدرت حاکمه را در دست دارد معین می‌شود و آن چهارنوع است: بردگی، فئودالی، سرمایه‌داری و سوسیالیستی. سه نوع اول مبتنی بر مالکیت

Stakhanovism**استاخانوویسم**

جنبشی در شوروی سابق برای بالا بردن میزان بازده صنعتی تا حداکثر ممکن که از نام استاخانوف (۱۹۷۷-۱۹۰۵) کارگری که در نوبت کار خود در سال ۱۹۳۵ به جای ۷ تن، ۱۰۲ تن زغال سنگ تراشیده بود، گرفته شده است. استاخانوویسم در شوروی سابق موجب بالا رفتن تولید صنعتی شد، ولی در خارج از این کشور، منتقدین آن را یکی از روشهای نامطلوب تسریع در تولید دانسته‌اند اکنون استاخانوویست به کسی اطلاق می‌شود که در هر زمینه‌ای به کار مؤثر و پرنیرو اقدام کند.

Stalinism**استالینیسم**

این واژه مأخوذ از نام استالین (۱۹۵۳-۱۸۷۹) رهبر شوروی سابق است که مبارزه خونین و دشواری را برای حفظ و تحکیم اولین دولت سوسیالیستی جهان رهبری نمود. واژه استالینیسم که ابتدا برای تفکیک سیاست استالین در برابر سیاست تروتسکی به کار می‌رفت، مفهومی منفی را می‌رساند که از یک طرف بیانگر کیش شخصیت و از طرف دیگر بیانگر اعمال سیاست غیردموکراتیک و خشن در حکومت و نیز اعتقاد به برقراری سوسیالیسم در یک کشور، حذف دموکراسی حزبی و مخالفت با رهبری دسته جمعی در حزب کمونیست است. به نظر غلامحسین فروتن (۱۳۷۷-۱۲۹۰) یکی از کمونیستهای طرفدار استالین: "به دنبال کنگره بیستم، روشنفکران دشمن سوسیالیسم در غرب و در شوروی کوشیدند خطا و اشتباهات تئوریک استالین را از آثار او بیرون بکشند. این تلاش مؤثر نیفتاد. وقتی این تلاش ناموفق ماند، "جنایات" استالین را بر سرزبانها انداختند. شایعه‌ای که احساسات را برمی‌انگیزد و همه را برضد استالین برمی‌آشوبد. دروغ هراندازه بزرگتر باشد و هرچه بیشتر آن را در مغز مردم فرو کنند، جای خود را بیشتر باز می‌کند... آیا درک این مسأله، دشوار است که آماج حملات، شخص استالین نیست. گرچه دامان او را گرفته است... استالین با تکیه بر نیروی طبقه کارگر، روسیه را از یک کشور عقب مانده تا درجه یک قدرت بزرگ جهانی بالا برد. وضع زندگی مادی و فرهنگی مردم شوروی را ارتقا داد. ملتها و خلقهای جهان را از آفت فاشیسم رهانید. علم، هنر و فرهنگ مردم شوروی را اعتلا بخشید. استالین شخصیتی رفیع و بلند پایه بود."

Stalinist Bureaucracy**بوروکراسی استالینیستی**

این اصطلاح را طرفداران تروتسکی به کار برده‌اند. از نظر آنها، پس از انقلاب کبیر در روسیه، عقب‌افتادگی اقتصادی و فرهنگی جامعه روسیه از یک جهت و انزوای دولت شوراها و شکستهای پی‌درپی موقعیتهای انقلابی در کشورهای پیشرفته صنعتی اروپا از جهت دیگر، و در شرایطی که بهترین کادرهای حزب بلشویک در جریان جنگ داخلی کشته شده بودند، به‌ظهور و استحکام یافتن قشر اجتماعی صاحب امتیاز و مرفه بوروکراسی منجر گردید که از دستگاه دولت کارگری برای اختصاص سهم بیشتری از امتیازات مادی سود جست. بوروکراسی شوروی در حزب بلشویک و دولت شوروی، استالین را به‌عنوان بهترین نماینده خود یافت و به شخصیت او شکل بخشید. رشد بوروکراسی شوروی ضمن پروسه‌ای صورت گرفت که طی آن، طبقه کارگر روسیه

سال ۱۹۶۸ قوای کشورهای پیمان سابق ورشو وارد چکسلواکی شدند و به بهار پراگ پایان دادند. به دنبال انتخاب هوساک به دبیر اولی حزب کمونیست، اوضاع به حال اول بازگشت.

جاسوس

Spy

۱- شخصی که تحت عناوین غیر واقعی و مخفیانه به نفع یکی از متخاصمان، در صدد تحصیل اطلاعات یا اشیایی باشد. ۲- کسی که به طور ناشناس، بویژه در مناطق جنگی به منظور به دست آوردن اطلاعات از قوای دشمن و مواضع حساس نظامی برای رساندن آنها به دولت متبوع خود فعالیت می کند. جمع آوری مخفیانه اخبار و اطلاعات در منطقه عملیات نظامی متخاصم، به قصد آگاه ساختن حریف از آن اخبار و اطلاعات، به خودی خود تخلف از موازین حقوق بشر نیست. اما، شخص جاسوس را مشروط به اینکه در حین ارتکاب به جاسوسی دستگیر و توقیف شده باشد و دادگاه با صلاحیتی نیز قبلاً درباره وی قضاوت کرده باشد، می توان به مجازات رسانید.

جاسوس توسی؛ توس از خبرچین

Spy Phobia

وحشت و هراس بیمارگونه از مأموران مخفی یا خبربران حکومتی استبدادی، بدین معنی که هر فرد گمان می کند برای پائیدنش مأموری گماشته شده است.

جنگ ماهواره جاسوسی

Spy Satellite Warfare

استفاده از ماهواره های شناسایی و تجسسی برای اطلاع از هدفهای نظامی و غیر نظامی دشمن. مثلاً ماهواره های جاسوسی الکترونیکی معروف به الینت Elint می توانند مکان دقیق فرستنده های رادیویی را مشخص نمایند و سایت های آزمایشهای موشکی را استراق سمع ورله کنند.

حکومت دسته های مسلح

Squadism

حکومتی که در آن، برای تعقیب هدفهای اقتصادی و سیاسی از دسته ها و گروه های مسلح به چماق و تفنگ استفاده می شود. از جنبه تاریخی، اشاره به جوخه های مسلحی است که در اواخر جنگ جهانی اول در ایتالیا یکه تازی می کردند. اعضای این جوخه ها در سالهای بعد، پیشتازان فاشیسم شدند و موسولینی را با رژه ای در رم به قدرت رساندند. در سالهای اخیر نیز در بعضی کشورها، مثل کشورهای آمریکای لاتین، سازمانهای پلیسی غیر رسمی و به صورت جوخه های مرگ، برای از میان برداشتن انقلابیون، مبارزان و به اصطلاح عناصر نامطلوب دستگاه فعالیت داشته اند.

اس اس (شوتس - اشتافل)

SS (Schutzstaffel)

۱- گاردها یا مراقبین گزیده، مخصوص و دارای اونیفورم مشکی حزب نازی آلمان که تعدادشان در اواخر جنگ جهانی دوم به ۹۰۰۰۰۰ نفر رسیده بود - پلیس سیاسی مخوف (آلمان نازی).

رکود توزمی

Stagflation

در اقتصاد، به شرایط ناشی از بیکاری زیاد و تورم اطلاق می شود.

استعمار نکند مانند مورد نواحی پامیر در روابط میان انگلستان و روسیه تزاری ۲ - سیستم مناطق وابسته به مناطق خاص که به یکی از کشورها در سرزمین متعلق به غیر رسماً منطقه عمل ممتازی اختصاص داده می شود تا منافع خود را در آن منطقه حفظ کند، مانند قرارداد سال ۱۹۰۷ روسیه تزاری و انگلستان که دایره عمل متقابل دو طرف را در ایران و تبت تعیین و تحدید می کرد. آیین منطقه نفوذ در زمان توسعه طلبی استعماری کراراً در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به موقع اجرا گذاشته شد.

Spiritual Power

قدرت روحانی

قدرتی که ناشی از سازمانهای مذهبی است.

Spiritual Revolution

انقلاب روحی

پیدایش انسان نو از نظر اندیشه، شیوه عمل، عواطف و احساسات و آرمانها. انقلاب روحی و اخلاقی یک محصول بسیار دیررس سالها کار عرقریز در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و نمی توان آن را با زور و فرمان و به اتکاء غریزه ترس پدید آورد.

Spoils System

نظام تاراج

سیستم فساد و ارتشاء در دستگاه دولتی که به موجب آن، مقامات انتصابی خدمات کشوری، مقاطعه های دولتی و نظایر اینها، اغلب بدون توجه به صلاحیت طرفداران حزب اکثریت به آنها داده می شود. به بیان دیگر، روشی که مشاغل عمومی را به منزله غنایم جنگی که از حزب شکست خورده به دست آمده است، تلقی می کند و توزیع آنها را بین اعضای حزب پیروزمند لازم می داند. این سیستم عموماً به یاران آندرو جاکسون (۱۸۴۵-۱۷۶۷) رئیس جمهوری آمریکان نسبت داده شده است که در سال ۱۸۲۹ هنگام آغاز به کار، به استناد این اصل که غنایم از آن فاتح است، می خواستند دست مخالفان از مشاغل عمومی کوتاه گردد.

Sponsored Candidate

نامزد مورد حمایت

کاندیدائی که از طرف اتحادیه های کارگری (حزب کارگر انگلستان) برای هزینه های انتخاباتی مورد حمایت مالی قرار می گیرد.

Spring of Prague

بهار پراگ

شرایطی که در سال ۱۹۶۸ در اثر برقراری دموکراسی سیاسی در چکسلواکی سابق ایجاد شد و مجموعاً از نظر دستگاههای خبری و مفسران سیاسی غربی، بهار پراگ نام گرفت. در انتخابات کمیته مرکزی حزب کمونیست این کشور، نووتنی که او را سمبل کمونیسم استالینی نامیده اند، در اقلیت قرار گرفت و مقام دبیر اولی حزب کمونیست به الکساندر دوبچک تفویض شد. وی با ترکیب مالکیت عمومی در اقتصاد و دموکراسی سیاسی در حکومت، باعث ایجاد تحولاتی شد. سانسور مطبوعات کاهش یافت و ورود نشریات خارجی آغاز شد. عده ای از عناصر افراطی راه تندروی در پیش گرفتند و حمله به شوروی (سابق) را آغاز کردند. از طرف کشورهای عضو ناتو و بویژه آلمان هم موج تبلیغاتی وسیع و گسترده ای در جهت این عناصر به راه انداخته شد. سرانجام در ماه اوت

Spatial Competition Theory

نظریه رقابت مکانی

زیر بخش نظریه گزینه اجتماعی و بیانگر این موضوع است که چگونه سیاستمدارانی که مایل به موفق شدن در انتخاباتند، در تلاش به منظور کسب رأی و جلب حمایت از سیاستهایشان، با رأی دهندگان تعامل می‌کنند. طبق این نظریه، رأی دهندگان می‌توانند فاصله بین خود و کاندیداها را در فضای چندبعدی سیاسی مورد سنجش قرار دهند یا به نزدیکترین کاندیدا به خود و یا به طور حساب شده به کاندیدای دورتری که امکان موفقیت بیشتری دارد، رأی بدهند.

Spatial Planning

برنامه‌ریزی فضایی؛ آمایش سرزمین

تنظیم و ساماندهی فضای جغرافیائی ساخت یافته از جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی به منظور استفاده مناسب از امکانات انسانی و فضائی سرزمین. این اصطلاح، مترادف Territorial Management است.

Speaker

رئیس مجلس

در ایالات متحده آمریکا، رئیس مجلس نمایندگان و در انگلستان رئیس مجلس عوام را گویند که از طرف اعضاء انتخاب می‌شود تا بتواند پس از تشکیل پارلمان، آن را سرپرستی کند.

Special Drawing Rights (SDR)

حق برداشت مخصوص

نوعی حساب اعتباری بانکی یا نوعی از ذخایر مالی بین‌المللی که طلای کاغذی نیز نام دارد و از سال ۱۹۷۰ توسط صندوق بین‌المللی پول برای تکمیل طلا و دلار، و برقراری تعادل در حسابهای پرداختهای بین‌المللی به وجود آمد. اکنون ۷۵ درصد از کل حق برداشت مخصوص بین ۲۵ کشور صنعتی و بقیه آن بین کشورهای در حال توسعه که در نظام پولی بین‌المللی مشارکت دارند توزیع شده است.

Special Envoy

فرستاده ویژه

رئیس یک مأموریت دیپلماتیک که وظیفه انجام یک مأموریت مخصوص و موقت را عهده‌دار است و معمولاً از بین شخصیتها و رجال سیاسی معروف انتخاب می‌شود.

Speculation

سفته‌بازی؛ سوداگری

خرید و فروش کالاها و اوراق بهادار برای کسب سود یا عملیات مالی و تجاری که برای استفاده و بهره‌جویی از نوسان قیمتها در بازار و بدون سرمایه‌گذاری و شرکت در تولید انجام می‌شود.

Sphere of Influence

منطقه نفوذ؛ حوزه نفوذ

کشورها یا مناطقی که دولت‌های بزرگ بدون انضمام آنها به خاک یا مستعمرات خود، در آنها نفوذ خاصی اعمال می‌کنند یا مترصد به دست آوردن نفوذ انحصاری در آنها هستند، بی‌آنکه بخواهند آن را تصرف کنند. موضوع تعیین منطقه نفوذ در اواخر قرن نوزدهم به دو صورت مختلف به موقع اجرا گذاشته می‌شد: ۱- سیستم مناطق خاک دوردست (Hinterland) که مثلاً کشور الف تعهد می‌کند بعضی از نواحی معین را استعمار نکند و در عین حال، کشور ب نیز تعهد می‌کند نواحی معین دیگری را

Sovietology**روس‌شناسی**

روس‌شناسی به‌عنوان یک رشته علمی و دانشگاهی چند سال پس از استقرار حکومت کمونیستی در روسیه مطرح شد. روس‌شناسی همه جنبه‌های زندگی اجتماعی روسیه و شوروی را بررسی می‌کند. در کنار مطالعات مهاجران روسی که به اروپا و آمریکا رفته بودند و سعی زیادی در حفظ و نشر آثار مربوط به روسیه و فرهنگ روسی داشتند، توجه نظریه‌پردازان لیبرال دموکراسی غرب به مارکسیسم و ضرورت شناخت روسیه شوروی به‌عنوان دشمن استراتژیک غرب نیز موجب تقویت روس‌شناسی شد و بویژه در دهه ۱۹۵۰ رونق خاصی یافت. مع‌هذا، روس‌شناسان نتوانستند تحولات سال ۱۹۸۹ در اروپای شرقی و شوروی را پیش‌بینی کنند.

Space Law**حقوق فضا**

مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر کلیه فعالیت‌های فضایی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در ماورای جو و کرات آسمانی. پیشرفت و توسعه فعالیت‌های فضایی از روز چهارم اکتبر سال ۱۹۵۷ که شوروی سابق، قمر "سپوتنیک" را به فضا پرتاب کرد، حقوق تازه‌ای به نام حقوق فضایی و ستاره‌نوردی یا حقوق کیهانی را فراهم نمود. مثلاً در ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۶۳ در قطعنامه انستیتو حقوق بین‌الملل مصوب بروکسل از جمله در مورد اصول زیر اتفاق آرا حاصل شد: ۱- استملاک ملی فضا و اجرام سماوی ممکن نیست. ۲- استفاده از فضا برای مقاصد مسالمت‌آمیز و صلح جویانه الزامی است. ۳- پیش‌بینی و سازمان دادن به همکاری بین کشورها برای مساعدت به فضانوردان و نجات آنان از خطر ضروری است. ۴- مسئولیت ضرر و خسارتی که از اشیای پرتابی به فضا ناشی می‌شود، قابل تسبیب به کشوری است که بنا به دستور آن کشور، اشیای مزبور به فضا پرتاب می‌گردد. عهدنامه ۱۹۷۹ ماه و عهدنامه سال ۱۹۶۷ فضای ماورای جو را نیز می‌توان به‌عنوان اساسنامه حقوقی فضای ماورای جو و نظام عمومی بهره‌برداری از آن تلقی کرد.

Space Warfare**جنگ فضایی**

استفاده از ماهواره‌های نظامی، سلاح‌های ضدماهواره‌ای و سیستم‌های دفاعی موشک‌های بالستیک به منظور کنترل مناطق ماورای جو و دفاع در مقابل سلاح‌هایی که از فضا یا زمین پرتاب می‌شوند. اکنون با توسعه ایستگاه‌های فضایی، پایگاه‌های دائمی برای اقامت انسان، بویژه در عرصه فعالیت‌های نظامی فراهم شده است.

Spassgesellschaft**جامعه تفریحی**

اصطلاح آلمانی که عده‌ای از جامعه‌شناسان آلمانی در دهه ۱۹۹۰ برای اشاره به جوامع پیشرفته صنعتی غربی به کار بردند. به نظر آنها، رفاه موجود در این جوامع، مردم را دچار رخوت خوشایندی کرده و به دنبال آرزوها و امیال شخصی، فراغت، مصرف بیش از حد و تفریح و سرگرمی‌کشاننده است. جامعه‌شناسان آلمانی هشدار دادند که جوامع غربی با غرق شدن در این گونه لذات و سرگرمی‌ها راه انحطاط می‌پیمایند. در دهه ۱۹۹۰، خلأ فرزاندگی و اخلاقی چنان بر جوامع پیشرفته صنعتی غربی سایه انداخته بود که مرگ یکی از بزرگترین سمبل‌های این جوامع (یعنی پرنسس دینا در سال ۱۹۹۷) بیشتر از کشتارهای دسته‌جمعی در بعضی کشورهای آفریقا و آسیا، توجه مردم جوامع تفریحی را به خود جلب کرده بود.

Sovereign

حاکم؛ پادشاه؛ فرمانروا

شخص، رکن یا دستگاهی که حاکمیت بدان واگذار شده است. در حکومت‌های سلطنتی به شخصی اطلاق می‌شود که وظایف رئیس دولت را انجام می‌دهد.

Sovereign Immunity Principle

اصل مصونیت رئیس کشور

در حقوق بین‌المللی برای رؤسای کشورها (مانند رؤسای جمهوری و پادشاهان) از لحاظ تعقیب کیفری مصونیت قائلند.

Sovereign State

دولت مستقل

دولت حاکم یا دولتی که در اداره امور داخلی، یعنی استفاده از منابع ثروت، تجارت داخلی و خارجی، انتخاب نمایندگان مجلس و هیأت حاکمه و سایر شئون اقتصادی و سیاسی آزادی و اختیار کامل داشته باشد و از نظر امور خارجی نیز بتواند نمایندگان سیاسی به کشورهای خارجی بفرستد و با آنان روابط بازرگانی برقرار کند و در اعلان جنگ و عقد صلح و سایر مسائل، هیچ قدرت خارجی نظر خود را به او تحمیل ننماید.

Sovereignty

حاکمیت

قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال اراده‌ای فوق سایر اراده‌ها. به عبارت دیگر، قدرت ناشی از آزادی و استقلال دولت - کشور که می‌تواند با اعمال حق حاکمیت، روابط خارجی و امور داخلی خود را تنظیم کند. حاکمیت، قدرتی است که نظم حقوقی از آن ناشی می‌شود و مشروط به هنجارهای خارجی یا هیچ پیش‌هنجاری نیست و قدرتی بالاتر از آن وجود ندارد. حاکمیت به دولت، موجودیت می‌بخشد و اصولاً از آن تفکیک‌ناپذیر است. حاکمیت داخلی از جمله شامل اختیارات دولت است برای اداره هیأت سیاسی کشور و اعمال قدرت در جهت پیگیری منافع و امور اتباع و شهروندان. حاکمیت خارجی نیز مستلزم نفی هرگونه وابستگی یا تبعیت در مقابل دولتهای دیگر است. حاکمیت به وسیله حقوق بین‌الملل محدود می‌شود. حق حاکمیت اگر در اختیار یک فرد باشد، حکومت را مطلقه و اگر در اختیار گروه معدودی باشد اولیگارشویی و اگر در اختیار مردم باشد، آن را دموکراسی می‌نامند.

Soviet (Council)

سوویت؛ شورا

واژه روسی به معنی شورا و نام واحد اولیه جامعه در سازمان سیاسی شوروی سابق. نخستین سوویتها، کمیته‌های انقلابی بود که در سال ۱۹۰۵ توسط سوسیالیستهای روسی از کارگران کارخانه‌های در حال اعتصاب، تشکیل شد. در سال ۱۹۱۷ که انقلاب روسیه شروع شد، شوراهایی از کارگران و سربازان و کشاورزان در سراسر کشور تشکیل یافت و از آن میان شوراهای تحت رهبری بولشویکها، حکومت کرنسکی را برانداختند. به‌طور کلی، شورا ارگانی است که براساس انتخاب از پایین شکل می‌گیرد.

Sovietism

شوروی‌گرایی

شوروی پرستی، شوروی‌گرایی یا طرفداری بی‌چون و چرا از شوروی سابق.

کسانی که شهریار یا فرمانروا خوانده می‌شوند، به‌طور جدی به مطالعه فلسفه بپردازند و این دو، یعنی قدرت سیاسی و عقل فلسفی را باهم درآمیزند. همچنین لازم است کسانی را که فقط به دنبال یکی از این دو، یعنی سیاست یا فلسفه هستند، از حکومت کردن منع کرد.

Soupape

سوپاپ (اطمینان)

واژه فرانسوی سوپاپ به معنی دریچه یا شیری است که روی دیگ بخار قرار دارد تا از منفجر شدن آن جلوگیری کند. به معنی مجازی، در مواردی به کار می‌رود که فشار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود داشته باشد و اولیای امور به رسانه‌های ارتباط جمعی اجازه انتقاد دهند. از این نوع انتقاد به عنوان سوپاپ اطمینان یاد می‌شود.

South Asian Association for Regional Cooperation (SAARC)

اتحادیه آسیای جنوبی برای همکاری منطقه‌ای؛ ساآرک

ایده تأسیس چنین اتحادیه‌ای از طرف ایندیرا گاندی و به منظور جلوگیری از نفوذ غرب در شبه‌قاره هند داده شد اما گامهای اولیه همکاری کشورهای آسیای جنوبی را بنگلادش برداشت. سرانجام در دسامبر سال ۱۹۸۵ که نمایندگان هفت کشور هندوستان، پاکستان، سریلانکا، بنگلادش، بوتان، نپال و مالدیو در شهر داکا گردآمده بودند، اتحادیه آسیای جنوبی برای همکاری منطقه‌ای تأسیس شد. هدف آن، تشکیل اتحادیه‌ای مشابه جامعه اقتصادی اروپا یا آسه‌آن در منطقه آسیای جنوبی است. به موجب منشور اساسی اتحادیه، هدف آن تقویت همکاریهای متقابل و ایجاد هماهنگی بین نظریات کشورهای عضو در قبال مسائل مربوط به منافع مشترک، در مجامع بین‌المللی است. هندوستان مایل است که این همکاریها به تجارت و صنعت و انرژی نیز تعمیم یابد. دبیرخانه اتحادیه در شهر کاتماندو قرار دارد.

South-East Asia Collective Defense Treaty

پیمان دفاع جمعی آسیای جنوب شرقی

عهدنامه امنیتی مشترک که در سال ۱۹۵۴ در مانیل (فیلیپین) برای مقابله با خطر تجاوز کمونیستی و براندازی داخلی به امضای نمایندگان کشورهای ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه، استرالیا، زلاند جدید، فیلیپین، تایلند و پاکستان رسید. پس از انحلال "سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی (سیتو)"، این عهدنامه از طریق یک پروتکل ویژه، حوزه امنیتی را به کامبوج، لاوس و ویتنام (جنوبی) گسترش داد، اما هنگ کنگ، کره جنوبی و تایوان از حوزه عمل آن مستثنی شدند.

South-East Asia Treaty Organization (SEATO)

سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی؛ سیتو

این سازمان در هشتم سپتامبر ۱۹۵۴ با شرکت ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه، استرالیا، زلاند جدید، فیلیپین، تایلند و پاکستان به منظور همکاریهای نظامی و اقتصادی (با ویژگی ضد کمونیستی) به وجود آمد. پاکستان در سال ۱۹۷۲ و فرانسه در سال ۱۹۷۳ از آن خارج شدند. سیتو در تاریخ ۳۰ ژوئن سال ۱۹۷۷ منحل شد، اما "پیمان دفاع جمعی آسیای جنوب شرقی" به قوت خود باقی است.

مرکب از عده کثیری زن و مرد و کودک است که در طی زمانی دراز، از اتکای متقابل اجتماعی و نظم گروهی بهره‌مند باشد. جامعه‌ای که وابسته محلی معین و از جوامع دیگر، کمابیش بی‌نیاز باشد، اجتماع خوانده می‌شود.

صورتبندی اجتماعی - اقتصادی؛ شکل‌گیری اجتماعی - اقتصادی

Socio-Economic Formation نظام اقتصادی - اجتماعی معین تاریخی و روبنای متناسب با آن. از نظر مارکسیستها، در تاریخ بشری پنج فورماسیون یا صورتبندی مشاهده می‌شود: کمون اولیه یا جامعه اشتراکی بدوی، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم. از نظر علمای اقتصاد سرمایه‌داری صورتبندیهای اجتماعی - اقتصادی به شرح زیر است: مرحله توحش، مرحله شبانی، مرحله کشاورزی، مرحله صنعتی و مرحله تجارتنی.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی

Socio-Economic Status این واژه هم بیانگر وضع اقتصادی، شیوه زندگی و هم منزلت و مقام شخص یا گروه در سلسله مراتب و یا نظام اجتماعی است.

حقوق نرم؛ حقوق ملایم

Soft Law دستورالعملهای بین‌المللی فاقد شرایط و مشخصات لازم برای قواعد حقوقی بین‌المللی که می‌توانند آثار خاصی را به وجود بیاورند. در نظام حقوقی اروپا: عهدنامه‌ها، قانونگذاری، اصول کلی حقوق، تصمیمات دادگاه‌ها، آثار و نوشته‌های حقوقی و حقوق نرم، از جمله منابع حقوقند. حقوق نرم، شامل اعلامیه‌های عمومی حسن نیت است، مانند آنچه که بعد از جلسات شورای اروپا صادر می‌شود. حقوق نرم جامعه اروپا، دربرگیرنده مقررات اخلاقی و رفتاری است که در مقایسه با مقررات لازم‌الاتباع و دارای ضمانت اجرا، در سطح غیرالزامی قرار دارند، ولی مطابق قصد تدوین کنندگان آنها باید برای مقررات یادشده، نفوذ و محدوده قانونی در نظر گرفته شود.

همبستگی

Solidarity ۱- همکاری و اشتراک مساعی افراد جامعه (ملی یا بین‌المللی) برای مرفه‌تر و مرفه‌تر ساختن زندگی و مقاومت در برابر ستم، تعدی و تجاوز. ۲- عنوان جنبش اتحادیه آزاد کارگری لهستان که در سال ۱۹۸۰ در برابر قدرت حزب کمونیست این کشور ایجاد شد و در سال ۱۹۸۹ به پیروزی رسید.

سفسطه؛ سفسطه‌گری

Sophistry ۱- قیاسی که ظاهر آن حق و باطن آن باطل و غرض از آن، گمراه کردن و از راه بدر بردن دیگران یا خودفریبی است. ۲- استدلال مبتنی بر مغالطه که مقصود از آن به غلط و اشتباه انداختن حریف و وادار کردن او به سکوت است.

حکومت خردمندان؛ فرزانة سالاری؛ حکومت فیلسوفان

Sophocracy حکومت فیلسوفان در نیکشهر یا مدینه فاضله، توسط افلاطون توصیف شده است. به نظر افلاطون، مدینه فاضله در صورتی تحقق می‌یابد که فیلسوفان در این جهان، شهریار شوند و یا

پیوند قشرهای مشابه جامعه، طبقه اجتماعی به وجود می آید.

Social Structure

ساخت اجتماعی؛ ساختار اجتماعی

شکل مشخص همبستگی انسانها در هر جامعه یا مجموعه‌ای متشکل از پدیده‌های همبسته اجتماعی، به شیوه‌ای که هریک وابسته به دیگری باشد و نتواند آنچه هست باشد، جز در ارتباط با سایر پدیده‌ها. ساختار اجتماعی با روابط و مناسبات مستقر و پابرجا و با قاعده و اسلوب در بین عناصر جامعه سروکار دارد.

Social Support

حمایت اجتماعی

قابلیت و کیفیت ارتباط با دیگران یا مورد محبت، احترام و مراقبت بودن شخص توسط اطرافیان.

Social System

نظام اجتماعی

ساختار سازمانی و نهادی اجتماع که از جمله شامل مقوله‌های ارزشی، نگرشها، ساختارهای قدرت و سنتهای جامعه می‌شود.

Social Traps

دامهای اجتماعی

موقعیتهای اجتماعی که باعث تحریک مردم برای عمل کردن مطابق منافع شخصی می‌شود تا منافع بلندمدت جمعی.

Social Trust

اعتماد اجتماعی

حسن ظن فرد نسبت به افراد جامعه. عناصر و جنبه‌های یک رابطه مبتنی بر اعتماد عبارتند از: صداقت، صراحت، سهیم کردن دیگران در اطلاعات و عقاید و افکار و احساسات، احترام و ارزش قائل شدن برای طرف مقابل، حمایت از تواناییها و شایستگیهای طرف مقابل، تمایلات همیارانه و یاریگرانه، رفتار اعتمادآمیز. برای ایجاد اعتماد اجتماعی باید شرایطی فراهم شود تا مردم در کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت کنند. به این منظور باید برای رفع تضادها و نابسامانیها و برقراری نظم و ثبات در جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه تلاش کرد، زیرا اعتماد اجتماعی در چارچوب روابط صحیح، عادلانه و منصفانه شکل می‌گیرد.

Social Unrest

ناآرامی اجتماعی

وضعیتی که در آن نارضایی از واقعه، جریان یا وضعی گسترش یابد و باعث بروز رفتارهای خشم‌آلود و گاهی نیز حرکت‌های انقلابی گردد.

Societal

جامعه‌گانی؛ اجتماعی وار

صفتی برای اشاره به ویژگیهای تشکیلاتی و ساختاری زندگی گروهی یا جامعه.

Society

جامعه

جامعه، طبق تعریف دکتر امیرحسین آریان پور، گروهی وسیع، شامل سازمانهای متعدد و

تأمین اجتماعی؛ امنیت اجتماعی**Social Security**

۱- پیش‌بینی و تدارک کمک دولت برای تأمین نیازهای مردم در نتیجه بیماری، بیکاری و سالمندی. ۲- مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه و یا دولت.

خدمات اجتماعی**Social Services**

خدماتی که از طرف حکومت به منظور بهبود رفاه اجتماعی برای نیازمندان، مثل سالمندان، فقیران، ناتوانان، کم‌داران و کودکان فراهم می‌شود. خدمات اجتماعی متضمن بیمه، یارانه مسکن، مراقبت بهداشتی، کمک هزینه خانواده و غذا است.

دولت خدمتگزار جامعه**Social-Service State**

در کشورهای غربی به دولتی اطلاق می‌شود که برای تأمین رفاه و بهروزی عمومی دست به اقداماتی بزند. این واژه مترادف واژه دولت بهبودبخش است.

موقعیت اجتماعی**Social Situation**

این واژه هم در مورد جایگاه و مقام شخص در سلسله مراتب اجتماعی به کار می‌رود و هم در مورد وضع و حالت شخص در برابر منافع و شرایطش.

روحیه اجتماعی**Social Spirit**

خصوصیتی که موجب می‌شود تا افراد، فعالانه و با علاقه زیاد در مسائل اجتماعی شرکت کنند.

پایگاه اجتماعی**Social Status**

ارزشی که جامعه بر یک نقش اجتماعی می‌گذارد یا منزلت و مقام فرد یا گروه در سلسله مراتب و یا نظام اجتماعی. پایگاه معینی که جامعه برای نقش معینی مقرر می‌کند، پایگاه محول نام دارد. پایگاه یا پایگاه‌های دیگر به میزان موفقیت فرد یا اعتقاد دیگران به میزان توانایی او دارد. این گونه پایگاهها را پایگاههای اکتسابی یا محقق می‌نامند. در میان عوامل مهم تعیین کننده پایگاه و نقش اجتماعی می‌توان از سن، جنسیت، مقام فرد در نظام خانوادگی و در نظام اقتصادی نام برد.

قشربندی اجتماعی؛ لایه‌بندی اجتماعی**Social Stratification**

۱- متفاوت بودن یا متفاوت شدن افراد در یک جامعه از نظر برتری و فروتری، خواه به واسطه قدرت اقتصادی، خواه نفوذ و پرستیژ یا هر عامل مهم اجتماعی دیگر. ۲- توسعه متناوب نابرابریهای ثروت، قدرت، نفوذ، امتیاز و آموزش در یک نظام اجتماعی. ۳- تقسیم عمودی جامعه به سطوح مختلف پایگاه اجتماعی.

قشر اجتماعی؛ لایه اجتماعی**Social Stratum**

۱- گروهی از انسانها که نقش (کار معین) و پایگاه (ارزش) اجتماعی یکسانی دارند، یا بخشهای درون یک طبقه اجتماعی. ۲- مجموعه‌ای از افراد یا گروههایی که در جریان قشربندی اجتماعی در یک سطح جای گرفته‌اند. کارمندان، دهقانان، کارفرمایان و کارگران از قشرهای اجتماعی هستند. از

این مسائل معمولاً ناشی از ناهماهنگی پیکربندی نهادی و فرایندهای اجتماعی اند و می توان در رفع یا تخفیف آنها کوشید. وقوع زلزله اگرچه یک مشکل اجتماعی نیست ولی شیوه ها و اقداماتی که برای رفع مصائب و بازسازی انجام می گیرد، امکان دارد به صورت مشکل اجتماعی درآید. اعمال ناپسند کجروان، از هم گسیخته شدن کنترلهای اجتماعی یا ناکامی در کاربرد روشهای مؤثر فنی در مقابله با این بلای طبیعی ممکن است متضمن مشکلات اجتماعی باشد. اعتیاد، بزهکاری نوجوانان، طلاق، ترک خانه و کاشانه، فساد در دستگاه حکومت، تبعیض و تعصب بین گروهها، مهاجرت، خودکشی، بیکاری، بینوایی و جنگ از جمله سایر مشکلات اجتماعی اند. جنگ با دیگر مشکلات اجتماعی از این جهت فرق دارد که رفع آن از عهده یک جامعه واحد بر نمی آید، بلکه نیاز به نوعی همکاری بین المللی دارد.

روانشناسی اجتماعی

Social Psychology

یکی از شاخه های جامعه شناسی که با تکیه بر جنبه روانی رفتارها و فعالیت های اجتماعی انسان به بررسی روابط و مناسبات اجتماعی افراد (اقتدار و انقیاد، مهرورزی و خصومت، جاذبه ها و دافعه ها، ستیزها و سازشها) و همچنین عوامل روانشناختی زندگی اجتماعی (پایگاه و نقش اجتماعی، طرز فکرها و عقاید قالبی) و بالآخره به بررسی عوامل اجتماعی در روانشناسی انسانی (عقاید، رفتارها، کنشها و واکنشهای اجتماعی مؤثر بر زندگی روانی) می پردازد.

روابط اجتماعی

Social Relations

ارتباط بین دو فرد یا دو گروه که ممکن است به صورت تفاهم و همکاری و دوستی یا تقابل و تنش و دشمنی و یا همسازی و انطباق باشد.

مناسبات اجتماعی

Social Relationships

شکل ثابت و جاافتاده روابط اجتماعی که با آن، واقعیتی روانشناختی و عاطفی و پیچیده مطرح می شود. مارکسیستها مناسبات اجتماعی افراد را متأثر از نیروها و روابط تولیدی می دانند.

انقلاب اجتماعی

Social Revolution

۱ - تغییر اساسی ساختار اجتماعی جامعه در جهت منافع مردم. ۲ - فروپاشی اساسی نظم اجتماعی که انتقال از یک صورتبندی اجتماعی - اقتصادی به صورتبندی اجتماعی - اقتصادی دیگر را ممکن سازد. این واژه همچنین مترادف "انقلاب" است.

نقش اجتماعی

Social Role

رفتار، کردار، وظیفه یا کار معینی که فرد در جامعه برعهده می گیرد. هر فرد در زندگی اجتماعی ممکن است چند نقش داشته باشد. نقشهایی که جامعه برای هر شخص معین می کند، نقش محول نام دارد و نقشهایی که توسط فرد به اجرا درمی آید نقش اکتسابی یا محقق خوانده می شود. اجرای یک نقش با اجرای نقش یا نقشهای دیگر یک فرد ممکن است مغایرت پیدا کند. مثلاً فردی که تمایل دارد در فعالیتهای شغلی یا سیاسی خود، چهره سرشناس و درخشانی شود، مجبور است از مصالح همسر و فرزندانش چشم پنهان یا فعالیت های خانوادگی اش را محدود نماید.

هدف و محور اصلی عبارت است از تأمین پیروزی و موفقیت جمع، بدون در نظر گرفتن منافع و حسابهای شخصی. شناخت این دو الگوی رفتاری در جنبشهای اجتماعی برای پیشرفت و توفیق آنها دارای اهمیت ویژه و حیاتی است.

نظم اجتماعی

Social Order

سازمان‌های جامعه بر اثر هماهنگی اجتماعی، باهم مناسباتی دارند که به آن نظم اجتماعی اطلاق می‌شود. در مورد گروه‌های انسانی، نظم به معنی آرامش، انتظام و اطاعت است. طرفداران مسلک فایده‌گرایی اعتقاد دارند که به نفع خود افراد است که نظم اجتماعی را حفظ کنند. عده‌ای نیز بر قدرت و سلطه به صورت‌های گوناگون نظامی، قضایی، اقتصادی، سیاسی و معنوی در ایجاد نظم تأکید می‌کنند. کارل مارکس و ماکس وبر از مفسران برداشت زوری از نظم اجتماعی‌اند.

سازمان اجتماعی

Social Organization

این واژه هم به یک وضعیت و هم به یک فرایند اطلاق می‌شود. از لحاظ وضعیت، سازمان اجتماعی ساخت واحدهای مختلف جامعه (نهادهای، مؤسسات، طبقات اجتماعی، گروه‌های خویشاوندی) است از نظر ارتباطی که با هم دارند. از لحاظ فرایند، به ایجاد هماهنگی بین واحدهای مختلف جامعه اطلاق می‌شود.

انگلی اجتماعی؛ طفیلی‌گری اجتماعی

Social Parasitism

این واژه برای توصیف حالت سرباران جامعه به کار می‌رود که تن به کار نمی‌دهند و از راه‌هایی مثل بهره‌کشی، بزه‌کاری، گدایی، فساد و باج گرفتن زندگی می‌کنند. در دهه ۱۹۵۰ قوانین ویژه‌ای علیه انگلی اجتماعی در شوروی سابق به‌مورد اجرا گذاشته شد. لنین، ثروتمندان و اوباشان را دو گروه عمده از طفیلی‌های دست پرورده سرمایه‌داری می‌دانست.

وضع اجتماعی

Social Position

جایگاه و مقامی که شخص در سلسله مراتب اجتماعی یا در نظامی مخصوص و در زمانی معین دارد.

فشار اجتماعی

Social Pressure

فشاری که از سوی جامعه یا محیط اجتماعی بر افرادی که در آن زندگی می‌کنند، تحمیل می‌شود. فشار اجتماعی، اعضای جامعه را مجبور می‌کند که با راه و رسم جامعه هم‌منوا شوند، یعنی تن به بعضی کارها بدهند و برخی امور را ممنوع شمارند و انجام ندهند. فشار اجتماعی به سه شکل ظاهر می‌شود: فشار بدنی (مثل شکنجه)، فشار روانی (مثل تحقیر و توهین) و فشار اقتصادی (مثل محرومیت‌های مالی و مقامی). در هر جامعه، چگونگی فشار اجتماعی و نیز مدارای اجتماعی به مقتضیات فرهنگی آن جامعه بستگی دارد.

مسأله اجتماعی؛ مشکل اجتماعی

Social Problem

هر نوع نابسامانی در جامعه که مشکل خاصی را به وجود آورد و باعث سختی و بدبختی شود یا ساختارهای اقتصادی نامطلوبی که باعث نابرابری و بی‌عدالتی گردد و نیاز به بهسازی داشته باشد.

انقلابی آموزشهای مارکس تلفیق کردند.

Socialist Revolution

انقلاب سوسیالیستی

انقلاب سوسیالیستی یا انقلاب پرولتری انقلابی است که کلیه زحمتکشان به رهبری پرولتاریا برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و نظام سوسیالیستی انجام می‌دهند. تئوری انقلاب سوسیالیستی توسط مارکس و انگلس در قرن نوزدهم تدوین شد.

Socialization

اجتماعی شدن؛ اجتماعی کردن

در جامعه‌شناسی به روند همگام شدن شخص با موازین زندگی اجتماعی اطلاق می‌شود و در سیاست به انتقال یک چیز از مالکیت خصوصی به مالکیت اجتماعی.

Social Justice

عدالت اجتماعی

۱- کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است. ۲- عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر، هر فرد براساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیتهای متناسب و نعمات برخوردار شود.

Social Milieu

محیط اجتماعی

مجموع اوضاع، شرایط و مقتضیات چارچوب زندگی اجتماعی که اعضای جامعه با آن مواجه‌اند.

Social Mobility

تحرک اجتماعی

۱- امکان بالا رفتن و یا پایین آمدن یک فرد یا یک گروه اجتماعی از یک طبقه یا رده اجتماعی به طبقه یا رده دیگر. ۲- انتقال فرد، از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر. مفهوم تحرک اجتماعی در جامعه‌شناسی غرب این است که اعضای مختلف گروهها و لایه‌های مختلف اجتماعی در نتیجه لیاقت، بی‌لیاقتی یا مختصات روحی خود بالا و پایین می‌روند و تضاد غیرقابل حلی بین گروهها و طبقات اجتماعی وجود ندارد. قابلیت تحرک اجتماعی مانند دریچه اطمینانی است که احتمال متوسل شدن طبقات پایین جامعه را به اقدامات انقلابی کاهش می‌دهد.

Social Movement

نهضت اجتماعی؛ جنبش اجتماعی

تلاش سنجیده، مداوم و متمرکز یک گروه اجتماعی برای رسیدن به هدفهای مشترک نظیر اصلاح، حفظ، تغییر یا از بین بردن نظام اجتماعی موجود. در جریان جنبشهای اجتماعی و انقلابی معمولاً دو الگوی رفتاری دیده می‌شود که یکی مبتنی بر فردگرایی و دیگری بر اساس جمع‌گرایی است. در الگوی رفتاری نوع اول، فردی که در درون جنبش اجتماعی قرار دارد، علی‌رغم پذیرش کلی و لفظی اصول و موازین درست، در عمل به دنبال اهداف شخصی مثل شهرت و مقام، خودنمایی، انتقام جویی و غلبه بر رقیب و کسب منافع مادی و معنوی است، ولی این مقاصد را در زیر پوششی از تظاهرات صوری اصولی و تشکیلاتی پنهان می‌دارد. در الگوی رفتاری نوع دوم،

جمعی بر وسایل تولید است. به نظر لنین، دموکراسی جامعه بورژوا همیشه محدود، ناقص، دروغین و ریاکارانه است. این دموکراسی، بهشت ثروتمندان و اغنیاست و برای استثمارشدگان و تهیدستان، دام و نیرنگی بیش نیست..

Socialist International

بین الملل سوسیالیست

انجمن جهانی احزاب سوسیال دموکرات و سوسیالیست که ربطی به سوسیالیسم علمی یا جنبش کمونیستی ندارد و طرفدار تحقق تدریجی پاره‌ای از اصول سوسیالیسم و دموکراسی از راه‌های پارلمانی و مسالمت‌آمیز است و عقیده مارکس را درباره مبارزه طبقاتی، کسب قهرآمیز قدرت سیاسی و دیکتاتوری پرولتاریا، مردود می‌شمارد. بین‌الملل سوسیالیست در سال ۱۹۵۱ به‌عنوان جانشین انترناسیونال دوم تأسیس شد و در حدود ۵۶ حزب از ۵۲ کشور جهان در آن شرکت دارند. دبیرخانه این انجمن در لندن قرار دارد.

Socialist Migration

مهاجرت سوسیالیستی

این اصطلاح، بویژه در مورد مهاجرت سیاسی ایرانیان به کشورهای سوسیالیستی شرق، بویژه شوروی سابق به کار رفته که اغلب چپها و کمونیستها بودند. چهار موج عمده مهاجرت سوسیالیستی: پس از کودتای سال ۱۲۹۹ و استقرار حکومت رضاشاه پهلوی، در سال ۱۳۲۵ در جریان فرقه دموکرات آذربایجان، در جریان کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و پس از بهمن سال ۱۳۶۱ به دنبال انحلال حزب توده و سازمانهای چپ صورت گرفت. بابک امیر خسروی و محسن حیدریان در کتاب مهاجرت سوسیالیستی و سرنوشت ایرانیان از جمله نوشته‌اند: کمونیستها و چپهای ایرانی با دنیایی از توهم، کشور شوراها را پناهگاه امن و خانه امید خود یافتند، اما در همانجا قربانی توطئه‌ها و مظالم یک نظام توتالیتر شدند و در بی‌خانمانی و دور از وطن، بسیاری به قتل رسیدند یا در اردوگاه‌های کار اجباری جان سپردند (بویژه در دهه ۱۹۳۰) و یا زجرها کشیدند و در بی‌خانمانی و دور از وطن، روزگار تلخی را سپری کردند.

Socialist Orientation

سمتگیری سوسیالیستی

راه رشد غیر سرمایه‌داری یا سیاست و خطمشی بعضی از کشورهای در حال توسعه در ایجاد شرایط لازم برای ساختن شالوده‌های سوسیالیسم (بدون‌گذار از مرحله سرمایه‌داری).

Socialist Realism

رألیسم سوسیالیستی؛ واقع‌گرایی سوسیالیستی

این واژه نخستین بار توسط ماکسیم گورکی و بوخارین به کار رفت و بیانگر وظیفه هنرمندان نسبت به حزب و کمونیسم است. هنرمندان براساس رألیسم سوسیالیستی باید از تمام جنبه‌های صورت‌گرایی و ظاهر پرستی اجتناب کنند و دنیای پرولتاریا را خوشبینانه و بزرگ جلوه‌گر سازند به طوری که بازتاب واقعی توسعه و تکامل انقلابی آن باشد. هنرمندان همچنین باید در امر تفسیر و تغییر جهان در جهتی که حزب ترسیم کرده است، بکوشند. به‌طور کلی، موضوع رألیسم سوسیالیستی، رهایی انسان از بندهای اسارت و بی‌عدالتی و استثمار است. این مکتب در واقع ادامه سنتهای انقلابی رألیسم روسی شمرده می‌شود که گورکی، لوناچارسکی و دیگران آن را با هدفهای

مؤسسات بزرگ اقتصادی. ۴- رایگان بودن آموزش و درمان. ۵- زمین مال کسی است که آن را کشت می‌کند. ۶- وجود امکان اشتغال برای عموم. ۷- بهره‌برداری از مازاد اقتصادی یا مابه‌التفاوت تولید و مصرف باید به‌عنوان یک امر اجتماعی (و نه اختصاصی) تلقی گردد.

Socialism in One Country

سوسیالیسم در یک کشور

هدف تعدیل شده انقلابیون روسی که پس از درک امکان ناپذیری انقلاب سوسیالیستی جهانی مطرح شد. استالین، عقیده تروتسکی را که طرفدار انقلاب مداوم بین‌المللی بود مردود شمرد و صریحاً اعلام نمود که ابتدا سوسیالیسم باید در یک کشور برقرار شود تا هم امکان‌پذیری آن ثابت شود و هم به‌صورت یک کانون ثابت و نقطه اتکای اهرم آینده برای تحریک انقلاب جهانی درآید.

Socialism with a Human Face

سوسیالیسم با سیمای انسانی

این اصطلاح برای اشاره به سیاست الکساندر دوبچک به کار رفته است که در ژانویه ۱۹۶۸ به‌جای نووتنی (که او را سمبل کمونیسم استالینی خوانده‌اند) به‌دبیر اولی حزب کمونیست چکسلواکی برگزیده شد و مفهوم آن عبارت است از ترکیب مالکیت عمومی در اقتصاد با دموکراسی سیاسی در حکومت. از نخستین اقدامات دوبچک، آزادی زندانیان سیاسی و گسترش آزادی‌های بیان و مطبوعات و اجتماعات بود. بهره‌مندی مردم چکسلواکی از درجه زیاد آزادی طی بهار و تابستان (که به‌بهار پراگ معروف است) به‌اندازه‌ای رسید که در مورد مسأله اجازه دادن به احزاب مخالف، به‌آزای عمومی مراجعه شد.

Socialist Calculation Debate

بحث محاسباتی سوسیالیستی

راه اقتصادی رسیدن به جامعه سوسیالیستی از زمان انتشار مانیفست کمونیستی در سال ۱۸۴۸ تا انقلاب ۱۹۱۷ روسیه مورد بحث بوده است. لودویگ فن می‌سس Mises اقتصاددان آلمانی در سال ۱۹۲۰ چنین مطرح کرد که در اقتصاد پیچیده کنونی، محاسبه میزان تولید کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی تنها در بازار ممکن است، جایی که می‌تواند ارزش مبادله آنها را مشخص سازد. یعنی، اگر قیمت کالاها و خدمات، توسط دولت‌ها و به‌نحو دلخواه تعیین شود، میزان عرضه و تقاضا، تولید و به‌طور کلی اقتصاد، عقلانی نخواهد بود. به عبارت دیگر، محاسبه عقلانی قیمت‌ها برای تخصیص بهینه منابع فقط در بازار امکان دارد. به نظر کمال اطهاری: تجربه نشان داده است که بازار را نمی‌توان بدون نهادسازیهای اقتصادی و اجتماعی و بالابردن سطح فرهنگی و ایجاد عقلانیت لازم شکل داد و به‌راه انداخت. برای همه اینها، بعلاوه تحقق امکانات زیربنایی لازم، باید برنامه‌ریزی کرد. در هر صورت، اکنون سوسیالیسم جدید بازار می‌کوشد بین هدفهای برابری، همبستگی اجتماعی و دموکراسی مستقیم با کارایی و تحرک اقتصادی، سازگاری ایجاد کند.

Socialist Democracy

دموکراسی سوسیالیستی

به‌نظر مارکسیست‌ها، دموکراسی که در غرب وجود دارد، دموکراسی بورژوازی است که در خدمت طبقه سرمایه‌دار قرار دارد، در حالی که شکل عالی دموکراسی، دموکراسی سوسیالیستی است زیرا به‌نفع اکثریت عظیم زحمتکشان و حافظ منافع آنها است و شالوده اقتصادی آن، مالکیت

به مفهوم پیروی کردن از سوسیالیسم در حرف و دنبال کردن سیاستهای امپریالیستی در عمل است.

Social Inequality

نابرابری اجتماعی

وضعیتی که در آن، اعضای یک جامعه از نظر ثروت و درآمد، مقام، فرصتها و امکانات با یکدیگر تفاوت داشته باشند. نابرابری اجتماعی را هم ناشی از مناسبات نامطلوب و هم ناشی از ساختمان جسمی و روحی بشر دانسته‌اند. همه مصلحین تأکید نموده‌اند که در عین نابرابریهای خلقتی باید در راه ایجاد شرایط وصول به سعادت و خوشبختی نسبی برای همه کوشید، یعنی کاری کرد که فرصتهای مساوی برای همه به وجود آید و عدالت برقرار گردد.

Social Inertia

سکون اجتماعی؛ بیحالی اجتماعی؛ رخوت اجتماعی

برکنار ماندن از تحولات و تغییرات اجتماعی و ادامه حیات براساس شیوه‌های گذشته.

Social Interaction

تعامل اجتماعی؛ کنش متقابل اجتماعی

تبادل کار و تلاش یا همکاری بین افراد و گروهها.

Socialism

سوسیالیسم؛ جامعه‌سالاری

۱- نظریه و سیاستی که هدف آن مالکیت یا نظارت جامعه بر وسایل تولید (مثل زمین، سرمایه و اموال مهم) و اداره آنها به نفع عموم است. ویژگی سوسیالیسم، تأکید بر نفع عمومی به جای نفع شخصی و برتری جمع است بر فرد. برنامه ریزی اقتصاد، تحقق دموکراسی سیاسی و اقتصادی، برقراری عدالت اجتماعی و طرد امپریالیسم سیاسی و اقتصادی نیز از جمله مشخصات سوسیالیسم است. ۲- از نظر مارکسیستها و در تئوری، سوسیالیسم عبارت است از تحقق همزمان مالکیت جمعی بر وسایل اساسی تولید و مبادله، اعمال قدرت سیاسی طبقه کارگر و متحدین آن، ارضای هرچه بیشتر احتیاجات مادی و معنوی دائماً در حال تزاید اعضای جامعه و ایجاد شرایط لازم برای تجلی شخصیت هر فرد. سوسیالیسم به جای اصل سرمایه، اصل کار را منشأ ارزیابی هر کس قرار می‌دهد. شاخص توزیع در سوسیالیسم عبارت از اجرای این شعار است که "از هر کس طبق استعدادش و به هر کس طبق کارش". سوسیالیسم و کمونیسم دو مرحله سافل و عالی یک صورتبندی اجتماعی و اقتصادی هستند که صورتبندی کمونیستی نام دارد. اگرچه در دو قرن اخیر، سوسیالیسم اشکال بسیار متنوعی یافته و در هر زمان گرایشهای تازه‌ای را برانگیخته است ولی اکنون دو جریان اصلی در سوسیالیسم علمی قابل تشخیص است: ۱- جریان اصلاح طلب که از نظر طرفداران آن، جامعه سوسیالیستی باید به‌رهایی فرد کمک کند نه اینکه وی را در قیدوبند جامعه اشتراکی اسیر نماید. آنها در عین وفاداری به اصول دموکراتیک می‌کوشند وسایل را در خدمت هدف قرار دهند و از طریق قانون به اصلاح جامعه همت گمارند. ۲- مجموعه جریانهایی که با مرجع قراردادن تحلیل‌های مارکسیستی، در عین تأکید بر تقدم جمع بر فرد، مالکیت اشتراکی وسایل تولید را شرط اساسی گذار به جامعه سوسیالیستی می‌دانند و براندازی نظام سرمایه‌داری را با هر وسیله‌ای حتی از طرق قهرآمیز تبلیغ می‌کنند. به‌طور کلی، مبنای سوسیالیسم را در اصول زیر خلاصه کرده‌اند: ۱- نفی استثمار انسان از انسان. ۲- تنها درآمد مشروع انسان کار است. ۳- کنترل اجتماعی منابع طبیعی و

برآوردن احتیاجات طبقات مختلف مردم، یکپارچگی، وحدت و انسجام اجتماعی.

Social Disorganization

بی‌سازمانی اجتماعی

فقدان هماهنگی بین جنبه‌های مختلف یک جامعه (مانند نهادها، ارزشها، گروه‌بندیها) که به تعارض و ستیز بین بعضی از جنبه‌ها با جنبه‌های دیگر منجر می‌شود و جامعه را از رسیدن به هدفهای خاص فرهنگی و اجتماعی خود باز می‌دارد. بیکاری جمعی، اغتشاشات قومی و نژادی، خودکشی، بزهکاری و تبهکاری از جمله نشانه‌های بی‌سازمانی اجتماعی‌اند. دگرگونی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی معمولاً با یکدیگر قرینند.

Social Distance

فاصله اجتماعی

طبقات و گروه‌های مختلف جامعه به وسیله موانع طبقاتی یا احساسات ناشی از مدارا، تعصب، نژاد، فرهنگ و طرز فکر از هم فاصله می‌گیرند به نحوی که اعضایشان نمی‌توانند با یکدیگر کنش متقابل اجتماعی داشته باشند.

Social Engineering

مهندسی اجتماعی

کوششی است سنجیده برای جلوگیری از مشکلات اجتماعی آینده یا بهبود جامعه فردا با طرح و اجرای نقشه‌های دقیق و محدود. مهندسی اجتماعی یا نقشه‌کشی اجتماعی یکی از انواع جنبشهای اصلاحی است که در کشورهای مختلف به کار بسته می‌شود. مهندسان اجتماعی برای رفع موانعی که در راه نقشه‌های اجتماعی قرار دارند، تدابیری به شرح زیر اتخاذ کرده‌اند: ۱- باید بجای اتکاء به امکانات نامسلم آینده به امکانات حال متکی شد. ۲- باید در تنظیم نقشه‌های دراز مدت از عواملی که اکنون وجود ندارند ولی جبراً در آینده ظاهر خواهند شد، غفلت نورزید. ۳- باید هر نقشه‌ای فقط به تحول یکی از شئون اجتماعی ناظر باشد. ۴- باید نقشه‌های اصلاحی را چنان طرح کرد که در زمان کوتاهی اجرا شوند. ۵- برای تنظیم و اجرای نقشه‌های اصلاحی باید از آخرین اکتشافات و اختراعات انسانی سود جست. ۶- برای آنکه نقشه‌های اصلاحی درست اجرا شوند، باید سازمانهای متمرکز و نیرومند و منضبطی به وجود آیند و نقشه سنجیده اصلاحی را بدون توجه به منافع خصوصی هر یک از اعضا یا گروه‌های جامعه به دقت اجرا کنند. ۷- باید حکومتها سرمایه کافی در اختیار سازمانهای نقشه‌کشی بگذارند.

Social Fact

واقعیت اجتماعی

این واژه در مورد پدیده‌های اجتماعی به کار می‌رود که اگر چه خارج از شخص قرار دارند، اما اعمال او را مقید می‌سازند.

Social Gravity

جاذبه اجتماعی

توان فرد در جذب عواطف دیگران.

Social Imperialism

سوسیال امپریالیسم

این واژه نخستین بار توسط لنین در سال ۱۹۱۶ در ارتباط با کارل کائوتسکی به کار رفت و

جامعه. آموزش و پرورش را یکی از تعیین کننده‌ترین عوامل کنترل یا تسلط اجتماعی دانسته‌اند.

Social Crisis

بحران اجتماعی

بروز نابسامانی، بی‌سازمانی و اختلال در جامعه، به نحوی که تعادل عمومی و روال عادی زندگی اجتماعی به مخاطره افتد.

Social Darwinism

داروینیسم اجتماعی

گروهی از جامعه‌شناسان و متفکران و سیاستمداران اروپایی در اواخر قرن نوزدهم، نظریه بقای اصلح و تنازع بقا در گونه‌های جانوران چارلز داروین را به‌حوزه مسائل انسانی تعمیم دادند و اعلام داشتند که در جهان انسانها نیز آن نژاد و ملتی شایسته بقا و زندگی است که در نبرد با سایر نژادها و ملتها بتواند پیروز شود. به‌نظر این گروه، جنگ امری مقدس شمرده می‌شد، زیرا ضعیفان را از میان برمی‌داشت و زورمندان را باقی می‌گذاشت. بدین ترتیب، نظریه داروین به‌منظور تأیید توسعه‌طلبی استعماری به کار گرفته شد. استدلال طرفداران داروینیسم اجتماعی چنین بود که وجود مستعمرات برای باقیماندن و پیشرفت قدرتهای بزرگ ضروری است. آنها همچنین استدلال می‌کردند که مردم بومی مستعمرات ضعیفند و به‌حمایت و راهنمایی مردم برتر یا قویتر نیاز دارند.

Social Democracy

سوسیال دموکراسی

واژه‌های سوسیال دموکرات و سوسیال دموکراسی بویژه در دورانی که حزب کمونیستهای روسیه، "حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه" نامیده می‌شد، به‌مفهوم خاص آنها به کار می‌رفت، نه به‌مفهومی که احزاب سوسیال دموکرات معاصر به آنها اطلاق می‌کنند. پس از انقلاب اکتبر در روسیه و ایجاد احزاب کمونیست، سوسیال دموکراسی در برابر کمونیسم و جریانات سوسیالیستی چپ قرار گرفت و مترادف با سوسیالیسم میانه‌رو است. سوسیال دموکراسی یا احزاب سوسیال دموکرات به‌واسطه مرزبندی با کمونیسم، جانبداری از دموکراسی پارلمانی و آمادگی اتحاد و ائتلاف با احزاب دموکراتیک مشخص می‌شود. به‌عبارت دیگر، سوسیال دموکراسی به آن بخش از نهضت کارگری و سوسیالیستی اطلاق می‌شود که ساختار دموکراتیک دولت را می‌پذیرد و خواهان دگرگونیهای اجتماعی از طریق اصلاحات است. اشتغال کامل، تولید زیاد، بالا بردن سطح زندگی مردم، توزیع عادلانه اموال و درآمدها، صلح و امنیت اجتماعی از جمله هدفهای اصلی سوسیال دموکراسی تا سال ۱۹۸۹ بوده است. به‌نظر عده‌ای، پس از تحولات سیاسی ۱۹۸۹ در شوروی سابق و اروپای شرقی، سوسیال دموکراسی به‌سرمایه‌داری گرایش پیدا کرده است.

Social Deterioration

تیرگی روابط اجتماعی؛ فساد اجتماعی؛ وخامت اجتماعی

این واژه، بیانگر وضع و حالتی در یک ملت یا جامعه است که به‌موجب آن، یاری و محبت و دوستی و انصاف به‌علت بی‌سازمانی اجتماعی در حال محو شدن و یا زوال است.

Social Development

توسعه اجتماعی

افزایش ظرفیت و توانائی مردم برای فعالیت دائم به‌منظور تأمین رفاه خود و جامعه و تحویل نهادهای اجتماعی در جهت برقراری عدالت اجتماعی، ارتقای فرهنگی، بهبود کیفیت زندگی و

Social Conscience**وجدان اجتماعی**

احساس مشترک مردمی که در زمان معین در جامعه‌ای زندگی می‌کنند. قواعد اخلاقی از وجدان اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و احساس مشترکی که مردم در زمان معین نسبت به امری پیدا می‌کنند، میزان دآوری درباره خوب و بد آن است. تشخیص احساسات مشترک مردم به‌سادگی ممکن نیست و چون میزان مشخصی در تمیز قواعد اخلاقی وجود ندارد، افراد به‌سلیقه خویش، اخلاق می‌سازند. مثلاً عده‌ای سقط جنین را به‌عنوان جنایت قلمداد می‌کنند و عده‌ای آن را کاری اخلاقی می‌دانند.

Social Contagion**واگیری اجتماعی**

انتشار و اشاعه اندیشه‌ها، گرایشها یا الگوهای رفتار در میان مردم از طریق کنش متقابل اجتماعی و بدون تعمق منطقی. مدیکی از صورت‌های مختلف واگیری اجتماعی است.

social Contract**قرارداد اجتماعی**

نام یکی از آثار مهم ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) که در آن، این نظریه تعقیب می‌شود که هر رژیم اجتماعی باید نتیجه موافقت آزاد و قرارداد بین مردم باشد. این نظریه مظهر شعارهای برابری و مساوات بورژوازی و دعوت به‌از بین بردن امتیازات صنفی فئودالی و استقرار جمهوری بورژوازی بود. به‌طور کلی، نظریه قرارداد اجتماعی، اساس فلسفی دولت را بیان می‌کند و برطبق آن، اصل حق الهی سلطنت یا پادشاهان جایش را به‌اصل رضایت مردم برای زندگی در پناه قدرت و عدالت دولت می‌دهد. این نظریه در قرون ۱۷ و ۱۸ در اروپا تکوین پیدا کرد و لویاتان، نوشته توماس هابز، قرارداد اجتماعی نوشته روسو و دو رساله در باب حکومت نوشته جان لاک از مهم‌ترین آثار در این مورد به‌شمار می‌روند. نظریه قرارداد اجتماعی برای تبیین اصل تأسیس دولت، از یک حالت فرضی به‌نام حالت طبیعی آغاز می‌کند که مردم از آزادی مطلق فردی برخوردارند ولی در عین حال، خود این آزادی برای آنها خطرهای فراوان جانی، مالی و استثماری دربردارد. لذا مردم برای رفع این خطرها با هم وارد نوعی قرارداد اجتماعی می‌شوند و از طریق آن، آزادیهای فردی مطلق را به‌دولت واگذار می‌کنند و دولت نیز حفظ و تضمین نظم و تأمین نیازهای اجتماعی را برعهده می‌گیرد.

Social Control**کنترل اجتماعی؛ تسلط اجتماعی**

۱- مجموع وسایل و تدابیری که از طریق آنها یک گروه یا یک واحد، اعضایش را به‌پذیرفتن هنجارها، رفتارها و قواعدی منطبق با آنچه گروه یا واحد، مطلوب می‌شمارد، وادار می‌کند. ۲- محدود کردن رفتار افراد در چهارچوب هنجارها و تغییرات موردپسند جامعه که معمولاً از طریق تمکین، جبر و تعهد در برابر ارزشهای اجتماعی تحقق می‌یابد. ۳- فرایندهایی که جامعه و گروه‌های تشکیل دهنده آن به‌وسیله آنها بر رفتار افراد جامعه تأثیر می‌گذارند و آنان را به‌هم‌نوازی با هنجارهای گروه سوق می‌دهند. کنترل اجتماعی معمولاً به‌دو طریق اعمال می‌شود: کنترل غیررسمی اجتماعی که با کارکردهای رسوم اخلاقی در کنترل رفتار انجام می‌شود مثل ستایش و سرزنش و کنترل رسمی اجتماعی با قوانین و مقررات، آئین‌نامه‌ها و نظایر اینها که ممکن است توسط دولت (اعمال‌کننده نهایی قدرت اجبارگر) به‌اجرا درآید و یا به‌وسیله گروه‌های مختلف

Social Choice Theory

نظریه‌گزینۀ اجتماعی

نظریه‌ای که رابطه بین رجحانهای فردی و انتخاباتی کل جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

Social Class

طبقه اجتماعی

۱- گروه نسبتاً پایداری که اعضای آن در تولید و بهره‌برداری از ثروت اجتماعی پایگاه کم و بیش یکسانی دارند. بعضی عوامل تعیین‌کننده طبقه اجتماعی عبارتند از: نوع فعالیت اقتصادی، مقدار درآمد، نوع و سطح آموزش رسمی، نوع سکونتگاه و محل وقوع آن، نوع فعالیت‌های تفریحی، عضویت در مؤسسات و انجمنها و موقعیت طبقاتی خانواده شخص در اجتماع. ۲- در ادبیات سیاسی چپ، گروههای بزرگی از افراد را گویند که از جهت مقامشان در نظام معین تولید اجتماعی، از جهت مناسباتشان با وسایل تولید، از جهت نقششان در سازمان اجتماعی کار و بنابراین از جهت شیوه دریافت و میزان آن ثروت اجتماعی که در دست دارند، از یکدیگر متمایزند. طبقات، آنچنان گروههایی از مردم هستند که از آنان یکی می‌تواند کار دیگری را به‌علت تفاوتی که میان مقام آنها در شیوه معین اقتصاد اجتماعی وجود دارد، به‌خود اختصاص دهد.

Social Climber

منصب‌جو؛ جاه‌طلب؛ مقام‌پرست

کسی که رابطه با دیگران را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که باعث ترقی یا ارتقایش گردد یا کسی که از همدریفها و آشنایان خود فاصله می‌گیرد و به‌طریق گوناگون درصدد ایجاد ارتباط با طبقات و شخصیت‌های بالاتر برمی‌آید.

Social Climbing

صعود اجتماعی

انتقال از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه اجتماعی دیگر با تغییر ارزش اجتماعی و در جهت ترقی.

Social Closure

انسداد اجتماعی

فرایندی که براساس آن برخی گروه‌بندیهای اجتماعی، دیگران را از دستیابی به منافع و فرصتها محروم می‌سازند، مثل کنترل دارائی و انحصار مدارک رسمی بویژه گواهینامه‌های تحصیلی.

Social Cohesion

همبستگی اجتماعی

میزان وحدت و انسجام در درون یک جامعه ملی که هنگام روبرو شدن با دشمنان خارجی یا مشکلات داخلی مشخص می‌شود.

Social Conditions

شرایط اجتماعی؛ اوضاع اجتماعی

اوضاع و احوال اجتماعی که امکان تغییر و دگرگونی در آن از طریق عمل اجتماعی مؤثر وجود دارد. شرایط اجتماعی موجب می‌شود تا یک شخص یا گروه در جامعه، وضع یا موقعیتی خاص پیدا کند. اکنون شرایط اجتماعی بیشتر تابع سطح درآمد، تحصیلات و نوع فعالیت در جریان تقسیم کار اجتماعی است تا تولید در یک گروه و طبقه خاص.

سرمایه اجتماعی

Social Capital

این اصطلاح، گاهی به معنی وسیع به کار رفته و ثروت اجتماعی و درآمد اجتماعی را دربر گرفته است و گاهی در معنی محدود به کار رفته و منابع و تجهیزات غیر فردی و غیر خصوصی را شامل شده است. اما در معنی جدید، بخش فرهنگی جوامع مدرن را تشکیل می‌دهد که از عصر روشنگری براساس عقلانیت، نهادهای رسمی مانند حکومت قانون پایه‌گذاری شد. در سالهای اخیر، مفهوم سرمایه اجتماعی توسط متفکرانی مثل پییر بوردیو Bourdieu در سال ۱۹۷۹، کالمن Coleman در سال ۱۹۸۸ و رابرت پوتنام Putnam در سال ۱۹۹۳ مطرح شد. فوکویاما Fukuyama نویسنده آمریکائی ژاپنی تبار نیز سرمایه اجتماعی را هنجاری غیر رسمی می‌داند که همکاری بین دو یا چند نفر را ارتقا می‌دهد. هنجارهایی که تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی هستند، از روابط متقابل بین دو نفر تا آئین‌ها و رسمهای منظم و پیچیده (مثل مسیحیت و اسلام) تنوع دارند. این هنجارها باید در روابط واقعی بین انسانها جستجو شود. یعنی هنجار رابطه متقابل به شکل بالقوه در روابط فرد با تمام مردم وجود دارد، ولی فقط در روابط با دوستان به مرحله عمل درمی‌آید. طبق این تعریف، اعتماد، شبکه‌ها، جامعه مدنی و مانند اینها که با سرمایه اجتماعی در پیوندند، همه، مفهوم‌های مشروطی هستند که اگرچه از سرمایه اجتماعی ناشی می‌شوند، اما در خود این مفهوم، حضور ندارند. به نظر فوکویاما، دولت‌ها می‌توانند هم اقدامات مثبتی برای ایجاد سرمایه اجتماعی انجام دهند و هم از کاهش آن جلوگیری کنند. اول اینکه دولت‌ها اهرمهای زیادی برای ایجاد صورتهای مختلف سرمایه اجتماعی ندارند. سرمایه اجتماعی معمولاً محصول جانبی دین، سنت، تجربه مشترک تاریخی و دیگر عوامل خارج از کنترل دولت است. دوم اینکه تنها حوزه‌ای که دولت‌ها می‌توانند به صورت مستقیم و به میزان زیاد بر سرمایه اجتماعی اثر بگذارند، آموزش و پرورش است. سوم اینکه دولت‌ها به صورت غیرمستقیم و از راه اثرگذاری بر تهیه احتیاجات عمومی می‌توانند بر ایجاد سرمایه اجتماعی اثر بگذارند. چهارم آنکه وقتی دولت‌ها اقدام به فعالیتهایی می‌کنند که بهتر است به بخش خصوصی یا جامعه مدنی واگذار شود، بر سرمایه اجتماعی اثر منفی می‌گذارند.

دگرگونی اجتماعی؛ تغییر اجتماعی

Social Change

این واژه کلی و مبهم، معمولاً به معنی تغییر در فرایندهای اجتماعی یا ساختار جامعه و بویژه در بحث از گذر جوامع سنتی به جوامع صنعتی و جدید مطرح می‌شود. دگرگونی اجتماعی ممکن است مثبت یا منفی، پیشرو یا واپسگرا، خودبه‌خودی یا دستوری، کند یا سریع، جزئی یا کلی، سطحی یا عمیق و موقت یا دائمی باشد. دگرگونی اجتماعی، فرایند پیچیده‌ای است که تأثیر و تأثر عوامل گوناگون مثل اختراع، تراوشات ناشی از فرهنگها یا اشاعه و ویژگیها از جوامع دیگر، افزایش یا کاهش جمعیت، تکنولوژی، شخصتهای بزرگ، جنبشهای اجتماعی، آموزش و پرورش و بی‌سازمانی اجتماعی را که در هر یک از موارد معین دگرگونی اجتماعی دخیلند، شامل می‌شود. عادت، ترس از گسسته شدن رشته تداوم، سنت‌گرایی، صاحبان منافع و مقاومت ایدئولوژیک نیز از عوامل عمده ایستادگی در برابر تغییرات اجتماعی است.

Small Powers

کشورهای کوچک؛ قدرتهای کوچک

کشورهایی که معمولاً دارای جمعیت، منابع طبیعی و وسعت خاک کافی هستند ولی چون از نظر صنعتی، اقتصادی و تکنولوژی نظامی عقب مانده‌اند، به کشورهای کوچک معروف شده‌اند، مثل بعضی کشورهای آفریقایی و آسیایی.

Smear Word

لقب موهن

عنوان اهانت‌آمیزی که برای بدنام کردن شخص یا سازمانی به کار رود، مانند اینکه بر کسی انگ فاشیست یا جلاد زده شود.

Smoke-Filled Room

جلسه خصوصی سیاست‌بازان؛ اتاق پر دود

اتاق پراز دود سیگار در یک هتل، محل سنتی بحث‌های سیاسی خسته‌کننده، بویژه در مجمع کنوانسیون) نمایندگان یک حزب سیاسی برای تعیین نامزد یا کاندیدا در انتخابات آینده. مثال بارز آن، بحث‌ها و مذاکراتی است که در سال ۱۹۲۰ به نامزدی وارن هاردینگ (جمهوریخواه) انجامید که در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در برابر نامزد حزب دموکرات به پیروزی قاطع رسید.

Snob

آدم افتاده‌ای؛ فخر فروش؛ تظاهر پسند؛ متکبر؛ اسنوب؛ بزرگنما؛ تشخص مآب؛ آدم متفرع

۱- کسی که به موقعیت اجتماعی یا ثروت احترام فوق‌العاده‌ای نشان می‌دهد، از داشتن مناسبات اجتماعی پست‌تر شرم‌منده است، با افرادی که از نظر اجتماعی از خودش بالاترند چاکرانه رفتار می‌کند، ظاهربین است، کار و سلیقه افرادی را که از خود پائین‌تر می‌داند تحقیر می‌کند. ۲- کسی که می‌کوشد خود را مثل افراد برجسته، بالای جامعه بنمایاند و در این راه از اطوار، سلیقه‌ها، شیوه‌های آنان تقلید می‌کند بی‌آنکه آنها را به درستی بشناسد و نیاز عمیقی به آنها داشته باشد. ۳- کسی که خود را می‌گیرد یا خیلی بزرگ می‌داند.

Sociability

مردم‌آمیزی؛ جامعه‌پذیری؛ اجتماعی بودن؛ مردم‌داری

خصوصیت و حالت کسی که به مشارکت با اعضای جامعه علاقه‌مند است و زندگی در جامعه را دوست می‌دارد، در پناه آن آرام می‌گیرد و ترس و وحشت او در آمیزش با سایر افراد جامعه فرو می‌ریزد. به نظر ساموئل فون پوفندورف (۱۶۹۴-۱۶۳۲) حقوق‌دان آلمانی، دو انگیزه بر طبیعت انسان مسلط است: مردم‌آمیزی و صیانت نفس. چون میان این دو انگیزه، هماهنگی وجود ندارد، باید به اجبار میانشان هماهنگی ایجاد کرد.

Sociable

مردم‌آمیز؛ جامعه‌پذیر؛ معاشرتی؛ اجتماعی؛ مردم‌دار

کسی که علاقه‌مند به مشارکت با اعضای جامعه است یا به‌طور ارادی و غیر ارادی، به سوی هنجارها و شیوه‌های رفتار جمعی جذب می‌شود.

Social Action

عمل اجتماعی؛ اقدام اجتماعی

اقدام ارادی و معمولاً سازمان یافته برای ایجاد تغییر یا دگرگونی در محیط و شرایط اجتماعی (بویژه برای کاستن از نابرابری شرایط زندگی اجتماعی طبقات محروم).

شمالی برده‌ها را مخلوقات گناهکاری به حساب می‌آوردند که می‌بایست از لحاظ تولید مثل و روابط جنسی به بندکشیده شوند، در صورتی که کاتولیک‌های آمریکای جنوبی با برده‌ها رفتار بهتری داشتند.

Sleeper Agent

مأمور خوابیده؛ عامل خفته؛ جاسوس خاموش

جمعیت‌های سری سیاسی همواره گروهی از اعضای خود را به صورت غیرفعال نگاه می‌دارند، یعنی در هیچ‌گونه فعالیت سیاسی آشکار شرکت نمی‌دهند تا در فرصت مناسب به آنها مأموریتی محول نمایند. عوامل ضداطلاعات دولتها نیز معمولاً عناصری را به نام خفتگان یا جاسوسان خاموش و یا موشهای کور به درون دشمن نفوذ می‌دهند. عوامل خفته تا وقتی که توسط متصدیان اطلاعاتی بیدار نشده‌اند به زندگی کاملاً عادی خویش در مناطق دشمن ادامه می‌دهند. جاسوسان خاموش معمولاً در زمان صلح و بویژه از کانالهای تجارت و فرهنگ به مناطق دشمن راه می‌یابند.

Slogan

شعار

از نظر سیاسی، پیام کوتاه و جذابی است که به روشنی و اختصار، هدف و موضوع مهمی را که یک حکومت یا سازمان سیاسی در یک مرحله یا لحظه معین تاریخی در مقابل دارد، بیان می‌کند. در شعارهای سیاسی معمولاً از امور بدیهی استفاده به عمل می‌آید تا پیوستن به مرام، حزب یا اقدام به عملی را موجب شوند. از نظر تبلیغاتی، پیامی است کوتاه که امتیازات یک کالای تجارتي خاص یا اعلام کارخانه خاصی را در چند کلمه ساده، عامیانه و گیرا خلاصه می‌کند.

Slow-Down Strike

اعتصاب کندکاری

اعتصابی که در آن، کارگران کار را ترک نمی‌کنند اما به عمد، از کفایت و کارایی خود می‌کاهند، به طوری که کار فرما به زودی احساس می‌کند که میزان تولید کاهش یافته است.

Slum

فقیر آباد؛ محله فقیرنشین؛ گدا آباد؛ حلبی آباد؛ زاغه؛ آلوتک

محلات کثیف حاشیه شهرها و محل سکونت روستائینی که نه به منظور تأمین زندگی شرافتمندانه، بلکه برای کسب سود بیشتر و به هر قیمتی، خانه‌های روستائی خود را ترک می‌کنند و به حاشیه شهرها هجوم می‌آورند و خانه‌هایی از حلبی یا هر چیز دیگر می‌سازند و از طریق مشاغل مثل گدائی، دزدی، قاچاق، خوددروشی و دلالتی زندگی می‌کنند.

Slyboots

آب زیرکاه

کسی که در ظاهر، خود را صالح، خوشخوی و نیکوکار جلوه دهد و در باطن، فاسد و بدخوی و فتنه‌انگیز باشد؛ چون شود دشمن ملایم احتیاط از کف‌مده، مگرها در پرده باشد آب زیرکاه را (صائب).

Small Group

گروه کوچک

ترکیب افرادی است (حداکثر ۲۵ نفر) که در یک زمینه معین و انحصاری نسبت به سایر افراد، کنش و واکنش بیشتری داشته باشند و روابط آنها چهره‌به‌چهره باشد.

از نوع نژاد و طبقه و ملیت، دارای مشکل مشترکی به نام مردسالاری هستند. عده‌ای، مفهوم خواهری را از این جهت که تفاوت بین زنان را نادیده می‌گیرد یا بر آن سرپوش می‌گذارد، مورد انتقاد قرار داده و مفهوم همبستگی را پیشنهاد کرده‌اند.

Sit-Down Strike

اعتصاب نشسته

اعتصابی که در آن، کارگران پس از اعلام اعتصاب، محل کارخانه را تا زمانی که کارفرما حاضر به قبول مذاکره و انعقاد قرارداد نکرده، ترک نمی‌کنند. گاهی به‌حالی که کارگران دست از کار بکشند و روی زمین یا مدخل کارخانه بنشینند نیز اعتصاب نشسته اطلاق شده است.

Sixth Column

ستون ششم

این واژه برای اشاره به امپریالیسم خبری، تهاجم فرهنگی یا نقش مخرب تبلیغاتی رسانه‌های گروهی بعضی کشورها در امور داخلی کشورهای دیگر به کار رفته است. اصطلاح ستون ششم با توجه به واژه "ستون پنجم" ساخته شده است.

Skinheads

کله طاسها؛ سرتراشیدگان

گروه‌های اروپائی (و آمریکائی) راستگرا، شرور، خشن، نژادپرست، نئوفاشیست، نئونازی و مخالف چپی‌ها، یهودیان، کولیها، اقلیتهای قومی و پناهجویان Asylum-Seekers و بویژه پناهجویان آسیائی. سرتراشیدگان دارای ساز و برگ مخصوص به خود مثل انواع آویزها و چکمه‌ها هستند.

Slander

تهمت؛ افترا

تهمت ساختن ناروای فرد، گروه یا سازمان از روی بدخواهی، انگیزه‌های خودخواهانه، رشک، انتقام و یا به قصد صدمه وارد کردن به افتخار، پایگاه اجتماعی یا ارزش و اعتبار آنها. تهمت به‌عنوان یک پدیده اجتماعی بویژه در شرایط بی‌اعتمادی و بدگمانی قدرت دولتی به شهروندان مشاهده می‌شود. در این شرایط، وجود خصومت و دشمنی بین مردم از مشخصات رژیمهای استبدادی است. تهمت و افترا ممکن است برای تقیب، محکوم کردن و انتقاد و به‌عنوان مثال، از طریق اطلاعات افتراآمیز و بدنام کننده و بدون امضا و هویت پخش شود. یکی از راههای مبارزه با افترا، تقویت دموکراسی، حمایت قانونی از شهروندان در برابر اتهامات ناروا و آزادی بیان است.

Slavery

برده‌داری

نظام اقتصادی - اجتماعی که براساس مالکیت گروهی از انسانها بر انسانهای دیگر به‌مثابه وسیله تولید شکل گرفته است. در نظام برده‌داری، برده‌دار مالک جان و مال و ناموس برده است و می‌تواند برده را بفروشد، بکشد و شکنجه کند و حاصل کار برده از آن او است. نخستین طلیعه برده‌داری در تاریخ رم باستان است و در قرن نوزدهم در ایالات متحده آمریکا نیز برده‌داری با پاره‌ای ویژگیها بروز کرد. پنبه‌ای که با کار برده‌ها در ایالات جنوبی این کشور به‌دست می‌آمد، نقش برجسته‌ای در توسعه سرمایه‌داری صنعتی آمریکا داشت. ظاهراً وضع ایالات جنوبی آمریکای شمالی شکلی از سرمایه‌داری زراعی با استفاده از کار برده‌ها بود. به‌نظر عده‌ای، برده‌داری در ایالات جنوبی آمریکای شمالی بسیار خشن‌تر از نوع رایج آن در آمریکای جنوبی بوده است، زیرا پروتستانهای آمریکای

و اعتبار برسند. برای مهار جامعه نیز معمولاً عده‌ای از افراد متنفذ را رشوه گیر و فاسد می‌کنند تا به دستگاه دیکتاتوری وابسته شوند.

Single Issue Politics

سیاست مسائل منفرد

این سبک از سیاست با جنبش اجتماعی جدید و ظهور ارزشهای پست - ماتریالیسم همبسته است. سبک قدیمی سیاست که بر پایه شکاف بین مذاهب و طبقات اجتماعی قرار داشت، به تدریج با مصرف‌گرایی و جدائی دین از سیاست تضعیف شد. ایدئولوژیهای قدیمی، وفاداریهای حزبی و سازمان حزبی هم به واسطه تلویزیون ضعیف شده و در عوض باعث تقویت گروه‌های فشار، بویژه در بین جوانان شده است. محبوبترین گروه‌ها را گروه‌های با مضمون غیر اقتصادی و غیر جهانی - مثل جرم، مواد مخدر، محیط زیست‌گرایی، حقوق بشر، ضد سقط جنین، طرفداری از سقط جنین و نهضت آزادی زنان - تشکیل می‌دهند.

Single-Party System

نظام یک حزبی

نظام سیاسی که به موجب آن، کشور از طریق یک حزب اداره می‌شود. اندیشه نظام سیاسی تک حزبی اولین بار توسط لنین تشریح گردید که می‌گفت دولت با همه سازمانهای اداری، قضایی، انتظامی و ارتشی در یک کشور سرمایه‌داری، نگهبان منافع یک اقلیت سرمایه‌دار است، لذا استثمارشوندگان برای برانداختن طبقه استثمارگر باید فقط در یک حزب گرد آیند، زیرا تعدد احزاب، موجب تفرقه نیروهای استثمار شونده می‌شود. نظام سیاسی یک حزبی که نخستین بار در شوروی سابق مستقر شد به نظام سیاسی سوسیالیستی، و نظام سیاسی یک حزبی آلمان و ایتالیا در دوره هیتلر و موسولینی به نظام سیاسی فاشیستی معروف است. نظام یک حزبی فاشیستی برخلاف نظام یک حزبی سوسیالیستی، منکر وجود طبقات و مبارزه طبقاتی است و خود را نماینده تمام ملت می‌داند و به جای ساختن جامعه بدون طبقات، می‌خواهد اتحاد ملی و یا اتحاد میان طبقات متضاد را برقرار کند. با تمام اختلافاتی که میان نظام یک حزبی سوسیالیستی با نظام یک حزبی فاشیستی وجود دارد، در یک مورد لاقبل مشترکند و آن، نبودن امکان آزادی و فعالیت برای جمعیتها و احزاب سیاسی، غیر از حزب رسمی و دولتی است.

Single Transferable Vote

رای واحد قابل انتقال

نظام انتخاباتی که در بعضی کشورها مثل استرالیا و ایرلند رایج است و براساس آن، تعدادی از کرسیها - بین سه تا هفت مورد - به صورت همزمان پر می‌شوند. رأی دهندگان، کاندیداهای مورد نظر را براساس اصل رجحان در فهرست خویش قرار می‌دهند. انتخاباتهای اول، شمرده می‌شوند. کاندیداهایی که به «سهمیه دروپ» برسند، انتخاب می‌شوند و آرای اضافی آنها به کاندیدای بعدی - مشروط به اینکه در فهرست رأی دهندگان باشد - منتقل می‌شود.

Sisterhood

خواهری

رابطه خواهری بیانگر پیوند میان زنان و خودباوری و هویتی است که از دیدگاه زن محور به زنانگی ناشی می‌شود. اساس رابطه خواهری، آگاهی در مورد این واقعیت است که زنان، همگی فارغ

درازگونی ساکت؛ فیلیباستر خاموش؛ اطلاع کارشکنانه کلام در سکوت**Silent Filibuster**

روشی که براساس آن، حزب اقلیت (در آمریکا) درخواست خواندن اسامی نمایندگان را می‌کرد تا آشکار شود که آیا حد نصاب لازم برای رسمیت جلسه حاصل شده است یا خیر. آنگاه که اسامی قرائت می‌شد، نمایندگان حزب اقلیت ساکت می‌ماندند و اعلام نمیکردند که در مجلس حضور دارند. طبق آیین نامه مجلس، حضور نماینده می‌بایست هنگام خواندن اسامی به صدای بلند اعلام شود. چون حد نصاب برای رسمیت جلسه، حضور اکثر نمایندگان بود، از این روش، روش نمایندگان اقلیت که اثر آن مانند اطلاع کارشکنانه کلام بعضی از وکلای برای جلوگیری از پایان مذاکرات و اخذ رأی بود، مجلس را از انجام وظیفه باز می‌داشت. لذا این کار، اطلاع کارشکنانه در سکوت خوانده شده است.

اکثریت خاموش**Silent Majority**

۱- اکثریت افراد یک جامعه که به دلایلی مثل مصلحت اقتصادی و فرهنگ پائین، در مقابل سیاستهای غیر دموکراتیک هیأت حاکمه سکوت اختیار کنند. ۲- به‌انبوه مردم متفرق یا به‌هم پیوسته‌ای اطلاق می‌شود که توجه آنها معطوف به یک موضوع مشترک است بدون اینکه نسبت به آن، واکنش آشکاری از خود نشان دهند.

منطقه اعیان نشین**Silk Stocking District**

ناحیه جوراب ابریشمی، کنایه از محله‌ای است که در آن، ثروتمندان و اشراف زندگی می‌کنند.

سمپاتیزان؛ هوادار**Simpatizante (Sympathizer)**

واژه اسپانیولی که بیشتر برای اشاره به عناصر پشت جبهه سازمانهای چریکی شهری به‌کار می‌رود که در سیستم سازماندهی تیمی قرار ندارند، اما سازمان از امکانات آنها مثل خانه و پول بهره‌برداری می‌کند. سمپاتیزان به‌طور کلی به‌فرد طرفدار یا متمایل به‌سازمان یا حزب اطلاق می‌شود که سازمان یا حزب (موردنظر) را بر سازمانها و احزاب دیگر ترجیح می‌دهد و گاهی به‌آن کمک هم می‌کند ولی از جمله به‌دلایل زیر از پیوستن به‌صفوف حزبی امتناع می‌نماید: سمپاتیزان با عدم امکان مالی مواجه است، شغل او به‌او اجازه شرکت در فعالیتهای حزبی را نمی‌دهد مثلاً در برخی کشورها مستخدمین دولتی و مؤسسات عمومی از شرکت در بعضی احزاب نهی شده‌اند، شغل خود را با ورود در سنگرهای حزبی مغایر تشخیص می‌دهد، وقت ندارد، از مشکلات بخصوصی بیم دارد، از قبول عضویت خودداری می‌کند زیرا از شرکت در سنگر حزبی منجر است و نمی‌خواهد استقلال خود را از دست بدهد.

دیکتاتوری ساده**Simple Dictatorship**

نوعی دیکتاتوری که در آن دیکتاتور فقط از طریق تسلط مطلق بر نیروی انتظامی و ارتش و دستگاه اداری و قضائی اعمال قدرت می‌کند. این نوع دیکتاتوری در کشورهای که مردم آگاهی سیاسی ندارند برقرار می‌شود و در آنها سیاست در دست گروهها و جرگه‌های کوچکی است که برای به‌دست آوردن منفعت با یکدیگر رقابت می‌کنند و نزدیکی با دیکتاتور به آنها امکان می‌دهد که به‌پول

محاكمه نمايشی

Show Trial

نوعی دادرسی فرمایشی که مشخصات اساسی آن عبارت است از تبلیغات گسترده، متهم یا قربانی به دقت انتخاب شده به عنوان سمبل کسانی که دولت در صدد از بین بردن آنها است، رأی از پیش تعیین شده، وجود قاضی خود فروخته و نبودن هیچ اثری از عدالت و داوری واقعی. اصل این محاکمه‌های فرمایشی، اعتراف علنی متهمان است. به طور کلی، هدف از محاکمه‌های فرمایشی، تهدید تمام مردم است.

دیپلماسی پروازی؛ دیپلماسی در حرکت؛ دیپلماسی رفت و آمدی

Shuttle Diplomacy

دیپلماسی استفاده از فرستادگان ویژه در شرایط حساس و بحرانی. این واژه برای اشاره به مأموریت‌های ویژه‌ای به کار رفته است که مخصوصاً در دیپلماسی ایالات متحده آمریکا و شورای امنیت ملل متحد رایج است و در آنها فرستادگان ویژه رئیس جمهوری یا شورای امنیت با پروازهای پی‌درپی و سریع به نقاط حساس یا بحرانی جهان مأموریتشان را انجام می‌دهند.

کمرونی

Shyness (Bashfulness, Timidness)

۱- احساس معذب بودن و دستپاچگی و خجالت شدید در حضور دیگران. ۲- ویژگی شخصیتی که به موجب آن، فرد پاسخهای اجتماعی خود را تا حدودی منع می‌کند و با رفتار خجالتی، تودار و فاقد اعتماد به نفس مشخص می‌شود. کمرونی خصوصیت اخلاقی منفی فرد ضعیف‌الاراده‌ای است که نمی‌تواند اصول اخلاقی خود را به علت ترس از به‌بارآوردن نتایج نامطلوب برای خودش، اعمال و یا از آنها دفاع کند. این خصوصیت، معمولاً حاصل بی‌عدالتی اجتماعی، بی‌بهره بودن از حق انتخاب و آزادی و در قید و بند بودن ابتکار شخصی است. همه این پدیده‌ها خاص جوامعی است که در آنها مردم با این حقیقت روبرویند که نیروی بیخردی و ددمنشی بر فراز عدالت قرار می‌گیرد، جنایت علیه اخلاقیات بی‌کیفر می‌ماند، مبارزه با بدبها، پایبندی به اصول و صداقت به ضرر انسان تمام می‌شود. این وضع، موجب ترغیب و تشویق بی‌شرفی، بی‌وجدانی و همدستی در خطاکاری می‌شود. احساس مسئولیت مردم در برابر اعمالشان، ایمان و اعتقادشان به قدرت اصول اخلاقی و نیز توانائی آنها در رعایت و وفاداری به این اصول از دست می‌رود. شخصیت‌های بی‌دل و جرأت، بزذل و ترسو اصولاً تحت فشار روشهای تربیتی خودکامانه و استبدادی و اوضاع و احوال خانوادگی سرکوبگر و تحقیرکننده شکل می‌گیرند. مع‌هذا، نه اوضاع و احوال و نه سیستم تربیتی، موجب تبرئه شخصیت‌های بی‌دل و جرأت و کمرونی نمی‌شود. وظیفه اخلاقی انسان حکم می‌کند که از پوسته کمرونی با دلیری و شهامت خارج شود، همان‌گونه که جوجه با شکستن پوسته تخم، زندگی تازه‌ای را آغاز می‌کند.

داس و چکش

Sickle and Hammer

نشانه بعضی سازمانهای دست چپی، بویژه احزاب کمونیست و سمبل حکومت کارگران و دهقانان.

می‌شد. عمده‌ترین هدف گروه شائکهای، حل مناقشات مرزی و ارضی بود.

Sheikhdom (Shaykhdom)

شیخ‌نشین

به‌ناحیه‌ای اطلاق می‌شود که تحت حکمرانی یک شیخ (رهبر دسته‌ای از عشایر عرب) قرار داشته باشد.

Shirt-Sleeve Diplomacy

دیپلماسی بدون تشریفات؛ دیپلماسی غیررسمی

اصطلاح عامیانه برای اشاره به انجام امور مربوط به روابط بین‌المللی به‌طور صریح و بدون رعایت تشریفات معمول دیپلماتیک.

Shock and Awe Strategy

استراتژی شوک و ارعاب

استراتژی ایجاد وحشت و شوک یا وارد کردن ضربه روحی با استفاده از سلاحهای پیشرفته از دوره دارای قدرت تخریبی فوق‌العاده و دقت زیادند، به منظور کشتار و خرد کردن اراده حکومت و مردم سرزمین مورد تهاجم و متقاعد کردن مردم دنیا در بیفایده بودن مقاومت در برابر برتری امپریالیسم آمریکا در قرن بیست و یکم. این استراتژی در سال ۲۰۰۲ در افغانستان و در سال ۲۰۰۳ در عراق به اجرا درآمد. مارگارت درابل Drabble نویسنده انگلیسی در ارتباط با عملیات نظامی آمریکا در عراق از جمله نوشته است: وقتی در کانال چهار تلویزیون انگلستان، گزارشی با عنوان «آتش دوستانه» دیدم، از فرط خشم، نزدیک بود دیوانه شوم. فیلمهای خبری این گزارش، بمباران وحشتناکی را نشان داد. اما آنچه مرا خشمناکتر کرد، تصویر ردیفی از هواپیماهای جنگنده آمریکایی بود که روی دماغه آنها صورتکهای کارتونی مانند، با دندانهای بسیار درشتی به چشم می‌خورد. کریه بود، موهن بود. این کشور بزرگ، شهرها و مردم درون این شهرها را گوئی با هواپیماهای کارتونی دیسنی لند بمباران می‌کند. باورکردنی نیست. اما من با چشم خودم این هواپیماها را دیدم. متأسفانه، ما دیگر به این گونه تصویرها و نامهای خودمانی عادت کرده‌ایم. به عباراتی مثل «صدمات غیرمستقیم»، «آتش دوستانه» و «حملات پیشگیرانه». ما دیگر تقریباً متوجه نمیشویم که به بمب گذاران انتحاری، صفت بزدل اطلاق می‌شود. در صورتی که بدون تردید، آنها شهامت بیشتری از خود نشان می‌دهند تا خلبانانی که از ارتفاع ۳۰۰۰۰ پایی روی شهری که دفاع هوایی ندارد، بمب خالی می‌کنند.

Shock Diplomacy

دیپلماسی غافلگیرکننده

به یک اقدام دیپلماتیک غیرمنتظره اطلاق می‌شود، مثل اعلان سفر ریچارد نیکسون، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا به جمهوری خلق چین.

Short Century

قرن کوتاه

این واژه را تیموتی گارتون آش Ash مورخ متخصص اروپا برای اشاره به قرن بیستم به کار برده است. به نظر او قرن بیستم با جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ شروع می‌شود و با فروپاشی دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ به پایان می‌رسد.

Sexual Revolution**انقلاب سکسی؛ انقلاب جنسی**

تغییر اساسی اخلاق، کردار و روابط سکسی و از بین رفتن ضوابط دوگانه اخلاق سکسی که دو جنس مخالف را تابع هنجارها و اصول متمایز می‌کند.

Shadow Cabinet**کابینه خیالی؛ کابینه سایه؛ کابینه غیررسمی؛ شبه کابینه؛ کابینه حزب مخالف**

منتظرالوزاره‌های اقلیت پارلمانی یا گروهی از رهبران و اعضای ارشد اپوزیسیون که سخنگویان حزب اقلیت در مباحث خاص (مثل امور خارجی و دفاعی و اقتصادی) هستند. رسم تشکیل کابینه مخالف یا خیالی در دموکراسیهای بورژوازی معمول است. حزب اقلیت، بویژه در انگلستان مقام برجسته‌ای دارد و وظیفه مخالفت آن با حکومت، به قدری مهم است که رسماً مورد شناسایی قرار گرفته و رهبر حزب مخالف به این مناسبت از حکومت پادشاهی حقوق دریافت می‌کند. در این حزب، یک کابینه خیالی وجود دارد که در آن، نمایندگان مخالف، وزارتخانه‌های مختلف را بین خود تقسیم کرده‌اند تا بتوانند از نزدیک فعالیت‌های آنها را کنترل کنند و آماده باشند تا در صورتی که حزب خود آنان حائز اکثریت مطلق شد و به حکومت رسید، رهبری وزارتخانه‌ها را در دست بگیرند. از این رو اقلیت، سیاست حکومت را با موشکافی و دقت بررسی می‌کند و برنامه‌های آن را مورد تجزیه و تحلیل و انتقاد قرار می‌دهد، در سازمان‌های اداری به تحقیق و تجسس می‌پردازد و اطلاعاتی جمع‌آوری و آنها را با پاسخ‌های اظهارات وزراء در مجلس تطبیق می‌کند و در صورت وجود تناقض، آنها را از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع همگان می‌رساند. اقلیت می‌کوشد که کلیه موانع و مشکلات واقعی و احتمالی موجود در راه اجرای هر تصمیم را نشان دهد و توجه همگان را به پیشنهادها یا نامطلوب یا غیر مفید حکومت، جلب کند.

Shame**شرم؛ حیا**

تظاهر خودآگاهی یا بیداری وجدان فرد، احساس اخلاقی پنهان در وجود شخص، آنگاه که اعمال، خصوصیات اخلاقی و انگیزه‌هایش را با علم به غیر اخلاقی بودن آن و یا اعتراف به زشتی آن تحت فشار دیگران، محکوم نماید. شرم، نوعی خشم به‌خویشتن یا گرفتاری روح و روان در ترس از آلوده شدن به زشتیها و پلیدیهاست. در واقع، آنچه مانع فرد از بدی کردن می‌شود، حیا است و اگر فرد، حیا را کنار نهد، مایل است به هر زشتی و گمراهی تن در دهد.

Sham Quarrel**جنگ زرگری**

جنگ ظاهری یا نزاع صوری برای فریفتن دیگران.

Shanghai Cooperation organization**سازمان همکاری شانگهای**

این سازمان در ژوئن سال ۲۰۰۱ تأسیس شد و کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان اعضای آن را تشکیل می‌دهند. مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی، همکاری در زمینه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، فرهنگ، فناوری و محیط زیست از هدفهای سازمان همکاری شانگهای است. تا پیش از پیوستن ازبکستان، «گروه شانگهای» نامیده

منبع عمده مالی پ کا کا از کمکهای کردهای ساکن در ترکیه و سوریه و نیز از کارگران کرد ساکن اروپا تأمین می‌شود. در سال ۲۰۰۲، حزب کارگران کردستان، در کنگره هشتم خود، با ایجاد تشکل جدیدی به نام کنگره آزادی و دموکراسی کردستان (KADEK) نقطه پایانی به عمر بزرگترین حزب سیاسی - نظامی کرد گذاشت تا پاسنخگوی شرایط جدید باشد. کادک نیز در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۳ انحلال خود را اعلام کرد تا برای تأمین حقوق کردها تشکیلات مناسبی ایجاد شود.

جنسیت پرستی؛ تعصب جنسیتی؛ جنسیت گرایی؛ تبعیض جنسی

اعتقاد به برتری یکی از دو جنسیت مذکر و مؤنث (یا زن و مرد) و قائل به تبعیض شدن علیه جنسیت دیگر. بدترین شکل آن، تبعیض در مورد زنان در امر استخدام است. یا گفتار، رفتار، منش و کرداری که از اعتقاد به فروستی زنان سرچشمه گیرد و موجب گردد که راه بر ابراز وجود و فعالیت‌های زنان بسته شود.

کردار سکسی؛ رفتار جنسی

مسائل سیاسی مرتبط با کردار سکسی را از جمله می‌توان از جنبه‌های کلی حقوق و اخلاق بررسی کرد: ۱- اینکه کردار سکسی تا چه حد یک موضوع شخصی و خصوصی و بدون ارتباط عمومی تلقی می‌شود. ۲- عمل سکسی تا چه حد بیانگر دیدگاه سیاسی است. عده‌ای اعتقاد دارند که کردار سکسی از نظر ماهیت، عامل جاذبی بهزیستی اجتماعی است. عده‌ای نیز شکلهای اعتراض سکسی را به خاطر وارد کردن شوک به دیگران و یا بهره‌برداری‌های گوناگون و سوء استفاده‌ها مطرح کرده‌اند. ۳- مسأله تجاوز جنسی به عنف. به نظر فمینیستها، تجاوز به عنف نباید تنها به عنوان یک جرم جنسی تلقی شود، به نظر آنها این عمل باید به عنوان یکی از راه‌های برقراری سلطه مردان بر زنان مورد بررسی قرار گیرد. ویژگی آن در این است که تجاوز به عنف را فقط مردان و در شرایط عادی مرتکب می‌شوند و باید به چشم یک عمل سیاسی به آن نگاه کرد، زیرا تهدید به آن و ترس از آن موجب می‌شود که زنان تن به نقشهای فرمانبردارانه و سلطه‌پذیرانه بدهند. ۴- مسأله طبیعی سکسی، مسأله سن تکلیف و روابط سکسی طبیعی و غیر طبیعی جنسهای مختلف.

آزار جنسی

هر نوع تلاش (اشاره‌ای، زبانی، تماسی) به منظور نزدیکی به شخصی که مایل به این نزدیکی نیست، آزار جنسی خوانده شده است.

اخلاق سکسی؛ اخلاق جنسی

هنجارها و اصول و قواعد تعیین‌کننده کردار سکسی مورد قبول جامعه در شرایط زمانی و مکانی معین. رعایت نکردن این اصول و هنجارها به عنوان کارهای غیر اخلاقی و نابهنجار قلمداد می‌شود.

سیاست جنسیتی

سلطه نظامدار مردان و مقاومت زنان در برابر این سلطه در عرصه‌های خصوصی و عمومی. این اصطلاح برای نخستین بار توسط کیت میلِت Kate Millet در سال ۱۹۶۹ در کتابی به همین نام مطرح شد.

می‌گیرند و این تصمیم را به تمام زبانهای دنیا توجیه می‌کنند، زیرا روابط خیری دنیا به تمام زبانها در اختیار آنها است. کمپانی استاندارد اوپل نیوجرسی، سلطان بی‌تاج و تخت دنیای سرمایه‌داری و رویال داچ شل ولیعهد و شریک او است. کشتیهای این سلاطین، شبانه روزی، سراسر دریاهای دنیا را در می‌نوردند تا خون سیاه را در رگهای دنیا به گردش در آورند، ولی تمام حاصل این گردش را روانهٔ گاو صندوقهای هفت خواهران می‌کنند. این خواهران، همه جا در قیمت‌های دستکاری می‌کنند تا مالیات کمتری بپردازند و در عوض، پول بیشتری بگیرند و صاحبان اصلی نفت را از این دستگاه دور نگاه دارند. برای این کشورها، نفت، که دیگران را به ثروت و قدرت و سیادت رسانده است، چیزی جز غارت سازمان یافته، ابزار بندگی سیاسی، عامل دائمی بحران و تشنج، وسیله انحطاط اجتماعی و نیروی محرک ترورها و کودتاها و انقلابها و جنگها نبوده است. پل و ولفو ویتس، معاون وزیر دفاع آمریکا نیز در ژوئن ۲۰۰۳ اعتراف کرد که نفت، دلیل اصلی اشغال عراق بوده است. وی با اعلام اینکه عراق در نفت، غوطه‌ور است، آشکارا گفت که هدف آمریکا و انگلستان از تهاجم به عراق، نه براندازی حکومت دیکتاتوری صدام حسین، بلکه دستیابی به ذخایر عظیم نفت بوده است.

Sèvres Syndrome

عارضه سور

این واژه بیانگر تردید بیمارگونه سیاستمداران ترکیه در مورد مسائل سیاست خارجی و کردها است و از نام پیمان صلح سور (شهری در فرانسه) گرفته شده که در سال ۱۹۲۰ بین سلطان محمد عثمانی و متفقین (بجز روسیه و آمریکا) منعقد شد و به موجب آن، امپراطوری عثمانی تقسیم و مملکت عثمانی در آسیا منحصر به آناتولی شد و همچنین ایجاد یک ملت کرد یا کردستان خودمختار در دستور کار این تقسیم وجود داشت. حکومت آتاتورک از قبول آن امتناع کرد. در سالهای اخیر، این اصطلاح به علت فعالیت حزب کارگران کردستان ترکیه (پارتیا کارکارنا کردستان) معروف به پ‌کا کا مطرح شده است. در اواخر دهه ۱۹۷۰ چند گروه کرد استقلال طلب در ترکیه به وجود آمدند که حزب کارگران کرد ترکیه، عمدتاً مرکب از کردها و نیز فعالان ارمنی، مسلمان و نیروهای چپگرا و با برنامه‌ای تلفیقی از مارکسیسم و ملی‌گرایی، از همه قوی‌تر شمرده می‌شد. جمعیت پانزده تا بیست میلیون نفری کرد ترکیه از حقوقی برابر با دیگر اقلیتها برخوردار نیستند و فقر و بیکاری در مناطق کردنشین جنوب و جنوب‌شرقی ترکیه بیش از نقاط دیگر آن کشور مشاهده می‌شود. ریشه اصلی استقلال‌طلبی کردهای ترکیه را نیز باید در همین امر یافت. پس از مبارزات مردم فلسطین می‌توان گفت که مبارزه کردهای ترکیه ریشه‌دارتر از مبارزات سایر ملیت‌ها و اقوام منطقه است. اگرچه وانمود شده بود که حزب کارگران کردستان بعد از کودتای نظامی ترکیه در سال ۱۹۸۰ نابود شده است، اما این حزب با تلاش رهبر بنیان‌گذارش عبدالله اوچالان (که در سال ۱۹۹۹ توسط نیروهای امنیتی ترکیه و کمک سرویسهای مخفی اسرائیل و آمریکا در کنیا ربوده و به ترکیه عام بشریت و بویژه در ضدیت با خودبگانگی و سلطه مالکیت خصوصی بر منافع اجتماعی، توجه به میراث فرهنگی بشر و حفظ محیط زیست، تربیت انسان باتوجه به اخلاق و رفتار انقلابی و اندیشه‌های سوسیالیستی انسان‌گرایانه و عملگرایانه و عدالت اجتماعی، درخواست حق تعیین سرنوشت مردم کرد و اعتماد از مجامع بین‌المللی و دولتهای منطقه، توجه به آزادی واقعی زنان.

اشاره به اجتماعات کوچک استفاده می شود.

Seven Major Industrial States

هفت کشور بزرگ صنعتی

هفت کشور عمده صنعتی سرمایه‌داری و امپریالیستی جهان که عبارتند از: آلمان، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، ژاپن، فرانسه و کانادا. در کنفرانس سران هفت کشور بزرگ صنعتی که هر سال تشکیل می‌شود، مسائل سیاسی و اقتصادی مهمی مثل انرژی و نفت، بیکاری، تورم، نظام پولی بین‌المللی، تراز پرداختها، بازرگانی، روابط کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه، روابط کشورهای صنعتی سرمایه‌داری با کشورهای سوسیالیستی و مسأله بهره و نرخ آن در کشورهای صنعتی، جلوگیری از بیماریهای عفونی، گرم شدن کره زمین، تروریسم، قاچاق و تبهکاری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. مبنای تشکیل کنفرانس سران هفت کشور صنعتی سرمایه‌داری، پیشنهاد ژیسکار دستن است که در ژوئیه سال ۱۹۷۵ و به دنبال بروز بحران نفتی، خواستار برپایی کنفرانسی مرکب از پنج کشور آلمان غربی سابق، ایالات متحده آمریکا، انگلستان، ژاپن، فرانسه و سایر کشورهای صنعتی سرمایه‌داری برای هماهنگی بین مصرف کنندگان نفت و بحث در مورد مسائل مالی بین‌المللی ناشی از افزایش روزافزون قیمت نفت شده بود. اولین اجلاس کنفرانس سران کشورهای صنعتی با شرکت پنج کشور یادشده و ایتالیا در ۱۵ نوامبر سال ۱۹۷۵ در فرانسه برگزار شد و در اجلاس بعدی که در سال ۱۹۷۶ در پورتوریکو برگزار گردید، کانادا نیز به‌شش کشور فوق‌الذکر اضافه شد. اکنون این اجلاسها محکی شده است برای سنجش مهارتهای شخصی هریک از سران و نیز موقعیتی برای زدوبندهای بین‌المللی. هفت کشور بزرگ صنعتی که به گروه هفت نیز معروف است، پس از پیوستن روسیه به آن در سال ۱۹۹۸، به هشت کشور بزرگ صنعتی یا گروه هشت معروف شده است. طی سالهای پس از فروپاشی شوروی، عده‌ای سخن از ایجاد گروهی مرکب از این کشورها به میان آورده‌اند که در آینده بالاتر از شورای امنیت ملل متحد باشد.

Seven Sisters

هفت خواهران

کارتل بین‌المللی نفت، مرکب از پنج شرکت آمریکایی (اکسون، تگزاکو، موبیل، استاندارد اویل کالیفرنیا، گلف) و بریتیش پترولیوم (انگلیسی) و رویال داچ شل (انگلیسی - هلندی) که بیش از ۵۱ درصد بازار نفت آمریکا، ۶۰ درصد بازار نفت اروپا و ۵۵ درصد بازار جهانی نفت را در اختیار خود دارند. اینک آنها ۹۰ درصد صادرات نفت خام به بازارهای جهان را از طریق خطوط لوله مهم کنترل می‌کنند. گائانو روزنامه‌نگار آمریکای لاتینی درباره هفت خواهران نفتی و نقش نفت در قاره خودش از جمله نوشته است: نفت، مهمترین ثروت انحصاری شده در تمام سیستم جهان سرمایه‌داری است. در هیچ یک از رشته‌های صنعتی و اقتصادی دیگر جهان غرب، قدرتهای نیرومندتر از شرکتهای بزرگ نفتی در زمینه سیاسی و در سطح جهانی نمی‌توان یافت. خواهران نفتی، شاه و رئیس جمهوری می‌آورند و می‌برند، توطئه‌های پشت پرده یا کودتاهای آشکار و یا انقلابهای خونین ترتیب می‌دهند. همواره تعداد کافی سیاستمدار و ژنرال و روشنفکر و جیمزباند در انبار خود ذخیره دارند و براساس میل و مصالح خود، در پنج قاره جهان تصمیم به صلح یا جنگ

برای گسترش قدرت و حوزه تسلط آمریکا و سایر متحدانش در خاورمیانه و همچنین استقرار نظام نوین جهانی مورد نظر، بر تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم جهان قرار دارد. مشخصات اصلی این نظام جدید، حاکمیت بدون رقیب سرمایه انحصاری در جهان و شرکت‌های بزرگ و مجتمع نظامی - صنعتی و نفتی و بانک‌های کشورهای صنعتی سرمایه‌داری، مشروعیت بخشیدن به نظام جهانی بازار آزاد و خصوصی‌سازی است. در اولین ساعات پس از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، مقام‌های آمریکایی، اسامه بن لادن رهبر شبکه القاعده را عامل اصلی این حوادث اعلام کردند. چند روز بعد، جورج بوش (بشر) رئیس جمهوری آمریکا خواستار تحویل اسامه بن لادن و رهبران اصلی شبکه القاعده شد و دیکتاتوری طالبان، یعنی حکومت اسلامی افغانستان را به علت پناه دادن به اعضای شبکه القاعده، تهدید به دخالت نظامی در افغانستان کرد. شبکه القاعده را اسامه بن لادن (اهل عربستان سعودی) در سال ۱۹۸۸ و در دوران جهاد اسلامی افغانستان علیه نیروهای مداخله‌گر شوروی سابق، با بر خورداری از کمک‌های آمریکا و انگلستان تشکیل داده بود. داروئی که بلای جان داروساز شد. به دنبال خودداری طالبان از تحویل بن لادن، آمریکا با همکاری انگلستان و سایر متحدانش از طریق تهاجم نظامی، افغانستان را اشغال و در دسامبر ۲۰۰۱ حکومت جدیدی در آن برقرار کرد. استفاده از توافق جهانی در محکومیت حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، راه دخالت آمریکا را در کشورهای دیگر هموار ساخت، به طوری که در آوریل سال ۲۰۰۳ نیز کشور عراق از طریق تهاجم نظامی آمریکا و انگلستان و متحدانشان اشغال و به حکومت صدام حسین پایان داده شد. استفن کینزر Stephen Kinzer روزنامه‌نگار و گزارشگر نیویورک تایمز در سال ۲۰۰۳ در کتاب «همه مردان شاه» ضمن بررسی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، این فرضیه را مطرح می‌سازد که کودتای آمریکائی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران و برانداختن حکومت دکتر محمد مصدق، علت اصلی حادثه ۱۱ سپتامبر است. کینزر در بررسی خود می‌گوید برخلاف ادعای آمریکائیان، در این کودتا آنها علیه یک حکومت استبدادی قیام نکرده بودند، بلکه رهبری (دکتر محمد مصدق) را ساقط کردند که به شیوه دمکراتیک انتخاب شده بود و می‌خواست مبنای دموکراسی را در منطقه (خاورمیانه) گسترش دهد. بدین ترتیب، آنها بذر بنیادگرایی پراکنندند.

Service Class

طبقه خدماتی

این واژه برای اشاره به گروه‌های سطح بالا، مدیران شرکتها، صاحبان فنون که به جای کار کردن برای خود به‌استخدام مؤسسات بزرگ در می‌آیند و نیز مقامات رسمی که قدرت و تخصص خود را در خدمت تشکیلات غیرخصوصی یا بورژوازی قرار می‌دهند به کار رفته است.

Servitude

بندگی

فقدان آزادی شخصی یا حالت شخصی که تحت کنترل شخص دیگر باشد. بردگی، شکل افراطی بندگی است.

Session

جلسه؛ اجلاس؛ اجلاس؛ نشست

با هم نشستن برای گفتگو یا مشاوره درامری. این واژه تقریباً به معنی گردهمایی است، اما برای دیدارهای منظم که در فاصله‌های معین صورت می‌گیرد، به کار می‌رود. از واژه جلسه معمولاً برای

مقننه پیش‌بینی شده، یکی از آنها معمولاً مجلس سنا است که به‌طور کلی جنبه محافظه‌کارانه دارد. به‌عضو مجلس سنا، سناتور اطلاق می‌شود که معمولاً کهن سال است.

Sending State

دولت فرستنده؛ کشور فرستنده

در روابط بین‌الملل به دولتی اطلاق می‌شود که به دولت دیگر نماینده سیاسی اعزام می‌کند.

Seniority

ارشدیت

رسم یا قاعده نانوشته‌ای که براساس آن، موقعیت و منابع و امکانات دیگر به نسبت مدت زمان خدمت به شخصی اختصاص داده می‌شود. رسم ارشدیت در مجالس مقننه و بویژه در آمریکا مورد استفاده است.

Separation of Powers

تفکیک قوا

تفکیک قوای حکومت به سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه، اساس دموکراسیهای قانونی است و اصول آن را مونتسکیو در قرن ۱۸ میلادی در اثر معروفش به نام "روح القوانین" مطرح کرد که به منظور مهار کردن قدرت نامحدود قوه مجریه در مقابل استبداد بود. تفکیک قوا که در عین حال اساس ضمانت حفظ دموکراسی شمرده می‌شود، مستلزم این است که هیچیک از سه قوه نتوانند در اختیارات یکدیگر دخالت کنند.

Separatism

جدایی خواهی؛ تجزیه طلبی

نظریه‌ای که به موجب آن، یک گروه خاص از یک منطقه معین باید از یک سازمان بزرگتر که این بخش خود قسمتی از آن سازمان است، جدا شود و مستقلاً به حیات خویش ادامه دهد، مثل جنبش جدایی خواه باسک در اسپانیا و تامیل در سریلانکا.

September 11 Attacks (2001)

حملات ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱)

حادثه تروریستی حمله هواپیماهای مسافربری ربوده شده به مراکز حساس، یعنی برجهای دوقلوی مرکز جهانی تجارت و پنتاگون در شهرهای نیویورک و واشنگتن آمریکا برای ضربه زدن به ثمره‌های سرمایه‌داری و قدرت نظامی بزرگترین ابرقدرت جهان که به مرگ چند هزار تن از شهروندان آمریکائی منجر شد. عده‌ای حادثه را تروریستی قلمداد نکرده‌اند، بلکه آن را به عنوان عکس‌العمل سیاستها و عملهای ضد مردمی و ضددمکراتیک دولت آمریکا در گوشه و کنار جهان و در برابر ملل مختلف (مثل ویتنام، شیلی، اندونزی، فلسطین) دانسته‌اند. این حملات مهیب، نه از نظر مقیاس و ماهیت، بلکه به خاطر آنچه که مورد هدف قرار گرفت، جریانی تازه در امور جهان بود. برای ایالات متحده آمریکا، این اولین بار پس از جنگ سال ۱۸۱۲ با انگلستان بود که قلمرو ملی آن مورد حمله و تهدید قرار می‌گرفت. پیامدهای حملات ۱۱ سپتامبر از محدوده عمل فراتر رفت، به سیاست خارجی آمریکا صورت تهاجمی داد و در مجموع، نظام بین‌المللی را دچار دگرگونی کرد. حملات ۱۱ سپتامبر علی‌رغم خسارتهای سنگین و مرگ هزاران انسان، در عمل، وضعیتی ایجاد کرد که آمریکا بتواند با استفاده از آن، وزیر پوشش مبارزه و جنگ علیه تروریسم، ابتکار عمل را در صحنه سیاست جهانی به دست گیرد. در آن سوی شعار جنگ علیه تروریسم، طرح حساب شده‌ای

و در آبهای آزاد) از طرف کشتیهای خارجی مورد تهدید واقع می شود، می توانند به اقدامات احتیاطی و الزام آور، از جمله توقیف آنها متوسل گردند. اعمال این قاعده به دولتهای قوی اجازه می دهد که نسبت به حقوق دولتهای ضعیف به عناوین مختلف تجاوز کنند. از این رو، حقوقدانانی که طرفدار این قاعده هستند برای آن شرایطی در نظر گرفته اند: ۱- باید خطری که یک دولت تصور می کند امنیت او را مورد تهدید قرار می دهد، حتمی و سوءظن نسبت به کشتی که موجد خطر است قوی باشد ۲- دولتی که اقدام به توقیف می کند باید بلافاصله مراتب را به دولت صاحب پرچم کشتی توقیف شده اطلاع دهد ۳- اشخاصی که در کشتی توقیف شده بوده اند باید به دولت صاحب پرچم کشتی تحویل شوند ۴- اقداماتی که از طرف دولت توقیف کننده کشتی به عمل می آید باید جنبه است حفاظتی داشته باشد نه جزایی.

Self-Realization

خودپرورانی

خودشکوفائی، تحقق نفس، خودآمایی و واقعی ساختن توانائیهای فکر و عمل.

Self-Reliance

خود اتکالی؛ خودپشتوانی

اتکا به ظرفیتها، منابع و مهارتهای خود برای کسب استقلال بیشتر در زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی.

Self-Sufficiency

خودکفائی

سیاست بر آوردن نیازمندیهای داخلی همراه با جلوگیری از واردات.

Semi-Direct Democracy

دموکراسی نیمه مستقیم

در نظام دموکراسی نیمه مستقیم یا مختلط، اساس تصویب قوانین مانند نظام پارلمانی به وسیله پارلمان است، ولی از طریق رفراندوم و قانونگذاری مستقیم (پیشنهاد قوانین) و رأی مستقیم مردم نیز مواردی قابل تصویب است.

Seminar

سمینار

واژه انگلیسی به معنی جلسه ای که برای مبادله اطلاعات و مشاوره درباره موضوع معینی تشکیل می شود و یا یک دوره آموزشی در سطح عالی که برای آموزش غیر رسمی برگزار می گردد. در سمینار معمولاً مسائل علمی و فنی مطرح می شود، نه مسائل عمومی و اداری. در این صورت باید برای آن نام دیگری مثل میزگرد انتخاب کرد، مثلاً میزگرد درباره گرانی.

Semiproletarian

شبه پرولتر

این واژه برای اشاره به دهقانان خرده پای تهیدستی به کار رفته است که محصول زمین، خرج زندگی آنها را تأمین نمی کند. از این رو، بخشی از سال در مزرعه خانوادگی کار می کنند و بخش دیگر سال را از طریق مزدوری می گذرانند تا کمبود مخارج زندگی شان تأمین شود.

Senate Assembly

مجلس سنا

مجلس مرکب از نمایندگان شاه و ملت در کشورهای سلطنتی، و یا نمایندگان طبقات حاکمه و مردم در کشورهای جمهوری. امروزه در کشورهایی که در قانون اساسی آنها بیش از یک مجلس

Self-Government**حکومت بر خود؛ خودگردانی**

روندی که به موجب آن، گروهی از مردم تمام وظایف اساسی حکومتی را خود اعمال کنند.

Self-Help**خود یاری**

اگر یک دولت با نقض حقوق بین الملل به ضرر دولت دیگر اقدام خلافی را مرتکب شود، دولت اخیر برای جبران و ترمیم حقوق از دست رفته و نیز برای جلوگیری از تضييع حقوق می تواند با استفاده از نیروی خود، دست به دفع ضرر بزند. فرق خودیاری و دفاع مشروع در این است که حق دفاع مشروع برخلاف خودیاری برای جبران حقوق از دست رفته یا به منظور جلوگیری از اقدامات خلافی که هنوز اتفاق نیفتاده است نمی تواند مورد استفاده واقع شود، زیرا استفاده از حق دفاع مشروع فقط در مقابل حمله‌ای که وقوع یافته یا به عقیده عده‌ای برای مقابله با حمله‌ای که در شرف وقوع است، قابل استفاده است. به طور کلی، حق خودیاری در صورتی که متضمن استفاده از زور نباشد، مجاز شمرده می شود.

Self-Interest**نفع شخصی**

مبنای اندیشه‌های علمای اقتصاد کلاسیک سرمایه‌داری که به موجب آن، انسان (انسان اقتصادی) همواره در پی مصلحت و سود خویشتن است و در این راه، آگاهانه عمل می‌کند و از این رو، باید آزادی اقتصادی در جامعه برقرار باشد تا هر کس با انگیزه کامل تلاش کند و اصولاً تعقیب منافع شخصی به خودی خود به منافع اجتماع خدمت می‌کند. آنها مدعی شدند که در بازار سرمایه‌داری، اصل عرضه و تقاضا با ایجاد رقابت باعث تعدیل قیمت‌ها می‌شود و بدین طریق، بازار و همچنین کل جامعه از عدالت بهره‌مند می‌شود. اما دیری نگذشت که با ظهور تراستها و کارتلها و شرکت‌های چند ملیتی، دیکتاتوری سرمایه‌داران برقرار گردید که به انگیزه سود و با زور و نیرنگ، اقتصاد جامعه را به زیر سلطه خود درآورد و به بهره‌کشی از طبقات پایین پرداخت.

Self-Preservation**حفاظت مشروع؛ حفظ موجودیت**

نظریه‌ای که به موجب آن، حفظ منافع و موجودیت دولت، او را مجاز می‌دارد تا به هرکاری دست بزند. براساس این نظریه، دولت می‌تواند کلیه اقدامات لازم را برای حفظ موجودیت و منافع خود حتی به بهای نقض حقوق بین الملل و نقض حقوق کشورهای دیگر معمول دارد. کلیه دخالت‌های تجاوزکارانه‌ای که در دو قرن اخیر توسط دولتهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا صورت گرفته، با توسل به نظریه حفاظت مشروع توجیه شده است. فرق عمده حق حفظ موجودیت با حق دفاع مشروع و خودیاری در این است که برخلاف دفاع مشروع و خودیاری، لازم نیست برای اینکه حق حفظ موجودیت مورد استفاده قرار گیرد، از طرف دولتی که این حق به ضررش اعمال می‌شود، خطایی سرزده باشد. نظریه حق حفظ موجودیت که ریشه در نظریات ماکیاوول دارد، مخرب هرگونه نظم حقوقی است.

Self-Protection**محافظت از خود**

مقصود از این قاعده آن است که اگر دولتها به دلایلی تشخیص دهند که امنیت آنها (در زمان صلح

Self-Confidence**اعتماد به نفس**

باور به تواناییها، از عهده کارها بر آمدن، کارآمد بودن در ارتباطات انسانی و در محیط زندگی شخصی.

Self-Control**خویشتن داری**

حاکم بودن عقل بر اعمال و رفتار انسان.

Self-Defense (Legitimate Defense)**دفاع مشروع**

دفاع مشروع در حقوق بین الملل عبارت از حقی است که کشورها براساس آن می توانند از خود و نیز از کشورهایایی که با آنها همبستگی سیاسی و امنیتی دارند، در مقابل حمله مسلحانه، با عکس العمل نظامی فوری به طور انفرادی یا جمعی دفاع کنند. در ماده ۵۱ منشور ملل متحد، استفاده از حق دفاع مشروع فردی و جمعی در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل متحد، مجاز شمرده شده است. ماده ۵۱: "در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تازمانی که شورای امنیت، اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین المللی به عمل آورد، هیچیک از مقررات منشور، به حق طبیعی دفاع مشروع، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق به عمل می آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات، به هیچوجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین المللی در هر موقع که ضروری تشخیص دهد، اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت."

Self-Determination**خودمختاری**

آرمان و آرزوی بعضی گروههای قومی و ملی برای تشکیل دولت مستقل خویش.

Self-Esteem**عزت نفس؛ احترام به خود**

احساس قائل بودن ارزشی برای خود و طلب شناخته شدن آن ارزش؛ یا میزان ارزشمندی، احترام، شایستگی، توانایی، شناخت شأن و خصایص فردی و برخورداری از رضایت و خشنودی درونی. گوته می گوید: اگر ثروتمند نیستی مهم نیست، بسیاری از مردم ثروتمند نیستند. اگر سالم نیستی، هستند افرادی که با بیماری و معلولیت زندگی می کنند. اگر زیبا نیستی، برخورد درست با زشتی هم وجود دارد. اگر جوان نیستی، همه با چهره پیری مواجه می شوند. اگر تحصیلات عالی نداری با کمی سواد هم می توان زندگی کرد. اگر قدرت سیاسی و مقام نداری، مشاغل مهم متعلق به معدودی انسانهاست. اما اگر عزت نفس نداری، بدان که هیچ نداری.

Self-Executing Treaty**عهدنامه خود اجراشدنی**

قراردادهایی که بعد از تصویب، فوراً اجراشدنی هستند و مقررات آنها اثر اجرائی فوری دارند. مثلاً اگر عهدنامه ای بین ایالات متحده و یک کشور دیگر برای واگذاری سرزمینی به ایالات متحده منعقد گردد، پس از اینکه تشریفات لازم برای تصویب آن انجام و لازم الرعایه شد، مانند قوانین داخلی ایالات متحده فوراً وارد مرحله اجرائی می شود.

Sedition

تورد؛ تحریک مردم به آشوب؛ فتنه انگیزی؛ بلوا؛ آشوبگری

۱ - تحریص آشکار اهالی کشور (از طریق سخنرانی، نشریات چاپی، وسایل سمعی و بصری و عمل) به منظور برهم زدن اساس حکومت. ۲ - شیوه‌های غیرقانونی و اعمال خشونت برای تغییر حکومت.

Segregation

تبعیض (نژادی)؛ تفکیک نژادی؛ جدایی

و اداری ساختن برخی گروه‌های نژادی، دینی یا قومی به زیستن در محلی جدا از مکان زندگی گروه مسلط بر جامعه و محروم نمودن آنها از استفاده از تسهیلات مخصوص گروه مسلط، مثل داشتن مدرسه یا وسیله نقلیه عمومی جداگانه. این روش امکان دارد از راه قانون یا آداب و رسوم یا قرارداد غیررسمی در جامعه‌ای به کار بسته شود. تمام رفتارهای تبعیض آمیز از قبیل دریغ کردن از واگذاری برخی مشاغل یا حق رأی و ممنوع کردن آمیزش گروه‌های مختلف، چنین خوانده می‌شود. این اصطلاح، بیشتر برای اشاره به تبعیض نژادی در ایالات متحده آمریکا به کار رفته است. فرایند جدایی ممکن است اختیاری نیز باشد، چنانکه امکان دارد عده‌ای از گروه‌ها و طبقات ثروتمند جامعه با ایجاد منطقه مسکونی خاصی، دور از سایر گروه‌ها زندگی کنند.

Self-Censorship

خودسانسوری

حالی که شخص تحت تأثیر معیارهای مسلط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، سانسور را در مورد خود اعمال نماید و مانع از رسیدن پیام یا اطلاعاتی توسط یکی از رسانه‌های گروهی به خود یا دیگران گردد. سانسور رسمی معمولاً توسط مراکز مسئول دولتی اعمال می‌شود، ولی علاوه بر آن، عوامل گوناگونی که به نحوی با تولید و استفاده از کتاب و مواد مشابه سروکار دارند نیز می‌توانند در اعمال سانسور به صورت غیررسمی دخالت کنند. ناشران، کتابفروشان، مؤلفان، مترجمان، کتابداران و حتی خود خریداران و خوانندگان از جمله این عواملند. ناشران از طریق منتشر نکردن موضوعهایی که خطر سانسور رسمی آنها را تهدید می‌کند و یا حذف بعضی مطالب که برای انتشار انتخاب شده است، فعالیت انتشاراتی خود را کنترل می‌کنند. کتابفروشان که نقش واسطه بین ناشران و خریداران را دارند، با خودداری از عرضه و فروش بعضی آثار که خطر جمع‌آوری آنها را تهدید می‌کند، می‌توانند مانع از رسیدن چنان آثاری به دست خریدار شوند. مؤلفان و مترجمان، تحت تأثیر معیارهای سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اخلاقی با اجتناب از انتخاب بعضی موضوعها برای تالیف و ترجمه، یا خودداری از ارائه بسیاری از معتقدات و دانسته‌های خویش یا ترجمه نکردن بعضی از محتویات یک اثر و تحریف آن می‌توانند به صورت عوامل غیررسمی سانسور درآیند. کتابداران نیز می‌توانند از طریق نظارت بر انتخاب مواد برای کتابخانه‌های تحت اداره خود در دور کردن بعضی آثار از دسترس مراجعین اثر گذارند. سرانجام، خریداران نیز ممکن است با خودداری از خرید موادی که گمراه کننده معرفی شده‌اند یا احتمال گمراه کننده بودن آنها می‌رود، خودسانسوری را اعمال نمایند. اگرچه سانسور به عنوان نهادی تصور می‌شود که بیشتر در جوامع استبدادی برقرار است. ولی سانسور، هم به صورت تحمیل بر خود و هم به صورت رسمی آن در کشورهای نیز که روند حکومت در آنجا از ماهیت دموکراتیک برخوردار است، وجود دارد.

جواب فریسیان که پرسیده بودند آیا باید به قیصر جزیه داد، گفته بود مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا. مع هذا، در قرون وسطی عملاً مرزی بین سیاست و دین وجود نداشت. در قرون معاصر، فلسفه دموکراسی طرفدار تفکیک دین از دولت گردید، به طوری که این اصل به عنوان جزئی از قانون اساسی کشورهای غربی درآمد.

Secularization

غیردینی شدن (کردن)؛ دنیا زدگی؛ دنیوی سازی؛ علمانیت

۱- فرایند از دست رفتن اهمیت اجتماعی اندیشه و عمل دینی و نهادهای مذهبی. ۲- انتقال واقعیتی که در قلمرو دین و امور مقدس جای داشتند به محدوده امور غیر مقدس و طبیعی ۳- جداسازی امور دنیوی از امور دینی و جداسازی سیاست، دولت و حکومت، اقتصاد، هنر، آموزش و پرورش و سایر جنبه های زندگی از امور مقدس.

Secular State

دولت غیردینی؛ دولت جدا از دین

دولتی که در قانون اساسی خود هیچ یک از مذاهب موجود را به عنوان مذهب رسمی ذکر نکند و با جنبشهای مذهبی بی ارتباط باشد و هیچ کاری را نیز به هدفهای دینی و روحانی اختصاص ندهد.

Secure Community

جامعه امن

مجموعه کشورها و ملت هایی که با هم روابط متقابل دارند و بین آنها اقدامات و آمادگی جنگی وجود ندارد و توقع صلح مستمر بین آنها حکمفرما است.

Security

امنیت

۱- تضمین ایمنی، یعنی قرارهای تنظیمی سیاسی برای کاهش احتمال بروز جنگ، برقراری مذاکره بجای محاربه و قصد حفاظت از صلح به عنوان شرط طبیعی بین دولتها. ۲- مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت، و دور ماندن از مخاطرات و تعديات به حقوق و آزادیهای مشروع. ۳- وجود اطمینان به سلامت تن و جان، مال و ناموس.

Security Council

شورای امنیت

یکی از ارکان ششگانه سازمان ملل متحد که مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را برعهده دارد. هرکشوری اعم از عضو و یا غیر عضو سازمان ملل متحد و همچنین دبیرکل سازمان می تواند توجه شورای امنیت را به دعوا و یا موضوعی که صلح جهانی را تهدید می کند، جلب نماید. شورای امنیت ممکن است راههای مسالمت آمیز را برای حل اختلافات توصیه کند و یا اگر لازم باشد، برای برقراری صلح به کاربردن قوه قهریه را دستور دهد. شورای امنیت، ورود اعضای جدید، تعلیق یا اخراج کشورهای عضو و انتخاب دبیرکل سازمان را به مجمع عمومی توصیه می کند و به اتفاق مجمع عمومی، قضات دیوان بین المللی دادگستری را بر می گزیند. شورای امنیت پانزده عضو دارد که پنج عضو آن، یعنی ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، چین، جمهوری فدراتیو روسیه (جانشین شوروی سابق) و فرانسه دائمی هستند. هر یک از اعضای شورای امنیت دارای یک رأی است. برای تصویب قطعنامه های مهم، ۹ عضو شورا باید با آن موافقت کنند. اگر یکی از ۵ عضو دائمی شورا رأی منفی بدهد (که و تو نامیده می شود) قطعنامه به تصویب نمی رسد. این شورا عملاً زیر نفوذ آمریکا قرار دارد.

سرویس مخفی

Secret Service

تشکیلات سَرّی که همه کشورها دارند. در کشورهای دارای حکومت‌های تمامیت‌خواه و یک‌ه‌تاز، احتمالاً جاسوسی هم در بعد داخلی و هم در بعد بین‌المللی تخصص پلیس مخفی است. در آمریکا، جمع‌آوری اخبار و جاسوسی توسط سازمان سیا که عملیات توطئه‌گرانه و حیل‌های کثیف آن معروف است، انجام می‌گیرد. در انگلستان، سرویس ام.آی.فایو MI5 مسئول ضدجاسوسی داخلی و ام.آی.سیکس MI6 مسئول جاسوسی خارجی است. سرویس مخفی اسرائیل به نام موساد، به علت برخورداری از کمک‌های هر دو سرویس یاد شده، از توانائی بالائی برخوردار است. از زمان پایان جنگ سرد، ظاهراً تروریسم و قاچاق موادمخدر عمده‌ترین عملیات جاسوسی را تشکیل می‌دهند. در کشورهای دموکرات به تدریج سرویس‌های مخفی موظف به پاسخگویی در برابر عملیاتشان می‌شوند.

جلسه سَرّی

Secret Session

جلسه خصوصی مجلس که معمولاً غیر از نمایندگان مجلس، کسی در آن حضور نمی‌یابد.

انجمن سَرّی؛ جمعیت سَرّی

Secret Society

عنوان انجمن‌ها یا مجامع سَرّی مذهبی یا سیاسی (آزادیخواه، ارتجاعی و یا جنایتکار) که اعضای آنها ضمن پذیرفتن عضویت، متعهد می‌شوند که نام اعضا و اسرار انجمن یا مجمع را فاش نکنند، مثل "کمیته مجازات" که در سال ۱۳۳۴ قمری در تهران تشکیل شد و هدف آن قتل خائنین و طرد دشمنان بود، "فراماسونری" در انگلستان و جمعیت جنایتکار و نژادپرست "کوکلوکس کلان" در آمریکا.

فرقه

Sect

این واژه هم در مورد بخشی از جامعه که از مذهبی رسمی جدا شده یا به آئینی گرویده باشد که توسط همگان به رسمیت شناخته نشده است به کار می‌رود و هم مسامحتاً در مورد هر نوع جنبش جدایی طلب (ملی، زبانی، مذهبی، سیاسی و غیره).

سکتاریسم؛ فرقه‌گرایی

Sectarism

قطع رابطه با افراد بیرون از فرقه، تعصب شدید نسبت به گروه خود و تبدیل شدن به دسته جدا از مردم. در ادبیات سیاسی چپ، به گونه‌ای انحراف سیاسی در احزاب و سازمان‌های کمونیستی اطلاق می‌شود که ناشی از دکماتیسم و چپ روی است و وجه مشخصه آن، جلو دویدن و یا عقب ماندن از حرکت سیاسی توده‌ها است.

جدایی سیاست از دین؛ نادینی‌گری؛ جداانکاری دین و دولت؛ سکولاریسم؛ سکولاریسم

Secularism

اعتقاد به انتقال مرجعیت از نهادهای دینی به اشخاص یا سازمان‌های غیردینی. براساس این نظریه، در امور اجتماعی سیاست اصالت دارد نه دین که دارای جنبه فردی و عبادی است. فکر لزوم تفکیک دین و سیاست به‌خاطر اختلافات ناشی از آمیختگی امور روحانی و امور دنیوی، ابتدا در جامعه مسیحیت و روم ظاهر شد. مستند جدایی دین و سیاست، ظاهراً این عبارت مسیح است که در

به ترتیب تقدم عبارتند از دبیر اول و دبیر دوم و دبیر سوم. ۲- اعضای کابینه در ایالات متحده آمریکا که به وسیله رئیس جمهوری منصوب می شوند و او می تواند تصمیم خود را بر نظریات آنها تحمیل کند. به همین علت است که وزرای آمریکایی را منشیهای رئیس جمهوری می خوانند. وزیر امور خارجه را در آمریکا Secretary of State می نامند.

دبیر کل

Secretary-General

عنوان رئیس اداری سازمان ملل متحد که توسط آرای مجمع عمومی انتخاب می شود و در رأس دبیرخانه قرار می گیرد. این واژه به رؤسای برخی از حزبها نیز اطلاق می شود.

دیپلماسی سری

Secret Diplomacy

دیپلماسی غیر قانونی که به موازات دیپلماسی رسمی و بعضی اوقات نیز به ضرر و در جهت مخالف آن اعمال می شده است. هر وقت سلطان یا صدراعظمی با کشور دیگری وارد مذاکره سری می شد و این مذاکرات به کلی از نماینده رسمی و دستگاه رسمی کشور مذاکره کننده و یا وزیر امور خارجه مستور می ماند، دیپلماسی سری صورت پذیر می شد. ولی امروز از زمان تأسیس جامعه ملل که با دیپلماسی سری (یعنی دیپلماسی که نتایج آن باید کاملاً پنهان بماند و به اطلاع عامه نرسد تا وقتی که طرفین به نشر آن رضایت دهند) مبارزه کرد، معاهدات سری و یا مواد سری معاهدات که نتیجه دیپلماسی سری بود، ممنوع شد. دیپلماسی سری غیر از مستور نگاهداشتن امور مربوط به دیپلماسی، یعنی استتار دیپلماسی است که از مهم ترین وظایف دیپلماتها و کارمندان امور دیپلماسی است.

اسناد سری

Secret Documents

اسنادی که افشای آنها امنیت کشور را به خطر می اندازد و به مصالح دولت لطمه می زند.

پلیس مخفی

Secret Police

سازمانی که مخفیانه در امور یک فرد مظنون، بدون اطلاع خود او، به تحقیق می پردازد. به طور کلی، در کشورهایی که دولت از طرفداری مردم برخوردار است، وظیفه پلیس مخفی محدود به بررسی و تحقیق در مورد امور خلاف قانون و جنایات است ولی در برخی کشورها ممکن است دامنه فعالیت این گونه سازمانها به تفتیش در امور خصوصی افراد و یا قضاوت نسبت به آنها و اذیت و آزار مخالفان سیاسی نیز کشیده شود. پلیس مخفی یکی از نهادهای اساسی دولتهای یکه تاز است.

پنهان پژوهی

Secret Searching

فن به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز خلق درباره دشمن، و بررسی آنها به منظور پیشگیری از خطرات و حملات احتمالی او. فرق جاسوسی و پنهانپژوهی: در جاسوسی معمولاً پای بیگانگان در میان است و نتیجه آن نیز همواره به ضرر مردم است، جاسوسان عملاً به صورت کارمندان اداری یا مزدوران یک سازمان ضد مردمی و یا دولت خارجی درمی آیند، ترس و اجبار یا اکراه یا جلب سود شخصی ممکن است انگیزه کار جاسوسان باشد.

Second International**بین‌الملل دوم؛ انترناسیونال دوم**

در اواخر قرن نوزدهم، احزاب کارگری که خود را سوسیال دموکرات و سوسیالیست می‌نامیدند، در ایتالیا، اتریش، بلژیک، دانمارک و کشورهای دیگر به وجود آمدند. در سال ۱۸۸۹، احزاب سوسیال دموکرات دست به تشکیل انترناسیونال دوم زدند. این انترناسیونال برای مدتی از منافع طبقه کارگر حمایت می‌کرد ولی به تدریج به سوی اصلاح طلبی و آشتی با بورژوازی گرایش یافت. بورژوازی کشورهای بزرگ سرمایه‌داری نیز با پرداخت رشوه به رهبران طبقه کارگر، اشرافیت کارگری را به وجود آوردند که مشوق فرصت طلبی بود. در سال ۱۹۱۴ وقتی که جنگ جهانی اول در گرفت، رهبری انترناسیونال دوم، آشکارا تسلیم بورژوازی شد. پس از تأسیس انترناسیونال سوم یا کمیترن در سال ۱۹۱۹، انترناسیونال دوم نیز مجدداً در اوایل دهه ۱۹۲۰ تحت عنوان بین‌الملل سوسیالیست و کارگری تشکیل گردید. لندن، بین‌الملل مزبور را به مسخره، انترناسیونال دوونیم نامید و شرکت کنندگان آن را فرصت طلب و تجدیدنظر طلب خواند. در سال ۱۹۵۱، بین‌الملل سوسیالیست جایگزین بین‌الملل سوسیالیست و کارگری شد.

Second Sex**جنس دوم**

این اصطلاح، عنوان کتاب سیمون دوبوار نویسنده فرانسوی برای اشاره به زن است. به نظر او، جامعه، مرد را هنجار مثبت و زن را هنجار منفی یا جنس دوم و یا دیگری می‌داند. دوبوار در این کتاب نشان می‌دهد که تا چه میزانی، برداشت از زن به عنوان دیگری بر همه جنبه‌های زندگی اجتماعی و تفکر حاکم است، به طوری که حتی خود زنها نیز آن را درونی می‌سازند. به نظر دوبوار، زنان فقط از طریق تولید می‌توانند استقلال پیدا کنند و نه از طریق تولیدمثل. دوبوار سه راهبرد را برای داشتن اراده آزاد مطرح می‌سازد: کار تولیدی، فعالیت فکری و سوسیالیسم.

Second World**جهان دوم**

این واژه در مورد کشورهای سوسیالیستی پیشرفته، یعنی شوروی سابق و متحدان اروپای شرقی آن مثل لهستان و چکسلواکی سابق به کار رفته است.

Secretariat**دبیرخانه**

یکی از ارکان ششگانه (ورکن اداری) سازمان ملل متحد است و فعالیت‌های روزانه این سازمان را انجام می‌دهد. دبیرخانه سازمان ملل متحد از یک دبیرکل که به توصیه شورای امنیت، توسط مجمع عمومی منصوب می‌شود و تعدادی کارمند تشکیل می‌گردد. دبیرخانه، حقایق و اطلاعات آماری درباره وضعیت اقتصادی سراسر جهان را جمع‌آوری می‌کند و گزارش‌های مربوط به این آمارها را برای مطالعه و ارائه توصیه، به شورای اقتصادی و اجتماعی ارجاع می‌نماید و تصمیمات سازمان ملل متحد را به مرحله اجرا درمی‌آورد. دبیرکل سازمان ملل متحد ممکن است توجه شورای امنیت را به هر مسأله‌ای که به نظر او صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد، جلب کند.

Secretary**دبیر؛ وزیر**

۱- عنوان عده‌ای از اعضای مأموریت دیپلماتیک است که از نظر مقام، بعد از رایزن قرار دارند و

پیشاهنگی**Scouting**

سازمانی شبه‌نظامی که در بیشتر کشورها وجود دارد و هدف آن پرورش خصلتهای انسانی، نیکوکاری، میهن‌دوستی، اتکای به نفس و بهداشت تن و روان و آمادگی نوجوانان است. پیشاهنگی پسران را سررابرت بیدن‌پاول در سال ۱۹۰۸ و پیشاهنگی دختران را خواهرش در سال ۱۹۱۰ در انگلستان تأسیس کردند.

قدرت دریایی**Sea Power**

اصطلاحی است برای همه وسایلی که یک ملت به کمک آنها، استیلای نظامی خود را بردریاها گسترش می‌دهد. بریتانیای کبیر، قرن‌ها هم صاحب بزرگترین قدرت دریایی به معنی نظامی و هم صاحب بزرگترین بحریه تجارتي در دنیا بود.

قرارداد محل**Seat Agreement**

موقعیت هیاتهای نمایندگی دولتهایی که به کنفرانسهای بین‌المللی اعزام می‌شوند، از طریق مقررات "قرارداد مقر" مشخص می‌شود. اما اگر محل برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی (که معمولاً در محل یک سازمان بین‌المللی برگزار می‌شود)، در خارج از مقر سازمان باشد، وجود قراردادی که قرارداد محل خوانده می‌شود، بین سازمان برگزارکننده کنفرانس و کشور میزبان لازم است.

جنگ دریایی**Sea Warfare**

جنگی که در آن، اعمال مخاصمت‌آمیز به وسیله نیروی دریایی انجام می‌گیرد و اگر هم برضد داخله خاک صورت گرفته باشد (مثل بمباران بندر به وسیله ناوگان جنگی) باز جنگ به عنوان جنگ دریایی شناخته می‌شود. میدان جنگ روی دریا، مرکب از دو منطقه است: آبهای سرزمینی متخاصمان و دریای آزاد. آبهای سرزمینی کشور بیطرف از میدان جنگ برکنار است. اجرای این قاعده منوط به طرز رفتار خود کشور بیطرف است، زیرا متخاصم به بیطرفی کشوری احترام می‌گذارد که بنفسه بتواند موجبات احترام بیطرفی خود را فراهم سازد. در جنگ دریایی مثل جنگ زمینی، به کار بردن وسایل مزورانه و خیانت‌آمیز ممنوع، ولی حيله یا نیرنگ جنگی مجاز است. ناو جنگی متخاصم اگر در حال دریانوردی، پرچم مبدل و متعلق به غیر را به کار ببرد، عملش حيله جنگی و مجاز است، اما ناو جنگی نباید با افراشتن پرچم مبدل به نبرد پردازد و یا از حق بازدید و جستجو استفاده کند.

انفصال**Secession**

۱- جدایی یک قسمت از خاک کشور و خروج آن از حاکمیت کشور منفصل منه، مانند مستعمراتی که در سال ۱۷۷۶ از بریتانیا جدا شدند و ایالات متحده آمریکا را تشکیل دادند. ۲- کناره‌گیری رسمی از یک سازمان (مثل حزب، کلیسا و یا دولت).

مجلس درجه دو**Second Chamber**

این واژه برای اشاره به مجلس اعیان (لردها)، سنا و یا «مجلس بالاتر» به کار می‌رود که امروزه برخلاف گذشته، مشروعیت و اثربخشی آن مورد سؤال قرار گرفته است.

سوسیالیسم علمی**Scientific Socialism**

آیین مارکس و انگلس درباره حرکت حتمی جامعه سرمایه‌داری به سوی نابودی خود. واژه علمی از این رو به دنبال سوسیالیسم به کار برده شده تا از سوسیالیسم تخیلی متمایز گردد. آنها می‌خواستند ثابت کنند که سوسیالیسم، تنها یک آرزوی تخیلی انسانها نیست، بلکه نتیجه ضروری و منطقی رشد جامعه سرمایه‌داری و مبارزه طبقاتی است. سوسیالیسم علمی مرکب از سه جزء است: ماتریالیسم تاریخی، ماتریالیسم دیالکتیک و تئوری انقلاب پرولتاریایی یا تئوری دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم.

انقلاب علمی - فنی؛ انقلاب علمی - فناورانه**Scientific-Technological Revolution**

مجموعه کشفیات و اختراعات جهانی - تاریخی در علم و فن قرن بیستم است که استفاده از ماشینها و پروسه‌های فنی و منابع انرژی و مواد اولیه کاملاً جدیدی را میسر ساخته است و چرخشی عمیق در رشته علم و فن به شمار می‌آید. انقلاب علمی - فنی، امکاناتی برای تحول ریشه‌ای در شیوه‌های تولید، خلق وسایل تولیدی پیشرفته، تداخل اصول تازه و مواد پیشرفته عرضه کرده است. تحولاتی که بویژه پس از نیمه دوم قرن بیستم با شتاب پیشرفتهای علم و فن صورت گرفته، همه ابعاد زندگی در جوامع (پیشرفته) و حتی طبقات اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. چنانکه در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری با پیدایش روباتها در عرصه تولید و کامپیوتری شدن شاخه‌های گوناگون صنعت، کارگران مانند گذشته، اکثریت قاطع جمعیت این جوامع را تشکیل نمی‌دهند. در نتیجه انقلاب علمی و فنی، الکترونیک و اطلاعاتی معاصر که در تاریخ از لحاظ گستره تأثیر و عواقب آتی، نظیری برای آن نمی‌توان یافت، تضاد کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته عمیق‌تر شده است. عصر جدید بیش از هر چیز متضمن توسعه الکترونیک و سایر تکنولوژیهای مدرن (مثل تکنولوژیهای فضایی یا ماهواره‌ها، انواع کامپیوتر، شبکه‌های کنفرانس از راه دور، ویدئو و کابلهای تلویزیونی) است که از دهه ۱۹۵۰ شروع شده و در سالهای آخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم شتاب بیشتری گرفته است. دستیابی کشورهای در حال توسعه به علوم و فنون معاصر، با مبارزه همه‌جانبه علیه بیسوادی و کم‌سوادی، تغییر بنیادی نظام آموزشی و منطبق ساختن آن با انقلاب علمی و فنی، سرمایه‌گذاری کافی در این رشته حیاتی، افزایش حقوق مادی و معنوی کارکنان پژوهشی و آموزشی بویژه معلمان و استادان، مبارزه علیه سیاست انحصارهای سلطه‌گر و با ایجاد تحول بنیادی اجتماعی و اقتصادی امکان‌پذیر است.

علم باوری؛ علم‌زدگی**Scientism**

عقیده به اینکه علم یا روش علمی می‌تواند تمام مسائل انسانی را حل کند. ۲ - چسبیدن به علم و دانش به نحوی که از آنچه اصلی است، یعنی انسانیت، غافل و بی‌خبر ماند.

دانشمندی؛ عالم‌نمایی**Sciologism**

فضل فروشی مدعیان علم یا دانش و معلومات جزئی و سطحی داشتن ولی مدعی علم بودن.

فرآیندهای مخفیانه و غیرمستولانه، به عنوان مباحث و مقولات خاتمه یافته در مجالس ملی ارائه می‌شود تا مبنای تغییر قوانین ملی و در مواردی مبنای تغییر قانون اساسی قرار گیرد. دولتهای اروپای غربی نه فقط به پناهندگان خیانت می‌کنند، بلکه به آرمانهای بشری که کنوانسیون ژنو و اعلامیه جهانی حقوق بشر را بر پا داشته‌اند نیز خیانت می‌کنند. این خیانت به آرزوهای بشریت، خیانت به مردم اروپا و جهان و خیانت به دموکراسی هم هست.

Schlaining Peace Project

طرح صلح اشلاینینگ

این طرح در سال ۱۹۸۲ با تشکیل مؤسسه اتریشی پژوهش در زمینه صلح آغاز شد. این مؤسسه، پایه‌ای برای شروع مطالعات صلح، تأسیس دانشگاه بین‌المللی صلح و تبدیل شهر اشتادشلاینینگ به یک مرکز بین‌المللی برگزاری کنفرانس و شهر صلح در اتریش بوده است.

Scholasticism

فلسفه مدرسی؛ اسکولاستیسیسم

فلسفه‌ای که در دوران قرون وسطی بر پایه آیین مسیح شکل گرفت. مجازاً به مفهوم تحجر و جزم‌اندیشی، هواداری جزمی از یک مکتب، پافشاری تنگ نظرانه و تاریک‌اندیشانه بر آموزشهای سنتی است.

School

مکتب

گروهی از متفکران، دانشمندان، هنرمندان، نویسندگان و جز آنها که از یک استاد آموزش گرفته‌اند یا به علت همانندی روش، شیوه و اصول به یکدیگر همبستگی پیدا کرده‌اند، مثل مکتب فرانکفورت.

Schuman Plan

طرح شومن

روبرت شومن وزیر امور خارجه فرانسه در نهم ماه مه ۱۹۵۰ اعلام کرد که فرانسه آماده است تا با آلمان (غربی) تمامی محصولات زغال‌سنگ و فولاد خود را تحت اداره یک مرجع عالی مشترک و یک سازمان قرار دهد. وی همچنین ورود به این سازمان را برای سایر کشورهای اروپایی آزاد گذارد. هدف از این طرح، متحد نمودن دو کشور اروپایی در محصولات زغال سنگ و فولاد بود که پایه و اساس صنایع جنگی شمرده می‌شدند. با اجرای طرح شومن، احتمال وقوع جنگ بین فرانسه و آلمان ناممکن می‌گردید. از تاریخ ژوئن ۱۹۵۰ نمایندگان شش کشور آلمان (غربی)، ایتالیا، بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ و هلند به منظور مذاکره جهت عقد قراردادی بر مبنای طرح شومن در پاریس اجتماع کردند. این مذاکرات در ۱۸ آوریل ۱۹۵۱ به امضای قراردادی مبنی بر تأسیس جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا انجامید که از ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۲ رسماً آغاز به کار کرد.

Scientific Policy

سیاست علمی

۱ - مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها و تصمیم‌های کلی برای افزایش معرفت علمی و مشتقات آن، توسعه روشها و عواملی که در تولید، بهره‌برداری، مبادله و اشاعه علم مؤثر است و رسیدن به هدفهای علمی را ممکن می‌سازد. ۲ - مجموعه موازین قانونی و اجرایی برای بالابردن، سازماندهی و بهره‌گیری از توان علمی و تکنولوژی به منظور نیل به هدفهای توسعه عمومی کشور و اعتلای موقعیت آن در دنیا.

سپربلا؛ بلاگردان

Scapegoat

۱- شخصی که قربانی منافع دیگران شود. ۲- فرد، گروه و یا نژاد خاصی را مسبب ناکامی و شکست قلمداد کردن. مثلاً هیتلر، یهودیان را از سوی طرفدار کمونیستها و از سوی دیگر صاحبان سرمایه‌های بزرگ آلمان معرفی می‌کرد و آنها را به‌عنوان مسئول برخی ناکامیها و شکستهای آلمان، مورد حمله قرار می‌داد. منشأ این واژه، بزى در مذهب یهود است که او را به‌عنوان سمبل بلاها یا تشریفاتى خاص در بیابان رها می‌سازند تا طعمه گرگها شود.

سناریو؛ صحنه‌سازی

Scenario

واژه مورد استفاده در روزنامه‌نگاری یا ژورنالیسم سیاسی - در غرب - برای توصیف یا ارائه یک رشته از وقایع فرضی یا احتمالی با ویژگی تبلیغاتی.

کنوانسیون شنگن؛ قرارداد شنگن

Schengen Convention

کنوانسیون اروپایی شامل ۱۴۲ ماده که عمدتاً مربوط به حقوق خارجیان، پناهندگان، پلیس و امنیت، مبارزه با مواد مخدر و تروریسم، تقویت همکاریهای موجود بین کشورهای عضو، نظام اطلاعاتی، حمل و نقل کالا، حفظ اطلاعات مربوط به اشخاص، سیاست صدور روادید، رفت و آمد آزاد افراد میان کشورهای عضو است و در ژوئن سال ۱۹۹۰ به منظور اجرای قرارداد ۱۹۸۵ شنگن (واقع در لوکزامبورگ)، توسط پنج عضو جامعه اروپا (یعنی هلند، لوکزامبورگ، آلمان، فرانسه و بلژیک) - بعداً ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، یونان - به امضا رسید. در همین سال، کنوانسیون دبلین نیز در مورد مسئولیت دولتها در رسیدگی به درخواستهای پناهندگی توسط یازده کشور از دوازده کشور عضو جامعه اروپا به امضا رسید. هر دو کنوانسیون پس از تصویب رسمی توسط کشورهای عضو قابل اجرا می‌شوند. کشورهای اروپای غربی با تدوین این گونه قوانین و مقررات می‌خواهند محدودیتهایی نیز علیه پناهندگان اعمال کنند. آنها اکنون پناهنده را کسی می‌دانند که جانش (از طرف دولت) در خطر (مرگ) باشد و بتواند این موضوع را به مأموران ثابت کند. فرانسس ویر Webber در مقاله‌ای تحت عنوان "محاکمه اروپا" از جمله نوشته است: اتهام دولتهای اروپای غربی این است که در مورد پناهندگان و مهاجران توطئه می‌کنند و به‌طور فردی یا جمعی دست به اقداماتی می‌زنند که حقوق اساسی بشر را که مدعی احترام به آنند نقض می‌کند. این حقوق عبارتند از: ۱- حق زندگی، آزادی و امنیت فردی ۲- حق احترام، زندگی در آزادی دور از شکنجه و آزار و رفتارهای توهین آمیز ۳- حق تعیین سرنوشت و مقاومت در برابر سرکوب و فشار ۴- حق آزادی اندیشه، آگاهی و بیان ۵- حق زندگی خانوادگی و حق بهره‌مندی از سطح زندگی متعارف و کافی ۶- حق پناهندگی. همچنین دولتهای اروپای غربی را متهم می‌کنم که وقتی به ناحق، پناهندگان را مهاجران غیرقانونی، تبهکاران، مفتخواران و تروریستها قلمداد می‌کنند، مردم اروپا را فریب می‌دهند. این دولتها را متهم می‌کنم که با این گونه اقدامات به نفرت نژادی در میان مردم دامن می‌زنند. وزیران کشور و دادگستری کشورهای اتحادیه اروپا به‌طور مخفی و در مجامع بین‌الدول که مسئول و پاسخگو نیستند، و گاهی با همدستی دیگران توطئه کرده‌اند تا پناهندگان را بیرون از اروپای غربی نگهدارند و در برخورد با پناهجویانی که به اروپا می‌رسند، تعداد هر چه بیشتری را هر چه زودتر اخراج کنند. نتیجه این

فصل هفتم منشور ملل متحد، تحت عنوان اقدام در مورد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز، دولت‌های عضو را برای انجام اقدامات لازم در برابر کشور خطا کار فرا می‌خواند. این اقدامات ممکن است شامل قطع تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و یا ارتباطی و همچنین قطع روابط سیاسی و یا در صورت لزوم شامل اقدامات نظامی باشد.

Sanctuary

امانگاه؛ محل تحصن؛ جای بست نشینی

محل پناه گرفتن و حفاظت که شخص در آنجا از مجازات قانونی مصون است.

Sanculottism

جمهوریخواهی افراطی

به هرگونه تب شدید جمهوریخواهی خشونت‌آمیز مبتنی بر احساسات خشم‌آگین توده‌ها اطلاق می‌شود. از جنبه تاریخی، اشاره‌است به جمهوریخواهی تندروانه اقشار تهیدست و پابره‌نه در زمان انقلاب کبیر فرانسه. سان‌کولوت به معنی شلوار کوتاه (تا زیر زانو) مردانه است و به جهت اینکه انقلابیون از این گونه شلوارها استفاده می‌کردند، اشراف فرانسه آنها را سان‌کولوتها می‌نامیدند. در اصل، پوشیدن سان‌کولوت نزد اعیان و طبقات بالا مرسوم بود ولی پس از استفاده اقشار تهیدست از آن، اشراف فرانسه برای اینکه از آنان ممتاز باشند، شلوار بلند می‌پوشیدند.

Sandinism

ساندینیسم

مکتب جبهه آزادیبخش ملی ساندینیستی نیکاراگوئه که در سال ۱۹۶۱ تأسیس شد و نام خود را از قهرمان ملی، ژنرال آگوستینو سزار ساندینو گرفته است که در دهه ۱۹۲۰ علیه نیروهای اشغالگر آمریکا به جنگی چریکی اقدام کرد. ساندینیسم، آمیزه‌ای است از مارکسیسم، ناسیونالیسم، الهیات آزادیبخش کاتولیک و نظریه وابستگی.

Satellites

اقمار

قمر یا ماهواره، شیئی ساخته دست انسان است که دور زمین می‌گردد. در سیاست منظور از قمر یا اقمار، کشورهای کوچکی هستند که تحت نفوذ یک کشور بزرگ قرار دارند.

Satyagraha

ساتیاگراها

واژه سانسکریت به معنی توسل به حقیقت و نیروی راستی و پرهیز از خشونت است. ساتیاگراها بخشی از دکتترین فلسفی و اجتماعی گاندی پیشوای نهضت ملی هند بود که به موجب آن، نیروی روحی در مبارزات سیاسی و اجتماعی مهم‌تر از نیروی مادی شمرده می‌شد. اصل عدم خشونت، اساس فلسفه گاندی را تشکیل می‌دهد که تفاهم بین اقشار و طبقات هم قسمتی از آن است. به نظر مخالفان این دکتترین، مبارزه تنها به اتکاء و قوت روح و کفایت اخلاقی و بی‌آزاری مطلق، تثبیت بندگی و سروری بوده و زیر نقاب مردم دوستی به دشمنان مردم خدمت کردن است.

Scab

اعتصاب شکن؛ خائن اعتصاب

کسی که تحت شرایط مخالف و ناقض مقررات اتحادیه کارگری کار کند. همچنین کسی را گویند که در مؤسسه‌ای کار کند که کارگران آن دست به اعتصاب زده‌اند.

Salami Tactics

خود کردن مخالفان؛ تاکتیک سلامی

واژه ابداعی ماتیاس راکوسی (۱۹۷۱-۱۸۹۲) کمونیست مجارستانی برای بیان تدابیر مبتنی بر تکه تکه کردن دسته بندیهای مهم مخالف حکومت، به نحوی که هیچ اپوزیسیون مؤثری باقی نماند.

Salute

سلام؛ ادای احترام

مراسمی که در ایام ویژه در حضور رئیس یا رهبر کشور برگزار شود و اقشار و طبقات مختلف کشوری و لشکری و نمایندگان دولتهای خارجی به او تهنیت گویند.

Samizdat (Self-Publishing)

سامیزدات؛ خودنشر؛ ادبیات زیراکسی

واژه روسی برای اشاره به بولتهای خبری، آثار ادبی و نشریات مخفی یا قاچاق حاوی آثار منتقدان، ناراضیان و مخالفان دولت شوروی سابق که به صورت تایپ شده، پلی کپی، زیراکسی یا شیوه های مشابه، از سال ۱۹۶۶ به بعد در این کشور پخش می شد و دست به دست می گشت. سامیزدات به صورت ابزاری عمده برای درج مقالات انتقادی و افشاگری فساد و رشوه خواری و ناتوانیهای نظام در آخرین سالهای حکومت برژنف درآمد.

Sanctimony (Sanctimoniousness)

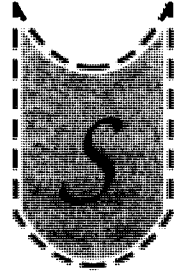
مقدس نمایی؛ زاهدنمایی

رفتاری که بیانگر رعایت و اجرای مقتضیات اخلاقی و اعراض از دنیا و خوشیهای آن است ولی در واقع، ظاهر سازی یا رعایت ظاهری آیین و آداب و نوعی ریاکاری است. شخص زاهدنما مقتضیات اخلاقی را فوق العاده سخت، خشکه مقدسانه و متعصبانه جلوه می دهد و خود را به عنوان نمونه رفتار خوب، تقوا و پارسائی می نمایاند. زاهدنمائی به عنوان یک پدیده اجتماعی، از یک طرف اخلاقیات را به مراسم ظاهر فریب، صوری و خودنمائی و از طرف دیگر به زیر نظر قراردادن سری برای توجیه دخالت ناپسند و آشکار در زندگی خصوصی شهروندان تبدیل می کند. زاهدنمائی معمولاً عدم اعتماد، شک و سوء ظن و نگرش موهن و تحقیر آمیز به شخصیت انسان را در پرده نگاه می دارد و هنگامی که اکثریت قاطع مردم، اجرای رسمی مقتضیات اخلاقی را منحصرأ زیر اجبار اقتصادی، سیاسی یا روحی و روانی، به جای برخورد وجدانی و متفکرانه جانشین کنند به نمایش درمی آید. این وضع، خاص تمام اشکال ظلم و ستم و تعدی است که مردم را آکنده از احساس افسردگی، رخوت، بیحالی، عدم تحرک، بی تفاوتی و بی توجهی به امور و مسائل پیرامونشان می سازد. در چنان شرایطی همیشه در میان عده ای از مردم، حامیان افتخاری نظم موجود هم پیدا می شوند که وفاداری خویش را با زیر نظر قراردادن وفاداری سایر افراد نشان می دهند. از طرف دیگر، باز بودن فضای زندگی اجتماعی، ماهیت مرد مسالارانه و مردمی قدرت و تمام روشهای کنترل اجتماعی، باعث ایجاد شرایطی برای خشتی کردن و رفع این خصوصیت در نسلهای دیگر می شود.

Sanction

مجازات نقض قانون؛ ضمانت اجرایی؛ تحریم

عمل دسته جمعی و کیفری که متضمن اقدامات لازم دیپلماتیک، اقتصادی و یا نظامی در برابر کشوری است که برخلاف مصوبات منشور ملل متحد رفتار کرده است. شورای امنیت، براساس



Sabotage

سابوتاژ؛ خرابکاری

وجه تسمیه سابوتاژ به انقلاب صنعتی اروپا برمی گردد که کارگران برای مقابله با ماشین و از ترس بیکار شدن، کفشهای (Sabots) خود را داخل ماشینهای جدید صنعتی می انداختند تا از کار بیفتند. امروزه به اقدامات گروههای مخالف زیرزمینی علیه دشمن در مناطق اشغالی و هرگونه خرابکاری گفته می شود.

Sacred

مقدس

اصطلاحی که با آن ویژگیهای امور دینی و لاهوتی مشخص می شود.

Sacred Mission

ماموریت مقدس

این واژه برای اشاره به اقدامات به اصطلاح مثبتی به کار رفته است که استعمارگران غربی مجبور بودند به خاطر هدفهای سودجویانه خود، یعنی تأمین مواد خام گرانبها و ارزان مثل پنبه، قهوه، کائوچو، طلا، نفت و انتقال گنجهای کتب و عتیقه های مستعمرات به موزه های استعمارگران و استفاده از کار کارگران ارزان مستعمراتی انجام دهند. در واقع، مأموریت یا رسالت مقدس استعمارگران، غارت ثروت مستعمرات بود و نه پخش تمدن و خیرخواهی در حق ملل عقب مانده و نجات آنها از جهل و فساد. بدون شک، ثروت و نیروی کار مستعمرات را باید از جمله عوامل ترقی سریع غرب در قرون نوزدهم و بیستم دانست.

Safe-Conduct

جواز امان؛ امان نامه

۱- تأمین نامه ای که به شخص داده می شود تا از یک منطقه نظامی یا اشغالی به سلامت عبور کند. ۲- سند عبور مجاز و بی خطر از مناطق ویژه. ۳- سندی که فرستاده دولتی که در حال جنگ با پذیرنده است، باید پیش از ورود به خاک آن کشور تحصیل کند.

Safe District

حوزه مطمئن

حوزه ای که نماینده مجلس، اطمینان دارد که دوباره از آنجا انتخاب می شود.

شایعه

Rumour

۱- فرابندی که از طریق آن، خبرهایی انتشار می‌یابد که در بیشتر موارد قلب می‌شوند، بدون اینکه از مجاری رایج گذشته باشند. ۲- اظهار قضیه‌ای مربوط به وقایع یا اشخاص، برای معتقد ساختن شنونده آن، بی‌آنکه معیاری معتبر جهت سنجش صحت و سقم آن موجود باشد. شایعه، دهان به دهان نقل می‌شود و در هر بازگویی کوتاه‌تر، فشرده‌تر و قابل فهم‌تر می‌گردد. جعلیات و توهمات از خصایص شایعه هستند. شایعه از نظر روانشناسی به دو علت بروز می‌کند: یکی توجه و دیگری تسکین هیجان‌ات عاطفی مزاحمی که عارض انسان می‌شود. مقصر شمردن دیگران نه تنها شیوه‌ای برای توجه دردهای هیجانی آدمی، بلکه در عین حال وسیله تسکین آن نیز است. بی‌آبرو کردن کسی، پیش رو یا پشت سراو، دارای خاصیت موقتی عجیبی است و آن این است که نفرت آدمی به شخص مورد هتاک و از آن مهم‌تر نسبت به هر شخص یا شیئی دیگر موقتاً کاهش می‌یابد. شایعه ممکن است کینه‌توزانه، دلخوش‌کنک و یا هراس‌انگیز باشد، اما قسمت بیشتر شایعات، جنبه بدگویی دارند و مبین کینه‌توزی به‌این و آنند. شایعات هراس‌انگیز نیز سبب تسکین خاطر می‌شوند. شخصی که با نقل داستانهای مبالغه‌آمیز درباره تلفات و زیانهای وارده به کشور خود، همسایه‌ها را در نگرانی خویش شریک می‌سازد، دیگر احساس تنهایی و بیچارگی زیادی نمی‌کند. شایعه در هیچ شرایطی راهنمای معتبری برای اقدام یا اعتقاد شمرده نمی‌شود.

شایعه‌پرداز؛ شایعه‌ساز

Rumourmonger

شخص یا رسانه‌ای که شایعه ایجاد نماید و یا خبر و موضوع تأیید نشده‌ای را بدون در نظر گرفتن صحت و سقم آن بیشتر اشاعه دهد.

Rubber Stamp

ماشین تایید؛ آلت فعل

۱- تأیید و تصدیق چیزی به روال عادی و تکراری، بدون تأمل و تفکر. ۲- با وجود داشتن قوه تشخیص، اراده و حق اظهار نظر، مانند مهر لاستیکی بر احکام فرمایشی صحه گذاشتن.

Ruin and Rule

ورشکسته ساز و حکومت کن

سیاست کشورهای امپریالیستی در کشورهای جهان سوم که به کمک ابادی داخلی با جلوگیری از توسعه صنایع و کشاورزی ملی، غارت منابع طبیعی، تحمیل سیاست عدم موازنه در واردات و پرداختها، پیاده کردن برنامه های اقتصادی، فرهنگی و آموزشی امپریالیستی کوشش کرده اند و می کنند تا کشورهای مزبور را به زیر سلطه خود در آورند.

Rule of Law

حکومت قانون؛ حاکمیت قانون

مفهومی که بر صلاحیت قانون و بویژه حفظ حقوق و آزادیهای فردی، در مقابل قدرت دلخواهانه و مداخله خودسرانه مقامات دولتی تأکید می کند. به بیان دیگر، یکی از اصولی که به عنوان ضامن حقوق و آزادیهای فردی شناخته شده، اصل حاکمیت یا تفوق قانون است که به موجب آن، دولت نیز مانند افراد باید تابع قانون باشد و همواره در تصمیماتی که می گیرد و اعمالی که انجام می دهد قوانین و مقررات را رعایت نماید.

Rules of Warfare

آیین جنگ

اصول و رویه های حاکم بر اخلاق و رفتار ملل درگیر در جنگ و مخاصمه، مثل خوش رفتاری با افراد غیر نظامی در سرزمینهای اشغالی، نکشتن اسیران، عدم انهدام شهرها و مناطق مسکونی، عدم تجاوز به نوامیس مردم، کمک به مجروحان جنگی.

Ruling Class

طبقه حاکم؛ طبقه فرمانروا

طبقه حاکم یا حاکمه اصطلاحی است برای اشاره به طبقه ای اجتماعی و معمولاً برخوردار از سلطه اقتصادی که افراد هیأت حاکمه از میان آن انتخاب می شوند و عملاً منافع آن طبقه را - بویژه از لحاظ اقتصادی - حفظ و حراست می کنند. فیلسوفان یونانی از چند نوع ساختار حکومتی مانند حکومت سلطنتی، حکومت مردمی یا دموکراسی، حکومت اشراف، حکومت اقلیت متنفذ، حکومت شایستگان و حکومت جباران نام برده اند که در هر یک از آنها طبقه حاکم، شکل و نوعی خاص می یابد. صاحبان نظریه های مربوط به نخبگان ادعا می کنند که برقراری دموکراسی واقعی غیر ممکن است و تمام جوامع در هر صورت زیر سلطه یک طبقه حاکم قرار خواهند داشت. مثلاً گاتتانو موسکا (۱۹۴۱-۱۸۵۸) نظریه پرداز سیاسی ایتالیایی در سال ۱۸۹۶ در کتاب طبقه حاکم، ادعا نموده که شکل حکومت هر چه باشد، قدرت در دست اقلیتی از طبقه حکومت کننده است. به نظر او، این اقلیت دارای ویژگیهای خاصی مثل داشتن خاندان برتر، ثروت و تواناییهای اداری است. به نظر موسکا اگر چه طبقه حاکم مانع تحقق دموکراسی واقعی است ولی همواره مجبور است حکومت خود را با توسل به شعارهای اخلاقی یا قانونی که برای مردم تحت حکومتش قابل قبول باشد، توجیه نماید.

Robber Baron**بارون دزد**

این اصطلاح در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برای اشاره به سرمایه‌داران بزرگ به کار رفته است.

Rogue State**دولت سرکش؛ کشور غیرمسئول**

دولتی که خود را پای‌بند هنجارهای بین‌المللی و منطبق با نظام نوین جهانی موردنظر آمریکا و بازار آزاد نداند. این اصطلاح در سال ۲۰۰۲ میلادی و در آمریکا به کار رفته و به نظر پیروز مجتهدزاده، در راستای تاکتیک مفهوم‌سازی برای پیشبرد اهداف جهانی جدید ساخته شده و در تشریح آن از کره شمالی، ایران، عراق و لیبی نام برده شده است.

Romanticism**رمانتیسم**

جنبش فرهنگی و هنری در اواخر قرن هجدهم و نیمه اول قرن نوزدهم که طغیانی بود در برابر محدودیت‌های عاطفی و ساختارهای قراردادی کلاسیسیسم. هنرمندان و نویسندگان رمانتیک بر نیاز به نشان دادن عواطف و هیجانات و آزادی بیان تأکید داشتند. بدین ترتیب، اثر سیاسی رمانتیسم، جنبه لیبرالی و رهایی‌بخشی آن است که با مبارزه برای ملیت و موجودیت ملی قرن نوزدهم همبسته است.

Rotary International**روتاری بین‌المللی**

انجمنی از بازرگانان و صاحبان حرفه‌ها که در سال ۱۹۰۵ توسط پل‌پرسی هاریس در شیکاگو تشکیل شد. روتاری که در خیلی از کشورهای جهان شعبه دارد، تشکیلاتی است با پوشش ظاهر فریب خیرات، برادری، انسانیت و برابری که مقاصد واقعی خود را مکتوم می‌دارد تا قادر به تعقیب اهدافش در داخل کشورها باشد. این تشکیلات به این سبب روتاری نامیده شد که اعضای آن به تناسب مشاغل یا بنابر اختلاف محل برنامه، ملاقات‌های خود را ترتیب می‌دادند. تشکیلات روتاری را با فراماسونری و صهیونیسم در ارتباط دانسته‌اند.

Round Table**میزگرد**

جلسه‌ای که برای بحث یا بررسی موضوعی از چند نفر تشکیل می‌شود که تقریباً همه آنها دارای مقام و اختیارات واحدی هستند و هیچکدام بر دیگری برتری و ریاست ندارد و اصولاً در آن، جایی برای رئیس و مرئوس تعیین نمی‌شود. جلسه میزگرد معمولاً در اطراف یک میز بزرگ - که الزاماً گرد نیست - انجام می‌شود.

Royal Institute for International Affairs (Chatham House)**مؤسسه سلطنتی امور بین‌المللی (کاتام هاوس)**

نهاد به ظاهر پژوهشی انگلستان که در امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دخالت دارد.

Royalism**سلطنت طلبی**

طرفداری از رژیم سلطنتی در برابر رژیم جمهوری یا اعتقاد به حقانیت حکومت سلطنتی و مقام شخص (با سلسله) بخصوصی که در رأس آن قرار دارد.

در مورد خطرهای احتمالی دچار اشتباه محاسبه می‌شوند.

Risk Society

جامعه خطر خیز

این اصطلاح، بیانگر جوامع مدرن است که در آنها سنت از بین رفته و به جای طبیعت، پیشرفتهای علمی بر زندگی مردم مسلط شده، ولی در مورد مسائلی مثل آلودگی و گرم شدن کره زمین خطر خیز شده است.

Risk Theory

نظریه خطر

در مورد مبنای مسئولیت بین‌المللی دو نظر ارائه شده است: نظریه تقصیر و نظریه خطر. به موجب نظریه خطر (یا مسئولیت عینی) مسئولیت کشور دارای ویژگی کاملاً عینی است و براندیشه ضمانت که خالی از مفهوم معنوی تقصیر یا خطا است، قرار دارد. در این نظریه، مبنای مسئولیت بین‌المللی را تنها رابطه علت و معلولی که بین فعالیت کشور و امر مخالف حقوق بین‌الملل وجود دارد، تشکیل می‌دهد. آنزیلوتی حقوقدان ایتالیایی از اولین کسانی بود که نظریه خطر را بیان کرد.

Rivalry

رقابت

سعی و تلاش شخص برای پس انداختن دیگری از نیل به هدفی که مورد نظر هر دوی آنان است. رقابت ممکن است موجب برانگیختن احساس دشمنی، حسد و تنفر گردد.

Road Map (Peace Plan)

نقشه راه (طرح صلح): راهنمای مسیر (طرح صلح)

طرحی که جورج بوش (پسر) رئیس جمهوری آمریکا در ۲۴ ژوئن ۲۰۰۳ اعلام کرد و براساس آن، اسرائیل و فلسطین، در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی، انسانی و زیربنایی باید اقدام به سازش کنند. مذاکرات، تحت نظر گروه چهار جانبه: آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل متحد صورت می‌گیرد. طبق نقشه راه، سازش اساسی در سال ۲۰۰۵ حاصل می‌شود. در این طرح، درگیریهای سوریه - اسرائیل و لبنان - اسرائیل نیز در نظر گرفته شده است. مراحل زمان‌بندی شده طرح عبارتند از: ۱ - پایان خشونت، عادی شدن زندگی و شناخته شدن حق هر دو طرف اسرائیلی و فلسطینی برای زندگی در صلح و امنیت و توقف حملات از جانب هر دو طرف. ۲ - تلاش برای استقرار دولت مستقل فلسطینی. ۳ - وضعیت توافق دائمی و پایان درگیری اسرائیل و فلسطین. ۴ - برقراری روابط کامل با اسرائیل از طرف دولتهای عربی. فلسطینی‌های مبارز گفته‌اند، نقشه راه را خودشان خواهند کشید. در نقشه راه، مصالح و منافع ملت فلسطین، از جمله حق بازگشت پناهندگان دیده نشده است. به نظر علی اکبر محتشمی پور: ویژگی آشکار طرح نقشه راه، تأمین صد درصد امنیت اسرائیل است. عملیات استشهادی یا شهادت طلبانه موجب آسیب‌پذیرتر شدن اسرائیل گردیده و آنها برای جلوگیری از آسیبهای بیشتر، مجبور شده‌اند تا به حداقلی از حقوق مردم فلسطین تن بدهند که همان تشکیل دولت مستقل فلسطینی است. همه اینها را باید مرهون عملیات شهادت طلبانه دانست. به نظر من، چه عملیات شهادت طلبانه ادامه پیدا کنند و چه متوقف شود، سرکوب و تجاوز و توسعه سرزمینی اسرائیلیها ادامه خواهد داشت.

Rijal (Men)**رجال**

واژه عربی به معنی مردان و بویژه مردان سرشناس و بزرگ، و علم رجال به معنی دانش شناخت مردان مشهور علم و ادب و سیاست و شرح احوال آنها است.

Rimland Theory**نظریه سرزمینهای حاشیه‌ای**

نظریه جغرافیائی و ژئوپولیتیکی اسپایکمن (۱۹۴۳-۱۸۹۳) آمریکایی که به سرزمینهای واقع در حاشیه اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی، خاورمیانه و خاور دور اهمیت می‌دهد و آنها را برای امنیت آمریکا اساسی می‌داند. به نظر او، هر قدرتی که نواحی حاشیهای را تحت کنترل داشته باشد، حاکم اوراسیا (اروپا و آسیا) خواهد بود و چنین قدرتی سرنوشت دنیا را تعیین خواهد کرد.

Riot**آشوب**

مختل کردن نظم، به وسیله عده‌ای به منظور اجرای عملی از طریق غیرقانونی. به نظر نویسنده‌ای به نام راند Rand هر کشوری از دوره نابود می‌شود: دیکتاتوری و آشوب. آشوب که موجب به‌جان هم افتادن گروهها و دسته‌ها و به‌یغما رفتن مال و اموال مردم است، راه را برای فاتحی باز می‌کند تا آنچه باقی مانده است به تاراج ببرد. آشوب، مقدمه استبداد است.

Rio Treaty**پیمان ریو**

پیمان منطقه‌ای که در دوم سپتامبر سال ۱۹۴۷ در شهر ریودوژانیروی برزیل برای حراست از نیمکره غربی در مقابل تجاوز مسلحانه به امضا رسید. این معاهده توسط بیست و یک کشور آمریکایی امضا شده است. در سال ۱۹۶۲ کوبا از این پیمان بیرون رانده شد. حمله مسلحانه هر کشوری به یک کشور آمریکایی، اقدام جمعی اعضای پیمان را توجیه می‌کند. ترس از فعالیت براندازانه کمونیستها باعث شد تا امضا کنندگان عهدنامه ریو در سال ۱۹۴۸ با تدوین منشور بوگو تا، عهدنامه را تقویت نمایند. در این منشور اعلام شده است که کمونیسم بین‌الملل با مفهومی که آمریکائیان از آزادی دارند، ناسازگار است. ایالات متحده آمریکا بر اصل عدم مداخله تأکید کرده است، ولی در گواتمالا، کوبا، دومینیکن، السالوادور، هائیتی و نیکاراگوئه دخالت نیز کرده است.

Rising Expectations**توقعات فزاینده**

به نظر عده‌ای از متفکران، انقلابها اغلب در زمانی رخ می‌دهند که وضع زندگی مردم نسبت به گذشته بهتر شده است. یعنی، بهتر شدن وضع اقتصادی و اجتماعی باعث افزایش توقعات مردم می‌شود و فاصله میان امکانات و توقعات، موجب نارضایی و مآلاً انقلاب می‌شود. این واژه مترادف واژه منحنی جی است.

Risk**خطر؛ ریسک؛ خطر پذیری؛ احتمال خطر؛ مخاطره**

وضعیتی که در آن، احتمال کسب نتیجه معین از یک اتفاق، دقیقاً روشن نیست، اما می‌توان از آن نتیجه‌گیری کلی به عمل آورد. ریسک یک مفهوم اقتصادی است که در نظریه‌های بازار اهمیت دارد. زیرا با رقابت کامل، این تولیدکننده و توزیع کننده است که به استقبال خطر می‌رود و نه مصرف کننده. ریسک همچنین عامل مهم کارآفرینی است. سیاستمداران اغلب در سیاستهای معینی

Right of Visit and Search**حق بازدید و جستجو؛ حق تفتیش**

حقی که ناوهای جنگی کشورهای متحارب برای جستجوی کشتیهای تجارتي کشورهای بیطرف، به منظور اطمینان از بیطرفی آنها دارند. ناو جنگی متحارب می تواند درباره کشتی تجارتي کشور بیطرف در دریاهای آزاد و یا آبهای سرزمینی، امور پلیسی زیر را انجام دهد: حق بازدید و جستجو و رسیدگی به درستی رابطه پرچم با هر کشتی تجارتي (یا حق تفحص) که به نظر مظنون برسد. به این منظور، کشتی کشور بیطرف به بندر متحارب هدایت می شود تا مشخص گردد که کشتی تجارتي، مال التجاره و قاچاق جنگ برای دشمن حمل نمی کند و یا اقدامات دیگری که خلاف بیطرفی است، انجام نمی دهد. حق بازدید و جستجو باید با رعایت کلیه ملاحظات ممکن صورت گیرد و اگر سوءظن، نادرست از کار درآید و معلوم شود که کشتی مورد سوءظن، عملی که مستلزم ایجاد سوءظن باشد انجام نداده است، جبران خسارت ضرورت دارد.

Right to Development Declaration**اعلامیه حق توسعه**

مفهوم حق توسعه برای اولین بار در سال ۱۹۸۱ در قطعنامه های مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح شد و سرانجام در چهارم دسامبر سال ۱۹۸۶ به عنوان اعلامیه حق توسعه به تصویب اکثریت اعضای مجمع عمومی رسید. در این اعلامیه که شامل یک مقدمه و ده ماده است، توسعه به عنوان یک فرایند جامع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تعریف شده که هدف آن، عدالت اجتماعی، برابری فرصتها و احترام به کرامت انسانی برای همه افراد، گروهها و ملتها و رفاه مردم است. اعلامیه حق توسعه بر اصول اساسی حقوق بشر و آزادیهای اساسی و حق تعیین سرنوشت از جنبه های توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نیز روابط متقابل و عدالت اجتماعی در سطوح ملی و بین المللی تأکید کرده است.

Right to Privacy**حق زندگی خصوصی**

این اصطلاح بیانگر حق خلوت گزینی و اختیار دوری جستن از توجه دیگران، حق آشکار نکردن دارائی و اموال در حدود قوانین و مقررات و سیاست دولت و نیز حق استفاده از قانون به منظور جلوگیری از تجاوز به حریم شهروندان است.

Right Wing**جناح راست**

به طور کلی به افراد، گروهها و حزبهای محافظه کار، ارتجاعی، هوادار قدرت مطلقه، سنت گرا و فاشیست گفته می شود که خواستار تثبیت وضع موجود و حفظ امتیازات طبقات ممتاز و مخالف اصلاحات اساسی هستند. مشخصات عمومی جناح راست را می توان به شرح زیر خلاصه کرد: محافظه کاری و اقتدار طلبی، اعتقاد به الزام سیاسی بر مبنای فرمانبرداری تا برحسب قرارداد و رضایت و عدالت، مقاومت در برابر اصلاح آزادمنشانه قوانین، محافظه کاری فرهنگی، توجه به اصول موروثی و حقوق مالکیت، اعتقاد به مالکیت خصوصی به عنوان شرط لازم اجتماعی، اعتقاد به آزادیهای فردی، اعتقاد به بازار آزاد.

می‌دهد و در غیر این صورت با شلیک گلوله توپ (تیراخطار) و یازدن گلوله به‌قسمت جلوی کشتی، آن را وادار به توقف می‌سازد و اوراق رسمی و دفاتر موجود در کشتی تجارتي را مورد بازرسی قرار می‌دهد تا تابعیت واقعی کشتی را تعیین نماید. ناوهای جنگی نمی‌توانند اقدام به بازرسی کشتیهای دیگر برای حمل پرچم خود بکنند مگر اینکه زمینه‌هایی برای سوءظن وجود داشته باشد، مثل اینکه کشتی در حال دریازنی باشد، کشتی در حال حمل برده باشد، کشتی دارای پرچم خارجی است یا از نشان دادن پرچم خود امتناع می‌کند ولی تابعیت کشتی در اصل متعلق به همان دولت متبوع کشتی جنگی است، پخش برنامه‌های رادیونی غیرمجاز و بدون تابعیت بودن.

Right of Asylum

حق پناهندگی

حقی است که براساس آن، هر دولتی می‌تواند کسانی را که به‌علل سیاسی به‌خاک یا سفارتخانه‌اش پناه می‌برند، پناه دهد. سفارتخانه‌ها از این حق به‌طور محدود و موقت استفاده می‌کنند، با این شرط که اطمینان حاصل نمایند که پناهنده در شرایط عادی و عاری از احساسات شدید سیاسی مورد قضاوت قانونی قرار می‌گیرد و می‌تواند از خود قانوناً دفاع کند. حق پناه فقط در مورد جرائم سیاسی شناخته شده است و جنایتکاران جنگی و متهمین به جرم "ژنوسید" مجرم سیاسی شمرده نمی‌شوند. پناهندگی سیاسی دو نوع است: پناهندگی درون‌مرزی و پناهندگی برون‌مرزی (پناهندگی دیپلماتیک).

Right of People

حق الناس

حقی است که افراد نسبت به یکدیگر دارند و باید رعایت آن را بنمایند، مثل عدم تجاوز به جان و مال و ناموس یکدیگر.

Right of Revolution

حق انقلاب

اگر مبنای حقوق، عدالت یا قانون طبیعی فرض شود، نتیجه آن، مشروعیت مقاومت در برابر قانونی است که از مبنای اصلی خود پیروی نکرده است. به‌نظر جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲) فیلسوف انگلیسی، فقط حقوق طبیعی انسان، بویژه حق حیات و آزادی و حق تملک، اساس جامعه سیاسی و حفظ آنها و وظیفه حکومت است. اگر حکومت از تعهد این امر مهم کوتاه آید، جامعه سیاسی متلاشی می‌شود. تحمل حکومت ناروا، خیانت به جامعه مدنی است. لذا شورش بر حکومت ناصالح نه تنها حق مردم است، تکلیف ایشان هم هست. مع‌هذا، در حقوق موضوعه، مشروع بودن انقلاب در هیچ دادگاهی مطرح نمی‌گردد. ظاهراً تنها راهی که در حقوق موضوعه برای جلوگیری از اجرای قوانین مخالف عدالت وجود دارد، این است که حقوق‌دانان، وکلا، استادان حقوق و دادرسان در اصلاح و نیز انتقاد از آنها کوتاهی نکنند.

Right of Self-Determination

حق تعیین سرنوشت؛ حق خودمختاری

اشاره است به این اصل که هر ملتی یا هر خلقی حق دارد سرنوشت خود را مستقلاً تعیین کند. به‌بیان دیگر، به‌موجب اصل حق تعیین سرنوشت ملی، همه ملتها و خلقها باید در مورد استقلال، شکل حکومت و سرنوشت سیاسی خود، آزادانه و بدون اجبار و یا دخالت از خارج تصمیم بگیرند.

انقلابی یک جنگ طولانی است و تا پایان به صورت یک جنگ غیرعادی باقی می ماند. انقلابیون نمی توانند عملیات خود را به طور جدی آغاز کنند، مگر آنکه از یک انگیزه مهم که قادر به جلب مردم باشد، برخوردار گردند. از جمله شرایطی که برای یک جنگ انقلابی پیروزمند لازم است، از: انگیزش، ضعف پلیس و سازمانهای اداری، شرایط و محیط جغرافیایی مناسب، کمک و حمایت خارجی در اواسط و یا مراحل بعدی انقلاب نام برده اند.

Revolutionism**انقلاب گروایی؛ اصالت انقلاب**

اندیشه و طرز فکری که تنه راه بهبود اوضاع و از بین بردن مفاسد و پلیدیها و نابسامانیهای اجتماع را انقلاب می داند.

Rhetoric**لفظی؛ زبان آوری؛ سخنوری**

در اصل، اصطلاحی مربوط به قرون وسطی و بیانگر متقاعد ساختن از طریق بحث است که روزنامه نگاران، آن را برای اشاره به حرکت تند خطیبانه نامتقاعدکننده سیاستمداران به کار برده اند.

Rider**ماده الحاقی؛ الحاقیه**

الحاقیه، تکمله یا ماده اصطلاحی به یک قطعنامه، رأی (هیأت منصفه) یا لایحه. در آمریکا، الحاقیه ای است به پیوست لایحه کنگره بدون آنکه ربطی به آن داشته باشد.

Right**حق**

قدرت یا امتیازی که کسی یا جمعی سزاوار برخوردار از آن است (مثل حق طبیعی حیات) و بویژه، قدرت یا امتیازی که به موجب قانون (حق قانونی) یا عرف مقرر شده باشد. اصولاً افراد جامعه بر اثر روابط و مناسبات خود یک رشته اختیارات و امتیازات به دست می آورند که مجموعه آن را حقوق می نامند که مشتمل بر اختیارات مدنی، اجتماعی، سیاسی و همه مزایا و سلطه هایی است که از قانون ناشی می شود.

Rightist**راست گرو؛ دست راستی**

کسی که به محافظه کاری، ارتجاع، اقتدارطلبی، سنت گرایی، و یا فاشیسم و نازیسم اعتقاد دارد و طرفدار طبقات ممتاز و مخالف اصلاحات اساسی است.

Rightness**درستی؛ راستی**

حالتی که بازتاب روابط اخلاقی (حقوقی، سیاسی یا علمی) فرد با جامعه و سایر افراد است در جهت انجام درست کارها و رعایت معیارها و ارزشهای معقول، بحق و منصفانه زندگی عمومی.

Right of Approach**حق تفحص؛ حق بازرسی**

هر ناو جنگی حق دارد درستی رابطه پرچم را با هر کشتی تجارتنی که به نظر مشکوک برسد، مورد رسیدگی قرار دهد. این رسیدگی برای تعیین تابعیت واقعی کشتی و روشن شدن این مسأله که آیا کشتی تجارتنی حق داشتن پرچمی را که افراشته است دارد یا نه، صورت می گیرد. در چنین حالتی، ناو جنگی با بلندگو و وسایل بصری و رادیویی و نظایر آن به کشتی تجارتنی مشکوک دستور توقف

به طوری که هم در نتیجه بحران همه گیر و هم در نتیجه اقدامات خود هیأت حاکمه، بیش از پیش به مبارزه تاریخی مستقل جلب شوند. در وضع انقلابی، نه تنها ملت نمی خواهد به شیوه گذشته زندگی کند، بلکه دولت هم نمی تواند به شیوه گذشته حکومت کند. برای تحقق انقلاب، غیر از لزوم وجود شرط عینی یا وضع انقلابی، وجود شرط ذهنی یا سازمان متشکل انقلابی نیز که بتواند انقلاب را هدایت کند و به ثمر برساند لازم است.

Revolutionary Space

فاصله انقلابی

هر نوع شکافی که در جامعه، بین انتظارات از حکومت و عملکرد آن وجود داشته باشد.

Revolutionary Syndicalism

سندیکالیسم انقلابی

این واژه مترادف سندیکالیسم آنارشستی است. سندیکالیسم وقتی شکل انقلابی به خود می گیرد که سندیکاها از قلمرو اقتصادی کارشان فراتر روند و نابودی دولت را از طریق اعتصاب عمومی مورد عمل قرار دهند. اصولاً آنارشیستها پس از شکست در برابر سوسیالیستها و همچنین شکست در عملیات تروریستی، در قالب و هیأت سندیکالیسم انقلابی درآمدند.

Revolutionary Tension

تنش انقلابی

هر نوع عدم تعادل یا عدم توازن موجود در جامعه که سبب انقلاب شود.

Revolutionary Tribunal

دادگاه انقلابی

دادگاهی که برای رسیدگی به اتهامات دشمنان انقلاب تشکیل می شود. از جنبه تاریخی، به محکمه فوق العاده ای اطلاق می گردد که در زمان انقلاب کبیر فرانسه برای رسیدگی به جرائم بر ضد آزادی و امنیت داخلی و خارجی جمهوری نوپای فرانسه تشکیل شد.

Revolutionary Vigilance

هشیاری انقلابی

توانائی شناختن و فلج کردن دشمنان انقلاب و نیز توانائی تشخیص موقعیت و توان افراد در شرایط حاد مبارزه.

Revolutionary War

جنگ انقلابی

۱- جنگی که نه تنها بروز یک انقلاب عمومی در کشور را در نظر دارد، بلکه با استفاده از شیوه های انقلابی نیز صورت می گیرد. چنین جنگی بر اساس اراده مبارزاتی طرفداران و به تدریج تمام مردمی که باید به جلب حمایت آنها اقدام شود، قوام می یابد. ۲- وقتی جنگ چریکی ناشی از یک ایدئولوژی مبارزاتی باشد و سعی در آماده کردن شرایط قیام عمومی علیه دشمن داخلی که ستمگر شناخته می شود به عمل آید، جنگ انقلابی به شمار می آید. ۳- وقتی انقلابیون برای کسب قدرت، استقلال و خلع قدرت حاکم و یا برای جداسدن از حکومت مرکزی دست به عمل می زنند و ضدانقلابیون نیز به مقابله برمی خیزند، جنگ انقلابی آغاز می شود. در جنگ انقلابی، انقلابیون از یک نیروی کوچک به بزرگ و از یک نیروی ضعیف به قوی رشد و توسعه می یابند، در حالی که ضد انقلابیون از یک قدرت بزرگ به یک نیروی کوچک و از قوت به ضعف تنزل پیدا می کنند. جنگ

است. مهاجرت انقلابی، مهاجرتی است فعال، و به معنی فرار از صحنه، فرار از سختیهای مبارزه و ترک کردن میدان نبرد، بی عملی، عادت کردن به زندگی راحت و رفتن به مجلس مهمانی نیست.

Revolutionary Movement

نهضت انقلابی؛ جنبش انقلابی

حرکت یا جنبش شدید و ناگهانی به منظور ایجاد نوآوریها و تغییراتی که مشکلات، ناسازگاریها و نابسامانیهای اجتماعی را از میان بردارد. این اصطلاح، مترادف انقلاب اجتماعی است. عده‌ای مثل خانم هانا آرنت (۱۹۷۵-۱۹۰۶) فیلسوف سیاسی اگزیستانسیالیست آلمانی، انقلابهای دارای اهداف اجتماعی را (از زمان انقلاب کبیر فرانسه) شایسته واژه انقلاب نمی‌دانند. آرنت، نوع واقعی انقلاب را انقلابی می‌داند که هدفش برقراری آزادی باشد.

Revolutionary Potential

نیروی بالقوه انقلابی؛ پتانسیل انقلابی

شکاف کلی بین انتظارات از حکومت و عملکرد آن.

Revolutionary Science

علم انقلاب

شناخت روندی که متضمن براندازی یک نظم اجتماعی مستقر و جایگزینی آن با یک نمونه عالی جدید است. اقدام یا عمل انقلابی دارای مراحل متعددی است: ۱- مرحله تحقیق و گردآوری واقعیتها و اسناد و تحلیل آنها ۲- مرحله استنتاج از این تحلیلها و اتخاذ تصمیمات لازم ۳- مرحله تدارک لوازم مادی و معنوی لازم برای اجرای تصمیمات اتخاذ شده ۴- مرحله تقسیم کار و اجرای تصمیمات اتخاذ شده ۵- مرحله کنترل و اصلاح کارهای انجام شده. شرایط تحقق موفقیت‌آمیز از مرحله سوم به بعد را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: وجود سازمان اجراکننده‌ای که از لحاظ منطقی و ارادی برای تحقق برنامه‌ها، نقشه‌ها و تصمیمات اتخاذ شده دارای صلاحیت و شایستگی باشد، تنظیم سیاستها و روشهای اجرای تصمیمات، وجود شرایط مساعد عینی تاریخی که اگر وجود نداشته باشد کار مورد نظر به نتیجه نمی‌رسد. در امر تصمیم‌گیری و تنظیم نقشه عمل باید نکات زیر رعایت شود: تعیین اولویت اقدامات اساسی، تعیین اقدامات فرعی و احتمالی، انتخاب بهترین نقشه عمل با توجه به شرایط، اجتناب از یافتن راه‌حلهای آنی یا ارتجالی. همچنین برای آنکه تصمیم اتخاذ شده حتماً درست باشد باید دارای شرایط چهارگانه علمیت (مبتنی بودن تصمیم به تحلیل علمی وضع معین) اصولیت (مبتنی بودن تصمیم بر هدفهای انقلابی و مرفقی اجتماعی که در لحظه معین تاریخی قابل وصول است و اجتناب از ماجراجویی و اراده‌گرایی) واقع بینی (مبتنی بودن تصمیم بر تناسب نیروهای ارتجاعی و پیشرو جامعه) و جمعی بودن تصمیم باشد مگر در شرایطی که تصمیم در حوزه اختیارات فرد قرار دارد.

Revolutionary Situation

وضع انقلابی

در ادبیات سیاسی چپ به وضعیتی اطلاق می‌شود که دارای سه نشانه عمده زیر باشد: ۱- بحران عمومی در کشور که هم استثمارگران و هم استثمارشوندگان را در برگیرد. بدین معنی که نه تنها استثمارشوندگان نخواهند به شیوه گذشته زندگی کنند، بلکه استثمارگران نیز نتوانند به شیوه گذشته حکومت کنند. ۲- تشدید فقر و نیاز زحمتکشان. ۳- تشدید قابل توجه فعالیت توده‌های زحمتکش

فروم، انقلابی کسی است که با انسانیت نمود می‌یابد و بدین ترتیب از محدودیتها و ناچیزهای جامعه خود فراتر می‌رود و به همین جهت می‌تواند جامعه خود و یا سایر جوامع را از دید عقل و انسانیت مورد نقد قرار دهد. شخصیت انقلابی فقط نوعی شخصیت در بعد سیاسی نیست، بلکه در دین، هنر و فلسفه نیز هست. هرکس که شعار انقلابی می‌دهد و یا حتی در انقلاب شرکت می‌کند، انقلابی شمرده نمی‌شود. انقلابی کسی است که خود را از بند خاک و خون و از اتکای کودکانه به اقتدار والدین و از سرسپردگیهای خاص به قدرت، نژاد، طبقه و مانند اینها آزاد کرده باشد. انقلابی به زندگی عشق می‌ورزد و به آن احترام می‌گذارد، شکاک و صادق است، توان نه گفتن را دارد و می‌تواند تن به تبعیت و خاکساری ندهد.

Revolutionary Character

خصلت انقلابی

داشتن شرایط لازم اخلاقی و روحی مثل اراده، پشتکار، شجاعت، صداقت، روح پیکارجوئی، تدبیر و لیاقت سیاسی برای شرکت در مبارزه انقلابی.

Revolutionary Consciousness

آگاهی انقلابی

اطلاع کافی و لازم از تئوری عمومی انقلابی و تئوری انطباقی انقلابی. تئوری عمومی یعنی جهان‌بینی مورد نظر و تئوری انطباقی یعنی انطباق تئوری عمومی بر شرایط خاص یک جامعه، نهضت یا حزب.

Revolutionary Democratism

دموکراتیسم انقلابی

اصطلاح دموکراتیسم انقلابی سابقاً در ارتباط با انقلابیون روسی که علیه استبداد سلطنتی تزار می‌جنگیدند به کار می‌رفت و سپس در مورد شخصیتها و نهضتهای انقلابی کشورهای آسیایی و آفریقایی به کار رفته و مفهوم آن عبارت است از سیاست توده‌های دهقان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران ملی‌گرای رادیکال که بر اساس تمایلات ضدامپریالیستی، ضدفئودالی و ضد سرمایه‌داری متحد می‌شوند. طبقه کارگر در این کشورها ضعیف است. در ادبیات سیاسی چپ، مشی دموکراتیسم انقلابی در مقابل مشی لیبرالیسم که مشی سرمایه‌داران بزرگ و بخشی از سرمایه‌داران متوسط داخلی است، قرار دارد. به بیان دیگر، آوردن واژه انقلابی به دنبال دموکراتیسم برای مجزا ساختن تمایلات دموکراتیک اقشار متوسط و بینابینی جامعه از دموکراسی بورژوازی است. مبانی عقیدتی دموکراتهای انقلابی یا هواداران مشی دموکراتیسم انقلابی، آمیزه‌ای است از نظریات سوسیالیستی، جزمهای سنتی، عقاید مذهبی، نظریات روشنگران اقتصاد سیاسی کلاسیک، اعتقادات گاندی‌گرایانه، تفکرات سوسیالیستهای تخیلی و تمایلات تند ناسیونالیستی.

Revolutionary Migration

مهاجرت انقلابی

این نوع مهاجرت، یکی از اشکال مهاجرت سیاسی است که از طرف یک سازمان انقلابی برای حفظ کادرها یا برای انتقال مرکز بخشی از فعالیتهای انقلابی به جانی دور از دسترس دشمن صورت می‌گیرد. مهاجرت انقلابی، بخشی از مبارزه و بخشی از پیکار انقلابی علیه مستبدان و ستمگران است. این نوع مهاجرت در شرایط خاصی ضرورت پیدا می‌کند و اقدام بدان نه تنها خطا نیست، بلکه واجب

کنندگان نیز نتوانند به شیوه گذشته زندگی و حکومت کنند) و شرط ذهنی (وجود سازمان متشکل انقلابی که بتواند انقلاب را هدایت کند و به ثمر برساند) ضرورت دارد. مشخصات هر انقلاب اصیل عبارت است از افزایش سریع تعداد عناصر مستعد مبارزه سیاسی در میان مردم که پیش از این بی عمل مانده بودند، نیروهای سیاسی فعال، متشکل، ایثارگر و رهبران انقلابی شناخته شده. کارل مارکس، انقلاب را عامل ناگزیر پیشرفت و لوکوموتیو تاریخ (محرک و شتاب دهنده مهم تاریخ) می‌داند و اعمال قهر را در تاریخ، مامایی می‌نامد که هر جامعه کهنه را که آستان جامعه تازه‌ای باشد می‌زایاند. انقلاب ممکن است به دو شکل صورت گیرد: ۱- انقلاب قهرآمیز ۲- انقلاب مسالمت‌آمیز، یعنی بدون خونریزی و توسل به اسلحه. طبقه حاکم در مبارزه با جنبش انقلابی، تمام قدرت و ماشین دولتی را به کار می‌برد. انقلابیون تنها پس از کسب قدرت دولتی است که می‌توانند نظم قدیم را درهم شکنند و نظم نوین را جایگزین آن سازند. به طور کلی، انگیزه‌های انقلابها از جمله ناشی از اصول ایدئولوژیک، فرهنگی، دینی و یا نتیجه تضادهای طبقاتی و به دلایلی مثل وفا نکردن دولت به وعده‌ها، دست به دست هم دادن فقر دراز مدت مردم و شکستهای کوتاه مدت و اختناق، وجود تنگناهایی برای قابلیت تحرک و جابجایی اجتماعی است. همه انقلابها الزاماً در ایجاد تغییرات مطلوب انقلاب‌کنندگان موفق نیستند و ممکن است فقط یک نظام، جایگزین نظام دیگر شود. شیوه‌های کسب قدرت دولتی نیز نمی‌تواند برای کشورهای مختلف، برای دوره‌های مختلف تاریخی و در شرایط مختلف بین‌المللی یکسان باشد.

Revolutionary

انقلابی

کسی که با نظم مستقر مخالف است و قوانین و مقررات حاکم را بر حق و مشروع نمی‌داند و در صدد در هم شکستن نظام قانونی است و در صورت لزوم، می‌خواهد نظام و حقانیت جدیدی را جانشین نظام موجود کند. این امر نه از طریق انفرادی، بلکه با بسیج همه مردم امکان‌پذیر است. چه گوارا (۱۹۶۷-۱۹۲۸) انقلابی معروف اعتقاد داشت که کوشش انفرادی گرهی از کار نمی‌گشاید. شخص اگر حتی تمام عمر خود را در گوشه‌ای از دنیا، تک و تنها وقف عالی‌ترین هدف هم بکند، ثمری به بار نمی‌آورد. زیرا انقلاب نیاز به بسیج مردم دارد، مردمی که با به کار بردن سلاحها و تمرین وحدت نظامی به ارزش سلاحها و بهای این وحدت پی می‌برند. چه گوارا مخالف سرسخت ورود فرد انقلابی به کارهای اداری بود و اعتقاد داشت که کار اداری و پشت میز نشین شدن فرد انقلابی، او را فاسد، تن‌پرور و بی‌خیال می‌کند. به نظر نویسنده اندیشمند مانس اشپربر: رد قطعیت اصولاً پیش شرط تفکر انقلابی واقعی است و همه آنهايي که خود را انقلابی می‌خوانند و همواره قطعی و نهایی سخن می‌گویند، بدین ترتیب ثابت می‌کنند که اصلاً انقلابی نیستند. در حالی که برای من هیچ چیز قطعی و نهایی وجود ندارد. پایان تاریخ، یک یاهه است، وجود ندارد. همواره با حقیقت در راه هستیم، کسی با آن مستقر نمی‌شود. مانو (۱۹۷۶-۱۸۹۳) معیار انقلابی بودن یک جوان را در ایجاد رابطه واقعی با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان می‌داند: چنانچه او مایل به درآمیختن با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان باشد و واقعاً نیز بدان عمل کند، آنگاه فردی انقلابی است. اگر او امروز با توده‌های کارگران و دهقانان درآمیزد، او را امروز می‌توان فردی انقلابی نامید، ولی چنانچه او فرداً از آنها ببرد و حتی به مردم ستم کند، آنگاه فردی غیرانقلابی و یا ضدانقلابی خواهد شد. به نظر اریش

واژه فرانسوی سابقاً توسط کمونیستهای شوروی و اروپای شرقی برای اشاره به مقاصد مبتنی بر تغییر وضع اروپای بعد از جنگ دوم جهانی به کار می‌رفت که از طرف محافل سیاسی و اقتصادی خاصی در جمهوری فدرال آلمان (سابق) ابراز می‌شد.

Revealed Religion

دین وحی بنیاد

دین یا مذهبی که از طریق یک پیغمبر برای انسان آمده باشد.

Review

سان

بازدید رسمی و تشریفاتی از یک واحد نظامی.

Revisionism

تجدید نظر طلبی؛ ریویزیونیسم

در ادبیات سیاسی چپ یعنی گرایشی در جنبش طبقه کارگر که - به نفع بورژوازی - در صدد کم بهادادن، سست کردن و از بین بردن مارکسیسم به وسیله تجدیدنظر در اصول اساسی آن است. نمایندگان اصلی تجدید نظر طلبی کهن، ادوارد برنشتاین و کارل کائوتسکی بودند. نفی ضرورت انقلاب و انتقال قدرت به دست پرولتاریا و نفی نقش رهبری کننده حزب کمونیست و نفی مبارزه طبقاتی از جنبه‌های تجدید نظر طلبی است. تجدیدنظر در مارکسیسم هم از چپ و هم از راست صورت می‌گیرد. تجدیدنظر طلبی راست در جهت منافع بورژوازی و انصراف از انقلاب اجتماعی است و تجدید نظر طلبی چپ در جهت روحیات انقلابی نمای خرده بورژوازی و تسریع تحمیلی روند تکامل اجتماع در جهت حادثه جوئی و ناچیز گرفتن عوامل عینی است.

Revitalization Movement

جنبش احیاءگری؛ نهضت تجدید حیات

تلاش آگاهانه، سنجیده و سازمان یافته مردم برای ایجاد یک فرهنگ و زندگی مطلوب تر.

Revolt

طغیان

برخاستن و برآشتن علیه حکومت زور و ظلم.

Revolt of the Masses

طغیان توده‌ها

این واژه را اورتگاگست (۱۹۵۵-۱۸۵۵) فیلسوف و نویسنده اسپانیایی به کار برده و منظور از آن، به میدان آمدن مردم عادی در عرصه سیاست است از طرق گوناگون، مثل از یاد جمعیت و بازگشت به خویش یا خویشن‌یابی.

Revolution

انقلاب

۱ - تغییر ناگهانی که در هر نظم اجتماعی، نهادی و سیاسی مستقر، تحت تأثیر نیروهای معمولاً متشکل و برتر از نیروهای حافظ نظم موجود، و نه در جهت جابجایی افراد، بلکه با هدف ایجاد یک نظام جدید به وقوع می‌پیوندد. ۲ - در ادبیات سیاسی چپ به سرنگونی یک نظام اجتماعی کهنه و فرسوده نامطلوب، و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی نو و مترقی مطلوب اطلاق می‌شود. برای تحقق انقلاب، شرایط عینی یا وضع انقلابی (وجود بحران عمومی در کشور به طوری که حکومت شونندگان به عدم امکان ادامه زندگی به شیوه کهنه پی برده و خواستار تغییر آن باشند و حکومت

بدون آن، نه ستایشی برای عمل انجام شده وجود دارد و نه سرزنشی. مسئولیت دارای انواع مختلفی است مثل: مسئولیت سیاسی (کاربرد درست قدرت)، مسئولیت اخلاقی (یعنی انسان در مقابل وجدانش پاسخگوی خطای ارتكابی باشد)، مسئولیت حقوقی (یعنی شخص نسبت به اعمال ارتكابی خود در مقابل دیگران پاسخگو باشد)، مسئولیت مدنی (تکلیف به جبران خسارت وارده به اشخاص اعم از اینکه منشأ زیان، جرم، شبه جرم، عدم اجرای قرارداد و یا تاخیر در اجرای آن باشد)، مسئولیت بین المللی (تکلیفی که به موجب حقوق بین الملل به یک دولت تحمیل می شود تا خساراتی را که در اثر نقض قواعد حقوق بین الملل توسط او به دولت دیگری وارد شده است، جبران کند).

حکومت مسئول

Responsible Government

حکومتی که در برابر افکار عمومی پاسخگو است و به نمایندگان مردم، حساب پس می دهد.

اسناد محرمانه

Restricted Documents

۱- اسنادی که افشای آنها پیش از موعد مقرر باعث ایجاد اشکال می شود. ۲- مدارک محدود یا اسنادی که نه برای استفاده عموم بلکه به منظور استفاده اشخاص بخصوصی تهیه و توزیع می شود.

ضربه تلافی جویانه

Retaliatory Strike

حمله هسته‌ای به تلافی "ضربه اول". توازن قوای ابرقدرتها براساس این نظریه است که هر طرف می تواند از ضربه نابودکننده اول جان بدر برد و منابع کافی برایش باقی می ماند که با وارد کردن ضربه انتقامجویانه باعث نابودی متجاوز گردد.

القدام مقابل؛ معامله متقابل؛ اقدام قصاصی

Retortion (Retorsion)

در روابط بین کشورها به انجام عملی اطلاق می شود که برخلاف حقوق بین الملل نیست و هدف از آن، تحت فشار قراردادن منافع یک کشور است. اقدام تلافی جویانه (مقابل به مثل) با اقدام متقابل (عمل حقوقی قصاص) در پراتیک بین المللی فرق دارد و آن دو را از هم تفکیک کرده اند. اقدام متقابل با آنکه مانند اقدام تلافی جویانه، اجبار و قهری است که درباره کشور معین صورت می گیرد و به منافع آن کشور لطمه می زند، ولی ناقض مقررات حقوق موضوعه موجود نیست. رایج ترین اقدامات متقابل عبارتند از اخراج اتباع و یا خبرنگاران و دیپلماتها و کنسولهای یک کشور به عنوان اقدامات متقابل نسبت به اخراج اتباع و خبرنگاران و یا دیپلماتها و کنسولهای خودی از خاک کشور مقابل.

واگشت گرایی

Retrogressionism

اعتقاد به تنزل یافتن یا واگشت جامعه در جریان زمان. طبق این عقیده، هرچه از عمر تاریخ بشر سپری می شود، جوامع در تأمین خوشبختی بشر ناتوانتر می شوند و به جای پیشروی، پسروی می کنند.

انتقامجویی

Revanchisme

سیاست و رویه تلافی جویانه برای جبران هرگونه ناحقی واقعی یا خیالی و شکست نظامی. این

کمونیسم) می‌بود، ناچار می‌بایستی تحت سلطه و حاکمیت مشترک و مشاع همه کشورهای جهان قرار می‌گرفت. ۲- اگر دریا شیء متعلق به عموم می‌بود، تنها عبور و مرور آرام و مسالمت‌آمیز در دریا مصداق پیدا می‌کرد، حال آنکه دریای آزاد از میدانهای مخاصمات است. ۳- اگر دریای آزاد متعلق به عموم بود، لازم می‌آمد که به‌طور مشترک و مشاع، به‌وسیله دستگاه مرکزی مشخص اداره می‌شد. بنابراین، دریای پهناور یا آزاد، شیء یا چیزی است که به کسی تعلق ندارد (رس نوللیوس) و کشورهای مختلف فقط می‌توانند در مورد اتباع و در مورد کشتیهایی که زیر پرچم آنها است، صلاحیت صیانت ذات و صلاحیت شخصی خود را در دریای پهناور اعمال کنند.

قطعه‌نامه

Resolution

۱- متنی که میتینگها، بحثهای مجمعی و کنگره‌ای را به پایان می‌رساند، به این ترتیب که برای ارکان اجرا کننده، خط مشی معین می‌کند و یا در مورد بخصوصی، موقعیت اصولی خود را نسبت به موضوع مورد بحث مشخص می‌کند. ۲- نتیجه‌ای که از اجتماعی یا جلسه‌ای مشورتی گرفته شود و به صورت مکتوب درآید.

دیپلماسی منابع

Resources Diplomacy

یکی از سیاستهای اقتصادی وزارت امور خارجه ژاپن که در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد. طبق این سیاست، سیاستهای کاری لازم برای تأمین و ایمنی مواد خام مورد نیاز ژاپن تنظیم می‌شود، چگونگی رقابت و رویارویی با کشورهای پیشرفته صنعتی برای دستیابی به مواد خام (بویژه نفت) و مشکلات تأمین ثبات عرضه مواد خام مورد نیاز ژاپن بررسی می‌شود و بالاخره، بالاگرفتن احساسات ناسیونالیستی در مورد منابع از طرف کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد.

جنگ منابع

Resources War

جنگ بر سر کنترل و سلطه بر منابع نفتی. بعد از جنگ سرد، جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱) اولین جنگ برای کنترل ذخایر نفتی خاورمیانه توسط کشورهای سرمایه‌داری غربی و در رأس آنها آمریکا بود تا کشورهای منطقه نتوانند از سلاح نفت و بستن شیرهای نفت استفاده کنند. دومین جنگ منابع در سال ۲۰۰۳ بود که به اشغال عراق، دومین کشور نفت خیز جهان، توسط آمریکا انجامید.

احترام؛ عزت

Respect

یکی از مهم‌ترین نیازهای اخلاقی که مستلزم طرز برخوردی با مردم است که در عمل، احترام به‌شان و مقام فرد را نشان دهد. مفهوم احترام در پیش‌انگاره‌های وجدان اخلاقی جامعه تشکیل شده است از: عدالت، حقوق برابر، امکان برآورده شدن کامل منافع مردم، قبول آزادیهای آنها، اعتماد به آنها، توجه دقیق به اعتقادات و امیدها و آرزوهای آنها، ظرافت، ادب و نزاکت، ملاحظه، فروتنی. مفهوم عزت و احترام با شکل و ماهیت جامعه و روابط اجتماعی مشخص می‌شود.

مسئولیت

Responsibility

۱- موظف بودن به انجام دادن امری. ۲- اشاره به عمل یا حوزه عملی که بخشی از وظیفه کسی است، خواه به‌عنوان دارنده یک مقام یا به‌عنوان عامل سیاسی یا اخلاقی. ۳- خصیصه عاملیت که

Resident

فرماندار مستعمره

نماینده دولت استعمارگر در مستعمره.

Residues

رسوبها

این واژه را ویلفرد پار تو (۱۹۲۳-۱۸۴۸) جامعه‌شناس ایتالیایی به کار برده و از آن به عنوان عوامل اصلی تعیین کننده رفتار انسان نام برده است. پار تو رسوبها را عبارت از کلیه آثار و احوال نفسانی می‌داند که در انسان رسوخ یافته و ته نشین شده است و به اشکال مختلف ظاهر می‌شود. وی از عوامل غیر اصلی با نام مشتقات (وسیله‌ای که افراد برای توجیه اعمال خویش به کار می‌برند مثل حجت آوردن با استناد به سنتهای باستانی و اقوال بزرگان) یاد کرده که به عنوان پوشش و قشر خارجی رسوبها عمل می‌کنند. پار تو تمام عقاید سیاسی و دینی را غیر منطقی می‌داند و آنها را از جمله وسایلی می‌پنداشت که برای مشروع جلوه دادن رسوبها و مشتقات به کار می‌روند. نظریه‌هایی مانند آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم از رسوبهای غیر منطقی است و تمام کسانی که عقاید جدیدی را ارائه نموده‌اند و با خرافات مبارزه کرده‌اند خود نیز به شکل دیگری خرافاتی بوده‌اند، زیرا نظریه‌هایی مانند آزادی، نظیر همان خرافات، لباسهایی است که بر تن عقاید غیر منطقی پوشانیده شده است. تغییر آیینهای مختلف در طول تاریخ با تغییر رسوبها ارتباط داشته است. بت پرست برای توجیه معتقداتش به مجموعه عقاید خرافی متکی است و سوسیالیست نیز به آثار مارکس و انگلس و لنین استناد می‌کند. رسوبهای اطاعت در قدیمها که ایشان را وادار به تمکین از پادشاهان و اشراف و اولیای دین می‌کرد، اکنون به اطاعت از عوامفریبان و پیشوایان سندیکاها تبدیل شده است. در واقع، پوشش فقط فرق کرده اما رسوبهای اطاعت و فرمانبرداری باقی است. یا این رسوبها موجب می‌شود که عقاید کسانی که قبلاً شکل واحد داشت و جنبه مذهبی به خود می‌گرفت و فرضاً تحت پوشش محترم داشتن مالکیت خصوصی و بدشمردن طلاق بروز می‌کرد، اکنون به این شکل نباشد. بدین معنی که اشخاص در برابر این گونه مسائل مذهبی نوعی تحمل و در مقابل، در مورد مسائل دیگر نوعی ناهرباری پیدا کرده و مثلاً نسبت به انتقاد از عمل مصلحان اجتماعی حساسیت به خرج دهند و آن را زشت پندارند. کسانی مثل پار تو Pareto در تاریخ اندیشه اجتماعی و سیاسی به ما کیواولیاثیهای جدید معروفند. به اعتقاد آنها، هر جامعه یا تشکیلات از نظر ظاهری دموکراتیک، بالأخره به اولیگارشسی تبدیل می‌شود. یعنی، اقلیتی نخبه و قدرتمند، سرانجام سررشته امور را در اختیار می‌گیرد و ظهور طبقه حاکم از امور ذاتی تشکیلات سیاسی و اجتماعی است.

Resistance Movement

نهیضت مقاومت

جنبشی که یا به ضدخارجیان در کشوری به وجود آید (مثل نهیضت مقاومت فرانسه علیه اشغالگران هیتلری) و یا توسط مخالفین حکومت استبدادی و پلیسی در یک کشور سازمان داده شود.

Res Nullius

رس نوللیوس

واژه لاتین به معنی آنچه که متعلق به هیچکس نیست. مثلاً در مورد ملکیت دریای آزاد یا پهناور گفته شده که دریا چیزی است که به کسی تعلق ندارد، زیرا: ۱- اگر دریا شیء متعلق به عموم (رس)

خود می‌گذرند یا تسلیم زور می‌شوند و یا فریب تبلیغات را می‌خورند.

Republicanism

جمهوریخواهی

طرفداری از حکومت جمهوری در مقابل حکومت‌های موروثی، خاندانی و دیکتاتوری یا استبدادی. منظور از حکومت جمهوری این است که مردم، صاحب اختیار سرنوشت خویش باشند، قدرت حکومت در دست مردم یا نمایندگان آنان باشد و تمام قدرتهای حاکم بر کشور ناشی از مردم شناخته شود.

Res Communis

رس کمونیس؛ مشترکات

واژه لاتین به معنی آنچه که متعلق به عموم است. این واژه در برابر واژه "رس نوللیوس" به کار می‌رود.

Research and Development (R and D)

تحقیق و توسعه

پژوهش و بررسی علمی با توجه به بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی انسان، محصولات، منافع، عوامل تولید. یا هرگونه فعالیت منظم و خلاق در جهت افزایش اندوخته‌های علمی و فنی و استفاده از این اندوخته‌ها برای طراحی و ابداع روشها و کاربردهای جدید. فعالیتهای تحقیق و توسعه به تحقیق بنیادی (کاشهای اصیل و بدیع برای افزایش اندوخته‌های علمی و درک بهتر پدیده‌های طبیعی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی) تحقیق کاربردی (هرنوع کاوش اصیل به منظور کسب دانش علمی و فنی جدید که برای آن کاربرد خاصی در نظر گرفته شود) و تحقیق توسعه‌ای یا تجربی (هرگونه فعالیت منظم مبتنی بر دانش موجود حاصل از تحقیقات و یا تجربیات که برای تولید مواد، فرآورده‌ها، وسایل، ابزار، فرایندها و روشهای جدید و یا بهبود آنها صورت گیرد) تقسیم می‌شوند.

Reservation

حق شرط؛ حق تحفظ

حق شرط عبارت از این است که یکی از کشورهای طرف عقد اعلام کند که می‌خواهد برخی از مقررات معاهده را تغییر دهد و یا به کلی نپذیرد و یا آن را به معنی مشخصی تعبیر کند. در مورد معاهده‌های دسته‌جمعی استفاده از این حق، مشروع است زیرا اطراف معاهده متعدّدند و چون هرکشوری آزاد است معاهده را کلاً یا جزئاً بپذیرد، بدیهی است که حق دارد حدود شرکت خود را نیز در معاهده معین کند. اما در موضوع معاهده‌های دوجانبه، استفاده از حق شرط، مشروع نیست. زیرا معاهده دوجانبه واقعی، در حکم عقد است و اگر یکی از دو طرف معاهده در زمان تسلیم اسناد تصویب، شروطی را اعلام نماید، برخلاف آنچه قبلاً تعهد کرده است، رفتار می‌کند. به طور کلی، حق شرط وقتی امکان‌پذیر است که شروط اعلام شده، مخالف هدف و موضوع موافقتنامه نباشد.

Residence Card

پروانه اقامت

برگه اجازه اقامت اتباع بیگانه در یک کشور.

Residency

اقامتگاه فرماندار مستعمره؛ فرمانداری مستعمره

حوزه فرمانداری، خانه یا محل اقامت فرماندار مستعمره.

Reproaching Soul (Self-Blaming Soul)

نفس لوّامه

ضمیر یا وجدان اخلاقی که شخص را در پیروی کورکورانه از قوای طبیعی نکوهش می‌کند و او را از دست زدن به امور غیر اخلاقی باز می‌دارد.

Reproductive Politics

سیاست تولیدمثلی

این واژه را زنان آمریکایی در دهه ۱۹۷۰ به کار بردند. در سال ۱۹۷۸ شبکه جهانی حقوق تولیدمثلی زنان تأسیس شد تا هم با گرایش فزاینده و همگانی کنترل جمعیت در بعضی کشورها و هم با نیروی فزاینده جنبش مخالف سقط جنین مقابله کند. این شبکه، حق زنان را در مورد بچه‌دار شدن یا نشدن مورد تأیید قرار داد. جنبش زنان، خدمات مؤثر سقط جنین و جلوگیری از آبستنی، مراقبت‌های پیش و پس از زایمان و آموزش‌های لازم در این موارد را برای زنان در هر جای دنیا خواستار شد.

Reproductive Politics

سیاست تولیدمثلی

این اصطلاح نخستین بار توسط زنان در دهه ۱۹۷۰ در آمریکا به کار رفت. در سال ۱۹۷۸ شبکه جهانی زنان در مورد حقوق تولیدمثلی برای مقابله با دو مسأله رشد کنترل جمعیت در بعضی کشورها از یک طرف و رشد قدرت جنبش ضد سقط جنین از طرف دیگر تأسیس شد. شبکه بر حق زنان برای انتخاب آزادانه بچه‌دار شدن یا بچه‌دار نشدن تأکید کرد و خواستار فراهم شدن مواردی مثل وسایل مؤثر کنترل و جلوگیری از آبستنی، خدمات مربوط به سقط جنین، مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان و آموزش بهتر در این زمینه‌ها شد.

Republic

جمهوری؛ حکومت جمهوری

حکومتی که در آن مردم یا مستقیماً اعمال حاکمیت می‌کنند و یا توسط نمایندگان برگزیده خود. به عبارت دیگر، حکومتی است که در آن جانشینی رئیس کشور، ارثی نیست و مدت ریاست جمهوری محدود است و انتخاب رئیس جمهوری با مراجعه مستقیم یا غیر مستقیم به آرای مردم صورت می‌گیرد. در حال حاضر، بیشتر کشورها عنوان جمهوری به خود می‌دهند ولی میزان انطباق این عنوان با واقعیت طرز حکومت آنها متفاوت است. اصولاً اولین وظیفه جمهوری باید تهیه حداقل وسیله معاش (مثل غذا و کار و مسکن و بهداشت) برای مردم باشد: سپس باید به اجرای وظیفه دوم خود بپردازد که آگاه کردن و تربیت مردم است. از آنجا که در تمام کشورها، اکثریت با افراد معمولی و ساده است و این افراد قبل از هر چیز در فکر امرار معاشند، اغلب این حق را که در کشور خود، زمامدار واقعی هستند از یاد می‌برند. در نتیجه، هیأت حاکمه از غفلت آنها سوء استفاده می‌نماید و با غصب حق حاکمیت آنها و از طریق تبلیغات گسترده، اراده خویش را به نام اراده عمومی وانمود می‌کند و اساس دموکراسی را متزلزل می‌سازد. لذا، حکومت جمهوری باید از این خطرها جلوگیری کند. یعنی، سطح فکر مردم را به نحوی بالا ببرد که زندگی را امرار معاش معمولی تلقی نکنند و بدانند که لذت‌های معنوی بالاتری نیز وجود دارد و اینکه باید درباره سرنوشت اجتماعی خویش تصمیم بگیرند. مردم گرسنه طولی نمی‌کشند که حق مسلمشان را در اختیار دیگران قرار می‌دهند و خود به تماشای جنگ تقسیم قدرت در بین آنها می‌نشینند، اما مردم بیدار به سختی از حق

Repatriation

بازگردانی به میهن

روند بازگرداندن اشخاص یا پناهندگان به وطن یا کشور خودشان.

Representation

تذکر؛ نمایندگی

۱- در صورتی که نماینده‌ای صلاح‌اندیشیهایی داشته باشد و یا در یکی از سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت و یا مؤسساتی که با سرمایه یا کمک مالی دولت اداره می‌شود، یا هر نوع سازمان و مؤسسه که بعضاً و یا کلاً از وجوه عمومی اداره می‌شود، عملیات مخالف اصول یا برخلاف قانون و مقررات قانونی مشاهده نماید و یا از سوء جریان اداره‌ای اطلاع پیدا کند، حق دارد راجع به آن موضوع توسط رئیس هر چه زودتر به وزیر مسئول کتباً تذکر دهد. رئیس در اولین فرصت مجلس، تذکر او را به دولت یا مسئول مربوطه ابلاغ و خلاصه آن را در مجلس عنوان می‌کند. وزیر مسئول باید پاسخ کتبی را مستقیماً به نماینده ابلاغ نماید. ۲- به نیابت انجام دادن وظایفی که بالمشخصه نمی‌توان انجام داد یا نوعی کارگزاری که به نفع رأی دهندگان (موکلان یا انتخاب‌کنندگان) به صورت رسمی به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

Representative Democracy

دموکراسی غیرمستقیم؛ دموکراسی مبتنی بر نمایندگی

شیوه‌ای که در آن مردم با انتخاب نمایندگان خویش و فرستادن آنها به مجالس مقننه به طور غیر مستقیم حکومت می‌کنند. این نمایندگان، قابل فراخوانی و تغییر هم هستند.

Representative Government

حکومت مبتنی بر نمایندگی؛ حکومت انتخابی

حکومتی که در آن، مردم به وسیله منتخبین قانونی خود حکومت می‌کنند یا حکومتی که وضع قوانین آن با نمایندگان مردم باشد. مترادف دموکراسی غیرمستقیم است.

Repression

سرکوبی

در سیاست، اشاره است به خردکردن مخالفان، در هم شکستن شورش و طغیان یا به همین نحو، در مورد نویسندگان و روشنفکران که علیه سرکوبی حکومت مبارزه می‌کنند.

Reprisal

تلافی؛ مقابله به مثل؛ اقدام تلافی جویانه

انجام عملی است که به قصد قهر و اجبار و برخلاف قوانین عادی حقوق بین‌الملل، از سوی کشوری که از اقدام غیر مشروع کشور دیگر خسارت دیده است، صورت می‌گیرد تا به اجبار آن کشور را وادار به رعایت حقوق خودسازد. در واقع، این عمل ذاتاً غیر مشروع است، ولی چون این عمل غیر مشروع، جوابگوی عمل غیر مشروع دیگری است که قبلاً انجام گرفته و هدف از آن، اجبار و قهر مرتکب قبلی است که یا از عمل خود دست بردارد و یا خسارت را جبران کند و یا از تقصیر خود عذر بخواهد، عمل مقابله به مثل به نحو استثنایی توجیه می‌شود. مشخصه مقابله به مثل، رجوع به قوه قهریه به طور محدود و موقت است، ولی اگر به تدریج توسعه پیدا کند، ممکن است به جنگ منتهی گردد. گرچه در زمان جنگ نیز مقابله به مثل برای وادار کردن طرف مقابل به رعایت قوانین جنگ، صورت می‌گیرد.

Rentier Society**جامعه رانت خوار؛ جامعه افزونه خوار؛ جامعه آماده خوار**

جامعه‌ای که در آن، به عکس جوامع سرمایه‌داری، هدف واحدهای اقتصادی، رسیدن به بالاترین نرخ منفعت از راه تولید نیست، بلکه مقصود، کسب حداکثر سود از راه بند و بست، دلال بازی، ارتشا، چپاول و باجگیری است.

Rentier State**دولت رانت خوار؛ دولت تحصیل‌دار؛ دولت رانتهی؛ دولت افزونه خوار**

رانت به درآمدی اطلاق می‌شود که از مواهب طبیعی و یا بدون تلاش به دست آید. دولت رانتیر در مورد دولتی به کار می‌رود که بخش اعظم درآمد خود را از منابع خارجی و به شکل رانت دریافت کند. رانت هیچگونه ارتباطی با فرایند تولید در اقتصاد کشور دریافت‌کننده رانت ندارد. بیشتر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت را دولتهای رانتیر نامیده‌اند که سیاست و حکومت در آنها به شیوه خاصی توسط نخبگان انحصارگر حاکم اعمال می‌شود. در دولتهای رانتیر، کار و فعالیت شدید اقتصادی علت ثروتمند شدن نیست، بلکه شانس و تصادف، باعث ثروت است. دسترسی آسان به کالاهای وارداتی خارجی معمولاً ارزان و مرغوب نیز به فعالیتهای تولیدی دولتهای رانتیر لطمه می‌زند.

Rent-Seeking**رانت جویی؛ رانت خواری؛ افزونه خواری؛ سودجویی نامتعارف**

تلاش برای کسب منفعت از موقعیت تنها تولید کننده و یا تنها توزیع کننده بودن یک کالا یا خدمت یا استفاده از موقعیت‌های بخصوص، بویژه انحصاری به منظور تحصیل درآمد نامتعارف و نیز اصطلاح محترمانه‌ای برای بیان غارت و چپاول اموال عمومی. به نظر بایزید مردوخی، رانت خواری نتیجه طبیعی دولت‌مداری است. هنگامی که اقتصاد عمدتاً زیر کلید هدایت دولت باشد، یک اتفاق بسیار مهم می‌افتد. به این معنی که دولت، هم بازیگر می‌شود و هم داور. فعالیت اقتصادی باید در شرایط رقابتی انجام شود و باید یک داور هم وجود داشته باشد که فعالیت بنگاه‌های اقتصادی را ساماندهی و هدایت و نظارت کند. دولت به دلیل اداره واحدهای اقتصادی، وضعیتی پیدا می‌کند که با هم متناقض است، یعنی هم بازیگر می‌شود و هم داور. به ندرت دولتی پیدا می‌شود که بتواند نقش بازیگری داشته باشد و در عین حال بتواند داور منصفی هم باشد. دولت بنگاهداری، به بنگاه‌های خود بیشتر بها می‌دهد، چون تخصیص منابع و سیستم بانکی و تخصیص وام و ارزش را در دست دارد و یک رقابت نابرابر یا بازی نابرابر بین بازیگرها ایجاد می‌شود. برای اینکه جلوی چنین وضعیتی گرفته شود، یکی از راه‌ها، خصوصی‌سازی است به صورت قانونی، اصولی، شفاف و منصفانه به نحوی که اقتصاد ملی از آن منتفع شود.

Reparations**غرامت (جنگ)؛ جبران خسارت**

جبران یک عمل غیرقانونی یا خسارت ناشی از آن عمل. هدف از جبران و ترمیم خسارات، استقرار مجدد وضعی است که قبل از عمل خسارت‌آمیز وجود داشته است. جبران و یا ترمیم خسارت، معنی وسیعی دارد. این اقدامات اعم است از جبران خسارات مالی و مادی، مثل غرامتی که کشورهای غالب در جنگ برای جبران خسارتهای مالی ناشی از جنگ بر کشورهای مغلوب تحمیل می‌کنند و یا جبران خسارات معنوی مثل معذرت‌خواهی، ادای احترام به پرچم و نظایر اینها.

رکود و سکون فرو رفته بودند، چشم به دنیای جدیدی گشودند و به همین علت، خود آنها این دوران را رنسانس یا نوزایش نامیدند و در آن به احیای مجدد ارزشهای علمی، انسان گرایی و اصلاح دینی یا نهضت اصلاح کلیسای عیسوی پرداختند. عده‌ای از محققان اروپائی، پیشرفتهای مادی و اقتصادی را عامل تحولات سیاسی و مذهبی دانسته‌اند و عقیده دارند که کشف قاره آمریکا و دماغه امید در قرن پانزدهم، نظام اقتصادی جهان را متغیر ساخت. پیدا شدن منابع ثروت و باز شدن راههای جدید تجاری به سرمایه‌داری امکان داد تا از آن پس گسترش یابد و بر نیروهای مخالف خود که از همه مهم‌تر فئودالیسم بود غلبه نماید. نتیجه این تغییرات، ظهور دو جنبش رنسانس و اصلاح دینی بود که به زندگی معنوی اروپائیان جهت تازه‌ای داد و ذهنشان را از بند تقلید و تعصب رها ساخت. به نظر عده‌ای دیگر از محققان اروپائی، این رنسانس و اصلاح دینی بود که باعث تحولات اقتصادی و سیاسی شد. بدین ترتیب که رنسانس با تشویق اروپائیان به بازگشت به منابع ذوقی و عقلی تمدن مغرب زمین در روزگاران عتیق، توانائی تحقیق و اجتهاد را در آنها تقویت نمود و این امر کم از قدرت کلیسا کاست. زیرا هم انحصار تربیت مردم را از دست آن خارج ساخت و هم با پرورش نیروی تعقل مسیحیان، حکومت کشیشان را که بر نادانی و تعصب مؤمنان تکیه داشت بی اعتبار نمود. جنبش اصلاح دینی نتیجه همین بیداری مسیحیان بود و پیشران آن می‌خواستند مسیحیت را از فساد کشیشان پاک کنند و ایمان مسیحی را با تعقل غیردینی سازگار نمایند. بی اعتباری و ناتوانی کلیسا و ترقی معارف عقلی، بالآخره اساس قدرت سیاسی را که تا آن زمان براساس برتری معنوی پاپ و هیبت نظامی شهریار قرار داشت برهم زد و شهریار را صاحب اختیار مطلق ساخت و این امر آغاز جدائی دین از سیاست نیز بود.

مرتد؛ خائن؛ شورشی

Renegade

برگشته از مذهب و دین یا عقیده و مسلک سیاسی و نیز به معنی یاغی یا شورشی.

اضافه عایدی؛ بهره مالکانه؛ رانت؛ افزونه

Rent

۱- هر نوع اضافه عایدی یا درآمد ناشی از موقعیتهای مساعد برای فروشنده (انحصار فروش) یا خریدار (انحصار خرید) در بازار کالاها و خدمات و یا سرمایه‌گذاری غیر تولیدی. ۲- درآمد یا دریافتی حاصل از فعالیت‌های غیر مولد ۳- سود یا درآمد بادآورده و در اصطلاح عامیانه، پول کار نکرده. ۴- منابع، امکانات و امتیازاتی که از راههای اقتصادی نامتعارف کسب شده باشد. امروزه رانت جوئی یا به دست آوردن اضافه عایدی بر بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی از سطوح پائین، مثل تعمیرکاری که به جای وصل یک رشته سیم قطع شده، اقدام به سیم‌کشی کامل می‌کند تا تصمیم‌گیربهای اجرائی کارگزاران سیاسی حاکم است. یکی از مسائل اساسی توسعه که دست‌اندرکاران اقتصاد به آن توجه دارند، قدرت حاکمان سیاسی در تولید و توزیع رانت است. همچنین تعدد شیوه‌های تولید (مثلاً فئودالی و سرمایه‌داری) در کشورهای در حال توسعه نیز باعث می‌شود که گروه‌های اقتصادی به جای فشار بر نظام سیاسی حاکم، موجودیت و بقای خود را در نزدیکی به نظام و حاکمان ببینند و از این طریق به نوائی برسند و بر سر مردم ناآگاه کلاه بگذارند.

دین

Religion

اصول مکتب انبیاء یا برنامه زندگی مادی و معنوی و دنیوی و اخروی انسانها که خداوند به وسیله پیامبران برای ارشاد و راهنمایی بشر فرستاده است و آن مجموعه مقررات و عقاید صحیحی است که انگیزه رفتار نیکو در افراد و نظم صحیح و عادلانه در اجتماع خواهد بود. ادیان الهی در سه چیز باهم مشترکند: توحید، نبوت، معاد. دین به مذاهبها و فرقهها تقسیم می‌شود. اهل مذاهب و فرقه‌های یک دین در اصول دین باهم مشترکند و در فروع اختلافاتی دارند. در جوامع پیشرفته صنعتی کنونی، ایمان دینی و توجه به امور شرعی و احکام دینی و جهان آخرت رو به ضعف نهاده، ولی ارزشهای غیردینی یا اینجهانی نتوانسته است وفاق و قبول عامی را که ارزشهای مذهبی نزد مردم داشت کسب نماید و از این رو، مردم در مورد هدفهای کلی اجتماعی دچار سرگستگی و تعارض شده‌اند. مع‌هذا، چون ایمان به عظمت هستی و وظایف عالی انسانی و ایثار در راه تعالی زندگی اجتماعی از جمله هدفهای دین است، آینده دین، درخشان به نظر می‌رسد.

شریعت؛ شوع

Religious Law

راهی که خداوند بر بندگان خود از احکام و اعتقادات نهاده است و به این معنی شریعت با کلمه دین مترادف است و می‌توان آن را به هر یک از پیامبران صاحب دین نسبت داد. به بیان دیگر، جمیع مقررات اخلاقی، اعتقادی و حقوقی اسلام یا هر یک از ادیان آسمانی دیگر است. شریعت اسلام مکمل شرایع گذشته بوده و صرف‌نظر از اصول شرایع گذشته، دارای قوانینی است تکمیل‌کننده شرایع پیشین که بر پیامبر اسلام وحی شده است.

جنبش دینی

Religious Movement

نهضت اجتماعی که هدف دینی داشته باشد.

کثرت‌گرایی دینی؛ پلورالیسم دینی

Religious Pluralism

اعتقاد به اینکه حقیقت و سعادت نزد همهٔ ادیان ممکن است وجود داشته باشد. ظاهر آیین واژه از سال ۱۹۸۱ که کتاب مسائل پلورالیسم دینی تالیف جان هیک در آمریکا منتشر شد، رواج یافت. پلورالیسم دینی معمولاً بر دو پایه قرار دارد: ۱- تنوع فهم انسان از متون دینی. ۲- تنوع تفسیرها از تجربه‌های دینی.

مستوفی؛ طلب‌ستان پادشاه (در انگلستان)

Remembrancer

شخصی که به امور مربوط به مالیه در کشور رسیدگی می‌کند و یا موارد خاصی را یادآوری می‌کند.

رنسانس؛ نوزایش؛ تجدید حیات

Renaissance

نهضت فرهنگی بزرگ اروپا بعد از قرون وسطی و شروع عصر مدرن (تقریباً در قرون ۱۴ تا ۱۷ میلادی) که منجر به پیدایش تمدن سرمایه‌داری بر ویرانه‌های تمدن فئودالی - کلیسایی قرون وسطائی شد. به عبارت دیگر، از اواخر قرون وسطی، تحرک معنوی و مادی از خاور زمین و سواحل مدیترانه‌ای شمال آفریقا به سواحل مقابل انتقال یافت و ملت‌هایی که قرن‌ها در

عبارت است از سیستم پیچیده متنوع‌ترین روابط بین افراد که شکل مالکیت، وضع طبقات و قشرهای اجتماعی را در شیوه تولید معین در برمی‌گیرد. روابط تولید ممکن است دو صورت داشته باشد: ۱- همکاری و تعاون ۲- سیادت و تبعیت. این دو صورت به روابط افراد نسبت به وسایل تولید بستگی دارد. اگر افراد به‌طور جمعی مالک وسایل و ابزار تولید باشند و همچون خانواده مشترک زندگی کنند، روابط آنها براساس همکاری و تعاون است. اما اگر بخشی از جامعه، مالک وسایل تولید باشد و بخش دیگری فاقد آن، ناگزیر بخش نخست بخش دیگر را به تبعیت و اداری می‌کند و برای سیادت می‌جوید. افراد برای ایجاد شرایط ضروری زندگی خویش ناگزیر وارد روابطی می‌شوند که به‌اراده آنها بستگی ندارد، بلکه به‌این مربوط است که چه نیروهای تولیدی در اختیار دارند. روابط تولید و نیروهای تولید باید با هم هماهنگ باشند. اگر این روابط، مانع تکامل نیروهای تولید شوند، جامعه وارد یک دوره طولانی بحرانی می‌گردد تا وقتی هماهنگی ایجاد شود.

Relative Deprivation

محرومیت نسبی؛ فقر نسبی

۱- واژه ابداعی استوفر جامعه‌شناس آمریکایی. به نظر وی، تلقیات و تمایلات و شکوه‌های مردم معمولاً بستگی به این دارد که در چارچوب کدام مرجع قرار گرفته باشند. براین اساس، وقتی یک اجتماعی، یک گروه مرجع یا اجتماع مشابه دیگر را نسبتاً مرفه می‌شمارد، احساسی از محرومیت به‌او دست می‌دهد که تا پیش از این مقایسه احساس نمی‌کرده است. به‌طور کلی، محرومیت نسبی یادآور احساس غیبه‌ای است که در انسان وجود دارد. اما این مفهوم نمی‌تواند معیارهای روشنی ارائه نماید و میزان مطلق محرومیت یا حد نسبی آن را تعیین کند. ۲- عقیده‌ای که ظاهراً نخستین بار برای تبیین طغیان و ناخشنودی سیاسی توسط ارسطو مطرح شد. به نظر او کسانی که می‌خواهند ثبات جامعه را برهم زنند، لزوماً فقیرترین و کم‌دارترین افراد آن جامعه نیستند. هر گروه یا طبقه اجتماعی که احساس کند حقوق و شایستگی‌هایش نادیده گرفته می‌شود، ممکن است ناخشنود گردد. این نظریه اکنون نیز در مورد طبقه متوسط که احساس می‌کند زیر فشار مالیاتهای مختلف و ناملازمات دیگر قرار دارد و مستعد و آماده طغیان در برابر وضع موجود است، صدق می‌کند.

Relative Majority

اکثریت نسبی

اکثریتی که شرط احراز آن، داشتن عده بیشتر آراء است. اکثریت نسبی ممکن است از نصف بعلاوه یک کمتر یا بیشتر باشد. در روش اکثریت نسبی، کرسیهای پارلمان به‌نسبت بین احزاب سیاسی تقسیم می‌شود. این روش از جمله در کشورهای ایتالیا و آلمان متداول است. مزیت اساسی روش اکثریت نسبی در انتخابات این است که از استبداد احتمالی "اکثریت مطلق" می‌کاهد، زیرا حذف و رد آراء اقلیتها، لازمه روش اکثریت مطلق است.

Relativism

نسبی‌گرایی؛ نسبی‌اندیشی؛ نسبی‌باوری

اعتقاد به نسبییت امور یا عقیده به این‌که معیارهای مطلق برای سنجش و قضاوت ارزشها و واقعیات وجود ندارد.

بین‌المللی که به وسیله یکی از اعضای سازمان ملل متحد منعقد شده، بعد از به مرحله اجرا درآمدن منشور، لازم است در اولین فرصت در دبیرخانه سازمان ثبت گردد و توسط همین مرجع انتشار یابد. طبق بند دوم ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد، هیچ یک از طرفین یک قرارداد بین‌المللی که با رعایت مقررات بند اول از ماده یک ثبت نشده باشد، نمی‌تواند در محضر ارکان و مؤسسات سازمان به قرارداد مزبور استناد نماید. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز نمی‌تواند به قراردادی که به‌طور صحیح تصویب شده، اما به ثبت نرسیده است، توجه کند.

Regret

ابراز تأسف

در روابط بین‌الملل، ابراز تأسف یک دولت در مورد عمل خلاف حقوقی که منسوب به او بوده و موجب وارد شدن خسارت معنوی به دولت دیگر شده است، یکی از طرق جلب رضایت تلقی می‌شود. وقتی دولتی نسبت به وقوع یک واقعه ابراز تأسف می‌کند، منظورش اعلام و تأیید این مطلب است که در زمینه حقوقی خود را مسئول وقوع امر خلاف نمی‌داند و ابراز تأسف او صرفاً برای رعایت نزاکت بین‌المللی و تسلی و جلب رضایت دولت خسارت دیده است.

Regulation

نظارت؛ ایجاد محدودیت

در معنی خاص سیاسی، کنترل و اداره انحصار خصوصی از طریق مقررات دولتی.

Rehabilitation

آبرو بخشی دوباره؛ اعاده حیثیت

اعاده اهلیت و اعتبار از دست رفته به علت محکومیت به حکم قانون. این اصطلاح همچنین در مورد تیره پس از مرگ و زنده کردن آبروی اعدام شدگان در تصفیه‌های سیاسی به کار رفته است.

Reich

رایش

کلمه رایش به معنی عام، برآلمان یا دولت آلمان اطلاق می‌گردد ولی به معنی خاص به حکومت‌های زیر گفته می‌شود: ۱- امپراتوری مقدس روم (روم غربی) که در قرن نهم تأسیس یافت و در سال ۱۸۰۶ از میان رفت. این امپراتوری، رایش اول نام دارد ۲- امپراتوری آلمان که در سال ۱۸۷۱ تأسیس یافت و در سال ۱۹۱۹ از میان رفت و آن را رایش دوم می‌خوانند ۳- دولت فاشیستی که از سال ۱۹۳۳ تحت هدایت نازیها اداره می‌شد و تا سال ۱۹۴۵ دوام پیدا کرد. این دولت به نام رایش سوم معروف است. در فاصله رایش دوم و رایش سوم، در آلمان حکومت جمهوری برقرار بود. این حکومت از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ زمام امور را در دست داشت و به جمهوری وایمار مشهور شد.

Reification

شیء‌زدگی؛ شیء‌شدگی؛ چیزگشتگی

نتیجه طرز فکر مبتنی بر بت‌سازی از کالا یا کالاپرستی. از نظر کارل مارکس، در نظام سرمایه‌داری، محصولاتی که انسان ساخته است یا در تملک خود دارد (پول، کالا و اشیای گوناگون)، چنان قدرت مسلطی پیدا می‌کنند که نه تنها انسان را به سطح اشیاء تنزل می‌دهند بلکه او را خرد نیز می‌کنند.

Relations of Production

روابط تولید؛ مناسبات تولید

در مارکسیسم به روابطی اطلاق می‌گردد که انسان در جریان تولید نعم مادی وارد آن می‌شود و

Region

منطقه

در روابط بین‌المللی، منطقه بدون استثناء شامل سرزمین چندین کشور می‌شود که به علت پیوندهای جغرافیایی یا منافع مشترک به یکدیگر مربوط شده‌اند.

Regional Cooperation for Development (RCD)

سازمان همکاری عمران منطقه‌ای؛ آر.سی.دی

این سازمان در سال ۱۹۶۴ به ابتکار سران کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان (محمد رضا پهلوی، جمال گورسل و محمدایوب خان) برای فعالیت در زمینه‌های مختلف اقتصادی و فنی و فرهنگی تشکیل گردید و در سال ۱۹۷۹ منحل شد. اکنون سازمان همکاری اقتصادی (اکو) به جای آن فعالیت می‌کند.

Regional Grouping

گروه‌بندی منطقه‌ای

گردهم آمدن تعدادی از دولتها در مناطق مختلف جهان برای ایجاد یک نظام منطقه‌ای، مثل اتحادیه اروپا، آسه آن و نفتا.

Regional Integration

همگرایی منطقه‌ای

درهم آمیزی ژئوپولیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی (از جنبه‌های جغرافیا - سیاست - اقتصاد - راهبردی) دولتها و ملتها در مناطق مختلف دنیا.

Regionalism

ناحیه‌گرایی؛ منطقه‌گرایی

۱- هرگونه تئوری مبتنی بر پراکنده نمودن خطه‌ای قدرت، در داخل قلمرو یک دولت. ۲- سیاست و روش عدم تمرکز قدرت و تقسیم نواحی کشور براساس ویژگیهای تاریخی، قومی، ملی، زبانی و فرهنگی با استفاده از ناحیه به عنوان پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و توسعه. ۳- از بین بردن موانع تجاری میان واحدهای اقتصادی در یک منطقه مشخص. منطقه‌گرایی از این نظر اشاره به موافقتنامه تعدادی از کشورهاست برای تشویق تجارت آزاد بین خودشان و حفظ محدودیت در برابر کشورهای دیگر. ۴- همکاری متقابل چند دولت واقع در یک حوزه جغرافیایی و دارای هدفهای مشترک. منطقه‌گرایی چند نوع است: سیستمهای اتحاد نظامی مثل ناتو، اتحادیه‌های اقتصادی مثل جامعه اروپا، گروه‌بندیهای سیاسی مثل اتحادیه عرب.

Region of War

منطقه جنگی

جایی که متخاصمان خود را برای جنگ آماده می‌سازند و یا اقدام به جنگ می‌کنند. در یک جنگ تمام عیار، تفکیک منطقه جنگی از صحنه جنگ دشوار است.

Registration of Treaty

ثبت عهدنامه

لزوم ثبت و انتشار عهدنامه برای نخستین بار در میثاق جامعه ملل مطرح شد و اصولاً پاسخگوی ماده اول از چهارده ماده پیشنهادی ویلسون بود که براساس آن دیپلماسی سری و انعقاد قراردادهای محرمانه منع گردید. طبق ماده ۱۰۲ منشور سازمان ملل متحد نیز هرگونه عهدنامه یا موافقتنامه

مذهب او، ملیت او و تعلقش به یک گروه اجتماعی معین یا عقاید مذهبیش مورد تهدید قرار گیرد. مطابق ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هرکس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهمگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار نماید. در موردی که تعقیب، واقعاً مبتنی بر جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهای مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از حق پناهندگی استفاده کرد. کسی که هنگام ترک کشورش پناهنده نبوده و بعداً پناهنده شده است، پناهنده در محل نامیده می‌شود. این عنوان هنگامی به فرد اطلاق می‌گردد که در مدت غیبتش، تحولاتی در کشور اصلی روی داده باشد. همچنین ممکن است کسی به علت آثار ناشی از رفتارش در خارج، مثل ارتباط و همکاری با پناهندگان و یا بیان عقاید، در کشور محل اقامتش به صورت پناهنده در محل درآید.

Refugee Law

حقوق پناهندگان

یکی از رشته‌های حقوق بین‌الملل که درباره حقوق میلیون‌ها پناهنده بحث می‌کند. تجربیات تحولات پناهندگی بویژه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و ظهور پدیده پناهندگی انبوه یا امواج پناهندگان، پیچیدگی عوامل و علل پناهندگی، ارتباط پناهندگی و توسعه‌نیافتگی، حرکت پناهندگان از کشورهای در حال توسعه و کم‌رشد به کشورهای پیشرفته باعث شد تا قوانین و مقرراتی (عمدتاً منطقه‌ای) در این مورد وضع شود که بارزترین نمونه‌های آن، کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا در قاره آفریقا، اعلامیه کارتاژنا در آمریکای مرکزی، کنوانسیون دبلین و کنوانسیون سال ۱۹۹۰ شنگن در میان کشورهای اروپای غربی است.

Regent

نایب‌السلطنه؛ نایب‌الحکومه

فردی که در طول دوره غیبت، صغر یا ناتوانی جسمی یا ذهنی فرمانروا، به حکومت یک کشور (معمولاً سلطنتی) منصوب می‌شود. نمونه‌های تاریخی نایب‌السلطنگی، یکی سالهای آخر سلطنت جورج سوم در انگلستان (۱۸۲۰-۱۸۱۱) است که به علت جنون ادواری او، جورج چهارم به شاهی برگزیده شد و دیگر، در طول صغر لوئی پانزدهم (۱۷۲۳-۱۷۱۵) در فرانسه است.

Regicide

شاه‌کش؛ شاه‌کشی

این واژه هم در مورد کشتن یک فرمانروا و هم در مورد فرد یا افرادی که دست به این کار می‌زنند به کار می‌رود. از نظر تاریخی، اغلب به منظور مشخص کردن افرادی که بعدها مسئولیت اعدام چارلز اول پادشاه انگلستان را (در سال ۱۶۴۹) برعهده گرفتند، به کار رفته است.

Regime

رژیم

۱- از نظر سیاسی به معنی طرز حکومت یا شکلی از حکومت است و معمولاً برای اشاره به دارندگان واقعی مقام یا کسانی که در مسند قدرت قرار گرفته‌اند به کار می‌رود. ۲- این اصطلاح از ریشه لاتینی رژیم و به معنی عمل هدایت نمودن گرفته شده و بیانگر اندیشه هدایت، حکومت، شیوه رهبری خویشتن و یا رهبری شدن و نیز به معنی تحقق عملی و تاریخی یک نظام خاص است.

Regimentation

محدودیت شدید؛ سخت‌گیری

وادار کردن مردم به فکر کردن و عمل کردن به شیوه‌ای معین که یکی از ویژگیهای اساسی جوامع توتالیتر یا تمامت‌خواه است.

می‌کند. گروه مرجع ممکن است عملاً یک "گروه" نباشد، بلکه فرد واحد، اندیشه مجرد و یا معیاری ساختگی و غیر واقعی باشد.

Referendum

رفراندوم؛ همه‌پرسی؛ مراجعه به آرای عمومی

رای‌گیری از همه اعضای یک گروه یا افراد بالغ یک جامعه سیاسی برای پذیرش یا عدم پذیرش سیاست یا طرحی معین. مراجعه به آرای عمومی معمولاً در مورد مسائل مهم مملکتی مثل قانون اساسی یا قوانین عادی انجام می‌شود.

Refolution

اصقلاب

تجربه بعضی انقلابهای غیر قهرآمیز دهه‌های اخیر، مثل انقلاب اسلامی ایران، انقلابهای اروپای شرقی و بویژه انقلاب آرام چکسلواکی موجب شده که عده‌ای به جای واژه ریولوشن از واژه ریفلوشن استفاده کنند که ترکیبی از دو واژه Revolution به معنی انقلاب و Reform به معنی اصلاح است.

Reform

اصلاح؛ رفورم

اقدام برای تغییر و تعویض برخی از جنبه‌های حیات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، بدون دگرگون کردن اساس جامعه. "مهندسی اجتماعی" یا نقشه‌کشی اجتماعی یکی از انواع اقدامات اصلاحی است که معمولاً برای جلوگیری از نهضت انقلابی صورت می‌گیرد.

Reformation

اصلاح دینی

جنبش مذهبی در اروپای غربی در قرن شانزدهم که به عنوان نهضتی برای اصلاح مذهب کاتولیک شروع شد و به نهضت پروتستان انجامید.

Reformism

اصلاح طلبی؛ رفورمیسم

۱- جریان سیاسی که دگرگونی جامعه را از طریق انجام اصلاحات و نه انقلاب، تبلیغ می‌کند. ۲- جریانی سیاسی در درون جنبش کارگری و کمونیستی که ضرورت مبارزه طبقاتی، انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا را انکار می‌کند و طرفدار همکاری طبقاتی برای رسیدن به جامعه مبتنی بر رفاه عمومی است. نمایندگان رفورمیسم، در بین الملل سوسیالیست که در سال ۱۹۵۱ در فرانکفورت تأسیس شد، گرد آمدند.

Refugee

پناهنده

کسی که به علت ترس موجهی که داشته یا دارد از این که به خاطر نژاد، مذهب، ملیت، تابعیت، عضویت در دسته اجتماعی بخصوص یا عقیده سیاسی تحت تعقیب قرار گیرد، از کشور متبوع خود و یا اگر تابعیتی ندارد از کشوری که قبلاً عادتاً ساکن بوده است خارج باشد و به خاطر ترس فوق نتواند یا نخواهد که از حمایت کشور متبوع برخوردار شود و اگر فاقد تابعیت است نخواهد به کشوری که قبلاً در آنجا ساکن بوده است، بازگردد. پناهنده را به هیچ طریقه و ترتیبی نباید اخراج کرد و به عقب راند به سوی مرزهای قلمرو اصلی که در آنجا زندگی و آزادیش به جهت نژاد او،

به چیز دیگری منحرف کند. این واژه از کاربرد نعل وارونه در شکار برای منحرف کردن سگهای تازی گرفته شده است.

Red Power

قدرت سرخپوستان

جنبشی در بین سرخپوستان آمریکایی که خواهان تأمین منافع سرخپوستان و شناخته شدن قدرت در قلمروی مربوط به امور آنان است.

Red Scare

ترس از کمونیسیم؛ وحشت از سرخها

هراس و برانگیختگی زیاد در مورد کمونیسیم، عقاید دست چپی و انقلابی که بویژه در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۹ در ایالات متحده آمریکا بروز کرد و باعث کنار گذاردن سیاست درهای باز شد. یکی از دلایل این امر، ترس آمریکاییها از به اصطلاح نفوذ تدریجی روسهای سرخ و برانگیختن یک انقلاب کمونیستی در آمریکا بود. دلایل ایدئولوژیک تضاد روسهای سرخ و آمریکائیهاروشن است. زیرا عقیده اشتراکی کمونیسیم دقیقاً مغایر فلسفه زندگی آمریکایی مبتنی بر سرمایه داری و فردگرایی است. در سال ۱۹۱۹ به دنبال بیکاری ناگهانی، اعتصابات متعدد و خشنی در آمریکا برپا شد که در دل بسیاری از آمریکائیها ایجاد وحشت نمود. ابعاد خشم و وحشت به قدری بود که وقتی میچل بالمر دادستان کل در مدت کوتاهی شش هزار نفر مظنون به چپی بودن را که غالباً از مهاجران بودند، دستگیر کرد و بدون اتهام به زندان افکند، کسی اعتراض نکرد. در سال ۱۹۲۷ نیز دو مهاجر ایتالیایی به نامهای نیکولوساکو و بارتولومئو و انزتی که آنارشویست بودند، به اتهام واهی سرقت و جنایت اعدام شدند. در سال ۱۹۷۷ فرماندار ایالتی ماساچوست در برابر نوه ساکو اعتراف کرد که محاکمه آنها بر حق نبوده است.

Red Star

ستاره سرخ

معمولاً سمبل سازمانهای سیاسی چپگرا و کشورهای کمونیستی است.

Red Tape

کاغذبازی؛ تشریفات زائد اداری

مقررات و تشریفات دست و پاگیر، وقتگیر و زائد برای انجام یک کار یا روشها و شیوههای غیر ضروری، ظاهر فریب و بیهوده که در نظامهای بوروکراتیک اعمال می شود.

Reductionism

کاهشگری؛ آیین ساده سازی؛ تقلیل گرایی

۱- گرایش به ادغام یک دانش در دانش (کلی تر) دیگر. ۲- گرایش به ساده کردن شیوههای پژوهش و تجزیه و تحلیل روابط علت و معلولی و یا تدوین قانون، فرضیه و نظریه براساس این فرض که علل، شیوهها یا قوانینی که برای تفسیر یک گروه یا یک نوع از پدیدهها کافی به نظر می رسند، برای یک گروه یا یک نوع دیگر از پدیدههای ظاهراً مختلف نیز کفایت می کنند. ۳- گرایش به توضیح پیچیدگیهای یک اثر براساس علت واحد خیلی ساده تر یا اعتقاد به اینکه پدیدههای پیچیده را می توان به انواع ساده تر کاهش داد.

Reference Group

گروه مرجع

گروهی که شخص در قضاوت و عمل از آن الهام می گیرد و آن را مبنای راهنمایی خود تلقی

دولتهای قدیمی نمی‌توانند منکر وجود شخصیت حقوقی دولت نوحاسته گردند. اکثریت دولتها، وجود و شخصیت دولت نوحاسته‌ای را که عناصر متشکله آن تحقق یافته باشد، پیش از شناسائی وی کامل می‌دانند و رعایت حقوق و مزایای ناشی از حاکمیت او را واجب می‌دانند. شناسائی به‌دو صورت دوژور (قانونی) و دوفاکتو (عملی) صورت می‌گیرد که ممکن است از طریق یک بیانیه ویژه دولتی یا یک تلگرام تبریک‌آمیز بعد از استقلال دولت نوحاسته از طرف دولتهای شناسائی‌کننده ابراز شود و یا از طریق اقداماتی نظیر ایجاد روابط دیپلماتیک و مبادله هیأت‌های کنسولی و دیپلماتیک تأیید گردد.

Recommendation

توصیه

در اصطلاح فرانسوی آن عبارت از تصمیمی است که فاقد قدرت الزام و تظاهر یک جانبه اراده است و در اصطلاح انگلیسی به معنی دعوت به قبول امری و یا به معنی فرمان دادن است.

Reconstruction

بازسازی

تجدید بنا و ترمیم مناطق ویران شده یک کشور پس از فاجعه جنگ.

Reconversion

انطباق مجدد

انطباق مجدد صنعت مخصوصی که بر اثر جنگ، حجم و نوع تولیدات خود را تغییر داده باشد و سپس بخواهد دوباره مطابق شرایط و مقتضیات زمان صلح تولید کند.

Red

سرخ

۱- واژه‌ای که از پرچم سرخ (سمبل جریان‌ات انقلابی، دست چپی و بویژه مارکسیسم و آنارشیسم) ریشه گرفته و اشاره است به هر چیز روسی (شوروی سابق) یا کمونیستی. ۲- کمونیست و یا کسی که طرفدار برانداختن قهرآمیز نظم اجتماعی یا سیاسی موجود است.

Red Eminence

عالیجناب سرخپوش

کسی که قدرت اصلی را در اختیار ندارد و مجری رهنمودهای افراد پشت پرده یا عالیجنابان خاکستری است. از جنبه تاریخی در مورد کشیش، سیاستمدار و وزیر اعظم لوئی سیزدهم به نام کاردینال ریشلیو Richelieu (۱۶۴۲-۱۵۸۵) به کار رفته که به رهنمودهای یک روحانی سیاسی صاحب نفوذ به نام ترابله Tremblay (۱۶۳۸-۱۵۷۷) عمل می‌کرده است. کاردینال ریشلیو به این علت که لباس سرخ می‌پوشید به عالیجناب سرخپوش مشهور شد. وی بانی حکومت مطلقه سلطنتی فرانسه است. ریشلیو آکادمی فرانسه را تأسیس و تجارت باکانادا و هندوستان را تشویق کرد، اما خرجها و مالیاتهای او باعث تهی شدن خزانه و منفور شدنش نزد مردم شد.

Red Flag

پرچم سرخ

سمبل شورش و قیام، انقلاب، آنارشیسم و سوسیالیسم.

Red Herring

نعل وارونه؛ ردگم کردن

حواس کسی را از چیزی پرت کردن یا توجه او را به چیز دیگری معطوف نمودن. مثلاً سیاستمداری که مورد پرسشی سخت قرار گیرد، ممکن است از جواب درست طفره برود و توجه را

Recognition of Government**شناسایی حکومت**

شناسایی حکومت، عملی است که به موجب آن، دولتها حکومتی را که از طریق انقلاب یا کودتا در کشوری تشکیل شده است، به عنوان نماینده آن کشور می شناسند. اقتدار لازم برای اعمال حاکمیت و موافقت افراد کشور از جمله شرایطی است که دولتها برای شناسایی حکومتهای جدید در نظر میگیرند. تغییر حکومت، اثری در شخصیت حقوقی دولت ندارد و هر حکومتی که اداره یک کشور را برعهده داشته باشد، به موجب اصل دوام یا استمرار دولت از لحاظ حقوق و تعهدات، جانشین حکومت قبل از خود می شود. طبق این اصل، عهدنامه‌ها با وجود تغییراتی که در سازمان داخلی کشورها به وجود می آید، جنبه الزام آور بودن خود را از دست نمی دهند و دولتها پس از تغییر حکومت باقی می مانند و تعهدات بین المللی بعد از کسانی که آنها را بر عهده گرفته اند، آثار خود را حفظ می کنند.

Recognition of Insurgents**شناسایی شورشیان**

هرگاه در سرزمین یک دولت که از طرف سایر دولتها به رسمیت شناخته شده است، شورشی روی دهد، مسأله شناسایی مطرح می شود. اگر دولتی که بر سرکار است، موفق به رفع شورش گردد، موضوع در سطح بین المللی مطرح نمی شود. اما اگر دولت نتواند شورش را بلافاصله خاموش سازد و در صورتی که نیروهای شورشی موفق شوند در قسمتی از سرزمین مستقر گردند، در این حالت ممکن است مسأله شناسایی مطرح گردد. اغلب، کشوری که در سرزمین آن شورش روی داده است پیشقدم می شود و شورشیان را به رسمیت می شناسد. از این عمل دو نتیجه حاصل می شود: ۱- رفتار نسبت به شورشیان از آن به بعد تابع قواعد و قوانین جنگ است. ۲- پس از شناسایی شورشیان، دولتی که بر سرکار است و رسمیت دارد، از لحاظ بین المللی راجع به خساراتی که شورشیان بر اموال و اشخاص اتباع خارجی وارد می سازند، مسئولیت ندارد. در مقابل، هرگاه شورشیان دارای نیروی دریایی باشند، به محض شناسایی رسمی، دیگر دزد دریایی به حساب نمی آیند و پرچمشان، پرچم قانونی شناخته می شود.

Recognition of State**شناسایی دولت**

وقتی دولت جدیدی تشکیل می شود، طبق رویه بین المللی به شرطی می تواند از شخصیت بین المللی برخوردار شود که از طرف دولتهای عضو جامعه بین المللی یا یک سازمان بین المللی مورد شناسایی قرار گیرد و دولتهای موجود، آن را واجد شرایط لازم برای عضویت در جامعه بین المللی بدانند. دولت جدید زمانی موجودیت می یابد که واجد عناصر و ارکان لازم، یعنی قلمرو، جمعیت و حکومت باشد. دولت جدید ممکن است به چند طریق تشکیل شود. مثلاً: ۱- از طریق تجزیه، چنانکه در سال ۱۷۷۶ دولت ایالات متحده آمریکا در نتیجه قیام مردم مستعمرات انگلستان در آمریکای شمالی تشکیل شد. ۲- با الحاق چند دولت کوچک به یکدیگر برای تشکیل یک دولت بزرگ، مثل ایتالیا در سال ۱۸۵۹. ۳- طبق تصمیم کنفرانس یا سازمان بین المللی، مثل تصمیم کنفرانس صلح ۱۹۱۹ برای تشکیل دولت لهستان و تصمیم سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ برای تقسیم فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل. شناسایی دولتها، سنتی است که بویژه از دوران استقلال مستعمرات آمریکایی انگلستان و اسپانیا به بعد رایج شده است. گرچه شناسایی الزامی نیست ولی

Recall

لغو نمایندگی؛ احضار؛ فراخوانی

۱- رکال روشی است که به رأی دهندگان امکان می‌دهد تا مأمور عمومی انتخابی را قبل از پایان دوره قانونی از کاربرکنار کنند. رکال، یک تمهید سیاسی به منظور قادر ساختن رأی دهنده برای برکنار کردن یک مأمور عمومی انتخابی قبل از پایان مدت مأموریت از طریق انتخابات فوق‌العاده است. این نوع برکناری، با برکناری مأمورین از طریق مراجع قضایی، اعلام جرم و یا به وسیله قوه مجریه از این لحاظ متفاوت است که در مورد رکال، اتخاذ تصمیم فقط توسط رأی دهندگان صورت می‌گیرد. ۲- دولت پذیرنده می‌تواند هر آن و بدون اینکه مجبور به ذکر علت باشد، به دولت فرستنده ابلاغ نماید که رئیس یا هریک از اعضای دیپلماتیک مأموریت، عنصر نامطلوب است و یا آنکه هرکارمند دیگر مأموریت، قابل قبول نیست. در این صورت، دولت فرستنده آن شخص را برحسب مورد فراخواهد خواند و یا به خدمت وی در مأموریت پایان خواهد داد.

Receiving State

دولت پذیرنده؛ کشور پذیرنده

در روابط بین‌الملل به دولتی اطلاق می‌شود که از دولت دیگر نماینده سیاسی می‌پذیرد.

Reciprocity

رفتار متقابل

اصلی در روابط بین‌الملل که عبارت است از یک تفاهم و قرار ضمنی برای اجرای هر رویه‌ای که تا حدودی معمول بین طرفین بوده باشد، اگر چه هنوز به صورت رسم عمومی در نیامده باشد. اصل رفتار متقابل، تا حدودی در ماده ۴۷ کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک پذیرفته شده است: "دولت پذیرنده در اجرای مقررات این کنوانسیون تبعیضی بین دولتها قائل نخواهد شد. مع هذا، موارد زیر تبعیض تلقی نمی‌شود: الف - اینکه دولت پذیرنده یکی از مقررات کنوانسیون را به علت آنکه در خاک دولت فرستنده نسبت به مأموریت او در این مورد محدودیت قائل شده‌اند به طور محدود اجرا کند ب - اینکه دولتهایی بنا به عرف و عادت و یا از طریق معاهده، مزایایی مناسبتر از آنچه مقررات کنوانسیون پیش‌بینی کرده متقابلاً به یکدیگر اعطاء نمایند."

Recognition of Belligerency

شناسائی مخاصمه

عملی که به وسیله آن، یک دولت صریحاً اعلام و یا به طور ضمنی قبول می‌کند که نسبت به شورش مسلح در دولت دیگر، رویه بیطرفی پیش خواهد گرفت. مسأله شناسائی به عنوان متخاصم وقتی مطرح می‌شود که عنوان دولت به یکی از طرفین متخاصمین قابل اطلاق نیست. مثلاً وقتی یکی از متخاصمین، سازمانی است که موقتاً از یک دولت جدا شده و در صدد است علی‌رغم دولت مزبور، استقلال خود را به دست آورد. در چنین شرایطی چنانچه دولت ثالثی اعلام کند که نبرد بین متخاصمین را تابع مقررات بین‌المللی مربوط به جنگ می‌داند، عمل دولت مزبور را در اصطلاح حقوق بین‌الملل، شناسائی حالت مخاصمه می‌گویند. شناسائی مخاصمه در مرحله‌ای پایین‌تر از مرحله شناسائی کشور قرار دارد چرا که با شناسائی مخاصمه از طرف کشورهای ثالث، فقط این امر به اثبات می‌رسد که شورش بی نتیجه نمانده و در قسمتی از سرزمین به ایجاد اقتدار سیاسی بالفعل انجامیده است.

توجه قرار می‌دهند و اعتقاد دارند که عمل سیاسی باید بر اساس شناخت واقع بینانه از شرایط ملی و بین‌المللی باشد.

Realpolitik

سیاست واقعه‌گرا؛ سیاست تعقیب منافع ملی؛ سیاست قدرتمندار

واژه آلمانی به مفهوم سیاست متکی قدرت که به موجب آن، دولتها در عرصه روابط بین‌الملل یک هدف، یعنی افزایش قدرت خود را تعقیب می‌کنند و همواره آماده قدرت‌نمایی از طریق تهدید یا اعمال زور و بدون در نظر گرفتن اصول اخلاقی هستند. این واژه در مورد سیاست بیسمارک به کار رفته است.

Real Will

اراده واقعی

نظریه‌ای که اعمال هر نوع زور و قدرت را توسط دولت، با این دلیل که اراده دولت نماینده اراده واقعی افراد جامعه است، مشروع می‌داند.

Reason of State

مصلحت دولت؛ مصلحت مملکت؛ مصلحت کشور؛ تدبیر مملکت

۱- ملاحظه منافع عالیه دولت. اصطلاحی که بسیاری از امور به ظاهر غیر قانونی و غیر اخلاقی و غیر شرعی بر اساس آن توجیه می‌شود، چه اصل بر این است که مصالح مملکتی و عمومی بر جمیع معیارهای قانونی و دینی و اخلاقی مرجح است و نسبت به کلیه حقوق و آزادیهای فردی تقدم دارد.
۲- انگیزه یا دلیل نهانی برای تصمیمات زمامداران و توجه به مصلحت دولت، بدون در نظر گرفتن حقوق مردم.

Rebellion

شورش؛ طغیان

قیام مسلح و نظام یافته یا مقاومت گسترده در برابر قدرت یک قدرت مسلط یا دولت، که به شکست می‌انجامد و یا حداقل به موفقیت نمی‌رسد. انقلاب، بریک شورش موفق دلالت دارد.

Rebus Sic Stantibus

بقای وضع زمان عقد معاهده به حال خود؛ اصل بقای اوضاع و احوال

۱- یکی از مسائل اصلی در زمینه انطفاء معاهده و خروج از آن، مسأله تغییر اوضاع و احوال زمان عقد معاهده است که به زبان لاتین به آن اصل ریوس سیک استانتیبوس (بقای همه چیز به همان صورت) می‌گویند، به این معنی که هرگاه اوضاع و احوالی که مبنای عقد معاهده بوده به طور اساسی تغییر کند، ممکن است معاهده منعقد بنا به ابتکار یکی از عاقدان ذینفع پایان یابد. ۲- شرط ضمنی در هر عهدنامه‌ای دائر بر اینکه عهدنامه تا زمانی معتبر است که اوضاع و احوال و شرایط موجود در زمان عقد آن، تغییر اساسی نکند یا اصلی که به موجب آن، تغییر اساسی و واقعی اوضاع و احوالی که با در نظر گرفتن آن اوضاع و احوال معاهده‌ای منعقد شده است، امکان دارد به متروک شدن معاهده منتهی گردد و یا لاقلاً از نیروی الزام آور آن بکاهد. تا پیش از برقراری رژیم جمهوری اسلامی در ایران، دو کشور شوروی سابق و ایران این اصل را به کار می‌بردند ولی در سال ۱۳۵۸ یعنی پس از سقوط رژیم سلطنتی، دولت جمهوری اسلامی ایران برخی از مواد عهدنامه دوستی سال ۱۹۲۱ روسیه شوروی و ایران را لغو کرد.

Rationing

جیره‌بندی؛ سهمیه‌بندی

برنامه‌ای که به‌هنگام کمیابی کالاها، مصرفی بر اثر جنگ یا آشفتگیهای دیگر مطرح می‌شود و به اجرا درمی‌آید و به‌موجب آن، کالاها، ضروری چنان توزیع می‌شود که منافع ملی و مصالح اجتماعی تأمین گردد و در عین حال، کالاها، مصرفی با رعایت برابری به دست مردم برسد. جیره‌بندی ممکن است از طریق کوپن، شماره و یا تصمیمات اداری در ارتباط با کالاها باشد و یا امکان دارد از طریق مدرک علمی در ارتباط با تخصیص شغل و از طریق اجازت‌نامه صنعتی در ارتباط با واردات کالاها، سرمایه‌ای صورت گیرد.

Reactionary

مرجع؛ واپسگرا؛ ارتجاعی

۱- کسی که در برابر دگرگونی و پیشرفت اجتماعی بایستد و برای حفظ یا احیای مجدد نظام کهنه و فرسوده و یا افکار عقب مانده کوشش کند. ۲- صفت حزبیها و جنبشهای سیاسی که از نهادها و ارزشهای اجتماعی و سیاسی پیشین دفاع می‌کنند و با هرگونه نوآوری که نظام کهن را به‌خطر اندازد مخالف هستند.

Reactionism (Reactionaryism)

ارتجاع؛ واپسگرایی

دفاع از نظام کهنه و فرسوده و رو به‌زوال و مخالفت با پیشرفت و ترقی اجتماعی و نوآوری یا آیینی در تفکر که گرایش به گذشته دارد و خواستار احیای آن است.

Reading

شور

اولین مرحله قانونگذاری، تهیه پیشنویس لایحه قانونی است. سپس وارد شور می‌شود. در شور اول، یک لایحه قانونی ممکن است در نتیجه موافقت مجلس با پیشنهاد طرح آن لایحه، قرائت شود.

Reagan Doctrine

دکترین ریگان

آیین صدور ضدانقلاب و تروریسم دولتی. عملیات طرفداری از ضدانقلابیون یا حمایت فعالانه از آنچه که به‌عنوان شورهای ضدکمونیستی در جهان سوم معرفی شده، پاسخ مورد علاقه ایالات متحده آمریکا به توسعه‌طلبی فرضی شوروی (سابق) است. مطابق این نظریه که به‌دکترین ریگان (رئیس جمهوری آمریکا) معروف است، ایالات متحده آمریکا باید به‌سرنوونی رژیمهای طرفدار شوروی (سابق) کمک کند.

Realignment

تجدید سازمان؛ بازآرایی

تغییر در نیروهای اصلی انتخاباتی در نتیجه تغییرات در هویت‌شناسی حزبی (جوابی که پاسخگو به سؤال تمایل به کدام حزب داری: جمهوریخواه، دموکرات، مستقل و مانند اینها می‌دهد).

Realism

واقع‌گرایی؛ رئالیسم

گرایش به تحلیل اجتماعی، مطالعه و تجسم زندگی انسان در جامعه، مطالعه و تجسم روابط اجتماعی، روابط میان فرد و جامعه و ساختمان خود جامعه به‌صورتی که وجود دارد و نه آن‌گونه که باید باشد. در فلسفه سیاسی، رئالیستها، امور و روابط بین‌المللی را برحسب منافع ملی و قدرت مورد

می‌توان از تجدید روابط دوستانه بین ایالات متحده آمریکا و ژاپن بعد از جنگ دوم جهانی یاد کرد.

Rastow Model

مدل راستو

الگوی رشد اقتصادی که توسط والت ویتمن راستو اقتصاددان آمریکایی مطرح شده است. او فرایند رشد اقتصادی را به پنج مرحله تقسیم کرده است: ۱- جامعه سنتی کشاورزی ۲- شرایط ماقبل خیز و جهش اقتصادی که با استفاده از علوم جدید در کشاورزی و وجود کارآفرینان و سرمایه‌گذاران طرفدار اندیشه‌های نو ارتباط دارد ۳- مرحله خیز و جهش (یا انقلاب صنعتی) که در آن رشد عادی همراه با شرایط پایدار است و مستلزم وجود حداقل یک بخش مهم صنعتی با اندازه بالای رشد و نیز چارچوب سیاسی و اجتماعی برای پشتیبانی از گسترش بخش نوین است ۴- مرحله حرکت به سوی بلوغ و پیشرفت مداوم با سطح سرمایه‌گذاری فزاینده که حدود ۶۰ سال طول می‌کشد ۵- مرحله مصرف انبوه که از زمان بلوغ حدود ۱۰۰ سال طول می‌کشد. جمعیت زیاد، تولید انبوه کالا و خدمات پیچیده از ویژگی‌های آن است.

Ratification

تصویب

تأیید یا تصدیق عهدنامه‌های بین‌المللی به وسیله مقامات صلاحیت‌دار دولتهای متعاقد که به موجب قانون اساسی خود، صلاحیت این عمل را دارند. به بیان دیگر، با تصویب عهدنامه‌ها، مقامات صالح دولتها، مواد تنظیم شده از جانب نمایندگان خود را که در انعقاد و امضای عهدنامه شرکت داشته‌اند، تأیید نموده و اراده دولت خود را به پذیرفتن تعهدات ناشی از عهدنامه، اعلام می‌کنند.

Ratifications

مصوبات

نسخه‌های تصویب شده قراردادهای سیاسی یا تجارتي و نظایر اینها، بین دولتهای متعاقد.

Rationalism

خردگرایی؛ عقل باوری

اعتقاد به عقل و خرد به عنوان محور دانایی و اساس معرفت بشر و توانمندی آن در شناخت هستی.

Rationality

تعقل؛ خردمندی؛ عقلانیت

اندیشیدن، انطباق با قوانین عقل و خرد و کاربرد معیارهای عینی و منطقی در تنظیم روابط و حل مسائل.

Rationalization

عقلایی کردن (شدن)؛ عقلانی‌سازی؛ خرددورزی

۱- فرایندی که از طریق آن هر جنبه از عمل انسان در معرض محاسبه، سنجش و کنترل قرار می‌گیرد. ۲- فرایندی که براساس آن واقعیات و فعالیت‌هایی که در گذشته، دور از حیطه خرد قرار داشتند، در حیطه سلطه خرد قرار می‌گیرند. ماکس وبر از تحقیقات خود نتیجه گرفته است که آنچه تمدن غرب را از تمدنهای شرق متمایز می‌کند، گرایش به عقلانی‌سازی تمام امور و مسائل اجتماعی است.

Rainbow Coalition**اتلاف رنگارنگ**

این واژه برای اشاره به اتحاد گروه‌های اقلیت و کم‌دار یا بی‌چیز در یک انتخابات یا انجمن عام سیاسی برای مطرح شدن و نیز به صورت یک گروه فشار قدرتمند درآمدن به کار رفته است.

Rally**اجتماع (حزبی)**

جلسه عمومی حزب، قبل از روز انتخابات عمومی، برای تحصیل آرای بیشتر.

Rank and File**پالینی‌ها؛ رده پالین**

کارمندان ساده، رده‌های پائین ارتشی، عامه مردم یا افراد عادی جامعه، اعضای احزاب به استثنای رهبران و مقامات عالی.

Rapacki Plan**طرح راپاکی**

پیشنهاد ایجاد منطقه‌ای غیراتمی در اروپای مرکزی که سرزمینهای لهستان، چکسلواکی و آلمان شرقی و غربی (سابق) را دربرگیرد. این پیشنهاد از طرف آدام راپاکی وزیر امور خارجه لهستان طرح شد و معمولاً آن را به نام وی می‌خوانند. طرح راپاکی در دوم اکتبر سال ۱۹۵۷ تقدیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد گردید، اما مورد عمل واقع نشد و به صورت ساده پیشنهاد باقی ماند.

Rapid Deployment Force**نیروی واکنش سریع؛ نیروی استقرار سریع**

نیرویی که برای انجام عملیات سریع نظامی در مناطق مختلف دنیا سازمان داده شده است. دولت‌های امپریالیستی برای جلوگیری از جریانات مثبت اجتماعی که در جهان رخ می‌دهد، و برای تأمین امکان ادامه استثمار و بهره‌کشی از منابع طبیعی و برای نفوذ در سیاست داخلی و خارجی کشورهای رو به رشد نوپا که خود را از قید وابستگی استعماری آزاد کرده‌اند، از همه وسایل از جمله حربه نظامی نیروی واکنش سریع (نیروی استقرار سریع) استفاده می‌کنند.

Rapid Deployment Forces Command**فرماندهی نیروهای واکنش سریع؛ فرماندهی نیروهای استقرار سریع**

فرماندهی ضربتی اعزام سریع نیروهای آمریکا به مناطقی از جهان که در آنها پایگاه‌های پشتیبانی ثابت وجود ندارد. تا قبل از تجاوز آمریکا به منطقه خلیج فارس در جریان اشغال کویت توسط عراق، نگرانی رزم‌آراییان یا استراتژیست‌های آمریکایی در ارتباط با این منطقه بود که در آن گذشته از سیاست‌های متغیر خاورمیانه‌ای، احتمال قطع خطوط عرضه نفت وجود دارد. لذا نیروهای واکنش سریع به طور دائم در اقیانوس هند مستقر شدند، زیرا می‌توانستند به سهولت به هر نقطه‌ای از خاورمیانه، بویژه منطقه حساس خلیج فارس، دست یابند. فرماندهی نیروهای واکنش سریع یا فرماندهی نیروهای استقرار سریع در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد.

Rapprochement**تجدید روابط دوستانه**

این واژه فرانسوی از نظر تاریخی و نیز در روابط بین‌المللی برای توصیف احیای روابط هماهنگ و دوستانه، بعد از یک دوره اختلاف و سردی بین دولت‌ها، به کار می‌رود. به عنوان مثال،

رادیکال شیک؛ شیک تندرو**Radical Chic**

این واژه در سال ۱۹۷۰ به وسیله یک روزنامه‌نگار آمریکایی به نام تام ولف به کار رفته و بیانگر دیدگاه‌های دست چپی افراطی یا رادیکال، اما تصنعی رایج در بین روشنفکران طبقه متوسط، برای کسب وجهه اجتماعی است. در ایران برای بیان چنین مفهومی، اصطلاح چپ یا کمونیست آمریکایی به کار رفته است.

فمینیسم رادیکال؛ زاد زن‌گرایی بنیادستیز؛ زاد زن‌گرایی تمام عیار**Radical Feminism**

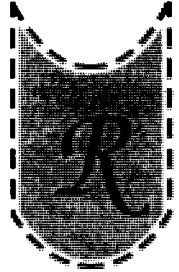
گرایشی در نهضت آزادی زنان که منشأ سرکوب زنان را در قرارداد آنها بر اساس جنسشان در یک طبقه پائین‌تر نسبت به طبقه مردان می‌داند. هدف زاد زن‌گرایان بنیادستیز، براندازی این نظام جنس - طبقه است.

رادیکالیسم؛ تندروی؛ بنیادستیزی**Radicalism**

طرفداری از اقدامات قطعی و فوری در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. رادیکالیسم، بیشتر برای توصیف فکر و عمل سیاسی چپ افراطی به کار می‌رود، گرچه جامعه‌شناسان آمریکایی از رادیکالیسم راست نیز سخن به میان آورده‌اند، یعنی گروه‌ها و گرایش‌هایی که با محافظه کاری سنتی و احترام به حقوق فردی مخالف هستند.

انقلاب رائل**Raelian Revolution**

تحولات ناشی از برنامه‌های سازمان یا فرقه رائل که ۱۳ دسامبر ۱۹۷۳ به وجود آمد. مؤسس این فرقه، فرانسس کلود وری لن Frances Claude Vorilhon موسوم به رائل Rael یا نور خدا، روزنامه‌نگار فرانسوی است که در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۲ به دنبال ادعای اعلام تولد اولین انسان شبیه‌سازی شده توسط شرکت آمریکائی ژنتیکی کلوناید که به این فرقه مرتبط است و توسط رائل در سال ۱۹۷۷ تأسیس شده است، دوباره بر سر زبانها افتاد. فرقه مذهبی رائل که ظاهراً علیه کلیسای کاتولیک و نیز سایر ادیان و حیانی عمل می‌کند، از این رویداد علمی بهره‌برداری می‌کند. به نظر وری لن که در سال ۱۹۷۴ به رائل تغییر نام داد، زندگی در کره زمین نه به صورت تصادفی و نه توسط خداوند، بلکه از طریق خلقت ماهرانه و با استفاده از دی.ان.آ. DNA (اسید دی‌اوکسی‌ریبونوکلیتیک) توسط مردم پیشرفته علمی از سیاره‌ای دیگر به وجود آمده است. رائل در سال ۱۹۷۴ در کتاب «پیامی که انسانهای کرات دیگر به من دادند» نوشته است: خلق زندگی در زمین به طور آگاهانه توسط انسانهایی به نام الوهیم Elohim (مفرد واژه عبری Eloha) با تکنولوژی فوق‌العاده قوی و پیشرفته صورت گرفته است. فرقه رائل، ملحد است یعنی مخالف مفهوم سنتی خدا است، و روحانی است بدین معنی که اعتقاد دارد افراد را با خالقشان مرتبط می‌سازد. از نظر رائلها، انقلاب رائل آزادی کامل را برای انسان به ارمغان می‌آورد، کار را لذتبخش، صلح را برقرار و فقر را ریشه کن و پول را به عشق مبدل می‌سازد. در تبلیغات (سال ۲۰۰۳) آنها از جمله آمده است: «پیامی که انسانهای کرات دیگر دادند، علم جایگزین مذهب. بزرگترین سازمان غیرانتفاعی در ارتباط با سفینه‌های فضایی در کره زمین با بیش از ۵۰ هزار عضو در ۸۵ کشور، در حال فراهم‌سازی سفارت برای انسانهای کرات دیگر، با غیر عادی‌ترین ایده سیاسی در زمین و شجاعانه‌ترین فلسفه شخص‌گرایی ضد مکتبی».



عوام الناس؛ همج الراع

Rabble

مردم جاهل، توده‌ها و طبقات پست. به قول علی بن ابیطالب (ع) مردم سه دسته‌اند: "عالمان ربّانی، جویندگان علم که در طریق نجاتند و دنباله‌روان بیهدف یا همج الراع که پیروان هر بانگی هستند و با هر بادی به سویی می‌روند، بهره‌ای از نور علم و پناه و پشتوانه محکمی ندارند." و یا به نوشته عبدالرحمن کواکبی در کتاب طبایع الاستبداد: "عوام هم آنانند که چون نادان باشند، به ترس اندر شوند، و چون بترسند تسلیم شوند و به سبب ترسی که از جهل ناشی شود خویش را به دست خود سربرند. و هم ایشانند که چون دانا باشند سخن گویند و چون سخن گویند، کارکنند. عوام، قوّت مستبد و اسباب روزی او باشند. باخودایشان بر ایشان حمله نماید و بدیشان بر غیرایشان تطاول جوید. چون اسیرشان کند از شوکت او خرم شوند و چون اموالشان غصب نماید او را بر باقی گذاشتن جانشان ستایش کنند و چون خوارشان سازد، بلندی شأن او را بستانند. و بعضی از ایشان را بر بعضی دیگر برانگیزد، آن بیچارگان به سیاست او افتخار نمایند. و چون با اموال ایشان انفاق به اسراف نماید، گویند زهی مرد کریم. و چون ایشان را به قتل رساند و مثله نکند، گویند شخصی است رحیم. و هرگاه ایشان را به خطر موت راند، از بیم تازیانه ادب، او را اطاعت کنند و اگر بعضی غیرتمندان ایشان در مقام انتقام برآیند و براو کینه جویند، دیگران با ایشان مانند ستمکاران، جنگ و مقاتله نمایند."

نژادپرستی؛ نژادگرایی

Racism

۱- مکتب غیر علمی مبتنی بر اعتقاد به برتری بعضی نژادها بر بعضی دیگر و لزوم توجه ویژه‌ی قومی و فرهنگی و ملی بر اساس معیارهای نژادی. نژادپرستان بر اساس این مکتب، منکر برابری افراد بشر و حقوق مساوی برای آنها می‌شوند. ۲- نژادگرایی بهره‌برداری تعمیم یافته و همیشگی از تفاوت‌های بیولوژیکی واقعی یا خیالی از جانب مدعی برتری نژادی و به زیان قربانی آن به منظور توجه تجاوز است.

Radical

رادیکال؛ طرفدار اصلاحات اساسی؛ تندرو؛ بنیادستیز

شخص، مکتب و یا حزبی که معتقد به تغییرات فوری و اساسی در بنیادهای سیاسی و اجتماعی است، بویژه اگر این تغییرات موجب تعدیل اوضاع اجتماعی و یا برطرف ساختن مفاسد ناشی از آنها شده شود.

در برابرش بگیری" است. مذاکرات سیاسی معمولاً براساس اصل بده - بستان صورت می‌گیرد و معمولاً شامل تعهدات مشترک طرفین در قبال یکدیگر است.

Quietism

آرامش طلبی؛ توکل؛ سکوت‌گرایی

۱ - خط مشی یا گرایش حاکی از انصراف انفعالی نسبت به دنیا و امور دنیوی. ۲ - اعتقاد به اینکه کمال و رستگاری فقط به‌خواست خداوند حاصل می‌شود و وظیفه انسان آن است که خود را به‌اراده خداوندی بسپارد و آماده قبول هر سرنوشتی باشد. ۳ - تفکر انفعالی در مقابل خوب و بد و بی‌اعتنایی به تفکرات و اعمال سیاسی و عدم شرکت در فعالیتهای سیاسی و فرهنگی و اجتناب از زندگی فعال اجتماعی. آرامش طلبی در جوامع کنونی به‌صورت یکی از اشکال پوچ‌انگاری اخلاقی درآمده و ناشی از خستگی روحی، سرخوردگی، دل‌مردگی و از خود بیگانگی اخلاقی است که در میان اقشار میانه‌حال متداول است. مردم گریزی، گوشه‌نشینی، خانه‌به‌دوشی یا هیپی‌گری از جمله اشکال افراطی آرامش طلبی است.

Quisling

کویزینگ؛ خانن

ویدکان کویزینگ (۱۹۴۵-۱۸۸۷) رئیس حزب نازی نروژ بود که پس از اشغال نروژ توسط نازیها در آوریل سال ۱۹۴۰، با هیتلر به همکاری پرداخت. اکنون نام کویزینگ مترادف خانن، و بویژه به‌معنی کسی است که آلت فعل یک نیروی ستمگر بیگانه واقع می‌شود و به‌ضرر کشور خود عمل می‌کند.

Quixotism

کیشوت مآبی؛ دون کیشوتیسیم؛ قهرمانبازی

از نام دون کیشوت Don Quixote = Don Quichotte اثر داستانی میگل د سروانتس (۱۶۱۶-۱۵۴۷) رمان نویس اسپانیایی گرفته شده و بیانگر آرمان‌گرایی، ساده لوحی، محکوم بودن به شکست و غیر واقع‌بینی است.

Quorum

حد نصاب

۱ - حدنصاب رأی برای قبول یک موضوع. ۲ - عده‌ای که در مجلس برای قبول یک موضوع رأی بدهند.

Quota

سهمیه

محدودیت کمی در مورد هرکالایی که بتوان وارد کشور کرد. برقراری محدودیتهای مقداری برای واردات از تدابیر معمول سیاست حمایت‌گرانه از محصولات ملی است. سهمیه‌بندی تنها به‌واردات محدود نمی‌شود.

نمایند. از خداوند متعال، پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم."

Quality Circle

دایره کیفی؛ محفل کارشناسی؛ گروه کنترل کیفیت

گروهی از کارکنان که به طور منظم (معمولاً هفته‌ای یک ساعت) دورهم جمع می‌شوند تا مسائل و مشکلات مربوط به کار، محیط کار و کیفیت را بررسی و حل کنند. هر دایره، معمولاً از ۶ تا ۱۲ عضو داوطلب تشکیل می‌شود که یک نفرشان نیز کار رهبری دایره را برعهده می‌گیرد. دایره کیفی از جمله مهم‌ترین عوامل پیشرفت در تولید و کیفیت کالاها در کشورهایانی مثل ژاپن و آمریکا شناخته شده‌اند.

Quango

سازمان ظاهراً غیردولتی

سازمانی که توسط دولت ایجاد می‌شود و از این رو، متعهد است که مخارج آن را به حساب بیاورد، اما با اینهمه دارای استقلال عملیاتی است. این واژه را آلن پیفر رئیس شرکت کارنگی برای توصیف چنان سازمانهایی به کار برده که در آمریکا ایجاد می‌شدند. در انگلستان از جمله می‌توان به بی بی سی اشاره کرد.

Quarter

امان

بخشیدن یا اجتناب از کشتن کسانی که در نبرد تسلیم شده‌اند.

Quarter Seeker

دخیل

پناهنده و یا کسی که امان می‌خواهد.

Queen

ملکه؛ شهبانو

فرمانروای مؤنث یک کشور سلطنتی یا همسر یک شاه.

Question

سؤال

هر یک از نمایندگان مجلس حق دارد درباره وظایف وزیران از آنان سؤال کند. وقتی سؤالی از وزیری در مجلس طرح می‌شود، وی باید در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ دهد و این جواب نباید بیش از مدت تعیین شده به تاخیر افتد، مگر آنکه عذر موجهی در کار باشد.

Quick Kill

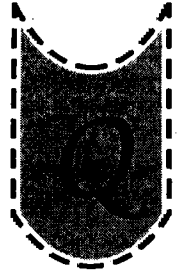
کشتار سریع

استراتژی لیسندون جانسون رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در برابر جنبشهای آزادیبخش و دموکراتیک. مثل عملیات کشتار سریع در دومینیک در سال ۱۹۶۵ و عملیات کشتار سریع در جریان جنگ ویتنام. به عنوان نمونه، طی یکی از مأموریتهای جستجو و کشتار، در سال ۱۹۶۸ حدود ۵۰۰ نفر مرد، زن و کودک ویتنامی توسط سربازان آمریکایی در دهکده می لای My Lai به این تصور که آنان طرفدار چریکهای کمونیست جبهه آزادیبخش ملی ویتنام (ویت‌کنگها) هستند، به قتل رسیدند.

Quid Pro Quo

بده‌بستان؛ عوض

این اصطلاح در دیپلماسی به مفهوم "چیزی به جای چیز دیگر" یا "باید چیزی بدهی تا چیزی



Qasit (Tyrant)

قاسط

واژه عربی به مفهوم ستمگر، دشمن رویاروی و حامی ظلم، زور و مظهر ریا، تزویر و فریبکاری در لباس دین. حضرت علی (ع) معاویه و لشکرش را قاسطین خوانده است.

Qist (Fairness , Justice)

قسط

۱- سهم واقعی هرکسی یا هرگروهی، از مجموعه مواهب مادی و معنوی و امکانات اجتماعی در قبال نقشی که در جامعه برعهده دارد. ۲- انجام و رسانیدن حق مالی و دیگر حقوق افراد است. ۳- عدالت عملی و توزیع عادلانه و رساندن حق است که زیربنای اجرای احکام و تحکیم نظام و رشد ایمان و اخلاق و وسیله کمال است و اگر قسط نباشد، هیچ اصلی از اصول شریعت پایه نمی‌گیرد. در قرآن، قسط بیشتر در موارد تأدیه حقوق افراد و اجتماع و اموال و پاداشها و کیل و وزن آمده و عدل در موارد خلقیات و احکام و شهادت.

Qods Day

روز قدس

آخرین جمعه ماه رمضان که از سوی امام خمینی (ره) رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به عنوان روز جهانی قدس اعلام شده است. قدس (بیت المقدس، شهر صلح، قدس شریف و یا اورشلیم) شهر مقدس مسلمانان، مسیحیان و یهودیان است و پیش از شهر مکه، قبله نمازگزاران مسلمان بود. متن پیام امام در اعلان جمعه آخر ماه رمضان سال ۱۳۵۸ به شرح زیر است: "من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون این روزها به حملات و حشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن بهم بیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان روز قدس انتخاب وطنی مراسمی، همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق مردم مسلمان فلسطین اعلام

Pyrrhic Victory

پیروزی پیروس وار؛ پیروزی پرخرج؛ پیروزی برابر با شکست

فتح و ظفیری که با تلفات بسیار یا بهای گزاف به دست آید. وجه تسمیه آن، این است که فتوحات پیروس (Pyrrhus ۲۷۲-۳۱۸ قبل از میلاد) پادشاه "اپیروس" یونان باستان بر رومیان با ضایعات و تحمل تلفات بسیار حاصل گردید. پیروس در آخرین پیروزی خود، در پاسخ چابلسیها و تملق گوییهای امرا که او را به جنگی دیگر تشویق می کردند گفت: "یک پیروزی دیگر به قیمت جان من تمام خواهد شد." پیروس در جریان تسخیر آرگوس، به وسیله پیرزنی که سفالی را از پشت بامی بر سر او انداخت، جان سپرد.

تصفیه: پاکسازی

Purge

۱- بیرون کردن ناسازگاران و خرده‌گیران از یک حزب سیاسی، حکومت و یا سازمانهای دیگر. ۲- بازداشت و زندانی کردن و کشتار گروههایی از مردم که از لحاظ سیاسی خطرناک شمرده می‌شوند.

Puritanism

پیوریتانیسم؛ پیرایشگری (مسیحیت)؛ پاک‌دینی (مسیحیت)

واژه پیوریتن، نخست به طعنه در مورد اعضای کلیسای رسمی انگلیس به کار رفت که بین سالهای ۱۵۶۴ و ۱۵۶۹ می‌خواستند سیستم کلیسایی را از سوءاستفاده‌های پاپی تصفیه کنند. در اواخر قرن هفدهم برای اشاره به ناراضیان (گروهی که علیه سلطه کلیسای انگلیس شوریدند و به آمریکا رفتند و در آنجا مهاجرنشینهای بسیار به وجود آوردند که سرانجام، شهرهای بزرگ کنونی را پدید آورد) مثل هواداران خود سالاری کلیسای، باپتیست‌ها و کویکرها به کار رفت. به نظر طرفداران پیوریتانیسم، باید مذهب کلیسای انگلیس را تطهیر کرد و از پیرایه‌های عناصر و افکار رومی و نیز خرافات و احادیث زود و به معانی و مواظ کلمه الهی توجه کرد و از آداب و مراسم ظاهری و مناسک و تقدیسات صوری دینی دوری گزید و در فکر استقرار حکومت الهی و اطاعت از قوانین الهی مطابق کتاب مقدس بود. پیوریتانیسم، ترکیبی است از عقاید اجتماعی، اخلاقی، دینی و سیاسی که در بین پروتستانهای آمریکا و انگلستان متداول است.

Purpose of Life

هدف زندگی

مفهوم اخلاقی که انسان از طریق آن خود و اعمالش را به ارزشهای متعالی، کمال مطلوب (خیراعلی) مربوط می‌سازد و بدین وسیله، موقعیتی برای موجه جلوه دادن خود (در نظر خود، سایر مردم یا یک مرجع) کسب می‌کند. از جنبه خیراعلی از جمله می‌توان انواع زیر را برای توجیه مقصود زندگی برشمرد: لذت‌گرایی (خوشباشی)، مصلحت‌خواهی (پراگماتیسم)، صنف‌گرایی (خودخواهی گروهی)، کمال‌گرایی (خویش‌سازي) و انسان‌گرایی یا بشر دوستی و حق‌خواهی و خداجویی. به نظر یکی از متفکران، هدف زندگی زندگی است. اگر هدف زندگی آن است که زندگی به سمت آن پیش می‌رود، هدف آن مرگ است. در هر صورت، زندگی دو جنبه دارد: یکی جنبه ظاهری که همان طراوت و زیبایی و لذات و شهوات آن است و دیگر، جنبه باطنی که اخلاق، وجدان، قصد پاک و خیر، خدمت و ایثار و علم است. کسانی که دل به ظاهر زندگی می‌بندند و با باطن کاری ندارند، پیوسته در دلشان عشق به تعلقات زندگی افزایش می‌یابد و دل‌کنند از دنیا دشوار می‌شود و مرگ، ترسناک و سخت جلوه می‌کند. اگرچه ترس از مرگ در انسان به علت غریزه دوست داشتن زندگی یک امر عادی است، اما در پرتو آموزه‌های سیاسی، دینی، اجتماعی و معنوی والا، بسیار آسان می‌شود. الف. بامداد در شعر خطابه تدفین می‌گوید: وینان / دل به دریا افکنانند / به پای دارنده آتشها / زندگانی / دوشادوش مرگ / پیشاپیش مرگ. امیرالمؤمنین (ع) هنگامی که مورد ضربت ابن ملجم قرار می‌گیرد، می‌گوید: سوگند به خدای کعبه که رستگار شدم.

Putsch

پوچ؛ طغیان بیحاصل

واژه آلمانی برای اشاره به شورش ناگهانی، طغیان یا کودتای سریع بیحاصل و ناموفق. از جنبه تاریخی برای اشاره به شورش سال ۱۹۲۰ و لنگانگ کاپ در آلمان و پوچ سالن آبجوخوری آدولف هیتلر در سال ۱۹۲۳ به کار رفته است.

Public Sentiment**احساسات عمومی**

عقیده، نظر و احساس جمع کثیری از افراد جامعه در برابر یک موضوع معین که در بسیاری از کشورها از جنبه عاطفی و خرافی زیادی برخوردار است.

Public Works**کارهای ساختمانی دولتی**

طرزهای ساختمانی برای استفاده عموم، مثل راه‌ها و پلها.

Pugwash Movement**نهضت پوگواش**

عنوان نهضتی است برای تأمین صلح، امنیت بین‌المللی و همکاری علمی، خلع سلاح و پیشگیری از جنگ هسته‌ای. ابتکار اقدام مستقیم در زمینه ایجاد نهضت صلح در شرایط پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۵۵ به‌بیانیه برتراند راسل - آلبرت اینشتین مربوط می‌شود. این بیانیه پس از مرگ اینشتین به‌امضای نه دانشمند دیگر رسید و در نهم ژوئیه سال ۱۹۵۵ طی یک کنفرانس مطبوعاتی که در لندن برگزار شد به‌اطلاع عموم رسید. در این ایام، وضع جهان به‌خاطر تهیه بمب هیدروژنی و آغاز مسابقه تسلیحاتی آمریکا و شوروی سابق بسیار خطرناک بود و احتمال داشت که جنگ سرد به‌جنگ گرم و نابوده‌کننده‌ای کشانده شود. از این رو، سیلی از نامه و تلگرام از طرف افراد و گروه‌هایی که به‌حمایت از بیانیه برخاسته بودند و پیشنهاد کمک می‌کردند، به‌طرف کنندگان و امضا کنندگان بیانیه جاری شد. یکی از این نامه‌ها از طرف یک کارخانه‌دار کانادایی بود که آمادگی خود را برای تعهد هزینه‌های کنفرانسی مرکب از دانشمندان اعلام نمود و پیشنهاد کرد که این کنفرانس در زادگاه وی، دهکده ماهیگیری کوچکی به‌نام پوگواش واقع در نووا اسکوتیای کانادا برگزار گردد. اولین کنفرانس از مجموعه گردهماییهای دانشمندان در پرتو بیانیه راسل - اینشتین به‌نام کنفرانس پوگواش درباره علم و مسائل جهان در ژوئیه سال ۱۹۵۷ برگزار شد. بیست و دو شرکت‌کننده آن از ده کشور از جمله آمریکا، انگلستان، فرانسه، شوروی سابق، چین و لهستان بودند. کار کنفرانس بین سه کمیته تحت عنوانهای زیر تقسیم شد: خطرهای مولود از کاربرد نیروی اتمی در جنگ و صلح، کنترل سلاحهای اتمی و مسئولیت اجتماعی دانشمندان.

Punishment of Culpable**تنبيه مقصر**

در روابط بین‌الملل، یکی از روشهای رفع آثار خسارت معنوی است که به‌موجب آن، دولت خسارت دیده عذرخواهی و یا ابراز تاسف را برای پاک کردن عمل خلاف حقوق کافی نمی‌داند و برای اظهار رضایت، از دولتی که عمل خلاف حقوق منسوب به‌او بوده است، تنبيه مقصر را تقاضا می‌کند.

Puppet Regime**رژیم دست‌نشانده؛ رژیم عروسکی**

حکومت یا رژیمی که به‌وسیله مقاماتی کنترل می‌شود که به‌سود و مطابق دستورات حکومت کشور دیگر عمل می‌کنند.

Pure Market Capitalism**سرمایه‌داری خالص مبتنی بر بازار**

نظام اقتصادی که در آن، مالکیت همه منابع در اختیار بخش خصوصی قرار دارد و تخصیص منابع بین مصارف گوناگون منحصراً از طریق نظام قیمتها صورت می‌گیرد.

بر قدرت برای تأثیر گذاردن بر افکار عمومی است. از این رو، دولتهای قدرتمند با استفاده از برنامه‌های رادیو-تلویزیونی ماهواره‌ای و کامپیوتری می‌کوشند به‌سود خود، افکار عمومی را تسخیر نمایند.

Public Opinion Poll

نظرسنجی عمومی؛ سنجش افکار عمومی

جستجو و بررسی عقیده و نظر مردم در هر زمینه و تحلیل آماری نتایج آن. با بررسی عقاید عامه یا سنجش افکار عمومی میتوان عقاید زودگذر را از عقاید نسبتاً ثابت و ریشه‌دار جدا کرد و به‌شدت وضع افکار و میزان وسعت و دامنه آن در هر امری پی‌برد. اکنون سعی دولتها بویژه در اروپای غربی و آمریکا در آن است که از مؤسسات نظرخواهی و بررسی افکار عمومی استفاده کنند. ولی نمی‌توان روشهای رایج در این مناطق را به‌همان صورت در کشورهای دیگر اعمال نمود. برای ایجاد شیوه‌های مناسب به‌منظور بررسی عقاید در هر کشور باید از همکاری جامعه‌شناسان، روانشناسان اجتماعی و صاحب‌نظران جامعه استفاده کرد. مثلاً در آمریکا با توجه به طرز فکر و تربیت مردم، حتی می‌توان در امور مربوط به زندگی خصوصی نیز به جستجو پرداخت. در صورتی که مثلاً در کشورهای آسیایی با توجه به سوابق پیچیده زندگی اجتماعی و دینی و اخلاقی فقط می‌توان امور کلی و عمومی افراد را مورد بررسی قرار داد و به‌سختی ممکن است از عقاید واقعی آنها اطلاع پیدا کرد.

Public Relations

روابط عمومی؛ اداره روابط عمومی

۱- هنر یا علم ایجاد تفاهم و حسن نیت متقابل. ۲- درجه و میزان تفاهم و حسن رابطه موجود بین یک فرد یا مؤسسه و سازمان (از یک طرف) و جامعه (از طرف دیگر). ۳- کوشش طرح شده برای نفوذ در افکار عمومی از طریق کار و عمل قابل قبول و ارتباط دو جانبه. ۴- ترویج حسن رابطه و ایجاد حسن نیت بین یک شخص یا سازمان و مؤسسه (از یک طرف) با اشخاص و گروههای دیگر یا با تمام مردم یک جامعه (از طرف دیگر) به‌وسیله توزیع مطالب تفسیری و توسعه مبادله حسن همجواری و سنجش و مطالعه در واکنشهای عمومی. ۵- گرایشهایی که ناظر است برکنش متقابل یک شخص یا سازمان و کسانی که برحسب شغل و وظیفه در توفیق یا عدم توفیق عملیات شخص یا سازمان مزبور مؤثرند. ۶- سازماندهی حرفه‌ای تلاشهای مربوط به جلب تفاهم و حمایت عمومی از فعالیتهای نهادهایی مثل حکومتها، احزاب سیاسی، سازمانهای تجاری و صنعتی و نهادهای حرفه‌ای و مانند اینها.

Public Sector

بخش دولتی؛ بخش عمومی

یکی از دو بخش بزرگ اقتصاد ملی (در مقابل بخش خصوصی) و دربرگیرنده فعالیتهای اقتصادی دولتی، صنایع ملی شده و شرکتهایی که از طرف دولت تأمین مالی می‌شوند. در این بخش، دولت مالک منابع است و از این منابع برای رسیدن به هدفهایش استفاده می‌کند، مثل بهبود رفاه اقتصادی نخبگان حاکم یا بهزیستی جامعه به‌طور کلی. رشد و پیشرفت عادلانه و اخلاقی و پایدار، بدون بخش عمومی عاری از فساد، امتیاز طلبی و افزونه‌خواری (رانت‌خواری) و مجریان پاک و دانا و توانا میسر نیست.

سازمانی مشخصی که جزئی از سازمانهای رسمی کشور و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و به نیابت دولت یا مردم یک محل یا اعضای صنف یا پیشه یا گروه معین، اداره یک یا چند خدمت معین و محدود، از خدمات و نیازمندیهای عمومی را براساس اصولی که برگرفته از قوانین جاری کشور و اساسنامه آنها است، عهده‌دار می‌شوند. مثل سازمان حفاظت محیط زیست، کتابخانه ملی ایران، دیوان محاسبات کشور، مرکز آمار ایران و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور.

Public International Law

حقوق بین‌الملل عمومی

۱- مجموعه قواعد حاکم بر روابط اعضای جامعه بین‌المللی. ۲- مجموعه رسوم و عهدنامه‌های بین‌المللی که مراعات آنها در روابط دولتها الزام‌آور است. ۳- شاخه‌ای از حقوق عمومی که روابط متقابل دولتها و حقوق و تکالیف دولتها و سازمانهای بین‌المللی و مناسبات آنها را با یکدیگر تعیین می‌کند. ۴- قواعد و مقرراتی که محصول توافق کشورهای مستقل است. کشورهای مختلف‌المسلک، در روابط فی‌مابین، هیچکدام از مسلک خود صرف نظر نمی‌کنند، بلکه فقط برای ترتیب مناسبات متقابل و همکاریها در شناختن بعضی قواعد توافق می‌کنند. ۵- قواعدی که پایه روابط متقابل دولتها در آن مستند است. دانشمندان آلمانی، این رشته از حقوق عمومی را حقوق کشورها نامیده‌اند.

Publicist

پوبلیسیست؛ نویسنده مقالات سیاسی - اجتماعی؛ روزنامه‌نگار

نویسنده‌ای که مباحث اجتماعی و سیاسی را تشریح و تحلیل می‌کند، مفسر سیاسی روزنامه و متخصص در مسائل مربوط به اصول حقوق عمومی. سابقاً به افرادی گفته می‌شد که رساله‌نویس بودند و در دعوی فیلیپ پادشاه فرانسه و پاپ بونیفاس هشتم دخالت می‌کردند، به این ترتیب که عده‌ای از آنها به‌طرفداری از پاپ (قدرت روحانی) و عده‌ای نیز به‌طرفداری از شاه (قدرت سیاسی)، دست به انتشار رساله‌های تبلیغاتی می‌زدند.

Public Law

حقوق عمومی

قوانین و مقرراتی که حقوق و تکالیف و روابط افراد را با دولت تعیین می‌کند.

Public Mòrals

اخلاق عمومی؛ اصول اخلاق عمومی

معیارهای درست و نادرست پذیرفته شده در یک جامعه معین.

Public Opinion

افکار عمومی؛ عقیده عمومی

۱- قضاوت یک جامعه خودآگاه است که پس از بحث عمومی و منطقی درباره یک مسأله مهم ابراز شده باشد. ۲- نظر، روش و ارزیابی مشترک گروهی اجتماعی در یک موضوع مورد توجه و علاقه همگان که در لحظه مشخص، بین تعداد زیادی از افراد یک قشر یا طبقه یا سراسر اجتماع، به‌طور نسبی عمومیت پیدا کرده است و از جانب عامه پذیرفته می‌شود. افکار عمومی که بازتاب هستی اجتماعی انسان است، می‌تواند در جریان تحول اوضاع مؤثر افتد. اکنون در تمام کشورها افکار عمومی یک قدرت واقعی است و اهمیت آن بنسبگی به‌رشد سیاسی ملت دارد. کتاب، مطبوعات و بویژه رادیو و تلویزیون به‌علت ویژگیهای فنی و دستیابی سهل به آنها در شمار ابزار

Public Choice Theory**نظریه گزینه عمومی**

کاربرد نظریه اقتصادی در سیاست که با انتخابهای بازیگران سیاسی، مثل رأی دهندگان، سیاستمداران، مأموران اداری یا بوروکراتها و گروه‌های فشار و تعامل آنها با یکدیگر مربوط است.

Public Corporation**شرکت دولتی**

نوعی از مؤسسات دولتی که عهده‌دار آن بخش از امور عمومی هستند که دارای ویژگیهای تجاری یا بازرگانی بوده و به منظور نیل به هدفهای انتفاعی و تحقق آنها به وجود آمده‌اند یا سازمان مشخصی که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون یا دادگاه صالح، ملی و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و تا زمانی که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به دولت باشد، شرکت دولتی تلقی می‌شود، مثل شرکتهای سهامی روزنامه رسمی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی.

Public Finance**مالیه عمومی**

دولت برای انجام وظایفی که در برابر جامعه بر عهده دارد، ناچار است مخارجی متحمل گردد که مخارج عمومی نامیده می‌شود. برای پرداخت مخارج عمومی، دولت باید درآمدهایی از مردم و مؤسسات کشور وصول کند، یعنی آن مخارج را بین افرادی که عضو جامعه هستند تقسیم نماید. درآمدهایی که دولت از مردم وصول می‌کند، درآمدهای عمومی نامیده می‌شود. تطبیق دادن درآمد عمومی به مخارج عمومی به وسیله بودجه انجام می‌گیرد. تعیین مخارج عمومی و طرز تأمین آن مخارج به وسیله درآمدهای عمومی، موضوع مالیه عمومی است. در این علم، دخل و خرج دستگاه دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهمیت مالیه عمومی را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد: ۱- قدرت وضع و وصول مالیاتها یکی از مهم‌ترین ارکان تشکیل حکومت است ۲- مالیه عمومی مهم‌ترین طریق مداخله دولت در زندگی اقتصادی کشور است ۳- مالیه عمومی مهم‌ترین طریق اجرای نظریات سیاسی و اجتماعی دولتها است.

Public Freedoms**آزادیهای عمومی**

مجموع آزادیهای فردی و آزادیهایی که برای دسته‌های اجتماعی شناخته شده است. آزادیهای عمومی، در معنی اخص خود مترادف آزادیهای فردی و حقوق بشر است.

Public Institution**مؤسسه عمومی؛ مؤسسه دولتی**

۱- مؤسسات مستقل از قوای حاکم، مثل مقننه، قضائیه، مجریه (ریاست جمهوری، وزارتخانه‌ها) و یا واحدهای سازمانی مشخصی که به موجب قانون به وجود آمده و زیر نظر یکی از قوای سه‌گانه اداره می‌شوند و عنوان وزارتخانه ندارند و به امور عمومی می‌پردازند. امور عمومی، هرگونه امری است که باید از طرف دولت، تنظیم، تأمین و کنترل شود که وجود آن برای تحقق و توسعه همبستگی اجتماعی و حفظ مصالح ملی ضروری بوده و متضمن رفع نیازها و تأمین منافع عمومی است، و اداره آن از روابط آزاد انجام دادن یا انجام ندادن آن توسط بخش خصوصی - و ابتکار خصوصی و سودجویانه خارج شده و به گونه‌ای در اختیار دولت قرار گرفته است. ۲- واحد

انتخابات‌شناسی

Psephology

تحقیق در انتخابات، رفتار انتخاباتی، الگوهای رأی‌دهی و آرای سیاسی.

جنگ روانی

Psychological Warfare

۱- استفاده برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از تبلیغات و سایر اقدامات مربوط به رسانه‌ها به منظور اثرگذاری بر احساسات و عواطف، نگرشها، مواضع و رفتار طرف مقابل (دوست، دشمن یا بیطرف) به نحوی که به تحقق سیاست و هدفهای آن دولت یا دولت‌ها کمک کند. ۲- فعالیتهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی که در طول جنگ و یا جنگ سرد برای درهم شکستن اراده مقاومت در دشمن و به دست آوردن تفوق عالی بروی صورت می‌گیرد. تنظیم عملیات جنگ روانی به مراتب دشوارتر از سایر رشته‌های رزمی است، زیرا هدف جنگ روانی، تأثیر گذاشتن در روحیه انسانها در جهت برخلاف معتقدات و عقاید آنها است. توفیق در جنگ روانی قبل از هر چیز وابسته به خصلت جنگ مفروض است. مثلاً کشوری که جنگ از طرف او عادلانه و شرافتمندانه است، می‌تواند عدالت و حقانیت خود را به نظامیان دشمن با دلایل کافی ثابت کند و ایمان آنها را به عدالت و حقانیت عمل دولتشان که آنها را به جنگ ظالمانه و غیر عادلانه کشانده است، متزلزل سازد.

روانشناسی ملل؛ روانشناسی خلقها

Psychology of Peoples

شناخت روحیات اقوام و ملل از جهت خلیقیات و تمایلات مختلف آنها از زمان فیلسوفان یونانی مثل ارسطو و محققان اسلامی مثل ابن‌خلدون مطرح بوده است. از قرن نوزدهم دانشمندان اروپایی در فکر تشکیل علم روانشناسی ملت‌ها افتادند. بعداً جغرافیدانان خواستند ویژگیهای روحی ملت‌ها را تحت تأثیر عوامل جغرافیائی توضیح دهند، مثل اینکه مناطق سردسیر، آفریننده روحیه فعال و طرز فکر مثبت و مناطق گرمسیر، آفریننده اوهام و افکار تخیلی و طبع شاعرانه است. از نظر نژادی نیز، خصوصیات نژادی شخص، دلیل بروز خصوصیات روانی قرار داده‌شد. مثلاً به عقیده گوستاولوبین (۱۸۴۱-۱۹۳۱) هر نژادی دارای ویژگیهای روحی معینی است به نام روح یک نژاد یا سبیه ملی که عبارت است از مجموعه خصوصیات یک قوم که در تمام تمدنهای بشری ظاهر می‌شود. او نظریه عدم تساوی نژادها را پذیرفت و جانب نژاد سفید را گرفت و از آنگلو ساکسونها ستایش کرد. مع هذا، دانش جدید اجتماعی، تأثیر مطلق یک عامل را در تکوین روحیه ملت‌های مختلف نمی‌پذیرد. زیرا واقعیت زندگی اجتماعی ملت‌ها تابع عوامل متعددی است و به آسانی نمی‌توان خصوصیات را به یک ملت نسبت داد.

اداره امور عمومی

Public Administration

هماهنگ کردن کوششهای فردی و گروهی به منظور اجرای سیاست یا خطمشی عمومی دولت. اداره امور عمومی بیشتر با امور جاری و روزمره دولت سروکار دارد.

نشر اکاذیب

Publication of False Novel

انتشار و پخش با سوءنیت اخبار دروغ و وقایع خلاف واقع یا اشاعه و اسناد هر نوع کذب با توسل به وسایل مندرج در قانون به قصد تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی.

مرموز خود ادامه دهند. متن کامل این پروتکلها در سال ۱۹۰۵ در روسیه انتشار یافت و به یکی از اسناد مهم گروههای ضد یهود تبدیل شد.

Protocracy

حکومت صالحان؛ شاینده سالاری

اعتقاد به حکومت بهترین و شایسته‌ترین افراد.

Provincialism

مسلک استقلال ایالات؛ تعصب محلی

عقیده به عدم تمرکز امور کشور در پایتخت و تسلیم مسئولیتهای هراستان یا ایالت به متصدیان امور همان استان. این واژه همچنین به مفهوم محلی‌گری، تعصب محلی، دهاتی‌گری و کوتاه‌فکری نیز به کار رفته‌است.

Provisional Government

حکومت موقت؛ دولت موقت

حکومتی که معمولاً پس از یک انقلاب یا کودتا بر سرکار می‌آید و تا تعیین تکلیف نهادهای قانونگذاری و اجرایی موقتاً عهده‌دار امور می‌گردد و سپس جای خود را به یک حکومت ثابت می‌دهد. این واژه به صورت اسم خاص در مورد حکومتی به کار می‌رود که از ماه فوریه تا اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه بر سرکار بود، همچنان که در ایران واژه دولت موقت به حکومت مهدی بازرگان (بهمن ۱۳۵۷ تا آبان ۱۳۵۸) اطلاق می‌شود. وی در دوره حکومتش تلاش کرد از طریق تفکر ملی و آزادبخواه و اسلامی، حکومت قانون را مستقر سازد و از خرابیها و مشکلات ناشی از تغییر و تحولات انقلابی بکاهد.

provisional Neutrality

بیطرفی موقت

بیطرفی یک دولت در یک جنگ و یا یک اختلاف که محدود به همان مورد است و از طرف خود دولت بیطرف اعلام می‌شود.

Provocation

مفسده‌جویی؛ تحریک؛ پرووکاسیون

کشانیدن افراد یا گروهها و سازمانهای مختلف به فعالیتهایی که گاهی ممکن است عواقب وخیمی به دنبال داشته باشد. این عمل که یکی از اشکال مبارزه سیاسی شمرده می‌شود، گاهی به وسیله عناصری که برای فریب دادن آماده شده‌اند، همراه با اعمال مفسده‌جویانه و تحریکهای گوناگون برای ویران کردن و لطمه زدن به سازمان یا گروه مخالف صورت می‌گیرد.

Proxy Warfare

جنگ نیابتی

۱- جنگی که در آن هریک از طرفین مخاصمه به نیابت از طرف یک قدرت بزرگ عمل می‌کند. ۲- استفاده از نیروهای نظامی یک کشور تحت‌الحمایه در میدانهای نبرد به جای نیروهای خودی.

Prudence

دوراندیشی

احتیاط و سنجیدگی و آینده‌نگری که مستلزم خویشتنداری و توجه به شرایط محیطی است و سیاستمدار برای نیل به نتایج صحیح، مشروع و پایدار باید از طریق تأمل و قضاوت دقیق کوشش کند. دوراندیشی نیاز به دورنگری، برخورد باز در برابر دانش، استدلال و تجربه‌های دیگران، تنظیم زمان، برقراری ارتباط بین هدفها و وسایل و مشروعیت و پایداری نتایج دارد.

تشویق می‌کرد. اصل اساسی آیین پروتستانی این عقیده بود که اعتقادات انسان موجب بخشودگی او می‌شود نه اعمالش. ولی تعالیم کلیسای کاتولیک رستگاری را در اعمالی می‌دانست که بیشتر به معنی شرکت در مراسم مذهبی بود. به نظر کلیسای کاتولیک، فرد به وسیله کلیسا امکان رستگاری می‌یابد و شایستگی فرد هیچگاه به تنهایی باعث رستگاری او نمی‌شود. بنیانگذاران آیین پروتستانی درباره موضوعهایی مثل ربا و قیمت عادلانه، نظرشان با نظر کلیسای کاتولیک نزدیک بود و درباره خیلی از مسائل اجتماعی نیز محافظه کار بودند. با اینکه نه مارتین لوتر و نه ژان کالون، سخنگویان سرمایه‌داران طبقه متوسط بودند، سرمایه‌داری در چارچوب فردگرایی مذهبی جدید، خود باعث ایجاد مذهبی شد که به تدریج در آن، سود به عنوان خواست الهی و به عنوان نشانه‌ای از توجه خداوند و اثبات توفیق در وظایف محوله به فرد مشاهده می‌شد. در واقع، مذهب پروتستان انگیزه‌های خودپسندی، خودخواهی و مال‌اندوزی را که کلیسای قرون وسطی مردود می‌دانست، به تدریج به فضیلت‌هایی تبدیل کرد.

یادداشت اعتراض

Protest Note

اعلان نظر رسمی و تعرض آمیز یک دولت به دولت دیگر که در آن، نسبت به عملی که دولت معترض علیه انجام داده یا قصد انجامش را دارد، عدم تمکین و تسلیم خود را ابراز و آمادگی خود را برای مقابله با نتایج آن اعلام می‌کند. وقتی نامه اعتراض آمیز به نماینده دولت معترض علیه تسلیم شود، نامبرده می‌تواند با استفاده از قاعده کسب تکلیف، قبول یا رد آن را به مذاکره با دولت متبوع خویش موقوف کند، و اگر از پیش، تعلیمات بخصوصی به‌وی داده شده باشد، می‌تواند فوراً تصمیم بگیرد.

پروتکل؛ مقاله‌نامه؛ تشریفات

Protocol

۱- پیش‌نویس قرارداد و یا صورت جلسه مذاکرات که بعداً به شکل پیمان و عهدنامه درمی‌آید و به امضا می‌رسد. ۲- ثبت مذاکرات که گواه بر موافقت بین طرفین مذاکره باشد. ۳- رسوم و آیین "تشریفات" دیپلماتیک، مثل لباس مناسب، آداب غذا خوردن، ترتیبات شرکت در کنفرانسها و نظایر اینها. در روابط بین‌المللی، چه در برخوردهای نمایندگان دیپلماتیک کشورها و چه در مکاتبات سیاسی بین دولتها، اصول ثابتی وجود دارد (که همان تشریفات، یعنی پروتکل و اتیکت است) که مورد قبول همگی (بویژه در دیپلماسی غربی) است، به اندازه‌ای که هرگاه دقیقاً و کاملاً رعایت نشود، امکان دارد روابط بین دولتها را تیره کند.

پروتکل‌های صهیون

Protocols of Zion

پروتکل‌های بزرگان و رهبران صهیونی (یهود) که ادعا بر این است که در سال ۱۸۹۷ - در جریان برگزاری اولین کنگره صهیونیستی به کوشش تنودور هر تسلی یهودی اتریشی در شهر بازل سویس با هدف استعمار فلسطین و تأسیس دولت صهیونیستی - تدوین شده‌اند و محتوای آنها برنامه‌های سری رهبران صهیونیسم برای برقراری سلطه بر جهان از طریق زور، خدعه، رعب و فساد و تأثیر مخرب لیبرالیسم، فراماسونری و جز اینها است. نوعی دموکراسی کاذب و قلابی می‌بایست صورت ظاهری برای این سلطه جهانی باشد تا رهبران صهیونیسم (یهود) در پشت آن به اقدامات و عملیات

اعتراض

Protest

ستیزه عمومی علیه اقدامات و یا نقشه‌های دولت یا سازمانهای محلی است که توسط حزبها، اتحادیه‌ها و یا گروههای اجتماعی مختلف انجام می‌شود. اشکال اعتراض عبارت است از: تظاهرات، اعتصاب، توزیع تراکت، فرستادن نامه‌های اعتراضی به مقامات و جمع‌آوری امضا. در حقوق بین‌الملل، اعتراض عبارت است از ابلاغ رسمی یک دولت به دولت دیگر که به موجب آن، اعتراض خود را نسبت به عملی که دولت معترض علیه انجام داده یا قصد انجامش را دارد، ابراز می‌کند و عدم تمکین و تسلیم خود را در برابر آن و آمادگی خود را برای مقابله با نتایج آن اعلام می‌نماید. هرگاه یک دولت از هر نوع تصرف یا عملی که آن را غیرقانونی و زیان‌آور به حقوق خود می‌داند آگاه شود و اعتراض نکند، این سکوت تعبیر به رضایت می‌شود و مفهومش این است که عمل طرف را تنفیذ و به‌حقانیت او اعتراف کرده است.

پروتستان

Protestant

نام عمومی فرقه‌های مسیحی غیر از کلیساهای کاتولیک رومی و ارتودکس شرقی و نیز عنوان اعضای این فرقه‌ها. مذهب پروتستان رالوتر و طرفداران اصلاحات دینی در قرن شانزدهم میلادی پدید آوردند. اصل بنیادی مذهب پروتستان این عقیده بود که اعتقادات انسان موجب بخشودگی او می‌شود نه اعمالش. پروتستانها، فردگرایی و آزادی فردی و تساهل مذهبی را محترم می‌دانستند و اعتقاد داشتند که فرد مسیحی در مقابل خدا مسئول است و نه کلیسا. تعالیم کلیسای کاتولیک، رستگاری را در اعمالی می‌دانست که اغلب به معنی شرکت در مراسم مذهبی بود. آیین پروتستان در اروپای شمالی و آمریکارواج دارد. مذهب پروتستان، کار را عبادت می‌خواند، رابطه انسان و خدا را بدون واسطه کلیسا و روحانیت و آداب دینی می‌شناسد، ثروت را موهبت خدا می‌داند و خلاقیت را تشویق می‌کند.

اخلاق پروتستانی

Protestant Ethic

به نظر ماکس وبر، سرمایه‌داری با اینکه در طول تاریخ وجود داشته، ولی روح خاص سرمایه‌داری، یعنی روح انباشت حساب شده و اخلاق عقلانی تنها در اروپای غربی پس از قرن ۱۶ در کشورهای پروتستان مذهب یا بین فرقه‌های پروتستانی در کشورهای کاتولیک مذهب ظاهر شده است. فردگرایی، نیاز به دست به کار شدن، پایبندی به نظم و حساب و کتاب در زندگی شخصی و اجتماعی، حفظ ایمان و میراث آرمانی همراه با تولید و گسترش ثروت، عبادت دانستن کار، موهبت خدایی پنداشتن ثروت و ممنوعیت صرف سرمایه در امور غیر تولیدی از جمله مشخصات اخلاق (کاری) پروتستانی Protestant Work Ethic است.

آیین پروتستانی؛ مذهب پروتستان

Protestantism

شاخه‌ای از دین مسیح که ناشی از اصول اصلاح دینی (رفورماسیون) بود و در اوایل قرن شانزدهم به کوشش و رهبری مارتین لوتر (۱۵۴۶-۱۶۸۳) و ژان کالون (۱۵۶۴-۱۶۰۹) پدید آمد. این آیین به نظر ماکس وبر در پیدایش سرمایه‌داری صنعتی مؤثر بود، زیرا کار را عبادت می‌پنداشت، ارتباط انسان و خدا را بدون واسطه می‌شناخت، ثروت را موهبت الهی می‌دانست و خلاقیت را

Proportional Representation

نمایندگی تناسبی؛ انتخابات نسبی؛ نمایندگی به نسبت رای

نظام انتخاباتی در کشورهای دارای احزاب سیاسی متعدد که به موجب آن، تعداد نمایندگان به نسبت رای تعیین می شود، مثلاً در صورتی که پانصد هزار رأی به نام یک حزب داده شود، آن حزب پنجاه نماینده خواهد داشت.

Protected State

کشور تحت الحمايه

تحت الحمايه ناحیه‌ای است شبیه مستعمره ولی با این اختلاف که دارای یک حاکم محلی است. در کشور تحت الحمايه امور مربوط به دفاع، سیاست خارجی و بسیاری از امور دیگر در دست کشور قدرتمند حامی و یا به اصطلاح کشور مادر قرار داشت.

Protectionism

مکتب حمايت اقتصادي از محصولات ملي؛ سياست حمايت از محصولات داخلي

۱- شکلی از ناسیونالیسم اقتصادی است که به موجب آن، از تعرفه‌های حمایتی به عنوان یک وسیله توسعه قدرت و ثروت ملی دفاع و حمایت می شود. ۲- حمایت از صنایع نوپدید داخلی در مقابل صنایع و رقابت بازار خارجی یا مکتبی که از وضع عوارض گمرکی و موانع بازرگانی به منظور جلوگیری از ورود کالاهایی که مشابه آن در داخل کشور تولید می شود و یا به ضرر جامعه می باشد، حمایت می کند. ۳- مجموعه تدابیری که دولت‌ها برای حمایت از تولیدات داخلی در مقابل کالاهای خارجی اتخاذ می کنند که محدود کردن واردات با افزایش نرخ تعرفه‌ها و کمک مالی به مؤسسات تولیدی داخلی و قائل شدن معافیت‌های مالیاتی از آن جمله است.

Protection of Interests

حفاظت از منافع

مفهومی است در حقوق دیپلماتیک برای اشاره به حفاظت از منافع کشور فرستنده و حفظ منافع اتباع آن در کشور پذیرنده در صورت قطع روابط دیپلماتیک یا خاتمه قطعی و یا موقتی مأموریت. طبق کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک: "کشور فرستنده می تواند حفاظت اماکن مأموریت را با اموالی که در آن قرار دارد و همچنین حفاظت بایگانی آن را به کشور ثالثی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد واگذار نماید. کشور فرستنده می تواند حفظ منافع خود و منافع اتباع خود را به کشور ثالثی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد واگذار نماید. کشور فرستنده می تواند با جلب رضایت قبلی کشور پذیرنده و بنا به درخواست کشور ثالثی که در کشور اخیر نمایندگی ندارد، موقتاً عهده دار حفظ منافع کشور ثالث و اتباع آن گردد." کشور حافظ منافع، دارای وظایف محدودی است و فقط می تواند به انجام اموری بپردازد که قبلاً مأموریت کشور فرستنده در حال انجامشان بوده است.

Protectorate

تحت الحمايگی؛ حکومت سرپرستی

حمایت یک کشور بزرگ و قدرتمند از یک کشور کوچک و ضعیف است ولی در واقع، تحمیل نظام تحت الحمايگی بر کشور کوچک و ضعیف برای مستعمره ساختن آن است. تحت الحمايگی از نهادهای سیاسی دوره استعمار بوده و با دست یافتن کشورهای سابقاً مستعمره به استقلال، منسوخ شده است.

۳- ادعای مخصوصی که برای استتار چیزی یا اعلام و ادعای مطلبی به طور اغراق آمیز به کار می رود. در بعضی کشورها، مباحث و ادعای مخالفان را تبلیغات می خوانند و ادعاهای خود را بیان اوضاع یا ارائه واقعیات قلمداد می کنند. ۴- تسخیر افکار عمومی به طرق غیر مستقیم و با وسایلی مثل زبان و خط و تصویر و نمایش. تبلیغات یا آوازه گری جریانی است که مفاهیم روشن و تاریک را با یکدیگر می آمیزد و به صورتی خوشایند در می آورد و به مردم ارائه می نماید. هدف تبلیغات، برانگیختن عواطف و آماده کردن مردم برای پذیرفتن عقاید معین است. آوازه گر یا مبلغ ماهر در رعایت چند اصل می کوشد: ۱- از زبان افراد معتبر و مورد احترام جامعه، مردم را مورد خطاب قرار می دهد ۲- می داند که چگونه با مردم سخن گوید ۳- خواست خود را بر اثر تکرار، ولی بدون ایجاد ملال و نفرت، در ذهن مردم می نشاند ۴- از میان حقایق گوناگونی که به موضوع مورد نظر او مربوطند، فقط آنهایی را که به سود خود می یابد، انتخاب می کند و به عنوان حقیقت محض به مردم اعلام می دارد ۵- موضوع مورد نظر خود را امری خوب و مقدس جلوه می دهد و خلاف آن رازشت و شیطنانی می شمارد. اکنون تبلیغات به صورت ابزاری در خدمت دولتمردان و قدرتمندان برای رام کردن مردم درآمده است.

Propaganda of the Deed

تبلیغ به وسیله عمل

نظریه آنارشستی مبتنی بر فتنه، شورش، آشوب و قتل که در بین آنارشستهای ایتالیایی پدیدار شد و انریکو مالاتستا (۱۹۳۲-۱۸۵۳) در سال ۱۸۷۶، آن را به عنوان مؤثرترین وسیله تبلیغ برای اثبات اصول سوسیالیستی بیان کرد. در بهار ۱۸۷۷ مالاتستا و کافرو برای بیدار کردن توده های بیسواد، مقدمات یک شورش را فراهم ساختند و به دستگیری چهل تن از هواداران خود، دو دهکده را در ایالت بنوان تصرف و فسخ مالکیت شخصی را اعلام نمودند و آرشو ادارات و مؤسسات دولتی را در میدان عمومی دهکده سوزاندند ولی چند روز بعد مجبور شدند که به مقامات دولتی تسلیم شوند. سپس، بین سالهای ۱۹۰۱-۱۸۹۰ فعالیتهای آنارشستی از طریق مشی ترور فردی در اروپا ادامه یافت. تروریستهای آنارشست به عنوان آلات و ابزار کور انقلاب، قربانیان خود را از میان اشخاص و مقاماتی انتخاب می کردند که قتل آنها وسیله مؤثری برای به اصطلاح برانگیختن توده ها به مبارزه و نشان دادن آسیب پذیری دشمن تلقی شود. حقیر و ناچیز شمردن حیات انسانها و اینکه برای رسیدن به هدف به کار بردن هر وسیله ای مشروع است، شعار این جماعت بود. تبلیغ به وسیله عمل از حدود کشورهای اروپا گذشت و در سال ۱۹۰۱ به قتل ویلیام مک کینلی رئیس جمهوری آمریکا انجامید. باتدوین و تصویب قوانین جزایی، از شدت جنایات آنارشستی کاسته شد. ظاهراً آنچه که موجب جلب توجه محافل روشنفکران به آنارشستهای تروریست گردید، آن بود که عملیات آنها بدون اجر و مزد مادی (و غالباً بدون هدف معین) انجام می گرفت.

Propagandist Literature

ادبیات تبلیغ گر؛ ادبیات تبلیغی

نوعی ادبیات آموزشی برای تحریک مخاطب به موضع گیری یا اقدام خاص براساس یک موضوع اجتماعی یا سیاسی و یا دینی. در ادبیات تبلیغی کوشش به عمل می آید تا افکار و عقاید خاصی به مخاطبان القا شود.

به کار غیرمادی تعلق دارد. تنشهای انسان همواره بیشتر می شود، زیرا هرچه من از طریق کار خودم، ابتکار بیشتری را به صورت نظری نشان بدهم، زمانی که در عمل، زیر فشار قرار گیرم و به پس رانده شوم، رنج بیشتری می برم. این رنج در جریان کار امروزی قابل تصور نیست. این یک رنج روحی، خستگی، کوفتگی است که از هر شکنجه جسمی بدتر است. من، انسانهای زیادی را می شناسم که شب، وقتی از دفتر کارشان باز می گردند، ویران و داغان شده اند. این زندگیا نوع تازه ای از کولیگری است، بویژه خانواده های آنها رنج می برند. اینجا شرایط دردناک و غم انگیزی وجود دارد. هر سه سال یکبار اثاث کشی؛ در هر خانواده، یک کودک که دیوانه شده و زندگیاهای زناشویی که خراب شده است.

فرهنگ پرولتری؛ پرولتکولت

Proletcult

۱- طرز تفکر انقلابی نمایانه ای که آ.آ. بوگدانف (۱۹۲۸-۱۸۷۳) در انقلاب اکتبر روسیه بنیاد گذارد. او و پیروانش معتقد بودند که همه میراث فرهنگی گذشته به جامعه طبقاتی تعلق دارد و برای ایجاد یک فرهنگ کارگری باید از نوشروع کرد. بوگدانف مدعی بود که می بایست ادبیاتی خاص طبقه رنجبر به وجود آید و ادبیات طبقه بورژوا را به کلی در خود جذب کند. وی تأکید می کرد که تنها این گونه ادبیات است که می تواند عقاید و احساسات طبقه کارگر را به درستی تبیین و توجیه کند و روح تعاون و همکاری این طبقه را بجای علاقه به فردگرایی و تمایل به رقابت که مخصوص طبقه بورژوا است بر مسند نشانند. ۲- جنبشی در روسیه شوروی دال بر ترویج هنر و فرهنگ پرولتری.

ضد سقط جنین

Pro-Life

حالت مخالف با «حق سقط جنین»، بویژه از طرف کلیسای کاتولیک رومی و خیلی از پروتستانهای بنیادگرا. طبق تصمیم سال ۱۹۷۳ دیوان عالی (آمریکا)، زنان حق سقط جنین در سه ماه اول آبهستی را دارند مخالفان سقط جنین (Pro-Lifers) خواهان لغو این حکمند. بعضی از آنها نیز با سقط جنین در شرایطی که جان مادر آبهستن در خطر باشد و یا در مورد قربانیان تجاوز به عنف موافقتند.

یادداشت

Pro Memoria

یادداشتی که متضمن صورت مکتوب یک گفتگوی دیپلماتیک است و در وزارت خارجه به نمایندگان سیاسی مقیم تسلیم می شود یا فرستاده وزارت خارجه آن را به مأمور سیاسی تحویل می دهد و فاقد مهر و امضا و تعارفات رایج سیاسی است. در ایالات متحده آمریکا این واژه به نامه های سیاسی مربوط به مسائل نظامی مورد اختلاف اطلاق می شود که محتوی اظهار نظر دولت آمریکا است.

تبلیغ؛ تبلیغات؛ آوازه گری؛ جوسازی

Propaganda

۱- توضیح و تبیین و ترویج افکار سیاسی، فلسفی، دینی، فرهنگی، اقتصادی و جز اینها، در بین عده ای با استفاده از هر وسیله ارتباطی (مثل رادیو - تلویزیون - مطبوعات - سینما - ویدئو - ماهواره)، برای تحت تأثیر قرار دادن افکار و عقاید آن عده. ۲- فن تغییر تلقیات و گرایشات در جهت دلخواه.

یا کسی که بدون سرمایه کار می‌کند و هر روز مجبور است به منظور تهیه معاش خود، پیشنهاد کارکردن به دیگران کند.

Proletariat

پرولتاریا؛ کارگران؛ رنجبران؛ زحمتکشان؛ طبقه کارگر (صنعتی)

این اصطلاح در روم باستان به‌بی چیزان اطلاق می‌شد. سیمونندی (۱۸۴۲-۱۷۷۳) نویسنده سوسیالیست فرانسوی در سال ۱۸۳۷ آن را برای اشاره به انسانهایی به کار برد که از کدیمین و عرق جبین نان می‌خورند و نه هیچ سهمی در ثروت و نه هیچ تضمینی برای زندگی دارند و نه هیچ گذشته و نه هیچ آینده‌ای از آن آنهاست. اصولاً معنی این اصطلاح در بین کاربران آن و با توجه به ایدئولوژی خاص آنان تنوع می‌یابد. از نظر کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، فردریک انگلس (۱۸۲۰-۱۸۹۵) و در بین مارکسیستها، پرولتاریا عبارت است از طبقه کارگر صنعتی مزدبگیر جامعه سرمایه‌داری، یعنی کسانی که فاقد وسایل تولید هستند و ناچارند نیروی کار خود را برای تأمین زندگی به صاحبان وسایل تولید (یعنی سرمایه‌داران) بفروشند. در چنین جامعه‌ای کارگر اصولاً آزاد است. او می‌تواند بنا به اراده خودش کارفرما را ترک کند و کار دیگری جستجو نماید، اما نمی‌تواند از سرمایه‌داران دوری جوید، زیرا همه مؤسسات اقتصادی در تملک سرمایه‌داران است. سرمایه‌دار نیز کارگر را مجبور نمی‌کند تا برایش کار کند، بلکه خود زندگی او را مجبور می‌سازد که بین مردن از گرسنگی و فروش نیروی کارش به سرمایه‌دار، یکی را انتخاب نماید. مارکس و انگلس، پرولتاریا را وارث تمدن صنعتی و جانشین سرمایه‌دار و امید آینده جامعه می‌دانستند. اکنون پرولتاریا مفهومی است دارای عملکردهای مختلف. بخشی از پرولتاریای یقه تیره جامعه سرمایه‌داری غرب در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم تبدیل به یقه سفید شده و انقلاب علمی و فنی و اطلاعاتی نیز از نقش مستقل و مولد او کاسته است و دیگر مختصات کلاسیک پرولتاریا به‌عنوان طبقه مولد و محروم را ندارد. هربرت مارکوزه نیز عقیده داشت: وضع و مفهوم پرولتاریا که مستنبط از وضع کارگران صنعتی انگلستان بود، با گذشته، فرق بسیاری کرده و عواملی مثل قدرت احزاب و سازمانهای کارگری و افزایش سطح دستمزدها، پرولتاریا را به طبقه کارگر نوینی متجانس با سرمایه‌داری تکامل یافته تبدیل کرده است. به‌نظر احمد سیف: برای اولین بار، حداقل رفاه شماره روزافزونی از کارگران در کشورهای سرمایه‌سالاری صنعتی به‌مخاطره جدی افتاده است و به‌همین دلیل با کارگران کشورهای در حال توسعه و عقب مانده، منافع ملموس و مشترک یافته‌اند. یعنی سرمایه‌داری به‌دست خود، شرایطی فراهم کرده که برای اولین بار ممکن است به‌راستی، کارگران جهان به‌وحدت برای سرنگونی حاکمیت سرمایه‌داری برسند. آنتونیو نگری Negri فیلسوف ایتالیایی و شورشی چپ جنبش کارگری و دانشجویی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نیز در سال ۲۰۰۳ ضمن مصاحبه با روزنامه آلمانی فرانکفورت - روندشاو، در پاسخ این سؤال که در شرایطی که پرولتاریای کلاسیک یا سنتی مرده است، چه چیزی جنگهای طبقاتی را پیش می‌برد و اینکه رنج پرولتاریای کامپیوتری تازه چگونه است، می‌گوید: برای این، ما اصطلاح توده مردم Multitude یا جماعت را یافتیم. توجه داشته باشید که پرولتاریا نمرده است. هنوز کارگرانی وجود دارند که با دستهایشان کار می‌کنند و هر روز از نفس افتاده، به خانه باز می‌گردند. در واقع، درست است که بگوئیم آنها از نظر تعداد، به واسطه جهانی شدن افزایش یافته‌اند، اما آنها دیگر طبقه ارزش‌آفرین نیستند. امروز، وزن سنگین خلاقیت،

(در جامعه). در مورد پیشرفت و تغییرات اجتماعی سه مسأله وجود دارد: چه افشاری از پیشرفت سود می‌برند، چه کسی مشخص می‌کند که چه چیزی رامی توان پیشرفت دانست و اینکه پیشرفت به چه قیمتی حاصل گردد.

Progressionism

فراگشت‌گرایی

اعتقاد به پیشروی یا سیر تکاملی جوامع. طبق این عقیده که در مقابل "گردگشت‌گرایی" و "واگشت‌گرایی" قرار دارد، انسان می‌تواند در حدود امکانات تاریخی دوره خود، در جامعه تأثیر گذارد و با مساعی آگاهانه، تکامل اجتماعی را سرعت بخشد و افزایش آسایش انسانی را موجب گردد.

Progressive

متوقی؛ پیشرو؛ ترقی‌خواه

شخص یا صفت شخص یا سازمانی که طرفدار معمول کردن تدریجی اصلاحات سیاسی و اجتماعی است.

Progressivism

ترقی‌خواهی؛ پیشرفت‌گرایی

آیینی که اساس آن را اندیشه پیشرفت مداوم و در جهت تعالی تشکیل می‌دهد، یا اعتقاد و گرایش به تحول و تکامل زندگی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انسان و مخالفت با هرگونه واپسگرایی. یکی از معیارهای ترقی و تکامل را افزایش آرامش و آسایش انسان دانسته‌اند.

Proletarian Civil War

جنگ داخلی پرولتاری

واژه مارکسیستی است به معنی جنگی که پرولتاریا در جریان انقلاب سوسیالیستی و یا بلافاصله پس از انقلاب، بدان دست می‌زند و می‌کوشد تا استعمارکنندگان را نابود سازد.

Proletarian Internationalism

انترناسیونالیسم پرولتاری

این واژه، نخستین بار توسط مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست و در شعار "کارگران جهان متحد شوید" بیان گردید و پس از آن، به یکی از مبانی و شعارهای اساسی احزاب کمونیست بدل شد. منظور از این واژه، همبستگی پرولتاریای همه کشورها در نبرد علیه سرمایه‌داری است. مارکس عقیده داشت که بورژوازی با مبادله آزاد، مرزهای ملی را درنوردیده و نظمی یکپارچه علیه محرومان به وجود آورده است، هم از این رو مبارزه کارگران باید مبارزه‌ای جهانی باشد در جهت ایجاد جامعه سوسیالیستی جهانی.

Proletarianization

پرولتاری شدن؛ پرولتاریایی شدن؛ کارگری شدن

روند جذب شدن بخشهایی از طبقه متوسط در طبقه کارگر که به شرکت آنان در اتحادیه‌های کارگری و تمایلشان به اقدام سیاسی منجر می‌شود.

Proletarian (Proletaire)

کارگر؛ پرولتار؛ مزدبگیر

کسی که (در کار) جد و جهد می‌کند تا برای تأمین زندگی خود و خانواده‌اش کسب درآمد کند. از نظر سوسیالیستها کارگر به کسی اطلاق می‌شود که فقط از طریق کار کردن زندگی خود را اداره نماید

تولید

Production

۱- ایجاد کالا یا خدمتی برای ارضای یکی از نیازهای انسان. ۲- فعالیتی که به عرضه کالا یا خدمتی مفید منتهی شود. ۳- روندی که به وسیله آن، افراد بشر، اشیای طبیعت را به منظور تأمین نیاز خود تغییر شکل می‌دهند، یعنی فعالیتی است که تبادل اشیاء را بین خود و طبیعت تنظیم و کنترل می‌کند.

قدرت تولید؛ قابلیت تولید؛ بهره‌وری

Productivity

۱- میزان بازده در هر واحد داده، مثل بازده یا ستاده کار شخص در ساعت. ۲- رابطه بین ارزش کالا یا خدمت حاصله و هزینه نیروها یا عواملی که در تولید آن به کار رفته است. بهره‌وری کار، بیشتر از انواع دیگر بهره‌وری (مثل بهره‌وری سرمایه و بهره‌وری زمین) مورد مطالعه قرار گرفته است. فرهنگ بهره‌وری عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی در هر محیط که موجب شود دلبستگی به وظایف به شکل دلپذیر، آگاهانه و مسئولانه درآید و با توجه به تمایلات انسانی، عاطفی، منطقی و عدالتخواهانه، افزایش بازدهی کمی و کیفی به صورت مستمر انجام گیرد و شرایط تعالی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری فراهم گردد. اکنون بهره‌وری یک مفهوم باب روز، برای بهبود ارائه کالا و خدمات شده است. از جمله اساسی‌ترین شیوه‌های بهبود و افزایش بهره‌وری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: جدا کردن وسایل ضروری کار از وسایل غیر ضروری (ساماندهی)، چیدن مرتب وسایل ضروری (نظم و ترتیب)، روشنی و پاکیزگی محیط کار (نظافت)، بهداشت و ایمنی در محیط کار (استانداردسازی)، انضباط کاری و سازمان‌یافتگی، سخت‌کوشی و با تمام توان کار کردن، تلاش و پافشاری در انجام کارهای خوب برای تبدیل به عادت شدن.

روشنفکران اداری - حرفه‌ای

Professional - Bureaucratic Intelligentsia

جیمز آلن بیل Bill پژوهشگر آمریکایی در سال ۱۹۷۲ ضمن رساله‌ای نوشت: در خاورمیانه طبقات به‌طور سنتی عبارتند از طبقه حاکم، طبقه متوسط بوروکرات یا اداری، طبقه متوسط بورژوا یا بازاری، طبقه متوسط روحانی، طبقه کارگر سنتی، طبقه دهقان و طبقه چادر نشین. به نظر او، در قرن بیستم، دو طبقه متوسط حرفه‌ای و متخصص و طبقه کارگر صنعتی نیز به وجود آمدند. بیل از طبقه متوسط متخصص تحت عنوان روشنفکران اداری - حرفه‌ای نام می‌برد که شامل دانشجویان، معلمان، مدرسان دانشگاه، نویسندگان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران، افسران، پزشکان، مهندسان و فنسالا رانند که قدرتشان به موقعیت شغلی بستگی دارد و در جریان تحصیلات، با علوم و فنون جدید آشنا شده و مهارتهایی کسب کرده‌اند و به کارشان می‌برند. به نظر او، این طبقه در ترکیه و تونس و مصر به حکومت رسیده و به اجرای برنامه‌های نوسازی دست زده، در عراق و سوریه و الجزایر کنترل سیاسی را به دست آورده، اما در حل مسائل درون طبقاتی موفقیت نیافته و در مغرب و عربستان و ایران واردن در صحنه سیاست از قدرت برخوردار نشده است.

پیشرفت؛ ترقی

Progress

۱- تغییر از بدتر به بهتر که در نتیجه تلاش و کوشش انسان به دست می‌آید. ۲- حرکت به پیش یا در جهت مطلوب. ۳- جلوه‌گر شدن آثار عقل و خرد، علم و معرفت، اخلاق، اقتصاد و تکنولوژی

Privileged, the

از ما بهتران؛ امتیاز دارها

ثروتمندان، طبقه ممتاز یا دارندگان حقوق ویژه و گاه به طعنه، معنی نورچشمیها، نازپروردگان، پارتی دارها، بالانشینان و توانگران می دهد.

Privilegentsia (privilegentsia)

روشنفکران امتیاز دار

طبقه‌ای از روشنفکران و دیوانسالاران حزبی در کشورهای کمونیستی اروپای شرقی که تا اواخر دهه ۱۹۸۰ از امتیازات اقتصادی و اجتماعی ویژه‌ای برخوردار بودند.

Privy Council

شورای سطنتی (در انگلستان)؛ شورای خاصان (در انگلستان)

گروه رایزنی و مشورتی پادشاه انگلستان. این شورا وظایف مشورتی و رسمی معینی دارد، اما توسط کمیته‌ای نیز که به کمیته قضایی شورای سلطنتی شهرت دارد، اعمال صلاحیت قضایی می کند.

Prize Court

دادگاه غنائم جنگی دریایی

غنائم جنگی به اموال کشتیهای توقیف شده دشمن در دریاهای آزاد در زمان جنگ اطلاق می شود و دادگاه غنائم جنگی نیز، دادگاهی داخلی یا ملی است که برای رسیدگی قضایی طبق قواعد حقوق بین الملل و از جنبه‌هایی مثل حمل و نقل قاچاق جنگ و یا در رفتن کشتیهای دولتهای بیطرف از محاصره تشکیل می شود. انواع کالای دشمن، اعم از اینکه عمومی و یا خصوصی باشد، مشمول حق اخذ غنائم می شود و همچنین مطابق قاعده عرفی، هر کالایی که در کشتی دشمن به دست آمده باشد، متعلق به دشمن است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. قضاوت در صحت و اعتبار غنیمت، اختصاص به دادگاههای کشور توقیف کننده دارد، و این حق قضاوت، کاملاً و انحصاراً به این دادگاهها تعلق دارد.

Problem

مشکل؛ مسأله

فقدان یا غیرکافی بودن پاسخ جامعه به نیازهای اساسی جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فرد یا گروه، به طوری که مانع اجرای نقش یا انجام وظایف فردی و اجتماعی گردد.

Process

فرایند؛ جریان؛ پروسه

این واژه که از جمله به پویش، فراگرد، روند، سیر و مراحل نیز ترجمه شده، بیانگر مجموعه‌ای از پدیده‌های در حال تطور است. در جامعه‌شناسی به معنی یک رشته فعالیت‌های اجتماعی است که چگونگی پیوستگی آنها از روی مشاهدات تجربی، به دقت و به تفصیل روشن شده باشد. در سیاست، به معنی دگرگونیها و جنبشهای سیاسی به کار می رود.

Pro-Choice

حق سقط جنین

حالتی که زنان حق سقط جنین دارند و آن ناشی از حق لاینفک آنها بر کنترل جسم خودشان است. طبق تصمیم سال ۱۹۷۳ دیوان عالی (آمریکا) زنان در سه ماه اول آبدستی حق سقط جنین دارند.

اقتصادی دولتی به بخش خصوصی، لغو تصمیمات ملی شدن در مورد بعضی از صنایع یا انتقال حداقل پنجاه درصد از سهام آنها به یادی خصوصی. ۳- تغییر در مالکیت یک مؤسسه یا بخشی از آن از بخش دولتی به بخش خصوصی. ۴- تغییر فضای حاکم بر مؤسسات دولتی به نحوی که در عین حفظ بافت اصلی فعالیت، شرایط بازار بر عملکرد مؤسسه به گونه‌ای تأثیر گذارد که انگیزه و مکانیسمهای بخش خصوصی ملاک تصمیم‌گیری در این مؤسسه قرار گیرد. در این شرایط که تحت تأثیر نیروهای بازار است، با اعمال مکانیسمهای انگیزشی و استفاده از ابزارهای بخش خصوصی، اهرمهای سودآوری از راه کنشها و واکنشها در مقابل نیروی بازار، هزینه تولید را به حداقل رسانده و کارایی را در سطح مطلوب حفظ می‌نمایند. جریان خصوصی‌سازی و فروش مؤسسات دولتی نخست در انگلستان و با روی کار آمدن حکومت مارگارت تاچر در سال ۱۹۷۹ به عنوان راهی برای کاهش قدرت اتحادیه‌های کارگری در بخش دولتی آغاز شد. در مراحل بعد، هدفهای خصوصی‌سازی عبارت بودند از: بهبود کارایی شرکت‌های تحت مالکیت دولت و فعال کردن آنها در شرایط رقابتی بخش خصوصی، کاهش دخالت دولت در فعالیتهای و تصمیم‌گیریهای اقتصادی، کاهش نیازهای استقرای بخش عمومی، گسترش مالکیت سهام و ایجاد سرمایه‌داری مردمی. اجرای سیاست خصوصی‌سازی بدون انجام سایر اصلاحات مورد نیاز در زمینه آزادسازی موفقیت‌آمیز نخواهد بود. ضمناً تضعیف ظرفیتهای تولیدی، مشکلات ارزی و گسترش فقر از جمله پیامدهای خصوصی‌سازی در بعضی کشورهای در حال توسعه بوده است. به نظر عده‌ای از مخالفان خصوصی‌سازی، وابستگی قشرهای بالای طبقات متوسط و مرفه در بررسیهای خود معمولاً از تجزیه و تحلیل جامعه اجتناب می‌کنند تا مسأله شیوه تولید و رابطه آن با استثمار داخلی مطرح نشود و شیوه تولید سرمایه‌داری تحت پوشش سرمایه‌داری مردمی، سپردن کارها به مردم و بخش خصوصی به حیات خود ادامه دهد. خصوصی‌سازی که همان شیوه تولید سرمایه‌داری است، نه تنها پذیرفتن اقتصاد سرمایه‌داری، بلکه پذیرفتن ارزشهای اخلاقی و فرهنگی سرمایه‌داری و استثمار سرمایه‌داری هم است. یکی از کارشناسان سازمان ملل متحد نیز نتایج نامطلوب خصوصی‌سازی اقتصاد را به شرح زیر خلاصه کرده است: ۱- نشان دادن انحصارات خصوصی به جای انحصارات دولتی ۲- به حد اکثر رسانیدن درآمد به هر قیمت که ممکن باشد ۳- فساد مالی و پولی ۴- بدهیهای بیشتر ۵- استقرای عمومی بیشتر ۶- فقدان آموزش و پرورش ۷- کاهش رضایت مردم. به نظر یکی از پژوهشگران آمریکائی، در کشورهایی مثل کانادا، آمریکا، مکزیک، برزیل و همچنین در کشورهای تازه صنعتی شده آسیائی، جریان سریع خصوصی‌سازی موجب تضعیف و حتی از بین رفتن قدرت و اختیارات بخش دولتی شده و غارت ثروت جامعه توسط یک اقلیت کوچک به طور منظم انجام می‌گیرد.

Privilege

مزیت ویژه؛ امتیاز استثنائی

امتیاز ویژه‌ای که اشخاص یا طبقات خاصی، خواه طبق مقررات و خواه خارج از قوانین معمول، از آن بهره‌مند می‌شوند و نمی‌توان بر آن نام "حق" گذاشت. این واژه اغلب به وجود بی‌عدالتی اجتماعی اشاره دارد.

نمایندگان دولتهای فرانسه، بریتانیا، پروس، روسیه و اتریش رسید. آخرین کشور، مکزیک بود که در سال ۱۹۰۹، الغای کورس را پذیرفت. ایالات متحده آمریکا از امضای آن خودداری کرد.

Private International Law

حقوق بین الملل خصوصی

شاخه‌ای از علم حقوق که از روابط افراد در زندگی بین المللی بحث می‌کند. مباحث حقوق بین الملل خصوصی عبارتند از: مسأله تقسیم جغرافیائی اشخاص (مسائل تابعیت و اقامتگاه)، مسأله وضع بیگانگان، مسأله تعارض (قوانین، دادگاهها و مراجع).

Private Property

مالکیت خصوصی

آنچه را که افراد خصوصی مالکند یا حق انحصاری یک شخص (حقیقی یا حقوقی) بر اموال و کالاهای اقتصادی معین. پیرزوف و پرودون (۱۸۶۵-۱۸۰۹) آنارشیست معروف فرانسوی در کتاب "مالکیت چیست؟" خود می‌گوید: "مالکیت دزدی است". وی می‌گوید هدف اصلی حکومت، تحمیل حقوق مالکیت است. از آنجا که حقوق مالکیت مجموعه‌ای از امتیازات خاص برای عده‌ای معدود و محدودیت و ممنوعیت کلی برای انبوه مردم است، ایجاد و ادامه آن همراه با اجبار است و از این رو، نقش اصلی دولت اعمال زور است و به‌جای بندگی باید در مقابل آن مقاومت کرد. تا روابط مالکیت برچیده نشود و وجود دولت غیر ضروری اعلام نشود، عدالتی وجود نخواهد داشت. دولت مطلوب پرودون نه تنها روابط مالکیت سرمایه‌داری را رد می‌کند، بلکه با صنعتی شدن هم موافق نبود. او عصر طلایی کشاورزی و صنایع دستی کوچک را در نظر داشت که در آن هر دهقان و کارگر، مالک سرمایه خود بود و هیچ کس فقط به‌انکای مالکیت بر اموال خود زندگی نمی‌کرد. به‌نظر محمدعلی خنجی، در عصر ما برای مالک بودن لازم نیست که سند مالکیت کارخانه یا زمین یا مؤسسه و شرکتی در دست شخص یا گروهی از اشخاص باشد. همینقدر که استفاده از درآمد و سود کارخانه یا زمین یا شرکت و مؤسسه‌ای، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم برای شخص تأمین و ادامه آن تضمین شود، آن فرد یا گروه در واقع از تمام مزایای مالکیت در طول زندگی خود بهره می‌برد. اگر از سهامداران یک تراست، تمام سهام و اسناد مالکیت را بگیرند و در مقابل، همان منافع و موقعیتی را که نسبت به مؤسسه خود داشته‌اند، مادام‌العمر برایشان تأمین و تضمین کنند، تغییری در موقعیت اجتماعی آنها روی نمی‌دهد. کسانی که به‌عنوان دولت و حکومت و به‌سبب موقعیت خاص اجتماعی و به‌هر عنوان دیگر از کار مولد برکنارند و از ارزش اضافی ارتزاق می‌کنند و از امتیازات مادی و معنوی برخوردارند، در واقع مالکین نوع جدیدند.

Private Sector

بخش خصوصی

یکی از دو بخش بزرگ اقتصاد ملی (در مقابل بخش دولتی یا عمومی) شامل اشخاص حقیقی و شرکتهای انتفاعی، بازرگانی و صنعتی که فعالیتهایش تحت کنترل و هدایت واحدهای اقتصادی غیر دولتی است.

Privatization

خصوصی‌سازی

۱- تبدیل یا انتقال چیزی از بخش دولتی یا عمومی به بخش خصوصی. ۲- فروش واحدهای

فقط می‌توان اسم و درجه‌اش را سؤال کرد. زندانی جنگی را نباید به قتل رساند، بلکه باید درباره وی رفتاری با کمال انسانیت معمول داشت. همچنین می‌توان او را به کاری وادار کرد که با عملیات نظامی رابطه‌ای نداشته باشد. هیچ نوع عمل متقابل به مثلی نیز از طرف کشور دستگیرکننده درباره اسیر جنگی روانیست و در صورت فرار اسیر جنگی، تنها مجازات قابل اعمال درباره وی تنبیه انضباطی است و اسیر فراری از هر مجازات جزایی مصون است. اردوگاه‌های نگاهداری اسیران جنگی باید برای بازدید بازرسان بیطرف آزاد باشد. به محض پایان مناسبات جدی، اسیران جنگ را باید به وطن عودت داد.

Prisoner's Dilemma

وضعیت دشوار زندانی

وضعیتی در نظریه بازیها که از جهت روشن کردن پیچیدگیهای انتخاب سیاسی در مسائل بین‌المللی (مثل مسابقه تسلیحاتی، کنترل تسلیحات و خلع سلاح) دارای اهمیت است. دونفر در شهری به جرمی دستگیر و در سلولهای جداگانه زندانی شده بودند. حاکم شهر مجبور بود کاری بکند که پیش از اعدام متهمین، لااقل یکی از آنها به مجرمیت خود اعتراف کند. از این رو، هریک از آنها را جداگانه فراخواند و گفت: اگر هریک از شما دو نفر، لااقل یک روز زودتر از دیگری اعتراف کند، نه تنها آزاد می‌شود، بلکه جایزه‌های نیز به او تعلق می‌گیرد و کسی که دیرتر اعتراف کند، محکوم به مرگ می‌شود. در صورتی که هر دو در یک روز اعتراف کنید، هریک به ده سال زندان محکوم می‌شوند و اگر هیچیک اعتراف نکنند، هر دو آزاد خواهید شد، ولی پاداشی نخواهید گرفت. آنگاه افزود: آیا حاضرید با سکوت خود به زندانی دیگر این فرصت را بدهید که زودتر از شما اعتراف کند و علاوه بر اینکه آزاد می‌شود و پاداش یاد شده را به دست می‌آورد، باعث اعدام دیگری نیز بشود. بدین ترتیب، هر یک از دو زندانی که هیچگونه تماسی با یکدیگر نداشتند، تمام شب را در اندیشه سرکردند و با وضعیت دشوار خود دست به گریبان بودند. نظریه بازیها در این مورد، عاقلانه‌ترین استراتژی را استراتژی رها کردن، یعنی به خود واگذار کردن طرف دیگر می‌داند. زیرا این استراتژی در بهترین شرایط برای شخص آزادی و پاداش به بار می‌آورد و در بدترین شرایط، ده سال زندان. در حالی که همکاری در بهترین شرایط برای شخص آزادی بدون پاداش همراه دارد و در بدترین شرایط، چوبه‌دار.

Private Administration

اداره امور خصوصی

هماهنگ کردن کوششهای فردی و گروهی به منظور اجرای سیاست و خطمشی سازمانهای خصوصی و غیر دولتی یا سازمانهای مبتنی بر کسب و کار آزاد.

Privateering (Course)

دریاستیزی: کورس

این عمل سابقاً در جنگ دریایی معمول بوده است و به موجب آن، دولتهای متخاصم حق داشتند به اتباع خود اجازه دهند که یک کشتی بازرگانی را مسلح کرده و به وسیله آن بر کشتیهای دشمن حمله برند. احساسات میهن پرستی و جلب منافع شخصی، مشوق افراد در کسب اجازه کورس بوده است. کشتی مسلح که Privateer (Corsaire) نام داشت، مشمول مقررات جنگ بود و در صورت دستگیر شدن، اسیر جنگی شمرده می‌شد. در کنگره پاریس مورخ ۱۶ آوریل ۱۸۵۶، الغای کورس به تصویب

Price War**جنگ قیمتها**

حالتی که در آن، تولیدکنندگان رقیب در مورد یک کالا، قیمتهای خود را آنقدر کاهش دهند که یکی از رقیبان ادامه عرضه کالا را ناممکن بدانند و در نتیجه، بازار را ترک کند.

Pride**غرور**

حس اخلاقی و اجتماعی یا شکل تجلی خودآگاهی شخصیت که رفتار انسان را هدایت و تنظیم می‌کند. غرور ممکن است منفی باشد مثل غرور ناشی از داشتن سرمایه زیاد و سود حاصل از آن و یا مثبت مثل غرور ناشی از احترام به شخصیت و کار انسان. به نظر ویلیام گراهام سامنر (۱۸۴۰-۱۹۱۰) جامعه‌شناس آمریکایی، چهار انگیزه کلی در افراد بشر وجود دارد که تشکیل دهنده نیروهای اصلی اجتماعی و منشأ علائق انسانند. این انگیزه‌ها عبارتند از: گرسنگی، عشق، ترس و غرور.

Primary election**انتخابات مقدماتی**

انتخاباتی که معمولاً یک گروه و بویژه یک حزب برای تعیین کاندیدا در انتخابات گسترده‌تر بعدی برگزار می‌کند.

Prime Ministerial Government**حکومت رئیس‌الوزاری**

این اصطلاح برای اشاره به نقش و اهمیت نخست‌وزیر، بویژه در سیاست و حکومت انگلستان به کار رفته است.

Prime Minister (Premier)**نخست‌وزیر؛ رئیس‌الوزراء**

کسی که ریاست وزیران کابینه و مسئولیت اداره کشور را برعهده دارد و به‌عنوان رئیس قوه مجریه با رأی اعتماد نمایندگان قوه مقننه برسرکار می‌آید.

Primitive Accumulation**انباشت نخستین**

فرایند تمرکز اولیه ثروت. چنانکه توسط کارل مارکس بیان شده است، این امر با کالاهای بادوام شروع می‌شود، سپس فلزات گرانبها و با سرمایه‌مالی، شالوده سرمایه‌داری صنعتی و استثمار مردم و منابع برای نفع شخصی، به پایان می‌رسد.

Primitive Communal System**نظام اشتراکی ابتدایی**

نخستین صورتبندی اقتصادی - اجتماعی در تاریخ بشر که با مالکیت عمومی بروسایل تولید، فقدان طبقات و نبودن استثمار انسان از انسان مشخص می‌شود.

Principality**شاهزاده‌نشین**

سرزمین یا قلمرو یک شاهزاده که در اداره آن، دارای اختیارات قانونی باشد، مثل موناکو و لیختن اشتاین.

Prisoner of War**زندانی جنگی؛ اسیر جنگی**

شخصی که به‌واسطه جنگ، توسط یک دولت متخاصم اسیر و زندانی شود. از زندانی جنگی

است، مثلاً بسیار دشوار است که بتواند سیاستمداران مخالف حکومت وقت را بشناسد.

Pressure Group

گروه فشار: گروه تحمیل

۱- گروهی از افراد که دارای هدف یا قصد و غرض مشترک باشند و بکوشند تصمیمات خود را از هر راهی که در اختیار داشته باشند، بویژه از طریق دسترسی به مقامات حکومت اجرا کنند. ۲- سازمانهایی که بدون توجه به اصول، تنها به خاطر نفع خود مبارزه می‌کنند. گروه فشار، نوعی گروه ذینفع است. گروههای فشار معمولاً مقامات حکومتی یا بخشی از آنها را با اتخاذ تدابیر گوناگون زیر فشار قرار می‌دهند. این گروهها خواهان کسب قدرت نیستند ولی قدرت را به هر طرفی که خود بخواهند می‌کشاند. ۳- واحدی جمعی (متشکل از اشخاصی چند) با دیدگاهها و منافع مشترک که برای نیل به هدفهای خود بر سایر گروهها اعمال فشار می‌کند. گروههای فشار با توجه به ماهیت (گروههای سیاسی یا ذینفوذ حرفه‌ای) وسایل مورد استفاده (افکار عمومی یا تبلیغات سیاسی) شیوه‌های عمل (تهدید یا خرابکاری) و شکلهایی از قدرت که در اختیار دارند از یکدیگر متمایز می‌شوند.

Prestige

حیثیت: اعتبار (اجتماعی): وجهه؛ پرستیژ؛ آبرو

وزن و اعتباری که یک فرد، گروه، سازمان و شغل در نظرها دارد و نیز پایگاه ارزشی آنها. مثلاً فردی که مثل افراد دیگر است، ولی در زندگی اجتماعی و سیاسی خیلی بیشتر از دیگران موفق بوده است، تحسین و تعجب سایر اعضای گروه را برمی‌انگیزد و حضور او در جمع دوستان، آنها را دلگرم می‌کند. به عبارت دیگر، اعضای ضعیف و ناموفق گروه در سیمای فرد با حیثیت و موفق گروه، قهرمانی می‌بینند که می‌تواند تا حدود زیادی جایگزین نا کامیهای شخصی‌شان گردد. در واقع، حیثیت رهبر و قهرمانان، حیثیت شخصی‌اش نیست، بلکه انعکاسی است از حیثیت و پیروزی همه اعضای گروه که خود در زندگی موفقیت‌های شخصی نداشته‌اند.

Preventive Attack

حمله پیشگیرنده

حمله کشور الف به کشور ب برای نابود کردن آن، بدون اینکه هیچگونه علامت تجاوزطلبی از ناحیه کشور ب مشاهده شود. حمله پیشگیرنده به منظور دفع یا خنثی کردن حمله بالقوه طرف دیگر صورت می‌گیرد.

Preventive Diplomacy

دیپلماسی بازدارنده

این واژه به روشهایی اشاره دارد که در ماده ۳۳ (فصل ششم تحت عنوان فیصله مسالمت‌آمیز اختلافات) منشور سازمان ملل متحد ذکر شده است. این روشها هنگامی به کار گرفته می‌شوند که اختلافات به درگیریهایی نظامی منجر نشده باشد. مذاکره، تحقیق، میانجیگری یا وساطت، سازش یا آشتی و داوری از جمله این روشها است.

Preventive War

جنگ بازدارنده

ضربه یا حمله نظامی یک کشور که دارای تفوق نسبی است بر کشور دیگر برای جلوگیری از ضربه یا حمله نظامی احتمالی حریف.

تشریفاتی محدود است و در بعضی دیگر، دارای اختیارات وسیعی است.

Presidential Government

حکومت ریاست جمهوری

حکومتی که در آن، تفکیک قوا به طور مطلق در قانون اساسی پیش‌بینی شده و هیچ یک از قوای سه گانه نسبت به دو قوه دیگر سلطه و امتیازی ندارد و اعضای قوه مقننه و ریاست قوه مجریه که در عین حال رئیس کشور است، از طریق انتخابات عمومی تعیین می‌شود. خصیصه اصلی حکومت ریاست جمهوری (ریاست جمهورانه) یا رژیم برتری ریاست جمهوری آن است که شخص رئیس جمهوری توسط انتخابات عمومی معین می‌شود، تفکیک قوا به معنی واقعی وجود دارد و کابینه رئیس جمهوری در برابر مجلس مسئول نیست و خطر سقوط حکومت با رأی عدم اعتماد مجلسین وجود ندارد. مثال بارز این نظام، ایالات متحده آمریکا است که بالاترین مرجع اخذ تصمیم، رئیس جمهوری است.

Presidentialism

رئیس جمهور سالاری؛ رئیس جمهور محوری؛ نظام ریاست جمهورانه

این واژه، مترادف اصطلاح حکومت ریاست جمهوری است و برای اشاره به رژیمی به کار می‌رود که در آن رئیس کشور یا دولت، ریاست قوه مجریه را نیز بر عهده دارد و با رأی مستقیم (یا غیر مستقیم) ملت برای دوره معینی انتخاب می‌شود. او باید طبق قانون اساسی حکومت کند و در برابر ملت نیز مسئول است. نظام ریاستی یا رئیس جمهور محوری نسبت به پارلمان‌تاریسم یا حکومت پارلمانی گسترش بیشتری یافته است و به نظر عده‌ای، برای ایجاد یک قدرت اجرایی قوی که بتواند در دنیای متحول کنونی به سرعت اتخاذ تصمیم کند، ضروری قلمداد شده است.

Presidential Style Politics

سیاست استیل ریاستی

احزاب فراگیر در انتخابات ادعا می‌کنند که دارای اداره کنندگان بهتری از سایر احزابند. از این رو، آنها خصوصیات ویژه، دستاوردها و مهارت‌های رهبرانشان را برجسته می‌کنند. مفسران، این نوع سیاست را سیاست استیل ریاستی یا سیاست حال و هوای خاص ریاستی یا ریاست جمهوری خوانده‌اند.

Press Attaché

وابسته مطبوعاتی

اهمیت روزافزون و قدرت مطبوعات، سبب انتصاب اشخاصی به عنوان وابسته مطبوعاتی سفارتخانه‌های مهم شده است. نوع کار این مأمورین متفاوت است. باید مقالات روزنامه‌های محلی را بخوانند، خلاصه کنند و به زبان خود برگردانند، با مخبرین کشور خود و سایر کشورها مذاکره و مصاحبه کنند و سعی نمایند که نظریات دولت متبوعشان به صورت شایسته‌ای انتشار یابد و موفق شوند با روزنامه‌های محلی ارتباط حسنه داشته باشند و اطلاعات مفید در دسترس آنها قرار دهند. منظور دیگر از انتصاب وابسته‌های مطبوعاتی این است که با توجه به اینکه سفیر و کارمندانش مرتباً از پایتختی به پایتخت دیگر منتقل می‌شوند، وابسته مطبوعاتی برای مدت چند سال در یک محل باقی می‌ماند و این ادامه خدمت در یک محل سبب می‌شود تا بتواند اطلاعات زیادی راجع به وضع سیاسی و رجال محلی پیدا کند. زیرا برای سفیر، بویژه در برخی کشورها که تعصبات سیاسی زیاد

استاندار (در فرانسه)

Prefect

نماینده محلی اصلی یا فرمانفرمای یکی از ایالت‌های فرانسه به نام دپارتمان.

Preference

انتخاب اول؛ رجحان

تمایل یا ارزشگذاری قبلی یا بیشتر چیزی بر چیز دیگر.

Prejudice

پیشداوری؛ تعصب

۱- قضاوت درباره امری از پیش بدون تأمل در مورد واقعیات. ۲- احساس، اندیشه رفتار و یا شیوه بینش خصمانه و منفی، براساس عقاید از پیش ساخته در مورد یک گروه اجتماعی خاص و یا افراد آن.

Premises of the Mission

اماکن مأموریت

در روابط دیپلماتیک یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هر که باشد برای انجام مقاصد مأموریت، از جمله برای محل اقامت رئیس مأموریت مورد استفاده واقع می‌شود. اماکن مأموریت، مصونیت دارند و مأمورین دولت پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت، حق ورود به این اماکن را ندارند. اماکن مأموریت و اسباب و اثاث دیگر و بایگانی و اسناد مأموریت از تفتیش و مصادره و تعرض و توقیف مصون است. در عرف دیپلماتیک، مکان استقرار مأموریت دیپلماتیک معمولاً در شهری خواهد بود که وزارت امور خارجه در آن قرار دارد و چون این وزارتخانه معمولاً در پایتخت واقع است، از این رو مکان معمول استقرار مأموریت‌های خارجی نیز پایتخت است. طبق کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره مأموریت‌های ویژه اگر طرفین ذیربط در انتخاب محل مأموریت ویژه به توافق نرسند، این مأموریت باید در همان شهری استقرار یابد که وزارت امور خارجه کشور پذیرنده در آن قرار دارد.

Prerogative

حق انحصاری؛ اختیار انحصاری؛ اختیار ویژه

حق اجرایی اعمال قدرت بدون واریسی قوه مقننه (مثل اختیارات انحصاری سلطنتی در انگلستان و ریاست جمهوری در آمریکا) که تقریباً در تمام دموکراسیها محدود شده است.

Prescription

احراز حق در اثر مرور زمان؛ مالکیت در اثر مرور زمان

شیوه‌ای که به وسیله آن، یک کشور از طریق حکومت درازمدت و مستمر (باتوجه به سکوت و رضای درازمدت حکومت قبلی) حق تملک منطقه‌ای را که پیشتر، مورد ادعای کشوری دیگر بوده است به دست می‌آورد.

Presidency

مقام ریاست جمهوری؛ دوره ریاست جمهوری

۱- وظایف یا منصب رئیس جمهوری. ۲- دوره تصدی یا حکومت یک رئیس جمهوری.

President

رئیس جمهور؛ رئیس جمهوری

رئیس قوه مجریه یا بالاترین مقام دولتی در یک کشور جمهوری. اختیار و قدرت رئیس جمهور در تمام کشورهای جمهوری، مساوی و یکسان نیست، بلکه در برخی از کشورها تا سطح یک مقام

Power Structure

ساختار قدرت

توزیع قدرت در درون یک سازمان.

Power Struggle

جنگ قدرت؛ مبارزه قدرت

برخورد متقابل صاحبان قدرت به منظور بیرون کردن دیگران از میدان و دستیابی به انحصار قدرت.

Praetorianism

استبداد نظامیان فاسد

۱- دخالت نظامیان در سیاست و حکومت استبدادی طبقه فاسد نظامی. ۲- نفوذ و سلطه نظامیان فاسد در غیاب نهادهای سیاسی مؤثر.

Pragmatism

مصلحت‌گرایی؛ عملگرایی؛ واقع‌بینی؛ مکتب اصالت عمل؛ پراگماتیسم

مکتبی که ارزش افکار و اعمال را از روی فواید و نتایج عملی آنها می‌داند. ویلیام جیمز (۱۹۱۰-۱۸۴۲) پایه‌گذار پراگماتیسم است که در ایالات متحده آمریکا رواج دارد. جیمز، تعریف متداول حقیقت را که مطابقت فکر با واقع یا تطابق شناخت با هستی (واقعیت خارجی) است، این گونه اصلاح کرده که این مطابقت باید در عمل باشد و موفقیت در نیل به خواسته‌هایمان را بهتر تأمین کند. به‌طور کلی، پراگماتیسم دیدگاهی است که برآنچه می‌توان در دنیای واقع انجام داد تأکید دارد تا برآنچه که باید در یک دنیای آرمانی انجام گیرد. مصلحت‌خواهی که نتیجه زندگی کاسبکارانه است باعث می‌شود تا مردم از شناخت عمیق واقعیت بازمانند.

Praxis

عمل‌رهای؛ بخش؛ کودار انقلابی

مجموع کوششهایی که به‌منظور دگرگونی نظام اجتماعی انجام شود یا عمل انقلابی در برابر حرف و اظهارنظرهای فلسفی. مفهوم این واژه از نظر کارل مارکس بیانگر حرکتی است که در جامعه و توسط انسان انجام می‌شود و از تعارضات جامعه سرمایه‌داری فراتر می‌رود تا امکان بازیافتن هستی اصلی انسان را فراهم نماید. مارکس اعتقاد داشت که فیلسوفان، کاری جز تفسیر جهان به شیوه‌های گوناگون نکرده‌اند، کاری که باید کرد، تغییر جهان است.

Preamble of Treaty

مقدمه عهدنامه

معمولاً معاهده با مقدمه‌ای به‌قرار زیر آغاز می‌شود: ۱- معرفی و ذکر نام و نشان کشورهای طرف عهد و نمایندگان تام‌الاختیار آنان ۲- توضیح و بیان عللی که باعث انعقاد معاهده شده است.

Predestination

تقدیر؛ سرنوشت

از جنبه مذهبی، ماهیت مقدر رفتار اخلاقی انسان و رستگاری یا محکومیت او توسط اراده الهی.

Preemptive Attack

حمله پیشدستانه

حمله وسیع به دشمن برای نابودی کامل وی، مشروط به اینکه دلیلی بر تجاوز قریب‌الوقوع دشمن یافت شود.

خواهد داشت. قانونگذاری، تصمیم‌گیری، فرمان دادن و مجازات کردن از وظایف اصلی قدرت در داخل همه گروه‌هاست. قدرت، حاصل عمل اراده است. کسانی که آن را دارند، فرمان می‌دهند و انبوه خلق فرمان می‌برند، چون می‌دانند که دارنده قدرت دارای وسایل مادی تأمین برتری است و تصور می‌کنند که دارنده قدرت دارای شایستگی‌هایی است و امید دارند که وسایل مادی در فرمان شایستگان باعث خوشبختی عمومی شود. اگر قدرت فقط بر اساس زور قرار داشته باشد، فرمانبران، آن را برحق نمی‌دانند و دلیل فرمانبری آنها ترس است. اما اگر فرمانبران پشتیبان دارنده قدرت باشند و او را شایسته بدانند، قدرت برحق می‌شود و فرمانهایش آزادانه پذیرفته می‌شود. حکومت مردمی زمانی عملی می‌شود که بین فرماندهی و فرمانبری فاصله‌ای نباشد.

Power Elite

نخبگان قدرت؛ سرآمدان قدرتمند

این واژه توسط چارلز رایت میلز، جامعه‌شناس آمریکایی و در مورد کسانی به کار رفته که در رأس سلسله مراتب مؤسسات بزرگ مثل ارتش، شرکتها و دولت قرار دارند و به‌اتکای منافع مشترکشان مجموعه پیچیده‌ای از منافع متداخل را ایجاد می‌کنند که تصمیمات آنها ممکن است پیامدهای ملی دربرداشته باشد. میلز اعتقاد دارد که نخبگان قدرت، سرنوشت ایالات متحده آمریکا را در کنترل دارند.

Powerful as Fate

قدرت قدر

دارنده قدرت برابری با قدرت قضا و قدر.

Power Index

شاخص قدرت

نمایانگر قدرت یک مجموعه رأی دهنده برحسب احتمال نوسانی بودن رأی و اینکه موضوع یا پیشنهاد موردنظر، می‌برد یا می‌بازد.

Power Politics

سیاست متکی به قدرت؛ سیاست زور؛ سیاست قدرتمندار

سیاستی که به‌موجب آن، دولتها در صحنه بین‌المللی در پی بسط قدرت خویش به‌عنوان هدف نهائی هستند. از نظر یکی از متفکرین آمریکایی به‌نام مورگان، سیاست متکی بر قدرت به‌مفهوم استفاده از روشهای مختلف فشار برای وادار ساختن مخالفین سیاسی به‌تن دادن به‌برخی از تقاضاها و خواسته‌هاست. سیاست قدرت‌مدار در روابط بین‌الملل به‌نظامی اطلاق می‌شود که در آن، کشورها خودبه‌خود هدف نهائی هستند و به‌منظور پیشبرد منافع و گسترش خود، هر نوع فشاری را علیه یکدیگر به کار می‌برند. به‌موجب این نظام، کشورها بر حسب قدرتشان بزرگ یا کوچک هستند. درجه قدرتمندی کشورها همواره در حال تغییر است. آنها اغلب برای وفق دادن خود با این تغییرات از طریق دیپلماسی یا یکدیگر سازش می‌کنند و وقتی که دیپلماسی شکست می‌خورد، جنگ درمی‌گیرد.

Power Potential

پتانسیل قدرت؛ قدرت بالقوه

منابع و فعالیتهای داخلی و خارجی که به‌توان ملی و بین‌المللی کشور کمک می‌کنند. قدرت بالقوه ناشی از سه منبع اصلی: شرایط طبیعی و جغرافیائی، تلقیات اجتماعی و روانی، منابع انسانی و صنعتی است.

روزافزون دولت از طریق وضع مالیات و محدود کردن آزادی عمل اقتصادی آنان بود. عناصری از یهودستیزی، گلیسم و حتی فاشیسم در بین طرفداران این جنبش در انتخابات سال ۱۹۵۵ وجود داشت.

Pourcentage

پورسانتاژ؛ صدانه

واژه فرانسوی پورسانت Pourcent به معنی درصد و پورسانتاژ به معنی برقراری صدی چند یا صدانه است و آن وجهی است که فروشنده در معاملاتی که طرف خریدار، شخص حقوقی است به افراد حقیقی مؤثر در معامله از سود حاصل می‌پردازد. دریافت صدانه در بعضی کشورها موجب فساد مالی گسترده‌ای در بین کارکنان شده است. عوامل اقتصادی و فرهنگی، نارسائی و سکوت قانون و عدم نظارت جدی را از عوامل فساد ناشی از صدانه در بین کارکنان دانسته‌اند. واژه Commission به معنی حق‌الععمل یا حق‌دلالی نیز مترادف پورسانتاژ است.

Poverty

فقر

ناتوانی در فراهم آوردن نیازهای اساسی برای رسیدن به یک زندگی آبرومندانه شایسته انسان یا وضعی که در آن، موجودی و درآمد، برای تأمین نیازهای معیشتی کافی نباشد. خط فقر نیز عبارت است از حدی که برای تأمین نیازهای بنیادی افراد تعیین می‌شود و معمولاً شامل هزینه تأمین حداقل غذا، پوشاک، مسکن، سوخت، روشنایی، بهداشت و حمل و نقل است. فقر، عامل بیشتر بیماریهای روانی، خودکشی، اعتیاد به مواد مخدر، بزهکاری، قحطی و فروپاشی خانواده‌ها است. بدون همکاری و تلاش جدی تمام ساکنین کره زمین، محو فقر نه تنها امکان‌پذیر نیست، بلکه در آینده، بزرگترین عامل مرگ و میر مردم در سراسر جهان نیز خواهد بود.

Poverty Trap

تله فقر

اصطلاحی است برای بیان عدم امکان رهایی از فقر و مسکنت.

Power

قدرت

۱- توانایی و قابلیت انجام کار خاص، تولید یا تخریب. ۲- توانایی شخص برای وادار کردن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر صورتی. ۳- توانایی یک طبقه برای تحقق منافعش در برابر طبقات دیگر و به‌زیان آنها که متضمن مبارزه طبقاتی است. ۴- هر نیرو یا اقتداری که از توان مطیع ساختن دیگران، به اطاعت واداشتن آنان و یا ایجاد آشتی بین خواستهای آنان برخوردار باشد. ۵- توانایی یک کشور بر تأثیر گذاشتن بر رفتار دیگر کشورها و یا کنترل رفتار سایر کشورها. قدرت ناشی از دارائیهای محسوسی مثل پایگاه صنعتی قوی، جمعیت مناسب، تکنولوژی پیچیده و منابع قابل بهره‌برداری و نیز عوامل غیرمحسوسی مثل حمایت توده‌های مردم، رهبری مؤثر و سواد فرهنگ است. ۶- اختیار تحمیل اراده به دیگران به صورت قهری (اجبار) یا اختیاری (رضایت). ۷- رابطه حاکی از فرمانروایی از یک طرف و فرمانبری از طرف دیگر که تحقق آن علاوه بر وجود علائم تمایل به اطاعت نزد فرمانبران، نیاز به وجود دستگاهی دارد تا در صورت لزوم، توانایی تحمیل یکجانبه اراده فرمانروا را داشته باشد. قدرت، دلالت بر توانایی انسان دارد برای عمل و اتفاق عمل و اینکه خاصیت فرد نیست، بلکه به گروه تعلق می‌گیرد و تازمانی که افراد گروه با هم باشند، وجود

شکوهمندی نداشته است دانسته‌اند و ویژگیهای آن را از جمله در فقر فکری، سازشکاری، التقاط، نگرش خوشباشانه، بی‌عملی و پرهیز از جستجوی راه‌حل مشاهده نموده‌اند. به نظر فیلسوفان پست مدرنیست، انسان کنونی نه مقید به زمان است و نه وابسته به مکان، بلکه در دریایی شناور است فاقد هر نوع واقعیت و هر نوع معنی مشخص: جهان و آنچه در آن است، نسبی و قراردادی است. به نظر این فیلسوفان، در زمان و مکان کنونی، عقلانیت و خردمندی، پیروی از اصول منطقی گذشته، هرگونه اعتقاد به ارزشهای جامع و فراگیر یا اندیشه‌های ترقی و صلح و آزادیخواهی یا مکاتب مدعی رستگاری و سعادت بشر یا اندیشه‌های رفاه اجتماعی که اساس ارزشهای عصر مدرنیته بود، از بین رفته است. فرانک بیلی Bealey فرانوگرایی را بیشتر، نگرشی به زندگی و حیات می‌داند تا سیستمی از ایده‌ها. به نظر این استاد علوم سیاسی انگلیسی، ایده‌های فرانوگرایانه در حوزه اندیشه اجتماعی و سیاسی (بیشتر بحثهای فرانوگرایانه با هنر و معماری ارتباط دارد) از شورش دانشجویان پارسی در سال ۱۹۶۸ سرچشمه گرفته است. بعضی از نمایندگان پست مدرنیسم نیز معتقدند که انسان را باید قانع کرد تا سر به قدرت ندهد و زیر بار اقتدار نرود و سرپیچی را فراموش نکند. جیانی و ایتیمو استاد فلسفه ایتالیایی، پسانوگرایی را پایان مطلقها و تولد گفتگو می‌داند.

پسا ساختارگرایی

Post-Structuralism

نظریه‌ای که از ساختارگرایی ناشی شده و ساختارهای جامعه، زبان، ارزشها و اخلاقیات به صورت مفهوم درآمده را مورد پرسش قرار می‌دهد.

پساصهیونیس

Post-Zionism

دوره‌ای که بحثهای مربوط به آن، از دهه ۱۹۸۰ بویژه توسط دانشگاهیان جوان اسرائیلی مطرح شد که ویژگیهای آن را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: تبدیل دولت اسرائیل به یک دولت دموکراتیک برای تمام شهروندان، نفی اصول صهیونیس که در اعلامیه استقلال اسرائیل بیان شده و بیانگر آن است که اسرائیل یک دولت تشکیل شده از مردم یهودی است و گرایش به اینکه دولت اسرائیل در برگیرنده تمام مردم ساکن در این سرزمین است، پایان یافتن دوره سلطه صهیونیستی.

کنفرانس پوتسدام

Potsdam Conference

کنفرانسی که بین هفدهم ژوئیه تا دوم اوت ۱۹۴۵ پس از تسلیم آلمان، در شهر پوتسدام تشکیل شد و کلمنت آتلی، استالین و ترومن سران کشورهای بریتانیا، شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا در موارد زیر به توافق رسیدند: نازی‌زدایی و تعیین نظام اقتصادی آلمان، الحاق کونیگسبرگ و حومه آن به شوروی سابق، تعیین خط اودر-نایسه به عنوان مرز غربی لهستان، انتقال آلمانیهای باقیمانده در لهستان، مجارستان و چکسلواکی به آلمان و انعقاد عهدنامه‌های صلح با بلغارستان، فنلاند، مجارستان، ایتالیا و رومانی.

پوژادیس

Poujadism

این واژه از نام پیر پوژاد، یک مغازه‌دار فرانسوی گرفته شده و بیانگر جنبشی است که در سال ۱۹۵۳ پایه‌گذاری شد. پوژادیسم بیانگر بیزاری کسبه خرده‌پا و قشر پائینی طبقه متوسط از دخالت

Post-Industrial Society

جامعه فراصنعتی؛ جامعه فوق صنعتی

جامعه‌ای که در آن، اقتصاد از صورت تولید کالا به شکل اقتصاد خدماتی تغییر می‌کند، از جنبه اشتغال با تفوق یک طبقه فنی و حرفه‌ای و از جنبه تصمیم‌گیری با ایجاد نوعی تکنولوژی هوشمندانه مشخص می‌شود. اقتصاد مبتنی بر دانش، دستگاه اداری تابع کارشناسان و نه سیاستمداران، فراوانی، فراغت و ثبات اجتماعی از ویژگیهای جامعه مابعد صنعتی است.

Post-Materialism

پست - ماتریالیسم؛ فراماده گرایی

ارزشهای جامعه غربی از جنبه ماتریالیستی - به دست بیاور و خرج کن و پیشرفت فناورانه - دیده شده است. اما سمت و سوی ارزشهای فراماده گرایانه ظاهراً به طرف کیفیت زندگی، خودبیانگری و دفع تکنولوژیهای زیانبخش به این ایده‌ها گرایش پیدا کرده است. فراماده گرایان همچنین به آزادی بیشتر جنسی و مخالفت با ناسیونالیسم و نژادپرستی تمایل یافته‌اند. آنها اغلب اعضای جنبشهای زیست محیطی و حقوق بشری هستند.

Post-Modernism

فراونوگرایی؛ مابعد نوگرایی؛ پس نوگرایی؛ پست مدرنیسم؛ پسانوگرایی

نهضت نفی ارزشهای عصر مدرن، مدرنیته و مدرنیسم. این واژه را ظاهراً برای اولین بار یک نقاش انگلیسی به نام جان چاپمن در اواخر قرن نوزدهم و در توصیف نوعی نقاشی به کاربرد که نوترو پیشتر از نقاشی آن زمان بود. سپس در سال ۱۹۱۷ توسط رودولف پانویتر در کتاب بحران فرهنگ اروپایی و در توصیف نیهیلیسم و سقوط ارزشهای فرهنگی اروپا به کار رفت. در سالهای اخیر نیز در ارتباط با افراد فیلسوفی مثل بارت، میشل فوکو، ژاک دریدا، ژان فرانسوا لیوتار و ریچارد رورتی به کار رفته است. پس نوگرایان، فلسفه خود را بر نفی شالوده "خردگرایی" و "روشنگری" نهاده‌اند. روشنگران با تأکید بر مفاهیمی مثل عقل و تجارب مستقیم نه تنها برای بازکردن راه ترقی کوشش کردند، بلکه در قلمرو سیاست نیز با اتکاء به حکومت قانون، به دفاع از حقوق طبیعی بشر پرداختند. پس - نوگرایی با کلیت بخشیدن به هر نوع عملی که بر اساس عقل استوار باشد مخالف است. به عکس ایدئولوژیهای مدرن که در فکر پایان دادن به سرگشتگی بشرند، در ایدئولوژیهای فرانوگرا، این سرگشتگی اجتناب ناپذیر و آینده نیز محصول حوادث غیرمنتظره است. در حوزه عمل سیاسی، فرانوگرایان عقیده دارند که مبارزه طبقه کارگر رو به خاموشی نهاده و در جوامع پیشرفته صنعتی در دل منافع نظام سرمایه‌داری مستحیل شده و اصولاً خواسته‌ها و مبارزات فراطبقاتی، مثل زیست محیط گرایی یا نهضت حفاظت از محیط زیست و دفاع از حقوق همجنس گرایان جایگزین آن شده است. به نظر دانیل بل جامعه‌شناس آمریکایی، دوره فرانوگرایی، دوره ضد هنجارهای بورژوازی و نفی هویت اجتماعی، فردگرایی افراطی، عصر لذت جوییهایی آنی و کور و عصیان علیه فرهنگ نوگرایی، سیاست دموکراتیک و اقتصاد سرمایه‌داری و ارزشهای مذهبی است. فردریک جیمسون نیز در سال ۱۹۹۱ در کتاب "پست مدرنیسم یا منطق فرهنگی سرمایه‌داری محتضر" فرانوگرایی را پاسخی فرهنگی به آخرین دگرگونی سیستماتیک سرمایه‌داری جهانی دانسته است. عده‌ای نیز فرانوگرایی را چیزی جز خلاء ناشی از حاکمیت نظام سرمایه داری، بازتاب عصر سترونی فکری و سیاسی، عصری که در هیچ عرصه عملی و نظری دستاورد ارزشمند و

سیاست بیطرفی مثبت

Positive Neutralism

اصطلاحی که منظور از آن، عدم شرکت مثبت در بلوکهای نظامی دولتهای سلطه گر و حل مسائل از راههای اخلاقی و بدون توسل به زور و میانجیگری بین دو گروه رقیب است.

آیین اثباتی؛ اثبات‌گرایی؛ پوزیتیویسم

Positivism

مکتبی که توسط اگوست کنت (1857-1798) فیلسوف فرانسوی و پدر علم جامعه‌شناسی اعلام شد و طبق آن، عالی‌ترین شکل علم عبارت است از توضیح پدیده‌های حسی به وسیله علل متحقق طبیعی. به نظر او، سیر تکاملی فکر بشر دارای سه مرحله است: ۱- مرحلهٔ ربانی که تخیلی است و بشر در این مرحله، کلیه امور را ناشی از اراده خدایان متعدد و یا خدای واحد می‌داند. ۲- مرحله متافیزیکی یا فلسفی که بشر برای توجیه قوانین طبیعی، مجرداتی در ذهن خود می‌سازد و به تدریج به دنبال یافتن علت پدیده‌ها می‌رود و آن را در خود طبیعت می‌جوید. در این مرحله، خیالپروری جایش را به تعقل و استدلال می‌دهد، اگر چه هنوز هم ذهن او به دنبال کشف حقایق نهانی است. ۳- مرحلهٔ علمی یا تحصلی که تخیل و تعقل تحت تابعیت احکام مشاهده و تجربه قرار می‌گیرد. اگوست کنت، مهم‌ترین اصلاح اجتماعی را اصلاح فکر می‌داند، یعنی عبور از مرحله ربانی و متافیزیکی به مرحله علمی یا تحصلی. کمک کنت را به جامعه‌شناسی، ترکیب و تبویب موفقیتهای پیشرفتهای علمی عصر او دانسته‌اند. هدف کنت از تدوین جامعه‌شناسی، استقرار سیاست بر پایهٔ علمی بوده است. وی همچنین اعتقاد داشت سیاست دیگر نمی‌بایست ترکیبی از روشها و تدابیری باشد که تنها از روی تجربه معمول و متعارف یا با رجوع به احکام مابعدالطبیعه حاصل شود. به نظر عده‌ای، پوزیتیویسم در اصل برای تأیید و تثبیت پایه‌های سرمایه داری (کاپیتالیسم) به وجود آمد.

دولت پسا استعماری

Post-Colonial State

این اصطلاح در مورد دولتهائی به کار رفته که از طریق فرایند استعمارزدایی در نیمه دوم قرن بیستم ظهور کردند.

پسافوردیسم

Post-Fordism

دورانی که نظریه پردازان اجتماعی و اقتصادی اعتقاد دارند به جای مرحله فوردی تاریخ آمده و عصر جدیدی از انباشت مربوط به سرمایه داری است. پسافوردیسم با جهانی شدن، آزادسازی تجارت جهانی، روشهای تولیدی قابل تغییر و انعطاف همبسته است. فناوریهای جدید نیز بیکاری فزاینده را به دنبال دارد.

عصر پساتاریخی

Post-Historical Age

به نظر یکی از دانشمندان به نام برانینگن Branningan با ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات، دور دیگری در تاریخ شروع شده که عصر پساتاریخی نام دارد. به نظر او، در این عصر، اقتصاد و سیاست، دو پدیدهٔ اصلی تعیین‌کنندهٔ زندگی بشر، کاملاً دگرگون شده است و بازار نظام سرمایه داری دیگر در محدوده‌های ملی عمل نمی‌کند و محدودهٔ آن، سراسر جهان است.

Pornocracy

حکومت روسپیان

روسپی سالاری یا حکومت فواحش و بویژه، اشاره به استیلای زنی به نام ثئودورا (Theodora ۵۴۸-۵۰۰ میلادی) ملکه بیزانس است که یوستی نینوس اول، وی را به همسری گرفت و پس از جلوس بر تخت امپراتوری روم، وی را شریک خود ساخت. بدین ترتیب، ثئودورا و دخترانش در روم تسلط یافتند. او شورش سال ۵۳۲ میلادی را فرونشاند. ثئودورا در اغلب موارد، سیاست مذهبی شوهرش را تعیین می‌کرد و اقداماتی نیز در جهت رفاه روسپیان و افزایش حقوق زنان به عمل آورد.

Pornography

سکس نگاری؛ انتشارات مستهجن؛ صور قبیحه؛ هرزه نگاری

از نظر لغوی به مفهوم نگارش در مورد فواحش است. سکس نگاری زنانه از نظر فمینیستها به عنوان شیوه ستم و تعدی و اعمال قدرت توسط جنس قوی تر تلقی شده است. بدن زنان به صورت سکسی تجسم پیدا می‌کند. بخشهای مختلف کالبد آنها در معرض دیدگان خیره و لذت جوی جنس مذکر قرار داده می‌شود. سکس نگاری، بهره برداری جنسی و خشونت جنس مذکر را به بار می‌آورد. بهر صورت، شیوه‌های مشابه بهره برداری، ممکن است در زندگی خانوادگی و سیاستهای دولتی معین نیز واقع شود. سکس نگاری با نمایش توهین آمیز و خفت بار جنسیت زنانه از طریق کلمات و وسایل آشکار جنسی همراه و همبسته است. ویژگی دیگر سکس نگاری زنانه، انسانیت زدایی و استفاده ابزاری از بدن زنان و به صورت شیء در آوردن آنها است. به طور کلی، هم طرفداران نهضت آزادی زنان و هم اخلاق‌گرایان محافظه کار، پورنوگرافی را مجموعه مواد و مطالب جنسی می‌دانند که تحقیر جنسی خشن و اجباری را ترسیم و تشویق می‌کند. به نظر مریم خراسانی، پژوهشگر ایرانی مسائل زنان: نگاه جنسی به زن هرگز از بین نمی‌رود. یعنی تا سرمایه‌داری وجود دارد، چه در خود کشورهای سرمایه‌داری، و چه به صورت جلوه‌ها و نمودهای سرمایه‌داری در کشورهای جنوب (در حال توسعه و کم‌رشد) هیچ جا مسأله «زن به مثابه یک چیز یا ابزار جنسی» حل نمی‌شود.

Positive Discrimination

تبعیض مثبت

روشی برای جبران نابرابریهای اجتماعی با به کار بردن ضوابط ساده‌تر انتخاب برای گروه‌های محروم و کم‌مدار. منتقدان، این روش را نفی کننده هر دو اصل برابری و شایستگی دانسته‌اند.

Positive Freedom

آزادی مثبت

۱- آزادی برای انجام کار نیک که جوهر سنت فلسفی ایده‌آلیسم یا آرمانگرایی است. ۲- از میان برداشتن اجبار و انجام هر کاری را به اختیار انسان گذاشتن به خودی خود، کمک برای آزادی نیست. آرمان آزادی واقعی آن است که بیشترین امکان برای تمام اعضای جامعه، به صورت برابر تأمین گردد تا خود را به کمال برسانند.

Positive Law (Statutory Law)

حقوق موضوعه؛ قوانین موضوعه

مجموعه قوانینی که توسط مراجع صلاحیت‌دار و نمایندگان انتخابی و مجالس قانونگذاری برای اداره امور جامعه وضع شود. این واژه در مقابل حق طبیعی یا قانون طبیعت قرار دارد.

بمب جمعیتی**Population Bomb**

این اصطلاح بیانگر خطر ناشی از افزایش جمعیت و عدم امکان تأمین منابع طبیعی و مواد غذایی است که جهان را به شرایط قرون هجدهم و نوزدهم باز می‌گرداند و درگیری بر سر قلمرو آغاز می‌شود.

طرفدار افزایش جمعیت؛ جمعیت خواه**Populationist**

این واژه در مورد طرفداران ازدیاد جمعیت به کار رفته است که جمعیت را بزرگترین ثروت جامعه از جنبه اقتصادی و بالاترین منبع قدرت از جنبه سیاسی می‌دانند.

پوپولیسم؛ عوام‌گرایی؛ مردم باوری**Populism**

۱- جلب پشتیبانی مردم با توسل به وعده‌های کلی و مبهم و معمولاً تحت کنترل رهبر فره‌مند و شعارهای ضدامپریالیستی. ۲- پیشبرد هدفهای سیاسی، مستقل از نهادها و احزاب موجود، با فراخوانی توده مردم به اعمال فشار مستقیم بر حکومت. ۳- بزرگداشت و تقدیس مردم یا خلق و اعتقاد به اینکه هدفهای سیاسی باید به‌اراده و نیروی مردم و جدا از احزاب یا سازمانهای سیاسی پیش برده شوند. آیین و سنت سیاسی پوپولیستی در هر کشور دارای شکل ویژه‌ای است. در نهضت‌های پوپولیستی معمولاً ائتلافی آشکار یا ضمنی میان طبقات مختلف با منافع متفاوت و گاه متعارض برقرار می‌شود. تداخل اقشار گوناگون در این نهضتها به‌طور عمده ناشی از عدم تشکل طبقاتی و عدم وجود مرزبندی روشن طبقاتی است. پوپولیسم دارای مشخصات عوام‌فریبی، تقدیس شخص رهبر (فره‌مند)، تعصب، تکیه به توده‌های محروم و از خود بیگانه، نداشتن ایدئولوژی مشخص، اصلاح طلبی، بورژوازی بودن و عناصری از ضدیت با امپریالیسم و ملی‌گرایی است. توسعه‌خواهی، پروبال دادن به نیروهای وابسته به بازار داخلی و گاه آزادیهای سندیکایی و دموکراتیک از خصصتهای عمده دوران پوپولیسم است. پوپولیسم ممکن است چپ باشد یا راست و یا هیچکدام از اینها نباشد، ولی معمولاً ارتجاعی است و خواهان بازگشت به فضائل دوران گذشته است. پوپولیسم که در کشورهای آمریکای لاتین بیشتر از هر جای دیگر شایع است، می‌خواهد با جایگزین نمودن مراحل عقب مانده‌تر سرمایه‌داری، آن را از میان بردارد. معمولاً پوپولیسم در نهایت به‌عاملی در جهت جلوگیری از تعمیق و شعله‌ور شدن آتش مبارزات توده‌های انقلابی علیه نظام سرمایه‌داری بین‌المللی و امپریالیسم تبدیل می‌شود. اندیشه پوپولیستی ظاهراً نخستین بار در دهه ۱۸۶۰ در بین روشنفکران رادیکال روسیه و به‌طور مشخص در بین نارودنیکها یا خلقیون به‌وجود آمد که اعتقاد داشتند روسیه تزاری می‌تواند بدون گذر از مرحله سرمایه‌داری، با اتکا به کمونهای دهقانی به‌سوسیالیسم برسد.

خاصه خرجی**Pork-Barrel**

اصطلاح عامیانه در آمریکا برای اشاره به طرحهایی است که از بودجه عمومی و توسط یک عضو مجمع قانونگذاری برای آوردن پول و مشاغل برای منطقه یا ناحیه خودی ترتیب داده می‌شود. این خاصه خرجی، براساس نیاز، شایستگی یا استحقاق صورت نمی‌گیرد، بلکه تنها نتیجه حمایتگری و بنده‌نوازی سیاسی، تمایل عضو مجمع قانونگذاری برای تأمین منافع ناحیه خودی است.

Poll Tax

مالیات سرانه رای دهندگان

مالیات سرانه‌ای که برای رأی دهندگان ضروری است و در انگلستان بدون ملاحظه درآمد یا مالکیت وضع می‌شود. در دوره نخست‌وزیری مارگارت تاچر اعتراضاتی را برانگیخت که سرانجام در سال ۱۹۹۰ موجب برافزاندن او از حکومت شد.

Polyarchy

چندسالاری؛ پلی‌آرشی؛ پلی‌آرکی

حضور احزاب و گروه‌های رقیب و دارای منافع مختلف در حکومت. مفهوم ابداعی رابرت دال برای اشاره به دموکراسیهای بورژوازی که در آنها آزادی و مشارکت سیاسی وجود دارد، از انزو واطلیبی و جدایی‌خواهی در بین شهروندان متعلق به نژادها، مذاهب و گروه‌های قومی متنوع اثری نیست، حق شرکت مردم در انتخاب رهبران سیاسی محفوظ است و فشار یابه کنارتنهاده شده و یا بسیار کم است، رهبران جناح‌های مخالف بازداشت نمی‌شوند و روزنامه‌های انتقادی ممنوع‌الانتشار نمی‌گردند، استقلال انجمنها، تشکیلات سیاسی، نهادهای اجتماعی و گروه‌های ذینفع در برابر دولت حفظ می‌شود تا دولت به قدرت بی‌چون و چیرایی تبدیل نگردد.

Polycentrism

چندمرکزی؛ پلی‌سانتریسم

۱- اعتقاد به تقسیم یک سازمان یا جنبش واحد به چند مرکز مستقل قدرت. ۲- دکترین مبتنی بر کثرت مراکز فکری و رهبری کمونیستی که در سال ۱۹۵۶ توسط پالمیر و تولیاتی رهبر حزب کمونیست ایتالیا، در مورد احزاب کمونیست مطرح شد. پلی‌سانتریسم به این معنی است که احزاب کمونیست کشورهای مختلف باید براساس ویژگیهای جامعه خود شکل بگیرند و در امور خویش آزادانه تصمیم بگیرند و هیچ حزبی نباید نظریات و سیاستهای خود را به دیگران تحمیل کند. پیروان این دکترین، وجود مرکزی واحد را برای احزاب کمونیست، رد می‌کنند.

Polygraph

دروغ‌سنج

استفاده از دستگاه پلی‌گراف یا دروغ‌سنج، فریبهای روانشناسانه و تزریق سرمهای راستگویی از جمله روشهای بازجویی از متهمان در آمریکا است. علت وجودی پلی‌گراف و اعتماد نسبی مقامات اطلاعاتی به آن، به‌طور خلاصه در این است که دروغ گفتن معمولاً - و نه همیشه - با انواعی از واکنشهای ناخودآگاه بدنی مثل افزایش فشار خون، شدت تنفس، تندى ضربان قلب، انقباض عضلات، عرق کردن و واکنشهای عصبی همراه است و کار دستگاه دروغ‌سنج، تنها نشان دادن واکنشهای مزبور - بویژه افزایش فشار خون، تنفس و ضربان قلب - در روی صفحه مدرج است و مقامات اطلاعاتی می‌توانند در مواردی با استناد به آنها، به نتایجی برسند و سخنان شخص مورد آزمایش را تجزیه و تحلیل کنند.

Popular Front

جبهه خلق

ائتلاف احزاب دست‌چپی و میانه‌رو علیه نازیسم و فاشیسم و امپریالیسم. این واژه نخستین بار در سال ۱۹۳۶ و در ارتباط با اتحاد لیبرالها، دموکراتها، سوسیالیستها و کمونیستهای فرانسه، علیه نازیسم و فاشیسم به کار رفت.

Politics

سیاست؛ علم سیاست؛ سیاست‌شناسی

۱- علم کسب و حفظ قدرت. ۲- در معنی خاص، علم و هنر راهبری یک دولت و در معنی عام، هر نوع روش اداره یا بهبود امور شخصی یا اجتماعی. ۳- هنر حکومت بر نوع بشر از طریق فریفتن یا گول زدن آنان. ۴- علم فرمانروایی دولتها. ۵- فن حکومت کردن دولت و رهبری روابط آن با سایر دولتها. ۶- بررسی کارکردهای حکومت یا دولت و مدیریت امور عمومی و احزاب سیاسی. ۷- خطمشی، تعیین شکل، وظیفه و مضمون فعالیت دولت. ۸- بیان متراکم اقتصاد جامعه، یعنی شکل مسلط مالکیت و مناسبات ناشی از آن (بازتاب مبارزات طبقاتی) که سیاست را دنبال خود می‌کشد. ۹- کاربرد قدرت به اشکال مختلف در ابعاد گوناگون جامعه بشری. ۱۰- علم قدرت، که توسط دولت به شکلی به کار می‌رود تا نظم اجتماعی را در جهت مصالح عمومی یا طبقه‌ای خاص تأمین کند. ۱۱- اخذ تصمیم درباره مسائل ناهمگون. ۱۲- علمی که می‌آموزد چه کسی می‌برد، چه چیزی را می‌برد، کجا می‌برد، چگونه می‌برد و چرا می‌برد؟ ۱۳- تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند. این تدابیر به دو جزء تقسیم می‌شود: سیاست داخلی و سیاست خارجی. مناسبات بین طبقات و بین ملتها در داخل یک کشور، جزئی از سیاست داخلی، و روابط بین دولتها و بین خلقها در عرصه جهانی، جزئی از سیاست خارجی شمرده می‌شود. سیاست هم علم است و هم هنر. علم است، زیرا باید قوانین و قواعد و ساختار و تاریخ آن را فرا گرفت. چون هدف مطالعات سیاسی کشف قوانین مربوط به رابطه قدرت و معرفی آنها به صورت منظم است. هنر است، زیرا برای سیاستمدار شدن، قریحه و موهبت ویژه‌ای (مثل شم، زیرکی، پویایی، نهان‌بینی، خویشتنداری، سرعت انتقال) لازم است. به نظر عزت‌الله فولادوند: سیاست، عنصری بسیط و ساده نیست. تافته‌ای است بافته از تار و پود جامعه و اقتصاد و فرهنگ و تاریخ و جغرافیا. چکیده و عصاره هزاران عاملی است که شاید همیشه در واپسین ترکیب نمایان نباشند، اما تا همه دست به دست هم ندهند، معجزونی به نام قدرت سیاسی پدید نمی‌آید.

Politique

پولیتیک

واژه فرانسوی به معنی "سیاست" که گاهی در گفتگوی عامیانه به خاطر رواج خدعه و تزویر به نام سیاست، آن را به معنی زدوبند، حقه‌بازی و نیرنگ هم به کار می‌برند. مراعات صداقت و احترام به واقعیت و حفظ اصولیت، انطباق گفتار با کردار و همراه ساختن وعده با اجرا و قبول تعهد از روی حس مسئولیت و پابندی به شرافت انسانی نشانه قدرتمندی در سیاست است و ریاکاری و فریب و دروغ و پرده‌پوشی مکارانه - و نه رازپوشی لازم - علامت ناتوانی است.

Polity

پولیتی؛ حکومت (جمهوری)؛ نظام حکومتی

۱- ارسطو، حکومتی را که به خیر و صلاح همگان است و به‌دست اکثریت اداره می‌شود، پولیتی (جمهوری) نامیده که تقریباً معادل مفهوم حکومت دموکراتیک امروزه است. ۲- واژه‌ای است معادل حکومت، دولت، واحد یا سازمان سیاسی و نیز بیانگر مجموعه نهادهای سیاسی موجود در جامعه.

Poll

نظرخواهی؛ نظرسنجی

جستجوی نظر مردم در زمینه‌های گوناگون.

هندوستان، مستعمره زرخیز انگلستان در بین بود و اینکه برای وصول به خلیج فارس و اقیانوس هند، می‌بایست جمیع موانع از سر راه برداشته می‌شد. مانع عمده، کشور ایران بود که برای انگلیسیها، جزئی از دیواره‌ای دانسته می‌شد که راه هند را بر دشمنان می‌بست.

Political Theology

الهیات سیاسی

همافتگی نهادهای الهیات و سیاست، یا رابطه نظم سیاسی و دینی. الهیات سیاسی توجیه‌گر یکی بودن یا تمایل به یکی شدن قدرت و قداست است. کارل اشمیت Carl Schmitt حقوق‌دان آلمانی، بحث الهیات سیاسی را در سال ۱۹۹۶ و ژان آسمن Jan Assmann در سال ۲۰۰۰ در آثار خویش تشریح کرده‌اند.

Political Theory

تئوری سیاسی؛ نظریه سیاسی

تئوری نهادهای سیاسی که شعبه‌ای از علم سیاست است و از جمله، تئوریهای دولت و حقوق و نمایندگی و انتخابات را دربرمی‌گیرد. تئوری سیاسی گاهی فکر یا اندیشه سیاسی، فلسفه سیاسی و تئوری دولت نیز خوانده می‌شود. در سراسر تاریخ، اندیشه سیاسی هیچگاه از اندیشه فلسفی جدا نبوده و ظهور اندیشه سیاسی نزد هر قوم، تنها به دنبال آزاد شدن ذهن آنها از بند پندارهای جامعه درباره ماهیت هستی و گردش جهان و سیر تاریخ دست داده است.

Political Thought

اندیشه سیاسی؛ عقیده سیاسی؛ فکر سیاسی

این واژه در معنی موارد زیر به کار رفته است: ۱- افکار، نظریه‌ها و ارزشهای محرک خطمشی و رفتار سیاسی ۲- نظریه سیاسی ۳- فلسفه سیاسی ۴- جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی.

Political Unity

وحدت سیاسی؛ اتحاد سیاسی

عقیده بر اصالت و واقعیت وحدت سیاسی در موضوع ملیت، به این معنی که ملت یک واحد سیاسی است و ملیت ناشی از اتحاد سیاسی یک دسته از افراد است، نه اتحاد ناشی از زبان و مذهب و تاریخ و احساسات مشترک و جزاینها؛ به این دلیل که عده‌ای از ملتها زبان واحد و مذهب واحد و تاریخ و احساسات مشترک ندارند و با این وصف، ملت شناخته می‌شوند.

Political Warfare

جنگ سیاسی

اعمال فشار یک دولت بر دولت دیگر از طرق مختلف، مثل تهدید و دخالت.

Politician

سیاستمدار؛ سیاستگر؛ سیاست‌پیشه

متخصص و عالم در امور سیاسی و کسی که در کار سیاست مهارت دارد و حرفه خود را بر آن بنا کرده است.

Politicization

سیاسی شدن؛ سیاست زدگی

۱- کسب خصلت سیاسی توسط گروه، نهاد یا فعل (عمل). ۲- استفاده از سیاست به شکل افراطی و سنجش تمام جنبه‌های زندگی شخصی و اجتماعی و هنری و ادبی بر اساس آن.

Political System**نظام سیاسی**

۱- هراکوی پایدار روابط انسانی که مبتنی بر قانون و قدرت مجاز باشد. ۲- مجموعه‌ای از کنشهای متقابل که از طریق آنها ارزشها، خدمات و کالاها برحسب قدرت معتبر برای تمام جامعه سهم‌بندی می‌شوند. منظور از سهم‌بندی برحسب قدرت معتبر، تصمیمات مسئولین قانونگذاری، اجرایی و قضایی جامعه است. ۳- نظامی که اوامر و دستوراتش به‌طور مستمر در یک محدوده جغرافیائی مشخص، به‌علت کاربرد قدرت از ناحیه کارگزاران و مجریان آن و یا به‌سبب ترسی که از احتمال به‌کار بردن چنین قدرتی موجود است، اجرا و اطاعت شود. ۴- کنشهای متقابلی که به‌نحوی با کاربرد یا تهدید به‌کاربرد قدرت مشروع سروکار دارند. ۵- مجموعه اسلوبها و شیوه‌های اجرای دیکتاتوری طبقه حاکمه در شرایط مشخص تاریخی. ۶- ساختاری است فراگیر و پیچیده که موجودیت جامعه را به‌مثابه یک ارگانسیم واحد که به‌وسیله یک قدرت سیاسی مرکزی اداره می‌شود، حفظ می‌کند. نظام سیاسی از دیگر نظامهای اجتماعی در درجه اول به‌خاطر سرکردگی آن متمایز می‌شود. در مفهوم محدود، معمولاً دولت به‌عنوان نهاد اصلی نظام سیاسی تلقی می‌شود که دستگاه قهر را در اختیار دارد و در مفهوم وسیع، دولت بیان و نمود رسمی تمام جامعه است. مفهوم دولت همچنین به‌عنوان مترادف نظام سیاسی به‌کار می‌رود.

Political Testament**وصیت‌نامه سیاسی**

وصیت‌نامه به‌بیانیه‌ای اطلاق می‌شود که شخص براساس آن، ترتیبی را اعلام می‌دارد که مایل است به‌آن ترتیب، پس از مرگش عمل شود. این بیانیه در زمان زندگی شخص، برگشت پذیر است و شخص می‌تواند هر زمان که بخواهد در وصیت‌نامه خود تغییراتی بدهد، زیرا وصیت‌نامه تازمان مرگ نویسنده آن وارد عمل نمی‌شود. وصیت‌نامه سیاسی نیز عبارت است از یادداشت‌هایی که شخصیت‌های سیاسی، در پایان زندگی می‌نویسند و در آنها افکار و عقاید سیاسی خود را آشکار می‌کنند، مثل وصیت‌نامه امام خمینی (ره)، وصیت‌نامه کاردینال ریشلیو (۱۶۴۲-۱۵۸۵) صدراعظم و وزیر راهنمای لوئی سیزدهم که نخستین بار در سال ۱۶۸۸ منتشر شد و نظریات مندرج در آن، بویژه درباره مذاکره دیپلماسی همچنان دارای اعتبار است؛ و وصیت‌نامه منسوب به پترکیبر (۱۷۲۵-۱۶۷۲) امپراتور و تزار روسیه که براساس آن اصطلاح سیاست وصول به‌آبهای گرم (برای بیان توسعه‌جویی روسیه به‌طرف دریاهای گرم) نیز ساخته شده است. هیچ دلیل متقنی درباره این سند که در قرن نوزدهم انتشار داده‌اند و مدعی شده‌اند که آن را پتر اول (پتر کیبر) برای جانشینان خود نوشته است، وجود ندارد. سند مزبور در آغاز قرن نوزدهم و در شرایط رقابت‌های استعماری دولتهای انگلستان، فرانسه و روسیه تزاری انتشار یافته و به‌نظر یکی از محققان به‌نام برسو Breseau، اختراع محض است و برای آن ساخته شده تا برای لشکرکشی ناپلئون اول به روسیه (۲۴ ژوئن تا ۱۶ دسامبر ۱۸۱۲) خدمت کند. به‌نوشته احمد اشرف، این سند را مهاجران لهستانی در پاریس در سال ۱۷۹۵ جعل کردند تا افکار عمومی مردم فرانسه را علیه روسیه تزاری که مطامع استعماری در لهستان داشت برانگیزند. این سند جعلی که در اواخر قرن نوزدهم از طریق نویسندگان انگلیسی و دانشجویان ایرانی در اروپا و سفارت انگلستان در ایران در افواه مردم شایع گردید، موجب پیدایش اعتقاد به توهم توطئه روسیه برای تسلط بر ایران شد. در این وصیت‌نامه، بویژه موضوع تصرف

Political Science

علم سیاست

۱- مطالعه علمی و آکادمیک تئوری و عمل سیاست و توصیف و تحلیل نظامهای سیاسی و رفتار سیاسی. ۲- بررسی حکومت یا دولت، و شکلها و سازمان و وظایف آن. ۳- علمی که موضوع آن، مطالعه و بررسی در ماهیت حکومت و دولت و انواع آن و پدیده‌ها و نهادهای سیاسی است. ۴- بررسی تمام اشکال قدرت در جامعه انسانی. علم سیاست از رشته‌های قدیمی علوم اجتماعی است و مباحث مهمی مثل سیاست، تئوری و فلسفه سیاسی، سیاست خارجی، اداره امور عمومی، سازمانهای بین‌المللی، دانش حکومت کردن، جامعه‌شناسی سیاسی، تاریخ دیپلماسی و روابط و سیاست و اقتصاد و حقوق بین‌المللی را دربرمیگیرد. واژه علم سیاست بیشتر در آمریکا به کار می‌رود. در انگلستان کلمه علم را برای سیاست کمتر به کار می‌برند.

Political Socialization

اجتماعی شدن از جنبه سیاسی

فرایند اجتماعی شدن و کسب ارزشهای سیاسی که بویژه: خانواده، گروه همسالان، آموزشگاه و رسانه‌های گروهی در آن مؤثرند و از این طریق، کودکان و نوجوانان از امور عمومی و مسائل سیاسی اطلاع می‌یابند و در آن درگیر می‌شوند.

Political Sociology

جامعه‌شناسی سیاسی

رشته‌ای که هدف آن تأکید بر ابعاد جامعه‌شناختی علم سیاست است. بسیاری از سیاست‌شناسان مثل موریس دو ورژه، اصطلاح علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی را یکی می‌دانند و زیر این یا آن اصطلاح، مسائل یکسانی را بررسی می‌کنند. به نظر مارسل پرلو، علم سیاست، عناصر مختلف دولت را مطالعه می‌کند و جامعه‌شناسی سیاسی عوامل مربوط به این عناصر را بررسی می‌نماید. مهم‌ترین موضوعهای مورد مطالعه در این رشته عبارتند از: مسائل نخبگان، مشروعیت و کارایی، رابطه توسعه اقتصادی با توسعه سیاسی، شرایط دموکراسی و دیکتاتوری، شرایط انقلابها، نقش سیاسی گروههای گوناگون اجتماعی، علتها و پیامدهای چگونگی توزیع قدرت سیاسی، کشاکشهای سیاسی و اجتماعی که به تغییراتی در چگونگی تخصیص قدرت می‌انجامد.

Political Stability

ثبات سیاسی

محفوظ بودن یک رژیم از تهدید براندازی داخلی از طریق انقلاب یا شورش. ثبات، همیشه چیز خوبی نیست. مثلاً یک کشور ممکن است در بی‌نظمی، تنبلی، ظلم، بیرحمی و فساد با ثبات باشد. از این جنبه، با ثبات‌ترین رژیمها را دولتهای مرده و بی‌سروصدای اقتدارطلب تشکیل می‌دهند. در حالی که در کشورهای دموکرات، همواره تغییر وجود دارد.

Political Succession

جانشینی سیاسی

انتقال رهبری یا کسب قدرت توسط حکومت جدید. اختلاف بین دولتهای دموکراتیک و اقتدارگرا در این مورد زیاد است. جانشینی در دولتهای دموکراتیک به صورت قانونی و آشکار و در دولتهای غیر دموکراتیک به صورت سری و توطئه‌گرانه انجام می‌شود. در رژیمهای نظامی معمولاً جانشینی با کودتا صورت می‌گیرد.

پناهنده سیاسی

Political Refugee

فردی که به خاطر داشتن عقاید سیاسی خاص و به منظور رهایی از تعقیب و مجازات در کشور خود، آنجا را ترک نماید و به یک کشور دیگر پناه برد و حمایت سیاسی آن کشور را به دست آورد. امروزه، هر کشوری می تواند به هر فردی در داخل سرزمین خود، حمایت سیاسی یا حق پناهندگی ببخشد و هر کشوری که پناهنده سیاسی را مسترد دارد، خلاف اصل پناهندگی سیاسی رفتار کرده و به حیثیت خود لطمه زده است.

رژیم سیاسی

Political Regime

۱- شیوه سازماندهی روابط بین فرمانروایان و فرمانبران. ۲- نظامی از روشها یا شیوه های اعمال قدرت دولتی که وضعیت حقوق و آزادیهای دموکراتیک و رابطه ارگانهای قدرت دولتی را بر مبنای قانونی فعالیتشان تبیین می کند. رژیمهای سیاسی با توجه به معیارهایی از یکدیگر متمایز می شوند، مثلاً اگر منشأ رسمی قدرت دولتی سلطان باشد، شکل حکومت، سلطنتی خوانده می شود که یک فرد بر پایه وراثت، رئیس کشور است. اگر منشأ قدرت، مردم یا اکثریت مردم باشند، شکل حکومت را جمهوری می خوانند که در آن، ارگانهای عالی قدرت دولتی برای مدت معینی انتخاب می شوند. حکومت دینی که زمامداران اصلی آن را پیشوایان دینی تشکیل می دهند.

انقلاب سیاسی

Political Revolution

دگرگونی در ساختار سیاسی یک جامعه. انقلاب سیاسی اغلب، پیش درآمد انقلاب اجتماعی و اقتصادی است به این معنی که نخست، دگرگونی در قدرت سیاسی صورت می گیرد و سپس قدرت نوین درصد دگرگون ساختن ساختار اقتصادی-اجتماعی برمی آید.

حقوق سیاسی

Political Rights

آن قسمت از حقوق افراد یک کشور که دایر به اعمال حاکمیت ملی آنها است، مثل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن به عضویت مجلس، تصدی مشاغل دولتی و جز اینها. بیگانگان نمی توانند از حقوق سیاسی برخوردار شوند مگر اینکه قبول تابعیت کنند که در این صورت نیز از برخی حقوق سیاسی محروم خواهند بود.

رسوایی سیاسی

Political Scandal

بر ملاحظه اعمال ناپسند دولتمردان، رهبران احزاب و سازمانهای سیاسی است، نظیر بزهکاری، جاسوسی و جز اینها که غالباً توسط رسانه های گروهی مطرح می شود و آسیب فراوانی به شخص رسوا شده وارد می کند، مثل رسوایی سیاسی و اترگیت که به دنبال قرارداد دادن دستگاههای استراق سمع در مرکز حزب دموکرات (در عمارت و اترگیت) در جریان مبارزات انتخاباتی ریچارد نیکسون برای انتخاب مجدد به ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۷۲ آغاز شد. با فاش شدن عملیات و اترگیت، چند تن از دستیاران نیکسون در کاخ سفید به زندان افتادند و خود نیکسون نیز در سال ۱۹۷۴ مجبور به استعفا شد.

مکتب سیاسی

Political School

هر نظریه ای درباره منشأ جامعه سیاسی، دولت، هدف دولت و بهترین شکل آن.

Political Patronage

حمایتگری سیاسی؛ بنده‌نوازی سیاسی

پشتیبانی مقام مافوق از افراد زیردستی که برای تأمین منافع خویش در خدمت آن مقام قرار گرفته‌اند. حمایتگری یا بنده‌نوازی سیاسی یکی از اشکال سنتی حکومت است.

Political Philosophy

فلسفه سیاسی

مبحثی که ماهیت سیاست و موضوعهایی مثل آزادی، عدالت، مساوات، اقتدار، قدرت، تعهد، حاکمیت، حقوق، دیگرپذیری یا تحمل آرای دیگران و مشارکت سیاسی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

Political Pluralism

کثرت‌گرایی سیاسی؛ چندگرایی سیاسی؛ پلورالیسم سیاسی

۱- وجود و پذیرش تنوع و تعدد عقاید و گروه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در کشور یا هر موقعیتی که در آن، هیچ گروه سیاسی، فرهنگی، عقیدتی و قومی ویژه‌ای حاکم نباشد. ۲- اعتقاد به اینکه فرد، دارای علائق زیاد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و دینی است و باید از طرف حکومت رعایت شود و نیز عقاید و سلیقه‌های مختلف احزاب و اجتماعات در اداره امور، مراعات گردد و قدرت بین آنان تقسیم شود. این مکتب، از استقلال نهادهای اجتماعی و سیاسی در برابر حکومت دفاع می‌کند تا حکومت به یک قدرت بی‌چون و چرا تبدیل نشود. ۳- فلسفه‌ای سیاسی که در اوایل قرن بیستم توسط لیبرالها و سوسیالیستهای انگلیسی به وجود آمد و معتقد به توزیع قدرت سیاسی در بین انواع تجمعات و نهادها و درآوردن دولت به صورت پاره‌های غیرمتمرکز است تا جامعه، زیر سلطه دولت یا هیچ طبقه واحد یا نهاد حاکمی قرار نگیرد.

Political Power

قدرت سیاسی

هیأتی متشکل که در جامعه پدید می‌آید و قدرت را به دست می‌گیرد و اعمال می‌کند. قدرت سیاسی مبنای سازمان دولت و حکومت است که از تفکیک فرمانروایان و فرمانبران ایجاد می‌شود. فرمانروایان، دارنده قدرت هستند و بر فرمانبران، قدرت سیاسی را اجرا می‌کنند. چنانچه قدرت سیاسی مورد قبول نباشد و یا دارندگان آن از حدود خود تجاوز کنند، نامشروع اعلام می‌گردد و علیه صاحب قدرت، اعتراض و قیام صورت می‌گیرد. کادری که در آن قدرت سیاسی اجرا می‌شود، دولت نام دارد.

Political Prisoner

زندانی سیاسی

کسی که به دلیل مخالفت با حکومت موجود یا عوامل حکومت کشوری که در آن زندگی می‌کند یا به خاطر زیر پا گذاشتن حدود قانونی که در مورد آزادیهای سیاسی وضع شده است، بازداشت یا زندانی شده باشد. معمولاً در قوانین جزائی برای متهمان و محکومان سیاسی، حقوق و امتیازات ویژه‌ای مثل شرط حضور هیأت منصفه در محاکمات سیاسی، حق جدا بودن زندانی سیاسی از زندانی عادی و امتیازات مخصوص در زندان در نظر گرفته می‌شود.

Political Psychology

روانشناسی سیاسی

یکی از رشته‌های (جدید) علوم اجتماعی که بیشتر به روانشناسی توده‌ها و روانشناسی رهبران سیاسی و رفتارها و انگیزه‌های بازیگران سیاسی می‌پردازد.

سیاست، قابلیت انعطاف و بحث دارد. زیرا تعریف مفاهیم و مقوله‌هایی که در عالم خارج وجود ندارند بسیار دشوار است. علت واقعی ابهام و اختلاف و دشواری این است که تعریفی که از این مفاهیم می‌شود، احساس و برداشت از این مفاهیم است. به همین دلیل، افراد تعریفهای گوناگون ارائه می‌کنند. همانطور که نمی‌توان نیکی، بدی، زیبایی، نظم عمومی یا اخلاق حسنه را کاملاً تعریف کرد، جرم سیاسی هم تعریف قطعی ندارد. مبنای جرائم سیاسی این است که در این گونه جرمها هدف مشخص، اعتلای کشور و خدمت به عموم مردم است. پس اگر وسیلهٔ بد را هم انتخاب کرده باشد، باید آن را در شمار جرائم سیاسی قرار داد. اشکال در این است که بعضی حکومتها، مشکل می‌توانند جرم سیاسی را بپذیرند و سعی می‌کنند همه آنها را به جرم عمومی تبدیل کنند. از سوی دیگر، تعریفی که نسبت به این مفهوم وجود دارد، در طول زمان تغییر می‌کند. جرم سیاسی مسأله‌ای نیست که در همهٔ زمانها یک مفهوم را داشته باشد و فرض این است که هیأت منصفه به عنوان نماینده و بیان کننده وجدان عمومی در این راه، صلاحیت تمیز دارد. یعنی اگر جرم سیاسی در دادگاه مطرح شود، هیأت منصفه باید بگوید این جرم سیاسی است یا سیاسی نیست. مجرم، آن را مرتکب شده یا نشده است، ولی مجازاتش را قاضی باید معین کند.

Political Paranoia

پارانویای سیاسی؛ بدگمانی سیاسی

پارانویا نوعی اختلال شخصیتی است که به موجب آن، شخص گمان می‌کند که دیگران برای نابودی او نقشه می‌کشند و در صدد ظلم و ستم به او هستند. پارانویای سیاسی، بیماری روانی فردی و جمعی است که به موجب آن، گمان می‌رود که وقایع و امور مهم سیاسی و اجتماعی و سیر حوادث در دست پنهان و قدرتمند سیاست بیگانه و تشکیلات مخوف اقتصادی و سیاسی و نظامی و عقیدتی و ابسته به آن سیاست است. این اصطلاح، مترادف توهم یا نظریه توطئه است.

Political Participation

مشارکت سیاسی؛ شرکت در سیاست؛ دخالت در سیاست

مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیتها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورتبندی و هدایت سیاست دولت. در بسیاری از کشورها تنها شرکت توده‌های مردم در سیاست مورد تشویق قرار نمی‌گیرد، بلکه به آنها اجازه مداخله در سیاست هم داده نمی‌شود. علت اکراه برگزیدگان حاکم از شرکت دادن مردم در قدرت، دو علت اساسی دارد: اول آنکه، حکومت قدرت محدود کردن دخالت در سیاست را دارد. تا وقتی که بیسواد، بیخبری عمومی، ضعف و عدم تشکل و ناآگاهی توده‌ها و ناتوانی آنها در درک مسائل سیاسی وجود داشته باشد، برای حکومت کار نسبتاً آسانی است که دخالت در سیاست را محدود سازد. دوم آنکه برگزیدگان حاکم اغلب می‌ترسند که مبادا ارزشها، منافع و علاقتشان از میان برود. به‌طور کلی، رژیمهای مستبد به شیوه‌های مختلف می‌کوشند تا مردم را از دخالت کردن در سیاست بازدارند. سابقاً در ایران برای دور کردن مردم از شرکت در امور سیاسی اصطلاح "سرش بوی قرمه‌سبزی می‌دهد" رواج داده شده بود. یعنی، افراد سیاسی در خطر زندانی شدن و به‌قتل رسیدن هستند. از این رو، کسی که در معقولات دخالت کند، خود را به‌خطر مرگ دچار می‌سازد و باز ماندگانش پس از او باید مجلس تذکر برپا دارند و قرمه‌سبزی به‌مهمانان بدهند.

فرهنگی در ظهور و فعالیت واحدهای پر قدرت سیاسی اختصاص دارد.

Political Instability

بی ثباتی سیاسی

در معرض تهدید قرار گرفتن یک رژیم یا نظام سیاسی که از طریق شاخصهایی مثل تغییر در هنجارهای عادی، تغییر در میزان مشارکت مردم در سیاست، تغییر در نظام حزبی، تغییر در جایگاه نظامیان، تغییر ریاست قوه مجریه و ترمیم کابینه، کودتای ناموفق، شورش، حملات چریکی و تروریسم به عنوان شاخصهای برخورد های خشونت بار و اعتصابات و تظاهرات به عنوان شاخصهای برخوردهای مسالمت آمیز مشخص می شود.

Politicalism

سیاستگرایی

علاقه داشتن به سیاست و مسائل اجتماعی و میهنی، داشتن شوق و شور یا وفاداری به حزب سیاسی.

Political Life

زندگی سیاسی؛ حیات سیاسی

وجود یا هستی شخص، گروه یا مکتبی در صحنه سیاست.

Political Migration

مهاجرت سیاسی

مهاجرتی که اساساً به خاطر علل یا عوامل سیاسی صورت گیرد. به عبارت دیگر، خروج داوطلبانه یا ناگزیر از میهن به علل سیاسی که یا باقیماندن مهاجر را در میهن، بدون ضرورت خاص، با خطرهای جدی همراه می ساخته و یا مانع از ادامه فعالیت سیاسی او می شده است. مهاجرت سیاسی می تواند ارتجاعی و یا مترقی و انقلابی باشد. مهاجرت انقلابی یکی از اشکال مهاجرت سیاسی است.

Political Offence

جرم سیاسی

۱- جرمی که موضوع منحصر و واحد آن، تخریب یا تزلزل یک یا چند عنصر از عناصر نظام سیاسی باشد. ۲- جرمی که بدون زیان رسانیدن به منافع خصوصی افراد و بدون داشتن عنوانی از جرائم اختصاصی، متعرض تشکیلات عمومی کشور به منظور تغییر دادن یا مختل کردن آن تشکیلات بشود. ۳- جرمی که به ضد وظیفه دولت و تشکیلات آن صورت گیرد. ۴- جرمی که علیه نظم سیاسی موجود و طرز اداره کشور انجام شود و هدف عام و عالی داشته باشد، برخلاف جرم عمومی و یاعادی که هدف خاص و پست دارد. ۵- اعمالی که به حقوق سیاسی دولت و حقوق سیاسی افراد لطمه وارد کند و مخل امنیت داخلی یا خارجی یک دولت باشد و مجرم یا مجرمین برای برهم زدن و براندازی رژیم حکومتی و نظام موجود، به اعتبار ایجاد یک نظام جدید که به گمان آنها بهتر و برتر است، قیام کرده باشند و بر اثر این قیام و شورش، موجب اختلال در اموری شوند که دولت از جهت نمایندگی قدرت عمومی، عهده دار آن است. ۶- جرائم ارتکاب یافته علیه دولت، حکومت، قوای عمومی و قواعد اساسی کشوری. ۷- جرائمی که علیه نظام سیاسی و علیه قانون اساسی حکومت و علیه حاکمیت کشور ارتکاب یابد و آن نظم عمومی را مختل نماید که قوانین بنیادی دولت و تفکیک قوا مستقر کرده اند. ۸- به نظر دکتر ناصر کاتوزیان، مفهوم جرم سیاسی هم مثل خود

می‌کند و نیز وسایل و موجبات پیشرفت آن را در نظر بگیرد، از مناسبات کشور خود با کشورهای دیگر و اوضاع آن کشورها و سیاست آنها آگاه باشد. سیاستمدار باید به سخن خود معتقد باشد و قصد فریفتن مردم را نداشته باشد. سخنور باید مردم را بشناسد و بداند در چه شرایطی هستند و به چه چیز دلبستگی و احتیاج دارند و از چه بیمناک و گریزانند و احساساتشان به کدام جانب متمایل است. به بیان دیگر، سخنور سیاسی باید از احوال روحیه شنوندگان و کسانی که می‌خواهند به منظور او بگرایند، آگاه باشد. سخنور باید همواره عدالت و انصاف و مروت و شرافت را در نظر داشته باشد و عموم مردم را به راه راست هدایت کند و مصالح و آبروی ملت و خیر عالم انسانیت را بخواهد. سیاستمدار باید بی‌تکلف و ساده و طبیعی سخن بگوید و در عین کشمکش و مخالفت با طرف مقابل، عقاید هر کس را محترم شمارد، زیرا هرچه سخنور نسبت به دیگران مؤدب‌تر باشد، خود محترم‌تر خواهد بود.

تأمین مالی سیاسی

Political Finance

تغذیه مالی احزاب سیاسی و رهبران و نامزدهای آنها و بویژه در ایام انتخابات و مبارزات انتخاباتی یکی از مسائل مهم و بحث‌انگیز است. از جمله راه‌های تأمین مالی می‌توان به کمک‌های اعضا و هواداران حزب، پشتیبانی مالی شرکت‌های تجاری، اتحادیه‌های کاری، سرمایه‌داران، میلیونرها، احزاب دیگر و یا سازمان‌های اطلاعاتی اشاره کرد. زمانی حزب کمونیست شوروی سابق به احزاب کمونیست کشورهای غربی کمک مالی می‌کرد. سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) آمریکا به احزاب ایتالیا کمک مالی می‌داد. بازرگانان هنگ کنگ به حزب محافظه کار انگلستان پول داده‌اند. موارد زیادی از فساد سیاسی ناشی از تأمین مالی غیرقانونی آشکار شده است.

نیروهای سیاسی

Political Forces

این واژه در مورد هر نوع حزب، گروه‌بندی، سازمان، نهضت، گروه فشار و نظایر اینها به کار می‌رود که در یک رژیم مستقر بخواهد بر نحوه حرکت سیاسی دولت اثرگذار و یا در صدد کسب قدرت باشد. هیچ نیروی سیاسی مشروعیت نمی‌یابد مگر آنکه در راه حق حرکت کند.

آزادی سیاسی

Political Freedom

حق دخالت و مشارکت افراد جامعه در اداره کشور، خواه به نحو مستقیم و خواه از راه انتخاب نمایندگان. آزادی سیاسی یکی از شرایط رژیم دموکراسی است و چنین رژیمی را رژیم دموکراتیک می‌خوانند. به نظر مونتسکیو آزادی سیاسی عبارت است از آرامش فکر هر فرد نسبت به سلامت نفس خویشتن و برای حصول این آزادی لازم است حکومت بر اساسی گذاشته شود که لازم نباشد کسی از دیگری خوف داشته باشد.

نسل سیاسی

Political Generation

اشخاصی که تجارب و وقایع سیاسی یک زمان معین را دیده باشند.

جغرافیای سیاسی

Political Geography

بخشی از جغرافیا که درباره حدود و مرز کشورها، روابط داخلی و بین‌المللی و تشکیلات اداری و اجتماعی آنها بحث می‌کند. بخشی از جغرافیای سیاسی نیز به شناخت تأثیر عوامل طبیعی و

مترادف است. هر اندازه یک نظام سیاسی از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله‌روی به خودمختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی نیز در آن نظام افزایش می‌یابد. نوسازی سیاسی بیشتر به برقراری تجملات سیاسی اشاره می‌کند، در حالی که توسعه سیاسی بیشتر جنبه رفتاری و بنیادی دارد. به بیان دیگر، در حالی که نوسازی سیاسی با جنبه‌های روبنایی توسعه سروکار دارد، توسعه سیاسی با دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود. سه عامل سازمان، کارایی، تعقل عملی و همبستگی ایدئولوژیک رهبران و پیروان را از لوازم توسعه سیاسی دانسته‌اند.

Political Economy (Economics)

اقتصاد سیاسی

نامی که مارکس و انگلس به علم اقتصاد داده‌اند و منظور از آن، بررسی و شناخت قوانین تولید و توزیع ثروتهای مادی در مراحل مختلف تکامل جامعه بشری است. اقتصاد سیاسی کلاسیک بورژوازی در جریان تکامل شیوه تولید سرمایه‌داری پدید آمد و نمایندگان برجسته آن، آدام اسمیت و دیوید ریکاردو بودند. این مکتب که پایه تحقیق علمی اقتصاد سرمایه‌داری را گذاشت، نظام سرمایه‌داری را بدون نقص می‌دانست و مدافع منافع بورژوازی بود. اقتصاد سیاسی خرده بورژوازی که معرف منافع اقلتار متوسط است، در آغاز قرن نوزدهم و همزمان با تشدید ورشکستگی تولیدکنندگان کوچک ظاهر شد. پرودون و سیسموندی از نمایندگان معروف این مکتب هستند که توانستند برخی از تضادهای سرمایه‌داری و راههای تکامل آتی آن را روشن کنند. اقتصاد سیاسی پرولتری (مارکسیستی) که توسط مارکس و انگلس تدوین شد و بیانگر قوانین عینی درونی پیدایش، تکامل و نابودی شیوه تولید سرمایه‌داری است.

Political Education (Instruction)

تربیت سیاسی

آماده کردن فرد برای مشارکت فعال در زندگی سیاسی و پذیرفتن مسئولیت در جامعه، آشنا کردن شخص با حقوق فردی و اجتماعی، نظامها و فلسفه‌ها و اندیشه‌های سیاسی، نقش سیاست در زندگی اجتماعی، مسائل سیاسی روز و موقعیت و پایگاهش در کشور و صحنه بین‌المللی. تربیت درست سیاسی هم موجب سعادت و همبستگی ملی و هم تفاهم بین‌المللی می‌شود.

Political efficacy

کارایی سیاسی؛ اثربخشی سیاسی؛ تأثیر سیاسی

توانایی نفوذ شخص بر سیاستمداران و نظام سیاسی.

Political Efficiency

کارایی سیاسی

کفایت، قابلیت، لیاقت و توانایی نفوذ شخص بر سیاستمداران و نظام سیاسی.

Political Eloquence (Oratory)

سخنوری سیاسی

سخنوری سیاستمداران یا افراد سیاسی است که در پارلمانها و مجامعی که در آنجا احزاب سیاسی یا طبقات مختلف مردم در سیاست و مصالح کشور تبادل افکار می‌کنند یا در انتخاب نمایندگان خود سخن می‌گویند. سخنور سیاسی باید از اوضاع گذشته و حال کشور خود مطلع باشد. استعداد و نیروی مادی و معنوی او را بدانند، مشکلات و موانع و مخاطرات امری را که پیشنهاد یارد

اقتصادی تا چه حدی روابط مبتنی بر ضابطه و بیطرفی رایج است). ۳- ماهیت نظام سیاسی. ۴- نظام جزائی. به نظر تانزی، در بعضی کشورها، فساد زیر سر رهبران سیاسی است. در بعضی دیگر، فساد از کارکنان دولت و کارمندان شهرداری سرچشمه می‌گیرد و در بعضی کشورها هم هر دو گروه دست به کار فسادند. دولتهائی هم که با برنامه‌های آرمانگرایانه قوی یا انقلابی به قدرت می‌رسند، ممکن است بتوانند مدتی با اتکا به آرمانها یا شور انقلابی فساد را کنترل نمایند. ولی به محض فرو نشستن تب آرمانگرایی و شور انقلابی، فساد ریشه می‌گیرد و گسترش می‌یابد. به طور کلی، در نظامهای مبتنی بر دموکراسی واقعی، فساد رهبران و مسئولان سیاسی معمولاً مهار می‌شود یا سرانجام افشا می‌شود و جلوی آن گرفته می‌شود و به ندرت به سطح افراطی موجود در حکومتها استبدادی می‌رسد.

بحران سیاسی

Political Crisis

حالی که در نتیجه آن، ثبات و توازن نظام سیاسی و اجتماعی برهم خورد. بحرانهای سیاسی را برحسب وسعت مکانی عوامل درگیر و گستره جغرافیائی تعارضات به دو دسته داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌کنند. بحرانهای سیاسی داخلی، شرایط غیرمعارفی است که معمولاً در ساختار سیاسی یک کشور بروز می‌کند و برحسب ماهیت، زمان، دامنه، شدت و نوع عوامل درگیر در آن شامل اشکال گوناگونی است مثل: مبارزه سیاسی گسترده و شدید بین احزاب و سازمانهای سیاسی رقیب برای کسب قدرت، ایجاد اختلافات شدید بین جناحهای مختلف حکومت، کودتای نظامی، اعتصابات دامنه‌دار، شورشهای خیابانی، درگیریهای قومی و جنگهای چریکی. بحرانهای سیاسی داخلی فقط ناشی از عملکرد عوامل داخلی یک کشور نیست، بلکه در عصر حاضر اغلب تحت تأثیر جریانهای سیاسی و اقتصادی است که از طرف کشورهای دیگر و نظامهای مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی اعمال می‌شود. بحرانهای سیاسی بین‌المللی نیز عبارت است از شرایط غیرمعارفی که در چارچوب روابط بین دو یا چند کشور بروز می‌کند و برحسب گستره جغرافیائی دارای اشکال گوناگونی است مثل: اختلاف بین دو کشور همجوار که مراحل مختلفی را از تیرگی روابط سیاسی تا جنگ را در برمی‌گیرد، بحران بین دو کشور غیرمجاور (بحران جزایر فالکلند یا مالویناس بین آرژانتین و انگلستان)، بحران در یک منطقه وسیع جغرافیائی و بحران در ابعاد جهانی.

فرهنگ سیاسی

Political Culture

۱- احساسات، تلقیات، باورها، آرمانها، هنجارها و ارزشهای فرهنگی یک جامعه یا نظام سیاسی. ۲- سطح دانش و ادراک طبقات گوناگون، اقشار اجتماعی و افراد، از قدرت و سیاست. ۳- جنبه‌های ویژه‌ای از فرهنگ عمومی جامعه که با چگونگی برخورد با سیاست، قدرت، اقتدار، آزادی، عدالت، دولت، حکومت یا نظام سیاسی و اینکه چه وظایفی را باید انجام دهد، ارتباط دارد و اصولاً حاصل تجربه تاریخی یک ملت در برخورد با حوادث و پدیده‌های سیاسی آن ملت است.

توسعه سیاسی

Political Development

افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه. توسعه سیاسی با رشد دموکراسی

Political Communication

ارتباط سیاسی

فرآیندی سیاسی که به جریان اطلاعات بستگی دارد. تا پیش از اختراع رادیو و تلویزیون، اطلاعات از طریق مطالب چاپی و برای مردم باسواد منتشر می‌شد. اما، سواد از زمان پخش برنامه‌های رادیو - تلویزیونی، دیگر ضرورت سابق را ندارد. در واقع، گسترش تبلیغات توسط حکومت‌های تمامیت خواه و خودکامه در میان مردم بیسواد به واسطه رسانه‌های جمعی الکترونیکی آسان‌تر شده است. ارتباطات بر تمام جنبه‌های سیاست اثر می‌گذارد، اما دو ویژگی برجسته آن در دنیای کنونی عبارت است از: ارتباط بین سیاستمداران و شهروندان و ارتباط بین دولت‌های مختلف. فقدان ارتباط ممکن است عواقب وخیم و ناخوشایندی به بار آورد.

Political Consultant

مشاور سیاسی

رایزن حرفه‌ای که تخصص و مهارت کاری خود را در اختیار متقاضیان دولتی یا غیردولتی قرار می‌دهد.

Political Correctness

درستی سیاسی؛ ادب سیاسی

این اصطلاح در دهه ۱۹۸۰ در آمریکا رایج شد و منشاء فکری آن، این عقیده است که زبان، منعکس کننده ایدئولوژی است. اگرچه این اصطلاح را دانشمندان علم سیاست نساخته‌اند ولی در مباحثات آکادمیک پذیرفته شده و موضوعی بحث‌انگیز است. درستی در این مبحث، بیانگر آن است که بعضی واژه‌ها، نادرست، ناخوشایند و آزاردهنده‌اند و فقط نشانه نادانی و تعصب و غرضند. چنان واژه‌هایی را قبل از همه، واژه‌هایی تشکیل می‌دهند که با جنسیت، جهت‌گیری جنسیتی، نژاد و شرایط جسمی ارتباط دارند: مردانگی (دلیری و شجاعت)، ترک‌تازی (تاخت و تاز برای غارت و تاراج)، کور (شخصی که به صورتی دیگر می‌بیند یا روشن‌دل)، تشبیه یک کشور به غده سرطانی، chairman به جای Chairperson.

Political Corruption

فساد سیاسی

استفاده از قدرت سیاسی برای هدف‌های شخصی و نامشروع. فساد مالی و اداری از جنبه‌های مهم فساد سیاسی است. ویتوتانزی، عوامل اشاعه فساد (یعنی عدم رعایت عمده ضابطه و اصل بیطرفی به قصد استفاده از نفع و امتیازی برای خود یا افراد وابسته و نزدیک به خود) را از جمله ناشی از موارد زیر دانسته است: ۱- مقررات (مثل صدور انواع مجوز و اجازه‌نامه، منطبقه‌بندی فعالیتها و انواع مقررات دیگر دارای ارزش اقتصادی زیاد). ۲- وجود جرائم برای نقض واقعی یا اتهامی موازین قانونی موجود ۳- نظارت بر قراردادهای خرید. ۴- نظارت بر قراردادهای سرمایه‌گذاری دولتی (تأسیسات زیربنایی مثل راه، پل و فرودگاه) که امکان دارد بعضی مناطق را بهره‌مند یا بعضی از پیمانکاران را ثروتمند کند. ۵- برنامه‌هایی که به ایجاد انگیزه‌های مالیاتی مربوط است، اعتبارات دارای یارانه یا سوبسید و گرانی قیمت ارز. ۶- نظارت بر استخدام و ارتقاء. ۷- نظارت بر دسترسی به خدمات عمومی که به بهای کمتر از قیمت تمام شده عرضه می‌شود. ۸- اداره امور مالیاتی. به نظر این محقق، در هر کشوری معمولاً چند عامل، نقش و میزان تأثیر فساد را تعیین می‌کنند: ۱- دولت و مجموعه ابزارهای مورد استفاده آن. ۲- خصوصیات اجتماعی جامعه (مثلاً در مناسبات اجتماعی -

Political Anthropology

انسانشناسی سیاسی؛ مردمشناسی سیاسی

انسانشناسی، مطالعه انسان و فرهنگ جامعه انسانی است، اما با توسعه جامعه‌شناسی، معنی و مفهوم مطالعه فرهنگهای بویژه جوامع اولیه را پیدا کرده است. در این چارچوب، راه برای بررسی سیاست جوامع (اولیه) نیز باز شده است.

Political Apathy

بی‌اعتنایی سیاسی؛ بی‌عملی سیاسی؛ بی‌علاقگی سیاسی

کمبود علاقه به سیاست یا احساس عدم تعهد سیاسی و عدم درک مسائل که اساساً ریشه اجتماعی دارد و ترس از ایجاد درگیری بزرگترین دلیل ایجاد آن است. بی‌اعتنایی دارای اشکال و دلایل مختلف است: بی‌علاقگی به سیاست به این دلیل که تصور می‌شود سیاست فقط مربوط به گروههای کوچک و برگزیده مردم است و اکثریت مردم نمی‌توانند در آن نقشی داشته باشند؛ تصور این که دولت و سیاست به منظور برقراری نظم اجتماعی ایجاد شده تا مردم در پناه آن بتوانند به‌امور خود بپردازند؛ مخالفت کردن با سیاست و مردود شمردن نظامهای سیاسی در موقعی که فرد، نیروی خود را برای دخالت در آن کافی نمی‌داند.

Political Arithmetic

حساب سیاسی

واژه مربوط به علم اقتصاد قرن هفدهم که بویژه توسط سرویلیام پتی برای اشاره به علم اقتصاد سیاسی مصطلح شد. وی در کتابی تحت عنوان حساب سیاسی، مطالعه‌ای تطبیقی درباره جمعیت کشورهای اروپایی به‌عمل آورد.

Political Asylum

پناهندگی سیاسی

پناهندگی سیاسی یا پناهندگی درونمرزی، دادن پناه است به فراریان متهم به ارتکاب جرائم سیاسی یا کسانی که در کشورهای دیگر به دلایل سیاسی مورد تعقیب و اذیت و آزار واقع شده‌اند.

Political Balance

موازنه سیاسی

سیاست موازنه، یعنی جلوگیری از تفوق دولتهای بزرگ در صحنه سیاست بین‌المللی.

Political Behaviour

رفتار سیاسی

این واژه در فرهنگ سیاسی آمریکا برای اشاره به فعالیت سیاسی افراد و پیامدهای آن برای نهادهای سیاسی به کار می‌رود.

Political Cadre

کادر سیاسی

کارکنان متخصص، وارد، با مهارت و تجربه‌معین که در رشته سیاسی به‌فعالیت دائم اشتغال دارند. کادر سیاسی برای فعالیتهای دولتی و سازمانهای سیاسی و اجرای سیاست و تحقق برنامه‌های مربوطه، دارای اهمیت ویژه‌ای است.

Political Club

کلوب سیاسی؛ باشگاه سیاسی

باشگاهی که فعالیتهای مختلف اجتماعی جهت جلب نظر مردم انجام می‌دهد. این گونه باشگاهها معمولاً وابسته به احزاب و سازمانهای سیاسی است.

Policy-Making

سیاستگذاری؛ سیاستگری؛ سیاست‌سازی؛ تعیین خط‌مشی

فرایند اخذ تصمیم در مورد یک خط‌مشی که باید در آتیه پیگیری شود و مورد عمل قرار گیرد. عده‌ای صورت درست این واژه را سیاست‌گزاری دانسته‌اند و نه سیاست‌گذاری. اما به نظر فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران، از آنجا که منظور از سیاست‌گذاری، وضع کردن و تعیین سیاست و نه شرح کردن و ادای آن، بنابراین باید با فعل گذاردن نوشته شود. در مورد قانونگذاری نیز که هدف، تعیین و وضع قانون است، از همین املا استفاده می‌شود.

Polis

پولیس؛ دولت‌شهر؛ حکومت بلدی

در قرن‌های پنجم و چهارم قبل از میلاد مسیح، مردم یونان در شهرهایی (مثل آتن و اسپارت) زندگی می‌کردند که هر یک به‌مثابه دولتی جداگانه بود و به‌همین مناسبت آنها را پولیس یا دولت‌شهر نامیده‌اند. هر پولیس مرکب بود از یک هسته شهری که اطراف آن کشتزارهایی گسترده بود و شهریان، همه یا بیشتر خواربار خود را از فرآورده آنها به‌دست می‌آوردند. تمام شهروندان بالغ که شماره آنها از چهل و پنج تا پنجاه هزار تن در نمی‌گذشت، حق رأی داشتند و چون همگی آنان عضو مجلس ملی بودند مستقیماً در حل و فصل امور شرکت می‌کردند و همین مجلس، عالی‌ترین مرجع حاکمیت ملی نیز بود. طبعاً برخی از شهروندان علاقه‌ای به شرکت در جلسات مجلس نداشتند و برخی نیز چون خارج از شهر زندگی می‌کردند، این کار را دشوار می‌یافتند، ولی همگی بالقوه می‌توانستند در مجلس شرکت نمایند.

Politburo

دفتر سیاسی؛ پولیت بورو

کمیته اجرایی و تعیین‌کننده اصلی خط‌مشی سیاسی یک حزب (کمونیست).

Politeness

نزاکت؛ ادب

خصوصیتی که با رفتار احترام‌آمیز شخص نسبت به دیگران مشخص می‌شود، مثل: توجه و ملاحظه، نیکوکاری، آمادگی برای خدمت کردن به دیگران، حرمت‌گزاردن و ظرافت‌گفتاری.

Political

سیاسی؛ اهل سیاست

منسوب به سیاست یا صفتی که به‌طور کلی در مورد امور مربوط به دولت و حکومت، سیاست و احزاب به‌کار می‌رود. همچنین به‌معنی کسی است که از موقعیتهای محیط برای تحقق هدفهای سیاسی استفاده می‌کند.

Political Access

دسترسی سیاسی

توانائی جلب توجه اشخاص به موقعیت‌های نفوذ در جهان سیاست برای پیشبرد هدفهای سیاسی و اقتصادی. کسب دسترسی سیاسی، بویژه کار اصلی عوامل فشار و نفوذگران بر اعضای قوه مقننه است.

Political Affairs

امور سیاسی

موضوعها و امور مربوط به دولت و حکومت و حفظ موجودیت ملی و امنیت داخلی و خارجی و تهیه و اجرای اصول کلی درباره این امور و موضوعها.

پلیس

Police

۱- سازمان تنظیم کننده اخلاقیات و آرامش و آسایش و بهداشت عمومی و تأمین کننده نظم عمومی و مجری قوانین. ۲- متصدی حفظ کلی نظم عمومی در یک جامعه سیاسی. ۳- سازمان دولتی که به منظور برقراری نظم و امنیت و حفظ جان و مال اشخاص، حمایت از قانون اساسی، جلوگیری از وقوع جرم، کشف جرم، دستگیری مجرم و اجرای کیفر ایجاد شده است. معمولاً پلیس را به دو قسمت کلی تقسیم می‌کنند: پلیس اداری و پلیس قضایی. پلیس اداری خود به دو مفهوم وسیع و محدود به کار می‌رود. معنی وسیع آن هر نوع نظارت و مداخله‌ای است که دولت برای حفظ نظم عمومی و فعالیت افراد در جامعه به عمل می‌آورد. طریق دخالت و نظارت در حفظ نظم، وضع آیین‌نامه‌ها و مقررات و اجرای آنها است. در این صورت، کلیه مقامات دولتی کار پلیسی انجام می‌دهند. مفهوم محدود پلیس اداری، کلیه اقداماتی است که به منظور جلوگیری از وقوع جرائم و بی‌نظمیها و اغتشاشات به عمل می‌آید. فعالیت پلیس قضایی ناظر به مواقعی است که یک اقدام ضداجتماعی یعنی جرمی صورت گرفته باشد. در این صورت، پلیس قضایی مبادرت به کشف جرم و جمع‌آوری دلایل و دستگیری مجرم می‌کند. قدرت و اختیار پلیس در هر کشوری متفاوت است. ماهیت پلیس (به‌عنوان وسیله اجرای قانون) نیز تا اندازه‌ای ناشی از خصوصیت همان قانونی است که پلیس مجری آن است. در مورد وضعیت پلیس در هر کشوری باید از جمله به نکات زیر توجه کرد: ۱- تعداد پلیس به نسبت جمعیت کشور. ۲- اختیارات پلیس در مورد جستجو (با یا بدون مجوز)، دستگیری، بازداشت، بازجوئی و در بند کردن. ۳- مقررات برای حمایت جدی از شهروندان در مقابل خودسری مأموران انتظامی. ۴- حد آزادی پلیس در مخفیانه عمل کردن. ۵- پلیس از چه اسلحه‌ای و در چه شرایطی می‌تواند برای اجرای قانون استفاده کند.

دولت پلیسی

Police State

دولتی که در آن اداره و اجرای نهایی امور دولتی نه از طریق ارگانهای قضایی و قانونی، بلکه توسط نیروی خودسر پلیس دولتی و بویژه پلیس مخفی صورت می‌گیرد. این واژه در مورد دیکتاتوریهایی که در آنها پلیس مخفی یکه‌تاز میدان است، به کار می‌رود.

خطمشی؛ سیاست

Policy

این واژه به معنی طرح کلی و رتوس مطالب برای اقدام، یا برنامه و نظر و عمل سیاسی است. اصولاً در هرامری، دولتها، سازمانها و یا افراد، دارای نظر و برنامه و روش اجرایی ویژه‌ای هستند که از آن به‌عنوان سیاست یا خطمشی یاد می‌شود. مثلاً اگر دولت یا فردی بگوید که فرهنگ باید با توجه به شرایط بخصوص کشور اصلاح شود، سیاست و خطمشی فرهنگی دولت یا فرد مزبور تشریح شده است.

سیاستگذار؛ سیاستگر؛ سیاست‌ساز؛ تعیین‌کننده خط مشی

Policy-Maker

سازمان یا فردی که هم در طرح و تعیین سیاست شرکت دارد و هم در اجرای آن سهیم است، مثل رؤسای دولتها، وزیران و نمایندگان مجلس.

Pogrom

پوگروم؛ جمع کشی؛ قوم‌کشی؛ یهودی‌کشی

۱- واژه روسی که در اصل به معنی آشوب و بلواست ولی در مورد حمله به یهودیان روسیه یا سرزمینهای تحت سلطه آن دولت به کار رفته است. ۲- تعقیب و آزار و کشتار سازمان یافته یهودیان یا اقلیتهای دیگر.

Point Four

اصل چهار

هاری ترومن در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۹ ضمن نطق افتتاحیه (ریاست جمهوری) خود، اصولی را مطرح کرد که چهارمین اصل آن حاکی از کمک آمریکا به کشورهای کم‌رشد برای رویارویی با کمونیسم بود. اما هدف واقعی برنامه اصل چهار، تأمین برتری سرمایه آمریکا بر اروپا و تحکیم مبانی نفوذ و استیلای آمریکا و غارت منابع ثروت جهان زیر پوشش کمک بود.

Point of Order

اخطار نظامنامه‌ای

یادآوری این نکته که مورد مطرح شده در یک جلسه رسمی در چارچوب آئین‌نامه‌ها و مقررات پذیرفته شده برای چگونگی انجام کار صورت گیرد.

Polarization

قطبی‌شدن؛ قطب‌بندی

۱- حالتی که به موجب آن، یک گروه سیاسی یا اجتماعی در مورد مسأله‌ای به زیرگروه‌های مخالفی تقسیم گردد. ۲- تعارض یا پدید آمدن تشتت در افکار عمومی که در موقع تصمیم‌گیریهای سیاسی و اجتماعی آشکار می‌شود.

Pole

قطب

در سیاست بین‌المللی عبارت است از واحد یا واحدهای سیاسی که از نظر برخورداری از قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، ایدئولوژی، جاذبه‌های فرهنگی و یا ترکیبی از این عوامل به جذب و اتصال واحدهای سیاسی دیگر می‌پردازد و بدین وسیله، مرکز ثقل مهمی را در روابط بین‌المللی ایجاد می‌کند، مثل مدل دوقطبی آمریکا و شوروی سابق.

Polemics (Polemique)

بحث؛ جدل؛ مناظره

گفتگوی دو یا چند نفر دربارهٔ موضوعی که بحث‌کنندگان در آن اتفاق نظر نداشته باشند و هر کس بکوشد تا با آوردن دلایل و شواهد، نظر خود را ثابت کند و اصولاً یکی از اشکال مهم و رایج حل تنازع با دوست، مخالف و یا دشمن اجتماعی است. بحث مثل یک ورزش فکری - بیانی است و باید قواعد مشخص داشته باشد تا آشکار شود که نتیجه آن چیست. شرایط یک بحث جدی آن است که: الف) دو حکم متقابل مورد نزاع منطقی فرمولبندی شود تا معلوم گردد بحث بر سر چیست و تزه‌های متضاد کدام است. ب) نفر اول، استدلالات خود را به سود حکم خود بیان کند. پ) نفر دوم، آن استدلالات را می‌پذیرد یا رد می‌کند، و استدلالات اضافی خود را می‌افزاید. ت) این جریان تازمانی که ضرورت دارد ادامه می‌یابد. دو طرف بحث، باید دقیق و صبور باشند. سخن یکدیگر را یادداشت کنند و یا به خاطر بسپارند و در هر نکته‌ای که به توافق رسیدند اعلام نمایند و آن را از جریان بحث خارج سازند تا بار بحث سبکتر شود. دیگران نیز با توجه به جرم و بحث می‌توانند حق را از باطل تمیز دهند و تصورات صحیح را از ناصحیح بازشناسند.

حقارت و احساس گناه، خودخواه، تنگ نظر، الکی خوش و هیجان زده بسازد.

Pledge of Allegiance

بیعت

پیمان بستن به فرمانبرداری و اطاعت از کسی (مثل فرمانروا یا رئیس دولت). بیعت در حقوق اساسی اسلام، نوعی شیوه انتخابی برای تعیین جانشین رسول اکرم (ص) است.

Plenum

پلنوم؛ مجمع حزب؛ جلسه عمومی

مجمعی که با شرکت همه اعضای رهبری یا هیأت مدیره انجمن، سازمان، حزب، اتحادیه و نظایر اینها تشکیل می‌شود. در حزبهای سیاسی، مجمع متشکل از مجموع اعضای کمیته مرکزی حزب را پلنوم کمیته مرکزی همان حزب می‌گویند. پلنوم امکان دارد محدود و یا وسیع باشد. در صورت محدود بودن، فقط اعضای اصلی در آن شرکت می‌کنند. در پلنوم وسیع، علاوه بر اعضای اصلی، عده‌ای از کارشناسان در زمینه‌های مختلف نیز در آن شرکت می‌کنند.

Plurality

اکثریت نسبی

در انتخابات با کاندیداهای متعدد که هیچ یک از آنها موفق به کسب اکثریت مطلق آرا نشود، کاندیداهای دارای رأی بیشتر انتخاب می‌شوند.

Plural Society

جامعه چندگانه

جامعه‌ای مدنی که در آن چندین جامعه در یک سرزمین واحد بسر می‌برند و به نحوی مسالمت‌آمیز بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و از جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز دارای وابستگی متقابلند.

Plutocracy

حکومت توانگران؛ زرسالاری؛ حکومت پول

حکومت و نفوذ طبقه ثروتمند و توانگر در یک جامعه. بر اثر تسلط الیگارشی مالی، آزادیهای بورژوازی نیز محو می‌شود و نوعی از تمرکز قدرت دولتی را در دست قشر فوقانی طبقه حاکم ایجاد می‌کند که آن را پلوتوکراسی می‌خوانند. در این حالت، شرکت پول پرستی جای ارزشهای معنوی را می‌گیرد.

Pluto-Democracy

پلوتودموکراسی

ترکیبی از پلوتوکراسی یا توانگرسالاری و دموکراسی یا مردم سالاری. به عقیده پارتو (۱۸۴۸-۱۹۲۳) جامعه‌شناس ایتالیایی، حل شدن سریع کارگران در سازمان سیاسی و اجتماعی ملت عملاً به معنی متحد شدن بورژوازی با مردم کارگر یا بورژواشدن کارگران است که سپس این امر موجب دستگاهی جدید می‌گردد که پلوتودموکراسی نام دارد.

Pocket Veto

مخالفت بی سروصدا؛ وتوی ساکت

وتوی پارلمانی که براساس آن رئیس جمهوری آمریکا، لایحه‌ای را که برای امضای او فرستاده شده است، امضا نمی‌کند و روی میز خود نگه می‌دارد.

موجب شد که بهره‌برداری از واحدهای کوچک زراعی دیگر با صرفه نباشد و اغلب آنها در کشتگاهها جذب کردند.

Planted Editorials

سرمقاله‌های کاشته شده

کاشتن خبر یا مقاله و کاریکاتور در مطبوعات، یک اصطلاح روابط عمومی است، به این معنی که مسئولان روابط عمومی سازمانهای دولتی یا خصوصی، فکر یا سؤالی را به طور غیر مستقیم به نویسندگان و خبرنگاران جراید القا می‌کنند به نحوی که موضوع مورد نظر نه به صورت اعلان، بلکه به عنوان عقیده مستقل روزنامه یا دیگر وسایل خبری منعکس شود. اکنون مفهوم این واژه مترادف با کنترل و اعمال نظر در مطبوعات است.

Platform

پلاتفرم؛ برنامه؛ برنامه (سیاسی)

۱- برنامه کار، خط مشی، برنامه و اصول عقاید حزبی. ۲- اصول و سیاستهایی که متضمن حل و فصل بخش بزرگی از مسائل عمومی است و از طرف حزب، به عنوان مبنایی برای جلب حمایت عمومی پذیرفته می‌شود. پلاتفرم در اصل، جمع تئوری و تجربه‌ای است که راهنمای حزب، جامعه، گروه و یا سازمان سیاسی قرار می‌گیرد.

Plebeian

پلبین؛ طبقه پایین (روم)؛ عامی

در روم باستان به اعضای طبقه عوام گفته می‌شد که زیر سلطه پاتریسینها قرار داشتند. اصطلاح پلبین به معنی سبک یا روش خشن و ستمکارانه نیز به کار می‌رود.

Plebiscite

پله‌بیسیت؛ مراجعه به آحاد ناس؛ همه پرسی

جلب نظر ساکنان یک سرزمین در مورد الحاق به یک دولت، یا مراجعه به تمام افراد جامعه در مورد این امر که تابعیت چه کشوری را می‌پذیرند. به این ترتیب، ساکنان سرزمین واگذاری، به وسیله پله‌بیسیت، الحاق وارد و یا قبول می‌کنند. تمام وحدت ایتالیا (۱۸۶۰-۱۸۷۰) توسط پله‌بیسیت صورت گرفت، چراکه استانهای نظیر سیسیل، و نیز، لمباردی و رم پس از مشاوره با مردم، جزء کشور پادشاهی ایتالیا شناخته شد. در مورد الحاق ساوا و نیس به فرانسه نیز که طبق معاهده تورن (۱۸۶۰) صورت گرفت، دوبار به آرای عمومی مراجعه شد. رویه بین‌المللی معاصر درباره پله‌بیسیت به سه سمت متمایل است: ۱- مراجعه به مردم پس از پایان عمل واگذاری، معتبر نیست. ۲- تمایل به دادن رأی مخفی. ۳- اجرای پله‌بیسیت تحت نظارت و مراقبت: یا از طریق کنترل دسته‌جمعی مثلاً توسط کمیسیون بین‌المللی ویژه، یا از طریق کنترل بیطرفانه کشور ثالث و یا از طریق کنترل ناظران بیطرف.

Plebs

عوام

مردم عامی یا طبقات پایین جامعه. طبقه خواص در طول تاریخ با وسایل و شیوه‌های گوناگون کوشیده است که عوام را از فرهنگ ساده‌اش جدا سازد و آن را به اختیار خود در آورد و با تحمیل نیازها، وجدان و شناخت کاذب، زبونی بیرونی آنها را به زبونی درونی مبدل نماید و از آنها افرادی کوتاه‌فکر، تلقین‌پذیر، ابله، گدامنش، قدرگرا، متملق، زورپرست و ضعیف‌کش، اسیر احساس

سرخ Red، به رنگ صورتی Pink در آمده اند که کنایه از روی کار آمدن کمونیستهای میانه‌رو است.

Piracy

دزدی دریایی؛ دریازنی

عمل تعدی‌آمیز غیر قانونی یا توقیف یا هر عمل غارتگرانه‌ای برای مقاصد خصوصی، به وسیله کارکنان یا مسافران یک کشتی یا هواپیمای خصوصی در دریاهای آزاد، علیه کشتی یا هواپیمای دیگر و یا علیه اشخاص یا اموال واقع در کشتی یا هواپیمای مزبور یا واقع در محلی خارج از حوزه صلاحیت هر کشور علیه کشتی یا هواپیما یا اشخاص و یا اموال انجام شود، و هرگونه شرکت آزاد در به‌کار انداختن و بهره‌برداری از کشتی یا هواپیما و یا علم به این موضوع که این وسایل به صورت وسایل دزد دریائی درمی‌آید و هر عملی که موجب تحریک عمدی یکی از اعمال فوق شود. دزدی یا راهزنی دریائی را نباید با دستگیر کردن کشتی به وسیله انقلابیون و آنها هم به منظور سیاسی اشتباه کرد.

Placement

تعیین جا

در امر تشریفات دیپلماتیک، فن جادادن به دیپلماتها در پذیرایی‌های رسمی است به گونه‌ای که مانع از بروز اختلاف گردد. در مواردی که بین تقدم از لحاظ مقام و تقدم از لحاظ ادب تعارضی وجود داشته باشد، باید با فراست و موقع‌شناسی این مشکل را حل کرد.

Plank

قسمت مهم برنامه؛ قسمت مهم برنامه حزب

بخشی از برنامه حزبی که به یک موضوع مشخص اشاره می‌کند و یا هر ماده، بند و اصل مندرج در پلانفرم یک حزب سیاسی.

Planned Economy

اقتصاد برنامه‌دار؛ اقتصاد با نقشه

۱- تبدیل اقتصاد نسنجیده یا بی‌برنامه سازمانهای خصوصی به اقتصاد سنجیده یا برنامه‌دار دولتی. ۲- متمرکز کردن صنایع و تخصیص منابع تولید بر اساس برنامه تنظیم شده دولت.

Planning

برنامه‌ریزی

تمام فرایندی که از آماده کردن یک برنامه (مجموعه‌ای از امکانات ویژه و گزینش وسایلی چند بر اساس استدلال و انتظام و به منظور نیل به یک هدف یا اجرای یک طرح) آغاز می‌شود و با اجرا و به‌کار انداختن عملی وسایل برای تحقق آن ادامه پیدا می‌کند. برنامه‌ریزی بر حسب نظامهای اقتصادی، سیاسی و میزان توسعه یک جامعه، متمایز می‌شود. آماده‌سازی برنامه، متضمن مراحل مختلفی مثل تعیین جهات کلی و نیز تعیین هدفها برای مدت معین است و باید تمام وسایل لازم برای تحقق آن در زمینه‌های سیاسی، اداری، مالی، فنی و جزاینها در نظر گرفته شود.

Plantation System

نظام کشتگاهی

نوعی نظام بهره‌برداری کشاورزی که در اواسط قرن نوزدهم میلادی در ایالات جنوبی آمریکا برقرار شد و بر اساس آن، مالک و تشکیلات مدیریت او نیروی برده‌ها را به کار گرفته و اراضی وسیعی را به کشت کالاهای معینی مثل پنبه، توتون و نیشکر اختصاص می‌دادند. وجود چنین نظامی

سکس و کشت و کشتار زیاد است که در مواردی کودکان و حتی بزرگسالان پس از مشاهده این گونه فیلمها، صحنه‌های آنها را عملاً تکرار کرده و باعث مرگ خود و یا دیگران شده‌اند. اصولاً بینندگان وسایل ارتباطی تصویری الکترونیکی احتیاج به آشنایی با خواندن و نوشتن ندارند و هر فردی می‌تواند در مقابل آنها قرار گیرد و از آنها استفاده کند. با توجه به تأثیر تصویر در ذهن، می‌توان به نقش رسانه‌های تصویری در بالا بردن یا کوبیدن جوامع پی‌برد. رسانه‌های تصویری الکترونیکی در جوامع صنعتی غربی معمولاً وسایلی هستند برای کسب درآمد و نه تنها مردم را به خرید کالاها تولید شده در کشورهای سرمایه‌داری غرب تشویق می‌کنند بلکه ارزشهای اجتماعی، خانوادگی و فردی این کشورها را نیز اشاعه می‌دهند و بویژه بر فرهنگ سرمایه‌داری تأکید می‌کنند. ویزن‌بام استاد آلمانی مؤسسه تکنولوژی ماساچوست آمریکا در مورد بازیهای کامپیوتری گفته است: اکثر این بازیها واقعاً چه چیزی عرضه می‌کنند؟ پاسخ عبارت است از جدائی میان آنچه که انسان انجام می‌دهد و قبول مسئولیت در برابر آن کار. اکثر بازیها پر از خوشنند. در این بازیها، شهرها و... نابود می‌شوند، آدمکهای ماشینی یا روباتها یکدیگر را از بین می‌برند و همه اینها باید به سرعت انجام گیرد. در دنیای واقعی ما، در جریان چنین کارهایی، انسانها هستند که می‌میرند. اما کودک، تمرین داده می‌شود که به این نکته فکر نکند.

Pigeonholing

به بایگانی سپردن؛ در بوته فراموشی گذاشتن

اشاره به مسکوت گذاشتن، مانع تصویب شدن، رد کردن و به بایگانی سپردن یک پیشنهاد یا لایحه توسط کمیته کنگره آمریکا است، زمانی که از رأی دادن به اینکه آیا لایحه برای ملاحظه به مجلس نمایندگان می‌رود یا سنا، امتناع می‌کند.

Pillarization

ارکان‌بندی

این اصطلاح، ترجمه انگلیسی از واژه هلندی *Verzuiling* است و برای اشاره به تقسیم جامعه هلندی به چهار قسمت مختلف و با سوابق دینی، فرهنگی و ایدئولوژیکی مختلف به کار رفته است که عبارتند از: کاتولیکها، پروتستانها، لیبرالها و سوسیالیستهای غیردینی (سکیولار). هریک از آنها گروه‌های ذینفع، رسانه‌ها و حزب سیاسی مخصوص به خود را دارند.

Ping Pong Diplomacy

دیپلماسی پینگ پنگ

در سال ۱۹۷۱، ریچارد نیکسون رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا، لزوم تشویق چین به ایجاد روابط سازنده با جامعه جهانی را یادآوری نمود. پاسخ چین به این اعلام آمادگی، به صورت دعوت تیم تنیس روی میز آمریکا - که برای شرکت در مسابقات جهانی به‌زاین مسافرت کرده بود - به‌پکن به‌منظور انجام یک دوره مسابقه با قهرمانان چینی متجلی شد و از این رو، دیپلماسی پینگ پنگ نام برد.

Pink

چپ‌گرا؛ کمونیست میانه‌رو

در فرهنگ سیاسی آمریکا برای اشاره به فرد یا سیاست متمایل به چپ به کار رفته است. از اوایل سال ۱۹۹۶ نیز رسانه‌های غربی به این نکته اشاره کردند که کشورهای اروپای شرقی و روسیه سابقاً

فیلسوفشاه

Philosopher-King

از نظر افلاطون، شهریاری که فلسفه بداند یا فرد ایده‌آلی برای حکومت کردن که با خرد و فضیلت به منافع عمومی خدمت کند تا از طریق قوانین ظالمانه.

سرمایه مادی

Physical Capital

به کالاهای سرمایه‌ای قابل لمس، مثل تجهیزات، ماشین آلات، کارخانه و ساختمان اطلاق می‌شود. سرمایه فیزیکی یا مادی در برابر "سرمایه انسانی" به کار می‌رود.

طبیعت‌گرای؛ فیزیوکراسی؛ مکتب طبیعیون

Physiocracy

مکتبی که زمین را یگانه منبع ثروت و کشاورزی را تنها عامل رشد فرآوری می‌داند. مکتب مقابل آن "سوداگری" است.

فیزیوکراتیسم؛ مکتب طبیعیون؛ طبیعت‌مداری

Physiocratism

مکتبی که معتقد به عدم دخالت دولت در فعالیتهای خصوصی و اقتصادی انسان است و زمین و کشاورزی را تنها منبع ثروت می‌داند. سیاست اقتصادی مرکانتی‌لیستی که با اتکاء به تولید بیشتر و کوشش برای صادرات (که به نوبه خود موجب استعمار کشورهای دیگر شد) منجر به افزایش ثروت ملل اروپا گردید، در اواخر قرن ۱۸ با مخالفت فیزیوکراتها یا قائلین به سلطه طبیعت مواجه شد. سیاست صنعتی کردن که بعد از انقلاب صنعتی، توسط مرکانتی‌لیست‌ها یا سوداگران اعمال می‌شد، باعث کاهش محصولات کشاورزی و قیمت این گونه محصولات در بازار گردید و به دنبال آن فرار کشاورزان از روستاها به شهرها آغاز شد. مقررات دادوستد داخلی به علت سیاست اقتصادی سوداگران، ناراحتیهای زیادی برای اصناف نیز ایجاد کرد. ظاهراً فیزیوکراتیسم اولین تحلیل سیستماتیک تولید سرمایه‌داری به شمار می‌رود. یکی از پیشوایان این مکتب، فرانسوا کنه (۱۷۷۴-۱۶۹۴) بود. فیزیوکراتها عقاید خود را علیه حکومت فنودالی استبدادی فرانسه بیان کردند. آنها فقط کار را مولد می‌دانستند و آن هم کاری که در کشاورزی اعمال شود. فیزیوکراتها با ارائه شعار آزادی اقتصادی (لسه‌فر، لسه‌پاسه: بگذارید بکنند، بگذارید بگذرد) برخلاف مرکانتی‌لیست‌ها خواهان عدم دخالت دولت در صنایع و بازرگانی بودند.

مراقبت اعتصاب؛ پاسداری اعتصاب؛ منع اعتصاب شکنی

Picketing

ایستادن کارگران اعتصاب‌کننده در مقابل در ورودی کارخانه یا مؤسسه در حال اعتصاب تا از ورود کارگران و افراد دیگر به محوطه واحد صنعتی جلوگیری کنند. این عمل در هر حال نشانگر بروز اختلاف حرفه‌ای، و در بسیاری از موارد، نشان دهنده یک اعتراض اجتماعی و حتی گاهی سیاسی است. مراقبت اعتصاب به شکل مسالمت‌آمیز، در برخی از کشورهای صنعتی، بخشی از آزادی بیان تلقی شده است.

تهاجم تصویری

Pictorial Invasion

این واژه بیانگر جنبه‌های مخرب برنامه‌های تلویزیونی (ماهواره‌ای)، بازیهای کامپیوتری، فیلمهای ویدیویی و سینمایی است. مثلاً در بعضی فیلمهای سینمایی آمریکایی به قدری جنجال،

Petty-Bourgeois Revolutionism**انقلابیگری خرده بورژوازی**

در ادبیات سیاسی چپ به انقلابیگری کاذبی گفته می‌شود که پیش از درآمدن پرولتاریا به صورت یک طبقه، ظهور کرد و اساساً ریشه در مناسبات اجتماعی ماقبل سرمایه‌داری دارد، و بسته به اشکال خاص تلاشی تولید کالایی کوچک و نیز شرایط خاص تاریخی در کشورهای مختلف، از ریشه‌های متفاوتی برخوردار است. مشخصات عمده‌ای که در همه اشکال این گونه انقلابیگری مشاهده می‌شود به شرح زیر است: ذهن‌گرایی افراطی، اکراه از به حساب آوردن قوانین عینی تکامل اجتماعی، ایمان کورکورانه به نیروی معجزه‌آفرین شعارها، ماجراجویی مطلق یا بی‌هیچ فعالیتی به انتظار روزهای بزرگ نشستن و ایدئولوژی التقاطی. خرده بورژوا که از سرمایه‌داری متوحش است، به آسانی به سرانشیب انقلابیگری افراطی می‌غلطد، اما قادر نیست بردباری، تشکل، انضباط و ایستادگی لازم را فراگیرد و از این رو، سریعاً به اطاعت و تسلیم، بی‌عملی، پنداریافی و حتی به سمت جریانات بورژوازی کشیده می‌شود. انقلابیگری خرده بورژوازی در گفتار، تهدیدکننده و پرغرور و جسور است اما در کردار، پوچ و توخالی.

Phalanstere (Phalanstery)**فالانستر؛ جامعه تعاونی؛ جامعه سوسیالیستی تخیلی**

جامعه اشتراکی و تعاونی که براساس نظریات شارل فوریه (۱۸۲۸-۱۷۷۲) سوسیالیست فرانسوی تشکیل گردد. کار کردن در فالانستر برای رفع نیاز و در عین حال، لذت بردن از کار و زندگی صورت می‌گیرد. اعضای فالانستر در طول روز می‌توانند چند بار کار خود را تغییر دهند. در جامعه تخیلی فوریه، منافع فرد با جامعه تباین ندارد و وفور اموال مادی که حاصل کارخلاق و ثمربخش است، بر آن حاکم می‌باشد. توزیع اموال در فالانستر بر حسب مقدار کار و استعداد هر یک از افراد صورت می‌گیرد. فوریه با ایجاد تخصص مخالف بود و از بین رفتن تقسیم‌کاری و فکری را در یک شکل ابتدایی در سازمان تولیدی خود پیش‌بینی کرده بود. سوسیالیسم تخیلی فوریه از جمله منابع تئوریک سوسیالیسم علمی به‌شمار می‌رود.

Phase**دوره؛ مرحله؛ فاز**

این واژه برای اشاره به یک دوره یا مرحله تحول و تغییر به کار می‌رود.

Philistine**بی‌فرهنگ**

کسی که فرهیخته و اندیشمند نیست و به مادیات و امور پیش پا افتاده گرایش دارد و ارزش زیبایی و هنر و آرمانها و دستاوردهای برتر انسان را نمی‌شناسد و اصولاً با آنها کاری ندارد.

Philistinism**زندگی مبتدل؛ بی‌فرهنگی**

خصوصیت اخلاقی (معمولاً اقشار اجتماعی وابسته به طبقه متوسط شهری) که به طور کلی بیانگر شیوه زندگی حقارت‌آمیز، برده‌وار، فاقد ابتکار، سودگرایانه و تفکر محدود و تعقیب رفاه و خوشبختی شخصی و نیز منافع شخصی پست و ناچیز است. این خصوصیت ممکن است همراه با بزدلی، حقارت سیاسی، تملق و چاپلوسی، ریاکاری، بی‌نزاکتی و بی‌شرفی باشد.

واسطه‌ها و تجار نفت و شرکت‌های پالایشگر نفت است. در ایران، فرمول قیمت‌های نفتی برای هر ماه میلادی اعلام می‌شود. برای بازار آسیا یک فرمول قیمت و برای بازار اروپا (شامل بازار شمال غرب اروپا و بازار مدیترانه) دو نوع فرمول قیمت نفت اعلام می‌شود. بدین معنی که یکی برای مشتریانی که نفت را از خارک به مقصد پالایشگاه‌های مدیترانه می‌برند و دیگر، پالایشگرهایی که نفت خام صادراتی ایران را از دهانه کانال سوئز تحویل می‌گیرند. در بازار آفریقا رابطه قیمتی، به قیمت شمال غرب اروپا نزدیک است. در سالهای اخیر به دلایل مختلف و از جمله بعد از کم شدن سهمیه‌های تولید برای اعضای اوپک، به بازارهای قاره آمریکا نفت ایران صادر نشده است. زمانی قیمت‌های نفت براساس پایه محاسبه قیمت فرآورده‌هایی که از یک بشکه نفت خام به دست می‌آید، تعیین می‌شد. در دهه ۱۹۸۰ میلادی که بازارهای بورس نفت خام ایجاد و تقویت شد، مبنای قیمت مبادلات نفت خام به جای اینکه براساس موافقت خریدار و فروشنده باشد، قیمت‌های اعلام شده در بازارهای بورس نفت، بویژه دو بورس قوی نفتی نیویورک و لندن، مورد عمل قرار گرفت. اینک معاملات نفتی از صورت تجارت بر روی کاغذ، به صورت تجارت الکترونیکی درآمده است.

Petty Bourgeoisie (Petite Bourgeoisie)

خرده بورژوازی

در ادبیات سیاسی چپ یعنی گروهی اجتماعی که هم بر وسایل تولید خویش مالکیت دارد (از این جهت شبیه سرمایه‌دار است) و هم برای تأمین زندگی خود مجبور است مثل کارگران کارکند (از این جهت شبیه کارگر است). بنابراین، مالکیت او بر وسایل تولید، از وی موجودی مدافع مالکیت خصوصی وسایل تولید می‌سازد و کارکردن، او را به کارگر نزدیک می‌کند. خرده بورژوازی را به‌سستی (مثل آهنگران، سراجان، خیاطان، نجاران، کفاشان) و امروزی (مثل صاحبان کارگاه‌های کوچک ماشین‌های یدکی‌سازی که خودنیز در آن به‌کار مشغولند) تقسیم کرده‌اند. خرده بورژوازی همچنین کارمندان بخش دولتی و خصوصی و دهقانان میانه حال را دربر می‌گیرد. خرده بورژوا، زندگی مرفه طبقات بالا را ندارد، همواره نیز گرفتار این پندار است که دست کم از نظر اجتماعی مقامی بالاتر از کارگران دارد. موارد زیر را از جمله خصوصیات و انحرافات خرده بورژوازی و بویژه در روشنفکران دانسته‌اند: چسبیدن به‌داری و منافع اندک خویش، فردگرایی، عدم صداقت، از زیربار مسئولیت شانه خالی کردن، نداشتن قاطعیت و صراحت، نداشتن روحیه فداکاری و بلندنظری، در حرف حامی زحمتکشان بودن و در عمل در خدمت بورژوازی قرار داشتن، عدم انتقاد از خود، طرز فکر حسابگرانه و کاسبکارانه، تنگ نظری و عدم انتقال تجربه به‌دیگران.

Petty Bourgeois (Petit Bourgeois)

خرده بورژوا

واژه فرانسوی به معنی عضوی از خرده بورژوازی یا کسی است که ثروت اندک، مالکیت کوچک، خانه و اتومبیل شخصی، کارگاه کوچک و مانند اینها دارد. اطلاق صفت خرده بورژوا به کسی معمولاً برای تحقیر و به‌منظور انتقاد از طرز فکر تاریک اندیشانه در مورد فرهنگ و هنر، تنگ نظری و افق محدود دید به کار می‌رود.

پادشاهی قابل فرض است، اکنون مصداق ندارد. اگرچه به نظر عده‌ای، اتحاد بین بریتانیا و بعضی از کشورهای کامنولث مثل کانادا، همان اتحاد شخصی است. از نمونه‌های اتحادیه شخصی می‌توان اتحادیه هلند و لوکزامبورگ را نام برد که در قرن نوزدهم به وجود آمد.

Persona non Grata

عنصر نامطلوب

مأمور دیپلماتیک دولت فرستنده که برای دولت پذیرنده قابل پذیرش و مورد اعتماد نباشد. کشور پذیرنده می‌تواند هر زمان و بدون اینکه التزامی به توجیه تصمیم خود داشته باشد، به دولت فرستنده اطلاع دهد که رئیس یا هریک از اعضای دیپلماتیک مأموریت، عنصر نامطلوب است و یا اینکه هرکارمند دیگر مأموریت، قابل قبول نیست. در این صورت، دولت فرستنده، آن شخص را برحسب مورد فرا می‌خواند و یا به خدمت او در مأموریت خاتمه می‌دهد. شخصی را می‌توان قبل از ورود به خاک کشور پذیرنده، نامطلوب و یا غیر قابل قبول اعلام کرد.

Person of Loose Morals

آدم بی بند و بار

شخصی که در قید اصول اخلاقی نیست.

Peter Principle

اصل پیتر

اصل منسوب به لارنس جانسون پیتر دانشمند کانادایی علوم تربیتی متولد ۱۹۱۹ مبنی بر اینکه در یک سلسله مراتب، هرکارمند یا مستخدم کوشا درکار، به سطح ناتوانی خود صعود می‌کند. یعنی روند ارتقا تا حدی ادامه می‌یابد که مستخدم در مقامی قرار می‌گیرد که بیش از ظرفیت او است. لذا در سازمانهای بزرگ، کارمندان کوشا و شایسته کمتر در مقام خویش باقی می‌مانند و در واقع، در اکثر مشاغل، متصدیان نالایق نسبت به آن مقام به کار اشتغال دارند.

Petition

عرضحال؛ دادخواست؛ عریضه

تقاضا و استمداد شخص، گروه یا سازمان از یک مأمور یا دستگاه دولتی که به موجب آن درخواست می‌شود تا حقی که ضایع شده است، احقاق شود و یا خطا و ظلم و ستمی که صورت گرفته است، جبران گردد.

Petrodollars

دلارهای نفتی

دلارهایی که غیر آمریکائیه‌ای دارندگان درآمدهای نفتی در اختیار دارند. افزایش قیمت نفت و بحران نفتی در سال ۱۹۷۳ باعث بالا رفتن درآمدهای ارزی کشورهای صادرکننده نفت در خلیج فارس شد. حکومت‌های این کشورها که در کوتاه مدت طرح‌های آماده‌ای برای سرمایه‌گذاری نداشتند، نمی‌توانستند مازاد تراز پرداخت‌های خارجی خویش را صرف افزایش واردات نمایند، از این رو اقدام به ذخیره آنها به صورت سپرده ارزی، سهام و اوراق بهادار در بانک‌های اروپایی و آمریکایی کردند. ضمناً در آن زمان نفت بر حسب دلار قیمت‌گذاری می‌شد. وجه تسمیه دلارهای نفتی که شامل انواع ارزهای خارجی است نیز به همین دلایل است.

Petroleum Pricing

قیمت‌گذاری نفت

قیمت‌گذاری و فروش نفت یکی از عملیات پیچیده اقتصادی - تجاری بین تولیدکنندگان،

حفظ و وضع موجود" تشکیل شد و از حمایت ایالات متحده آمریکا و بریتانیا برخوردار است. اعضای شورا عبارتند از: امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت. مرکز شورای همکاری خلیج فارس در ریاض قرار دارد. این شورا از ارکان زیر تشکیل شده است: شورای عالی که از رؤسای دولتها ترکیب یافته است، کمیسیون حل اختلافات، شورای وزیران امور خارجه و یک دبیرخانه کل. شورای همکاری خلیج فارس در اواخر سال ۱۹۹۴ تصمیم به لغو تحریم اقتصادی اسرائیل گرفت. تحریم اقتصادی اسرائیل که به معنی جلوگیری از دادوستد با شرکتهایی است که طرف معامله رژیم صهیونیستی هستند در سال ۱۹۴۷ توسط اتحادیه عرب اعمال شد. شورا همچنین علی‌رغم به رسمیت شناخته شدن نام خلیج فارس توسط سازمان ملل متحد، از ذکر کلمه فارس خودداری کرده است.

عنصر مطلوب

Persona Grata

مأمور دیپلماتیک دولت فرستنده که برای دولت پذیرنده قابل پذیرش و مورد اعتماد باشد.

شخصی به مثابه سیاسی

Personal as Political

عبارت شخصی، سیاسی است Personal is Political، اغلب بیانگر شاخ و شانه کشیدن یا عرض اندام کردن اندیشه آزادی زنان است. شعار هرچیز شخصی سیاسی است را کارول هانیش Carol Hanisch طرفدار نهضت زنان در سال ۱۹۷۰ به کار برد و از آن زمان به شعار موج دوم نهضت زنان تبدیل شد. مردان، همان‌طور که در قلمرو خصوصی خانه بر زنان حکم می‌رانند، در قلمرو عمومی نیز بر زنان سلطه دارند. بنابراین، جدا کردن عرصه‌های شخصی و سیاسی، گمراه کننده است. شعار هرچه شخصی است، سیاسی است، چکیده این شناخت و پایه‌ای برای یک نظریه جامع سیاسی است که قلمرو زنان را هم در برمی‌گیرد. زیرا تمام روابط بین مردان و زنان، مناسبات نهادی شده قدرت است و از این رو، می‌تواند موضوع تجزیه و تحلیل سیاسی قرار گیرد.

کیش شخصیت؛ قهرمان پرستی؛ شخص پرستی

Personality Cult

۱- تبعیت کورکورانه از شخصیت بزرگ، اعتقاد به قدرت فوق‌العاده او، مطلق نمودن میل و اراده او. کیش شخص پرستی به معنی کاهش نقش رهبری جمعی و جلوگیری از ابتکار و شور و حس مسئولیت توده‌های مردم و تبدیل افراد به مجریان بی‌اراده شخصیت بزرگ است. ۲- اسطوره ساختن از شخصیت‌های بزرگ و رهبران سیاسی با نسبت دادن صفات فوق‌العاده به آنها و قرار دادنشان در خارج از عرصه زندگی عادی.

صلاحیت شخصی

Personal Jurisdiction

صلاحیت یک کشور در مورد اتباع خود چه در داخل و چه در خارج از آن کشور، سلطه شخصی یا صلاحیت شخصی نام دارد.

اتحادیه شخصی

Personal Union

اتحادیه آن دو کشوری است که با جدا نگاهداشتن سازمانهای داخلی و صلاحیتهای بین‌المللی خود از مداخله یکدیگر، دارای یک حاکم مشترکند. اتحادیه شخصی که فقط در سازمانهای سیاسی

Permanent Revolution**انقلاب دائم؛ انقلاب مداوم**

این اصطلاح با نام تروتسکی، یکی از رهبران انقلاب روسیه قرابت دارد و به معنی مشهور آن، نخستین بار توسط وی در سال ۱۹۰۶ مطرح شد. تروتسکی به تداوم انقلاب و کشاندن آن از عرصه ملی به عرصه جهانی اعتقاد داشت و شکست انقلاب را در صورت محدود ماندن به یک کشور، حتمی الوقوع می دانست. او معتقد بود که انقلاب روسیه حتی به هدفهای بورژوازی خود هم نمی تواند برسد مگر با به قدرت رسیدن پرولتاریا. وی در سال ۱۹۰۵ نظریه انقلاب دائم یا پیگیر خود را به شرح زیر بیان کرد: "انقلاب روسیه از نظر وظایف آنی خود یک انقلاب بورژوازی است ولی بورژوازی روسیه ضدانقلابی است. بنابراین پیروزی انقلاب فقط در صورت پیروزی پرولتاریا امکان دارد. اما پرولتاریای پیروزمند در حد برنامه بورژوادموکراسی توقف نخواهد کرد و تا برنامه سوسیالیسم پیش خواهد رفت. انقلاب روسیه اولین مرحله انقلاب سوسیالیستی جهان خواهد شد. نیروهای تولیدی موجود مدتهاست که از محدوده ملی فراتر رفته اند. یک جامعه سوسیالیستی در درون مرزهای ملی عملی نیست. هر قدر هم موفقیت‌های اقتصادی یک دولت کارگری چشمگیر باشد، برنامه سوسیالیسم در یک کشور خیال خام خرده بورژوازی است. تنها یک جمهوری فدرال اروپایی و سپس جهانی می تواند عرصه واقعی برای یک جامعه موزون سوسیالیستی باشد."

Permissiveness**آساکیری؛ آزادگذاری؛ اباحه گری**

۱- نگرش بسیار بردبارانه نسبت به تمام رفتارهای شخصی، بویژه رفتار مربوط به امور جنسی، روابط انسانی، شکل‌های انجمنی، مراسم و تشریفات و تفریحات. ۲- اعتقاد نداشتن به وجود تکلیف و روا داشتن ارتکاب مجرمات.

Peronism**پرونیسم**

ایدئولوژی و جنبشی در آرژانتین که از نام خوان دومینگو پرون (۱۹۷۴-۱۸۹۵) دیکتاتور آرژانتین و همسرش ماریا اوا دوارته، معروف به اوا (اویتا Evita) پرون (۱۹۵۲-۱۹۲۲) گرفته شده و مبتنی است بر سازماندهی عوام‌فریبانه توده‌ای کارگران آرژانتینی در اتحادیه‌های کارگری و علیه گروه نجیبگان قشر بالای طبقه متوسط، برانگیختن احساسات ملی مردم آرژانتین علیه ایالات متحده آمریکا و ادعای رهبری آمریکای لاتین. پرونیسم پس از افشای تبه‌کاریهای خوان پرون بی اعتبار شد. پرونیسم، نوع خاصی از فاشیسم و ترکیبی بود از شعارهای ضدامپریالیستی، اندیشهٔ رویانی راه رشد سوم (در برابر راه رشد سرمایه‌داری و سوسیالیستی) و نظریه محو تضادهای اجتماعی و توسل به سرکوبی کمونیسم به‌خاطر منافع ملت.

Perseverance**پشتکار؛ ثبات قدم؛ استقامت؛ پایداری**

ایستادگی، تاب، مقاومت، پابرجایی و پافشاری، توان به انجام رساندن کاری آغاز کرده یا دنبال کاری را تا اتمام عملی آن با جدیت گرفتن.

Persian Gulf Cooperation Council (Cooperation Council of Gulf)**شورای همکاری خلیج فارس**

این شورا که به منزله یک اتحادیه سیاسی، اقتصادی و نظامی است در ۲۶ ماه مه ۱۹۸۱ به منظور

استفاده از این مسأله علیه او و در جهت مقاصد خودخواهانه، وارد شدن در فتنه‌انگیزیها و دو بهم‌زنیهای خطرناک.

Permanent Diplomacy

دیپلماسی دائم

دیپلماسی دائم از زمانی پا گرفت که سازمانی به نام سازمان امور خارجه ایجاد شد. اسباب و علل و جهات پیداشدن دیپلماسی دائم را در وصیت‌نامه ریشلیو می‌توان دریافت که می‌نویسد: "مذاکره و مباحثه دیپلماسی، تصادفی و غیر مترقبه نیست که به پیشامد و بروز منافع آنی بستگی داشته باشد. نه صلح، نه جنگ، نه دوستی و نه دشمنی مانع مذاکره نیست. حتی اگر مذاکرات به نتیجه‌ای نرسد، باز نباید آن را بی‌فایده تلقی کرد، زیرا بهترین راه کسب خیر و اطلاع، مذاکره و گفتگو است. کسی که مذاکره دیپلماسی می‌کند، از امور و وقایع و حوادث دنیوی آگاه می‌شود. باید همیشه و همه‌جا، خواه نزدیک و خواه دور، اقدام دیپلماسی کرد." دیپلماسی دائم در اثر حوادث گوناگونی مثل تشکیل کشورهای مقتدر فرانسه و انگلستان و اسپانیا در اواسط قرن پانزدهم، پیشرفت قوای عثمانی در اروپا و جنگهای بزرگی نظیر جنگهای صدساله ابداع شد. ولی علت اصلی تحول سفارت متناوب (غیر دائم) به سفارت دائم، از یک طرف به دولت رسیدن طبقه بورژوا در برخی از شهرهای مستقل ایتالیا و شمال اروپا است و از طرف دیگر، متزلزل شدن اساس فئودالیسم. زیرا در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم، پس از کشف آمریکا و سرازیر شدن ثروت هنگفت قاره جدید به اروپا، سرمایه و بورژوازی تقویت شد و بر تعداد امور بین دولتها به طوری افزود که سفارت متناوب پاسخگوی آن نبود.

Permanent Neutrality

بیطرفی دائم

بیطرفی همیشگی دولتی که دولتهای دیگر نیز آن را شناخته‌اند، مثل بیطرفی سوئیس.

Permanent Representative

نماینده دائمی (در سازمان ملل متحد)

دولتهای عضو سازمان ملل متحد می‌توانند نمایندگان دائمی خود را به این سازمان اعزام دارند. وظیفه نمایندگان دائمی از جمله عبارت است از: نظارت بر اجرای درست اصول منشور ملل متحد، گزارش دادن تمام وقایع مهمی که به نقض صلح و امنیت منجر شده باشد و یا ممکن است منجر شود، خنثی کردن اقداماتی که ممکن است اساس سازمان ملل را مورد تهدید قرار دهد. از جهت اینکه سازمان ملل یک شخصیت حقوقی متشکل از دولتهای عضو است، موضوع پذیرش و استوارنامه که برای مأموران دیپلماتیک مقرر است، مورد پیدا نمی‌کند و هر دولت عضو می‌تواند هرکس را که صالح برای نمایندگی خود می‌داند، بدون آن‌که موافقت قبلی سازمان ملل لازم باشد، به این سازمان اعزام دارد. اعزام نماینده به وسیله معرفی از طرف دولت عضو و اعتبارنامه‌ای است که نماینده باید به دبیرکل سازمان تسلیم نماید. اعضای نمایندگی نیز به وسیله رئیس نمایندگی به دبیرکل معرفی می‌شوند. هرگاه نماینده دولت عضو، از مصونیت خود علیه امنیت و مصالح دولت مقرر سازمان سوءاستفاده کند، به جای معرفی او به عنوان عنصر نامطلوب، تصمیم اخراج نماینده باید به تصویب وزیر امور خارجه دولت مقرر سازمان ملل متحد برسد و او نیز پیش از تصویب این امر باید با دولت فرستنده نماینده، مشورت کند.

پرسترویکا

Perestroika (Reconstruction)

واژه روسی به معنی بازسازی و عنوان برنامه اصلاحی میخائیل گورباچف رهبر شوروی سابق برای نوسازی جامعه شوروی و اصلاحات منطق باراه ظاهراً سوسیالیستی و برداشت تازه و تجدیدنظر طلبانه از لنینیسم، تغییرات سیاسی-اداری، تغییرات اقتصادی و اجتماعی، تغییر در نظام مدیریت، ایجاد انگیزه برای انجام کار و فعالیت بیشتر، تمرکززدایی، توسعه و ترویج فعالیت بخش خصوصی، سرمایه گذاریهای خارجی، همزیستی مسالمت آمیز، اجتناب از صدور و تحمیل انقلاب و سوسیالیسم، رقابت مسالمت آمیز اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک با کشورهای سرمایه داری که در سال ۱۹۸۷ در کتابی به همین نام تشریح شد. برنامه اصلاحی او مرکب از سه ایده پرسترویکا، گلاسنوست (فضای باز سیاسی) و نو میشلنی (تفکر جدید یا تلطیف فضای تنش آلود روابط سیاسی آمریکا و شوروی) بود که سرانجام با شکست مواجه شد. عواملی را که باعث ظهور گورباچف در سال ۱۹۸۵ و سقوط و فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ گردید می توان به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- عدم آمادگی شرایط عینی و ذهنی جوامع شوروی برای پذیرش سوسیالیسم. ۲- قدرت مطلقه حزب کمونیست بر نظام اجرایی کشور و برقراری نظام بوروکراتیک که به بی اعتنایی و عدم مشارکت و کاهلی مردم و سرانجام رکود اقتصادی انجامید. ۳- نظام برنامه ریزی مرکزی و هدایت جامعه و اقتصاد آن از بالا و همراه با فشار. ۴- ضعف شدید اقتصادی و ناتوانی در رقابت با سرمایه داری و کاهش تولید محصولات مصرفی و مورد نیاز مردم. ۵- پیدایش طبقه جدید که به تدریج باعث جدایی حزب و دولت از مردم یعنی صاحبان اصلی انقلاب شده بود. ۶- عدم توجه به تمایلات و مذاهب ملل مختلف شوروی. ۷- شرکت در مسابقه و رقابت کمر شکن تسلیحاتی با غرب. ۸- بسط تعهدات شوروی در خارج از کشور. ۹- تصمیم کشورهای سرمایه داری غرب در نابودی سوسیالیسم و تبلیغات ضد کمونیستی و ضد روسی گسترده. ۱۰- بیگانگی مردم با نظام سیاسی کشور و پناه بردن به میخوارگی. ۱۱- گرایش ناسیونالیستی و ضد کمونیستی گورباچف. ۱۲- فساد و رشوه خواری بویژه در بین اعضای رده بالای حزب کمونیست در دوره برژنف. ۱۳- ضعف تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات.

کمال پذیری

Perfectibilism

دکترینی که بشر را قادر به کامل شدن می داند.

کمال باوری

Perfectionism

آموزه ای که عالیتیرین ارزش را ناشی از کمال اخلاقی می داند.

پیمان شکنی؛ خیانتکاری

Perfidy

خصوصیت منفی که با عمل تعمداً گول زنده، لودادن آگاهانه دیگری یا نقض آشکار تعهدات پذیرفته شده مشخص می شود، مثل: نقض تعمدی قول یا قرارداد یا تعهد ضمنی حاصل از روابط مبتنی بر همبستگی، عشق و دوستی، تهمت و افترا، محکوم کردن ناروای دیگری از روی رشک، تلاش برای بهره برداری از بدبختی شخص دیگر، شهادت دروغ، قسم خوردن به قصد نقض آن در آینده، گمراه کردن تعمدی شخص دیگر برای بهره برداری بعدی از اطمینان نادرست آن شخص و

تغییرات اساسی شدند. به نظر جیووانی سارتوری sartori استاد علوم سیاسی و متفکر ایتالیایی، در اصطلاح دموکراسی خلق یا توده‌ای یا مردمی، کلمات خلق و توده‌ای و مردمی زائد و حشو است، زیرا دموکراسی یعنی حکومت مردم. هرچه بر آن افزوده شود، بازی با کلمات و دام فریب است.

People's Democratic Republic

جمهوری دموکراتیک خلق

دولتی که به دنبال انقلاب دموکراتیک نوین مستقر می‌گردد و از لحاظ سیاسی با دیکتاتوری مشترک چند طبقه ضدامپریالیستی و یا دیکتاتوری مشترک تمام عناصر ضد امپریالیستی و ضدفئودالی بهره‌بری پرولتاریا، و از لحاظ اقتصادی با سرمایه‌داری غیر غالب و سوسیالیسم رهبری‌کننده مشخص می‌شود.

People's Diplomacy

دیپلماسی خلق

عنوان سیاست جناح مانو - چوئن لای مبتنی بر نفوذ در بین کشورهای شبه قاره هند و خلیج فارس از طریق مبادلات فرهنگی و تجاری و امید به گسترش این تماسها به صحنه سیاسی. سیاست استقرار و تحکیم رابطه با رژیمهای حاکم در جهان و کاهش حمایت از انقلابیونی که علیه آنها در ستیز بودند، نقطه مقابل سیاست جناح لین پیائو بود که از گسترش جنگهای چریکی در جهان علیه امپریالیسم پشتیبانی می‌کرد.

People's Sovereignty

حاکمیت خلق

اختصاص حاکمیت سیاسی به خلق، یعنی اعمال قدرت اکثریت زحمتکش جامعه علیه اقلیت بهره‌کش.

People's War

جنگ خلق

این واژه در اصل به جنگ خلق چین علیه حکومت ناسیونالیستی چیان کای چک اطلاق می‌شد و سپس کمونیستهای چینی در بیست سال اول پیروزی انقلاب خود، واژه مزبور را برای اشاره به نهضت‌های آزادیبخش که علیه حکومت‌های مترجع قیام کرده بودند، به کار می‌بردند. چینیها می‌خواستند که خلقهای دیگر جهان نیز از تجربه آنها استفاده نمایند. اما با ایجاد تغییرات اساسی در سیاست خارجی چین و بویژه با اعلان نظریه سه جهان در سال ۱۹۷۴، توجه چین بیشتر به برقراری رابطه با دولت‌های جهان سوم و کاهش حمایت از گروه‌های مخالف و انقلابی که علیه دولت‌های خود در حال مبارزه بودند، معطوف شد. چینیها از سال ۱۹۷۱ کراراً براین مسأله تأکید می‌کردند که دولت‌های حاکم به نحو بهتری می‌توانند در مقابل نفوذ ابرقدرتها ایستادگی نمایند و نهضت‌های انقلابی توان مقابله با ابرقدرتها را ندارند و این مبارزه را به تعویق می‌اندازند. همچنین بیانگر تر "لین پیائو"، مبنی بر کنترل مناطق روستائی جهان (کشورهای در حال توسعه) و محاصره شهرهای جهان (کشورهای توسعه یافته) است.

Per Capita Income

درآمد سرانه

۱ - درآمدی که بعد از تقسیم کل درآمد بر تعداد افراد حاصل می‌شود. ۲ - تقسیم کل تولید ناخالص ملی بر کل جمعیت.

عشایر ملی و میهن دوست را هم که در مبارزه ضد استعماری شرکت می‌کنند، می‌توان خلق دانست. ولی با تکامل انقلاب و تعمیق آن که منافع طبقات بهره‌کش به خطر می‌افتد، دامنه نیروهایی که خلق به حساب می‌آیند، محدودتر می‌شود.

People's Assembly

مجلس خلق

مجلسی که نماینده و معرف خلق است.

People's Bureau

دفتر مردمی

به دنبال سخنرانی قذافی رهبر لیبی در سپتامبر سال ۱۹۷۹ به مناسبت دهمین سال انقلاب لیبی، دانشجویان و طرفداران حکومت لیبی اقدام به اشغال نمایندگیهای دیپلماتیک لیبی از جمله در لندن، بن، واشنگتن و پاریس کردند و نام سفارتخانه‌ها را به دفاتر مردمی تغییر دادند و هر دفتر مردمی (هر نمایندگی یا سفارتخانه) متشکل از پنج عضو به ریاست یک دبیر عهده‌دار انجام وظایف مأموریت دیپلماتیک شد. این عمل، ظاهراً بیانگر دوری جستن از دیپلماسی ماکیاولی و تشریفاتی بود.

People's Capitalism

سرمایه‌داری خلقی؛ سرمایه‌داری مردمی

نوعی سرمایه‌داری که در آن، مالکیت صنایع توسط بخش بزرگی از جمعیت که شامل گروههای کم درآمد و گروههای دارای درآمد متوسط می‌شود، تسهیم شده است. به نظر عده‌ای، وابستگان قشرهای بالای طبقات متوسط و مرفه در تحقیقات و بررسیهای خود معمولاً از تجزیه و تحلیل جامعه اجتناب می‌کنند تا مسأله شیوه تولید و رابطه آن با استثمار داخلی مورد توجه واقع نشود و شیوه تولید سرمایه‌داری تحت پوشش سرمایه‌داری مردمی، سپردن کارها به مردم و بخش خصوصی همچنان برقرار بماند.

People's Century

قرن مردم

بعد از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸، دوران تازه‌ای در تاریخ انسان شروع شد که متفکران غربی به آن دوران توده‌ها یا قرن مردم نام داده‌اند. ویژگی اصلی این دوران، مردم‌سالاری، حضور و شرکت مردم در سیاست، رفاه نسبی و تقدم سیاست بر اقتصاد و جامعه است.

People's Commissar

کمیسر خلق

واژه‌ای به مفهوم وزیر که تا سال ۱۹۴۶ در شوروی سابق به کار می‌رفت.

People's Democracy

دموکراسی خلق؛ دموکراسی توده‌ای

این واژه بعد از جنگ دوم جهانی توسط نظریه‌پردازان روسی برای اشاره به سازمان اجتماعی و سیاسی کشورهای سوسیالیست اروپای شرقی و آسیا که در مرحله پایین‌تری از دموکراسی سوسیالیستی قرار داشتند، به کار رفت. کشورهای مزبور به وسیله حکومت‌های ائتلافی مرکب از عناصر بورژوا، خرده بورژوا، دهقان و پرولتاریا اداره می‌شدند که در آنها، پرولتاریا عنصر مسلط بود. در این کشورها اصول دموکراسی به مفهوم رایج در دموکراسیهای بورژوایی غربی رعایت نمی‌شد. رژیم‌های سوسیالیست اروپای شرقی در جریان تحولات سیاسی سال ۱۹۸۹ دستخوش

Peace Movement**جنبش صلح**

نهضتی که خواستار استقرار صلح بین‌المللی (یا ملی) و جلوگیری از وقوع جنگ در آینده است. جنبش صلح معتقد است که با بسیج فزاینده افراد در طیف وسیعی از کشورها می‌توان دولت‌ها را زیر فشار گذاشت و با استقرار پیوندهای بین‌المللی، تنشهای نظامی را کاهش و تفاهم میان جوامع را افزایش داد.

Peace Pact**پیمان صلح**

قراردادی که متخاصمان در آن، شرایط متارکه جنگ را درج می‌کنند.

Peanut Politics**سیاست پست و بی‌اهمیت؛ سیاست عوام فریبانه**

واژه عامیانه آمریکایی که بیانگر توجه به مسائل جزئی و کم‌اهمیت در امر امتیازات و منافع سیاسی و بی‌توجهی به مسائل اساسی است.

Peasant Movement**جنبش دهقانی**

فعالیت‌های سیاسی طبقه دهقان برای احقاق حقوق ارضی و سیاسی خود.

Peasantry**طبقه دهقان؛ کشاورزان**

طبقه‌ای از مردم که در پایگاه اجتماعی پائین قرار دارد و برای تأمین زندگی به کار کشاورزی وابسته است.

Peer of the Realm**اعیان زاده؛ عضو مجلس اعیان**

در انگلستان در مورد نجیب‌زادگان و اشراف‌زادگان و اعضای مجلس اعیان یا لردها به کار رفته است.

Penetration Crisis**بحران نفوذ**

بحران نفوذ در نظام سیاسی هنگامی بروز می‌کند که صلاحیت و قدرت دولت یا حکومت مرکزی، بخشهایی از سرزمین یا مردم تحت حاکمیت را دربر نگیرد.

Pentagon**پنتاگون**

ساختمان بزرگ وزارت دفاع آمریکا واقع در واشنگتن دی‌سی که در سالهای ۱۹۴۳-۱۹۴۱ ساخته شده و کنایه از دستگاه نظامی این کشور است.

People**خلق؛ مردم**

کلمه خلق را امروزه معمولاً در دو معنی به کار می‌برند: ۱- به معنی عمومی که جامعیت دارد، مثل خلق جهان و خلق ایران که شامل مردم جهان و همه ساکنین ایران می‌شود. ۲- در اصطلاح سیاسی، به مجموعه آن طبقات و اقشار و گروه‌های اجتماعی که در مبارزه ضدامپریالیستی شرکت دارند خلق می‌گویند. خلق، یک اصطلاح نسبی است، یعنی در هر مرحله از مبارزه اجتماعی، نیروهای وسیعتری خلق شمرده می‌شوند. مثلاً در مرحله مبارزه با استعمار، حتی برخی فنودالها و رؤسای

Peace**صلح**

۱- حالت آرامش و امنیت عمومی در کشور و روابط عادی با کشورهای دیگر. ۲- فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید (یعنی به کار انداختن دستگاه قوی اجبار و الزام در برابر طرف مقابل). ۳- فقدان جنگ، توسعه مناسبات و همیاری ملتها. فقط صلح است که احترام کامل حقوق بشر را تأمین می‌کند و جنگ، نفی آن است. تعداد رهبران و دولتهایی که دم از صلح می‌زنند زیاد است. ولی به علت ترس از خلع سلاح یکجانبه، گفتگوهای صلح با عدم موفقیت روبرو می‌شود. زیرا این اطمینان وجود ندارد که رقیبان از یکدیگر تبعیت کنند. ترس از آن دارند که حریفان، ضربه اول را وارد سازند. لذا به تولید یا جمع‌آوری سلاح ادامه می‌دهند و همواره گمان می‌کنند که طرف دیگر از آنها سبقت گرفته است. این توازن سوءظن و عدم اطمینان، به ادامه فعالیت‌هایی منتهی می‌شود که مشوق جنگ و تهدیدی برای صلح است.

Peaceableness**صلح دوستی**

اصل اخلاقی و سیاسی مبتنی بر شناسایی زندگی انسان به عنوان ارزش عالی اجتماعی و اخلاقی و برقراری و حفظ صلح به عنوان آرمان و ایده‌آل در روابط بین ملتها و دولتها. صلح دوستی متضمن احترام به حقوق بشر و اعتقاد به حق ملتها در انتخاب شیوه زندگی مورد نظرشان است.

Peace Building**برقراری صلح؛ ایجاد صلح**

روند کار و تلاش در جهت هدف‌هایی که به همزیستی مسالمت‌آمیز بین مردم یا متخاصمان منجر گردد. این کار مستلزم از بین بردن اختلافات، عذرخواهی و چشم‌پوشی از صدمات گذشته و استقرار روابط همیاورانه بین طرفین است.

Peaceful Coexistence**همزیستی مسالمت‌آمیز**

نحوه مناسبات، بین ممالکی که دولتهای آنها دارای نظامهای اجتماعی و سیاسی مختلف هستند، یعنی رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، احترام به حق کلیه خلقها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و حل و فصل مسائل و اختلافات بین‌المللی از طریق مذاکره.

Peaceful Settlement of Disputes**حل مسالمت‌آمیز اختلافات**

فیصله یا تصفیه اختلافات بین‌المللی از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری و رسیدگی قضایی.

Peacekeeping**پاسداری صلح؛ صلح‌بانی**

مداخله یا پادرمیانی نیروهای مسلح به سلاحهای سبک نظامی برای جلوگیری از خشونت بیشتر بین متخاصمانی که در مورد توقف نبرد به توافق رسیده‌اند.

Peacemaking**میانجیگری صلح**

مذاکره برای فیصله یافتن کشمکش بین مردم، گروه‌ها یا ملتها.

بینوایی را محدود کند. فرار مردم از جوامع استعمارزده به دنبال افزایش بیکاری و بینوایی یا به علت اختناق سیاسی یا فاجعه‌های طبیعی ناشی از تخریب محیط زیست، نتیجه سلطه استعمار سرمایه‌داری و طبقه وابسته به استعمار در چارچوب شیوه تولید مستعمراتی در این کشورهاست.

Pauperization

فقیر شدن زحمتکشان؛ فقر زحمتکشان؛ بینوا شدن

این واژه در ادبیات مارکسیستی اشاره است به فقر و مسکنت تدریجی و مستمر کارگران، پیشه‌وران جزء و دهقانان که از تضادهای درونی ناشی از تطور سرمایه‌داری ناشی می‌شود. طرفداران این عقیده، تراکم فقر را نتیجه حتمی تراکم ثروت می‌دانند و اعتقاد دارند که پس از مرحله امپریالیستی سرمایه‌داری، ملتهای رنجبر جایگزین طبقه رنجبر در یک کشور شده‌اند. به نظر فرمانده "مارکوس" رهبر جنبش زاپاتیستها (چیاپاس مکزیک): "توزیع ثروتهای اجتماعی در دنیای نئولیبرالیسم (سرمایه داری) بدتر و جنون‌آورتر از تمام جوامع ناعادلانه قبل از آن است. اصولاً ثروت در دستهای قشر کوچکی از ثروتمندان انباشته شده و فقر و بدبختی نیز بین میلیاردها انسان توزیع شده است. بی‌عدالتی و نابرابری، اصلی‌ترین علامت دنیای کنونی است. از جمعیت بیش از ۵/۷ میلیارد نفری دنیا، حدود ۵۰۰ میلیون نفر از رفاه معینی برخوردارند و از نعمتها و مواهب این دنیا لذت می‌برند. بقیه ۵/۲ میلیارد نفر در فقر زندگی می‌کنند." به‌عنوان مثال، طبق برآورد سازمان بین‌المللی کار، تعداد فقیران اندونزی از ۶۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۷ به ۸۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۸ رسیده و این تعداد همچنان رو به افزایش است.

Pavillon

پاویون؛ جایگاه ویژه

واژه فرانسوی که کوشک، سراپرده و غرفه نیز ترجمه شده و به معنی محلی است در فرودگاهها برای استقبال و پذیرائی از میهمانان بلندپایه رسمی یا در مکانهای دیگر برای پذیرائی و استراحت.

Pax Americana

صلح آمریکایی

این اصطلاح به اقتباس از صلح رومی (شرایطی که روم برای صلح به ملل مغلوب تحمیل می‌کردند) بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم متداول شد.

Pax Britannica

صلح انگلیسی

این اصطلاح به اقتباس از صلح رومی (شرایطی که روم برای صلح به ملتهای مغلوب تحمیل می‌کردند) در مورد دوره‌ای در حدود قرنهای هجده و نوزده به کار رفته که به علت قدرت دریائی و سیاسی انگلستان، صلح برقرار بوده است.

Pax Romana

صلح رومی

رومیان به نظر خودشان و حشیانی (بیگانگان) را که خارج از مرزهای امپراتوری زندگی می‌کردند به اطاعت درآوردند و سرزمینهای آنها را با زور گرفتند. این دوره را مورخان، دوره صلح رومی نامیده‌اند. رومیان اعتقاد داشتند که اقدام به جنگ، کار ضعیفان است و امپراتوری روم قویتر از آن است که با کسی بجنگد؛ ما صلح خود را به سرزمینهای دیگر پیشنهاد می‌کنیم و آنها با توجه به اینکه توانائی جنگیدن با روم قدرتمند را ندارند، شرایط صلح ما را می‌پذیرند. این واژه، کنایه از صلح تحمیلی است.

مملکت در درجه اول در انحصار فرمانروا و خانواده اوست و رعایا و ملازمان فرمانروا از خدمات و امکانات چشمگیر برخوردارند. به نظر ماکس وبر، نظامهای پاتریمونیا ل به علت گرایش سستی گروه حاکم در جهت فعالیتهای تجاری و اقتصادی، خودسری آنها و سلب آزادی فعالیت اقتصادی خصوصی برای رعایا، نتیجه‌ای جز عقب ماندگی اقتصادی جامعه دربر نداشته و مانع عمده‌ای در راه رشد نیروهای بورژوازی و توسعه سرمایه‌داری بوده است.

Patriotism

میهن‌پرستی؛ وطن‌دوستی؛ وطن‌داری؛ میهن‌خواهی

عشق و علاقه به میهن و به مردم، پاسداری فداکارانه از وطن، مبارزه به‌خاطر استقلال سیاسی و اقتصادی کشور به‌ضد هر نوع استعمار آشکار و نهان. وطن‌دوستی با ناسیونالیسم تنگ‌نظرانه که همراه با کینه نسبت به ملل دیگر و ستایش از خواص عالی‌نژاد خود و اغراق بی‌اساس درباره مفاخر و شعائر ملی خود است، تفاوت دارد. وطن‌دوستی، غریزه‌ای است ناشی از احساس تعلق به یک مکان و هویت ویژه آن و حس دفاع از منافع فرد در آن مکان.

Patriot law (Act)

قانون میهنی

نام قوانین ضد تروریستی ایالات متحده آمریکا که اندکی پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز جهانی تجارت و پنتاگون و وارد شدن تلفات و خسارات زیاد و به منظور پیشگیری از تهدیدات احتمالی آینده از کنگره آمریکا گذشت و نظارت دولت را در امور مثل فعالیتهای سیاسی، کنترل اطلاعات، جاسوسی غیرقانونی پلیسی، اخراج اتباع بیگانه و دستگیری مخفیانه افزایش داد. طبق قوانین ضد تروریستی یا قوانین میهنی، اف.بی.آی و سیا اجازه می‌یابند که سازمانهای غیردولتی، سندیکاها، روزنامه‌نگاران و روشنفکران را تحت نظر گرفته یا مکالمات آنها را شنود و نامه‌های الکترونیکی را کنترل کنند و تظاهرات آرام علیه جهانی شدن را، اقدامی جنایی تلقی نمایند. قانون میهنی در واقع، ساخته و پرداخته مؤسسات نظامی و پلیسی و زایدۀ ماشین اطلاعاتی سازمان سیاست.

Patterns of Power

الگوهای قدرت

مدلها یا شیوه‌هایی که دولتها از طریق آنها قدرتشان را سازماندهی می‌کنند و مورد استفاده قرار می‌دهند تا در رقابت با دولتهای دیگر، امنیت خویش را به حداکثر برسانند و به منافع ملی خویش دست یابند، مثل وابستگی به قدرت خود، امنیت جمعی، حکومت جهانی.

Pauperism

بینوایی

این واژه بیانگر وضع عده کثیری از مردم در مشاغل و کارهای اجتماعی است که علی‌رغم اشتغال به کار، توانسته باشند با سعی و تلاش فراوان، فقط حداقل نیازهای زندگی را تأمین کنند و اطمینانی هم به‌ادامه اشتغال و کسب درآمد اندک نداشته باشند. فقر و مسکنت کنونی در کشورهای استعمارزده و توسعه نیافته، نتیجه انتقال و جابجایی فقر از کشورهای سرمایه‌داری کلاسیک به این کشورها است. استعمار سرمایه‌داری، تضادهای اجتماعی و اقتصادی خود را به مستعمرات صادر کرده و به‌خرج مردم محروم این کشورها توانسته است در جوامع سرمایه‌داری استعماری، فقر و

Passive Revolution

انقلاب بی‌کنش؛ انقلاب آرام

دگرگونی اجتماعی بدون خشونت و آن، فراهم کردن و به‌وقوع رساندن انقلاب است از طریق عدم همکاری و کنار کشیدن مردم از همه فعالیتها و مؤسساتی که در آنها رهبری موجود، اعمال قدرت می‌کند تا بدین وسیله زیرپای رهبری حاکم خالی شود و اساس قدرتش از بین برود.

Passport

گذرنامه؛ تذکره؛ پاسپورت

۱- اجازه‌نامه ورود به یک کشور خارجی. ۲- گواهی‌نامه‌ای که توسط مقام دولتی صادر می‌شود و شخصی را به‌عنوان تبعه کشوری شناخته و اجازه خروج از کشور می‌دهد. گذرنامه معمولاً سه نوع است: گذرنامه سیاسی یا دیپلماتیک، گذرنامه خدمت و گذرنامه عادی. گذرنامه سیاسی و گذرنامه خدمت را وزارت امور خارجه و گذرنامه عادی را اداره گذرنامه هر کشور صادر می‌کند.

Paternalism

سرپرستی پدرمآبانه؛ حکومت پدروار؛ پدرمآبی

۱- شیوه اندیشه سیاسی یا اجتماعی یا اقتصادی خاصی که براساس آن، فرمانروای کشور یا زمیندار و یا کارفرما با زیردستان خود به‌شیوه تسلط پدرانه رفتار کند. ۲- تحمیل نظارت و سلطه دولتی نیرومند بر مملتی ضعیف زیر نقاب حمایت و پشتیبانی. ۳- آیین رفتار رئیس یا فرد بلندمرتبه در برابر افراد زیردست یا کسانی که در وضع پست‌تری قرار دارند که براساس آن، رئیس یا فرد زیر دست با افراد زیر دست با ملاطفتی مانند پدر در برابر فرزند رفتار می‌کند. ۴- اصل و عمل حکومت یا اداره پدرمآبانه. این واژه به‌طور کلی برای مشخص نمودن صفات رابطه‌ای است که بین زبردستان و زیردستان وجود دارد.

Patriarchy

پدرسالاری؛ پدرشاهی؛ مردسالاری

۱- نوعی سازمان اجتماعی که رایجترین شکل آن با قدرت پدر و پدرتباری (فرزندان از طرف پدر ارث می‌برند) و پدر مکانی (زن پس از ازدواج به‌اقامتگاه شوهر می‌آید) مشخص می‌شود و برتری سیاسی مردان و محرومیت زنان از بسیاری حقوق اجتماعی و سیاسی از ویژگیهای آن است. ۲- سلطه مردان بر زنان که در بسیاری از جوامع گوناگون ظاهر می‌شود.

Patrician

پاتریسین؛ اشراف (روم)؛ اشرافی

در روم باستان به‌افرادى اطلاق می‌گردید که بنا به‌اصل و نسب خویش از خانواده‌های اشراف شمرده می‌شدند و از امتیازات زیادی برخوردار بودند. از قرون وسطی تا قرن نوزدهم، پاتریسین به‌افراد خانواده‌های برجسته شهری اطلاق می‌شد که در انجمنهای شهر، نفوذ داشتند. این واژه را روشنفکران برای گروه خواص به‌کار می‌برند.

Patrimonialism

پاتریمونالیسم؛ سلطه موروثی؛ سلطنت پدر-میراثی

شکلی از حاکمیت سیاسی سنتی یا نظامی که در آن حکومت به‌مثابه‌ملک شخصی سلطان یا فرمانرواست. در این نظام، یک خاندان پادشاهی، قدرت مطلقه را از طریق دستگاه دیوانی اعمال می‌کند؛ کارگزاران و زیردستان فرمانروا اغلب از میان غلامان و بزرگان و مزدوران خارجی تأمین می‌شوند؛ مشاغل اداری با مشاغل داخلی دربار ارتباط دارد؛ تمام امور و امتیازات اقتصادی در سطح

این اعلامیه، شورای ناتو - روسیه تشکیل می‌شود که در آن، روسیه در تصمیم‌گیریهای مشترک در موضوعهایی مثل تروریسم و سلاحهای هسته‌ای حق برابر خواهد داشت.

Party

حزب

۱ - سازمان سیاسی که از همفکران و طرفداران یک آرمان تشکیل شده است و با داشتن تشکیلات منظم، برنامه‌های سیاسی کوتاه مدت و دراز مدت برای نیل به آرمانش از دیگر اشکال سازمانی نظیر جبهه و گروه سیاسی مشخص می‌شود و معمولاً برای به دست گرفتن قدرت دولتی و یا شرکت در آن مبارزه می‌کند. ۲ - گروهی از مردم که آرمانهای مشترک و منافع خاصشان، آنها را از گروه بزرگتر که جامعه ملی است، متمایز می‌سازد و با داشتن تشکیلات و برنامه منظم و یاری مردم تلاش می‌کنند تا قدرت دولتی را به دست گیرند و یا اینکه در قدرت دولتی شریک گردند و برنامه و آرمانهایشان را بدین وسیله عملی سازند و در این راه، بویژه از وسایل قانونی یاری می‌گیرند. معمولاً هر تعریف از حزب باید چهار فکر و رکن را دربرگیرد: ۱ - حزب باید دارای سازمانهای مرکزی و رهبری کننده و پایدار و ماندنی باشد. به بیان دیگر، تشکیلات حزب نباید با مردن رهبران و بنیانگذاران حزب از هم بپاشد ۲ - حزب باید دارای سازمانهای محلی پایدار باشد و با سازمانهای مرکزی حزب، ارتباط دائمی داشته باشد ۳ - رهبران مرکزی و محلی حزب باید مصمم باشند که قدرت سیاسی را در کشور، خواه به تنهایی و خواه به کمک حزبهای دیگر به دست گیرند و آن را رهبری و اداره کنند و نباید تنها به اعمال نفوذ بروی قدرت سیاسی حاکم اکتفا کنند ۴ - حزب باید از پشتیبانی مردم برخوردار باشد. سازمانهای داخلی همه احزاب سیاسی، یکسان نیست و این سازمانها بر حسب طبیعت حزب فرق می‌کند. به طور کلی، یک حزب می‌تواند دارای حوزه، واحد، بخش، کمیته، کمیته مرکزی و کنگره باشد.

Party Discipline

انضباط حزبی

اجرای برنامه و اساسنامه و سیاست حزب، سعی در تحقق بخشیدن به تصمیمات حزب و مبارزه برای رسیدن به هدفهای آن.

Party Organ

ارگان حزبی

نشریه‌ای که نظریات رسمی یک حزب را منعکس می‌سازد.

Passive Obedience

اطاعت کورکورانه

۱ - اطاعت محض از یک فرمانروای حتی منفور. ۲ - اطاعت صرف توأم با بی‌ارادگی و بردباری و تسلیم و رضا.

Passive Resistance

مقاومت منفی

اطاعت نکردن از قوانین و دستورات حکومتی (بدون توسل به خشونت) یا خودداری از دست زدن به هرگونه عملی. مقاومت منفی بیشتر از طریق بردباری و تحمل خونسردانه ناملایمات و بی‌اعتنایی به بازیهای دشمن یا طرف مقابل صورت می‌گیرد.

Partial Mobilization**بسیج جزئی**

بسیجی که قسمتی از نیروهای قابل بسیج را شامل می‌شود.

Particular International Law**حقوق بین‌الملل خاص (ویژه)**

قوانین و مقرراتی که مراعات و اجرای آن فقط برای دو یا تعدادی از کشورها لازم است. مثل قرارداد بین دو یا چند کشور، مربوط به حدود سرحدی بین آنها و یا رسوم منطقه‌ای خاص مانند رسم رفتار با پناهندگان سیاسی بین کشورهای آمریکای لاتین.

Particularism**خودجدایی؛ مسلک خصوصیات؛ آیین اصالت جزء؛ خاص‌گرایی**

۱- توجه و علاقه شدید هر نژاد، فرهنگ، جامعه یا کشور به حفظ حالت خاص خود. این مسلک که مالا امتیاز آدمیت را منحصر به یک نژاد، فرهنگ یا جامعه می‌کند، با جدایی‌خواهی و خودمختاری سه وجه مختلف یک پدیده را نشان می‌دهد ۲- در الهیات مسیحی، نظریه نجات و رستگاری خاصان است.

Partisan**پارتیزان؛ چریک**

کسی که بدون وابستگی به ارتش منظم، با دشمنی که به کشورش حمله کرده می‌جنگد و اگر دارای شرایط زیر باشد، از مزایای اسیر جنگی استفاده می‌کند: ۱- عملیاتی که انجام می‌دهد، با فعالیتی که به‌طور رسمی در کشور متبوعش صورت می‌گیرد، وابستگی داشته باشد و لزوم داشتن فرمانده مسئول و علائم مشخصه‌ای که قابل شناختن باشد. ۲- آشکارا بجنگد و قوانین و آداب و رسوم جنگ را مراعات کند.

Partnership for Peace**مشارکت برای صلح**

طرحی که در ژانویه سال ۱۹۹۳ و به ابتکار ایالات متحده آمریکا در چارچوب "شورای همکاری آتلانتیک شمالی" مطرح شد. این طرح، یک برنامه عملی دومرحله‌ای، به تدریج توسعه "ناتو" را در قلمرو شوروی سابق ممکن می‌سازد. تا پایان سال ۱۹۹۳ تمام جمهوریهای سابق شوروی غیر از تاجیکستان و روسیه سفید، سند پیوستن به طرح مشارکت برای صلح را امضا کردند. تمام اعضای سابق پیمان ورشو، اعضای کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا، فنلاند، سوئد، اسلوانی هم آن را امضا کرده‌اند. روسیه سفید، بوسنی و هرزگوین و اتریش نیز علاقه خود را به پیوستن به طرح نشان داده‌اند. این طرح، پیمان چندجانبه نیست، بلکه شامل یک رشته قراردادهای دو جانبه بین ناتو و هر یک از کشورهای متمایل به عضویت است، مثلاً لهستان شریک نروژ نیست، بلکه همه شریک "ناتو" شمرده می‌شوند. هدفهای "ناتو" از طرح مشارکت برای صلح در آسیای مرکزی و قفقاز به شرح زیر است: ۱- درگیرکردن کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در امور و مسائل امنیتی اروپا. ۲- تبادل اطلاعات و گسترش همکاریهای نظامی. ۳- ایجاد زمینه برای انجام عملیات حفظ صلح در شرایط بحرانی. ۴- تحکیم ثبات منطقه در جهت منافع غرب. پوتین، رئیس جمهوری روسیه و رهبران ۱۹ کشور عضو ناتو در ماه مه سال ۲۰۰۲، اعلامیه رم را که به روسیه، حق مشارکت در تصمیم‌گیریهای ناتو را می‌دهد امضا کردند. طبق

عمده توسعه دیپلماسی پارلمانی، در معرض افکار عمومی قرار دادن سیاست کشورها بویژه در زمینه مسائل حاد بین‌المللی و جلوگیری از اعمال زور و حق‌کشیهای پشت درهای بسته مذاکرات مخفی دویا چند جانبه است.

Parliamentary Election

انتخابات پارلمانی

انتخاباتی که به منظور تعیین نمایندگان قوه مقننه برگزار می‌شود.

Parliamentary Government

حکومت پارلمانی

حکومت هیأت مأمور از طرف قوه مقننه (پارلمان) که در امور کشوری مسئول مجلسین است، اعم از اینکه در رأس کشور، پادشاه قانونی یا رئیس جمهور انتخابی باشد و آن را حکومت مشروطه و حکومت ملی نیز می‌خوانند. رایجترین شکل دولت سرمایه‌داری، حکومت پارلمانی است. در حال حاضر، بیشتر کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته دارای چنین رژیمی هستند.

Parliamentary Immunity

مصونیت پارلمانی

مصونیت نمایندگان پارلمان یا مجلس از تعقیب کیفری، پیش از سلب مصونیت به وسیله مجلس. مطابق قوانین غالب کشورها، مصونیت نمایندگان پارلمان شامل تمام مدت وکالت نمی‌شود، بلکه منحصر به ایام اشتغال در پارلمان است؛ به این معنی که در ایام تعطیل می‌توان نمایندگان مجالس مقننه را مانند سایر اشخاص دستگیر و تعقیب کرد، مشروط به اینکه ریاست مجلسی که متهم در آن عضویت دارد، از این قضیه آگاه شود.

Parliamentary Privilege

امتیاز پارلمانی

امتیاز داده شده به نمایندگان پارلمان یا مجلس، مثل آزادی بیان، مصونیت از بازداشت و آزادی دسترسی و تماس با مقام یا مقامهای عالی‌رتبه کشور.

Parliamentary Sovereignty

حاکمیت پارلمانی

دکترین اختیار نامحدود پارلمان که اولین بار در سال ۱۷۷۰ توسط بلاکستون Blackstone در انگلستان تدوین شد.

Parliament Commission

کمیسیون مجلس

هریک از کمیسیونهای مجلس که لوایح و طرحهای قانونی را تحت شور و مطالعه قرار می‌دهند.

Parochialism

محلّی‌گری؛ محدودیت فکر؛ کوته‌بینی

پاروکالیسم، بیانگر محدودیت در افکار و عقاید محلّی یا ناحیه‌ای و دلبستگی به انجام امور مربوط به ناحیه و بخش و محل، و مجازاً به معنی جمود فکری، محدود فکری و کوته‌نظری است.

Parole

آزادی مشروط زندانی

عفو مشروط یا آزادی قبل از موعد زندانی، پس از انقضای قسمتی از مدت محکومیت، با این شرط که اگر شرایط آزادی مشروط را نقض نماید، مجدداً احضار شود.

مجلس؛ پارلمان**Parliament**

پارلمان به معنی مجمع نمایندگان است که وظیفه وضع قانون را برعهده دارد. در ایران آن را مجلس و در آمریکا کنگره می‌خوانند. در بعضی از کشورها، پارلمان از دو مجمع شورا و سنا، مجلس اعیان و عوام ترکیب شده است. در کشورهای غربی از نظر ماهیت، میزان قدرت و رابطه با دولت، دو نوع پارلمان مشاهده می‌شود: در کشورهای جمهوری پارلمانی مثل ایتالیا و مشروطه سلطنتی مثل انگلستان، اصل بر این است که پارلمان بر تمام اعمال دولت نظارت دارد. در کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا و فرانسه که رئیس جمهوری دارای اختیارات وسیعی است، پارلمان فقط از نظر قانونگذاری نقش دارد.

حکومت پارلمانی؛ پارلمان سالاری؛ پارلمانداری؛ نظام مجلسی**Parliamentarism**

۱- اصول حکومت مشروطه مبنی بر انتخاب نمایندگان مجلس از طرف ملت و تشکیل حکومت برآی نمایندگان. ۲- نظام مبتنی بر قانون اساسی که در آن نقش رهبری کننده کشور برعهده پارلمان است. پارلمانتاریسم هنگامی محقق می‌شود که حکومت در برابر پارلمان مسئولیت داشته باشد و در صورت عدم اعتماد مجلسین، سقوط کند و یا به بیان دیگر، اراده ملت از مجلس یا مجالس مقننه ظاهر گردد. ۳- نظامی که در آن، پارلمان در مقام قوه مقننه وجود دارد و قوه مجریه در برابر آن مسئول است و گماردن وزیران برآی اعتماد پارلمان انجام می‌گیرد.

کمیسیون محدودده پارلمانی**Parliamentary Boundary Commission**

یکی از ارکان چهارگانه‌ای که هر یک از آنها ویژه بخشی از سرزمین بریتانیا است و هر دوازده تا پانزده سال، محدوده‌های پارلمانی را معین می‌کند.

کرتینیسیم پارلمانی؛ کوتولگی بلاهت آمیز پارلمانی**Parliamentary Cretinism**

این واژه را لنین در اثر خود به نام "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" و برای اشاره به فرصت طلبانی به کار برده که معتقد بودند سیستم پارلمانی کشور روسیه تزاری، دارای سیستمی از هر جهت نیرومند و مبارزه پارلمانی هم تنها شکل مبارزه سیاسی و یا در هر شرایطی، شکل مهم مبارزه سیاسی است. کرتینیسیم در فرهنگ پزشکی به بلاهت و عقب ماندگی توأم با کوتولگی اطلاق می‌شود.

دیپلماسی پارلمانی**Parliamentary Diplomacy**

بعد از جنگ جهانی اول و تشکیل جامعه ملل و بویژه پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد، روابط بین‌المللی وارد مرحله تازه‌ای شد که آن را دیپلماسی پارلمانی می‌نامند و طرز کار و رفتار مأمورین سیاسی در مجامع بین‌المللی صورت تازه‌ای به خود گرفت که با طرز کار و رفتار دیپلماتهای عادی فرق دارد. در دیپلماسی پارلمانی، نمایندگان کشورهای ذینفع در مجمعی به شکل پارلمان به بحث و مذاکره و اخذ تصمیم می‌پردازند. جلسه بحث و مذاکره اکثراً علنی است، نمایندگان رسانه‌های گروهی حضور دارند، بیانات نمایندگان و تصمیمات آنها در معرض قضاوت افکار عمومی قرار می‌گیرد و به همین جهت افکار عمومی در نتیجه آن تأثیر زیادی دارد. یکی از علل

به عبارت دیگر، انسان با توجه به جهان‌بینی یا نظریه کلی و پارادایم یا الگوی فکری حاکم بر اندیشه‌اش، آنچه را می‌خواهد انتخاب می‌کند و مورد تجربه و عمل قرار می‌دهد.

Paradox

رویه مخالف معمول؛ تناقض (گویی)؛ امر باطلنا

باور یا گفته متضاد با عقیده متعارف و عمومی.

Parallelism

آیین توازن

توازی بین ظرفیتها و لیاقتهای دماغی افراد با طبقات اجتماعی. در جامعه مبتنی بر آیین توازن یا همرویی، هر فرد می‌تواند به‌عالی‌ترین مقامات ممکنه که قابلیت وی (یعنی ظرفیت بعلاوه فرهنگ و تربیت و تجربه) اجازه می‌دهد، نائل آید.

Paramilitary Forces

نیروهای شبه نظامی

واحدهای رسمی یا غیررسمی که در خطوطی شبیه خطوط نیروهای مسلح رسمی دولت سازمان یافته و با سلسله مراتب فرماندهی، درجه و اونیفورم به‌منظور تأمین امنیت یا اعمال زور در جهت هدفهای سیاسی طراحی شده‌اند.

Paraphe (Initial)

پاراف؛ امضا (غیررسمی)؛ پیش امضا

پاراف یا امضای ناقص و مختصر وقتی صورت می‌گیرد که بعضی از کشورهای طرف معاهده، یا اختیار تام برای امضای معاهده به‌نمایندگان خود نداده‌اند و یا اینکه درباره قبول قطعی مفاد عهدنامه، شک و تردیدی حاصل کرده‌اند. در این دو حالت، معاهده پاراف می‌شود تا بعد عمل امضای قطعی انجام شود و معمولاً مدت میان زمان پاراف و امضای قطعی از چند هفته تجاوز نمی‌کند. امضای مختصر معمولاً حروف اول نام و نام خانوادگی شخص است.

Parasitism

زندگی انگلی؛ طفیلی‌گری

۱- سربار دیگران شدن و از وجود یا دسترنج آنان زندگی کردن. ۲- خصوصیت اخلاقی منفی که با شیوه زندگی انگلی، مفتخورانه، ول گشتن و دور شدن از کار مفید اجتماعی مشخص می‌شود. این پدیده، از نظر اجتماعی از زمان پیدایش مالکیت خصوصی و استثمار ظاهر گردید، وقتی که بعضی طبقات اجتماعی، وسایل تولید را در مالکیت خویش قرار دادند و توانستند حاصل کار دیگران را بدون هیچ زحمتی تصاحب کنند.

Paris Club

باشگاه پاریس؛ کلوب پاریس

نام دیگر "گروه ده" که به دلیل تشکیل اولیه آن در پاریس، باشگاه پاریس نیز خوانده می‌شود و منظور از آن، گروه کشورهای عمده صنعتی و وام‌دهنده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. روسیه در سال ۱۹۹۷ به عضویت باشگاه پاریس درآمد.

Parlementaire

پارلمانتار؛ نماینده

عامل فرمانده نیروهای متخاصم برای ایجاد ارتباط یا مذاکره علنی و مستقیم با فرمانده دشمن در میدان جنگ. نماینده یا پارلمانتار باید پرچم سفیدی را با خود حمل کند.

Panjandrum

آدم از خودراضی؛ آدم مدمغ
کسی که تکبر و نخوت دارد.

Pansexualism

همه سکس انگاری
نظریه‌ای که همه افکار را ناشی از غریزه جنسی می‌داند.

Pantarchy

همه‌سالاری
حکومت قاطبه مردم.

Pantisocracy

حکومت به تساوی؛ فرمانروایی همه

۱- شکلی از سازمان اجتماعی که در آن همه افراد از یک مرتبه و مقام اجتماعی برخوردارند و کسی حق تفوق بر دیگری ندارد. این واژه را روشنفکران انگلیسی در اوایل قرن نوزدهم برای اشاره به یک جامعه خیالی مبتنی بر فرمانروایی متساوی همه مردم، به کار بردند. ۲- جامعه‌ای که در آن تمام افراد برابرند و در کار حکومت نیز سهیمند.

Pantouflage

تغییر شغل

این واژه از ریشه فرانسوی به معنی لغزندگان گرفته شده و به معنی بازنشستگی از شغل دولتی و مشغول شدن به کار نان و آبدار در بخش خصوصی است. این نوع تغییر شغل، از نظر امکان آلوده شدن به فساد، مورد انتقاد قرار گرفته است.

Paper Blockade

محاصره بی‌الر؛ انسداد جعلی راه

فرمان کتبی است که با آن، راه ورود به ساحل دشمن را مسدود اعلام می‌کنند، در حالی که برای اجرای فرمان، ناوی که بتواند بستن راهها را عملی کند به محل فرستاده نمی‌شود. برای اینکه محاصره (دریایی)، قانونی باشد باید با نیرویی تأمین گردد که برای جلوگیری از رسیدن کشتیهای خارجی به سواحل دشمن کافی باشد. این اصل در اعلامیه سال ۱۸۵۶ پاریس چنین بیان شده است: محاصره بنادر باید مؤثر باشد تا قانونی شمرده شود.

Paper Tiger

بیر کاغذی

اصطلاح مانو درباره بمب اتمی و امپریالیسم آمریکا. مانو می‌گفت بمب اتمی که مرتجعین آمریکایی می‌کوشند با آن مردم را بترسانند، یک بیر کاغذی است که کشتن آن به هیچ وجه دشوار نیست. او همچنین در سال ۱۹۵۷، امپریالیسم آمریکا را به بیرکاغذی یا پهلوان پنبه تشبیه کرد. خروشچف به مانو گفت که این بیرکاغذی دندانهای اتمی دارد. مطبوعات چین نیز پس از اینکه چین دست به آزمایش بمب هیدروژنی خود زد، دیگر سلاحهای اتمی را بیرکاغذی نخواندند.

Paradigm

نمونه عالی؛ سرمشق فکری؛ الگوی نظری؛ پارادایم

واژه افلاطونی به معنی مثال یا عالم مثال. اکنون به معنی مجموعه‌ای از پیش فرضها در زمینه‌ای خاص که به تشکیل یک نظریه کمک می‌کنند و یا یک نظریه کلی است که انسان درباره قلمروئی از هستی دارد و با توجه به آن نظریه به تفحص و بررسی در جزئیات درون آن قلمرو می‌پردازد.

غزه و اریحا امضا کردند. در ژوئیه سال ۱۹۹۴ یاسر عرفات وارد غزه شد و به دنبال آن، اعضای نهاد خودگردان فلسطینی در حضور وی در اریحا سوگند یاد کردند. مع هذا، تازمانی که تجاوز به حقوق فلسطینیها ادامه داشته باشد، شعله مبارزه فلسطینیها نیز خاموش نخواهد شد و سازماندهی آنها هم شکلهای تازه‌ای به خود خواهد گرفت.

Pan

پان

پیشوندی است به معنی همه، سرتاسر، طرفدار اتحاد عمومی و نظایر اینها. از اواخر قرن هجدهم به بعد، زمانی که نهضتهای ناسیونالیستی اوج گرفت، برخی از سیاستمداران پیشوند پان را به نام قوم، مذهب و نژاد خود اضافه کردند: مثل پان ژرمنیسم یعنی هوادار وحدت ژرمنها، پان تورکیسم یعنی وحدت همه ترکی زبانان در ملتی واحد، پان اسلاویسم یعنی وحدت ملل اسلاوی.

Pancasila (Panch Shila)

پنج اصل؛ پانچاشیلا؛ پانکاسیلا

پانچاشیلا در سانسکریت به معنی پنج اصل است و در آیین بودا به پنج قانون کردار بودائیان گفته می‌شود که عبارتند از: اجتناب از قتل، دزدی، شهوت، دروغ و مسکرات. اصطلاح پنج اصل، نخستین بار در مقدمه موافقتنامه دولتهای هند و جمهوری خلق چین (آوریل ۱۹۵۴) به کار رفت که در آن، اصول مزبور را به شرح زیر بیان کردند: ۱- احترام متقابل به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها ۲- عدم تجاوز ۳- عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر ۴- رعایت برابری و سود متقابل ۵- همزیستی مسالمت آمیز. در سال ۱۹۵۵، کنفرانس باندونگ این اصول را به عنوان پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز تصویب کرد و دولت اندونزی نیز در سال ۱۹۶۵ آنها را سرمشق سیاست خارجی خود قرارداد. مرام اصلی فعلی اندونزی شامل پنج اصل اعتقاد به خدا، ناسیونالیسم، انسانیت، عدالت اجتماعی و دموکراسی است.

Pandora's Box

جعبه پاندورا

در اساطیر یونان، جعبه‌ای که پاندورا، نخستین زنی که بر کره زمین پیدا شد، به همراه داشت و خدایان، او را از بازکردن آن، منع کرده بودند. اما پاندورا از روی نافرمانی، جعبه را باز کرد و تمام رنج و بلاهایی که تاکنون بر سر انسان آمده از آن خارج شد. فقط امید در ته جعبه باقی ماند تا انسان را تسکین دهد. گشودن جعبه پاندورا کنایه از انجام دادن کار غیر عاقلانه و ایجاد دردسر است.

Pan-Islamism

پان اسلامیسیم؛ اتحاد اسلام؛ وحدت اسلامی

جنبش برای وحدت کشورهای اسلامی که تحت نفوذ فکری سیدجمال‌الدین اسدآبادی در قرن نوزدهم آغاز شد. وی مهم‌ترین و مزمن‌ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و با این دو به شدت مبارزه کرد. سیدجمال‌الدین اسدآبادی برای مبارزه با این دو عامل فلیح کننده، آگاهی سیاسی و شرکت فعالانه مسلمانان را در سیاست واجب شمرد و برای بازیافتن عظمت مسلمانان، بازگشت به اسلام نخستین را لازم می‌دانست و اتحاد اسلام (تشکیل صف واحد در مقابل دشمن غارتگر) را تبلیغ می‌کرد. امروزه، کشش پر قدرت مردم مسلمان برای اتحاد، به صورت یک عامل تعیین کننده سیاسی در سرنوشت ملت‌های مسلمان درآمده است.

Pacta Sunt Servanda

وفای به عهد و احترام به قول؛ احترام به قرارداد

یکی از اصول ذاتی و اساسی حقوق معاهدات و اشاره است به اینکه اعتبار معاهده باید همیشه به قوت و اعتبار خود باقی بماند. هرگاه این اصل مراعات نشود، طبعاً یا به معاهده پایان داده می شود و یا آنکه آن را تا زمانی که عمل نقض معاهده متوقف نشده باشد، به حال تعلیق دچار می کند. این اصل در اسلام با عبارت قاطع و صریح او فو ابالعهد بیان شده است.

Pacta Tertis Nec Nocent Nec Prosunt

عقد دو جانبه برای شخص ثالث ایجاد حق یا تکلیف نمی کند

مفهوم این مثل حقوق مدنی رومی در حقوق بین المللی آن است که عهدنامه ها برای دولت های ثالث (بدون رضایت آنها) ایجاد حقوق یا تعهد و الزام نمی کند.

Pair (Parliament)

جفت ممتنع (پارلمان)

در رویه پارلمانی انگلستان، زمانی که دو نماینده عضو حزب رقیب در موضع مخالف موضوع مورد رأی گیری قرار گیرند و ممکن است موقع اخذ رأی نیز در مجلس حضور نداشته باشند.

Palace Revolution

انقلاب کاخی؛ انقلاب از بالا؛ انقلاب کاخ نشینان

انقلابی که نه از جانب توده ها، بلکه توسط نزدیکان پادشاه و علیه او صورت می گیرد یا شورش گروه هایی از طبقه بهره کش به ضد گروه های بهره کش دیگر در درون حکومت که به انقلاب کاخی (کودتا) معروف است.

Palestinians

فلسطینیها

فلسطینیها - مسلمان و مسیحی - از نظر فرهنگی، دینی و تاریخی با ملت عرب پیوند استواری دارند. تبار آنها به فلسطینیها و کنعانیهای عرب می رسد. اغلب ساکنان فلسطین پس از فتوحات عربی اسلامی در قرن هفتم میلادی به اسلام گرویدند. آنها ایمان و زبان عربی خود را حفظ کردند و در فلسطین که قرن ها زیر سلطه بیگانگان، نظیر صلیبیها، ترکهای عثمانی و انگلیسیها بود، باقی ماندند. ماده پنجم منشور ملی فلسطین، فلسطینیها را این گونه تعریف کرده است: " آنها شهروندان عربی هستند که تا سال ۱۹۴۷ در فلسطین زندگی می کردند. این امر، در برگیرنده کسانی هم هست که مجبور به ترک فلسطین شده یا در آن ماندگار شدند. هر فردی که پس از این تاریخ، چه در درون و چه در بیرون از فلسطین زاده شود، فلسطینی به شمار می آید. " امروز (۱۳۸۲) بیش از هشت میلیون عرب فلسطینی وجود دارند که یا در مهاجرت و یا در فلسطین اشغالی (حدود چهار میلیون) به سر می برند. فلسطینیها در سال ۱۹۶۴ برای دفاع از حقوق خود در زمینه حق حاکمیت و تعیین سرنوشت و ایجاد یک دولت دموکراتیک و غیر نظامی در فلسطین که یهودیان و مسیحیان و مسلمانان در آن از حقوق و امتیازات و مسئولیتهای برابر برخوردار گردند، سازمان آزادیبخش فلسطین را به وجود آوردند. از سال ۱۹۸۷ با شروع قیام انتفاضه یا انقلاب سنگ، فصل جدیدی در تاریخ مبارزات فلسطینیها گشوده شد. در سال ۱۹۹۳ یاسر عرفات از سازمان آزادیبخش فلسطین و اسحاق رابین از اسرائیل در واشنگتن قراردادی را درباره خودمختاری



انسداد عادی راه

Pacific Blockade

انسداد عادی راه از جمله اقدامات کمتر از جنگ است که به محاصره بنادر یک کشور خارجی در زمان صلح، برای وادار کردن آن به اجرای یک حکم یا رعایت تعهدات خود و یا حقوق دولت محاصره کننده اطلاق می شود. این عمل با محاصره بنادر دشمن در زمان جنگ تفاوت دارد، زیرا در محاصره عادی اعلان رسمی جنگ داده نشده است و هم از نظر قانون بیطرفی و هم از نظر رابطه قانون بیطرفی و هم از نظر رابطه و تأثیر آن نسبت به کشورهای ثالث با محاصره دریایی در زمان جنگ فرق دارد.

صلح طلبی فعال

Pacificism

گرایش به صلح و آرامش، ضمن آمادگی برداشتن اسلحه در شرایط معین. بیشتر صلح طلبان فعال، در جریان جنگ جهانی دوم به مبارزه مسلحانه علیه فاشیسم برخاستند.

حل مسالمت آمیز اختلافات

Pacific Settlement of Disputes

فیصله اختلافات بین المللی از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری و رسیدگی قضائی.

صلح طلبی

Pacifism

۱- گرایشی آرمانخواهانه که بنا بر ملاحظات اخلاقی، با هرگونه اعمال زور مخالف است و تلاش برای حفظ صلح و اجتناب از جنگ را لازم می داند. ۲- تبلیغ صلح بدون دعوت به مبارزه فعال انقلابی. این واژه همچنین به معنی صلح خواهی و مسالمت جوئی منفی به کار می رود که ممکن است به سازش با ناحق، برای اجتناب از جنگ و ستیز منتهی شود. صلح در هر شرایطی بر جنگ برتری ندارد، بویژه وقتی که صلح بر ستمگری، استثمار، بردگی و نقض حقوق بشر استوار باشد.

پیمان

Pact

۱- قرارداد بین دو یا چند کشور که معمولاً به دقت معاهده نیست، ولی عملاً با آن برابر است. ۲- پاره ای از معاهده های مربوط به صلح و همکاریهای نزدیک بین اطراف قرارداد، مثل پیمان کلوگ- بریان یا پیمان پاریس درباره تحریم و تقبیح جنگ و خونریزی.

Overpopulation

اضافه جمعیت؛ زیادی جمعیت؛ جمعیت بیش از اندازه

به جمعیتی اطلاق می شود که با توجه به وسعت منطقه، قدرت جذب و امکانات آن اضافه تر از حد متناسب جمعیت (یعنی وضع مطلوب میزان کمی جمعیت که موجبات بالا بردن درآمد واقعی را به حداکثر میزان آن در شرایط خاص فنی و اقتصادی فراهم سازد) باشد. اگرچه مسأله جمعیت بیش از اندازه، بویژه در قرن هیجدهم و از زمان مالتوس شناخته شده بود، اما در دهه های اخیر علائم و آثار زیانبار آن به خوبی آشکار شده است. اینک با وجود امکانات کنترل بارداری و تنظیم خانواده، در بسیاری از نقاط آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین مردم با اینکه در شرایط غیرانسانی به سر می برند و می دانند بچه زیادی یعنی سربار زندگی و بدبخت کردن یک موجود بیگناه و زبان بسته، ولی میزان مولید همچنان بالا است. بعضی کشورها نیز مانند کشورهای اروپای شرقی به جای زیادی جمعیت، تنزل جمعیت داشته اند. ظاهراً علت تنزل جمعیت در این کشورها، کورتاژ و کنترل جمعیت بوده است. باید برای بالا بردن فرهنگ مردم، آگاهی دادن به مردم در مورد بحران جمعیت و پیامدهای اجتماعی و بوم شناختی آن و مجهز شدن دولتها، سازمانها و حزبهای سیاسی به یک برنامه دقیق و مؤثر برای کنترل جمعیت تلاش کرد. جمعیت بیش از اندازه، نه تنها می تواند مهمترین عامل، علیه حفظ هماهنگی محیط زیست باشد، بلکه می تواند مشکلات بزرگی را در مناسبات میان گروههای انسانی پدید آورد.

Overseas Territories

سرزمینهای ماورای بحار

سرزمینهایی که به خاک سرزمین اصلی یک امپراتوری متصل نیستند، اما جزو خاک و یا مستعمره های آن امپراتوری شمرده می شوند.

Owenism

اوونیسیم؛ آونیسیم

تئوری و عمل سوسیالیسم تعاونی رابرت اوون (۱۸۵۸-۱۷۷۱) صاحب صنعت، مردم گرا، سوسیالیست (تخیلی) و پیشتاز نهضت تعاونی. اوون در راه بهبود احوال کارگران، سعی بسیار کرد که اقداماتش موجب وضع چند قانون از پارلمان انگلستان به نفع کارگران شد. وی اعتقاد داشت که انسان محصول شرایط اجتماعی است و با تغییر شرایط زندگی و بهبود نظام اجتماعی، انسان نیز دگرگون می شود و اینکه جامعه سوسیالیستی نه در اثر مبارزه، بلکه به دنبال شناخت حقیقت به وجود می آید.

Ozone Layer

لایه اوزون

لایه ای از جو زمین که بیشترین مقدار اوزون جو در آن قرار دارد. اوزون، مولکولی است مرکب از سه اتم اکسیژن و ماده ای است ناپایدار که معمولاً در اتمسفر نایاب است. قسمت عمده اوزون موجود در جو زمین در لایه استراتوسفر (آرام سپهر)، ۱۰ تا ۵۰ کیلومتری سطح زمین، که لایه اوزون نیز خوانده می شود وجود دارد. مولکولهای اوزون موجود در این لایه، تقریباً تمام اشعه فرابنفش خورشید را جذب می کنند و گیاهان و جانوران را از زیانهای این اشعه مصون می دارند. لایه اوزون در برابر مواد شیمیائی، مثل کلر، بروم و فلور آسیب پذیر است. سوراخ یا حفره اوزون Ozone Hole ناشی از این قبیل مواد است.

سرچشمه گرفته است. چرا افراد انسانی، خودشان را "مردم" و بقیه را "دیگران" می‌نامند یا فرق بین شخص با دیگری از چه عاملی ناشی می‌شود؟ عده‌ای، علت را در اختلافات فرهنگی، زبان، دین، تمدن، شرایط تکاملی و توسعه، نژاد، قومیت، ملیت، جنسیت، طبقه، ایدئولوژی و سن جستجو کرده‌اند و طبقه و نژاد و جنسیت را بیشتر از موارد دیگر، عامل جدائی دانسته‌اند. به نظر سعدی: بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند/ چو عضوی ببرد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار/ توکز محنت دیگران بیغمی / نشاید که نامت نهند آدمی.

Oubliette

سیاهچال

زندانی تنگ و تاریک و بدون پنجره که درب آن در روی سقف قرار گرفته است.

Outer Space

فضای ماورای جو

فضای بیرونی یا خارجی یا فضای آنسوی جو زمین. در حقوق بین‌الملل، فضای ماورای جو و فضای ملی (حریم و قلمرو هوایی یا آسمان کشور یا فضای بالای آب و خاک) به عنوان دو منطقه مجزا شناخته شده ولی مرز بین این دو فضا مشخص نشده است. فضای ماورای جو، تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست.

Outer Space Treaty

عهدنامه فضای ماورای جو

موافقتنامه چندجانبه بین‌المللی مورد تصویب مجمع عمومی ملل متحد که اصول اساسی حاکم بر حقوق بین‌المللی فضای ماورای جو را تعیین نموده است. طبق عهدنامه سال ۱۹۶۷ فضای ماورای جو: ۱- بهره‌برداری از فضای ماورای جو باید مسالمت‌آمیز باشد ۲- عدم تصاحب و تملک و تصرف فضا ۳- هیچ کشوری حق تعیین مرز میان قلمرو هوایی خود و قلمرو فضایی را ندارد ۴- کاوش و بهره‌برداری از فضا باید طبق اصول حقوق بین‌الملل و براساس مساوات باشد ۵- آزادی فضای ماورای جو و سایر اجسام آسمانی ۶- اجتناب از آزمایشهای خطرناک و مضر در فضا ۷- توسعه همکاریهای بین‌المللی در کاوش و بهره‌برداری از اجسام آسمانی ۸- غیرنظامی کردن فضای ماورای جو ۹- لزوم همکاری و کمک به فضانوردان در صورت بروز خطر ۱۰- مسئولیت بین‌المللی دولتها در مورد فعالیت‌هایشان در فضا.

Outsider

بیگانه؛ منزوی؛ گوشه‌نشین؛ خارج‌گودی

۱- غریبه و خارجی یا کسی که از یک حزب، انجمن یا مجموعه کنار گذاشته شده باشد. ۲- کسی که نسبت به فعالیتها، جریانات و مسائل مربوط به جامعه‌اش بی‌اعتنا است. ۳- کسی که خود را برکنار از جامعه قرار می‌دهد تا از آن فراتر رفته و به صورت یک موجود برتر درآید.

Outward-Looking Development Policy

سیاست توسعه‌ای برون‌نگر

به سیاستها و خط‌مشی‌هایی اطلاق می‌شود که از جمله باعث تشویق تجارت آزاد، تحرک آزاد سرمایه، کارکنان، مؤسسات اقتصادی، دانشجویان و استقبال از شرکتهای چندملیتی و گرایش به نظام ارتباطی و اطلاعاتی باز است.

Orthodox

ارتودوکس؛ درست‌گیش؛ راست‌باور؛ بنیادگرا؛ طرفدار ایمان اولیه

از ریشه یونانی و به معنی عقیده درست است که در اصل در مورد پیروان کلیسای ارتودوکس به کار می‌رود. برخی از ویژگیهای مذهب ارتودوکس عبارت است از: ایمان استوار به تجسم خداوند، عقیده حیات در شخص عیسی و انجام مناسک دینی از روی خلوص نیت در کلیسا، اعتقاد به طبیعت و روح الهی تمثال مریم و دیگر قدیسان (درحالی که کلیسای کاتولیک روم در مغرب به تصویر و تمثال مریم و دیگر قدیسان منزلت بشری دادند) مخالفت با اینکه اسقف شهر روم ریاست عالی بر تمام جامعه کلیسای مسیح داشته باشد، اعتقاد به اینکه پاپ روم دارای صفت معصوم نیست و در مسائل ایمانی و اخلاقی ممکن است دچار خطا و اشتباه شود. در فرهنگ سیاسی به همه کسانی که از سرچشمه یک آیین مایه می‌گیرند و از خط آن منحرف نمی‌شوند، ارتودوکس اطلاق می‌گردد، مثل کمونیست ارتودوکس که معنی آن مارکسیست واقعی و معتقد به اصول مارکسیستی است.

Ostpolitik

سیاست شرقی؛ سیاست گرایش به شرق

این واژه آلمانی که در سال ۱۹۶۶ به وسیله کورت کیزینگر به کار رفت، بیانگر سیاست جمهوری فدرال آلمان سابق برای برقراری رابطه با شرق کمونیست و ابطال دکترین هالشتاین است. سیاست گرایش به شرق در زمان حکومت ویلی برانت جنبه عملی به خود گرفت و در سال ۱۹۷۲ به عقد عهدنامه‌هایی با شوروی سابق و لهستان منتهی گردید. براساس این عهدنامه‌ها، خط مرزی اودر - نایسه و جمهوری دموکراتیک آلمان سابق به صورت دو فاکتو به رسمیت شناخته شد. خط مرزی اودر - نایسه، مرز میان لهستان و جمهوری دموکراتیک آلمان سابق را تشکیل می‌داد. کشور اخیر در ۳ اکتبر ۱۹۹۰ در آلمان فدرال ادغام شد و هر دو به صورت یک دولت واحد به عضویت سازمان ملل متحد درآمدند.

Ostracism

تبعید (بارای عمومی)؛ طرد (اجتماعی)

۱ - تبعید موقتی افراد با استناد به آرای عمومی، بدون محاکمه و دادرسی یا اتهام خاص که در یونان باستان در مورد افرادی که برای یک ناحیه خطرناک و زیان‌آور تشخیص داده می‌شدند، اعمال می‌گردید. کوچاندن تاتارهای کریمه و چین‌های قفقاز را نیز می‌توان از نمونه‌های این گونه تبعید دانست. چین‌ها پس از خاتمه جنگ جهانی دوم به اتهام همکاری با آلمانیها به قزاقستان تبعید شدند، اما در سال ۱۹۵۷ به دستور خروشچف به موطن خود بازگشتند. ۲ - قطع رابطه اجتماعی با مجرمان، محکومان یا افراد منفور. ۳ - از خود راندن یا کنار گذاشتن بعضی از افراد در ارتباط با زندگی اجتماعی.

Other-Directed Man

انسان دگرراهبر

این اصطلاح برای اشاره به آدمیان دگران نگر به کار می‌رود که بویژه از طریق رسانه‌های گروهی هدایت می‌شوند و به راهی می‌روند که از طریق این رسانه‌ها تجویز می‌گردد.

Others

دیگران

موضوع غیریت، دیگربودگی یا دگربود (Otherness) از پرسشهای درمورد ماهیت هویت

Organizing

سازماندهی

تعیین ساختار روابط متقابل مبتنی بر اختیار و مسئولیت گروه‌های انسانی به منظور تحقق و نیل به اهداف مورد نظر. برای برگزیدگان حاکم، سازماندهی به معنی متشکل ساختن خود و برای رهبران انقلابی، سازماندهی به معنی متشکل ساختن یا مرتبط ساختن خود با مردم است.

Oriental Despotism

استبداد شرقی

واژه مورد استفاده سیاحان قرن هفدهم میلادی و مونتسکیو برای اشاره به استبداد مطلق (سلطنتی) در برخی از مناطق آسیایی که به موجب آن، فرمانروای مستبد (مثل شاه، امپراتور، تزار) نماینده خدا و خردخدایی بر روی زمین شمرده می‌شد و به دلیل همین مقام خود، برتر از هر کس و دارنده اختیار جان و مال و ناموس تمام رعایا بود و با قدرت مطلق بر جامعه فرمان می‌راند و هیچ قدرتی در برابر امیال و آرزوها و قدرت مطلق او یارای مقاومت نداشت. فرمانروای مستبد و اطرافیان او به شکوه ظاهری خود اهمیت زیادی می‌دادند تا تأثیر موجود خاص و منتخب آسمان بودن را در رعایا باقی بگذارند. به طور کلی، استبداد شرقی بر محور زور و ارعاب و شکنجه قرار داشت. کارل مارکس و فردریک انگلس در ارتباط با شیوه تولید آسیایی از نظریه استبداد شرقی استفاده کردند. این دو دانشمند ادعا کردند جوامعی که در آنها شیوه تولید آسیایی مسلط باشد، با شرایطی مانند فقدان مالکیت خصوصی (زیرا دولت ارباب واقعی است)، بردگی عمومی و شرایط سیاسی پایدار مشخص می‌گردند. به نظر انگلس، همه استبدادهای شرقی (مثل عثمانی) با اقتصاد سرمایه‌داری ناسازگارند. چون در آنها امنیت شخصی و مالی برای تجار وجود ندارد.

Orientalism

شرق‌شناسی؛ خاورشناسی

شیوه‌ای غربی برای تسلط بر شرق یا تحقیق در اوضاع و احوال و زبان و آداب و رسوم و خلق و خوی ملل مشرق زمین. شرق‌شناسی که از میل دیدن مشرق به وسیله سیاحان و سوداگران غربی سرچشمه گرفت و زاده مقاصد سیاسی و استعماری دولتهای انگلستان، روسیه تزاری، فرانسه، هلند، اتریش و آلمان بود و بویژه به وسیله مأموران وزارت امور خارجه توسعه یافت، ابزاری برای تسلط آن دولتها بر ملل مشرق زمین بوده است. شرق‌شناسی برای ملل مشرق زمین، اصطلاحی است یادآور گذشته‌ای تلخ و بیان‌کننده صدمه‌های سیاسی که از راه شناخته شدن ملل مشرق زمین به وسیله غربیها به آن ملل وارد شده است. شرق‌شناسی همواره دو جنبه داشته است: یکی عبارت است از آنچه که به اصطلاح، استعمار از آن نفع می‌برد و از طریق مطالعات اجتماعی و تجسس در اوضاع و احوال اقتصادی (به منظور کسب نفع مادی از راههای مختلفی مثل تجارت و سرمایه‌گذاری) و قلب و تحریف تاریخ است. به وسیله این نوع مطالعات و از راه به کار بردن اصول علمی اجتماعی، مثل روشهای آماری و معیارهای جامعه‌شناختی، روحیات و احتیاجات ملت‌ها در اختیار محقق قرار می‌گیرد و با اطلاع بر سنتهای باستانی، سرنخهای تازه‌ای برای تغییر روشهای سیاسی به دست می‌آید. جنبه دیگر شرق‌شناسی که از نظر پیشرفت علمی و همچنین از لحاظ ملل مشرق زمین مثبت بوده، خدماتی است که این رشته به شناخت سوابق فرهنگی و تاریخی ملل مزبور کرده است.

کنفرانس اسلامی، حرکت به سوی دموکراسی اسلامی، حل مشکلات و اختلافات موجود بین کشورهای اسلامی و وحدت نظر در مجامع بین‌المللی است.

Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC)

سازمان کشورهای صادرکننده نفت؛ اوپک

اتحادیه کشورهای عمده صادرکننده نفت که در سال ۱۹۶۰ با هدف هماهنگی سیاستهای کلی اعضا و برقراری قیمتهای مورد توافق کشورهای عضو برای مواد نفتی صادراتی به کشورهای مصرف کننده تأسیس شد. اعضای اوپک عبارتند از: اکوادور، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، ایران، عراق، عربستان سعودی، قطر، کویت، گابون، لیبی، نیجریه، ونزوئلا. ایجاد سازمان کشورهای صادرکننده نفت در واقع، واکنش این کشورها در برابر مطامع سودجویانه شرکتهای نفتی و دولتهای غربی پشتیبان این شرکتهای بود. مقر اوپک در وین است. اکنون اوپک با وجود کشورهای دیگر تولیدکننده نفت، مثل انگلستان، آمریکا، روسیه، چین و نروژ، جایگاه انحصاری خود را در بازار نفت خام از دست داده است و باید تلاش کند تا بتواند با تغییرات جدید و جهانی شدن اقتصاد و توطئه کاهش قیمت نفت و از هم پاشیدن اوپک مقابله کند. تقلب در سهمیه تولید، یعنی اضافه تولید بیش از سهمیه مقرر در اوپک از طرف بعضی کشورهای عضو، باعث کاهش قیمت نفت می‌شود و اصولاً یکی از مشکلات این سازمان است. کشورهای اکوادور و گابن از اوپک خارج شده‌اند.

Organization of Security and Cooperation in Europe

سازمان امنیت و همکاری اروپا؛ سازمان امنیت و همکاری در اروپا

کنفرانس امنیت و همکاری اروپا از سال ۱۹۹۵ به سازمان امنیت و همکاری اروپا تغییر نام داد. وظایف و هدفهای این سازمان از جمله عبارت است از: حاکم ساختن ارزشهای مشترک، هماهنگ کردن گفتگوها و نظرها و مسائل امنیتی در اروپا، کنترل تسلیحات و خلع سلاح، دخالت در بحرانها و جنگهای منطقه‌ای به منظور کاهش تنش، مثل مشارکت در حل بحران چین.

Organization of the Islamic Conference

سازمان کنفرانس اسلامی

سازمانی متشکل از کشورهای اسلامی که در مه ۱۹۷۱ به منظور ایجاد همبستگی و وحدت و همکاری میان کشورهای اسلامی در زمینه‌های مذهبی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، از میان برداشتن تبعیض نژادی و استعمار و حمایت از مردم فلسطین در تلاشی که برای آزادی سرزمین خود برعهده گرفته‌اند، تأسیس شد و دارای سه رکن کنفرانس سران، کنفرانس وزیران خارجه و دبیرخانه است. این سازمان از بیش از ۵۰ کشور (از چهار قاره آسیا، آفریقا، اروپا و اقیانوسیه) تشکیل شده و مقر آن در شهر جده است. کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس: آذربایجان، آلبانی، اردن، ازبکستان، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، اوگاندا، ایران، بحرین، برونی، بنگلادش، بنین، بورکینافاسو، بوسنی، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ترکیه، توگو، تونس، جیبوتی، چاد، زنگبار، سنگال، سودان، سورینام، سوریه، سومالی، سیرالئون، عراق، عربستان سعودی، عمان، فلسطین، قرقیزستان، قزاقستان، قطر، کامرون، کومور، کویت، گابن، گامبیا، گینه بیسائو، لبنان، لیبی، مالدیو، مالزی، مالی، مراکش، مصر، موریتانی، موزامبیک، نیجر، نیجریه، یمن.

Organization of American States (OAS)**سازمان کشورهای آمریکایی**

این سازمان در سال ۱۹۴۸ به منظور تأمین صلح و امنیت و توسعه همکاریهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین کشورهای عضو ایجاد شد و اکنون ۳۵ کشور آمریکایی، از جمله ایالات متحده در آن عضویت دارند. کوبا تا سال ۱۹۶۲ عضو این سازمان بود. مقر سازمان کشورهای آمریکایی (که عملاً زیر نفوذ ایالات متحده قرار دارد) در واشنگتن دی سی است. مع هذا، این سازمان علی‌رغم نزدیکی به ایالات متحده آمریکا، در سال ۱۹۸۳ حاضر به پشتیبانی از مداخله آمریکا در گرانادا نشد و با تحریم نیکاراگوئه توسط آمریکا نیز مخالفت کرد.

Organization of Arab Petroleum Exporting Countries (OAPEC)**سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت؛ اوآپک**

این سازمان در سال ۱۹۶۸ تأسیس شد و اعضای آن عبارتند از: الجزایر، امارات متحده عربی، بحرین، سوریه، عراق، عربستان سعودی، قطر، کویت، لیبی. عضویت مصر در سال ۱۹۷۹ به حالت تعلیق درآمد. مقر سازمان در کویت است. هدف آن همکاری میان اعضاء در قلمرو فعالیتهای اقتصادی و صنعت نفت و حفظ منافع مشترک است. شورای وزیران که از وزیران امور خارجه کشورهای عضو ترکیب یافته است، رکن عالی این سازمان به‌شمار می‌آید.

Organization of Cooperation and Security in Middle East**سازمان همکاری و امنیت خاورمیانه**

مالکولم ریفکیند وزیر امور خارجه انگلستان در اواخر سال ۱۹۹۶ ضمن سفرش به منطقه خاورمیانه، ایجاد چنین سازمانی را مطرح کرد که در واقع، رونوشتی است از نسخه‌هایی مثل "ستو" که استعمارگران بویژه در دهه ۱۹۵۰ برای منطقه پیچیده‌اند. این طرح از چند نظر قابل توجه است: ۱- طرح ایجاد آن از طرف دولتی خارج منطقه پیشنهاد شده است ۲- مسأله اصلی منطقه خاورمیانه، غصب و اشغال سرزمین ملت فلسطین توسط دولت اسرائیل است ۳- ریفکیند در توجیه طرح گفته است که موجب افزایش اعتماد دولتهای منطقه نسبت به هم می‌شود، در حالی که افزایش اعتماد بین یک دولت غاصب و متجاوز و ملتی که سرزمینش غصب شده و مورد تهدید است بعید به نظر می‌رسد ۴- به نظر وی، سازمانهای منطقه‌ای موجود در خاورمیانه، پاسخگوی نیازهای کنونی نیستند. در واقع، منظور ریفکیند این است که دولتهای عرب و مسلمان منطقه، سازمانهایی را که برای حفظ حقوقشان به وجود آورده‌اند، نادیده بگیرند. بدین ترتیب، هدف از طرح ایجاد چنین سازمانی، تحکیم وضع موجود و راضی کردن اعراب به سازش با دولت اسرائیل بر اساس شرایط موجود و همچنین گسترش سلطه این دولت بر تمام منطقه خاورمیانه است.

Organization of Islamic Parliaments (OIP)**سازمان مجالس اسلامی**

در اجلاس تأسیسی با حضور نمایندگان ۴۰ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تاریخ ۲۶-۲۷ خرداد ۱۳۷۸ در تهران به اتفاق آرا، اساسنامه آن تصویب و تهران به عنوان مقر دبیرخانه سازمان تعیین شد. ارکان سازمان شامل: کنفرانس، شورا، کمیته اجرایی و دبیرخانه است. کنفرانس، هر دو سال یکبار برگزار می‌شود. هدف از تشکیل اتحادیه مجالس کشورهای عضو سازمان

سازمان؛ تشکیلات

Organization

۱- ماشین مدیریت در نیل به هدفها و مقاصدی که از طرف اداره تعیین شده است. ۲- ساختار روابط متقابل گروههای انسانی مبتنی بر اقتدار و اختیار و مسئولیت. تشکیل سازمان، مستلزم تقسیم کار و طبقه‌بندی وظایف و تفویض اختیار و مسئولیت است. عناصر تشکیل دهنده هر سازمان اجتماعی عبارتند از: اشخاص، کوششهای دسته‌جمعی و بالأخره مقصود یا وظیفه مشترک. توفیق سازمان بستگی به عوامل زیر دارد: میزان خدماتی که فرد فرد اعضای سازمان انجام می‌دهند، تعداد افراد سازمان، هماهنگی میان مساعی و کوششهای فردی. ۳- فعالیتهای آگاهانه، ترتیب یافته، با هدفهای معین یا واحد اجتماعی یا گروه‌بندی متشکلی از اشخاص برای نیل به هدفهای مشخص. ۴- هسته دستگاه حزب که از اعضای مطمئن و مورد اعتماد حزب به وجود آمده است. سازمان دارای انواع مختلفی مثل اجتماعی، اقتصادی، حکومتی و سیاسی است.

Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

این سازمان در ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۶۱ به‌عنوان جانشین سازمان همکاری اقتصادی اروپا رسماً آغاز به کار کرد. هدفهای آن عبارتند از: افزایش رشد اقتصادی و هماهنگی سیاستهای اقتصادی و ثبات مالی کشورهای عضو، توسعه تجارت جهانی، کمک به کشورهای در حال توسعه و حل مشکلات اقتصادی. کشورهای آلمان، اتریش، استرالیا، اسپانیا، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، ایرلند، ایسلند، بریتانیا، بلژیک، پرتغال، ترکیه، دانمارک، زلاند جدید، ژاپن، سوئد، سوئیس، فرانسه، فنلاند، کانادا، لوکزامبورگ، نروژ، هلند و یونان در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه عضویت دارند. مقرر این سازمان در پاریس است.

Organization Man

انسان سازمانی؛ آدمک تشکیلاتی؛ آدم سازمانی

فردی که علاقه زیادی به پیشرفت سازمانی دارد که برای آن کار می‌کند و با رفتاری اداری و روابط خشک و غیرانسانی مشخص می‌شود. این اصطلاح از عنوان کتاب ویلیام اچ وایت گرفته شده که در سال ۱۹۵۶ منتشر شد. وی از کسانی نام می‌برد که زندگی آنها به‌طور کامل صرف کار برای مؤسسات بزرگ شده است تا قول مساعد زندگی بهتری را از تشکیلات بگیرند. انسانهای سازمانی به‌خاطر روابط خشک و گسترش بوروکراسی، از داشتن دوستان واقعی و تماس با خویشاوندان بی‌بهره‌اند. به نظر اریش فروم، انسان سازمانی کسی نیست که بتواند نافرمانی کند. او حتی نمی‌داند که دارد فرمانبری می‌کند.

Organization of African Unity (OAU)

سازمان وحدت آفریقا

این سازمان در ۲۵ مه ۱۹۶۳ برای پیشبرد وحدت و همبستگی، هماهنگ کردن امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، دفاع از حق حاکمیت کشورهای عضو، از بین بردن مستعمرات آفریقایی و مبارزه با استعمار ایجاد شد و اکنون تقریباً تمام کشورهای آفریقا در آن عضویت دارند. مقرر این سازمان در آدیس آبابا است.

Opposition

اپوزیسیون؛ جناح مخالف؛ مخالفان سیاسی؛ تقابل؛ گروه مخالف

۱- مجموعه افراد و سازمانهای سیاسی مخالف دولت مستقر. ۲- موضع‌گیری در مقابل نظریات و رفتار یکدیگر، و نیز ایجاد مانع در مقابل انجام هر عملی را اپوزیسیون آن عمل می‌خوانند. این واژه بدون ذکر موصوف، در نظامهای پارلمانی در مورد گروه نمایندگان مخالف دولت و یا در مورد گروهی از افراد یک جامعه که با سیاست دولت موافق نباشند به کار می‌رود.

Oppression

ستم؛ فشار؛ تعدی؛ بیدادگری؛ ستمگری

۱- اقدامات غیرقانونی دولت، در مواردی که مقرراتی برای جلوگیری از آن در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است، و یا خودداری از اقداماتی که باید انجام شود. ۲- اعمال زور، اجبار یا خشونت توسط بعضی از دارندگان قدرت، برای محدود کردن آزادی دیگران یا انکار حقوق آنها. ظلم و ستم ممکن است آشکار (مثل اشغال تجاوزکارانه یک کشور) باشد و یا پوشیده (مثل ظلم و ستمی که از نظر اقتصادی بر طبقات زحمتکش وارد می‌شود). و مردم ستمدیده و مستضعف نیز حق دارند قیام کنند و خود را از زیر یوغ و بند اسارت و بدبختی رها سازند.

Optional Clause

ماده اختیاری

شرط یا ماده اختیاری، مربوط به صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری است و چون در مورد دیوان دائمی ماده‌ای در این مورد تهیه کرده بودند که امضای آن برای دولتها اختیاری بود، آن را ماده اختیاری نامیدند و از زمان دیوان دائمی به همین صورت در عرف قضائی بین‌المللی متداول است. این ماده مقرر می‌نمود که: امضا کنندگان ذیل از جانب دولتهای خود اعلام می‌دارند که آنها از این تاریخ، صلاحیت اجباری دیوان را به خودی خود و بدون نیاز به قرارداد ویژه مطابق بند دوم ماده ۳۶ اساسنامه دیوان می‌پذیرند.

Option of Nationality

حق انتخاب تابعیت

به عکس "پله بیسیت" که به مفهوم مشاوره عمومی با ساکنان و مردم سرزمینی است که باید واگذار یا تسلیم شود - یعنی اجرا یا عدم اجرای عمل واگذاری - حق انتخاب تابعیت عبارت از حق و اختیاری است که به مردم سرزمینهای مزبور داده می‌شود تا در ظرف مدت مشخصی، یا تابعیت کشور واگذارکننده و یا تابعیت کشور الحاق‌کننده را انتخاب نمایند.

Order

نظم؛ نظام

این واژه در زبان انگلیسی دارای معانی و مفاهیم متعددی است که از جمله می‌توان به رتبه، ساختار، دستور، برنامه کار، فرقه، مسلک، سبک، مرتبه و طبقه اجتماعی اشاره کرد.

Organ

ارگان؛ وسیله نشر افکار؛ سازمان

رسانه‌ای که ناشر اندیشه و سیاست یک حزب، مؤسسه، گروه و یا واحدی باشد. این واژه همچنین به معنی تشکیلات و سازمان نیز به کار رفته است.

برکشتی نصب شده) می‌نامند. عموم کشورها، ساحلی یا غیرساحلی دریا، حق دارند اجازه دهند مردم در تحت پرچم آنها در دریای باز کشتیرانی کنند. این واژه مترادف واژه دریای آزاد است.

Open Sky

آسمان باز

عنوان طرحی است که نخست در سال ۱۹۵۵ از طرف ایالات متحده آمریکا برای نظارت بر کنترل تسلیحات پیشنهاد شد. این طرح بر تجسس هوایی نامحدود استوار بود. شوروی سابق آن را تحت عنوان کنترل بدون خلع سلاح رد کرد. اما در سال ۱۹۹۲، معاهده‌ای به‌نام آسمانهای باز در فنلاند بین تعدادی از کشورهای عضو کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا به‌امضا رسید. با فروپاشی شوروی، روسیه، اوکراین و روسیه سفید این معاهده را امضا کردند. براساس معاهده آسمانهای باز، کشورهایی که در دوره جنگ سرد دشمن هم بودند می‌توانند طبق مقررات، بر فراز آسمانهای یکدیگر پروازهای تجسسی انجام دهند.

Open Society

جامعه باز

این اصطلاح را سرکارل ریموند پوپر (۱۹۹۴-۱۹۰۲) به‌کار برده و مقصود از آن، جامعه‌ای است که افرادش پیوسته جویای چرایی کارها باشند و در مقدسات و مسلمات و تابوها شک کنند و تصمیمات اجتماعی را پس از بحث با یکدیگر با معیار عقل بگیرند، و حال آنکه در جامعه بسته، افراد در همه کارها مقلدند و به مقدسات و مسلمات، ایمان کورکورانه دارند. پوپر، افلاطون و هگل و مارکس را بنیانگذاران اصلی فکر جامعه بسته می‌داند. لوینسون، مدافع افلاطون، در کتاب دفاع از افلاطون و موریس کورنفورت، مدافع مارکسیسم، در کتاب فلسفه باز و جامعه باز به ایرادهای پوپر جواب داده‌اند.

Opinion

نظر؛ عقیده

رای، فکر، قضاوت یا اعتقادی که شخص یا گروهی در مورد موضوعی داراست. عقاید صحیحی که مبین پیشرفت است، به‌محض اینکه انسان بر آنها تسلط یابد، تبدیل به نیروی مادی برای تغییر جامعه می‌شوند.

Opinion Leader

راهبر عقاید؛ رهبر عقیدتی

شخصی که معمولاً صاحب مقام و منصب خاصی نیست و از طریق رسانه‌های گروهی عقاید مردم را هدایت یا دگرگون می‌کند.

Opportunism

فرصت طلبی؛ اپورتونیزم

به‌معنی ابن‌الوقت بودن و به‌سرعت بر حسب تغییر اوضاع سیاسی بنا بر منفعت شخصی، تغییر عقیده دادن است. معنی این واژه نزد مارکسیستها عبارت است از ترک موضع طبقاتی و اصولیت و استحکام آن و خیانت به‌منافع پرولتاریا. اپورتونیزم راست، وادار کردن پرولتاریا به‌دنباله روی از منافع بورژوازی و حزب سیاسی آن است، و اپورتونیزم چپ، از جمله با دست زدن به‌عملیات ماجراجویانه می‌کوشد تا ایده‌هایی را تحقق بخشد که جز درآینده، قابل تحقق نیستند.

در پایان سال ۱۹۸۴ به بیش از شش میلیارد دلار بالغ گردید. کمکهای صندوق اوپک برای کشورهای فقیر و نیازمند معمولاً به دو صورت اعطاء وام (بدون بهره) و کمکهای بلاعوض صورت می‌گیرد. نام این مؤسسه در سال ۱۹۸۰ به صندوق اوپک برای توسعه بین‌المللی تغییر یافت تا بتواند وسعت عملیات صندوق را بهتر نشان دهد. هدف اصلی صندوق اوپک، تقویت همکاریهای مالی بین کشورهای عضو اوپک و سایر کشورهای در حال توسعه و بویژه کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای فقیر و شدیداً نیازمند است. دبیرخانه صندوق اوپک در وین قرار دارد.

Open Diplomacy

دیپلماسی علنی

دیپلماسی علنی یا آشکار، از زمان تأسیس جامعه ملل برقرار شد و مبتنی است بر نشر قراردادهای بین‌المللی و اطلاعات مربوط به مذاکرات سیاسی. بر اساس ماده ۱۸ میثاق جامعه ملل، کشورهای عضو جامعه موظف گردیدند تمام معاهدات و تعهدات بین‌المللی خود را در دبیرخانه جامعه ملل به ثبت برسانند و معاهدات و تعهدات وقتی قوت اجرایی حاصل می‌کرد - یعنی برای طرفین معاهده الزامی می‌شد - که به ثبت می‌رسید. هدف واضعان ماده ۱۸ این بود که اولاً موضوع نشر معاهدات را مسجل کنند و ثانیاً نظارت آرای عمومی را بر مذاکرات دیپلماسی به قصد نفی و طرد معاهدات سری، تسهیل سازند. با اینهمه، هنوز در خیلی موارد حتی انتخاب‌کنندگان تحصیلکرده هم نمی‌دانند کشورهایشان ملزم به اجرای چه معاهداتی است. در حالی که این معاهدات به چاپ رسیده، در مجلس مورد بحث قرار گرفته و به وسیله جراید منتشر شده‌اند، باز گروهی از مردم اطلاعی از وجود آنها ندارند و وقتی راجع به آنها صحبت می‌شود، به یاد دیپلماسی سری می‌افتند.

Open Door Policy

سیاست درهای باز

سیاستی است که براساس آن، یک کشور، تجارت خارجی خود را با کشورهای دیگر بر اصل شرایط مساوی، مجاز می‌داند و طبق این قاعده، معامله برابر را نیز در مورد امتیازات و تسهیلاتی که در تجارت داخلی برای خارجیان قائل می‌شوند، رعایت می‌کند. در قرن بیستم، هر وقت دولت بزرگی در یک کشور ضعیف رخنه کرده و امتیازاتی به دست آورده است، دولت‌های دیگر به رقابت برخاسته و هواخواه سیاست درهای باز در آن کشور شده‌اند تا آنها هم از این راه، امتیازات مشابهی کسب کنند.

Open government

حکومت باز

حکومتی که سیاستگذاری و تصمیمات آن در هر زمان برای بررسی و بازرسی باز است، مثل حکومت‌های کشورهای اسکانندیناوی و آمریکا.

Open Sea

دریای باز؛ دریای پهناور

مقصود از دریای باز یا پهناور، آن قسمت از دریا است که به دریای سرزمینی و به آبهای داخلی هیچ کشوری تعلق ندارد. کشتی در دریای پهناور، جز از مقامات ملی خود، اطاعت و متابعت نمی‌کند و این امر را صلاحیت انحصاری کشور پرچم (صلاحیت انحصاری کشوری که پرچمش

انگلستان به صاحب اصلی آن: جمهوری خلق چین برگردانده شود به اجرا درمی آید. هنگ کنگ در روز اول ژوئیه سال ۱۹۹۷ تبدیل به منطقه اداری ویژه هنگ کنگ شد و به صورت بخشی از سرزمین جمهوری خلق چین درآمد. بر اساس اعلامیه مشترک سال ۱۹۸۴ چین و انگلستان، هنگ کنگ برای مدت ۵۰ سال بر اساس روش یک کشور و دو نظام (سرمایه‌داری و سوسیالیسم) اداره خواهد شد. منطقه اداری ویژه هنگ کنگ گذشته از سیاست خارجی و امور دفاعی، از اختیارات حکومتی وسیعی برخوردار می‌شود و نظام اقتصادی سرمایه‌داری نیز در آن برقرار می‌ماند. روش یک کشور و دو نظام همچنین در مورد ماکائو (مستعمره پرتغال) اعمال می‌شود.

انسان یک بعدی

One-Dimensional Man

عنوان یکی از کتابهای هربرت مارکوزه (۱۹۷۹-۱۸۹۸)، فیلسوف آلمانی تبار آمریکایی، برای اشاره به انسانی که در جوامع صنعتی پیشرفته به‌افزار منفعل نظام حاکم تبدیل شده است. حکم اساسی "انسان یک بعدی" آن است که تکنولوژی جوامع صنعتی پیشرفته (کاپیتالیستی و سوسیالیستی) به آنها این قدرت را بخشیده تا همه کسانی را که در اشکال پیشین نظام اجتماعی، وسیله بیان یا نیروی مخالفت را فراهم می‌آورند در خود جذب کند. تکنولوژی تا اندازه‌ای با پدید آوردن فراوانی نعمت به این مقصود می‌رسد. آزادی از نیاز مادی که شرط قبلی برای رسیدن به انواع دیگر آزادی است، به‌عاملی برای ایجاد بندگی تبدیل شده است. بابر آوردن نیازهای افراد، دلایل آنان برای مخالفت و اعتراض از میان می‌رود و افراد به‌افزارهای کنش‌پذیر نظام حاکم مبدل می‌شوند. مارکوزه، در پایان انسان یک بعدی فقط یک امید برای اعتراض انقلابی می‌بیند. این امید، آن است که قشر فرولایه پردشدگان، استثمارشدگان و ستمدیدگان نژادها و رنگهای دیگر (جز نژاد و رنگ سفید) به‌عمل انقلابی بگرایند؛ این امر متضمن همراهی صاحبان پیشرفته‌ترین آگاهی در جامعه بشری با استثمار شده‌ترین نیروی آن است.

دکترین یک لیوان آب

One Glass of Water Doctrine

اشاره است به عقیده کمونیستهای انقلابی در طول مراحل نخستین انقلاب روسیه و انقلاب چین که می‌گفتند یک کمونیست خوب باید به مسائل و میل جنسی آن‌گونه بنگرد که گویا اهمیتی بیشتر از یک لیوان آب ندارد.

کشور یک حزبی

One-Party State

کشور یک حزبی معمولاً با بعضی اشکال اقتدارطلبی همبسته است و در آن فقط یک حزب سیاسی اجازه فعالیت دارد.

صندوق اوپک برای توسعه بین‌المللی

Opec Fund for International Development

طرح تأسیس صندوق اوپک برای کمک به کشورهای کم درآمد در ماه نوامبر ۱۹۷۵ توسط وزرای دارائی کشورهای عضو سازمان پیشنهاد شد و پس از آن در ژانویه ۱۹۷۶ تحت عنوان صندوق ویژه اوپک رسماً ایجاد گردید و در ماه اوت همان سال آغاز به کار کرد. سرمایه اولیه صندوق حدود هشتصد میلیون دلار بود که از محل اختصاص ده سنت از فروش هر بشکه نفت تأمین شد و

دوره جنگهای ناپلئون، جیمز گیلاری یک کاریکاتور از این بانک به صورت خانم سالخورده‌ای کشید که سیاستمداران تلاش می‌کردند جواهرات او را برای مخارج جنگی از چنگش درآورند. بانک انگلستان در سال ۱۶۹۴ تأسیس شد.

حکومت متنفذین؛ حکومت زر و زور؛ اولیگارش؛ حکومت اقلیت متنفذ

۱- سیادت سیاسی و اقتصادی گروه‌های معدودی از ثروتمندان، استثمارگران و متنفذین. ۲- نوعی حکومت که در آن گروهی اندک به سود خویش فرمانروای اکثریت مردمند. اولیگارش مالی نیز به معنی سیادت اقتصادی و سیاسی گروه معدودی از سرمایه‌داران بزرگ مالی است که عملاً مالک انحصارات صنعتی و بانکی هستند و کنترل رشته‌های اصلی اقتصاد را در دست خود متمرکز کرده‌اند.

انحصار چندقطبی

انحصار ناقص یا چند جانبه عبارت است از سیطره یافتن بر بازارها توسط تعداد کمی از مؤسسات بزرگ به جای وجود رقابت بین تعداد زیادی از مؤسسات کوچک. در انحصار چندقطبی، هریک از رقیبان اقتصادی دارای سهمی است، اما هیچ یک از آنها به تنهایی بر کل بازار سیطره ندارد، مثل سازمان اوپک.

شاخه زیتون

شاخه زیتون بیانگر صلح و آشتی است.

اولمپیان؛ عرشیان

در دین یونان باستان، خدایان اولمپی شامل دوازده نفر (مثل زئوس، آرمیس، آفرودیت و آپولون) که در بلندترین نقطه کوه اولمپ جای داشتند. در عصر حاضر، نخبگان و گزیدگان عضو انجمنهای قدرتمند پنهانی یا جمعیت‌های سری، خود را به اولمپیان نسبت می‌دهند. یعنی، قدرت و موفقیت سیاسی و مالی خویش را برابر با خدایان اولمپی می‌دانند.

آمبودسمن؛ دادستان پارلمانی؛ بازرس پارلمانی؛ مأمور ویژه رسیدگی به شکایت مردم

در کشورهای اسکانندیناوی، بویژه سوئد، مقامی است مستقل از حکومت و احزاب سیاسی که از طرف پارلمان برای نظارت بر اعمال اداری قوه مجریه تعیین می‌شود. پارلمان معمولاً شخصی را که آمبودسمن نامیده می‌شود، با اختیارات کامل برای کنترل و بازرسی سازمانهای اداری و جلوگیری از اجحاف به حقوق مردم مأمور می‌سازد و او پس از انجام مأموریت محوله، گزارش خود را به پارلمان می‌دهد تا پارلمان براساس آن عمل کند. مهم‌ترین وظیفه این مقام، دفاع از حقوق مردم در برابر قدرت دولت است. برای آنکه دادستان پارلمانی وارد عمل شود، شکایت افراد زیان‌دیده از عدم اجرای قانون ضروری است.

فرمول یک کشور و دو نظام

روش، طرح یا راه‌حلی که پس از تاریخ ۳۰ ژوئن سال ۱۹۹۷ یعنی زمانی که هنگ‌کنگ، مستعمره

کاهش یافت. با غضب قدرت توسط توده بی سروپا، آزادی و دموکراسی آتن لطمه شدیدی خورد و دانشمندان، هنرمندان و اندیشمندان مورد اذیت و آزار و در تنگنا قرار گرفتند و عده‌ای از آنها هم آتن را ترک کردند. در چنین فضائی از شور و جنون بود که سقراط محاکمه شد و جام "شوکران" را نوشید.

Odyssey of Spirit

اودیسه روح

سیر و سلوک، سفر و سرگردانی پرماجرا و بی فرجام روح. این اصطلاح از ماجرای سرگردانیهای اودیسه که بازگشتش از جنگ تروا سالها طول کشید گرفته شده است. اودیسه، منظومه‌ای از هومر و شرح سفرهای اودوسئوس (اولیس) بعد از جنگ تروا و بازگشت به کشورش، ای تاکا است.

Offensive Alliance

پیمان تهاجمی

قراردادی که منظور واقعی از انعقاد آن، حمله به دشمن مشترک باشد. امروزه معمولاً ظاهر هیچ قراردادی، چنین نیست.

Official Correspondence

مکاتبات رسمی

به تمام مکاتبات مربوط به مأموریت دیپلماتیک و انجام وظایف آن اطلاق می‌شود که از مصونیت نیز برخوردار است.

Official Journal

روزنامه رسمی

روزنامه‌ای که از طرف دولت برای انتشار رسمی قوانین و نظامنامه‌ها و احکام و دستورات و آگهی‌های رسمی و مذاکرات مجلس چاپ می‌شود. روزنامه رسمی ایران از سال ۱۳۲۴، یعنی سال مشروطه شروع به انتشار کرده است.

Official Language

زبان رسمی

زبانی که از طرف سازمان ملل متحد، به عنوان زبان رسمی سازمان پذیرفته شده است. در این سازمان، به موجب تصویب کنفرانس سان فرانسیسکو، زبان فرانسه و انگلیسی زبان رسمی و زبانهای روسی و اسپانیولی و چینی زبان کار عنوان شده که رویهمرفته، زبانهای رسمی سازمان ملل متحد شمرده می‌شوند. طبق ماده ۳۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، زبانهای رسمی دیوان، فرانسه و انگلیسی است.

Official Religion

مذهب رسمی؛ دین رسمی

دین یا مذهبی که قانون اساسی، آن را رسمی اعلام کرده و مورد حمایت اصولی دولت است.

Old Commonwealth

کامنولث قدیم

این واژه برای اشاره به کشورهای کانادا، استرالیا و زلاندنو به کار رفته است.

Old Lady of Threadneedle Street

پیرزن خیابان تردنیدل

این واژه برای اشاره به "بانک (مرکزی) انگلستان" به کار رفته است. در اوایل قرن نوزدهم و در

Obscurantism

تاریک اندیشی؛ جهل پروری؛ گهنه پرستی

طرفداری از آداب و سنن قدیم و مخالفت با تجدد، روشنگری و نشر علم و فرهنگ. طرفداران این نظریه بر این عقیده اند که اگر دانش در اختیار تمام طبقات جامعه باشد، برای وضع موجود سیاسی کشور زیان آور است. تاریک اندیشی در مقابل نهضت روشنگری قرار دارد. به نظر یکی از متفکران عصر «روشنگری» به نام کریستوف مارتین ویلاند، هیچکس نباید از اینکه سر یا مغز انسان، روشنی بیشتری پیدا کند، بیم به خود راه دهد، مگر اشخاصی که منافعیشان ایجاب می کند که درون سرها تا ابد تاریک باقی بماند. به نظر او، تاریک اندیشان برای پوشاندن، بستن و درز گرفتن تمام شکافها، پنجره ها و روزنه هایی که از آنها بر دنیای ما، نور می تابد، دست به هر کاری می زنند.

Observer

ناظر (در سازمانهای بین المللی)

کشورهای غیر عضو در مقام ناظر به کشورهایی اطلاق می شود که عضویت رسمی در سازمانهای جهانی ندارند. عدم عضویت کشورها معمولاً ناشی از دو علت است: ۱- به دلیل سیاست خارجی، قانون اساسی و شرایط خاص کشور. (مثلاً سوئیس پس از یک همه پرسی در سال ۱۹۸۶ به دلیل مخالفت اکثریت مردم، از الحاق به سازمان ملل متحد صرف نظر کرد). ۲- عدم توانایی پرداخت سهم عضویت.

Obstruction

ایجاد مانع؛ کارشکنی؛ نصاب شکنی

روشی که توسط گروههای مخالف دولت به منظور جلوگیری از شور و بحث و رأی گیری در مجلس اتخاذ می شود. یکی از موارد ایجاد مانع یا اشکال تراشی، عدم حضور نمایندگان مخالف در مجلس یا خروج از جلسه در موقع رأی گیری است تا مجلس از اکثریت لازم بیفتد.

Occupation

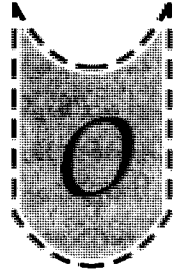
اشغال

ورود قوای یک کشور به کشور دیگر به صورت هجوم و دفع سلطه کشور مورد تهاجم و استقرار سلطه خود در آن. اشغال در زمان جنگ، آثار حقوقی ذیل را ممکن است در برداشته باشد: ۱- این نوع اشغال جنگی از اسباب انتقال سلطه و حاکمیت نیست ۲- ولی اشغال، در زمان جنگ موجب این امر است که در مناسبات حقوقی کشور اشغال کننده و کشور اشغال شده، به جای صلاحیت دائمی و نامحدود قبل از اشغال، صلاحیتی موقتی و محدود برقرار شود. صلاحیت کشور اشغال کننده، بویژه در امور انتظامی و در امور قضائیه مشهود و محسوس است. با این همه، توقیف و حبس مردم به عنوان گروگان، اسارت و تبعید و انتقال جبری مردم و مجازاتهای دسته جمعی و اعمال خلاف شرافت انسانی و جز اینها ممنوع است.

Ochlocracy

حکومت عوام؛ شوغاسالاری؛ حکومت توده بی سرو پا

این واژه، مترادف اصطلاح موبوکراسی است و منظور از آن، سلطه موقت یک جماعت فعال است که با خشونت برای وصول به هدفی تلاش می کند و از آن، جز جهالت و رذالت بر نمی آید. دموکراسی بدون فرهنگ، به چنین حکومتی تبدیل می شود. دموکراسی آتن (یونان باستان) نیز زمانی تغییر ماهیت داد که توده عوام الناس و لومین بر مجمع شهر مسلط شد و نفوذ شورای اجرایی



Obedience

اطاعت؛ فرمانبرداری

افتادگی در برابر کسی که فرمان در دست اوست. فرمانبرداری بنده از صاحب قدرت مطلق با خفت و خواری همراه است و فرمانبرداری آزاد، از روی رضا و اختیار است.

Objectivism

عین‌گرایی؛ عینیت‌گرایی

اعتقاد به اینکه شناخت علمی باید در مرز شواهد و اشیاء و هر آنچه عینیت دارد، متوقف شود و نمی‌تواند و نباید به‌ارزیابی انتقادی و به‌نتیجه‌گیری جانبدار، ایدئولوژیک و حزبی منتهی گردد. مکتب عینی، طرفدار نوعی بیطرفی در علم است که گویا بالاتر از طبقات و منافع طبقاتی قرار دارد. این مکتب همچنین طرح مسائل اجتماعی و نتیجه‌گیری‌هایی را که از جهان‌بینی ناشی می‌شود، غیر علمی و غیر منطقی می‌انگارد و آن را ذهنی می‌خواند.

Obligation

تهد؛ الزام

۱- رابطه حقوقی که به‌موجب آن انجام عملی و یا عدم انجام عملی بر کسی نسبت به دیگری واجب می‌شود. ۲- الزام اخلاقی که ناشی از هیچ‌گونه قراردادی نیست، بلکه ناشی از طبیعت بشر است، از این نظر که بشر در انتخاب خیر و شر آزاد است.

Oblomovism

ابلوموویسم

کنایه از تن‌پروری، تنبلی، سستی و بیدردی است. از نام شخصیت داستانی ابلوموف اثر ایوان الکساندروویچ گنچاروف (۱۸۹۱-۱۸۱۲) گرفته شده و در دهه ۱۸۶۰ در روسیه مظهر تن‌پروری شد. ابلوموف مالک و اشرافزاده قرن نوزده، روزگارش مانند والدینش به خوردن و خوابیدن می‌گذرد و کار را عار می‌داند. تنبلی و بی‌دردی و بی‌احساسی او زندگی‌اش را به لجن می‌کشد. حتی عشق نیز نمی‌تواند او را به حرکت وادارد. سرانجام، تنبلی و سستی جان او را می‌گیرد.

Nuncio (Nonce)

سفیر پاپ؛ نونس

سفیر و نماینده عالی رتبه پاپ که مقام کار دینالی ندارد و نزد رؤسای دولتها مأموریت می‌یابد.

Nurnberg Tribunal

دادگاه نورنبرگ

دادگاه نورنبرگ (یا نورمبرگ) در پایان جنگ جهانی دوم از طرف متفقین برای رسیدگی به جنایت علیه صلح و بشریت و جنایات جنگی نازیها تشکیل شد. علت انتخاب شهر نورنبرگ (واقع در آلمان) برای محاکمه عده‌ای از تبهکاران جنگ جهانی دوم از این نظر بوده است که همه ساله مهم‌ترین جلسات حزب نازی، یعنی کنگره‌های حزبی در این شهر تشکیل می‌گردید و برای هر یک از این کنگره‌ها از طرف هیتلر، اسم مخصوصی گذارده می‌شد مثل کنگره پیروزی، کنگره افتخار و کنگره اراده. در محاکمات نورنبرگ که از بیستم نوامبر سال ۱۹۴۵ تا اول اکتبر سال ۱۹۴۶ به طول انجامید، سازمانهای اس‌اس (گارد ویژه حزب نازی با اونیفورم سیاه) و ستاد شخصی هیتلر، جنایتکار شناخته شدند ولی ستاد ارتش آلمان تبرئه گردید. در این محاکمات، هریک از متهمان می‌کوشیدند تا عدم مسئولیت خود را به اثبات برسانند. مثلاً رودلف هس در یک نطق طولانی نتیجه گرفت که مسبب تمام جنایتها، یهودیان و فراماسونها بوده‌اند و حتی بدون تردید، خود او را نیز چیز خور کرده‌اند. روز شانزدهم اکتبر ۱۹۴۶ حکم دادگاه نورنبرگ دربارهٔ یازده نفر از محکومان به مرگ (بجز گورینگ که روز قبل از اعدام با سیانور خودکشی کرد) به مرحلهٔ اجرا گذاشته شد. توجیه حقوقی دادگاه نورنبرگ که در آن فاتحین، شکست خورده‌ها را محاکمه می‌کردند، در میان حقوقدانان، موضوع بحثهای فراوان بوده است.

خودداری کردند. در ۲۴ سپتامبر سال ۱۹۹۶ در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، پنج قدرت هسته‌ای جهان یعنی آمریکا، انگلستان، چین، فرانسه و روسیه، پیمان منع آزمایش‌های هسته‌ای را امضا کردند. مع‌هذا، این پیمان تا زمانی که به امضای ۴۴ کشور دارای امکان بالقوه ساخت سلاح‌های هسته‌ای نرسد، ضمانت اجرایی پیدا نمی‌کند.

تهدید هسته‌ای

Nuclear Threat

این واژه برای اشاره به تهدیدهای جنگ هسته‌ای و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای (توسط ایالات متحده آمریکا) و ظاهراً برای نجات جان انسانها و کوتاه کردن جنگ، و در واقع برای اعمال زور و حفظ سلطه به کار رفته است. مورتون اچ کالپرین یکی از کارشناسان امنیت ملی، موارد متعددی از تهدیدهای هسته‌ای ایالات متحده آمریکا را ذکر کرده که از جمله می‌توان تهدید استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه شوروی سابق بر سر اشغال آذربایجان ایران (۱۹۴۶) و تهدید هسته‌ای علیه چین در جریان جنگ کره (۱۹۵۳) را نام برد.

جنگ هسته‌ای

Nuclear War

جنگی که در آن بمبهای اتمی یا هیدروژنی به کار رود. دست زدن به جنگ هسته‌ای جان هزاران نفر را به خطر نمی‌اندازد، بلکه جان دهها میلیون نفر را می‌گیرد و جامعه بشری را به نابودی می‌کشد. خروشچف، جنگ اتمی را چنین توصیف کرده است: "نتیجه جنگ در آینده با وجود سلاح‌های وحشتناک اتمی چنان است که نجات یافتگان بر حال مردگان حسادت خواهند ورزید". فرو ریختن اولین بمب هسته‌ای بر روی شهر هیروشیما در سال ۱۹۴۵ توسط ایالات متحده آمریکا، ۱۳۵ هزار نفر و دومین بمب هسته‌ای بر روی شهر ناگازاکی ژاپن ۶۴ هزار نفر را کشت.

کلاهک هسته‌ای

Nuclear Warhead

آن قسمت از سلاح‌هایی که حاوی سیستم هسته‌ای یا حرارتی - هسته‌ای باشد.

زمستان هسته‌ای

Nuclear Winter

این واژه برای اشاره به فاجعه زیست محیطی که به دنبال جنگ هسته‌ای روی می‌دهد به کار رفته است. بدین معنی که به دنبال انفجارهای هسته‌ای، به مدت یک سال و یا بیشتر، گرما و نور خورشید به زمین نمی‌رسد و سرمای سختی به وجود می‌آید و کره زمین به دورانه‌های پیش از تاریخ برمی‌گردد.

سفارت پاپ؛ نمایندگی پاپ

Nunciature

نمایندگیهای دیپلماتیک پاپ و دولت واتیکان، که هم وظایف روحانی و هم وظایف عام سیاسی دارند و به منظور نیل به هدفهای کلیسا مجهز شده‌اند. این نمایندگیها، در آن واحد برای هدفهای مذهبی و سیاسی و اجتماعی فعالیت می‌کنند. دستگاه پاپی و دولت واتیکان برای پیشبرد هدفهای سیاسی خود از دو نوع وسیله استفاده می‌کند: ۱- قدرت روحانی پاپ به عنوان جانشین پیترو مقدس و دارنده صلاحیت انحصاری رهبری مذهبی و اخلاقی. ۲- وسایل سیاسی، برای برقراری و بسط روابط سیاسی بین کلیسا و دولتها و سازمانهای بین‌المللی.

Nuclear Non-Proliferation Treaty

عهدنامه منع گسترش سلاحهای هسته‌ای؛ پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای

عهدنامه‌ای که در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ تحت نظارت مجمع عمومی سازمان ملل متحد تنظیم شد و در اول ژوئیه ۱۹۶۸ به امضای شوروی سابق، بریتانیا، آمریکا و سپس، کشورهای دیگر رسید و از تاریخ ۵ مارس ۱۹۷۰ به مرحله اجرا درآمد و در سال ۱۹۹۵ پس از بازبینی توسط ۱۸۰ کشور اهمیت بیشتری یافت. عهدنامه منع گسترش یا عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای مشتمل بر یک مقدمه و ۱۱ ماده است که به موجب ماده اول آن: "هر یک از دولتهای طرف این عهدنامه که مجهز به سلاحهای هسته‌ای است متعهد می‌شود از واگذاری مستقیم یا غیر مستقیم سلاحهای هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری به دیگری خودداری کند و هیچیک از دولتهای فاقد سلاحهای هسته‌ای را به هیچ طریقی در ساختن سلاحهای هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای یا در تحصیل این قبیل سلاحها یا ادوات انفجاری و یادکردن بر آنها کمک یا تشویق یا ترغیب ننماید". این عهدنامه به نظر عده‌ای از مخالفان، وضع موجود را که به نفع دارندگان سلاحهای هسته‌ای است، حفظ می‌کند.

Nuclear Proliferation

گسترش سلاحهای هسته‌ای

گسترش فناوری هسته‌ای و سلاحهای هسته‌ای که ممکن است مورد استفاده نظامی قرار گیرد. در دوره مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای بین ابرقدرتها، ترس از گسترش عمودی وجود داشت. از دهه ۱۹۸۰ به بعد با توافق بین آمریکا و شوروی سابق در مورد محدودسازی تسلیحات استراتژیک و بویژه از پایان جنگ سرد به بعد، گسترش افقی، یعنی به دست آوردن توانائی هسته‌ای توسط دولتهائی که قبلاً فاقد آن بوده‌اند، به نگرانی عمده‌ای (بویژه در ارتباط با خاورمیانه و شبه قاره هند) برای کشورهای دارنده سلاحهای هسته‌ای تبدیل شده است.

Nuclear Stockpiles

ذخایر هسته‌ای

کلاهکها و سلاحهای هسته‌ای که در مکانهای استراتژیک انبار شده‌اند تا در صورت وقوع جنگ مورد استفاده قرار گیرند. میزان ذخایر هسته‌ای در جهان به طور رسمی اعلام نشده، اما برآورد شده که آمریکا دارای ۹۰۰۰ بمب هسته‌ای آماده استفاده و ۱۱۰۰۰ بمب هسته‌ای ذخیره شده یا در انتظار تجزیه است. تعداد بمبهای هسته‌ای آماده استفاده روسیه، ۱۰۰۰۰ برآورد شده است.

Nuclear Terrorism

تروریسم هسته‌ای

حمله به تأسیسات و تسلیحات هسته‌ای یا خرابکاری در آنها و یا سرقت از آنها توسط افرادی مثل ناراضیان سیاسی، فعالان سیاسی و نیروهای ضد دولتی.

Nuclear Test-Ban Treaty

عهدنامه منع آزمایش سلاحهای هسته‌ای؛ پیمان منع آزمایشهای هسته‌ای

عهدنامه‌ای که به موجب آن، آزمایش هر نوع سلاح هسته‌ای در جو و فضای ماوراء جو و زیر دریا و در هر مکان دیگری که باعث ایجاد مواد رادیواکتیو در خارج از سرزمینهای دولت آزمایش کننده گردد، ممنوع شده است. این عهدنامه در پنجم اوت ۱۹۶۳ در مسکو به امضای وزیران خارجه شوروی سابق، بریتانیا و آمریکا رسید، اما کشورهای دیگر مثل چین و فرانسه از امضای عهدنامه

شوند: دوری از میهن، دوری از گذشته (غربت در میهن) و جدایی از جامعه میزبان و بیگانگی و ناسازگاری با آن. اخیراً این واژه بیشتر درباره افرادی به کار می‌رود که از زندگی در خارج از وطن افسرده و ناراحت شده‌اند و میل بازگشت به وطن دارند. این وضع همچنین برای عده‌ای از افراد مهاجر و پناهنده در کشورهای پیشرفته غربی ایجاد می‌شود. غیر از مسأله زبان، تنهایی و بی‌هویتی و گمنامی بر آنها فشار وارد می‌کند. یافتن دوست صمیمی در چنین کشورهایی که خود، از نوعی تنهایی و از خود بیگانگی رنج می‌برند بسیار دشوار است. در جریان تلاش برای کار و زندگی نیز، افراد مهاجر و پناهنده، فاصله عمیق فرهنگ سنتی خویش را با فرهنگ و ارزشهای جامعه جدید و پیشرفته از شیوه غذا خوردن و معاشرت گرفته تا اخلاق کار و تحصیل، عشق و رفاقت، تفریح و جشن، وظایف و حقوق افراد، سیاست، خارجی ستیزی، تحقیر خارجیان، نژادپرستی و امثال اینها را درمی‌یابند و پس از مدتی غربت زده می‌شوند و میل به بازگشت به وطن می‌کنند.

یادداشت**Note**

یادداشت یا نامه دیپلماتیک که وسیله ارتباط دولتها با یکدیگر است و انواع مختلفی مثل یادداشت همانند و یادداشت شفاهی دارد.

یادداشت رسمی**Note-Officielle**

اعلان نظر رسمی یک دولت به دولت دیگر که متضمن تشریح مسائل و تقاضای پاسخ است و امکان دارد به صیغه متکلم و یا غایب نوشته شود. این نامه دیپلماتیک با تعارفات متداول ختم و مهر امضا می‌شود.

یادداشت شفاهی**Note-Verbale**

نامه‌ای که به‌مأمور دیپلماتیک یا وزارت خارجه دولت طرف یادداشت تسلیم می‌شود و با این وجود، صفت شفاهی دارد و از آن برای تثبیت و تصریح آنچه که به‌طور شفاهی ابراز می‌شود و یا به‌منظور در دست داشتن خلاصه‌ای از مذاکرات شفاهی استفاده به‌عمل می‌آید. یادداشت شفاهی دارای مهر و تعارفات متداول است و معمولاً در مورد مسائل سیاسی عادی و جنبی و یا برای توضیح برخی نکات جزئی تنظیم می‌شود.

ابلاغیه؛ اخطار**Notification**

عملی که یک دولت برای اطلاع دولت دیگر از مسأله مهمی که آگاهی از آن را برای آن دولت لازم می‌شمارد، انجام می‌دهد. ابلاغیه گاهی جنبه اختیاری دارد، یعنی اطلاع دادن یک مسأله، الزامی نیست بلکه برای رعایت نزاکت بین‌المللی است، مانند آگاه کردن دولت دیگر از تغییرات کادر رهبری کشور. گاهی نیز ابلاغیه جنبه الزامی دارد، مانند ابلاغ وقوع حالت جنگ بین دو کشور یا محاصره دریائی یک کشور به کشورهای بیطرف. همچنین در برخی موارد، از ابلاغ و اخطار برای به‌تسلیم کشاندن اخطار شونده در برابر خواسته اخطارکننده استفاده می‌شود.

خانواده هسته‌ای**Nuclear Family**

باشگاه هسته‌ای پنج کشور آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه و چین. کشورهایی مثل اسرائیل، پاکستان و هند نیز دارای سلاحهای هسته‌ای هستند اما آشکارا به آن اشاره نکرده‌اند.

عضو، بجز فرانسه و ایسلند که کشور اخیر هیچ نیروی نظامی ندارد). فرانسه روز چهارم دسامبر ۱۹۹۵ و اسپانیا در سال ۱۹۹۶ اعلام کردند که به شاخه نظامی ناتو می‌پیوندند. ۳- دبیرخانه. مرکز سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در بروکسل است. ناتو در بیشتر دوران فعالیتش از سیاست ایالات متحده آمریکا پشتیبانی کرده است. روسیه به دنبال چند کشور دیگر، در ماه ژوئن سال ۱۹۹۴ به طرح مشارکت برای صلح سازمان پیمان آتلانتیک شمالی پیوست. آندره کوزیروف وزیر امور خارجه روسیه هنگام امضای پیمان، با اشاره به نگرانیهایی که از امضای آن در شرق اروپا در مورد تجدید نفوذ مسکو بر منطقه به وجود آمده بود، گفت: "این یک یالتای دوم نیست، بلکه یک بروکسل اول است." سران ۱۹ کشور عضو ناتو در گردهمایی ماه نوامبر ۲۰۰۲ خود در پراگ از هفت کشور: استونی، لتونی، لیتوانی، اسلوانی، اسلواکی، رومانی و بلغارستان دعوت به عضویت در پیمان ناتو را به عمل آوردند. آنها به طور رسمی از ماه مه ۲۰۰۴ به عضویت ناتو در می‌آیند. دو نقشه ناتو، یعنی پیشروی به سوی شرق و سهم کردن روسیه در طرح مشارکت برای صلح با یکدیگر تناقض دارند. به نظر عده‌ای، روشهای توسعه طلبانه ناتو مرحله به مرحله و از طریق جذب کشورهای اروپای شرقی و بالتیک، اعمال فشارهای گوناگون به اعضای جامعه مشترک المنافع کشورهای مستقل و منحل ساختن آن به اجرا درمی‌آید. در این صورت، وخامت اوضاع روسیه و تشنج آفرینی علیه کشورهای مستقل جهان از جمله چین و مبارزه با اسلام‌گرانی پویا حتمی است، در حالی که خود ناتو، از طرف هیچ قدرتی تهدید نمی‌شود. بعضی از جنبه‌های دیگر گسترش ناتو در شرق عبارتند از: جلوگیری از بیکاری کارکنان ناتو، محدود کردن روسیه در اراضی خود، محکوم شدن روسیه به رکود، مسأله منافع نفتی و به فراموشی سپردن حمل و نقل نفت و گاز از طریق ایران، ایجاد یک هیولای سیاسی و نظامی بی‌رقیب در جهان که هیچ قدرتی یارای مقابله با آن را نداشته باشد. پس از تهاجم نظامی آمریکا و بریتانیا به عراق در سال ۲۰۰۳ مسائل جدیدی در ارتباط با این سازمان مطرح شده است. به نظر هنری کیسینجر، استمرار این گونه اقدامات، پایه‌های نظام بین‌المللی را تغییر می‌دهد. اروپا در این تغییر به طیفهای مختلفی تقسیم می‌شود که در مورد همکاری با آمریکا اختلاف نظر دارند و ماهیت ناتو نیز دستخوش تحول می‌شود.

Nostalgia

غربت زدگی؛ غم غربت؛ دلتنگی برای وطن؛ حسرت گذشته؛ نوستالژی

۱- در معنی پزشکی به نوعی مالیخولیا اطلاق می‌شود که شخص به سبب دوری از محیط خانوادگی یا وطن به آن دچار می‌شود و معمولاً آن را غربت زدگی یا دلتنگی برای خانه و میهن Homesickness می‌خوانند. این درد، معمولاً گریبانگیر اشخاصی می‌شود که برای اولین بار (مثلاً برای تحصیل، سربازی، ازدواج و مهاجرت) از این محیطها دور می‌شوند. در این حالت، شخص غربت زده که محیط جدید برایش بیگانه است، گرفتار وهم و خیال می‌شود، با دیگران ارتباط برقرار نمی‌کند و به خودش پناه می‌برد. ۲- نوستالژی به معنی حرمت گذاشتن به گذشته و روشن نگهداشتن چراغ خاطره و آن، حالت روحی خاصی است که شخص آرزو می‌کند به شرایط گذشته‌اش باز گردد، زیرا گذشته نسبت به حال برای او جذاب‌تر است. غم غربت معمولاً ناشی از جدایی یا فراق و فقدان است: جدایی از وطن (مثل مهاجرت، پناهندگی و تبعید) و فقدان آنچه که از دست رفته است و دیگر وجود ندارد (مثل کودکی و گذشته). مهاجران از وطن امکان دارد گرفتار فقدان سه گانه‌ای

ویژگیهای این گونه بلوکها عبارتند از: ۱- براساس شاخص اقتصادی پدید آمده‌اند. ۲- حاصل همکاری و نزدیکی کشورهای همسایه‌اند و هر یک تماماً در یک قاره متحقق شده‌اند. ۳- در هر یک از بلوکها، یک کشور، پایه اصلی وحدت اقتصادی است.

North and South

شمال و جنوب

کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه‌داری، یعنی کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی، ژاپن و استرالیا که اکثراً در نیمکره شمالی قرار گرفته‌اند و کشورهای فقیر کم‌رشد، یعنی کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی و آسیایی که اکثراً در نیمکره جنوبی قرار گرفته‌اند. در رسانه‌های خبری غرب (امپریالیسم‌خبری) کراراً به فرمول شمال ثروتمند و جنوب فقیر اشاره می‌شود. بنابراین مفهوم، جهان معاصر نه به نظامهای اجتماعی متضاد، بلکه به ملل ثروتمند و فقیر تقسیم شده است. رسانه‌های غربی با این کار می‌خواهند خود را از مسئولیتهای تاریخی نسبت به عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه خلاص کنند. ضمناً با فروپاشی اتحاد شوروی، محور کشمکشهای جهانی از شرق - غرب به شمال - جنوب انتقال یافته و در نتیجه به روند فقیرتر شدن جنوب شتاب داده است. به نظر فری بتو، کشیش برزیلی وابسته به نهضت الهیات آزادیبخش، راه حل مشکلات کره زمین بردو محور اساسی قرار دارد: ۱- استقرار صلح در جهان. ۲- کاهش شکاف بین شمال و جنوب. تا زمانی که عدالت در جنوب وجود نداشته باشد، این مسأله در کشورهای شمال انعکاس می‌یابد. کشورهای شمال تا زمانی که کشورهای جنوب از حداقل شرایط زندگی برخوردار نباشند، صلح نخواهند داشت.

North Atlantic Cooperation Council

شورای همکاری آتلانتیک شمالی

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و در اواخر سال ۱۹۹۱ تلاش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای رسیدن به شرق آغاز شد. این حرکت تحت عنوان شورای همکاری آتلانتیک شمالی مطرح گردید و به تدریج، تمام اعضای سابق پیمان ورشو و آلبانی عضو آن شدند. از سال ۱۹۹۳ به علت فشار اغلب این کشورها، بویژه لهستان، مجارستان و چک مسأله گسترش ناتو مورد توجه قرار گرفت و در این جهت وزیر نظر ایالات متحده آمریکا زمینه برای طرح "مشارکت برای صلح" فراهم گردید. شورای همکاری آتلانتیک شمالی، ظاهراً مجمعی بود برای گفتگو و مشورت و حفظ صلح.

North Atlantic Treaty Organization (NATO)

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی؛ ناتو

پیمان آتلانتیک شمالی در چهارم آوریل سال ۱۹۴۹ به منظور دفاع جمعی از آمریکای شمالی و اروپای غربی به امضای وزرای خارجه دوازده کشور ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، کانادا، ایتالیا، فرانسه، دانمارک، بلژیک، هلند، نورژ، پرتغال، ایسلند و لوکزامبورگ رسید. یونان و ترکیه در سال ۱۹۵۲، آلمان در سال ۱۹۵۵، اسپانیا در سال ۱۹۸۲ و کشورهای چک، لهستان و مجارستان در سال ۱۹۹۹ به آن پیوستند. هدف اولیه ناتو، ایجاد یک اتحادیه نظامی منطقه‌ای قدرتمند در مقابل نیروهای کمونیست اروپا و بویژه آمادگی برای مقابله با شوروی سابق بود. ارکان ناتو عبارتند از: ۱- شورا (مرکب از نمایندگان کشورهای عضو) ۲- کمیته نظامی (مرکب از رؤسای ستاد ارتش کشورهای

و در آن پیش‌بینی می‌شود که دولتین متعاهدین باید قوانین و مقررات لازم برای اجرای قرارداد را وضع کنند. در این صورت، اجرای عهدنامه متوقف به‌وضع قوانین پیش‌بینی شده‌است.

Non-Self Governing Territories

سرزمینهای غیر خودمختار

سرزمینهایی که مردمانش به خودمختاری کامل، نائل نشده‌اند. در حالی که شورای قیمومت فقط با سرزمینهای تحت قیمومت سروکار داشته است، برای ایجاد شیوه‌های رسیدگی به مسائل مربوط به سرزمینهای غیر خودمختار، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اقدام شده است.

Non-Violent Resistance

مقاومت بی خشونت

سیاست عدم مقاومت نظامی یا مسلحانه در برابر دشمن و توسل به مقاومت سیاسی، مثل عدم همکاری یا استفاده از شیوه‌های تبلیغی و جلب افکار عمومی در سطح بین‌المللی.

Nordic Council

شورای شمالی

اتحادیه‌ای از کشورهای شمال اروپا که در ۱۳ فوریه ۱۹۵۳ به‌وسیله سوئد، نروژ، دانمارک و ایسلند تشکیل شد و در اکتبر ۱۹۵۵، فنلاند نیز به‌عضویت آن درآمد. هدف این شورا گسترش همکاریهای فرهنگی و حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و ارتباطاتی بین کشورهای عضو است. در جلسات شورای شمالی نمایندگان پارلمانهای کشورهای عضو شرکت می‌کنند. وزیران این کشورها نیز می‌توانند در جلسات شورا شرکت نمایند، اما حق رأی دادن ندارند. مقر شورای شمالی در استکهلم است.

Norm

معیار؛ هنجار؛ اصل

۱ - حکمی که به‌عنوان ضابطه مشترک عمل اجتماعی به‌خدمت گرفته شود. ۲ - اصل، دستور، قاعده، رهنمود، قانون، میزان و ضابطه‌ای که باید راهبری و هدایت یک رفتار را موجب گردد تا هم‌رنگی، همسانی و یگانگی را به‌وجود آورد.

Normalization

عادی سازی

این واژه پس از جنگ جهانی دوم و برای اشاره به برقراری مجدد روابط دوستانه بین دولتها، حکومتها و ملتها به کار رفته است.

North American Free trade Area (NAFTA)

حوزه تجارت آزاد آمریکای شمالی؛ نفتا

قرارداد تأسیس این تشکیلات تجاری در سال ۱۹۹۳ بین ایالات متحده آمریکا، کانادا و مکزیک به‌امضا رسید. طبق این قرارداد، کشورهای عضو ظرف ۱۵ سال آینده، کلیه موانع تجاری فیما بین را از میان برخواهند داشت. نفتا از یک طرف باعث نفوذ ایالات متحده آمریکا در آمریکای مرکزی و لاتین می‌شود و از طرف دیگر با "حوزه اقتصادی اروپا" (با ۳۴۰ میلیون مصرف‌کننده) و ژاپن به رقابت برمی‌خیزد. این قرارداد از اول ژانویه سال ۱۹۹۴ به‌اجرا درآمد و با ۳۶۰ میلیون مصرف‌کننده، بزرگترین بازار جهانی است. اصولاً پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، قطبها یا بلوکهای بزرگی مثل نفتا و حوزه اقتصادی اروپا به‌وجود آمده‌اند که آنها را بلوکهای قاره‌ای نامیده‌اند.

Non-Conformism

ناهمرنگی با جماعت؛ ناهمسازی؛ اعتزال

عدم تطابق رفتار، لباس و گفتار فردی با هنجارهای پذیرفته اجتماعی یا ناسازگاری و عدم توافق با عادات و عقاید رایج و ضوابط و ارزشهای مسلط جامعه که ممکن است ناشی از فردگرایی، آنارشیزم یا دولت ستیزی، دگر دینی و بدعت باشد.

Nonconformists

نابیروان؛ ناسازگاران

این واژه در مورد کسانی به کار می رود که از هماهنگی با مقتضیات یک کلیسای رسمی خودداری می کنند. در معنی خاص به آن گروه از پروتستانها اطلاق شده است که از کلیسای انگلستان کناره گرفتند.

Nongovernmental Organization (NGO)

سازمان غیردولتی (بین المللی)

سازمانهای بین المللی غیردولتی به دسته ای از سازمانهای بین المللی اطلاق می شود که دولتها در ایجاد و اداره آنها نقشی ندارند و به وسیله افراد و مؤسسات خصوصی کشورهای مختلف برای نیل به یک هدف یا هدفهای مشترک معین به وجود آمده اند. موضوع فعالیت سازمانهای بین المللی غیردولتی بسیار متنوع است و از همکاریهای علمی، فرهنگی و اقتصادی گرفته تا تجارت، دین، هنر، ورزش و نظایر اینها را شامل می شود. بعضی سازمانهای بین المللی غیردولتی فقط برای تجارت و کسب درآمد بیشتر ایجاد می شوند که به آنها سازمانهای بین المللی انتفاعی می گویند، مثل شرکتهای چندملیتی. بعضی دیگر که هدفهای مالی و تجاری را دنبال نمی کنند، سازمانهای غیرانتفاعی نامیده می شوند. سازمانهای بین المللی غیردولتی غیرانتفاعی از همکاری گروههای مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، دینی و امثال اینها به وجود می آیند و هدف آنها تأمین منافع مالی نیست، مثل سازمان کلیسای کاتولیک، اتحادیه های بین المللی کارگری، بین الملل سوسیالیستها، صلیب سرخ بین المللی، اتحادیه بین المجالس.

Non-Intervention

عدم دخالت؛ عدم مداخله

اصل عدم مداخله یک دولت در امور دولت دیگر که لازمه استقلال و حاکمیت است. این اصل، از شناسایی حاکمیت و حق موجودیت مستقل ناشی می شود و سنگ زیر بنای حقوق بین الملل، یعنی قاعده استقلال دولتها است.

Non-Refoulement

اصل بازنگرداندن (پناهندگان)

اصلی که به موجب آن، هیچ دولت متعاهدی به هیچ نحو، فرد پناهنده را به مرزهای سرزمینی که زندگی و آزادی وی به خاطر تعلق به نژاد، مذهب، ملیت و عضویت در یک گروه ویژه اجتماعی یا وابستگی به یک عقیده سیاسی در خطر است، بازگشت نداده یا اخراج نخواهد کرد.

Non-Self Executing Treaty

عهدنامه خود اجرانشدنی

قراردادهایی که پس از تصویب فوراً اثر اجرایی پیدا نمی کنند، بلکه برای اجرای آنها قبلاً باید قانونی از تصویب بگذرد. این قراردادها بعد از تصویب، لازم الرعایه هستند بی آنکه فوراً قابل اجرا باشند. مثلاً ایالات متحده قراردادی با یک کشور دیگر برای حمایت از پرنندگان مهاجر منعقد می کند

کشورهای عضو جنبش عدم تعهد که در چهل و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت کرده بودند، در چهارم اکتبر سال ۱۹۹۳ در نیویورک با یکدیگر ملاقات کردند تا مسائل جنبش از جمله: تحولات فلسطین، بوسنی و هرزگوین، آفریقای جنوبی، آنگولا، نیکاراگوئه، کامبوج و کوبا، نقش سازمان ملل متحد و لزوم تجدیدنظر در عضویت در شورای امنیت و مسائل مرتبط با آن، پیمان خلع سلاح هسته‌ای، رکود اقتصاد جهانی و تأثیر مخرب آن بر کشورهای در حال توسعه و مذاکرات شمال و جنوب را مورد بررسی قرار دهند. در دوازدهمین اجلاس سران عضو جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۹۸ در دوربان آفریقای جنوبی موضوعهای زیر بررسی شد: بحرانهای منطقه‌ای، ساختار سازمان ملل متحد و شورای امنیت، خلع سلاح، قاچاق مواد مخدر، اعمال قوانین فرامرزی، مسائل زیست محیطی، ازبین بردن شکاف بین شمال و جنوب، مسائل فرهنگی، گفتگوی تمدنها. در سیزدهمین اجلاس سران در فوریه ۲۰۰۳ در کوالالمپور مالزی، بیشتر به مسائل مربوط به عراق، فلسطین، کشمیر و تروریسم پرداخته شد.

Non-Belligerent

غیرمتحارب؛ غیرمتخاصم

کسی که باید از انجام هر نوع عمل خصمانه‌ای خودداری کند و چون مداخله‌ای در نبرد ندارد، باید مورد احترام دشمن باشد. اصطلاح غیرمتخاصم را در سال ۱۹۳۹ حکومت ایتالیا به کار برد و مفهوم آن در مورد این کشور، سیاست بی‌طرفی موقت بود تا اینکه چه پیش آید.

Non-Capitalist Path of Development

راه رشد غیر سرمایه‌داری

نظریه‌ای که اول در کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی سابق در زمان خروشچف مطرح شد و سپس توسط نظریه‌پردازان این حزب تشریح گردید و عبارت است از راهی برای نزدیک شدن و گذار به سوسیالیسم تحت رهبری نیروهای ترقیخواه و انقلابی، عمدتاً در جوامعی که مناسبات اجتماعی - اقتصادی آنها پیش سرمایه‌داری یا سرمایه‌داری کم‌رشد و وابسته است. در یک کشور کم‌رشد یا در حال توسعه که راه رشد غیر سرمایه‌داری را دنبال می‌کند، قدرت در دست جبهه دموکراتیک ملی یا آن نیروهای انقلابی است که انقلاب رهایی‌بخش کشور را رهبری می‌کرده‌اند. مفهوم راه رشد غیر سرمایه‌داری مبین حمله به مواضع سرمایه بزرگ و متوسط خارجی و داخلی، ملی کردن ابزار اصلی تولید و ایجاد بخش دولتی، اصلاحات ارضی، تشکیل تعاونیها، تغییر ساختار جامعه به نفع زحمتکشان، نفوذ روز افزون نقطه‌نظرهای سوسیالیستی و نزدیکی به کشورهای سوسیالیستی و همزیستی مسالمت‌آمیز با همه کشورهای است. به نظر مخالفان این نظریه، راه رشد غیر سرمایه‌داری در صورتی می‌تواند زمینه‌ساز سوسیالیسم باشد که به سرکردگی پرولتاریا انجام شود و سازمان انقلابی پرولتاریا هدایت مایشین دولتی را در دست گیرد، چنانکه خلقهای روسیه تزاری از طریق دیکتاتوری پرولتاریا سرمایه‌داری را دور زدند. آنها همچنین آرایش نیروهای طبقاتی در داخل هر کشور زیر سلطه را تعیین کننده سمتگیری تاریخی جامعه مربوطه می‌دانند، نه نزدیکی و اتحاد با کشورهای سوسیالیستی. نظریه راه رشد غیر سرمایه‌داری موفقیتی نیافت و اکنون مطرح نیست.

Nomination

نامزدسازی؛ معرفی کاندیدا

تعیین کسی به عنوان نامزد یک مقام سیاسی یا اجتماعی که نامزدی او مطابق قانون از طرف رأی دهندگان، قبول یابد شود.

Nomocracy

حکومت قانون؛ نومهوکراسی

حکومتی که در آن قانون حکومت کند. این نوع حکومت، زمانی وجود دارد که یک قانون برتر که از منشأ مقدسی الهام گرفته، بر جامعه حاکم باشد.

Non-Aggression Pact

پیمان عدم تجاوز

قراردادی است بین دو دولت، به منظور خودداری از توسل به زور علیه یکدیگر، و استفاده از روشهای مسالمت آمیز برای حل و فصل اختلافات.

Non-Aligned Countries

کشورهای غیرمتعهد

به کشورهای عضو جنبش عدم تعهد اطلاق می‌گردد. کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد هر سه سال یکبار و کنفرانس وزرای امور خارجه غیرمتعهدها در فاصله بین دو کنفرانس سران در پایتخت یکی از کشورهای عضو جنبش برگزار می‌شود. اولین کنفرانس سران در سال ۱۹۶۱ با شرکت ۲۵ کشور در پایتخت یوگوسلاوی تشکیل شد. رئیس کشور میزبان تا اجلاس بعدی، ریاست کشورهای غیرمتعهد را عهده‌دار می‌شود. پیروی از سیاست همزیستی مسالمت آمیز، پشتیبانی از جنبشهای آزادیبخش، عدم پیوستگی به هیچیک از پیمانهای نظامی در چارچوب اختلافات قدرتهای بزرگ از جمله مشخصات کشورهای غیرمتعهد است. به دنبال فروپاشی شوروی و پیمان ورشو، بعضی کشورها مثل آرژانتین از جنبش کناره گرفتند و کشورهایی مثل هندوراس و تایلند به عضویت آن درآمدند. قرقیزستان به عنوان ناظر و جمهوریهای اسلوواکی و چک نیز به عنوان میهمان پذیرفته شدند. تا سال ۲۰۰۳ حدود ۱۱۶ کشور عضو جنبش عدم تعهد بوده‌اند که مالت و قبرس از اروپا و بقیه از سه قاره آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین هستند. ایران در سال ۱۹۸۰ به عنوان هشتمین و هشتمین عضو به جنبش عدم تعهد پیوست.

Non-Alignment

عدم تعهد

خودداری دولت‌ها از پیوستن به یکی از گروه‌بندیهای بزرگ و متضاد قدرت.

Non-Alignment Movement

جنبش عدم تعهد

عنوان نهضت کشورهای در حال توسعه با هدف استعمارزدایی و مبارزه با امپریالیسم و نواستعمار، ایجاد وحدت و یکپارچگی میان کشورهای در حال توسعه، برقراری مناسبات سیاسی و اقتصادی آزاد و مستقل از هر یک از قدرتهای بزرگ و کمک به برقراری صلح و امنیت بین کشورهای عضو جنبش. فرق بین سیاست بیطرفی و عدم تعهد آن است که بیطرفی معمولاً به موجب قرارداد و با تضمین کشورهای بزرگ صورت می‌گیرد، در حالی که سیاست عدم تعهد بدون تضمین یک کشور خارجی و براساس ابتکار رهبران سیاسی یک کشور با توجه به ماهیت و سرشت نیازهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن کشور صورت می‌گیرد. هیأت‌های

سال ۲۰۰۰ و سازمان پزشکان بدون مرز نیز در سال ۱۹۹۹ جایزه صلح نوبل گرفتند. مبلغ جایزه از سال ۲۰۰۱ تاکنون به بیشترین رقم خود، یعنی ده میلیون کرون (حدود یک میلیون و سیصد هزار دلار) رسیده است. دکتر احسان نراقی، متفکر ایرانی، دلایل اعطای جایزه نوبل صلح سال ۲۰۰۳ را به خانم شیرین عبادی به شرح زیر برشمرده است: ۱- خانم عبادی سالیان دراز است که در راه حقوق بشر و علی‌الخصوص حقوق زن و کودکان قلم می‌زند و فعالیت دارد. چنانچه یونسف، کتاب ایشان را درباره حقوق کودک، چند سال پیش به زبان انگلیسی به چاپ رساند. ۲- انجمنهای غیردولتی حقوق بشر در چهار و پنج سال اخیر، مرتباً نام ایشان را در لیست افراد شایسته دریافت این جایزه به بنیاد نوبل پیشنهاد می‌کردند. ۳- خانم عبادی آشنا به قوانین اسلامی بوده و حقوق زن را از جهات مختلف مورد بحث قرار می‌داده است و چون حقوق زن از نظر رفع تبعیض درباره زنان، یکی از مسائل حقوق بشر را در جوامع اسلامی تشکیل می‌دهد، انتخاب خانم عبادی وجه دوگانه دارد، یعنی حقوق بشر را به‌اضافه حقوق زن مطرح می‌کند. ۴- ایران موقعیت خاصی از نظر منطقه‌ای و جهانی دارد. جهانیان متوجه هستند که هنوز حال و هوای انقلاب در ایران از بین نرفته است و جامعه همچنان در تب و تاب است و بالمآل، تحول در ایران، در کشورهای مسلمان اثر می‌گذارد. به عقیده دکتر احسان نراقی، نظر به اعتبار فوق‌العاده جایزه نوبل، این واقعه به اعتبار و حیثیت بین‌المللی ایران می‌افزاید. به نظر مخالفان و منتقدان، جایزه صلح نوبل، یک جایزه سیاسی است که هر سال در چارچوب سیاستهای قدرتهای جهانی و بویژه سیاستهای وقت دولتهای اروپائی به نامزدهای مورد نظر داده می‌شود و اینکه افرادی بوده‌اند که شایستگی دریافت جایزه صلح نوبل را داشتند (مثل مهاتما گاندی، مصدق، هوشی مینه، آئنده...) اما این جایزه هرگز به آنها تعلق نگرفت.

Noble Savage

وحشی بزرگوار

آدم بدوی که مظاهر تمدن، او را به فساد، تباهی و گمراهی نکشانده است.

Nomadism

چادرنشینی؛ کوچگری

مردمی که خانه دائمی ندارند، اما به طور مداوم به دنبال خوراک و مرتع می‌گردند. قبایل چادرنشین عمدتاً در آسیا و آفریقا زندگی می‌کنند.

No Man's Land

زمین بی صاحب؛ زمین هیچکس

سرزمینی که متعلق به هیچیک از دولتهای جهان نباشد یا منطقه بین دو جبهه متخاصم.

Nomenclatura

نومانکلاتورا

این واژه را که از نظر لغوی به معنی فهرستی است از اسامی، میکائیل و سلنسکی در کتاب نومانکلاتورای خود به مفهوم طبقه ممتاز و حاکم شوروی سابق (دارنده مشاغل کلیدی کشور) به کار برده است. نومانکلاتورا طبقه متصرف و مالک به حساب نمی‌آید، بلکه به عنوان طبقه مدیران شناخته می‌شد که مهم‌ترین مسأله آن، قدرت بود. تنها نامزدهایی که اسمشان در فهرست حزب کمونیست قرار داشت می‌توانستند به مشاغل کلیدی منصوب شوند.

قدرتها با هم است. عربها نیز واژه نظام را از همین جنبه در نظر گرفته‌اند و این اصطلاح را نظام العالمی جدید یا نظام الدولی جدید ترجمه کرده‌اند.

Night - Watchman State

دولت شبگرد

این اصطلاح را فردیناند لاسال (۱۸۶۴-۱۸۲۵) سوسیالیست آلمانی در مورد دولت لیبرال به کار برده که فقط حافظ و نگهبان اموال است و کاری به امور دیگر ندارد.

Nihilism

نیهیلیسم؛ هیچ‌گرایی؛ پوچ‌انگاری

این واژه از "نیهیلی" لاتین به معنی هیچ گرفته شده و معمولاً برای توصیف مذهب نفی مطلق است که هدف پیروان آن، از بین بردن سازمانهای اجتماعی و مخالفت با هرگونه ارزشهای رده‌بندی شده، عقیده و علاقه و رسم و قاعده و اصول علمی و فلسفی و اخلاقی و مذهبی است. در طول سلطنت تزار الکساندر دوم (۱۸۸۱-۱۸۵۵) نیهیلیسم تبدیل به یک جنبش سیاسی و فلسفی گردید که براساس آن، کل سلطه و اقتدار و انواع قدرت و اختیار دولت، کلیسا و خانواده مردود شمرده می‌شد. گرچه در اصل نیهیلیستها از خشونت به دور بودند ولی بخشی از آن، به صورت یک سازمان آناارشیستی و تروریستی درآمد که برای پیشبرد هدفهایش به ترور و خشونت متوسل گشت. تروریستهای نیهیلیست سرانجام در سال ۱۸۸۱ موفق به کشتن تزار الکساندر دوم شدند که قصد داشت بایک سلسله اصلاحات دولتی مهم، نیهیلیستها را با خود همراه سازد.

Nimby

نیمبی؛ تابع منافع خصوصی

سرنام Not in my backyard به معنی نه در حیاط خلوت من. نیمبی به توسعه به عنوان سیاستی عمومی اعتقاد دارد، اما اگر به نزدیکی ملک خودش برسد اعتراض می‌کند.

Nixon Doctrine

دکترین نیکسون

دکترین پرزیدنت نیکسون که پایه سیاست امنیتی آمریکا در منطقه جنوب شرقی آسیا و اقیانوس هند است و در سال ۱۹۶۹ درگوام بیان شد. ویژگیهای اصلی این دکترین عبارتند از: تغییر سیاست تهاجمی به سیاست مذاکره در پشت میز، محدود کردن حضور نظامی آمریکا در جهان و محول ساختن یک سری از وظایف نظامی به ارتش کشورهای وابسته به منظور حفظ منافع آمریکا و سرکوبی جنبشهای آزادیبخش در مناطق مختلف جهان.

Noble Peace Prize

جایزه صلح نوبل

این جایزه به شخصی داده می‌شود که ظاهرأ سهم چشمگیری در صلح جهانی داشته باشد. کمیته نوبل نورژ، جایزه نوبل صلح را در اسلو اعطا می‌کند. نخستین جایزه در سال ۱۹۰۱ به هنری دونان بنیانگذار صلیب سرخ جهانی داده شد. صلح نوبل سال ۲۰۰۳ به خاطر تلاش در راه دموکراسی و حقوق بشر و دفاع از حقوق زنان و کودکان به خانم شیرین عبادی، وکیل پایه یک دادگستری داده شد. در بیانیه کمیته صلح نوبل از جمله آمده است که او به عنوان یک وکیل، قاضی، مدرّس دانشگاه، نویسنده و کوشنده حقوق بشر در کشورش - ایران - و در خارج از مرزهای این کشور با صراحت و قاطعیت حرف زده است. جیمی کارتر در سال ۲۰۰۲، کوفی عنان در سال ۲۰۰۱، کیم دای جونگ در

اشتراک اندک، بدون اعزام خبرنگار اختصاصی، از طریق غیرمستقیم به اطلاعات و اخبار مورد نیاز خویش دسترسی یافتند.

New Social Movement

جنبش اجتماعی جدید

این اصطلاح برای اشاره به مجموعه‌ای از سازمانها به کار رفته است که در کشورهای مردم‌سالار فعالیت می‌کنند، مثل سازمانهای حقوق بشری، زیست محیطی، فمینیستی و ضدتسلیحات هسته‌ای.

New Superpowers

ابر قدرتهای جدید

این واژه در اوایل دهه ۱۹۹۰ برای اشاره به کشورهای آلمان و ژاپن به کار رفته است.

New World Order

نظم نوین جهانی؛ نظام جدید جهانی

نظامی که در آن هیچ ملتی نباید جزئی از حاکمیت خود را از دست بدهد و دارای ویژگیهای زیر است: حاکمیت قانون، عدم توسل به زور، حل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز و رعایت حقوق بشر. وجود چند مرکز عمده قدرت مثل آمریکا، اروپا، چین، ژاپن، روسیه، هندوستان و مجموعه‌ای از کشورهای کوچکتر از مشخصه‌های نظام نوین است. اصولاً در طول تاریخ، هر بار که انقلابها و جنگها، روابط بین‌المللی موجود را دگرگون کرده، بحث نظام نوین جهانی نیز مطرح شده است: جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول، سازمان ملل متحد بعد از جنگ جهانی دوم و بالاخره پس از پایان جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱) نیز "جرج بوش" رئیس جمهوری آمریکا، استقرار یک نظام نوین جهانی را نوید داد. او گفت که نظام نوین جهانی منوط و وابسته به رهبری آمریکا، قدرت آمریکا و ارزشهای آمریکا است. نوام چامسکی زبان‌شناس معروف و منتقد سیاست خارجی آمریکا نیز نظام نوین را قالبی عوام‌فریبانه برای تداوم بی‌عدالتی، نامی تازه برای توسل به زور و دنیایی بدون مانع برای آمریکا خوانده است. به نظر "تونی بن" سیاستمدار بریتانیایی، نظام نوین جهانی چیزی جز بازگشت به امپراتوری استعماری گذشته نیست. آنچه که در عراق اتفاق افتاد (۱۹۹۱)، ظهور مجدد امپریالیسم بود. آمریکا به بهانه حفظ منافع خود با سوءاستفاده از ضعف شوروی سابق می‌خواست سلطه خود را در خلیج فارس، یعنی یکی از عمده‌ترین مناطق تولید نفت جهان برقرار کند. مع‌هذا، موانع جدی بر سر راه نظام نوین جهانی مورد نظر جرج بوش وجود دارد که از جمله می‌توان به نیروی مقاومت کشورهای در حال توسعه و افکار عمومی مردم جهان اشاره کرد. به نظر پیروز مجتهدزاده: جهان سیاسی، جهانی بی‌نظم است و جهانی که نظم ندارد، نمی‌تواند گونه‌نویی از نظم را ادعا کند. سیاست، نظم ندارد که نوع نوین آن مطرح شده باشد. نظم، حاصل ایجاد برابریهای ضروری در نتیجه اجرای یک سلسله قوانین و مقررات است. حال آنکه در سیاستهای جهانی و در جهان سیاسی، قوانین و مقررات لازم‌الاجرای وجود ندارد و زورگوئیهای زورمندان، مانع ایجاد مساوات و برابری در فضای خانواده بشری است. همین عامل است که بی‌نظمی را در جهان سبب می‌شود و این بی‌نظمی‌ها است که انسان را به تلاش برای حل مسائل و ایجاد نظم، تحریک می‌کند. همین تلاش در راه به کار بردن ابتکار و اندیشه برای ایجاد نظم را سیاست گویند و لاجرم، سیاست ناشی از بی‌نظمی است و ما، بویژه در سیاستهای جهانی و ژئوپولیتیک، نظم نداریم که از نوع کهن یا نوین آن سخن گوئیم. از این رو، منظور از اصطلاح حاضر، نظام یا سیستم نوینی از روابط ساختاری

به رهبری کارگران در احزاب سوسیالیست و کمونیست اعتقاد نداشت و در کتاب تغییر سیمای پرولتاریا، نظریات خود را مبنی بر تعلق کارمندان به طبقه کارگر ابراز کرده است.

New Middle East

خاورمیانه جدید

اندیشه‌ای که در سال ۱۹۹۳ توسط "پرز"، وزیر امور خارجه اسرائیل و در کتابی به همین نام مطرح شد. هدفهای طرح خاورمیانه جدید را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: تفوق اسرائیل بر جهان عرب به عنوان رژیمی که از قدرت برتر اقتصادی و نظامی در برابر اعراب برخوردار است و تحمیل سلطه اقتصادی و سیاسی و امنیتی بر دنیای اسلام، نقش اسرائیل به عنوان سر پل عبور شرکت‌های انتفاعی آمریکایی و اروپایی به سراسر دنیای اسلام، تضمین سلطه ایالات متحده آمریکا بر تمام گذرگاههای واقع در خلیج فارس تا دریای مدیترانه و اقیانوس هند و دریای سیاه، تغییر دادن فرهنگ و عقاید اعراب در جهت به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل، ایجاد گروه‌بندیهای جدید در برابر گروه‌بندیهای عربی، ایجاد تغییر در عهدنامه‌های منطقه و عقد قراردادهای دوجانبه تازه بین کشورهای عربی و اسرائیل.

New Right

راست نو

در ایالات متحده آمریکا (و فرانسه و انگلستان) به طیف وسیعی از انجمنها، سازمانها و افراد مخالف با کمونیسم، اقتصاد دولتی و جمع‌گرایی اطلاق می‌شود. برخی از این گونه سازمانها و افراد، خواستار توسل به زور و انجام عملیات خشونت‌آمیز برای رسیدن به هدفهایشان هستند. در آمریکا راست نو از جناح محافظه کار حزب جمهوریخواه منشأ گرفته است و پایگاه اجتماعی آن را طبقه متوسط (تجارت کوچک، کامیونداران و برخی از کارگران یقه سفید و تیره) تشکیل می‌دهد. فقدان شعور و آگاهی، این طبقه را مستعد انواع دستکاریها، فریفتگری و تبعیت از شعارهای عوامفریبانه محافل مرتجع و راستگرا ساخته است. رهبران راست نو از این رو خود را راست می‌نامند که مخالف اساسی تمام جناح چپ و نیروی مترقی هستند و به این خاطر خود را نو می‌نامند که ادعای هژمونی در مرحله جدیدی از جنبش محافظه کارانه را دارند.

News Agency

خبرگزاری

سازمان محلی یا ملی و یا بین‌المللی که اخبار را گردآوری و منتشر می‌کند. از اوایل قرن نوزدهم با پیشرفت نظام سرمایه‌داری و نیز با بالا رفتن تیراژ نشریات و سپس با رونق گرفتن کار رادیو - تلویزیون، مراکز خبری کشورهای سرمایه‌داری غربی برای پاسخگویی به نیازهای مخاطبان خود، بیش از پیش به کسب سریع و گسترده‌تر اخبار نیاز پیدا کردند. اما از آنجاکه از یک طرف، آموزش خبرنگاران حرفه‌ای و اعزام تعداد زیادی از آنها به نقاط مختلف داخل و خارج کشور و نیز مجهز کردن آنها به وسایل فنی مستلزم مخارج سنگینی بود و از طرف دیگر، به علت اینکه همه مراکز خبری قادر به تأمین هزینه‌های سنگین آن نبودند، فکر ایجاد خبرگزاریهای ملی و بین‌المللی تقویت شد. این ضرورتها، مقدمه‌ای برای ایجاد آژانسهای مخصوص خبری گردید که خبرها را از نقاط مختلف جهان دریافت و نسبت به ارسال آنها به مراکز خبری دیگر اقدام می‌کردند. با ایجاد این خبرگزاریها، مطبوعات و مراکز رادیو - تلویزیونی و ماهواره‌ای و کامپیوتری با پرداختن حق

چپ نو

New Left

جنبشی با گرایشهای نئومارکسیستی، سندیکالیستی، آنارشیتی، مانوایستی، اگزیستانسیالیستی و پاسیفیستی که عمدتاً در مراکز دانشگاهی متمرکز است و در انگلستان از سال ۱۹۵۶ توسط گروه روشنفکرانی که گرد مجله بررسی چپ نو جمع آمده بودند آغاز شد و در آمریکا در اواخر دهه ۱۹۵۰ ضمن بحثهای آزاد سیاسی (درباره تبعیض نژادی، جنگ ویتنام، مجتمع نظامی - صنعتی) که در دانشگاه کالیفرنیا برکلی برگزار می شد ظهور کرد و در فرانسه با الهام از فلسفه سارتر جریان یافت. دامنه جنبش چپ نو در دهه ۱۹۶۰ بالا گرفت و با حوادث ماه مه ۱۹۶۸ به اوج خود رسید. چپ نو اعتقاد به رهبری انقلاب توسط روشنفکران (و نه پرولتاریا) دارد و برخلاف چپ کهن (یعنی احزاب کمونیست و سوسیال دموکرات) فاقد نظم، رهبری و هدفهای مشخص است و تأکیدش بیشتر بر اعتراض، اقدام مستقیم، اصلاح طلبی، فردگرایی و آزادی است و ضمن به مبارزه طلبیدن نظم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مستقر، خواستار جامعه‌ای با این مشخصات است: دموکراسی مبتنی بر مشارکت به این معنی که ساختهای تصمیم‌گیری متعددی در جامعه وجود داشته باشد، سازماندهی جامعه از طریق ایجاد کمونهای کوچک، مالکیت عمومی بر کلیه صنایع بزرگ، کاهش تولید کالاها غیر ضروری، برقراری ازدواج بر مبنای انتخاب آزاد و تعلیم و تربیت کودکان در درون کانونهای زندگی اشتراکی.

کشور تازه صنعتی

Newly Industrialized Country

کشور در حال توسعه‌ای که از طریق گسترش صنایع سنگین، به سطح توسعه اقتصادی رسیده باشد، مثل کره جنوبی و تایوان.

انسان نو

New Man

این واژه که از دهه ۱۹۲۰ رایج شد، در ادبیات سیاسی چپ به معنی تغییر ماهیت انسان و تبدیل آن به موجودی تازه و عاری از هرگونه خودخواهی و خودبینی است که نخستین وظیفه‌اش وفاداری به خلق است، نه به خود و خانواده خود. در معنی عام، انسانی است که در طرز فکر، احساس و کردار خود، راه و شیوه جدیدی در پیش گرفته و راه و شیوه قدیمی را کنار گذاشته باشد. از نظر آلکس اینکلس، معیارهای انسان نو عبارتند از: ۱- آمادگی درونی برای پذیرفتن و اتخاذ تجربیات تازه و توانایی نوآوری. ۲- آگاهی از محیط زندگی و خارج از آن. ۳- توجه بیشتر به حال و آینده داشته باشد تا به گذشته. ۴- مرتب و منظم و دقیق بودن. ۵- اعتقاد به برنامه ریزی و سازماندهی امور. ۶- اعتقاد به امکان مسلط شدن انسان به محیط. ۷- نداشتن برداشت تقدیرگرایانه از جهان. ۸- احترام گذاشتن به دیگران. ۹- اعتقاد به علم و تکنولوژی. ۱۰- اعتقاد به برقراری عدالت برای عموم.

طبقه متوسط جدید

New Middle Class

این واژه را نخستین بار امیل لدرر (۱۹۳۹-۱۸۸۲) جامعه‌شناس آلمانی در سال ۱۹۲۶ به کاربرد که اشاره است به کارمندان و حقوق بگیران، صاحبان مشاغل جدید، تحصیلکرده‌ها و تکنیسینها. براساس تقسیم‌بندی این جامعه‌شناس، طبقه متوسط قدیم را بازرگانان و سوداگران صنعتی کوچک، مغازه‌داران، صاحبان بنگاههای اقتصادی کوچک و تولیدکنندگان مستقل تشکیل می‌دهند. لدرر

بودند، جوش دادند. اما کمونیستها چون تنها به قدرت متکی گشته‌اند، نتوانسته‌اند مؤسساتی پایدار ایجاد کنند و از این رو به محض اینکه قدرت آنها ناپدید شود یا رو به ضعف گذارد، تمام کارهای آنها هم از میان می‌رود.^{۳۰}

New Commonwealth

کامنولث جدید

این واژه برای اشاره به مستعمرات سابق آسیایی و آفریقایی بریتانیا به کار رفته که پس از جنگ جهانی دوم به تدریج استقلال یافتند، مثل هندوستان، تانزانیا و اوگاندا.

New Diplomacy

دیپلماسی نو

این واژه از اوایل قرن بیستم برای بیان روشها و طرفداری از دیپلماسی باز در برابر دیپلماسی سری به کار رفته است.

New Economic Policy (NEP)

سیاست جدید اقتصادی؛ نپ

سیاستی که در سال ۱۹۲۱ توسط لنین برای تخفیف شدت عمل و از بین بردن ناخشنودیهای حاصل از اجرای خشونت‌آمیز سیاست کمونیستی طرح گردید. معمولاً، فاصله از انقلاب اکتبر تا آغاز نپ را کمونیسم جنگی می‌نامند زیرا در این دوران، دولت مجبور به اتخاذ تصمیمات حادی بوده است. ولی چون عملاً اجرای این تصمیمات باعث ناخشنودی و بویژه ناخشنودی کشاورزان شده بود، از این رو سیاست جدید اقتصادی پیشنهاد شد که به قول لنین یک عقب‌نشینی استراتژیک بود نه یک عقب‌گرد ایدئولوژیک. فاصله از نپ تا مرگ لنین به دوران کمونیسم معتدل شهرت دارد. زیرا بر اثر اجرای این سیاست، سرمایه‌های خصوصی آزاد شد و دریافت مالیات جنسی از کشاورزان معمول گردید و مؤسسات صنعتی که کمتر از بیست نفر کارگر داشتند، به صورت مؤسسه خصوصی شناخته شدند و خلاصه، اقتصاد ملی روسیه شوروی که بر اثر ملی کردن تمام منابع صنعتی و کشاورزی با مشکلات زیادی مواجه شده بود، دوباره رونق گرفت.

New Economics Foundation (NEF)

بنیاد اقتصاد جدید

از سال ۱۹۸۴ چند سازمان غیردولتی به طور مستقیم گروه «هفت کشور بزرگ صنعتی» (گروه هشت کشور بزرگ صنعتی فعلی) را برای فشار آوردن و یا مخالفت کردن با آن به باد حمله می‌گیرند. اولین اجماع به مناسبت برگزاری نشست ۱۹۸۴ گروه هفت در لندن از سوی مؤسسه‌ای به نام نشست اقتصادی دیگر The other Economic Summit سازمان یافت. این مؤسسه که بیشتر به نام TOES شناخته می‌شد، بعداً به بنیاد اقتصاد جدید تغییر نام داد. بنیاد، یک مخزن فکری یا هسته مشاوران پژوهشی انگلیسی برای ایجاد اقتصاد پایدار و عادلانه است که راه‌حلهای عملی و تهورآمیز برای چالشهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی رودرروی اقتصادهای محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی ارائه می‌کند.

New International Economic Order

نظام نوین اقتصادی بین‌المللی

بازنگری نظام اقتصادی بین‌المللی به نفع کشورهای جهان سوم.

Network

شبکه

۱- ارتباطات بین مردم در جوامع و سازمانها. ۲- چند مؤسسه، دستگاه یا سیستم وابسته به هم که معمولاً در زمینه خاصی کار می‌کنند.

Neutralism

سیاست بیطرفی؛ سیاست عدم تعهد؛ بیطرفی

سیاست اجتناب از درگیر شدن در هر نوع کشمکش احتمالی بین ابرقدرتها و رفتار کردن با طرفین کشمکش با رعایت بیطرفی کامل. این سیاست از سال ۱۹۳۹ توسط کشورهایی مثل سوئد و بعداً توسط جهان سوم اعمال شد که از تسلط غرب یا شرق و نیز از کشیده شدن به کشمکش بین آنها بیمناک بودند.

Neutrality

بیطرفی

عدم مداخله یک دولت در اختلافات و جنگ و خصامه بین دو یا چند دولت. بیطرفی، تصمیمی است که به آزادی گرفته می‌شود. تکالیف کشور بیطرف عبارتند از: مناعت و خویشتنداری، عدالت و بیغرضی. حقوق کشور بیطرف نیز عبارت است از: مصونیت سرزمین و آزادی روابط تجاری کشورهای بیطرف باهم و با هر یک از کشورهای متخاصم. عدم عضویت در پیمانهای نظامی، نگرفتن کمک نظامی از هیچ طرف و ندادن پایگاه نظامی به هیچ طرف از جمله شرایط بیطرفی است. با وجود این، بیطرفی رانه می‌توان امری اخلاقی دانست و نه کاری عملی. زیرا از یک طرف، بی‌اعتنا و بی‌تفاوت ماندن و حق و ناحق را با یک چشم نگاه کردن دور از انصاف است و از طرف دیگر، در زمان جنگ کشورهای بیطرف نیز در امان نمی‌مانند.

Neutralization

برکناری (غیرنظامی کردن)؛ بیطرف‌سازی

سیاستی که یا در مورد سرزمین و یا در مورد قسمتی از سرزمین کشور اعمال می‌شود و به معنی کنار ماندن از منطقه جنگ و درگیری و الغای نظامیگری در سرزمین مزبور است. رژیم برکناری یکی از عناصر نظام امنیت بین‌المللی به حساب می‌آید. مثلاً جامعه ملل، به موجب قطعنامه سال ۱۹۲۱، سلطه و حاکمیت فنلاند را بر جزایر آلاند واقع در مدخل خلیج بتنی به رسمیت شناخت، ولی رژیم برکناری را در مورد جزایر مزبور برقرار ساخت.

New Class

طبقه جدید

واژه ابداعی میلوان جیلاس (۱۹۹۵-۱۹۱۱) ناراضی یوگوسلاویایی که در سال ۱۹۵۴ از حزب کمونیست یوگوسلاوی اخراج شد. به نظر جیلاس، از درون احزاب کمونیست شوروی سابق و اروپای شرقی، یک طبقه حاکمه جدید، برخوردار از امتیازات و مزایای زیاد شکل گرفته است. یکی از علل فروپاشی شوروی را پیدایش همین طبقه جدید دانسته‌اند که به تدریج باعث جدایی حزب و دولت از مردم، یعنی صاحبان اصلی انقلاب شده بود. جیلاس در سال ۱۹۶۹ کتاب جامعه ناقص خود را در آمریکا منتشر کرد. وی از جمله عقیده داشت: "کمونیسم خیلی زودتر و با مقاومتی به مراتب کمتر از آنچه پیش‌بینی می‌شود، ناپدید خواهد شد. طبقات حاکمه سابق، اعم از اربابان فئودال یا سرمایه‌داران (کاپیتالیستها)، قدرت خود را با مؤسسات پایدار که منعکس کننده واقعیات اقتصادی

جهان دارند، می‌توانند اطلاعات دست و پاگیر، مانند ارقام فاجعه‌بار نرخ رشد را تعدیل کرده و یا به کلی مسکوت بگذارند. از آنجا که آنها در گروه‌های اقتصاد در معتبرترین دانشگاه‌های جهان، پستهای حساس را در اختیار خود دارند، کاملاً مراقبت تا هیچیک از اقتصاددانان مخالف، در این مراکز، راه پیدا نکنند تا نتوانند از آبروی دانشگاهی این مؤسسات برای پیشبرد نظریات خود استفاده کنند.

Neo-Marxism

مارکسیسم جدید

مجموعه نظریات تئوری پردازانی مثل لوکاخ، سوئیزی و باران و مکاتبی مثل مکتب فرانکفورت و بعضی از طرفداران چپ نو که "ماتریالیسم تاریخی" و "تضاد طبقاتی" مارکس را کنار گذاشته‌اند و به آموزشهای اخلاقی و معقول نمودن رفتار اقتصادی افراد معتقد شده‌اند. مارکسیسم جدید اصولاً یک گرایش آکادمیک است و در عرصه عمل سیاسی تأثیری برجای نگذاشته است.

Neo-Nazism

نازیسم جدید؛ نئونازیسم

این واژه برای اشاره به گروه‌ها، احزاب و سازمانهای معاصر به کار می‌رود که ویژگیهایشان شبیه ویژگیهای حزب نازی است که در سال ۱۹۳۳ به رهبری آدولف هیتلر در آلمان به قدرت رسید. ویژگیهای نازیسم جدید را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: حکومت دست راستی و سلسله مراتبی و قدرت پرست، مخالف دموکراسی و لیبرالیسم و پلورالیسم، مخالف گروههای اقلیت و به ویژه یهودیان و سیاهپوستان. این واژه در مورد گروههای برتری جوی سفید، منجمله کوکلاکس کلان و میلیشیای میشیگان (متهم به بمب گذاری سال ۱۹۹۵ اکلهماسیتی)، گروه نظم Order و وابستگان کلیسای ملت آریایی به کار رفته است. جهان بینی اعضای آنها اغلب از نایمنی اقتصادی، بدگمانی عمیق به حکومت و درخیلی از موارد، شور و اشتیاق مذهبی (مسیحی) شکل گرفته است، به طوری که ظاهراً ارتباط نزدیکی بین گروههای نئونازی و سازمانهای کلیسایی نیز وجود دارد.

Nepotism

پارتی بازی؛ تبعیض به نفع خویشان

انتصاب و به کارگماردن قوم و خویش، دست پروردگان و دوستان در پستهای مهم یا دادن امتیازات دیگری به آنان برای بالا بردن آبروی خانواده یا افزایش درآمد، به جای توجه به نفع همگانی. این کار، یکی از اشکال عمده فساد در قدرت است.

Netizen

نتیزن؛ شبکه وند

این واژه که با استفاده از واژه سیتی‌زن یا شهروند ساخته شده، اشاره است به کسی که در شبکه های کامپیوتری بین المللی مثل اینترنت حضور دارد و به طور دائم از خدمات آن استفاده می‌کند.

Netocracy

حکومت شبکه‌های کامپیوتری؛ اینترنت سالاری

حکومتی که بیانگر دوران و شرایط اجتماعی جدیدی در تاریخ بشر است که براساس شبکه‌ها و ارتباطات و برنامه‌های کامپیوتری، اینترنت، اطلاعات و فناوری اطلاعاتی قرار دارد. در دوران نتوکراسی، در رأس هرم قدرت در جامعه، مدیران مسلط بر شبکه‌های عمده قرار دارند و اطلاعات، عنصر اساسی قدرت و تحرک اجتماعی درون هرم است.

تربیت شده‌اند، دلیلی برای ترس از فاشیسم وجود ندارد. اما پیش از روی کار آمدن هیتلر نیز ادعا می‌شد که پیروزی فاشیسم در آلمان منتفی است به این دلیل که آلمان کشوری است با سطح عالی رشد اجتماعی و فرهنگ و سنت‌های دیرین نهضت‌کارگری. ولی فاشیسم درست در همان کشور، خشونت را به حد اعلام رساند. احمد سیف در مقاله سرمایه سالاری راه فاشیسم را هموار می‌کند، از جمله نوشته است: تردیدی نیست که فاشیسم در پایان قرن بیستم، به‌ظاهر شبیه فاشیسم در دهه‌های سی و چهل میلادی است، ولی بیاد داشته باشیم که فاشیسم بازپسین، چنانچه قدرت را در دست گیرد، در شماره قابل توجهی از این کشورها، زرادخانه‌های عظیمی از بمب‌های هسته‌ای هم در اختیار دارد. فیدل کاسترو در سال ۲۰۰۳ در جمع مردم هاوانا (کوبا) از جمله گفت: من فکر نمی‌کنم که در آمریکا، یک رژیم تمام عیار فاشیستی بتواند روی کار بیاید. مسلماً اشتباهات جدی صورت گرفته و در چارچوب نظام سیاسی، بیعدالتی رخ داده است که هنوز بسیاری از آن ادامه دارد. اما مردم آمریکا، هنوز ارزشها و نهادهای خاصی دارند که از جمله می‌توان از ارزشهای آموزشی، فرهنگی و اخلاقی نام برد که اجازه استقرار فاشیسم را نمی‌دهند. نکته اصلی اینجا است که خطر، در عرصه بین‌المللی وجود دارد. زیرا قدرت و امتیازات رئیس‌جمهوری آمریکا وسیع است. از طرف دیگر، شبکه اقتصادی، تکنولوژی و قدرت نظامی کشور، آنچنان گسترده و قدرتمند است که به دلیل شرایطی که کاملاً فراتر از اراده مردم آمریکا است، می‌کوشد جهان را به پذیرش مفاهیم و روشهای نازیسم وا دارد. امروزه، رفتار کسانی که در آمریکا بر سر قدرت هستند، دقیقاً رفتار دولت هیتلر را به خاطر می‌آورد که نه تنها در صدد فریب مردم کشور خود، بلکه فریب تمام بشریت هستند.

Neo-Imperialism

امپریالیسم جدید

نظارت و سلطه شرکت‌های چندملیتی بر اقتصاد کشورهای کم‌رشد. این شرکتها با انحصار دانش فنی، در بخشهای سودده وارد می‌شوند و ضمن ممانعت از تشکیل سرمایه ملی، بیشتر نیازهای سرمایه‌ای خویش را از سرمایه‌گذاری مجدد منافی برآورده می‌کنند که در کشورهای کم‌رشد ایجاد شده است. آنگاه سودهای کلان را به کشور سلطه‌گر و متحدان خویش و حکومت‌های محافظه‌کار میزبان واگذار می‌کنند.

Neo-Liberalism

لیبرالیسم جدید

جهت‌گیری سیاسی و اقتصادی در دهه ۱۹۶۰ براساس ترکیب دیدگاه‌های سیاسی لیبرال (ارزشهای لیبرالیستی) با تأکید بر رشد اقتصادی و تاحدودی دخالت دولت در اقتصاد در موقعی که امکان‌پذیر باشد. طبق این مکتب، مکانیسم بازار در ارضای نیازهای بشر و تخصیص منابع تولیدی به موارد استعمال مختلف، خوب عمل می‌کند. به نظر فیدل کاسترو، لیبرالیسم جدید، شامل مجموعه سیاست‌های مبتنی بر آزادی مطلق بازار است که از سوی غرب و بویژه صندوق بین‌المللی پول در دو دهه اخیر تحمیل شده است. مخالفان لیبرالیسم جدید، عقیده دارند که نئولیبرالها با نفوذ در دولت‌های کشورهای قدرتمند پیشرفته و در رأس آنها آمریکا و انگلستان، قادرند برنامه سیاسی نهادهای چندجانبه، بویژه سه نهاد به اصطلاح مقدس صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان جهانی تجارت را به دلخواه خود تغییر دهند. آنها با نفوذی که در رسانه‌های مسلط سراسر

سازمان ملل متحد از این نظر که قدرت و نفوذ آمریکا را محدود می‌کند، به دیده خوبی نگاه نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند به جای تکیه و تأکید بر متحدان قدیمی، بر فرصتها و تهدیدهای جدید تأکید کنند. واقعه‌ای که محافظه کاران جدید را در شرایط بانفوذی قرار داد، حادثه حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود که جورج بوش (پسر) رئیس جمهوری آمریکا درباره آن گفت: جهان، تغییر یافته است. به نظر محافظه کاران جدید آمریکا، برای آینده جهان، انتخابهای متعددی وجود ندارد، یا برتری آمریکا و یا وحشت و بی‌نظمی. ملت آمریکا، ملتی استثنائی است و رهبری خیراندیشانه جهان را بر عهده دارد و باید برای براندازی رژیمهای شر از جهان، برتری و توان تسلیحاتی خود را حفظ و تقویت کند.

Neo-Democratic Revolution

انقلاب دموکراتیک نوین

تئوری انقلاب دموکراتیک نوین توسط ماثوتسه دون تدوین شده است و به‌عنوان تئوری انقلاب در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم تلقی می‌شود و نوع جدیدی از انقلاب است که پرولتاریا آن را رهبری می‌کند و هدفش در مرحله اول، برقراری جامعه دموکراسی نوین و دیکتاتوری مشترک کلیه طبقات انقلابی است و دومین مرحله آن انتقال به سوسیالیسم است. در انقلاب دموکراتیک نوین، عناصر سرمایه‌داری و سوسیالیستی به شکل زیر تلفیق می‌شوند: ۱- در سطح سیاسی و قدرت دولتی، عناصر و نیروهای اجتماعی متعلق به خرده بورژوازی و بورژوازی انقلابی شرکت دارند ولی رهبری با پرولتاریا است ۲- در سطح اقتصادی، عناصر سرمایه‌داری کوچک مجال رشد می‌یابند ولی نقش تعیین کننده و رهبری پرولتاریا بر مجموعه اقتصاد از طریق بخش اقتصاد دولتی تأمین و تضمین می‌شود.

Neo-Fascism

فاشیسم جدید

جنبشهایی که عقاید و شیوه‌های فاشیسم پیش از سال ۱۹۴۵ رازنده می‌کنند. ظاهراً فاشیسم جدید مانند فاشیسم سالهای پیش پدیده‌ای است که نارضایتی خرده بورژوازی و لومپن پرولتاریا را از نظام سرمایه‌داری، علیه جنبشهای مترقی و دموکراسی برمی‌انگیزد و ضمن تبلیغ نفی مسئولیت تاریخی توده‌ها و انحصار آن در دست گروه نخبه، وانمود می‌کند که این گروه از دانش و تخصص و اراده آهنین و درک نفع عمومی برخوردار است. فاشیسم جدید در عین حال در هر کشور دارای خصوصیات ویژه‌ای است. قدرت گرفتن نئونازیها در آلمان و راستگرایان لیبرال دموکرات در روسیه و بویژه پیروزی ولادیمیر ژیرینوفسکی در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۴ روسیه، از حوادثی است که جنبشهای نئوفاشیستی در جهان را به‌تحرك و فعالیت واداشته است. اکنون در روسیه بیش از صد سازمان و گروه نئوفاشیستی وجود دارد. آلمان نیز در سالهای اخیر شاهد قدرت‌گیری و ظهور دوباره نئونازیها بوده است. علی‌رغم منع فعالیت بسیاری از سازمانهای نئونازی، در سال ۱۹۹۳ بیش از ۸۲ سازمان و گروه راست افراطی و نئونازی با چهل و یک هزار و نهصد عضو در آلمان فعالیت داشتند. فعالیتهای سازمانهای نئونازی و نئوفاشیست، سایر کشورهای اروپایی مثل انگلستان و ایتالیا را نیز در برمی‌گیرد. عده‌ای عقیده دارند که اکنون امکانات فاشیسم بسیار محدود است و لذا نباید آن را خطرناک دانست و یا ادعا شده در کشورهایی که نسلها با سنتهای دموکراتیک

Neo-Classical Economics**اقتصاد کلاسیک جدید**

تعریف مشخص و واحدی از این اصطلاح وجود ندارد، اما کاربرد آن در بحثهای سیاسی، بیشتر اشاره به ردّ دخالت دولت در امور بازار دارد.

Neo-Colonialism**نواستعمار؛ استعمار جدید**

سیاستی که استعمارگران از اواسط قرن بیستم برای مقابله با موج نهضت‌های استقلال طلبانه در پیش گرفتند. در استعمارگری جدید، استعمارگر به‌طور مستقیم حکومت نمی‌کند بلکه حکومت‌های بومی، ولی وابسته را بر سرکار آورده و در حالی که به‌ظاهر استقلال سیاسی می‌دهد، در باطن، وابستگی سیاسی و اقتصادی آنها را حفظ می‌کند و همچنان به‌استثمار آنها ادامه می‌دهد. استعمارگران برای اغفال مردم مستعمرات خود، می‌کوشند تا حتی‌المقدور حکومت‌هایی را که محبوبیت مردمی دارند روی کار بیاورند. استعمار جدید، همان شیوه‌های معلوم امپریالیستی تفرقه‌اندازی بین دولت‌های جدید و تحریک انگیزه‌های قبیله‌ای و ایجاد نزاع و کشمکش‌های ناحیه‌ای را به کار می‌گیرد که اغلب به‌برخوردهای نظامی بین کشورهای جوان می‌انجامد. اعمال محدودیت‌های گوناگون اقتصادی و فرهنگی، جذب و جلب نیروی انسانی متخصص و خبره کشورهای کم‌رشد و در حال توسعه از دیگر مظاهر استعمار جدید است.

Neocolonial Model of Underdevelopment**مدل نواستعماری درباره توسعه نیافتگی**

مدلی که می‌گوید وجود توسعه نیافتگی در کشورهای جهان سوم به‌علت سیاست‌های استعماری (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) کشورهای پیشرفته، در مورد کشورهای کم‌رشد است؛ سیاست‌هایی مثل انتقال تکنولوژی‌های نامناسب، روابط بازرگانی نابرابر و برنامه‌های کمکی گمراه‌کننده.

Neo-Conservatism**محافظه‌کاری جدید**

جنبش سیاسی و روشنفکرانه طرفدار محافظه‌کاری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در دهه ۱۹۵۰ برای مقابله با لیبرالیسم ایجاد شد. اساس تفکر فلسفی محافظه‌کاران جدید، آثار ماکیاول، توماس هابز (فیلسوف انگلیسی) و ادmond برک (فیلسوف ایرلندی) است. در سال ۲۰۰۰، گروه محافظه‌کاران جدید آمریکا در مراکزی مثل پنتاگون و وزارت امور خارجه، قدرت را در دست گرفتند. آنها بر اهمیت رژیم سیاسی دموکراسی، مخالفت با کمونیسم، آزادسازی، کاهش خصوصی‌سازی، ستایش شبه دینی ارزش‌های آمریکایی، حمایت از اسرائیل، کنترل ذخایر نفتی خاورمیانه، تضمین هژمونی آمریکا بر جهان و مخالفت با جبریت تأکید می‌کنند. محافظه‌کاران جدید آمریکا در دهه ۱۹۶۰ به عنوان یک جناح منشعب از حزب دموکرات شروع به فعالیت کردند. آنها از عدم توجه دموکرات‌ها به نتایج عملی سیاست‌هایشان نگران بودند. واژه جدید، نوعی توهین بود که چپی‌ها به آنها نسبت می‌دادند. اما در عمل، این واژه، آنها را از محافظه‌کاران واقعی مشخص می‌ساخت. نسل اول محافظه‌کاران جدید، به عنوان منتقدان لیبرالیسم آن زمان ظاهر شدند. در میان نسل دوم محافظه‌کاران جدید، تعداد کمی دموکرات یا دموکرات سابق وجود دارد. در واقع، آنها از نظر شیوه کار، جمهوریخواهان صریح و بسیار با انرژی هستند و صراحت اخلاقی را به ظرافت سیاستمداری، و رویارویی را به تعقیب آرام منافع ترجیح می‌دهند. آنها به نهادهای بین‌المللی مثل

منفی باعث یأس و ناامیدی می‌شود و فرد را از تلاش و کوشش باز می‌دارد. در حالی که نگرش مثبت در فرد، ایجاد امید و شوق و تلاش می‌کند و اصولاً از عناصر مهم پیروزی و موفقیت و شادکامی است.

Negotiation

مذاکره

بحث و گفتگوی شفاهی و کتبی بین دو یا چند دولت که بخواهند امری و یا عملی حقوقی را رتق و فتق و حل و فصل نمایند. مذاکره، یکی از معمولترین و آسانترین روشهای دیپلماتیک تصفیه مسالمت‌آمیز اختلافات بین دولتها و پیشبرد منافع ملی است. مذاکرات سیاسی توسط نمایندگان دولتهای طرف اختلاف (بیشر، وزیران امور خارجه) و یا در کنگره و کنفرانس بین‌المللی صورت می‌گیرد. حل و فصل امور از طریق دیپلماسی و به‌طور دوستانه، مزایای بسیاری دارد که از همه مهم‌تر، نرمی و انعطاف‌پذیری و در پرده بودن مذاکرات است. لیکن دایره نفوذ و تأثیر آن محدود است و در واقع، هنگامی مؤثر می‌افتد که طرفین مایل به رفع اختلاف و مناقشه باشند و نیروهای سیاسی اطراف دعوا نیز تا حدودی با هم برابری کنند. در غیر این صورت، کشورهای کوچک و ضعیف همواره در زمینه مذاکرات سیاسی، دستخوش امیال کشورهای بزرگ و قوی هستند.

Negritude

اصالت نژاد سیاه؛ سیاهگرایی؛ نهضت بیداری سیاهپوستان

این واژه در دهه ۱۹۳۰ توسط روشنفکران سیاهپوست آفریقایی و کارائیبی تحصیلکرده فرانسه، مثل سدار سنگور و امه سزر به کار برده شده و دال بر حس آگاهی نسبت به هویت، میراث مشترک و یا سرنوشت مشترک سیاهپوستان به‌عنوان عوامل مؤثر در مبارزه علیه استعمار و استثمار بردگی است. اصولاً سرنوشت سیاهپوستان با مسأله بردگی و استعمارگری اروپائیان رابطه نزدیک داشته است. استعمارگران اروپایی، چه پیش از لغو بردگی و چه پس از آن، رفتاری غیرانسانی با سیاهپوستان کرده‌اند که تا چندی پیش نمونه آن در سیاست آپارتاید جمهوری آفریقای جنوبی مشاهده می‌شد. در ایالات متحده آمریکا نیز سیاهپوستان کمابیش گرفتار تبعیضات نژادی و محرومیت‌های ناشی از آن هستند. اصالت نژاد سیاه معرف دو جنبه است: از یکطرف مبارزه بحق برای استقرار مجدد شخصیت سیاهان و از طرف دیگر کوششهای ارتجاعی خطرناک به‌خاطر ترقی ملتهای سیاه برای مقابله کردن با نژاد سفید. از این نقطه‌نظر، مخالفان اصالت نژاد سیاه حق دارند آن را به‌عنوان نژادپرستی ضدنژادپرستی بنامند، زیرا به‌شهادت تاریخ، عنصر نژاد در سیاست فقط به‌وسیله نیروهای ارتجاعی مورد استفاده قرار گرفته است.

Neither East nor West

نه شرقی نه غربی

شعار سیاست خارجی که مبتنی است بر دواصل اسلامی "تولی" و "تبری" و نیز رعایت کامل استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور بدون وابستگی به کشورهای سرمایه‌داری یا کشورهای سوسیالیستی.

Neo

نو؛ جدید

صفت بعضی از سیاستها، مکاتب یا فلسفه‌هایی که در احیای بعضی از سیاستها، مکاتب یا فلسفه‌های قدیم براساس تازه می‌کوشند.

Need for Achievement

نیاز به دست به کار شدن؛ نیاز به کسب موفقیت؛ نیاز به پیشرفت

طرز فکری که افراد را به پشتکار و کردار فعالانه و ویژه‌ای سوق می‌دهد. این طرز فکر، نمودار اندیشه‌هایی است که سروکار آنها با خوب انجام دادن کار و یا با انجام دادن کاری به‌نحو بهتر از پیش است. مثلاً اگر دو جوان در نظر گرفته شوند که یکی مشغول مطالعه دروس خویش برای گذراندن امتحان است ولی در می‌یابد که قادر به تمرکز ذهن خود نیست، زیرا در فکر معشوق است و دیگری که تصمیم دارد در امتحان نمره‌های عالی بگیرد، زیرا علاقه دارد به رشته مورد علاقه وارد شود و هر شب تا دیر وقت به مطالعه می‌پردازد و خوف آن دارد که شاید به اندازه کافی در نیل به هدف تلاش نمی‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که نیاز به دست به کار شدن در جوان دوم بیشتر است. این گونه افراد، هدفهای دشوار اما قابل حصول را برمی‌گزینند و خطرهای ممکن را با دیدی واقع بینانه پیش‌بینی و با کوشش هوشمندانه بر دشواریها غلبه می‌کنند و وسوسه طلب لذتهای آنی را به کنترل درمی‌آورند تا از ناملایمات آینده برکنار بمانند. نیاز به دست به کار شدن یا انگیزش پیشرفت را از عوامل رشد سریع اقتصادی و اجتماعی ملتها دانسته‌اند.

Negative Balance (Policy)

موازنه منفی؛ سیاست موازنه منفی

اصل سیاسی دکتر محمد مصدق (۱۳۴۶-۱۲۶۱) و منطق روگردانی از این و آن یا سیاست بیطرفی در میان نیروهای بزرگ جهانی (آمریکا- انگلستان- شوروی سابق) براساس حفظ منافع ملی. او اندیشه خود را در زمینه حق حاکمیت ملی کشورهایی مثل ایران در عبارت سیاست موازنه منفی، یعنی مستقل ماندن کشور کوچک در میان نیروهای بزرگ جهانی، خشی کردن فشار آنها به وسیله یکدیگر و فدا نکردن منافع ملی به سود هیچیک از آنها خلاصه کرد. منظور از واژه منفی، نفی نیروها و انگیزه‌هایی بود که آزادی ایرانی را در اداره خانه خودش نفی می‌کردند. مصدق در یازدهم آذر سال ۱۳۲۳ در نطق معروفی که در زمان طرح مسأله اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی سابق در برابر مجلس چهاردهم ایراد نمود، دلایل امتناع از دادن چنین امتیازی را شرح داد و سیاستی را که بعدها به سیاست موازنه منفی معروف شد به شرح زیر بیان کرد: "هرگاه ما از سیاست موازنه مثبت پیروی کنیم باید امتیاز نفت شمال را برای مدت ۹۲ سال بدهیم و به این طریق، موازنه سیاسی برقرار کنیم. گذشته از این که ملت ایران برای همیشه، و اکنون مجلس با این کار موافق نیست و دادن امتیاز مثل این است که مقطوع الیدی برای حفظ موازنه، راضی شود تا دست دیگر او را هم قطع کنند". سید حسن مدرس نیز سیاست موازنه عدمی خود را بر ندادن امتیاز به هیچ یک از دو دولت روسیه تزاری و انگلستان بنا نهاده بود.

Negative Freedom

آزادی منفی

قلمروئی که در داخل آن، شخص می‌تواند کاری را که می‌خواهد انجام دهد و دیگران نتوانند مانع کار او شوند.

Negativism

منفی‌بافی؛ منفی‌گرایی

نگرش و طرز عمل منفی باف یا فردی که همواره جنبه منفی امور را می‌بیند و معمولاً از انجام کار یا ابراز امیدواری نسبت به آن اجتناب می‌کند و به شرح معایب و موانع و مشکلات کار می‌پردازد. نگرش

نازیسم

Nazism

واژه نازی، سرنام یا کلمه اختصاری حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان است. نازیسم به عنوان نهضت تجدید عظمت آلمان، معجونی است از فاشیسم ایتالیا، عقاید ناسیونالیستی سابق آلمان، نظریه برتری نژاد ژرمن به عنوان نژادی که باید بر دیگر نژادها برای ایجاد نظم نوین جهانی، حکومت کند و رسوم میلیتاریسم پروسی. نازیسم آلمان، ناسیونالیست نبود زیرا طرفدار تفوق یک نژاد بود و نه یک ملت، و سوسیالیست هم نبود چون صنایع و وسایل تولید را ملی نکرد. حکومت نازیها مبتنی بر خودکامگی و استفاده از تبلیغات شدید و اعمال زور بود و خط مشی توسعه طلبانه هیتلر، سرانجام باعث وقوع جنگ دوم جهانی شد. نازیسم، آیین قهرمان پرستی و پرستش جنگ و قدرت است و روابط انسانی را تابع قانون تنازع بقا و بقای اصلح (جانوران) می داند و ملت را به منزله تن واحدی می شمارد که برای بقای خود، با ملتهای دیگر در جنگ است.

خارج نزدیک

Near Abroad

جمهوریهای استقلال یافته شوروی سابق. این واژه در سال ۱۹۹۳ ساخته شد و بیانگر رابطه روسیه با جمهوریهای سابق (اتحاد شوروی) یا خارج نزدیک است: سیاست خارجی نسبتاً ملایم روسیه در برابر دولتهای غربی و موضع سخت تر در مقابل جمهوریهای سابق.

ضرورت

Necessity

نیاز و سختی و شدتی است که نمی توان از آن گذشت یا وضع و حالتی که به موجب آن، نقض تعهدات قانون بین المللی برای بقای کشور، مجاز تصور می شود. در حقوق بین الملل، ضرورت با حفظ موجودیت مفهوم مشابهی دارد و ریشه آن را باید در نظریات ماکیاوول جستجو کرد. به نظر ماکیاوول، وقتی امنیت کشوری در حال اشتعال باشد، باید تمام ملاحظات دیگر را رها نمود و اقدامی اتخاذ کرد که استقلال کشور حفظ شود. ضرورت با دفاع مشروع فرق دارد، زیرا ضرورت برخلاف دفاع مشروع که در مقابل حمله مسلحانه مجاز است، هر زمان که حفظ امنیت کشور ایجاب کند، قابل تمسک است. فرق ضرورت و حفظ موجودیت در این است که در ضرورت برای توسل به زور و تهدید به زور یک حالت اجبار احساس می شود. ضرورت به هر نحوی که باشد با مقررات منشور ملل متحد مغایر است، چنانکه تهدید ایالات متحده آمریکا در جریان بحران موشکی کوبا در زمان خود، خطر یک جنگ بزرگ را ایجاد کرد و چنین اقدامی با هدف اصلی سازمان ملل متحد مبنی بر جلوگیری از وقوع جنگ مغایرت داشته است.

نیچایفیسیم

Nechayevism

شیوه های توطئه گرانه و غیر اخلاقی در مبارزه انقلابی و آن گونه اصول نظام اجتماعی که در ادبیات سیاسی چپ به کمونیسم پادگانی یا سربازخانه ای معروف است. این واژه از نام سرگی گنادیویچ نیچایف (۱۸۸۲-۱۸۴۷) آنارشیست - تروریست انقلابی روسی گرفته شده که برای مبارزه با رژیم استبداد مطلق تزاری اقدام به ایجاد دو گروه متشکل از دانشجویان افراطی کرد. او دستور داده بود که یاران و پیروانش از تمام وسایل و روشها (حتی ضد اخلاقی) برای مبارزه استفاده کنند. نیچایف یکی از دانشجویان عضو گروه سری خود را نیز به گمان آنکه جاسوس پلیس تزاری است به قتل رساند.

ملت - کشور؛ دولت - ملت؛ دولت ملی؛ دولت تک ملتی؛ حکومت تک ملتی

دولت یا حکومتی که براساس وجود داشتن یک ملت یکپارچه و مشخص به وجود می آید. این واژه در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی با اضمحلال امپراتوریها مصطلح شد و به موجب آن، گروههای ساکنان کم و بیش همانند و یکجور (ملت) در سرحدات مشخص تشکیل دولت دادند. دولت ملی به مفهوم واقعی در قرن ۱۷ و پس از صلح وستفالی (۱۶۴۸) به وجود آمد. اهمیت قراردادهای وستفالی بیشتر از آن جهت است که برای اولین بار پس از جنگهای طولانی، واحدهای جغرافیائی مختلف اروپا از نظر داخلی و خارجی، عملاً و رسماً استقلال یافتند و بر طبق قراردادهای مزبور مساوی شناخته شدند. دولت - ملتها (کشورها) اگرچه مردم را در داخل مرزها متحد کرد، اما بین آنها (کشورها) دیواری حائل برپاساخت. بدین ترتیب، ناسیونالیسم یا جانبداری از منافع کشور خود در قبال منافع سایر کشورها، به یکی از عوامل ایجاد جنگ بین ملتها تبدیل گردید.

کسب تابعیت؛ اعطای تابعیت

اخذ تابعیت یک کشور خارجی یا اعطای تابعیت به تبعه خارجی و ایجاد رابطه سیاسی یک فرد با دولت جدید و تفویض حقوق اتباع داخلی به تبعه جدید.

قانون طبیعت؛ قانون فطری

قانونی که آفریدگار جهان مقرر نموده و ناظر به خوبی و بدی، عدل، حقیقت، شرف، عفت و مانند اینها است. اجرای قانون طبیعی مشکل است. به نظر یکی از استادان علوم سیاسی به نام آندریو ریو Reeve تا وقتی که قانون طبیعی به اراده آفریدگار جهان مربوط باشد، مجازاتهای آن می تواند به دنیای دیگر موکول شود.

حق طبیعی؛ حق فطری

حقی که به گمان پیروان نظریه حقوق طبیعی، به حکم قانون طبیعت به هر فرد انسانی تعلق دارد و نمی توان او را از آن محروم کرد، مثل حق حیات و حق آزادی. ریشه قواعد حقوق طبیعی در یک اصل خلاصه می شود و آن اصل نفی محرومیتهای انسانی است. این نوع حقوق را به اعتبار اینکه از فطرت انسان جدایی ناپذیر است، حقوق فطری خوانده اند و به اعتبار اینکه عادی ترین حقوق است آن را حقوق طبیعی نامیده اند. حق طبیعی، حقی جامد و ثابت نیست، بلکه به مقتضای زمان گسترش می یابد و دگرگون می شود. حق طبیعی مبنی بر این اساس است که شخصیت بشر و احترام او حفظ شود و جان و آزادی و شرف او در معرض خطر قرار نگیرد، دارای چنان وسایل مادی باشد که بتواند زندگی خود را اداره نماید و وسایل یک زندگی شرافتمندانه مبتنی بر کار برایش فراهم گردد.

گواهی معافیت از بازرسی

گواهی نامه زمان جنگ که یک کشور متخاصم صادر می کند و به موجب آن به کشتی بیطرف اجازه می دهد تا به مقصد معین، از آبهای ممنوعه عبور کند.

National States**کشورهای ملی**

پس از انقلاب کبیر فرانسه و جنگهای ناپلئون که سرآغاز جنگهای ناسیونالیستی و ملی بود، کشورها، به کشورهای ملی معروف شدند.

National Strategy**استراتژی ملی**

۱- توسعه هماهنگ نیروهای سیاسی و فرهنگی و اعتقادی و اخلاقی و اقتصادی و نظامی ملت و کاربرد مجموعه این نیروها. ۲- علم و فن به کارگیری و استفاده از قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی کشور در زمان صلح و جنگ برای تحقق هدفهای ملی.

National Treatment (GAAT)**رفتار ملی (گات)**

اصل رفتار ملی همراه با شرط دولت کامله الوداد، از شالوده‌های گات (موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت) شمرده می‌شوند. طبق اصل رفتار ملی، دولت‌ها نباید مقررات یا محدودیت‌هایی شدیدتر از آنچه در مورد فرآورده‌های داخلی اعمال می‌کنند در مورد فرآورده‌های وارداتی اعمال نمایند.

National United Front**جبهه متحد ملی**

در ادبیات سیاسی چپ به جبهه‌ای از قشرها و طبقات مختلف جامعه اطلاق شده که رهبری آن با حزب کمونیست باشد و استخوان‌بندی و اساس آن را کارگران و دهقانان تشکیل دهند.

National Unity**وحدت ملی؛ اتحاد ملی**

اشتراک همه افراد ملت در آمال و مقاصد چنانکه به منزله مجموعه واحدی به شمار آیند. به عبارت دیگر، وحدت ملی به این معنی است که مردم استانیهای یک کشور دارای هر زبان، هر نژاد، هر مذهب و هر مسلک باشند، باید همیشه و در هر حال در امور اساسی، بویژه سیاست خارجی در برابر بیگانه، متحد بوده و وطن را حفظ نمایند. در اختلافات بزرگ یا کوچکی که دارند، بیگانه را دخالت ندهند و حل و فصل آنها را به خردمندان ملت خود واگذار کنند.

National Waters**آبهای ملی**

به آبهای داخلی و آبهای سرزمینی کشور اطلاق می‌شود.

National Wealth**ثروت ملی**

مجموع ارزش پولی تمام اموال و دارائیهای اقتصادی که در زمان مشخص در تصرف افراد یک ملت قرار دارد.

National Will**عزم ملی؛ اراده ملی**

آنچه بعد از تصور مقصود و هدف معین و پس از تأمل و سنجیدن دلایل موافق و مخالف آن هدف و مقصود، در سطح یک ملت یا کشور پذیرفته شود و مورد عمل قرار گیرد.

Nation of Shopkeepers**ملت دکاندار؛ ملت کاسب**

لقب اهانت‌آمیزی که ناپلئون در مورد ملت انگلیس به کار می‌برد و کنایه از تاجر‌مآبی آنهاست.

National Security**امنیت ملی**

مصونیت نسبی یا مطلق یک کشور از حمله مسلحانه یا خرابکارانه سیاسی یا اقتصادی احتمالی همراه با وارد کردن ضربه کاری و مرگبار در صورت مورد حمله قرار گرفتن. امنیت ملی بیانگر تمام مقاصد دفاعی کشور است، یعنی آمادگی برای مخاصمه به خاطر بازداشتن آن یا دوری گزیدن از آن. با اینهمه، خودسیاستهای مربوط به امنیت ملی ممکن است در شرایط بخصوصی (مثل مسابقه تسلیحاتی و کنترل تسلیحات) موجب ناآمنی گردد. روحیه نیروهای نظامی، تعداد و هوشمندی دانشمندان، تکنولوژی، ویژگیهای رهبران و شخصیت‌های سیاسی و نظامی، موقعیت ژئوپولیتیکی و قدرت اقتصادی کشور از جمله عوامل مؤثر در امنیت ملی است.

National Sentiment**عرق ملی؛ حس ملی**

احساس ناشی از میل و علاقه مردم به زندگی با یکدیگر، به تجلیل و ستایش خاطرات مشترک و به تلاش در راه هدفهای مشترک.

National Socialism**ناسیونال سوسیالیسم**

دکترین خودکامه، یکه تاز و جهانخواه آلمان که توسط هیتلر و یارانش از سال ۱۹۲۳ بسط یافت و تا پایان جنگ دوم جهانی به عنوان حزب و آیین قدرتمند نظام سیاسی آلمان شناخته می شد. حزب نازی، اصطلاح سوسیالیسم را به این منظور به کاربرد تا احزاب سوسیال دموکرات و کمونیست آلمان را درهم شکند. اصولاً فاشیسم آلمان ناسیونالیست نبود، چون طرفدار تفوق یک نژاد بود و نه یک ملت، سوسیالیست هم نبود چون مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را از بین نبرد و عدالت اجتماعی در آلمان برقرار نکرد. حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان (حزب نازی) اصطلاح سوسیالیسم را به این منظور به کاربرد که وانمود کند مدافع فقرا در مقابل اغنیاست. استفاده از واژه ناسیونال نیز القای این نظر بود که حزب نازی آدولف هیتلر می خواهد از آلمان در برابر دشمنان خارجی دفاع کند و سرافکنندگی ناشی از شکست بزرگی را که در جنگ جهانی اول نصیب آن کشور شده است جبران نماید.

National Sovereignty**حاکمیت ملی**

مفهوم اصلی حاکمیت ملی آن است که هیچ دستگاهی نمی تواند قدرت خود را ناشی از مرجعی غیر از ملت بداند و ملت، یعنی صاحب واقعی قدرت می تواند اجرای آن را به هر کس که بخواهد تفویض کند و هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه‌ای از طبقات مردم نمی تواند حکومت کنند مگر به نمایندگی از طرف ملت. حق حاکمیت ملی یعنی اینکه هر دولتی در قلمرو سیاسی و در محدوده منافع خویش کاملاً خودمختار است و به هیچ مرجع بالاتری جوابگو نیست. مع هذا، اینک حق حاکمیت ملی و حق دولتها از جهت اینکه در قلمرو سیاسی و محدوده منافعشان یکه تاز باشند و با مردمشان هر طور که خواستند رفتار کنند، تا اندازه‌ای متزلزل شده است. چنانکه دولت دیکتاتوری ملامحمد عمر در افغانستان در سال ۲۰۰۲ توسط سایر کشورها و با حمایت سازمان ملل متحد برچیده شد.

حداقل سطح زندگی در سطح ملی**National Minimum Level of Living**

حداقل شرایط رفاه که با وسایل گوناگون، مثل بیمه اجتماعی و مدد معاش از طرف دولت برای افراد ملت در نظر گرفته می‌شود.

اهداف ملی**National Objectives**

هدف ملی تصویری از امور آینده و مجموعه شرایطی است که کشور حاضر است در راه به دست آوردن آنها بکوشد. عوامل زیر، طبقه‌بندی و به ضابطه درآوردن هدفهای کشور را دشوار می‌کند: اختلاف قدرت کشورها، وجود رهبران مختلف در کشورها، وجود گروه‌های ذینفوذ مختلف در کشورها، تأثیر اوضاع و احوال بین‌المللی در تعیین هدفهای ملی و اینکه کشورها از نظر تاریخی هدفهای متفاوتی را تعقیب می‌کنند. بنابراین، در صحنه بین‌المللی باید منافع ملی هرکشور را جداگانه با توجه به عوامل قدرت، پیشرفت اقتصادی، موقعیت جغرافیائی، اوضاع و احوال داخلی و نوع حکومت و نظام اجتماعی آن تحلیل کرد.

مکتب اصالت خصوصیات ملی**National Particularism**

مکتبی که به موجب آن، هرملت دارای یک سلسله خصوصیات از قبیل زبان، تاریخ، نژاد، دین، آداب و رسوم اجتماعی و اقتصادی است که این خصوصیات، حقوق و سازمانهای قضایی و سیاسی را به وجود می‌آورد.

وجه ملی**National Popularity**

میزان محبوبیت عمومی و نفوذ و اعتبار شخص در میان مردم یک کشور.

قدرت ملی؛ اقتدار ملی**National Power**

مجموعه نیروهای مادی و معنوی یک ملت. قدرت ملی ناشی از شکوفائی اقتصادی، سیاست مستقل، نیروی مبارز، آرمان والا، مردمسالاری، حس ملی و عزم ملی است.

نقش ملی**National Role**

نقشهای ملی بیانگر وظایف و کارکردهایی است که دولتها در زمینه‌های گوناگون بین‌المللی خود را متعهد به انجام آنها می‌دانند. به بیان دیگر، سمتگیری سیاست خارجی و نقش ملی مبین آن است که یک ملت و حکومتش در یک وضعیت خاص و دوره‌زمانی معین چگونه خود را با جهان خارج مربوط می‌سازد و چه هدفهای عام و خاصی را در جهان تعقیب می‌کند. مفهوم نقش ملی را همچنین می‌توان تعریفی دانست که سیاست‌گزاران از انواع رایج تصمیمات، تعهدات، قواعد و اقدامات مناسب برای دولت خویش و وظایفی که دولیشان باید در شرایط گوناگون جغرافیایی و سیاسی انجام دهد، به عمل می‌آورند. سه مورد برجسته از نقشهای ملی عبارتند از: نقش حافظ و مدافع منطقه (یعنی نقش پاسداری از دولتهای دیگر در یک منطقه معین) و نقش میانجی (یعنی نقش کمک به حل اختلافات بین‌المللی) و نقش سنگر انقلاب یا آزادی (یعنی نقش برخی دولتها که معتقدند وظیفه سازماندهی یا رهبری انواع جنبشهای انقلابی در خارج را بر عهده دارند).

دهد. اگر چه در پایان قرن نوزدهم عده‌ای معتقد شده بودند که ناسیونالیسم رو به افول می‌گذارد، ولی اینک نیز نیروی سیاسی قدرتمندی به‌شمار می‌رود.

Nationality

تابعیت؛ ملیت

۱- رابطه سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد. رابطه بین شخص و دولت، سیاسی است زیرا ناشی از قدرت و حاکمیت دولتی است که شخصی را از خودش می‌داند. این رابطه، معنوی است زیرا مربوط به مکانی نیست که شخص در آنجا سکونت دارد. ۲- رابطه حقوقی و سیاسی بین افراد ملت و دولت حاکمه، به طوری که حقوق و تکالیف اصلی افراد از همین رابطه ناشی می‌شود. شخص چون تابعیت دولتی را قبول کرد دارای حقوق و مزایایی می‌شود و نیز ملزم به اطاعت از قوانین و رعایت مقررات آن دولت می‌گردد. با اینکه کسب و یا از دست دادن تابعیت، بستگی به قانون داخلی هر کشور دارد، در قوانین داخلی کشورها به طور کلی چهار طریقه مختلف برای کسب تابعیت مشاهده می‌شود: تولد، پذیرفتن تابعیت، کسب مجدد تابعیت و تغییر وضع سیاسی سرزمین. موارد از دست دادن تابعیت به قرار زیر است: ترک تابعیت، سلب تابعیت، انقضای تابعیت و تغییر تابعیت. ۳- احساسی است از نوعی اتحاد و توافق و پیوستگی میان گروهی از افراد بشر که موجب مشخص شدن آنان از سایرین می‌شود. این اتحاد، مولود عواملی نظیر فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم و منافع مشترک است.

Nationality Problem

مسأله ملی

مسأله آزادی یک ملت تحت ستم و شرایطی که در آن بتواند آزادانه به شکوفایی و تکامل خود دست یابد.

Nationalization

ملی‌کردن؛ ملی‌سازی

الغای مالکیت اشخاص و شرکتهای خصوصی داخلی و خارجی از مؤسسات و دارائیهها و وسایلی است که این اشخاص و شرکتهای برای سودجویی مورد استفاده قرار می‌دهند و تبدیل آنها به مؤسسات و دارائیهها و وسایلی که در تصرف و مالکیت دولت است. ملی کردن ممکن است به صورت مصادره باشد و یا به صورت جبرانی، یعنی با پرداخت پول یا اوراق قرضه دولتی. در سالهای اخیر، در خیلی از کشورها تصمیمات مربوط به ملی کردن لغو شده و خصوصی سازی رواج یافته است.

National Liberation Movement

جنبش آزاد بپخش ملی

نهضتهایی که پس از پایان جنگ دوم جهانی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و وابسته در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین با هدف کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و براندازی سلطه و نفوذ استعمار و امپریالیسم اوج گرفت.

National Loan

قرضه ملی

نوعی قرضه عمومی که دولت از اتباع خود می‌خواهد و نفعی در مقابل نمی‌دهد و ممکن است اصل وام را نیز رد نکند.

National Ideals**آرمانهای ملی**

مجموعه ارزشهایی که مردم یک کشور خواستار دستیابی به آنها هستند.

National Income**درآمد ملی**

مجموع تولید کالاها و خدمات در یک کشور ظرف مدت یک سال.

National Integration**تلفیق ملی؛ همگونسازی ملی؛ همبستگی ملی؛ یکپارچگی ملی**

مجموع ساختن اجزای جامعه (گروههای کوچک و خاص محلی، قومی، زبانی و مذهبی کشور) در یک کل همبسته تر، و یا جوامع کوچک بسیار را به صورت یک جامعه بزرگ (ملت واحد) درآوردن. برای ایجاد همبستگی ملی راههای متعددی وجود دارد که از جمله می توان به: ۱- کوشش برای مقابله با دشمن خارجی ۲- روش رهبران سیاسی برای کنار گذاشتن اختلافات و به پیش راندن مردم ۳- اصلاح نهادهایی مثل نیروی نظامی، دستگاه اداری، آموزش و پرورش، ارتباطات، احزاب سیاسی، دستگاه مقننه ۴- ایدئولوژی ملی که هم بتواند هدفها را تعیین کند و هم روش رسیدن به آنها را نشان دهد ۵- توسعه فرصتها و امکانات برای فعالیتهای مفید و رشد اقتصادی اشاره کرد. این واژه مترادف وحدت و اتحاد ملی است.

National Integrity**تمامیت ملی**

وحدت، اتحاد، انسجام و یکپارچگی اجزای مختلف و گوناگون جامعه.

National Interests**منافع ملی**

اشاره است به هدفهای اولیه و همیشگی که مردم و دولت در صدد حفظ و تحصیل آنها در صحنه بین المللی هستند. این هدفهای همیشگی عبارتند از: حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم، حفظ نظام اجتماعی و حاکمیت کشور. اندیشه نفع ملی به عنوان مفهوم مخالف نفع شهریار، با پیدایش حس ملی تکوین یافت و با تکامل تشکیلات دموکراتیک نضج و قوام گرفت.

Nationalism**ناسیونالیسم؛ ملت گرایی؛ ملی گرایی؛ استقلال طلبی**

۱- نوعی آگاهی جمعی مبنی بر متعلق دانستن خویش به یک ملت که آگاهی ملی خوانده می شود.
۲- وابسته بودن افراد به یک کشور از لحاظ ویژگیهای مشترکی مثل زبان، نژاد، دین و قومیت یا جریان فکری و مرامی گرایش به تعالی بخشیدن به ملت و گذشته ها، کیفیات، حالات، هدفها و خواستهای آن.
۳- به طور کلی، این واژه گاهی به نهضتی که از آزادی و استقلال یک ملت در برابر تجاوز خارجی حمایت می کند و گاهی به اعتقاد تافته جدا بافته بودن یک ملت و در شکل افراطی، به اعتقاد به برتری یک ملت نسبت به ملت های دیگر اطلاق می شود. در زبان فرانسه از اواخر قرن نوزدهم به مجموع تجلیات حس ملی، یعنی میل به تأیید منافع یک ملت در برابر گروه های دیگر، عقیده بر اینکه ملتی وظیفه و رسالتی را در دنیا دارد، تمایل به افزون نمودن قدرت و سعادت و ثروت دولت، مباحثات در تعلق به این دولت، احساس برتری مادی و معنوی و تمایل به نشان دادن این برتری یا تحمیل آن، واژه ناسیونالیسم اطلاق گردید. ناسیونالیسم در سایه رژیم های استبدادی ممکن است بیش از توجه به رشد و توسعه در داخل، کشور را به سمت توسعه طلبی در خارج سوق

National Culture**فرهنگ ملی**

مجموعه‌ای از باورها، آئینها، آداب و رسوم، زبان، تاریخ، دین، هنرها، شیوه‌های زندگی و همه شباهتهای موجود در وجوه گوناگون زندگی یک ملت.

National Day**روز ملی**

عنوان روز مهمی در تاریخ سیاسی - اجتماعی کشورها که معمولاً روز کسب استقلال یا روز انقلاب یا روز تغییر رژیم و جزاینهاست.

National Defense**دفاع ملی**

بررسی وسیله‌ها و راههای دفاع از استقلال و منافع ملی.

National Democracy**دموکراسی ملی**

این واژه در دهه ۱۹۶۰ رایج شد و بیانگر رژیمی است که از طریق یک جبهه دموکراتیک ملی برقرار گردد و مشخصات آن عدم بستگی به بلوک غرب، نداشتن علقه اقتصادی به امپریالیسم و آزاد بودن حزب کمونیست در کشور باشد. استقرار رژیم دموکراسی ملی در مواد، برنامه‌ها و قطعنامه‌های برخی احزاب کمونیست، مثل برمه (میانمار)، هند و اندونزی نیز مطرح بوده است.

National Democratic Front**جبهه دموکراتیک ملی**

اتحاد نیروهای دموکراتیک و پیشرو (مرکب از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران، همراه با بورژوازی ملی کوچک و متوسط) در یک کشور در حال توسعه، برای برقراری رژیم دموکراسی ملی و سوق دادن آن به سوی راه رشد غیر سرمایه‌داری.

National Development**توسعه ملی**

بالا رفتن ظرفیت مادی و معنوی نظام ملی و رسیدن به سطوح جدید پیچیدگی، نظم و نوآوری. از نظر اقتصادی، توسعه ملی مستلزم افزایش ظرفیت تولید و بالا رفتن رفاه اجتماعی و ایجاد عدالت اجتماعی است. از نظر سیاسی، توسعه ملی مستلزم حل تضاد منافع فردی و جمعی است. از نظر فرهنگی، توسعه ملی مستلزم گذار از فرهنگ بسته سنتی به فرهنگ باز عقلایی است.

National Front**جبهه ملی**

جبهه‌ای از احزاب و سازمانهای ناسیونالیست (ملی‌گرا) و دست راستی که معمولاً برای رقابت و مبارزه با احزاب و سازمانهای دست چپی تشکیل می‌شود.

National Hymn (Anthem, Song)**سرود ملی**

۱- سرود رسمی یک کشور که حاکی از روحیه، تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم آن کشور است. سرود رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران: "سرزد از افق مهر خاوران. فروغ دیده‌ی حق باوران. بهمن، فرایمان ماست. پیامت ای امام. استقلال، آزادی نقش جان ماست. شهیدان، پیچیده در گوش زمان فریادتان. پاینده مانی و جاودان. جمهوری اسلامی ایران." ۲- آهنگی میهن پرستانه یا آرمانی که در مواقع رسمی به عنوان علامت احترام به کشوری نواخته می‌شود.

تبعه؛ ملی

National

۱- این واژه اساساً یک مفهوم حقوق بین‌المللی است و به فردی اطلاق می‌شود که تابعیت دولت معینی را داشته‌باشد. تبعه همچنین مترادف شهروند است. ۲- صفت ملت، به معنی دسته‌ای از افراد بشر که دارای برخی اوصاف مشترکند. ۳- وابسته و مرتبط به یک دولت؛ پرچم ملی.

مجلس ملی

National Assembly

مجلسی که معرف و نماینده تمام ملت باشد.

ناسیونال بلشویسم

National Bolshevism

دکترین کارل رادک که در سال ۱۹۱۹ در آلمان مطرح شد. رادک تلاش کرد تا از طریق تطبیق دو دیدگاه ناسازگار بلشویسم و ناسیونالیسم و برای مقاومت در برابر روسیه بلشویک و اتفاق غرب، مقدمات یک انقلاب اصیل آلمانی را فراهم کند. اما کوششهای او با ظهور ناسیونال سوسیالیسم (و علی‌رغم مشابهتهایی که با آن داشت) به نتیجه نرسید.

بورژوازی ملی

National Bourgeoisie

این واژه در مورد طبقه‌ای به کار می‌رود که از یک سو متکی به تولید داخلی است و از این رو منافعی با انحصارات بیگانه اغلب در تضاد است و از سوی دیگر، رو در روی توده‌های مردم قرار دارد که خواهان تغییرات اساسی در شرایط زندگی خود و دستیابی به‌رهایی واقعی هستند. منافع حیاتی بورژوازی ملی متضمن بهره‌کشی از منابع طبیعی و انسانی کشور خود و ایجاد روابط برابر حقوق در اقتصاد سرمایه‌داری است و از این رو خواهان کسب مواضع اصلی اقتصادی است که در دست انحصارات خارجی قرار دارد. بورژوازی ملی در عین حال نمی‌خواهد با این انحصارات کاملاً قطع رابطه کند چراکه می‌کوشد از مزایای اقتصادی و سیاسی و همکاری با آنها سودجوید. بورژوازی ملی همچنین مخالف مداخله نامحدود دولت در امور اقتصادی است، زیرا به گمان او موجب نابودی روحیه سودآوری و خلاقیت می‌شود.

روحیه ملی؛ خصلت ملی

National Character

۱- درجه‌ای از تصمیم افراد یک جامعه که از طریق آن، سیاست خارجی دولت خود را در زمان صلح یا جنگ پشتیبانی می‌کند یا تمایل و رضایتی که در ضمیر عده زیادی از افراد کشور پیدا می‌شود تا منافع کشور را برتر از منافع و مصالح شخصی خود بشمارند. ۲- ویژگی‌های نسبتاً بادوام شخصیت و صفات فرهنگی و نهادی خاص یک جامعه.

کمونیسم ملی

National Communism

این واژه در مورد آن دسته از احزاب و کشورهای کمونیستی به کار رفته است که بر حق خودمختاری ملی و استقلال کامل از اتحاد شوروی سابق و سایر قطبهای کمونیستی تأکید کرده‌اند. کمونیسم ملی نخستین بار در سال ۱۹۴۸ در مورد یوگوسلاوی (بعد از قطع رابطه تیتو و استالین) به کار رفت و سپس در خصوص سایر احزاب و کشورهای کمونیستی که چنین گرایشی داشتند، مورد استفاده قرار گرفت.

پناهندگان" وابسته به جامعه ملل، برای افرادی که به دلایل مختلف بی وطن شده بودند، از سوی دولتی که پناهنده در سرزمین او سکونت داشت، صادر می‌شد. مبتکر این نوع گذرنامه، فرید ژوف نانسن نروژی، کمیسر عالی برای پناهندگان بود.

Narcodollars

دلارهای موادمخدر

دلارهای به دست آمده از طریق ردوبدل غیرقانونی موادمخدر. در زمان حکومت رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا، مسئولان بلندپایه دولتی، دلارهای موادمخدر را خرج کمک مالی و تحویل اسلحه به کنتراها علیه دولت نیکاراگوئه می‌کردند. گفته شده که این مقامات بلندپایه، در حکومت جرج بوش (پسر) رئیس جمهوری آمریکا، پستهای کلیدی را اشغال کردند.

Narodism (Narodnism)

نارودیسیم؛ خلق‌گرایی

ایدئولوژی دموکراسی خرده بورژوایی دهقانی در نهضت انقلابی روسیه که از واژه روسی نارود به معنی خلق گرفته شده است. بنیان این جریان، هرترن و چرنیشفسکی (در اواخر قرن نوزدهم) بودند. آنها امکان گذار مستقیم جامعه دهقانی را به جامعه کمونیستی مطرح می‌کردند. این جریان بعدها گامی به عقب گذاشت و برآن شد که مبارزه در راه آزادیهای سیاسی تنها به نفع بورژوازی است. نارودیسیم جنبه مترقی سرمایه‌داری را نسبت به فئودالیسم انکار می‌کردند. آنها در گفتار از اهمیت نقش توده‌ها در مبارزه دم می‌زدند، اما در عمل این نقش و جهت حرکت تاریخ را به فعالیت اقلیت روشنفکران، محدود می‌نمودند.

Nasserism

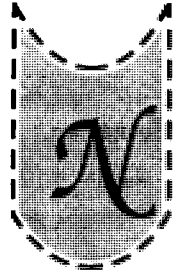
ناصریسم

تفکر مبتنی بر منافع ملی کشورهای عربی و وحدت ملت عرب که از نام جمال عبدالناصر (۱۹۷۰-۱۹۱۸) رهبر مصر گرفته شده است. شعارهای انقلابی و ملی او به طور خلاصه شامل اصول زیر است: نابودی استعمار و امپریالیسم و دست نشانندگان آن در میان خائنان مصری، نابودی فئودالیسم، پایان دادن به سرمایه‌انحصاری و سلطه سرمایه بر حکومت، برقراری عدالت اجتماعی، ایجاد ارتش نیرومند ملی، ایجاد محیط آزاد و سالم برای زندگی، مبارزه با سیاست تهاجمی اسرائیل و حمایت از فلسطینیها، همبستگی مسلمانان و اعتقاد به نهضت عدم تعهد. در جهان عرب و خارج از مصر، هدف ناصریسم آن بود که در کشورهای مرتجع عرب، نهضتهای ملی بتوانند با الهام از جمال عبدالناصر، خود را از سلطه سیاسی یا اقتصادی استعمارگران و بیگانگان آزاد کنند و وحدت ملت عرب را از آتلانتیک تا خلیج فارس برقرار سازند.

Nation

ملت

۱- جامعه‌ای متجانس با سوابق تاریخی کم و بیش یکسان و منافع تقریباً واحد و زبان مشترک. ۲- گروه بزرگی از افراد بشر که مظهر اشتراک پایدار زندگی اقتصادی، سرزمین، زبان ادبی، خصوصیات و خلیقات و سنن و آداب و سوابق تاریخی کم و بیش یکسان است. ملت به مفهوم امروزی با رشد بورژوازی پدید آمد. قبل از پیدایش ملت، شکلهای تاریخی دیگر اشتراک افراد، مثل طایفه و قبیله و قوم وجود داشته است.



Nakis (Perfidious)

ناکت

واژه عربی به مفهوم پیمان شکن و خیانتکار. در فرهنگ اسلامی منظور از ناکثین، یاران خودخواه و نیمه راهند که از پشت خنجر می زنند و در مسیر حرکت نهضت سنگ می اندازند و آنگاه که نهضت با دشمن خارجی درگیر است و خطر قاسطین آن را تهدید می کند، اختلاف داخلی به وجود می آورند و جبهه فرعی می گشایند.

Namby-Pamby

آدم بی بو و بی خاصیت؛ سوسول؛ بچه ننه

اشاره به افراد سست عنصر، ضعیف الاراده، تر و تمیز، احساساتی، ناز پرورده و قشنگ بی روح، که در مورد سر و وضع، رفتار و شیوه تغذیه و خورد و خوراکشان وسواس بخصوصی دارند.

Name Calling

اسم گذاری؛ برچسب زدن

یکی از شیوه های تبلیغاتی برای بدنام کردن افراد است، مثل اینکه به مخالفان، نسبت فاشیست یا نژادپرست داده شود.

Nanny State

دولت دایه وار

لقب توهین آمیز برای دولت رفاه عمومی یا دولت بهبودبخش که در آن، مؤسسات دولتی مانند دایه یا لاله، زندگی مردم را کنترل می کنند.

Nanotechnology

نانو تکنولوژی

این واژه بیانگر انقلاب صنعتی تازه و عبارت است از کوچک کردن حجم و اندازه صنایع به میزان چند صد برابر. از جمله فرآورده های نانو تکنولوژی، باتریهایی است که در مدت چند ثانیه شارژ می شوند یا لوله هایی است که از موی انسان نازکتر و از فولاد مقاوم ترند.

Nansen Passport

گذرنامه ناسن

ورقه هویت یا گذرنامه ای که پس از جنگ جهانی اول با موافقت "کمسیون عالی برای

هستند، در بهره‌وری از ثروت شیوه‌های خودکامانه‌ای اعمال می‌کنند و هیچ حد و قانونی مقیدشان نمی‌سازد.

Mutual Assured Destruction (MAD)

نابودی حتمی متقابل

میزان صدمه‌ای که دو ابر قدرت می‌توانند در یک برخورد اتمی به یکدیگر وارد آورند، به حدی بالا است که آنها را از دست زدن به جنگ باز می‌دارد. این حد بالا را سطح غیر قابل قبول نابودی می‌نامند، به این معنی که هیچ یک قبول نمی‌کنند چنین نابودی قطعی را برای خود بخرند.

Mutualism

تعاون و همکاری متقابل؛ آیین همیاری

نظام تعاون و همکاری و همزیستی بین اشخاص یا گروه‌های مختلف و ناهمانند که به وسیله پیروزوف پرودون (۱۸۶۵-۱۸۰۹) یکی از صاحب‌نظران آنارشیسم بیان شد. او که در آثار اولیه خود نظام سرمایه‌داری را مورد حمله قرار می‌داد، بعدها به اصلاح آن عقیده پیدا کرد. دکتترین تعاون و همکاری متقابل پرودون مبتنی است بر تلفیق دو اندیشه مالکیت خصوصی و مالکیت جمعی.

Myth

اسطوره

کوششی آگاهانه برای توجیه جهان، رویدادی تاریخی که به صورت تمثیل و استعاره نمود یافته، بیان ناآگاهانه خواستها و خواهشهای نفسانی و درونی، هر باور ساختگی که دارای اهمیت نمادی در زندگی عاطفی معتقد به آن باور است یا افسانه‌ای که اصل و ریشه آن معلوم نباشد ولی مبین نیازی خاص و بازتاب آرزویی جهت یافته باشد. اسطوره سابقاً تجسمی از دنیا و مقام انسان را در درون آن منعکس می‌نمود. اکنون اساس اسطوره را نه تخیل یا دیدگاهی ساده در برابر دنیا، بلکه بینشی عقلانی برای وصول به یک هدف معین تشکیل می‌دهد. چنانکه ایدئولوژیهای سیاسی دارای اسطوره‌های فراوانی‌اند. ارتقاء شخصیت‌های سیاسی و نهادهای ملی و تبدیل آنها به عناصر ناب و متعالی در حرکت و بسیج مردم تأثیر زیادی دارد. جرج سورل (۱۹۲۲-۱۸۴۷) فیلسوف فرانسوی در سال ۱۹۰۸ در کتاب تفکرات درباره خشونت نوشت: "اگر در سخن به تمرد و عصیان رسیدی و نزد خود اسطوره‌ای نداشتی که دل مردم را توسط آن برانگیزی، نمی‌توانی آنها را به انقلاب کردن وادار نمایی". به طور کلی، اسطوره‌ها متضمن توصیف افعال خدایان یا وقایع خلاف عادت است و نسبت به ملل مختلف، متنوع و گوناگون است و ملتها از آنها در آموزش دادن یا در رفع نگرانیها استفاده می‌کنند. عده‌ای اسطوره را محصول خرافات و اندیشه‌های غیر واقعی و عده‌ای آن را باعث بیان احساسات نسبت به جهان و حراست از ارزشهای اخلاقی و شعائر آن دانسته‌اند.

بریتانیا به بهانه کمک به حل مسأله آمیز، تجاوز هیتلر را تشویق می‌کرد. نویل چمبرلن با اعتقاد به اینکه اروپا در سرایش جنگ قرار دارد، خواستار برپایی یک کنفرانس شد. چمبرلن، دادلیه و موسولینی (نخست‌وزیران بریتانیا، فرانسه و ایتالیا) برای دیدن هیتلر به مونیخ رفتند. روسیه شوروی که متفق فرانسه و چکسلواکی بود برای این ملاقات دعوت نشد و چکسلواکی که باید درباره سرنوشتش تصمیم گرفته می‌شد و در عین حال متفق فرانسه بود، طرف مشورت هم قرار نگرفت. روز ۲۹ سپتامبر ۱۹۳۸ قرارداد مونیخ که شامل قبول درخواستهای هیتلر بود، از طرف دولتهای بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و آلمان به امضا رسید و به این ترتیب، نواحی وسیعی از چکسلواکی نصیب هیتلر شد. بریتانیا با شتابزدگی، موافقتنامه‌ای با ایتالیا به تصویب رساند که در آن، فتح اتریش برای ایتالیا رسمیت یافت و دست این کشور در اسپانیا بازگذاشته شد. در واقع، طرح پیمانی میان دولتهای بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا ریخته شد تا جبهه‌های مشترک علیه روسیه شوروی و نیروهای دموکراتیک در اسپانیا و جاهای دیگر به وجود آید. اکنون نام "مونیخ" مترادف سیاست کوتاه‌بینانه و سازش بیشترمانه است.

Municipal Law

قانون داخلی؛ حقوق داخلی

قانونی که در داخله کشور حاکم بر امور است و از این نظر، متمایز از قانون بین‌المللی است که بر روابط بین‌کشورها حکومت می‌کند.

Mustakber (Arrogant)

مستکبر

در فرهنگ اسلامی یعنی متکبر، گردنکش و کسی که از طریق حق خارج شده و مواهب طبیعی و الهی را به خدمت باطل گرفته است و از آن برای استضعاف دیگران و قدرتمندی خویش استفاده می‌کند. به بیان دیگر، هرکس که دیگران را تحت ستمهای مادی، فرهنگی و نظایر اینها قرار دهد، مستکبر خوانده می‌شود.

Mustazaf (Oppressed)

مستضعف

در فرهنگ اسلامی یعنی ضعیف شده یا کوچک شمرده و کسی که به طرق گوناگون، حقوقش مورد تجاوز قرار گرفته و امکان رشد استعدادها از او سلب گردیده است و قدرتی برای تعیین سرنوشت خود ندارد. به بیان دیگر، هرکس که تحت ستمهای مادی، فرهنگی و جزاینها قرار گرفته باشد، مستضعف خوانده می‌شود. در قرآن، به نقش ارتجاعی ملاء، مترفین و مستکبرین و نقش حق طلبانه مستضعفین اشاره شده است، و اینکه آن جهاد مستمر پیش برنده‌ای که از فجر تاریخ وجود داشته و دارد، ماهیت معنوی و انسانی دارد نه مادی و طبقاتی.

Mutatis Mutandis

با اعمال تغییرات لازم

واژه لاتینی که در ادارات سیاسی وزارت امور خارجه به کار می‌رود و مفهوم آن "تغییرات لازم در آن داده شده" است.

Mutraf (Rich)

مترف

کسی که دارای نعمت و ثروت فراوان است. در فرهنگ اسلامی مترفین به قدرتمندان اقتصادی گفته می‌شود که امکانات مادی و کارگران و کارمندان زیادی دارند که مجری اوامر و تابع مطاع آنها

فرعی، مجری نظریات اقتصادی و مدیریت متمرکز اصلی می‌باشند. شرکت‌های چندملیتی در حال حاضر به‌غولهای بزرگ اقتصادی و سیاسی تبدیل شده‌اند و چنان در کشورهای متعدد ریشه دوانده‌اند که تعیین ملیت و تعلق آنها به‌این و یا آن کشور، چندان آسان نیست. چند ملیتی‌ها که وابسته به سرمایه انحصاری جهانی‌اند در عین حال سعی می‌کنند تحت نظارت قدرت سیاسی هیچ کشوری نباشند. آنها به‌دلیل اینکه در پی سودهای کلان هستند، مصالح اقتصادی هر کشوری را به‌خاطر منافع خود زیر پا می‌گذارند و گاهی نیز برای به‌حکومت رساندن دستیاران خود، دست به‌توطئه و کودتا می‌زنند. بزرگترین مراکز شرکت‌های چندملیتی در آمریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه و ژاپن قرار دارند. به‌نظر عده‌ای، در حال حاضر استراتژی اصلی کشورهای سلطه‌گر که خود نیز آلت فعل شرکت‌های چندملیتی، کارتلها، تراستها و کنسرنهای بزرگند، گسترش سیاست خصوصی سازی در سطوح دنیاست. هدف آن است که با گسترش خصوصی سازی در کشورهای درحال توسعه و کم‌رشد و وارد کردنشان به‌سازمان جهانی تجارت، بازارها بدون هیچ مانعی در اختیار شرکت‌های چند ملیتی قرار گیرد.

Multiparty System

نظام چندحزبی

نظام سیاسی که در آن، تعداد زیادی از احزاب سیاسی مشترکاً برای به‌دست گرفتن حکومت اقدام می‌کنند و وقتی حزبی پیروز شد، می‌کوشد تا به‌کمک چند حزب دیگر و با رعایت نظر آنها، اکثریت لازم را کسب و نقشه‌های خود را عملی کند، مثل وضعی که در ایتالیا وجود دارد. نظام سیاسی با حزب مسلط نیز معمولاً در نظام‌های سیاسی چندحزبی پیش می‌آید که چندین حزب در کشور فعالیت می‌کنند اما اغلب این احزاب، کوچک و کم‌عضوند و در برابر این احزاب کوچک، یک حزب بزرگ وجود دارد که به‌تنهایی قادر است اکثریت نسبی آراء را در کشور کسب کند و زمام امور را به‌دست گیرد، مثل وضع حزب کنگره در هند.

Multipolar System

نظام چندقطبی

نظامی در صحنه بین‌المللی که دارای چندکشور یا واحد قدرتمند رقیب است، مثل اروپای غربی، ژاپن، چین، روسیه، ایالات متحده آمریکا، کشورهای غیرمتعهد. اگرچه آمریکا در چارچوب برداشت خود از "نظام جدید جهانی" و با استفاده از سکوت سایر قدرتهای بزرگ، زیر پوشش شعارهای عوام‌فریبانه صلح و دموکراسی، کشورهای دیگر را بمباران می‌کند یا مورد حمله موشکی قرار می‌دهد و یا به‌تصرف در می‌آورد، چشم انداز آینده جهان، پیش رفتن به‌سوی چند قطبی شدن است. چنانکه در دسامبر سال ۱۹۹۸ پریماکوف نخست‌وزیر روسیه، ضمن ملاقات با واجپایی نخست‌وزیر هند، پیشنهاد کرد که یک مثلث استراتژیک مرکب از روسیه و چین و هند برای کمک به صلح و امنیت در آسیا و سایر نقاط جهان تشکیل شود. این پیشنهاد به‌عنوان یک قطب سیاسی جدید در شرق برای مقابله با سیاستهای سلطه‌گرانه آمریکا ارزیابی شده است.

Munich Accord

قرارداد مونیخ؛ سازش مونیخ

در پی الحاق اتریش به‌آلمان در مارس ۱۹۳۸، هیتلر درخواست کرد که ناحیه سودت در چکسلواکی به‌آلمان ملحق شود. حکومت چکسلواکی با تمام توان خود کوشید تا مسأله اقلیت آلمانی زبان سودت را حل کند، اما هیتلر می‌خواست به‌حیات این حکومت دموکراتیک پایان دهد. سیاست

Multiculturalism**چند فرهنگ‌گرایی؛ سیاست چندفرهنگی؛ آیین تعدد فرهنگها**

این واژه بیانگر تلاشهایی است که در بسیاری از کشورها برای خاتمه دادن به اختلافات بین فرهنگ اکثریت و فرهنگهای متنوع و متمایز گروه‌های اقلیت صورت می‌گیرد. براساس سیاست چندفرهنگی، فرهنگهای گوناگون مثل نقش و نگارهای موزائیکی در کنار هم قرار می‌گیرند به نحوی که هیچ اقلیتی مجبور نیست عناصر فرهنگی خود را کنار گذارد یا از یاد ببرد.

Multilateral Agreement on Investments**موافقتنامه چند جانبه سرمایه‌گذاریها**

موافقتنامه سرمایه‌داران برای غصب بازارهای جهان که از ماه مه سال ۱۹۹۵ نمایندگان حدود ۳۰ کشور به سرکردگی ایالات متحده آمریکا، در فرانسه در حال تدوین آن هستند که براساس آن از جمله برآزادی نامحدود برای سرمایه و سرمایه‌گذاران تأکید شده و از هر یک از امضا کنندگان آن خواسته شده تا تمام بخشهای اقتصادی خود را برای مالکیت شرکت‌های خارجی باز بگذارند. همچنین پیش بینی شده که اگر یک سرمایه‌گذار در یکی از کشورهای عضو موافقتنامه تصمیم بگیرد که از حداقل دستمزد دولتی مزد کمتری به نیروی کار بپردازد، مسئولین آن کشور نباید هیچگونه اعتراضی علیه سرمایه‌گذار بکنند. عده‌ای، موافقتنامه چندجانبه سرمایه‌گذارها را به‌عنوان سندی علیه کارگران فردا ارزیابی کرده‌اند که علاوه بر استثمار نیروی کار، هویت فرهنگی مردم را نیز از بین می‌برد.

Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA)**آژانس چند جانبه تضمین سرمایه‌گذاری (میگا)**

میگا در سال ۱۹۸۸ به عنوان عضوی وابسته به بانک جهانی ایجاد شد و در سال ۱۹۹۰ آغاز به کار کرد و به عنوان یک سازمان بین‌المللی دولتی به شمار می‌آید که بیش از ۱۴۰ کشور به عضویت آن درآمده‌اند. هدف از تأسیس میگا، تشویق و گسترش جریان سرمایه از کشورهای عضو آن برای استفاده در زمینه‌های تولیدی در کشورهای در حال توسعه عضو، از طریق تضمین، تضمین مجدد یا همکاری در تضمین سرمایه‌گذاری در مقابل خطرات غیر تجاری است. مرکز آژانس در واشنگتن قرار دارد.

Multilateralism**چندجانبه‌گرایی؛ چندسویگرایی**

اعتقاد به خلع سلاح، بویژه خلع سلاح اتمی و اینکه زمانی تحقق می‌یابد که تمام کشورهای درگیر به این امر کمک کنند. این واژه همچنین در مورد تمام مسائل بین‌المللی به کار رفته که نیازمند مذاکراتی در مقیاس جهانی است: مثل گات (تجارت جهانی)، گرم شدن کره زمین، بستر دریاهای، نظام پولی، امنیت بین‌المللی و محیط زیست.

Multinational Corporation**شرکت چندملیتی**

شرکتی که به منظور گسترش فعالیت خود در سراسر جهان و سرمایه‌گذاری در قطبهای صنعتی کشورهای در حال توسعه و استفاده از امکانات این قبیل کشورها، در کشورهای مختلف و متعدد اقدام به تأسیس یک شرکت فرعی (یعنی شرکتی که قسمت اعظم سهامش متعلق به شرکت اصلی است) می‌کند. در شرکت‌های چندملیتی، شرکت مادر یا شرکت اصلی، تابعیت کشور محل ثبت خود را دارد و شرکت‌های فرعی هر کدام، تابعیت کشور محل ثبت خود را دارند، مثل کوکاکولا. شرکت‌های

تئودور روزولت رئیس جمهوری آمریکا در سال ۱۹۰۴ که شکل فعل این اصطلاح را به کار برد، مصطلح شد. ریاست جمهوری روزولت چه از لحاظ امور داخلی و چه از نظر روابط خارجی، آغاز یک دوره جدید در تاریخ سیاسی آمریکا بود. آمریکا در این دوره شاهد موفقیت‌هایی در طول عمر سه نسل بود. مع‌هذا مردم این کشور نسبت به اوضاع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خود به‌دیده اطمینان نگاه نمی‌کردند، زیرا در این دوره دستگاه‌های بزرگ اقتصادی بیش از پیش به تحکیم موقعیت خود موفق شده بودند. دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های شهری اغلب در دست سیاستمداران فاسد اداره می‌شد و به‌طور کلی ماده‌پرستی و مادیگری در تمام شئون زندگی اجتماع ریشه دوانده بود. علیه این مفساد بود که صدای اعتراض مردم بلند شد. نشریات در این باره قلمفرسایی کردند و نویسندگان در اطراف آن مضمونها ساختند و دیری نگذشت که این نهضت، رهبران سیاسی و از جمله روزولت را تحت تأثیر قرار داد. دوران فعالیت پیشروان افشاگری از سال ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۸ بود. مقالات تند و نیشداری علیه تراستها، دستگاه‌های مالی، شهرداری و مواد غذایی تقلبی و راه‌آهن و غیره انتشار می‌یافت. آپتون سینکلر که داستان‌نویسی را حربه مبارزه خود انتخاب کرده بود، داستانی به‌نام جنگل نوشت که در آن استعمار کارگران، به‌هرزگی کشیده شدن زنان، فقر و عدم رعایت بهداشت در کارگاه‌های تهیه مواد غذایی شیکاگو را به‌اطلاع همه رسانید و تجاوزات تراست بزرگی که تهیه گوشت کشور را بر عهده داشت بر ملا کرد. داستان‌های تئودور درزی‌ری به‌نام مأمور مالیاتی و تیتان از جمله آثاری بودند که مفساد دستگاه‌های بزرگ صنعتی را به‌طرزی که درخور فهم عامه بود مجسم می‌ساختند. کتاب روسیاهی شهرها اثر لینکلن استفنس فساد اجتماعی و سیاسی شهرنشینی را در برابر دیدگان قرارداد. تأثیر کوبنده آثار نویسندگان مبارز و مردمی، رهبران سیاسی را بر آن داشت که قدم‌های مثبتی بردارند و مقرراتی در سراسر کشور به‌مورد اجرا گذارند. مثلاً روزولت در اجرای قوانین ضد تراست، نظارت دولت را افزایش داد، همچنین استعمال هرگونه مواد شیمیایی برای حفظ مواد غذایی ممنوع شد، کلیه شرکت‌های تهیه‌کننده گوشت تحت نظارت و بازرسی کامل مأموران دولتی قرار گرفت و استفاده بی‌بندوبار از منابع طبیعی و مواد خام متوقف شد.

Mudslinging

لجن پراکنی؛ بدگویی

واژه عامیانه آمریکایی که مفهوم آن عبارت است از به‌کار بردن القاب و عناوین موهن برای شخصیت‌های سیاسی رقیب (در مباحثات و مبارزات سیاسی).

Muhadana (Conclusion of Truce)

مهاده

قرارداد صلح موقت که بین رئیس حکومت اسلامی یا نماینده قانونی او با اجانب - اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب که بین آنان و مسلمانان حالت جنگ برقرار بوده - بسته می‌شد و مدت آن نیز معین بود.

Multicameralism

نظام چندمجلسی

قوه قانونگذاری مبتنی بر داشتن بیش از دو مجلس که فوق‌العاده نادر است. اصولاً توسعه نظام‌های چندمجلسی، بازتابی از جوامع طبقاتی دوران گذشته بوده است. مثلاً زمانی در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی، روحانیون دارای یک مجلس، اشراف دارای مجلس دیگر و عوام نیز یک مجلس داشتند که به‌مجلس ثالث معروف بود.

مورد قرار داد، برای دولت ثالثی مزایا و تسهیلات بیشتری قائل شود، آن مزایا و تسهیلات خود به خود شامل دولت (ب) نیز بشود. این شرط بیشتر جنبه منطقه‌ای دارد تا عمومی، زیرا کشورهای که این شرط را قبول می‌کنند، معمولاً روابط سیاسی و اقتصادی وسیعی با یکدیگر دارند.

Motherland (Homeland)

میهن؛ وطن

۱- وطن به سرزمین یا کشوری اطلاق می‌شود که قرن‌ها مردمانی با هم در آن زندگی کرده، غم و شادی، نیک و بد، رنج و راحت آن را با هم دیده و آزموده‌اند و به صورت تاریخ، مهم‌ترین آن وقایع برایشان مجسم شده است. وطن، نزد عوام و در ادبیات قدیم به معنی محل تولد و سکونت بوده است.

۲- محیطی که انسان از لحاظ عواطف روحی و قومی بدان علاقه‌مند است یا در آن متولد شده و نشو و نما کرده و در غربت نیز در هوای آن است.

Motivation (Motive)

انگیزش؛ انگیزه؛ محرک

آنچه که کسی را به کاری برانگیزد یا نیروی محرک فعالیت انسان و عامل جهت دهنده آن. در نهضت‌های آزادیبخش، اولین و اساسی‌ترین احتیاج، برخوردار بودن از انگیزه یا دستاویز جذاب و مردم پسند است. بهترین انگیزه برای هدف و منظور نهضت آن است که بتواند حداکثر افراد را به طرفداری جلب نماید و حداقل مخالفین را به وجود آورد. بنابراین، در کشوری مثل ایالات متحده آمریکا اگر یک نهضت، مشکل سیاهپوستان را انگیزه و اساس کار قرار دهد، از همان آغاز محکوم به شکست است. اما همین انگیزه در جمهوری آفریقای جنوبی باعث پیروزی نهضت شد. انگیزه همچنین لازم است که با دوام باشد و نه زودگذر مثل ترقی قیمتها و کمبود مواد غذایی. ماهیت انگیزه ممکن است سیاسی، اقتصادی، مذهبی، نژادی و یا فرهنگی باشد. برای آنکه انگیزه بتواند به طور کامل توجه اقشار جامعه را جلب نماید (مثل انگیزه ضداستعمار و ضداستبداد) باید چنان باشد که حکومت نتواند آن را دستاویز قرار دهد و اگر خواست چنین کند به‌بهای از دست دادن قدرت خود او تمام شود. اصلاحات ارضی، انگیزه‌ای است که می‌تواند مورد استفاده حکومت قرار گیرد.

Movement

نهضت؛ جنبش؛ حرکت

حرکت یا رفتار گروهی نسبتاً منظم و با دوام برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی معین و براساس نقشه معین که ممکن است انقلابی و یا اصلاحی باشد.

Muckraker

افشاگر فساد؛ نویسنده فساد ستیز

کسی که آشکارا، خلاف و سوء اداره (واقعی یا صوری) افراد برجسته و یا فساد اجتماعی و سیاسی را نشان دهد. این واژه برای اشاره به روزنامه‌نگاران، نویسندگان و منتقدان آمریکایی به کار رفته که در دهه اول قرن بیستم کوشش کردند تا سوء استفاده در امور تجاری و فساد سیاسی را نشان دهند.

Muckraking

افشای فساد؛ افشاگری مفاسد اجتماعی

کشف و افشای فساد در امور عمومی یا شیوه‌ای برای رسوا کردن اشخاص، شرکت‌های بزرگ و صاحبان قدرت در موقع تخلف آنان از ارزشهای پذیرفته شده اجتماعی. این واژه به دنبال سخنرانی

است. در دانشگاه لیبرتی که اداره کننده آن کشیش جری فالول، پاپ نهضت اکثریت اخلاقی است، بسیاری از اتباع کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای دیگر به تحصیل رایگان اشتغال دارند به شرط آنکه پس از مراجعت به کشور خود به تبلیغ مرام دانشگاه بپردازند. اکثریت اخلاقی، طرفدار آمیختن فعالیتها و تبلیغات سیاسی با تبلیغات مذهبی است.

Moral Rearmament

تسلیح اخلاقی

شعار یک نهضت مسیحی بین‌المللی است که در سال ۱۹۳۸ توسط فرانک بوخمن (۱۸۷۸-۱۹۶۱) کشیش لوتری آمریکایی برای از نو برقرار ساختن نظم جهان طبق نقشه خداوند و تأکید بر ارزشهای اخلاقی نظیر شرافتمندی، معصومیت، عشق و غیرخواهی سازمان داده شد. این نهضت بعد از جنگ دوم جهانی به عنوان بخشی از یک جنگ صلیبی علیه کمونیسم و الحاد، دست به تشکیل انجمنهای جهانی زد و با فراماسونری نیز در ارتباط است. مرکز تسلیح اخلاقی در سویس قرار دارد. در سال ۱۹۵۲ برای نخستین بار هیأتی مرکب از ۵۲ نفر از اعضای تسلیح اخلاقی جهان که بوخمن نیز در میان آنها بود به ایران آمدند.

Morals

اصول اخلاقی؛ اخلاقیات

مجموعه موازین رفتار مجاز و غیرمجاز که معمولاً بر حسب زمان و مکان و نظام اجتماعی فرق می‌کند. برای آنکه رعایت موازین اخلاقی در جامعه به امر همگانی تبدیل شود باید محملهای عینی و ذهنی آن موجود باشد. تازمانی که استثمار، امتیاز و حرمان، فرماندهی و فرمانبری، ترس و فقر، جهل و بیسوادی در جامعه وجود داشته باشد، محملهای عینی هماهنگی عمل فرد و جامعه موجود نیست. محملهای ذهنی عبارتند از: شعور و آگاهی فرد برای درک درست وظایف انسانی خود، ذینفع بودن وی در عمل درست و ذینفع نبودنش در ضایع کردن حق هم‌نوع، وجود نیروی نگاهدارنده از خطا و گناه، آمادگی روحی. اصلاح نظام اخلاقی جامعه به کندی صورت می‌گیرد و تحول اخلاقی نیز از آن کندتر است.

Moral Turpitude

فساد اخلاق؛ عمل خلاف اخلاق حسنه

به اعمالی اطلاق می‌شود که خلاف عرف و عادت و مقبولات عموم مردم باشد و دامنه آن در هر جامعه‌ای متفاوت است و معمولاً شامل مواردی مثل اختلاس، رشوه‌دهی و رشوه‌گیری، بزهکاری، دزدی و اعمال منافی عفت می‌شود.

Moratorium

مهلت قانونی؛ تعلیق

۱- مهلتی که براساس قانون معین شده است و در آن مدت، انجام امر معین می‌تواند به تعویق افتد. ۲- دوره توقف عملیات عادی، مثل موراتوریم شوروی سابق مبنی بر متوقف ساختن یکجانبه همه انفجارات هسته‌ای از ششم اوت ۱۹۸۵ تا اول ژانویه ۱۹۸۶ (که در سال ۱۹۸۶ نیز ادامه یافت) به منظور پیوستن سایر کشورها و بویژه ایالات متحده آمریکا به آن.

Most-Favoured-Nation Clause

اصل ملت کاملاً الوداد؛ شرط دولت کاملاً الوداد؛ شرط عنایت برابر برای ملت کاملاً الوداد؛ شرطی است که به موجب آن، دولتی مثل دولت (آ) در ضمن قراردادی درباره اقامت و استقرار اتباع بیگانه یا تعرفه گمرکی، در برابر دولت دیگر مثل دولت (ب) تعهد می‌کند که اگر در موضوع

Moon Treaty

عهدنامه ماه

موافقتنامه چندجانبه و بیانگر اصول و قواعد حقوق بین الملل حاکم بر کره ماه و سایر اجسام آسمانی. این موافقتنامه که ناظر به فعالیتهای دولتها در مورد کره ماه و سایر کرات آسمانی است و به طور اختصار "عهدنامه ماه" نامیده می شود، در سال ۱۹۷۹ به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسید. طبق این عهدنامه، تمام فعالیتهای مربوط به ماه باید متناسب با حقوق بین الملل و به نفع صلح و نیز به نفع همه کشورها باشد. در عهدنامه ماه، این کره آسمانی میراث مشترک بشریت خوانده شده است.

Morale

روحیه

خلق و خوی فردی، سرشت درونی، تلقی و نحوه برخورد با محیط.

Morality

اخلاق

مفهوم مرتبط با شخصیت، خلق و خو، خصلت و عاداتها. اخلاق، رفتار انسان را در تمام جنبه های زندگی اجتماعی: کار، زندگی روزمره، سیاست، علم، خانواده، روابط شخصی، درون گروهی، درون طبقه ای و بین المللی تنظیم می کند.

Morality and Politics

اخلاق و سیاست

از دیرزمان، این سؤال مطرح شده است که آیا می توان اخلاق و سیاست را با هم سازگار ساخت و کاری کرد که آن کار، هم سودمند و هدف رس باشد و هم خوب و پسندیده. عده ای مثل ما کیاولیستها می گفتند که برای رسیدن به هدف نباید از به کار گرفتن هر نوع وسیله ای پروا داشت، زیرا در عمل، همراه کردن خوب و سودمند، یا محال و یا حداقل بسیار سخت است. عده ای هم می گفتند که اگر لازم رسیدن به هدف، دست زدن به روشهای خلاف وجدان و اخلاق و اسلوبهای ناپسند و نارواست، باید از آن هدفها چشم پوشید، زیرا عمل انسانی تنها در چارچوب قواعد اخلاقی مجاز است. به طور کلی، در راه تأمین منافع نوع بشر، نه تنها به کاربردن وسایل شریف ممکن است، بلکه ضرورت نیز دارد. اگر در این عرصه، وسایل ضد حقیقت و عدالت و اسلوبهای ضد انسانی و ضد اخلاقی به کار رود، باید دانست که به جای هدفهای درست اجتماعی، نیت و حسابگریهای نادرست فردی به میان آمده یا مبارزه اجتماعی در راه آزادی بشر با مبارزات فردی ذهنی و شخصی که بازتاب اخلاق سودگرایانه جوامع کهن می باشد، در آمیخته است و در نتیجه، نیل به هدف یا محال می شود و یا آن هدف مسخ می گردد. به نظر آیزایا برلین (۱۹۹۷-۱۹۰۹) متفکر انگلیسی: "سیاست، شعبه ای است از فلسفه اخلاق و این فلسفه از کشف یا به کار بستن مفاهیم اخلاقی در زمینه های سیاسی مایه می گیرد." در هر صورت، کنش متقابل اخلاق و سیاست در دوره های مختلف تاریخی و نظامهای اجتماعی متنوع است.

Moral Majority

اکثریت اخلاقی؛ اکثریت اخلاقوا

نام یک گروه فشار آمریکایی که در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد و بخش مهمی از "راست نو" را تشکیل می دهد. این گروه، موافق خواندن دعا در مدارس و مخالف سقط جنین و همجنس گرایی

Monopoly Capitalism**سرمایه‌داری انحصاری**

تمرکز سرمایه‌های بزرگ، از بین رفتن رقابت آزاد و طرد یا نابودی واحدهای کوچک صنعتی و تولیدی به وسیله واحدهای بزرگ، موجب تبدیل سرمایه‌داری توأم با رقابت آزاد به سرمایه‌داری انحصاری می‌شود که وجه مشخصه امپریالیسم است.

Monotheism**توحید؛ یکتاپرستی**

اعتقاد به احدیت خداوند که پایه و اساس همه ادیان الهی است. بنابراین، اسلام نیز بر اعتقاد به یگانگی خداوند استوار است. جهان بینی اسلامی، جهان بینی توحیدی است، یعنی جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر و جود و رحمت و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آنها قرار دارد. از نظر جهان بینی توحیدی اسلامی، جهان یک آفریده است و با عنایت و مشیت الهی نگهداری می‌شود و اگر لحظه‌ای عنایت الهی از جهان گرفته شود، نیست و نابود می‌گردد. اصل توحید می‌آموزد که انسان باید فقط در برابر ذات اقدس حق تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او، اطاعت خدا باشد. بنابراین، هیچ انسانی هم حق ندارد انسانهای دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور سازد یا برای آنها قانون وضع کند، زیرا قانون‌گذاری برای بشر فقط در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده و سعادت و کمال انسان و جوامع فقط در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیاء به بشر ابلاغ شده و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر انسانهاست.

Monroe Doctrine**دکترین مونرو**

جیمس مونرو (۱۸۳۱-۱۷۵۸) رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در دوم دسامبر ۱۸۲۳ به عنوان اقدامی در مقابل کمک احتمالی "اتحاد مقدس" به اسپانیا جهت تسلط مجدد بر مستعمرات آمریکایی خود، در کنگره نطقی ایراد کرد و در آن چند نکته را که شالوده دکترین معروف مونرو مبنی بر عدم دخالت اروپائیان در قاره آمریکا است، اعلام نمود. این نکات به طوری که مستقیماً از زبان مونرو نقل می‌شود عبارت بودند از: ۱- "قاره آمریکا با توجه به آزادی و استقلال که خود به دست آورده و از آن تا این زمان حفظ و حراست نموده است، دیگر نمی‌تواند میدانی برای استعمار آینده دولتهای اروپایی باشد. ۲- روش سیاسی کشورهای متفق اروپا با نظام سیاسی آمریکا مغایرت دارد... کشورهای آمریکا هرگونه اقدامی را که از طرف کشورهای اروپایی به منظور توسعه نظام سیاسی خود به هر یک از نقاط این نیمکره به عمل آید، برای آزادی و استقلال خود خطرناک می‌داند. ۳- ماکشورهای آمریکایی در امور داخلی هیچیک از مستعمرات کنونی کشورهای اروپایی در این قاره دخالتی نداشته و نخواهیم داشت. ۴- مادر هیچ یک از جنگهای اروپایی، بویژه در مسائلی که مربوط به خودشان است هرگز دخالتی نداشته و باروش مانیز سازگاری ندارد که دخالتی داشته باشیم". شعار آمریکا مال آمریکائیان است، بدین معنی که چپاول مستعمرات قاره آمریکا باید در انحصار ایالات متحده آمریکا و نه استعمارگران اروپایی باشد، شعار معروف مونرو است.

دلخواهش را صادر نماید. امکان دارد به‌طور ارثی تحت سلطنت را به‌دست آورده و یا آن را با زور تصاحب کرده باشد.

Monetarism

مکتب اصالت پول؛ پولمداری

اعتقاد به اینکه می‌توان به‌وسیله دستکاری در بخش پولی (مثل بالا و پایین بردن نرخ بهره، بخش اوراق قرضه بانک مرکزی، گسترش یا کاهش اعتبارات بانکی) بخش واقعی اقتصاد، یعنی مقدار تولید، سرمایه‌گذاری و جز آن را تحت تأثیر قرار داد. علمای این مکتب مثل ایروینگ فیشر و میلتون فریدمن معتقدند که می‌توان با بالا و پایین بردن عرضه پول در جامعه، بیکاری و تورم و سایر نابسامانیهای اقتصادی را علاج کرد.

Money Illusion

توهم پولی

تخمین یا برآورد خیالی پول، بدون اینکه به قدرت خرید توجه شود.

Money Laundering

پولشویی؛ تطهیر پول

فرایند یا تبدیل مبلغی پول که منشأ غیرقانونی دارد و از طریق قاچاق مواد مخدر و مشروبات الکلی، فعالیت‌های تروریستی، ارتشا و راه‌های نامشروع دیگر به دست آمده، به دارائی یا پولی که دارای وجهه قانونی است. مشکل تطهیر پول، زمانی به وجود می‌آید که این گونه پولها وارد اقتصاد و نهادهای مالی کشور می‌شوند. ظاهراً منشأ این اصطلاح به مالکیت مافیا بر شبکه‌ای از لباسشویی‌های ماشینی آمریکا در دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد. در آن سالها، گانگسترهایی مثل آل کاپون، پولهای کلانی را که از راه اخاذی و باجگیری، قمار، جنایت، فحشا و قاچاق مشروبات الکلی به چنگ آورده بودند، از طریق به کار انداختن در شبکه‌های رختشویخانه‌ای تطهیر می‌کردند تا منشأ پول به چنگ آمده گم شود و قابل ردیابی نباشد.

Monopolism

انحصارگرایی؛ انحصارطلبی

این واژه در معنی وسیع برای اشاره به هرگونه تجاوز از حدود قانونی و اخلاقی به کار می‌رود که حریم آزادی دیگران را مختل نماید و مزایا و امتیازاتی بیش از حد لازم به شخص یا گروه خاصی اختصاص دهد یا مانع شرکت دیگران در حکومت یا در امور اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی گردد. انحصارطلب نیز صفت کسی است که مایل است همه چیز را در نظام خاص خود قرار دهد و در آن راکد سازد.

Monopoly

انحصار

اختصاص تولید و توزیع محصولات به یک دولت یا یک شرکت یا یک فرد. انحصار وقتی به وجود می‌آید که یک شرکت، تمام رقبای خود را می‌خرد یا از میدان بدر می‌کند تا تنها شرکت تولیدکننده و فروشنده یک کالا باشد. وقتی چنین شرکتی در مقابل خود هیچگونه رقیبی ندید، می‌تواند برای کالاهای خود قیمت‌های گران بگذارد و کارگران خود را به دستمزد کم مجبور کند. مصرف‌کننده نیز چاره‌ای ندارد جز آنکه قیمت‌های گرانی را که شرکت انحصارگر تعیین کرده است، بپردازد.

مدرنیته را در تحرک آن می‌داند. به نظر او نباید از یک مدرنیته صحبت کرد، بلکه باید از مدرنیته‌های گوناگون سخن گفت: اولین مدرنیته در تاریخ فرهنگ غرب در اواخر قرون وسطی، یعنی زمان گسترش‌گذار به‌زندگی شهری، اقتصاد مالی و سایر شکل‌های مشروعیت قدرت و تحول فکر و عمل علمی بوجود آمد. دومین مدرنیته با گسترش حکومت عقلانی در قرن هیجدهم و تحت تأثیر حقوقدانان و فیلسوفان ایجاد شد. سومین مدرنیته با ظهور شیوه‌های تولید و ارزش‌گذاری کار و تأسیس مؤسسات اقتصادی جدید در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ارتباط دارد. بالاندیه در سال ۱۹۹۵ گفت اکنون جامعه در مدرنیته چهارم قرار دارد که نشانه‌های آن بی‌اطمینانی و تحرک و جنبش است و ضمن رد مفهوم پست مدرنیسم (مدرنیته‌ای که از خودش هم جلوتر است)، اصطلاح پیش مدرنیته را به کاربرد که تأکید بر تحرکی است که مدرنیته کنونی برای پویاتر شدن و به‌وجود آوردن دگرگونی‌های بیشتر دارد.

Modernization

نوسازی

ایجاد تغییراتی در تلقیات فردی، رفتار اجتماعی، اقتصاد و سیاست. به‌طور کلی هر جاسخن از تغییراتی به‌میان آید که در رفتار فردی و اجتماعی و یا در اقتصاد و سیاست جامعه مؤثر باشد، نوسازی است. این واژه در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم معمولاً به‌معنی رشد تعقل و نادینی‌گری به‌کار می‌رفت. اینک، نوسازی غالباً معنی رشد اقتصادی را دارد که شامل خصوصی‌سازی، کوچک شدن سهم صنعت و دولت، بازسازی بازار کار و نظام آموزشی است و یا مترادفی است برای واژه‌های غربی شدن و نوگرایی.

Modus Operandi

شیوه کار

اصطلاح لاتینی به معنی روال کار، مثلاً روال کار ارتش، سازمان یا یک سیستم سیاسی.

Modus Vivendi

مصالحه موقت؛ توافق موقت؛ قرار موافقت

اصطلاح لاتینی به معنی روش زندگی، و منظور از آن، قرار یا تفاهمی است که بین دو یا چند کشور در حین حل و فصل نهایی یک مسأله بین‌المللی به‌عمل می‌آید تا بعداً شرایط آن به‌طور دقیق و واضح مشخص شود. هدف این نوع توافق، حل مسائلی است که رسیدگی به آنها را نمی‌توان به‌بعد موکول کرد. متارکه "پانمونجام" در ژوئیه ۱۹۵۳ در جریان جنگ کره، باعث برقراری توافق موقت بین قدرتهای غربی و کمونیستها شد. پانمونجام نام محلی است در سرحد دو کره که اغلب مذاکرات مربوط به این جنگ در آن مکان انجام گرفت و هنوز هم مقامات آمریکایی و کره جنوبی جهت ارتباط با مقامات کره شمالی در این محل جمع می‌شوند. ضمناً نخست وزیران دو کشور کره در سال ۱۹۹۱، موافقتنامه آشتی، عدم تجاوز و مبادله و همکاری را به‌امضا رساندند.

Monarchy

سلطنت؛ حکومت سلطنتی؛ تک سالاری؛ حکومت یک تن

حکومت فردی، که ممکن است مطلقه و یا مشروطه باشد. امکان دارد سلطان، قوای سه‌گانه را شخصاً در دست داشته باشد و یا از قدرت محدودتری برخوردار باشد. ممکن است سلطان مطابق رسومی که طی مدت‌های مدید ایجاد شده است حکومت کند و یا خود را بالاتر از قانون بدانند و اوامر

میان‌رو

Moderate

فرد، گروه سیاسی یا حکومتی که دارای گرایشها و اعتقادات پنجگانه زیر باشد: ۱- گرایش به‌اشتی تا مواجهه. ۲- ترجیح اصلاح برانقلاب. ۳- اعتقاد به‌دگرگونی سیاسی تدریجی و بدون خشونت. ۴- اعتقاد به‌وجود نوعی "اجماع" در میان مردم معقول، کشف این اجماع و به‌شکل قانون درآوردن آن. ۵- تحمل دیدگاههایی که با اجماع یا توافق تقریباً همگانی، جور نیستند. سه شرط اول فرم و دو شرط آخر، محتوای این مفهوم را نشان می‌دهد. وجه مشخصه یک حکومت میان‌رو آن است که وجود "اپوزیسیون" را مجاز شمارد.

مدرن

Modern

صفت ارزشی، فرهنگی، فلسفی و بینشی نسبت داده شده به‌دوره پس از رنسانس، دربرابر دوره سپری شده قرون وسطی.

نوگرایی؛ مدرنیسم

Modernism

تلاش در جهت هماهنگ ساختن نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن. ژاک برک یکی از محققان فرانسوی گفته است: "نه باید در پی تجدیدی ریشه و اساس بود و نه خواستار حفظ اصالتی که به درد آینده نخورد". متجدد یا مدرنیست به کسی اطلاق می‌شود که روح میهن دوستی، بردباری و مدارا، آزادمنشی و آزادفکری و شهامت و فداکاری در راه افکار و عقاید خود داشته باشد و عواملی از فرهنگ ملی را حفظ نماید. مدرنیسم به معنی اخص، بیانگر نهضت‌های ادبی و هنری و فکری اواسط قرن نوزده تا اواسط قرن بیستم است که با ظهور ادبیات و هنر پست مدرنیستی رد شده است.

تجدد؛ نوگرایی؛ مدرنیته

Modernity (Modernite)

تقابل بین قدیم و جدید که پس از قرون وسطی یا از حدود رنسانس به بعد آغاز شد و اصولاً مفهومی است که در علم، تکنولوژی، فلسفه، هنر، معماری و جز اینها نمود می‌یابد. ویژگی‌های مدرنیته عبارتند از: عینیت‌گرایی، خردگرایی، نادینی‌گری، علم‌گرایی، انسانمداری، واقع‌گرایی و ترقی خواهی. مدرنیته را با مدرنیسم یکی ندانسته‌اند. ظاهراً مدرنیسم، بیشتر نوشتن و دگرگونی در اقتصاد و تکنولوژی و حوزه‌های دیگر جامعه را در بر می‌گیرد، در حالی که مدرنیته نه فقط نوشتن در این حوزه‌ها را شامل می‌شود بلکه دریافت ذهنی نواز جهان، دریافت نواز هستی و دریافت نواز زمان و تحول تاریخی و به‌طور کلی ذهنیت را نیز در نظر دارد. مدرنیته از جمله با این ضابطه مشخص می‌شود که بشر در آن به‌مسائلی مثل مرگ، رستاخیز و خدا به‌شیوه تازه‌ای می‌اندیشد که با شیوه گذشته فرق دارد. مثلاً انسان با اندیشه‌ای قائم به ذات خود، خدایش را جستجو می‌کند و می‌یابد و به آن ایمان می‌آورد. از این رو، مدرنیته را با مدرنیسم یکی نمی‌دانند. اگر مدرنیسم، نمودهای بیرونی تمدن جدید غرب است، مدرنیته عناصر درونی فکری و فلسفی و فرهنگی آن است و دارای رشته‌ای از مفاهیم اساسی است که با یکدیگر در ارتباطند: مثلاً عقل یا خرد که براساس آن، قانون و دولت مدرن شکل گرفته است. ذهن شناسنده یا مدرک و داننده (سوژه) که ریشه در آگاهی و شناخت علمی و جدید دارد. فرد که هسته اولیه و اساسی انسان مدرن و اخلاق جدید است و بالأخره دریافت نواز هستی و زمان و تاریخ. ژرژ بالاندیه قوم‌شناس و جامعه‌شناس فرانسوی، ویژگی خاص

مثلاً اگر ناطقی در یک اجتماع سیاسی، درباره مسأله‌ای که مورد توجه مردم است، جانب جنبه‌ای را بگیرد که مخالف نظر اکثریت آنان است، امکان دارد با واکنش خصمانه و توهین آمیز و گستاخانه حضار روبرو شود.

Mobilization

بسیج

از لحاظ نظامی، تدابیری که یک دولت برای آمادگی برای جنگ و دفاع اتخاذ می‌کند و شامل اعمال گوناگونی مثل اعلان آمادگی‌های مسلح، بستن مرزها، احضار نیروهای احتیاط، اخراج یا کنترل بیگانگانی که تابعیت کشور دشمن را دارند، حفاظت در مقابل خرابکاری، اعلان مقررات مربوط به محدودیت رفت و آمد و اتخاذ سیاستهای اضطراری اقتصادی است. از لحاظ سیاسی، روندی است که از طریق آن مردم را با تشکیل احزاب یا مؤسسات سیاسی به‌صحنه سیاست وارد می‌کنند.

Mobocracy

رجاله‌سالاری؛ حکومت فرومایگان؛ غوغاسالاری

حکومتی که غالباً در خلال بحرانها، شورشها و تحولات به‌طور موقت تشکیل می‌شود و اداره امور جامعه به‌دست مردم جاهل، حقیر و بی‌اطلاع می‌افتد. مردمی که نه تابع عقل و خرد، بلکه دستخوش احساسات هستند و در نهایت درجه تلقین‌پذیری قرار دارند و برای رسیدن به‌هدف خود خشونت می‌ورزند. در دوران حکومت جاهلان و مردم بی‌سروپا، اشخاص شایسته و کاردان از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی دور می‌شوند. یکی از شاعران عرب جاهلی به‌نام افوه شعری بدین مضمون سروده است: "مردم صلاح نپذیرند اگر در هرج و مرج باشند و یا سرور و راهنمایی نداشته باشند؛ و سرور و راهنمایی در میان نخواهد بود اگر جاهلان سروری یابند". گاهی نیز در اثر شکست نیروهای انقلابی و موفقیت ارتجاع و ضعیف شدن اقشار مترقی جامعه، شرایط مساعدی برای یک‌تازی اشخاص بی‌شخصیت به‌وجود می‌آید که در رأس امور قرار می‌گیرند و در سیر حوادث و تاریخ تأثیر می‌گذارند. از آنجاکه فرومایگان نمی‌توانند رجال بزرگ به‌تاریخ عرضه کنند، به‌اشخاص مکار، عوام‌فریب و یا بیرحم متوسل می‌شوند که قادرند برای مدتی به‌منافع آنها خدمت کنند.

Mode of Production

شیوه تولید؛ وجه تولید

شکل و روش به‌دست آوردن و تولید احتیاجات و وسایل لازم برای زندگی، در شرایط تاریخی معین. شیوه تولید، یکی از مقولات ماتریالیسم تاریخی است که خود، مرکب از دو جزء نیروهای تولید و روابط تولید است. حرکت متضاد این دو جزء، باعث تکامل و دگرگونی شیوه تولید می‌شود. مثلاً شیوه تولید سرمایه‌داری نسبت به‌شیوه تولید فئودالی مرحله عالی‌تری از تکامل بشر را نشان می‌دهد. شیوه تولید نعم مادی، پایه یک نظام یا صورتبندی اجتماعی را تشکیل می‌دهد. ایده‌های اجتماعی و سیاسی مسلط بر جامعه، نگرشهای سیاسی و نهادهای جامعه در هر مرحله معین از تکامل آن باچگونگی شیوه تولید جامعه ارتباط دارد و به‌وسیله آن معین می‌شود. مفهوم شیوه تولید از دید سرمایه‌داری، یعنی سرمایه و منابع و محصولات در اختیار سرمایه‌دار در برنامه نیروی کار است.

اعمال نمی‌شود. باربارا تاکن در کتاب سیر نابخردی، سوء حکومت را چهارگونه و اغلب آمیزه‌ای از این چهارگونه دانسته است: ۱- استبداد یا ظلم و فشار. ۲- جاه‌طلبی بیش از حد، مثل دوبار تلاش آلمان برای تسلط بر اروپا. ۳- بی‌کفایتی یا انحطاط، مثل آخرین خاندان امپراتوری چین. ۴- نابخردی و حماقت یا اصرار در کژفکری، یعنی پیروی از سیاستهای مخالف منافع مردم و کشور ذریبط.

Misonicism

نوگریزی

اجتناب از تغییرات و پدیده‌های تازه و جدید و سوء ظن داشتن به آنها، بویژه در جوامع سنتی که به ثبات امور، چیزهای کهنه و بیحالی عادت کرده‌اند.

Misrule

بدحکومتی

بی‌کفایتی در حکومت، بی‌نظمی، اغتشاش و هرج و مرج.

Mission

ماموریت؛ نمایندگی؛ هیات اعزامی

۱- مأموریت در معنی عام آن عبارت از مجموع اشخاصی است که در محلی مأمور انجام وظیفه هستند و در اصطلاح دیپلماتیک، منظور کلیه مأمورانی است که در محلی عهده‌دار اجرای وظایف دیپلماتیک هستند. ۲- یک سفارت مخصوص یا گروه خاص نمایندگان دیپلماتیک که برای انجام امور دیپلماتیک یا انجام مذاکرات ویژه، به یک کشور خارجی یا سازمان و کنفرانس بین‌المللی اعزام می‌شود.

Mixed Democracy

دهوکراسی مختلط

اعمال حاکمیت به‌طور مستقیم که مطمئن‌ترین طرز حکومت است، به‌سادگی عملی نیست. اعمال حاکمیت به‌طور غیر مستقیم، یعنی از طریق نمایندگی این نقص را دارد که چنانچه نمایندگان به‌وظیفه خود عمل نکردند، برای مردم چاره‌ای نیست جز آنکه وجود آنها را تا پایان دوره قانونی تحمل کنند. برای جمع دو نظام دموکراسی با واسطه و بیواسطه، سه راه حل ابتکار (قانونگذاری مستقیم)، رفراندوم و رکال یا لغو نمایندگی در نظر گرفته شده است که با استفاده از آنها، اعمال حاکمیت به‌طور مستقیم و غیر مستقیم، یعنی دموکراسی مختلط تحقق می‌یابد.

Mixed Economy

اقتصاد مختلط

نظام اقتصادی که در آن روشهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی در جوار هم به‌کار گرفته شود. از مشخصه‌های این نظام، وجود توأم فعالیت‌های بخش خصوصی و دولتی در یک کشور واحد است.

Mixed Government

حکومت مختلط

حکومتی که در آن جنبه‌های پادشاهی، اشرافی و دموکراسی وجود داشته باشد، مثل حکومت انگلستان.

Mob

فرومایگان؛ مردم بی‌سروپا؛ غوغا

جماعتی است سفله که به‌اتفاق اقدام به کاری می‌کند و معمولاً ناشی از شدت یافتن عمل متقابل عاطفی جماعت و رسیدن به درجه‌ای است که دست زدن به نوعی اقدام غیر قابل اجتناب می‌شود.

به‌عنوان اکثریت یاد می‌شود. همچنین در یک حزب سیاسی به‌جناحی که در کنگره حزبی، اکثریت حزبی را احراز کرده باشد، جناح اکثریت اطلاق می‌شود.

Minority Government

حکومت اقلیت؛ دولت اقلیت

حکومتی که از حمایت کمتر از نصف اعضای مجلس قانونگذاری (در حکومت پارلمانی) برخوردار است. از جمله نمونه‌های آن می‌توان از جمهوری وایمار (۱۹۳۳-۱۹۱۹) در آلمان، جمهوری چهارم در فرانسه (۱۹۵۸-۱۹۴۶) و حکومت‌های اقلیت در ایتالیا، کانادا، دانمارک و ایرلند نام برد.

Minority Politics

سیاست اقلیت

سیاست سازمان یافته گروه‌هایی مثل زنان، سیاهپوستان و همجنس‌بازان که خود را در یک نظام سیاسی دارای نمایندگی کافی نمی‌دانند.

Minor Party

حزب اقلیت

حزبی که از حمایت وسیع برخوردار نباشد و در یک انتخابات، نفوذ اندکی داشته باشد. در پاره‌ای از رژیم‌های پارلمانی به‌لحاظ اینکه حزب اقلیت ممکن است در آینده به‌حزب اکثریت تبدیل گردد، به آن اجازه نظارت در کارهای حکومت داده می‌شود.

Minutes (Proces Verbale)

خلاصه مذاکرات؛ صورتجلسه

صورت جلسه (یا صورت مجلس) کنفرانس را گویند که به‌امضای شرکت‌کنندگان رسیده باشد. این صورت جلسه، طبق مندرجات ممکن است تعهداتی را ایجاد نماید. این واژه به‌صورت مفرد به‌معنی یادداشت برای مشخص کردن مسیر اقدامات است.

Mir

میر؛ واحد کشاورزی تعاونی

واژه روسی به‌معنی واحدهایی که پس از اصلاحات ناقص ارضی و لغو بردگی دهقان روسی و پیش از جمعی کردن کشاورزی در حکومت سوسیالیستی، در روستاهای روسیه تزاری تأسیس شده بود و در آنها، خانواده‌های دهقانی به‌نوبت (هر سه سال یک بار) در زمینهای متعلق به‌جمع، به‌کشت و زرع می‌پرداختند.

Miscarriage of Justice

سوء جریان در دادگستری؛ اشتباه قضایی؛ دادرسی غیر عادلانه

سوء جریان قضایی و بدرفتاری و بی‌عدالتی مقامات قضایی، محاکمات نمایشی و فرمایشی و غیر منصفانه، اشتباه و خطای دادگاه‌ها و ناتوانی دستگاه قضایی در اجرای عدل و داد.

Misgovernment

بدحکومتی؛ سوء حکومت

سوء تدبیر و اداره، بی‌کفایتی در حکومت و بی‌نظمی. به‌نظر باربارا تاکنمن (۱۹۸۹-۱۹۱۲) تاریخ‌نویس آمریکائی، انسان در تمام زمینه‌ها شگفتی آفریده است، جز در زمینه حکومت. پیش از خانم تاکنمن نیز جان آدامز، دومین رئیس جمهوری آمریکا اعتراف کرده بود: "در حالی که همه علوم دیگر پیشرفت داشته است، علم حکومت متوقف مانده و امروزه بهتر از سه یا چهار هزار سال پیش

تقسیم کرد. سازمانهای مرکزی در مرکز یا پایتخت کشور مستقر شده‌اند ولی حوزه فعالیت آنها تنها مربوط به پایتخت نیست بلکه قلمرو فعالیتشان سراسر کشور است. سازمانهای خارجی عبارتند از مجموع ادارات و مأمورینی که در نقاط مختلف کشور و پایتخت وجود دارند ولی تابع سازمانهای مرکزی هستند. قلمرو فعالیتهای سازمانهای خارجی ممکن است استان، شهرستان، بخش و یاده باشد. در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی همچنین کمیسیونها و دوائر مشورتی وجود دارد که وزیر و سایر مقامات مسئول وزارتخانه در مورد مسائل مشکل، نظر مشورتی آن سازمانها را می‌خواهند. معمولاً در وزارتخانه‌ها این وظیفه به‌عهده دفتر حقوقی و دفتر طرح و بررسیها واگذار می‌شود.

Ministry of Foreign Affairs

وزارت امور خارجه

هر دولت در سازمانی که برای اداره امور کشور خود دارد، قسمتی را به‌اداره روابط خارجی با دولتهای دیگر اختصاص می‌دهد. تقریباً در همه کشورها این واحد به‌نام وزارت امور خارجه که مشخص‌کننده وظایف آن است، نامیده می‌شود. انتخاب اسم نیز در اختیار دولت است و به‌این دلیل بعضی کشورها، به‌این واحد اداری خود نامهای دیگر داده‌اند. وظایف وزارت امور خارجه عبارت است از مذاکره و عقد قراردادها و عهدنامه‌ها، حمایت اتباع در کشورهای خارج، مبادله مکاتبات با دولتها، اعزام و پذیرفتن دیپلماتها، حفظ مدارک دیپلماتیک و اجرای سیاست خارجی. وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا Department of State نام دارد و وزارت خارجه انگلستان Foreign Office نامیده می‌شود.

Ministry of Interior

وزارت کشور

وزارتخانه‌ای که هدف آن عبارت است از اجرای سیاست عمومی دولت در داخل کشور از طریق هماهنگ ساختن فعالیتهای مختلف مؤسسات دولتی و محلی در استانها و شهرستانها و بخشها و دهات و نیز برقراری و حفظ نظم و امنیت داخلی و انجام انتخابات عمومی و سایر انتخابات محلی در سراسر کشور، نظارت بر عمران شهرها و روستاها و سعی در بالا بردن سطح زندگی عمومی و تأمین رفاه و آسایش مردم، اجرای مقررات مربوط به‌وظیفه عمومی در سراسر کشور، نظارت بر امر تأمین خواربار موردنیاز عمومی و نظارت در اوزان و مقیاسها و کنترل نرخها، تهیه و تنظیم آمار عمومی، مبارزه با بلیات طبیعی.

Minority

اقلیت

جمعیت یا گروهی که دارای فرهنگ و زبان و مذهب و نژاد معینی هستند و در کشوری زندگی می‌کنند که اکثریت آن کشور دارای آن فرهنگ، زبان، مذهب و یا نژاد نیستند. از جنبه سیاسی، اقلیتهای قومی گاهی خود را به‌عنوان اقلیتهای ملی مطرح می‌سازند و ادعا می‌کنند که دارای ملیتی خاصند و از این رو درصدد کسب خودمختاری و استقلال برمی‌آیند.

Minority and Majority

اقلیت و اکثریت

به‌طور مجازی به‌حزب حاکم و حزب مخالف آن در یک نظام سیاسی اطلاق می‌شود. در رژیمهای پارلمانی، هر حزبی که اکثریت آراء را به‌دست آورد، حکومت را تشکیل می‌دهد و از آن

وزارتی و تفویض اختیارات وزیر به معاونین. وظایف دفتر وزارتی از جمله عبارتند از: ۱- خدمات اداری و دفتری اختصاصی وزیر ۲- برقراری ارتباط و تعیین اوقات و ملاقات مسئولان امر و ارباب رجوع با وزیر ۳- ابلاغ مقررات وزارتی به واحدهای تابعه ۴- تهیه گزارشها به مقامات کشور ۵- انجام امور مربوط به مکاتبات.

وزارت‌گرایی

Ministerialism

به تاکتیک فرصت طلبانه شرکت سوسیالیستها در دولتهای ارتجاعی بورژوازی اطلاق می‌شود. این واژه مترادف اصطلاح میلرانیسم است.

مسئولیت وزارتی

Ministerial Responsibility

تعهد وزراء در حکومت پارلمانی بردادن استعفا و ترک منصب وزارت است در حالی که مورد اعتماد پارلمان نباشند.

وزیر امور خارجه

Minister of Foreign Affairs

اداره سیاست خارجی هر کشور عملاً با وزیر امور خارجه است که تحت نظارت رئیس کشور و یا پارلمان، این وظیفه را انجام می‌دهد. وزیر امور خارجه در رأس یک سازمان وزارتی به نام وزارت امور خارجه قرار دارد و حدود اختیارات وی بر حسب قوانین داخلی هر کشور تعیین می‌شود. وزیر امور خارجه معمولاً ریاست کلیه سفیران و کنسولها را بر عهده دارد و مذاکره با کشورهای خارجی را رهبری می‌کند و براساس سمت خود می‌تواند یادداشت و اعلامیه الزام‌آور صادر کند و کشور خود را متعهد سازد.

وزیر مختار

Minister Plenipotentiary

مأمور دیپلماتیک که از نظر درجه، پایین‌تر از سفیر است. در گذشته، کشورهای بزرگ و نیرومند نزد یکدیگر سفیر و نزد کشورهای کوچک یا کم اهمیت از نظر آنها، وزیر مختار می‌فرستادند. امروز، از وزارت مختار جز عنوان باقی نمانده است و در بعضی موارد، این درجه را به نفر دوم بعد از سفیر در یک سفارتخانه می‌دهند که اداره برخی از رشته‌های مهم فعالیت سفارت را عهده‌دار است.

وزیر مقیم

Minister Resident

نماینده سیاسی از حیث رتبه، پایین‌تر از سفیر و وزیر مختار و بالاتر از کاردار. در کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک که فعلاً مورد عمل است، این طبقه از مأمورین دیپلماتیک حذف شده است.

وزیر مشاور

Minister without Portfolio

وزیری که وزارتخانه مخصوص ندارد و مشاور نخست وزیر و هیأت وزیران است.

وزارتخانه

Ministry

مجموعه اداره‌هایی که برای انجام یک خدمت عمومی، تحت سرپرستی یک وزیر انجام وظیفه می‌کنند. تشکیلات وزارتخانه را می‌توان به دو قسمت سازمانهای مرکزی و سازمانهای خارجی

آن حکومت مصطلح شد. میلرانیسم، مترادف وزارت گرای یا سوسیالیسم وزارتی است.

Minder**مراقب**

شخصی که برای حفاظت آدمهای مشهور، چهره‌های سرشناس و سیاستمداران از صدمهٔ بدنی و جارو جنجال استخدام می‌شود.

Mine Warfare**جنگ مین**

استفاده از وسایل منفجره در خشکی و دریا که هنگام برخورد یا تماس منفجر می‌شوند. مین‌گذاری تابع شرایط و مقررات خاصی است.

Minimalist**حداقل خواه**

کسی که طرفدار محدود کردن نقشها و قدرتهای یک سازمان سیاسی یا تحصیل مجموعه هدفهای مندرج در یک برنامه حداقل مربوط به فراکسیونهای پارلمانی و احزاب سیاسی است.

Minimax**کمترین بیشینه**

واژه‌ای است در نظریه بازیها برای اشاره به حداقل رساندن حداکثر زیان. براساس استراتژی مینی‌ماکس یا کمترین بیشینه، بازیگر سعی می‌کند تا نفع خود را به حداکثر برساند. متخصصین نظریه بازیها عقیده دارند که در شرایط منازعات آشتی‌ناپذیر، مطمئن‌ترین استراتژی، انتخاب بهترین بدترین‌ها یا بدترین بهترین‌ها است و این همان چیزی است که به استراتژی مینی‌ماکس (ماکسی‌مین یا بیشترین کمینه) معروف است. بازیگر برای اجتناب از بدترین باخت، از بهترین برد نیز صرف نظر می‌کند. استراتژی مینی‌ماکس احتیاط‌آمیزترین استراتژی است. با اینکه تعیین سیاست خارجی در دست سیاستمداران و دیپلماتها است و نه متخصصین نظریه بازیها، مع ذلک می‌توان نشانه‌های استراتژی مینی‌ماکس را در سیاست محاصره کمونیسم یا سیاست قرنطینه ایالات متحده آمریکا علیه شوروی سابق مشاهده کرد که در اواخر دهه ۱۹۴۰ اتخاذ گردید.

Minimum Level of Living**حداقل سطح زندگی**

سطح مصرفی که به‌موجب آن، فقط می‌توان کالاها و خدمات مطلقاً ضروری را خریداری کرد.

Minimum Platform**برنامه حداقل**

برنامه حداقل در مرامنامه فراکسیونهای پارلمانی و احزاب سیاسی که شامل هدفهای کوتاه مدت است.

Minister**وزیر**

صاحب منصب عالی‌رتبه و عضو قوه مجریه که ریاست قسمتی از امور عمومی را دارد و در رأس یک وزارتخانه قرار گرفته و دارای اختیاراتی به شرح زیر است: انتصاب و ترفیع مستخدمان وزارتخانه، بالاترین قدرت سلسله مراتب اداری وزارتخانه است، نماینده قانونی و معرف و مسئول وزارتخانه در برابر مجلس، نماینده حقوقی دولت در تمام مسائلی که به وزارتخانه اش مربوط می‌شود. برای تلفیق حسن اجرای امور وزارتخانه و مسئولیت وزیر، دو راه عملی وجود دارد: دفتر

کشورها که خدمت نظام وظیفه در آن اجباری است، اعتراض به سربازی را به رسمیت می‌شناسند. در میان کشورهایی که در آنها جوانانی که به دلایل اخلاقی و فلسفی جدی با خدمت نظامی مسلح، مخالفت اصولی دارند و می‌توانند در شرایط مختلف، خدمات کشوری غیر مسلح انجام دهند، باید از دانمارک، فنلاند، سوئد و نروژ نام برد. در ایالات متحده آمریکا خودداری از خدمت سربازی به دلیل معتقدات مذهبی به رسمت شناخته شده است. در این کشور، کسانی را که فقط از شرکت در فعالیتهای جنگی امتناع می‌کنند در ارتش می‌پذیرند ولی آنها را به کارهای غیرجنگی وامی‌دارند. در استرالیا و زلاندنو نیز معترضان به خدمت نظام وظیفه ممکن است در بعضی موارد از خدمت معاف شوند یا جزو واحدهای غیر مسلح درآیند. در بعضی کشورها هم مثل فرانسه، بلژیک و ایتالیا، تعداد معینی از جوانان بدون اینکه به عذر اعتراض وجدان توسل نمایند، ممکن است به خدمات کشوری و کمکهای فنی در یک کشور در حال توسعه گماشته شوند. ژاک شیراک رئیس جمهوری فرانسه نیز در ۳۰ مه ۱۹۹۶ اعلام کرد که از سال ۱۹۹۷ به خدمت وظیفه عمومی یا سربازی اجباری که یادگار انقلاب فرانسه است پایان می‌دهد و تنها به یک هفته آموزش نظامی اجباری اکتفا می‌شود و در عوض، یک ارتش حرفه‌ای برای فرانسه ایجاد می‌کند. زنان فرانسوی هم می‌توانند به عضویت ارتش حرفه‌ای فرانسه درآیند.

Military Strategy

استراتژی نظامی

هنر یا علم فرماندهی نظامی که در زمینه برنامه‌ریزی کلی و رهبری نیروهای مسلح و عملیات جنگی به کار می‌رود.

Militia

میلیشیا؛ نیروی شبه نظامی

نیروی مقاومت ملی یا سربازان داوطلب که در استخدام و یا جزو ارتش منظم نیستند و در مواقع ضروری (مثل سیل، آتش سوزی، آشوب داخلی و جنگ) به خدمت فراخوانده می‌شوند.

Millenarianism

هزاره‌گرایی؛ هزاره‌باوری

عقیده به اینکه مسیح روزگاری باز می‌گردد و برای رستگاری و خوشبختی همگانی، مدت هزار سال بر زمین فرمان می‌راند. این عقیده در میان اقشار پایینی مسیحیان صدها سال ادامه داشت و در قرون وسطی، به صورت جنبشهای پیکار جوی مردمی و ضد پاپ دوباره قدامت کرد و در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی به صورت نهضتهای انقلابی درآمد و در بعضی از مذاهب پروتستان نیز اثر گذاشت.

Millennium

هزاره؛ دوران دادگری هزار ساله مسیح؛ دوران طلایی

اشاره به باب بیستم مکاشفه یوحنا است که سخن از رجعت مسیح به زمین و آغاز حکومت دادگرانه هزارساله او دارد، و توسعاً به هر دوره یا حکومت عدل و انصاف و یا دوران رونق و رفاه و خوشی و خوشبختیهای آرمانی اطلاق می‌شود.

Millerandism

میلرانسیم

گرایش فرصت طلبانه در سوسیالیسم. این واژه در سال ۱۸۹۹ پس از شرکت الکساندر میلران، سوسیالیست فرانسوی، در حکومت بورژوازی و ارتجاعی فرانسه و حمایت وی از سیاست ضد مردمی

همچنان نقش ارزنده‌ای دارد. زیرا نیروی انسانی است که تصمیم می‌گیرد، تجهیزات را راه می‌اندازد، از نقطه‌ای به نقطه دیگر جابه‌جا می‌شود، بر سرزمین اعمال کنترل می‌نماید، مکان را اشغال می‌کند، هدفها را معین می‌سازد، مصرف‌کننده منابع و بالأخره مظهر تعهدات ملی است.

Military Objective

هدف نظامی

هدفی که انهدام یا خسارت شدید آن، موقعیت مسلمی برای دشمن ایجاد کند، مثل استحکامات نظامی، نیروی نظامی، صنایع نظامی، خطوط ارتباطی و حمل و نقل که مورد استفاده نظامی است. حمله به شهرها، روستاها و ابنیه بدون دفاع، ممنوع است و این مکانها هدف نظامی شمرده نمی‌شوند.

Military Parity

برابری نظامی

موازنه مشهود در تسلیحات و توان دفاعی دو یا چند دولت.

Military Planning

برنامه‌ریزی نظامی

تدوین طرح یا برنامه نظامی به منظور اجرای هدف خاص که یکی از اجزای ضروری امنیت ملی است. برنامه‌ریزان نظامی باید بتوانند اهمیت مواردی مثل دکترین، میدان نبرد، تسلیحات، نیروی انسانی، آموزش، شرایط اقلیمی و جغرافیایی، روحیه و منابع را به خوبی ارزیابی نمایند.

Military Power

قدرت نظامی

توانایی یک ملت برای پاسداری از وطن، حفاظت منافع، کمک به متحدان و نیل به هدفهایش.

Military Regime

رژیم نظامی

۱- رژیم استبدادی که معمولاً پس از کودتای نظامی در کشور (اغلب در کشورهای جهان سوم) برقرار می‌شود. در برخی کشورها، وجود یک رژیم نظامی مستلزم سرکوب شدید و شکنجه و آزار مخالفان است. ۲- حکومت و فرمانروایی نیروهای مسلح که ممکن است شامل نیروهای دریایی و هوایی نیز بشود. علت اینکه با وجود ارتش مسلح در همه کشورها، آنها در همه جا قدرت را در دست ندارند، وجود دموکراسی بنیادی است. رژیمهای نظامی، دشمن مردمسالاری و طرفدار اقتدارطلبی هستند.

Military Reprisal

اقدام تلافی جویانه نظامی

اقدام تلافی جویانه نظامی به دلیل ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌المللی و تعارض با مفاد منشور ملل متحد، نامشروع شناخته می‌شود و معمولاً در آغاز به صورت یک انتقامجویی از عملیات طرف مقابل است ولی امکان دارد به تدریج به یک جنگ تمام عیار تبدیل شود.

Military Service

سربازی؛ نظام وظیفه؛ خدمت وظیفه عمومی؛ خدمت نظام وظیفه

خدمت سربازی که جوانان باید طبق مقررات و در مدت معین و به منظور آمادگی برای دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و نظام کشور و جان و مال و ناموس مردم انجام دهند. به طور کلی، خدمت نظام وظیفه در هر کشوری یک وظیفه ملی برای افراد آن کشور شمرده می‌شود. مع هذا، بعضی از

Military Attaché

وابسته نظامی

مأمور تنظیم امور نظامی بین دولت متبوع و دولت محل مأموریت. از میان وابسته‌ها، فقط وابسته نظامی (هوایی، دریایی، زمینی) سابقه تاریخی دارد. ظاهر آسمت وابسته نظامی از زمانی باب شده که جاسوسی و کسب اطلاعات نظامی و سوق الجیشی وظیفه اصلی سفارت تلقی گردیده است. وظایف وابسته نظامی عبارت است از کسب اطلاعات نظامی مربوط به کشور پذیرنده و ارسال آن به کشور فرستنده یا ارتباط نظامی بین دو کشور برای همکاری و هماهنگی نظامی.

Military Government

حکومت نظامی

به حکومت موقتی نیروهای نظامی یک کشور بر سرزمین فتح شده یا به اشغال درآمده اطلاق می‌شود.

Military-Industrial Complex

مجتمع نظامی - صنعتی

این واژه را نخستین بار آیزنهاور در ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱ در یک سخنرانی (هنگام ترک مقام ریاست جمهوری) به کار برد که ضمن آن عواقب وخیم نظامی کردن جامعه را به مردم آمریکا گوشزد کرد. مجتمع نظامی - صنعتی، درهم آمیختگی و پیوند بین منافع و فعالیت برخی از انحصارهای اسلحه‌سازی و ژنرالهای پنتاگون (وزارت دفاع) است که از اهرمهای جدی سیاسی بهره‌برداری می‌کنند. مجتمع نظامی - صنعتی، وسیله‌ای است برای به دست آوردن سودهای کلان انحصاری، اجرای اهداف نواستعماری، اعمال مقاصد سیاسی در خارج و تحمیل نفوذ سیاسی در داخل، تدارک عملیات تجاوزکارانه و انجام مسابقات تسلیحاتی. انحصارهای اسلحه‌سازی برای دستیابی به بازارهای سودآور خارجی از کلیه شیوه‌ها، از تشکیل مجالس عیش و عشرت گرفته تا دادن رشوه‌های کلان حتی به سران دولتهای خریدار جنگ‌افزارها استفاده می‌کنند. این جنگ‌افزارها از آنجا که به گسترش نفوذ آمریکا کمک می‌کند، عملاً به نوع جدید استعمار تبدیل می‌شود و با دکتترین نیکسون - کیسینجر که به موجب آن، دیگر دولتها حتی المقدور باید بجای آمریکا بجنگند، انطباق کامل دارد. همچنین باید دانست که یکی از دلایل بقای دولتهای امپریالیست، اسلحه‌سازی و اسلحه‌فروشی و جنگ پردازی است. انحصارهای اسلحه‌سازی حتی پس از فروپاشی شوروی، همچنان به دنبال دشمن می‌گردند.

Military Intelligence

اطلاعات و جاسوسی نظامی

اداره و کار جمع‌آوری اطلاعات از طریق علنی و مخفی درباره هدفهای دشمنان یا دشمنان بالقوه و وسایلی که این دشمنان برای تحقق هدفهای خویش در اختیار دارند.

Military Manpower Procurement

تدارک نیروی انسانی نظامی

فرایند استخدام و جذب افراد واجد شرایط برای خدمت در نیروهای مسلح، پیکار در جنگها و دفاع از کشور. در بعضی کشورها با بهبود شرایط اقتصادی، تمایل به کار در ارتش کاهش یافته و افراد برای گذراندن زندگی خویش، خدمت در بخشهای غیرنظامی را ترجیح می‌دهند. هر چند که ماشین و سلاحهای نوین دارای امتیازات زیادی هستند، مع‌هذا در جنگهای کنونی نیروی انسانی نظامی

آمریکا نسبت به جهان اسلام قلمداد شده است. این منطقه، بزرگترین تولیدکننده نفت جهان نیز است. در واقع، حیات اقتصادی اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه‌داری وابسته به نفت خاورمیانه است و کشتیهای بزرگ، نفت را از خلیج فارس به مقصد ژاپن، اروپای غربی و آمریکا و بسیاری از کشورهای در حال توسعه حمل می‌کنند. اهمیت ذخائر گاز آن هم کمتر از نفت نیست. اهمیت استراتژیک منطقه خلیج فارس در دهه‌های آینده به طور تصاعدی بالا می‌رود. تقریباً از هر سه بشکه ذخایر نفت جهان، یک بشکه‌اش زیر خاک دو کشور عربستان سعودی (۲۹۵ میلیارد بشکه) و عراق (۱۱۲ میلیارد بشکه) قرار دارد. به نظر عده‌ای، هدف از اشغال و کنترل عراق در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکا و انگلستان، تسلط بر منابع نفت آن به عنوان یک اهرم قدرت است و نه فقط یک منبع سوخت. تسلط بر منطقه خلیج فارس به معنی داشتن کنترل روی اروپا، ژاپن و چین و نیز داشتن قدرت کنترل باز کردن و بستن شیرهای نفت است. رابرت کوپر، دیپلمات انگلیسی در اواخر سال ۲۰۰۳ در روزنامه گاردین اظهار نظر کرده دولت‌های غربی باید امنیت خود را به بهای کمک به برقراری ساختاری تازه، انسجام یافته و قانونمند (البته به شیوه امپریالیستی) در خاورمیانه برقرار کنند. در اوائل فوریه ۲۰۰۴ نیز طرح خاورمیانه بزرگ Grand Middle East Plan مطرح شد که براساس آن، بوش به متحدان اروپائی خود، دگرگونی وضعیت سیاسی و اقتصادی در منطقه‌ای از شمال آفریقا تا پاکستان را پیشنهاد کرد.

Middle Powers

کشورهای متوسط؛ قدرتهای متوسط

کشورهایی که بعضی خصوصیات مهم کشورهای بزرگ را مثل جمعیت زیاد، پیشرفت اقتصادی، وسعت خاک و تکنولوژی صنعتی و نظامی دارا باشند، مثل اغلب کشورهای اروپایی، استرالیا، آرژانتین و جزاینها.

Midlife Crisis

بحران نیمه‌راه زندگی

دوره پر تنش خود-ارزیابی که اغلب بین ۳۵ تا ۵۰ سالگی ظاهر می‌شود و شخص (زن یا مرد) درمی‌یابد به هدفها، آرمانها و آرزوهایش نرسیده و زمان هم به سرعت در حال سپری شدن است. در این شرایط، معمولاً شخص دست به کار می‌شود و مطابق شرایط فکری و مادیش ممکن است راههایی دیگر را در پیش گیرد و یا اقدام به کارهای بزرگ کند.

Migration

مهاجرت؛ کوچ

حرکت و جابجایی مردم، اعم از داخلی (درون یک کشور) یا خارجی (از کشوری به کشور دیگر).

Militant

مبارز

۱- حامی پیگیر یک آرمان یا عقیده عالی. ۲- عضو فعال یک سازمان سیاسی پیشرو، و سرسپرده به عدالت و آزادی.

Militarism

میلیتاریسم؛ نظامیگری؛ ارتش سالاری

۱- سیاست تحکیم و تقویت پیوسته نیروهای نظامی. ۲- چیرگی ارتش در دولت و دخالت آن در امور سیاسی. ۳- نظامی کردن جامعه با بزرگداشت ارتش و تقویت و پرورش روحیه نظامیگری در مردم. ۴- سیاست مبنی بر تحکیم و تقویت مداوم نیروهای نظامی، استفاده از نیروی نظامی در امور سیاسی و تدارک جنگهای اشغالگرانه.

خسونت و بیرحمی رواج داشت، تجارت و علم و دانش پیشرفت زیادی کرد، کلیسا و دولت نه تنها باهم همبستگی داشتند بلکه اغلب کلیسا نقش دولت را بازی می‌کرد. عنوان "قرون تاریک" و تصور آنکه سراسر این قرون یک دوره ظلمانی بوده باشد ناشی از طرز تلقی هومانیتها و روشنگرانی است که نسبت به قدرت کلیسا در این قرون، نظر انتقادی و مخالف داشته‌اند. اکنون، به کاربردن صفت قرون وسطایی برای یک رژیم سیاسی، نسبت دادن ویژگیهای منفی قرون وسطی به آن رژیم است.

Middle Class

طبقه متوسط

طبقه بورژوا از لحاظ تاریخی طبقه متوسط خوانده شده است. در نظام سرمایه‌داری بین طبقات سرمایه‌دار و کارگر، دو گروه نسبتاً وسیع اجتماعی قرار دارند: در گروه اول، بازرگانان و سوداگران صنعتی کوچک، مغازه‌داران، صاحبان بنگاههای اقتصادی کوچک و تولیدکنندگان مستقل قرار دارند. گروه دوم را تحصیلکرده‌ها، مهندسان، پزشکان، حقوقدانان، استادان دانشگاه، دانشمندان، دبیران، آموزگاران، تکنیسینها، دانشجویان، کارمندان و حقوق بگیران تشکیل می‌دهند. این گروهها با عنوانهای طبقه متوسط و طبقه خرده بورژوا معرفی شده‌اند. مارکسیستها گروههای یاد شده را از لحاظ تمایلات بالقوه سیاسی به دو دسته تقسیم می‌کنند: اول، قشر بالای طبقه متوسط که در رفاه است و در جریان مبارزه طبقاتی به طبقه سرمایه‌دار و حاکم می‌پیوندد و دوم، قشر پایین طبقه متوسط که با از دست دادن امتیازات خود به طبقه پرولتاریا نزدیک می‌شود. در نتیجه، قشر بالای طبقه متوسط از لحاظ ماهیت سیاسی، ارتجاعی و قشر پایین، انقلابی است.

Middle East

خاورمیانه

این واژه در مورد منطقه‌ای به کار رفته که تقریباً شامل ایران، ترکیه، عراق، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین اشغالی (اسرائیل)، شبه جزیره سینا، عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، عمان، قطر، کویت و یمن است. خاورمیانه به‌خاطر واقع شدن بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و وجود تنگه‌های هرمز، بسفر، داردانل، کانال سوئز و خلیج فارس از موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی و استراتژیک برخوردار است. از آنجا که خلیج فارس تنها از طریق تنگه هرمز به آبهای آزاد باز می‌شود، جلوگیری از تهدید از راه دریا علیه امنیت آن نیز فقط با کنترل تنگه هرمز امکان‌پذیر است. برای حفظ امنیت تنگه هرمز نیز هیچ کشوری در منطقه از موقعیتی نظیر موقعیت ایران برخوردار نیست. ایران از نظر نظامی و جمعیتی نسبت به سایر کشورهای منطقه، بر سکوی بلندتری قرار دارد. تمام سواحل شمالی خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و گوشه غربی اقیانوس هند در قلمرو ایران است. حساس‌ترین جزایر واقع در تنگه هرمز و خلیج فارس مثل هرمز، لارک، هنگام، قشم، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابو موسی و سیری که با استفاده از آنها می‌توان از امنیت این آبراه دفاع کرد به ایران تعلق دارند. خاورمیانه، مرکز جهان اسلام و مکه، قبله‌گاه عالم اسلام است و هر سال میلیونها مسلمان از سراسر جهان برای آرمان واحد به زیارت کعبه می‌شتابند و اجتماع آنها عظمت اسلام را جلوه‌گر می‌سازد. خاورمیانه همچنین موطن دو دین بزرگ دیگر، یعنی یهود و مسیحیت و سرزمین مقدس فلسطین، الهام‌بخش سه دین بزرگ جهان است. برای بیشتر مسلمانان، ایجاد و تقویت دولت اسرائیل، یک نمایش واقعی از احساسات خصمانه بعضی از دولتهایی غربی مثل انگلستان، فرانسه و

نوع جنبش اجتماعی یا سیاسی شبیه نمونه‌های مذهبی با تأکید بر رهبری، الهام، شور و شوق یا تصویری از سرزمین موعود است. چنان جنبشهایی معمولاً شامل عناصری از هزاره باوری و حتی هیستری جمعی است و گرایش آنها نیز به استفاده از انبوه خلق یا خیل توده‌ها است تا تأسیس نهادها.

Method**اسلوب؛ روش**

شیوه معرفت، تحقیق و پراتیک انسانی برای فراگرفتن یک موضوع معین یا نیل به یک هدف. روش، جریانی است سنجیده و سازمان یافته برای دستیابی به دانش یا قدرت.

Me-tooism**متواایسم**

واژه متواایسم از جنبه سیاسی به این مفهوم است که یک حزب یا گروه برای توفیق در امری مانند انتخابات، از سیاست و رویه و اصولی استفاده کند که در گذشته، حزب یا گروه رقیب با به کار گرفتن آنها به موفقیت رسیده است.

Metropolis (Metropole)**مادرشهر؛ متروپل؛ شهر بزرگ**

این واژه که در زبان یونانی به مفهوم مادرشهر است، به شهر یونانی الاصل در برابر شهرهای کلنی نشین یونان باستان اطلاق می‌شد. همچنین در مورد کشورهای بی به کار می‌رود که دارای مستعمرات و سرزمینهایی در آن سوی دریاها هستند. به بیان دیگر، کشور مرکزی نسبت به بوم و بره‌های تابع آن متروپل است. به مهم‌ترین شهرهای ایالت و یا کشور نیز اطلاق می‌گردد.

Microcosm**نمونه کوچک**

این واژه به معنی مدل کوچک چیزی به کار رفته است.

Microeconomics**اقتصاد خرد**

تجزیه و تحلیل و توصیف رفتار واحدهای انفرادی، مصرف کنندگان و مؤسسات و نگاه‌های اقتصادی.

Micropolitique**خرده سیاست**

واژه فرانسوی که موریس دو ورژه برای بیان سیاست حاکم بر روابط افراد که بر پایه تماس شخصی قرار دارد، به کار برده است.

Micropowers**کشورهای ذره‌ای؛ قدرتهای بسیار کوچک**

کشورهای کم جمعیت و کم وسعت مانند کویت و موناکو که به کشورهای ذره‌ای یا بسیار کوچک معروف شده‌اند.

Middle Ages**قرون وسطی**

دوره‌ای تاریخی از سقوط رم باستان تا شروع رنسانس در ایتالیا. در این دوره، مسیحیت براروپای بت پرست غلبه کرد، نظام زمینداری گسترش یافت، در عین حال که افکار و عقاید رمانتیک بازبانی ظریف و دل‌انگیز بیان می‌شد ولی با غلامان و رعایا رفتار غیرانسانی می‌شد.

تجاری تشویق می‌کردند. این سیاستهای اقتصادی معمولاً در جهت تأمین سودهای هنگفت برای شرکت‌های بزرگ تجاری، افزایش ثروت و قدرت دولت و به‌طور کلی، وارد کردن حداکثر مقدار فلزات قیمتی مثل طلا و نقره به‌داخل کشور، در مقابل صدور کالا به‌خارج از کشور بود.

Mercenary

مزدور؛ سرباز مزدور

شخصی که برای شرکت در جنگ با دریافت دستمزد و مزایایی معمولاً بیش از نظامی هم‌ردیف خود، استخدام می‌شود و جزو نیروی مسلح کشور متبوع خود نیز نیست. مزدور در صورتی که اسیر شود، از حمایت سیاسی دولت متبوع خود برخوردار نخواهد شد.

Merchant Ship

کشتی تجاری

کشتیهایی که متعلق به افراد، شرکتها و مؤسسات خصوصی بوده و به‌حمل مسافر و کالا اختصاص داشته باشند. هنگامی که کشتی تجاری از دریاها یا پهنای باز یا آزاد می‌گذرد و وارد آبهای کشور خارجی می‌شود، اختیارات قضایی کشور متبوع آن کشتی و اختیارات قضایی کشور خارجی با یکدیگر روبرو می‌شوند که معمولاً مسائل مربوط به انتظامات داخلی کشتی تحت قوانین کشوری است که کشتی، پرچم آن را برافراشته و مسائلی که مربوط به امور بندری و آرامش و صلح آن است، تحت مقررات کشور خارجی است. نظریه‌اینکه کشتی تجاری از اختیارات قضایی کشوری که در بندر آن لنگر انداخته است، مصون نیست، نمی‌تواند ملجا پناهندگان سیاسی یا جنایی قرار گیرد.

Merchants of Death

سوداگران مرگ

این واژه برای اشاره به تولیدکنندگان و فروشندگان اسلحه - و اخیراً تولیدکنندگان و قاچاقچیان مواد مخدر - به‌کار رفته است.

Meritocracy

حکومت شایستگان؛ شایسته‌سالاری

حکومتی که در آن، رهبری به‌دست بهترین افراد یا هنروران و صاحبان دانش، تخصص، تجربه، تعهد، هوش و قریحه است. این حکومت در برابر حکومت بدان قرار می‌گیرد.

Merit System

نظام شایستگی

نظامی که به‌موجب آن، اشخاص نه به‌خاطر نفوذ سیاسی یا پیوندهای خانوادگی و گروهی و طبقاتی، بلکه با توجه به‌لیاقت و کاردانی و ارزش آنها به‌خدمات کشوری منصوب می‌شوند و ترفیع می‌گیرند.

Messianism

مسیح‌گرایی؛ مسیح‌گرایی؛ منجی‌باوری

این واژه از نام عیسی مسیح گرفته شده و بیانگر اعتقاد و گرایش به‌مسیح، یعنی کسی که به‌عنوان پیام‌آور از طرف خدا می‌آید و یا اعتقاد به‌رستگاری بشر از طریق ظهور یک منجی است. در معنی وسیعتر، اشاره به‌جنبشهای مسیحایی یا نجات‌بخشانه است که توسط شخصی رهبری می‌شود که یا مدعی مسیح و نجات‌بخش بودن و یا مدعی مأموریت داشتن از جانب مسیح است. منجی‌باوری هر

خدمه، مصونیتی قائل نیستند. مصونیت محدود خدمه مأموریت دیپلماتیک، انعکاسی از مصونیت سفیر و سایر مأموران شاغل در مأموریت است. برخلاف مصونیتها، خدمه مأموریت دیپلماتیک و کنسولی از لحاظ مزایا و وضعیت مشابهی دارند.

Members of the Staff of the Mission

کارمندان مأموریت

در روابط دیپلماتیک به معنی کارمندان دیپلماتیک، کارمندان اداری و فنی و خدمه مأموریت است.

Memorandum

یادداشت (سیاسی غیررسمی)؛ تذکاریه

منظور از این نامه سیاسی، مطلع ساختن طرف است از موضوع سیاسی خاص و رئوس مطالب مهم راجع به آن و نظر و روش دولت فرستنده یادداشت در مورد آن و تصمیماتی که در آن زمینه می‌گیرد. همچنین امکان دارد دولتی برای کسب پاره‌ای اطلاعات که دسترسی به آنها برای یک اقدام سیاسی لازم است، اقدام به تسلیم یادداشت کند. در این نامه، تکلفات لفظی و تعارفات معمول سیاسی وجود ندارد و مطالب آن به صیغه سوم شخص مفرد بیان می‌شود و امضا و مهر هم نمی‌شود، بلکه معمولاً ضمیمه سند رسمی دیگری است که دارای مهر و امضا است و یا امکان دارد در جلسه مذاکره راجع به موضوع یادداشت، به طرف تسلیم گردد.

Memorandum of Understanding

یادداشت تفاهم؛ تفاهمنامه

یادداشتی حاکی از توافق کلی یا همکاری متقابل در زمینه‌های مورد علاقه طرفین. یادداشت تفاهم و یادداشت‌های متبادل با آنکه برای طرفین، تعهداتی ایجاد می‌کنند، معمولاً احتیاج به تصویب پارلمانی ندارند.

Menshevism

منشویسم

اندیشه و جریان سیاسی جناح اقلیت در حزب سوسیال دموکرات روسیه به رهبری پلخانوف و مارتوف، طرفدار پیمودن مرحله دموکراسی بورژوازی برای رسیدن به سوسیالیسم. اعتقاد لنین به اینکه روسیه تزاری می‌تواند بدون گذر از سرمایه‌داری به سوسیالیسم جهش نماید، یکی از علل اصلی ایجاد دودستگی در این حزب در سال ۱۹۰۳ بود. جناح اکثریت، بلشویسم نام دارد.

Mercantilism

سوداگری؛ مرکانتلیسم

دوران ابتدایی سرمایه‌داری (اواسط قرن شانزدهم و اواخر قرن هفدهم) معمولاً به عنوان دوره سوداگری یا مرکانتلیسم خوانده می‌شود. اختراع ماشین چاپ، کشف آمریکا، دسترسی به هند، کشف سرزمینهای جدید و معادن فلزات قیمتی، جانشین شدن دولتهای متمرکز به جای فئودالیسم و جنبش اصلاح مذهبی، طرز فکر جامعه اروپایی را عوض کرد و علاقه‌مندی به مادیات و گردآوری ثروت، هدف فعالیتهای اقتصادی قرار گرفت و با کشف بازارهای بزرگ و سیل طلا و نقره به اروپا، ماهیت تفکر اقتصادی که تا آن زمان تحت الشعاع اخلاق و مذهب بود، تغییر کرد. از قرن پانزده تا اواسط قرن هجده، افکار مرکانتلیستی اساس سیاست اقتصادی دولتهای مقتدر اروپا بود و مرکانتلیستها برای تمرکز قدرت، دولتها را به ثروتمند شدن و زرانندوزی و رشد بورژوازی

غربی‌سازی ژاپن کرد. ملوک‌الطوایفی از بین رفت، زمینهای وسیعی که در اختیار خاندانهای بزرگ قرار داشت ملی شد، شکنجه و آزار لغو گردید، راه‌آهن احداث شد، تقویم ملل غربی و آموزش به‌زبان انگلیسی در مدارس و آموزشگاهها معمول شد.

Meliorism**ملیوریزم؛ بهبودگرایی؛ بهبود باوری**

اعتقاد به بهتر شدن اوضاع دنیا، خوشبینی معتدل درباره سرنوشت بشر و جهان یا فلسفه‌ای که به موجب آن وضع دنیا در اثر مجاهدت آزادی انسانی ممکن است بهبود یابد.

Melting Pot Theory**نظریه کوره مذاب**

نظریه‌ای که براساس آن، جامعه و فرهنگ آمریکایی به کوره‌مذابی تشبیه شده که تمام گروههای قومی را که از مناطق مختلف دنیا به آمریکا مهاجرت می‌کنند در خود حل می‌کند.

Member**عضو (حزب)**

کسی که رسماً به یک حزب یا سازمان پیوسته باشد و طبق اساسنامه و مرامنامه آن عمل کند.

Members of the Consular Post**اعضای پست کنسولی**

در روابط کنسولی یعنی مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی و خدمه کنسولگری.

Members of the Consular Staff**کارکنان کنسولی**

در روابط کنسولی یعنی مأموران کنسولی (بجز رئیس پست کنسولی) و کارمندان کنسولی و خدمه کنسولگری.

Members of the Diplomatic Staff**کارمندان دیپلماتیک**

در روابط دیپلماتیک یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که دارای سمت دیپلماتیک می‌باشند.

Members of the Mission**اعضای مأموریت**

در روابط دیپلماتیک به معنی رئیس مأموریت و کارمندان مأموریت است. به بیان دیگر، مقصود اعضایی است که با سفیر در یک نمایندگی دیپلماتیک و زیر نظر رئیس مأموریت کار می‌کنند و همه را دیپلمات می‌خوانند. اعضای یک مأموریت دیپلماتیک بلافاصله پس از سفیر یا وزیر مختار به ترتیب تقدم، عنوانهای زیر را دارند: وزیر مختار رایزن، دبیر اول، دبیر دوم، دبیر سوم، وابسته.

Members of the Service Staff of the Mission**خدمه مأموریت**

آن دسته از کارکنان مأموریت دیپلماتیک یا پست کنسولی که به امور خانگی اشتغال دارند. مطابق یک اصل کلی، اعضای هیأت دیپلماتیک تماماً از مصونیتها و امتیازات دیپلماتیک برخوردارند. تنها در مورد خدمه، روش ثابتی وجود ندارد. روش کشورهای مثل فرانسه، سوئیس و دانمارک این است که خدمتکاران نیز اعم از اینکه تبعه کشور پذیرنده باشند یا فرستنده، از مصونیت برخوردار می‌شوند. در حالی که برخی از کشورها نظیر لهستان، هلند، رومانی و اسپانیا فقط برای خدمتکارانی که تبعه کشور فرستنده باشند، مصونیت می‌شناسند و گروه دیگری از کشورها مثل ترکیه برای

برده صورت می‌گیرد، در حالی که کشور میانجی، مذاکرات را به‌دقت پیگیری و رسماً راه حلی برای فیصله دعوا پیشنهاد می‌کند. حاصل میانجیگری به‌عکس حکمیت، برای کشورهای در حال دعوا، الزام‌آور نیست و در قبال آنها بلااثر و بلااعتبار است.

Mediocrity

میانمایگی؛ متوسط الحالی؛ آدم میانمایه

۱- متوسط بودن یا شدن ارزشهای والا و یاد در حالت نه خوب و نه بد قرار داشتن. ۲- آدم عادی و معمولی.

Meeting

میتینگ؛ گردهمایی

اجتماع مردم در یک نقطه و گوش دادن به سخنان سخنرانانی که در مورد حادثه و مسأله‌ای صحبت می‌کنند و نظر و عقیده خویش را بیان می‌دارند و یا جمع‌شدن گروهی است در یک محل به‌منظور بحث و تصمیم‌گیری درباره یک موضوع یا موضوعهای به‌هم وابسته.

Megamedia

رسانه‌های بزرگ؛ مگامیدیا

کنایه از شرکت‌های بزرگی است که از ادغام شبکه‌های رادیو - تلویزیونی، تلفنهای شهری و راه دور، شبکه‌های سراسری کامپیوتری، مراکز تولید برنامه‌های تفریحی و سرگرم‌کننده، خبرگزاریها، ارتباطات ماهواره‌ای و امثال اینها (به‌استثنای روزنامه‌ها و مطبوعات) به‌وجود می‌آیند و به‌شستشوی مغزی مردم دنیا و تحمیل عقاید و ارزشهای خود می‌پردازند. در ایالات متحده آمریکا چندین مورد از این شرکتها به‌وجود آمده‌اند و به‌عقیده یکی از مفسران و کارشناسان رسانه‌های جمعی به‌نام کیوین مانی Kevin Many، در آینده‌ای نزدیک هر وجب از کره زمین را بدون اینکه نیازی به‌استفاده از اسلحه باشد، تسخیر می‌کنند.

Megapolitics

کلان سیاست

سیاست در وسیعترین معنی و مفهوم.

Me Generation

نسل فقط خودم

این واژه در سال ۱۹۷۹ توسط کریستوفر لاش و برای اشاره به‌نسل جوان کشورهای غربی، به‌کار رفته که تنها خودش و منافع خودش را می‌خواهد، به‌والدینش بی‌اعتنا و نسبت به‌دیگران بی‌نزاکت و بی‌احساس و همچنین بدون آرمان و ایدئولوژی است. این نسل می‌خواهد با انجام حداقل کار، حداکثر لذت را ببرد، اتومبیل و خانه شیک و پول زیاد داشته باشد و اصولاً در فکر وطن، تمدن و پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی آن نیز نیست.

Meiji Revolution

انقلاب میجی

در تاریخ ژاپن، عنوان دوره امپراتوری موشوهیتو (۱۹۱۲-۱۸۵۲) است. در سال ۱۸۶۷ که وی به‌امپراتوری رسید، در جریان یک تحول سیاسی آرام، قدرت مطلق در دست امپراتور قرار گرفت و مقامش نیز تا حد پرستش بالا برده شد. این تحول که به‌انقلاب میجی مشهور شده است، موجب وحدت سیاسی و اداری کشور شد. موشوهیتو اقدام به‌اصلاحات اساسی برای نوسازی و

Media of Mass Communication

رسانه‌های ارتباط جمعی

مجموعه وسایل غیر شخصی برای انتقال پیامهای سمعی و بصری به مردم در مناطق دور و نزدیک، خواه در کنترل دولت باشند یا نباشند. شاخص این رسانه‌ها، ارتباطشان با جمع است. عده‌ای اعتقاد دارند که چون طبقه حاکم تمام منابع عمده اجتماعی و سیاسی قدرت را تحت کنترل خود درمی‌آورد، رسانه‌های عمده نیز خود به خود در اختیار طبقه‌ای قرار می‌گیرد که مالک وسایل تولید است و لذا در جهت حفظ منافع آن طبقه هدایت می‌شوند. ابرقدرتها نیز از رسانه‌های ارتباطی یا شیوه‌های جدید استفاده از رسانه‌های قدیمی برای پخش اخبار و مطالب مورد نظر و به مبارزه طلبیدن یا سرنگونی دولت‌ها استفاده می‌کنند. چنانکه تشکیلات اطلاعاتی و جاسوسی ام-آی-۶ (MI-6) بریتانیا از دهه ۱۹۵۰ برای خبرنگاران بی.بی.سی در اروپای شرقی خوراک تبلیغاتی فراهم می‌ساخت. بدین ترتیب که مطالب طبقه بندی شده به دست آمده از ارتباطات بلوک شوروی سابق، طی عملیات مخفی دولتی در اختیار خبرنگاران بی.بی.سی قرار می‌گرفت تا برای پخش برنامه‌های ضد کمونیستی در دوران جنگ سرد از آنها استفاده شود. یا تشکیلات رادیویی آمریکایی تحت عنوان رادیو فردا، اروپای آزاد و آزادی که مرکز آن به پیشنهاد واتسلا هاول رئیس جمهوری چک در سال ۱۹۹۵ از مونیخ در آلمان به پراگ در چک منتقل شد. به نظر نوام چامسکی، رسانه‌های جمعی (سلطه‌گران) در واقع سعی می‌کنند ذهن مردم را منحرف سازند. اربابان قدرت می‌گویند: بگذارید مردم، کار دیگری انجام دهند، اما کاری به کار ما نداشته باشند. بگذارید آنها مثلاً به ورزش حرفه‌ای علاقه پیدا کنند و فکر و ذکرشان، رسواییهای جنسی یا شخصیتها و مشکلاتشان شود و یا اصولاً چیزهای غیر جدی باشد. البته امور جدی برای صاحبان قدرت است. ما (اربابان قدرت) امور مهم را رتق و فتق می‌کنیم. "لخ والس" رهبر جنبش همبستگی در لهستان، انقلابهای سیاسی کشورهای اروپای شرقی را پیامد تمدن و دستاورد کامپیوترها و تلویزیونهای ماهواره‌ای و دیگر نوآوریهای ارتباطی دانسته است. الوین تافلر نیز در کتاب جایجایی در قدرت می‌نویسد: "اگر چائوشسکو رهبر سابق رومانی نقش نظام رسانه‌های جهانی را مطالعه کرده بود، می‌دانست که کنترل رسانه‌های داخلی، دیگر برای نگاهداشتن مردم در جهل و بیخبری کافی نیست و رویدادهای سیاسی داخل به نحو فزاینده‌ای در عرصه بین‌المللی به نمایش درمی‌آید. در واقع، آنچه نه فقط چائوشسکو بلکه دیگر رهبران نیز ممکن است از آن غافل بمانند، شیوه‌های استراتژیک استفاده از انواع شیوه‌های ارتباطی و رسانه‌های قدیم و جدید به صورت مرکب یا در تعارض با یکدیگر است." مطبوعات با چشم سروکار دارند و رادیو با گوش، ولی تلویزیون با چشم و گوش در ارتباط است. رسانه‌های تصویری بعلاوه مطبوعات می‌توانند یک جامعه را بکوبند یا آن را بالا ببرند. بطور کلی، قرار گرفتن در معرض فرهنگها و شیوه‌های زندگی خارجی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی می‌تواند هم برانگیزنده و تحریک کننده، هم بی‌ثبات کننده، هم مایه درک و فهم و هم باعث حسادت شود.

Mediation

میانجیگری؛ وساطت

میانجیگری، فعالیت و اقدامات دولت ثالثی را که به قصد ایجاد توافق بین دو کشور در حال دعوا صورت می‌گیرد، تبیین و مشخص می‌کند. بین میانجیگری و مساعی جمیله فرق مختصری وجود دارد که مربوط به میزان قوت تأثیر این دو طرز رفع اختلاف است. مساعی جمیله مستور است و در

جوزف مک کارتی (۱۹۵۶-۱۹۰۸) است که با پیراهن عثمان کردن شیخ کمونیسم، در صدد نابودی آزادیهای جامعه آمریکا برآمد. در ببحوجه جنگ سرد در دهه ۱۹۵۰، مک کارتی به مردم آمریکا هشدار داد که کمونیستها در قسمتهای حساس حکومت این کشور مانند وزارت خارجه، رخنه کرده‌اند و ادعا نمود که فهرست اسامی آنها را در اختیار دارد. این ادعا، سروصدای زیادی برپا کرد و بازرسیها و محاکمات متعددی را به دنبال داشت. در این دوره، انتقاد از حکومت با از اوضاع اجتماعی و اقتصادی بسیار دشوار شده بود و بسیاری از نویسندگان و هنرمندان (مثل آرتور میلر و چارلی چاپلین) سیاستمداران و افرادی از قشرهای دیگر جامعه آمریکا به اتهام داشتن عقاید یا دنبال کردن فعالیتهای "غیر آمریکایی" تحت فشار قرار گرفتند. ریچارد نیکسون از جمله همکاران مک کارتی در جریان کمونیست بگیری و کمیته بررسی فعالیتهای غیر آمریکائی بود. هنرمندان معروفی مثل الیاکازان و والت دیسنی هم با کمیته مزبور همکاری داشتند. مک کارتی بالأخره در سال ۱۹۵۴ به اتهام وارد کردن اتهامات بیجا مورد توبیخ سنای آمریکا قرار گرفت، لیکن شرایطی که او ایجاد کرده بود، سالها در این کشور دوام داشت. اکنون این واژه برای اشاره به سیاست متهم کردن اشخاص و سازمانها به خیانت و اقدامات براندازی بدون وجود مدارک و دلایل کافی به کار می‌رود.

اقدامات کمتر از جنگ

Measures Short of War

در صورتی که اختلافات بین‌المللی از طرق دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز حل نشود، ممکن است موجب بروز اقدامات خصمانه بین دولتها گردد. از جمله اقدامات خصمانه، عملیات کمتر از جنگ است. یعنی هنگامی که بدون وجود "حالت جنگ"، دولتها درگیر عملیات خصمانه باشند. به بیان دیگر، کمتر از جنگ حالتی است که در آن دولتها کشمکش موجود بین خود را به عنوان جنگ تلقی نکنند. اقدام متقابل، مقابله به مثل، انسداد عادی راه، مبارگو و بایکوت از جمله عملیات کمتر از جنگ شمرده می‌شوند.

مکانیسم؛ راهکار؛ ساز و کار؛ ساختار

Mechanism

شرح عملکرد یک دستگاه یا مراحل مختلف یک واکنش و یا رویداد، یا تأثیرات متقابل و ترتیب عملی اجزای سیستمی که به منظور خاصی به کار افتاده است و یا هر نوع ترتیب، ترکیب یا توالی اعمال، پاسخها، نگرشها، الگوها، موقعیتهای یا سایر واحدها و ساختارهایی که انجام، تکمیل یا شیوه اجرای اهداف، وظایف، نیازها یا فرایندهای معین را آسان یا ممکن می‌سازد.

جنگ مکانیزه

Mechanized Warfare

حمله و دفاع متحرک با وسایل ماشینی، مثل تانک و زره پوش و حمایت هوایی و هلیکوپتر.

خط منصف

Median Line

خطی است که فاصله هر نقطه از آن تا نزدیکترین نقاط دو ساحل به یک اندازه باشد. به بیان دیگر، خطی است که رودخانه را به دو قسمت مساوی تقسیم کند. این خط امروزه برای تعیین مرز دو کشور در رودخانه‌های بین‌المللی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، زیرا جزر و مد آب، آن را دچار تغییر می‌سازد.

Matriarchy**مادرسالاری؛ مادرشاهی؛ زن‌سالاری**

آن وضع یا سازمان اجتماعی که مشخصه‌اش حکومت زنان در داخل خانه و گاه در مسائل سیاسی است. مادرسالاری پدیده نادری است و در جوامع مادر سالار، زنان مالک زمین و خانه هستند و می‌توانند خارجیان را بپذیرند یا برانند و درباره اسیران جنگی، تصمیمات شوراهاى مردان را خنثی کنند.

Maverick**تکرو**

۱- عضو خودسر یا متمرد یک حزب سیاسی که فقط به میل و اراده خودکار کند و به‌رأی دیگران بی‌اعتنا باشد و خط مستقلی را در پیش گیرد. ۲- شخص خود سری که از همنوایی با گروهش امتناع کند و یک موضع نامتعارف اتخاذ نماید. این معنی از نام سام ماوریک گرفته شده است که برخلاف معمول، گاوهای خود را "داغ" نمی‌کرد.

Maximalist**حداکثر خواه**

کسی که طرفدار اقدامات فوری و مستقیم برای انجام کل یک برنامه است. همچنین در مورد سوسیالیستی به کار می‌رود که طرفدار تسخیر فوری قدرت از طرق انقلابی است.

Maximin**بیشترین کمینه**

در نظریه بازی، راهبرد به حداکثر رساندن نتیجه برای خود در کمترین (یعنی بدترین) فرض در مورد راهبرد بازیگر یا بازیگران دیگر. به عبارت دیگر، به حداکثر رساندن حاصل کار در بدترین شرایط.

May Day**روز اول ماه مه (روز کارگر)**

روز اول ماه مه در سال ۱۸۸۹ توسط کنگره بین‌الملل دوم و به پیشنهاد یکی از نمایندگان حزب سوسیالیست کارگری ایالات متحده آمریکا به‌عنوان روز کارگر (Labour Day) انتخاب شد. علت انتخاب اول ماه مه به‌عنوان روز کارگر، اعتصاب روز اول ماه مه سال ۱۸۸۶ کارگران در شهر شیکاگو برای برقراری ۸ ساعت کار روزانه است که در نتیجه توطئه کارفرمایان و مداخله پلیس به‌خون کشیده شد. این روز در واقع، از طرف کارگران و برای نشان دادن همبستگی طبقه کارگر در سراسر جهان، جشن گرفته می‌شود. در انگلستان معمولاً مراسم روز کارگر در اولین یکشنبه بعد از اول ماه مه و غالباً در محل هاید پارک لندن برگزار می‌شود. در ایالات متحده آمریکا و کانادا در اولین دوشنبه ماه سپتامبر، در ژاپن ۲۳ ماه نوامبر، در زلاند جدید سومین دوشنبه ماه اکتبر و در کشورهای دیگر نیز در روزهای بخصوص و با مراسم ویژه‌ای برگزار و یا جشن گرفته می‌شود.

Mayor**شهردار**

مأمور عالی‌رتبه شهرداری یا رئیس سیاسی یک واحد شهری که به صورت‌های مختلف انتخاب یا منصوب می‌شود.

McCarthyism**مک کارتیسم؛ چپ‌ستیزی**

سیاست دست راستی افراطی و مخالفت با لیبرالیسم و کمونیسم. این واژه منسوب به سناتور

ابتکارات شخصی، عدم احساس مسئولیت فرد در قبال جامعه، تنهایی افراد و پناه آوردن آنان به وسایل ارتباط جمعی و بویژه تلویزیون، بی‌اعتنایی سیاسی توده‌ها و مستعد آلت دست قرار گرفتن توسط حکومتها، مصرف گسترده، تنزل سطح ادبیات و فرهنگ و هنر از ویژگیهای این گونه جوامع است. در اجتماع توده‌وار، افراد بیشتر به داشتن عقایدی ممتاز می‌شوند که به وسیله رسانه‌های گروهی و رهبران عقیدتی به آنها تلقین می‌شود.

Master and Slave

خدایگان و بنده؛ ارباب و برده

بخش اساسی از کتاب پدیدارشناسی ذهن (روح)، نوشته هگل (۱۸۳۱-۱۷۷۰) فیلسوف آلمانی که حرکت دیالکتیکی را بر حسب جستجو برای خودآگاهی واقعی با شناخت متقابل نشان می‌دهد. اگرچه خدایگان یا ارباب، موفق به کنترل بنده یا برده می‌شود (و به زندگی مرفه روی می‌آورد و از واقعیت دور می‌شود) بنده نیز از طریق کار، به درجه‌ای از «خودپروانی» می‌رسد. ولی با توجه به این واقعیت که هیچکدام از آنها دیگری را به عنوان موجودی آزاد نمی‌شناسد، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که خودآگاهی واقعی آسان به دست نمی‌آید و یا دست نیافتنی است. در نظر هگل، سراسر تاریخ بشر، سیر به سمت کمال روحی و معنوی است. در سیر تاریخ بشر، غایت و هدفی است که وظیفه مورخ، کشف آن غایت و هدف است و این غایت و هدف، وصول تدریجی به آزادی است. گام اول در تاریخ، گذر از حالت طبیعی و توحش به دوره نظم و قانون است که توسط نهاد دولت با زور برقرار می‌شود. در سیر تاریخ به سمت آزادی نیز باید از مراحل عبور کرد. در مرحله نخست که دولتهای شرقی وجود داشتند، یک نفر آزاد بود که همان رئیس دولت بود و دیگران بنده بودند. در مرحله وسط که شامل دولتهای روم و یونان است، عده‌ای آزاد بودند. در مرحله آخر (زمان هگل) یعنی مرحله دولتهای جدید اروپائی، عده آزادهای بیشتر است.

Master Plan (Guide Plan)

برنامه اصلی؛ طرح هادی؛ طرح جامع

برنامه یا طرحی که رهنمودهای کلی در مورد یک موضوع ارائه می‌دهد.

Master Race

نژاد برتر؛ نژاد سرور

نظریه غیرواقعی و غیرانسانی نازیها مبنی بر تفوق نژاد ملت‌های شمال اروپا بر نژادهای دیگر. برخلاف ادعای نژادپرستان، هیچ نژادی را نمی‌توان پاک و مستقل از نژادهای دیگر دانست. تفاوت نژادها، تفاوت‌های ساده بدنی هستند و تأثیر قابلی در ذهن ندارند و پایدار و جاودان نیز نیستند، بلکه موافق مقتضیات محیط، تغییر می‌یابند.

Materialism

ماتریالیسم؛ مادپرستی؛ ماده‌پرستی؛ ماده‌گرایی

مکتبی که ماده و طبیعت را بر روح و تفکر مقدم می‌شمارد و معتقد است ماده قبل از پیدایش شعور وجود داشته و شعور نتیجه تکامل طولانی ماده است. معنی دیگر ماتریالیسم این است که انسان به آنچه که می‌بیند یا لمس می‌کند یا استفاده می‌کند و همچنین به تملک آن، ارجح دارد و به رخ دیگران بکشد و آن را برتر از ارزشهای معنوی چون آزادی و زیبایی یا ارزشهای انسانی چون محبت به دیگران به‌شمار آورد.

اطرافیان و واکنش نشان می‌دهد. به نظر راجر اسکروتون، بدون این اصل پیوند دهنده، جماعات از خودشان دارای شخصیت و عوامل برپایان دارای قدرت و انقلابها نیز به آسانی امکان پذیر نیستند.

Massification

توده کردن؛ توده سازی

جریان تبدیل کردن مردم است به توده‌ای قابل اداره شدن و بی فکر. توده سازی نتیجه پدیده‌های گوناگون بهم پیوسته‌ای مثل تولید و مصرف انبوه، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و بویژه تلویزیون بر زندگی اجتماعی است. در سازمانی که به منظور بازی دادن و فریب به وجود آمده است، مردم فقط به صورت اشیای هدایت شده - خود را با هدفهای فریفتگران تطبیق می‌دهند. در سازمان راستین، افراد در جریان سازماندهی نقشی فعال دارند و هدفهای سازمان به وسیله دیگران تحمیل نمی‌شود. در حالت اول، سازمان وسیله‌ای برای توده سازی و در حالت دوم، وسیله‌ای برای آزادسازی است.

Massive Retaliation

تلافی بزرگ

دکترین جان فوستر دالس که در ژانویه سال ۱۹۵۴ اعلام شد. به موجب این دکترین، هرگاه کشورهای کمونیست (بویژه شوروی سابق) بخواهند وضع موجود بین المللی را تغییر دهند و در صدد گسترش کمونیسم برآیند، باید منتظر کیفری سخت به صورت انتقام گیری هسته‌ای بازدارنده باشند. دالس چندی بعد، پیشنهاد تشکیل یک جبهه متحد بین المللی را برای جلوگیری از پیشروی کمونیستها در آسیای جنوب شرقی مطرح کرد و حتی سخن از حمله به خاک چین کمونیست در صورت نشان دادن عکس العمل به میان آورد. شوروی (سابق) اندکی بعد از مطرح شدن دکترین تلافی بزرگ اعلام کرد که بمب هیدروژنی و موشک قاره پیما در اختیار دارد و در سال ۱۹۵۷ نیز با پرتاب اولین قمر مصنوعی به نام اسپوتنیک، موجبات بی اعتباری دکترین دالس را فراهم آورد. دکترین تلافی بزرگ از سال ۱۹۵۴ تا سال ۱۹۶۶ در سیاست سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نافذ بود و سپس با دکترین "پاسخ انعطاف پذیر" تعدیل شد.

Mass Movement

نهضت توده‌ای؛ جنبش توده گیر

۱- اعتراض بدون سازمان و بدون نقشه و قصد قبلی مردم در مکانهای مختلف جغرافیایی در نتیجه نارضایی از اوضاع و احوال موجود و ناآرامی اجتماعی. ۲- حرکت وسیع، جمعی و در اعماق جامعه.

Mass Politics

سیاست توده گیر

این واژه بیانگر مشارکت گسترده مردم عادی در امور سیاسی است.

Mass Society

جامعه توده‌وار؛ جامعه توده‌ای؛ جامعه وسیع

۱- جامعه مملو از توده‌های انسانی (جوامع صنعتی و غیر سنتی) و دارای روابط سازمانی و غیر شخصی. ۲- جوامع صنعتی و شهرنشین معاصر را به علت یکسان شدن تقریبی کیفیت مصرف، آموزش و پرورش، تفریح و سایر شئون زندگی، جوامع توده‌وار نامیده‌اند. از خودبیگانگی، تهی بودن روابط اجتماعی از ملاحظات اخلاقی، عدم امکان تظاهر افکار و سلیقه‌ها و تمایلات و

مارکس، انگلس و لنین است. مارکسیسم - لنینیسم، عنوانی است که سابقاً اغلب احزاب کمونیستی برای ایدئولوژی خود به کار می‌بردند و به این وسیله، خود را از احزاب و جریانهای مارکسیستی که به آموزشهای لنین پیرامون امکان انقلاب سوسیالیستی در یک کشور، لزوم دیکتاتوری پرولتاریا پس از پیروزی انقلاب و ساختمان لنینی حزب کمونیست (پیشاهنگ پرولتاریا) و سانتالیسم دموکراتیک اعتقاد نداشتند، جدا می‌کردند. مارکسیسم - لنینیسم در اصل، ایدئولوژی نهضت کارگری بود ولی عملاً در بعضی کشورها به صورت ایدئولوژی رسمی و محافظه کارانه طبقه حاکمه یعنی بوروکراتها و مدیران دولتی درآمد. وقوع انقلاب در کشورهای غیرصنعتی مثل چین، مقاومت کشورهای سرمایه‌داری در حفظ نظام سرمایه‌داری و تحولات سالهای اخیر در بلوک شرق مسائل جدیدی را در مورد این ایدئولوژی مطرح کرده است. به نظر عده‌ای، ایدئولوژی باید با شرایط روز هماهنگ باشد. سابقاً چپ، نظریه‌ها و ایدئولوژیهای ناب زمان خود را به وجود آورد. اما آنها با شرایط دیگری هماهنگ بودند و نه با شرایط امروزی. نیروی چپ نباید خود را از آن گذشته جدا سازد و یا به نفعی آن بپردازد. از طرف دیگر نباید نظریه‌ها و رهنمودهای سابق را به جرم تبدیل کرد. برای آنکه بتوان پاسخگوی مسایل دوران جدید بود، نه تنها باید مارکسیسم خود را با راه‌حلهای جدید به کار بست، بلکه لازم است بازیگران جدید و نهضتهای اجتماعی جدید مثل نهضتهای دینی انقلابی، نهضت دفاع از محیط زیست و طبیعت و نهضت آزادی زنان را به صحنه پیکار وارد کرد و همچنین توجه نیروی چپ را از جمله به موارد زیر جلب نمود: ۱- خطر جنگ اتمی یا جنگ مشابهی با سلاحهای نابودی جمعی مثل جنگ میکروبی. ۲- محیط زیست و انفجار جمعیت. ۳- بیماری، گرسنگی و فقر در کشورهای عقب افتاده، کم‌رشد و در حال توسعه که مسئول آن، نظام اجتماعی و اقتصادی حاکم بر کشورهای سرمایه‌داری و صنعتی پیشرفته است. ۴- مسائل ناشی از دومین انقلاب صنعتی یا انقلاب علمی و فنی یا موج سوم. ۵- دفاع از پیوند بین دموکراسی و عدالت اجتماعی. ۶- دفاع از جامعه مدنی در برابر دولت یا جامعه سیاسی به منظور رسیدن به دموکراسی اصیل و بنیادی. ۷- توجه به حقوق و آزادیهای فردی و ارزشهای اخلاقی.

Mass

توده

جمع وسیع و با تجانس افراد معمولاً ناخشنود و پرخاشگر که در جمعیتها و یا احزاب سیاسی عضویت ندارند، مسائل سیاسی برای آنها به صورت ساده مطرح است و از وسایل اعمال قدرت و نفوذ مستقیم نیز برخوردار نیستند. واژه توده‌ها Masses نیز به اکثریت فرودست یا پایین‌ترین طبقه جامعه یا مجموعه مردم عادی اطلاق می‌شود.

Massacre

قتل عام؛ کشتار جمعی

کشتار افراد بی‌دفاع در جنگ که مطابق حقوق بین‌المللی ممنوع و عامل آن، جنایتکار جنگی شمرده می‌شود.

Mass Hysteria

جنون توده‌ای؛ هیستری جمعی

پدیده‌ی واکنش سرایت‌کننده در عوام‌الناس یا انبوههای خلق که در آنها هر عضو، بدون درک علت یا هدف هیجان خود، از روی همدلی نسبت به شور و شوق، خوشی، غرور، خشم، ترس، دلواپسی یا اضطراب

ظاهر شد. سیدالشهدا، امام حسین (ع) وقتی به طرف کربلا می آمد، اشعاری به این مضمون می خواند: "اگرچه دنیا زیبا و دوست داشتنی است، دنیا آدم را به طرف خودش می کشد، اما خانه پادشاه الهی، خانه آخرت خیلی از دنیا زیباتر است، خیلی از دنیا بالاتر و عالی تر است. اگر مال دنیا را آخر کار باید گذاشت و رفت، پس چرا انسان آن را در راه خدا انفاق نکند. و اگر این بدنهای ما ساخته شده است که آخر کار بمیرد، پس چرا در راه خدا با شمشیر قطعه قطعه نشود؟" در تاریخ شیعه، واقعه شهادت امام حسین (ع) از نظر اهمیت بعد از واقعه غدیر خم (نصب پیامبر (ص) حضرت علی (ع) را به جانشینی خود) قرار دارد.

شهیدشناسی

بررسی و مطالعه زندگی و رنج های شهدا.

Martyrology

سوسیالیسم مارکسی

سوسیالیسم مبتنی بر عقاید مارکس که آن را سوسیالیسم علمی یا کمونیسم نیز می خوانند و براساس آن، عمل رهایی بخش انقلابی براندازی سرمایه داری مطرح است. این نوع سوسیالیسم در جریان تحقق تاریخی خود تقسیماتی مثل سوسیالیسم روسی، سوسیالیسم چینی و برحسب مرام و روش رهبران آن، تقسیماتی مثل انقلاب دائمی، سوسیالیسم در یک کشور، استالینیسم و همزیستی مسالمت آمیز یافته است.

Marxian Socialism

مارکسیسم

واژه مارکسیسم از نام کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، بنیانگذار سوسیالیسم علمی گرفته شده و عبارت است از مجموعه نظریات و آموزشهای فلسفی و سیاسی و اقتصادی مارکس و فردریک انگلس (۱۸۲۰-۱۸۹۵). این مکتب، قدرتهای مادی تولید و مبارزه طبقاتی را نیروهای بنیادی فعال در تاریخ می داند. مطلب اساسی در مارکسیسم، مدلل کردن نقش و رسالت تاریخی پرولتاریا به عنوان سازنده جامعه بدون طبقه کمونیستی است. مارکسیسم بر بنیاد فلسفی ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی قرار دارد. نظریه ارزش اضافی (تفاوت مزد کارگر و ارزش کالایی که طی یک دوره معین تولید می شود)، ماتریالیسم تاریخی (اعتقاد به اینکه نظام اجتماع بر پایه شرایط اقتصادی قرار دارد و تولید مادی نقش تعیین کننده را در تکامل آن ایفا می کند و زندگی فرهنگی نیز انعکاسی از نظام اقتصادی جامعه است)، مبارزه طبقاتی (تاریخ کلیه جوامع انسانی که پدید آمده اند تاریخ مبارزه طبقاتی است که گاهی پنهان و گاهی آشکار ادامه یافته است)، رابطه متقابل استثمار و مالکیت، نفی دولت (نهاد زورگویی اجتماعی متعلق به دوران روابط و کشمکشهای طبقاتی که با از میان رفتن طبقات اجتماعی علت وجودی آن نیز از بین می رود)، انقلاب (انقلاب دموکراتیک یا بورژوا - دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی) و دیکتاتوری پرولتاریا از جمله اختصاصات مارکسیسم شمرده می شوند.

Marxism-Leninism

مارکسیسم - لنینیسم

این واژه در روسیه شوروی و بعد از مرگ لنین مصطلح شد و بیانگر مجموعه آموزشهای

Market Socialism

سوسیالیسم مبتنی بر بازار؛ سوسیالیسم بازار

نظام اقتصادی که براساس آن وسایل تولید در مالکیت اجتماعی (دولت) قرار می‌گیرد و تصمیمات مهم و مدیریت توسعه به صورت مرکزی یا متمرکز برنامه‌ریزی می‌شود و عملیات اقتصادی به نیروهای بازار واگذار می‌گردد.

Marshall Plan

طرح مارشال

طرحی برای بازسازی و توسعه اقتصادی اروپا پس از جنگ دوم جهانی که جرج مارشال وزیر امور خارجه آمریکا در ۵ ژوئن ۱۹۴۷ ضمن نطقی در هاروارد پیشنهاد کرد و تنها در اروپای غربی، ترکیه و یونان به اجرا درآمد. ایالات متحده آمریکا از طریق ارائه کمکهای اقتصادی و فنی به کشورهای مزبور، پایه‌های نفوذ خود را در اروپا مستحکم نمود و از بسط و نفوذ کمونیسم نیز جلوگیری به عمل آورد. نام دیگر طرح مارشال، برنامه بازسازی اروپاست. اکنون سازمان همکاری اقتصادی و توسعه جانشین آن است.

Martens Clause

شرط مارتنز

این اصطلاح بیانگر رعایت اصول انسانی و ندای وجدان عمومی در مخاصمات مسلحانه است و از اعلامیه پروفیسور فون مارتنز نماینده دولت روسیه تزاری در کنفرانس صلح ۱۸۹۹ لاهه گرفته شده و مفهوم آن در مقدمه کنوانسیون دوم لاهه (۱۸۹۹) به شرح زیر بیان شده است: تا هنگامی که مجموعه کاملی از مقررات جنگ صادر شود، دولت‌های متعاقد، حق خود می‌دانند که اعلام نمایند در مواردی که مشمول مقررات مصوب آنها نیست، جمعیتها (غیرنظامی) و نظامیان، تحت حمایت و حفاظت آن دسته از مقررات حقوق بین‌الملل قرار گیرند که ناشی از رسوم و رویه ملل متعتمدن و قوانین بشری، اصول انسانی و ندای وجدان عمومی Dictates of Public Conscience است.

Martial Law

قانون حکومت نظامی؛ حکومت نظامی

۱- قانونی که در بحرانهای سیاسی و وضع فوق‌العاده و برای جلوگیری از شورش و توطئه علیه حکومت ملی و قانونی اجرای می‌شود و به طور موقت، اختیارات پلیسی را از مقامات غیرنظامی سلب و به مقامات نظامی واگذار می‌کند و در مقیاس وسیعی صلاحیت دادگاههای نظامی را جانشین صلاحیت دادگاههای غیرنظامی می‌کند. ۲- قدرت نظامی که در حال غیرعادی برای اجرای مقاصد دولت، پلیس و قوای امنیتی را در اختیار می‌گیرد و پس از رفع بحران برچیده می‌شود.

Martyrdom

شهادت

۱- کشته شدن در راه عقیده. ۲- در اصطلاح حدیث و همچنین در تاریخ و ادب اسلامی به کشته شدن ضمن جهاد در راه خدا به دست مخالفان دین گفته می‌شود. شهادت شامل دو رکن است: یکی اینکه در راه خدا و فی سبیل الله باشد، هدف مقدس باشد و انسان بخواهد جان خود را فدای هدف نماید. دیگر اینکه آگاهانه صورت گرفته باشد. نشاط شهادت یا روحیه شهادت طلبی چنانکه در بین مسلمانان صدر اسلام وجود داشت، در نهضتهای اسلامی کنونی نیز مشهود است. مثلاً این روحیه در جریان جنگ تحمیلی، توسط پاسداران و رزمندگان انقلاب اسلامی ایران به نحو اعجاب‌انگیزی

Marine Corps**تفنگداران دریایی**

نیروی مسلح مختلطی متشکل از سربازان هوایی و دریایی که برای عملیات تهاجمی آبی - خاکی آموزش دیده و سازماندهی شده‌اند. تفنگ ام ۱۶ - اسلحه اصلی پیاده نظام تفنگداران دریایی است. مرکز فرماندهی تفنگداران دریایی در شهر واشنگتن قرار دارد. نیروی تفنگداران دریایی در اکثر جنگهای ایالات متحده آمریکا، اولین نیروئی بوده که وارد جنگ شده است. این نیرو تاکنون بیش از سیصد مورد عملیات پیاده شدن در سواحل کشورهای بیگانه انجام داده است.

Mariq (Defector)**مارق**

اصطلاح از حضرت علی (ع) و در مورد کسی به کار می‌رود که در اثر اشتباه، بی‌شعوری، تعصب، تبلیغات داخلی و خارجی، بدآموزی مغرضان، عقده حسد، خودخواهی و جز اینها، از راه دین خارج می‌گردد و با حق، دشمنی آغاز می‌کند و آلت فعل دشمن و عروسک دست قاسطین و ناکثین می‌شود.

Maritime Law**حقوق دریایی**

مجموعه قوانین و مقررات و عرف دریایی است که حاکم بر روابط افراد و دولتها در تمام موضوعها و مسائل و فعالیتهای مربوط به دریا است.

Market**بازار**

۱- میدانی برای مبادله که اشخاص در آن می‌کوشند حداکثر امتیازات را به دست آورند. ۲- مجموعه شرایطی که نقش قاطعی دارند برای تعداد و ماهیت معاملات مربوط به فروش یا اجاره کالا یا خدمات ویژه، برای انجام کاری برای دیگران یا برای قرض دادن پول که هر یک از این موارد در طول مدتی معین و در موقعیت جغرافیایی ویژه یا بین اشخاص معین صورت می‌گیرد. اقتصاد بازار نیز به اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن، پرنفوذترین عامل بر قیمتها و مقدار کالایی که باید عرضه شود، عبارت است از تصمیم مصرف کننده مبنی بر اینکه او کالای خاصی را با قیمتی خاص خریداری نماید یا نه. دخالت دولت در اقتصاد بازاری به حداقل می‌رسد. مکانیسم بازار هم به این معنی است که قیمتهای کالاها و خدمات، آزادانه با افزایش یا کاهش تقاضای خریداران یا با افزایش یا کاهش عرضه توسط تولیدکنندگان، افزایش یا کاهش پیدا می‌کند. بازار در جوامع کنونی محدود به روابط تجاری به معنی خاص کلمه نیست، بلکه در تمام فعالیتهای اقتصادی - اعم از تولید و توزیع - نقش دارد و به عنوان شبکه اطلاعاتی و نظام تخصیص منابع عمل می‌کند. بازار در ایران معمولاً پدیده‌ای محدود به تجارت، دارای ویژگی سوداگرانه، غیررقابتی، وابسته به قدرت سیاسی و آمیخته با انواع انحصارات و امتیازات است.

Market Forces**نیروهای بازار**

فشارهای ناشی از عمل آزاد عرضه و تقاضا که باعث تعدیل و تطبیق قیمتها یا مقادیر مورد معامله می‌شود.

Market Mechanism**نظام بازار؛ مکانیسم بازار**

به نظامی اطلاق می‌شود که در آن قیمتهای کالاها و خدمات، آزادانه با کاهش یا افزایش تقاضای خریداران یا با کاهش یا افزایش عرضه به وسیله تولیدکنندگان، کاهش یا افزایش پیدا می‌کند.

ایدئولوژی و استراتژی انقلاب و تطابق مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط چین. مائو از جمله، مشی انقلاب دموکراتیک نوین و استراتژی و تاکتیک انقلاب در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره را تدوین کرد. طرفداران مائو بجای واژه مائوئیسم، واژه "مائوتسه دون اندیشه" را به کار می‌برند. مائوئیسم از نظر بعضی مارکسیست - لنینیستها، آمیزه‌ای است از نظریات آتارشیستی و نارودیستی درباره رسالت تاریخی دهقانان و عبارت پردازیهای انقلابی نمای تروتسکیسم و مبانی نظریات فیلسوفان چین باستان. مائو خواستار بازگرداندن عظمت و استقلال چین بود و برای نیل به این هدف، اعتقاد داشت که: ۱ - چین یک قدرت جهانی است که باید نظریاتش در جهان مطرح شود. ۲ - نظام بین‌المللی موجود که غرب آن را ایجاد کرده است غیر عادلانه است. ۳ - اندیشه مائو می‌تواند چین را در مسیر مناسب برای رسیدن به یک کشور مدرن سوسیالیست و درجه اول قرار دهد. ۴ - تأکید بر خودکفائی.

Mare Nostrum

دریای ما

واژه لاتین به معنی دریای ما. سیاست دریای ما، مبتنی است بر کنترل کامل دریای سرزمینی. مثلاً سیاست دریای ما که از سوی موسولینی مطرح شد، حاکی از تمایلات امپریالیستی او برای تسلط بر دریای آدریاتیک، شمال مدیترانه و ملل هم مرز با آن بود.

Margarine Communist

کمونیست مارگارین

در دوران اختلاف استالین و مائو، روسها چینها را کمونیست مارگارین می‌خواندند، یعنی کسانی که هنوز در مرحله خوردن کره نباتی هستند و در مقابل، چینها به روسها کمونیست گولاش (غذای روسی مرکب از گوشت و سبزی با چاشنی پاپریکا) می‌گفتند که اصول را به فراموشی سپرده‌اند.

Marginalism

حاشیه‌نشینی

قرار گرفتن اجباری یا ارادی در کناره متن، مرکز یا کانون که دارای انواع مختلفی است: حاشیه‌نشینی سیاسی، اداری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و جز اینها.

Marginals

حاشیه‌نشینان

در جامعه‌شناسی و علم سیاست به افراد غیرفعال در جریانات سیاسی اطلاق می‌گردد که یا از دخالت در امور سیاسی کنار کشیده‌اند یا کنار زده شده‌اند.

Marginal Sea

دریای ساحلی

قسمتی از آبهای مجاور سواحل یک کشور تا حد سه میل دریایی (حدود ۵/۵ کیلومتر).

Marginal Seat

کرسی حاشیه‌ای

به یک کرسی در مجلس قانونگذاری اطلاق می‌شود که ظاهراً احتمال دارد که در انتخابات بعدی دست به دست شود، زیرا کاندیدای وقت آن دارای اکثریت ناچیزی است.

Marianne

ماریان

سمبل انقلاب فرانسه و میهن پرستی فرانسویان که به صورت یک زن جوان مجسم می‌شود و بیانگر به اصطلاح مام میهن است.

بیانیه سال ۲۰۰۰

Manifesto 2000

گروهی از برندگان جایزه صلح نوبل که برای بزرگداشت پنجاهمین سال اعلامیه جهانی حقوق بشر گرد آمده بودند، پیش‌نویس بیانیه سال ۲۰۰۰ برای دستیابی به فرهنگ صلح و عدم خشونت را تهیه کردند. این بیانیه در چهارم مارس ۱۹۹۹ در پاریس منتشر شد و همه مردم دنیا می‌توانند آن را امضاء کنند. رئوس بیانیه سال ۲۰۰۰ برای فرهنگ صلح و عدم خشونت به شرح زیر است: من با تشخیص سهم و مسئولیت خود در قبال آینده بشر و بویژه کودکان امروز و فردا، متعهد می‌شوم که در زندگی روزانه، در خانواده، در محیط کار، در جامعه، کشور و منطقه‌ام: ۱- زندگی تمام افراد بشر را محترم بشمارم. ۲- خشونت را نفی کنم. ۳- با دیگران مشارکت ورزم. ۴- گوش بسپارم و درک کنم و از آزادی بیان و تنوع فرهنگی دفاع کنم. ۵- از سیاره زمین حفاظت کنم. ۶- همبستگی را از نو بشناسم. در توسعه جامعه خود با مشارکت کامل زنان و با رعایت اصول آزادی، برای ایجاد اشکال جدید همبستگی سهیم باشم.

Manipulation (Of Opinion)

کنترل عقاید؛ دست‌آموزی؛ فریفتگری؛ بازی دادن؛

آلت دست قرار دادن؛ فریب؛ دستکاری

به هر نوع دستکاری در تصمیم‌گیری دیگران گفته می‌شود، بدون اینکه تصمیم‌گیرندگان از آن مطلع باشند. فریفتگری مانند شیوه تفرقه‌اندازی، وسیله‌ای است برای حفظ سلطه. قبل از سربر آوردن مردم، فریفتگری در کار نیست، بلکه بجای آن سرکوبی کامل است. سلطه‌گران به کمک فریفتگری می‌کوشند توده‌ها را با هدف‌های خود سازگار کنند. هرچه رشد سیاسی توده‌ها کمتر باشد، آسانتر می‌توانند آلت دست کسانی باشند که نمی‌خواهند قدرت را از دست بدهند. یکی از روش‌های فریفتگری، عجز کردن افراد به‌ولع فوق‌العاده طبقه متوسط به موفقیت شخصی است. این روش گاهی مستقیماً توسط سلطه‌گران انجام می‌شود و گاهی غیرمستقیم به‌وسیله رهبران عوام پسند صورت می‌گیرد. سلطه‌گران از طریق بازی دادن می‌توانند مردم را به‌نوع غیراصیلی از سازمان سوق بدهند، سازمانی که مردم در آن فقط اشیایی هدایت شده هستند. پادزهر فریفتگری، سازمان انقلابی آگاه نقادی است که جریان تاریخی، واقعیت ملی و نفس فریفتگری را برای مردم مطرح نماید.

Man on Horseback

منجی

در مورد فردی (معمولاً یک فرد نظامی) به کار می‌رود که محبوبیت و نفوذ او در میان توده‌ها به قدری است که می‌تواند ارکان حکومت موجود را به‌خطر اندازد. به‌طور کلی این واژه، نجات‌دهنده‌ای را مجسم می‌سازد که نوید بخش حل تمام مشکلات داخلی و خارجی یک کشور است.

Manpower

نیروی انسانی

۱- نیروی کار با مشخصات کمی و کیفی آن که در جایی موجود است. ۲- افرادی که برای کارکردن در دسترس قرار دارند. ۳- مجموع کارکنان یا نیروی کار یک واحد خاص.

Maoism

مائوایسم

مجموعه اندیشه‌های مائوتسه دون (۱۹۷۶-۱۸۹۳)، بنیانگذار حزب کمونیست چین، به‌عنوان

۳- تشخیص دهنده روابط، ارزشها و هنجارهای بین اشخاص در درون واحدش باشد. اکنون مدیران به صورت یک گروه خاص از طبقه مسلط درآمده‌اند که نقش و مقام ویژه‌ای در زندگی اقتصادی جامعه دارند و دارای قدرتی اقتصادی هستند و گاهی نیز از قدرت سیاسی برخوردار می‌شوند. جیمز برنهام در سال ۱۹۴۱ در کتاب خود به نام انقلاب مدیریتی، پیش‌بینی کرده بود که بالا گرفتن کار مدیران حرفه‌ای، طبقه جدیدی ایجاد می‌کند که جای طبقه حاکمه قدیمی سرمایه‌داران را می‌گیرد. اما تحقیقاتی که از دهه ۱۹۷۰ شروع شد، نشان داد که نظریه انقلاب مدیریتی مبالغه‌آمیز بوده است، زیرا هنوز نیز شرکتهای بزرگی وجود دارند که در آنها اشخاص و خانواده‌ها در سایه مالکیت خصوصی و سیعشان به عنوان صاحبان سهام، سیادت خویش را بر کلیه امور اعمال می‌نمایند.

Managerial Revolution

انقلاب مدیریتی

۱- جیمز برنهام جامعه‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۴۱ در کتاب خود به نام انقلاب مدیریتی، ظهور یک طبقه اجتماعی جدید مرکب از مدیران را پیش‌بینی کرده بود. او می‌گفت همانطور که لنین جنگ سال ۱۹۱۴ را آخرین جنگ امپریالیستی نامید، جنگ ۱۹۳۹ نیز اولین جنگ بزرگ جامعه مدیریتی است. اکنون اصطلاح انقلاب مدیریتی معمولاً برای اشاره به انتقال قدرت از صاحبان قانونی و وسایل تولید به مدیران کارآمد به کار می‌رود. ۲- انتقال کنترل و نظارت از سرمایه‌داران به مدیران.

Managing Director

مدیر عامل

شخصی که در مورد هدفهای کلی یک سازمان تصمیم می‌گیرد و منابعی را که باید برای دستیابی به آن هدفها فراهم شود تعیین می‌نماید و اغلب با مدیرانی کار می‌کند که هر یک در یک زمینه تخصصی فعالیت دارند. وی همچنین با تنظیم و اجرای خط مشی‌ها و برنامه‌ریزی بلندمدت سروکار دارد.

Mandate System

نظام سرپرستی

به موجب ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل به وجود آمد. نظام سرپرستی، تعدادی از مستعمرات آلمان و عثمانی را از تصرف آنها خارج کرد و در اختیار جامعه ملل گذاشت و جامعه مزبور، کشورهای خاصی را به عنوان سرپرست این مستعمرات تعیین کرد. انگیزه اصلی تشکیل نظام سرپرستی، حمایت از مردم مستعمرات بود. پس از ایجاد سازمان ملل متحد، این نظام به نظام قیمومت سازمان ملل متحد تبدیل شد.

Man (Human)

انسان؛ بشر

هر نوع آدم و به ویژه نوع هوشمند و صاحب فرهنگ.

Manifesto

بیانیه؛ مانیفست

پیام تفصیلی همراه با ابراز اصول عقاید خویش است که می‌تواند از جانب یک گروه یا حزب سیاسی، شخصیتها یا سازمانهای ادبی و هنری و جز اینها انتشار یابد. درمانیفست معمولاً جهان‌بینی، مرام و برنامه عمل و تصمیمها و پیشنهادهایی که باید انجام شود، قید می‌گردد.

Mala (Notables)

ملاء

۱- اصطلاح قرآنی برای اشاره به قدرتمندان سیاسی. ۲- اشراف قوم، اعیان، برگزیدگان و نیز زورمندان هر جامعه که می‌کوشند نهضت‌های حق طلبانه را با قدرت خود سرکوب کنند.

Maldevelopment

سوء توسعه

این اصطلاح در مورد نحوه توسعه کشورهای جهان سوم به کار رفته که اگرچه توسعه پیدا کرده‌اند، اما مرحله توسعه کلاسیک را از سر نگذرانده‌اند. بدین معنی که در تولید مواد اولیه توسعه داشته‌اند، اما در تولید فرآورده‌های آن مواد اولیه توسعه پیدا نکرده‌اند. از نظر ظهور طبقه کارگر یدی توسعه یافته‌اند، اما فاقد کارگران ماهرند.

Malism

بدذاتی جهان

اعتقاد به شربودن جهان.

Malthusianism

مالتوس‌گرایی

طرفداری از عقیده توماس رابرت مالتوس (۱۸۳۴-۱۷۶۶) روحانی و اقتصاددان انگلیسی، مبنی بر اینکه خواربار به نسبت تصاعد عددی و جمعیت به نسبت تصاعد هندسی افزایش می‌یابد و بنابراین، چون عدم تعادل و کمبود ایجاد می‌شود، محدود کردن نسل و کاهش جمعیت و جنگ برای رهایی از قحطی ضروری است. مالتوس همچنین بیم داشت که ازدیاد فقیران، تمایل آنها را بر اموال و املاک ثروتمندان افزایش دهد. نویسندگان و متفکران بعدی، ضمن قبول تحلیل وی در مورد افزایش جمعیت، نظر دادند که با اعمال سیاست‌های تنظیم خانواده در دوره ازدواج، تأمین نظم و عدالت اجتماعی، حفظ صلح، تکامل اختراعات و بالا بردن سطح فرهنگ و دانش مردم می‌توان از پیامدهای اصل جمعیت مالتوس در امان قرار گرفت.

Management

مدیریت

۱- علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیتهای دسته جمعی به منظور تأمین هدف یا هدفهای مشترک معین. ۲- تجهیز روانشناختی عوامل انسانی، فنی و اقتصادی به منظور سازمان دادن و انجام یک سلسله اقدامات مؤثر. ۳- عمل آگاهانه به منظور نیل به اهداف و مقاصد معین از طریق همکاری منطقی گروه‌های انسانی و استفاده مطلوب از امکانات موجود. ۴- فن و دانش سازمان دادن، راهنمایی کردن و کنترل فعالیتهای افراد و گروه‌ها برای رسیدن به هدفهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و جزاینها. ۵- کارکردن با دست دیگران. با این فرض که زیردستان با مدیران دارای منافع مشترکی نیستند، می‌توان این مورد را به طرق مختلف مثلاً به عنوان نتیجه استثمار یا معلول کشمکش بین صاحبان اقتدار و فاقدان اقتدار بیان کرد.

Manager

مدیر

شخصی که برای تصدی شغل مدیریت منصوب شده و چنین شغلی را به عنوان حرفه خود انتخاب کرده است. از جمله ویژگیهای مدیر آن است که: ۱- تحلیل‌گر شرایطی باشد که بر واحد او اثر می‌گذارد. ۲- فراهم کننده و تخصیص دهنده منابعی باشد که باید در واحد وی به کار گرفته شود.

Magnanimity

بلندهمتی؛ بزرگواری

خصوصیت اخلاقی مثبت، شکل مروّت و انسانیت در روابط روزمره با مردم، که به موجب آن، انسانیت از معیارهای پذیرفته شده عمومی فراتر می‌رود و فداکاری و از خودگذشتگی در برابر منافع دیگران و در مقابل بازندگان را به نمایش می‌گذارد.

Mainstream

جریان اصلی؛ جریان غالب

گرایش عمده و جریان غالب و رسمی و رایج و حاکم در هر مقوله مورد بحث.

Majoritarianism

اکثریت باوری؛ اکثریت سالاری

اعتقاد به فرمانروائی اکثریت یا رأی و نظر اکثریت در تصمیم‌گیریها.

Majority Party Government

حکومت حزب اکثریت

حکومت تشکیل شده توسط حزبی که بر تمام دیگر احزاب مجلس قانونگذاری اکثریت دارد. این وضع در نظامهای دوحزبی با نظام انتخاباتی «برنده با بیشترین رأی» تحقق می‌یابد.

Majority Rule

حکومت اکثریت؛ اصل اکثریت

اصولی که بر اساس آن، تصمیمات در دموکراسیها باید توسط بیشترین تعداد شهروندان در هر واحد سیاسی اتخاذ شود. الوین و هایدی تافلر در سال ۱۹۹۵ در کتاب به سوی تمدن جدید نوشته‌اند که: اولین اصل کفرآمیز حکومت موج سوم، قدرت اقلیت است. طبق این اصل، حکومت اکثریت که اصل مهم و مشروعیت بخش دوران موج دوم (انقلاب صنعتی) شمرده می‌شد، به تدریج اعتبارش را از دست می‌دهد. آنچه به حساب می‌آید، نه اکثریتها بلکه اقلیتها هستند و نظامهای سیاسی ما نیز باید هر چه بیشتر، بیانگر این واقعیت باشند. بدین ترتیب، پیشرفت تمدن موج سوم، مشروعیت بسیاری از حکومتهای موجود را متزلزل می‌کند. موج سوم، تمام فرضیه‌های مرسوم ما را دربارهٔ رابطه حکومت اکثریت با عدالت اجتماعی نیز به مبارزه می‌طلبد. در سراسر عصر تمدن موج دوم، مبارزه برای تحقق حکومت اکثریت، امری انسانی و آزادینخواهانه شمرده می‌شد. در کشورهایی که هنوز رو به صنعتی شدن دارند (مثل آفریقای جنوبی) این امر صادق است. حکومت اکثریت در جوامع موج دومی تقریباً همواره به معنی فرصت بهتر برای طبقات فرودست تلقی می‌شد، زیرا اکثریت جامعه را فرودستان تشکیل می‌دادند. اما اکنون در کشورهایی که در اثر موج سوم به لرزه درآمده‌اند، عکس آن صدق می‌کند. طبقه واقعاً فرودست، الزاماً از نظر کمی اکثریت جامعه را تشکیل نمی‌دهد. در تعداد زیادی از این کشورها، طبقه فرودست نیز مانند سایر گروهها به یک اقلیت تبدیل شده است. بنابراین، نه تنها حکومت اکثریت به عنوان یک اصل مشروع، دیگر مناسبتی ندارد، بلکه در جوامعی که به سوی موج سوم حرکت کرده‌اند، این اصل الزاماً انسانی یا دموکراتیک شمرده نمی‌شود. اکنون باید نهادهایی ایجاد کرد که نسبت به نیازهای متغیر اقلیت‌های در حال تحول و تکثر حساس باشند.

Maladministration

سوء مدیریت؛ مدیریت بد

شکست و عدم موفقیت در رعایت معیارهای درست اداره. عدم صلاحیت و بی‌لیاقتی مدیران، مسأله دیگری است.

Macroeconomics**اقتصاد کلان**

تجزیه و تحلیل و توصیف اقتصادی با کمیتها و داده‌های کلی مثل هزینه و درآمد و مصرف و سرمایه‌گذاری کل، اشتغال کامل، بیکاری و سطح قیمتها.

Macropolitique**کلان سیاست**

واژه فرانسوی که مورس دوورژه برای بیان سیاست حاکم بر مجموعه‌های بزرگ که در آن، تماس شخصی وجود ندارد و روابط با واسطه صورت می‌گیرد، به کار برده است.

Mafia**مافیا**

۱- هر گروه یا تشکیلات سری غیرقانونی و فاسد. ۲- دسته‌های متشکل راهزنان سیسیلی که با مهاجران ایتالیایی به آمریکا نیز راه یافت. مافیا در آنجا اقدام به عملیات غیرقانونی مثل تجارت مواد مخدر، اعمال خلاف قانون و قمار زد. مدتها، مافیا را تنها محصول ایتالیا می‌شناختند که شاخه‌ای از آن در آمریکا هم ظاهر شد. اینک مافیایا یا شبه مافیایا متعددی وجود دارند که در سراسر جهان به سرعت گسترش می‌یابند. یکی از مقامات پلیس آمریکا گفته است که مافیای روسیه از مافیای ایتالیا پیشی گرفته است به طوری که ۳۰ گروه از ۸۰۰۰ گروه تبهکار متشکل فعال در آمریکا، روسی هستند. وجه مشترک همه آنها نفع شخصی و پول است. فعالیت این دسته مافیا معمولاً در سه رشته: سرمایه‌گذاری، قاچاق مواد مخدر و روسپیگری است. مافیا، پدیده پول‌پرستی، بی‌تعدالی و بی‌هنجاری است. یک گروه متشکل با مقررات خاص خود که برخلاف قواعد و مقررات کشور است، از طریقی که خود گروه، مجاز می‌داند به تحصیل مال اقدام می‌کند و گاهی در جناحی از حکومت و دولت ریشه می‌دواند و پول چنان برایش مهم است که برای زندگی تجملی و پرریخت و پاش و خوشگذرانی، از خطر کردن و جان برسر آن گذاشتن هراسی ندارد.

Mafianomics**اقتصاد مافیاسالار؛ اقتصاد مافیایی**

از نظر احمد سیف، اقتصاددان ایرانی، اقتصادی است بی در و پیکر و بی‌حساب و کتاب که فعالیت‌های عمده اقتصادی در عرصه توزیع انجام می‌گیرد. در این نوع اقتصادها، دلالان و باجخواهان و انگل‌های اقتصادی همه کاره‌اند، نه کسانی که ارزش افزوده تولید می‌کنند.

Magna Carta (Great Charter)**ماگنا کارتا؛ منشور کبیر**

چون جان لکلند پادشاه انگلستان، جوانترین پسر هنری که جبار، ضعیف‌الاراده، شهوتران و پست بود، خواست پا را از آنچه طبق قوانین فئودال به او تعلق می‌گرفت فراتر بگذارد، بارونهای فئودال و کشیشان و مردم شهرها علیه او متحد شدند و امتیازات خود را طبق سند ماگنا کارتا تثبیت کردند. سند تاریخی ماگنا کارتا در ۱۵ ژوئن ۱۲۱۵ با امضای جان لکلند پادشاه انگلستان و خطاب به بارونهای فئودال و شوالیه‌ها و کشیشان آن کشور صادر شد و ضامن بعضی آزادیهای اساسی برای طبقات مختلف بود و شاه را نیز تابع قانون می‌کرد. همین اتحاد، علیه هنری سوم تجدید شد و به پیدایش مجلس عوام در کنار مجلس لردها یا اعیان انجامید. ماگنا کارتا یکی از مهمترین مدارک در تاریخ پارلمانی جهان شمرده می‌شود.

اخلاقی در امور سیاسی را می‌رساند. ماکیاول در کتاب شه‌ریار نوشته است اگر شه‌ریار مایل به ادامه سلطنت خود باشد باید بیاموزد که چگونه با فضیلت نباشد. زیرا کسی که بخواهد در هر کاری بر اساس فضیلت رفتار نماید، ناگزیر گرفتار رنج و اندوه می‌شود. از این رو، شه‌ریار باید از روباه و شیر بیاموزد. زیرا شیر در برابر دام‌ها بی‌دفاع است و روباه در برابر گرگ‌ها. پس شاهزاده باید هم روباه باشد که دام‌ها را تشخیص دهد و هم شیر باشد تا گرگ‌ها را بترساند و از خود دور سازد. وی همچنین نوشته است حاکم معاصر می‌باید نام او برده نشود، از چیزی جز خیرخواهی و صلح سخن نمی‌گوید، در حالی که او هم دشمن صلح و هم دشمن خیرخواهی است. اگر او به یکی از این دو مورد عمل می‌کرد، تاکنون چندین بار دم و دستگاه خود را از دست داده و یا از حکومت برکنار شده بود.

ماکیاولیسم؛ آیین ماکیاولی

Machiavellism (Machiavellianism)

۱- سیاست حيله و تزوير. ۲- اصل ریاکارانه هدفها توجیه کننده وسیله‌ها هستند. ۳- رواداشتن هرگونه شیوه‌ای - حتی منافی اخلاق و شرف و عدالت - برای نیل به هدف سیاسی خود. این واژه از نام ماکیاول (۱۴۶۹-۱۵۲۷) گرفته شده که نظریات او مختصراً به‌قرار زیر است: "مرد سیاسی سیاستمدار باید کاملاً واقع‌بین و مادی و جدی و قوی باشد. باید آن‌گونه سخت باشد که اگر تکالیف دینی و اخلاقی و احساسات سد راه او بشود، از آنها جداً صرف‌نظر کند و هدفی جز رسیدن به مقصود نداشته باشد. برای نیل به مقصود، سیاستمدار باید نخست در میهن پرستی و تظاهر به آن، افراط بی‌اندازه نشان دهد. همه چیز مردم خودی را اعم از مال و جان و بزرگ و کوچک باید به مصرف قوای نظامی برساند. تمام قوای نظامی و نیروی مادی و معنوی مردم را برای جهانگیری و جهانخواهی به کار برد." استعمار و فاشیسم و نازیسم را می‌توان حاصل کاربندی اندرزهای ماکیاول دانست. ولی امروزه برخی دولتها، هر اندازه که به راهنمایی ماکیاول، در تحمیل اراده خود بر مردم و همسایگان نشان کامیاب شوند، نمی‌توانند برای مدتی دراز، به عواقب اخلاقی سیاست خود بی‌اعتناء باشند. زیرا رنجش و خشم پنهان مردم از گستاخی دولتها در نقض حرمت اخلاق و دین و قانون، مانعی بزرگ بر سر راه توفیق برنامه‌های رسمی است.

دسیسه

Machination

دوز و کلک، توطئه یا اسباب چینی به قصد ایجاد جنگ و عداوت.

Machine

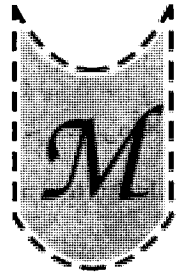
ماشین؛ دستگاه رهبری

واژه‌ای که در مورد یک سازمان سیاسی یا نظامی بسیار منضبط و منظم و معمولاً فاقد اصول اخلاقی به کار می‌رود.

Machinism

ماشینیسم

جانشین شدن ماشین و نیروهای محرکه طبیعی به جای انسان که از حدود صنایع بزرگ و سنگین تجاوز کند و در سراسر شئون زندگی فردی و اجتماعی رسوخ نماید. مهم‌ترین ویژگی آن، تبدیل انسان به ماشین فرمانبر است: رفتارها یکسان، گفتارها یکدست و جایی برای اندیشیدن نیست. این واژه بین سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ رواج داشت.



پیمان ماستریخت

Maastricht Treaty

پیمانی که در دهم دسامبر سال ۱۹۹۱ در شهر ماستریخت هلند توسط سران ۱۲ کشور عضو جامعه اقتصادی اروپا یعنی: آلمان، اسپانیا، انگلستان، ایتالیا، ایرلند، بلژیک، پرتغال، دانمارک، فرانسه، لوکزامبورگ، هلند و یونان به امضا رسید. هدف عهدنامه ماستریخت، ایجاد وحدت سیاسی و اقتصادی اروپا است. تأسیس پول واحد، به رسمیت شناختن شهروند اروپایی، همکاری نزدیک بین کشورهای عضو در زمینه‌های سیاست خارجی و امنیت مشترک، دادگستری و امور داخلی از جمله مسائل پیش‌بینی شده در پیمان وحدت اروپا است. این پیمان از طریق مجالس قانونگذاری یا همه‌پرسی در کشورهای عضو به تصویب می‌رسد. چنانکه مردم دانمارک در همه‌پرسی ۱۸ مه ۱۹۹۳، انگلستان در دوم اوت و آلمان با موافقت دادگاه قانون اساسی در اول نوامبر سال ۱۹۹۳ پیمان ماستریخت را مورد تصویب قرار دادند. براساس مفاد این پیمان، کشورهای عضو از سال ۱۹۹۷ یا حداکثر از سال ۱۹۹۹ به بعد از ارز واحدی (به نام یورو) به جای ارزهای رایج خود استفاده خواهند کرد. همچنین، برخورداری از هویت شهروند اروپایی به اتباع کشورهای عضو جامعه اروپا اجازه می‌دهد تا بتوانند در انتخابات اروپایی و شهرداریها در هر کشور از کشورهای عضو که ساکن باشند شرکت کنند و حق انتخاب شدن در این انتخابات را هم داشته باشند. پیمان ماستریخت، جامعه (اقتصادی) اروپا را به "اتحادیه اروپا" تغییر داد.

دیپلماسی ماکیاولی

Machiavellian Diplomacy

استفاده از روشهای فاقد اصول اخلاقی و مبتنی بر خدعه و زور و تفرقه‌اندازی برای نیل به هدفهای سیاسی. این واژه از نام نیکولو ماکیاول (یا ماکیاولی) متفکر و سیاستمدار ایتالیایی گرفته شده که کتاب معروف او به نام شهریار که اولین تجزیه و تحلیل اصولی از شیوه‌هایی است که موجب کسب قدرت سیاسی و حفظ آن می‌شود و در عین حال فریاد اعتراضی است علیه سلطه بدون مرز کلیسا، حاوی مثالهای زیادی از به کار بردن موفقیت آمیز چنان روشهایی است. صفت ماکیاولی در زبانهای اروپایی مترادف "شیطانی" است و صورت اسمی آن، یعنی ماکیاولیسم، بی‌اعتنایی به اصول

اخراج از کلیسا تهدید شده بود، سوزاند. مع هذا، وی در جریان جنگ دهقانی آلمان وارد اتحاد با اشراف و کلیسای کاتولیک رم علیه نهضت توماس مونتر (۱۵۲۵-۱۴۹۰) کشیش انقلابی آلمانی شد. مونتر، مخالف خودخواهی، سودجویی فردی و سلطه خدانشناسان بر بندگان خدا و خواستار انقلاب اجتماعی به نفع محرومان شهری و روستایی بود. مارتین لوتر همچنین در سال ۱۵۲۴، یعنی در زمان شورش دهقانان آلمانی و نهضت مونتر، رساله‌ای تحت عنوان "علیه دسته‌های جنایتکار دهقانان" انتشار داد که در آن از جمله نوشته بود: شهر یاران باید لگدمال کنند، به دار بزنند و به دشنه بکشند. در چنین ایام مبارکی، شهر یاری که دست به خونریزی می‌زند بیشتر از اینکه عبادت می‌کند، شایسته بهشت است. این رهنمود، به ایجاد شرایطی که در آن هزاران دهقان (تا ۱۵۲۵ مه) به بهانه حقانیت مذهبی به قتل رسیدند، کمک کرد.

Lynching

لینچ کردن؛ زجر کشی

روشی که در آمریکا برای مجازات مجرمین سیاهپوست اعمال می‌شد و عبارت بود از مثله شدن متهم به وسیله مردم عادی و بدون محاکمه و اثبات مجرمیت.

لادیسیم؛ خرابکاری**Luddism**

بر اثر توسعه صنایع ماشینی در انگلستان، روز بروز بر تعداد بیکاران افزوده می‌شد. این امر باعث نگرانی کارگرانی شد که از راه صنایع دستی روزگار می‌گذرانند. تا اینکه در سال ۱۸۱۱ کارگری به نام لاد برای خراب کردن ماشینها به کمک عده‌ای از کارگران دست به تشکیل یک جمعیت سری زد. اعضای این جمعیت با اعلام خرابکاری عمومی، ماشینها را در تمام کارخانه‌ها می‌شکستند و این امر را مظهر دشمنی خود با سرمایه‌داران تلقی می‌کردند. سرانجام با اقدامات سخت دولت و قانونی که از پارلمان گذشت، لادینها سرکوب شدند. امروزه، صفت لادی به کسی اطلاق می‌شود که با مظاهر ماشینی تمدن مخالفت افراطی دارد و خواستار بازگشت به صورتهای ساده زندگی است. لادیسیم همچنین مترادف سابوتاژ است. ظاهراً طرفداران لادیسیم، از لحاظ ایدئولوژی افراد ضعیفی بودند، زیرا کارگران آگاه آن زمان در انگلستان، موفقیت در مبارزات را در اصلاحات پارلمانی و گسترش سازمانهای کارگری خویش می‌دیدند.

لومپن؛ لات؛ سربار**Lumpen**

شخص جامعه ستیز، از طبق خویش بریده، ناوابسته به طبقه‌ای خاص، بی‌ریشه، پرخاشگر، ولگرد، رذل، اهل درگیری و فحاشی، بی‌نزاکتی و بی‌فرهنگی، قانون‌شکنی، اعتیاد، خالکوبی، باده‌گساری، نزدیک به اقتدار ضعیف و مستمند که زندگی طفیلی‌گری دارند و از آنها علیه افراد و نهضت‌های انقلابی و پیشرو نیز استفاده می‌شود. بعضی افراد مرفه و تحصیلکرده هم ممکن است دارای صفات لومپنی شوند. واژه لومپنیسم نیز به معنی لات‌بازی است.

لومپن پرولتاریا؛ بیکاره‌ها**Lumpenproletariat**

اصطلاح آلمانی به معنی رنجبران زنده‌پوش که برای اشاره به قشرهای واژه و طبقه خود را از دست داده و به فساد کشیده شده و فاقد هرگونه رابطه و همبستگی طبقاتی به کار می‌رود که در جوامع سرمایه‌داری، اغلب در شهرهای بزرگ، از طریق مشاغل انگلی و غیرتولیدی - و چه بسا در شرایط بد و سخت - زندگی می‌کنند و احتمالاً به خاطر پول به هر کار ناپسند و ضدانسانی تن در می‌دهند. دزدان، چاقوکشان حرفه‌ای، اراذل و اوباش، ولگردان، روسپیان و جنایتکاران باجگیر از آن جمله‌اند. جامعه قبل از سرمایه‌داری که به سوی صنعتی شدن می‌رود و بویژه دوران سرمایه‌داری با بیکاری مزمن خود و باورشکست کردن دائمی اقشار مختلف خرده بورژوازی و گرایش دائمی‌اش به تشدید بدبختی و سرگردانی کارگران، سرچشمه پیدایش لومپن است. لومپن پرولتاریا به دلیل وضع خاص اقتصادی و فرهنگی‌اش، بازیچه نیروهای راست جامعه و سیاهی لشکر جریانهای فاشیستی و ارتجاعی نیز قرار می‌گیرد.

مذهب لوتری؛ لوتری اندیشی**Lutheranism**

شعبه‌ای از آیین پروتستان که پیرو مذهب مارتین لوتر (۱۵۴۶-۱۴۸۳) بنیانگذار نهضت "اصلاح دینی" آلمان است. مذهب لوتری بر دو اصل استوار است: یکی اینکه سند معتبر، کتاب مقدس است و دیگر اینکه برائت صرفاً به وسیله ایمان و اعمال خیر حاصل می‌شود. لوتر به نقش کلیسا و کشیشان به عنوان واسطه بین انسان و خدا اعتقاد نداشت. وی در سال ۱۵۲۰، منشور پاپ را که در آن به مجازات

می‌گذارد. زندگی اجتماعی ما هرگونه امکان وصلت عاشقانه واقعی را از بین می‌برد. انسان مدرن، دوست دارد وانمود کند که تفکر او بیدار است. اما این تفکر بیدار، ما را به راههای پیچ در پیچ کابوسی رهنمون شده است که در آن، اتاقهای آزار و شکنجه در آینه عقل و هوش، تکراری بی‌پایان می‌یابند. وقتی سر برآوریم، شاید پی ببریم که با چشمان باز خواب می‌دیده‌ایم و خوابها و رؤیاهای فرد، تحمل‌ناپذیرند. و آنگاه شاید، دگر بار بخواهیم با چشمان بسته خواب ببینیم.

Lower House

مجلس پایین‌تر؛ مجلس تالی

اصطلاح مجلس پایین‌تر، از نظامهای اروپایی دارای قوه مقننه دو مجلسی گرفته شده است، و به مجلسی اطلاق می‌شود که مبتنی بر نمایندگی باشد. معمولاً مجلس پایین‌تر با عنوانهایی مثل مجلس نمایندگان (آمریکا) یا مجلس عوام (انگلستان) مشخص می‌شود.

Low-Intensity Warfare

جنگ کم شدت

استراتژی ضدانقلابی که پس از شکست استراتژی "ضد شورش" مطرح شد و بر محور مداخله و تجاوز نظامی استوار است. براساس این استراتژی، همه جریانات ضدآمریکایی و آرمانهای حق طلبانه و آزادیخواهانه جهان تحت عنوان تروریسم، دیکتاتوری و کمونیسم محکوم به سرکوبی هستند. کشمکش کم شدت از تروریسم، خشونتهای داخلی، جنگ چریکی، عملیات پلیسی، درگیریهای مرزی تا درگیریهای دیگر کمتر از یک جنگ تمام عیار را دربرمی‌گیرد. پیروزی در جنگهای کم شدت نه با شکست دشمن در جبهه، بلکه از طریق مشروعیت و ثبات بخشیدن به آلترناتیو ضد انقلابی رژیم انقلابی حاصل می‌شود. استراتژی جنگ کم شدت باروی کارآمدن حکومت رونالد ریگان در چندین جبهه (مثل نیکاراگوئه، لیبی، فیلیپین، السالوادور، لبنان، افغانستان و آنگولا) گشوده شد.

Low Politics

سیاست سطح پایین

سیاستی که در آن، اولویت با امور اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و مانند اینها است.

Loyalist

وفادار به حکومت قانونی؛ وفادار به حکومت وقت

کسی که در طول بحران، انقلاب و جنگ داخلی به حکومت مستقر یا قانونی - و معمولاً سلطنتی - وفادار می‌ماند و به حمایت خود از آن ادامه می‌دهد. از جنبه تاریخی، این واژه در مورد مستعمره‌نشینان انگلیسی در آمریکا که از بریتانیا در خلال انقلاب آمریکا پشتیبانی می‌کردند و اسپانیایی‌هایی که به حکومت منتخب اسپانیا در طول جنگ داخلی اسپانیا وفادار ماندند، به کار می‌رود.

Loyalty Oath

سوگند وفاداری

اعلان وفاداری شخص به حکومت و نهادهای آن و رد کردن هر نوع حمایت و پشتیبانی از ایدئولوژیها یا سازمانهای خارجی.

Loyalty to Principles

وفاداری به اصول

خصوصیت اخلاقی مثبت که فرد و فعالیتهای او را از لحاظ پایبندی به عقیده معین و به کار بستن دائمی آن مشخص می‌کند.

عشق

Love

کمال محبت یا دل‌بستگی عمیق، شیفتگی کامل، میل و کشش و جاذبه شدید در طبع انسان نسبت به مطلوب. عشق حقیقی یعنی عشق به حق تعالی و عشق مجازی یعنی عشق غیر حقیقی، زودگذر و ظاهری مانند عشقی که در موجودات زنده باعث جذب و جلب یکدیگر می‌شود و حاصل آن، بقای نسل و نوع است. عشق جسمانی، عشقی است که مبنای آن بر شهوت قرار دارد. عشق معنوی یا روحانی، عشقی است با هدف لذت روحی. تربیت احساسات انسان در مورد عشق، کار حساس و ظریفی است. بویژه با جوانان از عشق باید روشن، صادقانه و خردمندانه سخن گفت. اعمال قواعد و راه‌حلهای حاضر و آماده و معمولی در مورد امر مشکل، پیچیده و بی‌وقفه زندگی عاطفی جوانان کار عاقلانه‌ای نیست. مشکل بتوان از پیش به فردی جوان گفت که در این یا آن مورد چگونه عمل کند. باید به جوانان حکمت زندگی آموخته شود. این کار باید به نحوی صورت گیرد که هر حرف بزرگتران، مانند بذری در وجود جوانان بارور شود. اثاث جوان بویژه در مورد عشق و هر سخن راجع به عشق، حساس تر و آسیب‌پذیرترند. از این رو، باید به آنها در مورد احتمال ارتکاب اشتباهات بزرگ که ممکن است سلامت و زندگی آنها را به خطر اندازد، هشدار داد. عشق باید زیبا و صادقانه، اما در عین حال خردمندانه، هوشیارانه، احتیاط آمیز و موشکافانه باشد. فقط در این صورت است که خوشی، سعادت و خوشبختی حاصل می‌شود. به نظر عده‌ای از متفکران، عشق، صورت پلّی را دارد که باید از آن گذر کرد نه اینکه در آن متوقف شد. باید به معناراه یافت و از خودخواهی به غیرخواهی و از آن هم به حق خواهی رسید. برتراند راسل نوشته است که من به چند دلیل پیوسته در جستجوی عشق بوده‌ام: اول به خاطر آنکه عشق برای انسان شادی و سرور می‌آورد، آنچنان سروری که من اغلب، بقیه زندگی خود را ایثار به دست آوردن چند ساعت وجد و نشاط آن کرده‌ام. دوم اینکه من همیشه در جستجوی عشق بوده‌ام، زیرا عشق، رنج تنهایی را از بین می‌برد، تنهایی وحشت‌آوری که سردی و خاموشی آن، انسان را به لرزه درمی‌آورد و دنیا را برای او تبدیل به مغاک سرد و بی‌روحی می‌کند که تنها چاره رهایی از آن، توسل به دوست داشتن است و بالأخره، من همیشه پوینده راه دوست داشتن بوده‌ام، زیرا رویاهای آسمانی شعرا و مقدسان را من در جذب‌ه عارفانه‌ای که اتحاد دو انسان به خاطر عشق ایجاد می‌کند به چشم دیده‌ام. اکتاوپاز Paz (۱۹۹۸-۱۹۱۴) نویسنده، شاعر و دیپلمات مکزیکی نیز در اثرش به نام دیالکتیک تنهایی از جمله نوشته است: تنهایی، عمیق‌ترین واقعیت در وضع بشر است. انسان، یگانه موجودی است که می‌داند تنها است و یگانه موجودی است به دنبال یافتن دیگری است. درد عشق، همان درد تنهایی است. عشق در دنیای ما، تجربه‌ای تقریباً دست‌نیافتنی است. همه چیز علیه عشق است: اخلاقیات، طبقات، قوانین، نزاع‌ها و حتی خود عشاق. عشق، انتخاب است... شاید انتخاب آزاد تقدیرمان: کشف ناگهانی پوشیده‌ترین و سرنوشت‌سازترین جزء هستی ما. جامعه، عشق را با ازدواج یکی می‌کند. هرگونه بازگشت از این قاعده، مجازات دارد و شدت مجازات به زمان و مکان بستگی دارد. جامعه باید بپذیرد که ازدواج، تحقق والای عشق نیست، بلکه شکلی حقوقی، اجتماعی و اقتصادی است که هدفهای آن مغایر با هدفهای عشق است. دفاع از عشق، کاری انقلابی هم هست. مسأله عشق در جهان ما نشان می‌دهد که چگونه جامعه، دیالکتیک تنهایی را در عمیق‌ترین صورتش، عقیم

Logrolling

کارچاق کنی؛ بده‌بستان؛ نان به هم قرض دادن

روندی که به موجب آن، یک عضو هیأت مقننه به دیگر اعضا کمک می‌کند تا لوابیح مورد نظرشان از تصویب قوه مقننه بگذرد و آنها نیز متقابلاً برای او عین همین عمل را انجام می‌دهند.

Lome Convention

کنوانسیون لومه

عنوان یک سلسله قرارداد تجاری خاص که (نخست) در سال ۱۹۷۵ در لومه (توگو) بین جامعه اقتصادی اروپا و ۴۶ کشور در حال توسعه آفریقا، آسیا و اقیانوس آرام و کارائیب (به‌منظور در نظر گرفتن امتیازات تجاری برای کشورهای امضاکننده کنوانسیون) منعقد شد. با قرارداد لومه چهار، دوازده کشور اروپایی به ۶۸ کشور (تا سال ۱۹۸۹) در حال توسعه پیوند خوردند.

Longuetisme (Longuetism)

لونگتیسیم

گرایش شووینیستی در سوسیالیسم که از نام ژان لونگه (۱۹۳۸-۱۸۷۶) یکی از سران حزب سوسیالیست فرانسه گرفته شده است. پیروان لونگه در دوران جنگ جهانی اول، هوادار دفاع از میهن بودند. در سال ۱۹۲۰ آنها به‌اتفاق اصلاح طلبان از حزب جدا شدند و به‌انترناسیونال سوسیالیست و کارگری موسوم به "دوونیم" پیوستند و بعد از انحلال آن مجدداً به‌انترناسیونال دوم باز گشتند.

Lord Chancellor

رئیس مجلس اعیان (لردها)

لرد بزرگ، رئیس مجلس لردها در انگلستان که دارای وظایف مهمی در قوای سه‌گانه قضائیه، مقننه و مجریه است. عنوان کامل آن، «مهردار سلطنتی عالی بریتانیای کبیر» است.

Lord High Chancellor of Great Britain (Lord Chancellor)

مهردار سلطنتی عالی بریتانیای کبیر (رئیس مجلس اعیان)

در انگلستان پس از ملکه یا شاه به ترتیب تقدم در مرتبه هشتم قرار دارد. مرتبه‌ای که بیانگر اهمیت وی به عنوان وزیر دولت و مسئول اصلی اجرای عدالت است. مهردار سلطنتی به توصیه نخست‌وزیر و توسط ملکه یا شاه منصوب می‌شود. او مسئول نگهداری و استفاده از مهر اعظم است که به اسناد حقوقی حائز اهمیت، اعتبار می‌بخشد. سمت مهردار سلطنتی مرکب از وظایفی است تقنینی (رئیس مجلس اعیان)، اجرایی (عضو هیأت دولت) و قضایی (رئیس قوه قضائیه) که در عین حال، استثنائی بر نظریه اساسی تفکیک قوا شمرده می‌شود.

Lord of the Manor

خان؛ ارباب

عنوانی است برای حاکمان، فرمانروایان، مالکان، زمینداران، صاحبان تیول و اقطاع. واژه خان در فارسی به معنی آقا نیز به کار رفته است.

Lord President of the Council

رئیس شورای سلطنتی (در انگلستان)

مقامی است در کابینه انگلستان که مسئولیت اصلی او اداره جلسات شورای سلطنتی است که در آن پادشاه انگلستان به طور رسمی موافقت خود را اعلام می‌دارد.

نزادی، مذهبی، تاریخی، اوضاع طبیعی و جز اینها است. تقسیمات اداری، بسته به شرایط اجتماعی و فرهنگی و نوع حکومت هر کشور، با اسامی و اختیارات متفاوت تعیین می‌شود.

Local Government

حکومت محلی

حکومت محلی، سازمانی است که در واحد بخصوصی مانند ده، بخش، شهر یا استان با اختیارات وسیع به وجود می‌آید و در وضع مقررات و اجرای آنها در حوزه و قلمرو مربوطه استقلال کافی دارد و خود مردم آن ناحیه، به موجب اختیارات قانونی می‌توانند با تصویب مقررات، به شرط آنکه مغایرتی با قوانین کلی کشور نداشته باشد، امور مربوط به محل خود را اداره کنند.

Local Non-Representative Government

حکومت محلی غیرانتخابی

حکومت محلی که یا دارای مأمورین انتخابی نیست یا مأمورینی که از طرف مردم انتخاب شده‌اند، فاقد اختیار لازمند. این نوع حکومت، مثل حکومت محلی انتخابی خدمات عمومی را انجام می‌دهد و معمولاً نماینده حکومت مرکزی در سطح محل است.

Local Politics

سیاست محلی

۱- این اصطلاح در موارد متعددی به کار می‌رود که از جمله می‌توان به سیاست انتخاباتی شوراهای محلی، گردهمایی‌ها و تصمیم‌گیریهای آنها، برخوردهای آنها با منافع محلی و گروه‌های فشار و روابط مشاوران حقوقی با تشکیلات اداری آنها و مساعی مراجع محلی برای کسب امتیاز از مراجع مرکزی اشاره کرد. ۲- سیاست واحدهای قدرتمند و متمکن.

Local Representative Government

حکومت محلی انتخابی

حکومت محلی که تمام یا قسمتی از مأمورین حکومتی آن به وسیله مردم و یا توسط گروه‌های مختلف انتخاب می‌شوند و کلیه خدمات عمومی مورد نیاز مردم را انجام می‌دهند.

Local War

جنگ محلی

جنگی که منحصر به دو کشور متخاصم همجوار است.

Lock-Out

تعطیل کارخانه (توسط کارفرما)؛ ضد اعتصاب

بستن محل کار از طرف کارفرما یا مدیریت کارخانه در جریان اختلاف و ستیز با کارگران، به منظور جلوگیری از اعتصاب یا مجازات کارگران به هنگام اعتصاب و یا مجبور کردنشان به قبول شرایط جدید کار.

Loge (Lodge)

لژ

واژه فرانسوی به معنی انجمن یا شعبه محلی و مجمع فراماسونها به ریاست رئیس ایشان و محل اجتماع ایشان.

Logistics

لجستیک؛ تدارک‌رسانی به نیروها؛ پشتیبانی تدارکاتی عملیات؛ آمادگاری

تدارک‌رسانی عملیات نظامی و نیز عملیات میدانی غیرنظامی یا قسمتی از تشکیلات یا فعالیت نظامی که کار تهیه وسایل مربوط به حمل و نقل، تأمین معاش نیروها، نگهداری تجهیزات و عرضه تدارکات را انجام می‌دهد.

نقدینگی

Liquidity

داشتن پول نقد به اندازه کافی یا توانایی تحقق سریع آن در زمینه تعهدات خود. نقدینگی بین‌المللی عبارت است از پول نقد یا نزدیک به نقد موجود دولتها برای تأمین بدهیهایشان به یکدیگر.

انگلیسی حقیر

Little Englander

سابقاً به مقامات انگلیسی که مخالف سیاست استعماری انگلستان بودند (مثل گلاستون) اطلاق می‌شد. در سال ۱۸۷۴ وقتی دیسرایلی به نخست‌وزیری انگلستان رسید، فعالیت امپریالیستی این کشور بیش از پیش شدت پیدا کرد. وی که سردسته محافظه‌کاران بود برخلاف سلف خود گلاستون که بیشتر کوشش خود را صرف اصلاح امور داخلی انگلستان و مسأله ایرلند می‌کرد، متوجه توسعه امپراتوری انگلستان گردید.

آبهای ساحلی

Littoral Waters

آبهای مجاور سواحل یک کشور، بویژه منطقه حد فاصل برآمدن (مد) و فرونشستن (جزر) متناوب روزانه سطح آب دریا.

جنگ در اتاق نشیمن

Living-room War

این واژه برای اشاره به پوشش تلویزیونی صحنه‌های جنگ به منظور استفاده بینندگان در خانه‌هایشان به کار رفته است. ظاهراً اقدام به جنگهای طولانی برای جوامع غربی در عصر ماهواره‌ها و تلویزیونهای رنگی که صحنه‌های جنگ را به درون خانه‌ها می‌برند دشوار شده است، زیرا وقتی که این گونه صحنه‌ها هر شب از تلویزیونها پخش شود، حمایت عمومی از جنگ به سرعت رو به کاهش می‌گذارد. چنانکه در سالهای پایانی جنگ ویتنام، جوانان آمریکایی که از طریق تلویزیون و رسانه‌های دیگر به فجایع و جنایات جنگ پی می‌بردند، مدارک احضار به خدمت نظام را پاره می‌کردند و یا به کشورهای همجوار می‌گریختند.

تحمیل (بر اعضای قوه مقننه)؛ اعمال نفوذ (بر اعضای قوه مقننه)؛ لابی‌ایسم

Lobbying (Lobbyism)

اعمال نفوذ و فشار بر دستگاه قانونگذاری از راه تماس با اعضای مجلس سنایا نمایندگان در آمریکا برای رد یا تصویب لوایح مورد نظر به منظور اجرا و پیشبرد مقاصد سیاسی و اقتصادی.

تحمیلگر (بر اعضای قوه مقننه)؛ لابی‌ایست؛ نفوذگر (بر اعضای قوه مقننه)

Lobbyist

واسطه یا عامل گروههای فشار که معمولاً در لابی یا سرسرای مجلس سنایا نمایندگان آمریکا می‌کوشد تا با اعضای قوه مقننه، طرح دوستی ریخته، نظر نمایندگانی را که در کمیسیونها مشاغل حساس دارند، از طریق رد یا تصویب لوایح مورد نظر به سوی هدفهای گروه خود جلب کند. این کار مستلزم تشکیل محافل انس و مجالس خصوصی و یا رشوه دادن به مقامات سیاسی و کنگره است. لابی‌ایستها به مجلس سوم قوه مقننه نیز معروفند.

تقسیمات کشوری

Local Divisions

تقسیماتی که برای سهولت اداره کشور صورت می‌گیرد و معمولاً مبتنی بر نزدیکیهای قومی،

هجدهم و نوزدهم عقیده داشتند که ارتباط سه‌جانبه بین زبان، آگاهی و سرزمین است که فردی را آلمانی می‌کند. از آنجا که در اغلب کشورها به زبان واحدی تکلم نمی‌شود، زبان به یکی از شکافهای سیاسی مهم تبدیل شده است. در هر صورت، نسبت زبان با سیاست را مانند نسبت اکسیژن به هوا دانسته‌اند. انتخاب هر واژه‌ای در گفتمانها را می‌توان بیانگر یک اقدام سیاسی دانست. حتی مائو، رهبر فقید جمهوری خلق چین که قدرت سیاسی را ناشی از لوله تفنگ می‌دانست، «کتاب سرخ» حاوی اندیشه‌های خود را در نیل به آرمان کمونیستی از گلوله‌ها با ارزشتر می‌دید. سیاستمداران دنیا هم با استفاده از زبان و استفاده از دوبله‌گویی، اقدام به فریب دادن و گمراه کردن مردم کرده‌اند. در گوشه و کنار دنیا نیز بسیاری از زبانهای سرخ، سرهای سبز را به باد داده‌اند و خیلی از روشنفکران زبان‌آور، دربند و یا سر به نیست شده‌اند.

Linkage Politics

سیاست بستگی و ارتباط؛ سیاست ربط مسائل به یکدیگر

پروسه ربط عناصر یا عوامل و اقدامات جداگانه به یکدیگر در سیاست ملی و بین‌المللی. مثلاً در گذشته، رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی با توسل به بهانه حضور نیروهای خارجی در آنگولا، به دخالت غیرقانونی خود در آفریقای جنوب غربی ادامه می‌داد.

Lions International

لایز بین‌المللی

انجمن بین‌المللی باشگاههای لاینز که معمولاً لاینز بین‌المللی خوانده می‌شود، سازمانی است متشکل از ارباب حرف و مشاغل که پایه آن توسط یک فراماسون و یهودی صهیونیست به نام ملوین جونز ریخته شد. سازمان لاینز اولین گروه‌هایی خود را در سال ۱۹۱۷ در هتل لاسال شیکاگو تشکیل داد. نام لاینز از حروف اول پنج کلمه انگلیسی به معنی "آزادی و هوشمندی (ضامن) سلامتی ملت ما گرفته شده است. لاینز جهانی که باشگاههای آن در خیلی از کشورها وجود دارد، ظاهراً به شناختن و رفع نیازمندیهای اجتماع اقدام می‌کند، اما در واقع تحت پوشش شعارهای فریبنده‌ای مثل حقوق بشر، عدالت، صلح، محبت و برادری به فعالیتهای مشکوک خود ادامه می‌دهد و آن را با صهیونیسم و فراماسونری مرتبط دانسته‌اند. باشگاه لاینز در ایران در سال ۱۳۳۶ شمسی فعالیت خود را شروع کرد. لاینز در آغاز فقط به روی مردان باز بود، اما در سال ۱۹۶۸ شروع به پذیرش مردان و زنان هیجده تا بیست و هفت ساله کرد. در سال ۱۹۷۵ نیز باشگاه لاینس Lioness تأسیس شد که مخصوص زنان بود. این باشگاهها در سال ۱۹۸۷ ادغام شدند. اخیراً لاینز بین‌المللی، فعالیت را تحت عنوان نخست بینائی Sight First را به اجرا در آورده که هدف آن مبارزه با نابینائی در سراسر جهان از طریق تأمین خدمات بهداشتی در مناطقی است که از این خدمات محرومند...

Liquidationism

انحلال طلبی؛ تصفیه طلبی

جریان اپورتونیستی که پس از شکست انقلاب ۱۹۰۷-۱۹۰۵ روسیه، در بین منشویکها پدیدار شد. مدافعان آن خواستار انحلال حزب انقلابی طبقه کارگر بودند که مجبور بود به خاطر ارتجاع خشن روسیه به صورت زیرزمینی فعالیت کند. انحلال طلبان قصد داشتند حزب قانونی اصلاح طلب خودشان را به وجود آورند که قرار بود فقط به فعالیتهای مجاز از نظر حکومت تزاری بپردازد. انحلال طلبان در سال ۱۹۱۲ از حزب انقلابی اخراج شدند.

جنگ محدود**Limited War**

جنگی که بدون استفاده از کلیه امکانات و سلاحهای نظامی انجام گیرد و مقصود واقعی آن، شکست کامل دشمن نباشد. جنگ محدود از جمله امکان دارد به صورتهای زیر روی دهد: جنگ بین دولتهای کوچک بدون شرکت مستقیم قدرتهای بزرگ، جنگ بین قدرتهای دارای سلاح هسته‌ای ولی بدون استفاده از این سلاحها، جنگ بین دولتهای کوچک با کمک مستقیم یا غیرمستقیم قدرتهای هسته‌ای ولی بدون استفاده از سلاحهای هسته‌ای، اقدامات نظامی یک قدرت هسته‌ای علیه یک دولت کوچک، شورش داخلی علیه یک قدرت استعماری یا حکومت مستقر که در آن طرفین از سلاحهای متعارف استفاده کنند و از حمایت تاکتیکی یا نیروی انسانی از طرف قدرتهای هسته‌ای برخوردار گردند. از جمله جنگهای محدود می‌توان از جنگ افغانستان و شوروی سابق (از سال ۱۹۷۹) جنگ ایران و عراق (از سال ۱۹۸۰) و جنگ انگلستان و آرژانتین بر سر جزایر فالکلند یا مالویناس در سال ۱۹۸۲ نام برد.

خط**Line**

این واژه معمولاً برای اشاره به اصول عقیدتی - سیاسی، موضع، رویه و خط مشی یک فرد، حزب یا سازمان به کار می‌رود.

صف و ستاد**Line and Staff**

صف به آن دسته از وظایف اصلی اطلاق می‌شود که سازمان به‌خاطر آن به‌وجود آمده است و آن دسته از فعالیتهایی که در نتیجه ایجاد سازمان به‌وجود آمده‌اند ستاد خوانده می‌شوند. واحدهای صف مأمور اجرای عملیات مربوط به هدف سازمان می‌باشند و دستورات اجرایی به‌وسیله آنها از طریق خط فرماندهی صادر می‌گردد و نظارت مستقیم بر فعالیتهای واحدهای تابعه دارند. وظیفه واحدهای ستاد محدود به فراهم آوردن وسایل پیشرفت و تسهیل کار واحدهای صف از طریق انجام خدمات مشورتی یا تخصصی است و از این رو نظارت مستقیم بر واحدهای صف که مأمور اجرای عملیات اصلی سازمان هستند، ندارند.

خط امام**Line of the Imam**

این واژه پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران، توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام (خمینی) مصطلح شد و بیانگر صراط مستقیم یا راه مستقیم الهی، اسلامی بودن و خط مشی نه شرقی نه غربی و مرزبندی میان اسلام ناب محمدی (ص) با اسلام آمریکایی است.

زیاتکشی**Linguicide**

نابودی و ریشه‌کنی زبان (فرعی یا غیراصلی)، حذف زبانهای محلی از نظامهای آموزشی و در نتیجه، فرهنگ‌زدایی از اقلیتهای قومی و بومی. این واژه با استفاده از واژه «ژنوسید» ساخته شده است.

سیاست زبانی (سیاست زبان)**Linguistic Politics (Politics of Language)**

زبان، وسیله اصلی فرهنگ است و بخش مهمی از هویت یک گروه را تشکیل می‌دهد. داشتن یک زبان به مفهوم برخوردارگی از آگاهی نیز هست، به طوری که عده‌ای از روشنفکران آلمانی قرون

علم و دانش، ممکن است افراد طبقات پایین اجتماع را به خلاقیت و بزهکاری بکشاند. البته افراد طبقات بالا با استفاده از امکانات و شانسهای زندگی، به آسانی از رسوایی یا مجازات خلاص می‌شوند. به همین علت است که مردم از شنیدن واژه بزهکار، آدمهای آشفته و بدظاهر را در نظر مجسم می‌کنند و به سختی می‌توانند تبهکاریهای افراد خوش ظاهر و موجه طبقات و مراتب بالای جامعه را بپذیرند.

شرایط زندگی

Life Conditions

مجموعه عوامل اجتماعی و اقتصادی که خصوصیات زندگی گروهی خاص از مردم را با توجه به وضع جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی محیط زیستشان مشخص می‌سازد.

لرد مادام‌العمر

Life Peer

در انگلستان به لردهای غیر موروثی اطلاق می‌شود که از همه مزایای دیگر لردهای موروثی برخوردارند و فقط مقام آنها به وارثانشان نمیرسد.

شیوه زندگی؛ نوع زندگی؛ سبک زندگی

Life Style

الگوهای روابط اجتماعی، مصرف نعمتهای مادی، فرهنگ و نیز چگونگی گذران زندگی، مثل نحوه استفاده از درآمد، طول زمان کار و دوره تحصیلی، شیوه لباس پوشیدن و آرایش، تغذیه، محل سکونت و کار. معمولاً هر طبقه اجتماعی دارای شیوه زندگی معینی است. به نظر نویسنده‌ای به نام راند Rand هر ملتی مانند فرد، برای خودش احساس و برداشت یا مفهومی از زندگی دارد که در فرهنگ رسمی ابراز نمی‌شود، بلکه خود را در شیوه زندگی، در انواع رفتارها و در نگرشهایی که مردم، اصول آن را بدیهی می‌انگارند، آشکار می‌سازد.

حکومت محدود؛ حکومت با مسئولیت محدود

Limited Government

معمولاً در برابر حکومت مطلقه به کار می‌رود و منظور از آن، هر شکل از حکومت است که در آن قدرت حاکمه (بویژه قدرت اجرایی) به وسیله قانون، قانون اساسی یا رویه‌هایی مثل تعدیل و توازن محدود شده باشد.

سلطنت محدود؛ سلطنت با مسئولیت محدود

Limited Monarchy

سلطنتی که در آن قدرت شاه یا به وسیله مجامع عمومی ملت یا طبقات ممتاز یا نمایندگان مجالس مقننه محدود می‌شود. این واژه، مترادف واژه حکومت سلطنتی مشروطه است.

دکترین حاکمیت محدود

Limited Sovereignty Doctrine

اعتقاد به اینکه دولتهای معین در حوزه نفوذ و حمایت قدرت بزرگتر می‌توانند استقلال خود را تنها با محدود کردن حاکمیت خود حفظ کنند. این اصطلاح مترادف اصطلاح "دکترین برژنف" است.

رای محدود

Limited Vote

روش انتخاباتی که در آن، هر رأی‌دهنده به تعداد کمتری از کرسیهای موجود در یک حوزه چند عضوی رأی می‌دهد. این روش برای مجلس پائین تر زاین به کار رفته است.

اشراف درباری نمی‌توانند مانند سابق حکومت کنند، آنها رفتنی هستند ولی باید این کار به گونه‌ای انجام شود که صف توده‌های مردم و بویژه صف کارگران تقویت نشود. "یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های لیبرالیسم نوین با لیبرالیسم کهن در این است که لیبرالیسم نوین گرایش به ارتجاع دارد. نفوذ در بین توده‌های مردم و حفظ سلطهٔ ایدئولوژیک و سیاسی بر توده‌های زحمتکش و وابسته کردن آنها به سیاست‌های سرمایه‌داری نیز از وظایف مهم لیبرالیسم است.

Liberal Unionist

لیبرال وحدت طلب

اشاره به لیبرال‌های انگلیسی که به عکس سیاست حزب لیبرال، مبنی بر اعطای فرمانروائی میهنی به ایرلند، از حفظ وحدت انگلستان و ایرلند طرفداری می‌کردند.

Liberation

آزادسازی

آزادکردن فرد، ملت یا گروهی از قید و بندهایی که دیگران بر آنان تحمیل کرده‌اند.

Liberation Theology

الهیات آزادیبخش

پدیدهٔ آمریکای لاتینی الهیات آزادیخواه کاتولیک، پاسخ به سرنوشت ناسامان و پرورد ورنج محرومان آمریکای لاتین، تلاش برای انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی، تأکید و توجه بیشتر بر مناسبات کلیسا با جهان، به‌ویژه در مورد مسألهٔ عدالت اجتماعی و برابری. از اوایل دههٔ ۱۹۶۰ جنبشی در کشورهای آمریکای لاتین، به‌ویژه برزیل و پرو، در سلسله مراتب پایین کلیسا ایجاد شد و این مسأله را مطرح کرد که آیا کلیسا همچنان باید مردم را به تمکین و عافیت‌طلبی تشویق کند؟ و با توجه به فقر فزاینده مردم، معنی "محبت به همسایه" چیست و آیا کلیسا نباید در مبارزه‌ای که بیرون از کلیسا در جریان است در کنار قربانیان خشونت، بیرحمی و استثمار قرار گیرد؟ در واقع، الهیات رهایی‌بخش، تلاش نظری برای پاسخ دادن به این مسائل است. کتاب گوستاو گوتی ارز تحت عنوان "الهیات آزادیبخش"، بیانیه این جنبش است. ظاهراً نهضت الهیات آزادیبخش (که دارای چند گرایش آشتی‌جویانه و انقلابی است) توفیق چندانی نیافته است.

Libertarianism

مکتب آزادی‌اراده؛ اختیارگرایی؛ آزادخواهی

شکلی از لیبرالیسم که غایت جامعه را در استقرار نهادهایی می‌داند که آزادی بدون قید و شرط انسان را تأمین کنند.

Licit Government

حکومت شرعی

حکومتی که در آن، اختیارات اداره کشور در دست پیشوایان مذهبی و حکام شرع است.

Life-Chances

امکانات زندگی؛ شانهای زندگی

مجموع شانها، نصیبها یا تواناییهای یک فرد یا یک گروه برای برخورداری از مزایای زندگی، مثل کار مناسب و درآمد کافی و سلامت و آرامش و امنیت و آزادی. امکانات زندگی شامل چند عنصر اصلی است: امکان ادامه حیات یا زنده ماندن، امکان حفظ سلامت، امکان تحصیل علم و دانش، امکان کسب قدرت و مقام و امکان درستکار ماندن. زیرا فقر، فشار اجتماعی و محرومیت از

حکومت را می‌پوشاند. کارل مارکس دموکراسی لیبرال را دیکتاتوری بورژوازی خوانده است. اکنون چنین ادعا می‌شود که لیبرالیسم اقتصادی همراه با نظام دموکراسی از میدان مبارزه با دیگر ایدئولوژیها پیروز بیرون آمده است. هزاران دولتمرد و سیاستمدار و روزنامه‌نگار و دانشمند و صاحب صنعت از تبلیغ شعارهای "پایان تاریخ" و تحقق نهائی تاریخ بشری چه هدفهایی را تعقیب می‌کنند. در واقع، منشأ همه این تبلیغات، قدرت است. زیرا فرمول سیاسی لیبرال دموکراسی ابزار مؤثری برای کسب و حفظ قدرت است. این نظام، متحد طبیعی طبقه سیاسی دیوانسالار و نماینده و حافظ منافع آن است. به‌منظر عده‌ای، لیبرالیسم به‌علت پیوندی که با سرمایه داری دارد، قادر به انجام این وعده نیست که هرکس در تعقیب برنامه زندگی خودش آزاد است، زیرا لیبرالیسم حافظ حکومت طبقه برخوردار از امتیاز مالکیت است و این خود ممکن است هم به‌جنگ طبقاتی و هم با تشدید رقابتهای تجاری بین دولتها، به‌جنگ جهانی منجر شود. ژان تسیگلر Jean Ziegler استاد دانشگاههای ژنو و پاریس نیز عقیده دارد: آزادیهای سیاسی ما محصول نابرابری وحشت‌آفرین اقتصادی است که سه چهارم تمام بشریت را در ظلمت و جهل و فقر و ضرورت تلاش شبانه‌روزی برای زنده ماندن فرو برده است. هر فرد غربی، خانه خود، زندگی روزانه خود و رفاه جاری خود را بر همین واقعیت بنیاد گذاشته است، اما ترجیح می‌دهد که خودش را به کوری بزند تا ندای ناراحت‌کننده و وجدان خود را در این مورد نشنود. لیبرالیسم بزرگوارانه ما نیازمند محافظه‌ای کوتاه و دیدگاهی محدود است، زیرا دیدار دهها میلیون جنازه‌ای که زیر بنای ستون افتخار جهان مترقی را تشکیل داده است، چندان لطفی ندارد.

Liberal Feminism

فمینیسم لیبرال

هواداری از حقوق برابر مردان و زنان یا نظریه آزادی فردی برای زنان.

Liberalism

لیبرالیسم؛ آزادخواهی

۱- نوعی ایدئولوژی و گونه‌ای جهان بینی که فرد را پایه ارزشهای اخلاقی می‌شمارد و همه افراد را دارای ارزش برابر می‌داند. از این رو، فرد باید در انتخاب هدفهای زندگی خود آزاد باشد. ۲- جریان ایدئولوژیک و سیاسی و اجتماعی بورژوازی که در قرن هجدهم، یعنی در دوران اوج بورژوازی صنعتی پدید آمد. در این زمان محتوای شعار اصلی لیبرالیسم، فرمول آزادی سرمایه و آزادی تجارت بود. از آنجا که در آغاز پیدایش لیبرالیسم، بزرگترین مانع بر سر راه آزادی عمل سرمایه، مناسبات فئودالی و سلطنت مطلقه فئودالی بود، شعار اصلی لیبرالیسم در عرصه سیاست عبارت می‌شد از مخالفت با استبداد مطلقه، دفاع از پارلمانتاریسم و آزادیهای بورژوازی. در عرصه اجتماعی نیز شعار لیبرالیسم عبارت بود از گسترش مناسبات سرمایه‌داری به‌زیان مناسبات فئودالی. یکی از ویژگیهای لیبرالیسم، مخالفت با هر نوع تندروی انقلابی است. در انقلاب کبیر فرانسه، لیبرالها در آغاز همگام انقلاب آمدند و علیه استبداد سلطنتی جنگیدند اما با رشد جنبش انقلابی و گسترش شرکت توده‌های مردم در انقلاب، عقب کشیدند و سپس با ضد انقلاب متحد شدند. از همین زمان اصطلاح لیبرالیسم وارد فرهنگ سیاسی اروپای غربی شد. فرانسوا گیزو (۱۸۷۴-۱۸۸۷) مورخ و رجل دولتی فرانسه، دکترین لیبرالی را تدوین کرد که خلاصه آن چنین بود: "فئودالها و

افترا (هجو)

Libel

انتشار موضوع نادرست و تهمت آمیز بدون عذر یا مجوز قانونی که موجب می شود کسی در معرض دشمنی، تفر یا استهزا و اهانت دیگران قرار گیرد یا باعث دوری افراد از وی و یا موجب لطمه به اعتبار حرفهای او شود. افترا ممکن است به صورت گفتار و یا نوشتار و یا به هر دو صورت باشد. افترا در صورتی که به صورت مستمر باشد و به وسیله حس بینائی درک شود (مثل نوشتار و نقاشی و کاریکاتور افترا آمیز) آن را Libel می خوانند و اگر افترا به صورت آنی و گذرا باشد و به وسیله حس شنوائی درک شود (مثل گفتار و ایما و اشاره) به آن Slander می گویند. بعضی، شکل نوشتاری افترا را Libel و شکل گفتاری آن را Slander خوانده اند. اما تمایز اصلی بین این دو اصطلاح آن است که اگر افترا به صورت مستمر باشد Libel و اگر به صورت گذرا باشد Slander است.

لیبرال

Liberal

این واژه در اصل، یعنی در دوره مبارزه بورژوازی صنعتی علیه اشرافیت فئودالی به کسی اطلاق می شد که در جناح معتدل بورژوازی قرار داشت و طرفدار آزادی از قید و بندهای اقتصادی و اجتماعی عصر فئودالیسم، آزادی اقتصادی و آزادیهای فردی بود. اکنون معمولاً به کسی لیبرال می گویند که از نظر اقتصادی موافق عدم دخالت یا کاهش نظارت دولت در فعالیتهای اقتصادی و به بیان دیگر، طرفدار اقتصاد اجتماعی مبتنی بر بازار و محدود کردن قدرت انحصارات اقتصادی است و از نظر سیاسی موافق حکومت پارلمانی (پارلمانتاریسم) و آزادیهای فردی. لیبرالها با هر شکلی از سوسیالیسم و برنامه ریزی دولتی مخالفند و به سرمایه داری انحصاری نیز گرایش ندارند. در ادبیات سیاسی چپ، لیبرال به کسی اطلاق می شود که طرفدار آشتی طلبی غیراصولی به ضرر اندیشه های مارکسیستی، نرمش بیجا در مقابل خطا، رفتار غیراصولی، سازشکاری و ریاکاری باشد. به نظر مانو، رفتار لیبرالیستی به اشکال زیر ظاهر می شود: ۱- در مقابل اشتباه شخص آشنا از بحث اصولی، با او سرباز زدن و برای حفظ صلح و دوستی کارها را به حال خود رها کردن و با آنها به طور سطحی برخورد کردن. ۲- در غیاب و پشت سرفراد از آنها انتقاد کردن و در حضورشان سکوت کردن، از صحبت در جلسات خودداری کردن ولی پس از جلسه پرحرفی کردن. ۳- هرکاری که به شخص خود مربوط نباشد به دست پیشامد سپردن. ۴- از تشکیلات، توقعات بیجا داشتن ولی از انضباط تشکیلاتی بویی نبردن. ۵- به جای بحث منطقی در مورد امور مختلف، به حملات شخصی توسل جستن و دعوا راه انداختن. ۶- برخورد نکردن با نظریات نادرست. ۷- بی توجهی به مسائل توده ها و در برابر متجاوزان به حقوق توده ها ساکت نشستن. ۸- سرسری انجام دادن کارها. ۹- نازیدن به سابقه انقلابی خود. ۱۰- پی بردن به اشتباهات خود و رفع نکردن آنها.

دموکراسی لیبرال؛ لیبرال دموکراسی

Liberal Democracy

آنچه که بیشتر ملل پیشرفته غربی ادعای اعمال آن را دارند و شکلی از دموکراسی غیر مستقیم یا دموکراسی بر اساس نمایندگی است. دموکراسی لیبرال به حقوق طبیعی و مدنی و نیز به برابری حقوق برای همه شهروندان در حوزه های سیاسی و قضائی اعتقاد دارد. به نظر مخالفان، دموکراسی لیبرال بدون برابری حقوق شهروندان در حوزه اقتصادی، فریبی است که واقعیت طبقاتی بودن

Letters of Marque**جواز کورس؛ جواز تصرف و غارت؛ اجازه‌نامه دزدی دریایی**

اجازه‌نامه‌ای (به شکل نامه علائم مشخصه یا تشخیص) که سابقاً صاحب یک کشتی بازرگانی در زمان جنگ از دولت متبوع خود دریافت می‌کرد که بر اساس آن می‌توانست کشتی خود را مسلح کند، بر کشتیهای دشمن حمله برد و در صورت دستگیر کردن آنها، غنائم حاصله را به نفع خود ضبط و تصرف نماید. این قاعده جنگی که در جنگهای دریائی قرنهای هفده و هجده اهمیت یافته بود، پس از خاتمه جنگ کریمه با اعلامیه پاریس مورخ شانزدهم آوریل سال ۱۸۵۶ لغو شد.

Levee en Masse (People's Uprising)**قیام مردم (علیه دشمن اشغالگر)**

اصطلاح فرانسوی برای اشاره به قیام مسلحانه مردم در برابر قوای نظامی در حال پیشروی دشمن اشغالگر.

Level of Living**سطح زندگی**

اصطلاحی است برای نشان دادن حدود مصرف مادی و معنوی اهالی یک کشور. سطح زندگی به میزان و چگونگی برآوردن احتیاجات مادی و معنوی بستگی دارد و در نظامهای اقتصادی - اجتماعی و در مراحل مختلف رشد تاریخی و برحسب کشورهای مختلف، فرق دارد. مفهوم سطح یا استاندارد زندگی همچنین شرایط کار، محیط خانه، محیط خارج از خانه، ساعات فراغت، بهداشت و نظایر اینها را در بر می‌گیرد.

Leviathan**لویاتان**

لویاتان در کتاب تورات، نام تمساح عظیم‌الجثه‌ای است که هیچ نیروی زمینی در برابرش یارای مقاومت ندارد. توماس هابز (۱۶۷۹-۱۵۸۸) فیلسوف انگلیسی، لویاتان را نماد دولتی با اقتدار تام نهاد و عنوان کتاب مشهورش، یعنی "لویاتان" را از نام آن گرفت. حاصل سخن هابز در این کتاب، آن است که افراد اگر بخواهند در جامعه‌ای امنیت کامل برخوردار گردند، باید همه اختیارات خود را به یک فرد یا به مجموعه‌ای از افراد (لویاتان) واگذارند. بدین ترتیب، اراده لویاتان جانشین اراده افراد می‌شود، بدون اینکه دولت یا لویاتان متقابلاً تعهدی پذیرفته باشد. به عقیده هابز، لویاتان می‌تواند هر اقدامی را که مقتضی بداند به عمل آورد و تصمیمات و قوانین وی برای عموم قابل اجرا و لازم‌الاتباع است ولیکن خود وی ملزم به رعایت آنها نیست، زیرا قدرت لویاتان بالاترین قدرتها و مطلق است.

Liability**مسئولیت (حقوقی)**

این واژه مترادف واژه Responsibility است، اما بیشتر در ارتباط با فعالیتهای قانونی (یا اعمالی که توسط حقوق بین‌الملل منع نشده) با آثار احتمالی زیان‌آور یا در ارتباط با نتایج کوتاهی در اجرای تعهد یا قصور در انجام معیارهای اجرایی مقرر شده و نیز تکلیف به جبران خسارت به کار می‌رود.

Liason Office**دفتر ارتباطی**

این واژه در مورد نمایندگیهای ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین پس از تجدید روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۷۲ به کار رفته است.

Legitimist

سلطنت طلب حقانی؛ طرفدار تکسالار موروثی؛ هوادار وارث قانونی

سلطنت طلبی که خواستار بازگشت شاه مخلوع و طرفدار سلطنت موروثی و مشروع (و مخالف جمهوری) است. این واژه همچنین در مورد کسی به کار می‌رود که اعتقاد به انتقال مشروع قدرت دارد.

Leisure Class

طبقه مرفه؛ طبقه آسوده

اشاره به گروهی از ثروتمندان است که بنا بر درآمد سرشار و یا ثروت خود، پیوسته در این فکرند که چگونه پولشان را خرج کنند و از اوقات فراغت چگونه لذت ببرند. این طبقه، کار بدنی را خوار می‌شمارد و آن را با رفتار متظاهرانه در مصرف، اسراف و تن پروری نشان می‌دهد.

Leninism

لنینیسم

این واژه از نام لنین (۱۸۷۰-۱۹۲۴)، رهبر انقلاب سوسیالیستی روسیه گرفته شده و مترادف بلشویسم و بیانگر انطباق مارکسیسم با شرایط اجتماعی ویژه روسیه در آغاز قرن حاضر است. وی با اتکاء به مارکسیسم و تحلیلی که خود از شرایط جهانی در آغاز قرن بیستم داشت، تئوری مارکسیسم را در زمینه‌های مختلف و بویژه تئوری ساختمان حزب کمونیست، تاکتیکها و استراتژی حزب و انقلاب کارگری گسترش بخشید. امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه‌داری، دولت و انقلاب، چه باید کرد و چپ‌گرایی، بیماری کودکانه در کمونیسم از جمله آثار مهم لنین شمرده می‌شوند. به نظر لنین، بدون نظریه انقلابی، نهضت انقلابی وجود ندارد و در سیاست، نهضت خودبخودی، فرصت‌طلبی است. نظریه انقلابی حکم جزمی نیست، نظریه انقلابی را فقط در پیوند نزدیک با عمل نهضت واقعاً توده‌ای و انقلابی می‌توان تدوین کرد. به بیان دیگر، نظریه باید پاسخگوی سؤالهائی باشد که عمل، مطرح می‌کند.

Lèse Majesty (Lèse Majesté)

لیزماجستی؛ لزاماژسته؛ توهین و حمله به قدرت حاکم

هتک احترام، توهین، جنایت، خیانت یا حمله به رئیس، رهبر، حاکم یا فرمانروای مملکت. جرمی که علیه یک قدرت حاکم صورت گیرد یا جرمی که باعث آسیب رساندن به شأن و مقام فرمانروا شود. از زمان انحطاط حکومت‌های سلطنتی مطلق، چنین جرمی در بیشتر کشورها تخفیف پیدا کرده و یا از بین رفته است. ولی در بعضی کشورها، حمله زبانی و توهین به رئیس کشور یا به مأموران رسمی، جرمهائی در شمار لیزماجستی است. در کشورهای دموکراسی، چنین حملات و توهین‌هایی اگر همراه با تهدید و ارعاب نباشند، مطابق اصل آزادی بیان، جرم به حساب نمی‌آیند.

Letter of Credence (Credentials)

استوارنامه

مدرک رسمی که به امضای رئیس کشور فرستنده رسیده و به منزله معرفی‌نامه سفیر است و توسط وی و ضمن تشریفات رسمی به رئیس کشور پذیرنده تقدیم می‌شود.

Letter of Recall

احضارنامه

نامه فراخواندن نماینده سیاسی به هنگام تغییر یا پایان مأموریت وی، که از طرف دولت متبوع به نام وی صادر می‌شود و او نیز طی تشریفات رسمی، آن را به اطلاع دولت محل مأموریت می‌رساند.

انقلاب داخلی یا در نتیجه فشار مجبور کننده دولت خارجی امکان پذیر می‌شود. پس از سقوط امپراتوری روم، این پیوندها متروک ماند تا اینکه پرچم اسلام با خود حقوق اسلامی را به سرزمینهای مفتوحه برد. پس از پایان فتوحات مسلمانان تا شروع فعالیت‌های استعماری، پیوند تقنینی، موارد اعمال قابل توجهی نداشته است.

قوه مقننه

Legislative Power

یکی از قوای سه‌گانه و از نهادهای سیاسی کشور است و به وضع و ابداع قوانین لازم و نسخ و اصلاح قوانین سابق می‌پردازد. در رژیم دموکراسی برای استقرار حکومت ملی و به منظور اجرای تمایلات اکثریت، نمایندگان مردم در یک یا دو مجلس جمع می‌شوند و با توجه به احتیاجات و مصالح عمومی کشور، به تدوین قوانین و تصویب طرحها و لایحه‌های قانونی اقدام می‌کنند.

مشروعیت؛ حقانیت؛ قانونیت

Legitimacy

ویژگی قابل قبول بودن رویه‌های وضع و اجرای قانون یک رژیم برای اتباع آن. موضوع مشروعیت با نمایندگی و رضایت در امور سیاسی ارتباط دارد. مسأله مشروعیت عبارت از این است که چه اشخاصی محقند به‌عنوان نمایندگان قدرت سیاسی عمل کنند، چه چیزی حکومت یا اعمال قدرت یک حکومت را مشروع یا برحق می‌سازد، چه چیزی مردم را به مشروعیت یک حکومت معتقد می‌سازد، چه چیزی تعیین کننده قانونی قدرت مشروع یا جاننشینی مشروع و برحق قدرت است. به‌طور کلی، قدرتی که اعمال می‌شود اگر حقی برای اعمال آن وجود نداشته باشد نامشروع است و اگر برای اعمال آن حقی وجود داشته باشد مشروع و برحق است. در واقع، قدرت و حق را می‌توان مفاهیم اساسی درک مشروعیت یا حقانیت دانست.

بحران مشروعیت

Legitimacy Crisis

بحران مشروعیت در نظام سیاسی هنگامی بروز می‌کند که دلایل و توجیحات فرمانروایان سیاسی برای جلب اطاعت مردم قانع‌کننده نباشد و مبنای فکری و فلسفی اقتدار مورد سؤال قرار گیرد. عوامل بروز بحران مشروعیت در نظامهای سیاسی از جمله عبارت است از: ۱- عدم توجه به قوانین اساسی. ۲- جلوگیری و ایجاد مانع در راه مشارکت سیاسی و اجتماعی. ۳- ضعف حکومت کنندگان در انجام وعده‌ها و برنامه‌های دردست اجرا. ۴- بالا رفتن توقعات و انتظارات مردم از حکومت کنندگان و عدم تطابق توانایی حکومت کنندگان با توقعات مردم. ۵- بروز شکاف بین حکومت موجود و حکومت دلخواه مردم. ۶- عدم جلب و جذب اقشار روشن و آگاه.

حکومت قانونی؛ حکومت مشروع

Legitimate Government

۱- حکومتی که از طرق قانونی به قدرت رسیده باشد. ۲- حکومتی که به‌نحوی از انحاء از ملت کسب قدرت کرده و ادامه حکومتش نیز از طرف ملت هر چند زمانی یک بار مستقیماً از طریق انتخابات و یا غیر مستقیم توسط مجلس و یا سازمان صلاحیتدار دیگری مورد تأیید قرار گیرد.

گفته می‌شود که خواستار ایجاد تحول به نفع مردم و مخالف طبقات ممتازند. مشخصات عمومی جناح چپ را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: دشمنی با مالکیت خصوصی و اعتقاد به مالکیت جمعی، دشمنی با طبقه سرمایه‌دار و طرفداری از طبقه کارگر، تمایل به برقراری جامعه بی طبقه، اعتقاد به حقوق بشر و عدالت اجتماعی، اعتقاد به پیشرفت و ترقی از طریق انقلاب یا اصلاح، گرایش‌ها ضد ناسیونالیستی، اعتقاد به دولت رفاه عمومی، دفاع از صلح و محیط زیست، دفاع از آزادی و برابری حقوق مردان و زنان.

قانون‌گرایی

Legalism

اعتقاد به اصالت قانون و دقت زیاد در اجرای قوانین.

مارکسیسم قانونی

Legal Marxism

در ادبیات سیاسی چپ، مارکسیسم قانونی یا مارکسیسم رسمی، دولتی و علنی، نوعی تحریف لیبرال-بورژوازی از مارکسیسم شمرده می‌شود. مارکسیستهای رسمی، آن بخش از مارکسیسم، یعنی خصلت مترقی سرمایه‌داری در مقایسه با فئودالیسم را که برای بورژوازی قابل قبول بود می‌گرفتند. و ماهیت انقلابی آن، یعنی انقلاب پرولتری و نابودی حتمی سرمایه‌داری را نفی می‌کردند.

نماینده پاپ؛ له‌سا

Legate (Legat)

نماینده فوق‌العاده پاپ در کشورهای خارجی که از بین کاردینالها انتخاب می‌شود و مأموریتش غالباً در اموری است که جنبه مذهبی دارد.

نمایندگی دیپلماتیک؛ سفارت

Legation

محل اداری یک هیأت دیپلماتیک در صورتی که تحت ریاست "وزیر مختار" باشد.

لژیون

Legion

واژه نظامی که دربارهٔ تشکیلات گوناگون به کار رفته است. در روم باستان، هر لژیون بین سه تا شش هزار نفر بود که در فتوحات نظامی تأثیر زیادی داشتند. در دوران اخیر، واژه لژیون در مورد تشکیلاتی که جنبه ویژه و استثنائی و مرموز دارند به کار رفته که از همه معروف‌تر، لژیون خارجی ارتش فرانسه است که از داوطلبان خارجی مایل به خدمت تشکیل می‌شود. برای عضویت در لژیون خارجی فرانسه، داشتن ۱۸ تا ۴۰ سال سن، سلامت جسمی کامل، گذراندن آزمایشهای سخت، داشتن پاسپورت و حدود ۲۰۰ فرانک لازم است. لژیون خارجی فرانسه یک تشکیلات نظامی با حدود ۸۵۰۰ مرد مزدور است.

پیوند تقنینی

Legislative Graft

سرایت کلی حقوق یک کشور به کشور دیگر. این نوع پیوند، تقریباً همیشه تحت تأثیر مستقیم و آشکار و یا در اثر فشار غیر مستقیم و مستتر نظریات سیاسی صورت می‌گیرد، زیرا افراد یک کشور در حال عادی به همان اندازه که به زبان و عادات و رسوم خود اهمیت می‌دهند، به حقوق خود نیز علاقه‌مند می‌باشند. جدایی سریع افراد از حقوق سابق خود و اطاعت از حقوق جدید فقط در اثر

وسيله برای غذا رساندن به جمعیت رو به‌ازدیاد آلمان وجود دارد: ۱- محدود کردن مصنوعی موالید
 ۲- توسل به استعمار داخلی ۳- تحصیل سرزمینهای جدید ۴- افزایش مشتریان آلمان در خارج با
 توسل به سیاست تجاری و مستعمراتی. " هیتلر از چهار وسیله یاد شده، اصل سوم، یعنی تحصیل
 سرزمینهای جدید و ایجاد فضای حیاتی را انتخاب کرد. در واقع، فاشیستهای هیتلری می‌خواستند
 ثابت کنند که آلمان احتیاج به فضای حیاتی دارد و جنگ برای اشغال سرزمینهای همسایه و به‌دست
 آوردن مستعمرات، حق آلمان است.

Left and Right

چپ و راست

این اصطلاح در زمان انقلاب کبیر فرانسه معمول شد. در مجلس ملی فرانسه، محافظه‌کارترین
 نمایندگان در منتهی‌الیه دست راست رئیس می‌نشستند و انقلابی‌ترین نمایندگان در منتهی‌الیه دست
 چپ وی جای داشتند و نمایندگان میانه‌رو در وسط می‌نشستند که به‌خودی‌خود بازتابی از
 محافظه‌کاری، لیبرالیسم و رادیکالیسم بود.

Leftie

چپی

اصطلاح محاوره‌ای و طعنه‌آمیز که از طرف افراد متعلق به طیف راست برای اشاره به
 روشنفکرانی به کار می‌رود که به جناح چپ تمایل دارند. اصطلاح مقابل آن، یعنی Rightie به کار نرفته
 است.

Leftism

چپ‌گرایی؛ چپ‌روی؛ چپ‌نمایی

۱- هواداری از عقاید چپ. ۲- چپ‌روی یا چپ‌نمایی از نظر مارکسیست‌ها به گرایش و انحرافی
 در حزب کمونیست اطلاق می‌شود که بجای تأکید بر نقش مهم حزب کمونیست در رهبری صحیح
 جنبش کارگری و فن مبارزه در راه تسخیر توده‌ها و همگام ساختن آنان با پیشاهنگ طبقه کارگر،
 سعی در تحقق ایده‌های سوسیالیستی دارد که جز در آینده قابل تحقق نیستند. ویژگی چپ‌روی،
 یعنی اپورتونیسم چپ در آن است که ماهیت اپورتونیستی خود را در پس جمله پردازیهای ماورای
 انقلابی پنهان می‌دارد و با احساسات توده‌ها بازی می‌کند.

Leftist

چپ‌گرا؛ دست‌چپی؛ چپی

کسی که به رادیکالیسم، آنارشیزم، لیبرالیسم و یاسوسیالیسم و کمونیسم اعتقاد دارد و ظاهراً
 خواستار ایجاد تحول به‌نفع مردم و مخالف طبقات ممتاز است.

Left-Liberal

چپ لیبرال

واژه‌ای است مبهم که برای اشاره به طیف گرایشات رایج بین روشنفکران غربی به کار رفته است.
 ویژگی اصلی آن، گرایش به آن دسته از اعتقادات جناح چپ است که با اعتقادات اساسی لیبرالی
 سازگار است مثل اعتقاد به حقوق طبیعی، آزادی فکر و بیان و اجتماعات و نیز عدالت اجتماعی.

Left Wing

جناح چپ

به‌طور کلی به افراد، گروه‌ها و حزبهای لیبرال، رادیکال، آنارشیزم، سوسیالیست و کمونیست

برود، در جامعه افراد توانا و مستعدی خواهند بود که جایش را بگیرند و راه و کار او را ادامه دهند.

انتخاب رهبری

Leadership Selection

فرایندی که سازمانها و تشکیلات از طریق آن، یک مأمور اجرایی اصلی را به صحنه می آورند. تعداد کمی از رهبران، توسط مراسم اسرار آمیز یا غیر علنی انتخاب می شوند. عده ای از راه وراثت به جانشینی می رسند. در بیشتر نظامهای سیاسی، به قدرت رسیدن رهبران از طریق رقابت و کشمکش است. در دیکتاتوریهایی نظامی، تسخیر قدرت به تشخیص لحظه مناسب و ارزیابی قوابستگی دارد. رهبران فاشیست از طریق تشکل و هدایت نیروهای شورشی به قدرت می رسند. رهبران کمونیست اغلب از طریق دسته بندیهای مخفی داخل حزبی ظهور می کنند. در دموکراسیها معمولاً از طریق احزاب و به صورتهای مختلف اقدام به انتخاب رهبری می شود.

جامعه ملل

League of Nations

سازمان بین المللی که در سال ۱۹۲۰ (بر اساس پیشنهاد ویلسون رئیس جمهوری ایالات متحده) به منظور حفظ صلح، داوری در مورد اختلاف بین کشورها و ترویج همکاری بین المللی تشکیل شد. خود ایالات متحده آمریکا عضویت در جامعه ملل را نپذیرفت. جامعه ملل در سال ۱۹۴۶ منحل گشت و کلیه ادارات و اموال آن به سازمان ملل متحد انتقال یافت.

سیاست تکیه به یک طرف

Lean to One Side Policy

سیاست جمهوری خلق چین در اوایل دهه ۱۹۵۰ مبنی بر تکیه به اردوگاه سوسیالیسم. در دهه ۱۹۷۰ چینیا دیگر در عرصه جهانی به اصلی بودن تضاد بین اردوگاه سوسیالیسم و اردوگاه امپریالیسم معتقد نبودند و در سال ۱۹۷۴ با ابداع نظریه سه جهان، چین را متعلق به جهان سوم دانستند و حتی تأکید کردند که شوروی (سابق) به خاطر اینکه در فکر گسترش منافع خود در جهان است، از آمریکا که در پی حفظ منافع خود در جهان می باشد، خطرناکتر است. آنها همچنین حمایت خود را از سیاست آمریکا در جهان سوم به عنوان یک عامل مؤثر در برابر شوروی سابق ابراز کردند.

اجاره

Lease

ترتیب انعقاد قرارداد (معمولاً نه از روی رغبت) بین دولتها که به موجب آن یک قسمت از سرزمین یک دولت برای استفاده دولت دیگر در نظر گرفته می شود. مثل اجاره قسمت اعظم هنگ کنگ به بریتانیا از طرف چین.

سرزمین در اجاره

Leased Territory

بخشی از یک کشور که به کشور دیگر اجاره داده شده است.

فضای حیاتی

Lebensraum (Living Space)

واژه آلمانی و عنوان دکترینی که اعتقاد دارد یک ملت بزرگ اگر از لحاظ اقتصادی و سیاسی و حقوقی تحت فشار همسایگانش باشد، نمی تواند آزادانه ترقی کند و تکامل یابد و اقتدارات ملی خود را از قوه به فعل آورد. هیتلر آن را در کتاب خود به نام "نبرد من" چنین شرح می دهد: "چهار

Law of State Succession**حقوق جانشینی دولت**

بخشی از حقوق بین‌الملل که به مسائل مربوط به جانشینی دولتها می‌پردازد و هدف آن به حداقل رساندن آثار تغییر حاکمیت است.

Law of the Sea**حقوق دریاها؛ حقوق دریایی**

در حقوق بین‌الملل عمومی، مجموعه اصول و قواعد حاکم بر روابط بین دولتها در محیط دریاها و اقیانوسها را حقوق دریاها می‌نامند.

Laws of War**حقوق جنگ**

مجموعه‌ای از قوانین و مقررات معین که به محض وقوع جنگ، هم در مورد کشورهای متحارب و هم در مورد کشورهای بیطرف از قوه به فعل درمی‌آید و برعهده آنها گذاشته می‌شود. تخلف از حقوق جنگ را جنایات جنگی می‌خوانند. امروزه، قسمت مهمی از حقوق جنگ که شعبه خاصی از حقوق بین‌الملل است، نوشته شده است، مثل اعلامیه ۱۸۵۶ پاریس درباره جنگ دریایی، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو درباره جنگ شیمیایی، پروتکل ۱۹۳۶ لندن درباره به کار بردن زیردریایی، موافقتنامه ۱۹۵۴ لاهه برای حراست اموال فرهنگی هنگام کشمکش مسلحانه. با ظهور سلاحهای اتمی و سلاحهای غیر اتمی پیشرفته، قوانین و مقررات تازه‌ای تدوین شده یا در حال تدوین است.

Leader**رهبر**

شخصیتی که به سبب استعدادها، مکارم و سجایای برجسته خود، نقش عمده‌ای در ارشاد ملت ایفا می‌کند و دیگران نیز او را به رهبری قبول دارند. نهضتهای اجتماعی در جریان تکامل و تحکیم درونی خود، رهبران شایسته خود را می‌یابند. تا وقتی که این نهضتها به علل اجتماعی، تکامل و تحکیم نیافته‌اند ممکن است افراد تصادفی، غیربصیر و نالایق بررأس آنها قرار گیرند که با اشتباهات خود، آن را دچار شکست یا انحراف سازند. رهبر یا شخصیتی که بر فراز مبارزات و اقدامات مختلف تاریخی قرار گرفته، می‌تواند سیر حوادث تاریخی را تند و کند نماید یا نیل به یک نتیجه معین را آسان یا دشوار سازد. رهبران، از این جهت می‌توانند نقش مترقی یا ارتجاعی در تاریخ ایفا کنند. از نظر هارولد لاسول، جامعه‌شناس آمریکایی، اوضاع و احوال اقتصادی و سیستم آموزش و پرورش و ویژگیهای روحی هر ملت موجب به وجود آمدن رهبرانی است که از طرف دیگر، خود نیز مظهر ویژگیهای آن ملتند و همان اختلافی که بین شخصیت رهبران سیاسی وجود دارد، بین ملتها نیز مشاهد می‌شود.

Leadership**رهبری**

۱- نقش یک فرد به عنوان آغازکننده، جهت دهنده یا سازمان دهنده فعالیت گروهی در اجتماع. ۲- توانایی یک شخص یا به‌ندرت گروهی از اشخاص در ترغیب دیگران به عمل و در جهت هدف یا هدفهای معین. در سیاست، معمولاً سه نوع رهبری تشخیص داده می‌شود: خودکامه، لیبرال و دموکراتیک. رهبر آزادپنخواه و مردمی نسبت به افراد لایق، شایسته، دانا و توانا احساس حسادت نمی‌کند، بلکه آنها را مورد تشویق و حمایت قرار می‌دهد و هنگامی هم که از کار برکنار گردد یا از دنیا

Latitudinarianism**آزاداندیشی؛ آزاد فکری**

هواداری از آزاد اندیشی یا هر نوع عدم دلبستگی و بیتفاوتی عقیدتی یا آیین پرستانه بویژه در امور دینی و سیاسی.

Launch-on-Warning**شلیک به محض دریافت هشدار**

این استراتژی بر این اساس قرار دارد که به محض دریافت هشدار آغاز حمله دشمن، باید موشکهای هسته‌ای تعرضی را به طرف او شلیک نمود.

Law**حقوق؛ قانون**

۱- مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور و کلی است که در زمان معین بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین شده است. ۲- اراده طبقه حاکم که به صورت قانون بیان می‌شود. ۳- مجموعه مقررات حاکم بر روابط افراد یک جامعه سیاسی. ۴- قاعده‌ای که توسط یک قدرت عمومی مقرر شده و مدلول آن، الزام یا اذن و اباحه است و همه افراد باید از آن پیروی کنند. قانون، زاینده شکل زندگی انسان است و چون زندگی انسان دائماً تغییر می‌کند، قانون نیز پیوسته در تغییر خواهد بود. هر تغییر اساسی قانون، بعد از وقوع یک انقلاب اجتماعی صورت می‌گیرد. اصولاً هر کس حق دارد که به عنوان یک انسان و طبق موازین وجدانی به‌ارزیابی قوانین بپردازد و وقتی وجدان او به‌درستی یک قانون گواهی داد، از آن اطاعت کند. هرگاه وجدان انسان به نادرستی قانون گواهی دهد نباید به اجرای آن مساعدت نماید. اجرای قانون نادرست از روی اجبار، بحث دیگری است. ۵- اصل کلی که به عنوان تنظیم‌کننده روابط اجتماعی از طرف هیأت حاکمه و افراد یک جامعه پذیرفته شده و ضمانت اجرایی برای آن وجود داشته باشد. ۶- قاعده‌ای حقوقی و واجد صفت کلیت و عمومیت با ضمانت اجرای خاص که با فرض دوام از طرف مرجع صالح و با رعایت تشریفات مقرر، برای تنظیم روابط اجتماعی، در جامعه‌ای ملی تنظیم و از طرف قدرت سیاسی تضمین شده باشد.

Law Lord**لرد حقوقدان؛ نماینده حقوقدان مجلس اعیان**

در انگلستان، نماینده قضائی مجلس اعیان (لردها)، شخصی که با توجه به پیشینه قضائی عالی، به عضویت یا ریاست مجلس منصوب می‌شود و صلاحیت دارد هنگامی که مجلس به عنوان بالاترین دیوان عدالت عمل می‌کند، در مذاکره‌ها و مشاوره‌ها و صدور رأی شرکت داشته باشد.

Law of Jungle**قانون جنگل**

کنایه از بی قانونی، آشفتگی، بی‌سروسامانی یا عدم رعایت قوانین موجود جامعه و حکومت زور. در این جوامع، اقلیتی زورمند یا ثروتمند، حقوق اکثریت افراد ضعیف و بیچاره را پایمال می‌نمایند و منابع ارزنده موجود را به غارت می‌برند و از آنها برای بهره‌گیری و تأمین آتیه همدستان و نزدیکان خویش استفاده می‌کنند. وجه تسمیه این واژه، آن است که اجتماع زیستی جنگل، الگویی از بی‌نظمی و بیرحمی و حق‌کشی تصور شده است.

Law of Social Gravity**قانون جاذبه اجتماعی**

میزان قدرت شخص در جذب احساسات و عواطف دیگران.

Last Man**پایان انسانها: انسان و اسپین**

فرانسس فوکویاما Fukuyama نویسنده آمریکائی ژاپنی تبار، بعد از نظریه «پایان تاریخ» در سال ۱۹۸۹، در سال ۲۰۰۲ اظهار داشته که تاریخ، زمانی به پایان می‌رسد که علم به پایان برسد و پایان علم هم حادثه‌ای نیست که زود تحقق پیدا کند. اینک بشر در آغاز انقلاب بزرگ در عرصه فناوری زیستی (بیوتکنولوژی) قرار دارد. مهمترین پیامد این انقلاب، توانائی تغییر دادن طبیعت انسان است. انسان دستکاری شده نیز، دیگر انسانی نخواهد بود که اکنون می‌شناسیم. در نتیجه تأثیرات انقلاب فناوری زیستی، انسانها و روابط اجتماعی آنها و نیز سیاست، دگرگون می‌شود. از طرف دیگر، فناوری زیستی و دستکاری ژنتیک این امکان را فراهم می‌آورد که انسانها زندگی سالم، بدون درد و بیماری و ناتوانی داشته باشند.

Late Capitalism**سرمایه‌داری محتضر**

این واژه را نویسندگان سوسیالیست و سوسیالیست، برای اشاره به مرحله‌ای از سرمایه‌داری (یعنی امپریالیسم) به کار برده‌اند که از زمان انقلاب صنعتی رو به توسعه گذاشته است و با تغییراتی در آمریکا و اروپای غربی به حیات خود ادامه می‌دهد. محتضر به این علت خوانده می‌شود که طبیعت این نوع سرمایه‌داری گذرا و زوال‌پذیر است.

Lateran Treaty**عهدنامه لاتران**

قراردادی که در ۱۱ فوریه ۱۹۲۹ در کاخ لاتران بین کاردینال گاسپاری به نمایندگی پاپ و موسولینی به نمایندگی ویکتور امانوئل سوم منعقد گردید. بر طبق این قرارداد، حاکمیت و استقلال دولتشهر واتیکان به رسمیت شناخته شد. میدان سن پیر که راه ورود به واتیکان است، تحت نظر و اداره پلیس ایتالیا قرار دارد و اتباع واتیکان مردمی هستند که به طور دائم در آنجا زندگی می‌کنند. تحصیل تابعیت واتیکان برخلاف مقررات جاری کشورهای دیگر فقط به وسیله اقامت در واتیکان، و ترک تابعیت آن با ترک اقامت صورت می‌گیرد.

Latin American Integration Association (LAIA) اتحادیه ادغام اقتصادی آمریکای لاتین

این گروه اقتصادی منطقه‌ای طبق عهدنامه‌ای که در سال ۱۹۸۰ در مونتویدئو به امضا رسید به وجود آمد و هدف آن افزایش رشد اقتصادی از طریق اقدامات مشترک است. این اتحادیه، جانشین اتحادیه تجارت آزاد آمریکای لاتین (۱۹۶۰) است. کشورهای امضا کننده عهدنامه اتحادیه ادغام اقتصادی آمریکای لاتین بر اساس سطح توسعه به سه گروه تقسیم شده‌اند: ۱- کشورهای کم رشد، شامل: بولیوی، اکوادور، پاراگوئه. ۲- کشورهای بارش متوسط، شامل: شیلی، کلمبیا، پرو، اوروگوئه، ونزوئلا. ۳- کشورهای رشد یافته، شامل: آرژانتین، برزیل، مکزیک.

Latin American Solidarity Organization**سازمان همبستگی آمریکای لاتین**

این سازمان در ۱۸ ژانویه ۱۹۶۶ برای حمایت از نهضت‌های انقلابی و آزادیبخش تأسیس شد و در اوت ۱۹۶۷، اولین کنفرانس خود را با حضور نمایندگان ۲۷ کشور در هاوانا برگزار کرد. شرکت کنندگان، حمایت خود را از ویت کنگ، نهضت قدرت سیاه و جنگ پارتیزانی علیه حکومت‌های وابسته به امپریالیسم اعلام داشتند.

جامعه مدنی، قدرت سیاسی اعمال نمی‌کند. واژه لائیسیته در ۱۱ نوامبر سال ۱۸۷۱ و پس از شکست کمون پاریس در یک روزنامه فرانسوی به نام میهن به کار برده شد و در ارتباط با غیردینی کردن نظام آموزشی یا خارج ساختن آن از زیر نفوذ مذهب و کلیسا مطرح گردید. به طور کلی، مفهوم لائیسیته را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: جدائی دولت و قوای سه گانه و بخشهای عمومی جامعه از نهاد دین و کلیسا، تضمین و تأمین آزادی از طرف دولت لائیک برای همه اعتقادات اعم از مذهبی و غیر مذهبی، لائیسیته ضد مذهب نیست بلکه می‌خواهد امر دولت را از امر دین جدا سازد.

جداسازی دین از روحانیان

Laicization

انتقال و ظایف دینی از روحانیان به مردم غیر روحانی.

آزادی اقتصادی؛ آزادی فعالیت اقتصادی

Laissez-Faire, Laissez-Passer

اصطلاح فرانسوی به معنی بگذارید بکنند، بگذارید بگذرد. این اصطلاح در نیمه اول قرن هجدهم میلادی در فرانسه و بویژه توسط کسانی که مخالف مکتب سوداگری بودند، پدید آمد و این عقیده را می‌رساند که دولت باید فقط به حفظ نظم و اجرای قانون اکتفا کند و کلیه محدودیتهای قانونی بر بازرگانی و قیمتها را برطرف سازد. طرفداران آزادی فعالیت اقتصادی یا اقتصاد بی‌بندوبار، بسط قدرت و مسئولیت حکومتهای جدید را انحطاط جامعه می‌انگارند و می‌کوشند که پیشرفت جبری اقتصاد سنجیده یا با نقشه را متوقف کنند. به نظر میلتون فریدمن، آزادی اقتصادی، پیشبرنده رشد اقتصاد است، زیرا از فقر می‌کاهد، فرصتهای تازه پدید می‌آورد و سایر آزادیهای مدنی و سیاسی را ترویج می‌کند.

پروانه عبور؛ جواز عبور؛ لسه پاسه پاسپورت

Laissez-Passer Passport

گذرنامه مخصوصی که دارنده آن از تشریفات بازرسی در مرز و عوارض گمرکی معاف است، مانند لسه پاسه‌ای که به عنوان جواز ورود مأموران سازمان ملل متحد به کشورها است.

ورشکسته؛ وامانده؛ آدم به درد نخور؛ بی‌عرضه؛ مسئول رفتنی؛ مسئول موقت

Lame Duck

۱- شخص یا سازمانی که در اداره امور خود و ادای دیون عاجز است. ۲- نماینده یا صاحب مقامی که برای دوره بعد انتخاب نشده و اواخر دوره نمایندگی‌اش را سپری می‌کند.

کشور بی‌ساحل

Landlocked State

کشور محصور در خشکی یا کشوری که هیچ مرز ساحلی ندارد و برای ارتباطات دریائی، به همکاری همسایگان خود متکی است.

اصلاحات ارضی

Land Reform

اقدام یک دولت برای به‌وجود آوردن تغییراتی در نحوه مالکیت و طرز استفاده یا بهره‌برداری از زمین.

اکثریت آراء؛ پیروزی در انتخابات

Landslide

۱- اکثریت قاطع آرای که به نفع یک کاندیدا یا حزب در یک انتخابات ریخته شده باشد. ۲- با اختلاف آرای زیاد برنده یا انتخاب شدن و یا پیروزی چشمگیر در انتخابات.

Labour Confederation

کنفدراسیون کارگری

همبستگی و ائتلاف اتحادیه‌های کارگری.

Labour Movement

نهیضت کارگری؛ جنبش کارگری

جریانی است که طبقه کارگر را به منظور اقدام و عمل هماهنگ برای بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی و ترقی اجتماعی کارگران مزدور به سوی تشکیل سازمان و تشکل سوق می‌دهد.

Labour Theory of Value

نظریه ارزش کار

نظریه‌ای که توسط کسانی مثل لاک، مارکس و ریکاردو مطرح شد و به موجب آن، ارزشداری کالاها ناشی از کار یا نیروی کاری است که در تولید کالاها صرف می‌شود. این نظریه به علت نادیده گرفتن نقش تقاضا در تعیین قیمت‌ها مورد انتقاد قرار گرفته است.

Labour Union

اتحادیه کارگری

این واژه به معنی سازمان صنفی کارگران و مترادف واژه تریدیونیون است.

Laic

لائیک؛ جدا از دین؛ غیر کلیسایی؛ غیر روحانی؛ علمانی

صفت لائیک یا لی Lay صفتی است که در وصف یک نهاد (مثل نهاد دولت) به کار می‌رود و معمولاً به فرد یا جامعه اطلاق نمی‌شود، چون ناظر بر استقلال یا جدائی آن نهاد از نهاد دین است. اصطلاح لائیک، نخست در دوره قرون وسطی در حوزه کلیسای مسیحی مطرح شد. معنی لائیک در آن زمان با ساختار کلیسا و جامعه مدنی ارتباط داشت. جامعه مسیحی به دو طبقه کلرک cleric و لائیک تقسیم می‌شد. لائیک‌ها شامل مسیحیان معمولی و کلرک‌ها شامل کلیسائیان یا کارمندان کلیسا می‌شدند. کارمندان کلیسا از طرف کلیسا، وظایف اداری، فرهنگی و آموزشی و جز اینها را برعهده داشتند و در مقابل انجام وظایف محوله، حقوق می‌گرفتند.

Laicism

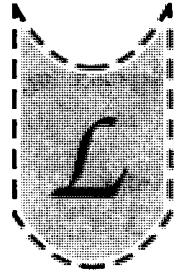
گرایش به جدایی دین و سیاست؛ بی‌اعتنایی به مذهب

اعتقاد به خارج کردن بنیادها و تأسیسات اجتماعی از تسلط مذهب، یا آیینی که به موجب آن، نهادهای اجتماعی و وظایف مدنی - بویژه وظایف قضایی و آموزشی - باید به اشخاص غیر روحانی محول شود. اصولاً وصف لائیک برای قانون یا کشور یا سازمان یا شخص، در مقابل وصف دینی و ایمانی و اعتقادی است. مثلاً وقتی گفته می‌شود فرانسه یک کشور لائیک است، یعنی سیاست آن از دین جدا می‌باشد و همه مذاهب را به یک چشم می‌نگرد. بی‌اعتنایی به مذهب، نهضتی بود که علیه اختناق مذهبی و تفتیش عقاید در قرون وسطی و همپای رنسانس در اروپا به وجود آمد.

Laïcité (Laicity, Secularity)

جدالی دین و دولت؛ جدالی دین از دولت

واژه فرانسوی به مفهوم یک بینش سیاسی که از یک طرف، جدائی دین و دولت، و از طرف دیگر، آزادی دین و مذهب را تجویز می‌کند. لائیسیته، آزاد شدن دولت و بخش عمومی از قیومیت و مرجعیت دین است. به عبارت دیگر، دریافت سیاسی است که برحسب آن، از یک طرف، دولت و بخش عمومی از هیچ دینی پیروی نمی‌کند و از طرف دیگر، دین با برخورداری از همه آزادیها در



کار

Labour

۱- فعالیت فکری یا یدی برای کسب یا ایجاد درآمد و تولید کالا یا انجام خدمت که معمولاً با واژه Work مشخص می‌شود. ۲- عملی که در جریان آن، انسان به تغییر شکل طبیعت می‌پردازد تا نیازهای خود را رفع نماید. به بیان دیگر، عمل و فعالیت ارادی و هدفدار انسان به کمک ابزار تولید بر روی طبیعت، برای دگرگون ساختن، منظم کردن و تحت نظارت گرفتن آن. کار، خصوصیت انحصاری انسان و ضرورت طبیعی و شرط اصلی زندگی انسان است. جامعه مبتنی بر بهره‌کشی، کار را که مضمون زندگی انسان است به وسیله آلوده پول درآوردن و برای از گرسنگی نمردن تبدیل می‌کند که خود بزرگترین از خود بیگانگی است. در این جوامع، کار برای کارگر یک امر غریبه است و ربطی به طبیعت انسانی او ندارد. کارگر در کار خود هستی خود را تسجیل نمی‌نماید، بلکه نفی می‌کند. خود را خوشبخت احساس نمی‌نماید، بلکه بدبخت احساس می‌کند. انرژیهای روحی خود را آزادانه رشد نمی‌دهد، بلکه فرسوده می‌سازد، طبیعت جسمی خود را تباه می‌کند و نیروهای روانی خود را ویران می‌سازد. از این رو، کارگر فقط در شرایط نبودن کار، خود را خوشبخت احساس می‌کند. از این جهت، کارش داوطلبانه نیست، بلکه اجباری و تحمیلی است. اصطلاح کار را نمی‌توان به کارهای خسته کننده و رنج آور محدود کرد، زیرا در این صورت عالی‌ترین شکل‌های خلاق ادبیات و هنر را باید مجزا ساخت.

اشرافیت کارگری

Labour Aristocracy

این واژه معمولاً در مورد یک قشر بخصوص از کارگران کشورهای سرمایه‌داری به کار می‌رود که با استفاده از مهارت‌های خاص، موقعیت ویژه و قدرت تشکیلاتی سهمی از سودهای هنگفت نصیب آنها می‌شود و محمل نفوذ فکری و سیاسی سرمایه‌داری در بین توده‌های کارگر نیز به حساب می‌آیند. مارکسیستها، وجود این قشر را یکی از دلایل فقدان عمل انقلابی طبقاتی کارگران در انگلستان در نیمه دوم قرن نوزدهم دانسته‌اند. به نظر آنها، اشرافیت کارگری با برخورداری از شرایط بهتر، خود را از بقیه طبقه کارگر جدا نموده و به همکاری و نزدیکی با بورژوازی تمایل بیشتری دارد تا مخالفت و پیکار با آن.

بیخبری Know-Nothing Party گرفته شده که در سال ۱۸۵۶ در آمریکا ظاهر شد و مانند یک جمعیت سری ارتجاعی، بویژه با ورود مهاجرین جدید و کاتولیکها مخالفت می‌کرد. هر گاه یکی از اعضای این حزب نیز در مورد فعالیت‌های حزبی مورد سؤال قرار می‌گرفت، فقط جواب می‌داد: "نمی‌دانم".

Kremlin

کرم‌لین

مقر حکومتی در مسکو که بیشتر برای اشاره به حکومت شوروی سابق به کار می‌رفته است.

Kremlinology

کرم‌لین‌شناسی

این واژه برای بررسی و مطالعه سیاست شوروی سابق در سطوح بالا به کار رفته است.

Kulak

کولاک

واژه روسی به معنای دهقان ثروتمند. کولاکها به عنوان یک طبقه، در دوره جمععی کردن کشاورزی در دهه ۱۹۳۰ در روسیه شوروی تحت فشار و سرکوبی قرار گرفتند. نابودی آنها به کشاورزی آنجا لطمه زد.

Kulturkampf

نبرد فرهنگی (کولتور کامپف)

واژه آلمانی برای اشاره به جنبش سیاسی علیه کلیسای کاتولیک رومی که در سال ۱۸۷۱ میلادی توسط اتو فون بیسمارک (۱۸۹۸-۱۸۱۵) سیاستمدار و صدراعظم پروس - آلمان به قصد جدا کردن تمام نهادهای آموزشی و فرهنگی از کلیسا و قرار دادن آنها زیر کنترل دولت برانگیخته شد.

Kyoto Climate Change Protocol

پروتکل تغییر آب و هوایی کیوتو

هدف این پروتکل زیست محیطی که از کنفرانس سران در سال ۱۹۹۲ در ریو دو ژانیرو حاصل شد و در سال ۱۹۹۷ در کیوتوی ژاپن به امضا رسید، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای آلاینده (مثل گازهای آزاد شده از سوختن سوخت‌های فسیلی مثل نفت، گاز و زغال سنگ) است که موجب گرم شدن کره زمین، بالا رفتن دما و تغییرات آب و هوایی می‌شوند. برای به اجرا در آمدن این پروتکل، باید توسط کشورهایی که ۵۵ درصد انتشار گازهای گلخانه‌ای در جهان ناشی از آنها است، مورد تأیید قرار گیرد. در ژوئن سال ۲۰۰۲ پانزده کشور اتحادیه اروپا این پروتکل را تأیید کردند. تا سال ۲۰۰۲ بیش از هفتاد کشور، پروتکل کیوتو را مورد تأیید قرار داده‌اند. پروتکل کیوتو از آمریکا خواسته است که در قبال داشتن ۳۶ درصد سهم انتشار گازهای گلخانه‌ای در سال ۱۹۹۰، آنها را کاهش دهد. با وجود این، در طول سالهای ۲۰۰۲-۱۹۹۷، انتشار گازهای گلخانه‌ای در آمریکا در حدود ۸ درصد نیز افزایش یافته است. در حالی که در کنفرانس سال ۱۹۹۷ در کیوتو تصمیم گرفته شده بود که طبق برنامه‌ای حساب شده، کشورها تولید گازهای آلوده کننده محیط را تا شش درصد کمتر از میزان آنها در سال ۱۹۹۰ کاهش دهند. آمریکا تنها مخالف این پروتکل است.

اعتقاد دارد که حتی ضعیفان و نادارها نیز می‌توانند آن را به دست آورند. به نظر او، رشد آگاهی اطلاعاتی که به موازات ظهور اقتصاد مبتنی بر کامپیوترها و اطلاعات و ارتباطات پیش می‌رود، دولت‌ها را مجبور کرده است به مباحث مربوط به دانایی، مانند پنهانکاری و دستیابی عمومی به حریم خصوصی، توجه بیشتری نشان دهند. به نظر آلوین و هایدی تافلر، "درست همان طور که انقلاب صنعتی بسیاری از ساختارهای سیاسی متقدم را دگرگون ساخت، انقلاب دانایی - و موج سوم دگرگونی و تغییری که این انقلاب ایجاد کرده است - نیز با آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر چنین خواهد کرد. آن دسته از احزاب سیاسی و جنبشهایی که این واقعیت تاریخی را درک کنند، باقی می‌مانند و آینده را برای فرزندانمان شکل می‌دهند و آنها که موفق به درک این واقعیت تاریخی نشوند، از قافله پیشرفت و تمدن عقب می‌مانند." دانش و دانایی از دو جزء سرمایه انسانی (با تعداد سالهای آموزش قابل سنجش است) و ایده‌ها (با تعداد اختراعات و نوآوریهای به ثبت رسیده قابل سنجش است) تشکیل می‌شود.

اقتصاد دانایی؛ اقتصاد متکی به دانش؛ اقتصاد متکی به اطلاعات

اقتصاد مبتنی بر اطلاعات که آن را اقتصاد ناملموس، غیرمادی، بی‌وزن و اقتصاد جدید نیز خوانده‌اند. در این نوع اقتصاد، افکار و اندیشه‌ها، تصاویر ذهنی و دانش از محصولات مادی، مواد خام و ماشینها اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. در اقتصاد متکی به اطلاعات، بخشهای زیر قابل توجه است: ۱- فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی و اینترنت. ۲- مالکیت معنوی و حق امتیاز و تبلیغات و خدمات مالی. ۳- بانکها و پایگاه‌های اطلاعاتی و رسانه‌های گروهی جدید. ۴- فناوری زیستی. به نظر لسترتارو، یکی از اقتصاددانان، مبنای تولید ثروت در اقتصاد امروز، دانش و تخصص است و کارآفرینان از دانش و اطلاعات به تولید ثروت دست می‌زنند. به نظر او، کشوری ثروتمند می‌شود که راه شکوفائی کاشفان و نوآوران و نواندیشان خود را باز کند. اینک سومین انقلاب صنعتی در حال ایجاد هرم ثروت به شیوه جدید است. کسانی برنده‌اند که ماهیت هرم ثروت را در اقتصاد دانایی زودتر درک کنند. وی قواعد بازی در قرن حاضر را به شرح زیر بر شمرده است: ۱- ثروت نه از راه پس انداز پول، بلکه در شرایط عدم تعادلهای بزرگ سرمایه‌گذاری کردن به دست می‌آید. ۲- برهم زدن نظم کهنه شرکتها و بنگاه‌ها و جایگزینی آن با نظم جدید. ۳- استفاده از عدم تعادلهای ناشی از فناوری و توسعه. ۴- درک و تشخیص محدودیتهای ناشی از ضعفهای ذاتی خویش. ۵- تقویت زنان و مردان کاردان و مدیر و پیشرو. ۶- تقویت خلاقیت و آزادی همراه با نظم مناسب. ۷- سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در تحقیقات اجتماعی بنیادی. ۸- سرمایه‌داری متکی به دانش و اطلاعات باید با حقوق مالکیت مشخص همراه باشد. ۹- پیشرفت اقتصادی همراه با حفاظت محیط زیست. ۱۰- توجه به آینده.

Knownothingism

مرد مفربی؛ غفلت‌گرایی

این واژه در ایالات متحده آمریکا برای اشاره به فعالیت سیاسی (مبتنی بر احساسات و ناآگاهی) به کار می‌رود که از بدگمانیها، دشمنیها، واهمه‌ها و جهل رأی دهندگان آمریکایی بهره‌برداری می‌کند. این واژه از نام یک حزب کوچک سیاسی به نام حزب لاادری یا غفلت یا هیچ ندانی و

فکر کرد. از نظر کانت، مملکت غایات در صورتی تحقق می‌یابد که تمام امور بدون استثنا انجام شوند.

Kingship

سلطنت؛ شهریاری؛ پادشاهی

حکومت یک شخص بر مملکت. نوع فاسد شهریاری را تیرانی یا جبارسالاری نامیده‌اند.

Kinship

خویشاوندی

پیوند خونی یا قرابت سببی بین افراد مختلف. در جوامع مدرن و متجدد، گروه خویشاوندی، گروه محدودی است، اما در جوامع اولیه یا سنتی، هم از نظر کمی و هم از نظر مقام آن در جامعه، گسترده و با اهمیت است.

Kitchen Cabinet

کابینه آشپزخانه؛ مشاوران پشت پرده

گروهی غیررسمی از دوستان نزدیک و مشاوران شخصی رئیس جمهوری که ممکن است چند عضو رسمی کابینه را نیز شامل شود. مبدأ این واژه، اطلاق کابینه آشپزخانه به گروهی از دوستان نزدیک پرزیدنت آندریو جکسون بود که گاهی در آشپزخانه کاخ سفید با او ملاقات می‌کردند. جکسون غالباً نظریات آنها را به نظریات رسمی ترجیح می‌داد. امروزه، این واژه همچنین برای اشاره به گروه مشابهی که رئیس دولت با آنها مشورت کند و به آنها متکی باشد، به کار می‌رود.

Kitman (Concealment)

کتمان

واژه عربی به معنی پنهان داشتن حق و سری که شایسته آشکار نمودن است.

Kleptocracy

دزدسالاری

حکومت و فرمانروایی دزدان. این واژه گاهی برای اشاره به رژیمهای سلطه طلب و استبدادی به کار می‌رود که در آنها فساد به‌متها درجه می‌رسد و مقامات عالی حکومتی، دارائیهای عمومی را غارت می‌کنند. مثلاً استانیسلاو آندرسکی Andreski در سال ۱۹۶۶ از این واژه برای توصیف حکومتهای فاسد در کشورهای آمریکای لاتین استفاده کرد.

Knifing

خیانت سیاسی؛ از پشت خنجر زدن

۱- ممانعت مخفیانه یک حزب از انتخاب کاندیدای خود و یا تظاهر به حمایت از یک کاندیدا، ولی کار فعالانه برای انتخاب کاندیدای دیگر. ۲- زیراب کسی را زدن یا محرمانه علیه کسی فعالیت کردن یا از پشت خنجر زدن.

Knowledge

دانایی؛ دانش

داده‌ها، اطلاعات، تصاویر، تصورات و طرز تلقی‌ها، ارزشها، شناخت و معرفت که همواره مورد استفاده یا دستکاری قدرت جوین قرار می‌گیرند. این امر در مورد رسانه‌های انتقال دانایی نیز صادق است. آلویین تافلر، نویسنده اجتماعی طرفدار تمدن سرمایه‌داری غرب، از بین ابزارها و اهرمهای قدرت، خشونت یازور، ثروت و دانایی را ابزارهای اصلی دانسته و بیشتر منابع دیگر قدرت را ناشی از آنها دانسته است. از نظر او، قدرت به معنی استفاده از خشونت، ثروت و دانایی برای واداشتن دیگران به انجام کار خاص است. تافلر دانایی را مردمی‌ترین منبع قدرت می‌داند و

Khomeinism**خمینیسیم**

جرج شولتز وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در ماه مه سال ۱۹۸۶ از گرایشها و جنبشهای اسلامی تحت عنوان خمینیسیم نام برد و آن را خطری علیه آمریکا و اسرائیل توصیف کرد. این واژه از نام امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران گرفته شده است. در ایران، راه امام، خط امام و نهضت امام خمینی به کار می رود.

Khroshchevism**خروشچفیسیم**

آیین و اصول نظریات نیکیتا خروشچف (۱۹۷۱-۱۸۹۴). کمونیستهای چینی در یک مباحثه ایدئولوژیک، آیین او را در سندی به نام کمونیسیم دروغین خروشچف (خروشچفیسیم) ارزیابی کردند و مشی او را تحت عنوان سه ترمسالمت آمیز به شرح زیر بیان نمودند: همزیستی مسالمت آمیز شرق و غرب، گذار تدریجی و مسالمت آمیز به سوی سوسیالیسم و راه مسالمت آمیز کسب قدرت سیاسی.

Khutba (Sermon)**خطبه**

در اسلام، عبارت است از بیان پندآمیز و برانگیزنده‌ای که توسط خطیب و بیشتر در روزهای جمعه و اعیاد مذهبی و حوادث مهم ایراد می شود، و غالباً مسلمانان را در مواقع مناسب به وظایف دینی و سیاسی آشنا می سازد.

Kibbutz**کیبوتص**

شکلی از سکونتگاه اشتراکی همراه با کار کشاورزی و نوعی تولید صنعتی و فعالیت نظامی در مواقع لزوم که اولین مورد آن در سال ۱۹۰۹ در اسرائیل تأسیس شد. اکنون کیبوتصها اهمیت خود را از دست داده‌اند و فقط دو درصد جمعیت این کشور در آنها زندگی می کنند.

Kid-Glove Diplomacy**دیپلماسی تشریفاتی؛ دیپلماسی رسمی؛ دیپلماسی ملایم**

اصطلاح عامیانه آمریکایی برای اشاره به انجام امور مربوط به روابط بین المللی با ظرافت، زرق و برق و تشریفات.

King**شاه؛ ملک؛ سلطان؛ پادشاه؛ شهاریار**

رئیس کشور در رژیم سلطنتی که ممکن است دارای اقتداراتی مطلق و بلاشرط باشد، خویشتن را مافوق هر قانون و قاعده‌ای قرار دهد و در نهایت استبداد، فرمانروایی کند و یا سلطنتی محدود و توأم با حکومتی پارلمانی و متکی بر آداب و رسوم ایجاد نماید. در برخی از کشورهای اروپا مثل انگلستان، سوئد، نروژ، دانمارک و هلند که رژیم سلطنتی هنوز متداول است، اقتدارات پادشاه به کلی محدود شده است. کشورهایی که با رژیم سلطنتی اداره می شوند، دارای مقررات خاصی برای احترام به شخص شاهند و این مقررات با مختصر تفاوتی در تمام کشورها یکسان است. حقوق بین المللی نیز برای پادشاهان، حقوق و امتیازات مشابهی می شناسد.

Kingdom of Ends**مملکت غایات**

به نظر کانت، مملکت غایات، یک ایده آل محض است که تحقق نیافته و فقط باید در مورد آن

کار خود را دنبال کند و از جنگ (یعنی زرخیزترین تجارت برای طبقه حاکم) همواره سودهای کلانی عاید خویش کند. بالأخره، در ۲۷ ماه اوت سال ۱۹۲۸ در پیمان کلوگ - بریان که به پیمان پاریس و "عهدنامه عمومی انصراف از جنگ" نیز معروف است، جنگ را حرام و غیرقانونی اعلام کردند. طبق این پیمان که از سال ۱۹۲۹ به مرحله اجرا درآمد، دولت‌های عاقد اعلام می‌کردند که از این پس جز در مقام دفاع از خود و به‌خاطر حفظ صلح عمومی اقدام به جنگ نکنند. پیمان کلوگ - بریان فقط قاعده و قانون را اعلام می‌کند و راهی برای اعمال و انطباق قانون، تعریف تجاوز و دولت متجاوز نشان نمی‌دهد. همین امر، بیانگر ریاکاری و عوامفریبی دولت‌های عاقد پیمان است. این پیمان که به کوشش کلاگ و بریان، وزیران خارجه آمریکا و فرانسه، بین دولت‌های آلمان، آمریکا، ایتالیا، بریتانیا، بلژیک، چکسلواکی، ژاپن، فرانسه و لهستان منعقد شد، تا سال ۱۹۳۹ به تصویب اغلب کشورهای مستقل جهان رسید. در سال ۱۹۸۴، ۶۴ کشور از جمله شوروی سابق و تعدادی کشورهای جدیدالاستقلال به آن پیوسته بودند.

کمالیسم

Kemalism

سیاست و اصول حکومتی مبتنی بر ناسیونالیسم ترک، جمهوریخواهی، اقتصاد آزاد و جدایی دین و سیاست، بریدن از فرهنگ اسلامی و گرایش به فرهنگ غربی که توسط مصطفی کمال پاشا معروف به آتاتورک وضع شد. وی در سال ۱۹۲۳ پس از برانداختن نظام خلافت آل عثمان، به مقام ریاست جمهوری ترکیه رسید.

کینز یانیسم

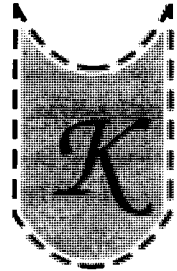
Keynesianism

نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی لرد جان مینارد کینز (۱۹۴۶-۱۸۸۳) اقتصاددان انگلیسی. برای طرفداران سرمایه‌داری، عقاید کینز همان اندازه اهمیت دارد که عقاید مارکس برای طرفداران سوسیالیسم. کینز، کلیه نظریات خود را در جهتی تدوین کرد که نظام سرمایه‌داری را از نابودی نجات دهد. وی در اثر مشهور خود به نام "نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول" که در سال ۱۹۳۶ منتشر شد، مسائل اساسی سرمایه‌داری انحصاری دولتی را چون بحرانهای اقتصادی، بیکاری و هدایت اقتصاد به وسیله دولت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. کینز اعتقاد داشت که بیکاری و بحران مولود رفتار کارگران در امتناع از قبول مزد کمتر نیست، بلکه کردار دولت‌مندان (سرمایه‌داران) موجب بحران و تشدید بیکاری است، زیرا به جای آنکه مصرف کنند، گنج می‌کنند و به جای آنکه سرمایه‌گذاری کنند، پس انداز می‌کنند. چاره بیکاری، مداخله دولت در اعمال یک سیاست همه‌جانبه سرمایه‌گذاری است. به گمان او، سرمایه‌گذارهای دولتی سبب افزایش درآمدهای فردی و بالتججه میزان مصرف می‌شود که خود سرمایه‌گذارهای دیگر را به وجود می‌آورد و در نتیجه بیکاری کاهش می‌یابد.

حرف اصلی

Keynote

فکر و نکته اساسی یک بحث یا سخنرانی، مثل اینکه گفته شود حرف اصلی خطابه رئیس جمهوری ضرورت مبارزه با مفاسد اجتماعی بود.



Kaizen

کایزن

واژه ژاپنی به معنی بهبود مداوم و پیوسته در زندگی شخصی، زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی و زندگی کاری. کایزن در محیط کار به معنی بهبود مداوم و همراه با مشارکت همه کارکنان (اعم از کارگر و کارمند و مدیر و مستخدم) است. اساس استراتژی کایزن، آگاهی و تأکید بر این نکته است که اگر قرار باشد، شرکت و یا سازمانی پایدار بماند و کسب سود نماید، در درجه اول باید به فکر جلب رضایت مشتری و برآوردن نیازهای او باشد.

Kakistocracy

حکومت بدان

حکومت فاسدان یا حکومتی که در دست بدترین اهالی باشد.

Kangaroo Court

دادگاه مسخره؛ دادگاه قلابی؛ دادگاه فرمایشی

دادگاه یا آیین دادرسی مسخره‌ای که در آن تمام معیارهای عدالت و رویه‌های قضایی نادیده گرفته شود و دادستان، قاضی و مأمور اعدام آن یکی باشد و رأی آن از پیش تعیین شده باشد. این واژه عامیانه در اصل برای اشاره به دادگاههایی به کار می‌رفت که (در سال ۱۸۵۳) در برخی نقاط اوهایو تشکیل می‌شد و قضات آن از محل جرائم و وصولی امرار معاش می‌کردند.

Kellog-Briand Pact

پیمان کلوک - بریان

از اوایل قرن بیستم در اثر ایجاد نوعی صلح طلبی ساده دلانه در حوزه روابط حقوقی بورژوازی حاکم، این اندیشه بروز کرده بود که باید جنگ را از میان برداشت و دولتها نباید قاضی خویش باشند، بلکه باید نیرویی بالاتر از نیروی دولتها به وجود آورد که در مورد کشمکشهایی که ممکن است منجر به جنگ شود، وساطت کنند. علت بروز این اندیشه آن بود که طبقات کارگری می‌خواستند دنیا را به سوی جامعه بی‌طبقه ببرند و با این کار، علت اصلی جنگ را از میان بردارند. بورژوازی در برابر این اصل که جامعه طبقاتی زیر سلطه بورژوازی جهان‌نحوار باعث جنگ و کشتار کارگران است، چاره‌ای نداشت جز آنکه در ظاهر دست به عوامفریبی بزند و تبلیغات صلح طلبانه بکند و در باطن،

دو تن به عنوان اعضای جامعه‌ای خاص بانظام سیاسی معین صادق تواند بود و رعایت آن نیز فقط در آن نظام سیاسی خاص واجب است. عدل طبیعی یعنی آیینی که منشأ آن نظم طبیعی و فطری امور است و عدل قانونی آن است که به حکم قانون یعنی به وساطت عقل برقرار شود. "به قول معروف، دولتی پایدار می ماند که عدالت را برقرار کند و در رفتار خود جانب انصاف را از دست ندهد. قانون و قاعده‌ای را که مردم با عدل و انصاف منطبق ندانند، از روی میل اجرا نمی کنند و برای فرار از آن به انواع حيله‌ها دست می زنند.

Justicialism

عدالت خواهی؛ ژوستی سیالیسم

ویژگی جنبش پوپولیستی آرژانتین، تفوق سمت‌گیری اجتماعی بر ناسیونالیسم بوده که پرونیسم و ژوستی سیالیسم را پدید آورد. خوان دومینکن پرون حدود ده سال (۱۹۵۵-۱۹۴۶) رئیس جمهوری آرژانتین بود و ایجاد نظام تعاونی تریدیونیونیستی، تهیه قوانین اجتماعی و کار و پرونیسم و ژوستی سیالیسم (از ژوستی سیای اسپانیایی به معنی عدالت) با نام او مربوط است. یکی از اصول عمده ژوستی سیالیسم یا عدالت‌گرایی قبول این حکم بود که در جامعه عدالت پرور و ملی آرژانتین آینده به همه افراد حق قانونی و برابر مشارکت در سیاست و اقتصاد کشور داده می شود و همزیستی هماهنگ مالکیت خصوصی با مالکیت جمعی و بخش دولتی تحقق می یابد. طرفداران پرون تأکید می کردند که ایجاد چنین جامعه‌ای فقط از راه اصلاحات و در سایه مشارکت مردم در ساختمان آرژانتین آینده به رهبری پرون و حزب و اتحادیه‌های کارگری وفادار به او امکان پذیر است. طرفداران پرون همچنین فکر می کردند که بدین ترتیب آرژانتین می تواند به سبک خاص خود که "نه راه سرمایه داری و نه راه سوسیالیستی، بلکه راه عدالتخواهانه و ملی" است، رشد کند. آنها گسترش مشارکت اجتماعی را وسیله مؤثری برای ادغام طبقه کارگر و دیگر گروه‌های زحمتکش در نظام سرمایه داری می دانستند. تئوری و سیاست عدالت خواهی از افزایش نقش مردم در سیاست دفاع می کرد، ولی با تمام توان می کوشید تا از انفجار رهبری نشده انرژی اجتماعی مردم جلوگیری به عمل آورد.

Justification

توجیه

درست جلوه دادن امر واقع.

Just War

جنگ عادلانه

جنگی است آزادببخش و با رفتار انسانی که به خاطر دفاع از میهن و دستاوردهای زحمتکشان، به ضد استعمارگران، اشغالگران و متجاوزان صورت می گیرد. یا جنگ برای دفاع از خود، تلافی ظلمها و بی انصافیها و صدمات یا گرفتن خسارت و تاوان از طرف مقابل به خاطر دست زدن به کارهای غیر قانونی.

حقوق معاهدات به این قاعده اشاره کرد. از نظر این کنوانسیون، عبارت است از قاعده‌ای که از طرف جامعه بین‌المللی دولتها، در مجموع، پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است که از آن نباید هیچگونه تخلفی صورت گیرد و قابل تغییر شکل نیز نیست مگر از طریق قاعده جدید دیگری در حقوق بین‌الملل عمومی که دارای همان ویژگی باشد.

Jus Sanguinis (Law of the Blood)

سیستم خون؛ اصل حقوق خون

نظریه‌ای حقوقی مبنی بر اینکه تابعیت، نتیجه خون و نسب است. یعنی کودک به محض تولد، تابعیت پدر و مادرش را پیدا می‌کند. سیستم خون به تنهایی برای تشخیص تابعیت افراد کافی نیست، مثلاً هرگاه کودکی از والدین غیر معلوم به دنیا آمده باشد (کودکان سرراهی) و یا اینکه والدین تابعیت خود را از دست داده باشند و در هنگام تولد کودک، در وضع آپاترید بسر برند، تعیین تابعیت کودک طبق سیستم خون میسر نخواهد بود. از این رو، سیستم دیگری مورد احتیاج است که لاقلاً سیستم خون را تکمیل نماید و آن، سیستم خاک است.

Jus Soli (Law of the soil)

سیستم خاک؛ اصل حقوق خاک

نظریه‌ای حقوقی مبنی بر اینکه تابعیت، نتیجه خاک و تولد کودک در سرزمین و حوزه حکومت یک دولت است. یعنی هر شخص، تابعیت کشور و محل تولد خود را دارد. ممکن است فرض نمود شخصی در هواپیما یا در کشتی متولد شود. در این فرض چون بنا بر یک سنت بین‌المللی "کشتی در دریای آزاد تابع دولتی است که پرچم آن را افراشته است" در حقیقت کشتی (همچنین هواپیما) به منزله خاک آن دولت تلقی می‌شود. با این بیان مثلاً اگر کودکی از والدین غیر معلوم در دریای آزاد و در کشتی ایرانی به دنیا آید، طبق اصل خاک، تبعه دولت ایران است. امروزه اکثر دولتها به سیستم خاک عمل می‌کنند. در قانون مدنی ایران، در عین حال که اصل خون به معنی بین‌المللی قبول شده است، ولی اصل خاک نیز در مواردی در کنار این سیستم اعمال می‌شود. در آمریکا نیز که طبق قانون اساسی، سیستم خاک اعمال می‌شود، از نظر اینکه تولد اتفاقی موجب رابطه معنوی در تابعیت نشود، به موجب قانون فدرال آمریکا برای اینکه شخص بر اساس اصل خاک بتواند از مزایای تابعیت استفاده نماید، بهر حال باید در این کشور اقامت گزیند.

Justice

عدالت؛ عدل

۱ - فضیلتی است که به موجب آن، باید به هرکس آنچه را که حق او است، داد ۲ - گذاشتن پایه احقاق حق بر مساوات در مقابل قانون و احترام به حقوق افراد ۳ - رعایت تعادل قانونی بین منافع موجود. ارسطو، عدل را دارای هشت نوع می‌داند که عبارتند از: "عدل عام، مطلق درستکاری و راستی است. عدل خاص آن است که هرکس در جامعه‌ای که از افراد برابر و آزاد فراهم می‌آید با هموعان خود از روی انصاف و یکسان بینی رفتار کند. عدل خاص خود بر دو نوع است: عدل توزیعی، یعنی تقسیم مناصب و احترامات و پاداشها و مزایای دیگر اجتماعی میان افراد بر مبنای شایستگی. عدل اصلاحی، یعنی تربیاتی که نارواییها و نادرستیهای را که در روابط افراد پدید می‌آید اصلاح کند. عدل مطلق یعنی عدلی که وابسته به نوع خاصی از نظام سیاسی و اجتماعی نیست بلکه رعایت آن برای سراسر جامعه بشری واجب است. عدل نسبی یا عدل سیاسی که فقط در روابط

Judicial Review**بررسی قضایی**

رسیدگی و تجدیدنظر قوه قضائیه در اقدامات و مصوبات قوه مجریه و قوه مقننه که در بعضی کشورها مثل آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Judiciary Independence**استقلال قوه قضائیه**

اهمیت حکومت قانون، اقتضا می‌کند که قضات با تمایل قوای مقننه و مجریه قابل عزل نباشند. برای اجرای عدالت، ضرورت دارد که قاضی در اختلاف حقوقی خاص، بی‌طرف و مستقل از هر یک از طرفین دعوا باشد. از این رو، حقوقدانان و قضات در معرض کنترل سیاسی قرار ندارند و نمی‌توان آنها را به افشای آنچه در جریان امور مورد رسیدگی واقع شده است مجبور نمود.

Junket**مسافرت تفریحی با پول دولت**

سفر تفریحی مسئولان و سیاستمداران که در ظاهر برای انجام امور دولتی صورت می‌گیرد.

Junta**دسته‌بندی سیاسی؛ خونت**

شورا یا دسته‌بندی سیاسی و یا گروهی که قدرت را بدون توجه به دموکراسی در دست دارد. این واژه، بویژه در مورد گروهی که به دنبال یک کودتای نظامی موفق، قدرت را قبضه کرده است به کار می‌رود. خونت باید از واژه انگلیسی Junta متمایز شود. Junta یا Cabal در مورد توطئه و دسیسه گروه کوچکی از افراد برای دست یافتن به یک هدف سیاسی سری به کار می‌رود. کلمه خونت همچنین در اسپانیا و آمریکای لاتین به معنی شورای اداری به کار می‌رود.

Jurisprudence**علم حقوق؛ فلسفه حقوق؛ رویه قضایی**

به معنی وسیع، دانش و فلسفه حقوق و تنظیم روابط انسانی توسط قانون و نظام قضایی. به معنی اخص، تجزیه و تحلیل قوانین، روند امور و روشهای قضایی.

Jury**هیأت منصفه؛ ژوری**

۱- هیأتی که در محاکمات سیاسی و مطبوعاتی در محکمه حاضر می‌شود و تحت شرایط خاصی با قضات محکمه همکاری می‌کند و رأی به مجرم یا غیر مجرم بودن متهم می‌دهد. ۲- عده‌ای از مردم که برای کشف حقیقت در بعضی دعاوی در محاکمه شرکت می‌کنند. محاسن محاکمه در حضور هیأت منصفه: ۱- بی‌بردن به موضوع به وسیله چندین نفر، بهتر از یک نفر انجام می‌شود. ۲- هیأت منصفه، نماینده حکم مردم عادی تلقی می‌شود. ۳- در مورد محاکمه با هیأت منصفه، اعتماد عمومی وجود دارد. معایب محاکمه در حضور هیأت منصفه: ۱- اعضای جوان هیأت منصفه ممکن است برای خدمت در آن، کم‌تجربه باشند. ۲- اعضای هیأت منصفه برای انجام وظیفه، معیار عینی یا آموزشی نداشته باشند. ۳- اعضای هیأت منصفه تحت نفوذ و تأثیر دفاع وکلای باتجربه قرار گیرند. ۴- سرایت تعصبات محلی به اعضای محلی هیأت منصفه. ۵- نفوذهای ناروا مثل رشوه، تهدید از طرف گروههای بیرونی.

Jus Cogens**قاعده آمره**

اصول و ضوابط لازم‌الرعایه حقوق بین‌الملل. نخست، در دهه ۱۹۶۰ کنوانسیون وین درباره

موسی فقط شامل اسفار خمسه، یعنی سفر پیدایش یا تکوین، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد و سفر تثنیه است که به اعتقاد یهودیان در کوه سینا بر موسی نازل شده است. یهودیت برخلاف صهیونیسم بر این دکتترین که "یک ملت واحد یهود، مرکب از یهودیان سراسر جهان وجود دارد" و لزوم تأسیس کشوری یهودی تأکید نمی‌کند، ولی انجام مناسک و عبادات و آداب را طبق شریعت موسی و از روی کمال خلوص و نهایت صداقت واجب و لازم می‌داند. در کتب یهودی، نظری به حیات اخروی نیست، بلکه بیشتر تعالیم آنها مبتنی بر اخلاق عملی و مبادی اعمال روزمره مربوط به حیات دنیوی است.

Judgement of Fact

قضات بر اساس واقعیت؛ داوری واقعی

قضاتی که مستلزم عدم دخالت افکار و عقاید و ارزشهای شخصی در داوری است.

Judicial Activism

پویایی قضایی؛ تحرک قضایی

این اصطلاح برای اشاره به حیطه عمل و حوزه اختیارات دیوان عالی آمریکا به کار رفته که با آرای خود در مورد مسائل متعددی (مثل جداسازی در آموزش و پرورش) اقدام به سیاستگذاری کرده و ارزشهای سیاسی خود را در تصمیمات قضایی دخالت داده است.

Judicial Immunity

مصونیت قضایی

مصونیت قضات و دادرسان از تعقیب کیفری. مصونیت قضایی مانند مصونیت دیپلماتیک نیست، بلکه تاحدی شبیه مصونیت پارلمانی است، به این معنی که برای بازماندن قضات از وظایف خود و نداشتن هراس از تغییر شغل، تزلزل مقام و یا مورد تعقیب قرار گرفتن، با توجه به اصل مصونیت قضایی نمی‌توان آنها را به آسانی تحت تعقیب کیفری قرار داد. در صورتی که قضات مرتکب جرمی شوند، قوانین جزایی کشور را باید با رعایت اصول و تشریفات خاصی درباره آنها اجرا کرد.

Judicial Power

قوه قضائیه

یکی از قوای سه‌گانه که بر اساس قوانین، مقررات، رویه قضایی و عرف و عادات مسلم، به اختلافاتی که بین اشخاص و یا بین افراد و دولت و یا بین سازمانهای عمومی ایجاد می‌شود، رسیدگی می‌کند و با احکام خود به دعاوی خاتمه می‌دهد. قوه قضائیه به معنی خاص کلمه، یک نهاد سیاسی شمرده نمی‌شود، زیرا نه مانند قوه مقننه واضح قانون است و نه مثل قوه مجریه، هادی سیاست کلی و عمومی کشور است. در برخی کشورها، قوه قضائیه علاوه بر وظیفه قضایی وظایف سیاسی هم دارد، مثل دیوان عالی در ایالات متحده آمریکا که به اختلاف بین قانون اساسی و قوانین عادی رسیدگی می‌کند.

Judicial Restraint

محدودیت قضایی

این اصطلاح در آمریکا در مقابل «پویایی یا تحرک قضایی» به کار رفته و بیانگر محدود بودن نقش قضات و عدم دخالت دادن ارزشهای سیاسی شخصی در تصمیمات قضایی است.

Joint Declaration

بیانیه مشترک؛ اعلامیه مشترک

سندی است که دو یا چند دولت برای تبیین سیاست خود در موضوع خاص یا توضیح جریان بخصوصی و یا خنثی کردن اظهارات مخالفین صادر می‌کنند.

Joking Relationship

رابطه شوخی آمیز

رابطه بین دو شخص (گاهی دو گروه) که به موجب آن یک شخص، اقدام به دست انداختن یا استهزای شخص دیگر می‌کند، اما طرف مقابل نباید برنجد. گاهی این رابطه به طور متقابل انجام می‌شود. رابطه شوخی آمیز می‌تواند ترکیبی از دوستی و دشمنی و گاهی شامل امکان کشاکش باشد، ولی در عین حال، مستلزم اجتناب از درگیری و ستیز است.

Jubilee 2000

جوبیلی ۲۰۰۰

نهضت جهانی برای الغای بدهی کشورهای فقیر. به روشنی معلوم نیست که نخست چه کلیسایی به فکر افتاد که واژه جوبیلی را که در کتاب مقدس آمده است با شروع هزاره سوم و موضوع لغو بدهی‌ها مربوط کند. کاتولیکها این ابتکار را از پاپ می‌دانند. سازمان بشردوستانه (پرو کلیسای پروتستان انجیلی) در بریتانیا مدعی است که در سال ۱۹۹۴ شروع کننده نهضت جهانی جوبیلی ۲۰۰۰ بوده است. آنچه مسلم است، کاتولیکها و پروتستانهای انجیلی در این نهضت، هدف مشترکی یافته‌اند. مفهوم جوبیلی در عهد عتیق آن است که جشنهای سالگرد بایستی با تدابیری در جهت عدالت اجتماعی، مثل آزادسازی بردگان، تقسیم املاک و دارائیهها و لغو وامها همراه می‌شد. در اجلاس ژوئن ۱۹۹۹ سران کشورهای صنعتی موسوم به گروه ۸ در آلمان توافق اصولی برای لغو ۷۰ میلیارد دلار از ۱۳۰ میلیارد دلار بدهی کشورهای فقیر حاصل شد. واژه جوبیلی در مسیحیت و یهودیت به مفهوم روز شادی، مراسم سالگرد، جشن و یادبود سال آزادی است.

Juche (Autonomy)

جوچه (خودتکایی)

عنوان ایدئولوژی رایج در جمهوری دموکراتیک خلق کره که مبتکر آن کیم ایل سونگ، رهبر فقید کره است. ماده چهارم قانون اساسی می‌گوید: جمهوری دموکراتیک خلق کره به وسیله افکار جوچه حزب کارگران کره که عقاید مارکسیسم - لنینیسم را به شکلی ابتکاری با واقعیت این کشور وفق داده است، هدایت می‌شود. به عقیده کیم ایل سونگ، استقلال جزء غیر قابل تفکیک طبیعت انسان است. وی انسان را بر هر کاری توانا می‌داند و بیشتر به نقش انسان در امر تکامل تاریخی اعتقاد دارد تا نقش وسایل تولید.

Judah

یهودا

یکی از دوازده حواری عیسی مسیح که او را تسلیم دشمنانش نمود تا به صلیب کشند. نام یهودا مترادف خائن است.

Judaism

یهودیت؛ یهودیگری؛ دین یهود

دین یهود یا رعایت آیین و مراسم آن. مجموعه آداب و کتب انبیاء یهود در اصطلاح مسیحیان به عهد عتیق و در اصطلاح عام به تورا (تورات) یعنی قانون موسوم است. در نزد خواص، تورات

ابهام‌آمیز و دوپهلو نتیجه‌گیری کرده‌اند که فلسطین باید به صورت یک کشور تحت کنترل یهودیان درآید.

جهاد؛ مبارزه مقدس

Jihad (Holy Campaign)

جنگ کردن در راه دین حق. جهاد، فدا شدن آگاهانه فرد برای خدا و در جهت اصلاح جامعه است. جهاد را از نظر هدف‌هایی که تعقیب می‌کند به سه نوع تقسیم کرده‌اند: جهاد دفاعی در برابر تجاوز مسلحانه بیگانه، جهاد آزادیبخش یا دعوت به اسلام، جهاد داخلی یا جهاد اهل البغی (یعنی جویندگان چیزی بناحق). هدف از هر سه نوع جهاد، دفع ستم و رفع ظلم است. کسی که در جهاد فی سبیل الله کشته شود، نزد مسلمانان شهید شمرده می‌شود. این نوع جهاد را جهاد اصغر می‌گویند، در مقابل جهاد اکبر که مجاهده در تهذیب نفس است.

قانون جیم کراو؛ قانون تبعیض نژادی

Jim Crow Law

قانون تبعیض نژادی که در جنوب آمریکا رواج داشت و براساس آن، سفیدپوستان و سیاهپوستان در مجامع عمومی از یکدیگر جدا بودند و حق آمیزش نداشتند.

جینگوایسم؛ میهن پرستی کاذب؛ میهن پرستی تهاجمی

Jingoism

این واژه، معادل واژه فرانسوی شووینیسیم بوده و اشاره به شکل افراطی و مبالغه‌آمیز و جنجالی ناسیونالیسم است که نخست در انگلستان و در طول جنگ روسیه و عثمانی (۱۸۷۸-۱۸۷۷) برسرزبانها افتاد. بریتانیای کبیر به دلیل ترس از قدرت فزاینده روسیه در کشورهای بالکان، ظاهراً به خاطر ترک‌های عثمانی تهدید به مداخله کرد و حتی یک اسکادران دریایی برای متوقف ساختن روس‌ها به گالیپولی واقع در مدخل دریای مرمره فرستاد. در همین ایام، تب جنگ از جانب کسانی که خود را پشتیبان موضع بریتانیا می‌دانستند و به جینگو (کسی که به نام میهن پرستی از سیاست جنگجویانه دولت خود طرفداری می‌کند) معروف بودند، بالا گرفت. این نام از اشعار غنایی یک ترانه مشهور گرفته شده: "اگر لازم به جنگ شود، مانمی خواهیم فقط با جینگو بجنگیم، بلکه ما کشتی و مردان جنگی و پول هم برای این کار داریم".

رشوه خواری

Jobbery

منفعت طلبی، سودجویی شخصی و فساد مأمورین و مقامات دولتی در انجام وظایف محوله و به ضرر مصالح عمومی.

جان بول

John Bull

نام شخصی خیالی که سمبل فرد، ملت، حکومت و یا خود انگلستان است. این اسم را جان آرپوتنات Arbuthnot (۱۷۳۵-۱۶۶۷) طبیب و نویسنده انگلیسی در سال ۱۷۱۲ در کتاب هجاء آمیز خود به نام "تاریخ جان بول" به یکی از شخصیت‌های داستان (درستکار، خوش معامله، تحریک پذیر، جسور و دمدمی مزاج) داد. این نام خیلی زود، نماد و سمبل فرد میهن پرست انگلیسی و خود انگلستان شد و بویژه در اواخر قرن هجدهم توسط طراحان کاریکاتور، کراارا مورد استفاده قرار گرفت.

J Curve Theory

نظریه منحنی جی

یکی از جامعه‌شناسان به نام جان جی (John Jay) علت انقلاب را اختلاف بسیار بین توقع و انتظارات یا توقعات افراد جامعه و ارضای عملی آنها می‌داند که این اختلاف به صورت محرومیت احساس می‌شود. وی می‌گوید انقلابها ناشی از محرومیت‌های مطلق نیستند بلکه از محرومیت‌های نسبی سرچشمه می‌گیرند و این نوع محرومیتها زمانی به وجود می‌آیند که دوران طولانی کامیابی روزافزون اقتصادی ناگهان متوقف شود و به نحو فاحشی وضعیت معکوس پیدا کند. دانشمند مذکور، این نظریه را به شکل نموداری در آورده که به منحنی جی معروف شده است.

Jealousy

حسادت

احساس غیر دوستانه، خشم، دلخوری و بیزاری از موفقیت، دارایی یا محبوبیت دیگران که ناشی از خودخواهی، عشق به خود، غرور بیجا و تکبر است. شخص بر حسب زیبایی، فضل و دانش، کمال و نعمتی که دارد، مورد حسد دیگران واقع می‌شود که آن بر دو نوع است: ۱- زوال نعمت دیگران را خواستن، بدون آرزوی تملک آن را کردن ۲- حالتی که به موجب آن، شخص از دست رفتن نعمت دیگران و تعلق گرفتن آن را به خود داشته باشد.

Jeffersonian Democracy

دموکراسی جفرسونی

اصول دموکراتیک مورد حمایت توماس جفرسون (۱۷۴۳-۱۸۲۶) نویسنده و طراح اعلامیه استقلال و سومین رئیس جمهوری آمریکا. در این اعلامیه از جمله چنین قید شده بود: "به نظر ما بدیهی است که کلیه افراد بشر مساوی خلق شده و از طرف خالق متعال به آنها حقوقی تفکیک ناپذیر ارزانی گردیده است که از آن جمله اند حق زندگی، حق آزادی و جستجوی خوشبختی، و نیز بدیهی است که برای حراست از این حقوق در بین مردم دولتهایی به وجود آمده‌اند که منبع نیرویشان همانا رضایت مردمی است که بر آن حکومت می‌کنند. هرگاه هریک از این حکومتها برای نیل به این هدفها مفید واقع نشود، برخورد مردم است که آن را تعویض یا به کلی تعطیل کنند و دولتی جدید به جایش تأسیس نمایند که اساس آن متکی به اصولی، و تشکیلات آن دارای شکل و ترکیبی باشد که به عقیده خودشان بتواند به وجهی مؤثرتر، سعادت و سلامت آنها را تأمین نماید..."

Jewish Agency

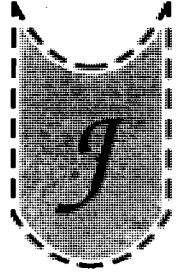
آژانس یهود

سازمانی که در سال ۱۹۲۹ به وسیله صهیونیستها، بویژه حییم و ایزمن و کمک استعمارگران انگلیسی برای تسهیل مهاجرت، جذب و اسکان یهودیان صهیونیست و غیر صهیونیست و توسعه "کانون ملی یهود" در فلسطین تشکیل شد. وعده تأسیس کانون ملی یهود در اعلامیه بالفور به صهیونیستها داده شده بود. اینک آژانس یهود در جهت تشویق مهاجرت یهودیان به اسرائیل و همچنین تشویق سرمایه گذاری در این کشور فعالیت می‌کند و از کمکهای مالی حدود هفتاد کشور و بویژه ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی برخوردار است.

Jewish National Home

کانون ملی یهود

این اصطلاح از "اعلامیه بالفور" گرفته شده و اشاره به فلسطین است. صهیونیستها از این عبارت



Jack of all Trades

همه فن حریف؛ آدم همه فن تمام

شخصی که در فنون گوناگون مهارت دارد یا بسیار حيله گر و زرنگ است.

Jackpot

ناز شست؛ جایزه بزرگ

۱- اصطلاح عامیانه آمریکایی برای اشاره به وجوهی که در اوایل قرن حاضر در "ایلی نويز" از احزاب علاقه مند به تصویب یا عدم تصویب قوانین خاصی جمع آوری و در پایان جلسه بین آن گروه از اعضای مجلس مقننه که در جهت هدایت شده و مورد نظر رأی می دادند توزیع می شد. ۲- جایزه روی هم جمع شده یا برد کلان.

Jacksonian Democracy

دموکراسی جکسونی

اصول دموکراتیک مورد نظر و حمایت آندرو جکسون (۱۸۴۵-۱۷۶۷) هفتمین رئیس جمهوری آمریکا. وی مخالف اصل اشرافی حکومت و طرفدار حاکمیت مردمی بود. جکسون به افراد عادی اجتماع، به آزادی سیاسی و به تساوی امکانات اقتصادی برای همه علاقه داشت و از انحصارات امتیازات ویژه ناخرسند بود.

Jacobinism

ژاکوبینیسم

طرفداری سرسختانه از دموکراسی و تساوی مطلق که از عنوان ژاکوبینها، جمعیت نیرومند انقلابی و سیاسی دوران انقلاب کبیر فرانسه گرفته شده است. آنها چون جلسات خود را در صومعه فرقه مذهبی ژاکوبین (یعقوبی) تشکیل می دادند، به این نام معروف شدند. ژاکوبینهای انقلاب فرانسه در سیاست، طرفدار روشهای قاطع و رادیکال بودند و به همین جهت در جنبشهای کشورهای دیگر نیز افراطیون را به این نام خوانده اند. لنین رهبر انقلاب اکتبر روسیه، هواداران خود را ژاکوبینهای وابسته به طبقه کارگر می نامید.

Jacqeri (Jacquery)

طغیان دهقانی؛ قیام دهقانی

واژه فرانسوی برای اشاره به شورش دهقانی و بویژه طغیان دهقانان علیه اشراف در شمال فرانسه در سال ۱۳۵۸-۱۳۵۷ میلادی.

توافق ضمنی در جهت تحمل یکدیگر برقرار می‌شود، بدین معنی که رژیم از درخواست وفاداری باطنی روشنفکران به خود چشم‌پوشی می‌کند و آنها نیز رژیم را مورد انتقاد قرار نمی‌دهند و ظاهراً وفاداری خویش را به‌نمایش می‌گذارند و نیروی کارشان را به رژیم می‌فروشند. تعبیر برج عاج ظاهراً از میشل ایکم سینیور دو مونتنی (Montaigne ۱۵۹۲-۱۵۳۲) نویسنده فرانسوی به‌یادگار مانده است، زیرا وی در قصرش برجی را که به کتابخانه و اتاق کار اختصاص داده بود، برج عاج می‌نامید.

Isocracy**حکومت با اختیارات برابر**

حکومتی که در آن اختیارات سیاسی اشخاص باهم برابر است.

Isolationism**انزواطلبی؛ انزواگرایی**

سیاست یا اعتقاد به داشتن سیاستی که سود یک کشور را در دوری گزیدن از رابطه نزدیک با کشورهای دیگر و خودداری از درگیری در کشمکشهای بین‌المللی می‌داند. این اعتقاد همراه با خط مشی امپریالیستی است، زیرا معمولاً یک کشور بزرگ، قدرتمند و از نظر اقتصادی خودکفا تصور می‌کند که می‌تواند از همکاری سیاسی و اقتصادی کشورهای دیگر بی‌نیاز باشد. این واژه از زمانی مفهوم سیاسی پیدا کرد که انگلستان در اواخر قرن نوزدهم، سیاست معروف به "انزوای باشکوه" را در پیش گرفت و خود را از دسته‌بندیهای کشورهای اروپایی کنار کشید. مهم‌ترین مورد انزوا از سیاست بین‌المللی، سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است، هرچند که این کشور در قبال همسایگان خود منزوی نبود و دخالت در امور آنان را حق مسلم خود می‌دانست. بعد از حمله ژاپن به کشتیهای آمریکایی در پرل هاربر در ۷ دسامبر ۱۹۴۱، آمریکا به جنگ جهانی دوم کشیده شد و به این ترتیب دوران سیاست انزواطلبی آن کشور به سر آمد. پس از پایان جنگ سرد در پایان دهه ۱۹۸۰، عده‌ای از سیاستمداران آمریکایی، نظریه انزواگرایی جدید را مطرح کردند. آنها اعتقاد داشتند که شکست کمونیسم (در شوروی و اروپای شرقی) و پیروزی سرمایه‌داری، عصر تاریخی رقابت مسلحانه بین ایدئولوژیهای مخالف را به پایان رسانده و دوره تازه‌ای از رقابت اقتصادی و تکنولوژیکی را آغاز کرده است. دیگر هیچ‌گونه خطر خارجی عمده‌ای امنیت ایالات متحده آمریکا را تهدید نمی‌کند ولی رکود اقتصادی و عقب ماندگی تکنولوژیکی، تهدیدی جدی برای این کشور است. از این رو، آمریکا باید تعهدات بین‌المللی خود را رها کند و در راه حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی بکوشد.

Isonomy**برابری در برابر قانون**

برابری افراد با هر مقام و منزلتی در برابر قانون که یکی از معیارهای مشروعیت حکومت است.

Issue Voting**رای‌دهی موضوعی**

ایده‌ای که به موجب آن، تصمیمات رأی دهندگان به طور کلی تحت تأثیر موضوعها یا مسائل مطرح شده در موقع انتخابات تعیین می‌شود.

Ist**ایست**

پسوندی است در انگلیسی که به دنبال نامها یا صفتها می‌آید و معنی طرفداری از این یا آن مکتب فلسفی و فکری و سیاسی و یا جانبداری از این یا آن فرد و نظام اجتماعی را می‌دهد: مارکسیست، سوسیالیست، کاپیتالیست.

Ivory Tower**برج عاج**

سمبل تمایلات روشنفکران، مبنی بر کناره‌جویی و فرار از واقعیت و عمل و بی‌اعتنایی به مسائل مبرم اجتماعی و فرو رفتن در عالم رویا. گاهی نیز بین رژیمهای دیکتاتوری و روشنفکران، نوعی

آمده به طور خلاصه عبارت است از: ۱- از خودپرستی به خداپرستی ۲- از شرک به توحید ۳- رسالت پیامبران (انسان‌سازی و هدایت بشر به سوی کمال مطلق با تربیت و تعالیم الهی) ۴- راه خدا و راه طاغوت. انسانها در راه در پیش پای خود دارند: راه خدا و راه طاغوت. راه خدا همان راه مستقیم الهی است که ولی و رهبر آن خدا و پیامبرانند و مقصد آن نور و بهشت است. راه طاغوت، راه کفر و تفرقه و برخلاف توحید است و چه در طرف راست و چه در طرف چپ باشد، منتهی الیه آن، فساد و جنگ و جهنم است ۵- ایمان به آخرت، که افق دید مسلمانان را وسعت می‌دهد و آنها را از محدود شدن به زندگی چند روز دنیوی آزاد می‌گرداند ۶- عدالت، که سیاست الهی اسلام بر پایه آن استوار است و رهبران اسلامی مأموریت دارند تا در جامعه به اقامه قسط (رساندن هرکس به حق کامل خود) بپردازند ۷- امامت ۸- ولایت ۹- ولایت فقیه.

Islamic Republic

جمهوری اسلامی

حکومت جمهوری با محتوای اسلامی. جمهور به معنی عموم مردم است و جمهوری بودن حکومت به معنی آن است که عموم مردم هم در ایجاد حکومت شرکت داشته‌اند و هم در اداره جامعه و ادامه حکومت از طریق انتخاب مسئولان کشور و شرکت در شوراها و همه‌پرسیها دخالت دارند. اسلامی بودن جمهوری به معنی آن است که کلیه قوانین سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و نظامی و نظایر آن باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

Islamic Revolution

انقلاب اسلامی

انقلاب به مفهوم مکتبی، یعنی تغییر حاکمیت طاغوت (هر تجاوزگر و یا هر معبودی غیر از خدای تعالی) به منظور استقرار حاکمیت الله. انقلاب اسلامی، یک انقلاب سیاسی یا دگرگونی اجتماعی محض نیست، بلکه تجدید حیات اسلام را در تمام وجوه و ابعاد در نظر دارد و متضمن بازگشت به اصول اساسی اسلام به عنوان مکتب جامع، اصیل و حاوی طرح کاملی برای زندگی و تضمین کننده عدالت و صلح و امنیت و آزادی و ارتقای فرهنگی و معنوی انسان است. آثار و نتایج حاکمیت الله و نظام توحید و اسلام را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: مشروعیت رهبری و ولایت، تکیه بر تنها قدرت حقیقی جهان یعنی خدای تعالی، نابودی قدرت و عظمت پوشالی حکومت‌های طاغوتی، رویارویی با کفر و الحاد، استقلال و عدم وابستگی، ارتباط و دوستی بین دولت و ملت، زندگی در یک فضای سالم و مشروع و سازنده، حذف مظاهر شرک و فساد، ایجاد مظاهر اسلام و تقوا و عفت، حرکت دادن مردم به سوی فرهنگ اسلام و انسانیت. در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با قیام یکپارچه مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و پس از رحلت ایشان، رهبری آن بر عهده آیت‌الله (امام) خامنه‌ای گذاشته شد.

Ism (Isme)

ایزم؛ ایسم

پسوند ایسم یا ایزم در زبان انگلیسی کاربردهای گوناگونی دارد، ولی آشناترین صورت کاربرد آن در زبان فارسی آنجا است که این پسوند به دنبال نام‌ها یا صفت‌ها می‌آید و معنی رأی، عقیده، ایمان، مسلک، مذهب، مکتب، روش، آیین و گرایش می‌دهد. البته تلفظ انگلیسی این پسوند "ایزم" Ism و تلفظ فرانسوی آن "ایسم" Isme است.

دربازگشت به آن ارزشها می‌داند و نه از الگوی کشورهای غربی پیروی می‌کند و نه از الگوی کشورهای شرقی. این واژه معمولاً از سوی رسانه‌های گروهی غرب برای اشاره به جنبشهای اسلامی، احیای اسلامی، اصولگرایی اسلامی، رستاخیز اسلامی، یا بیداری اسلامی به کار رفته است. احیای اسلامی به معنی بازگشت به اصول بی‌آلایش اسلامی، بازگشت به قرآن و سنت نبوی در سطوح مختلف فردی و جمعی است. ویژگیهای آن عبارتند از: پایگاه مردمی و سرعت انتشار آن در جوامع اسلامی و حتی در جوامع غیر اسلامی دور و نزدیک، ویژگی انقلابیگری که از آن به‌عنوان جهاد یاد می‌شود، جهانشمولی اسلام، گسترده‌گی بین طبقات مختلف. سلفیت، واکنش پیروان متعصب اسلام در برابر دگرگونی است. برای سلفیان، عنصر بازگشت، عنصری اساسی است که بیانگر بازگشت به سلف صالح است. به نظر آنها اگر مجموعه تعالیم اسلامی پیامبر اسلام تحقق یابد، مشکلی در جامعه اسلامی باقی نمی‌ماند.

Islamic Government

حکومت اسلامی

حکومتی که در آن، اداره امور کشور و رسیدگی به مسائل جامعه، مطابق دستورات و قوانین اسلام است. در حکومت اسلامی، حاکمیت بر انسان و جامعه انسانی تنها مخصوص خداوند است و هیچ فرد یا گروهی شایستگی حاکمیت بر انسان را ندارد. حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی همکیش و همفکر است که به‌خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به‌سوی هدف نهایی (حرکت به‌سوی الله) بگشاید. مهم‌ترین هدفهای حکومت اسلامی عبارتند از: برقراری توحید و نفی شرک، ایجاد عدالت و رفع ستم، اجرای احکام اسلام، تزکیه و تعلیم، مساوات در برابر قانون و ایجاد استقلال در تمامی زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی.

Islamic International Law

حقوق بین‌الملل اسلامی

مجموعه‌ای از قواعد حقوقی است که بر روابط بین‌المللی یک کشور اسلامی حکومت می‌کند. مبنای قواعد حقوق بین‌الملل اسلامی مانند دیگر رشته‌های حقوق اسلامی عبارت است از نص، سنت، عقل و اجماع. نصوص متضمن احکام در خصوص حقوق بین‌الملل بر اثر حوادث اجتماعی و سیاسی در زمان رسول اکرم (ص) به‌تدریج پدید آمد و سنت نبوی، آن را تشریح و تکمیل کرد. نقش دو عامل دیگر، یعنی عقل و اجماع، نقش متمم و مکمل آن دو، در قرون بعد بوده است.

Islamic Nationality

تابعیت اسلامی (امی)

پیوندی که در پر تو آن فقط افراد مؤمن و مسلمان گرد هم می‌آیند و امت واحدی را تشکیل می‌دهند.

Islamic Politics

سیاست اسلامی

تدبیر و هدایت جامعه در راه مستقیمی که از اینجا شروع و به آخرت ختم می‌شود و الی‌الله است. این سیاست، مختص به انبیاء و اولیا و به تبع آن‌ها، علمای بیدار اسلام و علمای بیدار هر ملتی است. اصول و پایه‌های اساسی سیاست اسلامی چنانکه در جلد چهارم ترجمه رساله نوین امام خمینی

هر جهت دارای اعتدال بوده، از هرگونه افراط و تفریط و انحراف به‌چپ و راست برکنار و مطابق فطرت بشر است. حرکت و هجرت از چاه عمیق نفسانیت و خودپرستی به‌سوی خداپرستی و نزدیک شدن به صفات کمال الهی و احراز مقام خلافت و جانشینی خدا در زمین.

Islamic Community

جامعه اسلامی

جامعه‌ای که در آن، ارزشها و احکام و قوانین اسلام بر همه روابط اجتماعی حاکم باشد.

Islamic Declaration of Human Rights

اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعلامیه اسلامی حقوق بشر در اجلاس وزیران خارجه کنفرانس اسلامی در سال ۱۳۶۹ در قاهره به تصویب رسید. این اعلامیه با الهام از تعالیم عالیه مکتب اسلام در زمینه حقوق بشر، حقوق و آزادیهای فردی را در جمیع جهات مورد عنایت قرار داده است.

Islamic Development Bank

بانک توسعه اسلامی

سازمان مالی - بین‌المللی که در سال ۱۹۷۵ به دنبال اعلامیه صادره از سوی کنفرانس وزیران دارائی کشورهای مسلمان برگزار شده در جده با هدف افزایش توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی کشورهای عضو و جوامع اسلامی، مطابق قوانین اسلامی تأسیس شد. بیش از پنجاه کشور در این بانک عضویت دارند. شرط عمده عضویت در بانک توسعه اسلامی، عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی، پرداخت سهمیه مربوط به سرمایه بانک و قبول شرایط و تصمیماتی است که هیأت مدیره بانک اتخاذ می‌کند. سرمایه ثبت شده بانک حدود شش میلیارد دینار اسلامی است.

Islamic Diplomacy

دیپلماسی اسلامی

چارچوب حکومت اسلامی بر اساس الهی بودن نیت، الهی بودن بنیانهای نظام و الهی بودن رهبری قرار دارد. ویژگیهای عمده دیپلماسی حکومت اسلامی و نیز ویژگیهای اساسی در تدوین اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی عبارت است از: خدامعیاری (دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا)، خودباوری (اعتماد به خود)، ملت باوری (اصالت دادن به ملتها و نه دولتها)، شدت و انعطاف ناپذیری در برابر گردن‌فرازان و دشمنان انقلاب اسلامی، نرمش و رحمت در برابر مؤمنان و دوستان انقلاب اسلامی، عدالت، رازداری، صداقت و صراحت، واقع‌گرایی و احترام به عهد.

Islamic Educational, Scientific and Cultural Organization (ISESCO)

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی؛ آی‌سکو

سازمان تخصصی بین‌المللی کشورهای اسلامی در زمینه آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ که در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد. مقر آن در رباط (مراکش) قرار دارد. تشکیلات آن عبارتند از: مجمع عمومی، شورای اجرایی و اداره کل. کلیه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی می‌توانند به عضویت آن درآیند.

Islamic Fundamentalism

بنیادگرایی اسلامی؛ سلفیت اسلامی

نهیضتی که به ارزشهای اولیه اسلامی معتقد است و پیروزی و بهروزی کشورهای اسلامی را

Irrationalism

بی‌خردی؛ عقل‌ستیزی؛ خردگریزی؛ خلاف عقل‌گرایی

۱- اعتقاد به اینکه رفتار انسان یا تابع عقل نیست و یا نباید تابع عقل باشد. ۲- نظری که به موجب آن، درک و فهم دنیا ممکن نیست و اگر هم قابل فهم و درک باشد، فایده‌ای ندارد و اینکه بهتر است انسان به دنبال امیال خود برود.

Irredentism

نهضت آزادی‌سازی؛ جنبش بازستانی؛ ادغام طلبی

از لفظ ایتالیایی "ایردنتا" به معنی رها نشده و عنوان یک نهضت ملی‌گرا است که هدف اولیه آن، آزاد ساختن ملل و اقوام ایتالیایی (و نیز اراضی مورد سکونت آنها) از تسلط خارجی بوده است. واژه مزبور در سال ۱۸۷۸ در ایتالیا رواج یافت. اکنون بیانگر تمایلات مردم یک کشور به انضمام مناطق همجوار و متعلق به کشور دیگر است که در آن مناطق، اقلیتهای فرهنگی و زبانی متعلق به کشور اول زندگی می‌کنند.

Irregular Forces

نیروهای نامنظم

اعضای نیروهای مسلح یکی از طرفهای کشمکش مسلحانه (غیر از نیروهای منظم آن) که در داخل و یا خارج سرزمین خویش عمل می‌کنند، حتی اگر این سرزمین اشغال شده باشد. نیروهای نامنظم تحت شرایط معین، مطابق حقوق جنگ دارای وظایف و حقوقی می‌باشند. یعنی عملیاتی را که انجام می‌دهند با فعالیتی که به‌طور رسمی در کشور متبوعشان صورت می‌گیرد، وابستگی داشته باشد و لزوم داشتن فرمانده مسئول و علائم مشخصه‌ای که قابل شناختن باشد و اینکه آشکارا بجنگند و قوانین و آداب و رسوم جنگ را مراعات نمایند. نیروهای نامنظم معمولاً به‌عنوان گریلاها، چریکها، پارتیزانها یا اعضای جنبش مقاومت شناخته می‌شوند.

Islam

اسلام

اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم میلادی که دو امپراتوری بزرگ ایران و روم در دو قاره آسیا و اروپا بر سر سیادت و نفوذ جهانی به‌سختی مبارزه می‌کردند، حادثه‌ای در شبه جزیره عربستان رخ داد که مسیر تاریخ عالم بشریت را عوض کرد و آن، دیانتی توحیدی بود که در حدود سال ۶۱۰ میلادی به‌وسیله حضرت محمد (ص) در مکه اعلام شد و دیری نگذشت که قسمت اعظم جهان را فراگرفت. حضرت محمد (ص) یک سلسله حقایق را که در واقع برنامه تکامل مادی و معنوی انسانها بود و از طرف خداوند به‌وی وحی می‌شد، به مردم عرضه کرد که مجموع آن حقایق، اسلام نامیده می‌شود. کتاب آسمانی اسلام، قرآن است که مسلمانان باید همه وقت و در همه شرایط، آن را سرمشق زندگانی خود قرار دهند. آیین سیاسی - مذهبی اسلام، شامل دو قسمت است: ۱- اصول عقاید، یعنی توحید و نبوت و معاد که مرز میان مسلمان از غیر مسلمان است. براساس مبانی مذهب شیعه، دواصل دیگر، یعنی عدل و امامت نیز جزء اصول اعتقادی است. ۲- فروع دین یا برنامه‌های عملی، مشتمل بر عبادت و خودسازی، مسائل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، حقوقی و سیاسی. اساسی‌ترین مسأله در اسلام، ایمان و تسلیم به‌خدای رب‌العالمین است. اسلام، اصلاحات جامعه را از درون افراد آغاز کرده و آنان را از حالت حیوانی و خودپرستی به مرحله والای انسانی، ایثار و غیرخواهی تبدیل می‌سازد. اسلام برای رسیدن به کمال، خط و صراط مستقیمی ترسیم نموده که از

درجه دوم، گرایشهای بنیادگرایانه اسلامی که حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا را پدید آوردند، بوده است. به نظر عده‌ای، با معیارهای سیاسی نمی‌توان از پایان یافتن عمر رژیمهایی مثل طالبان افغانستان و حکومت صدام حسین در عراق که بدون شک تا مدت‌های زیادی می‌توانستند به تبهکاریهای خود ادامه دهند، استقبال نکرد. مع هذا، محکوم کردن همزمان دولتهای دیکتاتوری و تهاجم دولتهای سلطه‌گر خارجی به حق حاکمیت ملل نیز لازم است. زیرا مسئولیت مبارزه با رژیمهای استبدادی و دیکتاتوری و فاسد در درجه نخست بر عهده مردم هر کشور است که در راه آزادی و رهائی مبارزه کنند. اگرچه ممکن است چنین مبارزه‌ای، دشوار باشد، اما اگر آزادی و دموکراسی از این طریق و به همت خود مردم حاصل شود، به آسانی از بین نمی‌رود. دولتهای سلطه‌گر خارجی به مصالح و منافع خود فکر می‌کنند. بویژه، سرمایه‌داری قدرتمند و متمرکز در آمریکا به بهانه جنگ با تروریسم و مبارزه با حکومت‌های استبدادی (که قبلاً دوست آمریکا بودند) به دنبال حل مشکلات اساسی خود و ایجاد یک نظام تمامت‌خواه و برقراری سیادت نوین تلاش می‌کند تا حیات و بقای خود را در مقابل مناسباتی که از بطن فرآینادهای اطلاعاتی و ارتباطی سر برآورده است، حفظ نماید.

پرده آهنین

Iron-Curtain

این واژه را نخستین بار گوبلز وزیر تبلیغات آلمان فاشیستی، نویسندگان ضد بلشویک و چرچیل به کار بردند و بیانگر حصار پیرامون شوروی (سابق) و دیگر کشورهای سوسیالیستی اروپا برای جلوگیری از نفوذ اخبار و اطلاعات و رفت و آمد آزادانه افراد بود. چرچیل در مارس ۱۹۴۶ در فولتون واقع در ایالت میسوری آمریکا نطقی ایراد کرد و در آن هشدار داد که یک پرده آهنین در وسط اروپا کشیده شده است و افزود که شوروی خواستار بسط نامحدود قدرت و دکترین کمونیستی خود است. وی آنگاه پیشنهاد کرد تا یک اتحادیه نظامی انگلیسی - آمریکایی برای جلوگیری از گسترش دامنه نفوذ شوروی (سابق) ایجاد گردد. عده‌ای نیز اخیراً واژه پرده آهنین را به طعنه در مورد کشورهای پیشرفته سرمایه داری به کار برده‌اند. زیرا به نظر آنها رفت و آمد افراد عادی خارجی به این گونه کشورها بسیار سخت شده است.

قانون آهنین اولیگارش‌ی

Iron Law of Oligarchy

مفهوم ابداعی رابرت میشلز جامعه‌شناس ایتالیایی تبار آلمانی مبنی بر اینکه قدرت در همه سازمانها (حتی در سازمانهای دموکراتیک و احزابی که با نیروی جمع پدید می‌آیند و از توده‌ها مایه می‌گیرند) سرانجام در دست گروهی اندک از رهبران می‌افتد. از این رو، وی مسأله دموکراسی و حکومت واقعی مردم را مورد تردید قرار داد. همین نتیجه‌گیری، او را به فاشیسم متمایل ساخت و به طرف موسولینی کشاند.

قانون آهنین مزدها

Iron Law of Wages

قانون اعلام شده توسط فردیناند لاسال (۱۸۶۴-۱۸۲۵) مبنی بر اینکه دستمزد متوسط با احتساب عادات ملی در سطح تأمین زندگی بخور و نمیر برای کارگران محدود نگاه داشته می‌شود.

Iraq War

جنگ عراق

لشکرکشی و تهاجم نظامی زمینی، دریائی و هوائی آمریکا و انگلستان و متحدان آنها (مثل استرالیا، اسپانیا، ایتالیا، پرغال) به عراق، بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد که از ۲۰ مارس ۲۰۰۳ آغاز و در آخر ماه آوریل همان سال به اشغال کامل عراق و سقوط حکومت بعثی صدام حسین انجامید. مهاجمان، این جنگ را عملیات آزادی عراق و مخالفان، جنگ برای نفت، (عراق دارای ذخایر نفت بیش از ۱۱۲ میلیارد بشکه است) جنگ سلطه، جنگ اقتصادی با ابزار نظامی بین بخشی از جهان سرمایه‌داری با بخش دیگری از جهان سرمایه‌داری یا رقابت بین کشورهای سرمایه‌داری برای سلطه بر بازارهای مصرف و انرژی و یا جنگ ناشی از بحرانهای ادواری تولید در نظام سرمایه‌داری و بحران موجود اقتصادی (بیکاری، کم شدن قدرت خرید مردم، ورشکستگی واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی، کاهش بیمه‌ها و گرانی) خوانده‌اند. مهاجمان، انگیزه‌های خود را: دفاع از آزادی و حقوق بشر، برقراری امنیت، پاسداری از قوانین و حقوق بین‌المللی، جلوگیری از گسترش سلاحهای کشتار جمعی و تضعیف بنیادگرایی اسلامی و جنبشهای تروریستی و نیز براندازی حکومت دیکتاتوری صدام حسین به دلایل: زیر پا گذاشتن شانزده قطعنامه سازمان ملل متحد، دارا بودن سلاحهای کشتار جمعی اتمی، بیولوژیک یا زیستی، شیمیائی و موشکهای بالستیک و یا در پی دستیابی به آنها بودن، زیر پا گذاشتن اصول حقوق بشر و اعمال شکنجه و تجاوز و اعدامهای عجولانه، حمایت از تروریسم، رفتار غیرمتراف با زندانیان جنگی، ضبط اموال کویتها و منحرف ساختن برنامه نفت در برابر غذا بر شمرده‌اند. مخالفان، با ردّ انگیزه‌های یاد شده و نیز به علت کمک و تشویق و دادن چراغ سبز آمریکا به عراق در تجاوز به ایران و کویت، حمایت کشورهای مهاجم از حکومتهای قرون وسطایی در منطقه، تقدم گرفتن زور بر قوانین و مقررات بین‌المللی، فراهم شدن موجبات تشدید مسابقه تسلیحاتی، حمایت همه‌جانبه از اسرائیل که دارای همه‌گونه تسلیحات کشتار جمعی است و بالاخره آزمایش و استفاده گسترده از سلاحهای پیشرفته، مخرب و ممنوعه در جریان تهاجم به کشور خلع سلاح شده عراق، علت و انگیزه اصلی جنگ عراق را تغییر جغرافیای سیاسی منطقه، برقراری هژمونی یا برتری آمریکا بر جهان و تسلط کامل بر حوزه‌ای که ذخایر اصلی نفت جهان را دارد، دانسته‌اند. مخالفان، توجه حکومت جرج بوش (پسر) رئیس‌جمهوری آمریکا به عراق و نه به حکومت پاکستان (که هم دارای سلاحهای هسته‌ای است و هم از طرف دیگر با تروریستها سروکار دارد) را به این علت دانسته‌اند که عراق در مرکز منطقه‌ای قرار گرفته که دوسوم ذخایر نفت جهان را دارد و به همین دلیل است که موقعیت عراق و نقش و نفوذ آن در تعیین قیمت و جریان نفت، کالائی استراتژیک که هم اقتصاد جهانی و هم ماشین جنگی آمریکا را می‌چرخاند، آشکار می‌شود. آمریکا می‌خواهد در رقابت آینده خود با چین و روسیه و با اتحادیه اروپا (بویژه فرانسه و آلمان) یکی از مهمترین عوامل مؤثر در پیروزی و برتری در این رقابت را یعنی ذخایر اصلی انرژی کره زمین را از نظر تولید و قیمت که نه بالا باشد و نه پائین در کنترل خود داشته باشد. این جنگ که بیش از هر جنگ دیگری می‌شد از آن اجتناب کرد، با این هدف، طراحی و به مرحله عمل درآمد. به نظر آنها، هموار کننده تهاجم نظامی آمریکا و متحدانش به منطقه، در درجه نخست، رژیمهای دیکتاتوری و خودکامه و در

Inward-Looking Development Policy

سیاست توسعه‌ای درون‌نگر

به سیاستها و خط مشی‌هایی اطلاق می‌شود که بر استقلال و خوداتکایی اقتصادی تأکید دارد، مثل گسترش تکنولوژی مناسب بومی، وضع تعرفه‌های حمایتی یا حمایت از محصولات داخلی، عدم تشویق کلی سرمایه‌گذاریهای خصوصی خارجی.

Iranian Center for International Conferences

سازمان ایرانی مجامع بین‌المللی

این سازمان در سال ۱۳۴۶ برای هماهنگی و اجرای گردهمایی‌های بین‌المللی در ایران تأسیس شد و اینک به عنوان مرجع رسمی در برگزاری گردهمایی‌های بین‌المللی در سطح کشور شناخته می‌شود. سازمان، نشریه‌ای به نام «تقویم همایشها و نمایشگاه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای» به صورت فصلنامه منتشر می‌کند.

Iranian Civil Society Organizations Resource Center

مرکز توانمندسازی سازمانهای جامعه مدنی ایران

این مرکز در نتیجه گفتگوهای چندجانبه بین دفتر برنامه عمران سازمان ملل متحد و دولت ایران و به عنوان یک طرح دوساله به منظور کمک به ایجاد و تقویت سازمانهای غیردولتی جامعه مدنی در اردیبهشت ۱۳۸۱ به وجود آمد. هدفهای اصلی مرکز عبارتند از: افزایش توان عملیاتی سازمانهای جامعه مدنی با بهبود دسترسی آنها به اطلاعات، منابع و دانش فنی، فراهم ساختن منابع انسانی و ظرفیت‌سازی مدیریت به منظور ارتقای عملکرد کارآمد و موثر برای هدایت بهتر برنامه‌ها و فعالیتها، توانمندسازی سازمانهای جامعه مدنی با هدف افزایش نقش این سازمانها در توسعه پایدار از طرق مختلف.

Iranology

ایران‌شناسی

دانش معرفت به‌اوضاع و احوال ایران و ایرانیان و یکی از شعبه‌های شرق‌شناسی. شرق‌شناسی از آغاز عبارت بوده است از مطالعه شرق توسط غربیها به‌عنوان مجموعه فرهنگها و تمدنهایی که نه تنها از لحاظ جغرافیائی در جای دیگر قرار دارند، بلکه دارای فرق اساسی با تمدن غرب هستند. ایران‌شناسی مانند شعبه‌های دیگر شرق‌شناسی، همواره وسیله‌ای مؤثر برای تسلط دولتهای استعمارگر غربی بر ملتهای مشرق زمین بوده است. مع‌هذا، شرق‌شناسی و شعبه آن ایران‌شناسی همیشه دو جنبه داشته‌است. یکی عبارت است از آنچه که سیاست و به‌اصطلاح، استعمار و امپریالیسم از آن نفع می‌برد و اکنون بیشتر به‌صورت مطالعات اجتماعی و بررسی اوضاع اقتصادی است، یعنی شناخت یک ملت شرقی به‌منظور کسب فایده مادی از آن. با این نوع بررسی و از طریق به‌کار گرفتن ضوابط علمی اجتماعی، روحیات و نیازهای ملتها در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد و با اطلاع بر سنتهای قدیمی که ناشناخته مانده بوده است، اطلاعات جدیدی برای تغییر دادن روشهای سیاسی به‌دست می‌آید. جنبه‌دیگر که از جهت پیشرفت علمی و از نظر ملتهای مشرق زمین مثبت بوده، خدماتی است که از این رشته در شناخت سوابق تاریخی این ملتها صورت گرفته است.

Invasion**تهاجم؛ تعرض**

تاخت و تاز نیروهای مسلح یک کشور در مناطق مرزی کشور دیگر به قصد جنگ افروزی. تهاجم پس از آنکه ثباتی یافت، مبدل به اشغال می شود.

Investiture**خلعت پوشان**

مراسم اعطای خلعتی که شخص عالی مقامی به کسی اعطاء می کند، و به معنی وسیعتر عبارت است از اعطای لباس یا نشان یا علامت، عنوان، مقام، منصب و یا مزایایی با تشریفات مربوطه.

Investment**سرمایه گذاری**

اخذ کالاهای سرمایه ای و استفاده از آنها برای تولید و یا افزایش بر میزانشان.

Inviolability**مصونیت از تعرض**

حالت ممتاز کسی که معاف از تعرض و تعقیب کیفری است. چون مأموران دیپلماتیک باید به منظور انجام وظایف خود در مقابل مقامات محلی از آزادی و استقلال لازم برخوردار گردند، از این رو دولت پذیرنده وظیفه دارد تسهیلات ضروری را در جهت تأمین این منظور به عمل آورد. ماده ۲۹ کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک مقرر داشته است که "شخص مأمور دیپلماتیک مصون است و نمی توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. دولت پذیرنده با وی رفتار محترمانه ای که در شأن او است خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد." مصونیت از تعرض نه تنها شامل اشخاص است، بلکه اماکن مأموریت، مکاتبات و بیک دیپلماتیک را نیز دربرمی گیرد.

Invisible Hand**دست نامرئی**

این واژه را آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳) اقتصاددان انگلیسی در سال ۱۷۷۶ در کتاب ثروت ملل به کاربرد. اسمیت در این کتاب نوشته است هر فردی دائماً در تلاش است تا پرسودترین کار را برای هر نوع سرمایه ای که در اختیار دارد بیابد. آنان که سرمایه ندارند، در جستجوی شغلی هستند که در آن بازده پولی کارشان به حداکثر برسد. وی تنها منشأ ثروت را تولید می داند و معتقد است که این ثروت با مهارت و کفایت خود افراد در کاربرد نیروی کار خودشان ارتباط دارد و اینکه وسیله اساسی افزایش ثروت، تقسیم کار و استفاده از ماشین آلات در شیوه تولید است. به نظر آدام اسمیت، هر صاحب صنعت سعی می کند صنعت خود را طوری اداره کند که بیشترین سود را به دست آورد. ولی یک "دست نامرئی" او را هدایت می کند تا در راه هدفی که جزو تصمیمات خود او نیست، قدم بردارد. از این رو، اسمیت می گوید تعقیب سناغ شخصی به خودی خود به منافع اجتماع خدمت می کند. به عبارت دیگر، هر کس به نفع شخصی خود کار کند، سرانجام بهزیستی و نفع جامعه نیز تأمین می شود. به نظر عده ای از صاحب نظران، تأمین نفع شخصی با منافع دیگران مغایر است.

Involuntary Refugees**پناهندگان غیرداوطلب**

مردمی که تحت فشار دولت ناچار به ترک وطن می شوند، مثل مهاجرت اجباری مردم آلمانی زبان ناحیه سودت چکسلواکی به آلمان نازی.

Interventionism**دخالت دولت در اقتصاد**

نظام مداخله دولت در امور اقتصادی برای تنظیم روابط اقتصادی و نظارت در تعدیل قیمت‌ها، جلوگیری از گرانی‌فروشی و احتکار، وضع تعرفه‌های سنگین گمرکی به منظور حمایت از صنایع داخلی و ملی کردن. این واژه مترادف واژه دولت‌سالاری است.

Interview**مصاحبه**

گفتگوی چهره به چهره یا تلفنی یا وسایل دیگر با پاسخگو به منظور کسب اطلاعات مورد نظر، یا پاسخگویی رسمی به سؤالاتی که از طرف مطبوعات و نمایندگان رادیو - تلویزیون و رسانه‌های دیگر از اشخاص، مقامات و صاحب‌منصبان به عمل می‌آید.

Intifada**انتفاضه**

واژه عربی از ریشه نفض به معنی جنبش و تکان و لرزش که به صورت اسم خاص برای اشاره به قیام همگانی مردم فلسطین به کار می‌رود که از دسامبر سال ۱۹۸۷ (آذر ۱۳۶۶) شروع شد و به انقلاب سنگ نیز معروف است. روز هشتم دسامبر ۱۹۸۷ چهار نفر از کارگران بی‌دفاع فلسطینی در شهر غزه توسط نفربرهای صهیونیستی به شهادت رسیدند و این عمل باعث شد که سراسر غزه به اعتصاب کشیده شود و به سایر نقاط نیز گسترش یابد. جنبه‌های مختلف انتفاضه را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- انتفاضه تمام طبقات و اقشار مردم را دربر می‌گیرد و بعد اسلامی آن نیز برجسته است. ۲- اسلحه مورد استفاده مردم، سلاح سنگ است که به وفور در فلسطین اشغالی یافت می‌شود. این امر باعث نگرانی صهیونیست‌ها شده است، بخصوص که یادآور داستان کشته شدن جالوت فلسطینی با سنگ پرتاب شده از فلاخن حضرت داود است. ۳- استمرار انتفاضه. زیرا مردم به این نتیجه رسیدند که نه سران کشورهای عربی و نه اشخاص دیگر برای آنها کاری انجام نمی‌دهند و این خود مردم فلسطین هستند که باید قیام کنند و آن را تا پیروزی نهایی ادامه دهند. ۴- استقلال و عدم وابستگی قیام به سیاست‌های غرب و شرق و کشورهای عربی و اسلامی. ۵- انتفاضه یک حرکت آگاهانه و حساب شده است که توسط جوانان مبارز و انقلابی فلسطینی شروع شد. ۶- نقش سازمانهای مبارز اسلامی مثل حماس (حرکت مقاومت اسلامی) که پس از قیام سراسری مردم فلسطین به وجود آمده و شاخه مبارزاتی جنبش اخوان المسلمین فلسطینی است و جهاد اسلامی فلسطینی (حرکت جهاد اسلامی در فلسطین) که از نظر نظامی در فلسطین بسیار شاخص است و مرکز اصلی آن در شهر غزه قرار دارد. دور دیگر انتفاضه، از سپتامبر سال ۲۰۰۰ شروع شد که به «انتفاضه الاقصی» مشهور است.

Intra Vires**در حدود اختیارات**

واژه لاتین و ناظر بر اقداماتی است که در حدود اختیارات قانونی شخص یا سازمان قرار دارد.

Intrigue**فتنه انگیزی؛ توطئه‌چینی؛ دوپهم‌زنی؛ انتریک**

تحریک فرد یا گروهی از افراد، با طرح برنامه‌های مزورانه برای نیل به هدف معین. همچنین به معنی تحریک مفسده‌جویانه یک دولت علیه دولت دیگر و به منظور تیرگی روابط و ایجاد جنگ است.

اختلافات بین‌المللی از طریق نمایندگان مجالس قانونگذاری. مقر اتحادیه در ژنو است.

استيضاح

Interpellation

یکی از اشکال مبارزه پارلمانی است. نمایندگان مجلس، این حق را دارند که از هیأت دولت (کابینه) و ریاست کابینه در مورد این یا آن سیاست و عمل مشخص، درخواست توضیح کنند. پس از جواب طرف استيضاح، مسأله رأی اعتماد به هیأت دولت مطرح می‌شود که اگر توضیحات و جواب هیأت دولت برای نمایندگان مجلس قانع‌کننده نباشد، با رأی عدم اعتماد و خطر سقوط مواجه می‌شود.

بازجویی؛ استنطاق

Interrogation

هنر و فن طرح یک رشته سؤالات ماهرانه و قانونی از متهم یا مظنون به ارتکاب جرم، به منظور اخذ اطلاعات صحیح درباره حادثه کیفری. طبق اصل یا قاعده میراندا، قبل از هرگونه بازجویی از متهم باید به صورت روشن به او هشدار داده شود که: ۱- او حق دارد سکوت کند. ۲- هرگونه مطلبی که اظهار نماید، به عنوان مدرک قابل استناد بر علیه او است. ۳- حق دارد از وکیل استفاده کند. ۴- پیش از احراز رعایت اصل میراندا، شواهد به دست آمده در بازجویی قابل استفاده علیه متهم نیست.

حقوق بین‌الدول

Interstate Law

قواعد بین‌المللی مربوط به مناسبات بین دولتها. این واژه مترادف حقوق بین‌الملل عمومی است.

فترت

Interval

فاصله بین دو دوره قانونگذاری در حالتی که یکی به اتمام رسیده و دیگری هنوز شروع نشده است.

دخالت؛ مداخله

Intervention

۱- هر اقدامی که از ناحیه یک دولت صورت گیرد و نتیجه آن، تزلزل حاکمیت و استقلال داخلی و خارجی دولت دیگر باشد. ۲- عملی که به موجب آن یک یا چند دولت (و یا سازمانهای بین‌المللی) در امور داخلی یا خارجی دولت دیگری اعمال نظر می‌کنند تا آن دولت را به انجام یا عدم انجام امر معینی مجبور سازند. معمولاً دخالت‌کننده برای تحمیل نظر و اراده خود به قوه قهریه متوسل می‌شود. دخالت را دو نوع دانسته‌اند: دخالت مشروع و دخالت نامشروع. دخالت مشروع آن است که متکی بر قرارداد بین‌المللی باشد و یا به تقاضای صریح حکومت قانونی یک دولت انجام گیرد. همچنین به نظر بعضی از علمای حقوق بین‌الملل ممکن است اقدام یک دولت را برای حفظ مصالح جامعه بین‌المللی و احترام به شخص انسان که به دخالت انسانی معروف است، به عنوان دخالت مشروع تلقی کرد. دخالت نامشروع آن است که یک دولت برخلاف قواعد بین‌الملل و تنها برای اجرای هدفهای سیاسی خود دست به اقداماتی بزند و برای رسیدن به هدف خود، دولت دیگری را تحت فشار قرار دهد. مع هذا، دخالت‌های نامشروع متعددی تحت پوشش دخالت مشروع یا انسانی توسط دولتهای سلطه‌گر انجام گرفته است.

خصوصی سازی و افزایش پهنای باند از برنامه‌های آینده اینترنت است خدمات اصلی اینترنت را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: پست الکترونیک، سرویس دسترسی به انواع اطلاعات، سرویس انتقال پرونده‌های کامپیوتری، سرویس گروه‌های تخصصی و علاقه‌مندان به موضوعهای خاص، سرویس کنفرانس الکترونیکی، سرویس دسترسی به کامپیوترها از راه دور که به وسیله آن هر عضو اینترنت می‌تواند از هر کامپیوتر در گوشه و کنار جهان برای عملیات مورد نظر خود استفاده نماید، سرویس خبری یا به اصطلاح نشریات الکترونیکی. برای متصل شدن به این مجموعه، یک کامپیوتر و یک مودم Modem (وسیله‌ای که ارتباط کامپیوترها با یکدیگر و با شبکه‌های اطلاعاتی را از طریق خطوط تلفن برقرار می‌کند) و یک خط تلفن کافی است. در اینترنت، هر عضو حقیقی یا حقوقی دارای یک آدرس منحصر به فرد است که از آن برای برقراری ارتباط استفاده می‌شود و شامل مشخصاتی مثل کد کشور، نوع شرکت، نام شرکت و نام کامپیوتر اصلی شبکه است. به نظر عده‌ای، آمریکا می‌خواهد به طور یکجانبه، قوانین بازی عصر الکترونیک را تعیین نماید تا در قرن ۲۱، ارباب شبکه‌های جهانی باشد. اما اروپا و بعضی از کشورهای در حال توسعه، در برابر این سلطه مقاومت می‌کنند.

Internet Cafe

کافه اینترنتی

کافی نت، کافه سبیرنتیکی و کافه اینترنتی، نامهای گوناگون برای مراکز عمومی خوردن و آشامیدن و استفاده از سرگرمیهای شبکه‌ای از طریق پایانه‌های کامپیوتری روی میزهای جداگانه است.

Internet Revolution

انقلاب اینترنت

این واژه در سال ۱۹۹۸ به دنبال حوادث سیاسی اندونزی و سقوط سوهارتو دیکتاتور این کشور مطرح شد، زیرا دانشجویان اندونزیایی در برنامه ریزی اقدامات اعتراضی خویش به شبکه کامپیوتری اینترنت متوسل شدند و از این طریق پیامشان را به اطلاع جهانیان رساندند. در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ رادیو و ضبط صوت بود که در خدمت گسترش این انقلاب درآمد. در سال ۱۹۸۹ تلویزیون و کانالهای ماهواره‌ای بود که اروپای شرقی را علیه کمونیسم شوراند. در همین سال نیز دانشجویان چینی دست به شورش زدند و از فاکس یا دورنگار در جریان شورشهای دانشجویی استفاده کردند.

Internuncio (Internonce)

انترنونس؛ وزیر مختار پاپ

فرستاده یا نماینده پاپ که مقامش پایین تر از مقام نونس است و نزد رؤسای دولتها مأموریت می‌یابد.

Interparliamentary Union

اتحادیه بین‌المجالس

سازمانی است مرکب از اعضای مجالس قانونگذاری کشورهای مختلف جهان که در سال ۱۸۸۹ در پاریس ایجاد شد و از سال ۱۹۲۰ به شکل کنونی احیا گردید. هدفهای آن عبارتند از: حفظ و تقویت دموکراسی پارلمانی، ایجاد یک اتحادیه آزاد میان مجالس قانونگذاری جهان و رفع

دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای **International Tribunal for the Law of the Sea**

دادگاهی برای حل اختلافات بین دولتها در زمینه مسائل مربوط به حقوق دریائی و متشکل از هیأتی مرکب از ۲۱ عضو مستقل است که برای مدت ۹ سال از بین اشخاصی انتخاب می‌شوند که از لحاظ انصاف و صداقت شهرت داشته و تبخّر شناخته شده‌ای در زمینه حقوق دریاهای داشته باشند. از میان اعضای دیوان، بیش از یک نفر نباید تبعه یک دولت باشد. محل استقرار دیوان در شهر هامبورگ است. اساسنامه دیوان در ۱۲۸ اکتبر ۱۹۹۷ پذیرفته شد.

واحد بین‌المللی **International Unit**

واحد بین‌المللی در معنی عام آن، به کشور و موضوع روابط بین‌المللی اطلاق می‌شود.

عادت بین‌المللی **International Usage**

عملی که کشورها طی مدت طولانی و به‌طور مکرر در روابط خود با یکدیگر انجام می‌دهند، ولی عدم اجرای آن، مورد اعتراض واقع نمی‌شود. فرق عمده عادت با عرف در این است که عادت، ضمانت اجرایی ندارد و الزام‌آور هم نیست. مثلاً برافراشتن پرچم کشتیها به‌هنگام رسیدن به یکدیگر را می‌توان عادت تلقی کرد.

آبهای بین‌المللی **International Waters**

آب تمام دریاهای و اقیانوسها، بجز بخش آبهای سرزمینی، که کلیه کشورهای جهان به‌طور یکسان از آن بهره‌مند می‌شوند.

آبراههای بین‌المللی؛ راههای آبی بین‌المللی **International Waterways**

رودخانه‌ها، کانالها و تنگه‌هایی که اغلب از طریق قرارداد بین‌المللی یا عهدنامه به‌روی کشتیهای بازرگانی - و تحت شرایط خاصی در زمان صلح به‌روی کشتیهای جنگی - تمام ملل گشوده است.

اینترنت **Internet**

شبکه بین‌المللی کامپیوتری که از سال ۱۹۹۰ به‌صورت گسترده‌ترین شبکه کامپیوتری جهانی درآمده است و (تا سال ۱۹۹۶) بیش از ۱۶۰ کشور جهان به آن متصل شده‌اند و میزان استفاده کنندگان از آن همچنان رو به افزایش است. در سال ۱۹۹۸ تعداد کاربران اینترنت در دنیا ۱۰۲ میلیون نفر بوده و برآورد شده که این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۳۷۷ میلیون و در سال ۲۰۰۱ به ۷۰۷ میلیون نفر برسد. نقطه اینترنت در اوایل دهه ۱۹۷۰ و به‌عنوان شبکه وزارت دفاع آمریکا بسته شد. در اواخر دهه ۱۹۸۰، بنیاد ملی علوم در آمریکا اقدام به ایجاد پنج مرکز سوپر کامپیوتر منطقه‌ای کرد و منابع سریعترین کامپیوترهای جهان را در اختیار پژوهشهای آکادمیک قرار داد. در سال ۱۹۸۷ شرکت مریت با همکاری شرکت آی.بی.ام امور مربوط به تعمیر و نگهداری و تقویت و ارتقای شبکه را بر عهده گرفتند، به‌طوری که در اوایل دهه ۱۹۹۰ دارای بیش از ۵۰۰۰ شبکه متصل منطقه‌ای، ایالتی، دانشگاهی و دولتی گردید. سالهاست که شرکتهای چند ملیتی نیز در اینترنت حضور دارند. در سال ۱۹۹۲ بسیاری از محدودیتهای وضع شده در مورد استفاده تجاری از اینترنت برداشته شد و اکنون تعداد مراکز تجاری موجود در آن بیشتر از مراکز آموزشی و پژوهشی است. انتفاعی کردن،

International Strait**تنگه بین‌المللی**

راههای آبی طبیعی که قسمتی از دریای آزاد را به‌قسمت دیگری از دریای آزاد و یا به‌دریای سرزمینی کشور دیگری مرتبط می‌سازند. عبور بی‌ضرر کشتیهای بیگانه در تنگه‌هایی که بخشی از دریای آزاد را به‌بخشی دیگر از دریای آزاد و یا به‌دریای سرزمینی یک کشور بیگانه متصل می‌کند و در خدمت کشتیرانی بین‌المللی است، نمی‌تواند معلق بماند. نظارت انحصاری بر آبهای تنگه‌ها و تضمین و تأمین امنیت کشتیرانی از اقتدارات کشور ساحلی است که البته، سهل‌انگاری در انجام چنین وظایفی موجبات مسئولیت بین‌المللی کشور یا کشورهای ساحلی را فراهم می‌کند. به‌عقیده بعضی علما، برای تنگه‌هایی که طبق قراردادهای بین‌المللی وضع آنها روشن نشده، قواعد و اصول مندرج در رأی مورخ نهم آوریل سال ۱۹۴۹ دیوان لاهه در موضوع اختلاف بین دولت‌های انگلستان و آلبانی در قضیه تنگه کورفو ملاک عمل است. به‌موجب رأی دیوان بین‌المللی دادگستری، اصل آزادی عبور بی‌ضرر باید در زمان صلح در این تنگه‌ها رعایت شود. دولت ساحلی حق نظارت انحصاری بر تنگه را ندارد، ولی موظف است امنیت کشتیرانی را در آن تأمین کند و از مخاطراتی که امکان دارد برای کشتیها وجود داشته باشد، دولت‌ها و اشخاص ذینفع را آگاه سازد. به‌همین جهت، دیوان بین‌المللی دادگستری، دولت آلبانی را به‌علت اینکه مقامات انگلیسی را از وجود مین در تنگه کورفو مطلع نکرده و در نتیجه، در انجام وظایف و تعهدات بین‌المللی خود قصور کرده بود، مسئول شناخت.

International System**نظام بین‌المللی**

سیستم بین‌المللی که شامل کشورها، سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین روابط و اعمال متقابل آنها می‌شود.

International Telecommunication Union (ITU)**اتحادیه بین‌المللی مخابرات دور**

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد است که هدفهای آن عبارتند از: حفظ و توسعه همکاری بین‌المللی برای بهبود مخابرات دور و استفاده معقول از آن، کمک به توسعه تجهیزات فنی و صحیح‌ترین نحوه به‌کار بردن این تجهیزات به‌منظور افزایش سود و کارایی آنها و قراردادن آن در اختیار عموم تا حد امکان، هماهنگ کردن اقدامات ملتها برای نیل به این هدفهای مشترک. مقر این اتحادیه در ژنو است.

International Terrorism**تروریسم بین‌المللی**

اعمال ترور و خشونت فردی یا جمعی که یک عنصر بین‌المللی (قربانی و مرتکب، شهروندان دولت‌های مختلف باشند یا این‌گونه رفتارها در بیش از یک کشور رخ دهد) یا یک هدف مورد حمایت بین‌المللی (مثل غیرنظامیان بیگانه، هواپیماهای غیرنظامی و کارکنان سازمانهای بین‌المللی) را دربرگیرد و مقصود از آن نیل به نتیجه‌ای قدرت طلبانه (یعنی نتیجه‌ای که هدف آن تغییر یا حفظ ساختارها یا سیاستهای فعال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک دولت یا یک سرزمین مشخص باشد) است. گاهی در رسانه‌های غربی، فعالیت‌های جنبشهای آزادیبخش و مقاومت‌های مشروع نیز به‌تروریسم بین‌المللی نسبت داده شده است. برخی از کشورهای اسلحه‌گر نیز تحت عنوان مبارزه با تروریسم بین‌المللی، کشورهای مستقل را مورد حمله مسلحانه قرار می‌دهند.

نقض قواعد حقوق بین‌المللی توسط او به دولت دیگری وارد شده است، جبران کند. فرض مسئولیت بین‌المللی این است که یک کشور از زبانی که به او وارد آمده است، شاکس و خواستار ارضای خاطر باشد. این زیان ممکن است عبارت باشد از: ۱- خطاکاری و تعدی مستقیم، مثل فحاشی یا بی‌احترامی به پرچم ۲- تقصیر و تخلف از موازین حقوق بین‌المللی، مثل نقض معاهده ۳- خسارت و زیان وارده به اتباع کشور. در مورد مبنای مسئولیت بین‌المللی دو عقیده علمی وجود دارد: ۱- نظریه تقصیر یا گناه ۲- نظریه خطر.

رودخانه بین‌المللی

International River

رودخانه‌ای که به‌طور طبیعی قابل کشتیرانی است و قلمرو دو یا چند کشور را از هم جدا می‌سازد و یا از قلمرو چندین کشور می‌گذرد، مثل رودخانه‌های راین، دانوب، مکونگ، نیل و ارونرود یا شط العرب. امروزه، اداره امور رودخانه‌های بین‌المللی براساس قراردادهای دوجانبه و چندجانبه‌ای بین کشورهای مجاور چنین رودخانه‌هایی است. در این گونه قراردادهای، دو اصل اساسی مورد توجه متعاهدین است: ۱- اصل آزادی کشتیرانی بازرگانی در زمان صلح برای کلیه کشورها ۲- اصل تساوی در اعمال مقررات. اصل استفاده منصفانه از رودخانه نیز بر توازن بین حق حاکمیت دولت بر منابع آب خود و منافع کشور پائین دست در بهره‌برداری از این آبها استوار است.

منطقه بین‌المللی بستر دریاها

International Seabed Area

منابع کف و زیر کف آن بخش از دریاها و اقیانوسها که خارج از حوزه صلاحیت قضائی ملتها قرار دارند. این منطقه که به میراث مشترک بشریت معروف است باید تحت نظارت یک نهاد بین‌المللی به نام سازمان بین‌المللی بستر دریاها مورد بهره‌برداری قرارگیرد و درآمد حاصل از آن بین کشورها (بویژه کشورهای کم‌رشد) توزیع شود.

سازمان بین‌المللی بستر دریاها؛ مرجع بین‌المللی بستر دریاها

International Seabed Authority

منظور از بستر بین‌المللی دریاها، بخشهایی از منابع بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوسها است که خارج از حوزه صلاحیت قضائی ملتها قرار دارد و به میراث مشترک بشریت معروف است و بهره‌برداری از آن، تحت نظارت سازمان یا مقام (آمریت) بین‌المللی بستر دریاها صورت می‌گیرد و درآمد حاصله بین کشورهای در حال توسعه توزیع می‌شود. این مرجع یا مقام دارای سه رکن اصلی است: مجمع عمومی، شورای ۳۶ دولت عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دبیرخانه.

امنیت بین‌المللی

International Security

حالتی که در آن، کشورها در شرایط تعادل و آرامش باشند و قلمرو یکدیگر را محترم شمارند و به هیچ طریقی آن را مورد تهدید قرار ندهند.

سوسیالیسم بین‌المللی

International Socialism

این واژه بیانگر جهانشمولی سوسیالیسم و هدف اساسی آن، یعنی آزادسازی پرولتاریای سراسر جهان از قید و بند نظام سرمایه‌داری است.

برای قدرت تلقی شده است. از نظر کمونیستها، در سیاست بین‌المللی، طبقات و نه دولتها، بازیگر عمده سیاسی بوده و کشاکش، وجه مشخصه روابط بین‌المللی و بین طبقات است. برداشت دیگر نسبت به سیاست بین‌المللی، سیاست قدرت است که به موجب آن، هدف نزدیک دولتها، قدرت یافتن بر دولتهای دیگر است. اصول و قواعد مختلف سیاست بین‌المللی در سه اصل خلاصه می‌شود: ۱- اصل تساوی کشورها ۲- اصل عدم دخالت که نتیجه مسلم اصل تساوی کشورهاست ۳- اصل استقلال.

International Propaganda

تبلیغات بین‌المللی

تبلیغات به دو صورت، جنبه بین‌المللی پیدا می‌کند: ۱- وقتی پیامی در یک کشور تولید شده باشد و مخاطبین آن در کشور دیگری باشند. ۲- اگر پیام مربوط به مسائل بین‌المللی باشد، اعم از اینکه ارتباط برونمرزی برقرار شود یا نشود. تبلیغات بین‌المللی معمولاً توسط دولتها یا سازمانهای وابسته به آنها و گاهی نیز توسط افراد و سازمانهای خصوصی انجام می‌شود. تبلیغات بین‌المللی ممکن است کینه‌توزانه، تجاوزکارانه، جنگ افروزانه، براندازنده، نفاق‌افکنانه، توهین‌آمیز و مانند اینها باشد. ظاهراً تبلیغات بین‌المللی اگر در جهت تحریک یا ترغیب به تجاوز نسبت به اصول اساسی حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد صورت گیرد، قابل توجیه نیست.

International Regime

رژیم بین‌المللی

مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و مقررات و رویه‌های تصمیم‌گیری صریح یا ضمنی که براساس آنها انتظارات بازیگران در عرصه‌ای از روابط بین‌المللی به هم گرایش پیدا می‌کند. رژیمهای رسمی به رژیمهایی اطلاق می‌شود که از طریق سازمانهای بین‌المللی مطرح شده باشند و رژیمهای غیررسمی به رژیمهایی اطلاق می‌شود که حاصل موافقت ضمنی اعضا بوده و برای تأمین منافع مقطعی آنها ایجاد شده باشند.

International Relations

روابط بین‌المللی

روابط بین‌المللی یا بین‌الملل که معمولاً آن را اعم از سیاست بین‌المللی و سیاست خارجی دانسته‌اند عبارت است از مطالعه تمام مبادلات، معاملات، تماسها، جریان اطلاعات و واکنشهای ناشی از آنها بین جوامع متشکل جدا از هم (کشورها) و اجزای متشکله آنها. مطالعه روابط بین‌المللی با موضوعهای زیر سروکار دارد: ۱- بازیگران صحنه بین‌المللی، یعنی کشورها، حکومتها، رهبران، دیپلماتها و مردم ۲- هدفهایی که بازیگران در پی کسب آن هستند، یعنی امنیت، رفاه، قدرت و جز اینها ۳- وسایلی که برای تحقق هدفهای مزبور به کار گرفته می‌شود، یعنی دیپلماسی، اعمال قدرت و اقیان ۴- محیط عمل. پایه‌های اساسی روابط بین‌المللی پس از پیدایش سیستم کشوری در اروپا در قرن هفدهم و پس از قرارداد ۱۶۴۸ و ستفالیای ریخته شد و با انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ تکامل یافت.

International Responsibility

مسئولیت بین‌المللی

تکلیفی که به موجب حقوق بین‌المللی به یک دولت تحمیل می‌شود تا خساراتی را که در اثر

بازداشتن از انحراف مواد هسته‌ای از موارد استعمال مجاز شناخته شده توسط قانون یا عهدنامه، برای اطلاع بموقع از امکان انحراف یا اطمینان کامل از آنکه هیچگونه انحرافی روی نداده و همچنین برای رسیدگی به عملیات اعلام شده در تأسیسات هسته‌ای در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد.

International Organization

سازمان بین‌المللی

هر همکاری منظم بین اشخاص یا گروهها، خارج از مرزهای ملی، اگر بنیادی شود و صورت تشکیلاتی دائمی پیدا کند، یک سازمان بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. مبنای تشکیل یک سازمان بین‌المللی، قرارداد تأسیس است که به‌مثابه اساسنامه سازمان می‌باشد و در واقع، دولتها با انعقاد چنین قراردادی تمایل خود را به همکاری منظم در یک محدوده بخصوص ابراز می‌کنند. سازمانهای بین‌المللی را به سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می‌کنند. سازمان بین‌المللی دولتی، اجتماع گروهی از دولتها است که برای تحقق هدفهای خاص در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و جز اینها با یکدیگر به همکاری می‌پردازند. این گونه سازمانها در عین حال از نظر قلمرو بر دو نوعند: سازمانهای جهانی مثل سازمان ملل متحد و سازمانهای منطقه‌ای مثل سازمان همکاری اقتصادی (ا.ک.و). از نظر هدف نیز به سازمانهای سیاسی مثل سازمان ملل متحد و سازمانهای غیرسیاسی مثل سازمانهای اقتصادی و مالی تقسیم می‌شوند. سازمانهای بین‌المللی غیردولتی به سازمانهایی اطلاق می‌شود که دولتها مستقیماً در تأسیس آنها شرکت ندارند و از خصوصیت سیاسی هم برخوردار نیستند، مثل جمعیت‌های صلیب سرخ جهانی و اتحادیه بین‌المللی حمل و نقل هوایی. سازمانهای بین‌المللی خصوصی نیز بسیار زیاد و متنوعند، مثل شرکتهای چند ملیتی.

International Organization of Employers (IOE)

سازمان بین‌المللی کارفرمایان

انجمن بین‌المللی فدراسیونهای ملی کارفرمایان که در سال ۱۹۲۰ به وجود آمد و دارای ۹۰ عضو به نمایندگی از ۸۱ کشور است. این انجمن مدافع و پشتیبان اصول تجارت آزاد است. مرکز آن در ژنو قرار دارد.

International Personality

شخصیت بین‌المللی

جامعه‌ای که موقعیت فرد بین‌المللی را دارد و حقوق و مزایای قانون بین‌المللی شامل آن می‌شود. کشور یک شخصیت بین‌المللی است. جریانی که به‌وسیله آن، شخصیت بین‌المللی یا عضویت در خانواده بشری به‌دست می‌آید، شناسایی نام دارد. به‌محض اینکه یک شخصیت بین‌المللی ایجاد و به رسمیت شناخته شد، حیات قانونی آن ادامه پیدا می‌کند و کم و زیاد شدن سرزمین، افزایش یا کاهش جمعیت کشور و یا تغییر نام آن تأثیری در شخصیت بین‌المللی نخواهد داشت.

International Politics

سیاست بین‌المللی

روابط و اعمال متقابل کشورها که در جهت تحصیل و حفظ هدف یا هدفهای ملی باشد، سیاست بین‌المللی نامیده می‌شود. سیاست بین‌المللی، اخص از روابط بین‌المللی است، زیرا آنچه مربوط به سیاست نیست، خارج از بحث آن است. سیاست بین‌المللی به‌دو گونه سیاست قدرت یا کشاکش

سازمان بین‌المللی دریانوردی؛ ایمو **International Maritime Organization (IMO)**

کنوانسیون ایجاد این سازمان که تا سال ۱۹۸۲، "سازمان بین دولتی مشورتی دریانوردی (ایمکو)" نام داشت، در ۶ مارس ۱۹۴۸ تدوین شد و در ۱۷ مارس سال ۱۹۵۸ به‌اجرا درآمد و در سال ۱۹۵۹ به‌عنوان یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد پذیرفته شد. هدف آن کمک به توسعه خدمات حمل و نقل دریایی و گسترش تجارت بین‌المللی از طریق دریا، تسهیل بنگاه‌های حمل و نقل دریایی به کنار گذاشتن اقدامات بازدارنده و محدود کننده است. مرکز سازمان در لندن قرار دارد.

مهاجرت بین‌المللی **International Migration**

تغییر محل اقامت، ضمن عبور از مرزهای سیاسی، برای مدتی بیشتر از یک سال.

صندوق بین‌المللی پول **International Monetary Fund (IMF)**

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد که هدف آن تدوین مقررات نظام پولی بین‌المللی و نظارت بر اجرای این مقررات از سوی کشورهای عضو، کنترل حجم نقدینگیهای بین‌المللی، اعطای وام‌های کوتاه مدت و میان مدت به کشورهای عضو جهت برقراری تعادل موازنه پرداختها، مشاوره و دادن توصیه به دولت‌های عضو در مورد سیاست‌های ارزی و مالی آنهاست. سرمایه صندوق توسط اعضاء تأمین می‌شود و اداره و کنترل واقعی آن در دست کشورهایی مثل آمریکا، انگلستان، آلمان، هلند، فرانسه، ژاپن، ایتالیا، کانادا، بلژیک و سوئد است که بیشترین حق عضویت را می‌پردازند. ۱۸۲ کشور عضو صندوق بین‌المللی پولند. طرح‌ریزی نظام پولی بین‌المللی به وسیله کشورهای عمده سرمایه‌داری و بدون در نظر گرفتن منافع کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد. ارگانهای تصمیم‌گیرنده صندوق عبارتند از شورای حکام (مرکب از نمایندگی تمام کشورهای عضو)، مدیر عامل و شورای اجرایی مدیران که دارای ۲۲ عضو است و شش نفر آنها توسط دولتهایی که بیشترین حق عضویت را می‌پردازند، منصوب می‌شوند. "حق برداشت مخصوص" نیز نوعی حساب اعتباری بانکی است که کشورهای عضو، نزد صندوق باز می‌کنند. کشورهای صاحب حساب می‌توانند نسبت به میزان سهمیه خود از هر نوع ارز مورد نیاز برداشت کنند. براین اساس، کشورهایی که بیشترین حق عضویت را می‌پردازند، بیش از دوسوم حق برداشت مخصوص را به خود اختصاص می‌دهند. مرکز صندوق بین‌المللی پول در واشنگتن قرار دارد و یکی از وسایل استعمارگری جدید است.

اخلاق بین‌المللی **International Morality**

مقررات اخلاقی که کشورها معمولاً در روابط خود رعایت می‌کنند. قانون اخلاقی ایجاب می‌کند که کشورها در قبال یکدیگر، رفتار صادقانه و مبتنی بر خیرخواهی داشته باشند و به‌هنگام جنگ، بدخواهی و کینه‌توزی را به حداقل ممکن کاهش دهند و نیکوکاری را در زمان صلح به حداکثر برسانند و در حدود امکانات خود از همیاری و مساعدت کوتاهی نکنند.

اقدام ایمنی بین‌المللی مواد هسته‌ای؛ **International Nuclear Materials Safeguard**

پادمان بین‌المللی مواد هسته‌ای؛ تدبیر حفاظتی بین‌المللی مواد هسته‌ای
این اصطلاح بیانگر اقداماتی است که بویژه از طرف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای کشف و

Internationalization**بین‌المللی شدن**

عده‌ای به جای اصطلاح جهانی شدن، برای اشاره به تشدید برهمکنش و روابط متقابل مرزی و وابستگی بین کشورها و تحولات جدید در نظام بین‌المللی که دارای ابعاد گوناگونی (مثل جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی) است، از اصطلاح بین‌المللی شدن استفاده کرده‌اند.

International Labour Organization (ILO)**سازمان بین‌المللی کار**

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد که هدف آن، بهبود شرایط کار از طریق کوششهای مشترک دولتها، کارفرمایان و کارگران است. این سازمان که از سال ۱۹۱۹ وجود داشته است، در سال ۱۹۴۶ به‌عنوان اولین مؤسسه تخصصی سازمان ملل متحد شناخته شد و مرکز آن در ژنو قرار دارد.

International Law**قانون بین‌المللی؛ حقوق بین‌الملل**

۱- مجموعه‌ای از قواعد و مقررات که هنوز تدوین نشده است ولی ملتها آن را به‌عنوان راهنمایی در روابط با یکدیگر موقتاً پذیرفته‌اند. ۲- مقررات بین‌المللی ناشی از عرف و عادت مسلم بین ملتها و عقاید حقوقی دانشمندان و معاهده‌ها و اساسنامه سازمان ملل متحد و مجامع بین‌المللی. ۳- حقوق بین‌الملل یا حقوق بین‌الملل عمومی ناشی از روابط بین‌المللی و تنظیم‌کننده مناسبات میان اعضای جامعه بین‌الملل (یعنی کشورها) است. ۴- رشته‌ای از حقوق که از مطالب ذیل بحث می‌کند: ۱- روابط دو یا چند دولت (بین‌المللی عمومی) ۲- روابط دو یا چند فرد از اتباع دو یا چند دولت (بین‌الملل خصوصی).

International Law Commission (ILC)**کمیسیون حقوق بین‌الملل**

مؤسسه‌ای که در سال ۱۹۴۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای اجرای مفاد ماده ۱۳ منشور ملل متحد مبنی بر "توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن" به‌وجود آمد و اکنون مرکب از ۲۵ عضو متخصص حقوق بین‌الملل است. غیرقانونی کردن کشتار دسته‌جمعی و تهیه مقررات مربوط به آبهای آزاد از جمله اقدامات این کمیسیون است.

Internationally Protected Person**شخص مورد حمایت بین‌المللی**

طبق کنوانسیون ۱۹۷۳ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأموران دیپلماتیک، اشخاص مورد حمایت بین‌المللی عبارتند از: رئیس کشور، رئیس حکومت، وزیر امور خارجه و اعضای خانواده او، کلیه نمایندگان و کارمندان یا شخصیت‌های رسمی هر کشور یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مأمور دیگر یکی از سازمانهای بین‌المللی یا بین‌الدولی. طبق این کنوانسیون، اعمالی از قبیل ربودن و قتل، حمله خشونت‌آمیز به‌امکان رسمی و محل سکونت و یا وسیله نقلیه متعلق به‌شخص مورد حمایت بین‌المللی، تهدید به‌اعمال این قبیل حملات، شروع به ارتکاب این قبیل حملات و مداخله در ارتکاب این گونه حملات و مداخله در ارتکاب چنین حملاتی به‌عنوان شریک جرم در قوانین داخلی هر یک از کشورهای طرف کنوانسیون ۱۹۷۳ جرم شمرده شده است.

می‌کند، با عقد یک موافقتنامه بین‌المللی استخدام می‌کنند تا در محدوده مقررات حقوقی خاص، منحصرأ و به‌طور مداوم به کاری مشغول شود که در جهت منافع همه آنان قرار دارد. به‌عبارت دیگر، کارمند بین‌المللی، شخصی است که بعد از استخدام در یک سازمان بین‌المللی، در محدوده یک نظام حقوقی خاص که آن سازمان به‌وجود آورده است، به‌طور دائم و در جهت منافع سازمان به کار اشتغال دارد. کارمند بین‌المللی نمی‌تواند به آن فعالیت‌های سیاسی روی آورد که با استقلال و بیطرفی او در این مقام تعارض دارد و ممکن است موجب سوءظن شود. کارمند بین‌المللی دستمزدی دریافت می‌کند که با رعایت بعد مسافت محل اقامتش از کشور متبوع بدان تعلق گرفته است. طبق بند دوم از ماده ۱۰۵ منشور ملل متحد، کارکنان بین‌المللی از مزایا و مصونیت‌هایی برخوردارند که برای حفظ استقلال آنها در انجام وظایف مربوط به سازمان بین‌المللی ضرورت دارد.

International Fund for Agricultural Development (IFAD)

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد که فعالیت رسمی خود را از دوم ژانویه ۱۹۷۸ آغاز کرد و هدف آن، اعطای وام به‌منظور رشد و توسعه کشاورزی در همه کشورها، بویژه کشورهای در حال توسعه است. مرکز این صندوق در رم قرار دارد.

International Institute for Strategic Studies

مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک؛ انستیتوی بین‌المللی مطالعات استراتژیک

این مؤسسه در سال ۱۹۵۸ توسط گروهی از مفسران، سیاستمداران، روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان و روحانیون مسیحی بریتانیایی تأسیس شد. مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک در مورد امنیت بین‌المللی، کشمکشها، جنگها، کنترل تسلیحات و خلع سلاح تحقیق می‌کند و نشریات متعددی منتشر می‌سازد. این مؤسسه به‌دلیل عضویت محققین زیادی از کشورهای مختلف دنیا در آن به‌صورت یک مؤسسه بین‌المللی درآمد و از کمکهای مالی کشورهای آمریکایی، اروپایی و آسیایی برخوردار است. تا سال ۱۹۷۲ به‌عنوان انستیتو مطالعات استراتژیک معروف بود.

International Institution

بنیاد بین‌المللی

تشکیلاتی که بین دولتها تأسیس و توسط حکومت‌های آنها اداره می‌شوند. بنیادهای بین‌المللی به‌دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند: بنیادهای جهانی مثل سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن، و بنیادهای منطقه‌ای مثل ناتو، اکو و بازار مشترک اروپا.

Internationalism

انترناسیونالیسم

۱- روش فکری مبتنی بر لزوم همکاری و همبستگی نزدیک بین ملت‌های جهان تاحدی که به‌تشکیل حکومت جهانی منتهی شود و منافع ملی و سیاسی و اقتصادی و نظامی ملت‌های مختلف، تحت‌الشعاع آن قرارگیرد و در منافع جامعه جهانی مستحیل شود. ۲- همبستگی بین‌المللی و اتحاد نیروهای انقلابی جهان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به‌خاطر ترقی اجتماعی.

International Development Association (IDA)**انجمن بین‌المللی توسعه**

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد تأسیس ۱۹۶۰ و وابسته به بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه که هدف آن، تأمین منابع مالی برای رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. مرکز این انجمن در واشنگتن قرار دارد.

International Dispute**اختلاف بین‌المللی؛ مناقشه بین‌المللی**

ناهماهنگی دو کشور، در موضوع حقی و یا در وقوع امری و تضاد حقوقی و تعارض منافع آن دو کشور است. اختلاف حقوقی و مناقشه سیاسی، بعلاوه تضاد شدیدتر میان منافع و نظرهای سیاسی و حقوقی، مجموعاً کشمکش بین‌المللی را تشکیل می‌دهد که برای فیصله آن و رفع اختلاف و حل مناقشه، روشهای سیاسی و حقوقی گوناگونی در حقوق بین‌الملل عمومی در نظر گرفته شده است.

International Easement**ارتفاق بین‌المللی**

محدودیتی که یک دولت در حق حاکمیت خود به نفع دولت دیگر تحمل می‌کند، مثل دادن حق عبور سپاه از خاک خود به دولت دیگر و نساختن استحکامات در پاره‌ای از نقاط کشور خود.

International Economics**اقتصاد بین‌المللی**

آن قسمت از بررسی اقتصادی است که درباره تجارت، امور مالی بین‌المللی و اسعار خارجی (ارز) و موضوعهای نظیر آنها بحث می‌کند.

International Energy Agency (IEA)**آژانس بین‌المللی انرژی**

سازمانی که به منظور مقابله با افزایش قیمت‌های نفت و کمک به تأمین انرژی مورد نیاز کشورهای صنعتی به وجود آمد. فکر اولیه ایجاد این سازمان در سال ۱۹۷۴ به وسیله ایالات متحده آمریکا مطرح شد و در سپتامبر این سال نظر آمریکا برای ایجاد یک جبهه واحد از کشورهای صنعتی در مورد مسأله انرژی به صورت تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی واقعیت یافت. اعضای آن عبارتند از: آلمان، اتریش، اسپانیا، استرالیا، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، ایرلند، بلژیک، پرتغال، ترکیه، دانمارک، زلاند جدید، ژاپن، سوئد، سوئیس، کانادا، لوکزامبورگ، نورژ، هلند و یونان.

International Finance Corporation (IFC)**بنگاه مالی بین‌المللی؛ شرکت بین‌المللی تأمین مالی**

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد، تأسیس ۱۹۵۶ و وابسته به بانک جهانی که هدف آن، کمک به توسعه اقتصادی کشورهای عضو، بویژه کشورهای کم‌رشد، از طریق ترغیب رشد تولید صنایع خصوصی این کشورها است. مرکز این بنگاه در واشنگتن قرار دارد. تشکیلات بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه بانبگاه مالی بین‌المللی یکی است و همان سازمان اداره امور بنگاه را نیز در دست دارد.

International Functionary**کارمند بین‌المللی**

کارمند بین‌المللی، فرد مسئولی است که نمایندگان چند کشور و یا سازمانی که به نام آنان فعالیت

۱۸ قاضی آن می‌تواند به صورت مستقل، تحقیقات را آغاز کند و اقدامات لازم را علیه جنایتکاران انجام دهد. مقر دیوان که در اول ژوئیه ۲۰۰۲ آغاز به کار کرد، در لاهه است. تا سال ۲۰۰۳ تعداد ۷۴ کشور، پیمان تشکیل این دادگاه را امضا کردند. آمریکا، چین و روسیه امضا نکرده‌اند.

International Criminal Law

حقوق بین‌الملل کیفری

مجموعه قواعد حقوقی مربوط به مجازات جرائم بین‌المللی که باعث نقض حقوق بین‌المللی می‌شود.

International Criminal Police Organization (Interpol)

سازمان بین‌المللی پلیس جنایی؛ پلیس بین‌المللی؛ اینترپل

سازمانی که در سال ۱۹۲۳ در وین (اتریش) برای جلوگیری از وقوع جنایات و جنبه‌های حقوق عمومی، استرداد و مجازات مجرمین تشکیل شد و اکنون بیش از ۱۷۶ کشور در آن عضویت دارند. به طور کلی، هدف این سازمان بین‌المللی عبارت است از تحکیم روابط مستقیم مقامات پلیسی ملل با یکدیگر و تمرکز اطلاعات راجع به جرایم و سوابق مجرمین بین‌المللی و اقدامات فنی صرفاً درباره جرائم حقوق عمومی، بجز موضوعهایی که جنبه سیاسی یا نژادی یا مذهبی دارند. مرکز سازمان بین‌المللی پلیس جنایی (اینترپل) در سال ۱۹۸۹ از شهر پاریس به شهر لیون منتقل شد.

International Cultural Propaganda

تبلیغات فرهنگی بین‌المللی

تبلیغات بین‌المللی یک جنبه فرهنگی دارد که آن را تبلیغات فرهنگی بین‌المللی می‌خوانند. هر قدر که دولت تبلیغ‌کننده قویتر باشد، اثر این گونه تبلیغات نیز بیشتر می‌شود. مثلاً دولت آمریکا تبلیغات فرهنگی خود را توسط اداره اطلاعات و اخبار و از راههای گوناگون انجام می‌دهد. مراکز فرهنگی آمریکا و انگلستان که در کشورهای خارجی تأسیس می‌شود، غیر از گسترش نظام آموزشی آمریکایی و انگلیسی و زبان انگلیسی و اعطای بورس تحصیلی و جذب دانشجویان کشورهای خارجی در مراکز آموزشی، تبلیغات فرهنگی می‌کنند.

International Custom

عرف بین‌المللی

عرف بین‌المللی از طرز رفتار و یا رسمی که کشوری در مناسبات خود با کشور دیگر مراعات می‌کند، به وجود می‌آید. صفات خاص عرف بین‌المللی را می‌توان در سه اندیشه خلاصه کرد: ۱- تکرار عمل حقوقی مستند و نافذ که در میان عموم معمول است ۲- طرز عمل الزام‌آوری است ۳- طرز عملی که همواره در تکامل است.

International Debt Crisis

بحران بدهی بین‌المللی

شرایط دشوار ناشی از بدهیهای هنگفتی که بعضی کشورهای جهان سوم، مثل برزیل، مکزیک، کلمبیا، ساحل عاج، فیلیپین، پرو، بولیوی و آرژانتین عمدتاً به بانکهای خصوصی غربی دارند و ناتوانی این کشورها در پرداخت اقساط بدهیها. بحران بدهی بین‌المللی از سال ۱۹۸۲ آغاز شد. یعنی زمانی که وزیر دارائی مکزیک برای اعلان اینکه کشورش نمی‌تواند بدهی خارجی خود را مطابق قرارداد ادامه دهد، به‌واشنگتن سفر کرد.

مجمع عمومی رسید. هدف از تصویب این میثاقها، وارد کردن اصول و مقیاسهای کلی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر در یک سند بین‌المللی مؤثر و الزام‌آور برای کشورهای تصویب‌کننده آن بوده است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شامل ۵۳ ماده است و در آن از جمله برحق زندگی، آزادی و امنیت شخصی، حق استفاده از دادگاه صالح و مستقل و بیطرف، آزادی از تعقیب و دستگیری خودسرانه، آزادی فکر و وجدان و مذهب و تجمع، حق تعیین سرنوشت ملتها و تصرف آزادانه در ثروت و منابع طبیعی خودشان تأکید شده است. پروتکل اختیاری ضمیمه میثاق، شامل ۱۴ ماده است که شرایط و مقررات اجرای آن را تضمین کرده است. این میثاق در سوم ژانویه سال ۱۹۷۶ (پس از اینکه توسط ۳۵ دولت تصویب شد) قوت قانونی یافت.

International Covenant on Economic , Social and Cultural Rights

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

میثاقی که در سال ۱۹۶۶ (همراه با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و مشتمل است بر عمده‌ترین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر پیش‌بینی شده است. این میثاق دارای ۳۱ ماده است و در آن از جمله برحق خودمختاری، کار و استراحت، حق اعتصاب و تشکیل اتحادیه‌ها، آزادی از فقر و گرسنگی و بیماری، آموزش و پرورش و بهبود شرایط زندگی تأکید شده است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ۲۳ مارس سال ۱۹۷۶ (پس از اینکه توسط ۳۵ دولت تصویب شد) قوت قانونی یافت. تعهدات ناشی از این میثاق باید به تدریج توسط دولتی که آن را تصویب کرده است، جاری شود.

International Crime

جرم بین‌المللی

تخلف از اصول اساسی مربوط به موجودیت دولتها و ملتها، تضعیف اصول حقوق بین‌الملل و تهدید صلح و امنیت. از جمله جرائم بین‌المللی می‌توان از تجاوز، استعمارگری، نسل‌زدایی یا ژنوسید، آپارتاید، نژادپرستی و آلوده کردن محیط زیست بشر نام برد.

International Criminal Court

دیوان بین‌المللی کیفری؛ دادگاه جزایی بین‌المللی

دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی. موضوع تشکیل چنین دادگاهی برای محاکمه جنایتکاران جنگی و مرتکبین جرائم بین‌المللی بویژه با وقوع جنگ جهانی اول و ارتکاب جنایات گوناگون، در بین دولتها و حقوقدانان و افکار عمومی مطرح شد. در کنفرانس جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۹۳ در وین (اتریش) برگزار گردید، بر ضرورت تشکیل یک دادگاه بین‌المللی که صلاحیت رسیدگی به نقض شدید و نظام یافته حقوق بشر (مثل جنایات جنگی نیروهای عراقی در جریان جنگ ایران و عراق، جنایات صربها در بوسنی و هرزگووین، جنایات ناشی از تهاجم کشورهای پیشرفته در مناطق مختلف دنیا) را داشته باشد، تأکید به عمل آمد و از کمیسیون حقوق بین‌الملل خواسته شد که در این زمینه همت نماید. اساسنامه دیوان در تاریخ ۱۸ جولای سال ۱۹۹۸ با امضای دبیرکل سازمان ملل متحد رسمیت یافت. برپایه این اساسنامه، دیوان در چهار مورد: ژنوسید، تجاوز، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت حق قضاوت دارد. دادستان کل دیوان به اتفاق

International Confederation of Free Trade Unions (ICFTU)

کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد

انجمن بین‌المللی فدراسیونهای ملی اتحادیه‌های کارگری که در سال ۱۹۴۹ تشکیل شد و دارای ۱۳۲ سازمان عضو از ۹۳ کشور و با ۸۴ میلیون کارگر است. هدفهای آن عبارتند از: گسترش تمایل مردم به کار، کاهش شکاف بین فقیر و غنی، تفاهم بین‌المللی و خلع سلاح، حمایت از حق انتخابات آزاد، مبارزه علیه استثمار و ستمگری، دفاع از حقوق بشر و حقوق اتحادیه‌های کارگری.

International Conference on Religions for Peace کنفرانس بین‌المللی ادیان برای صلح

ارگان بین‌المللی که اعضای آن به‌ادیان و گروههای مذهبی مختلف تعلق دارند و در سال ۱۹۶۸ تشکیل شد و پنجمین کنفرانس آن در سال ۱۹۸۹ با شرکت ۶۰۰ نفر از شصت کشور جهان در استرالیا برگزار گردید. هدف کنفرانس، افزایش همکاری بین ادیان جهان برای صلح جهانی است. دبیرخانه کنفرانس در نیویورک قرار دارد.

International Conflict

کشمکش بین‌المللی

اصطلاح کشمکش به سبب منافع متضاد بین کشورها، حالت خاص سیاسی را بیان می‌کند که ممکن است در صورت تیرگی بیشتر اوضاع، یعنی شدت بیشتر تضاد، به زد و خورد مسلحانه منتهی شود. کشمکش یا مجموع اختلاف و مناقشه بین الملل، مرحله بعدی اختلاف بین‌المللی است. کشمکش بین‌المللی یا از راه بحث، مذاکره و معامله حل و فصل می‌گردد و یا از راه اعمال فشار، خشونت و جنگ و کشتار.

International Court of Justice

دیوان بین‌المللی دادگستری

یکی از ارکان ششگانه (ورکن اصلی قضایی) سازمان ملل متحد است که مرکز آن در لاهه قرار دارد و به این جهت گاهی دیوان یا دادگاه لاهه نیز خوانده می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری مرکب از ۱۵ قاضی است که برای مدت ۹ سال انتخاب می‌شوند و در مورد کلیه مسائل مرجوعه به آن، با اکثریت آراء قضات حاضر - حضور حداقل نه قاضی لازم است - اتخاذ تصمیم می‌کند. دیوان، اختلافات حقوقی را که از طرف دولتها به آن ارجاع می‌شود مورد رسیدگی قرار می‌دهد و همچنین بر اساس تقاضای مجمع عمومی، شورای امنیت و یا سایر ارکان سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی وابسته به آن رأی مشورتی صادر می‌کند.

International Covenant on Civil and Political Rights

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

کمیسیون حقوق بشر ملل متحد پس از فراغت از کار تکمیل "اعلامیه جهانی حقوق بشر" دست به تنظیم طرح میثاقهای بین‌المللی حقوق بشر زد که برای کشورهای تصویب کننده آن قانوناً الزام‌آور باشد. این طرحها از سال ۱۹۵۵ مورد رسیدگی قرار گرفت و سرانجام در تاریخ ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌اضافه یک پروتکل اختیاری ضمیمه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به تصویب

تحت حاکمیت سرزمینی انحصاری آنها هستند و لذا در این مورد، قاعده عرفی آزادی ارتباطات دریایی به خودی خود اعمال نمی‌شود، بلکه دولت یا دولت‌های مجاور این کانالها با انعقاد قراردادهای ویژه با دولت‌های ذینفع دیگر، تمایل خود را به این امر ابراز می‌کنند. در کلیه قراردادهای مربوط به کانالهای مهمی مثل سوئز و پاناما و کیل، اصل آزادی عبور و مرور به رسمیت شناخته شده است.

International Civil Aviation Organization (ICAO)

سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری؛ ایکائو

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد که هدف آن، ایجاد و توسعه اصول و فنون هوانوردی و فنون هوانوردی بین‌المللی و کمک به برنامهریزی و توسعه حمل و نقل هوایی بین‌المللی به منظور بالا بردن سطح ایمنی و برقراری نظم در هواپیمایی بین‌المللی است. مرکز ایکائو در مونترآل کانادا قرار دارد.

International Comity

نزاکت بین‌المللی

کشورها در روابط خود با یکدیگر، بعضی رفتار متقابل را رعایت می‌کنند که به عنوان نزاکت بین‌المللی شناخته شده است، ولی مراعات آن الزام‌آور نیست و در مورد روابط کشورهای مختلف یکسان و یکنواخت نیز نمی‌باشد. مثلاً ارفاق و معافیت از مقررات گمرکی که در مورد برخی از مایحتاج غذایی و آشامیدنی و تفننی مأمورین کشورهای خارجی اجرا می‌شود، یک نوع نزاکت بین‌المللی شمرده می‌شود.

International Committee of the Red Cross (ICRC)

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

این کمیته در سال ۱۸۶۳ با نام کمیته بین‌المللی کمک به سربازان زخمی به وجود آمد و در سال ۱۸۸۰ به صورت کنونی نامگذاری شد. گرچه هدف این کمیته، کمک به قربانیان جنگ و نظارت بر اجرای کنوانسیونهای انساندوستانه در این مورد است ولی کمک به پناهندگان نیز جزو وظایف آن است. بدیهی است که تجربه و تخصص کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در کمک‌رسانی در شرایط خاص، مهم‌ترین دلیل این کمیته در کمک به آوارگان و پناهندگان است.

International Community

جامعه بین‌المللی

جامعه‌ای که کشورهای مستقل براساس مقررات قراردادی الزام‌آور بنیاد نهاده‌اند تا روابط متقابل خویش را در زمان صلح و جنگ از طریق ارگان‌نیمه‌های دائم یا موقت سازمان دهند و اداره کنند این اصطلاح که ظاهراً توسط بعضی از سیاستمداران آمریکائی و به جای اصطلاح جامعه بشری رواج یافته است، مفهوم جامعه بشری را در بر ندارد. زیرا هر امری که به بیش از یک ملت مربوط شود، امری بین‌المللی است. این نارسائی معنائی و یا مبهم بودن اصطلاح جامعه بین‌المللی موجب می‌گردد که از آن در جهت خواست و تمایل چند ملت معمولاً عضو شورای امنیت بهره‌برداری شود. جامعه بین‌المللی همچنین برای اشاره به گروه‌های کشورهایی به کار رفته است که معمولاً در جهت خواستهای جهانی و منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا، این کشور را یاری داده‌اند.

مسکن بی مصرفان جای دیگری است. تاکی از شیرۀ جان ما بنوشند؟ اما، امروز و فردا، چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند، آفتاب، جاودانه خواهد درخشید. نبرد نهایی ست این. به هم گردآییم، و فردا "بین الملل"، طریق بشری خواهد شد.

آژانس بین المللی انرژی اتمی International Atomic Energy Agency (IAEA)

این مؤسسه در سال ۱۹۵۷ تشکیل شد و یک سازمان بین المللی مستقل است که تحت نظارت سازمان ملل متحد فعالیت می کند. هدف آژانس بین المللی انرژی اتمی، تسریع و افزایش خدمات نیروی اتمی به صلح، بهداشت و سعادت بشر در سراسر جهان است. این مؤسسه موظف است اطمینان حاصل کند که از کمکهای آن برای پیشبرد مقاصد نظامی استفاده نخواهد شد. مقر آژانس در وین است.

International Bank for Reconstruction and Development (IBRD)

بانک بین المللی ترمیم و توسعه

بانک بین المللی ترمیم و توسعه یا بانک جهانی یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد است که هدفش کمک به توسعه اقتصادی کشورهای عضو است. بانک جهانی وامهایی برای مقاصد تولیدی به دولتهای عضو و شرکتهای خصوصی که برخوردار از ضمانت دولت هستند، اعطاء می کند. مقر آن در واشنگتن است. رهبران سازمانهای غیردولتی کشورهای جهان سوم در اجلاس سال ۱۹۹۶ کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (اونکتاد) در آفریقای جنوبی، بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) و صندوق بین المللی پول را به نابودی اقتصاد کشورهای در حال توسعه متهم کردند آنها همچنین اعلام داشتند که اتحادیه اروپا و آمریکا با توسل به این بانک، شرایط اقتصادی سختی را به کشورهای در حال توسعه تحمیل کرده اند.

International Boundary

مرز بین المللی؛ سرحد بین المللی

خطی که اراضی یک کشور را از کشور همسایه جدا می کند. عبور از خطوط مرزی بین المللی بدون اجازه امکان ندارد و برای گردش و مسافرت در خاک کشور همسایه، اجازه عبور لازم است و این کار معمولاً به موجب قوانین و مصوبات ویژه ای صورت می گیرد.

International Capitalism

سرمایه داری بین المللی

این واژه بیانگر گرایش کاپیتالیسم است به گسترش در جهان، تسخیر بازارها و تحمیل وابستگی اقتصادی بر آنها. به نظر آمارتیا سن، اقتصاددان معروف، سرمایه داری جهانی بیشتر، دلبسته توسعه قلمرو روابط و نظام بازار است تا برقراری دموکراسی، توسعه آموزش و پرورش یا گسترش فرصتهای اجتماعی برای گروههای ضعیفتر جامعه. مؤسسات و شرکتهای تجاری بین المللی برای کسب سود هرچه بیشتر، معمولاً ترجیح می دهند در کشورهای استبدادی و به شدت نظام یافته فعالیت کنند تا در دموکراسیهای مشارکتی و کمتر کنترل شده.

International Channel

کانال بین المللی؛ آبراه بین المللی

راههای آبی مصنوعی که برای مرتبط ساختن دو دریای آزاد، در خاک یک یا چند کشور حفر شده است. این کانالها چون در قلمرو جغرافیائی دولت یا دولتهای مجاور قرار گرفته اند

Inter-Governmental Maritime Consultative Organization (IMCO)**سازمان بین دولتی مشورتی دریانوردی؛ ایمکو**

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد که هدف آن، افزایش ایمنی در دریاها، کمک به افزایش تسهیلات کشتیرانی به منظور بسط تجارت بدون تبعیض و بررسی اقدامات محدود کننده و ناعادلانه مؤسسات کشتیرانی است. مرکز این سازمان در لندن قرار دارد این مؤسسه در سال ۱۹۸۲ به "سازمان بین المللی دریانوردی" تبدیل شد.

Interim Measures of Protection (Provisional Measures) قرارداهای مأمینی

اقداماتی که دیوان بین المللی دادگستری به تقاضای طرفین و یا راساً در جهت حفظ حقوق طرفین اختلاف و برای حفظ وضعیت موجود تا هنگام رسیدگی و اعلام حکم نهایی و نیز به منظور جلوگیری از تشدید و توسعه اختلاف اتخاذ می کند و به وسیله آن به طرفین دستور می دهد از هر اقدامی که می تواند به اجرای حکم نهایی دیوان لطمه بزند یا اجرای آن را با مشکل مواجه سازد، خودداری کنند.

Internal Colonialism استعمار داخلی

۱- نابرابریهای سیاسی و اقتصادی بین مناطق یک کشور یا اثرات ناهماهنگ برنامه های دولتی توسعه و عمران منطقه ای. ۲- محرومیتها و استثمار گروه های اقلیت در درون جامعه و سیعتر.

Internal Waters آبهای داخلی

دریاها و دریاچه ها و رودخانه هایی که در قلمرو یک کشور قرار گرفته اند، دریاها و دریاچه هایی که به دریای آزاد راه ندارند و قلمرو دو یا چند کشور آنها را احاطه کرده است، آبهای واقع در بنادر، لنگرگاهها، خورها یا خلیجهای کوچک و خلیجهای تاریخی، آبهای واقع بین ساحل یک کشور و خط مبدأ دریای سرزمینی.

International بین الملل؛ انترناسیونال

۱- به سازمانهای جهانی کارگری که اواخر قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم تشکیل شد، اطلاق می گردد که الهام بخش تشکیل آنها، آموزش مارکسیسم و اساس آن همبستگی و هماهنگی بین المللی کارگران بود. ۲- مربوط به روابط بین ملتها یا قوانین و رسوم مورد قبول ملل دنیا. ۳- نام سرود انقلابی کارگران و کمونیستهای دنیا. شعر این سرود را اوژن پوتیه Pottier گفته و الف - بامداد به فارسی ترجمه کرده است: برخیزید، دوزخیان زمین. برخیزید، زنجیریان گرسنگی. عقل از دهانه آتشفشان خویش تندروار می گرد، اینک. فوران نهایی ست این. بساط گذشته برویم، به پا خیزید. خیل بردگان، به پا خیزید. جهان از بنیاد دیگرگون می شود. هیچیم کنون، "همه" گردیم. نبرد نهایی ست این. به هم گرد آییم، و فردا "بین الملل"، طریق بشری خواهد شد. رهاننده برتری درکار نیست، نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب. خود بهرهایی خویش برخیزیم، ای تولیدگران. رستگاری مشترک را برپا داریم. تا رهن، آنچه را که ربوده رها کند، تا روح از بند رهایی یابد، خود به کوره خویش بر دمیم، و آهن را گرم بگویم. نبرد نهایی ست این. به هم گرد آییم، و فردا "بین الملل"، طریق بشری خواهد شد. کارگران، برزگران، فرقه عظیم زحمتکشانییم ما، جهان جز از آدمیان نیست،

اوایل قرن بیستم به کار می‌رود که به نام عقل و ترقی در تمام ارزشهای سنتی شک روا می‌داشتند یا کسانی که پیرامون ایده‌های اجتماعی خاصی با یکدیگر متحد می‌شوند، به پیشرفت و به عقل اعتقاد دارند، مخالف سنت‌گرایی و طرفدار روشهای علمی و انتقاد آزاد و آزادی فردی هستند، با ارتجاع، جهل پروری و تاریک اندیشی، کلیسا و استبداد مخالفند و همچون تنی واحد در راه برقراری نظام اجتماعی عادلانه و شایسته بشر مبارزه می‌کنند.

روش‌فکرنگری

Intelligentsiaism

جریان روش‌فکرنگری و تمایل به اینکه خیر اخلاقی با سودمند بودن برای عموم یکی دانسته شود و دومی، آشکارا بر اولی ترجیح داده شود.

برهمکنش باوری؛ تعامل‌گرایی

Interactionism

۱- اعتقاد به اینکه ذهن و بدن بر یکدیگر اثر می‌گذارند. ۲- نظریه‌ای که براساس آن، خود (ذات فردی) از طریق تعامل با دیگران شکل می‌گیرد و اینکه زندگی اجتماعی بستگی به توانایی در تصویر کردن خودمان در نقشهای اجتماعی دیگر دارد.

وابستگی متقابل

Interdependence

نظریه‌ای در روابط بین‌الملل که به موجب آن، دولتها و جوامع دنیا در برابر حوادث و جریانهایی که در قلمرو دیگر کشورها رخ می‌دهد، آسیب پذیر شمرده می‌شوند و اینکه یکی از شرایط قبلی برای رفاه و ثبات سیاسی در هر کشور، برخورداری کشورهای دیگر از وضعیت مشابه است.

نفع؛ منفعت

Interest

آنچه که به سود و مصلحت شخص است. منفعت به شخص یاری می‌دهد تا آنچه را که می‌خواهد یا خوشحالش می‌کند به دست آورد. امکان دارد که شخص، نفع خود را تشخیص ندهد یا دیگران نفع او را بهتر از خود او تشخیص دهند. اگر به دست آوردن نفعی سبب شود که شخص نتواند چیز دیگری را که بیشتر خواستار آن است به دست آورد یا اینکه سبب شود تمایل به چیزی پیدا کند که نتواند به دست آورد، نفعش در این است که دنبال به دست آوردن آن نباشد. طرفداران مکتب اصالت نفع، منفعت را مقدم بر اخلاق دانسته‌اند. طرفداران مارکسیسم، اخلاقیات را تابع نفع طبقاتی دانسته‌اند. به نظر آنها، ضوابط فائق اخلاقی در جوامع طبقاتی، تأمین‌کننده نفع طبقات استثمارگر است و طبقات استثمارشونده زمانی نازل به کسب ضوابط اخلاقی مربوط به خویش می‌شوند که به منافع طبقاتی عینی خودشان آگاهی پیدا کنند.

گروه ذینفع

Interest Group

گروهی است با نظریات مشترک که در برابر گروههای دیگر جامعه، ادعاهایی را مطرح می‌سازد. هنگامی که این گروه، ادعاهای خود را در برابر یکی از نهادهای حکومتی مطرح می‌کند، به صورت گروه ذینفع سیاسی درمی‌آید. بنابراین، هنگامی که یک گروه اقتصادی در صدد اعمال نفوذ برای تصویب مقررات مالیاتی بخصوصی برآید، به عنوان یک گروه ذینفع سیاسی عمل کرده است.

انجمن اطلاعاتی

Intelligence Community

مؤسسات و سازمانهای دولتی ایالات متحده آمریکا که دست‌اندرکار فعالیتهای اطلاعاتی هستند و شامل سازمان اطلاعات مرکزی (سیا)، اداره اطلاعات و پژوهش وزارت امور خارجه که اطلاعات اقتصادی و اجتماعی و علمی و سیاسی را جمع‌آوری می‌کند، سازمان امنیت ملی که عملیات رمز و کشف رمز را عهده‌دار است، سازمان اطلاعاتی دفاعی وابسته به وزارت دفاع که تواناییهای متحدین آمریکا و دشمنان احتمالی را می‌سنجد، رکن دوم نیروی زمینی و رکن دوم نیروی هوایی و دفتر اطلاعات نیروی دریایی، وزارت انرژی که انواع اطلاعات در زمینه انرژی را جمع‌آوری می‌کند، اداره آگاهی یا اف.بی.آی. که امور مربوط به امنیت کشور را تحت نظر دارد، وزارت خزانه‌داری که اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذارها و سیاستهای پولی و اقتصادی دولتهای خارجی را گردآوری می‌کند و اداره مبارزه با مواد مخدر می‌گردد.

Intelligence Service

اینتلینجس سرویس؛ سازمان اطلاعات و جاسوسی (بریتانیا)

سازمان اطلاعات و جاسوسی انگلستان که در قرن شانزدهم به وجود آمد و اکنون شامل چندین اداره است. تشکیلات اطلاعاتی و جاسوسی آن در خارج، شامل سه اداره جاسوسی سیاسی، جاسوسی نظامی (MI-6) و ضدجاسوسی است. تشکیلات جاسوسی ام.آی.-۶ (Military Intelligence Department 6) که در سال ۱۹۰۹ ایجاد شد، ارتباط نزدیکی با سازمان اطلاعات و جاسوسی ایالات متحده آمریکا دارد. فعالیتهای توطئه‌گرانه جاسوسی انگلستان در مقایسه با فعالیتهای سایر سازمانهای جاسوسی غربی بسیار پوشیده‌تر است. مأموران آینده سازمانهای جاسوسی و اطلاعاتی انگلستان بیشتر از بین فارغ‌التحصیلان دانشگاههای کمبریج و آکسفورد استخدام می‌شوند و اساتید این دانشگاهها معمولاً اطلاعات مربوط به افراد مناسب را در اختیار مسئولان قرار می‌دهند. تمام رؤسای دولت و حکومت انگلستان همواره از فعالیتهای توطئه‌گرانه اینتلینجس سرویس پشتیبانی کرده و به آن اتکا نموده‌اند. سعید نفیسی در کتاب نیمه راه بهشت در آنجا که از دستگاه اینتلینجس سرویس و جاسوسی انگلستان بحث می‌کند، چنین می‌نویسد: این دستگاه همواره با فراماسونهای فرانسوی و انگلیسی رابطه عجیب داشته و باز بردستی خاصی فراماسونها را در هر جای ایران به نفع خود به کار انداخته و آنها را کورکورانه به اطاعت و فرمانبرداری محض وادار کرده است. فراماسونها همیشه و در همه جای جهان در پی مردم متوسط، اندک همت، کوتاه‌نظر و ظاهر پرست گشته‌اند... شاید هزاران هزار فراماسونهایی در اکناف و اطراف جهان بوده‌اند که صادقانه با کمال خلوص و صفا به این دستگاه جاسوسی خدمت کرده‌اند و خود نمی‌دانسته‌اند که از کجا مأمورند و به سود چه کسانی گام برمی‌دارند. برای رسیدن به این نتیجه، راه بسیار ساده طبیعی دارند و آن این است که همین دستگاه جنایت پرور و خیانت گستر، مردمان بی‌استعداد متوسط را از جای پست برمی‌کشد و به جای بلند می‌برد.

Intelligentsia

روشنفکران؛ تحصیلکرده‌ها

اشاره به گروه یا طبقه‌ای است در جامعه که به عنوان نخبگان فرهیخته، روشن‌نگر و اندیشمند شناخته می‌شوند. از جنبه تاریخی غالباً در مورد قشر سیاسی طبقه فرهیخته روسیه در قرن نوزدهم و

Integratıon**یکپارچگی؛ یکپارچه سازی؛ یگانه سازی؛ همگرایی**

۱- وضعیت بستگی اجزای یک جامعه از روی میل و رغبت و نه زور و فشار. ۲- روندی که از طریق آن، هرگروه اقلیت، خود را با اکثریت جامعه سازگار می سازد و در نتیجه، از برابری حقوق و رفتار برخوردار می شود. ۳- فرآیندی که در آن، جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاستهای عمده و اساسی خویش چشم می پوشند و سعی می کنند به تصمیمهای مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم گیری را به نهادهای مرکزی تازه ای واگذار کنند.

Integrisme**یکپارچه خواهی**

واژه فرانسوی که دلالت دارد بر درآوردن تمام ویژگیهای متفاوت و متمایز یک ملت در چارچوب سازمان سیاسی آن. مانند اینکه کلیسای کاتولیک رومی در فرانسه، همراه با زبان و عرف و آداب و رسوم به عنوان جزء مکمل ساختار سیاسی کشور در نظر گرفته شود.

Intellectual**روشنفکر**

کسی که با عقل و خرد کار می کند و نه با احساس. روشنفکر به نظر جلال آل احمد، کسی است که فعالیت روزانه اش مستلزم نوعی کار فکری آمیخته با ابتکار باشد و اینکه حاصل کارش را نه برای جلب نفع شخصی، بلکه برای حل مشکلات اجتماعی در اختیار جامعه بگذارد، طرفدار توسعه علم و فرهنگ و هنر باشد، از ارزشهای برتر مثل حقیقت، نیکی و عدالت پاسداری کند و نادرستیها و مفاسد اجتماعی را مورد انتقاد قرار دهد. به نظر نوام چامسکی وظیفه چنین کسی آن است که بکوشد جهان را بشناسد و همراه با دیگران از حقوق انسانی، عدالت و آزادی دفاع کند. روشنفکر کسی است که می اندیشد، می آموزد، توضیح می دهد، با اطلاعات و تحلیلهائی که دارد دست به عمل می زند و برای مشکلات امروز و فردای مردم چاره جوئی می کند. به نظر عزت الله فولادوند، ساده سازی، به دلخواه خلق سخن گفتن و جز میت از جمله آفات روشنفکری است.

Intellectualism**عقل باوری؛ عقل گرایی**

اعتقاد به اینکه دانش فقط از عقل حاصل می شود.

Intelligence**خبرگیری؛ اطلاعات؛ آگاهی سری**

۱- گردآوری اطلاعات مربوط به امکانات متحدان و مقاصد دشمنان بالقوه و حکومتهای خارجی. پیشرفتهای تکنولوژیک جنگی، نیاز حکومت را به تهیه اطلاعات حیاتی نظامی (و نیز اطلاعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) مربوط به امنیت کشور افزایش داده است. ۲- نتایج به دست آمده از فرایند اخبار، شامل گردآوری، ارزشیابی، تحلیل، ادغام و تفسیر اخبار در زمینه یک یا چند موضوع خاص یا در مورد مناطق عملیاتی یا یک کشور. سرویس اطلاعاتی به سازمانی اشاره دارد که برای فعالیت و جمع آوری اطلاعات مخفی تشکیل شده است.

داوری نهادی**Institutional Arbitration**

نوعی داوری بین‌المللی است که مرجع داوری، تحت نظارت و ضوابط اداری و اجرایی یک مرکز داوری تشکیل می‌شود و عمل می‌کند، مثل دادگاه اتاق تجارت پاریس و دادگاه داوری لندن. عملکرد چنین داوری‌هایی متناسب و هماهنگ با ساخت و کار و اهداف و اساسنامه مرکز داوری مربوط است.

پیکربندی نهادی**Institutional Configuration**

به‌نظام به‌هم پیوسته نهادهای هر جامعه (مثل نهادهای خانواده، اقتصادی، حکومتی، دینی، تربیتی و تفریحی) اطلاق می‌شود. در جوامع بی‌سازمان، پیکر بندی نهادی امکان دارد دچار عدم توافق باشد. یعنی خواست یک نهاد با خواست نهاد دیگر در تعارض باشد. مثلاً درحالی‌که مسیحیت، مردم را به‌محبت و گذشت برادرانه دعوت می‌کند، در جامعه آمریکا آیین جاری اقتصادی طرفدار رقابت بیرحمانه برای کسب مال است. در چنین پیکربندی نامتوافقی انسان نمی‌داند که از کدام طریق پیروی کند.

دستورات: رهنمودها**Instructions**

رهنمودهایی که مأمورین دیپلماتیک و کنسولی پیش از عزیمت به‌محل مأموریت، در پایتخت کشور از مقامات مافوق خود دریافت می‌دارند.

وسیله‌گرایی؛ ابزار اتکاری**Instrumentalism**

اعتقاد به اینکه هر چیز، وسیله یا ابزار عمل است و فقط در صورتی که کاربرد عملی داشته باشد مفید و با ارزش است. مثلاً فکر چیزی نیست جز یک وسیله برای موفقیت در زندگی.

شورش؛ قیام**Insurgency**

قیام و طغیان برضد یک سازمان متشکل (مثل حکومت) که به‌حد جنگ منظم نرسیده و به‌عنوان حالت جنگ داخلی شناخته نشده است. استفاده از واژه شورشی به‌طور مجرد، تحسین انگیز یا سرزنش‌آمیز نیست مگر آنکه هدف شورش مشخص شود. این اصطلاح معمولاً برای اشاره به یک قیام ناموفق در برابر قدرت حاکمه به‌کار می‌رود که نسبت به Rebellion نیز از وسعت و نظم کمتری برخوردار است.

شورش؛ قیام مسلحانه؛ شورش مسلحانه**Insurrection**

طغیان مسلحانه و سازمان یافته علیه مقامات داخلی یا حکومت یک کشور.

کانونهای شورشی**Insurrectional Focuses**

مراکز کوچک شورش که براساس استراتژی جنگ چریکی چه گوارا یعنی فوکوایسم، باید در نقاط مختلف کشور ایجاد گردد تا از طریق این پایگاهها، فعالیت انقلابی به‌سراسر کشور گسترش یابد و سپس به‌تسخیر حکومت و دستگاه دولتی منتهی شود.

ناسیونالیسم تمام عیار**Integral Nationalism**

تعقیب محض سیاستهای ملی و حفظ مطلق تمامیت ارضی و افزایش تدریجی قدرت ملی.

ذینفع حق دارند از آن گزارش، نتیجه گیری کنند و قضیه را بین خودشان به طور مستقیم حل و فصل نمایند و یا آن را به همین قصد، به داور ارجاع دهند.

تفتیش عقاید؛ اتکیزسیون؛ دادگاه تفتیش عقاید

۱- تحت فشار و بازخواست قراردادادن افراد، برای اطلاع از عقایدشان یا تشخیص بیدین یا بادین بودن آنها. ۲- دادگاههای ویژه کلیسای کاتولیک که به دستور پاپ تشکیل می‌شد و هدف آن سرکوب مخالفان پاپ و برقراری تسلط ایدئولوژیک و سیاسی کلیسای کاتولیک بود. در این محاکم، هرآزاداندیشی را به نام ملحد و بی‌دین محکوم به شکنجه و مرگ می‌کردند. تفتیش عقاید همچنین وسیله‌ای برای گردآوری ثروت در دست ستمگران، غارت اموال محکومان و ایجاد رعب و وحشت در بین مردم بود. شالوده محاکم تفتیش عقاید اروپا در سال ۱۸۸۳ ریخته شد و تا سال ۱۸۳۴ دایر بود.

ناامنی

حالتی که در آن، آسایش خاطر و امنیت، دستخوش تهدید است.

خودی؛ محرم (خودی)

کسی که معتمد یک دستگاه است و از جریانهای داخلی آن دستگاه خبر دارد ولی نمی‌تواند از اطلاعات خود برای کسب منافع شخصی استفاده کند.

غریزه کارورزی؛ غریزه هنروری؛ غریزه کارگری

به نظر تورستین و بلن Thorstein Veblen (۱۹۲۹-۱۸۵۷) متفکر آمریکائی، دوگونه ویژگی رفتاری وجود دارند که به طور کلی با هم در ستیزند و در زمانهای مختلف تاریخی، در نهادهای اجتماعی و روشهای رفتاری خاص آن زمانها ظاهر می‌شوند. این دو نوع ویژگی رفتاری عبارتند از: ۱- غریزه کارورزی که نیروی اساسی برای پیشرفتهای بشر و برآوردن نیازهای بشری است. ۲- غریزه بهره‌کشی یا غارتگری Predatory Instinct که کشاکش بین افراد، بهره‌کشی طبقاتی و نژادی و جنسی ناشی از آن است.

نهاد؛ بنیاد

۱- قانون، رسم، عرف و عادت، رویه، سازمان یا هر عنصر دیگر در زندگی سیاسی یا اجتماعی مردم؛ یک اصل نظام بخش یا پیمان در خدمت نیازهای یک اجتماع سازمان یافته یا هدفهای کلی تمدن. ۲- آنچه که در اجتماع پابرجا و مستقر شده باشد. پنج مجموعه از نهادهای مهم که معمولاً جامعه‌شناسان از آنها یاد می‌کنند عبارتند از: ۱- نهادهای سیاسی که رقابت بر سر قدرت را نظم می‌دهند. ۲- نهادهای اقتصادی که به تولید و توزیع کالاها و خدمات مربوط است. ۳- نهادهای فرهنگی که با فعالیتهای علمی و هنری و دینی و بیانی و سنتهای جامعه ارتباط دارد. ۴- نهادهای خویشاوندی که به مسائل ازدواج و خانواده و تعلیم و تربیت جوانان مربوط است. ۵- نهادهای مرتبه‌بندی که توزیع وضعیات و شئون را معین می‌سازند.

به آنکه بتواند تعداد معینی امضا در تأیید پیشنهاد خود کسب نماید. اولین قدم برای تحقق قانونگذاری مستقیم، تهیه عرضحال است. پیشنهاد مورد نظر اغلب توسط یک حقوقدان و یا شخص مطلع تهیه می‌شود، ولی اشخاص عادی هم می‌توانند پیشنهاد را تنظیم و تسلیم کنند. قدم دوم در تشریفات قانونگذاری مستقیم، توزیع عرضحال بین مردم برای تأمین تعداد امضاهایی است که قانون مقرر کرده است. از این روش در برخی از کشورها نظیر سوئیس استفاده می‌شود.

ظلم؛ بی‌عدالتی؛ حق‌کشی

Injustice

۱- قرارداد شینی در غیر جای خود. ۲- تجاوز از حق.

عبور بی‌ضرر

Innocent Passage

عبور بی‌ضرر یا معصومانه عبارت است از حق عبور کشتی خارجی، اعم از عمومی و خصوصی، از دریای سرزمینی کشور ساحلی. این حق مرکب از حق عبور (یعنی امر کشتیرانی در دریای سرزمینی) و حق اقامت (یعنی توقف اختیاری) است. عبور امکان دارد که به صورت جنبی یا ترانزیتی و عمود بر ساحل یا خروجی و دخولی انجام شود. قرارداد ۱۹۵۸ ژنو، فرقی میان کشتی تجارتي و جنگی قایل نشده و حتی حق آزادی عبور زیر دریایی را نیز مشروط به آنکه روی آب حرکت کند و پرچم خود را برافرازد، بدون اشکال دانسته است.

نوآوری

Innovation

مبارزه جامعه با طبیعت، آن را ناگزیر از نوآوری یا ابداع، اکتشاف و اختراع می‌سازد. نوآوری با فرهنگ ارتباط دارد. زیرا انسان وقتی خواستار چیز تازه‌ای می‌شود که فرهنگ جامعه‌اش اقتضا نماید و هر چیز تازه‌ای هم از عناصر موجود در جامعه ناشی می‌شود. نوآوریهای مادی همراه با نوآوریهای غیرمادی متعالی، تأثیر قاطعی در پیشرفت و پویایی جامعه دارند. نوآوریها معمولاً توسط کسانی انجام می‌گیرد که از شرایط موجود رنج می‌برند و نه کسانی که از این شرایط استفاده می‌کنند. نوجویی و نوآوری به عوامل گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، مثل روحیه اختراع و ابداع، تحقیق و توسعه، میزان حمایت مالی از تحقیقات علمی و کاربردی، کیفیت آموزش و پرورش، امکان شکوفایی استعدادها، شرایط کلی اقتصاد ملی و فضای باز سیاسی جامعه بستگی دارد.

بی‌سازمانی

Inorganization

از بین رفتن سازگاری موجود بین سازمانهای جامعه و بروز بی‌نظمی و اختلال در آن.

تحقیق

Inquiry

تحقیق و بازجویی یکی از روشهای حل و فصل دعوی بین المللی به‌شمار می‌رود و آیین به‌کار بردن آن عبارت از این است که در هنگام بروز مناقشه، مورد اختلاف را به‌چند نفر مأمور تحقیق رجوع و احاله می‌نمایند. تنها مأموریت آنها، تعیین مادیت امور و وقایع است و به‌هیچ ترتیبی حق ندارند راجع به مسئولیت اشخاص اظهار نظر کنند، چراکه معمولاً وقتی که گزارش به‌طور عینی و صحیح تهیه شده باشد، مسئولیت هرکس به‌خودی خود نمایان و استنباط می‌شود و فقط کشورهای

Information Pollution**آلودگی اطلاعات**

آمیختگی اطلاعات درست با اطلاعات نادرست.

Information Society**جامعه اطلاعاتی**

جامعه‌ای که در آن، کیفیت زندگی، گستره تغییر اجتماعی و توسعه اقتصادی به نحو روزافزون، متکی به اطلاعات، فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی (مجموعه فعالیتهایی که از طریق ابزار الکترونیکی، پردازش، انتقال و ارائه اطلاعات را آسان می‌سازد) و بهره‌وری از آنها است.

Information Superhighway**ابر بزرگراه اطلاعاتی**

شبکه ارتباطی پیشرفته که امکان دستیابی و استفاده از خدمات اطلاعاتی جدید را برای ارسال و دریافت حجم بسیار زیادی از داده‌ها را به صورت دیجیتال (رقومی) فراهم می‌کند. ابر بزرگراه اطلاعاتی، حاصل فناوریهای کامپیوتری و ارتباطاتی است. خدمات گوناگون اینترنت، بخش عمده‌ای از ساختار و محتوای ابر بزرگراه‌های اطلاعاتی را تشکیل می‌دهند.

Information Technology**فناوری اطلاعات؛ تکنولوژی اطلاعاتی**

این اصطلاح، ناظر به مجموعه فنون و فعالیتهایی است که در آنها کامپیوتر و تکنولوژی ارتباطات برای ایجاد، ذخیره‌سازی، پردازش، ارائه، مبادله و مدیریت اطلاعات، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Information Warfare**جنگ اطلاعاتی**

رخنه، نفوذ و تهاجم به نظامهای اطلاعاتی و عملیات کامپیوتری که زندگی اقتصادی و امنیت کشور دشمن به آن وابسته است. جنگ اطلاعاتی ممکن است در سه سطح فردی (آزار و آسیب رساندن به زندگی خصوصی و اطلاعات شخصی)، شرکتی و سازمانی و دولتی (آسیب و خسارت وارد کردن به کسب و کارها و سازمانهای دولتی، جاسوسی صنعتی و سرقت اطلاعات)، در سطح بین‌المللی (بی‌ثبات کردن جوامع، بلوکها و نظامهای اقتصادی، حملات تروریستی و جاسوسی اقتصادی) صورت گیرد.

Infrastructure**زیربنا؛ زیرساخت**

۱- مجموعه وسایل فنی، دائمی و ضروری در فعالیتهای اقتصادی کشور مثل راهها، ارتباطات، تأسیسات آب و برق. ۲- در ادبیات سیاسی چپ، پایه یا زیربنای جامعه، به مجموعه مناسبات تولیدی (یعنی اشکال مالکیت و مناسبات میان انسانها که از این اشکال مالکیت ناشی می‌شود و اشکال توزیع نعمتهای مادی) اطلاق می‌گردد که ساختمان اقتصادی جامعه را تشکیل می‌دهد.

Initiative**قانونگذاری مستقیم**

روشی که مردم را قادر می‌سازد تا در صورت عدم اعتنای قوه مقننه در وضع قانون مورد احتیاج، رأساً اقدام کنند و قوه مقننه را وادار به انجام خواسته‌ها و تمایلات خود سازند. از این طریق، هر شخص یا گروه می‌تواند قانون، اصلاحیه یا هر موضوع دیگری را طرح و پیشنهاد کند مشروط

بزرگراههای اطلاعاتی اند، بر این عقیده اصرار دارند که کشورهای جهان سوم یا در حال توسعه باید با اتخاذ تدابیر مناسب در سطوح ملی و منطقه‌ای، در عین اینکه خود را برای استفاده از امکانات مثبت این پدیده آماده می‌کنند، برای پیشگیری از تأثیرات منفی آن نیز اقدامات لازم را به عمل آورند. اگر راحتی و منافع جمعی در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بزرگراههای اطلاعاتی مورد توجه قرار نگیرد، کارهای بیفایده و سرگرمیهای مختلف به جای علم و دانش و هنر و فرزاندگی به جامعه عرضه می‌شود. ژاک شیراک رئیس جمهوری فرانسه نیز در سال ۱۹۹۶ در مورد خطر فرهنگی ناشی از تسلط زبان انگلیسی که زبان شبکه بین‌المللی کامپیوتری "اینترنت" است هشدار داد. به نظر وی تسلط یک فرهنگ و زبان (انگلیسی) به جهان موجب می‌شود تا فرهنگ و زبان فرانسه و سایر فرهنگها و زبانهای مهم جهان در معرض نابودی قرار گیرند. اکنون تقریباً تمام فعالیتهای علمی به زبان انگلیسی صورت می‌گیرد و ارتباطات بین‌المللی در قالب این زبان شکل می‌گیرد و همین امر به آمریکا قدرت فوق‌العاده‌ای می‌دهد. از آنجاکه بزرگراههای اطلاعاتی، فضای کنترل ناشدنی را در اختیار جوامع قرار داده‌اند، بعضی از حکومتها اقدام به مسدود کردن یا فیلترگذاری برنامه‌های خاصی در این بزرگراهها کرده‌اند. به نظر محسنیان راد، یکی از اساتید علوم ارتباطات، فیلترگذاری بحثی است که در بعضی کشورها، تجربه آن آغاز شده و در بعضی کشورها نیز با این تصور که جواب مناسبی نمی‌دهد، ادامه پیدا نکرده است. اگر جامعه‌ای هم این کار را کرده باشد، حتماً تصور کرده که با توجه به تحولات فناوریانه موفق خواهد بود. در حالی که اگر اکنون با هزینه و فعالیت بسیار، بخشی از این کار، امکان‌پذیر باشد، در آینده امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، من فقط می‌توانم این‌گونه داوری کنم که اگر عده‌ای تصور می‌کنند این روش می‌تواند درمان مشکلی باشد، این درمان فقط در حد یک قرص آسپیرین است و نه یک درمان قطعی.

امپریالیسم خبری؛ امپریالیسم اطلاعاتی

Information Imperialism

این اصطلاح نخستین بار توسط اورهو ککونن رئیس جمهوری فنلاند به کار رفت که در یکی از بیانیه‌های خود به‌نابرابری در عرصه اطلاعات موجود در دنیا اشاره کرد. به‌طور کلی، از این واژه برای بیان دیکته ایدئولوژیک و اطلاعاتی از طرف کشورهای سرمایه‌داری توسعه یافته در مقابل کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود. خط مشی امپریالیسم خبری، تفرقه‌اندازی میان کشورهای در حال توسعه، محروم ساختن آنها از حق بیان در صحنه بین‌المللی و تخریب فرهنگ ملی است. مفهوم ضمنی جریان آزاد اطلاعات نیز، گسترش بی‌حد و مرز نه هرگونه اطلاعات، بلکه تبلیغات معین به نفع برتری طلبی ایدئولوژیک کشورهای سرمایه‌داری است. هدفهای عمده تبلیغات این کشورها در زمینه جریان آزاد اطلاعات، بی‌اعتبار کردن کشورهای انقلابی و سوسیالیستی و تلقین ایدئولوژی بورژوازی در کشورهای رو به رشد و تبلیغ سرمایه‌گذاری خصوصی و توجیه حفظ وابستگی اقتصادی کشورهای از بندرسته و نوپا به قدرت امپریالیستها است. این واژه همچنین برای اشاره به خبرگزاریهای بزرگ و بین‌المللی مثل رویتر، اسوشیتد پرس، یونایتد پرس به کار رفته است.

قبل، برای شخصی روشن بوده و از آن، آگاه باشد، حامل هیچ اطلاعی نمیدانند. اطلاعات را گاهی مترادف دانش می‌شمارند. بعضی نیز، دانش را آنچه که «شخص» می‌داند و اطلاعات را آنچه که «اشخاص» می‌دانند تعریف کرده‌اند. با وجود این، تعاریف رسمی اطلاعات، بیشتر به جنبه‌های خاصی از اطلاعات توجه دارند و از این رو، عده‌ای کوشیده‌اند به جای تعریف اطلاعات، تبعات و آثار آن را بررسی کنند. به طور کلی، اطلاعات پدیده‌ای است که در سیستم گیرنده‌اش تغییر به وجود می‌آورد و بنابراین هر قدر این سیستم پیچیده‌تر باشد، برای ایجاد تغییر در آن، به اطلاعات دقیق‌تری نیاز است. انسان معمولاً اطلاعات جدید را از سه طریق: گردآوری، اقتباس و خلاقیت فراهم می‌کند و مورد استفاده قرار می‌دهد. ساده‌ترین و کم‌خرج‌ترین راه به کارگیری فعالیت و هوش، استفاده از اطلاعات دیگران و کاربرد آن به همان صورت است. اصلاح و تطبیق این اطلاعات، یا نیازهای ویژه جامعه دیگر، شیوه پرخرجی است. گرانترین راه نیز، تولید اطلاعات جدید به کمک قوه خلاقه است که به آن نوآوری اطلاق می‌شود. انسان در طول تاریخ، برای حل مسائل و مشکلات، غلبه بر موانع و بقای خود، اطلاعات را وام گرفته، اقتباس کرده و از نو آفریده است. نتیجه این جریان، تغییری آهسته و پیوسته بوده است که وسعت و پیچیدگی ذخیره دانش و اطلاعات جوامع انسانی را افزایش داده است. اطلاعات با انرژی، مواد خام و سایر منابع طبیعی، موجب تقویت نیروی جامعه می‌شود. به نظر عده‌ای، اینک سلطه جوامع توسعه یافته بر جوامع کم‌رشد، بیش از آنکه اقتصادی یا نظامی باشد، اطلاعاتی است و اینکه با تولید، سازماندهی و مدیریت و کاربرد اطلاعات است که منافع جوامع توسعه یافته سرشار می‌شود و فقر و محرومیت مردم جوامع کم‌رشد شدت می‌یابد.

Information Highways

بزرگراه‌های اطلاعاتی؛ شاهراه‌های اطلاعاتی

مسیرهای اصلی مبادله اطلاعات بین سیستم‌های گوناگون، معمولاً در اینترنت و با سرعت بالا. پیشرفتهای تکنولوژی دیجیتال، مرزهای بین متن و صدا و تصاویری را که یک سیستم ارتباطی می‌تواند مخابره نماید از میان برداشته است. اکنون کامپیوترها و رسانه‌ها و مخابرات و الکترونیک در یک شبکه بزرگ دیجیتال چند رسانه‌ای و با امکان تأثیرگذاری متقابل ادغام شده‌اند و خدمات مرکزی ارائه می‌دهند؛ به نحوی که بر صفحه کامپیوترهای خانگی یا تلویزیون می‌توان همه گونه اطلاعات را دریافت نمود، ذخیره و پردازش کرد و با آنها وارد محاوره شد. به عنوان مثال، به کتابهای یک کتابخانه دستیابی پیدا کرد و یا از درون خانه از نمایشگاه یا موزه‌ای دیدار کرد و یا از فروشگاه‌های بزرگ از طریق کابل‌های تلویزیونی اقدام به خریدهای لازم نمود. "اینترنت"، مهم‌ترین شبکه ارتباطات کامپیوتری جهان، نمونه بزرگراه‌های اطلاعاتی عصر حاضر است. عده‌ای اعتقاد دارند که رشد این شبکه‌ها موجب ایجاد یک جامعه طبقاتی تازه (فقرای اطلاعاتی که فاقد ابزار یا دانش راهیابی به بزرگراه‌های اطلاعاتی‌اند و ثروتمندان اطلاعاتی که دارای ابزار و دانش لازمند و در این بزرگراه‌ها با شتاب در حرکتند) و تقویت فردگرایی خواهد شد، به نظر نیل پستمن، کسانی که در استفاده از یک تکنولوژی جدید مهارت می‌یابند، گروهی نخبه می‌شوند و کسانی که فاقد چنین مهارتی باشند، به این گروه نخبه، اقتدار و اعتباری می‌بخشند که شایستگی آن را ندارند. اینک، کسانی که در فکر فردای همه گیر شدن

تورم

Inflation

بالا رفتن پیوسته قیمت‌ها. در حالت تورم، قدرت خرید پول کم می‌شود و مردم با پول زیاد به دنبال کالای کم می‌دوند. کسانی که در دوره تورم زیان می‌بینند عبارتند از: پس‌انداز کنندگان، بستانکاران و دارندگان حقوق ثابت. در بیشتر موارد، تورم زاییده جنگ است. عوامل دیگر تورم از جمله عبارتند از: افزایش کلی دستمزدها بدون افزایش متناسب تولید، سیاست قیمت‌ها و سیاست اجتماعی دولت، کسر بودجه، احتکار کالا، افزایش مفرط اعتبارات، افزایش سریع خدمات نسبت به تولید، سقوط نرخ کالاهای صادراتی و وخامت وضع مبادلات اقتصادی با خارج.

نفوذ

Influence

شکلی از قدرت است، اما متمایز از کنترل، اجبار، زور و مداخله. نفوذ را می‌توان رابطه میان بازیگرانی دانست که به موجب آن، یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند تا به طریقی که خواست خود آنها نیست، عمل کنند. پول، غذا، اطلاعات، دوستی، مقام و تهدید از جمله وسایلی است که فرد به کمک آنها در رفتار دیگران نفوذ می‌کند.

اخلاق اطلاعاتی

Infoethics

گسترش جهانی تکنولوژیهای جدید اطلاعاتی و همراه با آن، ظهور اقتصاد نامرئی که قوانین و مرزهای کشورها را نادیده می‌گیرد، بر ضرورت وضع قوانین و مقررات و بینش اخلاقی در مورد جامعه جهانی اطلاعات و صیانت از حریم افراد در برابر روشهای جدید کاربرد اطلاعات شخصی و حقوق مادی و معنوی پدید آورندگان تأکید می‌کند. اخلاق اطلاعاتی، چالشهای اخلاقی، حقوقی و اجتماعی بزرگراه‌های اطلاعاتی و اینترنت را بررسی می‌کند و تأثیر اینترنت یا شرایط مشابه را در آینده مورد مطالعه قرار می‌دهد. در نظر خواهیهای به عمل آمده از کاربران اینترنت آشکار شده که محفوظ ماندن اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی، نگرانی عمده آنها را تشکیل می‌دهد. بی‌جهت نیست که ۴۰ درصد کاربران در دانشگاه جورجیای آمریکا در یک بررسی انجام شده در سال ۱۹۹۹، به سؤالات حاوی اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی پاسخ دروغ می‌دهند. مع هذا، به نظر آلن وبر، کارشناس اینترنت در جامعه حقوق بشر فرانسه، اغلب مردم، بسیار ساده‌لوحند و اگر می‌دانستند از اطلاعاتی که در اختیار شبکه‌های اطلاعاتی می‌گذارند، چه استفاده‌هایی می‌شود، بدون تأمل و تفکر به سؤالات پاسخ نمی‌دادند. در سال ۱۹۹۹ یک بانکدار آمریکائی در مرلیند، فهرستی از مبتلایان به سرطان را با فهرست مشتریان بانک خود مطابقت داد و در نتیجه، از دادن وام به متقاضیان بیمار خودداری کرد. بدین ترتیب، اکنون این ماده از اعلامیه جهانی حقوق بشر اهمیت پیدا کرده که می‌گوید: در زندگی شخصی، خانواده، خانه یا مکاتبات هیچ فردی نمی‌توان به دلخواه و بدون دلیل قانونی تجسس کرد... همه کس این حق را دارد که در برابر چنین تجسسه‌ها و تعرضهایی از حمایت قانون برخوردار شود.

اطلاعات

Information

اطلاعات به هر دانسته، واقعیت، امر مسلم و یا هر علامت و پیامی که حامل دانسته‌ای باشد و به هر دانش که از هر طریق و با هر رسانه‌ای به دست رسد، اطلاق می‌شود. پیامی را که محتویاتش از

با تسخیر سرزمینهای آفریقائی و آسیائی به صورت امپریالیسم درآمد. علل رشد سرمایه‌داری صنعتی را از جمله در موارد زیر دانسته‌اند: ۱- آمادگی سرمایه‌گذاران خصوصی نوآور و مبتکر برای پذیرفتن خطرهای بزرگ در جستجوی سودهای کلان. ۲- رقابت در بخش خصوصی و خویشتنداری دولت و آزاد گذاری اقتصاد و تجارت. ۳- سیاست استعماری و امپریالیستی. ۴- اخلاق پروتستانی. ۵- کشف معادن طلا. ۶- گسترش آموزش و پرورش عمومی و اکتشافات علمی و فنی. به نظر دی‌سای Desai استاد اقتصاد در انگلستان، تنها خصوصیت ثابت سرمایه‌داری، امکان کسب سودهای کلان و مداوم و تضمین حفظ و افزایش تمتع از سود است و تا وقتی امکان کسب سود و هزینه کردن آن مطابق میل سود برنده و در چارچوبی از قوانین منطقی و غیر خودسرانه موجود باشد، سرمایه‌داری همچنان برقرار می‌ماند.

دموکراسی صنعتی

Industrial Democracy

مشارکت کارگران در تصمیم‌گیری‌هایی که بر شرایط کار و زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، بویژه از طریق اتحادیه‌های کارگری، چانه‌زنی جمعی و شورا‌های کارگری.

صنعت‌گرایی

Industrialism

طرفداری و پیروی کردن از روند صنعتی شدن.

صنعتی‌شدن (کردن)

Industrialization

این واژه در سطح ملی به معنی عبور از مرحله فعالیت‌های کشاورزی و دسترسی به فعالیت‌های صنعتی و استفاده از منابع نیروی ماشینی برای مکانیزه کردن تولید است.

انقلاب صنعتی

Industrial Revolution

وارد کردن ماشین‌افزارها در روند تولید، دگرگونی‌های خاص فنی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی پدید آمده به همراه توسعه صنعتی و نام دوره‌ای از تاریخ انگلستان (از ۱۷۶۰ تا ۱۸۶۰) که در طی آن تغییرات اساسی و مهمی در ساختار اقتصادی انگلستان به وجود آمد و آن کشور از مرحله کشاورزی و بازرگانی به مرحله صنعتی تحول یافت. مسافرت‌های دریایی قرون ۱۵ و ۱۶، پیدایش سرمایه‌داری در قرن ۱۷، اختراع ماشین بخار و ماشین‌آلات نساجی، استفاده از زغال سنگ و فولاد به میزان فوق‌العاده و بالتیجه گسترش کارخانه‌ها و شهرهای صنعتی و ظهور پرولتاریا از عوامل، ویژگی‌ها و ارمانهای انقلاب صنعتی بود.

جامعه صنعتی

Industrial Society

جامعه‌ای که روحیه علمی در سازماندهی کار تولیدی آن حاکم است و تولید کالاهای اقتصادی و خدمات آن عمدتاً ماشینی است و بیش از یک چهارم جمعیت فعال آن در بخش صنعت به کار اشتغال دارند.

نفوذ (رخنه)

Infiltration

فرستادن گروه‌های کوچک یا افراد، از طریق شکافها و رخنه‌های خطوط و مواضع، به اردوی دشمن؛ رخنه یک نیروی سیاسی در حوزه نفوذ دشمن یا رقیب.

برای فرد در برابر جمع است. بنابراین نظریه، اگر حقوق، نیازها و منافع فرد و آزادیهای فردی در جامعه تأمین شود، این امر خود به خود منتهی به تأمین منافع و مصالح اجتماعی می‌گردد. فلسفه فردگرایی، مالکیت خصوصی را شرط ضروری آزادی می‌داند و با دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مخالف است و دخالت دولت را تنها در صورتی که به منظور تأمین آزادی عمل فرد انجام گیرد، مجاز می‌شمارد. این مکتب پس از آنکه در پی یک رشته تحولات بزرگ، جوامع غربی را از بند نظامهای سیاسی و اقتصادی قرون وسطایی رها کرد، دستاویز طبقات سوداگر برای سودجویی هر چه بیشتر از مردم شد و پس از انقلاب صنعتی، صاحبان صنایع و سرمایه‌داران بزرگ از آن برای تحکیم امتیازات خود سود بردند. در جوامع بی‌بهره از عدالت اجتماعی، آزاد گذاشتن افراد در میدان رقابت اجتماعی، تنها به سود اشخاصی تمام می‌شود که در مسابقه برای کسب قدرت اقتصادی و منزلت اجتماعی، از برکت زیرکی و فریبکاری سوداگرانه یا پیوندهای خانوادگی، از مردم ساده و بی‌پناه چندین گام جلو تر باشند.

Individual Security

امنیت فردی

حالتی که به موجب آن، هرکسی فارغ از بیم تهدید به جان و مال و شرف و آبروی خود و یا از دست دادن آنها زندگی کند.

Indoctrination

القای عقیده؛ تلقین افکار؛ ارشاد

۱- تحمیل و تلقین عقاید و نظریات معین به افراد، به منظور نیل به مقاصد سیاسی معین. ۲- جریانی که مفاهیم روشن و منظمی به مردم می‌دهد و به شناخت ادراکی می‌انجامد.

Industrial Capitalism

سرمایه‌داری صنعتی

سرمایه‌داری یکی از شیوه‌های تولید و طرق ساماندهی فعالیتهای اقتصادی است و دلالت بر مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی و حقوقی دارد که تولید برای کسب منفعت خصوصی را به‌روال طبیعی سازماندهی اقتصادی تبدیل می‌کند. با "انقلاب صنعتی"، مرحله سرمایه‌داری صنعتی آغاز می‌شود که مالکان کارخانه‌های بزرگ، معادن و سایر تأسیسات اقتصادی بر جریان تولید مسلطند. ویژگیهای سرمایه‌داری را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- مالکیت خصوصی وسایل تولید، اعم از زمین، ابزار، ماشین‌آلات یا اندیشه. ۲- چارچوبی از قوانین که به مالک وسایل تولید حق برخورداری از منافع حاصله را می‌دهد، به شرط پرداخت مالیاتی که خودسرانه وضع نشده باشد. ۳- چارچوبی از قراردادها به منظور خرید و فروش مربوط با فعالیتهای تولیدی، به ویژه استخدام و اخراج کارکنان. ۴- حق قانونی مالک برای اینکه هرکاری بخواهد با منافع حاصله و یا ملک مولد آن منافع بکند، البته به شرط رعایت بعضی حدود معین و مشخص و قابل توجیه. سرمایه‌داری اروپای غربی در مرحله پیش صنعتی، شبکه تجاری خود را به سراسر جهان گسترش داد و امپراتوریهای استعماری در سه‌قاره آمریکا، آفریقا و آسیا ایجاد کرد که در آغاز، کارشان غارت طلا و نقره و تجارت برده بود. پس از انقلاب صنعتی، شبکه امپراتوریها بازاری برای جذب محصولات صنعتی سرمایه‌داری اروپای غربی به وجود آورد و مناطق وابسته به امپراتوریها نیز به صورت عرضه‌کننده مواد اولیه و کارگران غیربرده درآمدند. سرمایه‌داری صنعتی اروپای غربی در نیمه دوم قرن نوزدهم

تحریک کردن، کمک کردن، ایجاد جنگ داخلی، انجام اقدامات تروریستی در داخل کشور دیگر یا به وجود آوردن و یا نادیده گرفتن فعالیت‌هایی که به منظور رسیدن به آن هدفها انجام می‌پذیرد (وقتی که آن هدفها شامل استعمال زور باشد).

Indirect Democracy

دموکراسی با واسطه

حکومتی که در آن، عامه مردم با انتخاب نمایندگان قوه مقننه و تعیین کابینه توسط آنان به طور غیر مستقیم حکومت می‌کنند.

Indirect Election

انتخابات غیر مستقیم؛ انتخابات دو درجه

در این نوع انتخابات، رأی‌دهندگان از میان خود چند نفر واجد شرایط را انتخاب می‌نمایند که این چند نفر نیز از بین خودشان و یا از خارج، چند نفر نماینده پارلمان را انتخاب می‌کنند.

Indirect International Responsibility

مسئولیت بین‌المللی غیر مستقیم

به وضعی اطلاق می‌شود که یک دولت مسئول اعمال و تخلفات ناقض حقوق دولت و یا حکومت محلی سرزمین دیگری در روابط بین‌المللی باشد. تحقق چنین مسئولیتی، موکول به این است که بین دو دولت، علقه و رابطه حقوقی خاصی موجود باشد. مثل مسئولیت دولت فدرال در مورد اعمال خلاف حقوق بین‌المللی کشورهای عضو و مسئولیت دولت مأمور اداره یک سرزمین در مورد اعمال خلاف حقوق حکومت سرزمین تحت اداره.

Individual Freedoms

آزادیهای فردی

اختیارات فرد در جامعه از لحاظ حقوق عمومی که شامل مصونیت شخصی و مصونیت منزل و اقامتگاه و آزادی شغل و اشتغال به حرفه و صنعت و تجارت و آزادی شرکت در اجتماعات یا تشکیل انجمنها و نشر عقاید دینی و سیاسی و فلسفی و حقوقی و آزادی قلم و مطبوعات و فرهنگ و آموزش و پرورش و آزادی در تغییر تابعیت و آزادی در تحصیل اموال مطابق قوانین اساسی و عادی است. فریدریش هایک Hayek (۱۹۹۲-۱۸۹۹) استاد علوم اقتصادی و سیاسی، آزادی را تنها ارزش قابل دفاع می‌داند و آن را برتر از عدالت می‌شمارد. به نظر او، بزرگترین ارزش تمدن غرب و یک جامعه آزاد، آزادیهای فردی است و هر چه که این آزادیها را محدود یا مورد تهدید قرار دهد، غیر قابل قبول است.

Individualism

فردگرایی؛ اصالت فرد؛ تکروی

۱- تأکید بر اهمیت فرد در ارتباط با موجودیتهای دیگر یا نظریه سیاسی و اخلاقی که ارزش فرد را بیش از ارزش تأسیسات اجتماعی اطراف او می‌داند و اساس آن براین فرض استوار است که سودجویی فرد به خودی خود به نفع کلی جامعه تمام می‌شود. این نظریه با تأکید بر حق مالکیت، نظارت دولت را فقط برای فراهم نمودن آزادی عمل فرد لازم می‌شمارد. ۲- رفتار، اخلاق و خط مشی فردگرایانه داشتن، عدم هم‌نواپی با معیارهای اجتماعی، گرایش به عدم شناسایی و یا طرد همبستگی اجتماعی. ۳- فردگرایی، اساس فلسفی نظام سرمایه‌داری است که به موجب آن، سودجویی و خودپسندی توجیه می‌شود و مفهوم آن، برتر پنداشتن فرد از جمع و قائل شدن اهمیت

سیاست درآمدی؛ سیاست درآمدها**Incomes Policy**

راهبرد اقتصادی برای مقابله با مشکل تورم یا اقداماتی که برای تضمین این امر به عمل می‌آید که درآمدهای پولی در کل، سریعتر از بازده واقعی اقتصاد، رشد نمی‌کند.

آهسته‌روی**Incrementalism**

این واژه برای اشاره به تعیین خطمشی یا سیاست‌گذاری به کار رفته است که همواره براساس هدفهای محدود قرار دارد، در حالی که تا حد امکان نسبت به تأثیرات ناشی از تصمیمات و سیاست یا خطمشی‌های موجود، حساس می‌ماند.

استقلال**Independence**

۱- جدابودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه و اقتدار خارجی. ۲- وضع هر تجمع بشری که دستگاه و ارکان آن به نسبت دستگاه و ارکان تجمع بشری دیگر در حال اطاعت و متابعت واقع نشده باشد. ۳- حقی که به موجب آن، هر کشور در سیاست داخلی یا خارجی خود آزاد است. استقلال خارجی یعنی آزادی عمل در برقراری روابط با سایر کشورها و درباره مسائل خارجی به طور کلی. استقلال داخلی یعنی آزادی عمل در چارچوب سرحدات کشوری. در نتیجه استقلال داخلی، کشور می‌تواند هر نوع قانون اساسی که مایل باشد، تصویب کند و تشکیلات اداری خود را به میل خود برقرار نماید و هر نوع قانونی که بخواهد، وضع کند.

Independent Commission on International Development Issues (Brandt Commission)

کمیسیون مستقل بررسی مسائل رشد و توسعه جهان؛ کمیسیون برانت

این کمیسیون در نوامبر سال ۱۹۷۷ در ژنو تأسیس شد و از نهم دسامبر همان سال کار خود را برای بررسی مشکلات ناشی از نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی در جامعه جهانی و ارائه راه‌حلهای مناسب برای چیرگی بر مسائل رشد و توسعه و مبارزه با فقر آغاز کرد. پیشنهاد تشکیل چنین کمیسیونی در ۱۵ ژانویه ۱۹۷۷ توسط رابرت مکنایا مطرح گردید و در ۲۸ سپتامبر، ویلی برانت، صدراعظم آلمان (غربی) آمادگی خود را برای به راه انداختن و بر عهده گرفتن ریاست آن اعلام نمود. وی اعضای کمیسیون را براساس صلاحیتهای فردی (و نه وظایف و مسئولیتهای دولتی) آنها و از کشورهایی مثل آمریکا، انگلستان، فرانسه، ژاپن، کانادا، سوئد، اندونزی، هندوستان، کویت، مالزی، الجزایر، تانزانیا، کلمبیا، بورکینافاسو، شیلی و گویان انتخاب و دعوت به کار کرد. کمیسیون در فوریه سال ۱۹۸۰ گزارش اصلی گفتگوها و بررسیهای خود را تحت عنوان "شمال - جنوب: برنامه‌ای برای بقا" و در سال ۱۹۸۳ گزارش دیگری را با عنوان "بحران عمومی، شمال - جنوب: همکاری برای بهبود وضع جهان" منتشر ساخت. پس از انتشار گزارش، فعالیت رسمی کمیسیون برانت تعطیل شد، اما برای دریافت نظریات و درخواستها، دفتری در هلند تأسیس گردید.

تجاوز مسلحانه غیرمستقیم**Indirect Armed Aggression**

سازمان دادن یا تشویق به تشکیل سازمانی از نیروهای نامنظم یا داوطلب یا دستجات مسلح در داخل قلمرو خودی یا در داخل قلمرو کشور دیگر، برای تهاجم به داخل قلمرو کشور دیگر.

Imperialist Diplomacy**دیپلماسی امپریالیستی**

اسلوب دیپلماسی مبتنی بر زدوبند، حيله گری، تحميق، بازبهای پشت پرده و روشهای غیر انسانی دیگر به منظور سودجویی، تصرف بازارهای جدید، قبضه منابع ثروت، توسعه طلبی و سلطه بر جهان. دیپلماسی امپریالیستی خود را در چارچوب پروتوکلهای و تشریفات رسمی جای می دهد، در زورقهای تمدن می پیچد، خشونت را در کالبد قانون و انسان دوستی و حقوق بشر جای می دهد.

Imperialist Economism**اکنونومیسیم امپریالیستی**

جریان شایع در جناح انقلابی جنبش سوسیال دموکراسی بین المللی در سال ۱۹۱۵. طرفداران آن (از جمله بوخارین) اعتقاد داشتند که در عصر امپریالیسم، وظیفه طبقه کارگر اجرای انقلاب سوسیالیستی است و این طبقه باید مبارزه برای دموکراسی، آزادی سیاسی و تعیین سرنوشت ملل را کنار بگذارد. لنین با استفاده از نام یک جریان فرصت طلبانه که در آغاز قرن بیستم بین برخی از سوسیال دموکراتهای روس رواج داشت و اکنونومیسیم نامیده می شد، این جریان را اکنونومیسیم امپریالیستی خواند.

Imperial Preference**رجحان امپراتوری؛ امتیازات امپراتوری**

نظام بازرگانی که در آن مزایایی برای کشورهای مشترک المنافع در معاملات با انگلستان در نظر گرفته شده است.

Imperial System**نظام امپراتوری**

نظامی است شامل یک عضو مسلط و تعدادی از اعضای تابع که به درجات مختلف از دوری و نزدیکی، گرد آن جمع شده اند: امپراتوری روم.

Impoundment**استنکاف از صرف و جوه تخصیصی**

امتناع رئیس جمهوری آمریکا در مورد خرج کردن وجوهی که توسط مجلس مقننه تخصیص داده شده است. در سال ۱۹۷۴ با تصویب قانون، رؤسای جمهوری که تمایل به امتناع از صرف و جوه تخصیصی داشته باشند، مکلف به رعایت رویه های خاصی شدند.

Inalienable Right**حق مسلم**

حقی که از حقوق طبیعی و خداداده ناشی شده و نمی توان از کسی گرفت: حق حیات و آزادی.

Income Inequality**نابرابری درآمدی**

عدم تناسب در توزیع درآمد ملی بین مردم به نحوی که سهم افراد ثروتمند خیلی بیشتر از سهم افراد فقیر است. نابرابری درآمدها تا حد زیادی به علت ارث، مالکیت خصوصی و اختلافاتی است که در میزان درآمد حاصل از مالکیت داراییها وجود دارد و به میزان کمتری هم به تفاوتها در درآمدهای دریافتی مربوط است. اختلافات درآمدی را می توان از جمله با وضع مالیاتهای سنگین بر ثروتها و درآمدهای بالا و یا با افزایش درآمد گروههای محروم، خواه از راه وضع قوانین اجتماعی و خواه از راه انجام هزینه های عمومی (مثل کمک دولت برای ارزان نگاهداشتن کالاهایی مثل گوشت و نان و لبنیات) کاهش داد.

Imperialism

امپریالیسم؛ سلطه گرایی؛ امپراتوری طلبی

۱- این واژه از ریشه لاتینی ایمپریو (امپراتوری) مشتق شده و یکی از شکلهای قدیمی کشورگشایی و سلطه در رقابتهای سیاسی بین جوامع انسانی است. ۲- تحمیل سلطه یا قدرت یک دولت بر قلمروهای دولت دیگر با وسایل گوناگون به قصد استثمار و کسب امتیازات سیاسی و اقتصادی. ۳- تسلط سیاسی و اقتصادی کشورهای پیشرفته سرمایه داری بر کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین. عده‌ای عقیده دارند که حتی در شرایط کنونی جهان نیز اشکال کلاسیک امپریالیسم مشاهده می‌شود (مانند اشغال گرانادا، پاناما، هائیتی و جنگ همه جانبه با عراق در منطقه خلیج فارس). بدیهی است که ایالات متحده آمریکا تنها بازیگر صحنه شمرده نمی‌شود. قدرتهای بزرگ دیگر مثل فرانسه، آلمان، ژاپن و انگلستان هم هر یک به شیوه خود، هدف کنترل یا اعمال نفوذ در مستعمرات و مناطق نفوذ سابق را تعقیب می‌کنند. ۴- لنین، امپریالیسم را عالی‌ترین و آخرین مرحله سرمایه داری و جوهره آن را تسلط انحصارها و از بین رفتن رقابت آزاد توصیف کرده است و پنج مشخصه زیر را برای امپریالیسم بر شمرده است: ۱- تمرکز و تراکم تولید و سرمایه موجب ایجاد انحصارها می‌شود. ۲- سرمایه صنعتی و بانکی با هم آمیخته می‌شود و سرمایه مالی و الیگارشی مالی را پدید می‌آورد. ۳- صدور سرمایه بجای صدور کالا اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. ۴- سندیکاها و کنسرتهای بین‌المللی انحصاری سرمایه‌داران تشکیل می‌شود که به صورت کارتلها، تراستها و کنرسیو میها، جهان را از نظر اقتصادی بین خود تقسیم می‌کنند. ۵- تقسیم منطقه‌ای سرزمینهای جهان بین بزرگترین دولتهای سرمایه داری به پایان می‌رسد و مسأله تقسیم مجدد آنها مطرح می‌شود. به‌طور کلی، امپریالیسم دارای صورتهای گوناگونی مثل انحصار مواد اولیه، کنترل بازارها، کسب امتیاز، تسلط بر جریانات پولی بین‌المللی، سرمایه گذاری برای تولید هر چه بیشتر کالا به سود اقتصاد مسلط، کمک مالی و اقتصادی برای کسب منفعت و امتیاز ویژه، انضمام و اشغال سرزمینها است. امپریالیسم از لحاظ فرهنگی خواستار نابودی فرهنگهای ملی و جانشین کردن فرهنگ مهاجم است که هدف اصلی آن از بین بردن احساسات و طندوستانه و علاقه به فرهنگ خودی و ترویج روحیه جهان میهنی و شیفتگی به دنیای امپریالیستی است. از لحاظ اقتصادی، خواهان تحمیل اقتصاد بازار آزاد سرمایه داری بدون هرمانعی است تا در سایه آن، سرمایه های امپریالیستی بتوانند آزادانه به بهره‌برداری از ثروتهای طبیعی و بهره‌کشی از نیروی کار ارزان کشورهای در حال توسعه بپردازند. از لحاظ سیاسی خواستار وابستگی به دنیای امپریالیستی است.

Imperialism World Dominance

سلطه جهانی امپریالیسم

وضع کنونی امپریالیسم و تضاد عمیق بین قدرتهای اقتصادی در سطح جهان و تلاش برای تسخیر و کنترل منافع نفتی، بازارها و مناطق نفوذ که از آن به عنوان سلطه جهانی امپریالیسم یاد می‌شود. اینک امپریالیسم بعد از پشت سر گذاشتن دوران جنگهای جهانی اول و دوم، وارد مرحله‌ای شده که در آن یک قدرت واحد و برتر، مثل امپریالیسم آمریکا، کوشش می‌کند نه تنها سلطه اقتصادی، بلکه سلطه سیاسی خود را نیز بر جهان حاکم کند. در این راه، افکار عمومی در کشورهای مختلف و منافع اقتصادی کشورهای بزرگ دیگر، از جمله موانع عمده برقراری سلطه یک قدرت واحد بر جهان است.

Immobilisme

بی تحرکی؛ واماندگی

مفهوم فرانسوی همبسته با ناتوانی جمهوریهای سوم و چهارم فرانسه برای اتخاذ تصمیمات مهم جهت حل مشکلاتی که ثبات و بقای آنها را تهدید می‌کرد. این ناتوانی، ناشی از شکافهای عمیق اجتماعی و سیاسی بود که به حکومت‌های ائتلافی بی ثبات و ضعیف منجر شد که به یک رژیم از لحاظ مشروعیت مورد سؤال، خدمت می‌کردند.

Immoralisme

ضدیت با اخلاق؛ اخلاق ستیزی

واژه فرانسوی به معنی مخالفت با قواعد رفتاری رایج و مورد قبول در یک زمان و مکان معین یا قواعد مورد قبول یک شخص معین. همچنین به معنی اعتقاد به ارزشهای برتر اخلاقی است و یا گرایش به نظام تازه‌ای از ارزش‌ها که ممکن است حتی ضد ارزشهای اخلاق رایج نیز باشد.

Immunity

مصونیت

۱ - موقعیتی که دارنده آن را از تعقیب قانون و مأموران دولت درامان می‌دارد. ۲ - معافیت از وظایف و تعهدات و مجازاتی که توسط قانون برای افراد تعیین شده است، مثل مصونیت سیاسی یا دیپلماتیک، مصونیت پارلمانی و مصونیت قضایی.

Immunity from Jurisdiction

مصونیت از صلاحیت

مصونیت قضایی مأموران شاغل در مأموریت‌های خارجی و بویژه مأموریت‌های دیپلماتیک از شمول قدرت اجرای قانون کشور پذیرنده یا میزبان. مصونیت از صلاحیت شامل چهار صورت مصونیت از صلاحیت جزایی، مدنی، اداری، مصونیت از ادای شهادت و اقدامات اجرایی است. مصونیت جزایی مهم‌ترین وجه تمایز مأموران دیپلماتیک از مأموران کنسولی است. مطابق بند یکم ماده ۳۱ کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک: "مأمور دیپلماتیک در دولت پذیرنده از مصونیت از تعقیب جزایی برخوردار است." مطابق بند سوم ماده ۴۱ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی: "اگر مأمور کنسولی تحت تعقیب جزایی قرار گیرد باید نزد مقامات صلاحیتدار حاضر شود." زیرا مأموران دیپلماتیک به عنوان نماینده کشور خود و از جانب رئیس کشور برای توسعه روابط بین‌المللی در کشور میزبان فعالیت دارند و از این رو، عرصه فعالیت آنها بسیار وسیع است.

Impeachment

اعلام جرم علیه مأموران دولت؛ آیین اتهام و تعقیب؛ آیین محاکمه مسئولان اجرایی

آیین دادرسی که به موجب آن می‌توان هر کارمندی را به علت ارتکاب جنایت یا تقصیر بسیار بزرگ از کار برکنار کرد. رئیس جمهوری نیز با توسل به آیین مزبور و با اثبات خیانت به میهن، ارتشاء، جنایت یا جنحه بزرگ عزل می‌گردد. در ایالات متحده، اختیار عزل به کنگره داده شده است که در این مورد، استثنائاً صلاحیت قضایی دارد. مطابق قانون، مجلس نمایندگان کارمند را متهم می‌سازد و مجلس سنا درباره او حکم صادر می‌کند. تاکنون تنها یک رئیس جمهوری به نام آندرو جانسون در سال ۱۸۶۸ به موجب این قاعده متهم و محاکمه شده است. فقط یک رأی دیگر لازم بود که وی محکوم گردد. پرزیدنت ریچارد نیکسون نیز در سال ۱۹۷۴ قبل از اینکه در ارتباط با رسوایی و اترکیت مورد تعقیب قرار گیرد، استعفا داد.

مسلک؛ مرام؛ ایدئولوژی؛ آرمان**Ideology**

روش فکری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خاص با کلیه نظریات و هدفها و مسائل مربوط به آن. ایدئولوژی در نهایت، تصمیم‌گیری برای آینده انسانها است. رسالت هر ایدئولوژی در این است که برای منافع بنیادی و دراز مدت این یا آن طبقه و یا قشر اجتماعی جامعه، اساس و پایه تئوریک به وجود آورد و بیانگر آن به شکل اندیشه و تفکری منسجم باشد و هدفهای پیشرفت اجتماعی را تدوین کند. ایدئولوژی رسمی مجموعه‌ای است از افکار (مثل علم، هنر، فلسفه و معتقدات اخلاقی و مذهبی و سیاسی) که به تناسب ساختار اقتصادی جامعه فراهم می‌آید و روابط تولید را تأیید می‌کند.

جهل؛ نادانی**Ignorance**

به کار نگرفتن عقل و خرد در امور و خالی بودن ذهن از علم و دانش. جهل مرکب به حالتی اطلاق می‌شود که جاهل تصور می‌کند دانا است.

نظریه عمل خلاف حقوق**Illicit Act Theory**

نظریه‌ای که به موجب آن، تنها مبنای منطقی و قابل قبول مسئولیت بین‌المللی، نقض یک قاعده بین‌المللی (عرفی یا قراردادی) از طرف یک دولت است.

اشراق باوری**Illuminism**

اعتقاد به یک نور روحانی باطنی.

تصویر ذهنی**Image**

انگاره یا تصور از یک چیز، موضوع یا شخص که در افراد جامعه وجود دارد. یکی از هدفهای روابط عمومی و تبلیغات، ایجاد وجهه و تصور مساعد و مردم‌پسند است.

امام**Imam**

واژه عربی به معنی نمونه و پیشوا و نیز به معنی خلیفه و متولی امور مسلمانان.

امامت**Imamate (Leadership)**

در حقوق اساسی اسلام (شیعه) عبارت است از جانشینی رسول اکرم (ص) در جمیع امور دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی. در تفکر شیعه، امام کسی است که جامعه را به سمت صلاح و خیر و پاکی و کمال هدایت کند، اخلاق الهی را بیاموزد، پیشتاز و پیشگام جامعه باشد بویژه در بعد معنوی و مکتبی. پیامبر اسلام نه تنها نبی، بلکه امام و رهبر سیاسی نیز بود. رسالت وی در حجة‌الوداع پس از تعیین وصی تکمیل شد و حضرت محمد (ص) خاتم پیامبران گردید ولی امامتش که عهده‌دار اجرا و پیاده کردن مکتب اسلام است در خاندان او ادامه یافت.

مهاجرت (به داخل)؛ بوم‌گزینی**Immigration**

۱ - مهاجرت به سرزمینی تازه، خواه درون مرزهای بین‌المللی و خواه بیرون از آن. ۲ - ورود خارجیان به یک کشور برای سکونت یا کار. واژه متضاد آن بوم‌گذاری است.

که تنها در سیر نزولی خود به جهان مادی یا ناسوتی بدل شده و به صورت ماده درآمده است. ایده‌آلیسم ذهنی که اسقف برکلی نماینده آن است، منکر وجود جهان عینی و مادی خارج از ذهن بشر است. در فلسفه سیاسی، دو مکتب ایده‌آلیسم و رالیسم در مقابل یکدیگر قرار دارند. ایده‌آلیستها، امور و روابط بین‌المللی را بر مبنای اخلاق، عدالت، اعتماد و تعهد در نظر می‌گیرند و اعتقاد دارند که سیاست باید مطابق آرمانها یا اصول متعالی عمل کند. در حالی که رالیستها، امور و روابط بین‌المللی را برحسب منافع ملی و قدرت مورد توجه قرار می‌دهند و طرفدار حفظ وضع موجود، محافظه کاری و اتکاء به سیاست (تا اخلاق) هستند.

Identical Notes

یادداشت‌های همانند

یادداشت‌هایی با مضمون واحد که چند دولت به یک دولت می‌دهند و چون هر یک از این یادداشتها جداگانه تسلیم می‌شود، عمل هر دولت ظاهراً مستقل از عمل دولت دیگر است. معمولاً تسلیم این قبیل یادداشتها عملی غیر دوستانه تلقی می‌شود.

Identity

هویت

این واژه، بیانگر چه کسی بودن است که از احتیاج بشر به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی ناشی می‌شود. سرزمین، تاریخ، زبان، ادبیات، دین، ساختار سیاسی، فرهنگ و هنر مشترک از جمله عناصر تشکیل دهنده هویت شمرده می‌شوند.

Identity Crisis

بحران هویت

بحران هویت در نظام سیاسی هنگامی بروز می‌کند که مردم به جای وفاداری به دولت ملی واحساس تعلق به مجموعه‌ای یکپارچه به نام ملت در دایرهٔ تعلقات قومی ونژادی ومحلی قرار گیرند.

Ideological State Apparatus

دستگاه ایدئولوژیک دولت

این اصطلاح را آلتوسر فیلسوف معاصر فرانسوی به کار برده و بیانگر یکی از وسایل برقراری سلطه طبقه سرمایه‌دار است و از جمله شامل نهادهای آموزشی و دینی، رسانه‌های گروهی و حتی اتحادیه‌های کارگری و احزاب سیاسی می‌گردد که کارشان یکپارچه‌سازی تمام طبقات جامعه در چارچوب یک ایدئولوژی مسلط است.

Ideological Warfare

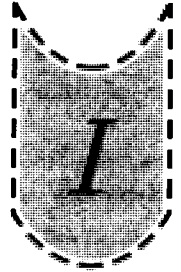
جنگ عقیدتی؛ جنگ ایدئولوژیک

۱- تاکتیکی که بلوک شرق و بلوک غرب در دوران جنگ سرد، برای تبلیغ شیوه زندگی سرمایه‌داری یا سوسیالیستی، در داخل یا خارج، به کار می‌بردند. ۲- نوعی کشمکش بین نظامهای ارزشی یا "شیوه‌های زندگی" رقیب که متضمن تلاش برای تغییرکیش و آیین مردم در جهت موردنظر است.

Idéologue (Ideologist)

ایدئولوگ؛ آرمان‌شناس

واژه فرانسوی به معنی کسی که در یک ایدئولوژی صاحب نظر است یا در تدوین و ارائه آن نقش دارد.



Icarianism

ایکاریانیزم

اشاره به برنامه سوسیالیسم تخیلی ارائه شده در کتاب سفر به ایکاری، اثر اتینن کابه Etienne Cabet (۱۷۸۸-۱۸۵۶) سوسیالیست و اصلاحگر اجتماعی فرانسوی است. وی در سال ۱۸۴۰ نظریه اشتراکی خود را در این کتاب بیان کرد و جامعه کمال مطلوب خود را شرح داد. کابه طرفدار نظارت کامل دولت در تمام شئون اقتصادی و اجتماعی بود. در سال ۱۸۴۸ گروهی از پیروان کابه در صدد برآمدند که جامعه‌ای مطابق افکار وی در تکزاس ایجاد کنند، ولی موفق نشدند. کابه در سال ۱۸۴۹ یک مهاجرنشین موقتی در ایالت ایلینویز Illinois تأسیس کرد که توفیق چندانی پیدا نکرد.

Iconoclasm

شمایل شکنی؛ دین شکنی؛ آیین شکنی؛ بت شکنی

زیر پا گذاشتن معتقدات عامه و باطل شمردن و خلاف عقل دانستن آنها و مبارزه با آنها.

Iconoclast

بت شکن؛ شمایل شکن

شخصی که تلاش می‌کند عقاید، آداب و رسوم کهنه را براندازد.

Iconography

آیکونوگرافی؛ شمایل نگاری

مطالعه نقش نهادهای روحانی یا فرهنگی مورد اعتقاد مردم در پیدایش ملتها و کشورها.

Ideal

آرمان؛ ایده‌آل

کاملترین، برترین و مطلوب‌ترین خواسته‌های ذهنی. آرمان هر فرد یا گروه اجتماعی با میزان کمی و کیفی علم، دانش، فضیلت و قابلیت‌های آن فرد یا گروه اجتماعی متناسب است.

Idealism

ایده‌آلیسم؛ آرمانگرایی

۱- نظریه‌ای که بر اساس آن، ارزشهای روحی و ذهنی در جهان اصالت دارند. ۲- مکتبی که شعور به شکل عقل محض را مقدم بر ماده می‌شمارد و آن را خالق جهان مادی می‌داند. ایده‌آلیسم عینی، جهان واقعی خارج از ذهن بشر را قبول دارد ولی آن را مانند هگل نتیجه تکامل عقل محض می‌داند

سیاست آب

Hydropolitics

بررسی آب به‌عنوان یک عنصر طبیعی و عملکردهای سیاسی آن که به‌ویژه در کشورهای خشک و نیمه خشک مطرح است. این اصطلاح، مترادف اصطلاح "دیپلماسی آب" است و به‌مسائل مربوط به آب شیرین قابل تجدید و استفاده از منابع آب و شکل‌گیری سیاستهای جهانی آب می‌پردازد. زیرا آب ممکن است در آینده به‌یک حربه سیاسی مبدل شود و مطرح شدن مسائل آب در سطح سازمان ملل متحد، نشانه‌ای از این موضوع است. به‌دلیل اهمیت آب، شورای جهانی آب نیز که یک سازمان غیرانتفاعی و غیردولتی است، در سال ۱۹۹۵ نخستین اجلاس خود را در کانادا برگزار کرد.

ریاکاری

Hypocrisy

تظاهر به‌داشتن صفاتی (نیک) که در واقع وجود ندارد یا خصوصیت اخلاقی منفی که مقصود اخلاقی، انگیزه‌های عالی و هدفهای انسانی را به‌طور حساب شده و عمدتاً به‌کارهای غیر اخلاقی نسبت می‌دهد. علت آن معمولاً خودخواهی، منافع پست یا مقاصد ضدانسانی است. ریاکاری متضاد صداقت، خلوص نیت و درستکاری است و در شرایط بیعدالتی اجتماعی و تضادهای طبقاتی از صورت یک خصلت صرفاً انفرادی طرز فکر شخص خارج می‌شود و به‌شکل یک پدیده متداول اجتماعی درمی‌آید. ریاکاری از ناهمخوانی و اختلاف بین روابط اجتماعی بالفعل و اندیشه و فکر آن در ایدئولوژی ناشی می‌شود. یک شکل خاص ریاکاری در پاره‌ای از جوامع عبارت است از فاصله‌میان حرف و عمل، بین شعارهای رسمی، وعده‌ها و واقعیت زشت موجود در آن جوامع. به‌طور کلی، از خود بیگانگی که ناشی از جوامع طبقاتی است، انسان را به‌سوی دوگانگی می‌کشاند، یعنی حق و تکلیف را از هم جدا می‌سازد و انسان را وادار می‌کند که یکی خودش باشد و یکی نیز برای جامعه. بدین ترتیب، روابط بین افراد به‌روابط ریاکارانه و سالوسانه تبدیل می‌شود.

حقوق بشر**Human Rights**

مجموعه حقوقی که به ساکنان یک کشور، اعم از بیگانه و تبعه در مقابل دولت داده شود که شامل پاره‌ای از حقوق مدنی و سیاسی مثل آزادی و برابری و مساوات و مقاومت در برابر تجاوز و تعدی و مصونیت جان و مال و خانه و جزاینها است. در مسأله حقوق بشر، امر تابعیت و مذهب و نژاد و جنس نباید دخالت داده شود، زیرا این حداقل حقوقی است که انسان در هر جا که هست باید از آن برخوردار باشد. کمیت حقوق بشر، بستگی به طرز فکر اکثریت یک ملت و تمدن و فرهنگ و سوابق تاریخی آن ملت دارد.

سپر انسانی؛ گوشت دم توپ**Human Shield**

فرد یا گروهی از افراد که در خط آتش قرار داده می‌شوند تا هر نوع حمله‌ای را دفع کنند یا مهاجمان به محل خاصی را از تهاجم احتمالی منصرف نمایند.

افتادگی؛ تواضع؛ فروتنی؛ شکسته نفسی**Humility**

خصوصیت اخلاقی فرد که با کم بهادادن به شأن و مقامش، عدم اعتقاد به قدرتهایش، کوچک شمردن و دست کم گرفتن امکاناتش، تسلیم شدن به نیروهای خارجی، آمادگی برای گردن نهادن به سرنوشت، پذیرفتن شکست و چشم‌پوشی از انتظارات و آرزوها برای آینده‌ای بهتر مشخص می‌شود.

اعتصاب غذا**Hunger Strike**

یکی از شکل‌های اعتراض که در آن، اعتراض‌کنندگان در محل بخصوصی (ویا در زندان) می‌نشینند و دست از خوردن و آشامیدن (به‌طور کامل و یا ناقص) می‌کشند.

پارلمان پادر هوا؛ پارلمان بلا تکلیف**Hung Parliament**

اصطلاح بریتانیایی برای بیان وضعیت مجلس عوام بدون یک حزب با اکثریت معلوم و مشخص و از این رو، ناتوان برای تشکیل حکومت. ائتلاف، راه حل چنین وضعیتی است.

شکار مغزها**Hunting for Brain**

سرقت استعدادها و قاچاق سلول‌های خاکستری. این اصطلاح در ارتباط با اصطلاح فرار مغزها وضع شده و براساس آن، ریشه مهاجرت نیروهای متخصص در کشورهای در حال توسعه، ناشی از استعمار و استعمار نو است.

آب - دیپلماسی؛ دیپلماسی آب**Hydrodiplomacy**

کاهش ذخیره سرانه آب شیرین قابل تجدید معمولاً با واژه‌های محدودیت، کمیابی و یا بحران آب بیان می‌شود. گرچه هفتاد درصد از سطح کره زمین را آب فرا گرفته است، ولی تنها کمتر از یک درصد آن مستقیماً قابل مصرف است. با توجه به اهمیت و نقش آب، بویژه در توسعه اقتصادی و اقدامات دولتها در مورد استفاده از منابع آب و بویژه رودخانه‌هایی که از قلمرو چند کشور می‌گذرند، اخیراً واژه آب دیپلماسی متداول شده که به جنبه‌های گوناگون این مسائل می‌پردازد.

از جمله نمایندگان هومانیزم در اروپا می‌توان از: دانته، داوینچی، میکلا آنژ، گالیله، دکارت، لوتر، شکسپیر، نیوتن، سروانتس، کپرنیک، اراسموس و بوکاچیو نام برد.

Humanitarian Intervention

مداخله به‌خاطر بشر دوستی؛ دخالت انسانی

هنگامی که رفتار یک دولت در مقابل اتباعش یا در مقابل سایر افرادی که در قلمرو آن دولت هستند، وضعی پیدا کند که وجدان بشریت را جریحه‌دار سازد، جامعه بین‌المللی به منظور پایان دادن به آن شرایط، حق مداخله علیه چنان دولتی را دارد. این نوع مداخله را مداخله به‌خاطر بشر دوستی می‌گویند. با توجه به وجود سازمان ملل متحد می‌توان گفت که امروزه این گونه مداخله در صورتی جایز است که از طریق تصمیم مجمع عمومی این سازمان صورت گیرد. مع‌هذا، این گونه اقدامات دخالتی همواره وسیله اجرای سیاستهای ملی بوده و در جهت هدفهای نامشروع مورد استفاده واقع گردیده و همراه با نقض قواعد حقوق بین‌الملل بوده است. مثلاً حمله ایالات متحده آمریکا به گرانادا در سال ۱۹۸۳، در واقع جهت نجات جان اتباع آمریکایی نبود، بلکه علت آن استقرار یک حکومت دیگر در این کشور در حال توسعه بود.

Humanitarianism

انسان دوستی؛ بشر دوستی صوفیانه؛ نوع پروری

آیینی که همه انسانها را درخور علاقه و محبت می‌داند و از هرگونه ستیزه و پیکاری بیزار است. انسان دوستی صوفیانه آیین کسی است که از بالا برای انسانهای محروم و فقیر پایین دل می‌سوزاند و برای ابراز نوع پروری خود به آنها صدقه می‌دهد.

Human Nature

سرشت بشر؛ طبیعت انسانی؛ ماهیت بشر

آنچه که در فراسوی زمان و مکان در بشر مشاهده می‌شود و از خصوصیات ذاتی و طبیعی اوست. مسأله درک طبیعت، ماهیت و یا سرشت انسان، یکی از مسائل مهم تاریخ فلسفه را تشکیل می‌دهد. تمام دکترینهای سیاسی نیز معمولاً براساس یکی از نظریات مربوط به سرشت بشر بنا شده‌اند و اختلافات موجود نیز در تفاوت این نظریات با یکدیگر است. مثلاً عده‌ای اعتقاد دارند که انسان ترکیبی است از مجموعه اعضای ظاهری بدن و مجموعه حالات نفسانی مثل انفعال، احساس، ادراک، تعقل و اراده. پاسکال می‌گوید انسان نه فرشته است و نه حیوان و از شقاوتهای او این است که هر وقت بخواهد فرشته باشد، حیوان می‌شود. عده‌ای آن را محصول تاریخ دانسته‌اند که ماهیتش با تحول و تکامل تاریخ انسانی تحول و تکامل پیدا می‌کند. آنها ماهیت و سرشت انسان را در مجموع مناسبات اجتماعی می‌جویند و به‌جای ماهیت ثابت و زیست شناختی و یا مرکب بودن از چند ویژگی روانی، آن را ماهیتی متحول و اجتماعی می‌دانند که مخصوص انسان است و او را از سایر جانداران فاقد تاریخ متمایز می‌سازد. عده‌ای نیز ماهیت بشری یا شخصیت انسانی را از مناسبات اجتماعی، دوران، طبقه و موقعیت انسان در درون سیستم جامعه معین جدا می‌کنند و آن را مجموعه‌ای از عواطف، استعدادها، تمایلات و شور و شوقها می‌دانند که ناشی از ویژگیهای ارگانیسم است. به نظر هردر، فیلسوف آلمانی، انسانیت، غایت سرشت انسانی است و خداوند با عطف نظر به این غایت، سرنوشت انسانها را به دست خودشان سپرده است.

هنری و مبارزه در راه حق و حقیقت، زندگی انسان را آکنده از محتوای روحپروری می‌سازد که نمی‌توان فضیلتی بالاتر از آن تصور کرد. تنها این گونه زندگی است که در تاریخ بشر سهم مهمی دارد و می‌توان آن را زندگی نامید و جز این را باید رنج بیهوده و عبث خواند که سراسرش ملال است. ۸- زندگی انسان، رنجی است بیهوده مثل رنج سیزیف، فرمانروای افسانه‌ای که به گناه عشق به هستی از طرف خدایان محکوم به غلطاندن ابدی سنگی بزرگ بر شیبی گردید.

مهندسی انسانی

Human Engineering

اداره امور انسانها و اوضاع و احوال اجتماعی آنان در کوششی به منظور کاستن فقر و بیچارگی و فساد از راه فعالیتهای اجتماعی سازمان یافته.

گله انسانی

Human Herd

جمعی از افراد که مثل حیوانات، بدون تامل و نظم و به شیوه‌ای کورکورانه موافق رفتار رهبر یا رهبران خود رفتار کنند.

Humanism

انسان باوری؛ انسان‌گرایی؛ انسان دوستی؛ هومانیزم؛ اومانیزم؛ انسانمداری

۱- واژه متداول در علوم انسانی که معانی گوناگون دارد و به‌طور کلی عبارت است از مجموعه نظریات حاکی از احترام به فضایل انسانی و علاقه به سعادت‌مندی و تکامل جامع، سریع و ایجاد شرایط مساعد برای حیات فردی و اجتماعی انسان. از نظر هومانیزتها آموزش و پرورش امر بسیار مهمی بود، بطوری که آن را عامل رشد و شکوفایی استعدادهای انسان می‌دانستند. آنها طرفدار آزادی فکر، اندیشه، عقیده و وجود تعاطی آزادانه عقاید و نقد و بحث و کاربرد عقل و تحقیق معطوف به عمل درکار علم و تکنولوژی بودند و از نهادهای دموکراتیک برای کنترل و نظارت نظام اجتماعی و سیاسی حمایت می‌کردند. هومانیزم در عصر حاضر از کوشش برای ایجاد شرایط مادی و معنوی تعالی انسان جدایی‌ناپذیر است. ۲- در تاریخ تمدن غرب نام نهضتی است که به‌رسانس و تجدید حیات علم و فرهنگ و هنر و طرح مسائل اجتماعی و سیاسی و تربیتی خارج از محیط سلطه پاپها منجر شد. این نهضت فرهنگی اروپا بر اثر آشنائی با فرهنگ باستانی یونانی- رومی، تلاش می‌کرد تا در مقابل آرمان فرهنگی قرون وسطایی، به آرمان فرهنگی تازه‌ای براساس آرمان فرهنگی باستانی دست یابد. هومانیزم شعار خود را براساس سخن پروتاگوراس فیلسوف یونانی که گفت انسان میزان همه چیزاست بیان می‌نمود و بدین ترتیب، مفهوم انسان را جانشین خدا و کلیسا و مسیح ساخت و فردگرایی و خودخواهی معقول را ترویج کرد و خوش بینی اینجهانی را به جای اعتقاد به بقای روح و وعده بهشت برگزید و توجه به عمل و زندگی روزمره را جایگزین اعتقاد به ماورای طبیعت و مسیحیت نمود. از ایدئولوژی انسان‌گرایی دو مکتب به وجود آمد: یکی لیبرالیسم که مسلک اقشار شهری و بویژه روشنفکرانی بود که با قیدوبندهای نظام اجتماعی موجود موافق نبودند و بعدها ایدئولوژی مسلط در جوامع سرمایه‌داری شد و دیگر سوسیالیسم که اصلاح وضع اقشار محروم جامعه را در نظر داشت و به‌دو نوع سوسیالیسم تخیلی و سوسیالیسم علمی تقسیم می‌شود. مبارزه بین لیبرالیسم و سوسیالیسم علمی که هر دو مدعی اصلاح و بهبود وضع انسانند، همچنان ادامه دارد.

سرمایه انسانی

Human Capital

سرمایه‌های مولدی که در وجود افراد جمع شده و شامل مهارت‌ها، تواناییها، افکار و اندیشه‌ها، تندرستی و سلامت و امثال اینها است که ناشی از سرمایه‌گذاری در آموزش، برنامه‌های کارآموزی و مراقبت‌های پزشکی و بهداشت است.

شبه‌سازی انسان؛ هم‌سازی انسان؛ مشابه‌سازی انسان؛ کلونسازی انسان

Human Cloning

تولید مثل غیرجنسی یا استنساخ انسان از طریق غیرجنسی. ظاهراً تولید اولین نمونه آن که توسط بریژیت بواسلیه Bridgette Boisselier متخصص فرانسوی که به فرقه مذهبی رائل مربوط است، انجام یافت، حوا (Eve) نام گرفت. ادعا شده که این دختر، با استفاده از سلول پوست تن یک زن ۳۱ ساله آمریکائی خلق شد و در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۲ از طریق عمل سزارین به دنیا آمد. برای کلون‌سازی و سنتز اسید دی‌اوکسی‌ریبونوکلیک یا دی.ان.آ. (Synthesis of DNA)، تخمک را از جنس ماده می‌گیرند و سپس، ماده ژنتیک آن را تخلیه می‌کنند و ماده ژنتیک یکی از سلولهای جنس ماده یا جنس نر را درون آن قرار می‌دهند. تخمکی که بدین ترتیب درست می‌شود، در رحم زن قرار داده می‌شود تا رشد کند. از سلول حاصله، جاننداری پدید می‌آید که به والدی شباهت دارد که ماده ژنتیک را در اختیارش گذاشته است. اگر ماده ژنتیک از مرد گرفته شده باشد، شبیه مرد و اگر از زن گرفته شده باشد، شبیه زن می‌شود. فرقه مذهبی رائل Rael یا نور خدا که در دسامبر ۱۹۷۳ توسط فرانسس کلود وری لن Frances Claude Vorilhon موسوم به رائل، روزنامه‌نگار فرانسوی ایجاد شد، منشأ حیات بشری را به موجودات پیشرفته علمی فضائی نسبت داده است.

هزینه انسان

Human Cost

هزینه‌هایی که از جنبه‌های گوناگون (مثل بهداشتی، آموزشی، تفریحی) باید برای بهبود کیفیت زندگی و بالا بردن شأن انسان صرف شود.

سرنوشت انسان؛ عاقبت بشر

Human Destiny

پایان راه یا فرجام کار مردم. فیلسوفان روحانی اعتقاد دارند که انسان نمی‌تواند سعادت ابدی را دریابد مگر به پیروی از روش فضیلت. در مورد عاقبت بشر، نظریات گوناگونی ارائه شده که به چند مورد اشاره می‌شود: ۱- جهان عرصه تنازع بقاست و برمدار قدرت می‌گردد و اکثریت مردم که در شمار قدرتمندان نیستند باید بار زور را بردوش کشند و دم نزنند. ۲- انسان در هر حال محکوم به مرگ است و با وجود پیروی و مرگ، نمی‌توان از سعادت و خوشبختی سخن گفت. ۳- به خاطر خودپسندی ذاتی انسان، بین جامعه و فرد، دشمنی و تضاد تا ابد وجود دارد و بدین ترتیب، بدبختی و سیه‌روزی او نیز حتمی است. ۴- انسان در عرصه طبیعت و جامعه، بازیچه‌ای بیش نیست و اصولاً هرکس در یک مقطع مشخصی از زمان و یک نقطه مشخصی از مکان و در قشر و خانواده‌ای پا به عرصه حیات می‌گذارد که هیچیک از آنها را به اراده خود انتخاب نکرده است. ۵- انسان دارای روح و روان متعادل نیست، یعنی غریزه‌اش او را به یک طرف می‌کشاند و عقل به طرف دیگر، و این بی‌تعادلی باعث رنج درونی اوست. ۶- انسان سرشار از نیازهای بی‌پایان غیرقابل اجابت می‌باشد و از این رو همواره دچار حرمان و رنج و عذاب روانی است. ۷- درک علمی، احساسات و عواطف

مخابرات به مقصد دشمن و یا به نفع او ۲- مساعدت خصومت آمیز مستقیم، مثل توحید مساعی مستقیم با متخاصم و پذیرفتن فرمان و دستور دشمن و خدمات مخصوص و مشخص که منحصرأ درباره دشمن انجام می گیرد (سرویس آذوقه، سرویس اطلاعات و اخبار). کشتی بیطرف در صورت مساعدت خصومت آمیز ممکن است از طرف متخاصم دیگر به عنوان مجازات، دستگیر و ضبط گردد. در صورت حضور مأموران دیپلماتیک دشمن در کشتی بیطرف، توقیف آنها مجاز نیست.

Hostile Infection

سرایت دشمنی

نظریه ای که به موجب آن، هر متخاصمی حق دارد در مورد قاچاق جنگ، اضافه بر مال التجاره قاچاق، کالایی را که قاچاق نیست، اخذ نماید، مشروط به اینکه هر دو کالا متعلق به یک مالک و با یک کشتی حمل شده باشد.

Hostilities

عملیات جنگی

اعمال متقابل زور و اجبار از زمین، دریا و هوا به وسیله نیروهای مسلح دولتهای در جنگ.

Hot Line

خط داغ؛ خط سرخ؛ تلفن قرمز

ارتباطات مخابراتی مستقیم برای ارسال سریع اطلاعات و دایر کردن تماس فوری بین سران کشورهای ابرقدرت به منظور تخفیف دادن بحرانها و پیشگیری از درگیریهای احتمالی. در خصوص ایجاد وسایل تماس فوری در یک بحران احتمالی (مثل بحران موشکی ۱۹۶۲ کوبا) و جلوگیری از اینکه یک طرف، راجع به کارهای طرف دیگر یا قصد او تفسیرهای غلطی بکند (از قبیل اشتباه در عواقب آنچه در صفحه های رادار دیده می شود) در سال ۱۹۶۳ بین ایالات متحده آمریکا و شوروی سابق، توافقی مبنی بر تأسیس ارتباطات مخابراتی مستقیم معروف به خط داغ و یا به اصطلاح تلفن قرمز، به امضا رسید. در سال ۱۹۶۶ بین فرانسه و شوروی سابق و در سال ۱۹۶۷ بین انگلستان و شوروی سابق نیز خطوط مستقیم ارتباطی ایجاد شد. خط داغ بین آمریکا و شوروی سابق از دو ماشین تله تایپ، یکی با الفبای روسی و دیگری با الفبای لاتین تشکیل می شد. در آغاز، ارتباط دو ماشین یاد شده از طریق کابلهای زمینی و دریایی تأمین می گردید، ولی بعداً ماهواره های مخابراتی پیشرفته برای این کار فراهم شد.

Hot Pursuit

تعقیب مداوم؛ تعقیب فوری

حقی که به موجب آن، هر کشور می تواند کشتی یا قایقی را که در آبهای داخلی آن کشور مرتکب جرمی شده است در آبهای آزاد هم تعقیب و آن را توقیف کند، مشروط بر اینکه از آبهای داخلی یا سرزمینی شروع شده و به صورت مداوم و بدون وقفه باشد و به محض ورود کشتی متخلف به آبهای ساحلی یا سرزمینی کشور دیگر، متوقف شود.

Housework

خانه داری

کار خانه یا کار خانگی را طرفداران نهضت آزادی زنان به عنوان کار در فضای خانگی می دانند که مستلزم کار، کارایی و کفایت مانند هر شغل دیگر در عرصه عمومی است.

معروف است. کشور پذیرنده وظیفه دارد از کنسول افتخاری به نحوی که با مقام رسمی او ملازمت دارد، حمایت کند. در بین کشورهای بزرگ، شوری سابق نسبت به انتصاب کنسولهای افتخاری نظر مساعدی نداشت و معتقد بود که نمایندگان کنسولی باید افرادی باشند که در برابر کشور فرستنده مسئولیت کامل داشته باشند.

افتخار؛ شرف

Honour

مفهوم مربوط به وجدان اخلاقی و اخلاق که در خیلی از جنبه‌ها با مفهوم شأن ارتباط پیدا می‌کند. افتخار مانند شأن بیانگر برداشت شخص نسبت به خویش و نگرش جامعه نسبت به اوست. اما در افتخار، ارزش اخلاقی شخص با وضع خاص اجتماعی، فعالیتها و شایستگیهای اخلاقی او مرتبط است. افتخار به عکس شأن، بستگی به پایگاه اجتماعی شخص دارد و در حال و هوای از خود بیگانگی اجتماعی و طبقاتی، با روابط سلسله مراتبی و اشکال گوناگون نابرابری مربوط است. افتخار از یک طرف ممکن است رو به انحطاط گذارد و به تکبر، غرور و نخوت تبدیل شود و از طرف دیگر، ممکن است در میان محرومان از امتیازات اجتماعی موجب ایجاد احساس غرور جریحه‌دار شده و گاه و بیگاه نیز آرزوی تحقیر آمیز و خفت بار برای کسب آبرو و حیثیت از طریق تقلید نوکر صفت و برده‌وار از اقتدار بالا، تملق و چاپلوسی، خضوع و خشوع در مقابل صاحبان قدرت گردد. افتخار یکی از محرکهای مهم رفتار اجتماعی است.

گروگان

Hostage

شخص و گاه چیزی که به عنوان ضمانت اجرای یک امر و یا انجام دادن شرایط مندرج در پیمانی، تحویل مقامی شود. افراد غیر نظامی یک ملت مغلوب که فاتحین، آنها را دستگیر می‌کنند نیز گروگان نامیده می‌شوند. رسم این است که با گروگانها به نحو انسانی رفتار شود. رسم مبادله گروگان، امروزه کمتر به چشم می‌خورد، اما گروگانگیری به صورتهای مختلف معمول است.

گروگانگیری

Hostage Taking

یکی از شیوه‌های مبارزاتی به منظور اعمال فشار برای تأمین هدفهای سیاسی (مثل هواپیماربایی، کشتی‌ربایی، آدم‌ربایی، تسخیر مدارس، اتوبوسها و نظایر اینها). در ۱۷ دسامبر سال ۱۹۷۹ ضمن اجماعی که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عمل آمد، قرار شد دولتها قوانین استرداد مجرمین را نسبت به متخلف یا گروگانگیر معمول دارند، مگر اینکه مجرم در صورت استرداد، به دلایل نژادی و مذهبی و ملیتی و قومی و یا عقیده سیاسی مورد تنبیه واقع شود.

Hostile Act

عمل خصومت آمیز

اعمال خصمانه نظیر تجاوز محدود در خطوط مرزی یا تیراندازی به مرزهای یک کشور.

Hostile Assistance

مساعدت خصومت آمیز

مساعدت خصومت آمیز عبارت از این است که برای یکی از متخاصمان، فرآورده‌هایی تهیه و به‌وی فروخته شود و خدماتی که با بیطرفی مغایر است درباره متخاصم مزبور انجام گیرد. مساعدت خصومت آمیز دو نوع است: ۱- مساعدت خصومت آمیز غیر مستقیم، مثل نقل و انتقال افراد و

Holocaust**همه‌سوزی؛ نابودی همه**

این واژه که به معنی سوزاندن هر چیزی است، از سوی مورخین یهود برای اشاره به ژنوسید یهودیان به کار می‌رود که به وسیله واحد مرگ اس‌اس و به فرماندهی هیملر و معاونش آیشمن - به عنوان "راه‌حل نهایی" مسأله یهود - صورت گرفت.

Holy Alliance**اتحاد مقدس**

واژه مقدس در این اصطلاح بخصوص، به معنی پاک نیست و مقصود از آن، دسته‌بندی و زدوبندی گروهی برای انجام سیاستی برخلاف مصالح ملی و ترقیخواهانه است. عبارت اتحاد مقدس، در پی تشکیل اتحادی (بر اساس اصول مسیحیت) از تزار روسیه، امپراتور اتریش و پادشاه پروس در سال ۱۸۱۵ رایج شد.

Holy See (Vatican)**واتیکان؛ بارگاه قدسی (واتیکان)**

شخص حقوقی بین‌المللی کلیسای کاتولیک رومی که محل فیزیکی آن واتیکان واقع در شهر رم و رهبر یا حاکم آن پاپ است. حاکمیت و استقلال واتیکان طبق "عهدنامه لاتران" در سال ۱۹۲۹ به رسمیت شناخته شد. تحصیل تابعیت واتیکان به وسیله اقامت در واتیکان، و ترک تابعیت آن با ترک اقامت صورت می‌گیرد. سفیر و نماینده عالی‌رتبه پاپ که "نونس" نامیده می‌شود، نزد رؤسای دولتها مأموریت می‌یابد. دولت ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۴ نخستین سفیر خود را در واتیکان منصوب کرد.

Home Office**وزارت کشور**

یکی از وزارتخانه‌ها در انگلستان که با مسائل داخلی، از جمله پلیس و زندانها سر و کار دارد. به وزیر کشور Home Secretary یا Secretary of state for Home Affairs اطلاق می‌شود.

Home Rule**حکومت داخلی؛ خودمختاری؛ فرمانروایی میهنی**

این واژه در اواخر قرن نوزدهم در پارلمان انگلستان و در خود ایرلند به کار رفت. مفهوم هم‌روول آن بود که یک پارلمان تابع در ایرلند به وجود آید که فقط به امور داخلی بپردازد و زمام امور مهم و اساسی همچنان در دست پارلمان انگلستان باقی بماند.

Honesty**صداقت**

خصوصیت اخلاقی که بیانگر راستگویی، وفاداری به اصول، پایبندی به تعهدات و تکالیف مفروض، اعتقاد و ایمان و خلوص نیت است. صداقت هر فرد در عمل و در زندگی روزمره و اجتماعی مشخص می‌شود.

Honorary Consular Officer**مأمور کنسولی افتخاری؛ کنسول افتخاری**

ممکن است کشور فرستنده، مأمور کنسولی خود را از میان اهالی کشور پذیرنده انتخاب و به این سمت معرفی نماید. مأموران کنسولی را که به نحو مزبور انتخاب می‌کنند، بنا بر روشی که از قدیم معمول بوده، کنسول تجارت پیشه یا کنسول تجارتمی می‌نامند، ولی اکنون به مأمور کنسولی افتخاری

Historicism

تاریخ باوری؛ تاریخ‌گرایی؛ تاریخی‌نگری

۱- اعتقاد به نقش قوانین تاریخی در پیشگویی آینده. ۲- اخذ نتایج و حکم در قضایای سیاسی و اجتماعی از روی جریان وقایع تاریخی. ۳- اعتقاد به حضور و دخالت قوانین ثابت تحول تاریخی. ۴- مکتبی که به موجب آن باید هر عصری را طبق شرایط همان عصر درک کرد و اینکه نمی‌توان یک عصر تاریخی را با دوره تاریخی دیگر مقایسه نمود.

Historicity

تاریخ‌مندی؛ تاریختی

واژه مورد استفاده مارکسیست‌های اروپایی برای اشاره به این حقیقت که نهادهای بشری و ذهن شعور انسان بخشی از اهمیتشان را از ماهیتشان به عنوان پدیده‌های تاریخی به دست می‌آورند که بر حسب روندهای بزرگتر (از روندهای خودشان) تحول و تکامل می‌یابند.

Historic Stage

مرحله تاریخ

به هر یک از مراحل مختلف جامعه که طبق عقیده مارکس، مبتنی بر طرح متمایز ویژگی مالکیت است، اطلاق می‌شود. به نظر او، ترقی تاریخی جامعه، در واقع تحول شیوه‌های فنی، روشها و سازمان تولید است. هر مرحله از سازمان اجتماعی (بجز کمونیسم) نیروهایی از درون خود پدید می‌آورد که از نظر دیالکتیکی سرانجام آن را فرو می‌ریزد.

History of Diplomacy

تاریخ دیپلماسی

شرح تطور روابط میان کشورها یا بحث مربوط به روابط و مناسبات بین کشورها و علل و نتایج آن در زمان صلح و جنگ.

Hoarding

احتکار

جمع‌آوری و نگهداری کالاهای ضروری، به انتظار کمیابی و فروش آن به قیمت گران.

Hog Cycle

دور حریصانه؛ چرخه خوک‌پروری؛ چرخه خوکی

این اصطلاح را شومپتر (۱۹۵۰-۱۸۸۳) اقتصاددان اتریشی به کار برده است. وی اعتقاد داشت که بخش بزرگ اقتصاد مارکسیستی نادرست است، اما پیش‌بینی مارکسیستی در مورد اینکه سرمایه‌داری به علت تناقضات خود سقوط می‌کند، ممکن است درست باشد و واقعیت پیدا کند. شومپتر در کتاب سرمایه‌داری، سوسیالیسم و دموکراسی، این مسأله را از طریق دور حریصانه یا چرخه خوکی یعنی نمونه رفتار عقلایی کشاورزان که به نتیجه قابل پیش‌بینی و ناخواسته منتهی می‌شود، نشان داد. زیرا دو سال طول می‌کشد تا خوکی رشد کند. از این رو، کشاورزان در سالی که قیمت گوشت خوک بالا است تصمیم به پرورش خوک می‌گیرند. اما زمانی که خوکها رشد می‌کنند، بازار از خوک، اشباع شده است، زیرا تمام کشاورزان همین کار را کرده‌اند و قیمت گوشت خوک نیز پائین آمده است. به همین علت، آنها پرورش خوک را متوقف می‌کنند که در نتیجه، در زمانی که خوک حاضر و آماده‌ای ندارند، قیمت گوشت خوک افزایش می‌یابد.

خیانت به دولت**High Treason**

۱- خیانت به دولت و رهبران و مقامات عالیه آن. ۲- در حقوق انگلستان، خیانت به شاه یا ملکه و سایر مقامات بزرگ و تهدید پارلمان.

هواپیماریایی**Hijacking (Air Hijacking)**

در اختیار گرفتن کنترل هواپیمای در حال پرواز با داشتن قصد ربودن و با توسل به هر شیوه و وسیله‌ای، توسط فرد یا افرادی از داخل یا خارج از هواپیما. هواپیماریایی غالباً به منظور باج ستانی و یا مقاصد سیاسی صورت می‌گیرد. در سال ۱۹۷۸ کشورهای عمده صنعتی غرب موافقت کردند با هماهنگی یکدیگر، آمد و شد هوایی به‌یا از کشورهای راکه در تسلیم فوری هواپیماریان و هواپیمای ربوده شده به کشور محل ثبت آن کوتاهی کنند، به حالت تعلیق درآورند.

سیر تاریخی؛ تکامل تاریخی؛ تحول تاریخی**Historical Development**

تغییرات و تحولات ایجاد شده در زمان طولانی، از گذشته تا زمان حاضر و بررسی متن رویدادهای تاریخی و جوهر یا ماهیت بعضی ویژگیهای ناپیدای چیزهایی که تنها از طریق عقل یا ایمان قابل حصول بودند. به نظر امیرحسین آریانپور: سیر ما سازنده تاریخ ماست/ سیر تاریخی کجا از ما جداست/ پس اگر با شوق و آگاهی رویم/ راه تاریخی خود کوه کوه کنیم.

ماتریالیسم تاریخی**Historical Materialism**

انطباق اصول ماتریالیسم فلسفی بر پرورده تکامل تاریخ جامعه بشری. ماتریالیسم در ماتریالیسم تاریخی بدان صورت تجلی می‌کند که در اینجا نیز تولید مادی است که نقش تعیین کننده را در تکامل جامعه ایفا می‌کند و نه حیات معنوی که خود جنبه فرعی و مشتق دارد. از این رو، اصل تقدم ماده بر شعور که اصل مرکزی ماتریالیسم است بر عرصه تاریخ جامعه نیز انطباق می‌یابد. به موجب نظریه مارکسیستی ماتریالیسم تاریخی، تکامل تاریخی جامعه بشری به حرکت و دگرگونی تضادهای اساسی جامعه بستگی دارد و از آن ریشه می‌گیرد. تضادهای طبقاتی موجود در هر جامعه، تشکیل دهنده نیروی محرکه تکامل آن جامعه است. از نظر این مکتب، توده‌های مردم سازنده تاریخند و نه قهرمانان. گرچه ماتریالیسم تاریخی، نقش رهبران انقلابی را در تاریخ انکار نمی‌کند.

خلیج تاریخی**Historic Bay**

در حقوق بین‌الملل، سه نوع خلیج کوچک یا خور به رسمیت شناخته می‌شود: ۱- خلیج کوچک با دهانه تنگ (کمتر از ده کیلومتر). ۲- خلیج کوچک با دهانه گشاد (بیش از ده کیلومتر). ۳- خلیج تاریخی که به‌عنوان خلیج کوچک ملی هم معروف است. این نوع خلیج را چون از قرن‌ها قبل مورد استفاده دائمی بوده و کشور ساحل نشین نیز به ترتیب روشن و واقعی و دائم، حقوق حاکمیت خویش را با رضایت تلویحی جامعه بین‌المللی در آن اعمال کرده است، خلیج تاریخی می‌نامند و از جمله آبهای داخلی شمرده می‌شود.

- پایگاه قدرت یا اهمیت هر عضو گروه در ارتباط با سایر اعضا و با گروه به عنوان یک کل. ۴- ترتیب اشخاص یا افکار یا اشیایی است که مقام یا ارزش آنها با هم متفاوت است و بعضی از آنها تابع بعضی دیگر است. اگر سلسله مراتب در بین اشخاص حاکم باشد، دلالت بر این دارد که بعضی اشخاص در انجام وظیفه یا موقعیت اجتماعی تابع شخص دیگر است. فارابی می‌گوید در مدینه فاضله، در امر ریاست و خدمت مراتبی وجود دارد که بر حسب فطرت افراد و ترتیب آنها با یکدیگر متفاوت است و رئیس اول کسی است که طوایف مختلف را نظم و ترتیب می‌دهد و هر شخص در هر یک از طوایف، در مرتبه‌ای قرار می‌گیرد که رئیس برای او تعیین می‌کند و این مرتبه، یا مرتبه خدمت است و یا مرتبه ریاست. پس مراتبی وجود دارد که به مرتبه رئیس نزدیک است و مراتبی وجود دارد که از مرتبه او دور است و مراتبی که دورتر است.

Hierocracy

کشیش سالاری

حکومت سلسله مراتبی روحانیون مسیحی.

High Commission

کمیسیون عالی؛ نمایندگی عالی

سفارتخانه یا نمایندگیهای کشورهای مشترک المنافع (بریتانیا) نزد یکدیگر.

High Commissioner (Commissaire)

کمیسیونر عالی؛ مأمور عالی رتبه دولت؛ نماینده عالی رتبه بین‌المللی؛ کمیسر عالی

نماینده یک سازمان بین‌المللی، نماینده مقامات سیاسی یک کشور در کشور دیگر، نماینده یک دولت در سرزمینی که حکومت آن بین دو دولت مشترک است، نماینده یک دولت نزد دولت دیگر که روابط سیاسی آنها با روابط عادی دیپلماتیک مغایر است. کمیسر عالی در ردیف سایر مأمورین دیپلماتیک است و از مزایای مخصوص استفاده می‌کند. این عنوان در مورد سفرای انگلستان در برخی از کشورهای مشترک المنافع به کار می‌رود.

High Politics

سیاست سطح بالا

سیاستی که در آن، اولویت با امور مربوط به امنیت ملی، مسائل دفاعی و نظامی، سیاست خارجی و مانند اینها است.

High Sea

دریای آزاد؛ دریای پهناور باز؛ دریای باز

کلیه قسمتهای دریا (یا اقیانوس) که جزء دریای سرزمینی یا آبهای داخلی یک کشور نباشد. حق آزاد کشتیرانی برای عموم در دریای آزاد محفوظ است و هیچ کشوری حق به‌انحصار درآوردن آن را ندارد. قواعد و قوانینی برای امنیت کشتیرانی وضع شده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مجموعه قواعد بین‌المللی در مورد علائم مخابراتی و بیسیم، موافقتنامه‌های ۱۹۱۰ بروکسل درباره برخورد کشتیها به یکدیگر، موافقتنامه‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۲۹ و ۱۹۴۸ لندن در مورد حفظ جان انسان در دریا و موافقتنامه ۱۹۴۷ واشنگتن درباره ایجاد سازمان جهانی هواشناسی.

و خمودی رها سازند و به سوی انقلاب اجتماعی جلب نمایند.

Hero Worship

قهرمان پرستی

اسطوره ساختن از شخصیتها و رهبران و نسبت دادن صفات فوق العاده به آنها و پیروی بی چون و چرا از آنها.

Herstory

تاریخ زنان؛ تاریخ مؤنث

از نظر فمینیستی به معنی نظریه و مستندسازی درباره زندگی، گروه‌ها، تجربه گذشته و حال زنان و شناختن الگوها و شیوه‌های ستمی که بر آنها می‌رود و پیدا کردن الگوها و شیوه‌های واکنش در برابر آن است. این واژه با توجه به واژه ظاهراً مذکر History (تاریخ) ساخته شده است.

Hezbollah (Party of God)

حزب الله

جمع مومنین به‌الله و معتقدین به رسالت انبیاء.

Hidden Agenda

برنامه پنهان؛ منظور پنهانی

انگیزه پنهانی یا تمایل و جبهه گیری سری در پشت گفتار، سیاست و مانند اینها.

Hidden Curriculum

برنامه آموزشی نامرئی

برنامه آموزشی یا درسی نامرئی بیانگر مجموعه‌ای از اصول، ارزشها و برداشتهایی است که از طرف معلمان و به منظور تقویت کنترل اجتماعی، سازش، فرمانبرداری از دولت یا دستگاه حاکم و طبیعی شمردن نابرابریهای اجتماعی به شاگردان القاء می‌شود.

Hidden Economy

اقتصاد سایه‌ای؛ اقتصاد پنهانی

فعالیت‌های غیرمجاز و غیررسمی اقتصادی یا آن بخش از فعالیت‌های اقتصادی که در حسابهای ملی منعکس نمی‌شود یا مجموعه فعالیت‌های اقتصادی تولیدی یا خدماتی شهروندانی که سعی می‌کنند خارج از چارچوب مشخص شده اقتصاد رسمی از طریق به دست آوردن درآمد بیشتر اقدام به تأمین نیازهای خویش کنند؛ مثل بالا کشیدن مالیات دولت، تقلب با یارانه (سوبسید) و استفاده غیرقانونی از آن، حسابسازی برای فرار از پرداخت مالیات و عوارض، فروش از طریق دوره گردی، به کارگماری کودکان، تولید کالاهای غیرمجاز، فعالیت‌های غیرمجاز کارکنان دولت، تقلب از طریق نسخه‌های پزشکی، تکثیر غیرمجاز نوار و کتاب و صفحه و دیسکت، روسپیگری، سوء استفاده از ساعات کار رسمی برای منافع و مقاصد شخصی، استفاده غیرمجاز از اموال و دارائیهای دولتی، خرید و فروش غیرمجاز ارز، سوء استفاده از امتیازات سیاسی و شغلی مأموران عالی‌رتبه دولت مثلاً از طریق ایجاد کارخانه‌ها و شرکت‌های خصوصی، خرید و فروش کوپنهای مایحتاج عمومی، کارکردن به‌طور قاچاقی (سیاهکاری).

Hierarchy

سلسله مراتب

۱- اشاره به وقوع رتبه‌ها و مقامات از پایین به بالا است. ۲- سازمان متکی بر سلسله مراتب که فرودستان را به اطاعت بی چون و چرا از فرادستان وامی‌دارد و به‌ابتکارات فردی وقعی نمی‌گذارد. ۳-

نمایندگان کشورهای عضو پیمانهای ورشو (سابق) و ناتو و سیزده ملت بیطرف و غیر متعهد اروپایی حاصل شد. توافق هلسینکی زمینه‌های امنیت در اروپا، همکاری در زمینه‌های اقتصادی و علمی و تکنولوژی و محیط زیست، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، مبادلات بازرگانی و روابط فرهنگی را شامل می‌شود. توافق هلسینکی از چهار بخش تشکیل شده که هر بخش، نام یک سید را به خود گرفته است: سید اول در مورد مسائل مربوط به امنیت اروپا، سید دوم در مورد همکاریهای علمی و فنی و اقتصادی و زیست محیطی، سید سوم در مورد حقوق بشر و جریان آزاد اطلاعات و سید چهارم در مورد تشکیل کنفرانسهای آینده.

Hen-Pecked Man

زندلیل

در جوامع مردسالار، در مورد مردی به کار رفته که زنش بر او مسلط است.

Hereditary Monarchy

سلطنت موروثی

سلطنتی که در آن شاه سلطنت را به ارث می‌برد.

Heresy

بدعت؛ ارتداد؛ سنت شکنی؛ رخص

انکار مذهب رسمی کشور و بویژه بدعت و تفرقه‌اندازی در مذهب کاتولیک یا انتخاب راهی مخالف راه دین و خدا.

Heretical Books

کتابهای ضاله؛ کتابهای مُضِل

کتابهایی که خلاف واقع باشند یا قصد نویسنده، منحرف کردن (مسلمانان) باشد. به نظر عده‌ای، تعریف گمراهی، قصد گمراهی و احراز تحقق گمراهی دشوار است.

Hermeneutics

علم تاویل؛ علم تبیین معانی و مفاهیم

۱- نظریه و فلسفه تفسیر کتب مقدس (بویژه انجیل) و کشف و فهم پیام آنها. ۲- تلاش برای فهم و درک جهان نه به عنوان یک سیستم فیزیکی، بلکه به عنوان هدف یا موضوع اندیشه و عمل انسان. ۳- روش بیان یک اثر بر حسب متن آن.

Heroism

قهرمانی؛ دلاوری؛ قهرمان‌گرایی

۱- تبیین رویدادهای اجتماعی با مساعی افراد استثنائی. ۲- شکل ویژه رفتار انسان که در معنی اخلاقی، بیانگر کار عظیم است. قهرمان (یک فرد، گروه مردم، گاهی یک طبقه یا یک ملت) حل وظیفه‌ای استثنائی و پیچیده را بر عهده می‌گیرد. نیکلای میخائیلووسکی (۱۹۰۴-۱۸۲۴) نویسنده و جامعه‌شناس روسی و رهبر نهضت نارودنیکی یا پوپولیسم روسی عقیده داشت که فرد، عامل اصلی در تحلیل تاریخی و بهترین معیار ارزشیابی اجتماعی است و این روشنفکران مترقی هستند که مسیر تکامل جامعه را رقم می‌زنند. به نظر میخائیلووسکی شرایط اجتماعی استبدادی و استثماری روسیه تزاری، "خلق" را به انجاماد و خمودی کشانده و او را به توده یا "انبوه خلق" تبدیل کرده است. از نظر او، خلق به معنی مردم انقلابی و انبوه خلق یا توده به معنی انبوه مسخ شده و بی‌تحرك و منفعل مردم است. این وظیفه قهرمانان است که با سرمشق و ایثار خود، انبوه خلق یا توده را از ضعف مطلق

مقایسه با قدرت قاره‌ای کاهش یافته است ۴- زمانی که مرکز پهناورترین توده خاکی، ارتباط کافی و پیشرفت اقتصادی وسیعی را پیدا کند، موقعیتی به دست می‌آورد که بتواند بزرگترین قدرتها را اعمال کند. این توده خاکی، سیبری غربی و روسیه اروپائی را در بر می‌گیرد ۵- مردمی پرشور و فعال که به تکنولوژی نوین مجهز باشند ممکن است با در دست داشتن قلب زمین بتوانند جزیره جهان (اوراسیا) را مستخر سازند ۶- جزیره جهان به علت برتری در منابع و جمعیت ممکن است سرانجام بتواند به سرزمینهای حاشیه‌ای مانند بریتانیا، ژاپن، استرالیا و آمریکای شمالی و جنوبی تسلط یابد.

Hedonism

لذت‌گرایی؛ خوشباشی

اعتقاد به اینکه انگیزه غائی تلاش و کوشش انسان، بر خورداری از شادی و خوشی و پرهیز از رنج و اندوه است و ارزش هر تلاشی بستگی به آن دارد که چه قدر به انسان شادی و خوشی می‌بخشد یا او را از رنج و اندوه دور می‌دارد. حداکثر لذت با حداقل تلاش و کوشش و حداکثر قدرت خرید با حداقل رنج ممکن، هدف لذت‌گرایان است.

Hegemonism

پوتری طلبی؛ سیادت طلبی

سیاست قدرتهایی که با تهدید، خواهان تسلیم و اطاعت همسایگان یا وابستگان‌شانند.

Hegemony

پوتری؛ سیادت؛ سلطه؛ هژمونی

از واژه هژمون یونانی به معنی رئیس یا فرمانرواست و اشاره است به تسلط یا تفوق یک کشور بر کشورهای دیگر از طریق دیپلماسی یا تهدید به اطاعت و یا پیروزی نظامی. مع‌هذا، این واژه اغلب به مفهوم مورد نظر آنتونیو گرامشی (۱۹۳۷-۱۸۹۱) متفکر مارکسیست و نویسنده ایتالیایی به کار می‌رود که دلالت بر تسلط و استیلای یک طبقه، نه فقط از جنبه اقتصادی، بلکه از تمام جنبه‌های اجتماعی و سیاسی و ایدئولوژیک دارد. به نظر گرامشی، سلطه سرمایه‌داران فقط به وسیله عوامل اقتصادی تأمین نمی‌شود، بلکه نیازمند قدرت سیاسی و نیز یک سیستم یا دستگاه عقیدتی یا ایدئولوژیک است که کارش فراهم کردن موجبات رضایت طبقه تحت سلطه است. این دستگاهها در جوامع سرمایه‌داری عبارتند از نهادهای جامعه مدنی مثل دولت، احزاب، کلیسا، خانواده و حتی اتحادیه‌های کارگری. سرکوب سیاسی توسط دولت اعمال می‌شود. ثبات جوامع سرمایه‌داری نیز ناشی از سلطه ایدئولوژیکی دستگاه حاکم بر طبقه کارگراست. وی اعتقاد دارد که این سلطه نمی‌تواند کامل باشد، زیرا عقل سلیم که ناشی از تجربه زندگی است، به طبقه کارگر یک نوع آگاهی می‌بخشد که نقطه مقابل آن نوع آگاهی است که طبقه سرمایه‌دار بر آنان تحمیل می‌کند. به نظر گرامشی اگر این آگاهی انقلابی توسط روشنفکران تقویت شود، به صورت یک نیروی کارآمد در می‌آید. از نظر او، مبارزه طبقاتی تا حدود زیادی، کشمکش بین گروههای روشنفکری است که یکی در خدمت طبقه سرمایه‌دار و دیگری در خدمت طبقه کارگر است.

Helsinki Accord

قرارداد هلسینکی؛ توافق هلسینکی

توافق دیپلماتیک مهمی که در سال ۱۹۷۵ در مورد تحکیم صلح و ثبات در اروپا بین شرق و غرب در جریان برگزاری "کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا" در هلسینکی (فنلاند) با حضور

یاب (انترنوس) که نزد رؤسای دولتها مأموریت می‌یابند. ۳- کاردارها که نزد وزرای امور خارجه مأموریت می‌یابند.

Headquarters Agreement

قرارداد مقر

مأموریت‌های دولتی مستقر در سازمان‌های بین‌المللی دارای نظام حقوقی خاصی است و در چند شهر مهم دنیا مثل ژنو، وین، برن، پاریس و نیویورک استقرار یافته‌اند. از این رو، از یک طرف وجود قراردادهای ویژه‌ای که به قراردادهای مقر شهرت دارد، بین کشور میزبان و سازمان‌های بین‌المللی مطرح است و از طرف دیگر، مقید بودن مأموریت‌های خارجی کشور فرستنده هم به مقررات کشور میزبان و هم به مقررات داخلی سازمان بین‌المللی ذیربط. به‌طور کلی، مفاد این گونه قراردادهای عبارت است از: پذیرش آزادانه هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های دولتی عضو از طرف کشور میزبان، اعطای وضعیت دیپلماتیک و شبه دیپلماتیک.

Headquarters of the United Nations Agreement (1947)

قرارداد مقر سازمان ملل متحد (۱۹۴۷)

این قرارداد، موجودیت مستقل سازمان ملل متحد را تضمین و شرایط فعالیت آن را در خاک ایالات متحده آمریکا مشخص کرده است. این منطقه که در نیویورک قرار دارد، غیر قابل تعرض و تحت کنترل سازمان ملل متحد است و نباید به عنوان محل پناهندگی مورد استفاده واقع شود.

Healthy City

شهر سالم

این واژه در سال ۱۹۸۴ توسط یکی از اساتید دانشگاه برکلی به نام دال Duhl به کار رفت. وی شهر سالم را شهری تعریف کرده که به‌طور مداوم در ایجاد و یا بهبود شرایط اجتماعی، کالبدی و توسعه منابع فعالیت می‌کند و به این وسیله، امکان عملکرد درست و کامل برای حداکثر بهره‌برداری از توان انسانها را فراهم می‌سازد. در واقع، شهر سالم لزوماً شهری نیست که وضعیت خاص بهداشتی را کسب کرده باشد، بلکه شهر سالم شهری است که در آن نسبت به بهداشت و سلامت شهروندان به‌عنوان موضوعی شهری، آگاهی وجود داشته باشد و به‌طور دائم سعی شود تا سطح آن ارتقا یابد و امکانات و خدماتش به‌صورتی عادلانه توزیع گردد.

Heartland

قلب زمین

عنوان نظریه سرهالفورد مکیندر (۱۹۴۷-۱۸۶۱) دانشمند انگلیسی که در سال ۱۹۱۹ در توصیف آن بخشهای اوراسیا (اروپا و آسیا) به کار برد که از راه دریادست یافتنی نیستند و از این رو از حمله هر قدرت دریایی درامانند. نظریه مکیندر را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- قدرت دریایی و قدرت زمینی در دوره‌های طولانی تاریخ، هریک به‌نوبه خود در زمان معینی اثر قطعی داشته‌اند ۲- هنگامی که قدرت زمینی در اوج خود بوده، اغلب توانسته است با پیکارهای زمینی، پایگاههای قدرت دریایی را بگیرد و آن را شکست دهد ۳- تسلط مؤثر انگلستان بر دریاها موجب برتری آن کشور تا قرن بیستم بود، ولی اکنون موتورهای بخاری و بنزینی و شبکه‌های راه آهن و راههای زمینی، انحصار حمل و نقل وسیع را از چنگ دریاها برده و لذا قدرت نسبی انگلستان در

باز؛ آدم جنگ طلب**Hawk**

شخصی که به جای دیپلماسی، مذاکره و صلح، معتقد به تهدید کردن به وسیله نیروی نظامی به عنوان وسیله حل مشکلات ملی و بین‌المللی است.

بازها و کبوترها**Hawks and Doves**

دو اصطلاح بازها و کبوترها از اوایل دهه ۱۹۶۰ وارد فرهنگ سیاسی شدند. مبدأ آن نیز اطلاق باز به گروهی از اعضای حکومت آمریکا بود که اعتقاد به خشونت و سرکوب شدید در جریان جنگ ویتنام داشتند و برعکس آن، اصطلاح کبوتر بود که به مخالفین این نوع سیاست اطلاق گردید. اینک، واژه بازها در مورد افراد تندرو، طرفدار راه‌حلهای خشونت‌آمیز و جنگ طلب و واژه کبوترها در مورد افراد میانه‌رو، صلح طلب و اهل مذاکره به کار می‌رود.

آدم افراطی؛ طبل تو خالی**Headbanger**

واژه عامیانه به معنی شخصی که دارای عقاید سیاسی افراطی یا ایده‌ها و خطمشی‌های غیر معقول و دست‌نیافتنی است.

رئیس پست کنسولی**Head of Consular Post**

در روابط کنسولی، شخصی است که مأمور انجام وظیفه در این سمت است و از طرف دولت فرستنده تعیین می‌شود. دولت پذیرنده باید با مأموریت او در کشور خود با دادن روانامه موافقت کند. در عین حال، دولت پذیرنده ممکن است تا صدور روانامه، موافقت نماید که رئیس تعیین شده پست کنسولی موقتاً وظایف خود را انجام دهد.

رئیس حکومت**Head of Government**

نخست وزیر یا رئیس شورای وزیران. در پاره‌ای کشورها مثل آمریکا و برخی از کشورهای تازه به استقلال رسیده، رئیس دولت به عنوان رئیس حکومت نیز محسوب است.

رئیس دولت؛ رئیس کشور**Head of State**

اولین و عالی‌ترین شخصی که در جامعه بین‌المللی نماینده و معرف یک دولت است. مهم نیست که رئیس دولت، پادشاه باشد یا رئیس جمهوری، و مهم نیست که مقام او موروثی و یا انتخابی است، بلکه کافی است که او مطابق قانون اساسی و یا عملاً در سمت ریاست دولت قرار گرفته و به این عنوان از طرف دولتهای دیگر شناخته شده باشد.

رئیس مأموریت**Head of the Mission /**

در روابط دیپلماتیک، شخصی است که از طرف دولت فرستنده مأمور انجام وظیفه در این سمت می‌شود. چند دولت نیز می‌توانند در آن واحد، یک نفر را به عنوان رئیس مأموریت نزد دولت دیگری تعیین کنند، مگر آنکه دولت پذیرنده با این امر مخالف باشد. رؤسای مأموریت به سه طبقه تقسیم می‌شوند: ۱- سفیران دولتها و نمایندگان پاپ (نونس) که نزد رؤسای دولتها مأموریت می‌یابند و سایر رؤسای مأموریت که هم مقام آنها هستند. ۲- فرستادگان و وزیران مختار دولتها و نمایندگان

Hague Tribunal

دادگاه لاهه؛ دیوان لاهه

این واژه مترادف "دیوان بین‌المللی دادگستری" یکی از ارکان ششگانه سازمان ملل متحد است که مرکز آن در شهر لاهه (هلند) قرار دارد.

Hallstein Doctrine

دکترین هالشتاین

این دکترین که به نام والتر هالشتاین معاون وزات امور خارجه آلمان نامیده شده است، نخستین بار ضمن نطقی که کنراد آدنauer صدراعظم جمهوری فدرال آلمان (سابق) در سال ۱۹۵۵ ایراد کرد، اعلام شد. براساس دکترین هالشتاین، جمهوری فدرال آلمان با هر دولتی - بجز شوروی سابق - که با جمهوری دموکراتیک آلمان (سابق) رابطه دیپلماتیک برقرار می‌ساخت، قطع رابطه می‌کرد. علت استثنای شوروی سابق از حوزه اطلاق دکترین هالشتاین، امکان تماس دیپلماتیک با این کشور به منظور رهایی سربازان آلمانی محبوس در شوروی بود.

Hands-Off

دستها کوتاه (دخالت نکنید)

شعاری که منظور از آن، قطع مداخله یک کشور در امور داخلی کشور دیگر است.

Hansard

اخبار مجلس

گزارش رسمی مذاکرات در پارلمان انگلستان که از نام لوک هانسارد (۱۸۲۸-۱۷۵۲) چاپگر گرفته شده است.

Happiness

سعادت؛ خوشبختی؛ شادگامی

رضایت کامل در مورد چیزی که نصیب نفس انسان شده است. نظر فیلسوفان در مورد حقیقت سعادت متفاوت است. سوفسطائیان، سعادت را ارضای امیال و هوسها دانسته‌اند. افلاطون، سعادت را پیروی از فضیلت و اپیکوریان، سعادت را بهره‌مندی از لذات جنسی دانسته‌اند. بعضی کار و کوشش را موجب سعادت دانسته‌اند. کانت، سعادت را حالت آرمانی می‌داند که انسان تدریجاً به آن نزدیک می‌شود، ولی هرگز واقعاً به آن نمی‌رسد. به نظر عده‌ای نیز آنچه که انسان را سعادتمند می‌کند، تأمین کلیه نیازهای روزافزون معنوی و مادی، فردی و اجتماعی یک فرد در هماهنگی با افراد دیگر است که از طریق چیرگی بر جبر قوانین طبیعی و اجتماعی، رشد عالی تمدن و تکامل معنوی انسان حاصل می‌شود. عده‌ای نیز نبرد علیه بی‌سعادت دیگران را بهترین سعادت می‌دانند، زیرا به زندگی انسان هدف و محتوا می‌بخشد و زندگی کوتاه را پس از مرگ نیز در یادها جاودان می‌دارد.

Harassment

آزار؛ مزاحمت

رنج، عذاب، شکنجه، اذیت، صدمه یا شکلی از اجبار که زیاد اتفاق می‌افتد، به آسانی قابل تشخیص است اما مشکل بتوان آن را تعریف کرد.

Hardliner

سرسخت

سیاستمدار یا شخص غیر قابل انعطاف و سازش ناپذیر و تندرو.



Habeas Corpus

هابس کرپوس؛ احضار زندانی به دادگاه

فرمانی که هدف آن محدود کردن دستگیریهای بیمورد و دلخواه بود، یا قرار فوق العاده احضار زندانی به منظور رسیدگی به اینکه توقیف وی طبق قانون انجام گرفته است یا خیر. در انگلستان قانون اساسی مدون که ضمن مواد آن، حقوق و آزادیهای اشخاص اعلام شده باشد، وجود ندارد. اما برای دفاع و حفظ آزادیهای اساسی، قواعد و روشهای مؤثری وجود دارد که در واقع، موجب مشروطیت انگلستان است. هریک از این قواعد بیش از قاعده قبلی، مصونیت اشخاص را در مقابل توقیف غیر قانونی تأمین نموده است. در آغاز، دو کلمه هابس کرپوس در نوشته‌ای به کار می‌رفت که براساس آن، پادشاه به شخص معینی به نحو خاصی فرمان می‌داد که در دادگاه عدالت برای توضیح حضور یابد. فرمول این نوشته یا قرار فوق العاده به این شرح بود: تویکی از رعایای ما را برخلاف عدالت توقیف کرده‌ای. او را آزاد کن و در غیر این صورت، بیا و در مقابل قضات، علت توقیف او را بیان کن و در این صورت، او را در جلسه دادگاهی که در آن حاضر می‌شوی با خود بیاور. در آغاز، منظور از هابس کرپوس، حفظ آزادی اشخاص نبوده، بلکه تقویت قدرت سلطنت در مقابل فئودالها بوده است و به علت ارتباط آن به قدرت سلطنتی، هیچگاه در مقابل توقیفهایی که به نام پادشاه (حتی بدون دلیل) صورت می‌گرفته، مؤثر نبوده است. هابس کرپوس در سال ۱۶۷۹ به تصویب پارلمان رسید.

Hacker

رخنه گر؛ نفوذ گر؛ مزاحم؛ هکر

کسی که از تخصص کامپیوتری خود برای مزاحمت، نفوذ یا استفاده و دستیابی غیر قانونی و غیر مجاز به داده‌ها، سیستمها و برنامه‌های کامپیوتری یا به قصد دستکاری و تخریب آنها استفاده می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که هکرهاى سیاسى تحت فرمان حکومتها، سرداران جنگهای کامپیوتری و اینترنتی شوند. چنانکه در جریان جنگ آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳، هکرها با هدف قراردادن سایت اینترنتی شبکه خبری ماهواره‌ای الجزیره (قطر)، پرچم آمریکا را جایگزین سایت اینترنتی این شبکه کردند. اصطلاح کراکر Cracker نیز در مورد کسی به کار می‌رود که راهزنانه در سیستمهای کامپیوتری رخنه و اختلال می‌کند.

انگلستان و آمریکا برای بیان تعطیلی اجباری بحث‌های پارلمانی مورد استفاده قرار گرفت که از لحاظ قطع شدن به گیوتین (سایور اعدام برای بریدن سر مجرمان در فرانسه) تشبیه شده بود.

Guilt Feeling

احساس گناه

حالت عاطفی رنج‌آور ناشی از انجام کار خطا بر اساس معیارهای شخصی با اخلاق اجتماعی.

Gulag

گولاگ

سرنام روسی «اداره کل اردوگاه‌های کار اصلاحگر». هدف ظاهری این اردوگاه‌های پراکنده در نواحی دوردست و غیرمسکونی اتحاد شوروی (سابق)، زندانی کردن و اصلاح شهروندانی بود که مرتکب جرائم ضد خلقی شده بودند. زندانیان به کار کردن در راه صنعتی کردن و توسعه زیربنای کشور مجبور بودند. الکساندر سولژ نیتسین، شرایط سخت و مرگ‌آور این اردوگاه‌ها را در اثری به نام مجمع‌الجزایر گولاگ تشریح کرده است.

Guliver Effect

اثر گالیور

این واژه مبین مناسبات و سیاست‌های تحمیل‌گرانه اقتصادی و سیاسی میان یک کشور بزرگ با کشور کوچک همجوار آن است.

Gunboat Diplomacy

دیپلماسی قایق توپدار؛ سیاست زور

قایق توپدار، کشتی جنگی کوچکی بود که در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم، استعمارگران اروپایی و آمریکایی از آن استفاده می‌کردند. اصطلاح دیپلماسی قایق توپدار یا دیپلماسی توپخانه دریایی بویژه برای تقبیح نقش ایالات متحده آمریکا در اعمال قدرت نظامی و دریایی به منظور تهدید کشورهای دیگر و نیز تأمین منافع نامشروع سوداگران آمریکایی به کار می‌رود. وقایعی که در سالهای اخیر، بویژه در خلیج فارس روی داد، این وجه از سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا، یعنی دیپلماسی قایق‌های توپدار را به مردم جهان شناساند.

Gynaecocracy

حکومت زنان

حکومتی که اعضای تشکیل دهنده آن تمام یا بیشتر زن باشند.

Gynarchy

حکومت زنان؛ زن‌سالاری

حکومتی که در آن، زنان از لحاظ قانونی شایستگی فرمانروایی دارند.

خرابکاری و جنگ و گریز در خطوط دشمن است. مائو (۱۹۷۵-۱۸۹۳) رمز پیروزی این نوع جنگ را در حمایت مردم بومی از چریکها دانسته است. ژنرال جیاب از فرماندهان معروف جنگ ویتنام امکان تبدیل شدن جنگ چریکی را به جنگ منظم فراهم نمود و کمر ارتشهای متجاوز فرانسه و آمریکا را با وارد کردن ضربه‌های سخت شکست. چه گوارا (۱۹۶۷-۱۹۲۸)، رژی دبره و کارلوس ماریگلا از دیگر نظریه پردازان و رهبران جنگ چریکی، اقدام به جنگ چریکی را در شرایطی که حمایت مردم بومی وجود ندارد، از طریق توسل به قیام مسلحانه ممکن می دانستند و نیروی پیشناز قیام مسلحانه را به منزله هسته تشکیلات و نیروی پیشاهنگ سیاسی قلمداد می کردند. کارلوس ماریگلا، کمونیست انقلابی برزیلی پس از مرگ چه گوارا در یک فراخوان خلق برزیل به انقلاب می گوید: قهری که ما از آن دفاع می کنیم و در پی سازمان دادن آن هستیم، عبارت است از مبارزه مسلحانه توده‌ای در شکل جنگ چریکی. گوریل‌ها (اعضا و عناصر عالی‌رتبه رژیم نظامی برزیل) می پندارند که مرگ چه گوارا در بولیوی به منزله پایان و مرگ جنگ چریکی بوده است. خلق برزیل مبارزه قهرمانانه چه گوارا را دنبال می کند، زیرا تاریخ جانب او را خواهد گرفت. ماریگلا در سال ۱۹۶۹ در درگیری مسلحانه با نیروهای امنیتی برزیل کشته شد.

Guestage

همان گروگان

این واژه در مورد اتباع خارجی به گروگان گرفته شده در عراق یا کویت در دوره اشغال کویت توسط عراق (دوم اوت ۱۹۹۰) به کار رفته است.

Guild

صنف

انجمنهای دائمی و داوطلبانه (معمولاً شغلی) برای تأمین منافع مشترک اعضا. اصناف از اوایل قرن یازدهم میلادی به عنوان سازمانهای کارگران و صنعتگران ماهر به منظور تأمین و پیشبرد منافع اجتماعی و حرفه‌ای، آموزش و رفاه و گرایشات مذهبی اعضا پدیدار شدند. اصناف، مهارتها و رموز یک حرفه را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کردند و مانع ورود افراد غیر به آن صنف می شدند و ضمناً تشکیلاتی برادرانه و وحدت یافته بودند.

Guild Socialism

سوسیالیسم صنفی

نهضتی که با پذیرفتن پاره‌ای از عقاید سوسیالیستی و سندیکالیستی، در اوایل قرن حاضر در انگلستان پایه گذاری شد و مبنای آن، این بود که صنایع باید خود مختاری داشته باشند و کارگران در اداره آنها نظارت کنند. به عقیده هواداران این نهضت، بایستی مانند نظام صنفی قرون وسطی، هر صنف یک اتحادیه تشکیل دهد و به وسیله اعضای آن اداره شود و در کل جامعه، اتحادیه‌های مختلف به صورت فدرال گرد هم جمع شوند. سوسیالیسم صنفی در سال ۱۹۲۵ از بین رفت، ولی اثراتی از خود در اتحادیه‌های کارگری انگلستان باقی گذاشت.

Guillotine

کفایت مذاکرات؛ قطع اجباری بحثهای پارلمانی

اعلام ختم مذاکرات و بحثها در مجلس عوام انگلستان پیرامون لایحه‌های مجلس که در روز و ساعت مشخص، بحثهای مربوط به لایحه قطع شود. این اصطلاح در اواخر قرن نوزدهم در

رشد شهروندی**Growth of Citizenship**

ساختار اجتماعی کشورهای پیشرفته صنعتی در قرن حاضر، دگرگونیهای شگرفی یافته است. تاریخ این قرن را تاریخچه رشد برابری در حوزه‌های تازه‌ای از زندگی اجتماعی دانسته‌اند. بعضی نویسندگان برای بیان این دگرگونیها، که موجبات برخورداری از حقوق مدنی و اقتصادی و تأمین اجتماعی را فراهم کرده است، واژه رشد شهروندی را به کار برده‌اند.

مثلث رشد**Growth Triangle**

منطقه‌ای واقع در منتهی‌الیه مرکز ورود به تنگه‌ی مالاکا و مرکب از جوهور Johor و دو مین استان بزرگ در شبه جزیره‌ی مالزی، جزایر ریوا با مرکزیت باتام (بخشی از استان ریوای اندونزی) و کشور سنگاپور که بین دو استان یادشده قرار دارد. این منطقه برای رشد و توسعه اقتصادی و در جهت تکامل همکاریهای منطقه‌ای و نه در جهت رقابت به وجود آمده است. مثلث رشد، حاصل همکاری اقتصادی و صنعتی بخشهای دولتی و غیردولتی سه کشور سنگاپور، مالزی و اندونزی است.

تضمین**Guarantee**

تعهدی که یک فرد یا دولت برای اقدام به عملی یا اجرای حقی یا تأمین خسارت وارده به دیگری می‌دهد.

بوروکراسی محافظ**Guardian Bureaucracy**

در این نوع بوروکراسی، سازمانهای اداری جامعه برای حمایت از یک نوع فلسفه خاص زندگی اجتماعی و یک آرمان ملی بخصوص که ایدئولوژی مسلط تمام مردم جامعه بشمار می‌رود به وجود می‌آیند و گاه این آرمان به حد پرستش و تقدس می‌رسد. در این نوع بوروکراسی، رهبران مورد اعتماد جامعه که وظیفه حفظ و اشاعه این ایدئولوژی را دارند، افراد برتر به شمار می‌آیند که هیچکس قادر به رقابت با آنان نیست. پاپ و سازمان کلیسای کاتولیک رم را مظهری از این رهبران نمونه‌ای از این نوع بوروکراسی شمرده‌اند.

گارد احترام**Guard of Honour**

گروه مسلحی که در اجرای مراسم تشریفاتی شرکت می‌کند.

چریک؛ گریلا**Guerrilla**

واژه اسپانیایی به معنی کسی که درگیر یک جنگ نامنظم است و بویژه به عنوان عضو گروهی مستقل و مسلح و معمولاً دارای هدف انقلابی یا ناسیونالیستی و استقلال طلبانه، دست به حملات غافلگیر کننده، عملیات ایزدایی و خرابکاری می‌زند.

جنگ چریکی**Guerrilla Warfare**

۱- جنگی نامنظم که معمولاً ناراضیان سیاسی برای دگرگونی نهادهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور به منظور کسب قدرت، آن را به راه می‌اندازند. ۲- نبردی که نیروی جنگی آن از افرادی که تابع مقامات رسمی نظامی نیستند، تشکیل شده و شیوه آن جنگ نامنظم نظیر دامگستری،

در شانگهای چین عهدنامه‌ای در مورد غیرنظامی کردن مرزهای مشترک امضا کردند و از آن پس، در مورد مسائل امنیتی و توسعه روابط اقتصادی نیز به توافق‌هایی دست یافتند. در سال ۲۰۰۰ با پیوستن ازبکستان به این گروه، نام آن به «سازمان همکاری شانگهای» تغییر یافت.

Group of Ten (Paris Club)

گروه ده؛ باشگاه پاریس

گروه کشورهای عمده صنعتی و وام‌دهنده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که در اواخر دهه ۱۹۵۰ به منظور بررسی و کاهش بدهی کشورهای بدهکار تشکیل شد. در آن زمان، شمار این قبیل کشورها اندک بود و اغلب آنها در آمریکای لاتین قرار داشتند. گروه ده از کشورهای آلمان، آمریکا، انگلستان، ایتالیا، ژاپن، بلژیک، سوئد، فرانسه، کانادا و هلند تشکیل شده و اصولاً یک سازمان غیررسمی است و فقط مجمعی برای بحث درباره مشکلات مالی کشورهای وام‌گیرنده است. گروه ده به دلیل تشکیل اولیه آن در پاریس، به باشگاه پاریس نیز معروف است. باشگاه پاریس در سالهای اخیر با تعدیل سیاستهای خود و با قبول موافقتنامه تورنتو روشهای جدیدی را برای زمانبندی وامها و کاهش بدهی کشورهای کم درآمد در پیش گرفته است. موافقتنامه تورنتو در چهاردهمین اجلاس اقتصادی سران هفت کشور بزرگ صنعتی در سال ۱۹۸۸ در تورنتو به تصویب رسید. در این موافقتنامه از جمله تدابیری برای زمانبندی پرداخت یا بخشودگی بدهیهای کشورهای کم درآمد در نظر گرفته شده است.

Group Pressure

فشار گروهی

استفاده از نفوذ مستقیم یا غیر مستقیم توسط گروههای اقلیت، برای نیل به هدفهای سیاسی.

Groupthink

گروه اندیشی

این واژه را ایروینگ ال جینس Janis در سال ۱۹۷۲ برای اشاره به شیوه تفکری در مبحث رفتار سازمانی به کار برده که در آن، اعضای گروه، تحت فشار گروهی، به نحوی توافقجو می‌شوند که از ارزیابیهای واقعگرایانه باز می‌مانند و به فکری که مورد نظر گروه است گرایش می‌یابند و آن را باور می‌کنند. در گروه اندیشی، کارائی مغز، قدرت آزمایش واقعیتها و قضاوت اخلاقی به علت فشارهای درون‌گروهی تخریب می‌شود. فرد، در چنین حالتی مثل گوسفندی درگروه، بدون هیچگونه اراده‌ای از خود، همان را می‌گوید که گروه می‌خواهد و همان‌گونه فکر می‌کند که گروه می‌طلبد.

Growth Enclave

جزیره رشد

منطقه پیشرفته در کشورهایی که اکثر مناطق آن توسعه نیافته است و مانند یک جزیره پیشرفته در دریایی از عقب ماندگی احاطه شده است. سانوپولو (برزیل)، آبیجان (ساحل عاج)، مکزیکو (مکزیک)، کاراکاس (ونزوئلا) و تایپه (تایوان) را از جمله جزیره‌های رشد شمرده‌اند. تولید ملی در این کشورها به صورت ناعادلانه بین طبقات اجتماعی و مناطق اداری توزیع می‌شود که اغلب موجب شعله‌ور شدن تنشهای اجتماعی است. رژیمهای این کشورها برای حفظ سرپوشی که بر این دیگ جوشان گذاشته‌اند و به منظور پیشبرد سیاستهای خشن تر از پیش خود، اغلب به سرکوبی و زور متوسل می‌شوند.

Group of Eight (G8)**گروه هشت**

"هفت کشور بزرگ صنعتی": آلمان، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، ژاپن، فرانسه و کانادا، به علاوه روسیه که در اجلاس سال ۱۹۹۸ لندن به عنوان عضو کامل شرکت کرد و گروه هفت را به گروه هشت تبدیل کرد. در اجلاس ژوئن ۲۰۰۳ گروه هشت که در ایوان فرانسه برگزار شد، رهبران کشورهای مثل عربستان سعودی، مصر، چین، هند، مکزیک و مالزی و رؤسای مؤسساتی مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز شرکت داشتند. در این اجلاس، ضمن تأکید بر اقتصاد، امنیت و توسعه، مسائل اقتصادی جهان، مبارزه با تروریسم و کاهش تنش ناشی از اشغال عراق بین اروپا و آمریکا مورد بحث قرار گرفت.

Group of Fifteen (G15)**گروه پانزده**

این گروه در سال ۱۹۸۹ برای مقابله و تنظیم روابط و همکاری با کشورهای صنعتی و ثروتمند جهان و گروه‌های بین‌المللی مثل گروه هشت و سازمان بین‌المللی تجارت تشکیل شد و اگرچه تعداد اعضای آن در سال ۲۰۰۰ به ۱۸ عضو رسید، ولی به همان اسم اولیه گروه پانزده معروف است و کشورهای درحال توسعه آرژانتین، الجزایر، اندونزی، برزیل، پرو، جامائیکا، زیمبابوه، سنگال، شیلی، مالزی، مصر، مکزیک، نیجریه، ونزوئلا، هند، کنیا، ایران و کلمبیا را دربرمی‌گیرد. در بیانیه پایانی هفتمین گردهمایی سران و مقامات کشورهای عضو (در نوامبر سال ۱۹۹۷ در کوالالمپور) اعلام شد که اگرچه سازمان جهانی تجارت، چارچوب مهمی برای ایجاد تسهیلات تجاری در جهان است، ولی ساختار نامتعادلی دارد و همه کشورها نمی‌توانند به طور مساوی از منافع و حقوق خود حفاظت و دفاع کنند.

Group of Paris**گروه پاریس**

گروهی که تصمیم به تأسیس آن در تابستان ۱۹۷۹ به ابتکار ژان ژاک سروان شرایبر، کارل شیلر و ساموئل پیزار گرفته شد و توسط مردانی از اروپا، خلیج فارس و ژاپن به وجود آمد. هدف آن، یافتن بهترین طریق توسعه جهانی، نفی مسابقه تسلیحاتی و اعتقاد به چند قطبی شدن دنیاست. به نظر آنها عصر تکاپوی آمریکایی و برتری جوئی تنها یک کشور در عرصه اقتصادی و علمی سرآمده است و قطب‌های جدیدی سربرآورده‌اند: جامعه اروپا، ژاپن، آسیای جنوب شرقی، خلیج فارس. گردهمایی‌های گروه از جمله در سال ۱۹۷۹ در هامبورگ، پاریس، زوریخ، توکیو و ۱۹۸۰ در دهلی‌نو، کویت، ریاض، پاریس، واشنگتن و الجزیره تشکیل شده است.

Group of Seventy-Seven**گروه هفتاد و هفت**

این گروه در کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (۱۹۶۴) به عنوان یک گروه فشار و به منظور حمایت و دفاع از منافع کشورهای در حال توسعه ایجاد شد و به لحاظ اینکه هفتاد و هفت کشور را دربر می‌گرفت، به گروه ۷۷ شهرت یافت. تعداد اعضای گروه ۷۷ در سال ۱۹۸۶ به ۱۲۳ کشور رسید.

Group of Shanghai**گروه شانگهای**

گروه کشورهای چین، روسیه، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان که سران آنها در سال ۱۹۹۶

اروپا (۱۶۴۸-۱۶۱۸) موجب بدبختیها و جنایات زیادی شد. او مورد تنفر هم‌میهنانش قرار گرفت.

Gross Domestic Product

محصول ناخالص داخلی؛ تولید ناخالص داخلی

ارزش کالاها و خدمات تولیدی در یک کشور به قیمت جاری و در یک دوره معین، مثلاً یک سال.

Gross National Product

محصول ناخالص ملی؛ تولید ناخالص ملی

ارزش پولی کل کالاها و خدمات تولید شده در یک اقتصاد در یک دوره معین (مثلاً یکسال) و

براساس قیمت‌های جاری بازار قبل از کسر استهلاک و سایر مخارج مربوط به استهلاک کالاهای بادوام.

Group

گروه

۱- هنگامی که اشخاصی چند، به دلیل یا به دلایلی دور هم گردآیند، معمولاً آنها را یک جمع، یک جمعیت، یک دسته، یک فرقه، یک انجمن و یا یک گروه می‌نامند. گروه‌ها با توجه به نسبت شماره اشخاص تشکیل دهنده آنها ممکن است به کوچک، متوسط یا بزرگ تقسیم شوند. ۲- واحدهای سازمانی نسبتاً کوچکی است که هر فرد در طول حیات خود عضویت تعدادی از آنها را می‌پذیرد. تنوع میان این گروه‌های کوچک که به مناسبت‌های مختلف (سیاسی، ورزشی، اقتصادی، اداری، فنی و جزاینها) ممکن است تشکیل شود، بسیار زیاد است. هر یک از این گروه‌های کوچک و مختلف، شیوه رفتار و آداب و رسوم و معتقدات ویژه‌ای را به وجود می‌آورد که آثار خود را بر طرز تفکر، رفتار و توقعات اعضای خویش باقی می‌گذارد. به‌طور کلی هرگاه اجتماعی از افراد، دارای ویژگی‌های زیر باشد، آن را می‌توان گروه نامید: ۱- عضویتی که قابل تعریف باشد: اجتماعی از دو فرد یا بیشتر که با نام یا نوع آن مشخص گردد ۲- آگاهی گروهی: افراد و اعضای خود را به چشم گروه می‌بینند، دارای تفاهم مشترک هستند و از نظر عاطفی و روحی نیز خود را به یکدیگر بسیار نزدیک حس می‌کنند. ۳- احساس آرمان و قصد مشترک: اعضای گروه دارای هدفها و یا آرمانهای مشترکند. ۴- بستگی درونی و متقابل در ارضای نیازها: اعضا برای رسیدن به هدفهای گروه به یاری یکدیگر نیازمندند. ۵- فعل و انفعال یا کنش و واکنش متقابل: اعضا باهم ارتباط برقرار می‌کنند، یکدیگر را تحت تأثیر و نفوذ قرار می‌دهند و نسبت به یکدیگر واکنش نشان می‌دهند. ۶- توانایی در وحدت عمل: گروه می‌تواند چون یک عضو یا تن واحد رفتار و اقدام کند.

Group Dynamics

پویایی‌شناسی گروهی؛ تکاپوشناسی گروه

رشته‌ای از دانش که به قدرت تحرک گروه‌ها می‌پردازد. با توجه به چگونگی ارتباط بین افراد، یعنی پیوستگی یا گسستگی آنها نسبت به یکدیگر در یک گروه، امکان دارد آن گروه، سیمایی استوار و منسجم یا پریشان و نامنظم و پراکنده داشته باشد. شناخت گروه، کیفیت و نیروهای خاص آن، نفوذ آن روی افراد خود، واکنش افراد نسبت به کل گروه و یا نسبت به یکدیگر در ضمن یک گروه، موضوع این رشته است.

Grouping

گروه‌بندی

تشکل ارادی و معمولاً غیردائمی گروهی از اشخاص، انجمن‌ها یا کشورها به قصدی خاص. این واژه هم به معنی عمل گروه‌بندی و هم دسته، باند و یا مجموعه‌ای است که با گروه‌بندی به وجود می‌آید.

Green Card

کارت سبز؛ گرین کارت

۱- برکه اجازه کار و اقامت در ایالات متحده آمریکا. ۲- گواهینامه مخصوص بیمه اتومبیل برای سفر به خارج از بریتانیا.

Greenhouse Effect

اثر گلخانه‌ای

اثرهای درون یک گلخانه که در آن، نور خورشید بعد از گذر از شیشه‌های گلخانه به اشعه مادون قرمز تبدیل می‌شود و فضای گلخانه را گرم می‌کند. این حالت برای کره زمین هم اتفاق می‌افتد که گاهی با واژه گرم شدن زمین از آن یاد می‌شود. اثر گلخانه‌ای در نتیجه آلاینده‌های جوئی به وجود می‌آید.

Green Light

چراغ سبز

این واژه، گاهی کنایه از اجازه دست به کاری شدن است. مثل چراغ سبز ایالات متحده آمریکا به عراق برای اشغال کویت در سال ۱۹۹۰.

Green Party Movement

جنبش حزب سبزها

گروه متشکل از طرفداران محیط زیست و مخالفان سلاح‌های هسته‌ای. سبزها در سال ۱۹۷۹ نمایندگان خود را به "پارلمان اروپا" فرستادند و در سال ۱۹۸۳ نیز به پارلمان آلمان راه یافتند. احزاب سبز در کشورهایی مثل استرالیا، ژاپن، هلند، بلژیک و سایر کشورهای اروپایی به وجود آمده‌اند.

Green Revolution

انقلاب سبز

انقلاب در کشاورزی یا افزایش محصولات کشاورزی (بویژه گندم، برنج و غلات) بر اثر کاربرد بذرهای اصلاح شده و پربازده و مقاوم در برابر آفات و بیماریها، کود شیمیایی و آبیاری صحیح.

Green Socialism

سوسیالیسم سبز

این واژه در غرب گاهی برای اشاره به جنبشها و احزاب سیاسی مدافع حفظ محیط زیست و مخالف مسابقه تسلیحاتی به کار می‌رود (مثل حزب سبزهای آلمان و جنبش صلح سبز). سوسیالیسم سبز، مبتنی بر یک سلسله ارزشهای مجرد لیبرالی و سوسیالیستی است که بویژه نزد رادیکالهای طبقه متوسط جاذبه دارد.

Grey Eminence

عالمجناب خاکستری

کسی که سررشته امور را در اختیار دارد و قدرت واقعی را پنهانی و در پشت پرده اعمال می‌کند و به شیوه‌های آزاد منبشانه، انسانی و شفاف اعتقاد ندارد. از جنبه تاریخی در مورد یک روحانی سیاسی به نام فرانسوا ژوزف لوکلرک دو ترابله Tremblay معروف به پدر ژوزف Father Joseph (۱۶۳۸-۱۵۷۷) به کار رفته که به کاردینال ریشلیو Richelieu (۱۶۴۲-۱۵۸۵) وزیر اعظم لوئی سیزدهم رهنمود می‌داده است. جاه طلبیهای پدر ژوزف برای تغییر کیش پروتستانهای اروپا به رومن کاتولیسیسم با نقشه‌های سیاسی ریشلیو برای تسلط فرانسه بر اروپا هماهنگ شد. مخالفان با توصیه پدر ژوزف نابود می‌شدند و ریشلیو در مقابل، سکوت می‌کرد. مداخله آنها در جنگ سی ساله

نظام کمک و اعانه**Grants-in-Aid System**

نظامی که حکومت مرکزی به وسیله آن، به حکومت‌های محلی و واحدهای کوچکتر کمک می‌کند یا در انجام خدمات محلی بدون اینکه جانشین حکومت محلی شود، رأساً شرکت می‌نماید.

مبارزه وسیع و مردمی**Grass Roots Campaign**

این واژه در فرهنگ سیاسی آمریکا برای اشاره به جلب پشتیبانی تمام اعضای یک حزب یا کلیه رأی‌دهندگان در سراسر کشور به کار رفته است.

حق شناسی؛ نمک شناسی**Gratitude**

این واژه بیانگر طرز برخورد شخص در برابر لطف و احسان شخص (گروه یا سازمان) دیگر است که به صورت خاصی از آمادگی برای پاسخ و اقدام متقابل متجلی می‌شود.

جنبش عظیم؛ بیداری بزرگ**Great Awakening**

این اصطلاح در مورد جنبش دینی نیمه دوم قرن هجدهم میلادی در مهاجرنشینان آمریکا به کار رفته که در نیوجرسی و در اثر تبلیغات کشیشی به نام گیلبرت تننت شروع شد و در افکار و عقاید سیاسی و اجتماعی و ایجاد روح دموکراسی در دین و برقراری ارتباط بین مهاجرنشینان مؤثر بوده است.

بازی بزرگ**Great Game**

این واژه برای اشاره به رقابت انگلستان و روسیه تزاری برای تسلط بر قفقاز و آسیای مرکزی در قرن نوزدهم میلادی به کار رفته است.

جهش بزرگ به پیش**Great Leap Forward**

خط مشی و برنامه صنعتی کردن چین که در سال ۱۹۵۸ به ابتکار مائو آغاز شد. شعارهای تبلیغاتی حاکی بود که کار بیست سال در یک روز انجام خواهد شد و چین در مدت پانزده سال انگلستان را پشت سر خواهد گذاشت. برنامه جهش بزرگ به پیش که در واقع برای افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی و از میان بردن اختلافات و تبعیضات بین صنعت و کشاورزی از یک طرف و شهر و روستا از طرف دیگر به اجرا درآمد، موفقیت‌آمیز نبود و چین را به صورت یک کشور کشاورزی باقی گذاشت و همچنین آن را از طرح‌های صنعتی بزرگ دور کرد و به سوی صنایع محدود و محتاج به نیروی کارگر سوق داد.

کشورهای بزرگ؛ قدرتهای بزرگ**Great Powers**

کشورهایی مثل انگلستان، چین و فرانسه که از جهات مختلف نیرومند هستند، ولی هنوز مثلاً از نظر تسلیحات اتمی به پایه قدرت اتمی ایالات متحده آمریکا نرسیده‌اند.

سبز**Green**

شخصی که از حزب سبز یا آرمان سیاسی زیست محیط‌گرایانه پشتیبانی می‌کند و طرفدار صلح و مخالف استفاده از نیروی هسته‌ای است.

پادشاه یا ملکه انگلستان برای اداره تشریفاتی کشورهای فوق منصوب می‌شود که در عمل، هیچگونه اختیار و اقتداری ندارد و نخست‌وزیر، مجری و اداره کننده امور کشور است.

Grace

وقار؛ متانت

توانائی ظاهر شدن در جامعه به گونه‌ای که موجب جلب علاقه، همدلی و فرمانبرداری دیگران گردد بدون اینکه به غرور آنها لطمه‌ای وارد شود.

Gradualism

آیین پیشرفت تدریجی؛ پیشرفت گام به گام

اعتقاد به اینکه دگرگونی و پیشرفت در زندگی اجتماعی و سیاسی، نه از طریق وسایل مادی و انقلاب ناگهانی، بلکه با تلاش فرهنگی و نفوذ و رسوخ مستمر و سیستماتیک در نهادهای سیاسی موجود فراهم می‌گردد. این آیین، دیدگاه احزاب سوسیال دموکرات و نیز همه احزاب سوسیالیست و کمونیستی است که برای پیشبرد هدفهای خود، بویژه از طریق انتخابات متعارف، آماده رقابت با لیبرالها و محافظه کاران می‌شوند.

Graft

سوء استفاده مالی

استفاده از مقام و منصب دولتی برای نفع شخصی.

Grand Area Planning

برنامه‌ریزی منطقه بزرگ

پس از جنگ جهانی دوم، برنامه‌ریزان وزارت امور خارجه آمریکا برنامه‌ای راهبردی برای کنترل مناطق مهم جهان تهیه کردند که کانون آن مناطق نفتخیز خاورمیانه (دارای ۶۵ درصد ذخایر نفتی دنیا) بود. این منطقه که تا جنگ جهانی دوم، بخشی از حوزه نفوذ انگلستان بود، پس از پایان جنگ جهانی دوم، به عنوان اهرم اصلی برای کنترل سیاسی و نظامی جهان به دست آمریکا افتاد. به این علت، دولت آمریکا پس از پایان جنگ جهانی دوم با همکاری انگلستان دست به یک رشته مداخلات آشکار و نهان در کشورهای منطقه زد که از جمله می‌توان به سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق (مرداد ۱۳۳۲) در ایران و اشغال عراق (فروردین ۱۳۸۲) اشاره کرد.

Grandstanding

جلب حمایت مخاطبان؛ جلب حضار

اشاره به تلاش ماهرانه سخنران برای آنکه از سوی مخاطبان و حضار مورد تشویق و تحسین قرار گیرد.

Grants-in-Aid

کمکهای بلاعوض

نوعی از کمکهای خارجی به کشورهای کم‌رشد یا روبه‌رشد. کمکهای به اصطلاح بلاعوض نمی‌تواند بدون سود باشد، زیرا کشورهای کم‌رشد نیز در مقابل دریافت کمک و هدیه، امتیازاتی برای سرمایه‌داران خارجی تأمین می‌کنند. بدیهی است که این نوع کمکها سود فوری دربر ندارد، اما عملیات و سود بعدی دارای اهمیت بسیاری است. به‌طور کلی، "کمک خارجی" را می‌توان نوع خاصی از صدور سرمایه دانست که نه تنها دارای هدف اقتصادی است، بلکه شامل هدفهای سیاسی هم می‌باشد و معمولاً توسط کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به کشورهای کم‌رشد یا رو به‌رشد اعطاء می‌شود تا آنها را در مدار نظام سرمایه‌داری نگه دارد.

معنی انتخاب می‌شوند تا از جانب «حکومت»، امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور را اداره کنند. به عبارت دیگر، در حالی که «حکومت» جنبه‌ای مفهومی دارد و همیشگی است (مگر از راه کودتا یا انقلاب تغییر یابد)، «دولت» تشکیلاتی موقتی است شامل افرادی انتخاب شده که چهره فیزیکی «حکومت» را نمایان می‌کنند و از طرف «حکومت»، اداره امور جامعه را در دست می‌گیرد. بدین ترتیب، واژه State در انگلیسی و مترادف آن در زبان فرانسوی Etat با واژه فارسی - عربی «حکومت» برابر است و واژه Government در برابر واژه فارسی - عربی «دولت» قرار می‌گیرد. این تفاوت آشکار میان دو واژه، بویژه در نظام سیاسی بریتانیا که محل اصلی پیدایش این مفاهیم است به خوبی دیده می‌شود. در نظام سیاسی بریتانیا در حالی که پادشاه یا ملکه Head of State رئیس حکومت یا رئیس کشور خوانده می‌شود، نخست وزیر Head of Government یا رئیس دولت است.

Governmental Institutions

نهادهای حکومتی؛ نهادهای دولتی

نهادهایی که با حفظ نظم و قدرت، اجرای عدالت و محافظت جامعه در برابر بیگانگان مربوطند. اجرای این نوع کارکردهای نهادی به عهده سازمان خاصی به نام دولت است که بر تمام اعضای جامعه، قدرت و سلطه اجباری را اعمال می‌کند.

Government-in-Exile

حکومت در تبعید؛ دولت در تبعید

در زمان جنگ ممکن است کشوری به تصرف دشمن درآید، ولی حکومت مغلوب، موجودیت خود را در خارج حفظ کند. ایجاد چنین حکومتی مشروط به رضایت و اجازه کشوری است که حکومت مزبور در قلمرو آن تشکیل می‌شود. در صورت موافقت کشوری که حکومت در حال تبعید در خاک آن قرار گرفته، حکومت تبعیدی از حقوق و مزایای ویژه‌ای برخوردار می‌شود، مانند مصونیت و داشتن قوای نظامی. از جمله چنین مواردی می‌توان حکومت فرانسه آزاد به رهبری ژنرال دوگل را نام برد که در زمان جنگ جهانی دوم در لندن تشکیل یافته بود. واژه‌های دولت آزاد و دولت در تبعید نیز به جای واژه حکومت در تبعید به کار رفته است.

Government of the Day

دولت وقت؛ حکومت وقت

حکومت یا هیأت دولت معاصر.

Governor General

فرماندار کل

عنوان نماینده عالی پادشاه یا ملکه انگلستان در کشورهای مشترک المنافع، مثل کانادا. بر اساس قانون اساسی کانادا، ملکه (فعلاً الیزابت دوم) رئیس کشور کانادا شمرده می‌شود و فرماندار کل نقش نماینده او را ایفا می‌کند. انتصاب فرماندار کل به توصیه نخست وزیر کانادا صورت می‌گیرد. در کانادا بر اساس یک سنت تاریخی به نظریات و تصمیمات ملکه یا پادشاه احترام گذاشته می‌شود و نماینده وی به عنوان سمبل وحدت کشور تلقی می‌شود. دوره فرمانداری کل Governor Generalship پنج سال است.

Governor Generalship

فرمانداری کل

عنوان حکومت کشوری در جامعه ملل مشترک المنافع (کامنولث) که سلطنت تشریفاتی و ظاهری پادشاه یا ملکه انگلستان را پذیرفته‌اند. معمولاً نماینده‌ای با عنوان فرماندار کل از سوی

Gorby**گوری**

اسمی که غربیها روی میخائیل سرگیویچ گورباچف، دبیر کل حزب کمونیست و رئیس جمهوری شوروی سابق گذاشتند. این اسم خودمانی بیانگر شور و شوق غربیها نسبت به گورباچف و سیاستهای آزادسازی اقتصادی و لیبرالی او بود.

Gordian Knot**گره کور؛ مشکل حل نشدنی؛ گره گوردیوسی**

اشاره به یک مسأله دشوار است. در افسانه‌های یونانی آمده است: گرهی که مالبد از ایزه گوردیوس Gordius پادشاه فریگیا Phrygia را به یوغ متصل می‌کرد، پیچیده بود و پاسخ یکی از خدایان آن بود که هرکس، گره را باز کند، فرمانروای آسیا می‌شود. اسکندر مقدونی با یک ضربه شمشیر، گره را قطع کرد. اینک، قطع گره گوردیوسی به معنی حل سریع یک معضل است.

Governability**حکومت پذیری**

قابلیت حکومت کردن بر جوامع و داشتن اقتدار مرکزی که بستگی به دو عامل دارد: ماهیت حکومت شونده و متابعت از فرایند حکومت و توانائی حکومت برای حل و فصل کردن مشکلاتش.

Governance**حکومت؛ حکومتگری؛ حکومتداری؛ حکمرانی؛ اداره (گرداندن)**

نظام دادن، فرمانروایی، کنترل، نظارت، فرایند تصمیم‌گیری در اداره امور یک سازمان.

Government**حکومت؛ دولت**

۱- مجموعه‌ای از سازمانهای اجتماعی که برای تأمین روابط طبقات اجتماعی و حفظ انتظام جامعه به وجود می‌آید. ۲- اعمال نفوذ و کنترل از طریق قانون و اجبار بر گروه خاصی از مردم متشکل در یک کشور. ۳- سلسله مراتب سیاسی و اداری یک کشور. ۴- تشکیلات سیاسی و اداری کشور، و چگونگی و روش اداره یک کشور یا واحد سیاسی. ۵- تشکیلات دولت که علاوه بر نمایندگیهای اجرایی، معمولاً از سه بخش مجریه، مقننه و قضائیه تشکیل می‌شود. ۶- مجموعه بنیادهای سیاسی، قوانین و آداب و رسومی که از طریق آنها حاکمیت دولت اعمال می‌شود. ۷- مدیریت، هدایت و کنترل امور عمومی یک واحد سیاسی. ۸- مجموعه اعضای هیأت دولت (کابینه) که اداره امور کشوری را بر عهده دارند و برخلاف "دولت" State دائماً تغییر می‌کنند. حکومت، جزء اساسی دولت است ولی خود دولت نیست. مقصود کسانی که اصطلاح دولت فلان شخص را به کار می‌برند، هیأت وزیران یا ریاست هیأت وزیران، یعنی ریاست قوه مجریه است که یکی از ارکان سه گانه اقتدارات دولت شمرده می‌شود. گاهی حکومت به معنی قوه مجریه به کار می‌رود که معنی دولت را بیان نمی‌کند و گاهی نیز حکومت، معنی ادغام اقتدارات سه گانه دولت را می‌دهد. در این صورت، معنی حکومت و دولت خیلی به هم نزدیک و گاهی یکی است. با وجود این، هر یک از دو واژه حکومت Government و دولت State را باید در جای خود به کاربرد. ۹- به نظر پیروز مجتهدزاده، حکومت یا State شامل حالت یا ساختار سیاسی مفهومی کل کشور است که بر اساس رضایت اعلام شده مردم، یعنی بر اساس قانون اساسی کشور، موجودیت دارد. در حالی که دولت یا Government شامل ساختار سیاسی فیزیکی کشور است، متشکل از افرادی مشخص که در دموکراسیها از طرف مردم برای مدت

جهان - بومی سازی**Glocalization**

این اصطلاح را مدیران ژاپنی برای اشاره به تمام استراتژیهای شبکه بنگاهها در مورد بازار به کار برده اند که باید هم جهانی و هم بومی باشد.

کوتوله های زوریخ**Gnomes of Zurich**

این واژه برای اشاره به قدرت و نفوذ بانکداران و سوداگران سویس به کار می رود که از تغییر نرخ اسعار نفع فراوان می برند و گاهی نیز سیاستهای مالی دولتها را مشخص می سازند.

قاعده زرین؛ قانون طلایی**Golden Rule**

این اصطلاح برای اشاره به پند معروف "با دیگران چنان رفتار کن که می خواهی دیگران با تو آن گونه رفتار کنند" به کار رفته است.

پایه طلا؛ نظام پولی پایه طلا**Gold Standard**

نظام پولی بین المللی که در آن طلا پایه ارزش است و تبدیل پذیری پول به طلا محدودیت دارد. نظام پولی پایه طلا، میزان پول نقد در کشور را به میزان طلای اندوخته در بانک مرکزی مقید و محدود می سازد و برای ایجاد اعتبار باید مبنای پول نقد وجود داشته باشد. اما در سال ۱۹۶۷ "گروه ده" نظام پولی جهانی را براساس به اصطلاح طلای کاغذی و به شکل "حق برداشت مخصوص" قرارداد که به عنوان واحد رسمی محاسبه در صندوق بین المللی پول پذیرفته شد.

سیاست حسن همجواری**Good Neighbor Policy**

مناسبات دوستانه بین کشورهای همجوار.

مساعی جمیله**Good Offices**

از این واژه، مساعی دوستانه دولت ثالثی استنباط می شود که می کوشد تا هم زمینه ای برای تفاهم و توافق به دولت های در حال اختلاف پیشنهاد کند و هم با اقدامات در پرده و بدون سروصدا پیشنهاد های خود را به طرفین مناقشه بقبولاند. مساعی جمیله ممکن است بر حسب زمان و موقعی که به آن عمل می شود، دارای دو هدف باشد: ۱- جلوگیری و اجتناب از بروز کشمکش مسلحانه و حل مناقشه بین المللی به نحو مسالمت آمیز ۲- پایان دادن به جنگی که درگیر شده است.

گورباچفیسیم**Gorbachevism**

این واژه بیانگر خط مشی های اصلاح طلبانه سیاسی و اقتصادی میخائیل گورباچف دبیر کل حزب کمونیست شوروی سابق است که به پرسترویکا نیز معروف است. وی در سال ۱۹۸۵ در این کشور به قدرت رسید و سیاست های او سرانجام با شکست مواجه شد و در سال ۱۹۹۱ به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی انجامید. همزیستی مسالمت آمیز، توسعه و ترویج فعالیت بخش خصوصی و اجتناب از صدور و تحمیل انقلاب و سوسیالیسم از جمله خط مشی های گورباچف بود.

زمین به خانه مشترک افراد بشر و تلاش عقل و خرد برای درک جهان را در نظر دارد و جنبه‌ای که به صورت استعمارگری و امپریالیسم ظاهر می‌شود و مارکس، جهان‌خواهی سرمایه را در عبارت «سرمایه میهن ندارد» خلاصه کرده است. جهانی شدن که در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری به آن اشاره می‌شود، ناشی از این بی‌میهنی سرمایه است. به نظر پیروز مجتهدزاده، جهانی شدن دربرگیرنده آثار مثبت و منفی چندی است. آثار مثبت آن عبارت است از: ۱- بهم پیوستن فزاینده اقتصادها. ۲- از میان رفتن موانع حرکت اطلاعات و آگاهیه‌ها. ۳- اقتصادی کردن جهان به جای ایدئولوژیک بودن آن. آثار منفی آن عبارت است از: ۱- از میان بردن امنیت شغلی در جهان. ۲- افزودن شکاف میان دارندگان و ناداران در جهان. ۳- گسترش سودجویی و سودپرستی که منجر به مادی‌گرا شدن فرهنگها خواهد شد. نشریه لوموند دیپلماتیک نیز در ۱۵ مارس ۲۰۰۲ از جمله نوشت: اینک جهانی شدن، جوامع بشری را از سه جبهه مورد حمله قرار داده است: ۱- جبهه اقتصادی از طرق گوناگونی مثل سرمایه‌ارزی صندوق بین‌المللی پول، سازمان جهانی تجارت، بانک جهانی، تسلط اقتصاد خصوصی، سودپرستی و خصوصی‌سازی. ۲- جبهه ایدئولوژی که با حمایت فعال مؤسسات پژوهشی و دانشگاهها، رسانه‌های گوناگون مثل سی.ان.ان، تایمز، اکونومیست، وال استریت جورنال، رادیو آزادی. ۳- جبهه نظامی که بلادرنگ پس از شوک ناشی از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فعال شد.

Global Pillage

دهکده چپاول (چپاول جهانی)

این واژه را منتقدان مارشال مک‌لوهان (۱۹۸۰-۱۹۱۱) جامعه‌شناس و متفکر کانادایی و نویسنده کتاب جنگ و صلح در دهکده جهانی به کار برده‌اند تا نشان دهند که «دهکده جهانی» موردنظر این متفکر به دنبال نابودی فرهنگها، مذاهب و قومیتها، به دهکده چپاول تبدیل شده است.

Global Village

دهکده جهانی

از نام یکی از کتابهای مارشال مک‌لوهان (۱۹۸۰-۱۹۱۱) جامعه‌شناس و متفکر کانادایی به نام «جنگ و صلح در دهکده جهانی» گرفته شده که در سال ۱۹۶۸ در نیویورک منتشر شد. وسایل ارتباط جمعی، مثل مطبوعات و رادیو و تلویزیون، بسیاری از شیوه‌های زندگی را عوض کرده است و گویی، جهان پهناور ما به «دهکده جهانی» تبدیل شده که افکار و اعمال افراد و جمعیتها از نظر یکدیگر پنهان نیست و تبادل افکار و اطلاعات و علوم و فنون و هنرها و تبلیغات به میزان و سرعت حیرت‌آوری در جریان است. افراد بشر احتیاج به تجمع برای کسب پیام و اندیشه ندارند، بلکه می‌توانند در خلوت و در خانه‌های خود، پیام دانشمندان و متفکران را بخوانند و بدانند. بدین ترتیب، چنین وضعی به معنی ظهور فردگرایی است. اما با وجود پیشرفتهای علمی و فنی مانند رشد تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطاتی، اکثریت عظیم ساکنان این دهکده جهانی در شرایط بد و نامطلوب فقر، بیماری، بیکاری، بیسوادی، سوء تغذیه و گرسنگی بسر می‌برند و هنوز از ابزارهای اساسی ارتباطاتی و دانش نوبی بهره‌اند...

Globo Cop

آجان کوه زمین؛ پلیس سیاره؛ کلانتر جهان

اصطلاح گلوبوکوپ، نخستین بار در مجله تایم و برای اشاره به سرکردگی نظامی امپریالیسم آمریکا در سیاره زمین به کار رفته است.

Global Environment Facility

صندوق زیست محیطی جهانی؛ بنیاد زیست محیطی جهانی؛ تسهیل زیست محیطی جهانی

پیشنهاد تأسیس این بنیاد در سال ۱۹۸۹ از سوی هند در اجلاس غیرمتمعهدها ابراز شد و به دنبال آن، بانک جهانی پیشنهاد تشکیل یک دوره آزمایشی سه ساله صندوق یا تسهیلات زیست محیطی جهانی را با وام به مبلغ ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار در سال برای حمایت از طرفهای زیست محیطی در کشورهای در حال توسعه و اروپای شرقی داد. در سال ۱۹۹۰، ۲۵ کشور صنعتی با ایجاد صندوق زیست محیطی جهانی موافقت کردند و قرار شد که در چهار زمینه شکاف لایه اوزون، اثر گلخانه‌ای، کاهش منابع آب و کم شدن تنوع زیستی فعالیت کند که بعداً مورد فرسایش زمین نیز به فعالیت‌های چهارگانه اضافه شد. این بنیاد، تحت مدیریت سه جانبه بانک جهانی، برنامه ملل متحد برای محیط زیست و برنامه ملل متحد برای توسعه اداره می‌شود.

Global Governance

حکمرانی جهانی؛ حکومت همه جهانی؛ اداره امور جهان؛ نظارت جهانی؛ تدبیر جهانی

این واژه پس از تحولات سیاسی سال ۱۹۸۹ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در اروپای شرقی و فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد رایج شد و به مفهوم جهانی اداره کردن امور و مسائل انسانی است.

Globalism

جهان سالاری؛ جهان گرایی

۱- آیین مبتنی بر صدور ضد انقلاب، سیاست قدرت و تفوق اقتصادی، سیاسی و نظامی بر جهان که بویژه در اوایل دهه ۱۹۸۰ توسط رسانه‌های گروهی شوروی سابق در ارتباط با سیاست دولت ایالات متحده آمریکا به کار رفته است این واژه همچنین به جهانگیری، جهانگیرخواهی و جهانگیرسازی نیز ترجمه شده است. ۲- تنوع درجات همگرایی به صورت فزاینده در بازار جهانی کالا، سرمایه، خدمات، ارتباطات، تکنولوژی و کار.

Globalization

جهانی سازی؛ جهانی شدن

این واژه برای توصیف مرحله بین‌المللی شدن ارتباطات چه از طریق وسایل ارتباط جمعی و چه از طریق مبادله کالاها و انواع پیامها و گردش سرمایه و انسانها به کار رفته است. اکنون در کشورهای سرمایه داری و صنعتی، سیر آزاد پول و کالا بین کشورها، مهم‌ترین محور اقتصاد و سیاست شده است، اما همان کشورها چنین آزادی‌هایی را به نیروی کار و یا آنچه که انسانهای مهاجر اقتصادی نام گرفته است، تعمیم نمی‌دهند. جهانی شدن، متضمن مکانیسم خودکار برای حل تعارضات و ناموزونی‌هایی نیست که با سرمایه داری همراه است. رقابت موجود بین امپریالیستها و شکاف رو به گسترش بین کشورهای توسعه یافته با کشورهای توسعه نیافته و بین خودشان بیانگر آن است که جهان کنونی بسیار بی‌ثبات و انفجار آمیز است. اصولاً پس از فروپاشی نظامهای سوسیالیستی و بویژه در اتحاد شوروی، سلطه دوباره سرمایه‌داری از طریق لیبرالیسم جدید اقتصادی و خصوصی سازی و همگون کردن کشورهای جهان در قالب نظام بازار (بجز کشورهایی مثل چین و کوبا) برقرار گردید. مقوله جهانی شدن، ریشه در نظام سرمایه‌داری امپریالیستی و خصلت تهاجمی آن دارد. به طور کلی، جهانی شدن از دو جنبه قابل بررسی است: جنبه‌ای که تبدیل سیاره

دسته‌ای. به بیان دیگر، منظور از اصطلاح جری مندرینگ آن است که دستگاه مقننه، نواحی انتخاباتی را چنان معین کند که حزب حاکم با قدرت در بیشترین نواحی ممکنه، اکثریت لازم را برای موفقیت به دست آورد. جری مندرینگ نخستین بار در سال ۱۸۱۲ در ایالت ماساچوست آمریکا صورت گرفت. در آن زمان، البریج جری Elbridge Gerry فرماندار ماساچوست بود و این واژه مأخوذ از نام او است.

Gestapo

گشتاپو

سرنام واژه آلمانی پلیس مخفی دولتی که در دوره حکومت هیتلر، شامل کل دستگاه ترور و خبرچینی شد و هیچ مانع قانونی بر سر راه آن وجود نداشت. اکنون این واژه به صورت یک صفت اهانت آمیز، در مورد هرگونه عملیات پلیسی بیرحمانه و غیرقانونی به کار می‌رود.

Ghetto

کتو؛ محله محرومان؛ محله یهودی نشین

محله یهودیان، محله پست و فقیرنشین و یا افراد یک اقلیت محروم نژادی و مذهبی و قومی در دل یک شهر بزرگ (اروپا). این گونه محله‌ها در فاصله قرنهای سیزدهم تا نوزدهم میلادی وجود داشتند. نازیها در جریان جنگ جهانی دوم به ایجاد گتوهایی در سرزمینهای فتح شده در شرق اروپا دست زدند.

Ginger Group

گروه تندرو

اصطلاح جینجرگروپ در ارتباط با احزاب و سازمانها برای اشاره به گروه رادیکال، پرتحرک، کم‌صبر و فعال به کار می‌رود.

Give Somebody the Come-On

در باغ سبز نشان دادن

شخصی را گول زدن و گمراه کردن و فریب دادن یا سر شخصی را شیره مالیدن.

Glasnost

گلاسنوست

واژه روسی به مفهوم بازگذاشتن حنجره‌ها و در اصطلاح سیاسی به فضای باز سیاسی تعبیر شده است. گلاسنوست یکی از ایده‌های "پرسترویکا" یا برنامه اصلاحی میخائیل گورباچف در عرصه اجتماعی و سیاسی داخلی شوروی سابق است.

Global Corporation

شرکت جهانی

نام دیگر «شرکت چندملیتی» که دارای شعبه‌ها یا مراکز فروش در سراسر دنیا است، مثل کوکاکولا، هیتاچی، جنرال موتورز، سونی و آی. بی. ام. به نظر مخالفان، این شرکتها در فعالیتهای ضد رقابتی درگیر می‌شوند، رشوه‌های کلان برای انعقاد قرارداد می‌دهند، از طریق سیاسی اعمال نفوذ می‌کنند، پول رایج را کم ارزش می‌کنند، حقوق کارگران و کارکنان را خوب نمیبازارند. موافقان عقیده دارند که این شرکتها، صلح را تشویق، تولید را بهینه و محصولات ارزان قیمت‌تر ارائه می‌کنند و برای کشور میزبان، منابع موردنیاز ضروری، تخصص و اشتغال را به ارمغان می‌آورند.

درصد افزایش به ۷۰ میلیون بشکه در روز برسد. بالاترین رشد را در آسیا می توان مشاهده کرد. اما در ایالات متحده آمریکا نیز افزایش واردات نفت پیش بینی می شود. خاورمیانه، دوسوم ذخایر شناخته شده نفت جهان را دارا است و تا پایان دهه ۱۹۹۰، خلیج فارس حدود ۳۰ درصد تولید جهان را خواهد داشت. جامعه بین المللی باید اقتصاد ژئوپلیتیکی تازه را جدی بگیرد.

Geopolitics

ژئوپولیتیک؛ جغرافیا - سیاست شناسی

۱- بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست یا بررسی رابطه بین جغرافیا و سیاست. ۲- رشته ای که به مطالعه نقش محیط جغرافیایی در تصمیم گیریهای سیاسی می پردازد، مثل تصمیم گیریهای در مورد نقش آفرینی و رقابتهای سیاسی منطقه ای و جهانی از طریق استفاده از امکانات محیط جغرافیایی. این رشته به عکس جغرافیای سیاسی، به مباحثی می پردازد که بیشتر با محیط سیاسی ارتباط دارد و دگرگون شونده است. ۳- علم، شبه علم یا نظریه ای که سیاست را وابسته به عوامل یا محیط جغرافیایی می داند و غالباً دست آویز افراطی ترین نظریه پردازان شورنیست و امپریالیست بوده و هدف اصلی آن، موجه جلوه گری ساختن اشغال زمینهای بیگانه و برده کردن سایر خلقها است. در سال ۱۸۹۷ یک آلمانی به نام فریدریش راتسل (۱۹۰۰-۱۸۴۴) کتابی در جغرافیای سیاسی منتشر کرد که بعدها شاگردان او این رشته جدید را ژئوپولیتیک نامیدند. راتسل اعتقاد داشت که دولت موجود زنده ای است که با تغذیه (گسترش سرزمینش) قادر به زندگی است. راتسل، کژلن (۱۹۲۲-۱۸۶۴) که ظاهراً نخستین بار اصطلاح ژئوپولیتیک را به کار برده، سرهالفورد مکیندر و کارل هاوسهوفر از جمله آزموده ترین افراد در این فن هستند. به نظر هاوسهوفر (بنیانگذار مکتب ژئوپولیتیک آلمانی) ژئوپولیتیک باید نشان دهد که چطور عوامل جغرافیایی سیاست را تعیین می کنند. هدف وی، تشویق آلمان به تلاش برای بازیافتن قدرتش بود. از این رو هاوسهوفر واژه فضای حیاتی را به کار برد که نقش مهمی در توسعه طلبی هیتلر ایفا نمود.

German Marshall Fund

صندوق آلمانی مارشال

بنیاد آمریکائی برای تبادل افکار و اعتلای همکاری بین آمریکا و اروپا که در سال ۱۹۷۲ به عنوان یادبود دائمی «طرح مارشال» به وجود آمد و برنامه هائی را برای حمایت و همکاری در زمینه اصلاحات سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی در اروپا به اجرا درمی آورد.

Gerontocracy

پیرسالاری؛ حکومت سالخوردگان؛ حکومت مشایخ

حکومتی که در آن، زمام امور در دست سالخوردگان خردمند و دنیادیده و با تجربه است. افلاطون در رساله قوانین خود، بجای آریستوکراسی، نظام آمیخته ای از آریستوکراسی و دموکراسی را برای اداره جامعه پیشنهاد می کند و نیز مقرر می دارد که بالاترین دستگاه اداری کشور در دست سی و شش فیلسوف باشد که حداقل سن آنها پنجاه و مدت خدمت هر یک بیست سال است. به همین جهت، گاهی آن را حکومت پیر مردان یا سالخوردگان نامیده اند.

Gerrymandering

تقسیم غیر عادلانه حوزه های انتخاباتی؛ توزیع متقلبانه حوزه های رای گیری

تقسیم حوزه های انتخاباتی به طور غیر عادلانه برای به دست آوردن اکثریت به نفع حزب یا

الزام حقوقی برای طرفین عقد به وجود نمی‌آورد، ولی در عین حال نیز آنان را اخلاقاً متعهد و ملتزم می‌سازد، مثل منشور آتلانتیک یا اعلامیه انگلستان و آمریکا در مورد یگانگی اصول سیاست ملی دو کشور، به امضای روزولت و چرچیل در سال ۱۹۴۱. به نظر علمای روسیه شوروی اگرچه قرارداد جوانمردانه شفاهاً حاصل می‌شود اما باید کاملاً با اصل "وفای به عهد و احترام به قول" مطابقت داشته باشد، مثل قرارداد جوانمردانه سال ۱۹۳۴ شوروی سابق و مغولستان مبنی بر کمک متقابل در صورت تهدید یا حمله نظامی یک دولت ثالث، که در سال ۱۹۳۶ به شکل "پروتکل کمک متقابل و در سال ۱۹۴۶ به شکل "عهدنامه دوستی و کمک متقابل درآمد.

Geographical Determinism

جبر جغرافیایی؛ علیت باوری جغرافیایی

اعتقاد به تأثیر محیط طبیعی در فعالیتهای بشری. عده‌ای این نظریه را زمینه‌ساز استعمار و استثمار دانسته‌اند، زیرا هدف جبرگرایان این بود که به جهان غیر غربی القاء کنند که غرب به علت شرایط محیطی و آب و هوایی از برتریهای غیر قابل انکاری برخوردار است و آفریقا و آسیا به علت هوای مرطوب منطقه استوایی و یا خشکیها و صحراهای وسیع، نه تنها محکوم به عقب ماندگی است، بلکه مردم این مناطق نیز پست و حقیرند.

Geographically Disadvantaged States

کشورهای متضرر جغرافیایی

در حقوق دریاها در مورد آن کشورهای ساحلی (مثل عراق) به کار می‌رود که: به دلایل جغرافیایی نمی‌توانند مدعی مناطق انحصاری اقتصادی شوند، مناطق اقتصادی آنها کمتر از ۳۰ درصد منطقه‌ای باشد که برای عرض مجاز محدوده مناطق اقتصادی تعیین شده، به دلایل جغرافیایی، زیست شناختی یا بوم شناختی، مزیت اقتصادی قابل توجهی از بهره‌برداری منابع زنده منطقه اقتصادی خود حاصل نمی‌کنند.

Geographism

جغرافیاگرایی

تبیین وقایع اجتماعی با ویژگیهای جغرافیایی.

Geopacifics

ژئوپاسیفیک؛ جغرافیا - صلح‌شناسی

باتوجه به اثرات منفی ژئوپولیتیک و استفاده نابخردانه از آن در بحرانها و کشمکشهای سیاسی و جنگی، برخی از جغرافیدانان صلاح را در این دیدند که علم جغرافیا را برای بهزیستی گروههای بشری به خدمت گیرند. منظور از واژه ژئوپاسیفیک که در سال ۱۹۴۷ به وسیله گریفیت تیلر به کار رفت، مطالعه جغرافیا برای دریافت صلح و آزادی و بشر دوستی است.

Geopolinomics

ژئوپولی‌نومیک؛ اقتصاد ژئوپولیتیکی

این واژه در اوایل دهه ۱۹۹۰ و بعد از اشغال کویت توسط عراق و تجاوز آمریکا به منطقه خلیج فارس به کار رفته است. جورج دیمکو و ویلیام وود در سال ۱۹۹۴ در کتاب خود به نام "نظام جدید جهان: چشم اندازهای ژئوپلیتیک قرن ۲۱" نوشته‌اند: بحران خلیج فارس، پایان ژئوپلیتیک سنتی و جایگزینی آن با ژئوپولی‌نومیک را نوید داده است. در این اصطلاح تازه، اقتصاد وارد معادله قدیمی ژئوپلیتیک شده است. به عنوان مثال، پیش‌بینی می‌شود که مصرف نفت در جهان تا سال ۲۰۰۰ با ده

Genocide

نسل‌زدایی؛ ملت‌کشی؛ نژاد‌آزاری؛ ژنوسید

این واژه در سال ۱۹۴۸ توسط رافائل لیمکین ابداع شد و مرکب از واژه یونانی Genos به معنی نژاد، ملت یا تیره و پسوند لاتینی Cide به معنی کشتن است و مفهوم آن: از بین بردن فیزیکی یا زیستی گروه‌های ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به قصد نابودی آنها است. در مقاله‌نامه بین‌المللی جلوگیری از نسل‌زدایی مورخ ۹ دسامبر سال ۱۹۴۸، اصطلاح ژنوسید به یکی از اعمال مشروحه زیر اطلاق شده که به قصد نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، نژادی یا مذهبی صورت پذیرد: قتل اعضای گروه، صدمه به سلامت جسمی یا روحی افراد گروه، قرار دادن عمدی گروه در معرض شرایط نامناسب زندگی، جلوگیری از تولد و تناسل اعضای گروه، انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر.

Gentleman

آقا؛ اشراف‌زاده؛ آدم شریف؛ جنتلمن؛ عالیجناب

۱- کسی که متعلق به طبقه اشراف است و از آموزش و پرورش خاص این طبقه بهره‌مند شده است. ۲- کسی که دارای خصوصیات اجتماعی ویژه‌ای مثل نزاکت و ادب، آزادمنشی، درستکاری و خوش‌بینی است. ۳- در گذشته در بعضی مناطق اروپا در مقابل توده مردم، جنتلمنها یا عالیجنابان قرار داشتند که خود دو گونه بودند: عالیجناب از حیث نام و عنوان و عالیجناب واقعی که دارای قلاع و برجها و املاک وسیع و امتیازهای فراوان بودند. این‌گونه عالیجنابان، زندگی را به بطالت می‌گذراندند، کشاورزی نمی‌کردند و هیچ کاری برای تأمین معاش انجام نمی‌دادند و با درآمد اموال و املاک زیادشان با ریخت و پاش فراوان و اسراف زندگی می‌کردند. به نظر ماکیاول (۱۵۲۷-۱۴۶۹) این گونه افراد در هر جامعه آزاد و به طور کلی در هر کشوری مایه فسادند. فاسدتر از آنها کسانی هستند که غیر از اموال و املاک زیاد، قلعه‌ها و برجها و رعایائی هم دارند که مطیع فرمان این عالیجنابانند. ماکیاول در کتاب گفتارها نوشته است: کسی که بخواهد در کشوری که عالیجنابان فراوان در آن وجود دارند، دولتی جمهوری تأسیس کند، فقط در صورتی به این هدف می‌رسد که تمام آنان را از میان بردارد. اما اگر مردی بخواهد در کشوری که مردمش از مساوات کامل برخوردارند، دولتی پادشاهی یا استبدادی ایجاد کند، تنها زمانی به این هدف می‌رسد که گروهی از مردان حریص و جاه‌طلب را از میان مردم برکشد و از آنها عالیجناب بسازد، آنهم نه تنها عالیجناب از حیث نام و عنوان، بلکه عالیجناب واقعی (دارای املاک و امتیاز). در این صورت می‌تواند به کمک آن عالیجنابان، قدرت خود را حفظ کند و جاه‌طلبی اینها نیز در سایه او تسکین می‌یابد و همه شهروندان دیگر، مجبور می‌شوند یوغ او را به گردن بگیرند و وقتی میان فرمانروا و زیردستان، نسبت درست برقرار شود، آرامش در کشور برقرار می‌گردد و همه به نظم، گردن می‌گذارند. اما تأسیس دولتی جمهوری در کشوری که برای حکومت پادشاهی ساخته شده است و برقراری حکومت پادشاهی در جامعه‌ای که استعداد خاصی برای نظام جمهوری دارد، تنها از مردی بر می‌آید که از نبوغ ذاتی و قدرت و اعتبار کامل برخوردار باشد.

Gentlemen's Agreement

موافقتنامه دوستانه؛ قرارداد جوانمردانه؛ قبولی شرافتمندانه

قرارداد بین‌المللی که قوت قانونی و آثار حقوقی الزام‌آور ندارد، ولی برحسب نظریه علمای انگلو ساکسون حقوق، قبولی شرافتمندانه عبارت از تعهد اخلاقی و شرافت‌آمیزی است که هیچ نوع

General Will

اراده عمومی؛ خواست همگانی

واژه‌ای که روسو برای تمیز اراده عامه (اراده جامعه از جنبه سیاسی) از اراده اکثریت، فرد، چند فرد و یا یک طبقه بر این یا آن مورد، به کار برد. به نظر ژان ژاک روسو، برای اینکه دولت خصیصه اساسی خود یعنی خصیصه اخلاقی را حفظ نماید، باید متکی بر اراده عمومی، یعنی بر رضایت افرادی باشد که بر آنها حکومت می‌کند. اراده عمومی، غیر قابل تقسیم و غیر قابل انتقال و مطلق و خطاناپذیر است.

Generation

نسل

این واژه در جامعه‌شناسی سیاسی که رفتار سیاسی را با نسل در ارتباط می‌داند، نقش دارد. زیرا گاهی ادعا شده که نسل برای بیان اختلافات فردی و گروهی و نیز توضیح فرهنگ و منافع و رفتار به اندازه "طبقه اجتماعی" اهمیت دارد. لذا، کشمکش نسلها و تقسیم جامعه به گروههای سنی مانند مسأله کشمکش طبقاتی در نظر گرفته شده است. منظور از واژه نسل، فاصله بین تولد والدین و تولد فرزندان است که معمولاً سی سال گرفته می‌شود، یعنی سه نسل در صدسال یا یک قرن.

Generation X

نسل ایکس؛ نسل ناشناخته

این اصطلاح در مورد نسل جوانان کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری که بین سالهای ۱۹۶۵-۱۹۸۰ و دوره رواج بازیهای کامپیوتری و کامپیوتر شخصی متولد شده‌اند به کار رفته است. این اصطلاح در سال ۱۹۹۱ از کتاب نسل ایکس نوشته داگلاس کاپلند Coupland گرفته شده است. این کتاب، داستان سه نفر بیگانه است که تصمیم می‌گیرند خودشان را از جامعه، دور نگهدارند تا بتوانند به هویت خویش پی ببرند.

Geneva Conventions

کنوانسیونهای ژنو؛ قراردادهای ژنو

چهار کنوانسیون درباره حمایت از قربانیان جنگ که به کنوانسیونهای صلیب سرخ نیز معروف است و در سال ۱۹۴۹ به وسیله نمایندگان ۵۸ کشور در کنفرانس دیپلماتیک در ژنو به تصویب رسید. در واقع، تمام کشورهای دنیا طرفهای این چهار کنوانسیون برای بهبود شرایط بیماران و مجروحان جنگ، زندانیان جنگی و حمایت از افراد غیر نظامی در زمان جنگ شمرده می‌شوند. قرارداد ۱: قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمیداران و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردو کشی. قرارداد ۲: قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمیداران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا. قرارداد ۳: قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به معامله با اسیران جنگی. قرارداد ۴: قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به حمایت افراد غیر نظامی در زمان جنگ.

Geneva Protocol (1925)

پروتکل ژنو (۱۹۲۵)

پروتکلی که به موجب آن، کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی و نظایر آن و همچنین استفاده از روشهای باکتریولوژیک جنگ منع شده است. در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵، پروتکل ژنو توسط نمایندگان ۲۶ کشور به تصویب رسید که تا سال ۱۹۷۹، ۱۰۸ کشور به آن پیوستند. ایالات متحده آمریکا در ۲۲ ژانویه ۱۹۷۵ در زمان ریاست جمهوری فورد، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو را تصویب کرد.

General Election**انتخابات عمومی**

انتخاباتی که در سراسر کشور برگزار می‌شود و در جریان آن، کشور به چند حوزه انتخابیه تقسیم می‌گردد و در هر حوزه، افراد (به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم) نمایندگان مجلس را معین می‌کنند.

General International Law**حقوق بین الملل عام**

قوانین و مقرراتی که مراعات آنها برای تعداد بسیاری از کشورها از جمله قدرتهای بزرگ واجب است. حقوق بین الملل وقتی جنبه عام پیدا می‌کند که اکثریت کشورها، از جمله کشورهای بزرگ، آن را پذیرفته باشند، مثل مقاوله‌نامه منع آزمایشهای اتمی (۱۹۶۳) که گرچه به تصویب تمام کشورها نرسیده ولی از طرف اکثر کشورها پذیرفته شده است.

Generalissimo**فرمانده کل قوا؛ سپهسالار**

اصطلاح ژنرال‌سیمو به معنی فرمانده عالی نیروهای مسلح در مورد دیکتاتورهایی مثل فرانکو به کار رفته است.

General Mobilization**بسیج عمومی**

۱- مسلح کردن افراد کشور بدون انضمام ایشان به ارتش منظم، به منظور دفاع در مقابل خطر خارجی. ۲- توسعه و تقویت توان رزمی کشور از طریق ایجاد و تشکیل سازمانهای جدید و افزایش پرسنل نظامی (علاوه بر نیروهای نظامی موجود و پرسنل احتیاط) و بسیج منابع ملی برای تأمین نیازهای ناشی از جنگ یا شرایط اضطراری کشور.

General Participation Clause**شرط مشارکت همگانی**

ماده‌ای که در کنوانسیونهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه در مورد مقررات جنگ و بی‌طرفی که به موجب آن، کنوانسیونهای یاد شده، فقط زمانی برای طرفهای منخاصه الزام آورنده که همه آنها متعهد به این کنوانسیونها باشند.

General Strike**اعتصاب عمومی**

دست از کار کشیدن تمام یا اکثریت کارگران یا کارکنان در یک ناحیه و یا در تمام کشور. اعتصاب اگر علیه کارفرمایان و برای خواسته‌های اقتصادی کارگران صورت گیرد، جنبه اقتصادی و اگر برای گرفتن امتیازاتی از دولت یا براندازی حکومت باشد، جنبه سیاسی دارد. اعتصاب عمومی در برخی از کشورهای دیکتاتوری یکی از راههای تضعیف یا تخریب و نابودی نظارت‌های شدید دیکتاتوری تلقی شده است.

General Treaty for the Renunciation of War**عهدنامه عمومی انصراف از جنگ؛ پیمان عمومی انصراف از جنگ**

این عهدنامه که به پیمان پاریس و "پیمان کلوگ - بریان" نیز معروف است در سال ۱۹۲۸ و به کوشش وزیران خارجه آمریکا و فرانسه بین دولتهای آلمان، آمریکا، ایتالیا، بریتانیا، بلژیک، چکسلواکی، ژاپن، فرانسه و لهستان منعقد شد. دولتهای عاقد عهد کردند که جز در مقام دفاع از خود و به‌خاطر حفظ صلح عمومی اقدام به جنگ نکنند.

مذاکرات گات در ماه دسامبر سال ۱۹۹۳ توسط ۱۱۷ کشور تصویب شد. این کشورها توافق کردند تا سازمان جدیدی به نام "سازمان جهانی تجارت" جانشین گات شود. تضاد منافع آمریکا و اروپا مدت‌ها مانع از تصویب سند نهایی گات شده بود. بازیگران اصلی گات را کشورهای پیشرفته صنعتی تشکیل می‌دهند. در واقع، ۷۱ درصد تجارت جهانی در دست آمریکای شمالی، اروپای غربی و شمالی و ژاپن قرار دارد و ۲۹ درصد نیز در دست کشورهای در حال توسعه. اگر چه درباره اصل تجارت آزاد، بسیار سخن گفته می‌شود، ولی همواره به نحو زیرکانه‌ای در مقابل واردات، مانع ایجاد شده است. به نظر یکی از اقتصاددانان به نام سر جیمز گلداسمیت "بیشترین اثرات اقتصادی و اجتماعی پیمان گات متوجه بخش کشاورزی است. یکی از پیشنهادهای اساسی گات، سازماندهی دوباره اقتصاد کشاورزی در سطح جهان تحت عنوان افزایش کارایی و بهره‌وری است. در بخش کشاورزی اقتصادهای توسعه یافته غرب که هزینه نیروی کار و سطح رفاه در آنها بالا است، افزایش بهره‌وری سرانه تولید، تدبیر معقولی است. اما در حال حاضر بیش از ۳ میلیارد نفر جمعیت دنیا در مناطق روستایی به سر می‌برند. اگر پیمان گات در اعمال روش کشت متمرکز در سطح جهان موفق شود، زندگی اقتصادی نزدیک به ۲ میلیارد نفر از این جمعیت روستائیان مختل می‌شود. اگر این مردم نتوانند کاری در بخشهای صنعت و خدمات پیدا کنند، طولی نمی‌کشد که دنیا شاهد مهاجرت دسته جمعی مردم سرگردان و مصیبت زده روستائی خواهد بود. پدیده نوینی که من آن را آوارگان گات می‌نامم." مقر گات در ژنو است.

پیمان اتحاد عمومی

General Alliance

پیمانی که به موجب آن، دو یا چند دولت متعهد می‌شوند که خط مشی سیاسی واحدی را همه جانبه تعقیب کنند و حقوق و وظایف متقابل داشته باشند.

مجمع عمومی

General Assembly

یکی از ارکان ششگانه (ورکن اصلی مشورتی) سازمان ملل متحد است که نظر ملتهای جهان را درباره اقدامات سایر ارکان این سازمان ابراز می‌دارد. کلیه اعضای ملل متحد براساس اصل تساوی حقوق در مجمع عمومی شرکت دارند. مجمع عمومی می‌تواند راجع به هر یک از موضوعهای مندرج در منشور ملل متحد - بجز موضوعهایی که در شورای امنیت مطرح است - بحث و توصیه کند. اگر شورای امنیت، به علت و توی یکی از اعضای دائمی خود نتواند در مورد خطری که صلح جهانی را تهدید می‌کند، اتخاذ تصمیم نماید، مجمع عمومی می‌تواند فوراً آن موضوع را مورد رسیدگی قرار دهد و در صورت لزوم، به کار بردن نیروی مسلح را توصیه کند. مجمع عمومی، بودجه سازمان و همچنین مبلغی را که هر یک از اعضاء باید بپردازند معین می‌سازد، قضات دیوان بین‌المللی دادگستری را به اتفاق شورای امنیت برمی‌گزیند و طبق توصیه شورای امنیت، دبیرکل سازمان را تعیین می‌کند. هر یک از کشورهای عضو دارای یک رأی است و تصمیم در مورد مسائل مهم با اکثریت دوسوم آراء اتخاذ می‌شود. اجلاس عادی مجمع عمومی سالی یکبار تشکیل می‌گردد. مجمع عمومی ممکن است اجلاس فوق‌العاده نیز تشکیل دهد. شورای امنیت و سایر ارکان اصلی ملل متحد و نیز دبیرکل سازمان ملل متحد به مجمع عمومی گزارش می‌دهند.

Gaullism**گلیسم**

جنبش سیاسی فرانسوی و بیانگر سیاستها، اصول و شخصیت شارل دوگل (۱۹۷۰-۱۸۹۰). تأکید بر ناسیونالیسم، سیاست خارجی مستقل، رهبری، مرکزگرایی سنتی فرانسه، اخلاقیات وابسته به کلیسای کاتولیک روم، امنیت نظامی، ثبات سیاسی، رشد اقتصادی و نیز حمایت از اقتصاد سرمایه‌داری از جنبه‌های مهم گلیسم است. گلیسم، بویژه از سوی طبقات متوسط و بالا، مذهب‌یون و زنان حمایت می‌شود و مخالف "چپ متحد" فرانسه است.

Gay Politics**سیاست همجنس‌بازان**

سیاست مربوط به جنبشهای سازمان یافته مردان و زنان همجنس‌باز و همجنس‌گرا. انجمن بین‌المللی همجنس‌بازان در سال ۱۹۷۸ تأسیس شد و از آن پس، سازمان جهانی بهداشت، همجنس‌بازی را از فهرست بیماریهای خود حذف کرد و شورای اروپا قطعنامه‌ای را به منظور مبارزه با تبعیض علیه همجنس‌بازان به تصویب رساند. کلیتون، رئیس جمهوری آمریکا نیز در دهه ۱۹۹۰ اقداماتی به نفع همجنس‌بازان به عمل آورد.

Gemeinschaft and Gesellschaft**گماینشافت و گزلسافت**

اصطلاح آلمانی به مفهوم "اجتماع و جامعه" که فردیناند تونیس (۱۹۳۶-۱۸۵۵) جامعه‌شناس آلمانی در سال ۱۸۸۷ برای نشان دادن دو نوع رابطه اجتماعی به کار برد. یکی گماینشافت یا اجتماع کوچک یا جامعه معنوی که رابطه افراد در آن براساس روابط سنتی، قوم و خویشی و ارتباطات چهره به چهره است و دیگر، گزلسافت یا جامعه که رابطه افراد در آن بر اساس تقسیم کار، عقلانیت و مناسبات قراردادی و صوری و کشمکش امیال، منافع و خواسته‌های فردی قرار دارد. همه جوامع، ترکیبی از این دو نوعند، اگرچه نوع گماینشافت در روستاها و نوع گزلسافت در شهرهای بزرگ یا جوامع مدرن غلبه دارد.

Gendarme**ژاندارم**

واژه فرانسوی به معنی مأمور نظامی مسلح حافظ نظم و امنیت در روستاها و راههای خارج از شهر.

General Act**سند عمومی؛ تصمیم عمومی**

۱- سندی که شرکت‌کنندگان در کنفرانس تنظیم می‌کنند و مفاد آن را مثل قسمتی از قوانین داخلی خود، لازم‌الاتباع اعلام می‌دارند. ۲- تصمیمی که عموم افراد واجد صلاحیت در یک موضوع اتخاذ نمایند.

General Agreement on Tariffs and Trade (GATT) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت؛ گات

موافقتنامه بازرگانی چند جانبه‌ای است که شامل حقوق و تعهدات متقابل است و در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ در ژنو به امضا رسید. هدفهای آن عبارتند از: تقلیل موانع تجارتي، بالا بردن سطح زندگی، بهره‌برداری کامل از منابع جهانی و بسط تولید و مبادله کالاها. گات با سازمان ملل متحد همکاری می‌کند، اما رسماً به عنوان یکی از مؤسسات تخصصی آن شمرده نمی‌شود. سند نهایی

وضع نظامی یا سیاسی، هر دو طرف در انتخاب استراتژی آزاد باشند، استفاده از کدام استراتژی احتمال دارد بیشترین سود و کمترین زیان را برای یکی از طرفین به بار آورد. به بیان دیگر، یک رشته عملیات ریاضی که هدف آنها یافتن راه‌حلی است تا به کمک آن بازیگر بتواند در رقابت با حریفان، با پیروی از رفتار معین، برد خود را به حداکثر و یا باخت خویش را به حداقل برساند. ۳- نظریه ویژه‌ای در روابط بین‌الملل که به موجب آن، رقابتها و کشمکشهای سیاسی و اجتماعی مثل بازی است و قواعد پیروزی و شکست در عرصه رقابت اجتماعی یا بین‌المللی مانند قواعد برد و باخت در بازیها است.

جنبش باغشهری

Garden City Movement

جنبش باغشهری در انگلستان، واکنشی بود در برابر صنعتیگری زشت و زنده در قرن نوزدهم. در این کشور، شهرهای صنعتی دارای منازلی بودند برخوردار از یک حیاط باغ مانند و وسیع که تعداد آنها زیاد بود و به شهر، حالتی مثل باغ می‌دادند. جنبش باغشهرها با مکتب سوسیالیسم هنردوست و هنرشناس ویلیام موریس Morris همبسته بود. هاوارد Howard رهبر این جنبش، طرفدار شهرکهایی با خانه‌های سرسبز و با طرحهای معماری مناسب بود. بدین ترتیب، این برنامه را می‌توان جزء اولین نمونه‌های برنامه‌ریزی شهری دانست.

کمونیسم پادگانی

Garrison Communism

برنامه نیچایف، آنارشیزم - تروریست روسی در مورد اصول اساسی نظام اجتماعی آینده که در ادبیات سیاسی چپ به کمونیسم پادگانی یا سربازخانه‌ای معروف است. برنامه نیچایف، جامعه‌ای را معرفی می‌کرد که بر پایه این اصل قرار داشت: تولید تا حد ممکن زیاد و مصرف تا حد ممکن کم، کار زیاد برای مصرف کم. تنظیم دقیق زندگی انسان از تولد تا مرگ. برای نیل به چنین جامعه‌ای، آموزش انقلابی آنارشیزتها می‌خواست که همه انقلابیون تمام احساسات محبت‌آمیز خویشاوندی، عاطفه و حق‌شناسی را در خود دخفه کنند و تنها شور خشک انقلابی را در خود پرورش دهند و به تهدید و خشونت متکی باشند.

دولت پادگانی

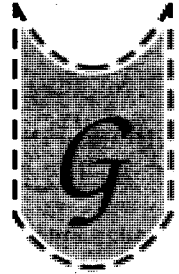
Garrison State

۱- دولتی که به دولت جنگی تبدیل می‌شود، پس از رفع هر بحران، به قصد جلوگیری از بحرانهای دیگر، همچنان مجهز و قدرتمند می‌ماند. چنین دولتی به یک پادگان نظامی تشبیه می‌گردد و دولت پادگانی خوانده می‌شود. ۲- دولتی که با نظامیگری مشخص می‌شود. ۳- دولتی که در آن، قدرت مؤثر در دست یک شبکه‌ی نه چندان سازمان یافته از عوامل لشکری است که به هیأت کشوری در آمده و با نخبگان سیاسی غیرنظامی نیز همبسته‌اند. چنین دولتی معمولاً خود را در پشت یک دولت غیرنظامی پنهان می‌کند و برای حل مسائل و مشکلات داخلی گرایش به اعمال خشونت و فشار نظامی و ایجاد درگیریهای محدود با دولتهای همجوار دارد. دولتهای پادگانی در تاریخ معاصر در بسیاری از کشورها مثل آرژانتین، پاکستان، ترکیه و کره جنوبی نمونه‌هایی داشته‌اند.

چپ‌گرایی

Gauchisme

واژه فرانسوی که بیشتر برای اشاره به جنبش آنارشیزتی در میان روشنفکران و دانشجویان چپ فرانسه (بوژه جنبش سال ۱۹۶۸) به کار رفته است.



Gag Rule (order)

دستور سکوت

هر حکم، فرمان یا قاعده از سوی دادگاه یا مرجع دیگر مبنی بر عدم بحث در مورد چیزی.

Galloping Inflation

تورم عنان گسیخته

گونه‌ای تورم که در آن، نرخ ترقی قیمت‌ها بیش از ۲۰ درصد در سال است، تعادل نظام اقتصادی به هم می‌خورد و بحران ظاهر می‌شود.

Gambling Policy

سیاست قمار

بازی کردن کورکورانه در بازار، اقتصاد و سیاست.

Game of Chicken

بازی جواتک ترسو

وضعیتی در نظریه بازیها است. دوبازیگر، سوار بر اتومبیل‌های خود در یک جاده خلوت به سرعت به طرف یکدیگر می‌رانند به نحوی که چرخ سمت چپ هریک از آنها روی خط وسط جاده قرار دارد. هنگامی که دو اتومبیل با یکدیگر روبرو شوند، هریک از آنها که خود را به سمت راست بکشد و از سرشاخ شدن با حریف اجتناب کند، مورد سرزنش و ریشخند تماشاگران قرار می‌گیرد و آن یکی که مستقیماً به حرکت خود ادامه دهد، کسب افتخار می‌کند. به نظر بعضی صاحب‌نظران، این بازی شباهت زیادی با رودرروئی ابرقدرتها دارد که یکدیگر را به جنگ تهدید می‌کنند. بازی جواتک ترسو، راه حل عاقلانه‌ای دارد که به هریک از بازیگران حکم می‌کند همکاری را بر منازعه ترجیح دهند. در روابط بین‌المللی، هرگاه موقعیتی به موقعیت این بازی شباهت داشته باشد، سیاستمدار مجرب و صاحب رأی، سیاست مسالمت‌آمیز و عاقلانه را بر سیاست خشن و جنون‌آمیز ترجیح می‌دهد.

Game Theory

نظریه بازی

۱- نظریه کلی در مورد رفتار عقلانی دو یا چند نفر در شرایطی که منافع آنها، لااقل تا حدودی، در تعارض است. ۲- روش مبتنی بر منطق ریاضی برای تعیین اینکه وقتی در یک بازی یا معامله یا

تالکوت پارسونز (۱۹۷۹-۱۹۰۲) از جمله پایه گذاران این مکتب است.

Functional Protection

حمایت شغلی

سازمانهای بین‌المللی نیز مانند دولت‌ها می‌توانند موضوع مسئولیت بین‌المللی قرار گیرند و در نتیجه به‌عنوان مدعی و یا مدعی علیه در محاکم بین‌المللی حضور یابند و برای حمایت مأمورین خود بدون توجه به تابعیت آنها، دست به اقدامات قضایی بین‌المللی بزنند. چون توسل به حمایت سیاسی (دیپلماتیک) از طرف یک سازمان به نفع مأمورینش به علت فقدان علقه تابعیت امکان ندارد، دیوان بین‌المللی دادگستری حق حمایت شغلی را برای سازمانهای بین‌المللی به رسمیت شناخته است.

Fundamentalism

بنیادگرایی؛ اصلگرایی؛ بنیان‌گرایی

جنبشی در چارچوب یک دین یا آیین سیاسی که گرایش به شکل اصلی و ارزشهای اولیه آن دین یا آیین سیاسی دارد. بنیادگرایی، دو اطلاق مثبت و منفی دارد: مثبت آن، اصولی بودن و ارتودوکس بودن و تمسک به اصل است و کاربرد منفی آن، قشریگری و تمسک به ظواهر.

Fundie (Fundy, Fundi)

بنیان‌گرا؛ بنیادگرا

این واژه در زبان محاوره‌ای، بویژه برای اشاره به افراد بنیادگرای مذهبی یا اعضای شاخه‌های رادیکال سبزها به کار رفته است.

Frontier**مرز؛ حدود و ثغور**

برخی از حقوقدانان، گاهی از لحاظ لغت و اصطلاح، میان مرز (سرحد) به مفهوم خط مرکب از نقطه‌های بیشمار و حدود و ثغور که با مناطق گسترده شده در دو طرف خط فرضی تطبیق می‌کند، فرق قائل شده‌اند. در واقع، اصطلاح حدود و ثغور هم به معنی مرز و هم به معنی منطقه‌ای است که محدود به حدودی شده است. هرچند، از اصطلاح حدود و ثغور، بویژه خطی فهمیده می‌شود که فضای مختص به صلاحیت کشوری را تحدید می‌کند.

Frontier Card**پروانه مرزی**

گذرنامه‌ای که به ساکنین مناطق مرزی برای سهولت عبور داده می‌شود.

Front-Line States**کشورهای خط مقدم جبهه**

جبهه‌ای که از شش کشور آنگولا، تانزانیا، بوتسوانا، زامبیا، زیمبابوه و موزامبیک به منظور مقابله با تجاوزات دولت نژادپرست سابق آفریقای جنوبی و کمک به جنبشهای آزادیبخش در کشور آفریقای جنوبی و تسریع در امر استقلال نامیبیا تشکیل شده بود.

Front Organizations**سازمانهای ظاهری؛ سازمانهای ظاهر ساز**

سازمانهایی که به منظور پنهان کردن هدفهای غیرقانونی یا غیر قابل قبول که در واقع انگیزه اصلی آنها نیز است، هدفهای قابل قبولی را عنوان می‌کنند. معمولاً این واژه در غرب برای اشاره به سازمانهای ظاهرآ لیبرال، دموکراتیک و قانونی به کار می‌رود که یا مورد استفاده فعالان کمونیست (مثل شورای جهانی صلح) و یا سازمان "سیا" است. همچنین سازمانهای تسلیح اخلاقی، روتاری کلوب، جمعیت برادری جهانی و باشگاه لاینز از سازمانهای ظاهر ساز فراماسونری شمرده شده‌اند.

Full Powers**اختیار تام؛ اختیارنامه**

هرگاه فرستاده سیاسی به نمایندگی از طرف کشور خود برای انجام اقدامات خاصی اعزام شود، به وی اختیارنامه داده می‌شود. مثلاً کشور فرستنده نماینده سیاسی در نظر دارد که توسط نماینده خود برای انعقاد یک قرارداد ویژه با کشور خارجی وارد مذاکره شود، در این صورت نماینده سیاسی این کشور باید اختیارنامه همراه داشته باشد و آن را به مقامات کشور پذیرنده ارائه نماید. اختیارنامه امکان دارد متضمن اختیارات محدود و یا نامحدود حامل آن باشد.

Functionalism**کارکردگرایی؛ کارکردباوری**

مکتبی که به موجب آن، جامعه همچون مجموعه‌ای است از نهادهای وابسته به هم که هر یک در ثبات کلی جامعه نقشی دارند؛ یعنی سازمان اجتماعی در ذات خود دارای نظم و انسجام و وحدت است. در این سازمان که به مثابه یک ارگانسیم زنده عمل می‌کند، اندامها و قسمتهای مختلف، دارای نقشهای حیاتی و تکمیل‌کننده هستند و وجود آنها به علت دوامی که می‌آورند، ضروری است. در چنین نظام همبسته و یگانه‌ای که در ذات خود به نظم‌گرایی دارد، تضاد طبقاتی، شورش و انقلاب قابل تصور نیست و اگر هم تغییری در جامعه رخ دهد، صرفاً به خاطر ایجاد سازگاری با کل نظام است. کارکردگرایی به جای توجه به دگرگونی و تغییر اجتماعی به تعادل اجتماعی توجه دارد.

Free Vote

رای آزاد؛ رای مستقل

رای گیری در مجلس در مورد موضوعی که در خط حزبی رسمی قرار ندارد و نمایندگان مجلس آزادند هرگونه که مناسب می‌دانند رای دهند.

Free Waters

آبهای آزاد

این واژه مترادف دریای آزاد، دریای پهناور باز و آبهای بین‌المللی است. آبهای آزاد در تملک هیچ کشوری نیست و از اعمال هرگونه صلاحیت سرزمینی محفوظ و برکنار است.

Free World

جهان آزاد

اشاره است به کشورهای غیر کمونیست جهان. این واژه پس از جنگ دوم جهانی، بویژه در آمریکا و اروپا به کار رفت. اصطلاح جهان آزاد را بلوک شرق به‌عنوان سرپوشی برای دستیابی سرمایه انحصاری و قدرتهای امپریالیستی بر جهان، تلقی کرده‌است.

French Revolution

انقلاب فرانسه

نخستین انقلاب مدرن که در سال ۱۷۸۹ رژیم پادشاهی مطلقه و فئودالی فرانسه را به دنبال یک رشته بحرانهای عمیق اجتماعی - سیاسی و نارضایتی گسترده ناشی از فقر مردم سرنگون کرد و ساختار جامعه را دگرگون ساخت و ایدئولوژیهای تازه‌ای برای تبیین جریان خود به وجود آورد. انقلاب فرانسه، اندیشه‌های انقلابی و نیز ناسیونالیسم را در اروپای غربی رشد و توسعه داد.

Friendship

دوستی

روابط بین فردی، بین‌المللی یا بین‌الدولی مبتنی بر اشتراک منافع و علاقه متقابل.

Front

جبهه

سازمانی که نمایندگان سیاسی طبقات و اقشار مردمی برای نیل به یک هدف مشترک در آن متحد می‌شوند و به‌خاطر منافع مشترکی که در برنامه جبهه منعکس می‌شود، مبارزه می‌کنند. جبهه با حزب فرق دارد، زیرا حزب، سازمان یک طبقه یا گروه اجتماعی و یا حتی بخشی از یک طبقه (مثل احزاب دموکرات و جمهوریخواه آمریکا که هرکدام نماینده جناحی از سرمایه‌داری انحصاری آمریکا هستند) است که براساس منافع آن طبقه یا گروه اجتماعی تشکیل می‌شود و هدف آن، مبارزه در راه تحقق آن اهداف و نیل به آن منافع است. انواع جبهه: ۱ - جبهه متحد ملی: در کشورهایی که هدف اصلی، مبارزه علیه استعمارنواست به‌وجود می‌آید. ۲ - جبهه متحد دموکراتیک (خلقی) که هدف آن مبارزه برای محو نفوذ امپریالیسم، تأمین استقلال و ترقی اجتماعی است. ۳ - جبهه متحد ملی دموکراتیک: این جبهه در شرایطی به‌وجود می‌آید که مسأله مبارزه علیه استعمار و نواستعمار با مسأله مبارزه خلقی و دموکراتیک درهم آمیخته است.

Frontbencher

عضو کابینه اصلی یا خیالی (در انگلستان)؛ عضو صدرنشین کابینه (در انگلستان)

هریک از وزیران حکومت یا اعضای کابینه مخالف خیالی در پارلمان انگلستان که در دو ردیف جلو می‌نشینند.

اقتصادی مشترک و موقعیت خاص از لحاظ مالکیت و نتایج آن و سهمیم بودن در اوراق بهادار و مؤسسات تولیدی و انتفاعی، افراد این سازمان ارتجاعی را به صورت یک تشکیلات فعال و بانضباط در آورده و همین نکته از مهم ترین اسرار فراماسونری و راز بقای آن شمرده می شود.

Free Port

بندر آزاد

بندری از یک کشور که کشورهای دیگر می توانند آزادانه و بدون پرداخت عوارض گمرکی، کالاهایی را که می خواهند به آنجا وارد و یا از آنجا خارج کنند.

Free Rider

استفاده کننده مختار؛ موج سوار؛ مفت خور

کسی که از فعالیت های دیگران بهره مند شود بدون اینکه در آن فعالیتها شرکت کرده باشد. مثل کارگری که عضو اتحادیه نباشد، ولی از اقدام اتحادیه که به افزایش پرداختها منجر شود، برخوردار گردد.

Freethinking

آزادفکری؛ آزاد اندیشی

عنوان نهضتی در فرانسه که پیش از انقلاب و مقارن آن (در قرن هجدهم میلادی) و در اثر توسعه تحقیقات و اکتشافات علمی رواج یافت. همچنین آزادفکران یا آزاداندیشان Freethinkers در مورد کسانی که به کار رفته است که از راه استدلال به نتایج دینی می رسند و سندیتهای فوق طبیعی را نمی پذیرند. در انگلستان، به ویژه در مورد خداپرستانی به کار رفته است که اعتقادی به مقامات دینی نداشتند.

Free Trade

تجارت آزاد

۱- فقدان حقوق گمرکی بر واردات و صادرات، و فقدان قیود بر تجارت خارجی که برای کاستن یا جلوگیری از چنین تجارتی وضع می گردد. ۲- عدم دخالت دولت در بازرگانی بین المللی. بازرگانی بر اساس عرضه و تقاضا و فارغ از مقررات و کنترلها، همراه با اقدامات تشویقی دولت.

Free Trade Area

حوزه تجارت آزاد؛ منطقه تجارت آزاد

مجموعه ای از کشورهایی که تصمیم بگیرند عوارض گمرکی بر کالاهای وارده از کشورهای گروه نبندند، یا نوعی از همبستگی اقتصادی که در آن، بازرگانی داخلی بین کشورهای عضو، آزاد است، اما هر کشور، مجاز به برقراری و وضع تعرفه های خارجی برای کشورهای غیر عضو است.

Free Trade Zone

منطقه آزاد تجاری

منطقه مجزا در بندر، فرودگاه، شهر مرزی یا سایر مکانهای مجهز به تأسیسات تخلیه و بارگیری که کالاهای خارجی بدون تشریفات گمرکی به آنجا وارد می شود. مناطق آزاد تجاری، تسهیلات فراوانی در اختیار تاجران می گذارند ولی اگر خریداران بخواهند از این کالاها به درون کشور وارد نمایند، لازم است که کلیه تشریفات گمرکی را انجام دهند. این مناطق برای توسعه تجارت و صنعت تلاش می کنند و شرایطی را فراهم می سازند تا سرمایه گذاران داخلی و خارجی ترغیب گردند در آنها سرمایه گذاری کنند.

دولت در امور اقتصادی و آزادی مالکیت خصوصی سرمایه، نقل و انتقال آن و آزادی کسب و کار. به نظر طرفداران اقتصاد آزاد، اقتصاد دولتی متضمن نظارت بی چون و چرای دولت است و چنین نظارتی، انگیزه‌های رشد، شکوفایی و تلاش را از بخش خصوصی سلب می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی را از مسیر تولید به طرف فعالیت‌های فساد برانگیز غیر اقتصادی منحرف می‌سازد و به طور کلی یکی از عوامل مهم ایجاد فساد در جامعه است.

بازار آزاد

Free Market

بازاری که در آن، توزیع و مبادله خارج از کنترل دولت است.

فراماسونری

Freemasonry (Franc-maçonnerie)

در قرون وسطی که در اروپا ساختن کلیسا معمول بود، بنایان کلیسا از حکام و شهرداران درخواست کردند تا زورگویان جامعه فنودالی آنان را به بیگاری نگیرند و برای آنکه بتوانند پیشنهاد خود را به تصویب برسانند، اتحادیه‌ای به نام فراماسون (بنای آزاد، یعنی بنایی که بدون مزد کار نمی‌کند) به وجود آوردند و کلاس‌هایی به نام لژ برای تعلیم بنایی و معماری به کارگران مستعد تأسیس کردند. رازداری حرفه‌ای موجب شده بود که این کلاسها اسرار صنفی خود را شدیداً مخفی دارند. با آغاز دوره رنسانس در اروپا، دوران ساختن کلیسا به تدریج به پایان رسید و فراماسونری حرفه‌ای نیز از رونق افتاد. تا اینکه در قرن ۱۸ کسانی که ربطی به صنف بنا نداشتند، دستگاه فراماسونی را دوباره سازمان دادند و ادعا کردند که دستگاه مزبور برای تحکیم اصول اخلاقی و برادری و همکاری با یکدیگر تشکیل شده است. اولین لژ فراماسونری جدید (یا فرقه سیاسی و باشگاه اعیان و اشراف) در سال ۱۷۱۷ در انگلستان تأسیس شد که مهم‌ترین ارکان تعلیماتی آن، رازداری و اطاعت مطلق از رؤسا بود. استعمارگران انگلیسی نیز از سال ۱۷۳۰، سازمان فراماسونری سیاسی را در جهت گسترش قلمرو امپراتوری و به بند کشیدن ملتها به کار گرفتند و شعبه‌های آن را به تدریج در بسیاری از کشورها از جمله آمریکا به وجود آوردند. آنها همچنین در زمان سلطنت فتحعلیشاه قاجار، عوامل جاسوس و فراماسون خود مثل سرهارفور دجونز و جیمز موریه را به ایران فرستادند. اینان، رجال درباری و اشراف را به محفل فراماسونی وارد کردند. این محفل بعدها توسط میرزا ملکم خان گسترش یافت و به فراموشخانه مشهور شد، زیرا هر چه از فراماسونها می‌پرسیدند در جواب می‌گفتند که بیاد نداریم. خط اصلی فعالیت‌های فراماسونری بویژه در ممالک مستعمره، وابسته و کم رشد، به تعویق انداختن دگرگونی‌های اجتماعی ضروری و کند کردن سیر تکاملی و تغییر دادن مسیر نهضت‌های اجتماعی و سیاسی به نفع خود و کشور حامی است. فراماسونری در ایجاد حکومت‌های دیکتاتوری در قالب دموکراسی و استقرار و حفظ اقتصاد عقب مانده در زیر لفاظیه تحولات اقتصادی نیز مهارت خاصی از خود نشان داده است. زمانی که دولت‌های اروپایی به فکر استعمار افتادند، محفل فراماسونی بهترین وسیله بود که توسط اعضای آن می‌توانستند تولید اختلاف کنند و با نفاق و جدایی بین سکنه آن مملکتی که تصمیم به تصرفش گرفته بودند، موفق شوند. دستگاه فراماسونی که زنان در آن راه ندارند، دارای چند میلیون عضو - عمدتاً در فراماسونری آمریکا و انگلستان - است. فراماسونها از جنبه اقتصادی در تمام نقاط دنیا به صورت یک طبقه واحدند. منافع

Freedom of Religion**آزادی دین**

آزادی عقیده دینی یا حق انتخاب هر نوع مذهب و طریقت دینی یا حق غیر دینی بودن.

Freedom of Speech**آزادی بیان**

آزادی افراد، در بیان عقیده و ایراد نطق و خطابه، بدون ترس از دخالت دولت. به نظر نوام چامسکی، در آمریکا خیلی بهتر از انگلستان یا کانادا از آزادی بیان دفاع می‌شود. اما نباید از یاد برد که آمریکا یک کشور سرمایه‌داری است. در چنین محیطی هر چیز، یک کالا به حساب می‌آید و قابل داد و ستد است. یعنی آزادی بیان هم یک کالا است و شما به اندازه‌ای که می‌توانید آزادی بیان بخرید، واجد آن خواهید بود. همچنین باید دانست که علی‌رغم تضمین قوانین اساسی بعضی کشورها در مورد آزادی بیان، نظامهای حقوقی، آزادی بیان را به طور مطلق نپذیرفته‌اند. در میان آشکارترین محدودیتهای آزادی بیان، می‌توان به قوانینی اشاره کرد که در مورد فتنه‌انگیزی، تحریک، هتک حرمت و آبروریزی، هجو، افترا و ناسزا وضع شده است.

Freedom of the (High) Seas**آزادی دریاها**

مقصود از این اصل در حقوق بین‌الملل این است که دریای آزاد به‌روی کلیه ملل باز است و همه دولت‌ها می‌توانند آزادانه از آن استفاده کنند و هیچ دولتی نمی‌تواند مدعی مالکیت و حاکمیت انحصاری آن باشد. اصل آزادی دریاها از دو نظریه سرچشمه می‌گیرد: نظریه‌ای که دریا را شیئی متعلق به عموم (رس کمیونیس) می‌شمارد و نظریه‌ای که دریا را شیئی بدون مالک (رس نوللیوس) می‌داند. اصل آزادی دریاها در قرارداد ۱۹۵۸ ژنو مربوط به دریای آزاد به این شکل تأیید شده است: دریای آزاد به‌روی کلیه دولت‌ها باز است و هیچ دولتی قانوناً نمی‌تواند ادعا کند که قسمتی از آن تحت حاکمیت او است. آزادی دریاها شامل آزادیهای مختلف، بویژه آزادی کشتیرانی، آزادی صید، آزادی نصب کابلها و لوله‌های نفتی در زیر دریا، آزادی پرواز بر فراز دریای آزاد است. این آزادیهای چهارگانه و دیگر آزادیهای به رسمیت شناخته شده (مثل آزادی ساختن جزایر مصنوعی و آزادی پژوهشهای علمی) توسط اصول کلی حقوق دریاها، با در نظر گرفتن معقولانه منافی است که آزادی دریا برای سایر کشورها دربر دارد.

Freedom of the Press**آزادی مطبوعات**

به موجب این اصل، افراد حق نشر افکار و عقاید و اخبار را از طریق نوشته‌ها یا مطبوعات دارند، بدون اینکه نشر آنها موقوف به تحصیل اجازه یا محکوم به سانسور باشد.

Freedom Riders**سواران آزادی**

منظور سیاه پوستانی هستند که در سال ۱۹۶۱ در ایالات متحده آمریکا برای دفاع از حقوق و آزادیهای خود سوار بر اتوبوس و سایر وسایل نقلیه شده به مسافرت آزادی پرداختند.

Free Economy**اقتصاد آزاد**

۱- اقتصادی که در آن، جریانات و عملیات اقتصادی عمده و اساسی توسط بخش خصوصی، فارغ از کنترل مستقیم و فعالیت دولت صورت می‌گیرد. ۲- اقتصاد سرمایه‌داری و عدم مداخله

به حداقل ممکن کاهش دهد. ۶- به طور اعم، به مجموع آزادی‌هایی نظیر آزادی سیاسی، آزادی مذهبی و آزادی نطق و بیان اطلاق می‌شود. به محض آنکه صحبت از آزادی به میان می‌آید، باید پرسید: آزادی برای چه، آزادی برای چه و آزادی تا چه حدود. خودسری هر فرد برای ارضای تمایلات فردی خود، منتهی به هرج و مرج و هرج و مرج منتهی به وضعی می‌شود که در آن هرگونه آزادی از بین می‌رود. در یک جامعه آشفته، تنها دغلبازان می‌توانند خود را تحمیل کنند. در آشفته‌گی نه عدالت وجود دارد و نه آزادی. از انقلاب کبیر فرانسه به بعد، آزادی با تأمین تساوی فرصت برای پرورش استعداد‌های افراد یک جامعه، همبستگی نزدیکی پیدا کرده است. ماکیاول در کتاب گفتارها نوشته است در جامعه‌ای که حکومت استبدادی جای آزادی را می‌گیرد، آن جامعه دیگر پیشرفت نمی‌کند، نه ثروتش افزایش می‌یابد و نه قدرتش، و در بیشتر موارد، جامعه در سراسیمه زوال می‌افتد. اکنون همچنین آزادی براساس میزان سرکوب یا فشار، یعنی بر اساس اقداماتی از طرف دولت سنجیده می‌شود که اختیار فرد را برای انتخاب نحوه دلخواه عمل (مثل آزادی اعتقاد و مذهب، آزادی بیان، عضویت در سازمانها، آزادی سفر، عدم ترس از بازداشت غیرقانونی) انکار می‌کند. به عبارت دیگر، گسترش و ترویج آزادی از دولت، مستلزم کنار گذاشتن وسایل سرکوب و فشار است: مثل پلیس امنیتی که از خبرچینها برای گزارش صحبت‌های دوستانه و خانوادگی استفاده می‌کند، ارزشیابی و انتخاب مریب توسط مقامات دولتی برای تدریس در مراکز آموزشی، استخدام و ارتقای افراد براساس میزان وفاداری به دولت.

Freedom of Association

آزادی اجتماعات

۱- آزادی تشکیل انجمنها و جمعیتها. ۲- حق اجتماع افراد و تشکیل مجامع و انجمنهای علمی، هنری، فرهنگی، حرفه‌ای، اقتصادی، خیریه و احزاب سیاسی و هرگونه تجمعی که برخلاف قانون اساسی نباشد.

Freedom of Belief

آزادی اعتقاد

آزادی در داشتن هر نوع ایمان و اعتقاد (دینی و غیر دینی) که با آزادی دین تفاوت دارد. کشورهایی مثل انگولا، اتیوپی، بورکینافاسو، مصر، غنا، مالاوی، اوگاندا، آفریقای جنوبی و کنگو در قانون اساسی خود این آزادی را تضمین کرده‌اند.

Freedom of Information

آزادی دستیابی به اطلاعات دولتی؛ آزادی اطلاعات

آزادی دسترسی شهروندان به اطلاعات، اسناد و مدارک دولتی. طرفداران آزادی دسترسی به اطلاعات اعتقاد دارند که دانستن، حق مردم است و مردم براساس این اصل است که بهتر در بحثها شرکت می‌کنند. سوئد اولین کشوری بود که در سال ۱۷۶۶ حق دستیابی به مدارک دولتی را برقرار کرد. آمریکا در سال ۱۹۶۶ تا حدودی این حق را معمول داشت. طبق قانون آزادی اطلاعات در آمریکا، اطلاعات موجود نزد سازمانهای فدرال در دسترس همگان خواهد بود، مگر آنکه شامل یکی از انواع مطالب استثنائی باشد.

Freedom of Opinion (Conscience)

آزادی عقیده

حق اظهار و اعلام و انتشار عقاید سیاسی و فرهنگی و علمی و اختیار در تبلیغ عقاید خود به دیگران.

Franchise

حق رای

حق قانونی رأی دادن در انتخابات.

Francoism

فرانکویسم

از نام فرانکو (۱۹۷۵-۱۸۹۲) گرفته شده و بیانگر رژیم حکومتی او بر اسپانیا است با توجه به ارزشهای سنتی کاتولیکی و نظامی، اقتدارگرایی، فاشیسم، پلورالیسم محدود و دشمنی با نیروهای لیبرال، چپ و جدائی طلب.

Frankfurt School

مکتب فرانکفورت

مکتبی که توسط گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی در سال ۱۹۲۳ تأسیس شد. این گروه در مؤسسه تحقیقات اجتماعی در دانشگاه فرانکفورت آلمان کار می‌کرد و از بین چهره‌های معروف آن می‌توان از ماکس هورکهایمر، تئودور آدرنو، هربرت مارکوزه، اریش فروم، والتر بنیامین و یورگن هابرماس نام برد. مکتب فرانکفورت را از جمله به‌دلایل زیر، نشومارکسیستی و ریویزیونیستی خوانده‌اند: ۱- انتقاد کردن از نظریه جبر اقتصادی. ۲- تحلیل روانشناختی فرویدی در نظریات اجتماعی مارکس. ۳- عدم اعتقاد به امکان براندازی انقلابی نظام سرمایه‌داری از طریق مبارزات طبقه کارگر. ۴- تأکید بر اهمیت فرهنگ به جای تأکید بر اهمیت عوامل اقتصادی.

Fraternity

برادری

واژه مردانه که بیانگر مساوات و دوستی بین افراد متفاوت و متمایز بشر است با سازگاری و اتحاد منافع، هدفها و اعتقادات.

Freedom Fighter

رزمنده آزادی

کسی که برای برقراری آزادی، علیه ستم و استبداد مبارزه می‌کند.

Freedom House

خانه آزادی

سازمانی در آمریکا (نیویورک) که وضع آزادیهای مدنی را در سراسر دنیا بررسی می‌کند. خانه آزادی، هر کشور را براساس سه ضابطه طبقه‌بندی کرده است: ۱- آزادی مطبوعات، رادیو و تلویزیون آن کشور در زمینه انتقاد از دستگاه حکومت. ۲- آزادی شهروندان در زمینه بیان و نگارش خواسته‌هایشان. ۳- توانائی شهروندان در مورد طرح دعوی بر علیه دولت و پیروشدن در دادگاه. جان کولمن در کتاب کمیته ۳۰۰، خانه آزادی را یکی از سازمانهای ظاهر ساز فراماسونری خوانده است که از جمله برای بی اعتبار کردن سوسیالیسم فعالیت می‌کند.

Freedom (Liberty)

آزادی

۱- اختیار فعل یا ترک فعل. ۲- داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد. ۳- مصون ماندن از اراده مستبدانه دیگران، آزادی از بند و زندان، آزادی از بردگی غیر، نبودن دخالت و ممنوعیت. ۴- استقلال و رهایی فرد یا گروه از ممانعتی که به وسیله دیگر افراد، گروهها و یا حکومت برقرار شده باشد. ۵- وضع و موقعیتی که اجبار جامعه و افراد را بر شخص

به چهارده ماده خود را که یک برنامه ایده آلیستی بود به عنوان شالوده صلح پایدار تقدیم مجلس سنا کرد. در این لایحه، ویلسون موافقت‌های پنهانی بین المللی را تقییح کرد و آزادی رفت و آمد در دریاها و برداشتن سدهای اقتصادی بین کشورها و تقلیل نیروهای نظامی و تعدیل ادعاهای دولت‌های استعمارگر را با توجه به منافع مردم مستعمرات خواستار شد. ویلسون در چهارده ماده پیشنهادی خود تشکیل اتحادیه‌ای برای تضمین حاکمیت سیاسی و تمامیت ارضی کشورها (اعم از بزرگ و کوچک) را شالوده سیاست به اصطلاح صلح جویانه خود قرار داد. مع هذا در عمل، هنوز هم اشغال کشورهای مستقل کم قدرت یا کوچک به منظور سرکوب مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم توسط ابرقدرتهایی مثل آمریکا به عنوان یک حق قانونی شمرده می‌شود. اشغال گرانادا و هائیتی از آن جمله است.

مطبوعات (در نظام مرتبتی): رکن چهارم (مطبوعات)

Fourth Estate

اشاره به مطبوعات و سایر رسانه‌های جمعی است. این واژه نخستین بار در قرن نوزدهم توسط توماس کار لایل (۱۷۹۵-۱۸۸۱) در انگلستان به کار رفت. در نظام مرتبتی، مراتب اصلی را معمولاً نجبا، عوام و مقامات مذهبی تشکیل می‌دادند. مردم در جوامع مبتنی بر دموکراسی حق دارند تا برای مشارکت در انتخابات و تصمیم‌گیری‌های مهم جامعه خود، از حقایق و رویدادهای کشور خود و سایر مناطق جهان آگاهی یابند. این امر در درجه نخست، بستگی به آزادی مطبوعات و سایر رسانه‌های جمعی دارد.

Fourth International

بین الملل چهارم؛ اترانسینال چهارم

تروتسکی در سال ۱۹۳۷ در مکزیک به کمک اقلیتی از روشنفکران طرفدار برنامه انقلاب جهانی، کوشش کرد تا بین الملل چهارم را به عنوان اترناتیو بین الملل دوم و سوم و به منظور ایجاد کمونیسم ناب تشکیل دهد. کوششهایی که توسط تروتسکی به عمل آمد، به نتیجه نرسید. فعالیت بین الملل چهارم همچنان ادامه دارد.

Fourth World

جهان چهارم

کشورهایی که از نظر سازمان ملل متحد بسیار فقیر و کم رشدند و از درآمد سرانه سالانه اندکی برخوردارند. بنگلادش، بنین، چاد، گامبیا، هائیتی، نپال، رواندا، سومالی، اوگاندا، یمن و سودان از جمله کشورهای کم رشد شمرده شده‌اند.

Fraction

فراکسیون

مفهوم این واژه فرانسوی در اصطلاح سیاسی، یعنی جناح یا گروهی که در داخل یک حزب یا یک سازمان سیاسی پدید می‌آید و اعضای آن در زمینه چگونگی اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های کلی آن حزب یا سازمان، نظریات و عقایدی متفاوت از دیگر اعضا ابراز می‌کنند. در مجالس مقننه، فراکسیون‌های پارلمانی به گروه‌های نمایندگان احزاب اطلاق می‌شود.

Frame - Up

پاپوش دوزی؛ پرونده سازی

در کار و زندگی کسی مانع ایجاد کردن یا با توطئه و بهانه تراشی، وسیله گرفتاری کسی را فراهم ساختن.

Founding Fathers**پدران بنیانگذار**

این واژه برای اشاره به ۵۵ بنیانگذار قانون اساسی ایالات متحد آمریکا به کار رفته است که در ۱۷ سپتامبر سال ۱۷۸۷ به اتفاق آراء و رضایت نمایندگان کلیه ایالات به امضا رسید.

Four Dragons**چهار اژدها**

این واژه توسط دنگ شیائ پینگ (۱۹۹۷-۱۹۰۴) نخست وزیر چین برای اشاره به کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور به کار رفته است که از لحاظ اقتصادی رشد سریعی یافته‌اند.

Four Freedoms**آزادیهای چهارگانه؛ چهار آزادی**

فرانکلین روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در پیام ششم ژانویه سال ۱۹۴۱ به کنگره این کشور تأکید کرده بود که در سراسر جهان باید چهارگونه آزادی تأمین شود: ۱- آزادی نظم و بیان و عقیده. ۲- آزادی دین. ۳- آزادی و رهایی از احتیاج. ۴- آزادی از ترس. آزادی از ترس ایجاب می‌کند که در میزان تسلیحات، چنان کاهش بیاید که هیچ ملتی در هیچ نقطه جهان نتواند علیه کشور دیگر دست به یک حمله تهاجمی بزند. وزیر امور خارجه آمریکا در آن زمان، لغو سلاحهای تعرضی و محدود ساختن و کاهش سلاحهای دفاعی و ابزارهای تولیدکننده آنها را از شرایط نیل به آزادی از ترس ذکر نمود.

Fourierism**فوریه آیینی؛ فوریه گرایی**

پیروی از عقاید فرانسواماری شارل فوریه (۱۸۳۷-۱۷۷۲) از سوسیالیستهای تخیلی فرانسه و مبتکر فالانستر یا جامعه سوسیالیستی تخیلی. وی پیش‌بینی کرده بود که رقابت بین سرمایه‌داران بالاخره به انحصار می‌گراید. فوریه اعتقاد داشت که در اقتصاد سرمایه‌داری، فقط یک سوم از مردم، کار اجتماعی لازمی را انجام می‌دهند و بقیه به علت فساد و اختلالی که در نظام بازار وجود دارد یا به سمت مشاغل بی‌فایده هدایت می‌شوند و یا به صورت انگلهای ثروتمند بی‌ثمر درمی‌آیند. وی دو سوم یادشده را به چهار گروه تقسیم می‌کند: ۱- کار بی‌ثمر و مخرب. ارتش، ثروتمندان بیکاره، کسانی که از عهده هیچ کاری بر نمی‌آیند. ۲- کار در جهت نادرست و منحرف ساختن انگیزه‌های انسان در جهت حرص و تباهی، عدم وجود همکاری، عدم نظارت بر تولید، عدم تعدیل عرضه نسبت به تقاضا مگر به وسیله مکانیسم نایبای بازار. ۳- بازرگانی در دست واسطه‌ها و دلالان است. برای انجام کاری که جامعه می‌تواند با وجود انبار و توزیع مطابق احتیاج، به وسیله یک نفر انجام دهد، صد نفر احتیاج است. صد نفر پشت پیشخوان می‌نشینند و ساعتها وقت تلف می‌کنند تا خریداری برسد، صد نفر موجودی را محاسبه می‌کنند و همه نیز در حال رقابتند. این صد نفر بازرگان بی‌مصرف بدون اینکه تولید کنند، می‌خورند. ۴- بندگی غیر مستقیم کارگران مزدور یا هزینه تعارضات طبقاتی. به خاطر در تضاد بودن منافع طبقات با یکدیگر، هزینه اختلاف و جدایی انداختن بین مردم بیش از منافع حاصل از ایجاد همکاری بین آنهاست.

Fourteen Points**چهارده ماده**

وودرو - ویلسون (۱۹۲۴-۱۸۵۶) رئیس جمهوری آمریکا در ژانویه سال ۱۹۱۸ لایحه معروف

Formalism

صورت‌گرایی؛ ظاهرپرستی

۱- این واژه که از نظر مارکسیست‌ها در مقابل واژه واقع‌گرایی سوسیالیستی به کار رفته، اشاره‌است به توجه بیش از اندازه به‌صور امور یا اعتقاد افراطی به‌حفظ ظاهر در امور مذهبی، سیاسی، هنری، اجتماعی و کارهای اداری. ۲- بررسی صورت‌ها و اشکال زندگی اجتماعی (مثل ساختارها و فرایندها) بدون توجه به‌معنا و محتوای آنها.

Formal Organization

سازمان رسمی

گروه یا تشکیلات اجتماعی که برای هدف خاصی به وجود می‌آید، عضویت در آن، نقش‌ها و مقامها و امکان استفاده از آنها براساس قوانین و مقررات رسمی و ساختار بوروکراتیک یا اداری است.

Fortress Europe

دژ اروپا

این واژه در تبلیغات نازیها به‌منظور تقویت قدرت و اتحاد اروپا در برابر هجوم قوای آمریکایی -انگلیسی به‌خشکی اروپا در سال ۱۹۴۳ به کار رفته‌است.

Forum

فوروم؛ تریبون آزاد؛ تبادل نظر؛ نظرآزمایی

میدانی در رم باستان که مردم در آن جمع می‌شدند و دموکراسی مستقیم خود را اعمال می‌کردند. اکنون برای بیان محل برخورد آراء و تبادل نظر، جلسه بحث آزاد، گردهمایی و مناظره به کار می‌رود.

Fossil

فسیل؛ آدم متحجر

فسیل یا سنگواره به بقایا و آثار جانوران و گیاهانی اطلاق می‌شود که در دورانهای گذشته کره زمین زندگی می‌کرده‌اند. در معنی مجازی، کنایه از آدم قشری یا کسی است که در پیروی و تبعیت از احکام و سنن تعصب دارد.

Foundation for Progress of Human (FPH)

بنیاد پیشرفت بشر

بنیادی است سوسیسی که در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد و هدف آن، بازاندیشی و اقدام در زمینه پیوند بین دستاوردهای علمی و پیشرفت بشر در قلمروهای هفت گانه: آینده کره زمین، ارتقاء و تلاقی فرهنگها، نوآوری و دگرگونی اجتماعی، مناسبات دولت و جامعه، زراعت روستائی، مبارزه با هرگونه تبعیض و بالآخره، صلح است. در اولین اجلاس این بنیاد در سال ۱۹۸۶ شخصیت‌های زیادی از ملل گوناگون در شهر "وزله" فرانسه گردآمدند. در سال ۱۹۹۳ بیانیه‌ای از طرف بنیاد در دفاع از جهانی همبسته و مسئول تهیه شده که تا سال ۱۹۹۴ حدود سیصد شخصیت از بیش از هشتاد کشور جهان آن را تأیید و امضا کردند. در این بیانیه از جمله گفته شده است: بشریت از سه عدم تعادل عمده رنج می‌برد: ۱- عدم تعادل میان شمال و جنوب. ۲- عدم تعادل میان اغنیا و فقرا. ۳- عدم تعادل بین انسان و طبیعت. این عدم تعادلها، سه بحران به وجود می‌آورد: ۱- بحران بین جوامع. ۲- بحران بین انسانها. ۳- بحران بین انسان و محیط زیست. این سه بحران از هم تفکیک ناپذیرند، مثلاً عدم توجه به محیط زیست، معمولاً با عدم توجه به انسان همراه است. بنابراین نمی‌توان جداگانه برای این بحرانها پیروز شد.

یک دولت به دولت دیگر و خواه به شکل غیر مستقیم از طریق یک مؤسسه مثل بانک جهانی (معمولاً برای باقیماندن کشورهای کمک گیرنده در مدار سرمایه داری). کمک خارجی مشروط نیز آن است که کشور دریافت کننده، ملزم به خرید کالاها و یا خدمات از کشور کمک دهنده است.

Foreign Exchange

ارز؛ پول خارجی

پولهای کشورهای دیگر یا عملیات حل و فصل و تسویه قرضهای بین اشخاص و یا مؤسسات مقیم در کشورهای مختلف.

Foreign Loan

وام خارجی

غیر از موارد استثنایی که وام خارجی بدون تعیین شرایط مصرف و به صورت آزاد ممکن است در اختیار دولت وام گیرنده قرار گیرد، وامهایی که از منابع خارجی تحصیل می شود، طرز مصرف آنها نیز پیش بینی شده است. مثلاً اگر یک دولت برای ایجاد تاسیساتی از دولت دیگر وامی دریافت نماید، معمولاً اعتبار به شکل وجه نقد در اختیار دولت وام گیرنده قرار نمی گیرد تا وام گیرنده نتواند آن را به مصرف خرید تجهیزات از کشور ثالثی برساند، بلکه در قرارداد پیش بینی می شود که دولت برای ایجاد تاسیسات، قرارداد پیمانکاری منعقد می کند و برای خرید تجهیزات با تولیدکنندگان کشور وام دهنده قراردادهایی منعقد می نماید و آنگاه دولت وام دهنده، هزینه های ارزی اجرای این قراردادها را به دستور دولت وام گیرنده پرداخته و حساب وی را بدهکار می سازد. این نوع قراردادهای وام معمولاً برای گسترش مبادلات تجاری در شرایطی که کشورهای جهان سوم برای اجرای برنامه های عمرانی خویش ارزش کافی ندارند، منعقد می گردد. شرایط سخت ناشی از بدهیهای هنگفتی که بعضی کشورهای جهان سوم، عمدتاً به بانکهای خصوصی غربی دارند و ناتوانی این کشورها در پرداخت اقساط بدهیها، وضعی را به وجود آورده که از آن تحت عنوان بحران بدهی بین المللی یاد می شود.

Foreign Office

وزارت امور خارجه

این واژه در انگلستان برای نامیدن سازمان مسئول تدوین و اجرای سیاست خارجی به کار می رود.

Foreign Policy

سیاست خارجی

سیاست یک دولت در عمل متقابلش با دیگر دولتها و خلقها. سیاست خارجی، تابعی از سیاست داخلی و بویژه تابعی از نظام اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی هر کشور است. شیوه هایی مانند برنامه ریزی دراز مدت، بیشتر در سیاست داخلی اعمال می شود، در حالی که بهره برداری از موقعیتهای زودگذر و تطبیق با شرایط دگرگون از خصوصیات سیاست خارجی است. سیاست خارجی یکی از عرصه های مهمی است که مواضع نیروی حاکم بر هر کشور در آن انعکاس می یابد. سیاست خارجی هر کشور با سیاست داخلی آن رابطه جدانشدنی و مستقیم دارد. این دو هر چند از نظر شکل متفاوتند ولی دارای ماهیت یکسانی هستند و در واقع می توان سیاست خارجی را بازتاب سیاست داخلی دانست. سیاست خارجی همچنین یک بخش فرعی از سیاست بین المللی است.

Football Hooliganism**اوباشگری طرفداران فوتبال**

لاتبازی طرفداران و تماشاگران عقب افتاده فوتبال که در واقع، ناشی از فریفتگری سلطه گران و غافل کردن مردم از واقعیات و تحمیق و غوطه ور ساختن آنها در محیطهای پوچ است.

Force**زور**

کاربرد اجبار و قدرت برای تحمیل اراده بر دیگران به منظور رسیدن به هدف. این واژه غالباً در معنی خشونت به کار می‌رود، اما اگر خشونت به عنوان وسیله‌ای برای اعمال فشار و اجبار مورد استفاده قرار بگیرد، زور بهتر است برانرژی حاصل از جنبشهای جسمانی یا اجتماعی دلالت کند. جنگ یکی از مظاهر توسل به زور شمرده می‌شود. توسل به زور در مفهوم نخست، عبارت است از هرگونه عمل قهر آمیزی که نتوان نام اقدام نظامی بر آن گذاشت، اما در مفهوم دوم، شامل کلیه تدابیر و عملیات نظامی، از قبیل جنگ است.

Force Majeure**فورس ماژور؛ قوه قاهره**

هر حادثه خارجی (خارج از حیطه قدرت متعهد) غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل اجتناب که مانع اجرای تعهد باشد. قاعده فورس ماژور نه فقط در حقوق داخلی، بلکه در حقوق بین‌الملل عمومی در روابط دولتها، بویژه در باب مسئولیت بین‌المللی دولت نیز مطرح است.

Forces of Production**نیروهای تولید؛ نیروهای مولده**

این واژه بیانگر رابطه انسان با طبیعت است و به آن نیروهایی اطلاق می‌شود که در تولید نعمات مادی شرکت دارند، مثل وسایل تولید و افرادی که آنها را در جریان فعالیت تولید به کار می‌اندازند و تکمیل می‌کنند.

Fordism**فوردیسم**

این واژه را آنتونیو گرامشی در اوایل دهه ۱۹۳۰ برای بیان روشهای جدید تولید آمریکائیان به کار برد که حاکی از استاندارد شدن، دوره تازه‌ای در توسعه سرمایه‌داری، مدیریت علمی و تولید انبوه است. فوردیسم از نام هنری فورد (۱۹۴۷-۱۸۶۳) از بزرگترین صاحبان صنعت آمریکا و پیشرو در صنعت خودروسازی گرفته شده است.

Foreign Affairs**امور خارجه**

کارهای مربوط به روابط دیپلماتیک و کنسولی و سیاست خارجی کشور و اتباع مقیم در کشورهای بیگانه. در قرن شانزدهم میلادی، امور خارجه نمی‌گفتند و فقط به اختصار گفته می‌شد بیگانگان و یا خارجیها، زیرا خارجی را واقعاً به مثابه شخص در نظر می‌گرفتند. در ایران "غربا" می‌گفتند ولی وقتی امور خارجه گفته شد که سازمان مرکزی آن به وجود آمد. به امور خارجه، از زمان وزارت ریشلیو در زمان سلطنت لوتی چهاردهم ترتیب درستی داده شد و تقریباً به نظم درآمد و دیپلماسی معاصر (دائم) پا گرفت.

Foreign Aid**کمک خارجی**

انتقال بین‌المللی وجوه دولتی به صورت وام یا کمک بلاعوض، خواه به شکل مستقیم از طرف

Floating Voter

رای دهنده غیر حزبی؛ رای دهنده مستقل

رای دهنده‌ای که به طور ثابت به حزب خاصی رأی نمی‌دهد و رأی او در مورد حزبهای سیاسی شناور است.

Floor Leaders

رهبران کنگره

به رهبران کنگره یا مجلس قانونگذاری ایالات متحده آمریکا اطلاق می‌شود.

Focoism

فوکوایسم؛ ایجاد کانون شورش

این واژه دلالت بر نوعی استراتژی جنگ چریکی یا کانونهای شورشی دارد که به وسیله چه گوارا طرح و توسط رژیم دبره قانونمند شد. چه گوارا با توجه به آنچه که به نظر او در سهایبی از انقلاب کوبا به شمار می‌آمد، در سال ۱۹۶۰ در کتاب جنگ چریکی، نتیجه گیریهای خود را در سه نکته خلاصه کرد: ۱- چریکها می‌توانند بر ارتش منظم غلبه کنند. ۲- صحنه اصلی جنگ چریکی در آمریکای لاتین باید در خارج از شهرها باشد (کنار گذاشتن جنگ چریکی شهری). ۳- نباید منتظر ماند که تمام شرایط مادی برای آغاز مبارزه جمع شوند. ایجاد کانونهای شورش در نقاط مختلف کشور خودبخود می‌تواند این شرایط را فراهم کند. ضعف این تئوری آنجاست که می‌خواهد بدون بسیج جدی مردم، دست به جنگ مسلحانه بزند و بدون داشتن پایگاه مردمی، کانونهای شورشی ایجاد نماید. فوکوایسم در سال ۱۹۶۱ در کلمبیا، سال ۱۹۶۲ در گواتمالا و اکوادور و در سال ۱۹۶۳ در پرو و در سال ۱۹۶۷ در بولیوی با شکست مواجه شد. پیشرفت نظری و عملی جنگ چریکی شهری در آمریکای لاتین را می‌توان به علت شکست استراتژی کانونهای شورشی دانست.

Folklore

فرهنگ عامه؛ ادبیات توده؛ فرهنگ قومی

فولکلور یا ادبیات عامیانه یک قوم، هر جلوه از سنتی را دربرمی‌گیرد که در داستانها و افسانه‌ها و خرافات و ضرب‌المثلها و چیستانها و ترانه‌ها و مراسم و نیایشهای آن قوم بیان می‌شود یا به منصفه ظهور می‌رسد.

Folk Society

جامعه قومی

این واژه در مورد جوامع ساده و ابتدایی با گروههای کوچک، پراکنده و منزوی به کار رفته که در آنها ارزشهای مذهبی بر ارزشهای غیر مذهبی سلطه دارد.

Followism

دنباله‌روی

پذیرفتن بی‌چون و چرای عقاید و خط مشی دیگران.

Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO)

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد؛ فانو

یکی از مؤسسات تخصصی ملل متحد که هدف آن، بالا بردن سطح زندگی و بهبود وضع تغذیه به وسیله افزایش تولید محصولات کشاورزی، ماهیگیری و جنگلی است. این سازمان روز ۱۶ ماه اکتبر ۱۹۴۵ تأسیس شد و از سال ۱۹۸۱، این روز به عنوان روز جهانی غذا نامیده شده است. مرکز فانو در رم قرار دارد.

از اصل آزادی دریاهاست. غیر از موارد خاصی که توسط قواعد حقوق بین الملل مشخص شده است، کشتیها در دریای آزاد تابع هیچ قدرتی نیستند مگر کشوری که پرچم آن را حمل می کنند. صلاحیت کشور نسبت به کشتیهای دولتی یا غیر تجاری، برخلاف کشتیهای خصوصی یا تجاری، مطلق و انحصاری است. بر اصل صلاحیت کشور صاحب پرچم، استثناهایی وارد است. این استثناءها که ضامن امنیت کشتیرانی در دریای آزاد است از جمله عبارتند از: دزدی دریایی، تعقیب مداوم یا ادامه تعقیب در دریای آزاد، خرید و فروش و حمل برده، ماهیگیری، نصب کابلها و لوله های نفتی زیر دریایی و حفاظت آنها و جلوگیری از آلودگی دریای آزاد.

Flattery

چاپلوسی؛ تملق؛ زبانبازی

گول زدن و فریب دادن دیگران با چریزبانی، تواضع و خوشامدگویی یا تقرب جستن مردم به صاحبان قدرت و مقام، از راه ثناخوانی و ستایش اعمال آنها و نامور ساختن ایشان به صفات نیک. علی بن ابیطالب (ع) از حکام می خواهد با این آفت مبارزه کنند: کارگزارانت را چنان پیروز که تو را فراوان نستانند و با ستودن کار بیهوده ای که نکرده ای خاطرت را شاد نمایند که ستودن فراوان، خود پسندی آرد و به سرکشی وادارد. آن حضرت، چون از جنگ صفین به کوفه برمی گشت، بر قبیله ای از عرب بگذشت. یکی از بزرگان قبیله قصد کرد پیاده در رکاب علی بن ابیطالب (ع) رود که حضرت به او فرمود: برگرد که پیاده آمدن چون تویی با مانند من برای حکمران، بلا و گرفتاری است (از این نظر که غرور به بار می آورد) و برای مؤمن، خواری و ذلت است (که پیاده در رکاب سواری رود).

Flexible Exchange Rates

نرخهای متغیر ارز؛ نرخهای انعطاف پذیر مبادله

نظام پولی بین المللی که در آن ارزش هر پول ملی توسط نیروهای بازار تعیین می شود یا نرخهای مبادله ای که تابع عرضه و تقاضای یک پول در بازار ارز است.

Flexible Response

پاسخ انعطاف پذیر

دکترین استراتژیک کندی - مکنامارا که پس از بی اعتبار شدن دکترین تلافی بزرگ مطرح شد. به موجب دکترین پاسخ انعطاف پذیر، در صورت تعرض دشمن، دولت آمریکا فوراً و به طور وسیع دست به یک حمله اتمی علیه او نمی زند، بلکه نخست با استفاده از نیروی غیر اتمی جلوی تجاوز را می گیرد و در این فاصله ضمن مذاکره با مقامات کشور دشمن، خطر جنگ اتمی را به آنها گوشزد می کند و اگر این مذاکرات سودمند واقع نشد، آنگاه به طور محدود از نیروی اتمی استفاده به عمل می آورد.

Flight of Capital

فرار سرمایه

پول یا سرمایه ای که در شرایط سیاسی و اقتصادی نامناسب از یک کشور خارج و به جاهای به اصطلاح امن، مثل سوئیس و آمریکا منتقل شود.

Floating Currency

پول شناور

پولی که تعیین نرخ برابری آن به پولهای دیگر، تابع عرضه و تقاضای بازار است.

First World**جهان اول**

کشورهایی که از نظر پیشرفت صنعتی و اقتصادی در ردیف نخست قرار دارند. بیشتر در مورد ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپای غربی، کانادا، استرالیا، زلند جدید و ژاپن به کار رفته است که رشد اقتصادی بلندمدت و پایدار را تجربه کرده‌اند.

Fiscal Crisis**بحران مالی**

بحران ناشی از شکست حکومت در بالابردن کافی درآمد از مالیات، زیرا در صورت افزایش مالیات یا کاهش منافع اجتماعی، رأی دهندگان اقدام به براندازی حکومت از قدرت می‌کنند.

Five Principles of Peaceful Coexistence**پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز**

اصولی که در مقدمه موافقتنامه چین و هند در سال ۱۹۵۴ بیان گردید و مبنایی برای ارتباطات صلح‌آمیز ملتها شد: ۱- احترام متقابل به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها. ۲- عدم تجاوز. ۳- عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر. ۴- رعایت برابری و سود متقابل. ۵- همزیستی مسالمت‌آمیز.

Flag**پرچم**

پرچم یا بیرق، تکه پارچه‌ای است معمولاً با نقوش رنگین و به‌عنوان سمبل یک ملت یا کشور به کار می‌رود. اصولاً مشخص‌ترین نشانه‌ای که هر کشور به‌عنوان علامت و ویژه خود انتخاب می‌کند، پرچم است. پرچم و علائم رسمی یک کشور، متضمن ارزشهای سمبولیک ناشی از استقلال و شخصیت و اعتبار آن کشور در جامعه بین‌المللی است. بدیهی است که توهین به این علائم، توهین به کشور صاحب پرچم تلقی می‌شود. پرچم رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران به‌رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار "الله اکبر" است.

Flag of Convenience**پرچم نفع‌وراحتی**

پرچم کشوری که کشتی در آنجا ثبت شده و در واقع، از نظر مقررات مالیاتی تحت قوانین کشور مذکور است. بعضی کشورها مثل کشور لیبریا تسهیلات مالیاتی فراوانی برای کشتیها قائل شده‌اند به طوری که تعداد زیادی از آنها در لیبریا به ثبت رسیده و با پرچم لیبریا حرکت می‌کنند. پیش از جنگ جهانی دوم، کشورهای پاناما، هندوراس و کاستاریکا از جمله کشورهایی بودند که اقدام به ثبت آزاد کشتیها می‌کردند. قبرس، سنگاپور، سومالی، سریلانکا و فیلیپین نیز در سالهای اخیر ثبت کشتیها را به سهولت انجام می‌دهند.

Flag of Truce**پرچم ترک‌مخاصه**

پرچم سفیدی که نیروهای مسلح به‌نشانه یک درخواست از آن استفاده می‌کنند و حامل آن نباید مورد حمله دشمن قرارگیرد. این پرچم یا برای ابراز تمایل به تسلیم به کار می‌رود و یا بیانگر این است که حامل آن فرمانده دشمن پیامی به‌همراه دارد.

Flag-State Jurisdiction**صلاحیت کشور صاحب پرچم**

اعمال صلاحیت انحصاری کشور صاحب پرچم کشتی یا حق استفاده عادی از آزادی دریا، ناشی

Final Act

سند نهایی

۱- سندی که در پایان کنفرانسها یا کنفرانسها درباره تصمیمات متخذه در جلسات، تنظیم و به امضای اعضای رسمی کنفرانس یا کنفرانس می‌رسد. ۲- اقدام نهایی در قراردادهای بین‌المللی برای رسمیت دادن به آنها.

Fin de Non Recevoir

امتناع از قبول اعتراض

اصطلاح فرانسوی که در حقوق به معنی امتناع از قبول حکم دادگاه به بهانه محق نبودن مدعی در اعتراض یا شکایت خود است، و در اصول دیپلماسی به معنی رد کردن اعتراض یا شکایت یک دولت است از طرف دولت دیگر بدون توجه به مفاد شکایت. در واقع، این عمل، بیانگر انکار کلی و عدم توجه دولت ردکننده اعتراض یا شکایت نسبت به موضوع شکایت دولت شاکی است.

Fink

کارگر خیرچین

کارگر عضو اتحادیه کاری که اطلاعات مربوط به فعالیتهای اتحادیه و کارگران هم مسلک خود را به کارفرما برساند.

Finlandization

فنلاندی کردن

پروسه یا جریان تحت نفوذ در آوردن یک کشور کوچک به وسیله همسایه قدرتمندش. این واژه را محافل خبری غرب برای بیان سیر مناسبات شوروی سابق و فنلاند - پس از جنگ جهانی دوم - به کار بردند که از نظر آنها رابطه‌ای بوده یکجانبه و در جهت منافع شوروی سابق.

First Chamber

مجلس درجه یک

این واژه برای اشاره به مجلس نمایندگان، عوام یا «مجلس پائین‌تر» به کار می‌رود که امروزه برخلاف سابق، مهمتر و پر قدرت‌تر از «مجلس بالاتر» یا مجلس اعیان (لردها) و سنا است.

First International

بین‌الملل اول

اتحادیه بین‌المللی کارگران که در سال ۱۸۶۴ توسط مارکس و انگلس تأسیس شد. بین‌الملل اول ضمن اینکه در صدد متحد ساختن کارگران پیشرو و روشنفکران انقلابی اروپا، آمریکا و آسیا بود، اساس سازمان‌بندی احزاب کاری را در کشورهای مختلف به وجود آورد و پرسنل لازم را برای آنها تربیت کرد. به علت فشار و تضییق علیه انترناسیونال اول، ادامه فعالیت مرکز کار آن در اروپا غیرممکن گردید. از این رو، در کنگره ۱۸۷۲ لاهه تصمیم گرفته شد این مرکز به نیویورک منتقل شود. انترناسیونال اول در سال ۱۸۷۶ منحل گشت.

First-Past-the-Post

برنده با بیشترین رأی

این اصطلاح از مسابقه اسب دوانی گرفته شده و بیانگر نظام انتخاباتی است که در آن هر کاندیدائی بیشترین رأی را بیاورد، برنده محسوب می‌شود حتی اگر موفق به کسب اکثریت مطلق آرا نیز نشود.

First Strike

ضربه اول

استراتژی دست زدن به یک حمله هسته‌ای غافلگیرانه به منظور نابودی دشمن و یا تضعیف قطعی توانایی او در اقدام به تلافی.

فتودالیسم در غرب که در دوران قرون وسطی سیطره داشته، وابستگی سرف یا رعیت به سنیور یا ارباب است. به همین جهت، دوران فتودالیسم را سرواژ یا سرفداری نیز خوانده‌اند. در ایران قانوناً وابستگی شخصی رعیت به ارباب وجود نداشته و فتودالیسم نیز به‌رژیم ارباب - رعیتی شهرت داشته است. (مثل همایون کاتوزیان) عده‌ای اعتقاد دارند که در ایران، هرگز فتودالیسم اروپایی پدید نیامد. زیرا بخش بزرگی از زمینهای زراعی در مالکیت دولت بود و اصولاً ایران سرزمین پهناوری است که غیر از بخشهایی از آن، دچار کم‌آبی است. یعنی در واقع، عامل کمیاب تولید، آب است نه زمین. در نتیجه، آبیاریهای آن اولاً مازاد تولید زیادی نداشتند و ثانیاً از یکدیگر دور افتاده بودند. به این ترتیب، جامعه، جامعه‌ای خشک و پراکنده بود و امکان نداشت که بر اساس مالکیت یک یا چند آبادی قدرتهای فتودالی مستقلی پدید آیند. از سوی دیگر، یک نیروی نظامی متحرک می‌توانست مازاد تولید بخش بزرگی از سرزمین را جمع کند و بر اثر حجم بزرگ مازاد این مجموعه به دولت تبدیل شود. این نیروی نظامی متحرک را ایلات فراهم آوردند. اکنون صفت فتودالی نیز در مورد هر سازمانی به کار می‌رود که در آن قدرتی انحصاری پدید آمده و موجبات سوءاستفاده فراهم باشد و موجب شود که شخص در چارچوب آن از امتیازات کسب شده به نفع خود و به منظور حفظ سلطه‌اش استفاده کند.

تیول

Fief

زمین، درآمد یا هزینه معین ناحیه‌ای، حق یا منصبی که از طرف ارباب فتودال یا شاه یا دولت در برابر خدماتی (وفاداری، اطاعت و سرسپردگی، خدمات نظامی و جز اینها) که واسالها یا اشخاص دیگر انجام می‌دادند، به آنها داده می‌شد.

ستون پنجم

Fifth Column

عناصر و نیروهایی که در درون یک کشور یا جبهه (در جنگ)، حزب یا سازمان مخفی می‌شوند، در لباس دوست درمی‌آیند و نقش خرابکاری و جاسوسی از داخل را برای دشمن ایفا می‌کنند. این اصطلاح را ژنرال مولا Mola (۱۹۳۷-۱۸۸۷) برای اولین بار در اسپانیا به کار برد. در سال ۱۹۳۹ که ژنرال فرانکو با چهارستون به‌جانب مادرید پیش می‌رفت، اظهار داشت که با چهارستون از خارج شهر و یک "ستون پنجم" در داخل آن حمله می‌کند و به این ترتیب، واژه ستون پنجم باب شد.

Filibuster

فیلیباستر؛ اطاله کارشکنانه کلام (در مجلس)؛ سخنرانی کارشکنانه (در مجلس)؛

پرگولی برای وقت‌کشی (در مجلس)

فقدان یک روش درست برای پایان دادن به مذاکرات در مجلس سنای آمریکا باعث شده که به فیلیباستر توسل جسته شود، به این معنی که عمداً و برای تصویب نشدن یک لایحه و یا برای ناچار ساختن طرفداران لایحه به قبول پیشنهادهای مخالفان، بحثهای طولانی و خسته کننده‌ای به راه می‌افتد. این کار که سابقاً به وسیله نمایندگان منفرد صورت می‌گرفت، امروزه جنبه دسته‌جمعی پیدا کرده است. مع هذا، در مجلس سنا طبق قانونی که تصویب شده، هر روز نباید بیش از سه ساعت از وقت سنا به یک موضوع اختصاص یابد.

آخرین دهه قرن هجدهم در آمریکای شمالی و اروپا شروع شد، اکنون به صورت یک نهضت جهانی در آمده است. طرفداران این نهضت اعتقاد دارند که زنان فقط به علت زن بودن، در جوامعی که در جهت منافع مردان شکل گرفته است، در موقعیت نابرابری با مردان قرار گرفته‌اند. گرایشهای نهضت طرفداری از حقوق زنان را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- طرفداران لیبرال حقوق زنان که نابرابری حقوق مدنی و فرصتهای آموزشی را سرچشمه ظلم و ستم بر زنان می‌دانند و پیکار برای کسب آزادیهای فردی زنان در چارچوب جوامع موجود را هدف پیکار خویش قرار داده‌اند. ۲- طرفداران رادیکال حقوق زنان که تمام اشکال ظلم و ستم و سلطه را ناشی از برتری طلبی مردان می‌دانند و در راه جایگزینی جوامع مردسالار کنونی با جوامع زن - محور مبارزه می‌کنند. ۳- طرفداران مارکسیست حقوق زنان که ریشه انقیاد زنان را در شیوه تولید سرمایه‌داری و جدائی کار از خانه که به تقسیم کار جنسی منتهی شد، می‌بینند و تغییر اساسی اقتصاد حاکم را تنها راه رفع ظلم و ستم از زنان می‌دانند. ۴- طرفداران سوسیالیست حقوق زنان که ریشه ظلم و ستم بر زنان را در نظام اقتصادی سرمایه‌داری می‌بینند که برای دوام خود به استثمار کارگران و بویژه زنان احتیاج دارد. به نظر آنها، هم مالکیت و وسایل تولید و هم شکل زندگی اجتماعی، احتیاج به تغییر اساسی دارد.

زنانه شدن فقر

Feminization of Poverty

این اصطلاح برای توصیف وضعیت نامساعدی به کار رفته است که به موجب آن، شمار روزافزونی از زنان در کشورهای در حال توسعه و کم رشد و نیز زنان اقلیت و محروم در اروپا و آمریکا با آن مواجه هستند. به نظر مریم خراسانی، پژوهشگر ایرانی مسائل زنان: در بحثهای اقتصادی فمینیستی از فوق استثمار نیروی کار زنها صحبت می‌شود و فوق خوشنوتی که بر زنان در این مورد اعمال می‌شود. این خوشنوت و این استثمار جدید، کاملاً با هم ارتباط دارند. در این ارتباط، از پدیده زنانه شدن فقر صحبت می‌شود و اینکه چگونه، منافع استعماری این سرمایه‌ها، بخش بزرگش به نیروی کار ارزان زنها، روستائیان و کارگران در کشورهای عقب نگه داشته شده متکی است.

فئودالیسم؛ زمینداری

Feudalism

فئودالیسم که به بزرگ مالکی، نظام خان‌خانی، ملوک‌الطوایفی و رژیم ارباب - رعیتی نیز ترجمه شده است، به آن نظام اجتماعی - اقتصادی اطلاق می‌شود که اساس آن را تیول یا اقطاع تشکیل می‌دهد. تیول به قلمرو یک و اسال (مأمور گماشته شده از طرف ارباب یا سنیور برای حراست از تیول) اطلاق می‌شده که از ارباب کسب می‌گردید و روی آن افرادی به نام سرف یا رعیت کار می‌کردند. مناسبات تولیدی جامعه فئودالی براساس مالکیت ارباب بر زمین و وابستگی شخصی دهقانان به ارباب فئودال قرار داشت. در این نظام همچنین رعیت، دیگر بنده نبود و مستقلاً فروخته نمی‌شد، گرچه با زمینی که به فروش می‌رسید، به مالک جدید منتقل می‌شد. قانون اساسی اقتصاد فئودالی عبارت است از تولید محصول اضافی برای تأمین نیازهای ارباب فئودال و بهره‌کشی رعیت‌های وابسته براساس مالکیت ارباب بر زمین و مالکیت محدود او نسبت به رعیت‌ها از طریق بیگاری، بهره‌جنسی و نقدی و گونه‌های دیگر عوارض و مالیاتها و سیورسات. یکی از ویژگیهای

احساسات

Feelings

۱- یکی از شکل‌های (به‌اضافه نیروی عقلانی و قدرت اراده) برخورد فرد با اشیاء و پدیده‌های زندگی که دارای جنبه‌های گوناگون مثبت و منفی مثل: عشق، نفرت، اعتماد، همدردی، ترحم، شور و هیجان، حسادت، دوستی و دشمنی، غرور، تکبر و احترام است و اساساً محصول زندگی، تجربه اجتماعی، ارتباط با دیگران و تعلیم و تربیت است. عنصر اصلی فرهنگ احساسی (سطح پیشرفت اجتماعی، بلوغ احساسات و عواطف انسان) در محتوای آن، یعنی گرایش دوستانه نسبت به دیگران و شرکت در غم و شادی آنها قرار دارد. ۲- احساس از نظر روانشناسی، حالت خوش یا ناخوش است که در پی تحریک یا بدون تحریک مادی، بر اثر تصور یا ادراک عارض می‌شود. دوستی، عشق، انسانیت، تواضع، حسن نیت از جمله احساسات مثبت و دشمنی، نفرت، سوء نیت، غرض‌ورزی و تکبر از جمله احساسات منفی شمرده می‌شوند.

Fellow-Traveller

هوادار حزب کمونیست؛ سمپات؛ هوادار؛ همراه

هوادار نهضت یا حزب سیاسی و بویژه کسی که عضو حزب کمونیست نمی‌باشد، اما یا طرفدار هدفها و برنامه‌های آن است و یا با یکی از سازمانهای وابسته به آن همکاری می‌کند. هواداران رژیم شوروی سابق پس از سخنرانی افشاگرانه خروشچف در سال ۱۹۵۶، سرکوب قیام مجارستان و تحولاتی که به‌از هم پاشیدگی اتحاد شوروی انجامید، فشارهای سختی را متحمل شدند.

Femininity

زنانگی؛ جنس لطیف

این واژه برای بیان مؤنث بودن به کار رفته است و بویژه در جوامع مردسالار و عقب مانده، معنی جاذبه جنسی برای جلب مردان را می‌رساند. زنانگی همچنین ممکن است موجب بروز این نگرش شود که مردانگی، قویتر جلوه نماید و در این صورت، زنانگی، مفهوم جنس ضعیف را به ذهن متبادر می‌کند.

Feminism

نهضت آزادی زنان؛ دفاع از حقوق زنان؛ فمینیسم؛ آزادخواهی زنان؛ زادزن‌گرایی؛

مکتب اصالت زن

۱- دفاع و جانبداری از حقوق زنان و عقیده به برابری زن و مرد در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مبارزه در راه وصول به این برابری. ۲- ایدئولوژیی که هدف اساسی آن از بین بردن تبعیض، تحقیر، توهین و ستم به زنان و برانداختن سلطه مردان از جامعه است. همچنین براساس نظر فردریک انگلس که معتقد بود با الغای مالکیت خصوصی، دوران طلایی آزادی زن و مرد فرامی‌رسد و هیچ ملاحظه‌ای غیر از ملاحظه احساس تن در میان نخواهد بود، خانم الکساندرا کولونتای (۱۸۷۲-۱۹۵۲) بلشویک روسی، نظریه فمینیسم پرولتری را پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه مطرح نمود و خواستار رهایی زنان از قیود تحمیلی مردان شد. وی با نوشتن کتاب "عشق سرخ" خواستار الغای ازدواج و خانواده گردید. کولونتای، رهایی زنان را مشروط به انقلاب پرولتری می‌دانست و با تحقق انقلاب اکتبر، انقلاب جنسی را مطرح ساخت. برای درمان ماندن از پیامدهای ناشی از نظریات کولونتای که در جامعه روسیه شوروی مقبولیت نداشت، او را به‌عنوان مأمور دیپلماتیک به کشورهای خارج اعزام داشتند. با اینهمه، نهضت آزادی زنان که از

محلی و نیز میان واحدهای محلی و ناحیه‌ای مقرر می‌شود ۲- آیین سیاسی و جریان فکری که ممکن است دو هدف را دنبال نماید: ۱- تمرکززدایی در کشور و به‌رسمیت شناختن خودمختاری قدرتهای منطقه‌ای ۲- ایجاد و تقویت فدراسیونی بین کشورهای مختلف دارای حاکمیت ملی.

مقالات فدرالیست

Federalist Papers

مجموعه‌ای شامل ۸۵ مقاله در طرفداری از نظام فدرال و برای متقاعد کردن مردم به قبول پیش‌نویس قانون اساسی ایالات متحد آمریکا که توسط الکساندر همیلتون، جیمز مدیسون و جان جی در سال ۱۷۸۷ در مطبوعات نیویورک به چاپ رسید. در آن دوره، بسیاری از مردم ساده‌اندیش، قانون اساسی فدرال را مفید نمی‌دانستند و معتقد بودند که این قانون باعث سلب آزادی آنها می‌شود و بساط ظلم و ستم را می‌گسترده و مالیاتهای سنگین بر آنها می‌بندد و احیاناً آنها را به‌ورطه جنگ می‌کشد. این مسائل، نوعی دودستگی به وجود آورد: فدرالیستها و ضد فدرالیستها. دسته اول، طرفدار یک حکومت مرکزی قوی و دسته دوم طرفدار آزادی ایالات بودند. مجادلات بین این دو دسته در مطبوعات، در مجالس مقننه و در کنوانسیونهای ایالتی به شدت آغاز شد. یکی از وسائل مؤثر این مبارزه، مطبوعات وابسته به فدرالیستها بود که به طرفداری از قانون اساسی به دست افرادی چون همیلتون، مدیسون و جی اداره می‌شد.

کشور فدرال

Federal State

تجمع کشوری در هم آمیخته که از چند تجمع کوچکتر (یعنی تجمعات تشکیل دهنده) به وجود آمده است. تجمعات تشکیل دهنده کشور فدرال، در کانادا و آفریقای جنوبی و آرژانتین است، در سویس کانتون، در ایالات متحده آمریکا و برزیل و مکزیک و استرالیا از جوامع عضو با عنوان کشورهای عضو یاد می‌شود. بدیهی است که عنوان کشورهای عضو از نظر حقوق بین‌الملل، کشور شمرده نمی‌شوند.

فدراسیون

Federation

۱- واحد یا سازمان سیاسی که با فدرالیسم مشخص می‌شود. ۲- واحد سیاسی متشکل از چند واحد سیاسی کوچکتر که دارای حکومتی به نام حکومت فدرال است. در حکومتهای فدرال هر یک از واحدهای کوچک که معمولاً ایالت نامیده می‌شوند، پاره‌ای از اختیارات خویش را از قبیل روابط خارجی به حکومت مرکزی واگذار می‌کنند. معمولاً واحدهای عضو در حکومت فدرال، حق حاکمیت خود را در امور داخلی حفظ کرده و اموری از قبیل روابط خارجی، ضرب سکه، اعلان جنگ و صلح را به حکومت فدرال واگذار می‌کنند. ۳- پیوند بین شرکتها و سندیکاهایی که برای تعقیب هدفهای مشترک باهم متحد می‌شوند.

احساس نوخواهی؛ نوخواهی

Feeling for the New

خصوصیت اخلاقی متضاد با تحجر و خشک مغزی که با توانائی انسان در درست درک کردن نیازهای جامعه به منظور توسعه بیشتر، طرح و حل مسائل مبرم در امور مربوط به تولید، علم، هنر و روابط فردی مشخص می‌شود.

ترس

Fear

احساس زودگذر یا بادوام ناشی از خطر واقعی یا خیالی. علت ترس در فرد به عنوان یک پدیده روانشناختی، ممکن است ذاتی یا دارای ماهیت فرهنگی-اجتماعی، به صورت احساسات دلهره‌آور و رنج و عذاب دادن خود، وحشت و هول و هراس، سراسیمگی و نیز به صورت اقدامات خودبخودی یا آگاهانه با هدف حفظ وجود باشد. ترس باعث می‌شود که انسان کنترل خود را از دست بدهد و رفتاری مغایر با مقتضیات اخلاقی نشان دهد که از لحاظ وجدان اخلاقی آن را ترسویی یا یزدلی می‌نامند. غلبه انسان بر ترس را بی‌باکی و شجاعت می‌خوانند. ترس ممکن است نشان‌دهنده یک خصلت پایدار وجدان و ضمیر نه تنها یک فرد خاص بلکه یک گروه اجتماعی و حتی کل جامعه باشد. در جوامع طبقاتی، ترس به صورت پدیده‌ای اجتماعی-روانشناختی و به عنوان وسیله‌ای برای استثمار ظاهر می‌شود.

کار عظیم

Feat

اقدام دلاورانه، قهرمانانه و فداکارانه (بویژه در دوران انقلاب، جنگ، سازندگی و توسعه اجتماعی) که مستلزم تلاش فوق‌العاده برای غلبه بر مشکلات غیرعادی و استثنائی است.

زیر بالگیری؛ حمایتگری

Featherbedding

اشاره است به رویه یک اتحادیه کارگری مبنی بر محدود ساختن کار یا بازده، به منظور حفظ و باقی نگهداشتن مشاغل. این رویه ممکن است به اشتغال کارگران غیر ضروری بینجامد.

فدرال

Federal

این واژه در ایالات متحده آمریکا، در ارتباط با حکومت مرکزی یا ملی در مقابل حکومتهای ایالتها به کار می‌رود.

اداره آگاهی فدرال (اف.بی.آی)

Federal Bureau of Investigation (FBI)

بخش وزارت دادگستری آمریکا که مسئول رسیدگی به موارد نقض و تخلف از قوانین فدرال و نیز تأمین امنیت داخلی است.

حکومت فدرال

Federal Government

نوعی حکومت مشروطه یا مبتنی بر قانون اساسی که در آن، اختیارات و قدرتها بین مقامات مرکزی و مقامات منطقه‌ای به نحوی توزیع شده است که هر یک از آنها در حوزه مسئولیت‌هایشان از حاکمیت برخوردارند.

فدرالیسم؛ عدم تمرکز سیاسی (حکومت)

Federalism

۱- نظام سیاسی ویژه‌ای که به موجب آن: الف- در کنار یک حکومت مرکزی، حکومت‌های خود مختار و محلی وجود دارد ب- اقتدارات و وظایف دولت، میان حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی تقسیم می‌شود ج- به بخشها و حوزه‌های محلی کشور، حقوق و وظایف ویژه‌ای واگذار می‌شود د- ترتیبات و روش‌های خاصی برای حل اختلاف میان حکومت مرکزی و حکومت‌های

می‌کند. این رژیم دارای فلسفه سیاسی اصولی و متجانس نیست. رژیم‌های فاشیستی با استفاده از نظریه‌های نژادپرستانه، ملی‌گرایانه و در پوشش‌های گوناگون و عوام‌فریبانه مثل سوسیالیسم ملی، دموکراسی ملی، ضد سرمایه‌داری یا عالیترین حق حاکمیت و ارتباط با منافع و امنیت ملی می‌کوشند سیاست خارجی تجاوزگرایانه خود را توجیه نمایند و ماهیت طبقاتی فاشیسم حاکم را پنهان کنند. حامیان اجتماعی فاشیسم را در دوره بین دو جنگ جهانی اول و دوم عمدتاً گروه‌های نظامیان، مقامات مذهبی (کلیسا)، طبقه متوسط یا خرده بورژوازی و کارگران ناآگاه تشکیل می‌دادند که از برهم خوردن نظم اجتماعی و بحرانهای اقتصادی و رشد جنبشهای سوسیالیستی به‌هراس افتاده بودند.

تقدیرگرایی

Fatalism

اعتقاد به اینکه اراده انسان عاقل قادر به توجیه و به‌جریان افکندن حوادث نیست و هرچه برانسان می‌گذرد از آغاز براو مقدر شده است.

آدم‌کله‌گنده

Fat Cat

۱- شخص ثروتمندی که برای مبارزات سیاسی پول در اختیار حزب یا نامزد انتخاباتی قرار می‌دهد. ۲- شخصی که بخاطر ثروت یا موقعیت خود، خواهان امتیازات ویژه‌ای است.

فتوا

Fatwa (Formal Legal Opinion)

پاسخ سؤالی درباره حکم شرعی امری که واقع شده است، یا ممکن است واقع شود. پاسخ، که متضمن حکم شرعی است، فتوا و عمل فتوادهنده افتاء، شخص فتوادهنده مفتی و شخص سؤال کننده مستفتی خوانده می‌شود.

نظریه تقصیر

Fault Theory

در مورد مبنای مسئولیت بین‌المللی دو نظریه ارائه شده است: نظریه تقصیر یا گناه (مسئولیت شخصی) و نظریه خطر (مسئولیت عینی). طبق نظریه تقصیر یا خطا که برای نخستین بار از طرف گروسیوس عنوان شد، امری که برای کشور ایجاد مسئولیت بین‌المللی می‌کند، نه تنها باید برخلاف تعهدات بین‌المللی باشد، بلکه باید تقصیر یا گناه (مسامحه، ترک فعل، تدلیس، اهمال و جزاینها) هم به‌شمار آید. این نظریه در زمان خود موجه بود زیرا در بدو امر، تنها سلطان حق داشت با کارهای خود، کشور را متعهد و ملتزم نماید. در آن ایام، تقصیر سلطان یعنی تقصیر فردی که تمام قوا و اختیارات را در شخص خود متمرکز کرده بود، تقصیر کشور محسوب می‌گردید.

کاندیدای محبوب همولا پتیا

Favourite Son

کاندیدانی که فقط مورد حمایت همولایتیهای خود باشد. در آمریکا بیشتر در مورد نامزدهای ریاست جمهوری به کار می‌رود که مورد توجه هم ایالتیهایشان هستند.

استثناء قابل شدن؛ پارتی بازی

Favouritism

ایجاد روابط و انجام امور براساس پیوندهای شخصی و نه طبق لیاقت و شایستگی افراد.

توسعه از جنبه غذایی به اجرا درآید. در سطح سیاسی، قحطی با نبودن دموکراسی بستگی دارد. در کشورهای دموکراتیک حتی بسیار فقیر که از انتخابات درست و به موقع و مطبوعات آزاد برخوردار باشند، قحطی رخ نمی‌دهد.

Fanaticism

تعصب؛ جمود فکری؛ تحجر

۱- جانبداری خالصانه، پرشور، کوتاه نظرانه و مصرانه از چیزی، کسی و یا آیینی. ۲- حالتی که با داشتن عقاید قالبی، جزمی و تغییر ناپذیر مشخص می‌شود.

Fascism

فاشیسم

۱- این واژه از "فاشس" لاتینی گرفته شده است. در رم باستان، فاشس تبری بود که به گرد آن میله‌هایی در امتداد دسته تبر می‌بستند و پیشاپیش فرمانروایان رومی به‌عنوان نشانه قدرت، حمل می‌کردند. این نشانه رانخستین بار حزب فاشیست ایتالیا به رهبری موسولینی به‌عنوان مظهر حزب به کاربرد. از نظر وی اصول فاشیسم از جمله عبارت بود از: بی‌اعتقادی به سودمندی صلح، ضدیت با پارلمان و دموکراسی و لیبرالیسم و سوسیالیسم، اطاعت و پیروی همه از دولت، تقدس پیشوا، نظام یک حزبی، قهرمان پرستی و نظامیگری. عنوان فاشیسم به‌طور کلی برای اشاره به جنبشهای قدرت گرا مثل نازیسم آلمان و فالانژیسم اسپانیا به کار می‌رود. فرق فاشیسم و نازیسم در این بود که فاشیستهای ایتالیا خواستار امپریالیسم و احیای امپراتوری روم بودند و نازیهای آلمان خواستار یک نظام نوین براساس برتری نژاد ژرمن. در عین حال، هر دو را انقلاب طبقه متوسط دانسته‌اند علیه نهادهای دموکراتیک ناقص و همراه با کارکرد بد نظام اقتصادی مبتنی بر سرمایه‌داری لیبرال قرن نوزدهم اروپا. به عبارت دیگر، فاشیسم عبارت است از جریان ناسیونالیستی افراطی جامعه طبقاتی (سرمایه‌داری) که تعصب ملی را موعظه می‌کند و می‌کوشد تا با سوء استفاده از احساسات میهن دوستی، ملت‌های مختلف را به‌جان یکدیگر بیندازد و به این وسیله از طرفی از تضاد طبقاتی داخل کشور بکاهد و آن را به سطح تضاد بین ملت‌ها برساند و از طرف دیگر، سایر ملل را نیز برای منافع خود به بردگی بکشاند. فاشیسم، نیت ضدانسانی خود را زیر جملات پرطمطراق ولی تو خالی درباره میهن و ضدیت با سرمایه‌داری پنهان می‌کند و به‌طور کلی، بیانگر استقرار یا کوشش برای استقرار گونه‌ای رژیم دیکتاتوری (فردی) بر پایه خشونت و ترور، ناسیونالیسم افراطی، بزرگداشت دولت و امحای نهادهای دموکراتیک و دشمنی آشکار با دموکراسی، لیبرالیسم و سوسیالیسم است.

Fascist Regime

رژیم فاشیستی

رژیم مبتنی بر محو کامل دموکراسی، استقرار دیکتاتوری خشن و بیرحم به‌دست ارتجاعی‌ترین و ماجراجوترین گروه‌های درون سرمایه‌داری، صاحبان منافع و مالکان بزرگ. رژیم فاشیستی به‌عنوان پایگاه توده‌ای از خرده بورژوازی و کارگران ناآگاه نیز سود می‌برند. این واژه معمولاً برای مشخص کردن ویژگیهای انواع حکومت‌های خودکامه، ضد اندیشه‌ها و افکار آزادیخواهی، اقتدارگرا، ملی‌گرا، آزادی ستیز، ضد سوسیالیستی و مخالف احزاب و نهادهای دموکراتیک به کار می‌رود. رژیم فاشیستی اغلب مظهر قدرت رهبر فرهی است که خود را منجی و رهایی‌بخش قلمداد

مغالطه؛ فکر غلط

Fallacy

استدلالی که ظاهراً درست باشد، در حالی که واقعاً چنین نباشد.

شعور طبقاتی کاذب؛ آگاهی طبقاتی کاذب

False Class-Consciousness

این اصطلاح بیانگر حالت آن دسته از مردم جوامع پیشرفته صنعتی است که بر اثر عواملی مثل تولید فراوان کالاهای مصرفی و بهبود مختصر زندگی طبقه پایین و تبلیغات دامنه‌دار حکومتها، از تمایزات طبقه‌ای خود غافل شده‌اند، چنان که بسیاری از اعضای طبقه پایین به جهت غفلت از پایگاه طبقه‌ای خود یا در نتیجه شعور یا آگاهی طبقاتی کاذب که بر آنان دست یافته است، خود را مرفه و جزو گروه‌های طبقه بالا یا متوسط می‌شمارند. مارکسیستها از این اصطلاح برای توصیف شرایطی استفاده می‌کنند که در آن پروولتاریا از درک ماهیت واقعی منافع خود باز می‌ماند و به آگاهی طبقاتی انقلابی نمی‌رسد. از نظر آنها، آگاهی طبقاتی انقلابی یا واقعی فقط از طریق یک حزب کمونیستی به وجود می‌آید.

پرچم مبدل؛ پرچم دروغی

False colors

پرچم کاذب یا بدلی که استفاده از آن در کشتی و در زمان جنگ برای فریب دشمن به کار می‌رود. کشتی جنگی متخاصم اگر در حال دریانوردی، پرچم مبدل و متعلق به غیر را به کاربرد، عملش حیله یا نیرنگ جنگی و مجاز است. اما کشتی یا ناو جنگی نباید با افراشتن پرچم مبدل به نبرد بپردازد و یا از حق بازدید و جستجو استفاده کند.

مدل سرمشق نادرست از توسعه نیافتگی

False Paradigm Model of Underdevelopment

مدلی که می‌گوید دلیل عدم موفقیت کشورهای جهان سوم در مورد توسعه آن است که استراتژیهای توسعه‌ای آنها (که معمولاً توسط اقتصاددانان غربی ارائه می‌شود) بر مبنای الگوهای توسعه‌ای نادرست و گمراه کننده قرار دارد. الگوهایی که برانباشت سرمایه تأکید می‌کنند و تحولات ضروری نهادی و اجتماعی را نادیده می‌گیرند.

ردپذیری؛ ابطال‌پذیری

Falsifiability

امتحان علمی بودن یک نظریه طبق دیدگاه‌های مؤثر کارل پوپر (۱۹۹۴-۱۹۰۲). به نظر پوپر، علم نمی‌تواند واقعیت و درستی چیزها را ثابت کند، اما می‌تواند بطلان آنها را به اثبات برساند.

قحطی

Famine

قحطی، بازتابی است از ناتوانی گسترده شمار کثیری از جمعیت در دستیابی به مواد غذایی که حق آنها است. آن ناتوانی از دلایل متعددی سرچشمه می‌گیرد. خشکسالی، سیل، فشار تورمی عمومی، بیکاری شدید بر اثر رکود از جمله عواملی است که می‌توانند در محروم کردن عده‌ای از به دست آوردن مواد غذایی کافی باشد. به نظر آمار تیاسن اقتصاددان هندی و نظریه پرداز اقتصاد توسعه، با ایجاد طرح‌های وسیعی که تأمین کننده درآمد برای قربانیان بالقوه قحطی باشد می‌توان از بروز قحطی و گرسنگی جلوگیری کرد. این طرح‌ها شامل مکانیسمهای بازار و کمک‌های دولتی می‌شود که باید برای جلوگیری از فعالیتهای تخریب کننده صورت گیرد. همچنین باید برنامه‌های

Factionalism

ت حزب؛ حزب باوری؛ حزب گرایی

اعتقاد به نظام حزبی و لزوم وجود گروه‌ها و احزاب سیاسی در جامعه. حزب در فرانسه که دارای احزاب قوی متعددی است، رواج دارد.

Factors of Production

عوامل تولید

عناصر مهمی مثل زمین، ابزار، کار، سرمایه و مدیریت که از ترکیب آنها تولید تحقق پیدا می‌کند.

Failed State

دولت شکست خورده

دولتی که از عهده وظایف و تکالیف اصلی خود که مهم‌ترین آنها برقراری نظم و امنیت است، برنیامده باشد. این اصطلاح در اوایل دهه ۱۹۹۰، بویژه در مورد سومالی به کار رفته است.

Fait Accompli

عمل انجام شده

اقدام یک یا چند دولت که در برابر دولت یا گروه دیگر وضعیت جدیدی را ایجاد نماید. عمل انجام شده، آنتی‌تز مذاکره و معمولاً نتیجه بن‌بست دیپلماتیک است، مثل ساختن دیوار برلین توسط دولت آلمان شرقی (سابق).

Faith

ایمان

اعتماد کامل به شخص یا به‌قولی که مضمون آن صادق باشد. در اسلام، اعتقاد و تصدیق به آنچه حضرت محمد (ص) آورده است.

Falange (Phalange)

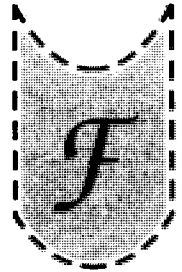
فالانژ

این واژه از فالانکس Phalanx یونانی گرفته شده است. در یونان به‌بخشی از پیاده نظام اطلاق می‌شد که مرکب از چندین صف بود. صفهای فالانکس، تنگ تنگ یکدیگر می‌رفتند و نیزه‌های هر صف از نیزه‌های صف جلو بلندتر بود. در حال حاضر به احزاب فالانژ اسپانیا و لبنان اطلاق می‌شود. در فرهنگ سیاسی، منظور از فالانژ، گروهی است که به‌نحو تنگاتنگی به یکدیگر پیوسته شده‌اند و به‌تعبیر ابن‌خلدون، نوعی عصبيت گروهی دارند. همچنین در مورد گروه‌های راست‌گرای افراطی به کار می‌رود که علیه نیروهای مترقی دست به اعمال وحشیانه می‌زنند.

Falangism

فالانژیسم

این واژه معمولاً برای بیان شکل اسپانیایی فاشیسم به کار می‌رود که به‌وسیله ژنرال فرانکو به‌دنبال پیروزی وی در جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶-۱۹۳۹) ایجاد شد. این واژه از Falange Espanola (فالانکس اسپانیایی) نام یک حزب اسپانیایی گرفته شده که در سال ۱۹۲۳ به‌وسیله "خوزه آنتونیو پریمو دوریورا" به‌وجود آمد و در جریان جنگ داخلی، فرانکو بر آن چیره شد. مرام حزب مزبور به‌طور کلی اساس فاشیستی داشت، ولی تمایز آن با سایر گروه‌های فاشیست در این بود که به‌سنن ملی و بویژه سنن سلطنتی و مسیحی اسپانیا در دوره رنسانس اهمیت فراوان می‌داد.



فابیانیسم؛ فابیوس مآبی

Fabianism

مسلك يك انجمن سوسیالیستی که در سال ۱۸۸۴ به وسیله گروه کوچکی از روشنفکران در انگلستان پایه گذاری شد و انتقال تدریجی و مسالمت آمیز از سرمایه داری به سوسیالیسم را تبلیغ می کرد. مؤسسين اولیه آن افرادی مثل سیدنی وب و برنارد شاو بودند. نام این انجمن از اسم سردار رومی فابیوس کونکتاتور (کندهکار) گرفته شده است که بر ضد هانیبال می جنگید و تاکتیکش در جنگ، ایجاد یک سلسله موانع در مقابل دشمن بود تا به تدریج قوای او را به تحلیل ببرد. فابیانیها تئوری سیاسی و اقتصادی سوسیالیستی خود را بر مبنای عقاید جان استوارت میل و جونز (نه بر اساس نظریات مارکس) بنا نهادند و معتقد بودند که بهبود وضع عمومی از طریق دخالت و نظارت دولت و احراز مالکیت وسایل تولید، بهتر از اجرای سیاست آزادی اقتصادی تحقق می یابد و برای نیل به این هدف باید با استفاده از حق رأی و به دست آوردن قدرت سیاسی از طریق پارلمان، دولت را به وسیله ای برای رفاه عمومی تبدیل نمود و نه از طریق برانداختن دولت و ایجاد دیکتاتوری پرولتاریا. به طور کلی، عقاید فابیانیها را که از پایه گذاران حزب کارگر انگلستان شمرده می شوند، می توان به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- اصلاحات اجتماعی، موجب تکامل طبیعی است و چون متضمن بهبود خود به خود وضع اقتصادی کارگران است، لذا احتیاجی به شدت عمل، طغیان و انقلاب نیست. ۲- مبارزه طبقاتی برای تحقق ترقیات اجتماعی ضرورت ندارد. ۳- تجدید بنای جامعه با توجه به ارزشهای معنوی انسانی.

Fact

واقعیت

امر واقع یا موضوعی که واقعیت خارجی و عینیت دارد.

Faction

دسته؛ دسته بندی؛ جناح؛ حزب

جناحی از یک حزب سیاسی یا دار و دسته شخص یا اشخاص معین در داخل حزب (معمولاً دارای خط مشی دسیسه کارانه و فرصت طلبانه). این واژه همچنین توسط جرج واشنگتن به معنی واژه Party یعنی حزب به کار رفته است.

Exterritoriality**حقوق برونمرزی**

حقوقی که یک کشور به اتباع کشور دیگر که در خاک آن سکونت دارند اعطاء می‌کند و آنها را از حاکمیت محاکم محلی معاف می‌نماید، مثل معافیت و مصونیت خود و خانواده نزدیک و مسکن مأمور دیپلماتیک.

Extradition of Criminals**استرداد مجرمین**

تحویل گرفتن مجرم به وسیله دولت تعقیب کننده، از دولتی که مجرم به کشور او فرار کرده است. این عمل مسبوق به توافق و قرارداد دو دولت است و مستلزم تسلیم متهمان سیاسی نیست، زیرا استرداد مجرمین سیاسی در قراردادهای مزبور مستثنی می‌شود. درخواست تسلیم متهم فراری باید از طریق دیپلماتیک صورت گیرد و متکی به مقررات معاهده بین دو دولت باشد و با مدارک جرم و مشخصات آن همراه شود. همچنین، متهمی که تسلیم می‌گردد باید برای همان جرمی که به اتهام آن تحویل شده است محاکمه و مجازات شود و مجازات او نباید از مجازاتی که مقررات کشور تحویل دهنده برای همان جرم تعیین کرده، بیشتر باشد. تقریباً در تمام قراردادهای استرداد پذیرفته شده است که بخشیدن جنبه سیاسی به جرم در آخرین تحلیل و نهایتاً به عهده مقامات کشوری محول گردد که از آن تقاضای استرداد شده است.

Extraordinary Mission**ماموریت فوق العاده**

ماموریت موقت یا فوق العاده دیپلماتیک وقتی از طرف دولتی نزد دولت دیگر فرستاده می‌شود که دولت اول، نزد دولت دوم مأموریت دائم و مقیم نداشته باشد. تازمانی که هنوز مأموریت دائم دیپلماتیک دایر نشده بود، تمام مأموریت‌های دیپلماتیک موقتی بود و به این مأموریت‌ها، "فوق العاده" اطلاق می‌شد. اکنون، عنوان مأموریت فوق العاده رایج نیست و مأموریت مخصوص متداول است.

Extraterritoriality**قوت برونمرزی حقوق کشور؛ اعمال صلاحیت یک دولت در سرزمین دیگر**

شمول قوانین کشور بر اتباع مقیم خارج یا امتداد سلطه دولت (امپریالیستی) به خارج از قلمرو حکومتی خود (کاپیتولاسیون).

Extremism**افراط گرایی؛ تندروی**

اعتقاد به افکار یا اتخاذ تصمیم‌های افراطی. به کسی که در توسعه یک آیین به حد افراط مبالغه می‌کند و نیز به فردی که با افکار افراطی (اعم از چپ و راست) موافق باشد، افراط گرا، افراطی و یا تندرو اطلاق می‌شود.

استثمار؛ بهره‌کشی**Exploitation**

به‌دست آوردن رایگان حاصل کاریک فرد، توسط فرد دیگر. مثل بهره‌کشی برده‌دار از برده، فنودال از دهقان و سرمایه‌دار از کارگر.

صدور انقلاب**Export of Revolution**

هر انقلابی که به‌حقانیت خود اعتقاد داشته باشد، آرزوی جهانی شدن خود را می‌کند، یعنی خواستار آن می‌شود که دیگر خلقهانی از آن سرمشق بگیرند و برای رهایی خود به‌پا خیزند. منظور از صدور انقلاب به‌دیگر کشورها، کشورگشایی و تحمیل اراده و اشغالگری نیست. اصولاً هر انقلابی مرکب از دو بخش است: ۱- خراب کردن نظام اجتماعی کهنه ۲- ایجاد نظام جدید انقلابی. همه انقلابهای واقعی جهان از طریق نوسازی انقلابی جامعه خود و حل انسانی و انقلابی مسائل جامعه خود و بدین وسیله از طریق تبدیل کشور خود به‌نمونه و سرمشق زنده حل دردها و نیازها و مشقات جامعه، تأثیر انقلابی خود را به‌دیگر کشورها بخشیده‌اند، یعنی خود را صادر کرده‌اند و یا به‌بیان دیگر، ترویج کرده‌اند. پیشروی انقلاب قبل از هر چیز به‌معنی تعمیق انقلاب در داخل خود کشور است و ترویج انقلاب به‌دیگر کشورها نیز به‌این مسأله بنیادی (تعمیق مداوم و بی‌وقفه محتوای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انقلاب در خود کشور) بستگی دارد.

خلع ید؛ سلب مالکیت**Expropriation**

اعمال حق سلطه یک دولت برای اخذ حقوق مالکیت یک شخص بر اساس جبران خسارات مالک یا سلب مالکیت بدون تأدیه مابازا.

اخراج**Expulsion**

بیرون کردن یا انتقال بیگانگانی که نامطلوب تصور می‌شوند یا تهدیدی برای دولت به‌شمار می‌آیند. این افراد معمولاً به‌دلایل امنیتی، ورود غیرقانونی، نظم عمومی و یا بهداشت اخراج می‌گردند.

پیامدهای خارجی؛ اثرهای بیرونی**Externalities**

منافع و زیانهای وارد شده به مردمی که در تصمیمات ایجادکننده آنها - چه مربوط به تولید و چه مربوط به مصرف - دخیل نبوده‌اند. مثلاً در تولید رنگ، ممکن است هر سه گروه کارخانه‌دار، کارگر و خریدار نفع ببرند، ولی تصمیمات آنها، تأثیر زیان‌آور بوی رنگ بر همسایه‌ها را در نظر نمی‌گیرد.

پناهندگی برونمرزی**Exterritorial Asylum**

این نوع پناهندگی در محدوده سفارتخانه‌ها و کنسولگریها و کشتیهای جنگی و تجارتی انجام می‌گیرد. البته در صورت توافق دولت خارجی پناه‌دهنده، منشأ آن، اجازه‌ای است که یک دولت به‌سفارتخانه‌ها، کنسولگریها و کشتیهای جنگی و تجارتی خود در قلمرو کشورهای دیگر یا در دریای آزاد اعطاء می‌کند و به‌موجب آن، افراد بیگانه می‌توانند در مواردی تحت حمایت دولت مزبور درآیند. "پناهندگی برونمرزی" مترادف "پناهندگی دیپلماتیک" است.

پوچی زندگی او را به ادراک این هستی متوجه می‌سازد. از این رو، ترس و دلهره پایه هستی انسان، و این ترس و دلهره که در حالات مرزی (مقابله با مرگ) دست می‌دهد پایه آزادی انسان است. آزادی زمانی است که انسان دیگر مانند شیئی در داخل جبر محیط طبیعی یا اجتماعی عمل نمی‌کند، بلکه خود، عمل و رفتار خود را انتخاب می‌کند و به حد و ارستگی می‌رسد. انسان آزاد مسئول عمل خویش است و نمی‌تواند این یا آن عمل خود را به اتکاء وجود ضرورتها توجیه نماید. از نمایندگان معروف این مکتب می‌توان از مارتین هایدگر (۱۹۷۶-۱۸۸۹) که با فاشیسم همراهی نمود و ژان پل سارتر (۱۹۸۰-۱۹۰۵) که از صلح و جریانات مترقی هواداری کرد، نام برد.

صدای اعتراض - وفاداری - خروج Exit-Loyalty-Voice

این اصطلاح سه گانه را هیرشمن Hirschman, A.O. در سال ۱۹۷۰ در اثری به همین عنوان برای بیان مواضع سه گانه‌ای به کار برده است که اعضای هر تشکیلاتی ممکن است اتخاذ کنند. بدین معنی که اگر ناراضی هستند باید بگویند و اعتراض کنند. اگر دیگر نمیتوانند وفادار بمانند، باید ترک وفاداری کنند و در نهایت، خروج (مهاجرت). اعتراض در یک دموکراسی مشکل نیست، اما بهای خروج (مهاجرت) ممکن است سنگین باشد. اگر آنها باقی بمانند، بسیاری از شهروندان ناچار به پذیرفتن بعضی سیاستهایی می‌شوند که دوست ندارند.

نظرخواهی موقف خروج؛ نظرسنجی موقف خروج Exit Poll

پرسیدن نظر کسانی که در رأیگیری شرکت کرده‌اند، در زمان خروج از مراکز اخذ رأی.

توسعه طلبی Expansionism

عقیده به لزوم توسعه اراضی کشور از طریق اعمال قدرت نظامی، اقتصادی و یا هر وسیله دیگر.

جلای وطن؛ ترک تابعیت Expatriation

هرگونه اقدامی که به موجب آن، شخص از تابعیت قبلی خود چشم‌پوشی کند و رابطه‌اش را با کشور اصلی بگسلد که معمولاً با سوگند وفاداری به دولت دیگر، خدمت بدون اجازه در ارتش خارجی و شرکت در انتخابات خارجی و ابراز علنی ترک تابعیت مشخص می‌شود.

مصلحت Expediency (Expiedience)

آنچه که خیر و صلاح شخص، گروه یا جامعه‌ای در آن باشد. مصلحت، هم معنی منفعت است و منفعت، هر چیزی است که در آن سود و فایده باشد.

تبیین Explanation

بیان علل و عواملی که رویدادهای دنیا را پدید آورده‌اند یا بررسی ریشه‌های یک امر یا پدیده و مطالعه تحولات و تغییرات کمی و کیفی آن در طی زمان و مکانهای مختلف. تبیین باعث روشن شدن امور به هم پیچیده می‌شود و به بسط آنچه به جهت ایجاز، مبهم مانده‌است می‌انجامد.

Executive Power**قوه مجریه**

۱- مجموع مأموران دولتی وابسته به سازمانهای اداری کشور که متصدی اجرای قانون و حفظ آن و انجام خدمات عمومی هستند. ۲- قوه‌ای که اجرای قوانین و تصمیمات قوه مقننه و اداره امور کشور و اجرای سیاست داخلی و خارجی را برعهده دارد. در پاره‌ای کشورها، قوه مجریه در امور قانونگذاری و مالی مداخله‌ای بیش از حد دارد و در برخی دیگر، قوه مقننه نفوذ فراوانی در کنترل و نظارت بر قوه مجریه از خود نشان می‌دهد و از جمله در عزل و ساقط نمودن قوه مجریه تفوق خود را ظاهر می‌سازد که از آن به مسئولیت سیاسی وزیران تعبیر می‌شود.

Executive Privilege**امتیاز قوه مجریه؛ حق مخصوص قوه مجریه**

امتیاز مربوط به مقامهای دارای اختیارات یا مسئولیتهای اجرایی در آمریکا برای عدم افشای مطالب مهم یا مضایقه کردن اطلاعات از قوه مقننه یا دادگاه‌ها که لازم است در اجرای مسئولیتهای اجرایی حکومتی خویش به عمل آورند. امتیازهای ویژه قوه مجریه، ناشی از تفکیک قوا و نیاز به حفاظت امنیت ملی است. این امتیازها در سال ۱۹۷۴ پس از رسوائی سیاسی واترگیت در زمان ریاست جمهوری نیکسون توسط دادگاه عالی محدود شد.

Exequatur**روانامه؛ اجازه‌نامه کنسولی؛ اکزکواتور**

رئیس پست کنسولی به موجب اجازه‌نامه‌ای که از جانب دولت پذیرنده صادر و به هر شکل که باشد، روانامه نامیده می‌شود، برای انجام وظایف خود مورد قبول قرار می‌گیرد. دولتی که از صدور روانامه خودداری نماید، ملزم به ارائه دلایل امتناع خود به دولت فرستنده نیست.

Exhaustion of Local Remedies Rule**قاعده مراجعه به کلیه مراجع صلاحیتدار داخلی؛ اصل استقضای طرق احقاق حق**

اصلی که به موجب آن، دادگاه بین‌المللی شکایت مربوط به حق یک فرد خارجی را مادام که در مراجع قضایی کشور مربوطه مطرح نگردیده و به رأی عالی‌ترین مرجع قضایی منجر نشده است، نمی‌پذیرد. به بیان دیگر، فردی که در یک کشور خارجی مورد صدمه یا خسارتی واقع شده و برای جبران آن خسارت، کشور خارجی مسئول است، اول باید تمام آنچه را که قوانین داخلی آن کشور اجازه می‌دهند برای دادخواهی و جبران خسارت خود انجام دهد تا کشور او بتواند از طرق قانونی و دیپلماتیک برای حمایت او اقدام کند.

Exile**تبعید؛ نفی بلد**

۱- تبعید و نفی بلد اتباع داخله. ۲- بیرون کردن کسی از شهر یا آبادی معین، به نقطه دیگری از کشور (و یا خارج از کشور).

Existentialism**اگزیستانسیالیسم؛ هستی‌گرایی؛ وجودگرایی؛ اصالت وجود بشر**

این مکتب، تنها مبحث قابل طرح در فلسفه را حالات روحی انسان می‌داند. هستی، مقوله اصلی در اگزیستانسیالیسم است. به نظر هستی‌گرایان، انسان در استغراق عادی در زندگی روزانه وجود بی‌شخصیتی است که هستی را درک نمی‌کند ولی ترس و دلهره از مرگ و ادراک

صلاح و صوابدید؛ اصل عدالت و انصاف**Ex Aequo et Bono**

در حقوق بین‌الملل، مبنایی است برای رأی یک دادگاه بین‌المللی به منظور حل اختلاف طرفین دعوا در جهت عدل و انصاف. مفهوم این اصطلاح در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شده است که به موجب آن، دیوان می‌تواند با در نظر گرفتن دو شرط به اصل عدالت و انصاف توسل جوید و حکم لازم را صادر کند. این دو شرط عبارتند از موافقت طرفین اختلاف و اختیار دیوان در استفاده از این اصل. به طور کلی، اصل عدالت و انصاف دارای سه نقش اساسی است: ۱- عامل تعدیل‌کننده قواعد حقوقی است و به آنها انعطاف می‌بخشد. ۲- عامل تکمیل‌کننده قواعد حقوقی است، زیرا داوران بین‌المللی می‌توانند در صورت نبودن قاعده حقوقی صریح و با موافقت طرفین دعوا، از این اصل کمک بگیرند و برطبق آن نظر دهند. ۳- عامل ابطال‌کننده قاعده حقوقی است، مشروط به اینکه طرفین دعوا از داوران بخواهند که برای حل اختلاف، قواعد حقوقی لازم‌الاجرا را نادیده بگیرند و اصل عدالت و انصاف را ملاک دآوری قرار دهند.

نظارت ارزی؛ کنترل ارز**Exchange Control**

مقررات دولتی در مورد خرید و فروش پولهای ملی و خارجی به منظور حفظ ثبات نرخهای مبادله و حفظ پولی که کمتر یا زیادتر ارزش گذاری شده است.

مبادله یادداشتها؛ تبادل نامه‌ها**Exchange of Notes (Letters)**

نوعی از موافقتهای سیاسی که با مبادله اسنادی با مضمون واحد و حاوی موارد و مطالب مورد توافق دو طرف مبادله‌کننده انجام می‌شود.

نرخ ارز**Exchange Rate**

نرخه که براساس آن، بانکهای مرکزی پول یک کشور را با پول کشورهای دیگر مبادله می‌کنند.

منطقه انحصاری اقتصادی**Exclusive Economic Zone**

منطقه‌ای در ماورا و مجاور دریای سرزمینی. مهم‌ترین حق کشور ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی، حق انحصاری ماهیگیری است. پهنای منطقه انحصاری اقتصادی براساس خط مبدأ دریای سرزمینی حداکثر ۲۰۰ میل دریائی است.

تکفیر**Excommunication**

کسی را به کفر نسبت دادن و رسماً از یک جامعه دینی بیرون کردن.

عذرخواهی؛ پوزش خواهی**Excuse**

اظهار پوزش و معذرت از یک دولت، به علت عمل خلاف حقوقی که موجب حدوث خسارت معنوی به او شده است، از معمولی‌ترین و در عین حال مؤثرترین روشهای جبران و رفع آثار خسارت‌های معنوی است. نحوه معذرت خواهی، بستگی به ماهیت و حدود و شدت عمل خلاف حقوق دارد و معمولاً به صورت کتبی و یا طی تشریفات، شفاهاً صورت می‌گیرد.

بیماران غیر قابل درمان جنبه قانونی نیافته است. قانون یونانزایا در ۱۰ آوریل سال ۲۰۰۱ در هلند تصویب شد. خانم دبوراً آنتز Annetts رئیس انجمن مرگ خودخواسته انگلستان پس از تصویب این قانون در هلند گفت: هلند، واقع بین ترین و آزاداندیش ترین کشور دنیا است.

Evil Deed

عمل بد؛ کردار زشت

کار اهریمنی یا اقدام تهاجمی علیه معیارهای اخلاقی و نقض اصول بشر دوستی و عدالت. اعمال شیطانی یا زشتکاریها معمولاً به عمدی و غیر عمدی، آگاهانه و ناآگاهانه تقسیم می شوند و نوع و میزان آنها نیز متفاوت است: دزدی، تقلب و حقه بازی، ریاکاری و خیانت، وحشیگریهای تعصب آمیز و قتل. مسأله علل عینی و خارجی یک کرده زشت و زیانبار، جدا از مسأله منشأ شرارت‌های اخلاقی و اجتماعی نیست که ریشه در بیعدالتی اجتماعی، استثمار، مظلومیت مردم و تضادهای طبقاتی دارند.

Evil Eye

شور چشمی

عقیده به اینکه بعضی افراد دارای چشمانی نه حاکی از عشق و محبت و بزرگواری، بلکه سرشار از حسادت و خشم و تنگ نظری و خصومتند که بر دیگران اثر بد می گذارد.

Evolution

تحول؛ تکامل

دگرگونی اساسی ولی اندک اندک در چیزی که به سبب اندک بودن، چندان محسوس نباشد.

Evolutionary Socialism

سوسیالیسم تکاملی؛ سوسیالیسم تدریجی

سوسیالیسم اصلاح طلب و تطورگرکه بر اساس آن می توان جامعه سرمایه داری را از داخل و با اصلاحات تدریجی یا پیمودن کند و پیوسته روند پارلمانی به سوی آرمان سوسیالیسم متحول ساخت. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، بهبود شرایط کار، سطح زندگی و حقوق سیاسی موجب بروز انشعابی در جنبش سوسیالیستی شد. در حالی که سوسیالیستهای مارکسیست انقلابی بر یک انقلاب سوسیالیستی تأکید می کردند، سوسیالیستهای تدریجی اعتقاد داشتند که می توان به تدریج و از طریق اصلاحات قانونی مسالمت آمیز به سوسیالیسم رسید. در انگلستان، برنارد شاو، سیدنی و ب، بتاتریس و ب و سایر فابریوس مآبان از رهبران سوسیالیسم اصلاح طلب بودند. در آلمان نیز می توان از ادوارد برنشتاین نام برد. به گمان آنها، در دموکراسی سرمایه داری هرکارگر شریک برابر سرمایه دار شمرده می شد و این امکان وجود داشت که با تکیه بر اخلاق، همه را به استفاده از طرق مسالمت آمیز سیاسی برای پیشبرد منافع کلی جامعه تشویق نمود.

Evolutionism

تکامل گرایی؛ تحول گرایی

۱- روش فکری که در جمیع امور به سیر تکاملی اعتقاد دارد. ۲- آیینی که معتقد است توسعه تاریخی جوامع بر اساس یک قانون عام صورت می گیرد، به نحوی که می توان مراحل تحولی جوامع را از کهن ترین آنها تا جوامع جدید طبقه بندی کرد. ۳- اعتقاد به حرکت تدریجی جوامع در یک جهت خاص.

در شهر استکهلم قرارداد این اتحادیه را امضا کردند. هدف از ایجاد افتا، لغو حقوق گمرکی و سایر تفضیقاتی بود که برای دادوستد آزاد کالاها بین کشورهای عضو وجود داشت. در سال ۱۹۷۰ دولت ایسلند نیز به اتحادیه پیوست. فنلاند عضو وابسته افتا از سال ۱۹۶۱ است.

European Parliament

پارلمان اروپا؛ پارلمان اروپایی

مجمع پارلمانی اروپا که به پارلمان اروپا معروف است در سال ۱۹۵۸ به منظور وضع مقررات مربوط به ارکان جامعه اقتصادی اروپا به وجود آمد و نمایندگان پانزده کشور آلمان، اسپانیا، ایتالیا، ایرلند، بریتانیا، بلژیک، پرتغال، دانمارک، فرانسه، لوکزامبورگ، هلند، یونان، اتریش، سوئد و فنلاند در آن عضویت دارند. نمایندگان مزبور از بین اعضای مجالس ملی کشورهای عضو انتخاب می‌شوند. مقر پارلمان اروپا در لوکزامبورگ است که در استراسبورگ نیز جلساتی برگزار می‌کند. انتخابات پارلمان در هر کشور در یک روز انجام نمی‌شود و هر کشور به شکلی که خود معین نموده است، انتخابات را برگزار می‌کند. توزیع کرسیهای نمایندگی بین کشورهای عضو با توجه به اهمیت این کشورها صورت می‌گیرد.

European Single Market

بازار واحد اروپا

این بازار در سال ۱۹۹۴ تحت عنوان "حوزه اقتصادی اروپا" آغاز به کار کرد.

European Union

اتحادیه اروپا

"جامعه اروپا" از سال ۱۹۹۳ به اتحادیه اروپا معروف شده و مرکب از کشورهای آلمان، اتریش، ایتالیا، اسپانیا، ایرلند، بریتانیا، بلژیک، پرتغال، دانمارک، سوئد، فرانسه، فنلاند، لوکزامبورگ، هلند و یونان است. هدف از ایجاد این اتحادیه، فضای بدون مرز، بازار و پول مشترک و اتخاذ سیاستهای همسان در زمینه‌های مختلف است. پارلمان اروپا، شورای اتحادیه اروپا، کمیسیونهای اتحادیه اروپا و دیوان دادگستری اروپا از جمله سازمانهای وابسته به اتحادیه اروپا هستند. دفاتر اصلی اتحادیه در شهرهای بروکسل، استراسبورگ و لوکزامبورگ قرار دارد. در سال ۱۹۹۵ با پیوستن کشورهای اتریش، سوئد و فنلاند به اتحادیه، تعداد اعضای آن به پانزده کشور رسید. کشورهای لهستان، مجارستان، چک، اسلواکی، بلغارستان، رومانی، استونی، لتونی، لیتوانی، اسلونی، قبرس، نروژ، لیختن‌اشتاین و ایسلند نیز کشورهای وابسته به اتحادیه اروپا هستند که برای تهیه مقدمات عضویت در اتحادیه اروپا قرارداد امضا کرده‌اند. طبق تصمیم پانزده کشور عضو اتحادیه اروپا، از اول ماه مه سال ۲۰۰۴ کشورهای لهستان، مجارستان، چک، اسلواکی، قبرس، مالت، استونی، لتونی، لیتوانی و اسلونی به عضویت قطعی اتحادیه اروپا در می‌آیند.

Euthanasia (Mercy Killing)

قتل نجات بخش؛ قتل از روی ترحم؛ خوشمرگی؛ مرگ خود خواسته؛ کشتن دلسوزانه

به یونانی یعنی مرگ خوب. این واژه از سال ۱۸۶۹ برای اشاره به خاتمه دادن به زندگی انسان به منظور خلاص کردن قربانی (معمولاً با رضایت وی) از درد ورنج به کار رفته است. تاکنون در هیچ کشوری (غیر از سوئیس، هلند، بلژیک و آمریکا به طور محدود) پایان دادن داوطلبانه به زندگی

دادگاه اروپا

European Court of Justice (ECJ)

دادگاه جوامع اروپائی که مقر آن در لوکزامبورگ است. مسئولیتهای مهم آن عبارتند از: ۱- تفسیر عهدنامه‌های تأسیس جوامع اروپائی. ۲- تصمیم‌گیری در مورد اعتبار و معنی قوانین وضع شده توسط جوامع اروپائی. ۳- تعیین هرگونه فعل یا ترک فعل توسط جوامع مزبور. دادگاه اروپا ۱۳ قاضی دارد که توسط دولتهای عضو از طریق توافق مشترک انتخاب می‌شوند.

واحد پول اروپا؛ اکو (واحد پول اروپا)

European Currency Unit (ECU)

سبدهی از پول کشورهای جامعه اقتصادی اروپا (اتحادیه اروپا) به‌عنوان یک واحد پولی مشترک به‌نام یورو (Euro). بر اساس مفاد پیمان ماستریخت، کشورهای عضو جامعه موافقت کردند از سال ۱۹۹۷ یا حداکثر از سال ۱۹۹۹ به‌بعد از ارز واحدی به‌جای ارزهای رایج خود استفاده کنند. اتحاد پولی آمریکا در اواخر دهه ۱۷۹۰ شروع به‌شکل‌گیری کرد و دلیل اصلی آن نیز ظهور یک حکومت مرکزی مقتدر بود. اما در اروپا چنین حکومت مرکزی مقتدری وجود نداشته که بتواند به‌آسانی طرح وحدت مالی را عملی سازد. پول واحد اروپایی، یعنی یورو، از سنال ۲۰۰۲ در کشورهای ایرلند، بلژیک، فرانسه، پرتغال، هلند، اسپانیا، آلمان، ایتالیا، فنلاند، لوکزامبورگ، اتریش و یونان رواج یافته است. مسئولیت سیاست پولی کشورهای عضو این واحد پولی بر عهده بانک مرکزی اروپا است که مرکز آن در فرانکفورت آلمان قرار دارد. کشورهای انگلستان، دانمارک، سوئد قرار است به‌سایر اعضا بپیوندند.

حوزه اقتصادی اروپا

European Economic Area

بازار واحد اروپا که از اول ژانویه سال ۱۹۹۴ آغاز به کار کرد و اعضای آن عبارتند از کشورهای عضو جامعه اروپا و اتریش، فنلاند، سوئد، نروژ و ایسلند. لیختن اشتاین نیز تمایل خود را به پیوستن به آن اعلام کرده است.

جامعه اقتصادی اروپا؛ بازار مشترک (اروپا)

European Economic Community (Common Market)

جامعه یا بازاری که در ۲۵ مارس ۱۹۵۷ به‌موجب پیمان منعقد بین کشورهای آلمان، ایتالیا، بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ و هلند به‌وجود آمد و از اول ژانویه ۱۹۵۸ رسماً آغاز به کار کرد. بریتانیا، دانمارک و ایرلند در سال ۱۹۷۲، یونان در سال ۱۹۸۱ و اسپانیا و پرتغال در سال ۱۹۸۵ به آن پیوستند. بازار مشترک اروپا شبیه نوعی اتحادیه گمرکی است و هدفهای اساسی آن عبارتند از: حمایت اقتصادی از یکدیگر، هماهنگ ساختن سیاستهای اقتصادی و کشاورزی، وضع مقررات واحد گمرکی برای محدود کردن واردات از خارج و آزادی رفت و آمد و انتقال نیروی کار و سرمایه و خدمات بین کشورهای عضو. مرکز جامعه اقتصادی اروپا (که به یکی از اهرمهای قدرت امپریالیستی غرب تبدیل شده است) در بروکسل قرار دارد. از چهارم دسامبر ۱۹۹۱ به‌جامعه اروپا معروف شد.

اتحادیه تجارت آزاد اروپا؛ افتا

European Free Trade Association (EFTA)

در ۲۱ ژوئیه سال ۱۹۵۹ کشورهای پرتغال، سوئیس، اتریش، انگلستان، سوئد، نروژ و دانمارک

جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا **European Coal and Steel Community (ECSC)**

یکی از سازمانهای جامعه اروپا که قرارداد تأسیس آن در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۵۱ و به منظور نظارت بر تولید و فروش زغال سنگ و فولاد، توسط نمایندگان شش کشور آلمان، ایتالیا، بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ و هلند به امضا رسید و از ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۲ رسماً آغاز به کار کرد. بریتانیا، ایرلند و دانمارک در سال ۱۹۷۳ و یونان در سال ۱۹۸۱ به عضویت آن درآمدند.

کمیسیون اروپا **European Commission**

کمیسیون اتحادیه اروپا که بیشتر به ایجاد و اجرای سیاستها اقدام می‌نماید، ولی قانونگذاری نمیکند. اعضای کمیسیون از طرف دولتهای عضو، برای یک دوره قابل تمدید چهارساله منصوب می‌شوند تا در جهت منافع اتحادیه اروپا خدمت کنند.

جامعه اروپا **European Community**

این جامعه، دربرگیرنده و هماهنگ کننده جامعه اقتصادی اروپا، جامعه انرژی اتمی اروپا و جامعه زغال سنگ و فولاد اروپا است و ارکان اصلی آن عبارتند از: کمیسیون، شورای وزیران، پارلمان اروپا و دیوان دادگستری اروپا. آلمان، ایتالیا، ایرلند، بریتانیا، بلژیک، دانمارک، فرانسه، لوکزامبورگ، هلند و یونان، اسپانیا و پرتغال عضو جامعه اروپا هستند. اتریش، سوئد و فنلاند از اول ژانویه ۱۹۹۵ رسماً به اتحادیه اروپا پیوستند و مقدمات عضویت لهستان، مجارستان، چک، رومانی، اسلواکی و بلغارستان نیز به اتحادیه اروپا از مدتی پیش مطرح شده است. مقر جامعه که از سال ۱۹۹۳ به اتحادیه اروپا معروف شده دربر و کسل است.

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی **European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms**

معاهده‌ای است که دولتهای اروپای غربی امضاکننده (در سال ۱۹۵۰)، حقوق و آزادیهای مندرج در آن مثل: حق زندگی و آزادی، درمان بودن از بازداشت خودسرانه یا تبعید، حق دفاع از خود در یک دادگاه عادلانه، آزادی فکر و بیان و دین و اجتماعات را برای شهروندان خویش تضمین نموده‌اند. در سال ۱۹۵۹ نیز "دادگاه اروپایی حقوق بشر" برای اجرای این معاهده تأسیس شد که افراد حق دارند از دولتهای خود به کمیسیون اروپایی حقوق بشر شکایت کنند. مرجع عالی تر، دادگاه اروپایی حقوق بشر است.

دادگاه اروپایی حقوق بشر **European Court of Human Rights**

ارگان قضائی کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی که به شکایات در این زمینه رسیدگی می‌کند و مرکب از قضاتی است که برای یک دوره نه ساله توسط مجمع "شورای اروپا" انتخاب می‌شوند. دادگاه اروپایی حقوق بشر به مواردی رسیدگی می‌کند که در کمیسیون اروپایی حقوق بشر کاملاً فیصله نیافته باشند. این دادگاه در سال ۱۹۵۹ تأسیس شد.

Eurasism**اوراسیاگرایی**

اصطلاح ژئوپولیتیکی که از جنبه تاریخی و جغرافیائی به تقریباً تمام جهان به استثنای بخش غربی تمدن جهان، از جنبه نظامی - راهبردی به تمام کشورهای که سیاستهای توسعه طلبانه آمریکا و شرکای ناتوئی آنها را تأیید نمی‌کنند، از جنبه فرهنگی به حفاظت و توسعه آداب و رسوم فرهنگی و دینی و اخلاقی و ملی، از جنبه اقتصادی - اجتماعی به اشکال مختلف زندگی اقتصادی و جامعه عادلانه گرایش دارد. اوراسیاگرایی در معنی دقیق تاریخی، یک جریان فلسفی است که در دهه ۱۹۲۰ در میان مهاجران روسی پدید آمد و در دهه ۱۹۸۰ گسترش پیدا کرد. اوراسیا در اصطلاح جغرافیائی به اروپا و آسیا به عنوان یک قاره اطلاق شده است.

Euro-Centrism**اروپا محورینی؛ اروپاگرایی**

طرز فکری که تاریخ و فرهنگ بشری را بر اساس مرکزیت قاره اروپا و آنهم اروپای غربی تحلیل می‌کند و به نقش سایر تمدنها بهای اندکی می‌دهد. تا قرن هیجدهم میلادی، مطالعات محققان اروپا درباره تحولات تاریخی، تحت تأثیر گرایشی غیرعلمی و زیان‌آور قرار داشت. در اثر این گرایش زیان‌آور که به اروپاگرایی یا اروپا محورینی مصطلح شده است، محققان اروپایی، تاریخ اروپا را اساس تقسیم‌بندی دنیا قرار می‌دادند و آن را الگوی تاریخ عمومی قلمداد می‌کردند. مشرق زمین برای آنها افسانه‌ای بیش نبود.

Euro-Communism**کمونیسم اروپایی**

این اصطلاح که برای اولین بار در سال ۱۹۶۷ توسط یک روزنامه‌نگار میلانی به نام فرانکو باربیری به کار رفت، بیانگر ترک اصل مارکسیستی دیکتاتوری پرولتاریا، تأکید بر آزادیهای عمومی، انتخابات آزاد و طرفداری از سیاست نیل به کمونیسم از طریق پارلمان است. بعد از گردهمایی رهبران احزاب کمونیست ایتالیا، فرانسه و اسپانیا که در سال ۱۹۷۷ صورت گرفت، این واژه کاربرد بیشتری یافت. سپس واژه چپ اروپائی بجای آن مصطلح شد که حاکی از کوشش برای رفع اختلافات تاریخی بین کمونیستها و سوسیالیستها است.

Euroland**یورولند**

در مورد مجموع کشورهای عضو پول مشترک اروپایی یعنی یورو Euro به کار رفته است، مثل ایرلند، بلژیک، فرانسه، پرتغال، هلند، اسپانیا، آلمان، ایتالیا، فنلاند، لوکزامبورگ، اتریش و یونان.

European Atomic Energy Community (EAEC or EURATOM)**جامعه انرژی اتمی اروپا؛ اوراتوم**

یکی از سازمانهای جامعه اروپا که در اول ژانویه ۱۹۵۸ و به منظور ایجاد وسایل فنی و صنعتی لازم برای بهره‌برداری از تحقیقات اتمی و تولید نیروی اتمی زیاد، توسط نمایندگان شش کشور آلمان، ایتالیا، بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ و هلند تأسیس شد.

Ethnocentrism**قوم مداری؛ قوم پرستی؛ خودمرکزی قومی**

قوم خود را مرکز جهان دانستن یا هنجارهای فرهنگ جامعه خود را مطلق و بی چون و چرا انگاشتن و به جوامع دیگر که هنجارهایی متفاوت دارند، با تحقیر نگرستن. قوم مداری یا خودمرکزی قومی باعث ایجاد عقاید قالبی، عدم تفاهم و کشمکش بین جوامع می شود. این واژه را ویلیام گراهام سامنر (۱۹۱۰-۱۸۴۰) جامعه شناس آمریکایی وارد فرهنگ اجتماعی کرد و از نظر او دیدگاهی است که بر اساس آن، گروه خودی، محور و مرکز همه چیز است و همه چیز با توجه بدان مورد ارزیابی و سنجش قرار می گیرد.

Ethnos**قوم**

واژه یونانی که برای اشاره به گروهی از مردم که زبان یا آداب و رسوم یا مقتضیات اجتماعی مشترکی دارند به کار می رود. طوایف و قبایا، اولین شکل تجمع تاریخی جامعه بشری است. طایفه، خانواده های به هم پیوسته و خویشاوند بود و اتحاد طوایف، قبیله را به وجود آورد و اتحاد قبایل موجب تشکیل عشیره یا ایل گردید. اهمیت رابطه خونی و خویشاوندی با رشد و گسترش تقسیم کار و مبادله و پیدایش مالکیت خصوصی و طبقات از بین رفت و از پیوند ایلات و عشایر نزدیک به هم، قوم پدید آمد. در واقع، نیازهای اقتصادی موجب پیوند قبایل و اتحاد سرزمینهای آنها و پیدایش قوم با سرزمین مشترک شد. تشکلهای قومی مخصوص جوامع متعارض دوران ماقبل سرمایه داری است. چون در عصر حاضر، "ملت" به نحو بهتری با مقتضیات انطباق یافته است، اشکال کهن قومی باقیمانده، به صورت تشکلهای ملی در می آیند.

Ethos**خلقیات**

عادات و رسوم، ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی، نگرشها و باورهای خاص، روح قومی یا ملی یک گروه یا جامعه.

Etiquette**آیین ادب؛ آداب معاشرت؛ اتیکت**

مجموعه ای از قواعد رفتاری که جنبه های خارجی یا بیرونی روابط مردم را تنظیم می کند: رفتار اجتماعی، اشکال مناسب معاشرت و طرز خطاب، پوشاک، آداب.

Eugenics**بهزادی؛ اصلاح نسل؛ بهسازی نژاد؛ علم بهبود نسل**

اصلاح نژاد یا نسل با اتخاذ شیوه های گوناگون مثل حذف تدریجی افراد معیوب و یا نامطلوب جامعه از راه جلوگیری از تولید مثل در بین آنان. پایه گذار علم اوژنیک، فرانسیس گالتون (۱۸۲۲-۱۹۱۱) دانشمند انگلیسی بود.

Eurasia Foundation**نهاد اوراسیا**

جامعه اقتصادی که در سال ۲۰۰۰ با هدف فراهم سازی فضایی برای همگرایی اقتصادی در قلمرو جمهوریهای اتحاد شوروی سابق تشکیل شد. روسیه، بیلاروس، قرقیزستان، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قزاقستان، مولداوی، تاجیکستان، ترکمنستان، اوکراین و ازبکستان اعضای این نهادند. اصطلاح جغرافیائی، اوراسیا به اروپا و آسیا به عنوان یک قاره اطلاق شده است.

Estoppel منع انکار پس از اقرار؛ منع تناقض گویی به ضرر دیگری؛ اقرار نافذ و مانع انکار

اصلی که به موجب آن، یک طرف دعوی به علت رفتار خود، از اینکه حقی را به ضرر طرف دیگر که ذیحق در اعتماد به چنین رفتاری بوده یا بر طبق آن عمل کرده است مطالبه کند، منع می شود. استاپل هنگامی مطرح می شود که شخص اظهار یا عملی کرده یا سندی داده باشد که در این صورت به موجب قانون نمی تواند برخلاف آن سخن بگوید، زیرا یک وضعیت یا رفتار متعارض را که موجب زیان دیگری باشد، نمی توان پذیرفت. به موجب اصل استاپل، یک دولت نمی تواند حقیقت مطلبی را که توسط نماینده رسمی و دارای اختیار آن کشور بیان شده است تکذیب کند یا وجود حقیقتی را که آن نماینده با بیان یا طرز عمل خود نشان داده و در نتیجه، دیگران به قبول آن معتقد شده اند، انکار نماید.

Estrada Doctrine دکترین استرادا

نظریه ای که در سال ۱۹۳۰ توسط وزیر امور خارجه مکزیک مطرح شد مبنی بر اینکه دولت‌ها باید هر حکومتی را به محض رسیدن به قدرت - بدون توجه به شیوه کسب قدرت - به رسمیت بشناسند.

Étatisme دولت محوری؛ دولت سالاری

این واژه را نویسندگان فرانسوی و از دهه ۱۹۲۰ برای اشاره به مداخله مستقیم دولت در حیات اقتصادی جامعه سرمایه داری، از جمله با ملی کردن، اداره و کنترل قیمت‌ها و دستمزدها و وضع قوانین رفاه اجتماعی به کار برده اند.

Ethic (s) اخلاق؛ اخلاق شناسی؛ سیاست نفس

۱ - مجموع قواعدی که رعایت آنها برای نیکوکاری و رسیدن به کمال لازم است. ۲ - بررسی سیستماتیک مفاهیم ارزشی مانند خوب و بد، حق و باطل، فضیلت و رذیلت، واجب و جزاینها.

Ethiopianism اتیوپیانیسم

نهضت‌ها و اعتقادات شبه ناسیونالیستی و مسیح گرایانه در بین سیاهپوستان آمریکایی و کارائیب برای ستایش آفریقا و بازگشت به آن. اتیوپی در آغاز به عنوان مترادف آفریقا تلقی می شده است.

Ethnic Cleansing پاکسازی قومی؛ تصفیه قومی

نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، نژادی یا دینی.

Ethnic Identity هویت قومی

مجموعه ویژه ای از عوامل عینی و ذهنی و فرهنگی و اجتماعی که در گروهی از انسانها تجلی می یابد و آن گروه را از سایر گروهها متمایز می کند.

Ethnicity قومیت

حالت گروهی از مردم که از درجه ای از پیوستگی و همبستگی برخوردارند و آگاه از اینکه اصل و منشأ و علایق مشترک دارند.

افشای آنها قانوناً ممنوع باشد. ۴- اطلاعات و اخبار مربوط به دستورات راجع به کشف و تعقیب و دادرسی مرتکبین جرائم بر ضد امنیت کشور. مطابق قانون جزای فرانسه، اگر مرتکب این اعمال، یک نفر خارجی باشد، عمل او جاسوسی خواهد بود و اگر مرتکب، تابعیت فرانسوی داشته باشد، عمل او خیانت محسوب می‌شود. اکنون با وجود امکانات بسیار پیشرفته جاسوسی (تکنولوژیکی و راداری، تصویری و جزاینها) که از مدرن‌ترین کامپیوترهای موجود در جهان استفاده می‌کنند، جاسوسی انسانی ظاهراً به مقام دوم تنزل یافته است.

Espionage Den

لانه جاسوسی

سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران که در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ به تسخیر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام درآمد. آنها این محل را در نخستین اطلاعیه‌های افشاگرانه خود از جهت اینکه به مرکز توطئه علیه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران درآمده بود، جاسوسخانه و سپس لانه جاسوسی نامیدند.

Essential Industry

صنعت اساسی

واژه‌ای که در جریان دومین جنگ جهانی، در ایالات متحده آمریکا به کار رفت و منظور، صنعتی است که برای پایان پیروزمندانه جنگ ضرورت دارد.

Established Church

کلیسای رسمی

مذهب مسیحی رسمی یک کشور، و یا کلیسایی که مورد حمایت مقامات دنیایی است: مثل کلیسای رسمی انگلستان.

Establishment

تشکیلات؛ دستگاه فرمانروا؛ قدرت حاکم

رابطه رسمی بین یک نهاد و دولت که معمولاً در مورد کلیساها به کار رفته است، مثلاً کلیسای انگلستان یک کلیسای رسمی است. این واژه همچنین توسط روزنامه‌نگاران در دهه ۱۹۵۰ برای بیان نخبگان، زمامداران و نظام حاکم در انگلستان به کار رفته است.

Estate System

نظام مرتبتی؛ نظام مراتب اجتماعی

نظامی که نخست در رم باستان پدیدار شد و پس از آن در اروپا و بویژه انگلستان و روسیه ادامه یافت. در این نظام، قشربندی اجتماعی یا مراتب اجتماعی از روی ملاحظات سیاسی و به وسیله قوانین موضوعه ایجاد می‌شد و تمام جامعه را در بر می‌گرفت و به خلاف نظام "کاست"، قابل تغییر نیز بود. غیر از اعضای مراتب بالا، هیچکس شهروند واقعی به شمار نمی‌آمد. معمولاً مراتب اصلی را روحانیون، نجبا و عوام تشکیل می‌دادند. در انگلستان، توماس کارلایل (۱۷۹۵-۱۸۸۱) منتقد اسکاتلندی، مطبوعات را مرتبت چهارم و اتحادیه‌های کاری را مرتبت پنجم خواند. این واژه به جای واژه فئودالیسم نیز به کار رفته است.

Esteem

احترام؛ حرمت

ارج، ارزش و قدری که به فرد گذاشته می‌شود و اصولاً یکی از نیازهای اجتماعی و غیرمادی بشر است.

Erastianism

اراستیانیزم؛ آیین تفوق دولت بر کلیسا

مسئله‌ای که به موجب آن، دولت باید در امور کلیسا و مذهب سمت رهبری و ریاست داشته باشد و کلیسا و مذهب باید از دولت تبعیت کنند. طرفداران سروری دولت بر کلیسا در انگلستان و در قرن هفدهم اعتقاد داشتند که جرائم خلاف اخلاق و مذهب (در دین مسیح) باید تابع مقررات عرف باشد، نه احکام کیفری کلیسا و طرد و تکفیر این مسلک به نام دین شناس سوسی، توماس ارستوس (۱۵۸۳-۱۵۲۴) نامگذاری شده است.

Eremitism

گوشه گیری

گرایش به زندگی زاهدانه و خلوت نشینی.

Erga Omnes Obligations

تعهدات ارگامنس؛ قواعد عام الشمول

اصطلاح لاتین ارگامنس به معنی متوجه همه Towards All است و در حقوق بین الملل برای اشاره به تعهداتی به کار می‌رود که هر یک از کشورهای عضو جامعه بین المللی (بشری) در برابر کشورهای دیگر دارند. تعهدات ارگامنس می‌تواند از مقوله حقوق عرفی و یا عهدنامه‌ای باشد. این گونه تعهدات، بویژه در زمینه حقوق بشر، بسیار مطرح و مؤثر است.

Escalation of War

تصاعد جنگ

توسعه و گسترش دامنه جنگ. این واژه در زمان جنگ ویتنام، در مورد سیاست تصاعد جنگی ایالات متحده آمریکا نسبت به ویتنام شمالی به کار می‌رفت. تصاعد، در درجه اول برای نشان دادن اراده یک دولت در گسترش دامنه نزاع به سطوح بالاتر به امید نیل به نتیجه بهتر است.

Escapism

گریزگرایی؛ فرار از واقعیت

خودداری از شرکت در کارهای حکومتی و امور اجتماعی و بحثهای سیاسی.

Escort

اسکورت؛ محافظان؛ همروان

گروهی که شخصیت‌های سیاسی و دولتی را به منظور احترام و محافظت همراهی می‌کنند.

Espionage

جاسوسی

گردآوری مخفیانه اطلاعات و اسرار نظامی، سیاسی، اقتصادی یا صنعتی و اشیاء، تحت عناوین غیر واقعی و مخفیانه به نفع یکی از متخاصمین. موارد زیر از جمله اسرار مربوط به دفاع ملی است: ۱- اطلاعاتی که دارای جنبه سیاسی، نظامی، اقتصادی یا صنعتی بوده و ذاتاً به نحوی باشد که استحضار به آنها فقط از خصایص اشخاصی باشد که قانوناً صالح بر حفظ آنها بوده و باید به مصالح دفاع ملی کشور، نسبت به کلیه اشخاص دیگر پوشیده بماند. ۲- اشیاء، مواد و مدارکی که نظر به ذات و ماهیت آنها، نباید به وسیله اشخاصی غیر از کسانی که قانوناً صالح بر ضبط و حفظ آنها هستند، مکشوف و معلوم گردد و نتیجتاً باید از کلیه اشخاص دیگر پوشیده بماند. ۳- سایر اطلاعات و اخبار نظامی که نظر به ماهیت آنها، به وسیله دولت، علنی نشده و

افراد از لحاظ ملیت، جنس، نژاد و مذهب. از برابری تفسیرهای گوناگون و تعاریف مختلفی شده است. یکی از معانی برابری آن است که هیچ کس حق ندارد بیش از دیگری حق دخالت در اداره کشور را به خود اختصاص دهد، مگر اینکه نمایندگی داشته باشد. معنی دیگر برابری آن است که تمام مردم از امکانات مساوی استفاده کنند، یعنی از نظر حقوق با یکدیگر برابر باشند و اعم از سیاه و سفید و ثروتمند و فقیر مشمول یک قانون باشند و امتیازی جز نیروی درک و فهم و لیاقت و دانش در میان نباشد. معنی برابری این نیست که همه مردم، در هر وضع و حالی که قرار دارند از یک نوع امتیاز معنوی و مادی استفاده کنند و مثلاً معلم و بیکاره دارای یک نوع زندگی و صاحب امتیازات برابر باشند. معنی برابری آن است که ولگرد و بیکاره در صورت دارا بودن لیاقت و استعداد، بتواند معلم یا استاد شود و فرزند معلم و استاد اگر بیکاره و بی استعداد است حتی بیشتر از فرزند بیکاره و بی استعداد نداشته باشد.

Equality of Opportunities

برابری فرصتها

از بین بردن تمام امتیازاتی که برای عده‌ای از افراد از آغاز حیات، امکانات نابرابری برای رشد فراهم می‌سازد.

Equal Pay

پرداخت برابر

اصلی که به موجب آن، پرداخت باید مطابق کار انجام یافته باشد و نه مطابق اینکه انجام دهنده آن چه کسی است. طبق این اصل، جنسیت نیز نباید باعث تبعیض در پرداخت شود.

Equal Protection

حفاظت یکسان

اصطلاح آمریکائی که از اصلاحیه چهاردهم، قسمت اول (۱۸۶۸) قانون اساسی آمریکا گرفته شده که حفاظت یکسان قوانین را برای مردم آمریکا تضمین کرده است.

Equilibrium

تعادل

۱- حالت موازنه بین نیروهای مخالف. ۲- توازن نیروها در یک نظام.

Equilibrium Price

قیمت تعادلی

قیمتی که در آن مقدار تقاضای یک کالا با مقدار عرضه آن کالا کاملاً برابر است.

Equity

انصاف

۱- مجموع قواعدی که در کنار قواعد اصلی حقوق وجود دارد و به استناد متکی بودن به اصول عالی و برتر اخلاقی می‌تواند قواعد حقوقی را لغو نماید. ۲- آگاهی نسبت به آنچه عدل یا ظلم است. ۳- سازگاری و توافقی که انسان بین رفتارش و آگاهی و شعوری که به عدالت و اخلاق دارد برقرار می‌کند. ۴- شیوه اخلاقی نیل به اصول عدالت. در انگلستان، منظور آن بخش از نظام حقوقی است که از عرف و عادات یا مصوبات مجلس سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه در آن، واقعیت حال شخصی که به دادخواهی آمده و عقیده دارد ستمی بر او وارد شده، ملاک قضاوت است و دادگاه باتوجه به شرایط خاص او و به تشخیص خود و برحسب مورد حکم می‌دهد.

Environmental Determinism

جبرگرایی زیستگاهی؛ جبرباوری محیطی

این نظریه از یک رشته عوامل زیست محیطی، بویژه عوامل طبیعی ساخته شده که زیر مجموعه‌ای است از کل محیط و به منظور توضیح رفتار انسان به کار می‌رود. این طرز فکر، جبر جغرافیایی و جغرافیاگرایی نیز خوانده شده است.

Environmental Impact

پیامد زیست محیطی؛ اثر زیست محیطی

تأثیر احتمالی بر محیط زیست، مثلاً وقتی قرار باشد یک طرح توسعه، در محیط فیزیکی و اجتماعی پیرامون آن اجرا شود.

Environmentalism

نهضت حفاظت از محیط زیست؛ زیست محیط‌گرایی

نهضتی که طرفدار حفظ محیط زیست انسان است. این مفهوم در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ وارد فرهنگ سیاسی غرب شد و دلالت بر آن موضع یا طرز برخورد سیاسی دارد که کیفیت زندگی را بیشتر از رشد اقتصادی در نظر می‌گیرد. در عمل، طرفداران حفظ محیط زیست بر کنترل آلودگی حتی اگر به قیمت کاهش بهره‌وری اقتصادی تمام شود تأکید می‌کنند. آنها همچنین نیروی هسته‌ای را خطر بزرگ سلامت و ایمنی می‌دانند و همچنین با گسترش صنایع بزرگ مخالفند. نهضت حفاظت از محیط زیست به عنوان یک نیروی سیاسی موفقیت‌هایی نیز کسب کرده است، مانند تشکیل حزب سبز در زلند جدید و آلمان و حزب اکولوژی یا بوم دوستان در انگلستان.

Environmental Protection

حفاظت از محیط زیست

حفاظت از محیط زیست انسان و منابع طبیعی.

Envoy

فرستاده (سیاسی)

به دیپلماتی در ردیف وزیر یا سفیر اطلاق می‌شود که از طرف دولت متبوع، به یک کنفرانس بین‌المللی یا حکومت یک کشور خارجی فرستاده می‌شود تا مأموریت ویژه‌ای را انجام دهد و یا به عنوان نماینده سیاسی دائمی به خدمت مشغول شود.

Envoy Extraordinary

فرستاده فوق‌العاده

رئیس یک مأموریت دیپلماتیک که وظیفه انجام یک مأموریت ویژه و موقت را بر عهده دارد.

Epic

حماسه؛ کار برجسته

شعر داستانی بلندی در مورد کارهای قهرمانان و جنگاوران. انسان در حماسه، عظمت پیدا می‌کند. حماسه‌ها معمولاً دارای جنبه‌های ملی هستند، یعنی تاریخ و آرزوهای ملتی را به صورت مطمئن و شکوهمند مجسم می‌کنند.

Equality

برابری؛ مساوات

رهایی افراد از استثمار، و حق برابر آنها به منظور استفاده از نعمتهای مادی و معنوی موجود در جامعه مطابق کار انجام شده. مهم‌ترین جنبه‌های مساوات عبارت است از: حق شرکت در حکومت، حق برابر افراد به کار، استراحت، فرهنگ، تعلیم و تربیت، بیمه‌های اجتماعی و برابری

می‌رود. برخلاف قرارداد جوانمردانه، این توافق معمولاً دلیل یک صف‌بندی یا اتحاد غیررسمی بین‌المللی (عموماً برای مقاصد نظامی یا تدافعی) بین دو یا چند دولت است. از نظر تاریخی، دو مورد قابل ذکر تفاهم عبارتند از تفاهم دوستانه (Entente Cordiale) و تفاهم سه‌جانبه (Triple Entente). تفاهم دوستانه سال ۱۹۰۴، تفاهم بین بریتانیای کبیر و فرانسه در مورد هماهنگی در امور خارجی بود. این مانور دیپلماتیک بیشتر براساس تمایل بریتانیا صورت گرفت که می‌خواست موازنه قدرت را در برابر رشد تجاوزکارانه آلمان در قاره اروپا حفظ کند. سپس در سال ۱۹۰۷ کفه صف‌بندی بریتانیا - فرانسه با اضافه شدن روسیه سنگین‌تر شد و اتفاق مثلث یا تفاهم سه‌جانبه پدید آمد.

Entitlement

استحقاق

دارا بودن حق نسبت به انتفاع، درآمد یا اموال که بدون سیر مراحل قانونی، غیر قابل سلب است.

Entrepreneur

خطرکننده اقتصادی؛ کارآفرین اقتصادی؛ مدیر اقتصادی کارآمد؛ کارساز

دست‌کارآفرین یا سازمان دهنده مبتکر و توانای یک فعالیت اقتصادی و بویژه شخصی که مخاطرات ناشی از چنین فعالیتی را برعهده می‌گیرد و در راه‌انداختن آن همت می‌گمارد. پذیرفتن احتمال خطر، نیاز به موفقیت، نوآوری، خلاقیت، همت و پشتکار، هدفداری، اعتماد به نفس، اهل کار و عمل بودن، قاطعیت، پایبندی به عهد و پیمان، سرعت عمل، انعطاف پذیری، پول را معیاری برای سنجش میزان موفقیت خود دانستن، شناخت سریع جنبه‌های مختلف مسأله از جمله ویژگیهای کارسازان است.

Entrepreneurship

کارآفرینی اقتصادی؛ خطرکردن اقتصادی؛ کارفرمایی اقتصادی کارآمد؛ کارسازاری

۱- کسب و کار توأم با ابتکار، نوآوری، جرأت، سعی و همت و صرف نیرو. ۲- سازماندهی تولید و اعمال شیوه‌های نوین و سودآور و مقابله با خطرات احتمالی در فعالیتهای اقتصادی که دارای مشخصات زیراست: ۱- ابتکار فعالیتهای جدید مشتمل بر محصولات جدید، فرآیندهای تولیدی جدید و بازارهای جدید. ۲- ارزیابی سودآوری موقعیتهای فراهم شده تازه. ۳- تسلط بر منابع جدید عرضه مواد خام یا کالاهای نیمه ساخته و منابع مالی. ۴- نظارت بر طراحی، تکنولوژی، ساخت و توان سازماندهی انواع صنایع. ۵- استخدام و آموزش کارکنان جدید. ۶- برقراری ارتباط با حکومت. ۷- برقراری ارتباط مستمر با عرضه کنندگان و خریداران یا مصرف‌کنندگان.

Entryism

نفوذگری

دکترین پیوستن به یک گروه برای تغییر دادن خطمشی‌های آن.

Entryist (Entrist)

نفوذی

عضو یک نهضت سیاسی رادیکال که مزورانه و با پنهان کردن هدف واقعی خود وارد یک سازمان سیاسی رسمی شود و برای براندازی یا تغییر دادن هدفهای آن سازمان سیاسی در جهت دلخواه خود کوشش کند.

کشورها، از داخل به وسیله شرکت‌های چند ملیتی و از خارج به وسیله کمیته انرژی، مجدداً و خیلی مطمئن تر از به کار بستن ناتو، ارباب جهان صنعتی خواهد شد.

بحران انرژی

Energy Crisis

عدم امکان تحصیل و مصرف نفت به‌نازترین قیمت از طرف آمریکا، اروپای غربی و ژاپن. ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۷۰ به‌صورت یکی از واردکنندگان عمده نفت و گاز طبیعی در دنیا درآمد و همین موضوع موجب تحولات عمیقی در زمینه‌های مختلف مربوط به نفت یعنی قیمت، سیستم استخراج نفت در کشورهای عضو اوپک و به‌طور کلی، بحران انرژی در دهه ۱۹۷۰ شد. ایالات متحده آمریکا برای ایجاد انشعاب و تفرقه در اوپک و زنجیر کردن کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه به‌ارابه‌جنگی خود و تشدید وابستگی کشورهای تولیدکننده نفت به دلار و نقش مالی آن در بازار جهان سرمایه‌داری، دست به اقدامات متعددی زده است.

فرمانروای مستبد منورالفکر؛ حاکم مستبد روشنگر؛ دیکتاتور مصلح

Enlightened Despot

این واژه در مورد بعضی از سلاطین اروپائی قرن هیجدهم به کار رفته که راه رشد عقل نظری را در کنار تیغ شمشیر گشودند. هر یک از این سلاطین می‌توانستند راهشان را از میان فئودالها و سنت‌های پیچیده بگشایند و بدون برخورد با تعصبات عمومی، جامعه را دگرگون کنند. حاکمان مستبد روشنگر اگرچه حد و مرزی در اعمال زور نمی‌شناختند، اما هم خودشان و هم دستگاهشان در مجموع کم فساد بود و اعمال زورشان نیز به‌منظور پیشبرد هدفهای ملی و پیشرفت مملکت بود.

روشنگری؛ روشنفکری

Enlightenment

جریان معنوی و فرهنگی خاصی است که در قرون هفدهم و هجدهم میلادی در سراسر اروپا به‌وسیله بورژوازی نمایندگی می‌شد. اصل اساسی در نهضت روشنگری، تکیه بر عقل بود، به‌این معنی که به‌مسائل دینی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی از جنبه علمی و عقلی نگاه می‌کردند و به‌این جهت درباره کارهای جهان و ترقی و کمال بشریت، نظری غیر دینی ایجاد شد. جمعی از متفکرین در ترویج این افکار در میان مردم کوشیدند و در صدد برآمدند که اصول و مبادی کلی حاکم بر انسان و طبیعت و جامعه را کشف کنند. آنها به اصطلاح بت‌های روحانی و علمی، مطالب تعبدی، عدم تساهل، جلوگیری از نشر عقاید و محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی را مورد حمله قرار دادند. در نظر آنها، دولت ابزار خاص و معقول ترقی بود. از طرفداران برجسته نهضت روشنگری می‌توان از مونتسکیو، ولتر، روسو، هیوم، پین، کانت و بکار یا نام برد. امانوئل کانت، روشنگری را خروج انسان از نابالگی به تقصیر خویشتن خود، تعریف کرده و نابالگی را ناتوانی در به‌کارگیری فهم خویشتن بدون هدایت دیگری دانسته است. شعار روشنگری او چنین است: دلیر باش در به‌کارگیری فهم خویش. انسان بر اساس تعریف کانت از روشنگری، موجود آزاد و خردمندی است که با وارد شدن در عرصه تفکر، می‌تواند از محدوده نابالگی خارج شود.

تفاهم؛ اتفاق؛ آنتانت

Entente

این واژه دیپلماتیک فرانسوی معمولاً به‌منظور بیان یک تفاهم یا قرار رسمی بین دولتها به کار

است. به نظر آدام رابرتز، استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه آکسفورد، اعلام کردن پایان تاریخ همان قدر بی‌معناست که مثلاً یک هواشناس، پایان هوا را اعلام نماید.

End of Ideology Theory

نظریه پایان ایدئولوژی؛ نظریه فرجام ایدئولوژی

نظریه‌ای که در دهه ۱۹۵۰ از طرف دو تن از جامعه‌شناسان آمریکایی به نام بل و لیپست مطرح شد. به گمان آنها ایدئولوژیهای چپ و راست به علت تغییراتی که در ماهیت سرمایه‌داری ایجاد شده، مشارکت طبقه کارگر در امور سیاسی و اقتصادی و نیز رشد رفاه، مناسب خود را از دست داده‌اند و از این پس، جوامع غربی باید مسائل غیراساسی باقی‌مانده در مورد توزیع نعمات و مواهب را حل و فصل نمایند. نظریه پایان عصر ایدئولوژی با ظهور نهضت‌های رهایی‌بخش و چپ‌گرا در دهه ۱۹۶۰ و دهه‌های پس از آن، مورد تردید قرار گرفت. به نظر عزت‌الله فولادوند، ایدئولوژی چه به معنی وسیع و چه به معنی محدود آن، نه تنها به پایان نرسیده، بلکه با قوت ادامه دارد و اصولاً ایدئولوژی به معنی منظومه فکری و عقیدتی برافتادنی نیست و چون مبارزات کنونی بیش از هر زمان در گذشته، بر سر تسلط بر افکار و اذهان جریان دارد و چون هنوز مهمترین منبع تغذیه مغزها کار روشنفکری است، نقش روشنفکران از گذشته هم قوی‌تر شده است.

Enemy Alien

بیگانه دشمن

تبعه کشور دشمن که ممکن است در زمان بروز جنگ در سرزمین متحارب باشد. وضع قانونی بیگانگان دشمن طبق قواعد حقوق بین‌الملل عرفی روشن می‌شود. بدین معنی که اگر دولت متحارب مایل به ادامه اقامت بیگانگان دشمن در سرزمین خود نباشد، باید به آنها فرصتی برای ترک کشور بدهد. در کنوانسیونهای ژنو بر حفاظت اتباع غیر نظامی دشمن که در سرزمین متحارب به سر می‌برند تأکید شده است.

Enemy Territory (Non-Muslim Territory)

دارالحرب

سرزمینی که تحت استیلای حکومت اسلامی در نیامده و حکومت آن نیز در حال خصومت با اسلام است.

Energetic Nato

ناگوی انرژی؛ ناگوی نفتی

کنایه از کشورهای امپریالیستی و سرمایه‌داری مصرف‌کننده نفت که با استفاده از واژه ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) ساخته شده است. ک، بورده یکی از روزنامه‌نگاران فرانسوی در ۱۹۷۴/۱۱/۲۲ مقاله‌ای در لوموند در مورد روابط ایالات متحده آمریکا و اروپا در ارتباط با تقاضای آمریکا در زمینه ایجاد بلوک واردکنندگان نفت نوشت: "اگر سازمان دائمی کشورهای بزرگ مصرف‌کننده نفت ایجاد شود، چیزی شبیه به ناتوی انرژی خواهد بود که در آن ژاپن هم شرکت خواهد داشت و چون استفاده از انرژی سر نوشت رشد تمام دیگر عرصه‌های اقتصادی را تعیین می‌کند، احتیاجی نیست که انسان، کارشناس بزرگی باشد تا بداند که پس از اقدام نخستین، قطعاً اقدام دوم به عمل خواهد آمد. همچنین انسان نباید شخصی استثنایی باشد تا پیش‌بینی کند که امکانات اقتصادی کشورهای اروپایی و حتی ژاپن نسبت به امکانات زیاد اقتصادی ایالات متحده آمریکا، چندان بزرگ نخواهد بود. می‌توان گفت که ایالات متحده آمریکا با در اختیار گرفتن اقتصاد این

Enclosure Movement

نهضت حصارکشی؛ نهضت حصاربندی

اصطلاحی است برای مرحله انتقال کشاورزی انگلستان از شرایط قرون وسطایی به دوره جدید که در قرن هیجدهم اتفاق افتاد. در این جنبش، مالکان بزرگ زمینهایی را که سابقاً جزء ملک عمومی محسوب می‌شد، تصرف و حصاربندی کردند و در نتیجه کشاورزان کوچک و خرده مالکان از زمینها بیرون رانده شدند و مصیبت عظیمی به‌بار آمد و جنبشهایی به‌ضد آن برانگیخته شد.

Endism

پایان باوری؛ پایان‌گرایی

اعتقاد به اینکه بعضی شیوه‌های قدیمی فهم جهان، بعضی الگوهای رفتاری قدیمی و بعضی نهادها به پایان خود رسیده‌اند و به جای آنها چیزهای تازه‌ای پدید آمده‌اند. پایان باوری، بخشی از سرخوردگی در غرب نسبت به سیاست، تفکرات عصر روشنگری و مدرنیته است. به نظر پایان باوران، اینک بشر در قفسهای آهنین بوروکراسی، تکنولوژی، بازار جهانی و نظایر اینها گرفتار آمده است، به طوری که امکان شکل دادن به سازمان اجتماعی به هر صورت دیگر، کمتر شده و امکان شکوفائی انسان نیز به حداقل رسیده است. در دهه‌های اخیر، احساسات ضد سیاسی به صورت آخرالزمانی جلوه کرده، به طوری که تقریباً پایان همه چیز و بویژه پایان ایدئولوژی، پایان تاریخ، پایان فرمانروایی و پایان دولت تک ملیتی را اعلام کرده است. با این همه، سیاست نه تنها جریان دارد، بلکه پیکاری واقعی برای تحقق یک دموکراسی جهانی فراگیر نیز در جریان است.

End of History

پایان تاریخ؛ فرجام تاریخ

این واژه پس از چاپ مقاله "پایان تاریخ" نوشته فرانسیس فوکویاما معاون بخش برنامه‌ریزی سیاسی در وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، در شماره تابستان سال ۱۹۸۹ نشریه "منافع ملی" وارد فرهنگ سیاسی شد. خلاصه نظریه بورژوازی فوکویاما به‌قرار زیر است: دموکراسی لیبرال، به‌عنوان نظریه نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک انسان و آخرین شکل حکومت بشری امکان دارد فرجام تاریخ را تشکیل دهد. یعنی، در تحول اصول و نهادهای بنیادی هیچ پیشرفت دیگری صورت نخواهد گرفت، زیرا تمام مسائل بزرگ و اساسی حل شده است. هگل و مارکس نیز قائل به‌پایان تاریخ بودند. این پایان برای هگل، دولت لیبرال و برای مارکس، جامعه کمونیستی بود. با بالا رفتن سطح زندگی مردم، افراد به تدریج نه تنها خواهان ثروت بیشتر، بلکه خواستار شناسایی شأن خویش می‌شوند. کمونیسم به‌این دلیل جای خود را به دموکراسی لیبرال می‌دهد که افراد متوجه شده‌اند شکل بسیار ناقص و معیوبی از شناسایی شأن انسان را تأمین می‌کند. در نتیجه انقلابهای دموکراتیک فرانسه و آمریکا، اصول حاکمیت مردم، حکومت قانون و شناسایی شأن انسان برقرار شده و تمایز بین اربابان و بردگان رفع شده است. میل یا آرزوی شناخته شدن شأن انسان می‌تواند حلقه گمشده میان اقتصاد لیبرال و سیاست لیبرال را که در تفسیر اقتصادی تاریخ جایش خالی بود فراهم سازد. دموکراسیهای لیبرال معاصر با مسائل مهمی مثل مواد مخدر، بیخانمانها، محیط زیست و لذت‌گرایی و مصرف‌گرایی کور مواجهند ولی این مشکلات نه غیر قابل حلند و نه آنچنان جدی که مانند فروپاشی کمونیسم در دهه ۱۹۸۰ به‌اضمحلال کل جامعه منجر گردند. دموکراسی لیبرال، همچنان آرزوی سیاسی منسجمی است که الهامبخش مناطق و فرهنگهای مختلف پیرامون جهان

Emirate

امیرنشین

کشور یا قلمر یک حاکم یا امیر عرب.

Empathy

همدلی

توانایی درک افکار و احساسات دیگران یا حالتی در شخص که به موجب آن خود را با دیگران یکی می‌انگارد و همفکر و هم‌حس می‌داند.

Emperor

امپراتور؛ شاهنشاه

عنوان فرمانروای یک امپراتوری.

Empire

امپراتوری

دسته‌ای از ملل یا ممالک که تحت لوای یک فرمانروا به نام امپراتور وحدت یافته‌اند. عنوان امپراتوری به دولت یا حکومت تحت فرمان یک امپراتور که دارای قلمرویی وسیع و مردمانی گوناگون است نیز اطلاق می‌شود.

Empiricism

تجربه‌گرایی

اتکاء به تجارب ویژه و نفی نقش تئوری برای شناخت تعقلی اشیاء و پدیده‌ها، عدم درک روند علمی شناخت و باقی ماندن در مرحله شناخت حسی و تجربه‌ساده و اکتفا به شناخت چند تجربه‌شخصی.

Empowerment

قدرت‌گیری؛ تواناسازی؛ توانمندسازی

قدرتمندکردن، قدرتمندشدن و هموارساختن راه خود یا دیگران به منظور کوشش در جهت نیل به هدف.

Emulation

چشم و همچسمی

شخص معمولاً بالاتر از خود را سرمشق قرار دادن و تلاش به منظور رسیدن به مقام و موقعیت وی و یا پیشی گرفتن از وی.

Enclave

سرزمین محاط؛ برونوم

سرزمینی که محاط و محدود به سرزمین دولت دیگر است، مثل سان‌مارینو در ایتالیا. ۲- سرزمین جزء یک کشور که تماماً در داخل اراضی کشور دیگر قرار دارد.

Enclosed or Semi-Enclosed Sea

دریای بسته یا نیمه بسته

خلیج، حوضه رودخانه ویا دریائی که به وسیله دو یا چند کشور احاطه شده (مثل خلیج فارس) و توسط معبر باریکی به دریای آزاد یا اقیانوس مرتبط شده ویا به‌طور کامل یا عمدتاً شامل آبهای سرزمینی و مناطق انحصاری اقتصادی دو یا چند دولت ساحلی است. عده‌ای اعتقاد دارند که آزادی کشتیرانی در این گونه دریاها باید به دولتهای ساحلی اختصاص داشته باشد وکشورهای دیگر باید تابع رژیم حقوقی متفاوتی باشند.

Embargo **تدغن تجاری؛ تحریم اقتصادی؛ توقیف کشتی در بندر**

۱- هرگونه ممانعتی که از طرف یک دولت نسبت به تجارت یا حمل و نقل وضع شود. ۲- دستوری است که برای جلوگیری از حرکت و خروج یک کشتی متعلق به یک دولت خارجی در بندر متعلق به کشور دیگر داده می‌شود. این دستور، در مواقعی که ناگهان اعلان جنگ داده می‌شود، به کشتیها صادر می‌گردد.

Embassy **سفارت؛ سفارتخانه**

محل استقرار تشکیلات اداری سفیر و نیز محل اقامت او.

Embezzlement **اختلاس؛ حیف و میل**

مصرف نادرست، نابجا و خارج از برنامه اموال و دارائیهها توسط مقامات دولتی و یا کسانی که در مقام امین فعالیت می‌کنند.

Embourgeoisement **بورژواشدن**

۱- کنایه از اختیار کردن عادتها و پیشداوریهای بورژوازی و به معنی وسیعتر، از دست دادن رسالت و بزرگی است. ۲- گرایش به ارزشها و اخلاق و شیوه زندگی طبقه بورژوا، بویژه در میان کارگران جوامع صنعتی.

Emerging Countries **کشورهای سربرآورنده؛ کشورهای روبه‌نمو**

این واژه در مورد کشورهایی مثل سنگاپور، مالزی، تایوان و کره جنوبی به کاررفته که مراحل بدوی و عقب‌افتادگی را به سرعت پشت سر نهاده‌اند و به سوی سطح زندگی پیشرفته‌تر گسترش می‌یابند، ولی هنوز نمی‌توان آنها را واقعاً توسعه یافته قلمداد کرد.

Emigration **مهاجرت (به خارج)؛ بوم‌گذار؛ جلائی وطن؛ هجرت**

۱- ترک وطن برای اقامت در کشور دیگر. واژه متضاد آن، بوم‌گزینی است. به شخصی که مهاجرت می‌کند، بوم‌گذار یا مهاجر (Emigrant (Emigre گفته می‌شود. یکی از پژوهشگران به نام کاشی، وضعیت انسان مهاجر را از جنبه جامعه‌شناختی چنین بیان کرده است: مهاجر، موجودی دو رگه (حاصل برخورد یا پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و شاید متخاصم)، غیر مشارکت‌کننده (در ساختار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه) و دارای شخصیتی آنومیک یا نابسامان است. این وضعیت سردرگم در نهایت از او موجودی می‌سازد واقع‌گریز (زیرا قادر به پذیرفتن تحولات جامعه بومی نیست)، منفعل (زیرا شخصیت او در مقابل نظام فرهنگی جامعه مهاجرپذیر رنگ می‌بازد) و غیر عصیانگر (زیرا به علت ضعف و انفعال شخصیتی هیچگاه به مرحله عصیان نمی‌رسد). ۲- ترک وطنی که بین کفار باشد و وارد شدن به محیط اسلامی.

Eminent Domain **حق تسلط دولت به اموال اتباع؛ حق تملک دولت**

حق یا قدرت یک دولت در تصاحب و به کارگرفتن دارایی خصوصی برای استفاده عمومی با جبران عوض مناسب آن، که غیر از تصرف یا سلب مالکیت است.

خدمات به شهروندان و دادوستد تجاری بپردازند، بدون اینکه نیازی به حضور شهروندان داشته باشند.

جنگ الکترونیک

Electronic Warfare

آن بخش از کاربرد نظامی صنعت الکترونیک که متضمن انجام عملیاتی است برای جلوگیری یا کم کردن از توانایی دشمن در استفاده مؤثر از انرژی الکترومغناطیسی تشعشی، و انجام عملیاتی برای تأمین امکان استفاده مؤثر از انرژی الکترومغناطیسی تشعشی خودی. جنگ الکترونیک به سه شاخه اصلی: پشتیبانی عمل الکترونیک، ضد ضد عمل الکترونیک و ضد عمل الکترونیک تقسیم می‌شود.

آخرین لحظه

Eleventh Hour

برای اشاره به دم واپسین در مورد رویدادی به کار می‌رود.

نخبگان؛ برگزیدگان؛ سرآمدان

Elite

این واژه در معنی وسیع، شامل گروهی از افراد است که در هر جامعه دارای مقامهای برجسته‌ای هستند و در معنی خاص عبارت است از هر گروهی از افراد که در یک زمینه مشخص برجسته باشند، بویژه اقلیت حاکم و محافظی که اقلیت حاکم از آن برمی‌خیزند. نظریه گروه برگزیده، نقطه مقابل نظریه تقسیم جوامع به طبقات متضاد است. براساس نظریه گروه برگزیده، اختلاف و تضاد اصلی در جامعه ناشی از تضاد بین توده مردم و برگزیدگان است. این نظریه، اختلاف بین افراد را معلول روابط و شرایط اجتماعی نمی‌داند، بلکه معتقد به قهرمان و ابرمرد است. عقاید مربوط به اهمیت افراد نخبه و ابرمرد در واقع، احیای سنتها و روابط اجتماعی جوامع فنودالی و مبتنی بر سلسله مراتب شدید اجتماعی است.

حکومت نخبگان؛ نخبه‌گرایی؛ نخبه‌سالاری؛ نخبه‌پروری

Elitism

۱- حکومت نخبگان به حکمرانی اقلیت اطلاق می‌شود. مثلاً موسولینی و دارو دسته‌اش، خود را گروه نخبه‌ای می‌دانستند که انحصاراً توانایی و استعداد حکومت بر ایتالیای جوان را دارا بوده و می‌توانستند آن را به سوی کمال سوق دهند. هیتلر و دارو دسته‌اش نیز خود را به خاطر داشتن شخصیت، انضباط، فرمانبرداری و هواخواهی بیشتر از اصول و رهبری حزب نازی و آریایی خالص بودن، نخبه می‌پنداشتند. نخبگان حکومت‌های فاشیستی را معمولاً عوامل نظامی و دینی، کارخانه‌دار، زمیندار و آریستوکرات تشکیل می‌دهند. ۲- در آموزش و پرورش، اصطلاح نخبه‌پروری برای تبحیح نظامی به کار می‌رود که در انگلستان، فرانسه و آلمان مرسوم است و براساس آن، دانش‌آموزان دارای استعداد بالاتر از متوسط را انتخاب می‌کنند و در سطوح بالاتر از متوسط آموزش می‌دهند.

آزادسازی؛ اعتاق؛ رهایی؛ وارستگی

Emancipation

آزادشدن یا آزاد کردن انسان یا طبقه‌ای از انسانها از کنترل انسان یا طبقات دیگر انسانی. این واژه، بویژه در مورد آزادی بردگان سیاه در آمریکا و سرفها در روسیه به کار رفته است.

نظام انتخاباتی**Electoral System**

نظامی که شرایط و حقوق و وظایف انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و چگونگی اخذ آراء و تشکیل سازمانهای رأی گیری هر کشور را مشخص می کند. در انتخابات مستقیم، رأی دهندگان مستقیماً در انتخاب ارگان مربوطه شرکت می کنند ولی در انتخابات غیر مستقیم یا چند درجه ای، ابتدا رأی دهندگان عادی گروههای معینی را انتخاب می کنند و این گروهها به انتخاب نهایی ارگان مربوطه مبادرت می نمایند. در نظام مبتنی بر تناسب آراء، کرسیهای پارلمان به نسبت آرای که احزاب شرکت کننده در انتخابات به دست آورده اند، میان احزاب تقسیم می شود. در نظام مبتنی بر اکثریت آراء، فقط کاندیداهای حزبی انتخاب می شوند که در حوزه انتخاباتی مربوطه، آرای بیشتری به دست آورده است. این نظام می تواند به اکثریت نسبی و یا اکثریت مطلق متکی باشد. در اکثریت نسبی کافی است که یک حزب و یا کاندیدا، بیش از احزاب و کاندیداهای دیگر رأی بیاورد. ولی در اکثریت مطلق، حزب و یا کاندیدا حداقل باید یک رأی بیش از پنجاه درصد مجموع آرای انتخاب کنندگان را به دست بیاورد. اگر در دور اول انتخابات، چنین اکثریتی به دست نیاید، انتخابات تجدید می شود.

دمدمی مزاجی انتخاباتی**Electoral Volatility**

تمایل به تغییر وفاداری رأی دهی شخص به طور مکرر.

نافرمانی مدنی الکترونیک**Electronic Civil Disobedience**

این واژه در سال ۱۹۹۶ به کار رفت و بیانگر استفاده از ظرفیتهای کامپیوتر در تأثیرگذاری بر فعالیتهای سیاسی است. همان طور که روشهای مسالمت آمیز نافرمانی مدنی در گذشته، فعالیت نهادهای دولتی و شرکتهای بزرگ را تعطیل یا مختل می کرد، در آینده با هجوم نامه های الکترونیکی به سایتها و شبکه های کامپیوتری دولتها، می توان فعالیت آنها را مختل نمود. در آینده با به کارگیری روشها و تاکتیکهای پیوندی که آمیزه ای از روشهای سنتی و الکترونیکی است، مردم عادی از پشت کامپیوترهای خود در اتاق نشیمن یا کار، در نافرمانی مدنی الکترونیکی مشارکت می کنند و همزمان و پیوسته با آن به صحنه آمده و در اقدامات عملی و مستقیم نیز شرکت می کنند.

تجارت الکترونیکی**Electronic Commerce**

تبادل اطلاعات تجاری بدون استفاده از کاغذ که در آن از جمله از مبادله الکترونیکی داده ها، پست الکترونیکی، تابلو اعلانات الکترونیکی، انتقال الکترونیکی پول استفاده می شود. در تجارت الکترونیکی، اطلاعات و محصولات و خدمات از طریق شبکه های ارتباطی کامپیوتری مورد خرید و فروش قرار می گیرند. «وب» و «اینترنت» در توسعه تجارت الکترونیکی نقش اساسی دارند.

دولت الکترونیکی**Electronic Government**

ترکیب فناوریهای اطلاعاتی و شبکه های کامپیوتری (مثل اینترنت) با کارها و فعالیتهای دولتی به منظور ارائه هر چه بهتر خدمات شبانه روزی به شهروندان، دادوستد و دستیابی به اطلاعات، کاستن از هزینه ها، افزایش بهره وری، انجام امور اداری و برقراری ارتباطات داخلی و خارجی. سازمانهای دولتی با کاربرد فناوریهای اطلاعاتی می توانند با اعمال مدیریت کارا به ارائه مؤثر

مبارزه انتخاباتی

Electioneering

فعالیت‌های پیش از انتخابات کاندیداها برای جلب آراء یا حمایت سیاسی رأی دهندگان.

سلطنت انتخابی

Elective Monarchy

سلطنتی که در آن، سلطانی مادام‌العمر از طرف ملت انتخاب شود.

هیأت انتخاب‌کنندگان؛ مجمع انتخاباتی؛ مجمع برگزینندگان؛ کالج انتخاباتی

Electoral College

انتخاب رئیس جمهوری در آمریکا از حدود مداخله و نفوذ مستقیم مردم برکنار داشته شده است و در صلاحیت گروهی محدود از برگزیدگان آنان به نام هیأت انتخاب‌کنندگان قرار گرفته است. این هیأت در هر یک از ایالات، مستقلاً و جداگانه تشکیل می‌شود و تعداد آنها در هر هیأت برابر با مجموع نمایندگان آن ایالت در مجلس سنا و مجلس نمایندگان است. منتخبین هر ایالت در زمان و مکان معین در ایالت خود گرد می‌آیند و هر یک از آنها به یک نفر جهت احراز مقام ریاست جمهوری و به شخص دیگر برای معاونت وی رأی می‌دهد. سپس در خصوص انتخاب معاون رئیس جمهوری، مجلس سنا از بین دو تن حائزین اکثریت نسبی، یک نفر را انتخاب می‌کند. فهرستی از آراء تهیه می‌شود و به ضمیمه اصل آراء برای رئیس مجلس سنا ارسال می‌گردد. آراء و اصل آراء در حضور اعضای مجلس نمایندگان و سنا شمرده می‌شود، هر کس که آرای بیشتر اعضای کلیه هیأت‌های انتخاب‌کنندگان نصیبش گردد به ریاست جمهوری انتخاب می‌شود، مشروط بر این که حداقل آرایی که به دست آورده از نصف بیشتر باشد. هرگاه دارنده حداکثر آراء به نصاب مزبور نرسد، مجلس نمایندگان از بین سه تن دارندگان حداکثر آراء، یک نفر را به ریاست جمهوری انتخاب می‌کند. هیأت انتخاب‌کنندگان شامل ۱۰۰ سناتور، ۴۳۵ نماینده مجلس، ۳ نماینده واشنگتن دی سی (جمعاً ۵۳۸ نفر) است. در مرحله اول، مردم آمریکا هر چهار سال یک بار در ماه نوامبر به پای صندوق‌های رأی می‌روند و ۵۳۸ انتخاب‌کننده رئیس جمهوری را بر می‌گزینند.

جغرافیای انتخاباتی

Electoral Geography

یک رشته فرعی علوم سیاسی که توسط آندره زیگفريد در دوره جمهوری سوم فرانسه تحول یافت و در مورد جغرافیای انتخابات، نظام‌های انتخاباتی و تقسیم کرسیها به کار می‌رود.

قانون انتخابات

Electoral Law

قواعد و مقررات مربوط به انتخاب نمایندگان مجلس قانونگذاری.

لیست انتخاباتی؛ فهرست کاندیداها

Electoral List

فهرستی که در آن، اسامی و شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و محرومین از حق انتخاب ذکر شده است.

مانورهای انتخاباتی؛ شگردهای انتخاباتی

Electoral Manoeuvres

اقدامات دسیسه‌آمیز انتخاباتی برای پیروزی بر رقیب و احراز نمایندگی.

را نادیده می‌گیرد. خودخواهی از مظاهر فردگرایی است. اگرچه از خودخواهی معمولاً به‌عنوان خصوصیتی منفی یاد شده ولی گاهی نسبت حس باطنی مثبت نیز به آن داده شده است. با فروپاشی روابط اشتراکی اولیه و ظهور مالکیت خصوصی، خودخواهی به‌صورت یک پدیده اجتماعی رایج درآمده و با رشد روابط ناشی از مالکیت خصوصی در جامعه بورژوازی، از اهمیت خاصی برخوردار شد. کسب و کار خصوصی که در خدمت مقاصد خودخواهانه قرار داشت، تنها نوع فعالیت اجتماعی سودمند برای یک سرمایه‌دار شمرده می‌شد. به‌همین علت، فرد بورژوا از طرفی حس خودخواهی خود را پرورش می‌داد و از طرف دیگر، انباشت سرمایه را به‌عنوان نوعی نیکوکاری در حق جامعه تلقی می‌کرد. بدین ترتیب، روابط سرمایه‌داری نه تنها روانشناسی خودخواهی را در بین طبقه حاکم، بلکه تا حد زیادی در میان خرده بورژوازی و حتی در میان کارگران و زحمتکشان شکل داد. باید به این نکته نیز اشاره کرد که اصل خودخواهی در دوره‌های معین تکامل تاریخی، نقش نسبتاً پیشرونده‌ای ایفا نموده است. به‌عنوان مثال، از شروع رنسانس در قرن چهاردهم میلادی تا استقرار روابط سرمایه‌داری، فلسفه و هنر و ادبیات، میل و علاقه شدید به خودخواهی را به‌نمایش گذاشتند و آن را حق هر فرد برای سعادت و خوشبختی و خوشباشی دانستند که نقش خاصی در آزاد شدن ضمیر مردم از عقاید قرون وسطایی، هشیاری و شناسائی شأن و مقام افراد داشت. مع‌هذا، همچنانکه روابط سرمایه‌داری ریشه می‌گرفت، ماهیت کسب و کار خصوصی نیز از جهت قلب، تحریف، غیرعادی کردن و در هم ریختن روابط بین مردم آشکارتر می‌شد.

Egotism

خودبینی؛ من‌گویی

خودخواهی، خودپسندی، مثبت و من‌منم کردن یا حالت روانی ویژه‌ای که به‌موجب آن، شخص همواره کلمه من را بر زبان می‌راند.

Eisenhower Doctrine

دکترین آیزنهاور

پیشنهاد‌های پرزیدنت آیزنهاور درباره اتخاذ سیاست جدید در خاورمیانه که در پنجم ژانویه ۱۹۵۷ در جلسه مشترک مجلسین آمریکا به شرح زیر تشریح گردید: ۱- نیروهای مسلح آمریکا در آینده باید مجاز باشند که برای حفظ دولتهایی که در معرض نفوذ مستقیم یا غیر مستقیم کمونیسم بین‌المللی قرار گرفته‌اند، مداخله کنند. ۲- کشورهای متحد آمریکا باید به دولتهای در معرض نفوذ کمونیسم، کمکهای اقتصادی برسانند. ۳- کشورهای متحد آمریکا باید کمکهای نظامی در اختیار دولتهای در معرض نفوذ کمونیسم قرار دهند. منطقه تحت پوشش دکترین آیزنهاور از غرب به لیبی، از شرق به پاکستان، از شمال به ترکیه و از جنوب به عربستان محدود می‌شد. تمام کشورهای داخل این منطقه، به‌انضمام اتیوپی و سودان، مشمول کمکهای نظامی و اقتصادی آمریکا و متحدانش می‌شدند. حکومت‌های ملی در سه قاره در دوره آیزنهاور برانداخته شدند: حکومت آریز در گواتمالا، حکومت مصدق در ایران و حکومت لوموبا در کنگو (زئیر).

Election

انتخابات

جریان رسمی انتخاب اشخاص برای احراز مقام یا منصب و مسئولیتی در جامعه، از طریق آرای عمومی.

برای پیروزی در این میدان، نیرومند و مجهز نگاه دارند.

Economism

اکنونیسم؛ اقتصادگرایی؛ اقتصادزدگی

۱- این اصطلاح مباحثه‌ای را نخستین بار لنین و پس از او سایر انقلابیون روسی به کار بردند. هدف آنها انتقاد از سوسیال دموکراتهایی بود که بجای پیشبرد آرمان انقلاب و سوسیالیسم، کوشش خود را صرف جنبشهای خودبه‌خودی کارگران برای انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی ناچیز و فوری می‌کردند. اکنونیسم، مبارزه اقتصادی پرولتاریا را مقدم بر مبارزه سیاسی و هدفهای سوسیالیستی وی قرار می‌دهد، در حالی که کمونیستها، مبارزه اقتصادی را به‌عنوان زمینه‌ای جهت متشکل ساختن پرولتاریا در یک حزب انقلابی و به‌منظور تقویت و تکامل مبارزه طبقاتی آنها علیه نظام سرمایه‌داری به‌خدمت می‌گیرند. اکنونیسم، علاوه بر نفی کار تبلیغ و ترویج مستقل سیاسی، ضرورت ایجاد حزب پرولتاریا را نیز رد می‌کند و اصولاً به‌خرده‌کاری در بین کارگران علاقه دارد. ۲- عوامل اقتصادی را محور و علت پدیده‌های دیگر دانستن و سایر عوامل و علل را فرعی دانستن. ۳- اعتقاد به اینکه تمام پدیده‌های زندگی بشر از اقتصاد سرچشمه می‌گیرند و از این رو، تابع نظام اقتصادی یا زیربنای جامعه‌اند. معتقدان به این مکتب، برای روبنا‌اهمیتی قائل نیستند.

Ecumenism

نهضت تقریب ادیان

جنبش نزدیکی ادیان در کلیساهای مسیحی و نیز ایجاد تفاهم بیشتر و مدارا بین ادیان مختلف.

Effective Nationality

تابعیت واقعی

وابستگی حقیقی یا علقه واقعی تبعه به یک کشور. قاضی و داور بین‌المللی هر بار که خواسته‌اند بین دو تابعیت راکه هر دو از لحاظ حقوق داخلی، متساویاً و منظمأ کسب شده است، فرق بگذارند و یکی را انتخاب کنند، تابعیتی را برگزیده‌اند که حد اعلای واقعیت را حائز بوده است. در این مورد، عناصری در نظر گرفته می‌شوند که هم از لحاظ عینی (تولد و اقامتگاه رسمی و استفاده از حقوق سیاسی) و هم از لحاظ ذهنی (روحیه و رفتار در خانواده و اجتماع و مدنیت و اقتصاد و انجام دادن امور مربوط به شغل و حرفه) کاملاً مبین حد اعلای واقعیت حقوقی باشد.

Egalitarianism

مساوات طلبی

اعتقاد به تساوی اقتصادی یا مساوات اجتماعی و سیاسی در میان انسانها و این طرز فکر که نابرابری درآمدها هر قدر امکان دارد کمتر و موافق با ترقی و بهزیستی اقتصادی باشد. اندیشه مساوات طلبی بخش مهم خیلی از نهضت‌های دینی و اجتماعی و سیاسی است.

Egghead

روشنفکر؛ آدم کله‌دار؛ مغز متفکر

این واژه برای اشاره به افراد روشنفکر و کسانی که مغز خود را به کار می‌گیرند و همچنین افراد باهوش و متفکر (حزب) به کار می‌رود.

Egoism

خودخواهی

خصوصیتی اخلاقی یا رفتاری که صاحبش، منافع خود را در نظر دارد، در حالی که منافع دیگران

انقلاب اقتصادی**Economic Revolution**

دگرگونی در ساخت اقتصادی جامعه که عمدتاً شامل تغییر در مالکیت بر وسایل تولید است.

مجازات اقتصادی؛ تحریم اقتصادی**Economic Sanction**

تدابیری نظیر محاصره محدود یا کامل اقتصادی به منظور وارد آوردن فشار اقتصادی بر یک دولت برای وادار کردنش به پذیرفتن شرایط مورد نظر.

ثبات اقتصادی**Economic Stability**

سطح عالی فعالیت اقتصادی و عادی بودن هر یک از جنبه‌های اقتصادی و ثبات قیمت‌ها، با نبودن نوسانات جدی دوره‌ای و نیز فقدان تورم آشکار.

وضع اقتصادی**Economic Status**

وضع شخص در بخش تولید جامعه و یا پایگاهی که شخص در نظام اقتصادی دارد.

ساخت اقتصادی؛ ساختار اقتصادی**Economic Structure**

سیستم تولید، مناسبات و روابط درونی که بین اجزای یک مجموعه اقتصادی مثل خانوار، بخش اقتصادی، ملت و مجموعه‌های فوق ملی یا بین‌المللی برقرار است.

نظام اقتصادی**Economic System**

ساخت سازمانی و نهادی اقتصاد، شامل ماهیت مالکیت و کنترل منابع، یا نهاد اجتماعی که از طریق آن، خدمات و کالاها تولید، توزیع و مصرف می‌شوند. نظامهای اقتصادی معیشتی، سرمایه‌داری، سوسیالیستی و مختلط از جمله نظامهای عمده اقتصادی شمرده می‌شوند. نظامهای اقتصادی از تناقضات و نارسائیه‌ها بر کنار نیستند. اکنون به نظر گروهی از متفکران، سوسیالیسم و سرمایه‌داری مطلق مفاهیم پیشین خود را از دست داده‌اند و هر یک براساس نیازهای جهانی، منطقی‌های ملی به نحوی در یکدیگر اثر گذاشته‌اند و هیچ نظام اقتصادی مطلق نمی‌تواند راهنمای مطمئنی برای دنیای پویای بشری قرار گیرد.

جنگ اقتصادی**Economic Warfare**

۱- اقدامات اقتصادی که برای پریشان کردن دشمن به هنگام جنگ صورت می‌گیرد، مثل در دست گرفتن کنترل عرضه مواد خام در کشورهای بیطرف و وارد نمودن فشار بر این کشورها به منظور انقیاد بازرگانی آنها یا دشمن و یا محاصره قلمروی دشمن و ممانعت از ورود کالاهای ضروری به آنجا. ۲- کشمکش بین ملل در زمینه مسائل اقتصادی یا فعالیت‌هایی برای تسلط اقتصادی یک ملت بر اقتصاد ملت یا ملتهای دیگر از طریق تحریم اقتصادی، ارزان‌فروشی مصلحتی در خارج، تعرفه‌بندی و محدودیت واردات کالا. بیسمارک (۱۸۹۸-۱۸۱۵) صدراعظم آلمان در یک سخنرانی در مجلس آلمان گفت، جنگ واقعی مرگ و زندگی در دنیا فردا، جنگ اقتصادی است و تنها در این میدان است که نبرد تمام عیار بودن یا نبودن، صورت خواهد گرفت. وصیت من به همه جانشینانم این است که چنین واقعیتی را هرگز فراموش نکنند و همواره هوشیار باشند که ملت ما را

Economic Interpretation of History**تعبیر اقتصادی تاریخ**

تحلیل تاریخ بر این اساس که شرایط و حوادث اقتصادی، تأثیر قاطعی در ایجاد و تشکیل نهادهای تمدن بشری دارد.

Economic Liberalism**لیبرالیسم اقتصادی**

آیینی که در آن آزادی کامل و رقابت توصیه می‌شود و نفع شخصی، محرک اصلی هرگونه فعالیتی است. لیبرالیسم اقتصادی با هر نوع دخالت دولت در بازار اقتصاد مخالف است و تنها نقشی که برای آن به رسمیت می‌شناسد، تضمین آزادی کامل برای بروز ابتکارات شخصی است. طرفداران این آیین اعتقاد دارند که هرکس در بازار به دنبال نفع شخصی است و نفع اشخاص در مجموع، همان نفع کشور است.

Economic Man**انسان اقتصادی**

کسی که بدون توجه به عواطف و احساسات نودوستانه، فقط به دنبال مال اندوزی و لذت‌های آن است و تنها انگیزه‌های اقتصادی می‌تواند او را تحریک کند.

Economic Nationalism**ناسیونالیسم اقتصادی**

اصالت برتری نفع اقتصادی ملی و گرایش به خودکفایی اقتصادی.

Economic Policy**سیاست اقتصادی**

روش‌های عملی که یک دولت برای نیل به هدف‌های اقتصادی معینی اتخاذ می‌کند. از هدف‌های مهم سیاست اقتصادی می‌توان از: اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها، حفظ ثبات واحد پولی برای جلوگیری از تورم، تراز پرداخت‌ها و دریافت‌های ارزی، ترقی سطح زندگی مردم و افزایش رفاه اقتصادی نام برد.

Economic Refugee**پناهنده اقتصادی**

کسی که نه به دلایل سیاسی و اجتماعی، بلکه صرفاً برای زندگی مادی بهتر، تصمیم به ترک کشورش می‌گیرد. به نظر فرانسس وبر: گرچه بهره‌مندی از سطح زندگی مناسب، یکی از اساسی‌ترین حقوق انسانی است ولی پناهندگان اغلب از طرف سیاستمداران به عنوان "مهاجران اقتصادی" سرزنش می‌شوند. سیاستمداران جا افتاده‌ای مثل جان میچر، ژاک شیراک و هلموت کهل در موارد گوناگون، پناهندگان را قلابی و سوءاستفاده‌چی خوانده و یا به شکل‌های دیگر، متقلب نامیده‌اند و یا گفته‌اند آنان مهاجران اقتصادی هستند، بی‌آنکه این واقعیت را در نظر بگیرند که انهدام وسایل معیشت (که در مقیاس وسیع در کشورهای آفریقائی و جاهای دیگر به وسیلهٔ صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی صورت گرفته) به عقیدهٔ کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان، قابل تعقیب جزائی است. آنها همچنین نقش دولتهای غربی را در تخریب بسیاری از کشورهایی که پناهجویان از آنها می‌آیند و سرکوبی که پناهجویان از آن می‌گریزند، نادیده می‌گیرند. دولتهای غربی به حکومت‌های سرکوبگر اسلحه می‌دهند، دیکتاتورها را بر سر قدرت نگاه می‌دارند و اغلب، شرایطی ایجاد می‌کنند که موجب فرار مردم می‌شود. آنگاه ضمن تروریست نامیدن پناهندگان، اقدام به اخراج آنها می‌کنند.

ورشکستگی فراوان است. نابسامانی شدید و عملکرد بد اقتصاد در یک نظام اقتصادی یا بحران اقتصادی، با پدیده کساد بستگی دارد. تمام عواملی که موجب می‌شوند که فعالیت اقتصادی در مجموع، سازمانی عام پیدا نکند و شیوه‌های عقلانی در مورد آن اعمال نشود (مثل تفاوت آهنگ فرایندهای تولید، تورم، سیاست نادرست پولی و اعتباری، بورس بازی، تأثیر سلطه بعضی از بازارها) در شمار علل بحران اقتصادی قرار دارند.

رکود اقتصادی؛ کساد اقتصادی
Economic Depression
 وضعیتی از اقتصاد که در آن فعالیتها کند، تقاضا پائین و سطح اشتغال نازل است و سرمایه گذاری به قدر کافی انجام نمی‌شود.

جبر اقتصادی
Economic Determinism
 تصور اینکه تحول اجتماعی ناشی از نیروهای اقتصادی است.

توسعه اقتصادی
Economic Development
 افزایش تولید همراه با بهبود کیفی روشها و وسایل تولید و رفع اختلاف درآمدها و مالکیت و کنترل اجتماعی کلیه داراییهای تولیدی.

تسلط اقتصادی
Economic Domination
 تأمین کنترل سیاسی یا نفوذ یک کشور بر کشور دیگر برای کسب امتیازات اقتصادی و مواد اولیه و گسترش بازار محصولات ساخت خود.

عالیجناب اقتصادی
Economic Eminence
 عالیجناب سیاسی که اموال و دارائیهای عمومی را دور از چشم افراد ملت و به طرق مختلف به یغما می‌برد.

رشد اقتصادی
Economic Growth
 توانایی استخراج مواد زیرزمینی، خلاقیت و استقلال نسبی در تولید و ایجاد رفاه کافی برای افراد کشور در زمینه انرژی، درآمد و امور ضروری زندگی یا آهنگ افزایش درآمد ملی یا میزان تولید کالاها و خدمات در یک کشور. رشد اقتصادی هر کشور بستگی به عوامل گوناگونی دارد. مثلاً رشد اقتصادی ژاپن را از جمله ناشی از عوامل زیر دانسته‌اند: ۱- تحرک وسیع اجتماعی و پایان دادن به نظام طبقاتی ارباب و رعیتی. ۲- اهمیت آموزش نزد مردم ژاپن و تأکید حکومت بر آموزش اجباری. ۳- رقابت آزاد و سازنده در زمینه اقتصادی. ۴- علاقه و توجه خاص دولت و مردم و صنایع ژاپن به افزایش صادرات. ۵- سطح فرهنگ ملت و عزم مردم به کار و کوشش.

استقلال اقتصادی
Economic Independence
 آزادی انتخاب راه خاص برای توسعه کشور، و استقرار آنچنان نظام روابط اقتصادی خارجی که در درجه اول، احتمال سلطه اقتصادی را از طرف یک یا چند کشور نفی کند و سپس خروج قسمتی از درآمد ملی کشور بدون ورود ارزشی معادل آن را به هیچ صورتی امکان ندهد.

انسانمداری، خودمحوری، برتری سفید بر سیاه، نر بر ماده، انسان بر گیاه و جانور مردود شمرده می‌شود. به نظر طرفداران این نهضت، سرکوب مردسالارانه زیر عناوین سود و پیشرفت، طبیعت را از بین می‌برد.

Ecological Politics

سیاست زیستبومی

این اصطلاح در مورد امور و مسائل مرتبط با محیط زیست و مخالفت با تسلیحات هسته‌ای و همچنین جنبش مخالفت با توسعه تکنولوژی و صنعتی کردن به دلیل آلودگی هوا، آلودگی صدا، گرم شدن کره زمین و انقراض گونه‌های حیوانی به کار رفته است.

Economic and Social Council (ECOSOC)

شورای اقتصادی و اجتماعی

یکی از ارکان ششگانه سازمان ملل متحد است که از طریق کمیسیونهای اجرایی، کمیسیونهای اقتصادی منطقه‌ای و سایر ارکان فرعی و همچنین به وسیله مؤسسات تخصصی و مشاوره با سازمانهای بین‌المللی غیردولتی در جهت بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و ترویج احترام و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه تلاش می‌کند. شورای اقتصادی و اجتماعی دارای ۵۴ عضو است که از طرف مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. تصمیمات شورا با اکثریت آراء اتخاذ می‌گردد.

Economic Cooperation Organization (ECO)

سازمان همکاری اقتصادی؛ اکو

سازمانی اقتصادی با جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ میلیون نفر و مساحتی حدود ۷ میلیون کیلومتر مربع مرکب از کشورهای ایران، پاکستان، ترکیه، افغانستان، آذربایجان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان که در سال ۱۹۸۴ تأسیس شد و در جهت همکاریهای اقتصادی و علمی و آموزشی و فنی، انتقال تکنولوژی، کشاورزی، راه و ترابری و ارتباطات فعالیت می‌کند. این سازمان در سال ۱۹۶۴ "آرسی.دی" نامیده می‌شد و به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ منحل شد. عهدنامه از میر که در سال ۱۳۵۵ بین ایران و ترکیه و پاکستان به امضا رسید، شالوده همکاری کشورهای عضو اکو را تشکیل می‌دهد. این عهدنامه در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۲ با امضای دو پروتکل اصلاحی مورد تجدیدنظر قرار گرفت. و متن جدید آن در سال ۱۳۷۵ در اجلاس فوق‌العاده شورای وزیران در ازبکستان امضا شد. ارکان اکو عبارتند از: اجلاس سران، شورای وزیران، شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شورای نمایندگان دائم، دبیرخانه، مؤسسات منطقه‌ای و سازمانهای تخصصی مثل صندوق بیمه اتکایی، اتحادیه پستی جنوب و غرب آسیا، اتاق مشترک اکو، مؤسسه عالی بیمه اکو و بانک توسعه و تجارت اکو. دبیرخانه اکو در تهران و دبیرکل آن برای یک دوره چهارساله توسط کشورهای عضو انتخاب می‌شود. هشتم آذر (۲۸ نوامبر) هر سال نیز از طرف سران کشورهای عضو اکو به عنوان روز اکو نامگذاری شده است. در این روز با پیوستن اعضای جدید (نوامبر ۱۹۹۲) اکو از یک سازمان کوچک سه جانبه به یک سازمان بزرگ منطقه‌ای تبدیل شد.

Economic Crisis

بحران اقتصادی

دوره انحطاط و رکود فعالیت‌های اقتصادی که قیمت‌ها پایین، قوه خرید اندک و بیکاری و

East India Company**کمپانی هند شرقی**

مؤسسه انگلیسی که در سال ۱۶۰۰ به منظور انحصار بازرگانی با نیمکره شرقی تشکیل شد و یکی از موارد مهم استعمار و امپریالیسم اروپایی در هند شمرده می‌شود. کمپانی هند شرقی تا پیش از اشغال بنگال در سال ۱۷۵۷، برای مدت ۱۵۰ سال تجارت گسترده‌ای در هند داشت. هند در این دوره از نظر اقتصادی تقریباً پیشرفته بود. روشهای تولیدی هند و تشکیلات بازرگانی و صنعتی آن با اروپای غربی قابل مقایسه بود. در زمانی که اغلب اروپائیان، هنوز عقب مانده بودند، هند بهترین مملکتها و پارچه‌های تجملی را می‌ساخت و صادر می‌کرد. اما بعد از اشغال بنگال، کمپانی هند شرقی، قدرت حکومتی بر اغلب نقاط هند را به چنگ آورد. تجارت ۱۵۰ ساله تبدیل به استثمار شدید شد. برآورد شده است که بین سالهای ۱۷۵۷ تا ۱۸۱۵، انگلیسی‌ها ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیون پوند از ثروت هند را با خود بردند. سیاستهای کمپانی هند شرقی در دهه‌های آخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در ارتباط با دو هدف بود: ۱- در کوتاه مدت، انبوه مأموران آزمند و غارتگر می‌خواستند یک شبه، ثروتهای زیادی برای خود به چنگ آورند. ۲- در بلندمدت، دلسرد کردن یا از میان برداشتن تولیدکنندگان صنعتی هند و وابسته کردن این کشور به صنایع انگلستان از راه وادار ساختن هندیها به تولید و صدور مواد خام برای عرضه به کارخانه‌های پارچه‌بافی و دیگر صنایع انگلستان بود.

Echelon Intelligence Network**شبکه جاسوسی اشلون**

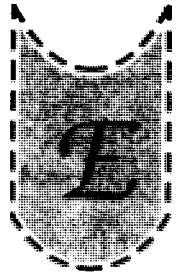
یکی از شبکه‌های بزرگ جاسوسی الکترونیکی - کامپیوتری که در دوران جنگ سرد طراحی شد. اینک این شبکه به یک رشته پایگاه‌های واری و استراق سمع در حدود ده کشور متکی است که در این پایگاه‌ها، تمام مخابرات و ارتباطات ماهواره‌ای بین‌المللی مورد استراق سمع و پردازش قرار می‌گیرد. اشلون، بخشی از یک شبکه بزرگ است که توسط آمریکا و متحدانش: انگلستان، استرالیا، کانادا و زلند جدید اداره می‌شود. اشلون قادر است روزی سه میلیارد پیام ارتباطی مثل مکالمه تلفنی، نامه الکترونیکی، دریافت فایل‌های اینترنتی، مبادلات ماهواره‌ای را واری و کنترل کند. در هر صورت، این کار، تخطی از اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر عهدنامه‌ها و کنوانسیونهای بین‌المللی حقوق بشر و مخابرات است.

Eclecticism**التقاط؛ آیین التقاطی؛ بهگزینی**

۱- دستچین کردن خودسرانه و مکانیکی عقاید و اندیشه‌های ناهمگون، بدون پایداری روی اصول معین و مشخص. دستچین کردن و پیوند مکانیکی و غیراصولی چند مجموعه ایدئولوژیکی و نظریات ناهمگون، یک تفکر التقاطی را تشکیل می‌دهد. ۲- کشف یک وجه نظر عالی متحد در آرای مختلف و ناسازگار.

Ecofeminism**اکوفمینیسم**

پیوند میان جنبش رادیکال اکولوژی (مطالعه رابطه بین موجودات زنده و محیط زیست) و فمینیسم. اکوفمینیسم در پی جایگزین ساختن وابستگی و ارتباط متقابل و متعامل در برابر سلسله مراتب تفوق و برتری به عنوان الگوی رابطه میان مرد و زن، میان گروه‌های انسانی و میان انسان و دیگر موجودات زنده است. بر مبنای این تعریف، کلیه پیش‌فرضهای جنسیت‌گرایی، نژادگرایی،



پیشنهاد اولین فرصتی

Early Day Motion

در مجلس عوام انگلستان، درخواست یا طرحی که توسط یک نماینده معمولی پارلمان ارائه می‌شود تا در اولین فرصت ممکن، مورد بحث قرار گیرد.

روز زمین

Earth Day

برای حفاظت از کره زمین و محیط زیست آن، روز ۲۲ آوریل به عنوان روز زمین و ۱۵ الی ۲۲ آوریل به عنوان هفته زمین شناخته شده است.

اجلاس زمین

Earth Summit

اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد محیط زیست، توسعه پایدار و گرم شدن زمین.

شرق و غرب

East and West

۱- آن مناطقی از جهان که اروپائیان در جغرافیای سنتی دوران ظهور سرمایه‌داری، آن را شرق یا خاور نامیده‌اند و خود به سه منطه شرق نزدیک، شرق میانه و شرق دور تقسیم می‌شد. در همین معنی، غرب یعنی اروپا و در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، آمریکای شمالی که سابق ینگدنیا نامیده می‌شد، استرالیا و زلاندنوراهم جزو غرب به‌شمار می‌آوردند. ۲- معنی دیگر واژه شرق که بیش از پنجاه سال از پیدایش آن می‌گذرد، مفهوم اجتماعی - اقتصادی و سیاسی آن است و کسانی که در این مفهوم، واژه شرق را به کار می‌برند، منظورشان کشورهای سوسیالیستی و سوسیالیسم است. در همین معنی، منظور از غرب نیز کشورهای امپریالیستی و امپریالیسم است.

بلوک شرق

East Bloc

این واژه برای اشاره به کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی و آسیای شرقی و بویژه کشورهایی که در سازمان پیمان ورشو (سابق) متحد شده بودند، به کار رفته است.

پیمان دو تکرک**Dunkirk Treaty**

پیمان امنیتی پنجاه ساله بین انگلستان و فرانسه که در سال ۱۹۴۷ برای تبادل نظر و اقدام مشترک در مورد هرگونه تجاوز و یا تهدید به تجاوز از سوی آلمان، منعقد شد. پس از ایجاد "اتحادیه اروپای غربی" در سال ۱۹۵۵ و پیوستن آلمان (غربی سابق) و ایتالیا به آن، هدف پیمان نیز از بازداری تجاوز آلمان، به اقدام مشترک در صورت حمله شوروی (سابق) تغییر یافت.

عارضه هلندی**Dutch Disease**

افزایش ناگهانی درآمد از خارج کشور به حالتی منتهی می شود که به آن عارضه هلندی می گویند. منشأ این واژه، تجربه هلند از تزریق زیاد و یکباره درآمد گاز دریای شمال در دهه ۱۹۷۰ به اقتصاد این کشور است.

گذرنامه خدمت**Duty Passport**

گذرنامه ای که مخصوص مأموران زیر دست، مانند منشیان سفارتخانه ها و کنسولگریها یا مأموران دولت برای مطالعه و تحقیق در مسائل اقتصادی، فرهنگی و جزاینها است.

قانون دوورژه**Duverger's Law**

قانون مربوط به ارتباط بین تعداد احزاب یک کشور و نظام انتخاباتی که به موجب آن، اکثریت ساده مبتنی بر نظام رأی واحد برای نظام دو حزبی مناسب است. به نظر موریس دوورژه (-۱۹۱۷) دانشمند علوم سیاسی فرانسوی، داشتن بیش از دو حزب رقیب در کشور چندان سودمند نیست.

دو حکومتی؛ دوتن سالاری؛ حکومت دونفره**Dyarchy (Diarchy)**

حکومتی که در آن، قدرت در دست دو فرمانروا یا دو مرجع قرار داشته باشد: مثل دوره ای در تاریخ امپراتوری روم که حاکمیت، مشترکاً در اختیار امپراتور و سنا بود و یا دوره حکومت مشترک اوگوستوس (اوکتاویانوس) و آنتونیوس بر امپراتوری روم و یا شکل ویژه حکومت انگلستان در سال ۱۹۱۹.

سیاست متحرک**Dynamic Policy**

واژه مقرون به ادب، برای اشاره به سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه.

کشورهای دودمانی**Dynastic States**

پادشاهان کشورهای کوچک، شاهزاده ها و طبقات بالای اجتماع به جهت اشتراک در منافع و مقاصد سیاسی و اجتماعی، از راه ازدواجهای سیاسی به خاطر حفظ پرستیژ و ابقای وضع موجود، با یکدیگر اتحاد داشتند و این گونه کشورها به دودمانی معروف بوده اند.

سلسله؛ دودمان**Dynasty**

خاندانی سلطنتی که گروهی از آن، یکی پس از دیگری پادشاهی کنند.

ممارست و دقت لازم؛ دقت کافی**Due Diligence**

حقوق بین‌الملل در تحول تدریجی خود، اصل و ضابطه‌ای را به‌عنوان گمانه مورد قبول قرار داده که به آن ممارست و دقت لازم گفته می‌شود، به این معنی که دولت وظیفه دارد اقدامات احتیاطی لازم و ضروری را در حد عرف و عادت برای حفظ و حمایت خارجیان و یا منافع مشروع یک دولت خارجی را در کشور خود تا حد امکان پیش‌بینی نموده و انجام داده باشد. عامل مؤثر برای احراز مسئولیت یک دولت در زمینه بین‌المللی، این است که ثابت شود دولت مزبور در قلمرو صلاحیت خود در انجام حداقل وظایفی که به‌عهده داشته، در حد و مقیاس ممارست و دقت لازم مرتکب سهل‌انگاری شده است.

رعایت تشریفات قانونی**Due Process of Law**

عبارتی است از اصلاحیه پنجم قانون اساسی آمریکا (۱۷۹۱) بخش لایحه حقوق مدنی که تضمین کرده است: حکومت فدرال، شهروندان را از زندگی، آزادی یا اموالشان بدون رعایت تشریفات قانونی محروم نکند.

دوما**Duma**

واژه روسی به معنی مجلس یا انجمن قانونگذار و شورای اداری. دوما، به‌عنوان مجلس یا پارلمان روسیه تزاری است که تحت فشار انقلاب سال ۱۹۰۵ در روسیه تأسیس شد و تا وقوع انقلاب بلشویکی غیر از بعضی دوره‌ها برقرار بود. به‌موجب قانون ۱۱ دسامبر ۱۹۰۵، هر رأی نمایندگان ملاکان بزرگ برابر ۳ رأی نمایندگان بورژوازی شهری و ۱۵ رأی دهقانان و ۴۵ رأی کارگران بود. حزب بلشویکها در مورد این مجلس دارای دو روش بود. یکی روش آنزویسم یا فراخواندن نمایندگان بلشویک از دوما به این دلیل که شرکت علنی بلشویکها در مجلس باعث لورفتن فعالیتها و فعالان می‌شود و دیگر، روش انحلال‌طلبان یا تصفیه‌طلبان که اعتقاد داشتند فعالیت علنی بلشویکها در دوما مهم‌تر است و از این رو باید فعالیتهای مخفی، منحل یا تصفیه (متوقف) شود. لنین رهبر انقلاب سال ۱۹۱۷ روسیه در مقابل دو روش تعطیل کار مخفی یا علنی اعتقاد داشت که حفظ و ادامه هر دو روش در عین حال و همزمان لازم و ضروری است. وی آنزویستها را به‌چپ روی و انحلال‌طلبان را به‌راست روی و سازشکاری متهم می‌کرد. مجلس کنونی روسیه نیز دوما نامیده می‌شود.

ارزان فروشی مصلحتی در خارج؛ دامپینگ؛ تخلیه پسماند سمی و پر توزا**Dumping**

۱- فروش محصولات داخلی در بازار خارجی به قیمتی ارزانتر از قیمت در بازار داخل. وقتی حجم زیاد تولید از قیمت تمام شده هر واحد کالا بکاهد و یا هنگام تولید انبوه اگر تمام کالاها در بازار داخلی به‌معرض فروش گذاشته شوند، قیمت در بازار داخل به‌شدت تنزل یابد، تولیدکنندگان با محدود کردن عرضه در داخل می‌توانند قیمت را بالا نگاهدارند و بقیه تولیدات خویش را در خارج به قیمت کمتر به‌فروش رسانند و سود هنگفتی از فروش زیاد کسب کنند ۲- دفن و تخلیه زباله‌پر توزا یا سمی در زمین یا از طریق لوله در اقیانوسها و یا در یک کشور دیگر.

شکل گرفته و از طرف دیگر، اعتقاداتی که در جریان کار و زندگی کارگری در آنها به وجود آمده است. مثلاً در سالهای اخیر بسیاری از افراد در پاسخ نظر سنجیهای اجتماعی گفته‌اند با اعتصابات غیر مجاز موافق نیستند ولی خودشان در این گونه اعتصابات شرکت می‌کنند.

Dual Containment

مهار دو جانبه؛ تحدید نفوذ دو جانبه

عنوان سیاست کنترل و سد نفوذ ایران و عراق که نخستین بار در سال ۱۹۹۳ توسط مارتین ایندیک (طرفدار اسرائیل) مسئول امور خارجی در شورای امنیت ملی حکومت بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا مطرح شد و بر پنج پایه قرار دارد: ۱- آرایش قوا در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به نفع آمریکا است. ۲- پیروی از سیاست مهار ایران و عراق به جای ایجاد تعادل بین این دو کشور. ۳- عدم اعتقاد به اینکه می‌توان در ایران از میانه‌روها علیه تندروها استفاده کرد. ۴- جلوگیری از برقراری مناسبات عادی تجاری و سیاسی ایران با کشورهای دیگر تا ایران رفتار خود را تغییر دهد. یعنی (از نظر حکومت آمریکا) ایران از توسعه سلاحهای امحای جمعی و شیمیائی و میکروبی و دستیابی به سلاح هسته‌ای، از بین بردن مخالفان سیاسی در خارج از کشور و سرنگونی حکومتهای طرفدار آمریکا دست بردارد. ۵- الهام از سیاست تحدید نفوذ یا محاصره کمونیسم که پس از جنگ جهانی دوم علیه شوروی سابق اعمال شد.

Dualistic Monarchy

سلطنت مشروطه دوگانه

سلطنتی که شاه در مقابل پارلمان نسبت به انتخاب وزراء استقلال دارد و پارلمان نمی‌تواند با رأی عدم اعتماد، آنها را وادار به استعفاء کند.

Dual Nationality

تابعیت مضاعف؛ تابعیت دوگانه

دارا بودن تابعیت دو کشور به وسیله یک فرد، یعنی دو کشور یک فرد را تبعه خود بدانند. به طور کلی، تابعیت مضاعف و متعدد، یک وضع غیر عادی و استثنایی است. زیرا یک فرد نمی‌تواند مدعی شود که در آن واحد با دو یا چند کشور گوناگون علقه و همبستگی دائمی و انحصاری و عملی دارد. مشکلات ناشی از تابعیت مضاعف یا متعدد، هنگامی پدید می‌آید که موضوع در یک دعوی بین‌المللی مطرح شود. قاضی بین‌المللی وظیفه دارد جریان دعوا را بر اساس یک تابعیت هدایت کند و آن تابعیتی است که بین تابع و متبوع یک رابطه حقیقی و عملی وجود داشته باشد. اسناد تابعیت مصلحتی یا تقلبی و خلاف قانون در روابط بین‌المللی معتبر نیست. ایجاد تابعیت مضاعف یا انگیزه سیاسی دارد و یا ناشی از اصطکاک بین قوانین مختلف دو کشور است. برای مبارزه با تابعیت مضاعف اولاً هیچ دولتی نباید تا زمانی که از ترک تابعیت قبلی فردی مطمئن نشده است، تابعیت خود را به عنوان تابعیت جدید به او اعطا نماید. ثانیاً باید از طریقه ترجیح استفاده به عمل آید. یعنی، یکی از دو تابعیت برد دیگری ترجیح داده شود. به این منظور، باید در نسل اول، سیستم خون یا اصل حقوق خون و از نسل دوم به بعد که رابطه معنوی بیشتری با محل تولد ایجاد می‌گردد، سیستم خاک یا اصل حقوق خاک ترجیح داده شود.

Duchy (Dukedom)

دوک نشین

سرزمینی که در آن اشرافزاده‌ای به نام دوک Duke فرمانروا است. همسر وی، دوکش Duchess نامیده می‌شود.

Dove

کبوتر؛ آدم صلح طلب

کبوتر در مورد کسی به کار می‌رود که طرفدار دیپلماسی و مذاکره و صلح است.

Downing Street

داویننگ استریت

خیابانی در لندن که مقر نخست‌وزیر در خانه شماره ده آن قرار دارد و گاهی برای اشاره به حکومت انگلستان به کار می‌رود.

Downsizing of Government

کوچک کردن حکومت؛ کوچک سازی دولت

کاستن از اندازه و دامنه حکومت.

Draconian Laws

قوانین شدید؛ قوانین سخت

این اصطلاح از نام دراگو فرمانروای یونان باستان در قرن هفتم پیش از میلاد مسیح گرفته شده که قوانین و مقررات سختی در آتن برقرار کرده بود.

Drago Doctrine

دکترین دراگو

شدیدترین طرز مداخله کشورهای مقتدر بیگانه از جهت مالی، عملیاتی است که در بیستم دسامبر ۱۹۰۲ از طرف نیروی دریایی آلمان، ایتالیا و بریتانیا در قبال ونزوئلا صورت گرفت. مداخله خشونت‌آمیز مذکور مبتنی بر این بود که چرا ونزوئلا مابازای خسارات و زیانهای جانی و مالی وارد بر اروپائیان را در زمان جنگهای داخلی آن کشور نپرداخته است. دکترین دراگو به مناسبت مداخلات سال ۱۹۰۲ اروپائیان در ونزوئلا تنظیم و نشر یافت. دکترین مزبور در یادداشت رسمی ارسالی به وزارت امور خارجه آمریکا، از طرف لوئیس ماریا دراگو وزیر امور خارجه آرژانتین به عبارت درآمده است. منظور از وضع دکترین مزبور، منع رجوع به نیروی نظامی و توسل به زور برای اجبار کشورها به تأدیه دیون ذمه‌ای است.

Droop Quota

سهمیه دروپ

از نام هنری ریچموند دروپ (۱۸۸۴-۱۸۳۱) وکیل انگلیسی و طرفدار «نمایندگی به نسبت رأی» گرفته شده است. به نظر او، تعداد درست آرا به نام یک حزب در مورد یک کرسی در حوزه انتخابی چند کاندیدائی عبارت است از تمام آرای ریخته شده تقسیم بر تعداد کرسیها بعلاوه یک. مثلاً برای ۲۵۰۰۰۰ رأی ریخته شده برای یک کرسی هشت نفری، سهمیه دروپ عبارت است از $250000 \div 9 = 27778$.

Drop-Out

وازده؛ تارک تحصیل

کسی که الگوهای معمول رفتار یا موازین قراردادی در جامعه خویش (مثل اخذ مدارک تحصیلی و کسب درآمدهای بالا) را قبول ندارد و از آنها دوری می‌جوید. وازدگی گاهی در حکم واکنش مثبتی است در برابر انسانیت زدایی در جوامع توده‌ای یا توده‌وار. مع‌هذا، وازدگی یک تلاش ناپایدار و موقت است.

Dual Consciousness

باطن دوگانه؛ آگاهی دوگانه

جمع دو آگاهی، فکر یا ضمیر ظاهراً متناقض و ناهماهنگ در افراد. این واژه در مورد کارگران جوامع اروپایی به کار رفته که از یک طرف دارای باورهایی هستند که به‌مرور از طریق فرهنگ حاکم

آنتونیو گرامشی (۱۹۳۷-۱۸۹۱) متفکر ایتالیایی، ثبات جوامع سرمایه‌داری را عمدتاً ناشی از سلطه ایدئولوژیکی دستگاه حاکم (شامل نهادهای جامعه مدنی، کلیسا، خانواده و حتی اتحادیه‌های کارگری) بر طبقه کارگر می‌داند. به نظر او این سلطه نمی‌تواند کامل باشد، زیرا طبقه کارگر دارای آگاهی دوگانه است که بخشی از این آگاهی را طبقه سرمایه‌دار تحمیل می‌کند و بخش دیگر، حاصل عقل سلیم و تجربه‌زندگی روزمره است. این بخش از آگاهی، بالقوه انقلابی است اگر توسط روشنفکران حزب طبقه کارگر پروراندن شود تا به صورت یک نیروی مؤثر درآید. گرامشی اعتقاد دارد که مبارزه طبقاتی تا حدودی کشمکش بین گروه‌های روشنفکری است که یکی در خدمت طبقه سرمایه‌دار و دیگری در خدمت طبقه کارگر قرار دارد.

مستملک؛ دومینیون

Dominion

۱- سرزمین یا کشوری که از لحاظ داخلی مستقل است و از لحاظ سیاست خارجی با رابطه ضعیفی پیوسته دیپلماسی کشوری است که بالفعل یا سابقاً دارای مستعمره بوده است. ۲- هریک از اعضای خودمختار کامولث. این اصطلاح اکنون رایج نیست.

نظریه دومینو

Domino Theory

مهره‌های بازی دومینو در صورتی که با فاصله کم به دنبال هم چیده شوند، با وارد شدن کمترین فشار به مهره اول، بقیه مهره‌ها نیز فرو می‌ریزند. براین اساس، واژه تئوری دومینو در جریان جنگ ویتنام از سوی مداخله‌گران مصطلح شد که به موجب آن تصور می‌شد که اگر یک کشور در جنوب شرقی آسیا به کنترل کمونیست‌ها درآید، کشورهای همجوار نیز تحت کنترل کمونیست‌ها درخواهند آمد. نظریه دومینو در اعلامیه شورای امنیت ملی آمریکا که در سال ۱۹۵۴ انتشار یافت به شرح زیر منعکس شده است: "موافقتنامه ژنو، میدان عمل زیادی به کمونیسم داد که ممکن است به از دست رفتن آسیای جنوب شرقی منتهی شود. اینک ضروری است که دومینوی ویتنام جنوبی را قائم نگهداریم تا جلوی این فاجعه را در سراسر منطقه بگیریم."

تبلیغ انتخاباتی خانه به خانه

Doorstepping

جلب آراء از طریق رفتن سیاستمداران به در خانه‌های مردم و صحبت کردن با تک تک افراد از نزدیک.

جاسوس دو جانبه؛ جاسوس دوسره

Double Agent

شخصی که همزمان برای دو طرف جاسوسی می‌کند.

ناروژنی؛ دودوزه بازی

Double - Cross

۱- ناجوانمردانه رفتار کردن و حقه‌زدن به‌آشنایان و دوستان. ۲- فریبکاری و تقلب و یا به اصطلاح، با یک روی در دو محزاب بودن.

دوپهلوگویی

Double-Talk

دوپهلو صحبت کردن، کلی‌گویی یا کاربرد عمدی کلمات به شکل مبهم و نامفهوم به قصد فریب.

مورد اعمال قدرت اقتصادی و سیاسی به منظور تسخیر بازارهای خارجی و تأمین منافع مالی سوداگران آمریکایی به کار رفته است. ظاهراً واژه مزبور از آنجاریشه گرفته که "نافت" یکی از رؤسای جمهوری پیشین آمریکا در اوایل قرن حاضر اعلام کرده بود که می‌خواهد بجای گلوله از دلار استفاده کند، سیاستی که قرار بود جایگزین دیپلماسی توپخانه دریایی آن زمان شود.

Dollarization

دلاری شدن

استفاده از ارز (دلار) به جای پول ملی در معاملات داخلی.

Domain

قلمرو

حوزه حکومتی یا سرزمینی که بر آن حاکمیت دولتی اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، قلمرو دولت، قسمتی از خشکی و دریا و فضای فوق آنها است که دولت در آن اعمال حاکمیت می‌کند.

Domestic Nuclear Materials Safeguard

اقدام ایمنی میهنی مواد هسته‌ای؛ پادمان ملی مواد هسته‌ای؛ تدبیر حفاظتی ملی مواد هسته‌ای
این اصطلاح بیانگر اقداماتی است که از طرف یک کشور برای کشف یا پیشگیری از انحراف مواد هسته‌ای از هدف اصلی خود و حفاظت در برابر خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای صورت می‌گیرد.

Domicile

اقامتگاه

تقسیم اشخاص در زندگی بین المللی برحسب دو عامل صورت می‌گیرد: تابعیت و اقامتگاه. تابعیت، رابطه‌ای است ذاتاً سیاسی که بین اشخاص و دولت معینی برقرار می‌شود و از این طریق دولت، آن اشخاص را از خود یعنی جزو و عناصر تشکیل دهنده خود می‌شمارد. اقامتگاه، رابطه‌ای است حقوقی دارای برخی از ویژگیهای سیاسی که بین اشخاص و حوزه معینی از قلمرو دولتی برقرار می‌شود و بدین وسیله اشخاص بدون آنکه واجد وصف تبعه باشند، از گروه ساکنین و متعلقین به آن حوزه قلمداد می‌شوند. در موضوع اقامتگاه، سه اصل زیر حکمفرما است: ۱- هر شخص باید اقامتگاه معینی داشته باشد. کسانی را که تابعیت معینی ندارند، آپاترید می‌نامند ولی راجع به اقامتگاه در این مورد، اصطلاح آدومید پیشنهاد شده است. ۲- هیچ شخصی نباید بیش از یک اقامتگاه داشته باشد ۳- اقامتگاه یک امر همیشگی نیست.

Dominance (Domination)

سلطه

رابطه آمیخته به قدرت بین دو فرد، دو گروه یا دو دولت که به موجب آن، یک طرف بر طرف دیگر مسلط گردد. سلطه، مظهر عینی و ملموس قدرت است. در اساس هر سلطه سیاسی، رابطه فرماندهی و فرمانبری وجود دارد.

Dominant Ideology Thesis

تز ایدئولوژی مسلط؛ نظریه ایدئولوژی غالب

نظری منسوب به مارکسیستهای جدید که حالت تسلیم و رضای طبقات زیردست را ناشی از استقرار ایدئولوژی طبقه حاکمه در جامعه می‌داند. تز ایدئولوژی حاکم یا مسلط، این واقعیت را که در طول تاریخ، طبقات زیر دست جامعه بارها باورهای طبقات حاکمه را رد کرده‌اند، نادیده می‌گیرد.

Doctrine **دکترین؛ آیین؛ اصول عقیده؛ نظریه؛ تعلیم؛ مکتب؛ سیاست (دکترین)؛ آموزه؛ عقیدت**
 ۱- اصول و قواعدی که در هر یک از شاخه‌های علوم و یا در میان پیروان یک آیین مورد تصدیق و اعتقاد باشد. ۲- مجموعه‌ای از عقاید که دستگامی از نظریات دینی، فلسفی یا سیاسی تشکیل دهد. ۳- مجموع عقایدی که در باب توجیه و بیان و تفسیر قواعدی (مثلاً سیاسی) از طرف علمای فن اظهار شده است. ۴- اصول یک فلسفه، نظام فکری یا سیاست و خطمشی.

Doctrine Theory **نظریه عقیدتی**
 نظریه تک علتی برای توضیح تاریخ اقتصادی و سیاسی.

Document **سند؛ مدرک**
 ۱- کاغذ رسمی، دستنوشته یا هر مدرک کتبی یا حک شده و مانند اینها که ارزش اطلاعاتی یا استنادی داشته باشد. ۲- هر وسیله قابل رؤیت و لمسی که حاوی اطلاع، خبر و پیامی باشد. ۳- هر اثر چاپی، خطی یا عکسی.

Dogma **عقیده جزئی؛ جزم؛ دکم**
 یک اصل یا دکترین انعطاف‌ناپذیر و یا نظر و عقیده‌ای که بی‌چون و چرا پیروی شود. شخص جزئی به کسی اطلاق می‌شود که نظریه و حکمی را بدون بررسی می‌پذیرد و نظر خود را بدون دلیل به‌دیگری تحمیل می‌کند.

Dogmatic Marxism **مارکسیسم جزئی**
 واژه ابداعی استالین برای اشاره به مارکسیسم اولیه و نیز بیان طرز فکر کسانی که معتقد به رعایت بی‌کم و کاست اصول اولیه ابراز شده از طرف مارکس بودند.

Dogmatism **فلسفه جزئی؛ دکماتیسم؛ جزم‌اندیشی؛ خشک‌اندیشی**
 روش فکری که اساس آن را مفاهیم تغییرناپذیر و دستورات جامد و بدون توجه به دستاوردهای علمی و عملی جدید و شرایط مشخص زمان و مکان تشکیل می‌دهد. در نهضت‌های کارگری به مفهوم انزواطلبی، رد مارکسیسم خلاق، ذهن‌گرایی و فقدان تماس با زندگی عملی است.

Doing Time **آب خنک خوردن**
 کنایه از زندان رفتن یا دوره زندان را گذراندن.

Dollar a Year Man **خدمتکار افتخاری**
 شخصی که در اوضاع و احوال فوق‌العاده و به‌هنگام آشفستگی وضع کشور، بدون چشمداشت مادی، در راه مملکت خود تلاش کند و به‌خدمت آن درآید و برای آنکه مسئولیتش قطعی و مسلم باشد، سالیانه مبلغ ناچیزی (در حدود یک دلار) به‌عنوان حق‌الزحمه بگیرد.

Dollar Diplomacy **دیپلماسی دلار**
 این واژه توسط کشورهای آمریکای لاتین برای تقبیح نقش حکومت ایالات متحده آمریکا در

ترتیب که رادیوی این کشور برای مخاطبان ایرانی از نام خلیج فارس استفاده می‌کند و برای مخاطبان عرب از نام ساختگی خلیج عربی. در چاپ اخیر دایرةالمعارف کمبریج نیز به جای نام شناخته شده و رسمی خلیج فارس از نام مجعول خلیج عربی استفاده شده است.

Divine Law

قانون الهی

قانونی که بنابه عقیده مذهبی از طرف خداوند به وسیله پیامبران برای بشر فرستاده شده است.

Divine Right

حق الله

اجرای اوامر خدا و اطاعت و عبادت او.

Divine Right of Kings

حق الهی پادشاهان

نظریه‌ای مبنی بر اینکه پادشاهان حق سلطنت کردن را به موجب قانون الهی و طبیعی، از نیاکان خویش به ارث می‌برند و در ضمن، هیچگونه مسئولیتی هم در مقابل ملت ندارند. این نظریه، پیش از ظهور نهضت‌های آزادیخواهانه در جهان، زیربنای حکومت‌های استبدادی و مطلقه را تشکیل می‌داد.

Division Bell

زنگ رای‌گیری

در پارلمان انگلستان به زنگ رای‌گیری اطلاق می‌شود.

Division of Labour

تقسیم کار

تعیین کار برای هر فرد به نسبت استعداد و تخصص وی که موجب ازدیاد تولید و بهبود وضع کار می‌شود. تقسیم کار همراه با تکامل و وسایل تولید به وجود می‌آید. در آغاز، کارها برحسب جنس و سن تقسیم می‌شد. در اجتماعات تکامل یافته از لحاظ رشد و وسایل تولید، سه نوع تقسیم کار می‌توان تشخیص داد: ۱- تقسیم تولید اجتماعی به شاخه‌ها و بخش‌های مختلف تولیدی (صنعت، کشاورزی، بازرگانی). ۲- تقسیم فنی کار، مثلاً در صنایع جدید هر کارگر یا هر گروه از کارگران، کار و عمل مشخصی را که به بخشی از کل جریان کار مربوط می‌شود، انجام می‌دهند. ۳- تقسیم اجتماعی کار، یعنی توزیع وظایف مختلف بین افراد جامعه (وظایف اقتصادی، وظایف سیاسی). تقسیم بین‌المللی کار، یعنی تقسیم کار ناشی از حصول تخصص بین‌المللی، نیز گرچه رسماً به عمل نیامده است، اما علل و عوامل هر منطقه و کشور که موجبات رشد و پیشرفت صنایع و کارهای مخصوصی را فراهم ساخته، خود بخود این گونه تقسیم کار را ایجاد کرده است. به عقیده علمای اقتصاد سرمایه‌داری، هر کشور باید تولیدات خود را در رشته‌هایی که نسبت به سایر کشورها مزیت و برتری دارد، متمرکز سازد و نیز حجم تولیدات مورد نظر بیش از مصرف داخلی باشد تا مالا مازاد مصرف اهالی خود را با کالاهای موردنیازی که خود نمی‌تواند آنها را در داخل کشور تولید کند و یا اینکه شرایط داخلی برای تولید آن کالاها به قدر کافی مساعد نیست، مبادله نماید.

Doctrinaire

اصولی؛ جزمی؛ آیین پوست؛ مکتبی

کسی که بخواهد نظریات و اصول خود را بدون توجه به مقتضیات اجرا کند. صفت دکترینردال بر نظریه‌پردازی، تئوری بافی و استدلال‌ات تعصب‌آمیز و معلم‌وار است.

جامعه به حرکت در آیند، اقدام به پناهجویی سیاسی کرده‌اند. ۳- زمانی که از بلایای طبیعی (مثل سیل و زلزله) و جنگ فرار کنند، در شمار آوارگان در آمده‌اند.

Disposition**آمادگی**

حال و وضع جسمانی یا روانی مناسب برای رفتار مشخص.

Dissenter**مخالف؛ ناهم‌رای**

کسی که با پیشنهاد اکثریت موافق نباشد. از جنبه تاریخی در مورد مسیحیانی به کار رفته که در قرن هفدهم با تسلط کلیسای انگلستان مخالفت کردند.

Dissidence**دگراندیشی**

مخالفت یا اختلاف عقیده داشتن با دکترین رسمی حکومت و وقت یا عدم رضایت از آن.

Dissident**ناراضی؛ مخالف؛ دگراندیش**

۱- ناراضی از وضع موجود و مخالف حکومت و وقت. ۲- دگراندیش یا کسی که با دکترین رسمی مخالف است.

Dissolution of the Legislature**انحلال مجلس (مقننه)**

کار به پایان آوردن پارلمان یا مجلس قانونگذاری و سپس صدور حکم برای انتخاب مجلس قانونگذاری جدید.

Distributive Justice**عدل توزیعی**

تقسیم مناصب و احترامات و پاداشها و مزایای دیگر اجتماعی میان افراد بر مبنای شایستگی.

Divide and Rule**تفرقه بینداز و حکومت کن**

سیاست ستمگران و استعمارگران که از جمله به کمک دیپلماتها، نیروهای نظامی، میسیونرهای مذهبی، جاسوسان خارجی و بومی و سازمانهای سری بین اتباع یا دشمنان تفرقه می‌اندازند تا به سهولت بتوانند بر آنها حکومت کنند. ستمگران و استعمارگران نمی‌توانند به خود اجازه تحمل وحدت مردم را بدهند، زیرا این کار به معنی تهدید جدی برتری خود آنها است. مفاهیمی مثل وحدت، سازمان و مبارزه فوراً برچسب خطرناک می‌خورند. در حقیقت، این مفاهیم مسلماً برای استعمارگران خطرناک است، زیرا درک مفاهیم مزبور، برای اعمال آزادیبخش ضرورت دارد. به سود استعمارگر است که استعمارشدگان را بیشتر ضعیف کند، آنها را از هم جداسازد و در میان آنان شکاف اندازد. زیرا، کنترل اتباع و دشمنان متفرق آسانتر است تا کنترل اتباع و دشمنان متحد. سابقاً دولتهای استعمارگر ترجیح می‌دادند مقاصد استعماری خود را از زیر نقابی از دورویی تعقیب کنند و کار خود را در پرده و با نرمش از پیش ببرند. نرمشی که بیرحمانه‌تر و برنده‌تر از سرنیزه بود، و سرنیزه را آنگاه به میان می‌گذارند که راههای نرم احراز سیادت بر آنها بسته باشد. از جنبه تاریخی، این اصطلاح بویژه در مورد سیاست انگلستان در هندوستان به کار رفته است. انگلستان همچنین در مورد استفاده از نام تاریخی و رسمی خلیج فارس، سیاست دوگانه و تفرقه برانگیزی دارد. بدین

Disenchantment**بیدار شدن از خواب و خیال**

این واژه از نظر ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴) دلالت بر ادراک جهان با آگاهی تازه حاصل از اعتقاد به تبیین یا روشن کردن علمی واقعیات یا امور مشاهده‌پذیر دارد.

Disengagement**قطع درگیری؛ عدم درگیری؛ اجتناب از درگیری**

بیرون آوردن دینروی نظامی بالقوه دشمن از حالت رویارویی مستقیم. معروفترین پیشنهاد برای عدم درگیری (دو بلوک شرق و غرب)، طرح راباکی است که در سال ۱۹۵۷ برای ایجاد منطقه غیرنظامی عاری از سلاحهای اتمی در اروپای مرکزی تقدیم مجمع عمومی سازمان ملل متحد شد. بیشتر پیشنهادهای عدم درگیری می‌خواستند که آلمان شرقی (سابق)، آلمان غربی (سابق)، لهستان و قسمتی از چکسلواکی (سابق) یا تمام آن بیطرف اعلام شوند، بین پیمان ناتو و پیمان ورشو (سابق) یک پیمان عدم تجاوز امضا شود و مرزهای بعداز جنگ جهانی دوم نیز به رسمیت شناخته شوند.

Disguised Unemployment**بیکاری پنهان**

وضعی که در آن ظاهراً تمام کارگران به کار اشتغال دارند، اما عملاً بیشتر وقت آنها صرف فعالیتهای غیر تولیدی می‌شود.

Disintegration**فروپاشی؛ از هم پاشیدگی؛ واگرایی**

از بین رفتن وحدت سازمانی، تمامیت و همبستگی یک شخص یا گروه یا سازمان.

Disorganization**سازمان شکنی**

اضمحلال سازمان و ایجاد آشفتگی و هرج و مرج در آن.

Disorientation**سرگشتگی؛ گم گشتگی**

گیجی، پریشانی، آشفتگی ذهنی در ارتباط طبیعی بین فرد و محیط او، بویژه زمان، مکان و مردم.

Dispatch (Despatch)**پیام**

نامه فوری یا پیغامی که وزارت خارجه یک کشور برای نمایندگان خود در خارج می‌فرستد و تعلیمات و تذکرات خاصی به آنها می‌دهد، و نیز به‌مراسلاتی اطلاق می‌شود که این نمایندگان برای وزارت خارجه کشور خود می‌نویسند.

Displaced Persons**آوارگان**

افرادی که در طول عملیات جنگی، از مقابل لشکرهای متخاصم فرار کرده‌اند و مجدداً به سرزمینی که در آن قبلاً می‌زیسته‌اند، باز نگشته‌اند. برای سر و سامان دادن به‌وضع آوارگان، در سال ۱۹۵۱ سازمان بین‌المللی خاصی به‌نام اداره کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان تأسیس گردید و این سازمان در راه گسترش اقداماتی که هدف آن حمایت از پناهندگان است (در محلی که سکونت دارند و یا نقاط جدیدی که در آن ساکن خواهند شد) فعالیت می‌کند. به‌طور کلی، حرکت افراد از جایی به جای دیگر سه حالت دارد: ۱- اگر افراد به دنبال زندگی بهتر به حرکت در آیند، دست به مهاجرت (اقتصادی) زده‌اند. ۲- در صورتی که از ترس آزار، شکنجه و ستم دولت یا نیروی مسلط بر

عمومی و کامل تحت نظارت بین‌المللی مؤثر انجام گیرد. همچنین می‌توان آن را روندی تلقی کرد که هدفش تبدیل نظام کنونی حکومت‌های ملی مسلح، به نظام جهانی جدیدی باشد: نظامی که در چارچوب آن بتوان صلح غیرمسلح ایجاد نمود، نظامی که در آن جنگ به‌عنوان ابزار سیاست ملی به حساب نیاید و در آن ملتها خود قادر به تعیین سرنوشت آتی خود باشند و در امنیتی که بر عدالت و همبستگی استوار باشد بسر برند. برقراری صلح بدون خلع سلاح، صلح واقعی نیست بلکه نامی به‌عنوان "صلح مسلح" دارد.

انضباط؛ دیسیپلین

Discipline

سیستم معین رفتار انسان برای انجام عمل در یک جمع و نظارت و کنترل اجباری آن و اجرای قواعد و استانداردهای مستقر قانونی، وجدانی، سیاسی و اخلاقی توسط مردم و شیوه‌های حفظ نظم و ترتیب.

روحانیت‌زدایی

Disclericalization

آزادسازی زندگی فردی و اجتماعی از نفوذ مذهب سازمان یافته. این واژه در غرب، دال بر روند فوری، جدی و از جنبه سیاسی فرمایشی نادینی‌گری یا جدائی دین از سیاست است.

افشاکری

Disclosure

بر ملا کردن جزئیات امری یا آشکار کردن رازی.

گفتمان؛ قول؛ گفتار

Discourse

۱- کلام، رأی و عقیده. ۲- ارتباط بین زبان و واقعیت اجتماعی یا وابسته بهم بودن گفتار و کارکردهای فکری - اجتماعی آن که شامل همه فعالیت‌های انسان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، هنری و علمی می‌شود. ۳- مفهومی که آنتونیو گرامشی به‌صورت ضمنی و میشل فوکو (۱۹۸۴-۱۹۲۶) فیلسوف اجتماعی فرانسوی آشکارا به کار برده‌اند. گفتمان از نظر فوکو عبارت است از تفاوت میان آنچه می‌توان در یک دوره معین (مطابق قواعد دستوری و منطقی) به‌صورت درست گفت و آنچه در واقع گفته می‌شود. از ویژگی‌های تفکر فوکو یکی آن است که گفتمان‌ها را در ارتباط با کاربرد و کارکردشان می‌سنجد و دیگر آنکه آنها را در پیوندشان با قدرت تعریف می‌کند. وی گفتمان‌ها را نه به‌خاطر معانی مستور در آنها، بلکه به‌منظور درک شرایطی مطالعه می‌کند که گفتمان‌ها برحسبشان پدید می‌آیند و دگرگونی‌هایی که گفتمان‌ها سبب آنها است. گفتمان‌ها با گذشت زمان تغییر می‌کنند؛ چنانکه شیوه‌های تفکر و گفتار در مورد مفاهیمی مثل امنیت و آزادی و مدرنیسم دستخوش تغییر شده است.

تبعیض

Discrimination

رفتار نایکسان و خلاف عدل و انصاف با گروه‌هایی از مردم، خواه دوستانه و خواه دشمنانه، به‌دلایلی مثل نژاد، زبان، ملیت، مذهب، عقیده و جز اینها که ارتباطی به رفتار بالفعل آن افراد نداشته باشد یا ارتباط اندکی داشته باشد.

مارس ۱۹۸۹. ۲- رهنمود مربوط به تلویزیون بدون مرز، مصوب شورای جامعه اروپا در سوم اکتبر ۱۹۸۹، عناصر اساسی حقوق موضوعه تلویزیون برونمرزی در اروپا را تشکیل می‌دهند.

دی‌ریژسیم؛ دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی؛ دولت‌سالاری؛ هدایت دولتی اقتصاد Dirigisme

۱- واژه فرانسوی که در اصل برای توصیف سیاست سلاطین و کنترل‌کنندگان امور مالی فرانسه در قرن هفدهم به کار رفته و اکنون برای توصیف وضعیتی به کار می‌رود که در آن، دولت از طریق ملی‌کردن و قوانین محدود کننده مالکیت خصوصی و کنترل تجارت، امور اقتصادی را اداره می‌کند. سوسیالیست‌ها شکل افراطی آن را سرمایه‌داری دولتی نامیده‌اند. ۲- دخالت فعال دولت در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و آموزشی.

Dirty Bomb

بمب کثیف

بمب معمولی که مقداری مواد رادیواکتیو (معمولاً به شکل پودر یا حبه قند) به آن اضافه شده باشد. در این نوع بمب از مواد منفجره متعارف (مثل دینامیت) برای پراکندن مواد رادیواکتیو (پرتوزا) استفاده می‌شود. بزرگترین نگرانی در مورد بمب کثیف آن است که انفجارش در مراکز بزرگ شهری باعث بروز هرج و مرج گسترده می‌شود.

Dirty Hands

دست‌های آلوده

اصطلاح مورد بحث متفکرانی مثل ژان پل سارتر، مبنی براینکه سیاست مستلزم وجود سیاستمداری است که دست‌های خود را آلوده کند، در غیر این صورت باید از آن دوری جوید. کسی که سیاستمدار می‌شود، ناچار است درباره رسیدن به قدرت فکر کند و قدرت نیز معمولاً فساد به دنبال می‌آورد. ای. ای. کامینگز E.E. Cummings نیز عقیده دارد که در میان سیاستمداران همه‌گونه آدمی پیدا می‌شود، جز یک انسان واقعی. به نظر عده‌ای، دو گروه در عرصه سیاست فعالیت می‌کنند: تشنگان قدرت که دست‌های آلوده دارند و شیف‌تگان حق و حقیقت و خدمت به انسانیت که پایبند شهرت و قدرت و ثروت نیستند و صادقانه وارد عرصه سیاست می‌شوند و ممکن است جان خویش را نیز در این راه فدا کنند، مثل خانم آنالیند، وزیر امور خارجه سوئد. ماکیاوول (۱۵۲۷-۱۴۶۹) در کتاب گفتارها نوشته است: مردانی که سرنوشت، چنین فرصتی را در اختیارشان می‌گذارد، باید بدانند که تنها در راه در پیش پای خود دارند. یکی به ایمنی و نام نیک فراموش نشدنی می‌انجامد و دیگری به زندگی آمیخته با ترس دائم و بدنامی پس از مرگ.

Disadvantage

کمداری؛ بی‌بهرگی؛ بی‌امتیازی؛ محرومیت

تعبیر محترمانه‌ای برای بیان نتیجه تبعیض، بهره‌کشی و استثمار. این واژه به نحو آسان و مناسبی، علت اختلافات طبقاتی را مخفی می‌سازد و وضعیت نامطلوب کمداران را به ناتوانی‌های آنان نسبت می‌دهد و از این‌رو، در کشورهای سرمایه‌داری غربی و به‌ویژه آمریکایزاد به کار می‌رود.

Disarmament

خلع سلاح

۱- تقلیل یا نابودی میزان معین یا تمام تسلیحات به منظور پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی. ۲- هرگونه فعالیتی که باید در جهت محدود ساختن، کنترل و یا کاهش تسلیحات و سرانجام خلع سلاح

Direct Democracy دموکراسی بیواسطه؛ دموکراسی مستقیم

حکومتی که در آن، عامه مردم به وسیله اجتماعات عمومی متناوب، مستقیماً امور کشوری را اداره می‌کنند. بدیهی است که دموکراسی مستقیم، تنها برای جوامع کوچک قابل اعمال است. در یونان باستان، عقیده بر این بود که جمعیت دولت‌شهر نبایستی بیش از حدی باشد که افراد نتوانند در یک محل جمع شوند و به سخنان ناطقین گوش کنند.

Directed Democracy دموکراسی ارشادی

رژیمی که به موجب آن، عده کمی سازمان یافته (اعضای حزب) به مصلحت عده کثیری سازمان نیافته حکومت کنند. این واژه بیشتر برای اشاره به نوع حکومت محافل رهبری شوروی سابق در فاصله سالهای ۱۹۶۰-۱۹۷۰ به کار رفته است.

Direct Election انتخابات مستقیم؛ انتخابات یکدرجه

در این نوع انتخابات، رأی دهندگان بدون واسطه، نمایندگان مجلس یا پارلمان را انتخاب می‌کنند.

Direct International Responsibility مسئولیت بین‌المللی مستقیم

مسئولیت بین‌المللی مستقیم هنگامی مصداق دارد که عمل خلاف قانون که موجب خسارت شده است، از طرف یکی از سازمانهای قضائیه، اجرائیه یا مقننه یک دولت صورت گرفته باشد. زیرا، سازمانهای اداری و مأمورین آن هستند که به نام دولت، قانون را اجرا و حاکمیت را اعمال می‌کنند.

Directive رهنمود؛ دستور

آموزشهایی که از سوی یک مقام عالتر به یک مقام پائین‌تر در مورد درخواست توقف انجام کاری یا درخواست انجام کاری داده می‌شود.

Direct Television Broadcasting پخش مستقیم تلویزیونی

انتقال مستقیم تصاویر تلویزیونی به وسیله ماهواره به آنتنهای بشقابی فردی متصل به گیرنده‌ها (یا انواع دیگر). قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی هنوز از جنبه‌های فنی، حقوقی و بویژه مسائل سیاسی نامشخص است. مع‌هذا، مجمع عمومی ملل متحد در سی و هفتمین اجلاس خود (۱۹۸۳-۱۹۸۲) قطعنامه‌ای را درباره اصول حاکم بر استفاده دولت‌ها از ماهواره‌های زمینی (مصنوعی) برای پخش تلویزیونی بین‌المللی تصویب کرد. ظاهراً پخش مستقیم ماهواره‌ای باید متناسب با قواعد حقوق بین‌الملل، منجمله منشور ملل متحد، عهدنامه فضای ماورای جو و مقررات مربوط به اتحادیه بین‌المللی مخابرات دور و مقررات رادیویی آن باشد و دسترسی آزادانه همه دولت‌ها به تکنولوژی ماهواره‌ای ارتباطاتی و استفاده از آنها نیز به راحتی میسر گردد. همچنین، دولت‌ها به مشاوره با یکدیگر قبل از پخش برنامه‌هایی که به وسیله سایر کشورها دریافت می‌شود، تشویق شده‌اند. در اواخر دهه ۱۹۸۰ بسیاری از کشورهای اروپائی قوانین و مقرراتی برای پخش برونمرزی برنامه‌های تلویزیونی به اجرا گذاشتند. در این مورد، دو متن حقوقی: ۱- عهدنامه اروپائی تلویزیون برونمرزی، مصوب کمیته وزیران شورای اروپا در ۱۵

حمایت دیپلماتیک

Diplomatic Protection

مجموع اقداماتی که یک دولت، نزد دولت دیگر به منظور جبران و ترمیم خسارتهایی که بر اثر ارتکاب عمل خلاف حقوق دولت خارجی به یکی از اتباع او، اعم از حقیقی یا حقوقی وارد شده، به عمل می‌آورد. اجرای حمایت دیپلماتیک از طرف یک دولت مستلزم رعایت سه شرط است: ۱- وجود یک علقه رسمی بین دولت حامل و مدعی خسارت دیده، که این علقه همان تابعیت است. اسناد تابعیتی که به منظورهای خاص و تقلب و یا نقض قوانین داخلی یک کشور یا قواعد عمومی حقوق بین‌المللی صادر شده باشد معتبر نیست. ۲- طی مقدماتی محاکم محلی از طرف مدعی. ۳- پاکدستی مدعی، به این معنی که مدعی از هر نوع ایراد در پیدایش واقعه منجر به وارد آمدن خسارت به او برکنار باشد.

روابط دیپلماتیک

Diplomatic Relations

روابطی که بین دولتها پس از شناسایی یکدیگر و توافق در برقراری روابط، با اعزام نماینده ایجاد می‌شود. به بیان دیگر، روابط دیپلماتیک شامل کلیه ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که بین دو یا چند دولت از طریق نمایندگیهای دیپلماتیک دولتها صورت می‌گیرد. روابط دیپلماتیک، تابع قواعد "کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک"، مورخ آوریل ۱۹۶۱ است که در جامعه بین‌المللی امروز مورد عمل قرار دارد.

تذکر دیپلماتیک

Diplomatic Representation

نظر دولتی را به موضوعی جلب کردن که از وظایف نمایندگان سیاسی یا سفراء است. معمولاً این تذکر، متضمن اعتراض و سرزنش و توبیخی است که باید در پوشش تعارفات دیپلماتیک و با ظرافت و دقت مطرح شود، چه مختصر خشونت و بیحرمتی، هدف اصلی تذکر را که حل مسأله از طرق مسالمت‌آمیز است، منتفی می‌سازد.

دیپلماسی؛ فرمان شناسی؛ دیرین نوبه شناسی

Diplomatics

دیپلماسی یا فنی که اصالت یا جعلی بودن فرامین و دستخطهای شاهان، اسناد و مدارک دولتی را به وسیله آن تشخیص می‌دهند.

اقدام مستقیم؛ عمل مستقیم

Direct Action

۱- تأمین یک هدف سیاسی، خارج از چارچوب قانون اساسی و بدون توجه به تزییقات قانونی موجود. ۲- توسل به ترور و خشونت برای کسب قدرت سیاسی یا نیل به برخی از هدفهای سیاسی. اقدام مستقیم ممکن است به صورت مقاومت منفی، مانند خط مشی مبارزاتی گاندی باشد و یا خشونت آمیز که اشکال افراطی آن، شورش و انقلاب است. تروریسم و اعتصاب (غیرقانونی) نیز از جمله اشکال آشنای اقدام مستقیم شمرده می‌شوند.

تجاوز مسلحانه مستقیم

Direct Armed Aggression

جنگهای تجاوزکارانه و تهدید و استعمال زور به منظور تجاوز به مرزهای کشور دیگر یا به عنوان وسیله‌ای برای حل اختلافات بین‌المللی، ارضی یا مسائل مربوط به مرزهای کشور دیگر.

هنجارهای حقوقی در مورد مأموریت‌های خارجی دولتها و سازمانهای بین‌المللی.

Diplomatic List

لیست دیپلماتیک

فهرست اسامی دیپلماتها یا لیست "کارمندان دیپلماتیک" کشورهای فرستنده که به‌طور مرتب در کشور پذیرنده تهیه می‌شود.

Diplomatic Manoeuvres

مانورهای دیپلماتیک؛ نیرونشاندهیهای سیاسی؛ ترفندهای سیاسی؛

قدرت نمایشی دیپلماتیک

۱- اقدامات سیاسی دولت به‌منظور جلب نفع و دفع ضرر. ۲- عملیات اغفال‌آمیز به‌منظور هدف خاص سیاسی.

Diplomatic Mission

مأموریت دیپلماتیک؛ نمایندگی دیپلماتیک

در روابط دیپلماتیک بجای نمایندگی، معمولاً از اصطلاح مأموریت دیپلماتیک استفاده می‌شود. مأموریت در معنی کلی، مجموع اشخاصی است که در محل معینی مأمور اجرای وظایفی هستند. وظایف مأموریت دیپلماتیک از جمله عبارت است از: نمایندگی دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده، حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن در دولت پذیرنده، مذاکره با حکومت دولت پذیرنده، استحضار از اوضاع و سیر وقایع در دولت پذیرنده با استفاده از تمام وسایل مشروع و گزارش آن به‌دولت فرستنده، توسعه روابط دوستانه و نیز توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده. اعضای یک مأموریت دیپلماتیک بلافاصله بعد از سفیر یا وزیر مختار به‌ترتیب تقدم عبارت است از: رایزن، دبیر اول، دبیر دوم، دبیر سوم، وابسته. نمایندگان دیپلماتیک باید به‌قوانین و مقررات دولت پذیرنده احترام بگذارند و به‌هیچوجه در امور داخلی آن دولت مداخله نکنند و از هر نوع فعالیت در مبارزات سیاسی در کشور پذیرنده خودداری نمایند.

Diplomatic Passport

گذرنامه دیپلماتیک

گذرنامه‌ای که به‌مأموران دیپلماتیک و کنسولی و یا مقامات عالی‌رتبه دولتی داده می‌شود و معمول این است که دارنده آن از طرف مأمورین پلیس و گمرک مورد توجه مخصوص قرارگیرد.

Diplomatic Privileges

مزایای دیپلماتیک

مقصود از مزایا، امتیازاتی است که اشخاص معینی مثل دیپلماتها از آن برخوردارند و سایر مردم از آنها بی‌بهره‌اند. از مهم‌ترین مزایای دیپلماتیک، معافیت‌های مالیاتی و گمرکی است. درباره معافیت از تفتیش گمرکی توشه مأمور دیپلماتیک، برای مأمور گمرک در صورت داشتن دلایل جدی مبنی بر وجود اشیایی در آن که غیر از اشیاء مورد استفاده رسمی مأموریت یا اشیاء مورد استفاده شخصی مأمور دیپلماتیک و یا اشیایی که ورود و صدور آنها به‌موجب قوانین و مقررات قرنطینه دولت پذیرنده ممنوع باشد، این حق شناخته شده است که توشه را باز و تفتیش کند. در چنین صورتی، تفتیش جز در حضور مأمور دیپلماتیک یا نماینده مجاز او نباید انجام شود.

مکاتبات دیپلماتیک**Diplomatic Correspondence**

پیامهایی که بین مأمورین دیپلماتیک و مقامات مافوق آنها (در پایتخت کشور) مبادله می شود.

پیک دیپلماتیک**Diplomatic Courier**

مأموریت یا نمایندگی دیپلماتیک می تواند برای تماس با حکومت و سایر مأموریتها و کنسولگریهای دولت فرستنده در هر جا از تمام وسایل ارتباطی لازم، از جمله پیک دیپلماتیک استفاده کند. پیک دیپلماتیک باید دارای مدارک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته های جزء کیسه دیپلماتیک باشد. همچنین پیک در اجرای وظایف خود، یعنی تحویل کیسه دیپلماتیک و حمل و تسلیم آن به گیرنده، از حمایت دولت پذیرنده و مصونیت برخوردار است.

اسناد دیپلماتیک**Diplomatic Documents**

هر مدرکی که توسط یک مأمور دیپلماتیک درباره روابط دولت متبوع و دولتی که نزد او مأمور خدمت شده، داده یا گرفته شود: مثل یادداشتها، قراردادها، پروتکلها و جز اینها.

ناخوشی دیپلماتیک**Diplomatic Illness**

گاهی به صلاح سیاستمدار یا دیپلمات است که از حضور در میهمانی یا ملاقات بخصوصی خودداری نماید و برای اینکه این عمل به کسی بر نخورد و باعث سوء تفاهم نگردد، تمارض می کند. وقتی ناخوشی مصلحتی باشد، به آن ناخوشی دیپلماتیک می گویند.

مصونیت دیپلماتیک**Diplomatic Immunity**

درمان بودن از تعقیب قانون و مأمورین دولت پذیرنده. این گونه مصونیتها براساس رسوم و عرف بین المللی برقرار شده و نه به موجب قوانین کشوری. مصونیت دیپلماتیک دو نوع است: ۱- مصونیت در مقابل تعرض، یعنی حرمت محل سفارت و اشیاء و اسناد مربوطه و نیز دیپلماتها و خانه آنها غیر قابل تخطی است و هیچ قانون داخلی نمی تواند برخلاف آن عمل کند. ۲- مصونیت قضایی، یعنی مأموران دیپلماتیک برخلاف مردم عادی و اتباع خارجی دیگر، از حیطه اجرایی قانون کشور پذیرنده خارجند.

زبان دیپلماتیک**Diplomatic Language**

زبان دیپلماتیک تا قرن هفدهم میلادی، لاتین بود. سپس به جهت اهمیت و نفوذ پادشاه فرانسه و سیاست خارجی آن کشور، زبان فرانسه و از سال ۱۹۱۹ زبان انگلیسی جای آن را گرفت. به طور کلی، زبانهایی را که در مذاکرات بین نمایندگان دولتها در مباحثات کنفرانسها و کنگره ها و در سازمانهای بین المللی خواه به عنوان زبان کار و خواه به عنوان زبان رسمی به کار می برند، می توان زبانهای دیپلماتیک نامید.

حقوق دیپلماتیک**Diplomatic Law**

۱- مجموع قواعدی است که نظام روابط دیپلماتیک و مأموریت دیپلماتیک را معین می کند و شامل حقوق و تکالیف مأمورانی است که روابط مزبور را اداره می کنند. ۲- مجموعه ای از قواعد و

Diplomatic Archives**بایگانی دیپلماتیک**

اسناد و مدارک مأموریت دیپلماتیک که در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون است.

Diplomatic Asylum**پناهندگی دیپلماتیک**

پناهندگی در اماکن مأموریت نمایندگیهای دیپلماتیک یا اماکن دیگر مصون از تعرض. عده‌ای معتقدند که اعطای پناهندگی دیپلماتیک (یا پناهندگی برونمرزی)، دخالت در امور داخلی دولتی است که نمایندگی دیپلماتیک در قلمرو آن واقع شده است. به نظر آنها، این امر مخالف اصل مسلم حقوق بین‌الملل است که وظیفه دیپلماتها، فقط حفظ منافع اتباع دولت متبوع خودشان است نه اتباع دولت دیگر. در کشورهای آمریکای جنوبی ضمن عهدنامه‌های مختلف بین خود، حق پناهندگی دیپلماتیک را شناخته و تحت شرایطی که عهدنامه‌ها برای تشخیص سیاسی یا عادی بودن جرم مشخص کرده‌اند، حق پناه دادن سفارتخانه‌ها را پذیرفته‌اند. به طور کلی، در حقوق بین‌الملل حقی به نام اعطای پناه دیپلماتیک وجود ندارد و چنین عملی دخالت در امور انحصاری مقام محلی تلقی می‌شود. کنوانسیون کاراکاس در سال ۱۹۵۴ تنها موردی است که پناهندگی دیپلماتیک را (در آمریکای لاتین) به رسمیت شناخته است.

Diplomatic Bag**کیسه دیپلماتیک؛ محموله دیپلماتیک**

بسته، محموله یا کیسه‌ای که توسط پیکهای دیپلماتیک به مقصد معینی حمل می‌گردد و نباید باز و یا توقیف شود. بسته‌های جزء این محموله باید دارای علامت خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن و فقط حاوی اسناد دیپلماتیک یا اشیای مورد استعمال رسمی باشد. محموله دیپلماتیک را همچنین می‌توان به فرمانده یک هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز فرود آید، سپرد. فرمانده مزبور پیک دیپلماتیک تلقی نمی‌شود. اکنون، تکنولوژیهای پیشرفته و بویژه تکنولوژی خواندن اسناد، حقوق دیپلماتیک را نیز نیازمند دگرگونی کرده است. زیرا اگر سابقاً امنیت محموله دیپلماتیک مورد تأکید قوانین و مقررات دیپلماتیک بود و کنوانسیونهای وین، حفاظت و عدم بازرسی آنها را لازم می‌دانستند، اکنون با وجود وسایل الکترونیکی فوق مدرن می‌توان بدون بازکردن محموله از محتوای آن اطلاع یافت. همچنین از مصنویت کیسه‌های دیپلماتیک، سوءاستفاده‌های زیادی (مثل حمل مواد مخدر، وسایل جاسوسی و نظامی مهم) به عمل آمده است. حتی در اوایل ژوئیه سال ۱۹۸۴ پلیس انگلستان به یک محموله دیپلماتیک متعلق به سفارت نیجریه در لندن که قرار بود با هواپیما به نیجریه حمل شود، مشکوک می‌شود و مشخص می‌گردد که درون آن جسد یکی از مخالفین حکومت نیجریه به نام "دیکو" قرار دارد که توسط مقامات سفارت نیجریه در لندن به قتل رسیده است.

Diplomatic Corps**هیات دیپلماتیک؛ کر دیپلماتیک**

هیأت نمایندگان دیپلماتیک خارجی مأمور در کشور پذیرنده که سفیر، وزیر، کاردار، آتاشه‌های مختلف و دیگر مأموران دیپلماتیک را شامل می‌شود. همچنین به مجموع مأموران دیپلماتیک شاغل یک کشور اطلاق می‌شود، اعم از اینکه پست خارج از کشور داشته باشند یا در اداره مرکزی کار کنند.

دیپلمات: مأمور سیاسی؛ سیاستمدار**Diplomat (Diplomatist)**

کسی که در حرفه دیپلماسی است و شغل او انجام اموری از سیاست خارجی کشور خود در کشور دیگر است. هر دیپلماتی ممکن است سیاستمدار باشد، ولی هر سیاستمداری محققاً دیپلمات نیست. برخی از توصیه‌های فرانسوا دوکالییر مشاور لوئی چهاردهم در مورد صفات دیپلمات خوب به شرح زیر است: "رفتار دیپلمات باید آشکار و گفتار او بجز موارد استثنایی ساده و صریح باشد. به بیان دیگر، دیپلمات باید هر امری را بی‌پرده با دیگران در میان گذارد، مگر آنچه را که طبق وظیفه، ناگزیر از مستور داشتن آن است. در مذاکره وعده‌ای ندهد که به اجرای آن مطمئن نیست و نیز به تهدید و تقلب و دروغ و حيله متوسل نشود، زیرا رمز موفقیت در مذاکرات، هماهنگ کردن علایق دو طرف است. کنجکاو و دقیق و قادر به درک افکار دیگران بوده و سخنش صریح، هوشمندانه و با نزاکت باشد. او نباید به این فکر باشد که از طریق بذله‌گویی و شوخ طبعی کسب شهرت نماید و آنقدر هم نباید در مباحثه اصرار ورزد که ناگزیر از افشای اسراری به منظور موجه جلوه دادن نظریات خویش گردد. دیپلمات باید در بیان موضوع دلیر و در عین حال ملایم و صبور، و خویشتندار و گشاده‌رو در مقابل گستاخی دیگران باشد. دلباخته زنان نشود و از اعتیاد به الکل، مواد مخدر و قمار پرهیز کند. بی‌استعدادی در یک دیپلمات، بزرگترین عامل مخرب دولتی است که چنان دیپلماتی را انتخاب کند، لذا انتخاب دیپلمات باید با توجه به ارزشهای او باشد."

دیپلماتیک؛ سیاسی**Diplomatic**

واژه‌های دیپلماتیک، دیپلمات و دیپلماسی از کلمه یونانی دیپلما (تازدن، روی هم تاکردن) مشتق شده است و دیپلم در این معنی عبارت است از هر برگ تاشده یا سند حقوقی که روی هم تاخورد شده باشد. کلمه دیپلم را در فارسی، جواز و فرمان و دستور و حکم می‌گویند. در زمانهای سابق، هرگاه نماینده‌ای برای انجام دادن امری به کشور بیگانه فرستاده می‌شد، دستورعمل و یا فرمانی به او می‌دادند و طرز عمل و کار و وظیفه و حدود صلاحیت او را در آن تعیین می‌کردند و فرستاده می‌بایستی برطبق فرمان رفتار می‌کرد. بنابراین، طرز رفتار و چگونگی انجام دادن امور را دیپلماسی، فرستاده را دیپلمات و صفت امور مربوط به دیپلماسی یا مدیریت روابط بین‌المللی را دیپلماتیک خوانده‌اند. صفت دیپلماتیک در معنی عام به روابط کلی بین دو دولت اطلاق می‌شود که در زبان فارسی به "سیاسی" نیز ترجمه شده است، اما در معنی خاص به صفت دیپلماسی اطلاق می‌شود.

مأمور دیپلماتیک**Diplomatic Agent**

در روابط دیپلماتیک به رئیس مأموریت یا یکی از کارمندان دیپلماتیک مأموریت اطلاق می‌شود. مأمور دیپلماتیک مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرارداد. دولت پذیرنده باید با وی رفتار محترمانه‌ای داشته باشد و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او اتخاذ نماید. وظایف مأموران دیپلماتیک از جمله عبارتند از: شناساندن کشور متبوع به مردم کشور محل مأموریت، رساندن نیت و نظریات کشور متبوع به مقامات کشور محل مأموریت و بالعکس، مطلع شدن از اوضاع و احوال کشور محل مأموریت، حفظ منافع کشور متبوع و اتباع آن در کشور محل مأموریت.

Dignity

شان؛ قدر

۱- مفهوم اخلاقی بیانگر قدر و مرتبه و این عقیده که ارزش هر کس شخصیت اوست. ۲- برداشت اخلاقی خاص انسان نسبت به خویش و برداشت جامعه نسبت به او در اذعان به ارزش فرد. از یک طرف، آگاهی انسان از شأن خویش یک شکل از خودآگاهی است و از طرف دیگر، شأن فرد طلب می‌کند که دیگران محترمش دارند و حقوق متناسب با آن را به رسمیت بشناسند. در یک جامعه متعارض، شخص در درجه اول با اعتراض (در مبارزه با نهادهای جامعه) می‌تواند از حقوق خود دفاع کند. مردم با طغیان در برابر نظام اجتماعی غیرانسانی عملاً نشان می‌دهند (و نیز می‌فهمند) که مستحق شرایط زندگی بهتری هستند.

Diligence

سخت‌کوشی

خصوصیتی که با گرایش باطنی شخص به کارش و نیز نیاز و توانایی برای کار و علاقه به کار مشخص می‌شود و از لحاظ خارجی نتایج مفید اجتماعی آن به صورت کمی و کیفی ظاهر می‌گردد و عکس زندگی انگلی و طفیلی‌گری است. سخت‌کوشی همچنین نقطه مقابل انجام کار به صورت اجباری به عنوان منبعی برای کسب سود و یا وسیله مقام‌جوئی است.

Diplomacy

دیپلماسی؛ سیاستمداری

۱- علم و هنر نمایندگی کشورها و فن مذاکره. ۲- اداره روابط بین‌الملل به وسیله مذاکره سیاسی و روشی که سفرا و نمایندگان برای اصلاح و اداره این روابط به کار می‌برند و شغل یا فن دیپلماتها. ۳- هنری که برای انجام امور دیپلماتیک و حقوقی و حفظ منافع کشور خودی در خارج صورت پذیر می‌گردد. ۴- تطبیق درایت و فراست و ادب در اداره روابط رسمی بین کشورها. ۵- دانش روابط بین‌المللی که بر بنیاد قواعد به رسمیت شناخته شده همگانی استوار شده و به وسیله یک سلسله مراتب دیپلماتیک رهبری می‌شود. تکامل حیات اقتصادی و اجتماعی قرون وسطایی اروپا، یعنی به وجود آمدن و استوار شدن پایه‌های به دولت رسیدن طبقه بورژوازی سرمایه‌دار و انحطاط اصول و سرنگونی رژیم فئودالی و قدرت فئودالها، سبب و علت اصلی پیداشدن دیپلماسی دائم، یعنی دیپلماسی معاصر است. دیپلماسی جدید به تدریج و به موازات تغییرات و تکامل اقتصادی و اجتماعی توسعه یافت و از حال بسیط خارج و مرکب گردید؛ دستگاه ساده دیپلماسی متناوب و سفارت غیردائم به دستگاه مفصل وزارت امور خارجه مبدل شد. سیاست در دوران معاصر به دلیل نقش مهم سازمانهای اطلاعاتی و بالا رفتن حد پنهانکاری (سرپوشی لازم) و علمی بودن آن، اغلب زمانی آشکار می‌شود که کاملاً در صحنه جهان یا کشور، شکل خود را ظاهر کرده باشد. در غیراین صورت، در شطرنج دیپلماسی، خواندن دست حریف جز برای اهل فن و جز بر مبنای اطلاعات وسیع و موثق، آسان نیست.

Diploma Disease

مدرک‌زدگی

بیماری یا مرض کسب مدرک تحصیلی برای استفاده از مزایای آن و در اختیار گرفتن مشاغل معین و نه به منظور آموزش و پرورش واقعی و یافتن مهارت و صلاحیت. این واژه مترادف مدرک‌گرایی است.

میان رفتن تفاوت کار یدی و فکری و اختلافات طبقاتی، دیکتاتوری پرولتاریا نیز از بین برود و جای خود را به جامعه بدون طبقه، یعنی کمونیسم بسپارد. تئوری دیکتاتوری پرولتاریا، جوهر مارکسیسم است. این مفهوم در عمل، با دیکتاتوری حزب کمونیست مترادف شد، ولی در سالهای اخیر دستخوش تحول مهمی گردید و خیلی از احزاب کمونیست نیز رسماً آن را کنار گذاشته‌اند و بعضی نیز مانند احزاب کمونیست فرانسه و ایتالیا، واژه هژمونی پرولتاریا را جانشین آن کردند. در عصر حاضر، بخشی از پرولتاریای یقه چرکین قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم تبدیل به پرولتاریای یقه سفید شده و خودکاری تولید باعث کم شدن نقش مستقل و مولدش شده است. با تومور، جامعه‌شناس انگلیسی در کتاب طبقات اجتماعی در جوامع جدید نوشته است: مارکس پیش‌بینی نمی‌کرد که دیکتاتوری پرولتاریای مورد نظرش در عمل به صورت دیکتاتوری حزب واحد با یک رژیم بوروکراتیک و در کنترل شخصی واحد متجلی شود و نیز گمان نمی‌کرد که جنبش کاری در کشورهای سرمایه‌داری به پیدایش دولت رفاه عمومی کمک کند.

Diehard

آدم محافظه‌کار دو آتش: آدم مرتجع

کسی که فوق‌العاده در مورد کنار گذاشتن و رها کردن عقاید یا باورهایش بی‌میل است، حتی اگر کهنه و منسوخ شده باشند، مثل کسانی که هنوز در آمریکا به جدائی نژادی اعتقاد دارند.

Difference Principle

اصل نایکسانی

طبق این اصل که توسط جان راولز Rawls مطرح شده است، نابرابریها فقط در صورتی در یک جامعه قابل قبولند که فرصتهای برابر در آن حکمفرما باشد و ناکام‌راترین اعضای جامعه بتوانند از فعالیتهای ثروتمندترها بهره‌مند شوند.

Digital Diplomacy

دیپلماسی دیجیتالی

شیوه‌های به کارگیری اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات در دیپلماسی.

Digital Gap

شکاف دیجیتالی

وجود نابرابری در دستیابی و استفاده از فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی بین کشورهای توسعه یافته و عقب مانده که هم به مسائل سخت‌افزار و نرم‌افزار مربوط می‌شود و هم به مسائل مربوط به سواد اطلاعاتی - کامپیوتری و زبان (بویژه زبان انگلیسی). شکاف دیجیتالی بین کشورهای توسعه یافته و عقب مانده یکی از مسائل مهم قرن بیست و یکم است. در سال ۲۰۰۰ حدود ۹۹ درصد مردم آفریقا و جنوب آسیا از دسترسی به اینترنت محروم بودند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۲ اعلام کرد که شکاف دیجیتالی ممکن است اقتصادها و ملت‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه را باز هم بیشتر در حاشیه قرار دهد. به نظر کارشناسان، حتی اگر ملت‌های فقیر و عقب مانده آنقدر شانس بیابند که باسواد شوند و به یک زبان عمده جهان تکلم کنند، کاربری آنها از اینترنت در حوزه بازرگانی به علت فقدان کارت اعتباری محدود خواهد بود.

گفتگوی تمدنها در زمینه‌های فلسفی، بدنه‌یابی جغرافیائی و نقش‌آفرینی سیاسی با اتکا به هدفهای فرهنگی و اقتصادی.

Diaspora

دیاسپورا؛ آوارگی؛ آوارگی یهودیان

دیاسپورا در مورد جماعت‌های اقلیت دور از میهن به کار رفته که از یک مرکز اصلی به حداقل دو مکان پیرامونی پراکنده شده‌اند، از حافظه، بینش و اسطوره‌ای در مورد سرزمین اصلی خود پاسداری می‌کنند، اعتقاد دارند که به طور کامل از طرف کشور میزبان پذیرفته نشده‌اند یا احتمالاً نمی‌توانند کاملاً پذیرفته باشند، زمان آن که فرارسد به خانه آبا و اجدادی خود که آن را محل بازگشت نهائی می‌دانند باز می‌گردند، ملزم به پاسداری و یا بازگشت به این موطن نشده‌اند و سرانجام اینکه همبستگی و شعور یک گروه دیاسپورا، از طریق مناسبات مستمر با سرزمین مادری حاصل می‌شود. در معنی خاص، به سرگردانی قوم یهود اطلاق شده است.

Dictator

دیکتاتور؛ خودکامه؛ مستبد

فرمانروای مستبد یا کسی که بدون قید و شرط حکومت کند. دیکتاتورهای عصر حاضر، اغلب یا به‌عنوان رهبر یک حزب و یا به‌کمک پیروان خود از طریق شورش و کودتا، قدرت را به‌چنگ می‌آورند و یا از طریق قانون اساسی به‌حکومت می‌رسند و کم‌کم، حکومت دیکتاتوری به‌وجود می‌آورند. دیکتاتورها معمولاً به‌اتکاء یک حزب رسمی و کم‌کم پلیس مخفی و تبلیغات دامنه‌دار، حکومت ناپایدار خود را حفظ می‌کنند.

Dictatorship

دیکتاتوری؛ استبداد؛ حکومت دیکتاتوری

حکومت مطلقه یک فرد یا گروه و یا طبقه، بدون اینکه ملازم رضایت مردم باشد. حکومت دیکتاتوری، ناقض دموکراسی است و به‌شکل وسیعی متکی به‌نظام تبلیغاتی است. دیکتاتوریها معمولاً در شرایط بسیار متشنج و یا ناتوانی حکومت‌های قبلی در رهبری ملت و یا فقدان اتحاد و هماهنگی بین نیروهای سیاسی در کشور برقرار می‌شوند و ساقط کردن آنها جز با وحدت و مبارزه پیگیر نیروهای مخالف و یا از طریق قیام و انقلاب میسر نیست. بعضی ویژگی‌های دیکتاتوری عبارتند از: در کار نبودن هیچ قاعده و قانونی که براساس آن فرمانروا ناگزیر به پاسخگویی در برابر اعمالش باشد، کسب قدرت از طریق غیرقانونی، درکار نبودن حد مشخصی برای اعمال قدرت و هیچ قانونی برای جانشینی، اعمال قدرت از طریق وحشت و ترور و در جهت منافع یک گروه محدود، فرمانبرداری مردم از آن به‌علت ترس.

Dictatorship of Proletariat

دیکتاتوری پرولتاریا؛ استبداد کارگری؛ فرمانروایی مطلق کارگران

قدرت دولتی طبقه کارگر که در پی نابودی نظام سرمایه‌داری برقرار می‌شود و هدف آن، به‌وجود آوردن سوسیالیسم، حذف تقسیم جامعه به طبقات، تبدیل تمام اعضای جامعه به‌زحمتکش و از میان برداشتن پایه‌های هرگونه استثمار انسان توسط انسان است. مارکس در طرح خویش به‌منظور انتقال جامعه از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، یک مرحله عبور موقت به‌نام دیکتاتوری پرولتاریا (علیه بورژوازی) در نظر گرفته بود که طبق آن می‌بایست در پی از

می‌نماید. ۴- شاخه‌ای از منطق فلسفی که حالات بنیادی استدلال دقیق را آن چنان که پیاپی در آثار سقراط، افلاطون، ارسطو، رواقیان، کانت، هگل، مارکس و انگلس آمده است، منعکس می‌سازد.

Dialectical Materialism

ماتریالیسم دیالکتیک؛ ماده‌گرایی جدلی

نظریه مبتنی بر درک پدیده‌های طبیعت و جامعه از روی اصول ارتباط، تحول، جهش و تضاد که جهان‌بینی و اسلوب و مبنای تئوریک احزاب کمونیستی است. این نظریه با اعتقاد به تقدم ماده بر شعور، شعور را بازتاب جهان مادی در مغز انسان می‌داند، و اینکه علت اصلی تکامل اشیاء و پدیده‌ها در خود آنها قرار دارد و هر شیء یا پدیده در اثر حرکت جوهری نهفته در درون آن، در اثر مبارزه‌ای که بین جنبه‌های متضاد آن وجود دارد از ساده به‌بهرنج، از یک مرحله نازل به مرحله‌ای عالی‌تر تکامل می‌یابد. قانون تضاد یا قانون وحدت ضدین، هسته دیالکتیک ماتریالیستی است. مارکس به کمک این تئوری می‌خواست ثابت کند که سوسیالیسم در دنیای جدید حتمی‌الوقوع است. به نظر او، تاریخ تمام جوامع بشری تاکنون تاریخ مبارزه آشتی‌ناپذیر دو طبقه استثمارگر و استثمارشونده بوده است: تقابل یا تضاد بین فئودالها (تز) و رعیتها (آنتی‌تز) جامعه بورژوایی (سنتز) را پدید آورد و تضاد بین بورژوازی (تز) و پرولتاریا (آنتی‌تز) سرانجام سنتز جدیدی را که سوسیالیسم است، به وجود می‌آورد.

Dialogue

دیالوگ؛ گفتگو؛ از گذاری متقابل ارتباطی؛ همسخنی

ایجاد ارتباط مفهومی بین دو یا چند طرف که ممکن است کلامی و یا علت و معلولی و از راه‌هایی مثل مذاکره، کشمکش، مشاجره و یا کنش و واکنش متقابل باشد.

Dialogue among Civilizations

گفتگوی تمدنها

این اصطلاح اخیراً در برابر نظریه "برخورد تمدنها" به کار رفته و بیانگر لزوم نزدیکی تمدنها و فرهنگهای مختلف جهان و اعتقاد به تساوی و برابری آنها است. سید محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد گفتگوی تمدنها را ابتدا در اجلاس سال ۱۳۷۶ سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران و سپس در دوازدهمین اجلاس سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۹۸ در دوران آفریقای جنوبی و در سپتامبر همان سال در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک مطرح کرد و مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرار گرفت. کمیته عمومی سازمان ملل متحد نیز در ۲۳ ماه اکتبر سال ۱۹۹۸ به اتفاق آراء، پیشنهاد ایران را در مورد درج موضوع اعلان سال ۲۰۰۱ میلادی به عنوان سال گفتگوی تمدنها در دستور کار اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب کرد. مجمع عمومی در ۴ نوامبر همان سال به اتفاق آراء، پیشنهاد سید محمد خاتمی را مبنی بر نامگذاری سال ۲۰۰۱ به عنوان سال گفتگوی تمدنها تصویب کرد. به نظر عده‌ای، ایده گفتگوی تمدنها را باید از جهات زیر بررسی کرد: ۱- برای هموار کردن راه پدیده‌ای به نام زندگی مشترک خانواده بشری، یا میراث مشترک بشر از تمدن، که از به هم آمیختن دستاوردهای علمی، فنی و فرهنگی همه تمدنها پدید آمده و گسترش می‌یابد. ۲- برای مقابله با بحران ناشی از بالاگرفتن چالش تمدنی غرب نسبت به تمدنهای دیگر. ۳- برای مقابله با مسابقه تسلیحاتی. ۴- برای نرم ساختن لبه‌های تیز جهانی شدن‌های کاپیتالیستی مطلق. ۵- شکل‌گیری ایده

وزیران امور خارجه و کمیسیون کارشناسان ارشد است.

توسعه

Development

۱- بهبود، رشد و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی. ۲- گسترش ظرفیت نظام اجتماعی برای برآوردن احتیاجات محسوس یک جامعه. امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، برابری اجتماعی، رشد اقتصادی، صلح و موازنه محیط زیست، مجموعه‌ای از این احتیاجات است. ۳- فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه. جنبه‌های مهم توسعه عبارتند از: ارتقای سطح زندگی افراد (مثل درآمد، مصرف مواد غذایی، خدمات بهداشتی و آموزشی) از طرق مناسب رشد اقتصادی، ایجاد شرایطی که موجب رشد عزت نفس افراد شود و افزایش آزادیهای آنها. ۴- فرایندی که کوششهای مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی هر محل هماهنگ کند، مردم این محل را در زندگی یک ملت ترکیب نماید و آنها را تماماً برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد. در کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد درباره جمعیت و توسعه که در سال ۱۹۹۴ در قاهره برگزار شد، سه مسأله مطرح گردید: ۱- مسأله محیط زیست و افزایش جمعیت ۲- توسعه، تنها راه مقابله با مشکل جمعیت است ۳- ارتباط تنگاتنگ جمعیت، محیط زیست و توسعه، نه تنها در نسلهای کنونی که در نسل‌های آینده نیز صادق است و این به معنی توسعه پایدار است.

برنامه توسعه؛ برنامه عمرانی

Development Plan

سندی که از طرف یک سازمان برنامه‌ریزی دولتی انتشار می‌یابد و حاوی اطلاعاتی از اوضاع اقتصادی کشور، هزینه‌های پیشنهادی بخش دولتی، توسعه‌های احتمالی در بخش خصوصی، پیش‌بینی برنامه کلان اقتصادی و بازبینی سیاستهای دولتی است.

انحراف طلبی

Deviationism

تمایل به انحراف - در هر حزب کمونیست - از خط مشی یا عقیده‌ای که رسماً به تصویب رسیده است. این واژه در سال ۱۹۲۱ و در قطعنامه دهمین کنگره حزب کمونیست روسیه شوروی به کار رفت. دکماتیسم یا هواداری کورکورانه از مارکسیسم، بدون توجه به واقعیات و تجربه‌گرایی یا توجه به واقعیات به قدری که به رد مارکسیسم منتهی شود، دو نوع عمده انحراف طلبی است. بعلاوه، انحراف طلبی ممکن است به صورت چپ (ماجراجویی) و یا راست (تسلیم طلبی) بروز کند.

تفویض اختیار

Devolution

واژه بریتانیایی برای اشاره به انتقال اختیارات به مقامات تابعه که بویژه در ارتباط با مجلس عوام انگلستان و سازمانهای اداری ایرلند شمالی به کار رفته است.

دیالکتیک؛ جدل؛ استدلال

Dialectic

۱- وجود دو عامل متضاد در یک پدیده. ۲- کاربرد بحث منطقی هنگام بررسی حقیقت یک عقیده یا تئوری. ۳- شیوه بررسی در منطق و فلسفه که همه اشیاء و پدیده‌ها را در حرکت و تغییر و دگرگونی مداوم می‌داند و پیشرفت را در مبارزه تضاد و تبدل از دگرگونی کمی به کیفی مشاهده

اجرای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی اساسی تلاش می‌کنند. و تعدادی از آنها نیز از نظر اقتصادی پیشرفت کرده‌اند. پیترو آیانگ نیونگو، دانشمند علوم سیاسی اهل کنیا عقیده دارد که "بدون یک رهبری متعهد به رفاه اقشار جامعه، کاری نمی‌توان کرد. بعضی بر این عقیده‌اند که بنگاههای غیردولتی می‌توانند مسئولیت توسعه در کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) را عهده‌دار شوند. این جز توهّم، چیز دیگری نیست. این سازمانها امکان دارد بتوانند دارو و درمان فراهم کنند و از تلاشهای گروهی زنان حمایت نمایند، اما قادر نیستند جاده و راه آهن بسازند یا برای بهداشت و آموزش، یک زیرساخت مناسب به وجود آورند. فقط حکومت‌های ملی می‌توانند این وظیفه را عملی کنند. مهم‌تر از همه، تغییر باید از درون ناشی شود. روی کار آمدن رهبران جدید باید مورد تشویق قرار گیرد؛ رهبرانی که هموطنانشان را رهبری می‌کنند و خالصانه خود را به تغییر و توسعه متعهد می‌دانند بدون اینکه لحظه‌ای اصول دموکراتیک را از یاد ببرند. در غیر این صورت، بیکاری و بدهکاری همچنان ادامه می‌یابد و حکومتها به فشار خود بر مردم و نادیده گرفتن حقوق و خواسته‌های آنها ادامه می‌دهند. این رهبران تازه، باید واقعاً مورد اعتماد مردم باشند، نه وارثان محض امتیازات موجود." کیشور محبوبانی، نماینده سابق سنگاپور در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ در اثرش به نام: آیا آسیایها توانائی فکر کردن را دارند؟ برای کشورهای در حال توسعه، ده فرمان راه رشد سرمایه‌داری بر شمرده که مختصراً به شرح زیر است: ۱- برای ناکامیهای خود در راه توسعه، خودت را سرزنش کن. سرزنش استعمار و امپریالیسم بهانه است. ۲- رشوه و فساد، مهمترین علت ناکامی در زمینه توسعه است. ۳- به هیچ کالائی یارانه نپرداز. ۴- نظارت دولت بر بازار آزاد را کنار بگذار. ۵- زیاد وام نگیر، اما از سرمایه‌گذارهای خارجی استفاده کن. ۶- راههایی را که قبلاً هموار شده است در پیش بگیر و اسیر ایدئولوژیهای مرده نباش. ۷- آموزه‌های کارل مارکس را فراموش کن و افکار آدم اسمیت را به کار بند. ۸- باید در پیشرفت فروتن باشی و به جهان پیشرفته در مورد خطاهایشان درس ندهی. ۹- از هرگونه گفتگوهای شمال و جنوب که تنها سخن پردازیهایی ریاکارانه را تشویق می‌کند، پرهیز. ۱۰- امیدوار باش.

Developing-8 (D-8) Group

گروه دی-۸

تشکل ۸ کشور اسلامی در حال توسعه: ایران، ترکیه، پاکستان، مصر، مالزی، اندونزی، نیجریه و بنگلادش که اولین اجلاس آن در نوامبر ۱۹۹۶ در استانبول و دومین اجلاس شورای وزیران امور خارجه آن در هفته اول ژانویه سال ۱۹۹۷ در استانبول ترکیه برگزار شد. در اجلاس اخیر فقط از کشور مصر به جای وزیر امور خارجه، معاون وزیر امور خارجه شرکت کرده بود. گروه دی-۸ یک مجموعه جهانی است که پس از نهایی شدن شرایط عضویت در آن، در هایش به روی سایر کشورها نیز باز می‌شود. هدف از ایجاد این گروه، فراهم آوردن امکان همکاری بویژه در زمینه‌های اقتصادی و تجاری، صنعتی، فنی و بهداشتی بین کشورهای اسلامی در حال توسعه است. در بیانیه پایان کار اجلاس وزیران امور خارجه کشورهای گروه دی-۸ در استانبول در چهارم ژانویه سال ۱۹۹۷ از جمله آمده است که کشورهای گروه هشت مصمم به همکاری متقابل در زمینه‌های گوناگون، مثل سرمایه‌گذاری مشترک در کشورهای جهان سوم، همکاریهای فنی، تبادل کارشناس، برپایی نمایشگاههای تجاری و صنعتی‌اند. سه رکن اساسی کشورهای گروه هشت: اجلاس سران، شورای

Determinism

علت‌گرایی؛ جبرگرایی

۱- مکتبی که علت‌ها را به یکدیگر مشروط و وابسته می‌داند و منکر تصادف‌های بدون علت است. ۲- اعتقاد باینکه هر واقعیتی در جهان پیرو قانون است و پیشامدهای آینده را رویدادهای گذشته تعیین می‌کند. ۳- نظریه‌ای که براساس آن، آینده جهان و نیز انسان، تابع نیرویی مسلط است که به صورت مطلق و خودکامه تمام پدیده‌ها را در اختیار خود دارد و اینکه آزادی انسان توهمی بیش نیست.

Deterrence

بازدارندگی

دکترین نظامی دوران پس از جنگ جهانی دوم، و وضعیت تهدیدآمیز موجود بین حداقل دو رقیب که به موجب آن، طرف اول تهدید می‌کند چنانچه مثلاً تغییری در وضع موجود داده شود، خسارات سنگینی بر طرف دوم وارد می‌گردد. هدف نهایی این سیاست، جلوگیری از برخورد است. موفقیت این سیاست مستلزم وجود سه شرط اساسی است: ۱- ایجاد ارتباط، یعنی عامل بازدارنده به طرف مقابل تفهیم کند که نسبت به چه اموری علاقه‌مند است و هیچگونه انعطافی را در آن موارد نمی‌پذیرد. ۲- قابلیت، یعنی بازدارنده بتواند رقیب احتمالی را تهدید به چنان مجازاتی کند که او از انجام هرگونه عمل مخالف خواسته بازدارنده منصرف شود. ۳- اعتقاد به اعتبار تهدید، یعنی طرف مقابل مطمئن باشد که نه تنها مجازات احتمالی عمل مورد نظر او سنگینتر از منافع آن است، بلکه طرف اول در انجام مجازات، لحظه‌ای تردید به خود راه نمی‌دهد.

Deterritorialization

قلمروزدایی

از بین بردن مرزها، مرزهای جغرافیائی و فاصله‌های سرزمینی.

Devaluation

تضعیف پولی؛ کاهش ارزش برابری پول

۱- کاستن از محتوای فلزی پولی که قانون معین نموده است. ۲- تنزل ارزش پول یک کشور نسبت به پولهای کشورهای دیگر.

Developed Socialism

سوسیالیسم پیشرفته

این واژه در سال ۱۹۷۷ توسط برژنف رهبر شوروی سابق به کار رفت که بر هماهنگی و کمال و پختگی اجتماعی در داخل این کشور و اهمیت مدیریت علمی و بهره‌گیری از تکنولوژی در آینده این کشور تأکید دارد.

Developing Countries

کشورهای در حال توسعه

کشورهایی که بیشتر آنها در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین قرار دارند. اقتصاد این گونه کشورها، بویژه کشورهای آسیایی و آفریقایی به‌طور عمده متکی به کشاورزی است. آنها به‌رغم اینکه منابع طبیعی قابل توجهی در اختیار دارند اما تمام این ثروت طبیعی که اغلب به‌طور نامحدود مورد بهره‌برداری انحصارات سلطه‌گر خارجی قرار می‌گیرد، برای خودشان منافع اندکی دربردارد. با اینهمه، کشورهای در حال توسعه که زمانی به‌وسیله استعمارگران از جریان تاریخ دور نگهداشته شده بودند، اکنون برای رهایی از سلطه انحصارات خارجی و بالا بردن سطح فرهنگ و رفاه مردم و

پول بیشتر برای آموزشگاهها به معنی امتیازات بیشتر برای عده‌ای از افراد و به‌ضرر اکثریت مردم است و پدرسالاری گروه برگزیده به‌عنوان آرمان سیاسی تلقی می‌شود. به‌نظر ساموئل با ولز و هربرت جین تیس، نابرابری در آموزش و پرورش بخشی از شبکه جامعه سرمایه‌داری است و احتمالاً تازمانی که سرمایه‌داری وجود دارد، این نابرابری پا برجا خواهد بود. آنها اعتقاد دارند که مدارس را نه می‌توان و نه باید حذف کرد، بلکه این سرمایه‌داری است که به‌عنوان یک نظام غیر منطقی و غیر عقلانی راه پیشرفت اجتماعی را سد کرده است و بنابراین باید سرنگون شود.

Despot

فرمانروای مستبد

جتار، حاکم مطلق و خودرأی.

Despotism

استبداد؛ خودکامگی؛ حکومت استبدادی

۱- نظامی که در آن، قدرت حاکمه و اختیارات نامحدود به‌شخص ظالم و مستبدی مثل سلطان واگذار شده باشد. ۲- از نظر عبدالرحمن کواکبی، استبداد تصرف کردن یک نفر یا جمعی است در حقوق ملتی بدون ترس بازخواست. ۳- هر نوع اقتدار که مشروعیتش و یا روش اعمال قدرت در آن، مورد قبول همه مردم نباشد.

Destabilization

بی‌ثبات‌سازی

راهبرد ضعیف کردن یک کشور (معمولاً کوچکتر) توسط کشور دیگر. استراتژی ایجاد بی‌ثباتی در مقوله جنگهای کم‌شدت می‌گنجد و دارای این مزیت است که از عملیات نظامی در مقیاس بزرگ مثل تهاجم اجتناب می‌شود و تاکتیکهای آن از جمله عبارتند از: جنگ تبلیغاتی، قطع ارتباطات مالی و تجاری، حمایت تسلیحاتی از گروه‌های ناراضی، خرابکاری در بنادر و سدها و نیروگاه‌ها، تهدید و حتی قتل رهبران محلی و متخصصان ارزشمند، آتش زدن محصولات کشاورزی و بیخ‌نمان کردن کشاورزان، استفاده از شکنجه در مورد بعضی نیروها. ایالات متحده آمریکا چنین تاکتیکهایی را در دهه ۱۹۸۰ در مورد نیکاراگوئه و موزامبیک به‌کار برد.

Destalinization

استالین‌زدایی

این واژه پس از اینکه خروشچف در کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی (۱۹۵۶) استالین را به‌اعمال خشونت و کیش شخصیت متهم ساخت، مصطلح شد و مفهوم آن عبارت است از استقرار حکومت قانون، آزادیهای فردی و فرهنگی و تنظیم عاقلانه کار و سرمایه.

Detente

تشنج‌زدایی؛ تنش‌زدایی؛ دتانت

۱- واژه فرانسوی به‌معنی تخفیف تشنج بین دولتها یا پایان دوران تیرگی روابط و برطرف کردن اختلافها نه از طریق زور، تهدید و یا شمشیر کشیدن به‌روی یکدیگر، بلکه از طریق مسالمت‌آمیز و نشستن دورمیز مذاکره. ۲- از بین بردن یا کاهش خصومت بین دولتهای معاهد پیمان ناتو و پیمان سابق ورشو و نزدیک شدن آنها به یکدیگر. این اصطلاح، از دهه ۱۹۶۰ در عرف بین‌الملل و بویژه در روابط آمریکا و شوروی سابق رایج شد.

Deregulation**آزادگذاری؛ رفع محدودیت**

کاهش مقررات دست و پاگیر که با عدم تمرکز و تفویض اختیار همراه است.

Desaparecido (Disappeared)**ناپدید شده؛ سر به نیست شده؛ مفقودالای؛ گمشده**

واژه اسپانیولی برای اشاره به هر یک از کسانی که در دوره حکومت نظامی آرژانتین (۱۹۸۳-۱۹۷۶) و یا به طور کلی، هر کسی که در رژیمهای توتالیتر یا یکه تاز آمریکای جنوبی و مرکزی ناپدید و در واقع به وسیله مأموران حکومتی یا جوخه‌های مرگ سر به نیست شده است. عمل سر به نیست کردن که به گمان عاملان آن، راحت‌ترین راه برداشتن مدعیان و اشخاص سرشناس و تأثیرگذار بر جامعه از سر راه است، به عنوان نوعی تروریسم دولتی غیررسمی برای بیشتر کردن دوران حکومت‌های ناپایدار دیکتاتورها ارزیابی شده است.

Deschooling**مدرسه زدایی**

۱- عقیده متفکرانی مثل ایوان ایلچ، پائولو فریره و پل گودمن مبنی بر مخالفت با مدرسه به عنوان عامل بقای استثمار و نابودکننده آموزش و پرورش واقعی. به نظر آنها آموزش و پرورش باید از سازمان مدارس جدا باشد و در شبکه‌های تربیتی انجام شود. منظور از شبکه‌های تربیتی، تجربه‌زندگی دانش‌آموزان است و نه آن برنامه درسی که معلمان تنظیم می‌کنند. مشخصات مدارس نابودکننده آموزش و پرورش واقعی به شرح زیر خلاصه شده است: مدارسی که هدف آنها مستخدم‌پروری، فرمانبرداری و انفعال، هدف دروس آنها تأیید جامعه، روشهای آموزشی آنها مبتنی است بر حفظ کردن و عادت کردن و تلقین و تکرار، بهره‌برداری از انگیزه ترس و استفاده از محرکهای منفی بیرونی مثل مجازات، مردود و یا اخراج شدن، انگیزه ترس در عین حال موجب انواع رذیلت می‌شود مثل دروغ، نیرنگ، نفاق، تملق، آزمندی و نخوت، و بالآخره اینکه دوره آموزش و پرورش در این نوع مدارس، منحصر به کودکی و نوجوانی و نه سراسر عمر است. ۲- نظریه‌ای که مدرسه را مؤسسه‌ای سیاسی می‌داند که در اختیار منافع سیاسی (سرمایه‌داری بین‌المللی) قرار دارد و می‌خواهد شبکه‌های آموزشی را جایگزین مدارس سنتی کند تا دانش، بدون واسطه قدرت سیاسی به کودکان آموخته شود. پائولو فریره از جمله طرفداران این نظریه است که عقایدش بیشتر درباره آمریکای لاتین ارائه شده و مختصراً به شرح زیر است: نقش اجتماعی کردن مدرسه عبارت است از القای ایدئولوژی طبقه حاکم در کودکان و اینکه آموزش و پرورش یکی از وسایلی است که بسیاری از دولتها برای حفظ اطاعت مردم و قبولاندن نظم موجود به کار می‌برند. آموزش و پرورش می‌تواند یا در خدمت رام سازی انسانها باشد یا در خدمت آزاد کردن آنها. نگهداری فرهنگ موجود، ابدی ساختن ارزشهای طبقات حاکمی است که آموزش و پرورش را سازمان می‌دهند و هدفهایش را تعیین می‌کنند. مدرسه سنتی نه فقط مردمی کردن را موجب نمی‌شود، بلکه تبعیض اجتماعی جدیدی را به وجود می‌آورد. اساس این تبعیض، شرط داشتن دیپلم برای راه یافتن به مدارج عالی جامعه است. نظام تحصیلی، به عنوان تنها گذرگاه قانونی برای رفتن از "توده" به "برگزیده"، تقریباً هر وسیله دیگر ارتقاء را برای فرد ناممکن می‌سازد و زیر عنوان گمراه کننده رایگان بودن، این عقیده را که تنها فرد، مسئول و مقصر عقب‌افتادگی خویش است به وجود می‌آورد. در تمام آمریکای لاتین،

عبارتند از: حاکمیت سرمایه در مراکز قدرت و گسترش آن به خارج از مرزها در شکل سرمایه گذاری در کار تولید مواد اولیه و فرآورده‌های کشاورزی. ۳- وابستگی صنعتی - تکنولوژیک که پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شد و اساس آن بر نقش و عملکرد شرکت‌های چند ملیتی قرار دارد و در عین حال با نیازهای اصلی بازار کالا و ارز بین‌المللی ملازمه و ارتباط تنگاتنگی دارد.

Dependency

وابسته (تحت‌الحمایه)

هر واحد سیاسی که کاملاً مستقل نباشد و کمابیش توسط دولت دیگر کنترل شود.

Dependency Theory

نظریه وابستگی

نظریه‌ای انتقادی بر رابطه نابرابر کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری با جهان سوم که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مطرح شد. طبق این نظریه، کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری مثل آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا واقعاً استعمارگری را رها نکرده‌اند، بلکه از طریق اعمال فشارهای اقتصادی و موقعیت برتر بازارهایشان و نیز شرکت‌های چند ملیتی که با کنترل قیمت مواد خام و کالاهای اساسی بر بازرگانی بین‌المللی سیطره دارند، کنترل سیاسی و تسلط اقتصادی خویش را بر کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا همچنان برقرار داشته‌اند. این واژه مترادف استعمار جدید است.

Dependent State

دولت وابسته

دولتی که تحت کنترل دولت دیگر باشد.

Depersonalization

شخصیت‌زدایی؛ ناکس شدن

بی‌شخصیت شدن، نداشتن احساسی روشن از هویت شخصی یا بیگانگی با خود یا عدم برخورداری از تعادل در شخصیت.

Deportation

اخراج از کشور

تبعید و بیرون کردن فرد خارجی از کشوری به کشور اصلی‌اش، به دلایلی از جمله ارتکاب جرم‌های مهم و یا شرکت در فعالیتهای براندازی.

Deputy

نماینده؛ قائم‌مقام

۱- کسی که به‌او اعتماد کنند و کاری را به‌او واگذارند. ۲- نماینده‌ای که از طرف یک حزب یا جمعی از مردم برای انجام وظایفی انتخاب شود.

Deracinement

ریشه‌بریدگی؛ بی‌ریشگی

واژه فرانسوی برای اشاره به پدیده‌ی ناشی از رخنه‌سریع ارزش‌های جهان توسعه یافته در شکاف‌های بدنه ضریب خورده‌ی جوامع کهن و متزلزل شدن ارزش‌های قدیمی و جداگشتن افراد از ریشه‌های ملت خود. پدیده‌ی ریشه‌کنده شدن، سرچشمه بسیاری از آشفته‌گی‌های روحی و روانی اقشار متوسط شهری و روشنفکران و یأس و اضطراب آنها است.

به‌عنوان مجازات معمولاً بر مبنای تقصیر تبعه، یعنی ابراز عدم صداقت و وفاداری نسبت به قوانین و شئون ملی دولت متبوعه صورت می‌گیرد. در پاره‌ای از کشورها نیز از اتباع خود که به‌دولت خارجی پناهنده می‌شوند، سلب تابعیت می‌کنند. سلب تابعیت، خواه به‌عنوان مجازات باشد و خواه در اثر پناهندگی، ایجاد آپاتریدی (بی‌تابعیتی) می‌نماید. آپاتریدی ناشی از پناهندگی با گذشتن یک یا دو نسل به‌وسیله اعمال سیستم خاک قابل‌رفع است، یعنی مرور زمان این مشکل را حل می‌کند. اما آنچه امروزه مانع بزرگی برای اجرای قاعده پیوسته بودن تابعیت (افراد ناگزیرند که پیوسته با دولتی از لحاظ سیاسی مرتبط باشند) به‌شمار می‌رود همان آپاتریدی ناشی از مجازات است.

Denial of Justice

استنکاف از احقاق حق

دولتها موظفند که به‌بیگانگانی که به‌آنها صدمه یا خسارتی وارد شده، اجازه دهند تا برای احقاق حق خود به‌مقامات قضایی صلاحیتدار مراجعه کنند. قصور نسبت به‌انجام این وظیفه، استنکاف از احقاق حق شمرده می‌شود که یکی از موارد تحقق مسئولیت بین‌المللی است. یعنی هر دولت، مسئول صدمه یا خسارتی است که در نتیجه استنکاف از احقاق حق، به‌یک تبعه خارجی وارد شود. صورتهای مختلف استنکاف از احقاق حق عبارتند از: خودداری از قبول دعوای بیگانگان در دادگاههای داخلی، آیین دادرسی ناقص، قضاوت و حکمی که غیر عادلانه بودن آن آشکار باشد.

Deontology

بایاشناسی؛ تکلیف‌شناسی

شعبه‌ای از علم اخلاق که با مسائل تکلیفی و الزام‌آور یا واجب مربوط است و معیارهای اخلاقی را به شکل حکم و فریضه بیان می‌کند.

Department

وزارتخانه

در ایالات متحده آمریکا به‌تقسیمات بزرگ و متنوع اداری حکومت گفته می‌شود که در رأس هر یک از آنها یک عضو کابینه قرار دارد. وزارت خارجه Department of State آمریکا از سال ۱۷۸۹ به‌این نام خوانده شد. مفهوم این واژه در فرانسه، استان است. گروه، اداره، واحد و بخش نیز از جمله معانی دیگر این واژه‌اند.

Departmentalism

دپارتمانالیسم؛ اعتقاد به تقسیم وظایف

اعتقاد به‌روش عدم تمرکز در اداره کشور و تفویض اختیارات وسیع به‌مسئولین اداره امور تقسیمات کوچک کشوری.

Dependence

وابستگی

از نظر سیاسی، وابسته بودن حاکمیت یک کشور به‌سلطه و اقتدار خارجی. از نظر اقتصادی، تابعیت و انقیاد اقتصاد کشور در برابر اقتصاد قویتر خارجی که آن را تحت سلطه خود دارد. دوس سانتوس محقق آمریکای لاتین، شکلهای تاریخی وابستگی را به‌صورت زیر مشخص نموده‌است:

- ۱- وابستگی استعماری که ویژگی آن صدور کالا بود و در آن سرمایه‌داری تجاری - مالی با کمک دولتهای استعماری از طریق انحصاری کردن تجارت، روابط اقتصادی اروپا و مستعمرات را تحت کنترل داشت.
- ۲- وابستگی مالی - صنعتی که در اواخر قرن نوزدهم ایجاد شد و خصوصیات آن

به محض اینکه انتخابات آزاد تحقق یابد، دموکراسی ایجاد شده است.

Democratic Republic

جمهوری دموکراتیک

حکومت جمهوری در صورتی که مبتنی بر دموکراسی باشد، جمهوری دموکراتیک خوانده می شود. سابقاً یکی از ویژگیهای آن، گرایش به سوسیالیسم و کشورهای سوسیالیستی بود. اصطلاح جمهوری دموکراتیک همچنین نام دیگر جمهوری یا دموکراسی بورژوازی است.

Democratic Socialism

سوسیالیسم دموکراتیک؛ سوسیالیسم مردمی

۱ - سیاستی که به موجب آن، درجه معتدلی از نظام سوسیالیستی بویژه برنامه ریزی ملی اقتصادی و تا اندازه ای ملی کردن صنایع بزرگ، با جریانات سیاسی و پارلمانی و آزادیهای مدنی به مفهوم جوامع سرمایه داری مطابقت داده شود. ۲ - سوسیالیسمی که از طرق دموکراتیک، یعنی انتخابات آزاد و پارلمان تعقیب شود و معمولاً متمایز از سوسیالیسم و کمونیسم ناشی از انقلاب و نیز سوسیال دموکراسی است. سوسیالیسم دموکراتیک از جمله به وسیله حزب کارگر انگلستان تعقیب می شود.

Democratism

دموکراتیسم؛ آیین مردم سالاری

تئوری، نظام یا اصول دموکراسی.

Democratization

دموکراتیک کردن؛ مردمی کردن (شدن)؛ برقراری مردم سالاری

روند استقرار نهادها و ارزشهای مردمی در جامعه، اقتصاد و سیاست.

Democratorship

دموکراتوری

واژه دموکراتوری در مورد حکومت یلتسین در روسیه به کار رفته که ترکیبی است از دموکراسی و دیکتاتوری.

Demonstration

تظاهرات؛ دمنستراسیون

گونه ای مبارزه سیاسی است که مردم با اجتماع و راه پیمایی در معابر عمومی و بیان خواستهای خود از طریق شعارهای شفاهی و کتبی، مخالفت خود را با هیأت حاکمه یا سیاست کشورهای دیگر اعلام می کنند و مطالبات سیاسی و اقتصادی خویش را بیان می دارند. تظاهرات ممکن است در جهت پشتیبانی و حمایت از یک شخص یا یک موضوع و یا به علامت مخالفت با شخص یا موضوعی انجام شود.

Demystification

راززدایی

فرایند برانداختن یا برداشتن پرده های پندار و اسرار آمیز از چیزها و امور - بویژه اجتماعی - از طریق تلاش برای آشکار ساختن علل واقعی رفتار و اعتقادات اجتماعی.

Denationalization

سلب تابعیت؛ خلع تابعیت

خارج کردن کسی از تابعیت یک دولت، به عنوان مجازات و یا در اثر پناهندگی. سلب تابعیت

مقصود از دموکراسی اقتصادی، استقرار شرایط اقتصادی ویژه‌ای است که همه افراد جامعه بتوانند از حداقل مایحتاج زندگی خود بهره‌مند گردند. ۲- مجموعه‌ای از نهادها که هدف آن به حداقل رساندن خطاهای اداره سیاسی جامعه از راه به‌حداکثر رساندن مشارکت عمومی و کاهش نقش شخصی فرد در اتخاذ تصمیمات سیاسی است. ۳- حکومت اکثریت با رعایت حقوق اقلیت. ۴- حق تمام مردم برای شرکت در تصمیم‌گیری در مورد امور عمومی.

دموکرات؛ آزادخواه؛ طرفدار دموکراسی؛ هوادار مردم سالاری
Democrat
 به طرفداران دموکراسی و آزادی و معتقدین به مساوات اجتماعی اطلاق می‌شود. در ضمن، به افرادی که عضو یکی از احزاب دموکرات در کشورهای مختلف باشند، دموکرات می‌گویند.

دموکراتیک؛ مردمی
Democratic
 صفت برابری و پذیرش حکومت اکثریت و حقوق اقلیت.

مرکزیت دموکراتیک؛ ساتراپسم دموکراتیک؛ مرکزیت آزادمنشانه
Democratic Centralism
 از اصول مهم تشکیلات احزاب، بویژه احزاب کارگری است که روشنگر مناسبات بین دستگاه رهبری و اعضای حزب، بین ارکان بالایی و پایینی حزب و بین اعضای حزبی است. از جنبه عملی عبارت است از انتخابی بودن تمام ارگانهای حزبی، رعایت انضباط سازمانی از جانب کلیه اعضا، تبعیت اقلیت از اکثریت، تبعیت از تصمیمات کمیته مرکزی، تلفیق رهبری جمعی و مسئولیت فردی، ارائه منظم گزارش به مراجع بالاتر توسط ارگانهای حزبی و بحث اساسی و حزبی در حزب.

استبداد خلقی؛ خودکامگی مردم سالارانه
Democratic Despotism
 این واژه، مترادف اصطلاح "خودکامگی اکثریت" است که در سال ۱۸۵۶ توسط توکویل (۱۸۰۵-۱۸۵۹) سیاستمدار و مورخ فرانسوی به کار رفت و منظور از آن، اشاره به استبداد اکثریت تازه به دوران رسیده است که با استفاده از دکتربین "حاکمیت خلق" می‌خواهد از آزادیهای فردی و اجتماعی اقلیتهای دینی و فرهنگی و سیاسی جلوگیری کند.

دیپلماسی دموکراتیک؛ دیپلماسی مردمی
Democratic Diplomacy
 اساس دیپلماسی دموکراتیک چنین است: دیپلمات که مستخدم دولت است، مسئول وزیر خارجه و وزیر خارجه که عضو کابینه است مسئول اکثریت مجلس و مجلس که از اجتماع نمایندگان است مسئول امیال و نظریات ملت حاکم است. دیپلماسی مردمی برخلاف دیپلماسی امپریالیستی، به سودجویی و زدوبند و حیل‌گری و تحمیق و بازیهای پشت پرده و معامله با کدخدا برای چابیدن ده و امثال این روشهای غیرانسانی تکیه نمی‌کند و هدفش پاره کردن زنجیر اسارت ملتها، رهایی از یوغ سلطه گران و ایجاد محیط وفاق و دوستی است.

حکومت دموکراتیک؛ رژیم مردمی
Democratic Regime
 شکل حکومت ملی قانونی، اعم از مشروطه یا جمهوری که در آن آزادی سیاسی وجود داشته باشد. به بیان دیگر، رژیم دموکراتیک عبارت است از انتخاب زمامداران به وسیله اداره‌شوندگان، و

نقشه برداران و عده‌ای مأمور نظامی به منظور مراقبت از هیأت است.

Démarche

اقدام (دیپلماتیک)

واژه فرانسوی به معنی گام. به طور کلی، واژه "دمارشه" تمام معانی از پیشنهاد (گشایش یا پیشرفت یا افتتاح باب مذاکرات دیپلماتیک و سیاسی) تا تهدید را می‌رساند.

Demarchy

حکومت مردمی؛ دموکراسی گزیدگان؛ دمارکی؛ فرمانروایی مردم

در فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد (ایان مک لین) آمده که این واژه در سال ۱۹۸۵ توسط جان بورنهایم Burnheim فیلسوف استرالیایی برای اشاره به دموکراسی مبتنی بر گروه‌های منتخب تصمیم گیرندگان به کار رفته که نه از طریق انتخابات، بلکه با قرعه و اتفاقی انتخاب شده‌اند تا تشکیل یک نظام سیاسی بدون دولت و بوروکراسی را بدهند. ۲- این اصطلاح با استفاده از دو کلمه یونانی Demos به معنی مردم و Archein به معنی حکومت و فرمانروایی ساخته شده و فریدریش آگوست فون هایک (۱۸۹۲-۱۸۹۹) Hayek استاد علوم اقتصادی و سیاسی اتریشی از آن به عنوان جانشین «دموکراسی» یاد کرده است. دمارکی این دانشمند، بر دو اصل، استوار است: قانون که عمل مستمر جامعه را توجیه می‌نماید و رهنمودهای حکومت که به امور جاری، نظم و ترتیب می‌دهد. دو اصل قانون و رهنمودهای حکومت باید توسط دو مجمع عمومی تنظیم شوند. یکی، مجمع قانونگذاری است که حقوق سیاسی را تضمین می‌کند و متشکل از زنان و مردانی است که در سن چهل و پنج سالگی به مدت پانزده سال، توسط رأی دهندگان هم‌سن خود انتخاب می‌شوند. یعنی هر فرد، یکبار در زندگی می‌تواند رأی بدهد. دیگر، مجمع حکومتی که می‌تواند مثل پارلمانهای کنونی عمل نماید. برای انتخاب نمایندگان باید از کسانی استفاده کرد که نماینده دولت و یا دریافت کننده کمک از دولت نباشند.

Démenti

تکذیب

واژه فرانسوی به معنی انکار و تکذیب است و به اعلامیه صادره از سوی یک دولت اطلاق می‌شود که در آن، گزارش منتشره از جانب دولت یا منبع دیگر را به منزله گزارش خلاف واقع تکذیب می‌کند.

Demilitarization

غیرنظامی کردن

تعهد یک کشور بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل، مبنی بر عدم استقرار نیروهای نظامی و نیز خودداری از ایجاد تأسیسات نظامی در یک منطقه خاص از قلمرو آن کشور.

Democracy

دموکراسی؛ مردم سالاری؛ حکومت مردم

۱- واژه دموکراسی ریشه یونانی دارد و مراد از آن، حکومت مردم است. وجه مشخصه دموکراسی، اعلان رسمی اصل تبعیت اقلیت از اکثریت و به رسمیت شناختن آزادی و حقوق مساوی افراد و اتباع است. امروزه، میزان برخورداري انسانها از دموکراسی سیاسی در پیوند با دموکراسی اقتصادی توجیه می‌شود. مقصود از دموکراسی سیاسی، آزادی برای اظهار هر نوع عقیده سیاسی و اجتماعی و برخورداري از حق اعمال هر نوع وسیله مشروع برای اشاعه و پیشرفت آن است و

Delegated Legislation**قانونگذاری تفویضی؛ قانونگذاری وکالتی**

قوانینی که توسط وزیران به موجب اختیاراتی که قوانین مجلس به آنها محول نموده، وضع شده است تا به اجرا و اداره الزامات قوانین مجلس اقدام کنند. از این رو، گاهی قانونگذاری قوه مجریه نیز خوانده شده است.

Delegation of Authority**تفویض اختیاری**

انتقال یا واگذاری مسئولیت تصمیم‌گیری به مقامات تابعه. به عبارت دیگر، انتقال قسمتی از اختیارات و وظایف اجرایی خاص مدیر و رهبر دستگاه، صرف نظر از منشأ آن، به زیردستان و رؤسای واحدها و دوایر تابعه به منظور تسریع در انجام امور و تحقق سریعتر و بموقع هدفهای دستگاه.

Delegation of Power**تفویض قدرت**

انتقال اختیار از یک حکومت یا شاخه یک حکومت که قانوناً قدرت را در اختیار دارد، به شاخه دیگر یا مقام و سازمان معینی.

Delimitation**تعیین حدود**

تعیین خط مرزی دو کشور که در مرحله تعیین حدود، مسیر خط مرزی را طبق یک معاهده مشخص می‌کنند و به تصویب دو دولت می‌رسانند. انجام این مرحله معمولاً به وسیله نمایندگان رسمی دو دولت و با استفاده از نقشه و مطالعات محلی صورت می‌گیرد.

Demagogue**عوام فریب**

کسی که با ادعا و دروغ، وعده‌های بی‌اساس و بدون پشتوانه و با تحریف واقعیات می‌کوشد مردم را به طرف خود بکشد و موافقت و تحسین آنها را کسب کند.

Demagogy**عوام فریبی**

۱- رفتار مبتنی بر اغوا و گمراه نمودن مردم و کشانیدن آنها به راههایی که صلاح همگان در آن منظور نیست. ۲- استفاده نامشروع از احساسات تند و تعصبات عوام برای نیل به هدفهای سیاسی، به کمک سخنرانیها، مراسم تشریفاتی، رادیو و تلویزیون، مطبوعات و رسانه‌های دیگر.

Demand of Explanation**توضیح خواستن**

در روابط بین الملل، گاهی یک دولت نسبت به اظهارات و یا اقدامات مأمور رسمی و عالیرتبه و یا مطالب منتشره در روزنامه‌های دولت دیگر معترض می‌شود و در این مورد توضیح می‌خواهد. معمولاً دولتی که مورد اعتراض قرار گرفته است، از طریق مذاکره، یادداشت و یا مصاحبه مطبوعاتی اقدام به دادن توضیح می‌کند تا سوء تفاهم موجود را برطرف سازد و موجب جلب رضایت دولتی گردد که به او خسارت معنوی وارد شده است.

Demarcation**تفکیک حدود؛ تعیین مرز؛ مرزبندی**

تفکیک نقاط مرزی بین دو کشور و نقطه گذاری و علامت گذاری برای تنظیم پروتکل. برای این کار، وجود کمیسیون مرزی لازم است که معمولاً متشکل از هیأتی از نمایندگان دو دولت ذینفع،

ایجاد روابط سیاسی محدود، ناقص و موقتی است. این شناسایی اصولاً پیش درآمد شناسایی دوزور است و در آن، روابط تجاری و اقتصادی به صورت ابتدایی و بدون تبادل هیأت‌های دیپلماتیک رسمی توسعه می‌یابد.

Defeatism**شکست باوری؛ شکست پذیری**

پذیرش ذهنی یا روحیه قبول شکست، پیش از آنکه عملاً صورت گیرد و در نتیجه، شکست واقعی را بیشتر محتمل ساختن و دچار یأس و ناامیدی شدن.

Defensive Alliance**پیمان دفاعی**

پیمانی که متعهدین، ملزم به دفاع از هر هم‌پیمانی هستند که مورد حمله مسلحانه قرار گیرد.

Deferred Gratification**عافیت طلبی؛ مال اندیشی**

رفتاری که در آن، فداکاریها و تحمل سختیهای حال به امید موفقیتها و پاداشهای بهتر آینده صورت می‌گیرد.

Deflation**انقباض پولی؛ ضد تورم**

کاهش سطح عمومی قیمت کالاها یا فراهم نمودن شرایط تنزل قیمتها در اقتصاد یک کشور.

Dehumanization**انسانیت زدایی**

فرایند روانشناختی اهریمن‌سازی از انسان یا دشمنان و مخالفان، آنها را کمتر از انسان فرض کردن و شایسته رفتار انسانی ندانستن.

Deindustrialization**کوچک شدن سهم صنعت**

این واژه در دهه ۱۹۸۰ رواج پیدا کرد و بیانگر رکود پایه‌های صنعتی تمام کشورهای صنعتی و رونق صنایع به اصطلاح خدماتی یا صنعتی‌گری خدماتی است. چنین برداشتی ناشی از کاهش حوزه‌های صنعتی قدیمی به علت از رونق افتادن استخراج معادن زغال سنگ و صنایع آهن و فولاد بوده است. کسب و کارهای تازه‌تر و پاک‌تر که جایگزین آن صنایع شده‌اند، بیشتر به عنوان صنایع خدماتی معروف شده‌اند.

De Jure Boundary**سرحد دوزور؛ مرز قانونی**

سرحد بین‌المللی که وجود و قانونی بودن آن به رسمیت شناخته شده است.

De Jure Recognition**شناسایی دوزور؛ شناسایی قانونی (بالحق)**

شناسایی سیاسی یک دولت یا حکومت به طور رسمی و قانونی که متضمن برقراری روابط کامل دیپلماتیک با آن دولت است. شناسایی دوزور معمولاً به دنبال شناسایی دفاکتو صورت می‌گیرد.

Delegate**نماینده**

کسی که از طرف فرد یا گروهی به او تفویض اختیار شود تا از طرف آن فرد یا گروه، ابراز عقیده نماید یا اقدام کند.

قانون مساوی هستند، حق حاکمیت از آن مردم است و حقوق افراد به آزادی، مالکیت و امنیت، انتزاع‌ناپذیر است. "اعلامیه جهانی حقوق بشر"، شرح کاملتری از "اعلامیه حقوق بشر" فرانسوی است.

Declaration of War

اعلان جنگ

ابلاغ صریح و رسمی گشایش مخاصمات که به دو صورت است: ۱- اعلان جنگ غیرمشروط که بلافاصله آثاری بر آن مترتب می‌شود و اصولاً باید مستند و موجه باشد. ۲- اعلان جنگ مشروط که با اولتیماتوم مشخص می‌شود. اعلان جنگ باید به اطلاع کشورهای بیطرف برسد. آثار اعلان جنگ: ۱- حالت صلح را به حالت جنگ تبدیل می‌کند. ۲- برای کشورهای غیر متخاصم، حالت بیطرفی را به وجود می‌آورد. ۳- بعضی از معاهداتی را که پیش از اعلان جنگ بین متخاصمان بسته شده است، منسوخ می‌سازد. جنگهای کنونی بدون اعلان رسمی جنگ آغاز می‌شوند. ظاهر آن هنگام بسته شدن پیمان پاریس یا پیمان کلوگ - بریان در سال ۱۹۲۸ که براساس آن توسل به جنگ برای حل اختلافات بین‌المللی محکوم شد و جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی در روابط بین‌المللی مورد تقبیح قرار گرفت، "اعلان جنگ" نشانه بارز تجاوز تلقی شده است.

Declassification

علنی‌سازی

انتشار و از حالت طبقه‌بندی خارج کردن اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده.

Decolonization

استعمارزدایی

روندی که براساس آن، ملل مستعمره به استقلال می‌رسند. نیمه دوم قرن بیستم، دوره استعمارزدایی شمرده می‌شود.

Decommunization

کمونیسم‌زدایی

از بین بردن آثار، ریشه‌ها، تأسیسات و اقتصاد کمونیستی در یک کشور. این واژه در دهه ۱۹۸۰ و با مشاهده ظهور چند شرکت انتفاعی خصوصی در بعضی عرصه‌های اقتصادی کشورهای کمونیستی اروپای شرقی و بویژه لهستان و مجارستان به کار رفت.

Deconcentration

اعطای اختیارات فوق‌العاده؛ تمرکززدایی

در مواردی، قدرت یا حکومت مرکزی به منظور جلوگیری از عواقب نامطلوب ناشی از نظام تمرکز کامل (از قبیل کاغذبازی، عدم پیشرفت امور و ایجاد ناراضی عمومی) اجباراً اختیارات فوق‌العاده‌ای به مأموران خود در سازمانهای محلی برای اداره امور محلی واگذار می‌کند. به این کار، اعطای اختیارات فوق‌العاده می‌گویند که حد وسط تمرکز کامل اداری و عدم تمرکز است.

De Facto Boundary

سرحد دوفاکتو؛ مرز غیررسمی

سرحد بین‌المللی که وجود و قانونی بودن آن به رسمیت شناخته نشده است.

De Facto Recognition

شناسایی دوفاکتو؛ شناسایی عملی (بافعل)

شناسایی شرطی و مطلقاً محدود به سرزمینی است که تحت کنترل و تسلط دولت یا حکومت جدید درآمده است و ممکن است بر اثر تغییر اوضاع، باطل و بلااثر گردد. شناسایی دوفاکتو متضمن

موضوع و میزان ریسک یا درگیری با خطر وجود دارد؟ (داخلی مثل تضعیف موقع یا سقوط حکومت و خارجی مثل اقدامات تلافی جویانه و مقابله به مثل). چه تناسبی بین مقاصدی که دنبال می شود و وسایلی که در اختیار است وجود دارد؟ رابطه اول را می توان استراتژی دیپلماتیک و رابطه دوم را تاکتیک دیپلماتیک نامید. هر تصمیمی که شانس نیل به نتیجه مطلوب را داشته باشد، معقول است ولی برای این کار، نخست باید از اوضاع و احوال به خوبی سردرآورد و موقعیت را با توجه به اطلاعات موثق به درستی ارزیابی نمود. آنچه تصمیم گیرنده را با شکست مواجه می سازد، غلو در نیروهای خودی و حقیر شمردن دشمن است.

اعلامیه؛ بیانیه؛ اعلان

Declaration

سندی که در آن، یک یا چند دولت، طبقه رفتار یا وحدت نظر و تشریک مساعی خود را درباره موضوعها و جریانات بخصوص، به طور رسمی اعلام می کنند. اعلامیه یکجانبه، از طرف یک دولت صادر می شود و اعلامیه مشترک توسط دو یا چند دولت.

بیانیه الجزایر

Declaration of Algeria

تصرف سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و دستگیری و نگهداری ۵۲ آمریکایی، پیامدهایی داشت که مهم ترین آنها عبارت بودند از: قطع کامل ارتباط بین حکومت های ایران و آمریکا، توقیف تمام دارائیهای ایران در آمریکا و شعبه های خارجی بانکهای آمریکایی، تحریم تجاری ایران از طرف آمریکا، طرح دعاوی آمریکائیهادر دادگاههای آن کشور علیه ایران از بابت قراردادهای گذشته و خسارتهای مورد ادعای خودشان. به منظور حل و فصل این مشکلات، قرار شد که دولتهای ایران و آمریکا با وساطت دولت الجزایر، چارچوب روشهای آینده خویش را نسبت به یکدیگر مشخص کنند. تحت عنوان بیانیه الجزایر، دوسند در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ انتشار یافته است: اولی به نام "بیانیه حکومت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر" شامل ۴ ماده (۱- عدم مداخله در امور ایران ۲ و ۳- استرداد دارائیهای ایران و حل و فصل دعاوی آمریکا ۴- برگشت دارائیهای خانواده شاه سابق) و ۱۷ بند که به بیانیه کلی یا اصلی نیز معروف است. دومی به نام "بیانیه حکومت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر راجع به حل و فصل دعاوی توسط حکومت ایالات متحده آمریکا و حکومت جمهوری اسلامی ایران" شامل ۸ ماده که بر اساس بند ۲ بیانیه کلی، اختصاراً به "بیانیه حل و فصل دعاوی" موسوم گردیده است.

درخواست تابعیت

Declaration of Intention

سندی است که بیگانگانی که می خواهند به تابعیت ایالات متحده آمریکا درآیند، آن را تنظیم و به مرجع مربوطه تسلیم می کنند.

اعلامیه حقوق بشر

Declaration of the Rights of Man

سند تاریخی کشور فرانسه که توسط امانوئل سی یس تهیه شد (۱۷۸۹) و به عنوان دیپاچه قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه به آن منضم گردید. اعلامیه حقوق بشر مشعر بر این بود که افراد بشر در برابر

اطمینان نه به دلیل شکست اقتصادی، بلکه به علت افناء و فرسودگی اخلاقی و روحی در حال سقوط و زوال است. به نظر ابن خلدون، جوامع و حکومتها در آغاز توسط اشخاص صادق و سلحشور تأسیس می‌شوند ولی جانشینان آنها پس از مدتی به تجمل و رفاه عادت می‌کنند و بدین ترتیب، سیر انحطاطشان شروع می‌شود. همچنین از نظر مونتسکیو، جوامع پس از افتادن در ورطه استبداد و سقوط اخلاقی رو به انحطاط می‌گذارند. از فرمانروائی که تشکیلاتش به انحطاط گرائیده بود علت را پرسیدند، گفت: یکی آنکه امور مهم را به اشخاص نالایق و خرد سپردم و کارهای کوچک و کم اهمیت را به اشخاص شایسته و بزرگ. بزرگان از بلندی همت سر به کارهای خرد پایین نیاوردند و خردان از ضعف حوصله و پستی همت، کارهای بزرگ را نتوانستند تمشیت کنند و بدین ترتیب، هر دو کار ضایع ماند. دیگر آنکه دانش را و اهل دانش را دشمن دانستم.

عدم تمرکز

Decentralization

۱- نظام و شیوه‌ای که در آن، امور ملی توسط سازمانهای مرکزی و امور محلی توسط سازمانهای محلی که در نقاط مختلف خارج از حوزه فعالیت سازمانهای مرکزی استقرار دارند، انجام می‌شود. غرض اصلی از اتخاذ نظام عدم تمرکز، حل مشکلات محلی و تأمین خواستها و نیازهای اهالی محل در فرصت کمتر و با سرعت بیشتر است. عدم تمرکز، نخستین قدم در راه تحقق دموکراسی و نیز توسعه همه جانبه کشور است. ۲- لغو تمرکز و افزایش حوزه عمل واحدهای تابعه، به نحوی که تصمیم‌گیری از مرکز و صرفاً به وسیله یک نفر یا یک گروه انجام نشود.

تصمیم

Decision

تظاهر یک جانبه اراده که دارای قدرت الزام است.

تصمیم گیرنده

Decision - Maker

شخصی که وظیفه اخذ و اجرای تصمیمات مربوط به اقدام و عمل انقلابی یا سیاست داخلی و خارجی را بر عهده دارد. تصمیم گیرنده، خواه جمع باشد و خواه فرد، باید به اندازه کافی جسور، نوآور و مبتکر، به اندازه کافی برای دنبال کردن هدف تا زمانی که در دستی آن تردید ندارد پیگیر و سرسخت باشد، به اندازه کافی خوددار و خونسرد و زیرک و با انعطاف و دارای تعقل و اراده قوی و احساس و عاطفه باشد.

تصمیم‌گیری

Decision - Making

تلاشی که تصمیم گیرنده در انتخاب اولویتها از بین امکانات، راهها و شقوق مختلفی که در نیل به هدف وجود دارد، به عمل می‌آورد. به عبارت دیگر، جریانی فکری است که تصمیم گیرنده، انجام یک عمل را با در نظر گرفتن تمام جوانب برمی‌گزیند. میان فعالیت‌های متعدد سیاستمدار مسئول، عالی‌ترین فعالیتی که وظایف او را موجه می‌سازد و بر مقاصدش جامه عمل می‌پوشاند تصمیم است. تصمیم متضمن انتخاب است. وقتی سیاستمدار در صدد انتخاب برمی‌آید، به این نکته که انتخابش به پاره‌ای امکانات محدود می‌گردد، واقف است. استخوان‌بندی تصمیم چنین ترسیم می‌شود: با توجه به هدفی که گیرنده تصمیم برای خود مشخص می‌کند چه رابطه‌ای بین ارزش

بن بست

Deadlock

هرگاه احزابی که در قوه مقننه یا در اجتماعات حزبی خود شرکت دارند، از اعطای امتیاز یا حصول سازش امتناع کنند، می توان گفت که به بن بست (سیاسی) رسیده اند. این حالت ممکن است بین مجلسین قوه مقننه، میان قوه مقننه و قوه مجریه، بین دو نمایندگی اجرایی و یا میان دو دولت که مشغول مذاکرات سیاسی هستند، رخ دهد.

مقدم کنسول

Dean of the Consular Corps

کسی که در رأس هیأت کنسولی قرار دارد و از لحاظ درجه و حق تقدم، بالاترین نماینده هیأت کنسولی است.

مقدم السفراء

Dean of the Diplomatic Corps

کسی که در رأس هیأت دیپلماتیک قرار دارد و از لحاظ درجه و حق تقدم، بالاترین نماینده هیأت دیپلماتیک به شمار می آید و در مراسم رسمی به نام کلیه مأموران دیپلماتیک سخن می گوید. حق تقدم رؤسای مأموریت در هر طبقه بر حسب روز و ساعتی است که وظایف خود را آغاز می کنند. تاریخ شروع و عهده دار شدن وظایف رئیس مأموریت در دولت پذیرنده از زمانی در نظر گرفته می شود که استوارنامه خود را تقدیم می کند یا ورود خود را ضمن ارسال رونوشت استوارنامه به وزارت امور خارجه دولت پذیرنده که باید به نحو یکنواختی اعمال شود، اعلام می کند.

دبلسیو؛ امحای دشمن

Debellatio

۱ - پایان دادن به شخصیت بین المللی یک کشور به وسیله انهدام ماشین دولتی و مطیع کردن اهالی آن. ۲ - جنگی که خود بخود با از میان رفتن کامل حریف و تصرف تمامی سرزمین وی پایان می یابد.

حد استقراضی

Debt-Limit

حداکثر مبلغی که یک واحد دولتی می تواند مدیون شود و بیش از آن مجاز نیست.

ملت بدهکار

Debtor Nation

ملتی که در تراز پرداختهای بین المللی خود دچار بدهکاری مزمن شده باشد.

کشور قرض زده

Debt Ridden Country

به کشورهای فوق العاده مقروض یا دارای بدهیهای انباشته اطلاق می شود.

بردگی ناشی از بدهکاری

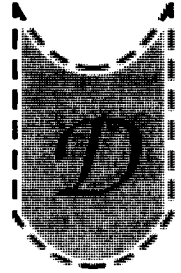
Debt Slavery

اسارت وام گیرنده یا بدهکار مطابق تعهداتش در مقابل وام دهنده یا طلبکار که در عین حال کنایه از شیوه زندگی قسطی است. یعنی بدهکار، کار دوران آینده خود را پیشاپیش و به قیمت نازل در معرض فروش قرار می دهد و در برابر آن، آزادی عملش را تا زمان تأدیه وام از دست می دهد.

انحطاط

Decadence

۱ - افول از معیارهای شناخته شده کمال. ۲ - شرایط جامعه که در آن، ارزشها، رسوم، اعتماد و



Dabbling in Politics

شوخی گرفتن سیاست

سطحی وارد سیاست شدن و تفنن در امور سیاسی.

Dark Horse

کاندیدای ناشناس؛ کاندیدای گمنام

نامزد انتخابات یا داوطلب مقامی که در مقایسه با دیگران، از شهرت کمتری برخوردار است و تا لحظات پایانی مبارزات انتخاباتی چندان مطرح نیست، اما پس از آن مطرح و یا پیروز می‌شود.

Davos Man

آدم داووسی

این واژه را ساموئل هانتینگتون در اجلاس داووس (مجمع اقتصادی جهانی) برای اشاره به نمونه نخبگان حاکم جهانی از جماعت شخصیتها و مدیران تجاری جهان وطن معتقد به اقتصاد بازار آزاد به کار برده است.

Davos Meeting (World Economic Forum)

گردهمایی داووس (مجمع اقتصادی جهانی): اجلاس داووس (مجمع اقتصادی جهانی)

نشستهای سالانه مجمع یا انجمن اقتصادی جهانی که چون در منطقه کوهستانی داووس سویس برگزار می‌شود به این نام مشهور شده است. گردهمایی اقتصادی جهانی به عنوان یک بنیاد غیرانتفاعی در سال ۱۹۷۰ به ابتکار کلاوس شواب Klaus Schwab اقتصاددان سوئیسی و به منظور تبادل نظر در مورد مسائل اقتصادی و گفتگو بین سران سیاسی، سیاستمداران، شخصیتهای اقتصادی و صاحبان شرکتهای سرمایه‌های بزرگ تأسیس شد.

D-Day

روز حمله سرنوشت‌ساز؛ روز موعود

روزی که در آن عملیات نظامی مهمی آغاز شود. مانند روز (D) ۶ ژوئن ۱۹۴۴ که نیروهای متفقین برای آغاز تهاجم به مناطق اروپائی تحت اشغال نازیها، در نرماندی فرانسه پیاده شدند.

Dead Heat

نتیجه مساوی؛ امتیاز مساوی

نتیجه برابر برای حریفان و چالشگران در یک مسابقه یا رقابت ورزشی یا سیاسی.

یک فرد از خانواده یا طایفه‌ای مرتکب تقصیر شود، فقط مقصر باید مجازات گردد، نه دیگران. من تا روزی که به یاری اهورامزدا سلطنت می‌کنم، نخواهم گذاشت که مردان و زنان را به عنوان غلام و کنیز بفروشند و حکام و زیردستان من، مکلف هستند که در حوزه حکومت و مأموریت خود، مانع از فروش و خرید مردان و زنان به عنوان غلام و کنیز بشوند و رسم بردگی باید به کلی از جهان برافتد و از اهورامزدا خواهانم که مرا در راه اجرای تعهداتی که نسبت به ملت‌های ایران و بابل و ملت‌های ممالک اربعه برعهده گرفته‌ام، موفق گرداند.

سزارسیم

Czarism

واژه سزارسیم مترادفی است برای واژه‌های تزارسیم و نظام قیصری و به مفهوم اعمال قدرت مطلقه از جانب یک فرمانروا بر اتباع خود یا به وسیله یک حکومت بر شهروندان خود، بدون توجه به قانون اساسی یا قوانین بازدارنده دیگر. واژه سزارسیم همچنین در سال ۱۸۵۵ در مورد نوع حکومت شارل لوئی ناپلئون (۱۸۷۳-۱۸۰۸) معروف به ناپلئون سوم (رئیس جمهوری دوم فرانسه) به کار رفته است که در سال ۱۸۵۲ با یک کودتا، قوه مقننه را منحل ساخت و خود را امپراتور خواند و حکومتی به سبک سزار (قیصر) تشکیل داد و تا سال ۱۸۶۰ با استبداد و قدرت تمام حکومت کرد. ناپلئون سوم به تدریج از سختگیریهایی استبداد کاست و در سال ۱۸۶۳ رژیم ظاهراً دموکراتیک برقرار نمود.

معروف مکتب کلبی است. این فیلسوف وارسته، ثروت را به‌دیده تحقیر می‌نگریست و از مقررات اجتماعی بیزار بود و در جائی شبیه به‌خمره یا چلیک زندگی می‌کرد، روزی اسکندر مقدونی از او پرسید به‌چه چیز نیاز داری و او جواب داد: از برابرم کنار برو تا آفتاب به‌من بتابد. هم او بود که در روز روشن و چراغ در دست، در کوچه‌های آتن به‌دنبال انسان می‌گشت و این برجسته‌ترین نظر تحقیرآمیز وی به‌مردم زمان خویش بود.

Cyrus the Great Charter of Human Rights

فرمان حقوق بشری کوروش کبیر؛ منشور آزادی نوع بشر کوروش بزرگ

نوشته‌ای به خط میخی روی استوانه‌گیلی که در سالهای آخر قرن نوزدهم (۱۸۷۹-۱۸۷۸) کشف شد و متضمن فرمان کوروش (۵۲۹-۵۵۹ پیش از میلاد مسیح) مؤسس امپراتوری هخامنشی ایران باستان، هنگام تسخیر بابل است که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. نیل مک گروگور، رئیس این موزه، در سال ۲۰۰۳ اعلام کرد که پس از برگزاری نمایشگاه هخامنشیان در سال ۲۰۰۵ در موزه بریتانیا، استوانه‌گیلی منشور کوروش که آن را اولین قانون حقوق بشر جهان می‌نامند، مدت کوتاهی به موزه ملی ایران امانت داده خواهد شد. بر این استوانه که گفته می‌شود، شاهکاری از شناخت اوضاع و احوال اجتماعی و تبلیغات است، کوروش هخامنشی، خود را آزادکننده مردم بابل از ستم سلطنت نبونیدوس، و نیز شاه برگزیده توسط مردوخ (مردوک) - خدای ملی مردم بابل - برای سلطنت بر ایشان معرفی نموده و در آن از جمله آمده است: اینک که به یاری اهورامزدا، تاج سلطنت ایران و بابل و ممالک جهات اریعه را به سر گذاشته‌ام، اعلام می‌کنم که تاروژی که زنده هستم و اهورامزدا توفیق سلطنت را به من می‌دهد، دین و آئین و رسوم ملت‌هایی را که من پادشاه آنها هستم، محترم خواهم شمرد و نخواهم گذاشت که حکام و زبردستان من، دین و آئین و رسوم ملت‌هایی را که من پادشاه آنها هستم، یا ملت‌های دیگر را مورد تحقیر قرار دهند یا به آنها توهین نمایند. من از امروز که تاج سلطنت را به سر نهاده‌ام تا روزی که زنده هستم و اهورامزدا، توفیق سلطنت را به من می‌دهد، هرگز سلطنت خود را بر هیچ ملتی تحمیل نخواهم کرد و هر ملت، آزاد است که مرا به سلطنت خود قبول کند یا نکند و هرگاه نخواهد مرا پادشاه خود بداند، من برای سلطنت آن ملت، مبادرت به جنگ نخواهم کرد. من تا روزی که پادشاه ایران و بابل و ممالک جهات اریعه هستم، نخواهم گذاشت که کسی به دیگری ظلم کند و اگر شخصی مظلوم واقع شد، من حق وی را از ظالم خواهم گرفت و به او خواهم داد و ستمگر را مجازات خواهم کرد. من تا روزی که پادشاه هستم، نخواهم گذاشت مال غیر منقول یا منقول دیگری را به زور یا به نحو دیگر، بدون پرداخت بهای آن و جلب رضایت صاحب مال تصرف نماید. من تا روزی که زنده هستم، نخواهم گذاشت که شخصی، دیگری را به بیگاری بگیرد و بدون پرداخت مزد، وی را به کار وادارد. من امروز اعلام می‌کنم که هر کس آزاد است که هر دینی را که میل دارد بپرستد و در هر نقطه که میل دارد، سکونت کند، مشروط بر اینکه در آنجا حق کسی را غصب ننماید و هر شغل را که میل دارد، پیش بگیرد و مال خود را به هر نحو که مایل است به مصرف برساند، مشروط بر اینکه به حقوق دیگران لطمه نزند. من اعلام می‌کنم که هر کس، مسئول اعمال خود می‌باشد و هیچ کس را نباید به مناسبت تقصیری که یکی از خویشاوندانش کرده، مجازات کرد و مجازات برادر گناهکار، و برعکس، به کلی ممنوع است و اگر

Cyberspace**فضای کامپیوتری؛ فضای سبیرنتیکی**

این واژه، نخستین بار در اوایل دهه ۱۹۸۰ در داستانهای علمی تخیلی یک نویسنده آمریکایی به نام ویلیام گیسون به کار رفت که در آنها افراد با فروردن الکترونیکی در حفره‌های مغز خود به آن وارد می‌شدند و اطلاعات موجود در مغز را به صورت سه بعدی مشاهده و حس می‌کردند. اکنون به فضای مجازی ایجاد شده توسط سیستمهای کامپیوتری اطلاق می‌شود که کاربران می‌توانند در آن وارد و به کارهای گوناگون مشغول شوند. فضای سبیرنتیکی دربرگیرنده میلیونها کامپیوتر است که به وسیله دستگاههایی مثل مودم و از طریق سیستم تلفنی به سیستمهای مستقیم خدمات گوناگون و نیز از طریق خطوط ارتباطی با سرعتهای بالا به شبکه‌های محلی و منطقه‌ای، سیستمهای پست الکترونیکی دفاتر و مؤسسات مختلف و بالآخره به شبکه‌های بین‌المللی اطلاعاتی مثل اینترنت مرتبط می‌شوند. فضای سبیرنتیکی شامل سرویسهای بی‌سیم و فیبر نوری و سویچهای با سرعت بالا نیز می‌شود.

Cyberterrorism**سایبر تروریسم؛ تروریسم کامپیوتری؛ تروریسم دورآمایانه**

استفاده از منابع کامپیوتری و فناوریهای اطلاعاتی به منظور تهدید یا مجبور ساختن دیگران برای رسیدن به هدفهای سیاسی، اجتماعی و یا جز اینها. سایبر تروریسم معمولاً به دو صورت بروز می‌کند: یکی علیه اطلاعات و داده‌ها و دیگر برای به دست گرفتن سیستمهای کامپیوتری. در حالت اول، تروریست یا نفوذگر کوشش می‌کند اطلاعات را به سرقت ببرد، تخریب کند و یا مانع ارائه خدمت شود. مثلاً سرقت شماره کارتهای اعتباری یا نفوذ به سیستم کامپیوتری بیمارستان و دستکاری برنامه داروهای تجویزی به بیمار به نحوی که باعث مرگ او شود. در حالت دوم، نفوذگر برای تخریب یا به دست گرفتن کنترل عملیات تأسیسات زیربنایی، مثل سیستمهای توزیع آب و برق تلاش می‌کند. اگرچه نفوذ الکترونیکی برای وارد ساختن خسارت به تأسیسات زیر بنایی غیر ممکن نیست، اما به دست گرفتن کنترل سیستمها و شبکه‌های کامپیوتری از خارج از آنها دشوار است. زیرا برای این کار، باید هم اطلاعات تخصصی داشت و هم از موانع غیر کامپیوتری عبور کرد.

Cyclism**گردگشت‌گرایی**

اعتقاد به سیر جوامع بر یک مدار مسدود و تکرار رویدادها. طبق این عقیده، جوامع در یک مسیر مدور و مسدود حرکت می‌کنند و تحولات تاریخی نیز چیزی جز تکرار حوادث نیستند.

Cynicism**مکتب بدبینی؛ کلبی مشربی؛ کلبی گری؛ مکتب کلبی**

بی‌اعتقادی و بدبینی به صداقت و درستی و نیکوکاری اشخاص و عدم اعتماد به دنیا و مافیها و اعتقاد به ترک لذات برای درک سعادت. به نظر حکیمان و فیلسوفان یونانی کلبی مذهب، لذات و تعلقات دنیوی، انسان را ناراحت می‌کند و هیچ لذتی بالاتر از ترک لذات نیست. کلبیان با لباس مندرس، سروپای برهنه و با موهای آشفته در میان مردم می‌رفتند و برای آنکه از مردم برکنار باشند، در زخم زبان زدن اصرار داشتند و همه را از خود می‌رنجانیدند و به فقر و تحمل درد و رنج افتخار می‌کردند. آنها تمام قید و بندهایی را که مردم در زندگی اجتماعی بدانها مقید شده بودند، کنار گذاشتند و زندگی طبیعی را در پیش گرفتند. دیوژن یا دیوجانوس، فیلسوف یونانی از پیروان

اساسی را باید در آنها جستجو نمود و از جمله آنها موارد زیر را می‌توان نام برد: پارلمان حداقل سالانه یک اجلاس داشته باشد، پادشاه در جلسات کابینه شرکت نکند، نخست‌وزیری که حمایت مجلس عوام را در امر مهمی از سیاست عمومی از دست بدهد باید یا استعفا کند یا انحلال آن را از پادشاه تقاضا نماید، وزراء در امور مربوط به سیاست کلی مسئولیت مشترکی دارند.

اتحادیه گمرکی

Customs Union

۱- مجموعه‌ای از چند کشور که کالاها را یکدیگر را بدون حقوق و عوارض گمرکی وارد و صادر می‌کنند. ۲- موافقتی است بین دو یا چند کشور، مبنی بر الغای عوارض گمرکی و دیگر قیود تجارتي و اتخاذ سیاست مشترک درباره تجارت با کشورهای خارج از اتحادیه.

کافه سبورتیکی؛ قهوه‌خانه کامپیوتری؛ کافه کامپیوتری

Cybercafe

این واژه در سال ۱۹۹۶ در مطبوعات آمریکا برای اشاره به کافه‌های مجهز به تکنولوژیهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی به کار رفته است. یحیی کمالی‌پور ضمن مقاله‌ای نوشته است: در حالی که در تهران، قهوه‌خانه‌های سنتی را احیا می‌کنند، در شیکاگو تب قهوه‌خانه‌های کامپیوتری بالا گرفته است. در شرایطی که در قهوه‌خانه‌های تهران، گفتگوی بین مشتریان ممکن است کاملاً چهره به چهره باشد، در قهوه‌خانه‌های شیکاگو، مشتریان می‌توانند یک فنجان قهوه داغ بنوشند و در حالی که در ترمینالهای تعاملی یا فعل و انفعالی کامپیوتری سفر می‌کنند، با شخصی در آن سوی قاره، وارد مکالمه‌ای کاملاً غیرشخصی شوند. در این کافه‌ها، اگر چه مشتریان ممکن است با کسانی که در همان کافه در کنارشان نشسته‌اند گفتگو نکنند، ولی احتمال گفتگوی آنها با سایر مسافران بزرگراه‌های اطلاعاتی وجود دارد. ویژگی دیگر کافه‌های کامپیوتری این است که مشتریان می‌توانند یک نرم‌افزار یا سخت‌افزار کامپیوتری را قبل از هر گونه تصمیمی برای خرید، امتحان کنند.

سبیر دموکراسی؛ دموکراسی سبورتیکی؛ دموکراسی کامپیوتری

Cyberdemocracy

این واژه اخیراً برای اشاره به امکان برقراری "دموکراسی مستقیم" از طریق تکنولوژیهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی به کار رفته است. مزایای این روش از جمله: کاهش هزینه انتخابات، انتشار سریعتر اطلاعات سیاسی، دسترسی به غایبان، جلوگیری از روند کاهش رأی‌دهندگان و ارتباط آسان با نمایندگان است. مشکلات آن نیز از جمله: دستیابی نابرابر افراد به اینترنت یا عدم دسترسی به آن و ایجاد اختلال در ارائه اطلاعات سیاسی سایتها یا در آمار انتخابات است.

جنگ سبورتیکی؛ جنگ دور آماپانه

Cybernetic War

این اصطلاح را آمریکائیان در سال ۲۰۰۳ برای اشاره به جنگ دوم خلیج فارس به کار برده‌اند که در جریان آن، آمریکا با همکاری انگلستان و سایر هم‌پیمانانشان، عراق را مورد تهاجم نظامی قرار دادند. آنها این جنگ را نخستین جنگ مبتنی بر اطلاعات دقیق و بمبها و موشکها و سلاحهای بسیار هوشمند و دقیق توصیف کردند.

رای گیری متزاید؛ رای گیری انباشتی**Cumulative Voting**

در این نوع رأی گیری، هر رأی دهنده اجازه دارد به تعداد کاندیداها، رأی خود را یکجا و به یک نفر از آنها و یا به هر چند نفری که مورد اعتمادش هستند بدهد. مثلاً اگر برای یک حوزه، چهار نفر باید انتخاب شوند، رأی دهنده می تواند چهار رأی به نفع یکی از کاندیداها بدهد.

جام زهر شوکران**Cup of Poison Hemlock**

شوکران، گیاهی است علفی دارای آلكالوئیدهای سمی که موجب فلج و تشنج و سرانجام، مرگ می شود. سم یا زهر شوکران در یونان باستان برای اعدام به کار می رفت. سقراط (۴۶۹-۳۹۹ قبل از میلاد مسیح) فیلسوف یونانی را با آن کشتند. سقراط، عمر خود را صرف برانگیختن عشق به عدالت و فضیلت و حقیقت و جدل با سوفسطائیان کرد. روش سقراطی در آموزش، آن است که استاد، مدعی است که چیزی به شاگرد نمی آموزد، بلکه با سؤالات مناسب و ادامه آنها، شاگرد را به دادن جوابهای بیش از پیش درست وادار می کند. سقراط می گفت من چیزی نمی دانم، ولی مثل مادرم که قابل بود، فن قابلیتگی (مامائی) می دانم. او بچه ها را در زادن کمک می کرد و من مردم را یاری می کنم که زاده شوند، یعنی به خود آیند و راه کسب معرفت را پیدا کنند. انتقادهای سقراط از سوفسطائیان و نهادهای سیاسی آتنی از او یک دشمن ساخت تا اینکه در سال ۳۹۹ پیش از میلاد مسیح به اتهام فاسد کردن اخلاق جوانان آتن و بدعتگذاریهای سیاسی محاکمه و به نوشیدن زهر شوکران محکوم شد. سقراط با وجود تمام تلاشهایی که برای نجات او از مرگ صورت گرفت، جام زهر شوکران را با میل و رضایت سرکشید. سقراط به دلایل زیر حاضر به گریختن از زندان نشد: ۱- رابطه بین دولت و شهروند مثل رابطه نابرابر کودک و والدین است و شهروند باید به علت پرورش خود، سپاسگزار دولت باشد. ۲- با گریختن از روی اختیار برای ماندن در آتن و استفاده از امکانات حفاظتی آن، به طور ضمنی با این شهر توافق کرده که قوانین آن را رعایت کند. ۳- نقض قوانین دولت، حتی اگر به صورت اشتباه اجرا شوند، منجر به از بین رفتن اقتدار خود قانون می گردد. اکنون این اصطلاح، کنایه از فداشدن در راه حقیقت خواهی است.

کرفیو؛ مقررات منع رفت و آمد؛ حکومت نظامی**Curfew**

در مواقع اغتشاشات سیاسی یا نظامی، مقررات کرفیو اعلام می شود که به موجب آنها بعد از ساعت معینی در شب، مردم باید در خانه هایشان بمانند و بیرون نیایند و در مواقع جنگ نیز مقررات خاموشی را رعایت کنند.

قانون اساسی عرفی**Customary Constitution**

قانونی که در یک سند رسمی مندرج نیست، بلکه به طور عمده عبارت از مجموعه عرف و عادت و رسومی است که به حکم سوابق تاریخی و حقوق عرفی برقرار شده است، مثل قانون اساسی انگلستان. در این کشور برای دست یافتن به حکمی از حقوق اساسی باید به یک یا کلیه منابع زیر رجوع نمود: مصوبات پارلمان، آرای دادگاهها، برخی اصول کامن لا (حقوق عرفی) چنانکه آزادیهای فردی از جمله آزادی بیان و آزادی اجتماعات متخذ از آن است، عرف و مقررات پارلمان، آیینها (کنوانسیونها) که در جایی نوشته نیست لیکن عملاً رعایت می شود و بسیاری از قواعد حقوق

تربیت سیاسی مردم و بالا بردن سطح آگاهی سیاسی آنها. ۸- کار مستمر و دامنه‌دار جهت اعتلای سطح آگاهی و فرهنگ عمومی مردم به نحوی که تمام دستاوردهای ادبی و هنری و علمی در دسترس آنها قرار گیرد. ۹- محو حالت عقب ماندگی فرهنگی بعضی از مناطق یک کشور نسبت به مناطق دیگر یا یک قشر از جامعه نسبت به قشر دیگر. ۱۰- جذب و به‌ثمر رساندن میراث فرهنگی گذشته. ۱۱- تجزیه و تحلیل فرهنگهای خارجی و دفع عناصر زیانبخش آنها برای رهایی از امپریالیسم فرهنگی.

Cultural Shock

یکه فرهنگی؛ شوک فرهنگی؛ تکان فرهنگی

عدم تعادل روانی و حتی نوعی روان پریشی که به فردی متعلق به فرهنگ دیگر در درون یک فرهنگ غریبه دست می‌دهد.

Cultural Transmission

انتقال فرهنگی

فرایندی که توسط آن، فرهنگ از طریق آموزش از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود.

Culture

فرهنگ

۱- آنچه از گذشته انسانها باقیمانده است، در اکنون ایشان عمل می‌کند و آینده‌شان را شکل می‌دهد. ۲- مجموعه عناصر معنوی و مادی که در سازمانهای اجتماعی جریان می‌یابند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، میراث اجتماعی یا میراث فرهنگی یا فرهنگ نام دارد. فرهنگ معنوی عبارت است از مجموعه دستاوردهای جامعه در تمام زمینه‌های علم و هنر و اخلاق و فلسفه، و فرهنگ مادی به مجموعه وسایل تولیدی و دیگر ارزشهای مادی گفته می‌شود که شامل ساختار اقتصادی یا زیر ساخت جامعه است. ۳- فراگردی از ارتباط بین افراد بشر و جوهره انسانیت است. این ارتباط، تنها در زمانی به صورت مؤثری برقرار می‌شود که مردم محروم دنیا از فقر و بیماری و بیسوادی آزاد گردند. تشکیل یک فرهنگ بزرگ، جریان یا روندی کند و تدریجی دارد، در حالی که پسروی به سوی حالت بدوی خیلی سریع انجام می‌گیرد. ظهور پدیده پسروی به سقوط بهمن تشبیه شده است. ۴- به نظر لوی استروس، فرهنگ یعنی قدرت سازمان دادن انسان برای تغییر شرایط محیط و مقاومت داشتن در برابر حوادث قابل پیش‌بینی یا غیر قابل پیش‌بینی. به نظر ادوارد هرریو Herriot سیاستمدار و متفکر فرانسوی، فرهنگ همان چیزی است که وقتی همه چیز را فراموش کردیم برایمان باقی می‌ماند و آنگاه که همه چیز را آموختیم، با فقدان آن روبرو می‌شویم: آنچه که باقی می‌ماند، همان بشر دوستی است.

Culture of Feeling

فرهنگ احساسی

فرهنگی که سطح پیشرفت اجتماعی، بلوغ عواطف و احساسات شخص را آشکار می‌کند. احساسات، محصول زندگی و تجربه اجتماعی فرد و ارتباطاتش با دیگران و حاصل تربیت و پرورش است. فرهنگ احساسی در جریان تماس انسان با طبیعت، در فرایند کار، از طریق تماسهای افراد با یکدیگر و درک هنر تکامل می‌یابد. معیار فرهنگ و سطح معلومات انسان، همبستگی بین بیان احساس اخلاقی یک شخص است و منافع شخص دیگر.

فجایع بزرگی را که سرمایه‌داری بر ملل گوناگون وارد ساخته و می‌سازد، مسکوت می‌گذارند. زیرا کنترل کامل فرهنگی مستلزم تفکیک بی‌رحمیهای سرمایه‌داری از وعده‌های فریبنده بازار آزاد است. در قرن بیستم، امپریالیسم فرهنگی آمریکا از جمله از طریق فیلمهای هالیوودی و فعالیت کمپانیهای بزرگ برای فروش محصولات مثل کوکاکولا و آدامس در هر گوشه جهان گسترش یافت.

امپریالیسم فرهنگی - خبری Cultural - Information Imperialism

منظور از این اصطلاح، انعکاس کامل مساعی دولتهای سرمایه‌داری توسعه یافته برای خفه کردن فرهنگ ملی کشورهای در حال توسعه است. امپریالیسم فرهنگی - خبری به چیزی می‌انجامد که می‌توان بر آن تحقیق مردم نام نهاد. برنامه‌های رادیو تلویزیونی ماهواره‌ای، سینما، ورزش، سکس‌نگاری، افسانه‌های عشقی، موسیقی و داستانهای مبتذل از جمله وسایلی است که این شکل امپریالیسم به کمک آنها مردم را در محیطی غیر واقعی، مصنوعی و اعجاب‌انگیز و پرچ غوطه‌ور می‌سازد تا استثماری را که توده‌های مردم تحمل می‌کنند، از یادشان ببرد و اراده طغیان را در آنها فرونشاند. این همان چیزی است که به آن تهاجم فرهنگی نیز اطلاق شده است.

تهاجم فرهنگی Cultural Invasion

این اصطلاح مترادف اصطلاح امپریالیسم فرهنگی - خبری، یعنی اعمال قدرت به منظور اشاعه ارزشهای فرهنگی امپریالیسم در میان ملل جهان سوم و خفه کردن فرهنگ این ملتهاست. بخشی از برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، بویژه سکس‌نگاری، از جمله مهم‌ترین وسایل رسیدن به هدفهای امپریالیسم فرهنگی است. تهاجم فرهنگی از طریق این رسانه معمولاً به قصد تضعیف باورهای دینی، تضعیف تعهد اخلاقی و تشویق بی‌بندوباری، تضعیف نهاد خانواده و تضعیف شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد.

عقب‌ماندگی فرهنگی؛ پس‌افتادگی فرهنگی Cultural Lag

اشاره است به آهنگ کند تغییر در اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در عرصه عمل، در قیاس با رشد سریع اختراعات و شیوه‌های فنی عصر جدید.

نسبی‌انکاری فرهنگی Cultural Relativism

بررسی و ملاحظه رفتار خلقها از دید فرهنگ خودشان یا پذیرفتن نایکسانی فرهنگ جوامع انسانی. طبق این عقیده، هیچ جامعه‌ای از نظر فرهنگی پیشرفته و یا عقب مانده خوانده نمی‌شود.

انقلاب فرهنگی Cultural Revolution

تغییر حیات معنوی جامعه در جهت منافع مردم یا مرحله کاملی از دگرگونی اساسی در زمینه گسترش فرهنگ توده‌های مردم است که موارد زیر را در بر می‌گیرد: ۱- آموزش عمومی دبستانی و دبیرستانی و بسط شبکه مدارس ابتدایی و متوسطه و عالی. ۲- محو کامل بیسوادی. ۳- رشد علم و فن و هنر و مؤسسات مربوط به آنها (مثل دانشگاهها، فرهنگستانها، موزه‌ها، فرهنگسراها، سالنهای نمایش و موسیقی). ۴- بسط و گسترش فرهنگ و هنر مردم. ۵- بسط و گسترش فرهنگ جسمانی (ورزش). ۶- توجه به بهبود شرایط تربیتی انسان در خانواده، مدرسه، محل کار و محیط اجتماعی. ۷-

Crown Prince

ولیعهد

کسی که پادشاه، او را به جانشینی خود معین کرده است.

Crypto

عضو مخفی

به اعضای سری و مخفی سازمانهای سیاسی و سری اطلاق می شود.

Cryptography

رمز نویسی

فن نوشتن به زبان رمز، چنان که مضمون نوشته تنها بر کسانی روشن باشد که کلید سیستم رمز را بدانند.

Cryptotechnophobia

فناوری ترسی باطنی؛ ترس پنهان از دانش فنی

اعتقاد باطنی به اینکه تکنولوژی، بیشتر یک تهدید است تا نعمت و خیر.

Cube Rule

قاعده توان سوم (کعب)

الگوی آماري که بر اساس آن، در نظام انتخاباتی مبتنی بر کسب بیشترین آرا (برنده یا بیشترین آرای) نسبت بین کرسیهایی که دو حزب اصلی کسب می کنند، برابر با توان سوم (مکعب) میزان آرای آنها است.

Cultural Attaché

وابسته فرهنگی

مأمور تنظیم امور فرهنگی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده است.

Cultural Change

دگرگونی فرهنگی؛ تغییر فرهنگی

فرآیندی که بدان وسیله اجزای گوناگون یک فرهنگ با گذشت زمان، دستخوش تغییر یا دگرگونی و تعدیل می شود. فرهنگی را که تغییراتش کند باشد، ایستا و فرهنگی را که تغییراتش سریع باشد، پویا می خوانند.

Cultural Exchange

تبادل فرهنگی

برنامه های جهانی که توسط دولتها یا گروه های خصوصی برای برقراری، تشویق و توسعه مناسبات فرهنگی، اثرگذاری بر ملت های خارجی، دستیابی به هدف های منافع ملی و بالابردن تفاهم بین المللی اجرا می شود.

Cultural Imperialism

امپریالیسم فرهنگی

اعمال قدرت اقتصادی و سیاسی - نظامی برای اشاعه ارزشها و فرهنگ مربوط به آن قدرت در میان ملل دیگر برای جدا کردن مردم این ملل از ریشه های فرهنگی، قطع پیوندهای سنتی و اجتماعی و بیگانه کردن مردم از یکدیگر. امپریالیسم فرهنگی زیر پوشش دفاع از آزادی فردی و فردگرایی، پیوندهای اجتماعی را درهم می ریزد و افراد را از طریق رسانه ها تغییر شکل می دهد و همچون عروسک های خیمه شب بازی در جهت منافع خود به بازی می گیرد. رسانه های امپریالیسم فرهنگی غرب از طرفداران انقلابها، جنبشها و آرمانهای والا تصاویر هولناک و شیطانی ارائه می دهند، اما

Critical Theory**نظریه انتقادی**

نظریه‌ای که می‌تواند بنیاد تحلیلی لازم برای کشف ساختار اساسی رویه‌های اجتماعی و ماهیت اصول و عقاید و نهادها در فلسفه، ادبیات، علوم اجتماعی و سیاسی و مانند اینها را فراهم و دامنه یا تناقضهای آنها را روشن کند.

Cronyism**رفیق بازی**

در امور سیاسی و در تعیین مشاغل و توزیع امتیازات به نفع دوستان و رفیقان کارکردن.

Crossbencher**عضو مستقل پارلمان (در انگلستان)**

عضو مهمتر مجلس عوام، وزیر یا وزیر سابق که در نزدیکترین مکان نسبت به سخننگوی مجلس می‌نشیند.

Crowd**جماعت؛ انبوه خلق**

جمعی است پر تجانس، مرکب از افراد هیجانی، نفوذپذیر، سریع‌الواکنش، مقلد، تلقین‌پذیر، بی‌سازمان و ساده‌اندیش که معمولاً در یک جا گرد می‌آیند و بایکدیگر ربط می‌یابند و به‌جنب و جوش می‌پردازند. در جریان این جنب و جوش، چون هرکس تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرد و به‌نوبه خود در دیگران تأثیر می‌گذارد، هیجانات نسبتاً مشابهی که به‌صورت فریاد و کف زدن و مشت گره کردن و احیاناً یورش و خرابکاری تظاهر می‌کنند، در جمع به‌وجود می‌آید. جماعت در اشخاص سه تغییر مهم پدید می‌آورد: در هم شکستن فردیت، کنش خودبه‌خودی، احساس ایمنی. عوامل مهمی که باعث حفظ جماعت و تحکیم تجانس آن می‌شوند عبارتند از: ۱- تمکین به رهبران ۲- وسعت جماعت ۳- نظم. هرچه نظم خودبه‌خودی جماعت بیشتر باشد، فردیتها باسهولت بیشتری در جمع مستهلک می‌شوند. از این رو، رهبران جماعتها می‌کوشند که رفتاری منظم و موزون در جماعتها ایجاد کنند و به‌این منظور از شعارهای یکنواخت و حرکات موزون و سخنان مسجع و شعر و آواز سود می‌جویند. گوستاولوبن (۱۹۳۱-۱۸۴۱) فیلسوف فرانسوی در کتاب روانشناسی جماعات می‌گوید فعالیت روحی جماعات، مرکب است از اذهان افراد مطیع و منکوب و لذا یک جماعت هرگز شایستگی معنوی نخواهد داشت. در جوامع مدرن، جامعه باید نوع جدیدی از رهبران را برای جماعات تدارک بیند. در غیراین صورت، اشخاص عوام فریب، جماعات را آلت دست خود قرار خواهند داد. مع‌هذا، هیجانات دسته جمعی همواره ناشی از دلایل و انگیزه‌های اجتماعی است و نمی‌توان به‌نحو مطلق از رفتار غیرارادی انبوه خلق سخن گفت.

Crown**تاج؛ سلطنت؛ دولت (در انگلستان)**

۱- کلاه جواهرنشان که شاهان در مراسم رسمی بر سر گذارند. ۲- قدرت و مقام شاه یا ملکه (شهریاری و پادشاهی). ۳- در بعضی کشورهای سلطنتی مثل انگلستان به‌معنی دولت است.

Crown Colony**مستعمره فرمانتزار**

نوعی مستعمره در امپراتوری بریتانیا که از لحاظ قانونگذاری تحت نظارت مستقیم تاج و تخت بریتانیا و فاقد حکومت ناشی از نمایندگی مردم بوده است.

می‌شود که از آن تحت عنوان بحران دموکراسی یاد می‌شود. بحران دموکراسی در صورتی قابل کنترل است که دوباره بتوان در عامه مردم، نوعی بی‌اعتنایی در مورد مشارکت در امور جامعه به وجود آورد و آنها را به بازگشت به جایگاه اول خود تشویق نمود.

Crisis of Socialism

بحران سوسیالیسم

این واژه را مدافعان سرمایه‌داری به کار برده‌اند تا نشان دهند که اولاً پیش‌بینی مارکسیست‌ها مبنی بر فروپاشی سرمایه‌داری از درون به‌وقوع نپیوسته و اصولاً کشورهای سرمایه‌داری به پیشرفت‌های درخشان اقتصادی و صنعتی نائل آمده و کانون‌های تمدن بسیار پیشرفته‌ای به‌وجود آورده‌اند و ثانیاً جوامع به‌اصطلاح سوسیالیستی نه تنها از رشد اقتصادی رضایتبخشی برخوردار نشده‌اند، بلکه حتی به‌مواد غذایی و تکنولوژی کشورهای سرمایه‌داری غربی محتاجند. عده‌ای نیز پس از تحولات سیاسی سال ۱۹۸۹ در اروپای شرقی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (در سال ۱۹۹۱) مرگ قریب‌الوقوع کمونیسم را مطرح کردند. مخالفان این نظریه ادعا کرده‌اند که سرمایه‌داری را نباید فقط از لحاظ پیشرفت‌های فنی و اقتصادی یا سطح زندگی عالی یک اقلیت کوچک در جهان که در طول سه قرن به‌دست آمده مورد قضاوت قرارداد. مفهوم سرمایه‌داری فقط شیوه زندگی آمریکایی، پارلمان سالاری فرانسه و یا تکنولوژی ژاپن و آلمان و انگلستان نیست. اگر سرمایه‌داری کانون‌های تمدن بسیار پیشرفته ولی محدودی به‌وجود آورده، اما مسئول مسابقه تسلیحاتی، نژادپرستی، سوداگری مواد مخدر، ایجاد دو جنگ جهانی، استفاده از تسلیحات اتمی علیه غیرنظامیان و تجاوزات و مداخلات مسلحانه آشکار و نهان و کمک به‌رژیم‌های فاشیستی و دیکتاتوری، عدم موازنه و بی‌ثباتی و فقر و بدبختی به‌مقیاس بزرگ در جهان است. اگر سوسیالیسم در پاسخگویی به‌نیازهای بشریت ناتوان است، در کدام کشور دنیا، سرمایه‌داری به‌نیازهای انسانی پاسخ مناسب داده است. آنها همچنین ادعا کرده‌اند که ناکامی سوسیالیسم در روسیه شوروی و بعضی کشورهای دیگر از جمله ناشی از انحراف از اصول، نداشتن بازارهای مستعمراتی، تلاش‌های همه‌جانبه کشورهای بزرگ سرمایه‌داری علیه سوسیالیسم بوده است. به‌نظر آنها تجربه سوسیالیسم واقعاً موجود به سوسیالیسم مارکسی ربطی ندارد. زیرا اندیشه‌های مارکس در نهایت مبنی بر این دو اصل تفکیک ناپذیر است: ۱- رهایی انسان از هر قید و بندی که جلوی تکامل بشر را می‌گیرد. ۲- لازمه رهایی بشر، از بین بردن هرگونه نابرابری و بی‌عدالتی است.

Criterion

معیار؛ ضابطه؛ ملاک؛ میزان

هر دستور، قاعده یا اصلی که براساس آن در امور مورد نظر قضاوت یا داوری شود.

Critical Dialogue

گفتگوی انتقادی

سیاستی که اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۲ در مورد ایران اتخاذ کرد و از سیاست ایالات متحده آمریکا که منزوی ساختن ایران بود، پیروی نکرد. این سیاست تا سال ۱۹۹۷ ادامه داشت و از آن پس به سیاست مشارکت اقتصادی با ایران تبدیل شد. در دوران سیاست گفتگوی انتقادی، اتحادیه اروپا سعی می‌کرد تا ضمن گفتگو با مقامات ایرانی، آنها را ترغیب کند تا رفتارشان را در موارد حقوق بشر، اعدام سلمان رشدی، تروریسم، صلح خاورمیانه و خریدهای تسلیحاتی تغییر دهند.

آمریکا در ارتباط با یک بحران ناگزیر به استفاده از نیروی اتمی در مقابل رقیب شود، قبل از توسل به سلاحهای استراتژیک اتمی، نخست باید بتواند هدفهای نظامی یا استراتژیک محدودی را مورد اصابت قرار دهد و سپس با استفاده از فرصت، مذاکرات دیپلماتیک را به نتیجه مطلوب برساند.

Crisis of Capitalism

بحران سرمایه‌داری

این واژه را مارکس و بسیاری از مارکسیست‌ها برای اشاره به شرایط و تضادهایی به کار برده‌اند که سرمایه‌داری را دچار بحرانهای عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌سازد. به نظر آنها، تضاد عمده جامعه سرمایه‌داری در آن است که تولید اجتماعی شده در تصرف خصوصی سرمایه‌داران است و سودهای کلان حاصل از این تولید ماشینی انبوه به جیب سرمایه‌داران می‌رود. این تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شکل خصوصی تملک، تضاد اصلی سرمایه‌داری است. یکی از مظاهر این تضاد آن است که در یک شرکت صنعتی جداگانه، امر تولید و اقتصاد منظم مطابق نقشه اداره می‌شود، اما در مقیاس تمام جامعه، تولید سرمایه‌داری تابع نقشه و اداره هماهنگ نیست و از این رو در آن هرج و مرج تولید وجود دارد. یکی دیگر از مظاهر این تضاد، بین گرایش تولید به گسترش از یک طرف و امکانات محدود مصرفی مردم از طرف دیگر است که به سبب فقر خویش نمی‌تواند تمام محصولات تولید شده را خریداری کند. این امر موجب پیدایش اضافه تولید می‌شود و به پیدایش بیکاری و افزایش بیکاران می‌انجامد. یکی دیگر از مظاهر تضاد اصلی جامعه سرمایه‌داری، مبارزه پرولتاریا و بورژوازی است. به نظر عده‌ای از مارکسیست‌های معاصر، عوامل زیر تا دهه ۱۹۶۰ از فروپاشی ساختارهای سرمایه‌داری (بر اثر تضادهای یادشده) جلوگیری کرده است: ۱- مناسبات بین کشورهای صنعتی سرمایه‌داری و کشورهای در حال توسعه، بدین صورت که بار اصلی بحرانهای ادواری سرمایه‌داری به دوش کشورهای در حال توسعه نهاده شده است. ۲- همزیستی کشورهای صنعتی سرمایه‌داری و کشورهای سوسیالیستی. ۳- توسعه سیاست ضد بحرانهای ادواری سرمایه‌داری برای انتقال بار رکود اقتصادی به دوش کشورهای دیگر یا تنظیم آهنگ رشد اقتصادی با تغییر مکانیسم توزیع درآمدها. به نظر آنها، دو عامل زیر باعث شده تا بحران موجود سرمایه‌داری به چشم نیاید: ۱- سقوط سوسیالیسم واقعاً موجود و عمق بدبختی در این جوامع. ۲- جنگ تبلیغاتی بسیار گسترده برای اثبات به اصطلاح ناتوانی سوسیالیسم.

Crisis of Democracy

بحران دموکراسی

واژه‌هایی که در گفتمان سیاسی به کار می‌روند معمولاً دو معنی دارند. یک معنی که در فرهنگ لغت می‌آید و معنی دیگر، آن است که در جنگهای ایدئولوژیک استفاده می‌شود. مثلاً واژه دموکراسی دارای یک معنی در فرهنگ لغت است به معنی جامعه دموکراتیک که اعضای آن بتوانند در امور آن جامعه و بر تصمیم‌هایی که در جامعه اثر می‌گذارد، مشارکت داشته باشند. معنی دیگر جامعه دموکراتیک با محتوای ایدئولوژیک، یعنی جامعه‌ای که تحت سلطه سوداگران و تاجران باشد و عامه مردم در آن نقش تماشاگر را داشته باشند و فقط گاه به گاه به آنها اجازه داده شود که اهرمی را حرکت دهند و دوباره به جای اول خود در جایگاه تماشاگران برگردند. بنابراین، مطابق نظر عده‌ای از نخبگان سیاسی غربی اگر عامه مردم واقعاً بخواهند در امور جامعه شرکت کنند، حالتی ایجاد

امر کرثون، مراسم تدفین برادرش را بجا آورد، توسط کرثون زنده بگور شد. کرثون، پادشاه مستبدی است که مثل جباران رفتار می‌کند و به آرای دیگران اعتنایی ندارد. شنیدن نظر دیگران و تحمل ناملایمات، کارهایی است که از او بر نمی‌آید. این امر نه به این دلیل است که خودکامه یا مستبد، توان شنیدن نظر دیگران را ندارد، بلکه چون دیگران نیز نظرشان را از وی پنهان می‌دارند. این وضع، به تدریج به صورتی درمی‌آید که آنچه خودکامه در اطراف خود مشاهده می‌کند و یا از زبان دیگران می‌شنود، چیزی نیست جز تکرار توهمات و بازتاب سخنان خود او.

Crime against Humanity

جنایت علیه بشریت

کشتار یا شکنجه یا حبس افراد بیگناه که یک دولت برای طرد آنها به دلایل سیاسی یا نژادی و یا مذهبی مرتکب می‌شود.

Crime against Peace

جنایت علیه صلح

اداره، تهیه وسایل و اقدامات مقدماتی، شروع و تعقیب یک جنگ تهاجمی و یا جنگ با نقض عهدنامه‌ها یا قراردادهای بین‌المللی یا تضمیناتی که قبلاً داده شده و نیز شرکت در یک طرح مشترک یا در توطئه‌ای با یکی از هدفهای یاد شده.

Criminal Policy

سیاست جنایی؛ سیاست کیفری

علم مطالعه فعالیتی که دولت در زمینه پیشگیری و سرکوبی جرائم بسط و گسترش می‌دهد. سیاست جنایی، علاوه بر قواعد حقوقی، شامل عملکرد نهادهای گوناگونی که اجرای قواعد مزبور را برعهده دارند نیز می‌گردد. این نهادها عبارتند از: پلیس، دادسراها و دادگاهها، اداره زندانها، اداره آموزش و تربیت مراقبتی مجرمان، نهادهای پیشگیری بزهکاری و ادارات خدمات اجتماعی.

Crisis

بحران

۱- وضعیت ناپایدار و متزلزلی که در چارچوب آن، تغییر قطعی - بهتر یا بدتر - در شرف وقوع است. ۲- هر نوع بی‌ثباتی که به تغییرات اساسی منجر شود. ۳- شرایط، اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد اطمینان. ۴- هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد، حالتی از نابسامانی ایجاد شود یا نظمی مختل گردد و یا حالتی غیرطبیعی پدید آید، بحران مطرح می‌شود. ۵- به‌وجود آمدن شرایط غیر معمول یا غیر متعارف در جریان حرکت یک سیستم یا نظام. لحظه حساس در بحران، لحظه‌ای است که بحران به‌اوج خود می‌رسد و سرنوشت‌ساز است.

Crisis Government

حکومت بحران

جایگزینی موقت طرح یا روند اضطراری حکومتی به‌جای روندهای طبیعی قانون اساسی. این واژه مترادف واژه حالت فوق‌العاده است.

Crisis Management

کنترل بحران

واژه کنترل بحران (یا استراتژی انتخاب هدفهای محدود اتمی و دکترین شلزی‌نرگر - مکنامارا) پس از بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ به‌کار رفت و مفهوم آن این است که هرگاه ایالات متحده

Creative Thinking**تفکر خلاق**

اندیشه‌ای که ثمرها و نتایج سازنده و تازه دربر داشته باشد.

Credentialism**مدرک‌گرایی**

افزایش پایین‌ترین سطح آموزش مورد نیاز برای داخل شدن در یک رشته یا کار. به عبارت دیگر، گرایشی است در جامعه که به موجب آن، افراد صرفاً برای احراز مناصب، مقامات و یا موقعیت‌های شغلی خاص دنبال تحصیل و کسب مدرک می‌روند. جامعه مدرک‌گرا و عنوان‌پسند به‌داندگان مدارک تحصیلی دانشگاهی توجه دارد ولی از قدر و اهمیت افراد با تجربه و کاردان غافل است. مدرک‌گرایی با خلاقیت، نوآوری و کار علمی سازگار نیست. در مدرک‌گرایی نه تنها جریان آموزش و تحصیل به‌انحراف کشیده می‌شود، بلکه صلاحیتهایی هم که مورد نظر قرار می‌گیرد یا کسب می‌شود، امکان دارد ربط یا مناسبت خیلی کمی با خبرگی‌هایی داشته باشد که عملاً در مشاغل گوناگون به کار می‌آید. به نظر یکی از متفکران، انسان می‌تواند عالی‌ترین مدارک تحصیلی را کسب کند و یاد بگیرد شهرها، نیروگاهها و سفینه‌های فضائی را بسازد، اما اگر نتواند دوست داشتن و خدمت به‌همنوع را بیاموزد، وحشی و درنده‌خو باقی می‌ماند و یک انسان وحشی تحصیلکرده، صدها بار خطرناکتر از یک انسان بدوی است.

Credentials (Letter of Credence)**استوارنامه**

نامه‌ای که به‌امضای رئیس کشور فرستنده به رئیس کشور پذیرنده نوشته می‌شود و در آن پس از تعارفات معمول، نام شخص سفیر یا وزیر مختار ذکر می‌گردد. رئیس کشور فرستنده مراتب اعتماد و اطمینان خود را نسبت به آن شخص ابراز می‌دارد و ضمناً تقاضا می‌کند که همان درجه اعتماد را نسبت به او داشته باشند. سفیر تازه وارد معمولاً ابتدا خود را به‌وزیر امور خارجه کشور پذیرنده معرفی می‌کند و رونوشت استوارنامه خود را به او می‌دهد. بعد تاریخ تسلیم استوارنامه از طرف وزارت امور خارجه به اطلاع او می‌رسد و در آن تاریخ با تشریفات ویژه، نزد رئیس کشور پذیرنده، پذیرفته می‌شود و اصل استوارنامه خود را به او تسلیم می‌کند.

Credit**اعتبار**

مبادله یک کالا یا مبلغی پول در زمان حال در برابر وعده بازپرداخت پول یا بازگرداندن کالا در آینده که معمولاً بر پایه اعتماد صورت می‌گیرد.

Creeping Socialism**سوسیالیسم خزنده**

دست‌اندازی تدریجی دولت در بخش خصوصی اقتصاد. در جوامعی که دولت به تدریج مؤسسات اقتصادی را ملی و دامنه بخش خصوصی را محدود کند و بر فعالیت‌های اقتصادی دولت بیفزاید، تحقق می‌یابد.

Creon Syndrome**عارضه کرونون**

این واژه، بیانگر علائم بیمارگونه‌ای است که کم و بیش در سیمای دیکتاتورها قابل تشخیص است. کرونون، قهرمان تراژدی آنتیگونه اثر سوفوکلس است. آنتیگونه، دختر اودیپ، چون برخلاف

جسورانه و مدبرانه در شرایط دشوار و پرمخاطره، بسیج قدرت به منظور نیل به هدف و آمادگی برای فداکاری قابل تشخیص است. شهامت اگرچه صفت خاص اراده‌کسی است و معمولاً با خصلتهای غیرعادی روانشناسی انسانی همبسته است، اما همواره با معنای اجتماعی معین همراه بوده است. مثلاً در جامعه طبقاتی آشتی‌ناپذیر برده‌داری، شجاعت را صفت خاص کاست (طبقه بسته) سلحشوران و جنگجویان دانسته‌اند. اینک، مفهوم شجاعت، برای ارزشیابی اقدامات متناسب هر شخص و بدون توجه به پایگاه اجتماعی او و در شرایط گوناگون زندگی به کار می‌رود.

Court-Martial

دادگاه نظامی

دادگاهی برای محاکمه افرادی که مشمول قوانین نظامی می‌شوند.

Covenant

میثاق

۱- واژه‌ای برای بیان نوعی قرارداد بین‌المللی با تشریفات و اهمیت بیشتر از عهدنامه. ۲- الزام، تکلیف و یا تعهدی که حقوق بین‌الملل را تأسیس نماید، مثل میثاق جامعه ملل.

Cowardice

ترسویی؛ بزدلی؛ جبن

خصوصیت اخلاقی منفی که با کردار شخص ناتوان از انجام کارها مطابق حکم اخلاقی (یا بالعکس، خودداری از کارهای غیر اخلاقی) مشخص می‌شود که نتیجه ناتوانی در غلبه بر ترس است. بزدلی همچنین ممکن است ناشی از خود دوستی باشد وقتی که شخص در شرایط نامساعد یا خشم و غضب کسی قرار می‌گیرد یا در حالت از دست دادن منافع یا مقام اجتماعی واقع می‌شود. ترسویی ممکن است نیمه آگاهانه، به صورت خود به خودی ترس از پدیده‌های ناشناخته و کنترل نشده اجتماعی یا قوانین طبیعی بروز کند. بزدلی در هر دو مورد، خصوصیت ساده روانشناختی فردی یک شخص خاص نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی است. ترسویی یا به خودخواهی مربوط است یا به بی‌یاوری و یأس ناشی از شرایط از خود بیگانگی. باید دانست که حتی ترس از پدیده‌های طبیعی، تنها تحت شرایط معین زندگی اجتماعی و تربیت، به بزدلی تبدیل می‌شود. ترسویی به کارهای غیر اخلاقی مثل حقه‌بازی و فریبکاری، ابن‌الوقتی و نان به نرخ روز خوردن، بیشرفی و بی‌وجدانی منجر می‌شود و مستلزم همدستی در خطا کاری، حق‌کشی و بی‌عدالتی است.

Creative Marxism

مارکسیسم خلاق

واژه ابداعی استالین برای اشاره به مارکسیسمی که به مقتضای زمان تغییر می‌کند و با شرایط جدید منطبق می‌شود و لاجرم تحرک و خلاقیت خود را حفظ می‌نماید.

Creative Minority

اقلیت خلاق

آرنولد توین بی (۱۹۷۵-۱۸۸۹) مورخ انگلیسی که دوره تاریخ وی در مورد تمدنهای ملتهای دنیا شهرت دارد، کسانی را که به پیشرفت فرهنگ و تمدن جامعه‌شان کمک می‌کنند، اقلیت خلاق خوانده است. الهامات، تراوشات فکری، اقدامات و نوآوریهای این اقلیت است که به اکثریت غیر خلاق امکان می‌دهد در ترقی و پیشرفت جامعه‌شان سهیم شوند. اختناق و کنترل این اقلیت خلاق، سقوط جامعه و فرهنگ را به دنبال دارد.

اصول و قواعدی، زندگی و کار می‌کنند. واحد سیاسی کشور از به هم آمیختن سرزمین، ملت و حکومت پدید می‌آید.

Country Clubs

باشگاه‌های بیرون شهر

باشگاه‌هایی در حاشیه شهرهای آمریکا که پاتوق رؤسای کمپانیها و رجال سیاسی است.

Country Exposure

آسیب پذیری کشور

میزان یا درجه‌ای که یک کشور در معرض خطر مالی قرار می‌گیرد.

Country Risk

خطر کشور

خطرهای ناشی از عوامل سیاسی، اقتصادی، حقوقی و اجتماعی در یک کشور. وجود این خطرها باعث می‌شود تا وام‌دهنده نرخ بهره بیشتری از وام‌گیرنده طلب کند.

Coup d'Etat

کودتا

واژه فرانسوی که منظور از آن، ساقط کردن غیرقانونی حکومت بازور و قدرت نظامی به وسیله افرادی است که قسمتی از حکومت را در اختیار دارند. به بیان دیگر، کودتا شورش گروه‌هایی از طبقه حاکم است برضد گروه‌های دیگر طبقه حاکم و یا کسب قدرت به صورت سریع و با اعمال قدرت توسط یک فرقه سیاسی. فرق کودتا با انقلاب این است که کودتا از بالا صورت می‌گیرد ولی انقلاب مستلزم شرکت توده‌های مردم برای تغییر دولت است. هدف انقلاب، دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی است، در حالی که هدف بلاواسطه کودتا، گرفتن قدرت حاکمیت است. کودتای سفید نیز به کودتای بدون خونریزی اطلاق می‌شود. معمولاً کودتاگران می‌کوشند رهبران سیاسی و نظامی رده بالا را دستگیر و یا به قتل برسانند، کنترل ساختمانهای مهم دولتی و تأسیسات عمومی را به دست گیرند و دستگاههای ارتباطی را برای از بین بردن ترس مردم و جلب آنها برای پشتیبانی از رژیم جدید به خدمت خویش درآورند. رقابتهای قومی، دینی و نیز نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از حکومت از جمله عوامل بروز کودتایند. امکان کودتا در کشورهای جهان سوم به دلیل تمرکز قدرت در یک گروه نخبه، فقدان سنن دموکراتیک، بی‌اعتنایی عموم مردم و نبودن امکانات نهادی برای جانشینی زیاد است. در جهان سوم گاهی نوعی خاص از کودتا توسط افسران انقلابی صورت می‌گیرد که هدف آن ایجاد دگرگونی در کشور است و معمولاً نام انقلاب به آن داده می‌شود. در مقابل این نوع کودتای انقلابی و دست چپی، کودتای دست راستی قرار دارد که توسط نظامیان برای براندازی حکومت ملی، قانونی و غیرنظامی و به منظور بازگرداندن قدرت از دست رفته طبقه حاکم و یا قدرت مسلط خارجی صورت می‌گیرد، مثل کودتای ژنرال پینوشه علیه حکومت آئنده در کشور شیلی. به طور کلی، هر جا که حکومت (خواه مردمی و خواه غیر مردمی) از حد بالای مشروعیت برخوردار باشد و هر جا که شیوه‌ها و راهکارهای مقبولی برای تغییر حکومت به صورت منظم و مرتب وجود داشته باشد، وقوع کودتا استثنائی است.

Courage

شجاعت؛ شهامت

خصوصیت اخلاقی که با رفتار و سرشت اخلاقی ناشی از جرأت و دلیری، ثبات، کف نفس و خویشتنداری، از خود گذشتگی و احترام به نفس مشخص می‌شود. شجاعت با توانائی در اقدام

Counter-Movement

ضد جنبش

جنبش اجتماعی که در تقابل با جنبش اجتماعی قبلی پدید می‌آید.

Counter-Propaganda

تبلیغ متقابل؛ ضد تبلیغ

تبلیغاتی که هدف آن، خنثی کردن تأثیر تبلیغات دیگر است.

Counter - Reformation

ضد اصلاح دین

جنبشی که در قرن شانزدهم توسط اولیای مذهب کاتولیک به منظور مبارزه با بدعتگذاریهایی پروتستانها علیه جنبش اصلاح دین به‌راه انداخته شد.

Counter-Revolution

ضد انقلاب

عملیات و تدابیری که بعد از وقوع انقلاب، برای خنثی کردن آن انجام می‌شود. به بیان دیگر، شورشی که حکومت پیشین برضد تلاش انقلابی حکومت نوین برپا می‌کند. این واژه را نخست کندر سه در سال ۱۷۹۳ و در جریان انقلاب فرانسه به‌عنوان «انقلاب در جهت مخالف» به کار برد.

Counter-Revolutionary

ضد انقلابی

کسی که مخالف انقلاب است یا برای بازگرداندن و استقرار مجدد رژیم سابق تلاش می‌کند و یا شخص انقلابی که از طرف یک رژیم ظاهراً انقلابی، ضدانقلابی یا آدم ضدانقلاب نامیده می‌شود. اینک تقسیم‌بندی مردم و بازیگران سیاسی به انقلابی و ضدانقلابی و گفتار تحقیرآمیز دربارهٔ مخالفان فکری و کوشش برای حذف و نابودی آنها مرود شناخته شده است.

Countervailing Power

قدرت همسنگ؛ قدرت خنثی کننده

جان کنت گالبرایت در کتاب: «سرمایه‌داری آمریکا، مفهوم قدرت همسنگ»، به وجود اردوهای قدرتی بزرگی از صاحبان منافع ویژه در اقتصاد آمریکا اشاره می‌کند، ولی در عین حال عقیده دارد که نباید از این اردوهای قدرت ترسید، زیرا «قدرت اقتصاد خصوصی» باعث ایجاد «قدرت همسنگی» می‌شود که متشکل از اشخاصی است که تحت تسلط آن قدرت اقتصاد خصوصی قرار دارند. نتیجه وجود این قدرت همسنگ، خنثی شدن هر موقعیت قدرت، توسط دیگری است.

Countervailing Strategy

استراتژی خنثی کننده

عنوان یکی از استراتژیهای اتمی ایالات متحده آمریکا که اولین بار در سال ۱۹۷۵ توسط جیمز سلزینگر وزیر دفاع این کشور بیان شد و از مشخصات آن، طراحی یک سیستم تسلیحاتی است که قادر به مقاومت در برابر حملات دشمن باشد و همچنین بتواند حملات مزبور را دفع و خنثی سازد.

Countervalue Capability

توان ضدارزش

قابلیت و توان انهدام منابع اقتصادی و انسانی دشمن با حمله به شهرهایش.

Country

کشور؛ مملکت

ناحیه‌ای از کره زمین که مشخصات سیاسی دارد و در حدود معین آن، جمعی از مردم، برحسب

ضد جاسوسی

Counter-Espionage

مساعی مربوط به مقابله با عملیات جاسوسی دشمن. این واژه مترادف "ضد اطلاعات" است.

دکترین ضد نیرو

Counterforce Doctrine

طبق این دکترین که از سوی نظامیان آمریکایی عنوان شد، با حمله موضعی به مراکز تصمیم‌گیری و پایگاههای نیروهای استراتژیک شوروی سابق می‌شد این کشور را وادار به تسلیم کرد. زمینه‌ساز دکترین ضد نیرو یا نیروی متقابل، چشم‌انداز پیروزی مطلق بود که گمان می‌رفت از طریق یک حمله پیشدستانه موفقیت‌آمیز به دست آید.

ضد شورش

Counter-Insurgency

اقدامات نظامی، نیمه نظامی، سیاسی، اقتصادی و روانی قدرت حاکمه یک کشور برای مقابله با شورشهای ضدحکومتی. قوانین زیرراهنمای عملیات ضد شورش است: ۱- حمایت و پشتیبانی توده‌ها. ۲- حمایت از طریق یک اقلیت فعال به دست می‌آید. یعنی، تکیه کردن بر یک اقلیت موافق و همراه برای تشکل اکثریت و بیطرف کردن یا از بین بردن اقلیت مخالف. استراتژی ضد شورش در یک منطقه مبتنی است بر: ۱- تمرکز نیروهای مسلح به اندازه‌ای که شورشگر را نابود و یا از منطقه وادار به خروج کند. ۲- تمرکز نیرو در مراکز تجمع مردم در شهر و روستا. ۳- تماس با مردم، کنترل حرکات مردم، قطع ارتباطات مردم با شورشیان. ۴- تلاشی کردن سازمانهای سیاسی شورشگر در منطقه. ۵- تعیین مسئولین جدید برای اداره امور منطقه از طریق انتخابات آزاد. ۶- مورد آزمایش قرارداددن مسئولین جدید با دادن مأموریتها و وظایف معین به آنها و در صورت لزوم تغییر مسئولین فاقد صلاحیت. ۷- تشکیل واحدهای دفاع از خود در میان مردم. ۸- دست‌بندی رهبران آزموده محلی در یک سازمان سیاسی کشوری و آموزش آنها. ۹- غلبه بر آخرین بقایای شورش یا نابودی قطعی آن. استراتژی ضد شورش که توسط آمریکا در ویتنام به کار گرفته شد، با شکست مواجه گردید و به پیروزی انقلابیون (یا به اصطلاح شورشیان) ویتنامی انجامید.

ضد اطلاعات

Counter-Intelligence

شناسایی، خنثی کردن و بازداشتن عوامل خارجی دشمن در جمع‌آوری اطلاعات سری و امنیتی حیاتی، خرابکاری و براندازی. کار ضد اطلاعات، دستگیری عوامل دشمن نیست. این کار در حوزه فعالیت تشکیلات امنیتی کشور است. اصولاً عوامل ضد اطلاعات از مأموران مخفی استفاده می‌کنند یا عوامل دشمن را به اصطلاح می‌خرند و به آنها اجازه می‌دهند که در تشکیلات دشمن به فعالیت ادامه دهند. مأموران مخفی در مناطق و سرزمینهای دشمن به صورت عادی زندگی می‌کنند تا وقتی که از طرف مقامات اطلاعات به آنها دستور فعالیت داده شود. ظاهراً ترس از مأموران مخفی بیش از آنکه به خاطر اطلاعاتی باشد که از درون سیستم جمع‌آوری می‌کنند، از اطلاعات غلط یا نادرستی است که آنها ممکن است به سیستم بدهند. کشورهای بزرگ معمولاً جاسوسان دستگیر شده را به جای اعدام، مبادله می‌کنند.

شورا مرکب از با نفوذترین افراد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مطبوعاتی و به‌طور کلی، بخش مسلط طبقه حاکم آمریکاست. این نهاد برنامه ریز که در تدوین و اجرای برنامه‌های امپریالیستی خود گذشته از اهرمهای سیاسی و اقتصادی، از دانش و آگاهی استفاده فراوانی به‌عمل می‌آورد، به‌بررسی دراز مدت و مستمر می‌نشیند و افکار عمومی را برای پذیرش نظرگاههای خود آماده می‌کند. این شورا با دانشگاه‌های برگزیده، مجامع مطالعات سیاست خارجی و رسانه‌های گروهی آمریکا ارتباط تنگاتنگی دارد و همچنین کار کنترل فرهنگی و آموزش نخبگان جهان سوم را برای اشغال پستهای حساس سیاسی و اقتصادی در کشورهایشان عهده‌دار است. شورا با قدرتهای پیشرفته سرمایه‌داری به‌منظور حفظ منافع امپریالیستی و جلوگیری از تغییرات انقلابی، همکاری می‌کند.

رایزن؛ مستشار

Counsellor

عنوان یکی از اعضای مأموریت دیپلماتیک که از نظر مقام، مقدم بر دبیر اول است. درجه‌های دیپلماتیک معمولاً عبارتند از: آتاشه یا وابسته، دبیر سوم، دبیر دوم، دبیر اول، رایزن سه، رایزن دو، رایزن یک و سفیر.

ضد فرهنگ (حاکم)؛ فرهنگ حاکم ستیز

Counter-Culturalist

شخص طرفدار پادفرهنگ و گریزان از شیوه زندگی ماده‌پرستانه و مصرفی دنیای پس از جنگ غرب. این واژه در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا و در ارتباط با فرهنگ هیپی به‌کار رفت. جوانان هیپی می‌کوشیدند که خود را از نهادها و نظم اجتماعی مستقر خارج سازند. آنها حکومت مرسوم را ظالمانه می‌دانستند و به فلسفه آنارشیسم گرایش داشتند و می‌گفتند که انسان باید از حالت بی‌نام و نشانی که در جامعه ماشینی و غیرانسانی دارد بیرون بیاید. واژه هیپی نیز ظاهراً از هیپ سیاهان و به معنی قابل شناخت بودن و تجربه داشتن گرفته شده است. به‌طور کلی، هیپی‌گری متضمن فلسفه عشق و صلح، نفی مادیات، اعتیاد به مواد مخدر (ماری جوانا و ال.اس.دی) به‌عنوان وسایل روشن شدن و خوشی و دور شدن از ارزشها و تعهدات و هدفهای اجتماعی، گرایش به شیوه‌های زندگی اشتراکی و آزادی فراوان در روابط جنسی و بالأخره، لباسهایی با دانه‌های خر مهره و زنگوله و تسبیح و موهای بلند بوده است. گروههای گوناگون ضد فرهنگ، جوانان را که موتور محرکه نهضتها و انقلابها به‌شمار می‌روند، در یک روند استحاله تدریجی و پسروی قرار می‌دهند و آنها را از ارزشها جدا و در نهایت، خنثی می‌کنند.

پاد فرهنگ؛ فرهنگ متقابل؛ ضد فرهنگ (حاکم)

Counter-Culture

زیر فرهنگ یا فرهنگ گروهی از مردم در بطن یک جامعه و یا فرهنگ، که ارزشها و هنجارهای اجتماعی را مردود می‌شمارد و سبک زندگی دیگری را جستجو می‌کند. این نوع فرهنگ، معمولاً خاص جوانان غربی است که در برابر ارزشهای مسلط جامعه، مثل مالکیت، پوشش، رفتار، روابط سازمان یافته جنسی مقاومت نشان می‌دهند و آنها را نفی می‌کنند. فرزندان گل، هیپی‌ها، پانکها، بیت نیکها از جمله گروههای ضد فرهنگ حاکم شمرده می‌شوند که بالباسهای عجیب و غریب، موهای بلند یا به‌شکل خاصی تراشیده شده، کفشهای ساده و کلاههای جورواجور، پیراهنهای گلدار و زینت آلات رنگارنگ ظاهر می‌شوند، و یا اخیراً با ظاهر و موسیقی هیجانی رپ Rap و هوی متال Heavy Metal.

شورای اروپا**Council of Europe**

این شورا در پنجم ماه مه ۱۹۴۹ به منظور وحدت هر چه بیشتر اعضا، گسترش همکاریهای سیاسی بین کشورهای اروپایی و نزدیکتر کردن اروپائیان به یکدیگر، ایجاد تسهیلاتی برای ترقی اجتماعی و اقتصادی، تضمین حقوق بشر و آزادیهای اساسی به وجود آمد. اعضای شورای اروپا عبارتند از: آلمان، اتریش، اسپانیا، ایتالیا، ایرلند، ایسلند، بریتانیا، بلژیک، پرتغال، ترکیه، دانمارک، سوئد، سوئیس، فرانسه، قبرس، لوکزامبورگ، لیختن اشتاین، مالت، نروژ، هلند و یونان. مقر شورای اروپا در شهر استراسبورگ (فرانسه) است. پس از تحولات سال ۱۹۸۹ در بلوک شرق، کشورهای مولداوی، اوکراین، لتونی، استونی، لیتوانی، مجارستان، چک، لهستان و فنلاند نیز به آن پیوستند. روسیه در سال ۱۹۹۶ به عنوان سی و یکمین و کراوسی نیز به عنوان چهلمین عضو شورای اروپا پذیرفته شدند. سایر کشورها: آلبانی، آندورا، بیلاروس، بوسنی - هرزگووین، بلغارستان، لاتوی، مقدونیه، موناکو، رومانی، سان مارینو، اسلواکی، اسلونی، واتیکان، صربستان و مونتنگرو.

شورای دولتی**Council of State (Conseil d'Etat)**

توسعه روزافزون موارد دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مردم و گسترش سازمانهای اداری، سبب شده که اختلافاتی نیز بین مردم و دولت (دستگاههای اداری و کارمندان آنها)، بین کارمندان دولت و سازمانهای اداری و بین خود سازمانهای اداری بروز کند. در کشورهای انگلوساکسون و به طور کلی، کشورهای تابع نظام حقوق عامه (کامن لا)، مرجع رسیدگی به اجحافات و تعدیات دستگاههای اداری و مأموران آن، همان دادگاههای عادی و عمومی است. در فرانسه و بلژیک و بسیاری از کشورهای دیگر، مرجع رسیدگی به اجحافات و تعدیات دستگاههای اداری، شورای دولتی است. در این کشورها، دو نوع دادگاه وجود دارد: دادگاههای عادی و دادگاههای اداری. دادگاههای اول به دعاوی بین افراد و دادگاههای دوم به دعاوی و اختلافات بین افراد و دولت رسیدگی می کنند. دادگاههای اول، تابع دیوان کشور و دادگاههای دوم تابع یک دادگاه عالی اداری به نام شورای دولتی هستند و به این ترتیب، دیوان کشور و شورای دولتی دو رکن اساسی دادگستری را تشکیل می دهند و قضات آنها از استقلال و بیطرفی کامل (نسبت به دولت و افراد مردم) برخوردارند. دادگاههای اداری معمولاً در بیشتر کشورهای دنیا، مستقل از دستگاه قضایی عمل می کنند. در ایران، دیوان عدالت اداری ایجاد شده تا به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به واحدهای دولتی و مأمورین دولت و تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مورد شکایت واقع شود، رسیدگی نماید. قبل از انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۳۳۹ قانونی به نام قانون شورای دولتی به تقلید از شورای دولتی فرانسه به تصویب رسید ولی به مرحله عمل و اجرا در نیامد. قانون تأسیس دیوان عدالت اداری در ۴ بهمن ۱۳۶۰ به تصویب رسید. دیوان عدالت اداری از مهر ماه سال ۱۳۶۱ آغاز به کار کرد.

شورای روابط خارجی**Council on Foreign Relations**

شورای روابط خارجی در ماه اوت ۱۹۲۱ برای تعیین مسیر مناسب سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا تأسیس شد که گاهی از آن به عنوان وزارت امور خارجه واقعی یاد می شود. اعضای

Cosmopolitan City

شهر جهانی؛ جهانشهر

شهر بزرگی که به صورت جلوه‌ای از ملیتها و فرهنگهای مختلف درآمده و در ارتباط جهانی گسترده‌ای قرار دارد. نیویورک، لندن و پاریس از جمله شهرهای جهانی شمرده شده‌اند.

Cosmopolitanism

جهان وطنی؛ آیین جهان میهنی

۱- اعتقاد به اینکه جهان، میهن هرکس است و همه مردم بایکدیگر برادرند. ۲- بیعلاقگی به منافع میهنی، به مردم خودی، به فرهنگ ملی و آداب و رسوم و تاریخ آن. خطر جهان وطنی به معنی اخیر، ناشی از خلع سلاح مردم در برابر سلطه گران و نفی ارزشهای ملی است. در دوران نفوذ استعمار، از این مسلک به منظور تضعیف احساسات، غرور ملی و دلبستگی ملتها به مرز و بوم خویش استفاده می‌شد. جهان وطنی همچنین شگرد درویشانه‌ای است که بیوطنان در پیش می‌گیرند و می‌گویند وطن آنجاست که دل خوش باشد. گریز از دشواریهای قومی و میهنی و سرگردانی در طلب سعادت، ناشی از خصیصه خودپسندی است که نمی‌خواهد در برابر سختیها ایستادگی کند و مایل است در هر کجا که باشد، سعادت خود را تأمین نماید.

Cost-Benefit Analysis

تجزیه و تحلیل هزینه - فایده

شیوه‌ای برای مشخص کردن اینکه آیا نتایج مطلوب حاصل از یک راه حل، می‌تواند جوابگوی هزینه‌های متعلق به آن راه حل باشد یا نه.

Coterie

محفل

گروه کوچکی که بیشتر به علت دوستی و هم سلیقگی تا دلایل اساسی و حرفه‌ای و ادبی گرد هم آمده باشند.

Council

شورا

هیأتی مشورتی که ممکن است یک ارگان کوچک حکومتی باشد و یا ارگانی مردمی که در جهت اعمال "دموکراسی"، همگرایی، تدبیر و تصمیم جمعی تشکیل می‌شود. این گونه شوراهای شرایطی به وجود می‌آیند که جو انقلابی بر جامعه حاکم باشد. عدم پیروزی انقلاب، با سرکوب شوراهای مردمی همراه است.

Council for Mutual Economic Assistance (CMEA or COMECON)

شورای همیاری اقتصادی؛ کومکون

این شورا در ژانویه ۱۹۴۹ برای رشد اقتصادی، همکاری کشورهای عضو در زمینه تولید، تأمین مواد خام و تحقیقات علمی و فنی تأسیس شد. آلبانی، آلمان شرقی سابق، اتحاد شوروی سابق، چکسلواکی سابق، بلغارستان، مجارستان، رومانی، مغولستان، لهستان، ویتنام و کوبا در این شورا عضویت داشتند. یوگوسلاوی سابق به عنوان عضو شریک و افغانستان، آنگولا، اتیوپی، لائوس، یمن جنوبی سابق و کره شمالی به عنوان اعضای ناظر با کومکون همکاری می‌کردند. فنلاند، عراق، آنگولا و مکزیک نیز قراردادهایی با آن منعقد کرده بودند. مقرر کومکون در شهر مسکو قرار داشت. این شورا در سال ۱۹۹۱ منحل شد.

Coronation**تاجگذاری**

آیین و رسومی که در موقع روی کار آمدن شاه جدید انجام می‌شود.

Corpocracy**دیوانسالاری شرکتی؛ بوروکراسی صنفی**

تشکیلات بوروکراتیک و دیوانسالارانه در شرکتهای بزرگ، بویژه وقتی ساختارهای سلسله مراتبی افراطی به عدم کارایی، بازدهی کم و کارکنان زیادی منجر شود.

Corporate Capitalism**سرمایه‌داری شرکتی؛ سرمایه‌داری مبتنی بر شرکتهای سهامی**

مرحله‌ای از سرمایه‌داری که در آن، فروش سهام، وسیله متشکل ساختن سرمایه‌ها و اعمال کنترل و وسیع‌تر بر سرمایه، توسط مدیران شرکت سهامی است.

Corporate State**دولت صنفی**

دولتی که اساس آن بر پایه صنفهای کارفرمایان و کارگران (جمع بین سرمایه‌داری و سندیکالیسم) قرار گرفته باشد. این واژه در دوره استقرار فاشیسم در ایتالیا مصطلح شد. هدف موسولینی از تشکیل چنین دولتی ظاهراً جلوگیری از اصالت فرد، پیشبرد همکاری میان سرمایه‌دار و کارگر و کم کردن اختلاف طبقاتی بود. فاشیستها در تعقیب این هدف، اتحادیه‌های کارگری را از بین بردند، اعتصاب را ممنوع اعلام کردند و قسمت عمده جمعیت را وارد اتحادیه‌ها یا اصنافی کردند که در آنها کارفرمایان و کارگران و پیشه‌وران و صاحبان حرفه‌های مختلف عضویت داشتند.

Corporate Welfarism**نظام رفاه صنفی**

اشاره طنز آمیزی است به وارونه کردن قواعد دولت رفاه عمومی، در جهت منافع شرکتهای بزرگ.

Corporation**شرکت؛ مؤسسه؛ انجمن شهر**

۱- واحد یا شخصیت حقوقی که طبق قانون به وجود آمده و ممکن است از یک نفر یا یک گروه تشکیل شده باشد و دارای انواع مختلفی است. ۲- اولیای امور شهری.

Corporatism (Corporativism)**نظام صنفی؛ صنف‌گرایی**

۱- نظامی که در آن تشکیلات یا سازمان‌بندی اقتصادی بر اساس قدرت یابی اصناف قرار دارد. ۲- آئین اقتصادی و اجتماعی مربوط به شیوه صنفی اروپای قرون وسطی. در جامعه مبتنی بر نظام صنفی، عضویت در صنف برای دارندگان یک حرفه الزامی بود و هر صنف، اساسنامه خاصی داشت و انتقال از یک رشته حرفه‌ای به رشته دیگر، با تشریفات ویژه‌ای صورت می‌گرفت. نظام صنفی تا اواخر قرن هیجدهم برقرار بود. در ایتالیای فاشیستی دوباره بر لزوم تشکیل سازمانهای کارگری و کارفرمایی تأکید شد به طوری که پیش از جنگ جهانی دوم نظام صنفی به صورت قانونی به اجرا درآمد و سازمان اقتصادی این کشور در سه صنف کارگری، کارفرمایی و دارندگان مشاغل آزاد متمرکز شد و سپس همه آنها تحت اداره حکومت مرکزی قرار گرفتند. پس از جنگ دوم جهانی، اتحادیه‌های آزاد جایگزین نظام صنفی شدند.

Convertibility of Currency**قابلیت تبدیل پول**

آزادی خرید و فروش ارز در کشورها یا مبادله آزاد پول ملی با پولهای خارجی توسط افراد و مؤسسات خصوصی بدون کنترل و نظارت دولت.

Conviction**اعتقاد**

نگرش شخص به اعمال و باورهایش که بیانگر اطمینان او به درستی آنها است.

Cooling-Off Period**دوره آرامش**

دوره پس از پایان مناقشات که طرفین توافق می‌کنند علیه یکدیگر به اسلحه متوسل نشوند.

Cooperation**تعاون؛ همکاری؛ همیاری**

همکاری گروهی از افراد، چه رسمی و چه غیر رسمی، دلخواهانه یا نادلخواهانه، در راه یک هدف معین به منظور نفع مشترک یا به امید پاداش و سود. همکاری در سطح بین‌المللی برای مشخص نمودن شکل ویژه‌ای از کمک و همیاری است که فارغ از هدفهای سلطه‌جویانه کشورهای ذیربط باشد.

Cooperation Council of Arab Countries**شورای همکاری کشورهای عرب**

کنفرانس سران کشورهای اردن و عراق و مصر و یمن (شمالی) که در ۱۶ فوریه سال ۱۹۸۹ در بغداد برپا شده بود، رسماً سازمانی تحت عنوان شورای همکاری کشورهای عرب تأسیس کرد تا برای توسعه همکاری اقتصادی بین چهار کشور عرب با جمعیتی بیش از ۸۰ میلیون نفر فعالیت کند. در واقع، این شورا برای مستحکم نمودن هرچه بیشتر آن پیوندهای سیاسی تأسیس شد که در طول جنگ ایران و عراق با همکاری نزدیک آنان به وجود آمده بود.

Cooperative**تعاونی**

سازمان خاص اقتصادی که با شرکت داوطلبانه اعضاء به وجود می‌آید و توسط آنها اداره می‌شود. ویژگی آن، در کار نبودن مالکیت متمایز و طبقه تأمین کننده سرمایه و هدف از ایجاد آن، تأمین نیازهای افراد بدون دچار شدن به منفعت طلبی محض است. نهضت تعاونی در اوایل قرن نوزدهم در اروپا پدید آمد. از آنجا که تعاونیها، مالکیت اجتماعی شده را به عنوان جانشینی برای سرمایه‌داری مجسم می‌نمودند ولی اقتصاد بازاری را همچنان حفظ می‌کردند، مارکس و هواداران او به طعنه، تعاونیها را سرمایه‌داری کارگری نامیدند.

Cooperative Federalism**فدرالیسم تعاونی**

همکاری و تشریک مساعی آگاهانه حکومت مرکزی و حکومتهای ایالتی در راه تحقق هدفهای خاص.

Cordon Sanitaire**طناب قرنطینه؛ خط زنجیر صحی؛ کمربند حفاظی**

واژه فرانسوی به معنی خطی برای استقرار قرنطینه و جدا شدن نقطه آلوده از جاهای دیگر که بیشتر برای اشاره به خطی به کار رفته است که دولت‌های غربی پس از جنگ اول جهانی در امتداد حدود روسیه غربی کشیدند تا افکار کمونیستی از مشرق آن خط تجاوز نکند.

Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space (1974)

کنوانسیون ثبت اشیای پرتابی به فضای ماورای جو (۱۹۷۴)

عهدنامه چند جانبه‌ای است که نظام اجباری ثبت اشیای پرتابی به فضای کیهانی و فضاها را مشخص می‌سازد. این کنوانسیون از دولت پرتاب کننده می‌خواهد که ماهواره‌ها یا اشیای فضائی دیگر را در یک مرجع ملی به ثبت برساند و آنگاه گزارش کامل آن را به دبیرکل سازمان ملل متحد بدهد. کنوانسیون از تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۶ به مرحله اجرا درآمد و تا سال ۲۰۰۰ تعداد ۴۲ کشور به عضویت آن درآمده‌اند.

Convention on the Elimination of all forms of Discrimination against Women

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان

موضوعهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مدنی، آموزشی، اقتصادی، رفاهی، بهداشتی و خانوادگی است. کشورهای عضو، ملزم به ارائه گزارش مقدماتی و گزارش هر چهار سال یکبار در مورد وضعیت زنان و پیشرفتهای انجام شده در جهت بهبود وضعیت آنها هستند. این کنوانسیون کاملترین سند بین‌المللی است که تاکنون در زمینه حقوق زنان به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است. تعریف کنوانسیون از تبعیض نسبت به زنان به شرح زیر است: هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت بر اساس جنس که بر شناسایی، برخورداری یا اعمال حقوق بشر و آزادیهای اساسی زنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سایر موارد، بدون توجه به وضعیت تاهل آنان و بر اساس شرایط مساوی با مردان، تأثیر گذارد یا خلل و آسیب وارد کند.

Convergence

همگرایی (تقارب)

۱- گرایش دواندیشه یا تفکر به یک جهت. ۲- وجود ویژگیهای مشابه در بین گروههای فرهنگی، نژادی و نظایر اینها در نقاط گوناگون و بدون ارتباط قبلی با یکدیگر. ۳- عنوان نظر یا تری مبنی بر اینکه جوامع سرمایه‌داری و سوسیالیستی به دلیل گسترش روزافزون علوم و فنون، تقسیم کار، صنعتی شدن، سازمان یافتگی، برنامه‌ریزی و مدیریت در آنها به تدریج با یکدیگر تشابه می‌یابند و در نقطه مشترکی با هم متقارب می‌شوند. تز همگرایی، نمونه‌ای است از تحلیلهایی که بویژه در دهه ۱۹۵۰ توسط دانشمندان علم سیاست ارائه شد.

Conversation

مذاکره (غیررسمی)

گفتگو و مذاکره (غیررسمی و شفاهی) دیپلماتیک یا دیپلماسی آرام در میان دولتها که تعهدات خاصی ایجاد نمی‌کند و معمولاً برای کشف و کسب و مبادله اطلاعات صورت می‌گیرد. مذاکره، یک فعالیت عادی دیپلماتیک است که توسط سفیر یا اعضای سفارتخانه و یا مأموران دیپلماتیک ویژه انجام می‌شود. معمولاً پیش از امضای قراردادها و توافقهای مهم بین‌المللی، مذاکره غیررسمی صورت می‌گیرد.

Conversion

تغییر عقیده؛ تغییر دین

گرویدن یا فرایندی که به موجب آن، فرد به نحو نسبتاً ناگهانی فلسفه متفاوتی از زندگی یا شیوه دیگری از نگرش به جهان را می‌پذیرد.

Convention**کنوانسیون؛ مجمع؛ موافقتنامه؛ قرارداد**

۱- مجمعی از نمایندگان ملت که برای رسیدن به هدفهای خاص قانونگذاری مانند تصویب قانون اساسی یا تجدیدنظر در آن تشکیل می‌گردد. ۲- مجمعی از نمایندگان یک حزب سیاسی برای تعیین کاندیدا در انتخابات آینده. ۳- در اصطلاح حقوقی و دیپلماسی، اولاً کنوانسیون اعم از قرارداد و عهدنامه و پیمان است و ثانیاً کنوانسیون عبارت از شرح موافقت دو یا چند طرف است که پس از رفع اختلاف نظر و منفعت و بستن قرار، در متنی (به شکل و هیأت عهدنامه و پیمان) به تفصیل و بیا به اختصار به قلم می‌آید و تثبیت می‌شود. حقوقدانان غربی به این عهدنامه و پیمان از نوع خاص، کنوانسیون یا موافقتنامه می‌گویند. کنوانسیون نسبت به عهدنامه، اهمیت و رسمیت کمتری دارد و از نظر تحریر نیز با آن متفاوت است. امروزه در همه جای دنیا مرسوم شده است که موضوع سیاسی، اقتصادی یا حقوقی مهم را در مجامع بزرگی که به شکل کنفرانس و کنگره تشکیل می‌دهند، مطرح می‌کنند و نظرها و منافع مختلف را با بحث و مذاکره علنی و غیرعلنی با هم وفق می‌دهند و آنچه را مورد موافقت قرار می‌گیرد در موافقتنامه‌ای مفید به قیود می‌کنند و می‌نویسند.

Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment**کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازاتهای وحشیانه و غیرانسانی یا تحقیرآمیز**

این کنوانسیون در تاریخ ۱۰ دسامبر سال ۱۹۸۴ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در تاریخ ۲۶ ژوئن سال ۱۹۸۷ قدرت اجرایی یافت و مرکب از ۳۳ ماده است. کنوانسیون مقرر داشته است که شکنجه نه تنها در قوانین داخلی ممنوع گردد، بلکه در شرایط فوق‌العاده و اضطراری نیز، هیچ توجیهی برای اعمال آن وجود نداشته باشد.

Conventional Armament**تسلیمات قراردادی**

تسلیمات قراردادی یا سلاحهای متعارف شامل کلیه سلاحها می‌شود، غیر از سلاحهای هسته‌ای و شیمیایی که نیروی تخریبی عظیمی دارند. کشتی‌ها، هواپیماها، موشکها و کلاهکهای غیرهسته‌ای، پرسنل، تجهیزات، پایگاههای ارتباطی و فرماندهی و کنترل، خودروهای زرهی و امثال اینها در شمار تسلیمات متعارفند. در دنیایی که کاربرد سلاحهای هسته‌ای ظاهراً غیرقابل تصور است، تسلیمات قراردادی همچنان اهمیت خود را در تمام جنگها و برخوردهای نظامی حفظ کرده‌اند.

Conventional War**جنگ قراردادی؛ جنگ عادی**

جنگی که در آن تنها سلاحهای غیرهسته‌ای به کار رود. جنگ متعارف یا قراردادی تابع قواعد زیر است: ۱- لشکر قویتر پیروز می‌شود. ۲- اگر دولشکر، نیروی مساوی داشته باشند، آنکه مصمم تر و با اراده تر باشد پیروز می‌شود. ۳- چنانچه اراده و خواست هر دو طرف برابر باشد، پیروزی نصیب لشکری می‌شود که ابتکار پیشقدم بودن را در دست دارد. ۴- شبیخون ممکن است نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

چنین عملی بشود، از تکالیف بیطرفی که بر ذمه دارد عدول می‌کند و در نتیجه، کالای محمول، قابل اخذ و تصرف است. قاچاق جنگ دو قسم است: قاچاق مطلق و قاچاق مشروط یا نسبی.

Contract

قرارداد

توافقی که یا به وسیله قانون، تنفیذ می‌شود و یا از طریق مقررات حاکم بر حقوق و تکالیف قانونی طرفین، رسمیت می‌یابد. عمده‌ترین عناصر اساسی قرارداد، ایجاب، قبول (پذیرش)، عوض یا چیزی که از معامله باید توقع داشت، قصد التزام قانونی و اهلیت است.

Contradiction (Law of)

تضاد؛ تناقض؛ قانون تضاد

نسبت بین جهات و گرایشات متقابل و متباین یک کل است که طی آن، آنها یکدیگر را وضع می‌نمایند، مشروط می‌سازند یا نفی می‌کنند. از نظر ماتریالیسم دیالکتیک، تضاد در همه پروسه‌های اشیاء و پدیده‌ها به‌طور عینی وجود دارد، در همه مراحل تفکر ذهنی موجود است و از آغاز تا پایان تمام پروسه‌ها مشاهده می‌شود (خصلت عام و مطلق تضاد). هر تضاد و هر یک از جهات آن دارای ویژگی‌های خود هستند (خصلت خاص و نسبی تضاد). اضداد، تحت شرایط معین هم‌گونند و لذا می‌توانند در یک وجود واحد با یکدیگر همزیستی کنند و به یکدیگر تبدیل شوند (خصلت خاص و نسبی تضاد). ولی مبارزه اضداد، دائمی است و هم در همزیستی اضداد و هم در تبدیل متقابل آنها به یکدیگر در جریان است و بخصوص در مورد آخر با وضوح بیشتری مشاهده می‌شود (خصلت عام و مطلق تضاد). در بررسی خصالت خاص و نسبی تضادها باید بین تضاد عمده و تضادهای غیر عمده و نیز بین جهت عمده و جهت غیر عمده تضادها فرق گذاشت. در بررسی خصالت عام تضادها و مبارزه اضداد نیز باید بین اشکال متنوع مبارزه اضداد تفاوت قائل شد. در جوامع طبقاتی، تضاد به صورت آشتی‌پذیر و آشتی‌ناپذیر یا آنتاگونیستی درمی‌آید. تضاد آشتی‌پذیر، تضاد آن اقشار و طبقاتی است که منافع اساسی آنها با هم توافق دارد و می‌توانند مدتها با یکدیگر براساس برنامه مشترک عمل کنند. اما تضاد آشتی‌ناپذیر بین آن اقشار و طبقاتی است که منافع اجتماعی آنها با یکدیگر متباین است (تضاد بین استثمارگران و استثمارشوندگان).

Contradiction of Capitalism

تضاد سرمایه‌داری

نظریه مارکسیستی مبنی بر اینکه سرمایه‌داری خود به‌طور عینی شالوده نابودی خویش را می‌ریزد، زیرا خصالت اجتماعی تولید، مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید را طلب می‌کند. سرمایه‌داری میلیونها کارگر را در کارخانه‌ها گرد هم می‌آورد، ولی از محصولات کار آنها تنها گروه معدودی ثروتمند بهره‌برداری می‌کنند. تضاد اصلی سرمایه‌داری، بین خصالت اجتماعی تولید و شیوه خصوصی تصرف محصولات کار و تولید قرار دارد.

Controlled Economy

اقتصاد ارشادی

حالتی از وضعیت اقتصادی که به‌موجب آن، دولت بر جنبه‌های گوناگون اقتصادی نظارت دارد و در صورت لزوم اقدام به‌دخال می‌کند. در اقتصاد ارشادی، همه ابزار تولید در اختیار دولت قرار ندارد ولی دولت در جهت کشاندن حرکت اقتصاد به‌جهتی که مطلوب می‌شمارد، نیروهای مؤثری در اختیار دارد.

Continuity of State**دوام دولت؛ استمرار دولت**

اصلی که به موجب آن، تغییرات در حکومت یا قانون اساسی بر موجودیت دولتی که تأسیس شده است، اثر ندارد. اصولاً قدرت سیاسی یا حکومت امکان دارد بر اثر تحولات و انقلابهای داخلی تغییر یابد، ولی با تغییر حکومت، شخصیت بین‌المللی دولت از میان نمی‌رود. عدم تأثیر تغییر حکومت در شخصیت بین‌المللی دولت مبتنی بر اصل دوام یا استمرار دولت است. این اصل در عهدنامه‌ها و در رویه قضائی بین‌المللی شناخته شده است. نتیجه اصل استمرار دولت آن است که حکومت جدید، چه از جنبه تعهدات و چه از جنبه حقوق و امتیازها، جانشین حکومت قدیم می‌گردد.

Continuous Revolution**انقلاب پیوسته**

عقیده مائوتسه دون (۱۹۷۶-۱۸۹۳) بنیانگذار حزب کمونیست چین، مبنی بر اینکه تأمین نیروهای یک بوروکراسی اقتدارطلبانه، وظیفه حزب کمونیست شمرده نمی‌شود، بلکه تضمین و امکان ایجاد یک فرایند توسعه است که به آرزوها و خواسته‌های مردمی، شکل مارکسیستی می‌دهد و بر فرایند مستمر تغییر نظارت می‌کند.

Continuous Voyage**سفر مداوم؛ مداومت سفر**

نظریه‌ای است که بر طبق آن، قاچاق جنگ را ممکن است در حین سفر، بین دو بندر بیطرف اخذ نمود، مشروط به اینکه آخرین مقصد کالا، اولاً در صورتی که قاچاق مطلق است، سرزمین دشمن، و ثانیاً اگر قاچاق مشروط است، استعمال‌کننده کالا، نیروهای مسلح و مقامات دولتی دشمن باشد. مطابق این نظریه، کشتی بیطرف را که حامل قاچاق جنگ به مقصد دشمن است و در بندر بیطرف بین راه لنگر انداخته است، می‌توان به محض عزیمت از بندر توقفگاه دستگیر کرد. زیرا توقف در بندر بیطرف در بین راه، از امور معمولی تلقی می‌شود که در اغلب سفرها روی می‌دهد و سفر کشتی نیز به خودی خود و روی هم رفته، سفر واحد و مداوم می‌باشد به مقصد دشمن است.

Contra**کنترا**

عضو هر یک از نیروهای چریکی مخالف حکومت سان‌دینیستی در نیکاراگوا بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰.

Contraband (of War)**کالای غیرمجاز؛ قاچاق جنگ**

تاریخ جنگ روی دریا، عبارت است از تاریخ مبارزه دائمی کشور متحارب با دولت بیطرف. متحارب پیوسته می‌کوشد تا روابط تجارتي حریف را با تمام نقاط دنیا قطع کند، و کشور بیطرف همواره می‌کوشد تا آزادی روابط تجارتي خود را با تمام جهان و حتی با متخاصم، و با وجود زдохورد محفوظ و برقرار دارد. بنابراین، التیام بین این منافع متضاد، به مرور زمان سازشها و توافقهایی به وجود آورده است که نهایتاً از حقوق و اختیارات کشور بیطرف کاسته و بر دامنه امتیازات کشور متخاصم افزوده است. اصطلاح قاچاق جنگ به معنی کالایی است که کشور بیطرف حق ندارد چه از نظر جنس و چه از نظر مقصد برای متخاصم حمل و یا ارسال دارد و اگر مرتکب

ذینفع منتقل نمی‌کند، اما آن را برای آینده تضمین می‌نماید. ۲- مجاورت ممکن است برای اعمال حق حاکمیت بر سرزمین مجاور، عنوان ممتازی ایجاد کند که دو حالت دارد: الف- حق رجحان. این حق وقتی برقرار می‌شود که کشور (آ) در مورد سرزمین معینی به کشور (ب) قول می‌دهد که اگر بعدها بخواهد آن سرزمین را انتقال دهد و یا بفرشد، کشور (ب) را ترجیح دهد. ب- منطقه نفوذ که به دو صورت عمل می‌شود. یکی مطابق سیستم مناطق دوردست که به موجب آن، کشور (آ) تعهد می‌کند بعضی از نواحی معین را استعمار نکند و در عین حال کشور (ب) نیز تعهد می‌کند نواحی معین دیگری را استعمار نکند. دیگر، سیستم مناطق وابسته به منافع خاص که به موجب آن، به یکی از کشورها در سرزمین متعلق به غیر رسماً منطقه عمل ممتازی اختصاص داده می‌شود تا منافع خود را در آن منطقه حفظ کند. ۳- مجاورت ممکن است برای اعمال حق حاکمیت بر سرزمین مجاور، عنوانی واقعی و قطعی باشد؛ اکتساب و تصرف نواحی قطبی.

Contiguous Zone

منطقه مجاور؛ منطقه نظارت

منطقه مجاور، آن سطحی از دریاست که از آن سوی حد خارجی دریای سرزمینی شروع می‌شود و به پهنای معینی گسترش می‌یابد تا سرانجام به دریای پهناور باز برسد. در قرارداد سال ۱۹۵۸ ژنو مقرر شده است که حد منطقه مجاور نباید از دوازده میل از خط مبدا دریای سرزمینی تجاوز کند. بنابراین، اگر دولت ساحلی عرض دریای سرزمینی خود را تا دوازده میل خط مبدا گسترش داده باشد، نمی‌تواند چنین منطقه‌ای در مجاورت ساحل خود ایجاد کند. کشور ساحلی در منطقه مجاور، از حقوق استیلایی ویژه و محدودی برخوردار است: ۱- مراقبت و مواظبت گمرکی و مالیاتی ۲- منافع تأمین مثل امنیت بهداشتی، امنیت کشتیرانی و امنیت نظامی.

Continental Shelf

سکوی قاره؛ فلات قاره؛ پایگاه قاره؛ دشتاب؛ ژرفاشیب

آن قسمت از بستر دریا و آن قسمت از زیرزمین نواحی زیر دریایی همجوار با ساحل، ولی واقع در خارج از منطقه دریای سرزمینی تا عمق دویست متر و یا بعد از این حدود، تا جایی که عمق آبهای متصل به بالای آن، مانع استفاده از ذخایر طبیعی مناطق مذکور نباشد. قرارداد بین‌المللی عام در زمینه حقوق دریاهای که در سال ۱۹۸۲ در جریان کنفرانس حقوق دریاهای امضای خیلی از کشورها رسید، حداکثر تا ۲۰۰ میلی از خط مبدا دریای سرزمینی را تابع نظام فلات قاره دانسته و عمق آب را در نظر نگرفته است.

Continuity of Nationality

استمرار تابعیت

برای امکان حمایت سیاسی دولت از دعوی فرد در عرصه بین‌المللی باید رابطه تابعیت بین دولت و فرد وجود داشته باشد. در خصوص اینکه استمرار تابعیت تا چه زمانی معتبر و ملاک است سه نظریه وجود دارد: ۱- تابعیت خواهان از زمان ورود زیان تا پایان شور دادگاه و یا صدور حکم باید استمرار داشته باشد. ۲- استمرار تابعیت خواهان از تاریخ ورود زیان تا امضای موافقتنامه است. ۳- استمرار تابعیت تا زمان طرح دعوی از مرجع بین‌المللی لازم است. به طور کلی، قاعده استمرار تابعیت در دعاوی بین‌المللی با توافق طرفین موافقتنامه، قابل عدول است، یعنی وقتی یکی از نظریات سه‌گانه فوق قابل اعمال است که معاهده ساکت بوده و تکلیف استمرار تابعیت را روشن نکرده باشد.

در ایالات متحده آمریکا و با ویژگیهای زیر رشد کرد: آگهی‌های تجارتي و تبلیغات برای ایجاد نیازها و احتیاجات کاذب، تولیدکنندگان چیزی می‌سازند که هرچه زودتر خراب و فرسوده شود، خرید کالا به کمک قرض.

گروه کونتادورا

Contadora Group

عنوان گروه کشورهای پاناما، کلمبیا، ونزوئلا و مکزیک. اسم این گروه از جزیره‌ای به همین نام و متعلق به پاناما گرفته شده است که وزیران خارجه چهار کشور برای اولین بار در ژانویه ۱۹۸۳ در نشستی که برای بررسی اوضاع بحرانی آمریکای مرکزی در آنجا داشتند، به فکر تشکیل چنین گروهی افتادند. آنها در نخستین بیانیه خود، کشورهای گواتمالا، هندوراس، کستاریکا، السالوادور و نیکاراگوئه را به حل و فصل اختلافات از راههای مسالمت‌آمیز فراخواندند. کشورهای پرو، برزیل، اوروگوئه و آرژانتین نیز به عنوان گروه پشتیبان کونتادورا شناخته می‌شوند. نظریات و هدفهای گروه کونتادورا عبارتند از: برقراری صلح از طریق مسالمت‌آمیز در آمریکای مرکزی، حل مشکلات آمریکای مرکزی توسط مردم آمریکای مرکزی، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، حق مردم هر کشور در تعیین سرنوشت خود، خروج تمام مستشاران نظامی خارجی و جلوگیری از مداخله ایالات متحده آمریکا در امور داخلی کشورهای منطقه، فراهم آوردن شرایط لازم برای غیرنظامی کردن منطقه و خلع سلاح.

Containment of Communism

سد نفوذ کمونیسم؛ محاصره کمونیسم؛ مهار کمونیسم؛ تحدید نفوذ کمونیسم

عنوان سیاست کنترل و توقف کمونیسم (شوروی سابق و اروپای شرقی) در مرزهای موجود و ایستادگی در برابر توسعه بیشتر آن. اولین بار، این سیاست در سال ۱۹۴۷ و در زمان ریاست جمهوری ترومن از طریق یک برنامه کمک نظامی، اقتصادی و فنی به ترکیه و یونان به اجرا درآمد و با روشهای دیگر مثل دخالت مسلحانه (کره، ویتنام) و شبکه‌ای از پیمانهای نظامی (مثل ناتو) و اعمال قدرت نظامی تعقیب شد. جرج کنان، دیپلمات آمریکایی که سیاست حصر جهان کمونیسم را پیشنهاد کرده بود، سالها بعد در خاطرات خود نوشت: "سیاست خارجی مادر مقابله با کمونیسم به قدرت نظامی متوسل شد و فرصتهایی را که برای ایجاد یک محیط دوستانه فراهم آمده بود، از دست داد. با مرگ استالین و تحولات جهان کمونیسم، دوران جنگ سرد پایان یافته می‌نمود، اما سیاست ما همچنان به شیوه تخاصم ادامه می‌داد."

Contiguity

مجاورت

ادعا نسبت به سرزمین مجاور، به سبب نزدیک بودن آن. در حقوق بین‌الملل از مجاورت جغرافیایی سه کار برای برقرار شدن صلاحیت سرزمینی برمی‌آید که دو مورد اول، بویژه در دوران استعمارگری رایج بوده است: ۱- مجاورت، مانع است که کشور ثالث، حق حاکمیت خود را بر سرزمین مجاور اعمال کند. قول انتقال ندادن به غیر، عبارت است از قراری که به موجب آن، کشوری نسبت به یک کشور دیگر متعهد می‌شود سرزمین معینی را که اغلب در مجاورت سرزمین کشور ذنبفع قرار دارد، به غیر، یعنی به کشور ثالثی انتقال ندهد. چنین قراری، حق حاکمیت را به کشور

تعرض بوده و از پرداخت مالیات معافند.

Consular Privileges

مزایای کنسولی

مأموران کنسولی (و اعضای خانواده آنها) مانند مأموران دیپلماتیک از پاره‌ای مزایا نظیر معافیت از پروانه کار، معافیت از مقررات بیمه اجتماعی، معافیت مالیاتی، معافیت از حقوق گمرکی و بازرسی گمرکی در حدود مقرر، برخوردارند.

Consular Relations

روابط کنسولی

روابط بین یک دولت و اتباع او در کشور دیگر، روابط کنسولی جنبه اداری دارد و رابطه سیاسی بین دو کشور برقرار نمی‌کند. رضایت با برقراری روابط دیپلماتیک بین دو دولت متضمن رضایت به استقرار روابط کنسولی نیز است، مگر آنکه به صورت دیگری مقرر شود. قطع روابط دیپلماتیک به خودی خود موجب قطع روابط کنسولی نمی‌شود. روابط کنسولی اساساً از دوران جنگهای صلیبی ایجاد شده و برخی نیز عقیده دارند که این روابط، از زمان ظهور اسلام به وجود آمده است.

Consulate

کنسولگری

واحد اداری که یک دولت برای حفظ حقوق و منافع اتباع خود در مراکز تجارتي و بنادر یک دولت دیگر دایر می‌کند. کنسولها با مقامات محلی سروکار دارند و به امور سیاسی که از وظایف سفارتخانه است دخالت ندارند. محل کنسولگری یاسر کنسولگری و شخص کنسول یا سرکنسول از مصونیت و حقوق برونمرزی برخوردارند.

Consulate-General

سرکنسولگری

اداره کنسولی که امور تمام کنسولگریهای یک دولت توسط آن نظارت می‌شود.

Consul - General

سرکنسول

طبقه اول از طبقات چهارگانه رؤسای پستهای کنسولی و منظور، کنسولی است که در کشور مقیم، بر اعمال تمام کنسولهای دولت متبوع خود نظارت دارد.

Consultative Assembly

مجلس شورا

مجلسی مرکب از نمایندگان ملت که برای مشورت در امور کشور و تصویب قوانین گردهم آیند.

Consumerism

مصرف‌گرایی؛ حمایتگری از مصرف‌کنندگان

۱- اعتقاد به تحصیل مال و مصرف کالا، نه برای رفع احتیاج، بلکه به عنوان هدفهای اصلی زندگی، لذت طلبی و خودخواهی. ۲- نهضت حمایت هرچه بیشتر از منافع مصرف‌کنندگان.

Consumer Society

جامعه مصرفی

جامعه‌ای که در آن، برای کالاهای مصرفی ارزشی نامعقول منظور گردد و فعالیت در جهت جمع‌آوری و مصرف بی‌اندازه کالاهای مادی هدایت شود. جامعه مصرفی نخستین بار در دهه ۱۹۵۰

قضایی و اداری، کنترل و بازرسی ناوها و کشتیهای دریایی یا رودخانه‌ای که نزد دولت فرستنده ثبت شده و هوایماهایی که تابعیت دولت فرستنده را دارند و همچنین کارکنان آنها به صورتی که در قوانین دولت فرستنده مقرر است.

Consular Immunity

مصونیت کنسولی

مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی در مورد اعمالی که در انجام وظایف کنسولی خود به عمل می‌آورند، در برابر مقامات قضایی یا اداری دولت پذیرنده مصونیت قضایی دارند و نمی‌توان آنها را توقیف یا در انتظار محاکمه بازداشت نمود، مگر در صورت ارتکاب جنایتی وخیم و متعاقب تصمیم مقام قضایی صلاحیتدار. در صورت توقیف یا بازداشت یکی از کارکنان کنسولی یا تعقیب جزایی علیه او، دولت پذیرنده فوراً باید موضوع را به رئیس پست کنسولی مربوطه اطلاع دهد و اگر شخص اخیرالذکر خود موضوع این گونه اقدامات قرار گیرد، دولت پذیرنده، مراتب را از مجرای دیپلماتیک به اطلاع دولت فرستنده خواهد رساند. اعضای پست کنسولی را می‌توان به عنوان شهود در محاکمات قضایی یا اداری احضار نمود. چنانچه مأمور کنسولی از ادای شهادت خودداری کند، هیچ نوع اقدام قهری یا مجازات درباره او به عمل نمی‌آید.

Consular Law

حقوق کنسولی

مجموع قواعدی که ناظر بر قسمتی از روابط خارجی دولت است و جنبه اداری دارد و موضوع آن حفظ منافع اتباع دولت در خارج است.

Consular Officer

مأمور کنسولی

در روابط کنسولی یعنی هر شخصی (از جمله رئیس پست کنسولی) که در این سمت عهده‌دار انجام وظایف کنسولی است. مأموران کنسولی در صورتی که دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده، مأموریت دیپلماتیک نداشته باشد و یا دولت ثالثی انجام امور دیپلماتیک آن دولت را بر عهده نگرفته باشد، علاوه بر انجام وظایف کنسولی می‌توانند با موافقت دولت پذیرنده، قسمتی از امور دیپلماتیک را (بدون برخورداری از مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک) نیز تصدی نمایند. همچنین دو یا چند دولت می‌توانند با رضایت دولت پذیرنده، شخص واحدی را به عنوان مأمور کنسولی خود نزد دولت پذیرنده منصوب کنند. مأموران کنسولی علی‌الاصول باید تابعیت دولت فرستنده را دارا باشند و نمی‌توان آنها را جز با رضایت صریح دولت پذیرنده از بین اتباع آن دولت برگزید.

Consular Post

پست کنسولی

در روابط کنسولی به معنی سرکنسولگری یا کنسولگری یا کنسولیاری یا نمایندگی کنسولی است. طبقات پست کنسولی به این ترتیب است: سرکنسول، کنسول، کنسولیاری، نماینده کنسولی. پست کنسولی را نمی‌توان بدون رضایت دولت پذیرنده در سرزمین آن دولت تأسیس کرد.

Consular Premises

اماکن کنسولی

در روابط کنسولی یعنی ابنیه و یا قسمتهایی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالکش هرکه باشد، منحصرأ برای انجام مقاصد پست کنسولی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اماکن کنسولی مصون از

Consular Agent**نماینده کنسولی**

طبقه چهارم از طبقات چهارگانه رؤسای پستهای کنسولی و منظور کسی است که در یک کشور یا در منطقه معینی که کنسول نباشد، کارها را انجام می‌دهد.

Consular Archives**بایگانی کنسولی**

این اصطلاح در روابط کنسولی شامل کلیه اوراق و اسناد و مکاتبات و کتابها و فیلمها و نوارهای ضبط صوت و دفاتر پست کنسولی به انضمام رمز و مفتاح و کارتهای اندکس و هر نوع لوازمی است که برای حفاظت و نگهداری آنها به کار برده شود. بایگانی و اسناد کنسولی در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون است.

Consular Classes**طبقات کنسولی**

به تقسیم‌بندی رؤسای پستهای کنسولی اطلاق می‌شود که به شرح زیر است: سرکنسولها، کنسولها، کنسولیاریها و نمایندگان کنسولی.

Consular Commission**فرمان کنسولی؛ حکم مأموریت کنسولی**

برای رئیس پست کنسولی از طرف دولت فرستنده، فرمان یا حکم مأموریت و یا سندی مشابه صادر می‌شود که مؤید سمت او بوده و معمولاً حاوی نام و نام خانوادگی و طبقه و رتبه و حوزه کنسولی و مقر پست کنسولی است. دولت فرستنده، حکم مأموریت یا سند مشابه آن را از مجرای دیپلماتیک یا از هر طریق مناسب دیگر به حکومت دولتی که رئیس پست کنسولی در سرزمین آن باید انجام وظیفه نماید، ارسال می‌کند.

Consular Corps**هیات کنسولی؛ کرکنسولی**

کنسولهایی که محل مأموریت آنها در مرکز یک استان، شهر و یا بندر واقع شده باشد، هیاتی تشکیل می‌دهند که کرکنسولی خوانده می‌شود. در رأس این هیات، مقدم کنسول قرار می‌گیرد. کرکنسولی جنبه بین‌المللی و رسمی ندارد.

Consular District**حوزه کنسولی**

در روابط کنسولی یعنی ناحیه‌ای که برای انجام وظایف کنسولی، به یک پست کنسولی اختصاص داده شده است.

Consular Employee**کارمند کنسولی**

شخصی که در دوایر اداری یا فنی یک پست کنسولی به خدمت گمارده شده است.

Consular Functions**وظایف کنسولی**

وظایف کنسولی عبارتند از: حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن، کمک به توسعه مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فرهنگی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده، انجام برخی از خدمات دولتی برای اتباع از جمله صدور گذرنامه و روادید و اسناد مسافرت و صدور شناسنامه و تصدیق اسناد و انجام آنچه که به عهده دفاتر اسناد رسمی است و احضار اتباع مشمول خدمت نظامی، ابلاغ اسناد

قانون اساسی به قانونی اطلاق می‌شود که چگونگی حکومت و حدود اختیارات آن و حقوق و وظایف افراد را معین می‌سازد. مثلاً شکل دولت (جمهوری یا سلطنتی)، حدود قدرت شاه یا رئیس جمهوری، حقوق و وظایف مردم، چگونگی تشکیل پارلمان از یک یا دو مجلس، میزان قدرت و اختیارات هر یک از مجلسین از جمله موضوعات قانون اساسی است. قانون اساسی هر کشور بر حسب شرایط اجتماعی و اقتصادی محیط فرق می‌کند، یعنی در تدوین قانون اساسی، اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی، عقاید مذهبی، درجه فرهنگ و تمدن همگانی مؤثر است. قانون اساسی معمولاً بیانگر باورها و آرزوهای سیاسی کسانی است که آن را تدوین کرده‌اند. اصطلاح قانون اساسی در اواخر قرن هجدهم و در نتیجه انقلابهای آمریکا و فرانسه معمول شد.

مداخله سازنده

Constructive Engagement

سیاست دولت ایالات متحده آمریکا در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان مبنی بر تشویق تغییر در نظام آباتاید از طریق مذاکره و گفتگو با رهبران اقلیت سفیدپوست در کشور آفریقای جنوبی. این سیاست در سال ۱۹۸۰ به وسیله چستر کراکر طرح شد. وی همچنین در مقاله‌ای یادآوری کرده بود که سردادن ندای همدردی نه فقط برای رنج و ظلمی که به سیاهان در نظام آباتاید وارد می‌شود، لازم است بلکه برای مشکل سیاسی هولناکی که آمریکایی‌ها و سایر سفیدپوستان نیز خود را در آن درگیر می‌بینند، ضرورت دارد.

حضور مؤثر

Constructive Presence

نظریه‌ای در حقوق دریاها که به موجب آن، حق توقیف کشتیهای خارجی که از قایقهای خود برای ارتکاب جرم یا تخلف در دریای سرزمینی دولت ساحلی استفاده می‌کنند، در حالی که خودشان در خارج از آن منطقه هستند، وجود دارد و دولت ساحلی می‌تواند اقدام به توقیف آن کشتیها نماید.

سازنده‌گرایی؛ سازه‌انگاری؛ سازندگی‌گرایی؛ کانستراکتیویسم

Constructivism

۱- اعتقاد به اینکه جهان مادی، عمل انسان را شکل می‌دهد یا به وسیله عمل انسان شکل می‌گیرد و نحوه ارتباط این دو به تفاسیر عرفی و معرفتی دنیای مادی بستگی دارد. تأکید سازنده‌گرایان بر حقایق ملموس جهان سیاست است که به نظر آنها تنها به دلیل توافق انسانها شکل گرفته است. ۲- نهضتی هنری در شوروی سابق در دهه ۱۹۲۰ که از ویژگیهای آن، توجه به طرح هندسی و استحکام ساخت اثر بود.

کنسول

Consul

مأمور غیر سیاسی دولت فرستنده در کشور پذیرنده که از نظر رتبه، در طبقه دوم رؤسای پستهای کنسولی یعنی پس از سرکنسول قرار دارد. کنسول ممکن است از مأموران رسمی دولت خود و یا از اتباع آن دولت ولی مقیم خارج و یا در موارد استثنایی از اتباع کشور پذیرنده باشد. کار کنسولها، حفظ منافع اتباع دولت خود و رسیدگی به امور مدنی و احوال شخصی آنها است.

نمایندگی کنسولی

Consular Agency

اداره کنسولی در جایی که کنسولگری نباشد.

Constituency

حوزه انتخاباتی برگزینندگان

حوزه رأی دهندگان برای انتخاب نمایندگان مجلس.

Constituent Assembly

مجلس مؤسسان

مجمعی که از نمایندگان ملت با انتخابات عمومی تشکیل و مأمور تهیه قانون اساسی و یا تغییر بعضی از اصول آن می‌شود.

Constitutional Dictatorship

دیکتاتوری قانونی

دیکتاتوری ماهیتاً موقتی و اضطراری که به موجب قانون اساسی برقرار شود.

Constitutional Government

حکومت مشروطه؛ حکومت قانون سالار

۱- حکومت محدود در چارچوب قانون اساسی. ۲- حکومتی که بر پایه قانون اساسی استوار باشد و اعمال قدرت از سوی دولت (اعم از اینکه شکل حکومت جمهوری باشد یا سلطنتی) بر حسب شرایط پیش‌بینی شده در آن قانون انجام گیرد. واژه حکومت مشروطه مشروعه نیز به معنی حکومتی است که منطبق بر قوانین شرع (اسلام) باشد.

Constitutionalism

مشروطیت؛ مشروطه خواهی؛ قانون خواهی؛ قانون سالاری

۱- اعتقاد به لزوم حاکمیت قانون اساسی. ۲- دکترین یا نظام حکومتی که در آن، قدرت حاکمه از طریق قانون اساسی محدود می‌گردد و با رویه‌های تعدیل و توازن، از تمرکز قدرت جلوگیری به عمل می‌آید تا حقوق اساسی افراد و گروهها حفظ شود. به طور کلی، این مکتب طرفدار دموکراسی و مخالف حکومت مطلقه است.

Constitutional Law

حقوق اساسی

مجموعه قواعد و اصول مربوط به تشکیلات اساسی دولت و قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه و اختیارات و روابط آنها با هم و روابط افراد و دولت و حقوق و تکالیف متقابل طرفین که آن را قانون اساسی هر کشور تعیین می‌کند. به بیان دیگر، حقوق اساسی قسمتی از حقوق داخلی است که ناظر به ماهیت و شکل حکومت و قوای مهم آن، حدود اختیارات قوای مذکور نسبت به یکدیگر و به افراد کشور و روابط متقابل افراد و دولت است. قانون اساسی، منبع مهم حقوق اساسی شمرده می‌شود.

Constitutional Monarchy

سلطنت مشروطه؛ حکومت سلطنتی مشروطه

حکومت سلطنتی با بودن پارلمان و بر مبنای قانون اساسی. در این نوع حکومت، اختیارات پادشاه برخلاف سلطنت مطلقه، طبق قانون محدود می‌شود و تصمیمات از طرف نمایندگان مردم گرفته می‌شود. در این نظام در واقع، شاه سلطنت می‌کند اما حکومت نمی‌کند. جانشین شاه نیز به طور ارثی به سلطنت می‌رسد. در چنین حکومتی، هیأت مقننه و شاه امکان دارد به طرق گوناگون دارای ارتباط فرمانبرداری و فرمانفرمایی باشند.

Constitution (Fundamental Law)

قانون اساسی

اصول و مقرراتی که نظام حکومتی و اساس قوای اداره کننده کشور را تعیین می‌کند. به بیان دیگر،

Conspiracy Paranoia

توهم توطئه

این واژه، مترادف "نظریه توطئه" و بیانگر نوعی اختلال روانی است که شخص گمان می‌کند همه می‌خواهند به او صدمه بزنند، و یا براساس آن، سیر وقایع و امور مهم سیاسی در دست پنهان سیاست بیگانه پنداشته می‌شود.

Conspiracy Theory

نظریه توطئه؛ تئوری توطئه

این نظریه، بیانگر نوعی بیماری روانی فردی و جمعی است که به موجب آن، وقایع و امور مهم سیاسی و اجتماعی و سیر حوادث در دست پنهان و نیرومند سیاست بیگانه و تشکیلات مخوف اقتصادی و سیاسی و عقیدتی وابسته به آن سیاست پنداشته می‌شود، مانند اعتقاد به دست پنهانی سیاست انگلیس در وقایع و تحولات عمده ایران. مبتلایان به توهم توطئه بارف مسئولیت از خویش و به جای تحلیل و بررسی علمی و منطقی وقایع و مشکلات و عقب‌ماندگی‌ها، تمام تقصیرات را به گردن بیگانگان می‌اندازند. به نظر احمد اشرف، توهم توطئه در خاورمیانه و بویژه ایران رواج دارد. وی علل مؤثر در رواج توهم توطئه را ناشی از موارد زیر دانسته است: توطئه‌چینی قدرتهای بزرگ در شرایط نیمه استعماری، توطئه پردازی رقیبان خارجی و دستگاه امنیتی کشور برای مقاصد سیاسی و کوشش مداوم برای لجن مال کردن رجال کشور که موجب آسیب‌پذیری مردم در برابر شایعات توطئه‌پردازان می‌گردد، فقدان آزادی بیان و برخورد آزاد و سالم عقاید گوناگون، اعتقاد به ثنویت که از دوران پیش از اسلام در ادیان ایرانی اهمیت داشته، اعتقاد به قضا و قدر و دسیسه‌های فلک کجرفتار و نیروهای بیرون از حیطه دخالت انسان. مع‌هذا به نظر عده‌ای، توطئه‌گری قدرتهای امپریالیستی بویژه در خاورمیانه، واقعیت دارد و نمی‌توان آن را توهم دانست. به نظر باقر مؤمنی، تاریخ معاصر ایران سرشار از توطئه‌های امپریالیستی و اجرای نقشه‌ها و طرح‌های غارتگرانه امپریالیسم به دست عوامل نوکر و یا استبدادطلب داخلی بوده است. مثلاً توطئه سرنگونی مصدق. او یک ناسیونالیست مشروطه‌خواه بود که حداکثر می‌خواست منابع نفت ایران در دست و در خدمت خود ایرانیها باشد و شاه مملکت هم، سلطان مشروطه. ولی امپریالیستها نگذاشتند به هدفش برسد. به نظر وی، نباید از نظریه توطئه، چنین نتیجه‌گیری شود که مردم در برابر نیروی اهریمنی امپریالیسم و توطئه‌های آن نمی‌توانند مقاومت کنند و بر آن فائق آیند و کار را باید به قضا و قدر سپرد. شک نیست که هیچ نیروی اهریمنی، قادر مطلق نیست و توطئه‌های ضدبشری هم بدون باطل‌السحر نیستند و باطل‌السحر این توطئه‌ها هم، هوشمندی و مبارزه در برابر آنها است و نه فراموش کردن یا دست کم گرفتن آنها و نه غیر قابل دسترسی و شکست‌ناپذیری آنها.

Conspiratorial Society

جامعه توطئه‌آمیز

این اصطلاح در ارتباط با شرایطی در جامعه به کار رفته که در آن، طبقات زحمتکش از مظلومیت خود آگاه می‌شوند و تصمیم به طغیان در برابر استثمارگران می‌گیرند ولی به علت وجود دستگاههای سرکوبگر، امکان ظهور و فعالیت سازمانهای رسمی میسر نمی‌شود و لذا گروه‌های زیرزمینی به وجود می‌آید که هیأت حاکمه از آنها به عنوان توطئه‌گر نام می‌برد.

اساس قانون بین‌المللی است که به موجب آن از جمله یک دولت می‌تواند دولت یا دولت‌های دیگر و یا یک سازمان بین‌المللی را مجاز به دخالت در حوزه منافع و حدود صلاحیت و قلمرو خود بنماید. چنین رضایتی ممکن است قبل از بروز عملیات و به موجب قرارداد اعلام شود و یا همزمان با بروز دخالت داده شود یا به صورت ویژه، برای ورود یا عبور نیروهای خارجی اعطاء گردد.

Consequentialism

عاقبت‌گرایی؛ نتیجه‌گرایی

باور به اینکه آنچه در نهایت در ارزشیابی اقدامات یا خط‌مشی‌های عمل اهمیت دارد، نتایجی است که به بار می‌آید. نتیجه‌گرایی گاهی با فایده‌گرایی یا مکتب اصالت نفع آمیخته می‌شود که درست نیست، زیرا فایده‌گرایی یکی از انواع نتیجه‌گرایی است.

Conservation

حفاظت؛ حراست

اقدام سیاسی یا باوری که به دنبال حفظ وجود چیزی است.

Conservatism

محافظه‌کاری

۱- تأیید وضع موجود و مقاومت در مقابل تغییر و دگرگونی. ۲- مکتبی که به موجب آن، حفظ عقاید، نهادهای دیرپای و هر امر استقراریافته‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به نظر محافظه‌کاران، انقلابیون و افراطیون طبق اهداف صرفاً نظری و مکتبی می‌خواهند بسیاری از نهادهای اجتماعی و سیاسی را از بین ببرند و نهادهایی را بر اصول مجرد و دانش نظری بنا کنند، بجای اینکه به آنها اجازه دهند که خود از جریان حوادث بیرون آیند و نیازهای مردم را به طور طبیعی خلق کنند. محافظه‌کاری در سنت سیاسی بریتانیا نقش ویژه‌ای دارد که اصول اساسی آن را حفظ میراثیایی لیبرالیسم اروپایی، سنتها و نهادهای سیاسی تاریخی، احترام به مالکیت خصوصی، پذیرش درجاتی از نابرابری بین افراد و حداقل دخالت دولت در جریان اقتصاد تشکیل می‌دهد.

Consociational Democracy

دموکراسی همیاورانه؛ دموکراسی همگامانه

این اصطلاح برای بیان مکانیسم‌های ثبات سیاسی در جوامع دارای شکاف‌های عمیق اجتماعی (مثل اتریش، بلژیک و هلند) به کار رفته است.

Consortium

کنرسیوم؛ گروه‌بندی چند شرکت

۱- ائتلاف چند شرکت مستقل برای انجام امور انتفاعی. کنرسیوم (یا سندیکا) شکلی از انحصار سرمایه‌داری است. ۲- شرکت تجاری.

Conspicuous Consumption

مصرف تظاهرآمیز؛ مصرف برای شخص

مصرف کالاها و خدمات گرانبها برای خودنمایی در برابر دیگران و نه به منظور رفع احتیاج که خاص جوامع پیشرفته سرمایه‌داری یا اقشار بالای جوامع در حال توسعه است.

Conspiracy

توطئه

همکاری دو یا چند نفر جهت اقدام به یک عمل غیرقانونی و یا اجرای یک عمل قانونی از طریق غیرقانونی.

دستورات اخلاقی، وفاداری به اصول، اعتقاد و ایمان، شناخت قوانین اجتماعی - تاریخی و نظایر اینها مشخص می شود.

Conscientious Objector

معترض اخلاقی؛ معترض وجدانی؛ فرمان شکن وجدانی

کسی که عملی را تقبیح کند یا از انجامش به دلیل عدم سازگاری آن با وجدان اخلاقی یا باورهای مذهبی خود امتناع نماید، مثل کسانی که با وجود قوانین و مقررات حاکم، از شرکت در جنگ و یتنام خودداری کردند.

Consentization

هشیار سازی؛ آگاه سازی

آموختن راه و رسم درک تضادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و عمل کردن در برابر عناصر ستمگر و متجاوز.

Consciousness-raising

ارتقای آگاهی

به نظر فمینیستها هر نوع بررسی که منجر به آگاهی شود، در نهایت، سیاسی و تاریخی است. در دهه ۱۹۶۰، گروه‌های کوچک و خودجوش زنان به منظور نزدیک شدن به یکدیگر و تقویت حس همبستگی ایجاد شدند تا با بررسی علل فرودستی زنان و ستمی که بر آنان می‌رود و تجزیه و تحلیل شرایط سیاسی و اجتماعی، چاره‌جویی کنند و راه‌حلهای عملی پیدا کنند. از این رو، ارتقای آگاهی هدف اساسی فمینیسم است.

Consensus

اجماع؛ اتفاق نظر؛ نظر اکثریت؛ همراهی؛ توافق

توافق تقریباً همگانی اعضای یک گروه درباره برخی قضایا یا موقعیتهای که مستلزم تصمیم مشترک است. در کنفرانسهای بین‌المللی برای حل مسائل بین‌المللی و بویژه در زمینه‌های مربوط به خودمختاری ملتها و حقوق بشر، نمایندگان کشورها سعی می‌کنند طی مذاکرات غیررسمی و در جلسات کوچک و کمیسیونهای فرعی، ابتدا یک فرمول حد وسط را که با منافع حیاتی هیچ کشوری منافات نداشته باشد و در عین حال تا حد امکان مورد رضایت همه باشد، بیابند و سپس آن را در جلسه رسمی کنفرانس مطرح سازند و بدون اخذ رأی نسبت به آن همگی توافق کنند و تصمیم بگیرند. این روش به کنسانسوس یا اجماع معروف شده است که از یک طرف نشانه ظهور یک دوره رکود و سیاست محافظه‌کاری و بی‌اعتنایی در فعالیتهای بین‌المللی (در سطح دولتها) است و از طرف دیگر نشانه عدم تمایل قدرتهای بزرگ به جنگ و غیرمحمتمل شدن بیش از پیش بر خوردهای نظامی جهانی است. این نوع توافق بآنکه با اتفاق آراء وجه اشتراک دارد، با آن متفاوت است و تنها این معنی را می‌رساند که تصمیمات اتخاذ شده، پذیرفتنی است.

Consent

رضایت

تمایل تردیدناپذیر برای انجام امر یا عقدی با تمام شرایط و آثار و نتایج آن. معمولاً اعلام رضایت دولتها به دو طریق صورت می‌گیرد: ۱- رضایت علنی Express consent که دولتها موافقت خود را نسبت به حقوق و تکالیف بین‌المللی با انعقاد عهدنامه، مقاوله نامه و جز اینها صراحتاً اعلام می‌دارند ۲- رضایت ضمنی Tacit consent که رضایت دولتها به طور غیر مستقیم و به شکل رسوم بین‌المللی تجلی می‌یابد مثل امتیازات و مصونیت‌های دیپلماتیک و رژیم آبهای آزاد. رضایت، پایه و

سیاست را به عنوان علم اجتناب از مواجهه و برخی آن را هنر اقدام به مواجهه دانسته‌اند.

Congregationalism

خودسالاری کلیسایی

نظام آزادی کلیساهای محلی که در یکی از فرقه‌های پروتستان رواج دارد. این نظام، فاقد اسقف محلی است و در قرنهای شانزدهم و هفدهم میلادی در انگلستان و علیه کلیسای رسمی و عبادت متشکل، شکل گرفت. جنبش آزادی کلیساهای محلی در اوایل قرن هفدهم به وسیله مهاجران به آمریکا وارد شد.

Congress

کنگره؛ مجمع

۱- عالی‌ترین مقام وارگان رهبری حزب، کنگره خوانده می‌شود و آن اجتماعی است از نمایندگان که اعضای حزب و سازمانهای مربوطه معمولاً به نسبت تعداد عضو، برمی‌گزینند. ۲- در اصطلاح بین‌المللی، اجتماعی است از سران کشورها یا نمایندگان آنها برای تبادل نظر و تفاهم در مسائل سیاسی.

Conjuncture

اوضاع و احوال

مجموع عناصری که با هم پیوند دارند و مقتضیات یک واحد خاص و در زمانی خاص به آن بستگی دارد و بررسی این شرایط با توجه به تمام مشخصات و گرایشهای آن، شناخت اوضاع و احوال، اوضاع و عوامل یا دستداد خوانده می‌شود. به نظر آلتوسر، فیلسوف فرانسوی، مطالعه اوضاع و احوال، اساس بررسیهای سیاسی در مارکسیسم است. زیرا معلوم می‌کند که فشار سیاسی در کجا تأثیر بیشتری به بار می‌آورد.

Conquest

تصرف؛ فتح؛ تسخیر

اشغال نظامی یا تملک سرزمینها از طریق زور که سابقاً معمول بود.

Conscience

وجدان

۱- استعدادی درونی برای ادراک نیک و بد افعال، همراه با قدرت صدور احکام اخلاقی مستقیم بر اساس ارزش بعضی افعال فردی. ۲- احساسی است درونی که شخص از طریق آن، جهات اخلاقی رفتار و اعمالش را مورد قضاوت قرار می‌دهد. ۳- مجموعه اصول اخلاقی یا رفتاری که شخص آن را پذیرفته است. تبعیت از حقیقت، اجرای وظایف خود و رعایت حقوق دیگران، از مهم‌ترین صفات انسانی است. اصولاً شخص باید دو وجدان داشته باشد: یکی وجدان منطقی یا علمی، یعنی وجدانی که دروغ را تحمل نکند و دیگر، وجدان اجتماعی، یعنی وجدانی که ظلم و بیعدالتی را تحمل ننماید.

Conscience Prisoner

زندانی وجدان

کسی که صرفاً به خاطر عقیده مذهبی یا سیاسی خود زندانی شده است.

Conscientiousness

با وجدانی؛ وظیفه‌شناسی

این واژه در معنی وسیع فلسفی با مفهوم آزادی مطابقت می‌کند و بیانگر عالی‌ترین معیار کردار پیشرفته اخلاقی مسئولانه است و با ویژگیهای فهم و درک، اعتقاد به تعلقات و مصالح مردم و

اقدامات داوطلبانه توسط امضا کنندگان برای اطلاع مانورهای نظامی برنامه ریزی شده به یکدیگر. این تدابیر، تنش بین پیمان سابق ورشو و ناتو را کاهش می داد.

شخص ظاهرالصلاح

Confidence Trick Man

کسی که با زرنگی توانسته است از راه جلب اعتماد دیگران، بر سرشان کلاه گذارد و آنها را مورد سوء استفاده قرار دهد.

اسناد خیلی محرمانه

Confidential Documents

اسنادی که افشای آنها خطری برای کشور ندارد ولی به مصالح حکومت لطمه می زند و یا ممکن است مورد استفاده دولت دیگری قرار گیرد و لذا باید صرفاً در دوائر اداری حکومتی نگهداری شود.

کشمکش؛ ستیزه

Conflict

۱- کشاکش، برخورد، درگیری، همستیزی یا نزاع بین دو یا چند طرف که در آن، هریک از طرفین می کوشد تا دیگری را وادار به تسلیم نماید. کشمکش اگر خوب اداره و کنترل نشود، امکان دارد به خشونت، جنگ و خونریزی منجر شود. ۲- کوششی برای طرد رقیب از عرصه سبقت جویی.

مدیریت کشمکش

Conflict Management

اداره و کنترل بلندمدت کشمکشهای سخت و مردم درگیر در آنها تا به خشونت، جنگ و خونریزی منجر نشوند.

تعارض قوانین

Conflict of Laws

نام دیگر حقوق بین الملل خصوصی. تعارض بین قوانین دو کشور در مورد حقوق اتباع بیگانه مقیم هریک از دو کشور، به این تعبیر که در روابط حقوقی و اجرای حقوق مکتسبه، قوانین محل باید اجرا شود یا قوانین دولت متبوع تبعه بیگانه. هرگاه یک وضع حقوقی با قوانین دو یا چند کشور تماس پیدا کند و قوانین آن کشورها نسبت به آن وضع حقوقی یکسان نباشند، باید از میان قوانین کشورهای مزبور براساس قواعد حقوقی بین الملل خصوصی، قانون یک کشور را رجحان نهاد و آن را حاکم بر آن وضع حقوقی کرد.

همرنگی با جماعت؛ دنباله روی؛ تقلید

Conformism

۱- انطباق و هماهنگی با افکار و اعمال قراردادی یا مقتضیات عمومی جامعه. ۲- رفتار سازگار باهنجارها و قواعد یک جامعه یا گروه اجتماعی. ۳- جهت گیری یا موضع گیری در مورد مسائل اجتماعی و اخلاقی، نه با تصمیم گیری مستقل یا از راه مشارکت مسئولانه در تصمیم گیری، بلکه با توافق و همسازی انفعالی، انقیاد محض و اطاعت کورکورانه در برابر نظم و قواعد و ارزشهای حاکم و مستقر.

رویارویی؛ درگیری

Confrontation

مرحله کشمکش بین دو طرف ذینفع، وقتی که راه حلهای آشتی، میانجیگری، داوری، احقاق حق و چانه زدن به کنار گذاشته شود و زور به عنوان تنها راه چاره به رسمیت شناخته شود. برخی،

خلع سلاح، حل مسالمت‌آمیز اختلافات، همکاری در زمینه‌های اقتصاد، علم و تکنولوژی و محیط زیست، رعایت قوانین بین‌المللی، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، مبادلات بازرگانی، روابط فرهنگی، توریسم و موضوعهای دیگر تنظیم شده است. سران کشورهای عضو کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا در سال ۱۹۹۰ در پاریس گرد آمدند و سعی کردند تا این تشکیلات را با شرایط جدید بعد از جنگ سرد تطبیق دهند. در اجلاس سال ۱۹۹۴ در بوداپست نیز تغییر نام کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا به سازمان امنیت و همکاری اروپا پیش‌بینی شد.

Confession

اقرار؛ اعتراف

اخباری است که به وسیله آن، شخص عملی را که می‌تواند علیه او آثار حقوقی ایجاد کند، به صحت بشناسد. اقرار به گناه معمولاً در مراحل تحقیق نزد بازپرس و پلیس و یا دادگاه انجام می‌شود. اقرار، وقتی اعتبار دارد که آزادانه به عمل آمده باشد و نه تحت فشار و شکنجه. رفتار خشن و تهدید آمیز و ارباب و احیاناً آزار مظنون و در نتیجه، تحصیل اقرار از او با اصول اجرای عدالت متناقض است.

Confessionalism

فرقه‌گرایی مذهبی

این واژه برای توصیف اصل نمایندگی ثابت فرقه‌ای تناسبی یا نسبی (مطابق سرشماری سال ۱۹۳۲) در چارچوب کلی دولت جمهوری پارلمانی لبنان به کار رفته است. سرشماری سال ۱۹۳۲ در سایه حضور نیروهای نظامی فرانسوی صورت گرفت. طبق این سرشماری، مسیحیان با ۵۱ درصد جمعیت کشور، بزرگترین طایفه مذهبی لبنان شناخته شده‌اند. در ماده ۹۵ قانون اساسی لبنان آمده است: "به طور موقت و برای تحقق عدالت و آشتی، فرقه‌های مذهبی به صورتی عادلانه، در وظایف و مشاغل عمومی و تشکیل کابینه مشارکت کرده، بدون آنکه به منافع عمومی زیان برسد." با استناد به این ماده، پستهای عمومی میان فرقه‌های مختلف مذهبی چنان توزیع می‌شود که بعداً به صورت عرف درمی‌آید. مثلاً بیشترین و مهم‌ترین پستها از آن مسیحیان مارونی شده است. یکی از نتایج چنین تصمیمی آن است که در لبنان هیچگاه سرشماری عمومی نفوس انجام نمی‌شود تا تغییرات ترکیب مذهبی جمعیت، به اصلاح سهمیه‌بندی فرقه‌ای پارلمان و تلاش مسلمانان برای تغییر وضع موجود منجر نشود. ظاهراً مطابق برآوردهای غیر رسمی از جمعیت، شیعه‌ها و سنی‌ها بزرگترین طوایف لبنانند و مارونیها، دروزیها، ارتودوکسها و کاتولیکها پس از آنها قرار می‌گیرند.

Confidence Building

اعتمادسازی؛ ایجاد اطمینان

اعتماد، یعنی اطمینان و اعتقاد شخص به صداقت شخص دیگر. در روابط بین‌الملل، اعتمادسازی، به معنی از بین بردن علل تنشهای موجود و تقویت صلح و امنیت و افزایش ثبات و امنیت و ایجاد حس همکاری است.

Confidence-Building Measures

تدابیر ایجاد اطمینان

کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا در بخشی از اعلامیه نهایی خود که به بیانیه هلسینکی معروف است، اندیشه تدابیر ایجاد اطمینان و امنیت را مطرح کرد و مفهوم آن عبارت است از

Confederacy**پیمان؛ توطئه؛ کنفدراسیون؛ فدراسیون؛ اتحادیه**

۱- پیمان حمایت متقابل یا اقدام مشترک. ۲- دسته‌بندی اشخاص برای مقاصد غیر قانونی. ۳- انجمنی از دولت‌ها (یا اشخاص و ملت‌ها) برای حمایت و نفع متقابل.

Confederation**کنفدراسیون؛ هم‌پیمانی**

انجمن یا اتحاد دو یا چند دولت با حفظ استقلال خارجی و داخلی هر یک که قسمتی از وظایف دولت‌های متحده به یک هیأت مرکزی مشترک واگذار می‌شود. کنفدراسیون در ارتباط با سندیکاها و انجمن‌های مانند آن معمولاً از پیوند چند فدراسیون ایجاد می‌شود.

Confederation of the Peoples of Caucasus**کنفدراسیون خلق‌های قفقاز**

این کنفدراسیون مرکب از نمایندگان شانزده ملت شمال قفقاز است و به تشکیل دولتی از آنها گرایش دارد. پیش از آن، مجمع خلق‌های کوه‌نشین قفقاز در ماه اوت سال ۱۹۸۹ در سوخومی مرکز آبخازستان شکل گرفته بود. مجمع خلق‌های کوه‌نشین که به عنوان جنبش برای احیای قفقاز واحد، تفکر واحد قفقازی و آگاهی قفقازی به وجود آمده بود، در سال ۱۹۹۱ پیشنهاد کرد که مجمع خلق‌های کوه‌نشین قفقاز به کنفدراسیون خلق‌های کوه‌نشین قفقاز تبدیل شود. ملت‌های عضو این کنفدراسیون عبارتند از: آوارها، لاکها، لزگیها، دارگینها، چچنهای اکین، چچنها، اینگوشها، کاباردیها، اوستیهای شمالی و جنوبی، قره‌چایها، چرکسها، آدیغها، شاپسوها، آبازینها، آبخازها.

Conference**کنفرانس؛ گرد همایی؛ همایش؛ جلسه؛ مجمع**

مجمع نمایندگان یک سازمان، اعم از سیاسی و اجتماعی و هنری و علمی و جزاینها که برای بحث در خصوص یک یا چند مسأله معین تشکیل می‌شود و یا مجمع نمایندگان سیاسی یا رؤسای دولت‌ها یا احزاب کشورهای مختلف. عده‌ای اعتقاد دارند که مجمع رسمی سیاسی در صورتی کنگره نامیده می‌شود که مرکب از رؤسای دولت‌های مختلف باشد و اگر چنین مجمعی از وزیران یا نمایندگان سیاسی دولت‌ها تشکیل گردد، کنفرانس خوانده می‌شود. این مطلب، امروزه صادق نیست.

Conference Diplomacy**دیپلماسی کنفرانس**

گفتگوهای دیپلماتیک مفصل در اجلاسهای بین‌المللی. دیپلماسی کنفرانس یکی از شکل‌های "دیپلماسی علنی" است. در این کنفرانسها یک رئیس انتخاب می‌شود و روش‌های کار کنفرانس نیز براساس موازین و قواعد پذیرفته شده است.

Conference on Security and Cooperation in Europe (CSCE)**کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا**

مهم‌ترین کنفرانس از سلسله کنفرانسهای امنیت و همکاری در اروپا، روزهای ۳۰ ژوئیه تا اول اوت سال ۱۹۷۵ به منظور تحکیم صلح و به رسمیت شناختن مرزهای موجود در اروپا با حضور سران و نمایندگان کانادا، ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی، بجز آلبانی و آندورا (که سیاست خارجی آن را فرانسه اداره می‌کند) در هلسینکی برگزار گردید و سند نهایی آن که به بیانیه هلسینکی نیز معروف است، به امضای شرکت‌کنندگان رسید. این سند در زمینه‌های امنیت اروپا،

Concordat**کنکور داد؛ قرارداد مذهبی**

توافقنامه‌های منعقد شده بین واتیکان و کشورهای کاتولیک مذهب که با عبارت "به نام تثلیث مقدس و تقسیم ناپذیر" شروع می‌شوند. به بیان دیگر، موافقتنامه پاپ است با مقامات دولتی به منظور تعیین حدود اختیارات طرفین و تنظیم مقررات مربوط به فیصله اختلافات کلیسا و دولت. کنکورداها که از قرن ۱۹ میلادی عمومیت پیدا کردند، شامل مقررات حاکم بر انتصاب اسقفها، فرامین مذهبی و اموال کلیسا بودند. در سال ۱۹۳۳ موافقتنامه‌ای بین واتیکان و رایش سوم به امضا رسید که به موجب آن بر سر حفظ نظام آموزشی کاتولیک، اموال کلیسا و آزادی عبادت از یک طرف و عدم دخالت کلیسا در سیاست از طرف دیگر، موافقت شده بود. این موافقتنامه گرچه در اصل به سود نازیها بود، با اینهمه از همان ابتدا، هیتلر از آن تخلف کرد.

Concurrent Majority**اکثریت موافق**

رویه‌ای که به موجب آن، اکثریت اشخاص ذینفع در یک تصمیم باید با آن موافق باشند.

Conditional Contraband**قاچاق مشروط جنگ**

در آغاز جنگ اول جهانی، قاچاق مشروط (یا نسبی، اتفاقی، تصادفی و قیاسی) از جمله شامل اشیاء زیر می‌شد: آذوقه، زغال، فلزات قیمتی، پنبه و کائوچو. در طول جنگ به قدری برای این چند قلم اضافه شد که فقط چیزهایی را که مربوط به مد و آثار هنری و اسباب بازی بود، در لیست اجناس غیر قاچاق ذکر کرده بودند. صلاحیتی که کشور متخاصم در تشخیص و تعیین قاچاق جنگ دارد، صلاحیت انحصاری است. قاچاق مشروط (نسبی) به شرط اینکه به منظور استفاده نیروهای مسلح و یا ادارات کشوری دشمن تهیه شده باشد قابل تصرف است که این ترتیب را مقصد بر حسب مورد استعمال می‌نامند.

Condominium**حاکمیت مشترک و مشاع؛ سلطه مشترک و مشاع؛ کاندومینیوم**

نظام آن سرزمینی است که تحت حاکمیت مشترک دو یا چند کشور قرار دارد. به عبارت دیگر، کاندومینیوم دارای این ویژگی است که دو یا چند کشور، قدرت سیاسی و قوه قضائیه را بر سرزمین معینی که به این ترتیب فاقد صلاحیت مانع از غیر و انحصاری کشوری می‌شود، توأماً و با تساوی کامل حقوق، اعمال می‌کنند. مانند سودان که زمانی کاندومینیوم مصر و بریتانیا بود. مجمع الجزایر هبرید جدید واقع در اقیانوس آرام نیز با انعقاد چند معاهده در سالهای ۱۸۸۷، ۱۹۰۶ و ۱۹۱۴ بین فرانسه و بریتانیا به صورت کاندومینیوم درآمد. نظام اداره بین‌المللی مجمع الجزایر هبرید به دنبال استقلال آن در سال ۱۹۸۰ از میان رفت و نام این مجمع الجزایر نیز به‌وانواتو تغییر یافت.

Condorcet Winner**برنده کندرسه**

از نام کندرسه (۱۷۹۴-۱۷۴۳) دانشمند و سیاستمدار انقلابی فرانسوی گرفته شده که با ولتر و سایر روشنگران فرانسه در پیکار علیه علیه نظام حقوقی که به پیگرد و آزار و محکومیت قضائی مخالفان مذهبی منتهی شده بود، همراه شد. برنده کندرسه، گزینه یا کاندیدائی است که در یک انتخابات با کاندیداهای متعدد، با اکثریت ساده‌ای در برابر هر یک از دیگران، موقع مقایسه هر زوج از کاندیداهای، پیروز می‌شود.

Conceit**خودبینی**

خصوصیت منفی اخلاقی کسی که نگرش اقتصادی به خودش ندارد، فضائل و تواناییهای خود را بیش از اندازه می‌داند، عقاید دیگران را مورد توجه قرار نمیدهد و مفاهیم به طور کلی پذیرفته شده را بدون دلایل کافی رد می‌کند.

Concentration Camp**اردوگاه اسیران؛ اردوگاه کار اجباری**

بازداشتگاههای ویژه اسیران جنگی، عموم محکوم شدگان و بویژه محکومان سیاسی. در برخی از این بازداشتگاهها، اسیران را به کارهای سخت و دشوار مثل قطع درختان جنگلی، استخراج معادن و بیگاری وامی‌داشتند. این گونه بازداشتگاهها از سال ۱۹۳۳ توسط نازیها در آلمان ایجاد شد. آنها پس از کسب قدرت، از این بازداشتگاهها برای توقیف کمونیستها، یهودیان و آزادیخواهان استفاده می‌کردند.

Concern**کنسرن؛ شرکت**

اتحادیه‌ای است از تراستهای بزرگ یا مؤسسات تولیدی در رشته‌های مختلف صنعتی، بانکها، تجارخانه‌ها و شرکت‌های حمل و نقل و بیمه که از نظر مالی به یک گروه مخصوص از سرمایه‌داران بزرگ وابسته‌اند. کنسرن یکی از اشکال انحصار است.

Concession**امتیاز**

۱- دادن حق بهره‌برداری از برخی مؤسسات، اراضی، امور اقتصادی، ثروت‌های طبیعی و جز اینها به سرمایه‌داران یا انحصارات سرمایه‌داری. ۲- امتیاز، قراردادی است که میان مقام رسمی امتیاز دهنده با شخص امتیاز گیرنده منعقد می‌شود. این گونه قراردادها شامل مطالب زیر است: سرمایه‌گذاری، انجام دادن کارهای عمومی و یا بهره‌برداری از املاک و اموال عمومی کشور، حق استفاده مالی برای امتیاز گیرنده از بابت کارهایی که انجام می‌دهد.

Conciliation**آشتی؛ سازش**

آشتی هنگامی مطرح می‌شود که طرفین در جریان خصومتها به منافع مشترک خود پی می‌برند و توافقی که مورد قبول آنها باشد انجام می‌گیرد و در نتیجه، تمایلات خصمانه کم می‌شود ولی به کلی از بین نمی‌رود. موضوع آیین سازش، حل و فصل کشمکش است که از برخورد منافع متضاد به وجود می‌آید. کار هیأت آشتی عبارت از این است که قضیه را بررسی و گزارش عینی و تحقیقی تهیه و تنظیم کند و به ضمیمه پیشنهادهای دقیق به منظور ایجاد توافق در امر مورد اختلاف، تقدیم طرفین دعوا کند. رجوع به آیین سازش در صورتی که یکی از طرفین دعوا تقاضا نماید، اجباری است اما گزارش هیأت آشتی، برای اصحاب دعوا به هیچ وجه الزام‌آور نیست، زیرا سازش دهنده فقط باید بکوشد تا طرفین دعوا را با هم آشتی دهد و سازگار کند و بیش از این وظیفه‌ای ندارد.

Conclave**جلسه محرمانه؛ نشست پنهانی**

اجلاس معمولاً پنهانی رهبران مهم، مثل جلسه محرمانه کار دینالها برای انتخاب پاپ.

است. در مرحله سازش، خشونت حذف می‌شود و همسازی به میان می‌آید. سازش زمانی ضرورت پیدا می‌کند که ادامه مبارزه خشن برای طرفین درگیر، زیان‌هایی بیشتر از سازش داشته باشد، هرچند که عدالت در آن کاملاً رعایت نشود. مصالحه شامل دو شیوه اصلی است: ۱- مذاکره ۲- داوری. روش جاری در روابط دیپلماتیک مذاکره است و اگر از این طریق تفاهمی حاصل نگردد، شیوه داوری به کار می‌رود. به‌طور کلی، ارجاع اختلاف به داوری محتاج مصالحه و توافق قبلی طرفین اختلاف است. اصطلاح سازش و سازشکاری در ادبیات سیاسی چپ، بار منفی دارد، به این معنی که سازشکار به فردی اطلاق می‌شود که با رژیم موجود بسازد و علیه جنبش یا سازمان خود عمل کند.

Compulsory Labor

کار اجباری

کاری که با تهدید به مجازات و بی‌آنکه ذینفع به‌میل و رضای خاطر برای انجام آن داوطلب باشد، به‌ویژه تحمیل گردد. کار اجباری به‌دو منظور اعمال می‌شود: ۱- وسیله فشار سیاسی و یا تنبیه به‌خاطر داشتن یا ابراز عقاید سیاسی. ۲- برای مقاصد اقتصادی مهم. براساس میثاق الغای کار اجباری مصوب سال ۱۹۵۷، هرگونه کار اجباری برای مقاصد ذیل ممنوع است: ۱- به‌عنوان وسیله فشار و یا ترویج سیاسی و یا به‌عنوان تنبیه به‌خاطر داشتن و ابراز کردن عقاید سیاسی و یا عقاید مرامی مخالف نظام اجتماعی و یا اقتصادی موجود. ۲- به‌عنوان شیوه بسیج و استفاده از نیروی کارگر برای مقاصد توسعه اقتصادی. ۳- به‌عنوان وسیله برقراری انضباط کارگری. ۴- به‌عنوان تنبیه به‌خاطر شرکت در اعتصابات. ۵- به‌عنوان وسیله تبعیض نژادی، اجتماعی، ملی و یا مذهبی.

Compulsory Voting

رای دهی اجباری

قانونی که (مثلاً در بلژیک و استرالیا) در بعضی مواقع افراد را مجبور به رأی دادن می‌کند و برای افرادی که از رأی دادن اجتناب کنند، مجازات‌هایی در نظر می‌گیرد. قانون رأی دهی اجباری در هلند در سال ۱۹۷۱ لغو شد.

Computer Literacy

سواد کامپیوتری

شاخص سواد در گزارش‌های اقتصادی و اجتماعی همواره یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی کشورها تلقی می‌شده است. در سال‌های اخیر که نرخ بیسودی در کشورهای توسعه یافته به‌صفر نزدیک شده است، شاخص سواد کامپیوتری یا توان و سواد استفاده از کامپیوتر و شبکه‌های کامپیوتری به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی شناخته شده است.

Comrades

رفقا

این واژه به‌صورت جمع برای اشاره به‌چپی‌ها یا کمونیست‌ها به کار رفته است.

Comradeship

رفاقت

روابط مبتنی بر اشتراک منافع، اهداف و همبستگی، اعتماد و احترام متقابل.

Concealment (Secrecy)

مخفی‌کاری؛ پنهانکاری

هرگونه عمل و یا خودداری از عملی که برای پنهان کردن چیزی یا کسی یا رازی از دشمن، صورت گیرد.

ائتلاف برنده باشند. همه نظامهای حزبی دموکراتیک یا مردمسالار را می توان رقابتی دانست.

سوسیالیسم رقابتی

Competitive Socialism

سوسیالیسمی که در آن، مالکیت خصوصی عوامل تولید لغو می شود و ابزار تولید به مالکیت دولت درمی آید ولی در بازار، مکانیسم قیمتها و رقابت آزاد وجود دارد.

عقده

Complex

۱- مجموعه به هم پیچیده یا به هم تافته و سازمان یافته‌ای از عوامل و عناصر روانی دارای رنگ عاطفی و معمولاً ناخودآگاه که باعث رفتار غیرعادی می شوند. ۲- افکاری که به هم پیوند می خورند و تمام یا بخشی از آنها به تجربه‌های سرکوفته ارتباط دارند. عقده‌ها ممکن است مفید یا مضر باشند و به طور کلی به سه نوع شخصیتی (مثل خودنمایی، حقارت، تفاخر)، جنسی (عشق، حسادت، علاقه عاطفی و جنسی پسر به مادر، علاقه عاطفی و جنسی دختر به پدر) و اجتماعی (محبوبیت یا عدم محبوبیت، جلای وطن) تقسیم شده‌اند. از عقده‌های سودمندی که در پیشرفت تمدن انسان تأثیر داشته‌اند می توان از عقده‌های مربوط به میهن پرستی، حفظ شرافت، پاکدامنی، درستکاری و آزادیخواهی نام برد از عقده‌های مضر نیز می توان از استبداد و زورگوئی، مردم آزاری، تبعیض نژادی و جنسی و مذهبی نام برد. عقده حقارت نیز شامل تصورات، افکار و خواهشهای عاطفی در مورد نقصهای واقعی یا خیالی شخص و یا هر نوع انحراف از حدود و معیارهای عادی است و کم و بیش در هر کسی ممکن است مشاهده و یا حاصل شود.

بورژوازی کمپرادور

Comprador Bourgeoisie

قشر ثروتمند کشورهای وابسته که سرمایه‌اش آمیخته با سرمایه‌های خارجی و منافع مستلزم حفظ و تحکیم سیادت سرمایه‌های امپریالیستی است. بیشتر تجار بزرگ وارد کننده کالا، مالکان کارخانه‌های مونتاژ، بانکداران با سرمایه مشترک و مختلط و نظایر آنها در زمره این قشرند. بورژوازی کمپرادور، کشور مربوط را تبدیل به بازار فروش کالاها و میدان سرمایه‌گذارهای انحصارات سرمایه‌داری و منبع دریافت مواد خام ارزان می‌کند و در واقع آلت فعل سیاست دولتهای سلطه‌گر، دشمن استقلال ملی و مخالف نهضتهای انقلابی است.

طرح جامع؛ برنامه جامع

Comprehensive Plan

طرح یا برنامه‌ای که در عین ارائه رهنمودها و برنامه‌ریزی کلی در مورد یک ساخت، مجموعه و یا موضوع، گامی فراتر می‌نهد و چندین موضوع و منظور دیگر را نیز در ارتباط با موضوع اصلی مطرح می‌سازد.

قرارداد داوری

Compromis

موافقتنامه مقدماتی داوری بین دو یا چند دولت برای حل اختلاف. زیرا ارجاع اختلاف به داوری، مستلزم توافق قبلی طرفین اختلاف است.

مصالحه؛ سازش

Compromise

سازش طرفین متخاصم از طریق گذشت‌های متقابل. استقرار سازش از وظایف عمده سیاست

رفع آنها بکوشند. سازمان دهندگان اجتماع، مردم را یاری می‌دهند که برای به دست آوردن آنچه که می‌خواهند یا به آنچه نیاز دارند با همدیگر تلاش کنند. آنها همچنین به مردم کمک می‌کنند تا با حکومت، طبقه حاکم یا قانون ظالمانه و غیر منصفانه مبارزه کنند و یا به مردم می‌آموزند که همچون تنی واحد، در راه پاکسازی اجتماع و محیط زیست از فساد و آلودگی کوشش کنند.

Community Politics

سیاست جامعه کوچک؛ سیاست محلی؛ سیاست اجتماع

سیاستی که بر اجتماع یا جامعه کوچک به عنوان یک فرایند، بر هویت و منافع مشترک آن تأکید می‌کند و با آگاه ساختن مردم نسبت به آن منافع و با جلب هر چه بیشتر توجه آنها به اهمیت موضوعهای محلی، به ساختن اجتماع کمک می‌کند.

Community Power

قدرت اجتماع

این اصطلاح اشاره به این موضوع دارد که تصمیمهای درون یک اجتماع را چه شخصی اتخاذ می‌کند یا نحوهٔ پراکندگی و توزیع قدرت در میان اجتماع به چه صورتی است.

Company Union

اتحادیه کارگری منحصر به یک شرکت

اتحادیه کارگری که با صلاحدید مدیران شرکت و به منظور جلوگیری از تشکیل اتحادیه کارگری واقعی ایجاد شود و با هیچ اتحادیه یا دسته دیگری مرتبط نباشد.

Comparative Constitutional Law

حقوق اساسی تطبیقی

شعبه خاصی از حقوق اساسی است و منظور از آن، تجزیه و تحلیل و بررسی جهات مشترک و جوه افتراق میان نظامهای موجود حقوق اساسی در کشورهای مختلف جهان است. تحقیق در حقوق اساسی تطبیقی موجب آن است که شخص از سازمان و وظایف و مسئولیتهایی که ظاهراً برای حکومتها ذکر می‌گردد، به معنی و ریشه‌های مفاهیم آنها از راه تحلیل و مقایسه پی ببرد و با وسعت نظر و آگاهی بیشتر به مؤسسات دولتی کشور خود بنگرد و بیندیشد و مسائل آنها را درک نماید.

Comparative Government

حکومت تطبیقی

یکی از روشهای مطالعه سیاست که حکومت بیش از یک کشور را بررسی می‌کند.

Comparative Politics

سیاست تطبیقی

۱- مقایسه نظامهای سیاسی و حکومتی و قوانین سیاسی و حکومتی مختلف با یکدیگر. ۲- بررسی تطبیقی پدیده‌های سیاسی.

Competition

سبقت جویی

تلاش فردی شده برای دستیابی به هدفهای کمیاب، مثل پول، مال، مقام، محبوبیت، وجهه، امتیاز ویژه و قدرت سیاسی.

Competitive Party System

نظام حزبی رقابتی

نظام سیاسی که در آن، احزاب متعدد سیاسی می‌کوشند در انتخابات برنده شوند یا بخشی از یک

جامعه است و تنها زمانی می تواند بسط یابد که سوسیالیسم کاملاً تحکیم شده باشد. کمونیسم از تحول سوسیالیسم ناشی می شود. شرط این انتقال تدریجی، اجرای سه وظیفه عمده است: ایجاد پایه مادی و فنی کمونیسم براساس عالی ترین تکنیک و سطح اعلاهی دستاوردهای علمی، استقرار مناسبات اجتماعی کمونیستی و بسط دموکراسی سوسیالیستی، تربیت روحی و جسمی انسان نو. به طور کلی، سوسیالیسم و کمونیسم دو مرحله سافل و عالی یک صورتبندی اجتماعی - اقتصادی هستند که صورتبندی کمونیستی نام دارد.

حزب کمونیست

Communist Party

حزب کمونیست از نظر مارکسیستها و در تئوری عبارت است از بخش پیشتاز، پیشرفته و بسیار سازمان یافته طبقه کارگر که مبارزه این طبقه را در راه واژگون سازی قدرت استثمارگران، استقرار و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم رهبری می کند. دهقانان و روشنفکران پیشرو نیز در حزب عضویت دارند و همراه با طبقه کارگر و تحت رهبری او برای نیل به هدف می رزمند. سرچشمه های اصلی قدرت حزب کمونیست عبارتند از: تئوری مارکسیستی - لنینیستی، دیسیپلین و وحدت آگاهانه، فعالیت خلاق همه اعضای آن و روابط نزدیک با توده های غیرحزبی. هدف نهایی همه احزاب مارکسیست - لنینیست، کمونیسم است و به همین دلیل آنها خود را کمونیست می نامند. با این حال، در بعضی کشورها با توجه به سنتهای طبقه کارگر و مردم و شرایط تکامل اجتماعی کشور، حزبها رسماً نامهای گوناگونی اختیار می کنند. چنانکه بعد از تحولات سیاسی شوروی سابق و اروپای شرقی در سال ۱۹۸۹ بعضی از حزبهای کمونیست تغییر نام دادند و تعدادی نیز با نامهای جدید به وجود آمدند.

نهضت جامعه گرا؛ کمونیتاریانیسم؛ جماعت گرایی؛ اجتماع گرایی

Communitarianism

۱- نهضتی (در آمریکا) که همانند چپ، از توزیع ثروت و درآمد سخن می گوید و همانند راست، فضائل خانواده و سنت را گرامی می دارد و از عناصر مذهبی نیز بهره مند است. این نهضت در عین فردگرایی ذاتی، ایدئولوژیهای طرفدار بازار آزاد را هم مردود می شمارد. ۲- نظریه ای که فردگرایی مورد نظر لیبرالیسم سیاسی را قبول ندارد، اما بر ارتباط و پیوستگی فرد با جمعیت یا گروه تأکید می کند و برای سنت و هدف جمعی اهمیت قائل است و ارزشهای فرهنگی، قومی و ملی را نسبت به آزادی و خودمختاری فردی برتر می شمارد.

اجتماع؛ جامعه (کوچک)

Community

۱- زندگی گروهی ساکنان یک محل. ۲- زندگی منظم گروهی که در محلی سکونت نسبتاً بادوام دارند، مثل روستا و شهر. ۳- گروهی از افراد دارای احساس تعلق و وابستگی به یکدیگر که در مکان جغرافیایی واحدی زندگی می کنند و در آن مکان، غالب یا تمام فعالیتهای نهادی آنها به منصفه ظهور می رسد.

Community Organizing

سازماندهی اجتماع

فرایندی که براساس آن، یک شخص وارد، اهل فن، ماهر و کارکننده به گروهی از افراد می آموزد و کمک می کند که از طریق اقدام جمعی، مشکل یا مشکلات اجتماعی را مطرح سازند و متحداً در

عضو کمون؛ هوادار کمون پاریس**Communard**

۱ - عضوخانه یا جمعیت اشتراکی. ۲ - عضو یا هوادار کمون پاریس که در سال ۱۸۷۱ به عنوان حکومت طبقه کارگر ایجاد گردید.

کمون**Commune**

آبادی یا اجتماعی از مردم که در منطقه محدودی، اعم از شهری یا روستایی، ساکن باشند. کمون در معنی عام به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که برای اداره امور مشترک با هم همکاری می‌کنند و بدون دخالت مقامات بالاتر، مستقلاً امور خود را اداره می‌نمایند. در برخی از کشورهای اروپایی به کوچکترین واحد اداری، کمون می‌گویند. کمون اولیه یا جامعه اشتراکی بدوی، به نخستین شیوه تولید در تاریخ اطلاق می‌شود که شالوده آن مالکیت جمعی اجتماعات و گروههای انسانی بر وسایل بسیار ابتدایی تولید و کار جمعی بود. در تاریخ قرون وسطی، هریک از شهرهایی که پس از سقوط امپراتوری روم در خاک اروپا ایجاد شد، کمون نام داشت. این واژه همچنین به شهرهایی گفته می‌شد که سلاطین یا فئودالها بر طبق منشوری، حقوق و آزادیهایی به آنها اعطاء می‌کردند. کمون پاریس نیز از نظر تاریخی عنوانی است که به دو حکومت انقلابی پاریس (۱۷۹۵-۱۷۹۲) و ۱۸۷۱ داده شده است. در نتیجه قیام کارگران پاریس در مارس سال ۱۸۷۱ برای اولین بار در تاریخ، حکومت طبقه کارگر یا کمون پاریس ایجاد گردید که به وسیله حکومت فرانسه و با کمک ارتش پروس غرقه به خون شد.

Communication Imperialism (Media Imperialism)**امپریالیسم ارتباطی؛ امپریالیسم پیام رسانی**

این اصطلاح در سال ۱۹۷۶ در یکی از آثار هربرت شیلر، استاد دانشگاه کالیفرنیا به نام ارتباطات و سلطه فرهنگی، برای معرفی مظاهر سلطه سرمایه‌داری معاصر به کار رفته است. به عقیده این استاد آمریکائی، از سالهای جنگ جهانی دوم، در همان حال که دولت ایالات متحده آمریکا با کمک نظامی به فرانسه و انگلستان برای شکست دادن آلمان نازی و به دست گرفتن رهبری قدرت جهانی تلاش می‌کرد، برنامه‌ها و سیاستهایی نیز در جهت استیلای فرهنگی و ارتباطی بر جهان، تدارک می‌دید. در این زمینه، استفاده از نظریه جریان آزاد اطلاعات به منظور گسترش نفوذ فرهنگی و تسهیل سلطه جوئی اقتصادی بر جهان و به کار گرفتن نظریه توسعه اقتصادی - اجتماعی از طریق وسایل ارتباط جمعی برای جلوگیری از راه رشد غیر سرمایه‌داری کشورهای جهان سوم و گرایش آنها به سوسیالیسم از اهمیت خاصی برخوردار است، به طوری که می‌توان این دو نظریه را پایه‌های اساسی ایدئولوژی امپریالیسم ارتباطی یا امپریالیسم رسانه‌ها شمرد.

Communism**کمونیسم**

از نظر مارکسیستها و در تئوری، کمونیسم عبارت است از نظام اجتماعی - اقتصادی بدون طبقات، با مالکیت واحد همگانی مردم بر وسایل تولید، برابری کامل اجتماعی همه اعضای جامعه که در آن همزمان با تکامل همه جانبه افراد، نیروهای تولیدی نیز بر اساس علم و فن دائماً پیشرفت می‌کند و اصل توزیع "از هر کس طبق استعدادش و به هر کس طبق نیازش" تحقق می‌پذیرد. سوسیالیسم، آن جامعه‌ای است که بلاواسطه از سرمایه‌داری بیرون می‌آید و کمونیسم، نوع عالی‌تر

به موجودیت خود پایان داد. از میان جمهوریهای شوروری سابق، کشورهای بالتیک یعنی استونی، لتونی و لیتوانی از عضویت در جامعه خودداری کردند، هر چند که نمایندگان این کشورها در مذاکرات مهم شرکت داشتند. این جامعه فاقد پایتخت است. تنها در موافقتنامه ۸ دسامبر ۱۹۹۱، شهر مینسک در روسیه سفید به عنوان محل هماهنگ کننده بخشهای کاری سی گانه تعیین گردید. قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان از طرفداران جدی گسترش جامعه اند. کشورهای بالتیک، گسترش روابط با کشورهای اسکاندیناوی و اروپای غربی را ترجیح داده اند. منشور کشورهای مستقل مشترک المنافع در اجلاس این کشورها در مینسک در ۲۲ ژانویه ۱۹۹۳ به تصویب رسید که طبق آن، اتحاد و نیز عضویت کامل آنها فراهم شد. این منشور نه تنها اساسنامه کشورهای مستقل مشترک المنافع، بلکه توافقهایی در مورد ساختارهای همکاری را که از زمان تشکیل این کشورها به تصویب رسیده است در برمی گیرد و ایجاد یک دستگاه اجرایی را نیز در نظر دارد. دوازدهمین اجلاس این جامعه در ۲۴ دسامبر ۱۹۹۳ در عشق آباد تشکیل شد و تعدادی از جمهوریهای عضو، قراردادهای دفاعی با روسیه منعقد کردند.

Commonwealth (of Nations)

کامنولث؛ ملل مشترک المنافع (بریتانیا)؛ جامعه کشورهای مشترک المنافع (بریتانیا)

آنچه امروز به نام کشورها یا ملل مشترک المنافع (کامنولث) خوانده می شود از یک امپراتوری مستعمراتی به وجود آمده که در آغاز تمام اختیارات آن در دست بریتانیا بود، اما شورش مستعمرات سیزده گانه آمریکای شمالی و استقلال و جدا شدن آنها از بریتانیا به اولیای این امپراتوری آموخت که با متصرفات دیگر خود به تدریج راه و رسم دیگری در پیش گیرند. کامنولث که در سال ۱۹۳۱ در جهت ادامه نفوذ بریتانیا بر مستعمراتی که مستقل می شدند تأسیس یافت، در مرحله کنونی به مثابه یک اتحادیه اقتصادی است که با کاستن از تعرفه های گمرکی، امتیازاتی برای همه اعضا قائل می شود. برخی از اعضای کامنولث، مثل کانادا، استرالیا و زلاند جدید پادشاه بریتانیا را رئیس تشریفاتی کشور خود می دانند و عموماً دارای حکومت فرمانداریکل می باشند و بقیه آنها نیز وی را تنها به عنوان رئیس کامنولث به رسمیت می شناسند. اعضای کامنولث: آنتیگوا، استرالیا، اوگاندا، باربادوس، باهاما، برونی، بریتانیا، بلیز، بنگلادش، بوتسوانا، پاکستان، تانزانیا، ترینیداد و توباگو، تونگا، تووالو، جامائیکا، جزایر سلیمان، زامبیا، زلاند جدید، زیمبابوه، ساموای غربی، سریلانکا، سنت لوسیا، سنگاپور، سوازیلند، سیرالئون، سی شل، فیجی، قبرس، کانادا، کنیا، کیریباتی، گانا، گامبیا، گرنادا، گویان، گینه جدید، پاپوا، لسوتو، مالاوی، مالت، مالزی، موریس، موزامبیک، نائورو، نیجریه، و انواتو، هند، مالدیو، کامرون، دومینیکا، نامیبیا، سنت کیتس و نویس، سنت وینسنت و گرنادینز، آفریقای جنوبی.

اغتشاش

Commotion

اختلال و بی نظمی که هنوز به مرحله شورش نرسیده است.

Communalism

کمون گرایی؛ زندگی اشتراکی

نظریه و عمل کمون، اعم از اینکه با کمونیسم به عنوان وضع سیاسی غالب، مرتبط باشد یا نباشد.

Commoners

عوام؛ نمایندگان مجلس عوام

در انگلستان، اشخاصی غیر از اشراف و دارندگان عناوین اشرافی و نیز نمایندگان مجلس عوام.

Common Good

نفع مشترک؛ صلاح همگان؛ خیر عمومی

نفع مشترک که در برابر نفع خاص به کار می‌رود، مصلحت مجموع افرادی است که به وسیله آنها اجتماع سیاسی به وجود می‌آید. تأمین این مصلحت جز با سعی و فداکاری افراد نسلهای گذشته و کنونی ممکن نیست و هدف آن نیز خوشبختی و سعادت نسل کنونی و آینده است. یعنی منبع و هدف نفع مشترک، انسان است. بدون فرد، هیچ جماعتی به وجود نمی‌آید و نفع مشترک هم مفهومی ندارد و برای اجتماع نیز هدفی جز کامل نمودن رفاه افراد، نمی‌توان شناخت.

Common Heritage of Mankind

میراث مشترک بشریت

طبق این مفهوم، رژیم بعضی از سرزمینها، مناطق و منابع آنها به عنوان میراث مشترک نوع بشر تلقی می‌شود که استفاده از آنها نباید اختصاص به دولتهای مشخصی داشته باشد و همه افراد بشر باید به طور مشترک از آنها بهره‌مند شوند.

Common Law

کامن لا؛ حقوق عرفی

قوانین مبتنی بر عرف یا رویه قضایی (در انگلستان) که ساخته قضات و دادگاهها است.

Common Market

بازار مشترک

نوعی همبستگی اقتصادی که در آن تجارت بین کشورهای عضو، آزاد است، تعرفه گمرکی مشترک وجود دارد، تحرک آزاد کارگر و سرمایه هم بین کشورهای عضو برقرار است.

Commonwealth by Acquisition

حکومت اکتسابی

به نظر هابز، فیلسوف انگلیسی، حکومتی است که با زور به دست آید؛ به این ترتیب که بیگانه‌ای یک کشور را تصرف کند یا گروهی بر حکومت بشورند و خود به فرمانروایی برسند و مردم از بیم کشته شدن یا اسارت، کارهای حکومت جدید را مجاز بشمارند.

Commonwealth by Institution

حکومت تاسیسی

به نظر هابز، فیلسوف انگلیسی، حکومتی است که بر پایه توافق آزادانه افراد برپا می‌شود. هابز، این توافق همگانی را قرارداد اجتماعی و شخص یا انجمنی از اشخاص را که حق حکومت به ایشان واگذار می‌شود، حاکم می‌نامد و عقد قرارداد و نصب حاکم را منشأ صلح و وحدتی می‌داند که عاقبت، افراد جامعه را با همدیگر سازگار می‌کند.

Commonwealth of Independent States (CIS)

کشورهای مستقل مشترک المنافع؛

جامعه مشترک المنافع کشورهای مستقل؛ جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع

عنوان جامعه‌ای (مرکب از ۱۲ کشور) که اولین بار در هشتم دسامبر سال ۱۹۹۱ توسط روسیه سفید، روسیه و اوکراین تشکیل یافت. پس از آنکه هشت جمهوری مستقل دیگر در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ به جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع پیوستند، اتحاد شوروی رسماً

انجام عملی بر کسی نسبت به دیگری واجب می‌شود. تعهد، گذشته از معنی حقوقی، می‌تواند به مفهوم وفاداری و پابندی به یک آرمان و الای انسانی و یا اخلاقی هم باشد که نه از قرارداد، بلکه از طبیعت بشر سرچشمه می‌گیرد که حق حیات و آزادی دارد و قادر است بین خیر و شر، یکی را انتخاب کند. افراد، ناگزیر در تلاش برای تأمین حقوق خویش وارد تعارض منافع می‌شوند. در جریان همین تعارض منافع است که مسأله چگونگی رفتار یک انسان نسبت به هم‌منوعش مطرح می‌گردد و مسأله تعهد یا وظیفه، مسأله خیر و شر، فضیلت و رذیلت، رفتار پسندیده یا ناپسند و خطا یا صواب به میان می‌آید. طرفداران انگزستانسالیسم معاصر اعتقاد دارند که تعهد یا التزام، تلاش برای سامان دادن حال به منظور ساختن آینده است و این امر با اراده آزاد انسان تحقق می‌یابد. به نظر آنها، ارزش تعهد تنها در موقعی درک می‌شود که تمام زندگی در راه آرمان و عملی که مورد نظر است، صرف شود. در ادبیات چپ، تعهد معمولاً در ارتباط با آرمانی است که تا اندازه‌ای با تعریف پراکسیس یا عمل آزادیبخش روشن می‌شود و از تعارضهای جامعه سرمایه‌داری فراتر می‌رود تا برای انسان، امکان بازیافتن هستی اصلیش را فراهم نماید و بنای جامعه‌ای را بگذارد که در آن دوستی و برابری حاکم باشد.

Committee

کمیته؛ هیات بررسی

گروهی که برای انجام کاری یا بررسی و تهیه گزارش درباره موضوعی ویژه، انتخاب یا منصوب شده باشد. کمیته و کمیسیون اگرچه مترادفند اما گاهی یک کمیسیون بر فعالیتهای چند کمیته نظارت می‌کند و گاهی نیز چند کمیسیون تحت نظارت یک کمیته قرار می‌گیرند. با وجود این، در کشورهای انگلیسی، کمیته دارای جنبه رسمی تری نسبت به کمیسیون است. در غالب مواردی هم که در زبان فارسی، واژه‌های کمیسیون و کمیسیون فرعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تحت تأثیر زبان فرانسه است و در انگلیسی باید به جای آنها واژه‌های کمیته و کمیته فرعی به کار رود.

Committee of 300

کمیته سیصد (۳۰۰)

کمیته ۳۰۰، بالاترین نهاد پنهانی است که از افراد غیر قابل دسترس طبقه حاکم، از جمله ملکه انگلستان و خانواده‌های سلطنتی اروپا، مثل ملکه هلند و ملکه دانمارک تشکیل یافته است و در کتاب جان کولمن (Coleman) تحت عنوان سلسله مراتب توطئه‌گران: داستان کمیته ۳۰۰ به عنوان حکومت پنهانی جهانی و کانون توطئه‌های جهانی معرفی شده است. کمیته ۳۰۰ با مراکز فراماسونری، کلوب رم، شورای روابط خارجی، کمیسیون سه جانبه، بیلدر برگرها، ناتو، رهبران تجارت مواد مخدر و تروریسم، پاره‌های از شیوخ، سرمایه‌داران، سازمان ملل متحد، سازمانهای اطلاعاتی، مثل سیا، اینتلیجنس سرویس، موساد و ایترپل و یا افرادی از این مراکز مرتبط است.

Commodity Fetishism

کالاپرستی؛ بت‌سازی از کالا

این واژه در کتاب کاپیتال (سرمایه) به کار رفته و به معنی بزرگ داشتن ارزش فرهنگی یا قدر و اهمیت کالاها - از جنبه معیارهای پسند اجتماعی - به گونه‌ای جداگانه از ارزش عملی و مصرفی آنها در جامعه سرمایه‌داری است.

Commercial Attaché**وابسته بازرگانی**

مأمور تنظیم امور بازرگانی بین دولت متبوعه و دولت محل مأموریت است.

Commercial Capitalism**سرمایه داری تجاری**

سرمایه داری بازرگانی یا بازاری که در آن تاجران بزرگ، گرداننده امور اقتصادی شمرده می شوند.

Commercial Revolution**انقلاب بازرگانی**

توسعه بازرگانی اروپا، انباشت ثروت و استعمارگری به دنبال اکتشافات جغرافیایی و پیدایش راههای تجاری، بین قرون پانزده تا هفده میلادی.

Commie**کمونیست**

این واژه مخفف Communist است که ضد کمونیستها به کمونیستها اطلاق می کند.

Commissar**کمیسر**

وزیر یا مأموری که بویژه در جریان انقلاب سال ۱۹۱۷ روسیه و پس از آن، از طرف شورا، حکومت و یا حزب برای سازماندهی و سرپرستی فعالیتهای اجتماعی، سیاسی و نظامی منصوب می شد.

Commission**کمیسیون؛ هیات**

مجموعه ای از افراد که انجام عمل معینی مثل اصلاحات یا نظارت بر دوایر دولتی، بررسی موضوع یا ارائه راه‌حلهایی را بر عهده می گیرند. اصطلاح "کمیسیون بازی" نیز اشاره است به جلسات بی حاصل و مکرر مسئولان سازمانها و ادارات دولتی برای کارهای بیهوده و یا برای رسیدگی به هر مسأله جزئی.

Commission Government**حکومت کمیسیونی**

از انواع حکومتهای محلی در آمریکا که مشخصات آن عبارت است از: یک کمیسیون مرکب از سه تا هفت نفر که اعضای آن به وسیله مردم انتخاب می شوند و معمولاً هر دو قوه قانونگذاری و اداری را در خود جمع می کنند، رئیس اجرایی واحدی وجود ندارد، اعضای کمیسیون مجتمعاً دارای بعضی اختیارات در عزل و نصب مأمورینند، سادگی در فرم حکومت و تمرکز قدرتها و مسئولیتهای در هیأت واحد.

Commission on the Status of Women**کمیسیون مقام زن**

یکی از کمیسیونهای کاری شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد است که طبق ماده ۶۸ منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۶ به وجود آمد. وظایف کمیسیون عبارتند از توصیه و ترویج و پیشبرد امور مربوط به حقوق سیاسی، اقتصادی، مدنی، اجتماعی و آموزشی زنان.

Commitment**تعهد؛ مسئولیت**

تعهد در معنی حقوقی عبارت است از رابطه ای حقوقی که به موجب آن، انجام عملی یا عدم

Colossus of the North**غول شمال**

این واژه تا پیش از برقراری سیاست حسن همجواری در قاره آمریکا، در کشورهای آمریکای جنوبی برای اشاره به دولت ایالات متحده آمریکا به دلیل عظمت، وسعت و تمایلاتش برای تسلط یافتن بر آمریکای جنوبی به کار رفته است.

Coloured People**دورگه‌ها؛ رنگین پوستان**

این واژه در کشور آفریقای جنوبی بیشتر به معنی دورگه به کار می‌رود. در انگلستان و آمریکا معنی آن عامتر است و همه غیر سفیدپوستان را در برمی‌گیرد.

Cominform (Communist Information Bureau) دفتر اطلاعات احزاب کمونیست

کومینفورم یا دفتر اطلاعات احزاب کمونیست در اکتبر سال ۱۹۴۷ به منظور هماهنگ کردن فعالیت‌های احزاب کمونیست (ایتالیا، رومانی، چکسلواکی سابق، لهستان، مجارستان، فرانسه، یوگوسلاوی و شوروی سابق) تشکیل یافت و در سال ۱۹۴۸ یوگوسلاوی از آن اخراج شد. کومینفورم در آوریل سال ۱۹۵۶ پس از عادی شدن روابط شوروی و یوگوسلاوی سابق منحل گردید.

Comintern (Communist International) کومینترن؛ انترناسیونال کمونیستی؛ بین الملل کمونیست

کومینترن یا انترناسیونال سوم در سال ۱۹۱۹ با شرکت احزاب و گروه‌های کمونیستی سی کشور جهان تشکیل شد و هدف عمده این سازمان انقلابی بین‌المللی و مرکز رهبری نهضت کارگری جهانی، ایجاد و تقویت احزاب کمونیستی در سراسر جهان بود. کومینترن در سال ۱۹۴۳ در جریان جنگ جهانی دوم که سه کشور آمریکا، انگلستان و شوروی (سابق) برای پیروزی بر فاشیسم با یکدیگر همکاری می‌کردند، منحل شد.

Commander-in-Chief**فرمانده کل قوا**

رهبر عالی نیروهای مسلح.

Commanding Soul (Carnal Soul)**نفس اماره**

ضمیر یا وجدان اخلاقی که به پیروی از طبیعت حیوانی، شخص را به متابعت شهوت و لذت امر می‌کند.

Command Socialism**سوسیالیسم دستوری**

نوعی نظام اقتصادی که در آن تمام منابع در مالکیت دولت قرار دارد و تخصیص و میزان بهره‌گیری از آنها از طریق تصمیمات متمرکز مقامات برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد.

Commensalism**همسفرگی**

رابطه‌ای است متضمن "سبقت جوئی" و "همکاری" بین کسانی که موقعیتهای اختصاصی مشابهی را در چارچوب تقسیم کار و یا یک سیستم اشغال می‌کنند.

Collectivization**اشتراکی کردن**

فرایند الغای مالکیت خصوصی (مثل زمین) به نفع یا به نام دولت یا مالکیت اجتماعی.

Collegialism**استقلال‌گرایی کلیسا**

نظریه مبنی بر اینکه کلیسا یک سازمان برابر با دولت و مستقل از دولت است.

Colombo Plan**طرح کلمبو**

طرحی که توسط جامعه ملل مشترک‌المنافع برای تعاون اقتصادی و توسعه اجتماعی در جنوب و جنوب شرقی آسیا در شهر کلمبو ریخته شد و در ۲۸ نوامبر سال ۱۹۵۰ منتشر گردید. کشورهای واقع در حوزه طرح کلمبو: افغانستان، بنگلادش، بوتان، برمه (میانمار)، فیجی، هند، ایران، اندونزی، کامبوج، کره جنوبی، لائوس، مالزی، مالدیو، نپال، پاکستان، گینه جدید، پاپوا، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، برنئو، ویتنام و سریلانکا. کشورهای خارج از حوزه طرح نیز عبارتند از: استرالیا، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، زلاند جدید، ژاپن و کانادا. مقر آن در شهر کلمبو است. سازمان ملل متحد برای این طرح، کارشناس تدارک می‌بیند. هزینه‌های مالی طرح را کشورهای آسیایی، آمریکا، بانک جهانی، ژاپن و نیز کامنولث فراهم می‌سازند.

Colonialism**استعمار؛ سیاست استعماری؛ استعمارگری**

سیاست مبتنی بر برده کردن، سودجویی از منابع طبیعی و بهره‌کشی از مردم کشورهای از نظر اقتصادی کم‌رشد و ممانعت از پیشرفت فنی و اقتصادی و فرهنگی آنها برای تحکیم سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی دولت استعمارگر. به عبارت دیگر، جریانی که از طریق آن یک ملت قدرتمند، سلطه اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را بر یک جامعه یا ملت ضعیف اعمال می‌کند. این جریان ممکن است همراه با نابودی بومیان جامعه یا بهره‌کشی از آنان و یا به کمک و شراکت بخشی از افراد آن جامعه صورت گیرد. این واژه از کلنی گرفته شده که در دوره امپراتوری روم معنی ملک روستایی می‌داد و بعداً در مورد گروه‌های خاصی به کار رفت که در سرزمین دیگری استقرار می‌یافتند و به آباد کردن آن اقدام می‌کردند. اکنون مفهوم استعمار با مفهوم امپریالیسم پیوسته شده است. اصطلاح استعمار جدید نیز در دهه ۱۹۵۰ مصطلح شد و منظور از آن نوعی استعمار است که در لباس تازه و از طریق سلطه و کنترل اقتصادی و فرهنگی، همان اهداف استعمار قدیم (قرون ۱۶ تا ۱۹) را تعقیب می‌کند.

Colonial System**نظام مستعمراتی**

نظامی با ماهیت تبعیضی و متمایل به جلوگیری از تحول ممالک دیگر که به موجب آن، یک کشور صاحب مستعمره، از مستعمرات خود به گونه‌ای استفاده می‌کند که بر قدرت و ثروت خود بیفزاید. این نظام در قرنهای هفده و هجده میلادی متداول بوده است.

Colony**مستعمره؛ کلنی؛ مهاجرنشین**

۱- سرزمین تحت سلطه و کنترل یک کشور استعمارگر. ۲- سکونتگاه گروهی از مردم یک کشور در یک سرزمین جدا از کشور اصلی، اما با داشتن پیوندهایی با کشور اصلی.

سازمان امنیت جمعی**Collective Security Organization (CSO)**

سازمان پیمان امنیت جمعی کشورهای مستقل مشترک المنافع در سال ۱۹۹۲ توسط ۹ کشور: روسیه، بیلوروسی، قزاقستان، قرقیزستان، ارمنستان، تاجیکستان، آذربایجان، گرجستان و ازبکستان تأسیس شد. در سال ۲۰۰۰ سه کشور آذربایجان، گرجستان و ازبکستان به علت موثر نبودن فعالیت این سازمان از عضویت در آن خارج شدند. سران شش کشور باقیمانده در سازمان پیمان امنیت جمعی که اینک به سازمان امنیت جمعی تغییر نام داده است در سال ۲۰۰۳ در منطقه تفریحی و رزاق (نزدیک شهر دوشنبه تاجیکستان) گرد آمدند و به توافقهایی در زمینه‌های: همکاریهای اقتصادی و نظامی، تمرینهای مشترک نظامی، فروش اسلحه در میان کشورهای عضو به قیمت تولید، کاهش مواضع گمرکی و تشکیل منطقه آزاد تجاری اوراسیا و تأمین امنیت در مناطق اوراسیا دست یافتند.

دفاع مشروع جمعی**Collective Self-Defense**

در ماده ۵۱ منشور ملل متحد، استفاده از حق دفاع مشروع جمعی، مشابه با حق دفاع مشروع فردی در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، جایز شمرده شده است. در مورد ماهیت حق دفاع مشروع جمعی، عده‌ای از حقوقدانان حق دفاع مشروع جمعی را حق دولتهایی می‌دانند که همگی مورد حمله مسلحانه قرار گرفته باشند، و عده‌ای دیگر با توجه به همبستگی دولتها از نظر امنیت با یکدیگر در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک دولت، کمک دولتهای دیگر را به دولت مورد حمله براساس حق دفاع مشروع جمعی، موجه می‌دانند. روش دولتها و مفاد معاهده‌های بین‌المللی، نظر دسته اخیر را مورد تأیید قرار می‌دهد. در قراردادهای دفاعی، اغلب به‌طور صریح یا ضمنی، حمله به یکی از دولتهای امضاکننده، حمله به تمام دولتهای امضاکننده فرض شده تا در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یکی از دولتهای امضاکننده، به موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد، کمک به دولت مورد حمله از طرف سایر دولتهای هم‌پیمان مجاز باشد.

جمع‌گرایی؛ اصالت جمع؛ نظام اشتراکی**Collectivism**

۱- باورها، هدفها یا روشهای کسانی که از رهبری و نظارت مرکزی و همه‌جانبه بر فعالتهای اقتصادی دفاع می‌کنند. ۲- نظریه‌ای که از مالکیت مشترک وسایل تولید حمایت می‌کند ولی اجازه تملک خانه، لباس، غذا و برخی لوازم ضروری دیگر را به افراد می‌دهد. ۳- نظریه اقتصادی-سیاسی که هدف از آن، انتقال مالکیت وسایل تولید از فرد به جمع است. این واژه در برابر واژه فردگرایی به کار می‌رود که از نظر جمع‌گرایان، منشأ شر و عیب و رذیلت اخلاقی است. در حالی که جمع‌گرایی که معنی آن مقدم شمردن نفع جمعی بر نفع فردی است، منشأ خیر، نیکی و فضیلت اخلاقی است.

Collectivity**جمع**

گروهی که به اقتضای وضع یا حادثه‌ای خودبخود فراهم آید. بدین ترتیب که وضع یا حادثه‌ای پیش می‌آید، برخی از اشخاص متفرق از آن متأثر می‌شوند و بی‌اختیار به شیوه‌ای نسبتاً یکسان در برابر آن واکنشی عاطفی نشان می‌دهند.

شود و اقداماتی برای اعمال کنترل برای باقیماندن این مناطق در شرایط استعماری به عمل آید.

Collective Conscience

وجدان جمعی

از نظر امیل دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸) جامعه‌شناس فرانسوی، وجدان یک مفهوم اجتماعی است و در خارج از فرد قرار دارد. به عقیده او، وجدان جمعی، مجموعه‌ای از اعتقادات و احساسات جمعی و دلیل تداوم جامعه و پیوند نسلها است. به نظر دورکیم، تقسیم کار باعث توسعه فردگرایی و رو به انحطاط نهادن وجدان جمعی شده است.

Collective Leadership

رهبری جمعی

واژه‌ای که کمونیستها برای تمایز تصمیمات گروهی یا مشترک - مبتنی بر بحثها و آرای اکثریت - از تصمیمات خودکامانه رهبری فردی به کار می‌برند.

Collective Note

یادداشت جمعی

یادداشتی که از طرف چند نمایندگی سیاسی پیرامون موضوعی که دستور دارند نسبت به آن اقدام دسته‌جمعی به عمل آورند، به دولت محل نوشته می‌شود. یادداشت جمعی به ندرت در یک صفحه تنظیم و به وسیله تمام سفیران امضا می‌گردد، بلکه هریک از سفیران در نامه‌ای جداگانه ولی با مضمون و عبارات یکسان تنظیم می‌کنند و در موارد استثنایی، یادداشت‌های مزبور به وسیله سفیران مربوطه یکجا داده می‌شود. یادداشت جمعی شبیه یادداشت همانند (مشابه) است با این تفاوت که یادداشت جمعی اهمیت بیشتری دارد و عبارات آن نیز برخلاف یادداشت همانند، یکسان تنظیم می‌شود.

Collective Psychology

روانشناسی جمعی

دانشی که به مطالعه رفتار توده‌ها، انبوه‌های خلق و مردم می‌پردازد. روانشناسی اجتماعی و جمعی نزد احزاب و سازمانهای سیاسی دارای نقش بسیار مهمی است. مثلاً در حالی که مارکسیستها به این رشته کم بها داده‌اند، تشکیلاتی مثل فراماسونری از آن حداکثر استفاده را برده و به همین جهت توانسته است در تکوین حوادث سیاسی و اجتماعی مؤثر واقع شود.

Collective Responsibility

مسئولیت جمعی

اصلی که به موجب آن، اتخاذ تصمیم در امور مهم سیاسی نباید به صورت انفرادی صورت گیرد. مسئولیت جمعی در نظام کابینه‌ای بریتانیا معمول است و براساس آن، تصمیم‌های مهم سیاسی نباید پیش از جلسات کابینه توسط وزیران به صورت انفرادی اتخاذ شود، بلکه باید پس از تصمیم‌گیری در کابینه، با پشتیبانی تمام اعضای کابینه روبرو شود.

Collective Security

امنیت جمعی

نظام امنیت بین‌المللی که در آن تعدادی از کشورها توسط پیمانهای مختلف با هم همکاری می‌کنند تا در صورت مورد تجاوز قرار گرفتن یا تهدید وضع موجود، واکنش مشترکی در برابر عامل تجاوز یا تهدید نشان دهند.

صلح سرد**Cold Peace**

این واژه در مورد روابط دو یا چند کشور به کار می‌رود که پس از یک دوره جنگ و کشمکش با یکدیگر صلح کرده باشند، اما بین آنها تفاهم و دوستی برقرار نباشد. اصطلاح صلح سرد نخستین بار در سال ۱۹۸۵ برای بیان عدم وجود نزدیکی و گرمی در روابط مصر و اسرائیل به کار برده شد.

جنگ سرد**Cold War**

این واژه را برنارد باروخ متخصص مالی و سیاستمدار آمریکایی در سال ۱۹۴۷ به کار برد و سپس کرارا توسط والتر لپین روزنامه نگار معروف آمریکایی برای اشاره به اوضاع بغرنج بین‌المللی و تشدید و خامت در رابطه بین غرب و شوروی سابق به کار رفت. به‌طور کلی، جنگ سرد حالتی از تنش و خصومت بین کشورها یا بلوکهای رقیب است که به‌موجب آن هر طرف، سیاستهایی برای تقویت خود و تضعیف طرف دیگر به کار می‌برد بدون آنکه کار به جنگ واقعی یا گرم بکشد. یکی از ویژگیهای جنگ سرد این است که با وجود ادامه روابط سیاسی بین کشورها، به‌علت جریان داشتن حملات تبلیغاتی، تنش و جبهه‌گیری در برابر یکدیگر، محیط مناسبات بین‌المللی وخیم می‌شود و عدم اعتماد جای تفاهم را می‌گیرد. عده‌ای معتقدند که جنگ سرد از سال ۱۹۱۷ با انقلاب اکتبر در روسیه آغاز شد و عده‌ای نیز شروع آن را پس از جنگ دوم جهانی می‌دانند. در هر صورت، سپری شدن دوران جنگ سرد پس از تحولات سال ۱۹۸۹ در بلوک شرق، بویژه جمهوریخواهان ایالات متحده آمریکا را از انگیزه‌ای که برای مدت چهاردهه، آنها را متحد کرده و در عین حال جاذبه‌سیاسی قدرتمندی (یعنی مخالفت با شوروی سابق و مخالفت با کمونیسم) را ارائه می‌نمود، محروم کرد.

دشمنیار؛ همکار دشمن**Collaborationist**

این واژه برای اشاره به اتباع کشورهای اشغال شده توسط آلمان و ژاپن در جنگ جهانی دوم به کار رفته که به‌میل خود یا اشغالگران آلمانی یا ژاپنی همکاری کردند و یا به‌آنها کمک رسانند.

چانه‌زنی جمعی**Collective Bargaining**

جریان مذاکره و حق‌گفتگو بین کارفرمایان و نمایندگان کارگران یا کارکنان برای تعیین دستمزدها، شرایط کار، احقاق حقوق متقابل و سایر جنبه‌های اشتغالی.

رفتار جمعی**Collective Behaviour**

یکی از انواع رفتار گروهی که از تجمعات انسانی ناشی می‌شود و در آن، فکر و عمل شخص تحت تأثیر حالت ذهنی جمعی قرار می‌گیرد که هر کس در آن شرکت دارد و به‌آن کمک می‌کند.

استعمارگری جمعی**Collective Colonialism**

این واژه در سال ۱۹۶۰ توسط خروشچف در جریان دیدار از اندونزی به کار رفت و بیانگر مساعی مشترک کشورهای غربی برای حفظ موقعیتشان در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. به‌نظر خروشچف، ملل غربی دیگر نمی‌توانند به‌تنهایی سلطه خود را بر مناطق کم‌رشد برقرار کنند، بلکه سیاستهای خود را به‌نحوی هماهنگ می‌کنند که امکان بستگی کشورهای جدیدالاستقلال در قراردادهای و پیمانهای نظامی، اقتصادی و سیاسی فراهم شود به‌نحوی که در آنها سلطه غرب حفظ

حکومتها شد. ائتلاف در روابط بین‌المللی به‌همبستگی موقت چند دولت برای کوشش مشترک در راه هدف موقت اطلاق می‌شود، مثل ائتلاف کشورهای اروپایی علیه فرانسه در دوره انقلاب کبیر فرانسه.

Coastal Sea

دریای ساحلی

هر دریایی چون دارای ساحل است، ساحلی است ولی هر دریایی با آنکه ساحلی است، سرزمینی نیست. چنان که دریای خزر در آن قسمت که تعلق به ایران دارد، دریای ساحلی است ولی دریای سرزمینی نیست و از جمله آبهای داخلی ایران به‌شمار می‌آید و مشمول رژیم حقوقی آبهای داخلی و جزء قلمرو دولت ایران است، در صورتی که نوار دوازده میلی خلیج فارس و دریای عمان با آنکه ساحلی است، سرزمینی نیز هست و بالتیجه، رژیم حقوقی خاصی بر آن دریا ناظر است که با رژیم حقوقی آبهای داخلی فرق اساسی دارد و سلطه و حاکمیت کشور بر آن دریا محدود به حدودی است که طبق مقررات عهدنامه‌های بین‌المللی و موازین حقوق بین‌الملل تعیین می‌شود.

Coattails Effect

اثر سایه‌گستری؛ اثر دنباله‌گیری

توانایی یا تأثیر یک کاندیدای محبوب حزب در جلب آرا برای کمک به برنده شدن سایر اعضای همان حزب در یک انتخابات.

Coercion

اجبار

هر نوع زور یا تهدید به‌زور که آزادی عمل را محدود کند و یا به‌حداقل برساند. به‌نظر کارل مارکس، سازمان اقتصادی جامعه دارای خصوصیت جبارانه است، زیرا رنجبران بینوا ناچار به‌فروش نیروی کار خویش برای زندگی کردند.

Coercive Diplomacy

دیپلماسی سرکوبگرانه؛ دیپلماسی زور

دیپلماسی مبتنی بر فشار تدریجی، اخطار، نمایش قدرت (برای نشان دادن عزم راسخ) و عملیات نظامی قابل کنترل (بر یک یا چند هدف ارزشمند دشمن) علیه کشوری که اقدامات غیرقابل قبولی را آغاز کرده است. این استراتژی در سال ۱۹۶۶ توسط توماس شلینگ در کتاب اسلحه و نفوذ بیان شد و مورد استفاده دولت آمریکا قرار گرفت.

Coffee Net

کافی‌نت

مکان عمومی برای استفاده از خدمات اینترنت.

Cognitariat

دانشوران؛ طبقه دانشور؛ کارگران فکری

گروهی که مایه قوام آن دانش و استفاده از قوای دماغی به‌جای نیروی عضلانی است. دانشور، صاحب اطلاعاتی سازمان یافته، قوه تخیل و پاره‌ای صفات فرهنگی است که برای تولید حیاتی‌اند.

Cohabitation

باهمباشی؛ همباشی

همزیستی یا همکاری در حکومت بین اعضای احزاب مخالف، بویژه وقتی که یکی رئیس‌جمهوری و دیگری نخست‌وزیر باشد.

Club**باشگاه؛ کانون؛ کلوب**

مجمعی که در آن پیرامون اوضاع عمومی یا موارد و مسائل خاص مذاکره و فعالیت می‌شود و دارای انواع گوناگون (مثل آموزشی، اقتصادی، ورزشی، اجتماعی، سیاسی و دینی) است و اعضای آن معمولاً به محیط اجتماعی یکسانی تعلق دارند.

Club of Rome**کلوپ رم**

این باشگاه یا کلوب در سال ۱۹۶۸ توسط حدود سی نفر از دانشمندان و سیاستمداران کشورهای گوناگون در شهر رم تأسیس شد تا درباره مسائل و مشکلات و بحرانهای جهان به بحث و بررسی بپردازند. مهم‌ترین مسائل و بحرانهایی که در گزارشهای کلوب رم مورد توجه و بررسی قرار گرفته است عبارتند از: ۱- فقر و بیکاری که در تمام کشورها سرچشمه فساد و جرم و جنایت و ناامنی است. ۲- آلودگی و تخریب محیط زیست. ۳- بی‌اعتمادی نسبت به سازمانها و نهادهای ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی. ۴- گسترش و توسعه بی‌رویه شهرها. ۵- مسخ، از خودبیگانگی و عصیان جوانان که در بعضی کشورها، سرکوب‌گریزه‌های طبیعی و آمال و آرزوهای انسانی و اجتماعی جمعیت جوان باعث تقویت این پدیده‌ها می‌شود. ۶- بی‌اعتبار شدن باورها و ارزشهای سنتی در اغلب جوامع. ۷- بحرانهای اقتصادی و بازرگانی. ۸- توزیع نامتناسب دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی در میان جوامع بشری. ۹- عدم توجه به امر مهم آموزش و پرورش به عنوان پایه اصلی هرگونه رشد و توسعه واقعی و تلاش بعضی گروهها و دولتها برای منحرف کردن زمینه‌های علمی امر آموزش و پرورش. ۱۰- توسعه دیوانسالاری در بسیاری از کشورها و عدم توجه به عواملی مثل مدیریت، ابتکار و نوآوری، خلاقیت و هدایت و برنامه ریزی درست و اصولی در بخشهای دولتی و غیردولتی. به نظر مخالفان، این باشگاه از ترکیب مقامهای مالی آمریکایی و انگلیسی و خانواده‌های اشرافی قدیمی اروپا به وجود آمده است و در کشورهای موردنظر، بحران و رکود اقتصادی ایجاد می‌کند.

Club of Ten**کلوب ده**

ده کشور بزرگ صنعتی عضو صندوق بین‌المللی پول، یعنی آلمان، آمریکا، انگلستان، ایتالیا، بلژیک، ژاپن، سوئد، فرانسه، کانادا و هلند که در سال ۱۹۶۲ آمادگی خود را برای فراهم نمودن مبالغ مشخصی به عنوان اعتبار (برحسب پول ملی خود) برای کشورهای دیگر جهان اعلام کردند. سوئیس در سال ۱۹۸۴ به عضویت این کلوب درآمد.

Coalition**ائتلاف**

به هم پیوستن احزاب برای تشکیل یا کمک به تشکیل حکومت است. این امر فقط وقتی صورت می‌گیرد که در نظامهای پارلمانی، یک حزب به تنهایی اکثریت نداشته باشد و در نتیجه، تشکیل حکومت از سوی یک حزب میسر نباشد که در این صورت دو یا چند حزب به‌طور موقت با یکدیگر متحد می‌شوند تا اکثریت پارلمانی را به دست بیاورند و معمولاً حکومتی هم که تشکیل می‌گردد، ائتلافی است. ائتلاف منفی نیز وجود دارد و آن ائتلافی است که برای ساقط کردن حکومت انجام می‌گیرد، مثلاً پس از جنگ جهانی دوم، ائتلاف منفی احزاب چپ در فرانسه، بارها باعث سقوط

Clerisy

فرهنگستان

از ریشه آلمانی و به معنی نخبگان روشنفکر و تحصیلکرده، اهل قلم و ادیبان.

Clientelism

حامی پروری؛ کلانتلیسم

این واژه، بیانگر رابطه ساختاری بین حامی (بالادست و صاحب قدرت) و کارگزار (زیردست و خدمت‌کننده به حامی) است. در این نظام، به جای حزبهای سیاسی و گروه‌بندیهای طبقاتی، گروهها و باندهای قدرت سنتی حاکم از بالا، در عالی‌ترین مراتب ثروت و قدرت سیاسی و مذهبی تا پائین‌ترین مراتب گروههای مدافع و حقوق‌بگیر کشیده شده‌اند. این نظام، شکلی از بقایای سیاسی فئودالیسم و مناسبات استثماری، کشاورزی و تجاری است و فساد و قانون شکنی از جمله ویژگیهای آن شمرده می‌شود. در این نظام، شرایط ذاتاً متضاد همبستگی دو قدرت، ثروت و مقام و منزلت نامساوی در یک گروه واحد جمع می‌شود و به جای روابط قانونی، معیاری شخصی و سنتی بر آن حاکم است و مانند پوپولیسم، مانع شکل‌گیری ساختار طبقاتی قدرت و آگاهی طبقاتی است. شرایط شکل‌گیری چنین نظامی را از جمله در موارد زیر دانسته‌اند: ۱- وجود منابع مالی قابل کنترل توسط گروه یا گروههای خارج از قدرت حکومت مرکزی. ۲- کنترل‌کنندگان منابع مالی باید قانع شوند که برای حفظ آن ناچار به حمایت از کارگزاران خویشند و قسمتی از درآمدشان را باید به آنها اختصاص دهند. ۳- منابع مالی به‌طور انحصاری در کنترل حامی باشد و کارگزارها دسترسی مستقیم به آن نداشته باشند. ۴- نبودن اخلاق عمومی دو جانبه. ۵- روابط رودررو، نزدیک و شخصی بین دو طرف و قرار و مدارهای پشت پرده و غیررسمی. به نظر فرانک بیلی Bealey استاد علوم سیاسی انگلیسی، فقر، فقدان بوروکراسی حرفه‌ای و بیسوادی سیاسی علل کلانتلیسم و فراوانی و رفاه باعث نابودی آن است.

Clinton Doctrine

دکترین کلینتون

دکترین بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا که براساس آن، زمانی که خشونت‌های گسترده و همراه با کشتار مردم غیرنظامی رخ دهد و بویژه وقتی این کشتارها به مرحله ای برسد که توجه رسانه‌های جمعی دنیا را جلب کند، آمریکا و جامعه جهانی باید وارد عمل شود. وی زمانی به استفاده از نیروهای نظامی آمریکا اقدام می‌کند که مشاورانش به او اطمینان دهند که استفاده از نیروهای آمریکایی با حداقل خطر تلفات جانی می‌تواند تأثیر مثبتی داشته باشد.

Closed Shop

مؤسسه محدود؛ کارگاه محدود

جایی که تنها اعضای یک اتحادیه (کارگری) بخصوص می‌توانند در آن مشغول به کار شوند.

Closure

کفایت مذاکرات (رای)

روند خاتمه دادن به بحث پیرامون یک موضوع در مجالس مقننه و به رأی گذاشتن آن. در ایران، رئیس مجلس بعد از آنکه مذاکره درباره موضوعی را کافی دانست، می‌تواند با تصویب مجلس به آن پایان دهد. هر یک از نمایندگان نیز می‌توانند پیشنهاد کفایت مذاکرات را بدهند. پس از رأی به کفایت مذاکرات و اعلام ختم آن از طرف رئیس مجلس، دیگر به کسی در آن باب اجازه نطق داده نمی‌شود.

محتوا است. مارکس و انگلس در بیانیه حزب کمونیست آورده‌اند: "تاریخ کلیه جوامع انسانی که تا به امروز پدید آمده‌اند، تاریخ مبارزه طبقاتی است. آزادمرد و برده، اشرافزاده و عامی، ارباب و رعیت، کارگر و کارفرما و به‌طور خلاصه، ستمگر و ستم‌دیده در همه‌حال در جبهه مقابل یکدیگر قرار گرفته و پیکاری مداوم را، گاه آشکار و گاه پنهان، ادامه داده‌اند." مبارزه طبقاتی می‌تواند اشکال مختلف قانونی یا غیرقانونی، مسالمت‌آمیز یا قهرآمیز به خود بگیرد.

پاکدستی

Clean Hands

اجرای حمایت سیاسی (دیپلماتیک) از طرف یک دولت، موکول به رعایت و تحقق سه شرط اساسی است: ۱- وجود یک علقه رسمی بین دولت حامی و مدعی خسارت دیده، یعنی تابعیت. ۲- طی مقدماتی محاکم محلی از طرف مدعی. ۳- پاکدستی مدعی. اصل پاکدستی مدعی به این معنی است که در جریاناتی که منتهی به وقوع امر خلاف حقوق و حدوث خسارت شده‌است، شخص خسارت دیده به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، دخالت نداشته باشد و به عبارت دیگر، رفتار و اعمال او در کشور محل اقامت به‌نحو نبوده باشد که بتوان او را در امری که موجب خسارت به او شده‌است، مقصر دانست. مواردی که اقدامات و اعمال مدعی خسارت دیده سبب می‌شود که دادگاههای بین‌المللی، دعوا را رد کنند، به شرح زیر است: نقض قوانین کشور محل اقامت، نقض قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل، اعمالی که از موجبات اسقاط حق توسل به حمایت سیاسی می‌باشند مثل قبول مشاغل مهم و یا اینکه مدعی به قانون اساسی و پرچم خارجی سوگند وفاداری یاد کند و یا انجام خدمت نظام در ارتش دولت دیگر.

شکاف

Cleavage

مفهوم دودستگی، تفرقه، عامل اختلاف یا شکاف در اصطلاح سیاسی از اهمیت خاصی برخوردار است. شکافها ممکن است به دو صورت: احزاب سیاسی از یک طرف و مناسبات بین آنها از طرف دیگر انعکاس پیدا کند که مورد اخیر برای ثبات و پایداری و تحمل پذیری یک نظام سیاسی اهمیت زیادی دارد. شکافهای اجتماعی ممکن است از جنبه‌های طبقاتی، قومی و نژادی، دینی، زبانی و جنسیتی وجود داشته باشند که تأثیر، اهمیت و نقش مخرب هریک از آنها مورد بحث دانشمندان علوم اجتماعی و سیاسی است. به نظر مارکسیستها، مبارزه طبقاتی سرانجام با پیروزی طبقه کارگر، هم بر شکاف طبقاتی و هم سایر شکافهای اجتماعی نقطه پایان می‌گذارد. فرانک بیلی Bealey استاد علوم سیاسی در انگلستان، شکاف دینی را بدترین نوع شکاف دانسته است.

جرم بخشی

Clemency

ارفاق یا رأفت و مرحمت به مجرم یا دشمن.

فاشیسم کلیسایی

Clerico-Fascism

این واژه برای اشاره به احزاب سیاسی خودکامه کاتولیک به کار رفته است که در فاصله دو جنگ جهانی و با حمایت شبه نظامیها به قدرت رسیدند، مثل احزاب ناسیونالیست اسلوواک و کرووات که در جریان جنگ دوم جهانی در سرزمینهای ملی خویش روی کار آمدند.

اقتصادی شده است. این آگاهی، طبقه مزبور را به طبقه‌ای ممتاز و با شعور تبدیل می‌کند تا سرانجام مبارزه را برای محو طبقات آغاز می‌کند.

Class Distance

فاصله طبقاتی

شکاف موجود بین طبقات اجتماعی که ناشی از عواملی مثل نابرابریهای آموزشی، عدم توزیع عادلانه امکانات و ثروتها و فقدان یا کمبود تحرک اجتماعی است.

Classical Economics

اقتصاد کلاسیک

تفکر اقتصادی اواسط قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم درباره رشد و توسعه اقتصادی، ثروت ملتها، توزیع محصول ملی بین عوامل تولید در چارچوب جمعیت رو به افزایش و منابع محدود، رقابت آزاد، تأکید بر سرمایه، گسترش بازار و تقسیم کار.

Classified Documents

اسناد طبقه‌بندی شده

اسنادی که حفاظت آنها واجب است و افشای آنها مصالح دولت و امنیت کشور را به خطر می‌اندازد. اسناد به گونه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند که میان آنها یک صفت مشترک وجود داشته باشد. اسناد از نظر امنیتی به طبقات زیر تقسیم می‌شوند: محرمانه، خیلی محرمانه، سری، به کلی سری.

Class Interests

منافع طبقاتی

هر طبقه‌ای دارای یک موضع ویژه در نظام جامعه است و در شبکه تولید هم از موقعیت ویژه خود برخوردار است و بنابراین، منافع خاص خود را دارد. آگاهی از شرایط طبقه خویش و تقابل آن با منافع طبقات دیگر، موجب تنازع طبقاتی است. از نظر مارکس و انگلس، مبارزه طبقاتی امری اجتناب‌ناپذیر است که در تمام طول تاریخ بین استثمارگران و استثمارشوندگان مشاهده می‌شود.

Class Opportunities

فرصتهای طبقاتی

این واژه بیانگر امکاناتی است که شخص با توجه به تعلق طبقاتی از آنها برخوردار می‌شود، مثل امکانات عالی آموزشی برای شخصی که متعلق به طبقه بالاست.

Class Position

موضع طبقاتی

جانب‌گیری به نفع یک طبقه اجتماعی در اوضاع و احوال سیاسی معین.

Class Status

پایگاه طبقاتی

پایگاهی که هرکس به سبب عضویت در یکی از طبقات اجتماعی احراز می‌کند و اساس آن را عواملی مثل درآمد، خانواده، ثروت و آموزش تشکیل می‌دهد.

Class Struggle

مبارزه طبقاتی

از نظر مارکسیستها مبارزه‌ای است که به صورت‌های مختلف و در سطوح اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک، بین طبقه استثمارگر و طبقه استثمارشونده جریان دارد و بیانگر خصلت آشتی‌ناپذیر منافع این دو طبقه است. از نظر آنها، هر نوع انقلاب و شورشی که متضمن مبارزه طبقاتی نباشد، فاقد

مجامع و انجمنهای داوطلبانه ۲- وجود نهادهای ارتباطی و فرهنگی ۳- وجود آزادیهای فردی، ساختارهای قانونی و تعیین حد فاصل امنیت و حرمت عرصه‌های زندگی خصوصی و عمومی. به نظر آنها، فعالان در جامعه مدنی سعی می‌کنند نظام سیاسی را به وسیله جامعه سیاسی (احزاب و سازمانهای سیاسی، گروههای ذینفع و نهادهای پارلمانی) تحت تأثیر قرار دهند. اکنون استفاده از اصطلاح جامعه مدنی (که می‌توان آن را مترادف جامعه بورژوازی دانست) اشاره به مجموعه‌ای از نهادها و انجمنهایی (مستقل و غیرحکومتی) است که فاصله یا فضای بین مردم و حکومت را پر کنند.

جنگ داخلی

Civil War

مبارزه مسلحانه‌ای که معمولاً بین دستجات جداگانه یک ملت یا بین طبقات مختلف یک کشور به وقوع می‌پیوندد.

برخورد تمدنها

Clash of Civilizations

عنوان نظریه‌ای است که در سال ۱۹۹۳ توسط ساموئل هانتینگتون Huntington استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد مطرح شد. اولین نکته‌ای که او یادآوری نموده، به پایان رسیدن جنگ ایدئولوژیها، بویژه با فروپاشی شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ است. نکته دوم نظریه وی، تضعیف ناسیونالیسم یا دومین نیروی مهمی است که تعیین کننده برخوردهای صد و پنجاه سال گذشته بوده است. سومین نکته او آن است که نوعی احیای جدید ناسیونالیسم وجود دارد که بیشتر در قالب تمدنهای بزرگی است که تاکنون حاکم بر تاریخ بوده است و فرهنگ و دین مهم‌ترین عناصر آنها شمرده می‌شود. به نظر وی، در آینده آنچه که در عرصه برخورد بین مردم جهان خواهد بود، واحدهای بزرگ تمدن است. به عقیده هانتینگتون، چند تمدن بزرگ در دنیا وجود دارد: تمدن غربی در حوزه‌های اروپا و آمریکای شمالی، تمدن اسلامی از شمال آفریقا تا جنوب فیلیپین، تمدن چین و خاور دور یا تمدن کنفوسیوسی، تمدن ژاپن، تمدن هندو، تمدن روس - ارتودوکس، تمدن آفریقا. به نظر او، اصولاً دنیا به سوی تمدن واحد پیش نمی‌رود، امکان برخورد بین این تمدنها وجود دارد و جلوگیری از چنین برخوردهایی نیز امکان ندارد. وی همچنین به احتمال نزدیکی یا اتحاد تمدنهای اسلامی و کنفوسیوسی و برخورد آنها با تمدن غربی اشاره کرده و هشدار داده است. اخیراً در برابر این نظریه، "گفتگوی تمدنها" مطرح شده که بیانگر لزوم نزدیکی تمدنها و فرهنگهای مختلف جهان است.

دادخواهی گروهی؛ اقامه دعوای طبقاتی

Class Action Suit

دعوایی که یک یا چند خواهان به عنوان نمونه گروه بزرگتری مطرح نمایند.

تعارض طبقاتی

Class Conflict

کشاکش بین طبقات اجتماعی برای دستیابی به قدرت، ثروت و وجهه.

شعور طبقاتی؛ آگاهی طبقاتی

Class Consciousness

۱- اطلاع از آن طبقه اجتماعی که شخص به آن تعلق دارد. ۲- شعور یا آگاهی طبقاتی در اصطلاح مارکسیستی عبارت است از آن گونه آگاهی که یک طبقه محروم آن را درک می‌کند و می‌فهمد که در بازار کار مثل یک کالای ساده در معرض دادوستد قرار گرفته و قربانی اختناق سیاسی و اجتماعی و

آزادی و امنیت شخصی، حق رفت و آمد در داخل کشور، حق خروج از کشور و بازگشت به آن، حق بیان و اجتماع با افراد دیگر) است و از طرف دیگر شامل حقوقی است مثل حق مالک شدن، عقد قرارداد، ازدواج و حق ترافع قضایی، باهمان شرایطی که اعضای دیگر جامعه از آن متمتع می‌شوند. این اصطلاح همچنین اعم از حقوق سیاسی (حقوقی که به موجب آنها شخص دارنده حقوق می‌تواند در حاکمیت ملی خود شرکت کند) است.

Civil Servant

کارمند دولت

کسی که به موجب حکم رسمی برای تصدی یکی از پستهای سازمانی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی استخدام شده باشد. کارمندان یا مستخدمان دولت، معمولاً قدرت سیاسی خود را نه از راه خانواده، قوم و خویش یا سرمایه، بلکه از راه تحصیل و تجربه به دست می‌آورند و نسبت به سایر اقشار نیز با افکار و اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی آشنائی بیشتری دارند. کارمندان گرایش به گونه‌ای نظم و ترتیب اجتماعی دارند تا بتوانند از طریق آن و براساس تجربیات خویش مدارج ترقی را طی نمایند. از این رو، وقتی عده‌ای به خاطر روابط خانوادگی، مالی، گروهی، سیاسی و امثال اینها پستهای مهم دولتی را اشغال می‌کنند، از در مخالفت با مسئولان و کارگزاران برمی‌آیند. قشر کارمند همچنین ممکن است به همان نسبت نیز مرتجع و محافظه کار باشد، یعنی از خود سلب مسئولیت کند و به اصطلاح، مأمور معذور و ابن الوقت شود. به بیان دیگر، این قشر با توجه به آشنائی با دستگاه دولت و معلومات و تحصیلاتی که دارد، می‌تواند با شناسائی منابع و مرکز قدرت و خصوصیات دستگاه دولتی، طریق وابستگی به آن را به عنوان بهترین، بی‌خطرترین و آسان‌ترین راه ترقی و برخورداری از مزایا و امتیازات و پیشبرد هدفهای شخصی انتخاب کند و به "طبقه‌ای جدید" تبدیل شود و از مردم و سایر کارمندان فاصله گیرد.

Civil Service

دستگاه کشوری؛ دستگاه اداری

مجموعه ادارات، کارکنان رسمی و غیررسمی دولت به استثنای بخش قهری دولت، مثل پلیس، ارتش، قوه قضائیه.

Civil Society

جامعه مدنی

واژه رایج در قرن هیجدهم که بعد از معرفی و توضیح نظریه "قرارداد اجتماعی" وارد اندیشه سیاسی شد. جامعه مدنی دلالت بروضعی از جامعه دارد که در آن انسان از "حالت طبیعی" (یعنی پیش از گردن نهادن به قدرت و حکومت و قانون) خارج شد و با دست کشیدن از آزادیهای طبیعی و عمل آزادانه، به دولت و قانون گردن نهاد. هگل (۱۸۳۱-۱۷۷۰) فیلسوف آلمانی جامعه را به مدنی و سیاسی تقسیم می‌کرد و اولی را مرکب از شهرها و گروههای گوناگون با حرفه‌های مختلف آنها می‌دانست و از جامعه سیاسی، دولت و دستگاه اداری آن را در نظر داشت و آن را محصول تأثیر متقابل اجزای تشکیل دهنده جامعه مدنی می‌پنداشت مارکس، جامعه مدنی را در ارتباط با اقتصاد سیاسی بررسی کرده است. بعضی از متفکران قرن هیجدهم، مثل آدام اسمیت، جامعه مدنی را مترادف جامعه متمدن شمرده‌اند. کوهن و آراتو در سال ۱۹۹۲ در کتاب جامعه مدنی و نظریه سیاسی، جامعه مدنی را شامل ابعاد زیر دانسته‌اند: ۱- وجود خانواده‌ها، گروههای غیر رسمی،

Civil Disobedience**نافرمانی عمومی؛ نافرمانی مدنی؛ سرپیچی مدنی**

هر اقدام قانون‌شکنانه آشکار و عمدی که با هدف جلب توجه همگان به نامشروع بودن برخی قوانین یا نادرستی آنها از جنبه اخلاقی و عقلانی، صورت گیرد. استراتژی نافرمانی عمومی یا عدم اطاعت از حکومت، بویژه توسط مهاتما گاندی برای کسب استقلال هند از حکومت امپراتوری بریتانیا مورد استفاده قرار گرفت. روش گاندی مبتنی بر تمرکز از قوانین کشوری، نپرداختن مالیاتها، قبول نکردن پستهای دولتی، تحریم انتخابات مجالس قانونگذاری، عدم همکاری با مأموران انگلیسی و تحریم اجناس ساخت بریتانیا بود. در مقاومت منفی، تأکید اصلی بر امتناع از اقدام و نوعی بی‌تفاوتی است، در حالی که نافرمانی مدنی بدون اقدام، معنایی ندارد. وجه مشترک این دو شیوه مبارزه، مسالمت‌آمیز بودن آنهاست. در مقاومت منفی، این مسالمت از طریق خودداری از اقدام تأمین می‌شود، ولی در نافرمانی مدنی از طریق نوعی اقدام.

Civilian Control of the Military **کنترل غیر نظامی ارتش؛ اعمال کنترل غیر نظامیان بر نظامیان**

کنترل نیروهای نظامی توسط بخش غیر نظامی جامعه. این کار در کشورهای پیشرفته برای جلوگیری از دیکتاتوری یا جاه‌طلبی افسران عالی‌رتبه، از طریق نمایندگان منتخب یا رویه‌هایی مثل تعدیل و توازن یا نظارت و موازنه اعمال می‌شود.

Civilization**تمدن**

۱- مجموعه ذخایر مادی و معنوی انسان در جوامع تطور یافته. ۲- مجموعه نهادها و سازمانهای اجتماعی، شرایط و مناسبات اقتصادی و اجتماعی، تولیدی، دینی و هنری در جامعه تطور یافته. ۳- نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی در یک جامعه که در برگیرنده مجموع عناصر اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، حقوقی، علمی، فنی و دینی است. عده‌ای، مجموع عناصر مادی، آثار فنی و اشکال گوناگون سازمان اجتماعی را که امکان تجلی یک جامعه را فراهم می‌سازند، تمدن می‌خوانند و مجموع مظاهر معنوی، دستاوردهای هنری، ادبی و ایدئولوژیهای مسلطی را که تشکیل دهنده واقعیتی خاص از مردم یک عصر باشد، فرهنگ می‌نامند. از نظر دانشمندان عصر روشنگری در قرن ۱۷ و ۱۸، مفهوم تمدن با اندیشه ترقی اجتماعی پیوند داشته و به معنی پیروزی تعقل و خردگرایی بر دین، زوال محلی‌گری و اعتلای علوم طبیعی بوده است. اما در قرن ۱۹ با مشاهده از خوددییگانی و نابسامانی در جوامع به اصطلاح تمدن، اندیشه‌های مربوط به ترقی اجتماعی مورد تردید قرار گرفت.

Civil Liberties**آزادیهای مدنی؛ آزادیهای فردی**

آزادیهایی نظیر آزادی نطق و بیان و آزادی قلم که معمولاً در اعلامیه‌های حقوق (انسانی) و یا قوانین اساسی و به منظور تضمین حمایت از حقوق افراد در مقابل مداخله خودسرانه مقامات حکومتی گنجانده می‌شود.

Civil Rights**حقوق اجتماعی؛ حقوق مدنی**

این اصطلاح از طرفی شامل حقوق مربوط به شخصیت یا حقوق بشر (مثل حق حیات، حق

سیتی

نام منطقه‌ای در شهر لندن که مرکز مالی و پولی مهم انگلستان شمرده می‌شود و بورس لندن، بازارهای پولی، مؤسسات بیمه، بانکهای تجاری و بازار انواع کالا در آن قرار دارد. مانند وال استریت در آمریکا، سیتی The City نیز مرکز اصلی سرمایه‌داری انگلستان است.

شهردار (در آمریکا)

City Manager

بسیاری از شهرهای آمریکا توسط یک شهردار و در مشورت با یک شورای کوچک اداره می‌شوند.

دولت‌شهر؛ کشورشهر

City-State

۱- واحدهای کوچکی در یونان باستان و ایتالیای قرون وسطی که نقش کشور (نظیر کشورهای کنونی) را ایفا می‌کرده‌اند ولی چون بسیار کوچک بودند (نظیر شهرهای کنونی) آنها را شهر کشور، یعنی شهری که در واقع کشور بوده، می‌نامیده‌اند. ۲- واحد خودمختار سیاسی و اجتماعی که معمولاً از یک شهر و نواحی پیرامون آن تشکیل می‌شود، مثل واتیکان. واژه دولت‌شهر، مترادف واژه یونانی پولیس است.

فرهنگ مدنی

Civic Culture

این واژه برای اشاره به نوعی فرهنگ سیاسی به کار رفته که به موجب آن، افراد، هم شهروند و هم تابعند. در نقش اول، به مشارکت معتقدند و در زندگی سیاسی نیز فعالند. احساس شایستگی و اطمینان به توانایی آن را دارند که خودشان را آگاه کنند و با تغییر همراه سازند. در نقش دیگر، تعهداتشان را به اجتماع انجام می‌دهند و از قوانین دولتی پیروی می‌کنند و عادت به اعتماد و اعتقاد به یکپارچگی قدرت و اقتدار دارند. فرهنگ مدنی در انگلستان و آمریکا ریشه‌های قوی دارد.

سیاست مدن؛ کشورداری

Civics

۱- شاخه‌ای از علوم سیاسی که حقوق و وظایف شهروندی یا بهترین طریقه ممکن برای اداره امور شهرها و جوامع بشری را بررسی می‌کند. ۲- آیین کشورداری و طرز تدبیر و یکی از تقسیمات فلسفه یا حکمت عملی. قداما، اخلاق (اخلاقیات) و تدبیر منزل (اقتصادیات) و سیاست مدن (سیاسیات) را با هم مرتبط می‌دانستند و هر سه را حکمت عملی می‌خواندند، در مقابل حکمت نظری که شامل طبیعیات، ریاضیات و مابعدالطبیعه می‌شد.

دفاع غیر نظامی؛ دفاع مردمی

Civil Defence (Defense)

مساعی نظام یافته یا طرحها و برنامه‌های حکومتی برای آمادگی ملی و جلوگیری از غافلگیری مردم در مواقع اضطراری و نیز محدود کردن اتفاقات و خسارتهای احتمالی به اموال غیر نظامیان در طول جنگ.

محرومیت از حقوق اجتماعی

Civil Degradation

مجازات جنایات به طور تبعی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی و سیاسی است. در بعضی از جرائم، بویژه جرائم سیاسی، محرومیت از حقوق اجتماعی جنبه مجازات اصلی را دارد.

و به تحولات جوامع بشری در یک جهت دائمی اعتقاد نداشت. او تحولات داخلی جوامع را چنین بیان می‌کرد: در هر جامعه در اثر قشربندی اجتماعی، دو طبقه عمده وجود دارد که عبارتند از طبقه بالا و طبقه پایین. وجود همین طبقات با جریان دائمی و متقابل از بالا به پایین و از پایین به بالا ملازمه دارد، زیرا طبقه بالا باید برای ادامه حیات از طبقه پایین نیرو بگیرد. به هر حال گروه سرآمد یا برگزیده خواهی نخواهی محکوم به زوال است. از این رو، وی تاریخ را گور اشرافیتها می‌شمرد و اعتقاد داشت که خلاء ناشی از برکنار شدن گروه برگزیده یا نخبگان می‌باید توسط عناصر بسیار مستعد طبقه پایین پر شود. بدین ترتیب، در داخل هر جامعه، فعل و انفعالاتی رخ می‌دهد که پارتو آن را حرکت دورانی گروه برگزیده می‌نامد و می‌گوید هر گاه که سیر طبیعی این حرکت قطع گردد، وقوع انقلاب حتمی است. او شیوه‌هایی را که نخبگان تمام جوامع برای حفظ موقعیت خویش به کار می‌برند نشان داد. فساد، اعمال زور یا نفوذ برخی از اشخاص مستعد طبقه پایین که به مقام رهبری و شرکت در حکومت به نخبگان می‌پیوندند، از آن جمله است.

Circumvention of the Law

کلاه شرعی؛ حيله قانونی

۱- انجام فعل یا ترک فعلی که توسط شرع قدغن شده با صورت ظاهر شرعی. ۲- با حيله از اجرای قانون طفره رفتن.

Citizen

شهروند؛ تبعه

کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است. واژه سیتی‌زن که ریشه رومی دارد، در فارسی به کشوروند، شهروند، تبعه، همشهری، هموطن، شامند، شهرتاش و انسان عضو اجتماع ترجمه شده است. در روم، اتباع کشور را به دو دسته تقسیم می‌کردند: شهروندان، یعنی رومیان اصلی که از حقوق و مزایای بیشتری برخوردار می‌شدند و رعایا، یعنی اقوام و ملل دیگر که تحت تسلط و حکومت رومیان اصیل قرار داشتند. امروزه، تفکیک بین دو دسته از اتباع که دارای حقوق متفاوتی باشند، از میان رفته است و از این رو می‌توان واژه سیتی‌زن را به تبعه نیز ترجمه کرد. مع‌هذا، گرچه واژه‌های شهروند و تبعه "national" بیانگر مفهومی واحد - یعنی عضو یک کشور بودن - هستند، ولی معمولاً "تابعیت" جنبه خارجی و بین‌المللی، و شهروندی جنبه داخلی و ملی آن عضویت را در نظر دارد. در ایالات متحده آمریکا، شهروند که اخص از تبعه است به فردی اطلاق می‌شود که از حقوق مدنی و سیاسی کامل برخوردار باشد و تبعه علاوه بر شهروند بودن، نسبت به ایالات متحده آمریکا وفاداری دائم دارد.

Citizenship

شهروندی؛ تابعیت

۱- حالت کسی است که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور استفاده می‌کند. ۲- عضویت کامل در یک کشور. این واژه به عنوان مترادف واژه Nationality نیز به کار می‌رود، با این تفاوت که شهروندی خاص اشخاص حقیقی است.

Citizenship Right

حق شهروندی

این واژه در ارتباط با حق تابعیت دولتی در حوزه دولتهای عضو اتحادیه اروپا مطرح شده است.

میسونرهای مسیحی؛ داعیان مسیحی**Christian Missionaries**

افراد و گروههایی که وظیفه تبلیغ دین مسیح را در نقاط مختلف جهان بر عهده دارند. استعمارگران غربی، از بیشتر این افراد و گروهها برای تحکیم سلطه خود در مستعمره‌ها استفاده می‌کردند.

سوسیالیسم مسیحی**Christian Socialism**

جنبشی که در اوایل قرن بیستم در انگلستان آغاز شد و منظور از آن، اعتراض علیه محرومیت‌های طبقه کارگر بود تا رفاه این طبقه رنجبر و محروم بر اساس آموزشهای ضد ظلم دین مسیح تأمین شود. سوسیالیسم مسیحی برنامه خود را بر مبنای عقاید معلوم و آشکار مذهبی قرار داده بود. بعد از جنگ دوم جهانی، احزاب سیاسی در کشورهای اروپای غربی به وجود آمده‌اند که گرایشهای سوسیالیستی دارند و به اشکال مختلف به مسیحیت اتکا می‌نمایند.

سیا (سازمان مرکزی اطلاعات)**CIA (Central Intelligence Agency)**

نام اختصاری سازمان مرکزی اطلاعات و جاسوسی ایالات متحده آمریکا که در سال ۱۹۴۷ به وجود آمد. شبکه وسیع و گسترده این سازمان به خاطر عملیات جاسوسی و براندازی و توطئه‌گری و تروریستی خود در جهان و بویژه در کشورهای جهان سوم شهرت دارد. بودجه سری سال ۱۹۹۷ سیا را حدود ۳۰ میلیارد دلار تخمین زده‌اند که ظاهراً بخش عمده آن صرف هزینه‌های مربوط به تهیه اطلاعات ماهواره‌ای و گزارشهای نظامی شده است. سیا اخیراً به استخدام کارشناسانی علاقه نشان داده که قادرند به دقت تصاویر ماهواره‌ای را بخوانند و یا داده‌های اقتصادی را تحلیل نمایند. حجم فعالیتهای سیا در دوران پس از جنگ سرد نه تنها کاهش نیافته، بلکه زمینه‌های تازه‌ای نیز به حوزه فعالیتهای سستی آن اضافه شده است. استراتژیست‌های نظامی دولت، پنتاگون و سازمان سیا، تنظیم سیاست خارجی آمریکا را به عهده گرفته‌اند تا نظام نوین جهانی مورد نظر را محقق سازند. آنها نه تنها با ناتو، بلکه با رهبران صندوق بین‌المللی پول، در ارتباط تنگاتنگ با وال استریت و صاحبان مجتمع‌های نظامی - صنعتی و نفتی آمریکا قرار دارند و دکترین مداوای اقتصادی کشورهای در حال توسعه و جمهوریهای سابق شوروی را دیکته می‌کنند.

رمز**Cipher**

مجموعه حروف و اعدادی که مأمورین سیاسی برای ارتباط سری با کشور خود از آنها استفاده می‌کنند و درک مفاهیمشان بدون در دست داشتن کلید رمز امکان ندارد.

بخشنامه؛ دستورالعمل عمومی**Circular Letter**

در روابط سیاسی، دستوری است که حکومت برای کلیه مأمورین و نمایندگان خود می‌فرستد و خط مشی دولت را در مسأله خاصی برای ایشان روشن می‌کند. همچنین به بیانیه‌ای اطلاق می‌شود که از طرف یک دولت برای بیان عقیده و خط مشی آن دولت، برای عده زیادی از دولتها فرستاده می‌شود.

حرکت دورانی نخبگان**Circulation of Elites**

نظریه دوری یا چرخشی گروه برگزیده که توسط ویلفردو - پارتو (۱۸۴۸-۱۹۲۳) فیلسوف، اقتصاددان و جامعه‌شناس ایتالیایی مطرح شد. وی با هرگونه نظریه مبتنی بر اصل ترقی مخالف بود

تحولات عمده در سیاست گرایش به غرب رهبران چین (جناح مائو - چوئن لای) در اوایل دهه ۱۹۷۰، به این نتیجه رسید که می‌تواند از نشانه‌های آشکار سازگاری بین واشنگتن و پکن برای به دست آوردن امتیاز از شوروی سابق سود جوید. استفاده از سیاست ورق چین در برابر شوروی، با سفر ریچارد نیکسون به پکن در سال ۱۹۷۲ آغاز شد.

چاینادا

Chinada

در کشور کانادا، چینپها (مهاجران چین، تایوان و هنگ کنگ) بر بسیاری از مشاغل، چنگ انداخته‌اند و باتوجه به رشد فزاینده جمعیت آنها عده‌ای به شوخی گفته‌اند بعید نیست که در آینده‌ای نه چندان دور، خط و زبان رسمی در کانادا چینی شود و خود سرزمین کانادا نیز چاینادا نامیده شود.

پارادوکس چیزم؛ تناقض نمای چیزم

Chisholm Paradox

پارادوکس تکلیف ناشی از تخلف از وظیفه که اولین بار در سال ۱۹۶۴ توسط رودریک میلتون چیزم (-۱۹۱۶) فیلسوف آمریکائی مطرح شد و آن بدین معنی است که اگر شخص در آغاز، ملزم به انجام کاری باشد، ولی به وظیفه خود عمل نکند، وظیفه دیگری به علت عدم انجام وظیفه اول متوجه او می‌شود، مثل تخلف رانندگی و الزام به پرداخت جریمه مربوط به آن تخلف.

دموکراسی مسیحی

Christian Democracy

ایدئولوژی گروهی از احزاب سیاسی اصلاح طلب و میانه‌رو که با کلیساهای مسیحی (کاتولیک رومی) متحدند و عمدتاً از بعد از جنگ جهانی دوم، توسط احزاب دموکرات مسیحی ایتالیا، آلمان و جمهوری چهارم فرانسه (یعنی از زمان راهی فرانسه از اشغال آلمان نازی در سال ۱۹۴۴ تا سال ۱۹۵۸) دارای نام و نشان شد. دموکراسی مسیحی از بیشتر جهات، مشابه احزاب محافظه کار میانه‌رو مثل احزاب بریتانیایی است ولی چون به جای طرفداری از آریستوکراتها یا نخبگان، حمایت از خواستهای عمومی را مورد نظر دارد، دموکراسی به آن اضافه شده است. صفت مسیحی نیز بیشتر به خاطر ظهور احزاب دموکرات مسیحی در فرانسه و ایتالیا از جنبشهای مقاومت مذهبی وابسته به کلیسا از زمان جنگ جهانی دوم است. احزاب دموکرات مسیحی طرفدار لیبرالیسم اجتماعی میانه‌رو، اقتصاد مختلط، تدارک زمینه‌های رفاه اجتماعی و اشتغال کامل از طریق سیاستهای اقتصادی کینزی هستند. دموکراتهای مسیحی کمونیسم را به عنوان شکلی از بردگی اجتماعی محکوم نموده‌اند.

دموکراتهای مسیحی

Christian Democrats

دموکرات مسیحی، عنوان احزاب میانه‌روی وابسته به کلیسای کاتولیک روم در بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا و هلند است. آنها در اوایل قرن بیستم به اتحاد با احزاب سوسیالیست و کمونیست تمایل داشتند، ولی از سال ۱۹۴۵ ضمن خصومت با سوسیالیسم و کمونیسم، به احزاب رفورمیست میانه‌رو گرایش پیدا کرده‌اند. احزاب دموکرات مسیحی در آغاز، یعنی در قرن ۱۹ معمولاً ضد سرمایه‌داری، ضد سوسیالیست و ضد یهود بودند.

برای مجلس عوام حذف شود زیرا وجود این شرط، نظریه قدیمی " پارلمان مرکب از بزرگزادگان بی‌نیاز باشد" را حفظ می‌کرد. ۶- به‌نمایندگان منتخب پارلمان مقرر داده شود تا افراد کم‌بضاعت هم بتوانند به عضویت پارلمان درآیند.

Chattering Classes

زبانداراها؛ روشنفکران زبان آور؛ فرهیختگان زباندار

در انگلستان و به زبان رسانه‌ها برای اشاره به اعضای تحصیلکرده، باسواد و فرهیخته طبقات متوسط و بالا به کار رفته که نشریات سنگین را مطالعه می‌کنند، افکار سیاسی آزادخواهانه دارند و خودشان را زبان آور و دارای قدرت بیان و از نظر اجتماعی آگاه می‌دانند.

Chauvinism

شوونیسیم؛ ناسیونالیسم افراطی؛ میهن پرستی سفیهانه

ملی‌گرایی تنگ نظرانه و غلو سفیهانه درباره ملت خود و توهین بی‌پروا نسبت به ملل دیگر یا سیاستی که هدف آن تحت نفوذ درآوردن و برده ساختن ملت‌های دیگر و روشن کردن آتش نفاق و خصومت ملی و برتر پنداشتن ملت خودی و خوار شمردن ملت‌های دیگر است. این واژه از نام نیکولا شوون سرباز عهد ناپلئون گرفته شده که در فداکاری نسبت به ناپلئون راه افراط می‌پیمود.

Checks and Balances

تعديل و توازن؛ نظارت و موازنه؛ کنترل و موازنه

در ایالات متحده آمریکا از رویه‌هایی که برای جلوگیری از دیکتاتوری و زیاده‌روی حکومت اعمال می‌شود، به عنوان نظارت و موازنه نام می‌برند: مثل قدرت و توی رئیس جمهوری در مورد قوانین مصوب کنگره، حق کنگره در مورد تصویب مجدد قوانین برای مقابله با توی رئیس جمهوری و قدرت دیوان عالی کشور از نظر نظارت بر مصوبات قوه مقننه.

Chemical Warfare

جنگ شیمیایی

به کار بردن سلاح‌های مخرب و ممنوعه شیمیایی از قبیل گازهای سمی و کشنده و مواد آتزرادر جبهه و پشت جبهه به منظور نابودی جمعی. سلاح‌های شیمیایی نخستین بار در جنگ جهانی اول، توسط قوای آلمان به کار رفت و سپس متحدین، آن را بنا به قاعده مقابله به مثل به کار بردند. استعمال سلاح‌های شیمیایی از قبیل گاز خفه کننده، گاز سمی، وسایل پخش میکرب و باکتری، رسماً و صریحاً در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو ممنوع و قدغن شده است. عراق در جریان جنگ تجاوزکارانه‌اش با ایران، به دفعات علیه نیروهای ایرانی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد. ایالات متحده آمریکا نیز در جنگ ویتنام این گونه سلاح‌ها را علیه ویتنام (شمالی) به کار برد. معاهده منع استفاده و تولید سلاح‌های شیمیایی در ژانویه ۱۹۹۳ در پاریس به امضا رسید.

Chiltern Hundreds

کناره گیری از نمایندگی مجلس

نام ناحیه‌ای در انگلستان که به طور مجازی به معنی از نمایندگی مجلس کناره گیری کردن یا رویه‌ای است که به موجب آن، یک عضو پارلمان بریتانیا از مجلس عوام کناره گیری می‌کند.

China Card

ورق چین

استفاده از چین به عنوان یک وسیله فشار در دنیای سوسیالیسم. دولت آمریکا پس از تغییر و

نوع حکومت بر دو نوع دیگر و یا با ترکیب آنها با همدیگر ظاهر شده‌اند. حکومت عقلی بر اساس احکامی قرار دارد که از عقل استنباط می‌شود. حکومت سنتی یا نقلی که بنای آن بر متابعت مقولات و سنتها است و حکومت فرهی یا تفصیلی که بر اساس لطف، عنایت، تفضل، کرامت یا فره ایزدی قرار دارد. یعنی آنچه به عنوان معیار صحت و مشروعیت ریاست و پیشوایی تلقی می‌شود، نه عقل مشترک بین مردم و نه نقل و سنت، بلکه چیز دیگری به نام فره است که گمان می‌رود به حکمت محض الهی شامل حال رؤسای آن حکومت قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، از نظر ماکس و بر رهبر فره‌مند کسی است که معتقد است مأموریتی والا دارد و قدرت خود را ناشی از پایگاههای برین می‌داند. این قدرت، با گسترش فردگرایی، ماده‌گرایی، مصلحت‌گرایی و وسعت یافتن شیوه‌های بوروکراتیک یا دیوانسالارانه از محتوا تهی می‌شود. در زمان قدرت هیتلر، دستگاههای تبلیغاتی آلمان به او لقب پیشوای فره‌مند داده بودند.

Charity

صدقه؛ احسان؛ خیرات

این واژه از ریشه لاتینی به مفهوم مهر و محبت مشتق می‌شود و به طور کلی دلالت بر عشق و خیرخواهی دارد. تعریف مشخصی برای سازمان خیریه وجود ندارد، اما مقاصد خیراتی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- کاستن از فقر. ۲- پیشرفت آموزش و پرورش. ۳- ترویج دین. ۴- مقاصد بهداشتی و درمانی. ۵- مقاصد دیگر.

Charlatanism

شارلاتانی؛ شیادی

حقه‌بازی، تقلب، زبانبازی و کلاهبرداری.

Charter

منشور؛ فرمان

۱- سندی دیپلماتیک که دولتهای امضاکننده آن، پاره‌ای از اصول حاکم در روابط بین‌الملل را در نظر گیرند و رعایت کنند. ۲- حکم یا سندی که به وسیله قدرت حاکمه یا یک مقام بزرگ صادر می‌شود و در آن اختیارات، دستورات، امتیازات و مصونیت‌های مربوط به یک موضوع، شخص و یا نهاد تصریح می‌گردد.

Chartism

چار تیسم؛ منشورگرایی

نهضت اصلاح طلب انگلیسی (۱۸۴۸-۱۸۳۸) که سرلوحه مراش توسعه اصلاحات پارلمانی بود. پیشرفت این نهضت مرهون جماعتی از کارگران بود که خود را چار تیستها یا منشور یون می‌خواندند و وجه تسمیه آن نیز این بود که جماعت مزبور در سال ۱۸۳۸ سندی را تنظیم کرده بودند که به "منشور خلق" شهرت داشت. عده معدودی از چار تیستها به طور آشکار سوسیالیست بودند، ولی به هر حال همگی با نظام سرمایه‌داری مخالفت داشتند و معتقد بودند که اولین اقدام آنها باید اعزام نمایندگان طبقه کارگر به پارلمان باشد. رهبران نهضت مزبور در منشور سال ۱۸۳۸ خواسته‌های خود را به شرح زیر عنوان کردند: ۱- انتخاب نمایندگان مجلس عوام همه ساله صورت پذیرد. ۲- عموم افراد بالغ ذکور در انتخابات مزبور شرکت کنند. ۳- اخذ رأی به صورت مخفی انجام شود. ۴- کشور به حوزه‌های انتخاباتی متساوی تقسیم گردد. ۵- شرط تملک از شرط‌های عضویت

Charge d'Affaires**کاردار؛ شارژدار**

مأمور دیپلماتیک که از نظر درجه، بعد از سفیر و وزیر مختار قرار دارد و از طرف وزارت امور خارجه دولت متبوع به وزارت امور خارجه دولت محل مأموریت معرفی می‌شود. سمت کاردار، اصولاً موقتی است. کاردار در غیاب رئیس مأموریت و یا تا مراجعت وی یا ورود جانشین، به‌عنوان رئیس مأموریت تلقی می‌شود و از تمام مزایا و مصونیت‌های رئیس مأموریت استفاده می‌کند. تاریخ تقدم کاردار از تاریخ تصدی به‌این سمت است. امکان دارد کشورهایی که یک سفیر را نزد چند دولت مأمور می‌کنند، در کشورهایی که سفیرا کر دیته است ولی اقامت دائم ندارد، کاردار بگمارند.

Charge d'Affaires ad Interim**کاردار موقت**

هرگاه پست ریاست مأموریت، بدون تصدی باشد یا رئیس مأموریت قادر به انجام وظایف خود نباشد یک کاردار موقت به‌عنوان رئیس مأموریت، انجام وظیفه می‌کند. همچنین دولت فرستنده در صورتی که نمایندگی خود را نزد یک یا چند دولت به یک رئیس مأموریت محول نماید، می‌تواند در هر یک از کشورهایی که رئیس مأموریت در آنجا اقامت دائم ندارد، یک مأموریت دیپلماتیک زیر نظر یک کاردار موقت تأسیس کند. در عین حال، هرگاه کشوری بخواهد عدم رضایت و دلگرمی خود را به کشور دیگری نشان دهد، سفیر خود را از آن کشور احضار می‌کند و کارهای او را به کاردار (موقت) می‌سپارد.

Charge des Affaires Consulaires**متصدی امور کنسولی**

مأموری که با داشتن سمت دیپلماتیک، در عمل کار دیگری بجز امور دیپلماتیک انجام می‌دهد. مثلاً اگر پست کنسولی نباشد، یکی از اعضای دیپلماتیک سفارت، آن وظیفه را انجام می‌دهد و در این صورت، متصدی امور کنسولی نامیده می‌شود.

Charisma**فره؛ جذبه؛ توان ذاتی رهبری**

۱- موهبتی معنوی و یا استعدادی که تصور می‌شود از طرف پروردگار، به‌نشانه لطف به کسی داده می‌شود و توانایی اعجاز و کارهای شگفت‌انگیز به‌او می‌بخشد. ۲- توانایی یا فضیلت فوق‌العاده‌ای که تصور می‌شود دارنده‌اش در رهبری مردم، از پشتیبانی پر شور آنها بهره‌مند می‌گردد. ۳- امکانات، موهبتها و استعدادهایی که به فردی تفویض می‌شود و او را قادر می‌سازد که بر دیگران اثر گذارد.

Charismatic Leader**رهبر فره‌مند؛ رهبر با جذبه**

رهبران فره‌مند به‌آن دسته از رهبران اطلاق می‌شود که از نوعی نبوغ فوق‌العاده، جذبه، نیروی یزدانی و فوق‌انسانی برخوردارند و می‌توانند توده‌ها را به‌هر عنوان برانگیزند. این نیرو در اوستا به‌نام فر یا فره به‌کار رفته است که به‌دل هرکسی بتابد از همگان برتری می‌یابد و از پرتو این نیرو یا فروغ ایزدی است که شخص به‌حکومت می‌رسد و نیز از این فروغ است که کسی در کمالات نفسانی و روحانی کامل می‌شود و خداوند، او را به‌پیامبری برمی‌گزیند. ماکس وبر، به‌سه نوع حکومت عقلی، سنتی یا نقلی و فرهی یا تفصلی اشاره کرده که در ادوار مختلف تاریخی با غلبه یکی از این سه

Chalfont Syndrome**عارضه چالفونت**

به عوارض ناخوشایندی اطلاق می‌شود که بر اثر تعریف و تمجید زایدالوصف رسانه‌ها از یک فرد یا حکومت پدید می‌آید. این واژه از نام لرد چالفونت، خبرنگار و نویسنده روزنامه تایمز گرفته شده که زمانی با گرفتن رشوه، به طرفداری از محمدرضا پهلوی شاه سابق ایران و حکومتش مقاله می‌نوشت.

Challenge**به مبارزه طلبیدن؛ دعوت به مبارزه؛ چالش**

شخص، رقیب یا حریف را به ستیزه فراخواندن و برانگیختن او به آنکه کاردانی و شایستگی خود را ثابت نماید.

Chancellor (Kanzler)**صدراعظم**

به معنی نخست وزیر یا رئیس الوزراء است. این عنوان در برخی از کشورها مثل جمهوری فدرال آلمان و اتریش به کار می‌رود. مهم ترین مقام جمهوری فدرال آلمان، صدارت عظمی است که یا به وسیله رئیس جمهوری و یا توسط مجلس فدرال انتخاب می‌شود.

Chancellor of the Exchequer**وزیر دارایی؛ وزیر خزانه‌داری**

وزیر دارایی در بریتانیا. منشأ آن، دوره سلطنت هنری سوم در قرن سیزدهم است.

Chantage (Blackmail)**شانناژ؛ هوچیگری؛ باجگیری**

این واژه فرانسوی به معنی گفتار و اعمال تهدیدآمیز به قصد تحقیر یا رسوا کردن اشخاص و اشاعه اکاذیب رسواکننده نسبت به شخصیت‌های سیاسی، برای مجبور ساختنشان به سکوت یا تغییر سیاست یا طلب کردن چیزی از آنها به کار رفته است.

Chaos Theory**نظریه هرج و مرج**

به نظر اس.بی. کوهن Cohen متخصص علوم سیاسی آمریکائی، محیط سیاسی دنیا از یکپارچگی استراتژیک بی بهره است و جهانی است کاملاً از هم گسیخته به صورت شماری از منطقه‌های جغرافیایی. از این فرضیه است که نظریه هرج و مرج سیاسی جهانی مورد قبول بیشتر جهانی اندیشان قرار گرفته است. وی اعلام کرده است که جهان با دوراهی انتخاب بین نظم و بی نظمی (هرج و مرج) مواجه است و این انتخاب، بستگی دارد که ملت - کشورها یا حکومت‌های تک ملتی در این جهان به هم وابسته، چگونه رفتاری را انتخاب کنند.

Character**منش؛ شخصیت**

شخصیت ویژه یا مجموعه گرایش‌های عاطفی و اخلاقی هر شخص که راهنمای او در زندگی است.

Character Assassination**تورود شخصیت**

کشتن روحیه، هتک حرمت و حیثیت شخص یا لطمه وارد کردن به شهرت، اعتبار و آبروی کسی از طریق ناجوانمردانه و بویژه در رسانه‌های گروهی.

Central Treaty Organization (CENTO)

سازمان پیمان مرکزی؛ ستو

این سازمان نظامی در سال ۱۹۵۹ با شرکت بریتانیا، ترکیه، پاکستان، ایران و با همکاری ایالات متحده آمریکا به وجود آمد. ایران (پس از انقلاب اسلامی) در سال ۱۹۷۹ از ستو خارج شد و سپس با خروج ترکیه و پاکستان از آن از میان رفت. سازمان پیمان مرکزی که جانشین پیمان بغداد شمرده می‌شد، حلقه مرکزی سیستم دفاعی و تهاجمی غرب بود که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی (سیتو) را به هم می‌پیوست.

Centre Party

حزب میانه‌رو

حزبی که بین حزبهای چپ و حزبهای راست قرار دارد و از سیاست حد وسط پیروی می‌کند.

Centre - Periphery Relations

روابط مرکز - پیرامون

این مفهوم از سیاست کشور، همانند روابط مرکزی - محلی است که این آخری بیشتر با عناصر نهادی و ساختاری مرتبط است. عوامل اصلی در بررسی روابط مرکز - پیرامون را می‌توان جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی دانست. روابط مرکز - پیرامون ممکن است به صورتهای گوناگونی ظاهر شود. مثلاً یکی شکل نظام نوین جهانی است که جنبه اقتصادی دارد و براساس آن، کشورهای پیرامونی (بعضی کشورهای در حال توسعه یا کم رشد) در خدمت اقتصادهای سرمایه‌داری کشورهای مرکزی یا محوری (مثل آمریکا و اتحادیه اروپا) قرار دارند. دیگر، نظریه «استعمار داخلی» که از جنبه‌های مختلف، نتیجه شکل نخست است.

Centrism

مرکزگرایی؛ میانه‌روی؛ مرکز‌مداری؛ سانترسیم

۱ - دکترین دنبال کردن مرکز سیاسی یا پیروی از یک سیاست حد وسط (بین چپ افراطی و راست افراطی). ۲ - جنبشی در درون حزب کمونیست لهستان در ارتباط با گومولکا که مخالف افراط‌گرایی دسته‌بندیهای رقیب، و موافق وجود مرکزیتی واحد برای احزاب کمونیست و ایجاد فضای باز سیاسی در لهستان بود.

Ceremony

مراسم

آیینها، بیان احساسات و افکار مشترک از طریق انجام اعمالی که معنی خاصی را برساند و در مواقع ویژه‌ای برگزار شود. مراسم، باعث حراست از رسوم و ارزشهای خاص و انتقال آنها به‌نسلهای آینده می‌شوند.

Cession

واگذاری؛ تسلیم

واگذاری یا تسلیم عبارت از این است که یک کشور به‌نفع کشور دیگر، از جمیع حقوق و عنوانهایی که ممکن است در سرزمینی داشته باشد صرف‌نظر و خلع ید نماید. به‌بیان دیگر، تسلیم کردن منطقه‌ای توسط یک کشور به کشور دیگر که ممکن است نتیجه جنگ باشد و یا ناشی از معاهده‌های صلح‌آمیز. مانند تسلیم آلزاس و لرن به آلمان از طرف فرانسه در سال ۱۸۷۱. تسلیم به‌صورت بیع نیز مانند فروش آلاسکا به ایالات متحده آمریکا از طرف روسیه تزاری است به‌مبلغ هفت میلیون و دوپست هزار دلار در سال ۱۸۶۷.

در حقیقت، تبلیغات نفوذی و تحلیلی و تفسیری خواهد داد. تبلیغات در سطح فردی و ملی و جهانی افزایش خواهد یافت و سانسورهای روانی و اجتماعی و اقتصادی جایگزین سانسورهای مستقیم کنونی خواهد شد. به جای جلوگیری از پخش اخبار و اطلاعات سعی خواهد شد با نظامهای جدید تبلیغاتی که با فرهنگ و مدارس و مؤسسات هرکشوری رابطه مستقیم دارد، عقاید و ارزش و بینش افراد عوض شود و از این راه، خود افراد، کمیت و کیفیت خبر را آن طور که سیستمهای حاکم مایل هستند، تعبیر و تفسیر کنند.

Census

سرشماری

به یک‌یک شماردن هر جمعیتی اطلاق می‌شود.

Central American Common Market (CACM)

بازار مشترک آمریکای مرکزی

اتحادیه‌ای است اقتصادی مرکب از کشورهای السالوادور، کاستاریکا، گواتمالا، نیکاراگوئه و هندوراس که در سال ۱۹۶۰ تشکیل شد. این اتحادیه در دهه ۱۹۸۰ به علت حوادث نیکاراگوئه و السالوادور تضعیف گردید.

Central Committee

کمیته مرکزی

در احزاب، یک ارگان دائمی و انتخابی است که در فاصله دو کنگره، عالی‌ترین مقام حزبی است و فعالیت‌های سیاسی و سازمانی حزب را اداره می‌کند و در مقابل کنگره حزبی مسئول و پاسخگو است. در رأس کمیته مرکزی، دبیرکل حزب قرار دارد.

Central Government

حکومت مرکزی

اصطلاحی که معمولاً در کشورهای فدراتیو یا نظایر آن، به حکومت مستقر در پایتخت که اداره امور دفاعی و سیاست خارجی را نیز به عهده دارد، اطلاق می‌شود.

Centralism

مرکزگرایی؛ مرکزیت؛ سانترالیسم

تحت تبعیت قرار دادن قدرتهای محلی و منطقه‌ای از طریق یک قدرت مرکزی که برتر از قدرتهای دیگر است. سانترالیسم، نوعی نظام سیاسی، اداری و اقتصادی است که به موجب آن، کلیه واحدهای یک کشور یا سازمان از جانب یک مرکز، نظارت و اداره می‌شوند.

Centralization

تمرکز

حالت هدایت کلیه امور کشور از یک مرکز واحد که معمولاً در پایتخت کشور قرار دارد. در این حالت، قدرت و اختیار اداره و اجرای امور نیز کلاً در سازمانهای مرکزی جمع شده است.

Central-Local Relations

روابط مرکزی - محلی

چگونگی تنظیم و کنترل سیاست دولت در پیرامون، یعنی خارج از ساختارهای وزارتی مرکزی در پایتخت کشور، و نیز میزانی که شهروندان محلی یا نخبگان محلی مجاز به مدیریت و ارائه خدمات عمومی در مناطق خود هستند.

گروه، حزب و یا جنبشی را سرپرستی می‌کند. کادیلو و اصول مربوط به آن یا کادی لیسوم ریشه در نظامهای فتوئالی اسپانیا و پرتغال دارد.

Cease-Fire

آتش‌بس

خودداری از تیراندازی و توقف موقتی عملیات خصمانه و جنگی برای ترتیب دادن صلح یا انجام امور دیگر. به‌طور کلی، مرحله آتش‌بس دارای این مشخصات است: ۱- صدور دستور آتش‌بس توسط طرفین به کلیه نیروهای تحت فرمان خود. ۲- طرفین می‌توانند مواضع دفاعی خود را در پشت خطوط آتش‌بس تنظیم کنند، ولی استقرار نیروها یا تجهیزات جدید ممنوع است. ۳- طرفین برای جلوگیری از برخورد نیروها با هم تماس می‌گیرند و درباره تغییرات کوچک محلی صحبت می‌کنند. ۴- تعیین خطوط موقت جدائی نیروها و احتمالاً منظور کردن یک منطقه غیرنظامی. ۵- ناظران نظامی که در مقابل شورای امنیت سازمان ملل متحد مسئول هستند بر اجرای آتش‌بس نظارت می‌کنند.

Censor

سانسورچی

مفتش یا مأمور سانسور یا بازبینی مطالب قبل از انتشار. در ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار، تفتیش و سانسور در سطح وسیعی برقرار شد. در تاریخ مطبوعات نیز تا پایان سال ۱۳۵۶ سانسور برقرار بود. اولین سانسورچی مطبوعات ایران فردی انگلیسی به نام ادوارد برجیس بود. مشهورترین سانسورچی تا دهه ۱۳۴۰ نیز یک کارمند شهربانی به نام محرر معلی خان بود که تقریباً ۳۰ سال کار بازبینی مطبوعات را به عهده داشت.

Censorship

سانسور

۱- سیاست تحدید وسایل بیان افکار و عقاید و تصورات و محرکهایی که یا واقعاً یا فرضاً برای قدرت حاکمه یا نظم اجتماعی و اخلاقی که قدرت از آنها حمایت می‌کند، مضر است. سانسور از این لحاظ که مانع نشر و اشاعه واقعیات می‌شود و تصویر غلطی از حقیقت قضا یا به‌دست می‌دهد، یکی از تدابیر تبلیغ یا آوازه‌گری است. ۲- جلوگیری از بیان و نشر هر عقیده و اثری که از نظر نظام سیاسی یا اخلاقی مورد پشتیبانی قدرت حاکم، خطرناک تلقی شود. ۳- تفتیش و بازرسی قبل از انتشار کتابها، مطبوعات، نمایشنامه‌ها، مواد سمعی و بصری و نظایر اینها و نیز تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص یا تفتیش نطق و بیان پیش از ایراد آنها برای حصول اطمینان از اینکه مندرجات آنها مضر به اخلاق عمومی یا منافع دولت یا دستگاه حاکمه نیست. در امور پارلمانی عبارت است از تنبیه نمایندگان با سلب حق نطق و اخراج از یک یا چند جلسه. ۴- فعالیت یک مرجع (معمولاً دولتی) در جهت تلاش برای کنترل، تحدید، یا توقیف انتشارات، اطلاعات، اعتقادات و مباحثات. این فعالیت را به‌خاطر اینکه در جهت حفاظت خیر و مصلحت مردم در برابر بی‌ثباتی یا براندازی صورت می‌گیرد، توجیه می‌کنند. خودسانسوری نیز وجود دارد و آن قرار قبلی ناشران برای جلوگیری از نشر برخی از مسائل مغایر با مصالح جامعه و هیأت حاکمه است. به‌طور کلی، برقراری سانسور شدید، نشانه ترس و وحشت حکومت از ابراز عقاید مخالفان است. به‌نظر حمید مولانا: "درجهان آینده، سانسور مستقیم و غیرمستقیم جای خود را به تولید و انتشارات اطلاعات و اخبار و

تزکیه

Catharsis

منزه کردن جان از عیبها و آلودگیهای اخلاقی یا پالایش و رهائی روح و روان انسان از عواطف و احساسات آزاردهنده.

کاتولیک

Catholic

یکی از فرقه‌های مهم مسیحیت که پاپ را پیشوای دین خود دانند. کاتولیک از کلمه لاتین و یونانی کاتولیکوس مشتق شده و به معنی عام و جامع است. تا اواسط قرن دوم میلادی کلیسای کاتولیک مؤسسه‌ای یگانه و متشکل بود و سپس در آن دو امر به وقوع پیوست. نخست، یک سیستم مبادی دینی که آن را ارتودوکس یعنی کامل و صحیح گفتند و دوم، یک سلسله سازمان کشیشی و رهبران دینی که عقاید ایشان بر قاعده رسالت و جامعیت و وحدت و قدوسیت کلیسا استوار بود. کلیسای روم از جهت ایمان و قدوسیت و غیرتش در سراسر دنیای مسیحیت شهرت داشت. اسقف اعظم آن شهر به پاپ ملقب گردید که از کلمه پاپا (پدر) مشتق شده است. پاپها به تدریج متمایل به تسلط بر کل کلیساهای مسیح گردیدند ولی در مشرق، بویژه اسقفهای (یا پطریارکها، به معنی پدر و مؤسس یک نژاد) قسطنطنیه و انطاکیه و اسقفهای کلیسای ایران با قدرت عمومی پاپ مخالفت کردند و سرانجام در سال ۱۰۵۴ میلادی، انشقاق کلیسا به شرقی و غربی رخ داد. یکی کلیسای ارتودوکس شرقی است که بویژه در یونان و کشورهای بالکان نافذ است و دیگر، کلیسای کاتولیک روم که بیشتر در اروپا و آمریکا نفوذ دارد.

حزب کاتولیک

Catholic Party

حزبی که هدف آن، پیشبرد برنامه‌ها یا سیاستهای کلیسای کاتولیک رومی است و معمولاً مهمترین طرفداران خود را از بین قشرهای فقیر و دیندار به دست می‌آورد. حزب کاتولیک در ارتباط با مسائل اقتصادی، گرایش چپ معتدل دارد.

نظریه گربه

Cat Theory

نظریه دنگ شیائوپینگ (۱۹۹۷-۱۹۰۴) نخست وزیر چین برای تأکید بر مصلحت‌گرایی یا عمل‌گرایی. او می‌گوید فرق نمی‌کند گربه چه رنگ باشد، گربه خوب، گربه‌ای است که بتواند موش بگیرد. وی طرفدار سوسیالیسم با خصوصیت‌های چینی، نگرش به غرب برای تحصیل تکنولوژی، سیاست درهای باز و اصلاحات اقتصادی با کنترل سیاسی و رهایی از جزمهای ایدئولوژیک است.

جلسه حزبی

Caucus

جلسه سری رهبران حزب برای توافق در خصوص کاندیداها یا ترتیب دادن قول و قرارهای دیگر حزبی.

کادیلو؛ کادی یو؛ فرمانروا

Caudillo

فرمانروا، رهبر یا رئیس (نظامی). این واژه اسپانیایی که در سال ۱۹۳۹ در مورد فرانکو به کار رفت، در ارتباط با برخی از رهبران دیکتاتوربهای نظامی آمریکای لاتین نیز به کار رفته است و اصولاً در زبان اسپانیولی اشاره به کسی است که فرمان می‌راند، ملتی را در جنگ هدایت می‌نماید و

فساد، هرزگی، حمام خونهای سیاسی. کوبای امروز، تنها کشوری در نیمکره غربی است که از بیکاری، بیسوادی، فقر، فحشا، قمار و تبعیض نژادی در آن خبری نیست، کشوری دارای بالاترین شاخص تکامل در بهداشت عمومی، آموزش و پرورش، فرهنگ و ورزش در تمام قاره آمریکا. ما خود طراح توسعه و تکامل خود هستیم و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مردم ما فقط به ما بستگی دارد. مشکلات ما هم همان مشکلات عینی هر کشور در حال توسعه دیگر جهان است. اما ما توانائی آن را داریم که آینده خود را به نحو دلخواه، شکل دهیم، حتی اگر چنین آینده‌ای ساده و بی‌زرق و برق باشد، اما بی‌تردید، سرشار از آزادی و شرف خواهد بود. "اتحادیه اروپا در ژوئن سال ۲۰۰۳ با دعوت از مخالفان حکومت کوبا در مراسم روز ملی کوبا، خشم فیدل کاسترو را برانگیخت. کاسترو گفت که اتحادیه اروپا برای سرکوب ملت کوبا، دست به دست آمریکا داده است. وی از کشورهای اروپایی به علت غارت ثروتهای مستعمرات و برجای گذاشتن میراث شوم فقر و عقب‌ماندگی انتقاد کرد و گفت آنها باید به کشورهای آفریقایی به علت آسیبها و خساراتی که طی قرنهای متمادی از راه برده‌داری و استعمار وارد کرده‌اند، غرامت بپردازند. کاسترو همچنین گفت: نه اروپا و نه آمریکا حق ندارند برای آینده بشریت، تعیین تکلیف کنند.

Casus Belli (Cause of War)

علت جنگ

مفهوم این واژه لاتین در حقوق بین‌الملل عبارت است از وضعیتی - مثل حمله مسلحانه - که به وسیله یک دولت برای توجیه اقدام به جنگ مطرح می‌شود. مطابق منشور ملل متحد، تنها مورد به رسمیت شناخته شده علت جنگ، دفاع مشروع است. برای نابودی جنگ، سرکوبی استثمار داخلی و استعمار خارجی و استقرار حکومت‌های ملی و برقرار مناسبات متنوع انسانی بین ملتها و خلع سلاح عمومی ضرورت دارد.

Casus Foederis

علت پیمان

۱ - سبب انعقاد پیمان یا مورد و واقعه‌ای که مشمول مقررات پیمان است. ۲ - عمل یا واقعه‌ای که سبب می‌شود عهدنامه‌ای اجرا گردد و یکی از متعاهدین از دیگری تقاضای کمک کند.

Catalytic War

جنگ واسطه‌ای

جنگ بین دو دولت که دولت ثالثی ماهرانه و بنابر منافع یا مقاصد خاصی - مثل به تحلیل بردن یک طرف و یا هر دو طرف - آن را به وجود آورده باشد.

Catastrophic Change

دگرگونی فاجعه آمیز

تغییراتی که به صورت سریع و ناگهانی رخ می‌دهد و سپس، موجب عدم ثبات، بی‌قانونی، بی‌سازمانی و برهم خوردن توازن در جامعه می‌شود.

Catch-All Party

حزب فراگیر

حزبی که شالوده مشخص و روشنی را از جهت ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی مردمی که به او رأی می‌دهند، در نظر نگرفته باشد و به‌طور کلی، خود را دربرگیرنده همه طبقات ملت برای تشکیل یک حکومت نیرومند بداند؛ مثل احزاب گلیست فرانسه (پس از جنگ جهانی دوم).

دریای خزر در ماه بهمن سال ۱۳۷۰ در حاشیه اجلاس سران سازمان همکاری اقتصادی (اگو) در تهران و به منظور گسترش همکاریهای اقتصادی بین کشورهای منطقه و نحوه استفاده مشترک از امکانات دریای خزر برگزار شد. کشورهای حوزه دریای خزر با دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز منطقه می‌توانند به صورت یک اوپک کوچک درآیند.

Caste

کاست؛ طبقه منفصل؛ طبقه بسته

۱- این واژه یا برای اشاره به هر گروه اجتماعی با حقوق انحصاری به کار می‌رود و یا برای نشان دادن محدودیت موجود در گروههای بسته یا گروههای قومی و حرفه‌ای. ۲- واژه کاست بویژه در مورد نظام سنتی قشریندی اجتماعی در هند به کار می‌رود. ولی در ارتباط با همین واژه، باید به دو مفهوم اشاره کرد: طبقه یارنگ (وارنا) و کاست یا تولد (جاتی). چهار طبقه جامعه هند عبارتند از: کاهنهای برهمن، حکمران - جنگنده‌های شاتریا، بازرگانان و کشاورزان و ایسا، خدمتکاران سودرا. افراد سه طبقه بالا به‌هنگام بلوغ، طی شرکت در مراسمی، وارد دوره جدیدی از زندگی می‌شوند و به "دیگر بار تولد یافته" مشهورند. در قرن شانزدهم هنگامی که پرتغالیها وارد هند شدند، کلمه کاستای (Casta) خود را برای هر گروه فامیلی و قبیله‌ای به کار بردند. کاستها به حدود سه هزار می‌رسند که زمانی از بین رفته و گاهی نیز دوباره به وجود آمده‌اند، در حالی که چهار طبقه اصلی همیشه برقرار بوده‌اند. نجسها خارج از این نظام هستند و ممنوعیت زیادی را متحمل می‌شوند. مهاتما گاندی سعی به حمایت و رفع ممانعت از آنها کرد و آنها را "عزیزان خدا" نامید.

Castroism

کاستروایسم

واژه کاستروایسم یا فیدلیسمو، برای اشاره به ایدئولوژی و رویه فیدل کاسترو رهبر کوبا به کار رفته است که در سال ۱۹۵۹ با شکست دادن دیکتاتوری باتیستا، انقلاب کوبا را به پیروزی رساند. وی در سال ۱۹۶۱ در یک سخنرانی خود را مارکسیست - لنینیست نامید. کاستروایسم بیانگر این رویه است که پشاهندگان انقلابی به جای نشستن در انتظار ایجاد شرایط عینی یا "وضع انقلابی" و شرایط ذهنی یا سازمان متشکل انقلابی، باید این شرایط را با شروع عملیات چریکی (از مناطق حساس روستایی و کوهستانی) ایجاد نمایند. کوبا بیش از چهار سال است که توسط دولت آمریکا مورد تحریم اقتصادی قرار گرفته است. کاسترو در ۲۶ ژوئیه سال ۱۹۷۸ ضمن نطقی به مناسبت سالجشن انقلاب کوبا از جمله گفت: "در تمام این سالها، مجموعه‌ای از دسیسه‌ها و عملیات خرابکاری، براندازی و تجاوز، بدون وقفه ادامه داشته است. هیچ شیوه و روش هر چند غیرقانونی و ناجوانمردانه‌ای وجود ندارد که آمریکا علیه کشور ما به کار نبرده باشد. چرا امپریالیستها به این کارها دست می‌زنند؟ آنها حافظ چه کسانی بودند و چه چیزی را در کشور ما می‌خواستند پاسداری کنند؟ پاسخ این است: پاسداری از تسلط سرمایه بیگانه بر منابع طبیعی ما، ثروت ما و ثمره خلق ما، پاسداری از حکومتهای فاسد و خونخوار و خدمتگزار منافع امپریالیستها، پاسداری از نظم دهقانان بدون زمین، کارگران استثمار شده، مردم بیسواد و بی‌امید، کودکان محروم از پزشکی و معلم، مردم بیمار محروم از مراقبتهای پزشکی، پدران محروم از کار، صدها هزار تن از مادرانی که اغلب چاره‌ای جز فحشاء نداشتند، تبعیض نژادی، نابرابری زنان و فقر زندگی مردم در ایام پیری، قمارخانه‌ها،

Cartel**کارتل؛ قرارداد نظامی**

۱- شکلی است از اتحادیه سرمایه‌داری انحصاری برای محدود کردن یا امحای رقابت در یک رشته تولیدی که به وسیله آن، کمپانیهای عضو کارتل، مقدار تولید و کنترل قیمتها و شرایط فروش را در انحصار خود می‌گیرند، بازار فروش را بین خود قسمت می‌کنند و سیاستهای اقتصادی خود را پیش می‌برند. ۲- قرارداد موقتی ترک مخاصمه یا توافق نظامی بین متخاصمان برای مقاصدی مثل مبادله اسیران، درمان مجروحان، به کار بردن پرچم ترک مخاصمه و روشهای ارتباط با یکدیگر.

Carter Doctrine**دکترین کارتو**

پیشنهادهای پرزیدنت جیمز کارتر درباره استراتژی ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس که در سال ۱۹۸۰ ارائه شد: ۱- هرگونه کوششی که به منظور تسلط بر منطقه خلیج فارس از سوی هر کشور خارجی انجام گیرد، به مثابه حمله به منافع حیاتی ایالات متحده به حساب می‌آید و با همه وسایل از جمله وسایل نظامی به مقابله با آن اقدام می‌شود. ۲- تقویت مقاومت‌های ضد شوروی (سابق) در منطقه و کشورهای کلیدی چون پاکستان و ایران و همچنین همکاری با چین برای بهبود امنیت پاکستان. ۳- افزایش توانایی آمریکا برای پاسخ نظامی سریع در صورت حمله شوروی (سابق). ۴- زنده نگاهداشتن مسأله افغانستان در راه حفظ مقاومت و در همان حال، کوشش برای جلب تمایل شوروی (سابق) به اعاده بیطرفی افغانستان. ۵- شرکت دادن هند در فعالیتهای دیپلماتیک برای حل مشکل افغانستان و ایجاد شرایطی که منتهی به کاهش تنش بین پاکستان و هند شود. ۶- کمک به افزایش آگاهیهای سیاسی بین مسلمانان شوروی (سابق) که یک عامل بازدارنده شوروی (سابق) برای جلب ملت‌های مسلمان است.

Carthaginian Peace**صلح قرطاجنی؛ صلح کارتاژی**

صلحی که به موجب آن، طرف مغلوب و شکست‌خورده، در نتیجه شرایط سنگین و سخت طرف غالب و پیروز، در واقع نابود می‌شود، چنانکه قرطاجنه یا کارتاژ (تقریباً در محل تونس کنونی) در سال ۱۴۶ پیش از میلاد، توسط رومیان نابود شد.

Cartographical Aggression**تجاوز نقشه‌ای**

این واژه در سالهای اول دهه ۱۹۵۰ توسط مقامات هندی به کار رفت. در این سالها، ظاهراً چین نقشه‌هایی به چاپ می‌رسانید که در آنها یکی از مناطق مورد ادعای دو کشور، به عنوان قسمتی از سرزمین چین ترسیم شده بود.

Caspian Littoral States Cooperation Organization**سازمان همکاری کشورهای ساحلی (حوزه) دریای خزر**

سازمانی مرکب از کشورهای ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان که هدف آن: همکاری در زمینه تشکیل بازار مشترک منطقه‌ای، ایجاد مناطق آزاد تجاری و تسهیلات گمرکی، تحقیقات مشترک دریایی و زیست محیطی، بررسی و کنترل تغییرات فیزیکی دریای خزر از جمله نوسانات سطح آب و نیز همکاریهای سیاسی و فرهنگی است. اولین اجلاس کشورهای حوزه

در نظر گرفته شود و به عنوان اساس افزایش حقوق و پاداش قرار گیرد.

Careerism

مقام پرستی؛ مقام جوئی

خصوصیت منفی اخلاقی مربوط به رفتار و سرشت کسی که تمام فعالیتهای اجتماعی خود را در جهت بالا بردن مقام معطوف می‌دارد و آماده است هر گونه درخواستی را اجابت نماید، به شرط اینکه موقعیت شخصی‌اش بالا برود. مقام پرستی حالتی از خودخواهی است، بدین صورت که شخص مقام پرست Careerist ریاکارانه وانمود می‌کند خدماتش را ایثارگرانه در راه صلاح و خیر همگان انجام می‌دهد. مقام پرست، پایبند هیچ اصلی نیست و به آسانی خود را با هر وضعیتی منطبق می‌سازد، در صورت لزوم تغییر عقیده می‌دهد، فاقد حس مسئولیت و نسبت به مردم و آرمان مشترک بی‌اعتنا است.

Caretaker Government

حکومت موقت؛ دولت موقت

این واژه در مورد کابینه انگلستان در فاصله انحلال کابینه زمان جنگ چرچیل در ۲۳ مه ۱۹۴۵ و انتخابات ۵ ژوئیه ۱۹۴۵ به کار رفته است. در این فاصله، چرچیل به عنوان نخست‌وزیر انجام وظیفه می‌کرد، اما کسی از حزب کارگر در کابینه حضور نداشت.

Caribbean Community

جامعه کارائیب

گروه اقتصادی منطقه‌ای که با عهدنامه ۱۹۷۲ چاگواراماس (ترینیداد و توباگو) تأسیس شد. این عهدنامه همچنین بازار مشترکی بین کشورهای عضو پدید آورده و راههای ادغام اقتصادی کشورهای منطقه را مشخص نموده است. آنتیگوا، باربادا، باهاماس، بلیز، ترینیداد و توباگو، جامائیکا، گرانادا، مونتسرات، گویان و سانتالوسیا از جمله اعضای جامعه کشورهای کارائیب هستند.

Carpetbagger

کاندیدای ابن الوقت؛ کاندیدای غیر محلی

کسی که به نقطه‌ای دیگر از کشور می‌رود و کوشش می‌کند به جای یک نامزد محلی انتخاب شود.

Carpetbaggers Government

حکومت کیسه گشادان؛ حکومت فرصت طلبان؛ حکومت سیاستمداران غیر محلی

کنایه از حکومت فاسدی که کیسه گشاد یا خورجینی برای غارت بیت‌العمال دوخته است. مسافران خورجین دار، اصطلاحی بود تحقیر آمیز (معادل ابن الوقت و پست و شیاد) برای شمالیهایی که پس از جنگ داخلی آمریکا و شکست جنوب، تمام دارائی خویش را در خورجینی می‌گذاشتند و برای بهره‌برداری از موقعیت، به دست آوردن امتیازهای سیاسی و اقتصادی (به هر قیمت که شده) و بویژه از طریق آلت دست قرارداد دادن و فریفتن سیاهان، به جنوب آمریکا هجوم می‌آوردند.

Carte Blanche

کارت سفید؛ تفویض اختیار تام

واژه فرانسوی به معنی کاغذ سفید یا سندی که متن آن از روی قصد، خالی گذاشته شده، اما امضا شده است و حامل آن می‌تواند به میل خود، آن را پر کند. کارت سفید به کسی دادن، کنایه از اختیار تام و تمام دادن به او است.

جانشین نظام اقتصادی متکی به رفاه عمومی در اروپا و آمریکا شده است. عده‌ای نیز، وجه تمایز حکومت‌های اروپایی و آمریکای شمالی در بخش اعظم تاریخ معاصر و علت تفاوت آنها را از کشورهای دیگر دنیا، نه دموکراسی و همه پرسی و انتخابات آزاد، بلکه لیبرالیسم قانونمند و نظام قضائی منصفانه دانسته‌اند.

Capitulation

قرارداد تسلیم پایگاه

در حقوق بین‌الملل به موافقتنامه نظامی اطلاق می‌شود که به مقاومت قوای محصور در قلعه و پناهگاه و میدان نبرد پایان می‌دهد. تسلیم پایگاه یا تسلیم نظامی، یکی از روش‌ها و تکنیک‌های پایان جنگ است که براساس آن، قوا و استحکامات نظامی، کشتیها و شهرها پس از تنظیم قرارداد، تسلیم حریف می‌گردد.

Capitulationism

تسلیم طلبی

تمایل به انحراف به راست (در احزاب کمونیست) از خط مشی یا عقیده‌ای که رسماً به تصویب رسیده است.

Capitulations

کاپیتولاسیون؛ امتیازات ویژه بیگانگان؛ امتیازات برونمرزی؛ حق قضاوت کنسولی

وضع ناشی از قراردادهایی که دولت‌های قدرتمند و استعمارگر، بویژه در قرن نوزدهم میلادی به دولت‌های ضعیف تحمیل می‌کردند. به موجب قراردادهای مزبور، اتباع دولت‌های استعمارگر بعد از ورود به قلمروی دولت ضعیف، تحت حاکمیت محاکم دولت‌های متبوع خود باقی می‌ماندند و محاکم دولت ضعیف، حق محاکمه آنها را نداشتند. این گونه قراردادهای معمولاً دولت‌های اروپایی به دولت‌های آفریقایی و آسیایی تحمیل می‌کردند، به این بهانه که محاکم و سازمان‌های دولت‌های آفریقایی و آسیایی از اجرای عدالت و دفاع از حقوق اتباع آنها عاجزند. یا قراردادهایی است که براساس آن، اتباع یک دولت در قلمرو دولت دیگر از لحاظ امور حقوقی و جزایی تابع قوانین کشور خود می‌باشند و آن قوانین را کنسول آن دولت در محل به‌مورد اجرا می‌گذارد.

Captain

کاپیتان؛ سردهسته

در آمریکا، کمیته‌های حزبی را کاپیتانها تشکیل می‌دهند که افرادی متخصص در امر جلب آرای مردم هستند و ممکن است اساساً نه عضو حزب و نه در شمار کارمندان آن باشند. کاپیتانها افراد صاحب نفوذ و عوامفریبی هستند که می‌توانند برافکار و آرای مردم مناطق مختلف و جلب نظر آنها به کاندیداها اثر بگذارند و آرای انتخاب‌کنندگان را برای کاندیداها مور دنظر خود تحصیل نمایند، و معمولاً در ازای فعالیت‌های خود مزایا و امتیازات مادی و معنوی از کاندیداها و احزاب دریافت می‌کنند یا بعد از پیروزی کاندیداها، استفاده‌هایی از مقام و موقعیت آنها می‌برند. کاپیتانها بر حسب اقتضای منافع و مقاصد خود، در هر دوره، فعالیت انتخاباتی یک حزب را بر عهده می‌گیرند و تقریباً مانند یک دلال، خود را در اختیار احزاب قرار می‌دهند و کمیته انتخاباتی حزب معینی را آنهم فقط در همان فصل انتخابات رهبری می‌کنند.

Career

کاریر؛ حرفه؛ کارراهه؛ شغل ثابت

نقش‌های شغلی به‌هم پیوسته که شخص در طول زندگی فعال خود بر عهده می‌گیرد و شامل آن دسته از نقش‌های شغلی می‌گردد که جامعه به رسمیت بشناسد و پیشینه فعالیت شخص در آن زمینه‌ها

باشند و تمام امور و مسائل اداری و سیاسی کشور در آن حل و فصل شود. در برخی کشورها، همه امور سیاسی در یک شهر واحد انجام نمی‌شود و یک کشور در آن واحد دارای چند پایتخت است، مثل هلند که در آن، آمستردام محل سکونت پادشاه و لاهه مقر هیأت دولت است. مفهوم دیگر این واژه، سرمایه است. ۲- از نظر اقتصاد کلاسیک یعنی عامل تولید ثروت به کمک عوامل دیگر که عبارتند از: انسان، طبیعت و ابزار کار. از نظر اقتصاد سوسیالیستی یعنی حاصل ارزش اضافی و کار.

Capitalism

کاپیتالیسم؛ سرمایه‌داری؛ سرمایه‌سالاری

۱- نظام اقتصادی مبتنی بر مالکیت خصوصی وسایل و ابزار تولید و قبول آزادیهای فردی در فعالیت اقتصادی. به نظر نی. ک. هانت Hunt سرمایه‌داری دارای سه مشخصه اصلی است. الف: در سرمایه‌داری، روابط پولی فراگیر است و نیازمندیهای شخص به تولیدات اجتماعی، با پول و از بازار تأمین می‌شود. ب: در سرمایه‌داری چهار طبقه مشخص اجتماعی وجود دارد که عبارتند از: سرمایه‌داران، پیشه‌وران و صاحبان حرفه‌ها، کارگران، درمندگان و بیچارگان که از طریق امدادهای اجتماعی و صدقه و یا با دزدی و فحشا و یا هر کار دیگری که پیش‌آید زندگی می‌کنند. پ: در این نظام، انگیزه سودآوری مشخص می‌کند که چه کالایی چگونه، کجا، به وسیله چه کسی و برای چه کسی تولید می‌شود. ۲- نظام اقتصادی که در آن، زمین و کارخانه‌ها و وسایل تولید متعلق به تعداد معدودی از مالکان و سرمایه‌داران است. در مقابل، طبقه زحمتکش قرار دارد که تنها منبع درآمدش برای ادامه زندگی، نیروی کار او است که مثل یک کالا در بازار عرضه و تقاضا به معروض فروش گذاشته می‌شود. در این نظام، سرمایه‌داران نظارت کامل خود را بر وسایل تولید و توزیع کالا اعمال می‌کنند و تنها انگیزه آنها در چگونگی اداره تولید و توزیع و مبادله، کسب سود شخصی است. برای پیدایش سرمایه‌داری دو شرط اساسی لازم است: نخست، وجود افرادی که از آزادی شخصی برخوردارند ولی وسایل تولید ندارند و دوم، تمرکز وسایل تولید و مقادیر زیادی پول در دست برخی از افراد. انباشته شدن ثروت کلان که در تشکیل کارگاههای تولیدی بزرگ لازم بود، بویژه از طریق نظام استعماری، یعنی غارت منابع طبیعی و به‌بردگی کشیدن مردم عقب مانده آمریکا، آسیا و آفریقا و اعمال شیوه‌های ستمگرانه استثمار حاصل گردید. سرمایه‌داری میلیونها کارگر را در کارخانه‌ها گرد هم می‌آورد، ولی از محصولات کار آنها تنها گروه معدودی ثروتمند بهره‌برداری می‌کنند. تضاد اصلی سرمایه‌داری در همین جا قرار دارد: تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شیوه خصوصی تصرف محصولات کار و تولید. مع‌هذا، در قرن بیستم حتی بریتانیا و ایالات متحده آمریکا (الگوهای کلاسیک سرمایه‌داری) نیز از الگوی کلاسیک اولیه سرمایه‌داری فاصله گرفتند. ولی استعمار سرمایه‌داری خود مانع رشد سرمایه‌داری کلاسیک در مستعمرات شده و در نتیجه، سرمایه‌داری صنعتی در آنها رشد نیافته است. لیپست، جامعه‌شناس آمریکایی عقیده دارد کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی که دارای نظام سرمایه‌داری هستند، کمابیش نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی را بیشتر رایج ساخته‌اند. به نظر عده‌ای از متفکران، اصل اساسی این نظام اقتصادی مسلط، یعنی رقابت شدید جهانی برای کسب سود در بازار آزاد، منطقی را پدید آورده که مبتنی بر حرص و آز، نابرابری و بی‌عدالتی و آلودگی است و اکثریت مردم دنیا را به سرنوشت غم‌انگیز و هولناکی محکوم کرده است. همچنین پس از فروپاشی شوروی، کاپیتالیسم مطلق،

همه عوامل محلی برای رسیدگی به دعوی خصوصی به کار برده نشده است، نباید به عنوان حفظ منافع اتباع خود در چنین اموری دخالت کنند.

Camp David Agreements

قراردادهای کمپ دیوید

پس از دیدار سادات از قدس در نوامبر ۱۹۷۷ و در نتیجه سرسختی مناخیم بگین، کارتر رئیس جمهوری آمریکا خواهان برگزاری یک گردهمایی در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ در کمپ دیوید (نزدیک واشنگتن دی سی) گردید. قراردادهای امضا شده در کمپ دیوید از دو سند تشکیل می شود: ۱- قرارداد صلح میان مصر و اسرائیل. اسرائیل از تمام صحرای سینا عقب نشینی می کند و این منطقه پس از تخلیه کوچ نشینهای اسرائیلی، به یک منطقه تهی از سلاح تبدیل خواهد شد. در مقابل، ایالات متحده آمریکا مبلغی به میزان چهار هزار میلیون دلار برای اسکان دوباره کوچ نشینان پرداخت خواهد کرد. ۲- دومین سند، چهارچوبی برای مشخص کردن آینده کرانه باختری و غزه است و اشاره ای به تفکیک آبادی نشینهای یهودی در کرانه باختری و غزه نشده است. هیچ اشاره ای به حق تعیین سرنوشت فلسطینی ها و سرنوشت فلسطینی های بیرون از کرانه باختری و غزه و مناطقی که نیروهای نظامی صهیونیستها از آن عقب نشینی خواهند کرد، نشده است. همچنین از شهر قدس، ذکری به میان نیامده است. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی در امور ذیل حق و تورا برای خود حفظ کرده است: ۱- چه کسانی از فلسطینی ها در گفتگوها شرکت خواهند کرد. ۲- ماهیت گفتگوهای خودمختاری ۳- به کدامیک از آوارگان اجازه بازگشت داده شود. ۴- امنیت اسرائیل در تمام تحرکها و مصوبه های فلسطینی ها باید در نظر گرفته شود. ۵- برپایی کشور فلسطینی.

Canalization

رهیابی؛ کانالیزه کردن؛ جهت دادن

هدایت در خواستها یا پیامها در مسیر خاص.

Candidate

کاندید؛ نامزد

کسی که برای نمایندگی مردم در پارلمان یا شغل و مقام دیگر داوطلب شده باشد.

Cannon Shot Rule

قاعده تیررس توپ

اصلی که در قرن هیجدهم، غالب کشورهای اروپایی حدود آبهای سرزمینی یا ساحلی خود را از روی آن تعیین می کردند و بینکر شوک حقوقدان هلندی آن را به صورت یک قاعده برای تعیین آبهای سرزمینی معرفی کرد که به موجب آن، کشورها حد آبهای سرزمینی خود را فاصله تیررس یا برد توپها قرار دادند.

Canvass

جمع آوری آراء

گردآوری آراء از طریق گردش در شهرهای مختلف حوزه انتخابیه و توسل به افراد برای جلب حمایت.

Capital

پایتخت؛ سرمایه

۱- مرکز حکومت هر کشور که در آن شاه یا رئیس جمهوری و یا هیأت حاکمه اقامت داشته

نماینده خدا در زمین است و بدین جهت، باید بر امور مملکت نظارت کند.

خلافت

Caliphate (Khalifate)

خلافت، جانشینی پیامبر (ص) است از لحاظ ادامه بعضی وظایف وی. وظایفی که برعهده پیامبر بوده، عبارتند از: دریافت و ابلاغ وحی، رهبری مرامی و سیاسی و جهادی، قضاء و اداره. بعضی از این اقدامات لازم است پس از رحلت پیامبر ادامه پیدا کند و ادامه برخی نیز ضرورت ندارد. آنچه ادامه‌دهندگی بر متصدی آن اطلاق شده است. آنچه ضرورت ندارد، از عهده خلیفه ساقط است. فرود آمدن کامل الهامات و کامل شدن دین، جامعه را از یک مرام و آیین جامع و یک قانون اساسی مدون بهره‌مند ساخت. با قطع نزول وحی، ابلاغ آن به پایان رسید و از عهده خلیفه خارج گشت، در صورتی که دو وظیفه رهبری مرامی و حکومت همچنان به ضرورت خود باقی ماند و ادای آن بر دوش خلیفه نهاده شد. همین دو وظیفه است که از آنها با واژه‌های خلافت، امامت و ولایت یاد می‌شود. خلیفه یا جانشین پیامبر، به صفت امام و رهبر مرامی باید مسلمانان را در اعتقاد به جهان بینی الهی و پیروی عملی از پیامبر به بهترین وجه هدایت کند و اصول اعتقادی و اخلاقی را به ایشان بیاموزد.

مذهب کالونی

Calvinism

یکی از سه شاخه اصلی آیین پروتستان (مذهب لوتری و مذهب زوینگلیانی) که از نام ژان کالون (۱۵۶۴-۱۵۰۹) پروتستان فرانسوی در دوره نهضت اصلاح دینی گرفته شده است. وی برائت را فقط به وسیله ایمان میسر می‌دانست و اعتقاد داشت که کتاب مقدس، یگانه منبع قانون الهی است. در مذهب کالونی درباره هر انسانی از پیش مقدر شده است که رستگار و یا نارسنگار است و او هر کاری بکند قادر نیست این وضع را تغییر دهد. کالون مخالفان خود را سخت تعقیب می‌کرد و لکه سوزاندن میکائیل سروتوس (۱۵۵۳-۱۵۱۱) عالم الهیات و طبیب اسپانیایی که به علت عقاید خاصش در مورد تثلیث، هم اصلاح طلبان و هم کلیسای کاتولیک او را طرد کردند، بر دامان او است.

شرط کالوو

Calvo Clause

در بعضی قراردادها و موافقتنامه‌های امتیازی که بین کشورهای آمریکای لاتین و اتباع خارجی به امضا می‌رسد، شرطی گنجانده می‌شود که براساس آن، امتیازگیرندگان انصراف خویش را از حمایت دیپلماتیک دولت‌های متبوع، در صورت ایجاد اختلاف اعلام می‌کنند. این شرط به نام کارلوس کالوو (۱۹۰۶-۱۸۲۴)، حقوقدان و سیاستمدار آرژانتینی است.

دکترین کالوو

Calvo Doctrine

دکترین کارلوس کالوو، حقوقدان آرژانتینی که در سال ۱۸۶۸ اعلام شد. کالوو اعتقاد داشت که دخالت‌های مسلحانه یا دخالت‌های دیپلماتیک به منظور وصول مطالبات و یا جبران خسارت‌های وارده به اتباع دولت‌های خارجی در جریان جنگ داخلی، شورش و طغیان، کاملاً غیرقانونی است و استقلال و حاکمیت دولت‌ها هرگز نباید دستخوش این گونه دخالت‌ها واقع شود. به بیان دیگر، دولت‌ها قبل از آنکه

در انگلستان، وزیران به‌طور جمع مسئول تصمیمات کابینه‌اند. حکومت کابینه‌ای، نقطه مقابل حکومت ریاست جمهوری یا رئیس‌جمهور سالاری است.

Cabinet Reshuffle

ترمیم کابینه

ترمیم و تغییر بعضی از وزیران به‌دلیل عدم تجانس یا اختلاف سلیقه یا مخالفت قوه مقننه، و انتصاب عده‌ای دیگر به‌جای آنها.

Cabotage (Coastal Trade)

کابوتاژ؛ حمل و نقل ساحلی

واژه فرانسوی به‌معنی کشتیرانی تجارتي (یا کشتیرانی ساحلی) در بین بنادر و طول سواحل یک کشور. کشور ساحلی می‌تواند حق کابوتاژ، یعنی حمل کالا و مسافر بین بنادر و سواحل خود و نیز ماهیگیری در دریای سرزمینی را به‌اتباع خود اختصاص دهد.

Cacique

رئیس؛ سردمدار

این واژه در آمریکای لاتین و در بین سرخپوستان به‌مفهوم رئیس قوم یا قبیله و گروه و نیز به‌معنی ارباب و سردسته به‌کار رفته است.

Cadre

کادر

واژه فرانسوی که دارای مفاهیم گوناگونی است، مثل: ۱- اعضای احزاب سیاسی که برای اجرای وظایف مهم در حزب و یا مؤسسات تحت نظارت حزب تربیت شده‌اند. ۲- آن دسته از اعضای حزب کمونیست که وظیفه آنها سازماندهی و آموزش سیاسی توده‌ها است. ۳- برگزیده‌ای از نیروهای نظامی قابل اعتماد که دارای بهترین آموزش رزمی هستند.

Caesarism

نظام قیصری؛ قیصر سالاری؛ سزارسم

این اصطلاح از نام قیصر یا سزار، امپراتور روم گرفته شده و برای توصیف نوع ویژه‌ای از حکومت مطلقه فردی یا دیکتاتوری به‌کار می‌رود که کنترل مؤثر نهاد نظامی را با تأیید مردمی قابل ملاحظه در هم می‌آمیزد تا یک موقعیت قدرت برتر را در کشور به‌وجود آورد. این گونه دیکتاتورها از طریق کودتای نظامی یا هجوم عامه به قدرت می‌رسند و اغلب، صورت ظاهری دموکراسی را با مراجعه به آرای مردم و مجلس بی‌اثر و پوشالی، حفظ می‌کنند.

Caesaristic Dictatorship

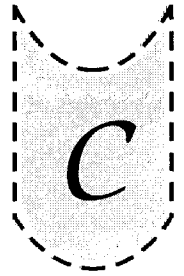
دیکتاتوری قیصر‌مانانه؛ دیکتاتوری قیصرانه

نوعی دیکتاتوری که از نام ژول سزار (قیصر) امپراتور روم گرفته شده و در آن اگرچه اعمال قدرت مانند دیکتاتوری ساده از طریق تسلط مطلق بر نیروی انتظامی و ارتش و دستگاه اداری و قضائی است، اما به‌علت اینکه توده‌های مردم، کم‌وبیش آگاهی سیاسی پیدا کرده‌اند، احتیاج به جلب حمایت و پشتیبانی آنها نیز دارد.

Caeseropapism

آیین قیصر پاپی

اعتقاد به اینکه امپراتور یا شاه به‌موجب حق الهی، فرمانروایی دارد و از این رو، نه فقط مملکت، بلکه کلیسا هم باید تحت نظارت وی باشد. در مقابل نظریه قیصر-پاپی، برخی معتقد بودند که پاپ



Cabal (Junto)

دسته بندی؛ توطنه

این واژه برای اشاره به گروه کوچکی از افراد به کار می‌رود که به منظور نیل به یک هدف سری (سیاسی)، اقدام به دسیسه و فتنه جویی می‌کنند.

Cabinet

کابینه؛ هیات دولت؛ هیات وزیران

۱- کمیته هدایت کننده دولت. ۲- گروهی از ریزنان رئیس یک کشور که معمولاً خود در رأس سازمانهای مهم دولتی مثل وزارتخانه‌ها قرار دارند. ماهیت کابینه در کشورهای مختلف، متفاوت است. در بریتانیا، اعضای کابینه را نخست‌وزیر انتخاب می‌کند که در برابر مجلس عوام مسئولیت دارند. در ایالات متحده آمریکا، اعضای کابینه توسط رئیس جمهوری انتخاب می‌شوند و فرد در مقابل وی مسئولیت دارند.

Cabinet Government

حکومت کابینه‌ای؛ حکومت وزرا

۱- نظام حکومتی که در آن، مقام ریاست امور تشریفاتی (مثل شاه یا رئیس جمهوری) از مقام واقعی ریاست قوه مجریه (کابینه) جداست و کابینه را رهبران حزب اکثریت و یا رهبران ائتلافی که اکثریت مجلس پایین تر را دارا هستند، تشکیل می‌دهند. لذا، در این نظام امکان ندارد کابینه در دست رهبران یک حزب یا ائتلاف باشد و دستگاه قانونگذاری در دست حزب دیگر. هنگامی که در این نظام، اختلافی بین کابینه و پارلمان پیش می‌آید، کابینه، پارلمان را منحل می‌سازد و بدون درنگ، موضوع را به رأی دهندگان محول می‌کند. نظام کابینه‌ای در انگلستان، کانادا و هند و برخی کشورهای دیگر اعمال می‌شود. ۲- حکومتی که در آن مسئولیت اداره کشور و قدرت اجرایی در دست کابینه یا گروه کوچکی از سیاستمداران ارشد وابسته به حزب سیاسی مسلط قرار دارد. کابینه، هسته مرکزی دولت و حکومت بوده و تصمیمات مهم اداره امور و سیاست دولت توسط آن اتخاذ می‌شود. تصمیمات کابینه به‌طور دسته‌جمعی اتخاذ می‌شود و هر وزیری مسئول تصمیمات کابینه است، حتی اگر در موقع اتخاذ تصمیم در جلسه حاضر نبوده باشد. در موردی هم که هر یک از وزیران، مخالف تصمیم کابینه باشند باید استعفا دهند و اگر استعفا نکنند، کابینه ناچار از استعفا می‌باشد، زیرا

به صلاحیت فنی خاص برای وضع بسیاری از آیین نامه‌ها ۳- کم‌اهمیت بودن بسیاری از آنها ۴- گاهی به علت ترس مخالفت از آرای عمومی، مجالس مقننه تعمداً از وضع بعضی مقررات به صورت قانون خودداری می‌کنند و ترجیح می‌دهند که این مقررات به صورت آیین نامه از طرف قوه مجریه تنظیم شود ۵- هدف آئین نامه معمولاً تنظیم امور و مسائل محلی است در حالی که قانون هدف ملی و کشوری دارد ۶- در مورد بعضی از مقررات، قبل از آنکه به صورت قطعی و قانونی درآید به صورت آزمایشی و در قالب آیین نامه عمل می‌شود تا اگر اشکالی نداشت به صورت قانون درآید.

شکست جبهه شر استفاده کند. این دیدگاه مذهبی موجب شده که در داخل گمان کنند آمریکا هدفهای امپریالیستی را دنبال نمی‌کند، بلکه در جهت تحقق مأموریت الهی عمل می‌کند. در هر صورت، این نگرش مذهبی باعث شده که بوش در تمام سخنرانیهای خود، چارچوبهای مذهبی را برای توجیه و تفسیر هدفهای خارجی خود مورد استفاده قرار دهد. به نظر فیلسوف معروف، یورگن هابرماس، دکترین بوش که به عنوان مبارزه و جنگ علیه ترور به اجرا درآمده است، در مقایسه با سیاستهای صریح سلطه‌طلبانه، دارای هیچ مزیتی نیست و نمی‌توان از آن، مشروع بودن پیروزی قدرت سلطه‌طلب را نتیجه گرفت. این گونه سیاستهای تأمین برتری و سیادت، خاص امپراتوریهای قدیم جهان بوده است.

Busybody

فضول

کسی که بی‌جهت در کار هرکس مداخله کند.

Butskellism

باتسکلیسم

این واژه، بیانگر سیاست حد وسط (محافظه‌کاری و سوسیالیسم) یا سعی در ایجاد زمینه‌ای مشترک بین طرفداران مالکیت خصوصی و طرفداران دولت رفاه عمومی (در انگلستان) است و از نام ریچارد آستن باتلر Butler (محافظه‌کار اصلاح‌طلب و میانه‌رو) و هاگ گیتسکل Hugh Gaitskell (سوسیالیست میانه‌رو) گرفته شده است.

Buy Back Contract

قرارداد بیع متقابل

قراردادی که در آن، شرکتهای سرمایه‌گذار خارجی نقش پیمانکار را انجام می‌دهند و تمام سرمایه موردنیاز عملیات به عهده آنها است. بازگشت سرمایه و سود آن از طریق دریافت یا فروش محصولات فراهم شده صورت می‌گیرد.

By-Election

انتخابات فرعی؛ انتخابات میان‌دوره‌ای

انتخاباتی که برای پرکردن جای خالی یک یا چند نماینده در خلال دوره مجلس انجام می‌شود.

Bylaw

آیین‌نامه

مقررات قانونی، ناشی از قدرتی غیر از مجالس مقننه یا مجموعه مقرراتی که یک مؤسسه عمومی یا خصوصی برای تنظیم امور مؤسسه خود تهیه و تدوین می‌کند. آیین‌نامه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: آیین‌نامه‌های سازمان‌دهنده که تشکیلات و وظایف را معین می‌کنند مثل آیین‌نامه‌های مؤسسات دولتی و احزاب و شرکتها و آموزشگاهها، آیین‌نامه‌ها و مقررات انتظامی که مربوط به همه مردم می‌شود و شامل موضوعهای بهداشتی و اجتماعی و حفظ‌نظم عمومی و ارضای حوایج عمومی است، آیین‌نامه‌های اجرای قانون که موضوع آن صورت قانونی دادن به‌اموری است که ترتیب آنها در خود قانون داده نشده است و یا بسط قواعدی است که در قانون مقررگردیده برای تکمیل یا تنظیم جزئیات اجرای آن. مجلس و کمیسیونهای مختلف آن می‌توانند آیین‌نامه‌های اجرایی قانون را تهیه و تصویب کنند. علت اینکه تمام آیین‌نامه‌ها را قوه مقننه وضع نمی‌کند به دلایل سیاسی و فنی است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- کثرت آیین‌نامه‌ها ۲- احتیاج

می‌خواهد بر نفوذ و اهمیت اداره خود بیفزاید.

Bureaucratic Bourgeoisie

بورژوازی اداری؛ بورژوازی بوروکراتیک

طبقه ممتاز کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق که اگر تنها نماینده بورژوازی یا نیروهای مدافع بورژوازی نباشد، نماینده عمده آن شمرده می‌شود. بورژوازی بوروکراتیک در این گونه کشورهای نواستقلال را معمولاً عناصر معینی از کارمندان دستگاه دولتی - بویژه آنهایی که در سطوح بالا و میانه قرار دارند - تشکیل می‌دهند که اختلاف سطح زندگی و تفاوت شیوه زندگی آنها با توده‌های مردم و حتی کارمندان دون پایه بسیار زیاد است. این قشر، از موقعیت خود برای انباشت ثروت شخصی استفاده می‌کند و به انواع زدوبندهای نامشروع دست می‌زند و سیاستی برخلاف جهت منافع ملی در پیش می‌گیرد و حتی بسیاری از آنها نیز در عین محافظه کاری، طرفدار استعمار هستند. در واقع، یکی از راههای ثروتمند شدن غیرقانونی بورژوازی اداری، معاملات مشکوکی است که با شرکتهای داخلی و خارجی به زیان منافع ملی و از صندوق دولت انجام می‌دهد.

Bureaucratic Personality

شخصیت بوروکراتیک؛ شخصیت مقرراتی

شخصیتی که در مقابل دگرگونیها مقاوم است، به مقام و منصب متکی است و اصولاً انسان را با مقامش می‌شناسد و رفتارش را براساس آن تنظیم می‌نماید و قوانین را عیناً و به صورت خشک رعایت می‌کند.

Bureaucratism

کاغذبازی؛ اداره‌بازی

۱ - رعایت تشریفات اداری به حد افراط یا نظام حکومتی که دارای قدرت دائمی است و به دگرگونیهای سیاسی و افکار عمومی توجهی ندارد. ۲ - شیوه اداره حکومت بر مردم از جانب کسانی که از مردم بدورند و تمایل به گسترش قدرت و عریض و طویل کردن دستگاه اداری به منظور افزایش کنترل بر جنبه‌های هر چه بیشتر زندگی اجتماعی.

Bureaucratization

دیوانی شدن (کردن)؛ اداری شدن (کردن)

روند شکل‌گیری و گسترش دیوانسالاری یا بوروکراسی در گروه، سازمان یا جنبش اجتماعی.

Bush Doctrine

دکترین بوش

بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا، کابینه جورج بوش (پسر) رئیس جمهوری آمریکا سندی را تحت عنوان استراتژی امنیت ملی ایالات متحده آمریکا برای تصویب به کنگره فرستاد. در این سند، سه اصل سیاست راهبردی آمریکا در جهان به شرح زیر بیان شد که به دکترین بوش معروف است: ۱ - حفظ و تأمین برتری نظامی آمریکا در جهان. ۲ - آمادگی کامل آمریکا برای حمله نظامی پیشگیرانه علیه هر کشور و نیروی در جهان که برای امنیت و منافع ملی آمریکا یا متحدان و دوستان آن خطرناک باشد. ۳ - معافیت آمریکائیان در خارج از آمریکا از هر نوع محاکمه توسط دیوان بین‌المللی کیفری. جورج بوش (پسر) اعتقاد دارد که کشورهای دنیا دو دسته‌اند: ۱ - کشورهایی که در جبهه خیر قرار دارند. ۲ - کشورهایی که در جبهه شر قرار دارند. به نظر بوش، وظیفه آمریکا به عنوان رهبر جبهه خیر آن است که از قدرت خود برای دفاع از منافع ملی آمریکا و

به منظور جلوگیری از جنگ میان آن کشورها استفاده می‌شود. بلژیک و لوکزامبورگ را می‌توان از جمله کشورهای حائل دانست.

استراق سمع

Bugging

جاسوسی از طریق کار گذاشتن میکروفونها یا سایر وسایل مخفی برای شنیدن یا ثبت و ضبط مذاکرات خصوصی یا محرمانه. ظاهراً دستگاه‌های عظیم استراق سمعی که در آسمان وجود دارند، می‌توانند به پیام‌های تجاری و سیاسی و نظامی که با وسایلی مثل تلفن و تلکس و فاکس و رادیو و ماشین تحریر از راه دور، ماهواره یا سیستم‌های ماکروویو مخابره و ارسال می‌شوند، گوش دهند اخیراً نیز یک تشکیلات بزرگ جاسوسی آمریکائی به کمک عوامل بسیار خود که کارشان تجسس و استراق سمع مکالمات تلفنی و کنترل ارتباطات جهانی با دورنگار، پست الکترونیکی و اینترنت است از طریق ۵۰ پایگاه خود در ۲۰ کشور، اطلاعات جمع‌آوری شده را در اختیار سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) و وزارتخانه‌های دفاع، امور خارجه و بازرگانی آمریکا قرار می‌دهد.

دیوانسالاری؛ حکومت اداریان؛ بوروکراسی؛ دیوانداری؛ دستگاه اداری

Bureaucracy

۱- دستگاه اداری که طبق نظارت و مقررات مشخص، امور مؤسسه‌هایی نظیر دولت را اداره می‌کند. این اصطلاح از ترکیب دو کلمه بورو به معنی دفتر یا اداره و کراسی به معنی حکومت آمده و در مجموع به مفهوم حکومت کارمندان به شکل سازمان یافته و دارای بافت منسجم، و یا دستگاهی اداری است که بر اساس نظام و مقررات مشخص، امور جاری مؤسسه‌ای را اداره می‌کند و هدفهای آن را به پیش می‌برد. ۲- حکومت ادارات و مأموران دولت یا قدرت و نفوذ رؤسا و کارکنان دیوانی حکومت. ۳- سازماندهی اداری مجموعه‌ای از وسایل و امور برای تحقق هدفی کلی و اجتماعی. هگل، بوروکراسی را روح دولت و مارکس آن را ابزار فشاری می‌دانست که طبقه مسلط به کارش می‌گیرد. ماکس وبر، بوروکراسی را دستگاهی با سلسله مراتب معین می‌دانست که براساس آن وظایف کارمندان و رابطه آنها نسبت به یکدیگر مطابق مقررات ویژه‌ای معین شده و در عصر حاضر وسیله مؤثری برای انجام هدفهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی می‌باشد و در نتیجه رشد زیاد تبدیل به یک نیروی مستقل شده است. او می‌گوید شدت و ضعف بوروکراسی از میزان نامه‌هایی که در داخل یک دستگاه مبادله می‌شود قابل درک است. توقع بوروکراسی از کارمندان این است که وجودشان را در دستگاه اداری مستحیل نمایند. از این رو یکی از ویژگیهای بوروکراسی جدید جنبه غیرشخصی آن است، بدین معنی که شخص در وظایف خود و وظایف شخص نیز در دستگاه حل شده است. مقاومت در برابر تغییر عادات رایج در دستگاه اداری یکی دیگر از ویژگیهای بوروکراسی است. به نظر وبر، بوروکراسی می‌کوشد تا وجود خود را پایدار سازد، حتی با روحیه‌ای که به‌دوران دیگری تعلق دارد. یکی دیگر از ویژگیهای بوروکراسی، ظهور هرم قدرت با جریان اطلاعات و تصمیمات از بالا به پایین به صورت دستور و قلب ماهیت انسانی کارمند است. جنبه‌های منفی بوروکراسی، مثل کندشدن امور به خاطر مقررات زاید و سلسله مراتب طولانی و سوءاستفاده از مقام را بوروکراتیسم خوانده‌اند.

مأمور مقرراتی؛ اداری؛ بوروکرات

Bureaucrat

رئیس مقتدر اداره و پشت میز نشین نوکر مآبی که پایبند تشریفات و قید و بندهای اداری است و

راهزنی

Brigandage (Brigandism)

فعالیت گروه‌های مسلح به قصد غارت، کشتار و ترور. این گونه دسته‌های خرابکار، معمولاً دارای چند عضو مسلح بوده و در فعالیت با هم متحد می‌باشند. راهزنی سیاسی در پاره‌ای از کشورها هنوز دیده می‌شود. اما این واژه در اصل، برای اشاره به دزدان یا راهزنان چین، هند، مکزیک و جاهای دیگر به کار رفته است. راهزنی ظاهراً دارای دو نوع است. نوع اول، ناشی از بی‌بهره شدن از تصرف مال، بی‌نوائی و فقیر شدن و یا آزار و تعقیب بعضی افراد، گروه‌ها و طبقات است که در شرایط ناامیدی و از جان سیر شدن به خشونت روی می‌آورند و یا ناشی از شرایط انتقال و گذر از حکومت نظامی به غیر نظامی است. نوع دوم نیز معمولاً بعد از جنگ‌هایی که در آنها سربازان مزدور شرکت دارند واقع می‌شود.

Brinkmanship

سیاست پیشروی تا آستانه جنگ؛ سیاست لبه پر نگاه؛ راهبرد خطرپذیری؛

راهبرد بازی با آتش

ایجاد عمدی بحران تا مرز منازعه و برخورد مستقیم برای مجبور ساختن حریف به عقب‌نشینی یا سیاست پیش رفتن تالیبه پر نگاه جنگ (هسته‌ای) اما درگیر نشدن در آن که یکی از ویژگیهای مهم سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در زمان جان فوستر دالس بود. وی در سال ۱۹۵۶ درباره سیاست لبه پر نگاه از جمله گفت: لب پر نگاه کشاندن، ایجاد عمدی خطر جنگ است که نمی‌توان آن را مهار کرد. شیوه کار، چنین است که بگذارند مهار اوضاع از دست خارج شود و طرف مقابل، دقیقاً به همین علت که سررشته امور از کنترل خارج است نتواند اوضاع را تحمل نماید و ناگزیر تن به سازش دهد. بسیاری از تحلیلگران سیاسی، استراتژی لبه پر نگاه را به "بازی جوانک ترسو" تشبیه کرده‌اند. عوامل اتخاذ این استراتژی عبارتند از: تغییر قریب‌الوقوع و چشمگیر در توازن قدرت به نفع حریف، ضعف سیستم سیاسی طرفی که ابتکار عمل را در دست می‌گیرد، آسیب‌پذیری رهبر دولت یا رقابت بین نخبگان برای کسب قدرت.

Budget

بودجه

سندی است مشتمل بر درآمدها و مخارج یک مؤسسه یا سازمان که برای دوره معینی مثلاً یکسال پیش‌بینی شده و به تصویب مقام صلاحیتدار آن سازمان رسیده باشد. تنظیم بودجه و تصویب آن از طریق مجلس، از سال ۱۳۴۴ میلادی در انگلستان معمول شده است. در ایران، قبل از مشروطیت و تا سال ۱۲۹۹ شمسی به علت نبودن مجلس، بودجه به صورت دخل و خرج کشور وجود نداشت و قبل از آن تاریخ، مخارج کشور از طریق وصول مالیات املاک مزروعی و سایر درآمدها تأمین می‌گردید. اولین بودجه در ایران، در سال ۱۲۸۹ شمسی توسط وزیر مالیه وقت، تنظیم و تقدیم مجلس شورای ملی دوره دوم شد.

Budgeting

بودجه بندی؛ تنظیم بودجه

فرایند آماده‌سازی و تعیین منابع مالی لازم برای برنامه‌ها، هدفها و خطمشی‌های ارائه شده.

Buffer State

کشور حائل؛ کشور میانگیر

کشوری که میان دو یا چند کشور قوی قرار گرفته و معمولاً استقلال دارد و از آن چون مانعی

تقاض صلح

Breach of the Peace

۱- مختل کردن نظم و آرامش با توسل به خشونت یا هر گونه عملی که منجر به خشونت شود. ۲- توسل جستن به حمله مسلحانه، دست زدن به جنگ تجاوزکارانه و یا به هر صورتی مرتکب تجاوز شدن.

قطع روابط دیپلماتیک

Breaking-off (Rupture) of Diplomatic Relations

روابط دیپلماتیک بین دو دولت معمولاً در صورت بروز جنگ و یا اختلاف شدید سیاسی قطع می‌شود. به موجب مواد ۴۴ تا ۴۶ کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک: "دولت پذیرنده وظیفه دارد حتی در صورت وجود کشمکش مسلحانه، تسهیلات لازم را فراهم آورد تا اشخاص بهره‌مند از مزایا و مصونیتها - بجز اتباع خود دولت پذیرنده - و افراد خانواده آنها بدون توجه به تابعیتشان بتوانند در اولین فرصت، خاک آن دولت را ترک کنند. دولت پذیرنده در صورت قطع روابط دیپلماتیک بین دو دولت و یا زمانی که مأموریت به طور قطعی یا موقتی خاتمه یافته است، موظف می‌باشد حتی در صورت وجود کشمکش مسلحانه، اماکن مأموریت و همچنین اموال و بایگانی آن را محترم شمارد و حمایت نماید. دولت فرستنده می‌تواند حفاظت اماکن مأموریت را با اموالی که در آن قرار دارد و همچنین حفاظت بایگانی آن را به دولت ثالثی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد، واگذار کند. دولت فرستنده می‌تواند حفظ منافع خود و منافع اتباع خود را به دولت ثالثی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد، واگذار نماید. دولت فرستنده می‌تواند با جلب رضایت قبلی دولت پذیرنده و بنا به درخواست دولت ثالثی که در دولت اخیر نمایندگی ندارد، موقتاً عهده‌دار حفظ دولت ثالث و اتباع آن گردد."

کنفرانس برتون وودز

Bretton Woods Conference

کنفرانس پولی و مالی ملل متحد که به ابتکار پرزیدنت فرانکلین روزولت و با شرکت چهل و چهار دولت در برتون وودز (نیوهامپشایر آمریکا) از اول تا ۲۲ ژوئیه سال ۱۹۴۴ تشکیل شد و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و صندوق بین‌المللی پول را به وجود آورد.

دکترین برژنف

Brezhnev Doctrine

واژه دکترین برژنف یا دکترین حاکمیت محدود، در خارج از شوروی سابق و بعد از ورود نیروهای پیمان سابق ورشو به چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ به کار رفت و بیانگر نظر برژنف و دیگر مقامات شوروی سابق در توجیه این عمل است. به موجب این دکترین، حاکمیت مطلق با عضویت در جامعه مشترک المنافع سوسیالیستی سازگار نیست، زیرا وظیفه در برابر نهضت جهانی کمونیسم بالاتر از منافع ملی است و هنگامی که نیروهای داخلی و خارجی دشمن سوسیالیسم در صدد به انحراف کشاندن یک کشور عضو جامعه مشترک المنافع سوسیالیستی به سوی سرمایه‌داری برآیند و تهدیدی به آلمان سوسیالیسم باشند، دیگر مسأله مردم آن کشور در میان نیست، بلکه یک مسأله مشترک برای تمام کشورهای سوسیالیستی است.

ارتشاء؛ رشوه‌دهی؛ رشوه‌گیری

Bribery

دادن یا گرفتن پول یا مالی به شخصی برای انجام کار غیر مجاز. رشوه، چیزی است که برای ابطال حقی یا احقاق باطلی داده یا گرفته شود.

آمریکا و استرالیا و کانادا نتوانند مغزهای جهان سومی را برابند و این ملل در حال توسعه را از آنچه آفریده‌اند، محروم سازند.

Brainstorming

جرقه‌زنی فکری؛ غلبان ذهنی؛ اندیشه‌گشایی؛ جوشش فکری

روش برگزاری کنفرانس که در آن، سعی گروه بر این است تا اطلاعات تازه ارائه گردد و راه حل مشخصی پیدا شود. این روش در سال ۱۹۸۸ توسط آلکس آزبورن Alex Osborne معرفی شد. در این روش، نظر تمام افراد حاضر در جمع‌بندی مورد استفاده قرار می‌گیرد و یکی از روشهای تصمیم‌گیری گروهی است. جرقه‌زنی فکری بر دو اصل: ۱- تنوع نظرها ۲- کمیت، فزاینده کیفیت است (پیشنهاد هرچه بیشتر)، و چهار قاعده: ۱- انتقاد ممنوع (یعنی بررسی و ارزیابی پیشنهاد به آخر جلسه موکول شود). ۲- اظهار نظر آزاد و بی‌واسطه. ۳- تأکید بر کمیت (نظرات هرچه بیشتر). ۴- تلفیق و بهبود پیشنهادها قرار دارد.

Brain Trust

گروه کارشناس؛ مشاوران اندرونی؛ مغزهای مشاور

این واژه نخستین بار برای اشاره به گروه کوچکی از پروفیسورها، کارشناسان و مشاورانی مثل ریموند مالی، رکسفورد توگول، بنیامین کوهن و توماس کارکوران به کار رفت که فرانکلین روزولت را در مبارزه انتخاباتی سال ۱۹۳۲ یاری دادند و بویژه در ارتباط با سیاست جدید (نیو دیل) او، طرح‌هایی را برای به حرکت درآوردن چرخهای اقتصاد آماده کردند.

Brain Washing

شستشوی مغزی؛ مغز شویی

۱- رخنه دادن سیستمهای فکری غلط به‌ظاهر مستدل به‌سود مقاصد معین در مغزها. ۲- ترغیب مردم برای تغییر گرایشها و رفتار آنها در جهات خاص که از طریق اشکال مختلف فشار اجتماعی انجام می‌گیرد. ۳- روشی که به‌وسیله آن و از طریق اعمال تدابیر و کارهای مختلف، افکار و عقاید فرد را زایل و افکار و عقاید دیگری جایگزین آن می‌کنند. این عمل ظاهراً با محروم ساختن فرد از همه چیزهایی که وسیله راحتی و رفاه او می‌باشد، صورت می‌گیرد. معمولاً فرد را در شرایط نامساعد روحی و جسمی قرار می‌دهند، از تماس با دیگران محروم می‌سازند و مرتباً از او بازجویی می‌کنند و بالآخره به‌وی پیشنهاد می‌کنند که اراده خود را تابع اراده بازداشت‌کنندگان قرار دهد تا از آسایش برخوردار شود.

Bravery

بی‌باکی؛ تهوّر؛ دلیری

خصوصیت اخلاقی که با توانایی انسان در از بین بردن ترس، غلبه بر: کمروئی، عدم اعتماد به‌نفس و دودلی مشخص می‌شود. ارزشیابی اخلاقی اقدامات دلیرانه به محتوای اجتماعی خاص آنها بستگی دارد. دلیری زمانی قابل تصدیق است که در جهت پیشبرد هدفهای درست و بشردوستانه و از جنبه اجتماعی پیشروانه انجام شود. اقدامات دلیرانه شخصی که ناشی از ناامیدی (اقدامات در جهت خلاف منطق تاریخ) بی‌پروایی یا تظاهر به دلیری، مخالفت‌گرایی خودنمایانه، سرکشی آنارشستی، ماجراجویی و هیچ‌انگاری (نیهیلیسم) باشد، قابل توجیه نیست.

Brazilification

برزیل مانند شدن؛ برزیلی کردن

وسیع‌تر شدن دریای بین اغنیا و فقیران همراه با از بین رفتن طبقات متوسط. این واژه با توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی برزیل ساخته شده است.

فرق نمی‌کند چه رنگی هستی، به شرطی که برایش کار کنی فقط. برایش فرق نمی‌کند چه قدر دریاوری، به شرطی که برای او بیشتر دریاوری. برایش فرق نمی‌کند در اتاق بالائی چه کسی زندگی می‌کند، به شرطی که خودش صاحبخانه باشد. اجازه می‌دهد هر چه می‌خواهی علیه او بیان کنی، به شرطی که فقط علیه او دست به عمل نزنی. دم از ستایش انسانیت می‌زند، اما معتقد است که ماشین از انسان گرانتر تمام می‌شود. با او چانه بزنی: می‌خندد و سرت کلاه می‌گذارد. در مقابلش بایست، عین خیالش هم نیست. اما تمام دنیا را به آتش می‌کشد تا دیناری از دست ندهد.

انقلاب بورژوازی

Bourgeois Revolution

انقلابی است که سلطه فئودالیسم را درهم می‌ریزد، بورژوازی رهبری آن را بر عهده دارد و در نتیجه، قدرت خود را در جامعه مستقر می‌کند.

بایکوت؛ تحریم؛ رویگردانی تنبیهی

Boycott

۱- منع یا تحریم دادوستد. ۲- قطع رابطه (اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی) با یک فرد، سازمان و یا دولت. بایکوت کردن می‌تواند مترقی و یا غیر از آن باشد و این بستگی دارد به اینکه علیه چه شخصی و به چه منظوری صورت گیرد و منافع که را تأمین کند. این واژه در سال ۱۸۸۰ مصطلح شد و از نام چارلز بایکوت نماینده یکی از ملاکین ایرلندی گرفته شده که در ارتباط با میزان اجاره‌ای که می‌بایست مستاجرین به او می‌پرداختند، مورد تحریم آنها قرار گرفت.

فرار مغزها

Brain Drain

۱- جریان مهاجرت‌های فردی کارکنان حرفه‌ای و متخصصان و دانشمندان رشته‌های مختلف از کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به منظور انتخاب مشاغل و امکانات بهتر. ۲- جذب کارشناسان از کشورهای در حال توسعه به طلب سود بیشتر به مراکز امپریالیستی. ۳- شکل غیر طبیعی مبادلات علمی بین کشورها که با جریان مهاجرت یکطرفه به نفع کشورهای بسیار توسعه یافته مشخص می‌شود. مبنای اقتصادی جریان فرار مغزها، وابستگی فنی دولتهای جوان به سرمایه خارجی و بالاتر از همه، وابستگی آنها به مجتمع‌های فراملیتی است. فرار مغزها، امکانات علمی و فنی دولتهای جوان را تخریب و رشد نیروهای تولیدی و نیز پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنها را کند می‌کند. دولتهای جوان در جریان مهاجرت متخصصان ماهر، بازنده واقعی هستند، در حالی که به عنوان نمونه، ایالات متحده آمریکا در دهه ۱۹۸۰ با وارد کردن ۱۵۰ هزار پزشک، مهندس، تکنسین و دانشمند، مبلغ ۵ میلیارد دلار هزینه مربوط به آموزش در داخل را صرفه‌جویی کرده است. فرار مغزها، تجلی جدی انحصار علمی و فنی قدرتهای بزرگ در نظام سرمایه‌داری جهانی است. انجام تغییرات اساسی اجتماعی و اقتصادی، صنعتی کردن جامعه، کنترل مؤثر بخش خصوصی و وابسته کردن آن به منافع ملی، محدود کردن فعالیت سرمایه خارجی و بویژه مجتمع‌های فراملیتی، بالا بردن سطح زندگی مردم، تأمین رفاه و امنیت اجتماعی، نظام گسترده تأمین مسکن و گسترش فرهنگ و امکانات خدماتی می‌تواند بر پدیده فرار مغزها نقطه پایان بگذارد. باید سیاستی اتخاذ کرد که کار و تحقیقات علمی و هنری و فلسفی و فرهنگی بازار پررونقی پیدا کند و فرصت بر دانشمندان، متفکران، نویسندگان، شاعران و هنرمندان تنگ نشود تا کشورهای اروپایی و

Bourgeois Democracy

دموکراسی بورژوایی

شکلی از دموکراسی که ویژگیهای آن عبارتند از: پارلمانتاریسم با تفکیک قوای سه گانه (مقننه، قضائیه، مجریه) از هم و با گرایش به تحکیم و افزایش نقش قوه مجریه، حفظ روابط تولید سرمایه داری و تأکید بر احترام به حقوق مدنی و آزادی اجتماعات و نطق و بیان. به نظر مخالفان، در دموکراسی بورژوایی، حاکمیت مردم به زمینه سیاسی محدود می شود و اقتصاد در ید قدرت و سلطه یک اقلیت باقی می ماند که به اتکای قدرت مالی خود در همه زمینه های سیاسی، فرهنگی و مذهبی به طور مؤثر و مداوم، اعمال حاکمیت می کند و موجب می شود حاکمیت مردم در زمینه سیاسی نیز از درون خالی شود. تضاد دموکراسی بورژوایی در این است که با وجود ادعای حکومت اکثریت، در عمل، اقلیت سرمایه دار، حاکم است و وجود احزاب و سازمانهای متعدد فرهنگی و مذهبی تغییری در این واقعیت نمی دهد.

Bourgeois-Democratic Revolution

انقلاب بورژوا دموکراتیک

در اواخر دوران فنودالی، انقلابهای بورژوازی صورت گرفت که هدف آنها براندازی سلطه فنودالها و اشراف بود. این انقلابها از آنجا که بهره‌بری بورژوازی نوحاسته بود و منجر به استقرار نظام سرمایه داری می‌گشتند، انقلابهای بورژوایی خوانده می‌شوند. آن انقلابهای بورژوایی که با شرکت فعال توده‌های مردم انجام گرفته‌اند، انقلابهای بورژوا دموکراتیک نام دارند، مثل انقلاب کبیر فرانسه.

Bourgeoisie

بورژوازی

این واژه در مورد طبقه سرمایه دار به کار می‌رود که مالک وسایل اساسی تولید است و از استثمار کار دیگران زندگی می‌کند. سابقاً بورژوا - مشتق از کلمه بورگ به معنی شهر - به شهر نشین مرفه می‌گفتند. بورژوازی بر حسب اینکه سرمایه خود را در کدام رشته به کار اندازد، به بورژوازی صنعتی، تجاری، مالی و روستایی تقسیم می‌شود. از نظر قدرت مالی و نفوذ اقتصادی و سیاسی، بورژوازی به بزرگ و متوسط و کوچک تقسیم می‌شود. یک تقسیم‌بندی دیگر بورژوازی مربوط به نقش قشرهای مختلف این طبقه در جوامع مستعمره و وابسته است: بورژوازی ملی که بر تولید داخلی متکی است و از این رو منافعش با انحصارات بیگانه اغلب در تضاد است، و بورژوازی کمپرادور (دلال) یعنی قشر عالی و ثروتمند این قبیل جوامع که روابط محکمی با انحصارات بیگانه دارد. این واژه همچنین برای اشاره به شیوه زندگی کسانی به کار می‌رود که آرایش و لباس خاصی دارند و به زندگی پرزرق و برقی عادت کرده‌اند.

Bourgeois Liberalism

لیبرالیسم بورژوایی

سرمایه داری یا بورژوازی را می‌توان به دو جناح تقسیم کرد: لیبرالها و فاشیستها. یکی از ویژگیهای لیبرالیسم بورژوایی، مطلق کردن مسأله آزادی است. از نظر آنها نباید مسأله مالکیت و مبارزه با امپریالیسم مطرح شود. بورژوازی لیبرال برخلاف فاشیسم که طرفدار شیوه‌های دیکتاتوری و استبدادی در حکومت است، از لیبرالیسم هواداری می‌کند. کریستوفر لوگ نویسنده و شاعر انگلیسی در شعری، بورژوا لیبرالها را چنین وصف کرده است: "دشمن را بشناس: برایش

ویلیام توید (۱۸۷۸-۱۸۲۳) سیاستمدار آمریکایی بود که زمانی کنترل کامل سیاست حزب دموکرات را در نیویورک در اختیار داشت و به جرم اختلاس، بارها زندانی شد.

Boundary

سرحد؛ مرز

حدفاصل دو کشور و یا نقطه‌ای که صلاحیت سرزمینی بر روی آن پایان می‌یابد. سرحد یا ساختگی است که از طریق نقطه گذاری و علامت‌گذاری مشخص می‌شود و یا طبیعی که شامل موانعی از قبیل کوه، رود و دریا است که از نظر طول، مشخص می‌باشد ولی عرض آن مقیاس معینی ندارد و طبق قراردادهای بین دولتها و مقاصد مختلف، ممکن است اندازه معینی برای آن در نظر گرفته شود.

Bourgeois

بورژوا

۱- صاحب ملک، وسایل اساسی تولید و حمل و نقل و توزیع، سرمایه یا کسب و کار در برابر توده مردم و کارگران. ۲- واژه فرانسوی که از کلمه بورگ به معنی شهر گرفته شده و از جمله دارای معانی زیر است: شهرنشین مرفه، کاسبکار، سودجو، رفاه‌طلب، بازاری، مرفه و بالأخره: سرمایه‌دار، عضو طبقه متوسط یا حاکم در جامعه سرمایه‌داری که منافعش ایجاب می‌کند تا در مبارزه‌ای که بر سر توزیع ارزش اضافی با پروولترها دارد، سرمایه‌داری را حفظ نماید. اصولاً در نظام سرمایه‌داری دو طبقه اساسی وجود دارد: بورژواها و پروولترها. بورژواها، افراد طبقه شهری تاجر و کاسبکاری بودند که از اواخر قرون وسطی در برابر طبقه اشراف و نجبا و روحانیون که نفوذشان بر مالکیت زمین بود، قد علم کردند. وجه تمایز بورژواها، فرهنگ آنها، درآمد آنها و تلاش آنها در یکی از صنایع آزاد بود. عده‌ای، تمام پیشرفت‌ها و دستاوردهای بشر در قرون اخیر را حاصل تلاش بورژواها دانسته‌اند و معتقدند آنها صرف نظر از بیرحمی و استثمارگری و بویژه بعد از انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی انگلستان، بنیانگذار دموکراسی بوده‌اند. به نظر آلن بیرو، "این بورژواها بودند که به تدریج در اروپا، ابتدا قدرتی اقتصادی (بورژواهای سوداگر، تاجر، خبره در امور پولی) به‌چنگ آوردند، سپس بر نظام اداری و امور سیاسی (بورژواهای حقوقدان، کارمند، سودجو) تسلط یافتند و سرانجام با انقلاب بورژوازی از سال ۱۷۸۰ تا سال ۱۸۴۰ به قدرت سیاسی (بورژواهای فیلسوف، بورژواهای تابع عقاید سن‌سیمون و همچنین بورژواهای لیبرال) دست پیدا کردند." امکان برخورداری از استقلال و آزادی عمل از یک طرف و توانایی انباشت سرمایه از طرف دیگر، مهم‌ترین زمینه ایجاد و رشد این طبقه را فراهم نمود. بورژواها در آغاز (یعنی قرون هفدهم تا نوزدهم) مترقی بودند، زیرا خواستار پیشرفت جامعه و از بین بردن فئودالیسم بودند ولی با تکامل جامعه سرمایه‌داری، به طبقه‌ای ارتجاعی تبدیل شدند. به نظر مارکس، بورژواها از لحاظ تاریخی مهم‌ترین نقش انقلابی را ایفا کرده‌اند. آنها نمی‌توانند به‌بقای خود ادامه دهند مگر با ایجاد تغییرات انقلابی دائمی در بازارهای تولید، همراه با دگرگون کردن انقلابی تمام مناسبات جامعه. با وجود این به نظر او، بورژواها طبقه‌ای از استثمارگراند که تا گلو در عرقاب فراوانی و تجمل‌پرستی، در لگام گسیخته‌ترین آزمندیها و در گناه فرو رفته‌اند. نویسندگانی مثل بالزاک (۱۸۵۰-۱۷۹۹) و مولیر (۱۶۷۳-۱۶۲۲) نیز بورژواها را از جنبه فرهنگی، افرادی پست و فرومایه، خسیس، بی‌ذوق و ارتجاعی و حریص دانسته‌اند که جز گردآوری ثروت و مال، ارزشی دیگر نمی‌شناسند.

اقدام به تشکیل جامعه سیاسی می‌کنند و انگیزه آنها در خروج از حالت طبیعی و تشکیل جامعه مدنی، وصول به سه موهبت اساسی، یعنی قانون لازم‌الاجرا برای عموم، قضاوت بیطرفانه و قدرت مرکزی اداره‌کننده (حکمران) است، قدرتی که منوط به اراده مستمر افرادی است که هیأت سیاسی را تشکیل داده‌اند.

Body Politics

سیاست تن

در فرهنگ فمینیستی، هم در مورد روابط فیزیکی قدرت و هم مبارزه علیه تمام شکل‌های خشونت غیر مستقیم علیه زنان به کار رفته است.

Bolshevism

بلشویسم

تئوری و تاکتیک‌های لنینیسم یا اندیشه و جریان سیاسی جناح اکثریت در حزب سوسیال دموکرات روسیه تزاری به رهبری لنین (۱۸۷۰-۱۹۲۴) طرفدار انقلاب فوری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا که در مقابل منشویسم به رهبری پلخانوف (۱۸۵۶-۱۹۱۸) و مارتوف (۱۸۷۳-۱۹۲۳) قرار دارد که طرفدار پیمودن مرحله سرمایه‌داری یا دموکراسی بورژوازی برای رسیدن به سوسیالیسم بودند. هواداران بلشویسم را بلشویک می‌نامند.

Bonapartism

بناپارتیسم

۱- نظریه غلبه بر نابسامانی‌های اجتماعی با توسل به حکومت دیکتاتوری یک فرمانده مقتدر نظامی. ۲- از نام ناپلئون بناپارت گرفته شده و مربوط است به نوع حکومت ناپلئون و خانواده او. بناپارتیسم مرادف نظام قیصری است و به خط مشی یا سیاستی اطلاق می‌شود که حکومت دیکتاتوری را از طریق یک رهبر محبوب عامه تأیید نموده و از آن دفاع می‌کند، رهبری که ظاهراً از طرف مردم، قیومیت مردم را بر عهده می‌گیرد. این واژه در ادبیات سیاسی چپ به معنی عوام‌فریبی نیز به کار رفته است.

Boondoggling

خروج بیعاری کردن

این واژه عامیانه در آمریکا در مورد اجرای برنامه‌هایی به کار می‌رود که در اصل به منظور کمک به رونق اقتصادی تنظیم شود ولی در عمل، وجوه دولتی بر اثر حیف و میل یا بند و بستهای سیاسی تلف شود.

Boss

رئیس؛ سیاست‌باز؛ بند و بستچی

در زبان عامیانه آمریکایی به معنی رئیس حزب یا ماشین سیاسی است. وی که معمولاً دارای اختیارات زیادی است، سیاست را برای استفاده شخصی یا به نفع افراد خاص، اما به منظور حفظ یا ارتقای موقعیت خود، به کار می‌گیرد و اصولاً قائل به اصول اخلاقی نیست.

Boss-Tweed

باس توید؛ رئیس فاسد

در فرهنگ سیاسی آمریکا به یک رهبر سیاسی اطلاق می‌شود که قدرت را از راه‌های خلاف قاعده به دست می‌آورد و مناصب اداری را به عنوان پاداش برای حامیان سیاسی خود در نظر می‌گیرد.

Block Vote

رای نسبی؛ رای اعتباری

رویه‌ای که به موجب آن، اعضای بعضی از فدراسیون‌ها و اتحادیه‌ها به اعتبار یا نسبت اندازه یا شمار اعضایشان رأی می‌دهند.

Blue Book

کتاب آبی

در انگلستان، عنوان نشریات پارلمان است به این جهت که معمولاً جلد آبی رنگی دارند. اکنون در زبان انگلیسی، نشریه‌ای دولتی که حاوی اطلاعاتی در یک موضوع معین باشد، و بویژه گزارش‌های تفصیلی دولتی را کتاب آبی می‌گویند. در برخی ممالک نیز رنگ‌های دیگری به کار می‌رود، مثلاً مجموعه اسناد و مدارک وزارت خارجه را در ایتالیا کتاب سبز، در فرانسه کتاب زرد و در آلمان کتاب سفید می‌خوانند.

Blue Sky Laws

قوانین حمایت از سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار

منظور از اصطلاح قوانین آسمان صاف (در آمریکا)، قوانین مربوط به حمایت از سرمایه‌گذاران (کوچک) در برابر خرید سهام شرکت‌هایی است که برای کلاهبرداری تشکیل می‌شوند یا قوانینی است که برای نظارت دولت بر صدور اوراق بهادار و جلوگیری از انجام تقلبات بزرگ وضع شده است.

Bluffing

بلوف زدن؛ لافزنی؛ خالی‌بندی

ایجاد این گمان در طرف مقابل که قدرت لازم برای دست زدن به یک عمل (سیاسی) خاص، وجود دارد.

BMD (Balistic Missile Defense)

بی.ام.دی (دفاع موشک بالیستیک)

عنوان کلی سیستم‌های تسلیحات دفاعی برای حفاظت در برابر حمله موشک‌های اتمی. سیستم دفاع در برابر موشک‌های بالیستیک از اجزای اصلی طرح "ابتکار دفاع استراتژیک" است.

Bodin Disease

بیماری بودن

ژان بودن (۱۵۹۶-۱۵۳۰) فیلسوف سیاسی و اجتماعی فرانسوی برای تقویت پادشاهی فرانسه، نظریه حکومت مطلق سلطنتی را ارائه کرد. کاربرد این واژه، کنایه از چسبیدن به قدرت و حاکمیت ملی به جای پذیرفتن حکومت اشتراکی در چارچوب اتحادیه اروپایی است.

Bodyguard

محافظ شخصی؛ جانپاس؛ بادی‌گارد

شخصی که از کسی محافظت می‌کند.

Body Politic

بادی پلیتیک؛ هیات سیاسی؛ جامعه سیاسی

این اصطلاح را بیشتر، مونتسکیو و روسو به کار برده‌اند. آنها هیأت جامعه را به بدن انسان تشبیه می‌کنند و آن را کالبد سیاسی می‌نامند و تمام آثار و عوارض و خصایصی را که در بدن ارگانیک انسان دیده می‌شود، در مورد کالبد سیاسی نیز صادق می‌دانند و می‌گویند همانطور که اجزای بدن به تنهایی قادر به ادامه حیات نیستند، افراد هم بدون اجتماع نمی‌توانند زندگی کنند. افراد تحت شرایط خاصی

و ادبیات و هنر تأکید داشت و به تمرکز قدرت در دست سیاهپوستان اصرار می‌ورزید. تأکید بر قدرت سیاه به عملیات افراطی و تشکیل گروه‌های مسلح مثل پلنگان سیاه انجامید که شعار آن، توسل به خشونت و کسب قدرت سیاسی از طریق تفنگ بود. سازمان پلنگان سیاه در اثر رقابتهای داخلی و سیاست اغماض نیکسون در مورد رنگ پوست از بین رفت.

Blanquism

بلانکیسم

این واژه بیانگر عقاید و روش سیاسی لوئی اوگوست بلانکی (۱۸۸۱-۱۸۰۵) انقلابی برجسته فرانسوی و سخنگوی کمونیسم تخیلی است. وی اعتقاد داشت که می‌توان استثمار سرمایه‌داری را با یک کودتا یا اقدام دسته کوچکی از انقلابیون فدایی، بدون شرکت و حمایت توده‌های مردم از بین برد و با استقرار آن دسته کوچک بر مسند حکومت، به سوسیالیسم رسید. بلانکی بیش از چهل سال از عمر خود را در زندان گذراند. اکنون واژه بلانکیسم گاهی برای اشاره به روشهای آنارشستی و توطئه‌گرانه و اقدام یک گروه کوچک از انقلابیون فدایی با عقاید افراطی، عدم توجه به توده‌ها و اهمیت مبارزه متشکل و اصولی به کار می‌رود. از نظر مارکسیستها، بلانکیسم رهائی انسان را از قید بردگی روزمزدی در مبارزه طبقاتی پرولتاریا نمی‌بیند، بلکه در توطئه اقلیت کوچکی از روشنفکران مشاهده می‌کند.

Blend Country

کشور ترکیبی

کشوری که توان استفاده از منابع گوناگون مالی و برخورداری از ترکیبی از روشهای تأمین منابع را داشته باشد.

Bloc

بلوک؛ جبهه (بلوک)

۱ - هماهنگی سیاسی و اقتصادی دولتهایی که یا از طریق عهدنامه و پیمان و یا بدون آنها به یکدیگر بستگی پیدا کرده‌اند. ۲ - ترکیب اشخاص، گروهها یا دولتها با یک قصد مشترک.

Blockade

انسداد راه؛ محاصره دریایی

انسداد راه یا بلکوس یکی از طرق مخاصمه است و معمولاً اختصاص به جنگهای روی دریایی دارد و آن عبارت است از اقدامی که به وسیله آن، یکی از متخاصمان ارتباط بین دریای پهناور، یعنی آن قسمت از دریا که به دریای سرزمینی و به آبهای داخلی هیچ کشوری تعلق ندارد، و سواحل دشمن را منع می‌کند. ضمانت اجرای ممنوعیت مزبور، دستگیری و توقیف کشتی متخلف است. صحت و اعتبار انسداد راه مشروط به دو شرط است: ۱ - واقعیت داشتن، یعنی به کار بردن نیرویی که برای بستن راههای سواحل دشمن کفایت کند ۲ - ابلاغ رسمی به کشورهای دیگر.

Block Grant

کمک یکجا؛ کمک کلی

نوعی از کمکهای دولتی که به موجب آن، حکومت مرکزی بر اساس یک یا چند معیار، مانند احتیاجات محلی، برابر سازی منابع یا تخفیف مالیات‌بندی محلی به خدمات حکومت محلی کمک می‌کند.

بیداری سیاه**Black Consciousness**

عنوان نهضتی که از میان سیاهپوستان شهری آمریکا ریشه گرفت و به آفریقا نیز گسترش یافت، و تأکید آن بر صورتبندی آگاهی نسبت به هویت سیاهپوستان و آرمانهای مستقل از ارزشها، هدفها و تمهیدات سفیدپوستان است.

جمعه سیاه**Black Friday**

این واژه بیانگر جمعه‌هایی است که در آنها بحران و بدبختی و پریشانی باشد یا بلا، مصیبت و حادثه بدی بر مردم یک کشور وارد شود.

دست سیاه**Black Hand**

عنوان و نماد برخی دسته‌های سری، مثل مافیا یا انجمن آنارشیستی در اسپانیا که در سال ۱۸۸۳ فروپاشید. این واژه را بیشتر برای اشاره به سازمانهای تروریستی و تبهکار به کار می‌برند.

اعتصاب شکن**Blackleg**

واژه تحقیر آمیزی که در مواقع اعتصاب در مورد کسانی به کار می‌رود که با وجود دستور اتحادیه کارگری مبنی بر دست از کار کشیدن، همچنان به کارکردن ادامه می‌دهند.

لیست سیاه**Blacklist**

۱ - فهرستی از افراد یا سازمانهایی که به نظر تهیه کنندگان آن، اعمال خصمانه و غیرقانونی و ضد اخلاقی انجام داده‌اند. ۲ - دفتر محرمانه برای کشف اسرار و روابط و فعالیت‌های سیاسی و تفتیش مکاتبات افراد. ۳ - هر فهرست سری و خصوصی که در آن یک طبقه یا یک اداره، اسامی مؤسسات یا اشخاص نامطلوب را بنویسد.

حق السکوت؛ باج سیل**Blackmail**

سوء استفاده یک عضو قوه مقننه، مأمور دولت و یا رئیس یک حزب سیاسی از مقام رسمی یا نفوذ سیاسی خود برای گرفتن پول یا منافع دیگر از اشخاص حقیقی و حقوقی.

بازار سیاه**Black Market**

خرید و فروش کالاها به قیمت‌هایی بالاتر از قیمت تعیین شده به وسیله دولت، در شرایط فوق العاده مثل جنگ و قحطی و اوضاع بد اقتصادی.

قدرت سیاهپوستان**Black Power**

در اواسط دهه ۱۹۶۰ از نهضت سیاهپوستان به رهبری مارتین لوتر کینگ که پیرو مبارزه صلح‌آمیز بود، یک شاخه مبارزتر جدا شد. استوکللی کارمایکل و هم‌زمان وی چنین استدلال می‌کردند که سفیدپوستان هرگز تسلیم نخواهند شد، مگر با خشونت. آمیزه غرور نژادی همراه با محرومیت اقتصادی، موجب ظهور شعار قدرت سیاه گردید که گروه‌های مختلف سیاهپوست از آن به عنوان وسیله بهبود وضع خود، کسب حقوق مدنی و بیان اعتراض استفاده نمایند. قدرت سیاه به ریشه‌های فرهنگی قوم سیاه و مطالعه تاریخ آفریقا، موفقیت‌های سیاهپوستان در ورزش و موسیقی

با وضع قوانینی متهم به خیانت و جنایت می‌کردند و به مجازات می‌رساندند، بی‌آنکه افراد طبق آئین دادرسی در دادگاه‌های صالح محاکمه و محکوم شده باشند. آخرین مورد استفاده از آن در سال ۱۶۹۶ بود.

Bill of Rights

اعلامیه حقوق (انسانی)

هر سندی که در آن از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی سخن به میان آید.

Bimetallism

نظام دوفلزی پول

سیاست استفاده از دو فلز (بویژه نقره و طلا) به عنوان پایه پول کشور و رواج سکه‌های دوگانه.

Biological Warfare

جنگ بیولوژیکی

جنگی که با استفاده از ارگانیسمهای زنده‌ای مثل میکروبهای بیماریزا همراه است.

Bioterrorism (Germ Terrorism)

تروریسم میکروبی؛ بیوتروریسم

تروریسم با استفاده از میکروبهای خطرناک و کشنده.

Bipartisan Foreign Policy

سیاست خارجی دوحزبی

سیاست خارجی که حکومت وقت و جناح مخالف حکومت (حزب مخالف) هر دو بر آن صحه گذارند.

Bipartism

نظام دوحزبی

نظام سیاسی که در آن قدرت همواره در دست یکی از دو حزب بزرگ و اصلی کشور قرار می‌گیرد.

Bipolar system (Bipolarity)

نظام دوقطبی

نظامی که دارای دو کشور قدرتمند رقیب، با توانایی و ظرفیت اقتصادی و نظامی برابر است و هر یک از آنان دارای ایدئولوژی، پشتیبانان و کشورهای پیرو مخصوص به خود هستند. نظام دوقطبی بیانگر نظام بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم بود که تحت نفوذ و سلطه ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی (قبل از فروپاشی در سال ۱۹۹۱) قرار داشت.

Birchism

برچیسیم

اصول عقاید جان برچ یا مکتب دست راستی افراطی جدید (پس از مک کارتیسیم) که در اوایل دهه ۱۹۶۰ به سرپرستی انجمن جان برچ در ایالات متحده آمریکا به ظهور رسید و مبتنی است بر فردگرایی و طرفداری از عدم مداخله دولت در امور اقتصادی و دشمنی با کمونیسم. برچیسیم، نابسامانیهای جامعه سرمایه‌داری آمریکا را از جمله به گردن کمونیسم می‌اندازد و حتی رابرت و لچ بنیانگذار انجمن، سیاستمداران دست راستی مثل ترومن، آیزنهاور و نیکسون را دوستان کمونیسم خوانده و گفته است که آنها آگاهانه به توطئه کمونیستها خدمت کرده‌اند. انجمن جان برچ و برخی از گروههای سیاسی در غرب مثل جبهه ملی بریتانیا منعکس کننده نظریات فاشیسم قبل از جنگ دوم جهانی هستند.

آمریکا گرفته شده است. روزولت می‌خواست در عین نشان دادن روش ملایم در سیاست خارجی، قدرت عظیم جنگی ایالات متحده را به دنیا نشان دهد.

قرارداد دوجانبه

Bilateral Agreement

قراردادی که دو کشور برای گسترش روابط اقتصادی، نظامی و جز اینها با یکدیگر منعقد می‌سازند و بر اساس آن به یکدیگر امتیازاتی می‌دهند. قراردادهای پیمانهای امنیتی دوجانبه معمولاً بین دولتهای بزرگ و دولتهای کوچکتر (به منظور دفاع در برابر خطر حمله دولتهای دیگر) منعقد می‌شود. مثل پیمانهای امنیتی دوجانبه آمریکا با کره جنوبی، تایوان و فیلیپین.

بیلدربرگ

Bilderberg

نشستهای مخفیانه مقتدرترین شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی اروپای غربی و آمریکای شمالی که نام آن از محل اولین نشست گروه در ماه مه ۱۹۵۴ یعنی هتل بیلدربرگ واقع در پارک خلوتی در اوستریک در هلند گرفته شده است. دیوید راکفلر، دین راسک، دنیس هیلی و پرنس برنارد هلندی از جمله شرکت‌کنندگان در این نشست بودند. مقامات اجرائی شرکتهای چندملیتی و کارپردازان طبقه حاکم اروپای غربی و آمریکای شمالی در نشستهای گروه بیلدربرگ با چهره‌های سیاسی ملی ملاقات می‌کنند تا مشترکاً مسائلی را که کشورهای سرمایه‌داری غرب با آنها مواجه می‌باشند، مورد بررسی قرار دهند. شبکه‌هایی نظیر شورای روابط خارجی، کمیسیون سه جانبه و انستیتوی سلطنتی امور بین‌المللی بریتانیا (کاتام هاوز) با تبلیغ مواضع سیاسی امپریالیستی از کانال دانشگاهها، انتشارات، مقامات رسمی دولتی، نمایشگاهها و جز اینها، مسائل سیاست خارجی را تنظیم می‌کنند و به ضابطه درمی‌آورند. دیوید راکفلر در اجلاس سال ۱۹۷۲ بیلدربرگ برای اولین بار اندیشه ایجاد کمیسیون سه جانبه را مطرح کرد تا زاین نیز به نحوی با گروه بیلدربرگ مربوط شود.

طرح (قانونی)؛ لایحه (قانونی)

Bill

پیشنهادی که برای تصویب به صورت قانون، به مجلس ارائه می‌شود. اگر پیشنهاد تصویب قانونی از طرف کابینه بشود، آن را "لایحه" و اگر از طرف نمایندگان مجلس بشود آن را "طرح" می‌گویند. لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان در مجلس قابل طرح است. لوایح و طرحهای فوری آنهاهی هستند که فقط یک شور در آنها لازم باشد. لوایح و طرحهای دوفوریتی آنهاهی هستند که پس از تصویب دوفوریت، بلافاصله به طبع و توزیع آنها اقدام و پس از ۲۴ ساعت از موقع توزیع در مجلس طرح می‌شود. فوریت لوایح یا طرحها باید مستند به دلایل قطعی برای لزوم سرعت تصویب باشد. دوفوریتی لوایح و طرحها موقعی است که تصویب آنها از لحاظ امکان وقوع خسارت و فوت فرصت و جهات مشابه، مستلزم سرعت فوق‌العاده باشد.

لایحه سلب حقوق اجتماعی؛ لایحه محرومیت از حقوق اجتماعی

Bill of Attainder

مجازات غیر عادلانه و غیر منصفانه متهمان از طریق وضع قانون یا شگردی که در پارلمان انگلستان، بویژه در دوره سلطنت هنری هشتم (۱۵۴۷-۱۶۹۱) به کار می‌رفت و براساس آن، مردم را

قرن نوزده و اوایل قرن بیستم که ناشی از بهره‌کشی از ملل آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود، پاره‌ای از نظریات مارکس را مردود شمرد و اعتقاد پیدا کرد که تضاد طبقاتی نه تنها تشدید نشده، بلکه کاهش یافته است. لنین، روزا لوکزامبورگ (۱۸۷۱-۱۹۱۹) کمونیست معروف آلمانی و جناح چپ سوسیال دموکراسی این مکتب را مورد انتقاد قرار دادند. نظریات برنشتاین در احزاب سوسیالیست اثر گذاشت و سرانجام، جنبش سوسیالیستی به دو جناح راست (شامل احزاب سوسیالیست) و جناح چپ (شامل احزاب کمونیست) منشعب شد. اغلب احزاب سوسیالیست، مارکسیسم را کنار نهادند و احزاب کمونیست در سال ۱۹۱۹ دست به ایجاد انترناسیونال سوم زدند.

Betrayal

خیانت

نقض وفاداری به یک آرمان مشترک، رشته‌های همبستگی، رفاقت یا عشق.

Biased Diplomacy

دیپلماسی جانبدارانه

در اصطلاح عادی برای اشاره به دیپلماسی و مذاکرات دیپلماتیک متمایل به یک پیمان و اتحاد یا سازمان به کار رفته است.

Bicameralism

نظام دومجلسی

قوه مقننه مبتنی بر وجود دو مجلس قانونگذاری (سنا و شورا). در برخی از کشورها، نظام دومجلسی آگاهانه و به این منظور تأسیس شده تا مجلس بالاتر که معمولاً محافظه کار است، قوانین تند و رادیکالی را که امکان دارد در مجلس پایین تر تصویب شود، کنترل کند.

Big Brother

آقا بالاسر؛ برادر بزرگ؛ ناظر کبیر

کنایه از دولت یا شخص قدرتمند، تمامیت خواه یا توتالیتر که به بهانه خیرخواهی، سررشته تمام امور را در اختیار و کنترل خود قرار دهد.

Big Lie Policy

سیاست دروغ بزرگ

سیاست مبتنی بر عوامفریبی و تبلیغات دروغ و تکرار زیاد آنها تا اکثریت مردم باورشان شود. طرفداران این سیاست اعتقاد دارند که دروغ هرچه بزرگتر باشد، بهتر مورد قبول مردم قرار می‌گیرد.

Bigotry

خشک مغزی؛ خشک اندیشی؛ تحجر

خصوصیت اخلاقی که گرایش شخص را به چسبیدن به اصول کهنه و قدیمی، رسم و سنت، ناتوانی در درک و فهم و حمایت از اصول جدید و ترقیخواهی نشان می‌دهد. ریشه خشک مغزی را به عنوان یک پدیده اجتماعی باید در عدم رشد دموکراسی، محافظه کاری و حفظ عادات و روابط اجتماعی مستقر و نیز در منافع آن گروه‌های اجتماعی جستجو کرد که آگاهانه یا آنچه ممکن است باعث تغییر موقعیت آنها شود، مخالفت و مقابله می‌کنند.

Big Stick Policy

سیاست چماق بزرگ

کنایه از اعمال زور یا قدرت در خصوص مسائل خارجی و حتی داخلی است. این اصطلاح از عبارت "ملایم حرف بزن ولی چماق بزرگی را همراه داشته باش" تئودور روزولت رئیس جمهوری

Belt Tightening Policy**سیاست محکم کردن کمربندها**

سیاست صرفه‌جویی ملی و جلوگیری از ریخت و پاش و ولخرجی برای استفاده بهتر از امکانات موجود. این واژه، مترادف ریاضت اقتصادی است.

Benchmarking**الگو برداری از بهترینها**

روش مدیریتی، تفکر زیر بنائی یا نگرشی که بیانگر تمایل به یادگیری روشهای بهتر، رشد و تکامل و انگیزه کمال طلبی و برتری جوئی در انسان و نیز یکی از طرق جبران عقب ماندگی است. مشخصات نگرش الگوسازی از بهترینها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: تلاش برای پیدا کردن بهترین تجربیات صنعت یا خدمات به منظور نیل به عالی‌ترین سطح عملکرد، نگاه بیرونی بر فعالیتها، وظایف تخصصی یا عملیات داخلی یک سازمان برای بهبود و اصلاح، ارزیابی و مقایسه خود با دیگران برای کشف تجارب برتر آنها و جبران کردن فاصله موجود، فرایند تحقیق و جستجوی مداوم به نحوی که سازمان را در جهت بهترین شدن در مقایسه با رقیبان سوق دهد.

Beneficence**نیکوکاری**

عمل دارای ارزش اخلاقی مثبت که وجدان اخلاقی، آن را نیکی و خیر می‌شمارد و معمولاً با کارهای خوب مشخص می‌شود.

Benelux Economic Union**اتحادیه اقتصادی بنلوکس**

اتحادیه‌ای است بین کشورهای بلژیک، هلند و لوکزامبورگ (بنلوکس) که در آغاز از سال ۱۹۴۸ به صورت اتحاد گمرکی فعالیت داشت ولی از سوم فوریه ۱۹۵۸ تبدیل به اتحادیه اقتصادی گردید و از سال ۱۹۶۰ به مرحله عمل درآمد. مقاصد آن عبارتند از: جریان آزاد سرمایه، کالا و خدمات، رفت و آمد آزادانه افراد، هماهنگی سیاستهای اقتصاد ملی و تعقیب یک سیاست بازرگانی مشترک در قبال جهان سوم. مقر بنلوکس در بروکسل است.

Benevolence**خیرخواهی**

عشق و محبت جدی و دلسوزانه که در آمادگی برای کمک به هر شخص محتاج، همه مردم و نهایتاً به تمام موجودات زنده منعکس می‌شود. خیرخواهی دارای دو جنبه است: ۱ - جنبه عاطفی و احساساتی، یعنی رنج دیگری را رنج خود پنداشتن. ۲ - جنبه عملی، یعنی میل به ارائه دادن کمک واقعی. بدون اولی، خیرخواهی به کار نوع دوستانه بیروح و خشک تنزل می‌یابد و بدون دومی، به ابراز احساسات خالی تبدیل می‌شود.

Bernsteinism**برنشتاینیسم**

این واژه از نام ادوارد برنشتاین (۱۸۵۰-۱۹۳۲) نویسنده و از رهبران سوسیالیسم آلمان و سوسیال دموکراسی بین‌المللی و نظریه پرداز ریویزیونیسم یا تجدیدنظر طلبی (در بعضی از آموزشهای کارل مارکس) گرفته شده است. وی آموزش انقلابی مارکس را مطابق با روح لیبرالیسم بورژوازی مورد تجدیدنظر قرارداد و به تغییر تدریجی و آرام جامعه سرمایه‌داری به جامعه سوسیالیستی اعتقاد پیدا کرد. برنشتاین با توجه به واقعیات اقتصاد غرب و شکوفائی آن در اواخر

BBC (British Broadcasting Corporation) بی بی سی (بنگاه سخن پراکنی انگلستان)

این بنگاه در سال ۱۹۳۱ تأسیس شد. در زمان جنگ جهانی دوم به عنوان مهمترین رسانه تبلیغاتی این کشور در صحنه بین‌المللی و در مستعمرات انگلستان گسترش یافت به نحوی که به اهرم وزارت امور خارجه انگلستان مشهور شد. برنامه فارسی بی بی سی از سال ۱۹۴۱ شروع شد و نقش مهمی در اوضاع شهریور سال ۱۳۲۰ کشور ایران و تبلیغات دشمنانه علیه رضاشاه بازی کرد. به نظر عده‌ای، مشابه این نقش را در سال ۱۹۷۹ در مورد محمدرضا شاه ایفا کرد. بی بی سی با ام.آی.۵ (اداه ضد جاسوسی و امنیت داخلی انگلستان) ارتباط دارد. به نوشته هفته‌نامه ایزورر Observer، بی بی سی از جنگ جهانی دوم به بعد، یک دفتر ویژه برای ارتباط با ام.آی.۵ دارد که در اتاق شماره ۱۰۵ (به نام مدیریت و وظایف ویژه) مقر این بنگاه در بوش هاوس لندن مستقر است.

Beggar-My-Neighbour Policy سیاست فقیرسازی همسایه

سیاستی که به موجب آن، کشوری با بهره‌گیری و استثمار کشور دیگر، به آباد کردن کشور خود بپردازد.

Belief اعتقاد

حکم ذهنی جازم که برخلاف یقین، شدت و ضعف می‌پذیرد.

Belligerency مخاصمه؛ حالت جنگ (داخلی)

وضعیت قرار داشتن در جنگ و کشمکش. مثلاً در صورتی که شورش مسلح در کشوری وسعت گیرد و جناح قیام‌کننده در یک قسمت از کشور، قلمروی به دست آورد و حکومتی تأسیس نماید، حالت مخاصمه یا حالت جنگ (داخلی) به وجود آمده است.

Belligerent متحارب؛ متخاصم

کسی که به موجب حقوق بین‌الملل در ارتکاب عمل خصمانه واجد اهلیت است و آن تنها کسی است که با حمله و هجوم حریف مواجه است و در صورت افتادن به دست دشمن، حق دارد به نام اسیر جنگی از معامله‌ای برخوردار شود که درباره اسیران جنگی معمول است. غیر متحارب کسی است که باید از ارتکاب هر نوع عمل خصمانه‌ای خودداری کند و چون مداخله‌ای در نبرد ندارد، باید مورد احترام دشمن باشد.

Belligerent Reprisal اقدام تلافی‌جویانه متحارب؛ تلافی در جنگ

نقض ارادی یک قاعده حقوق بین‌الملل توسط دولت متحارب برای الزام دولت مقابل به رعایت قواعد حقوق جنگ.

Belligerent Retortion اقدام متقابل متحارب؛ معامله متقابل در جنگ

انجام همان اعمال و به همان نسبت که دشمن با ارتکاب آنها قبلاً باعث نقض قواعد حقوق بین‌الملل شده است. هدف از انجام اقدام متقابل (عمل حقوقی قصاص) وارد کردن فشار به دولت متخلف در جنگ است تا از مداومت بر کار خلاف قانون خود منصرف شود.

Baron**بارون**

در انگلستان، نجیب‌زاده و اشرافزاده و همسر او بارونس Baroness نام دارد. در آمریکا به معنی سلطان به کار رفته است، مثل سلطان فولاد Steel Baron.

Barricade**باریکاد؛ سنگربندی خیابانی**

جنگهای خیابانی و ایجاد استحکامات و موانع خیابانی در حین انقلاب و قیام مسلحانه.

Barter**مبادله پایایی؛ معامله تهاتری**

مبادله مستقیم کالا یا خدمت بین کشورها بدون واسطه پول.

Baruch Plan**طرح باروخ**

طرحی برای کنترل انرژی اتمی و ایجاد یک سازمان وسیع اتمی بین‌المللی غیر سیاسی که در نخستین اجلاس کمیسیون انرژی اتمی سازمان ملل متحد در ۱۴ ژوئن ۱۹۴۶ به‌وسیله برنارد باروخ (۱۹۶۵-۱۸۷۰) نماینده ایالات متحده آمریکا ارائه گردید. در همین اجلاس، گرومیکو نماینده شوروی سابق طرح دیگری به کمیسیون ارائه داد که به‌موجب آن می‌بایست براساس یک قرارداد بین‌المللی، تولید، ذخیره و کاربرد سلاحهای اتمی تحریم و کلیه سلاحهای اتمی موجود نیز ظرف سه ماه از تاریخ اجرای قرارداد مزبور منهدم شود. به‌دلیل تعارض پیشنهاد گرومیکو با طرح باروخ، توافقی پیرامون کنترل بین‌المللی انرژی اتمی به‌دست نیامد و سرانجام در ۱۱ ژانویه ۱۹۵۲ کمیسیون انرژی اتمی منحل گردید.

Base and Superstructure**زیربنا و روبنا**

اصطلاح مارکسیستی که در تحلیل روابط بین اقتصاد یا مجموعه مناسبات تولیدی به‌عنوان "زیربنا" و ایدئولوژی، افکار و احساسات و آداب و رسوم مردم، نظریات سیاسی، حقوقی، فلسفی، هنری، اخلاقی و دینی جامعه و نهادها و سازمانهای مربوط به آنها مثل دولت، دادگاهها، احزاب و مؤسسات مذهبی به‌عنوان "روبننا" به‌کار می‌رود. از وحدت یک زیربنای اقتصادی و یک روبنای معین اجتماعی، یک فورماسیون یا صورتبندی اجتماعی - اقتصادی به‌وجود می‌آید. به‌نظر مارکسیستها، روبنای جامعه توسط زیربنای جامعه معین می‌شود. وقتی یک زیربنای اقتصادی نوجایگزین زیربنای اقتصادی کهنه می‌گردد، روبنای تازه‌ای نیز دیر یا زود، جایگزین روبنای کهنه می‌شود. در عین حال روبنای یک امر منفعل نیست و می‌تواند در تحول روابط یا مناسبات تولیدی نقش مهمی داشته باشد.

Basic Diplomacy**دیپلماسی بنیادی**

منظور از این واژه، روابط سازمان یافته کشورها است با یکدیگر در چارچوب سازمانهای جهانی نظیر سازمان ملل متحد.

Battlebus**اتوبوس مبارزه انتخاباتی**

اتوبوسی که سیاستمداران از آن به‌عنوان یک مرکز سیار در مبارزات انتخاباتی استفاده می‌کنند.

باند؛ دار دسته**Band**

۱- دسته یا گروهی با یک هدف و منظور مشخص. ۲- گروه ابتدایی معمولاً خودجوش و دارای یک سر دسته یا رهبر مورد قبول اعضا. این گروهها به نوعی سازمان دست می یابند و به دلیل عکس العملهایی که در مقابل محیط اطرافشان نشان می دهند، گونه ای همبستگی در آنها به وجود می آید.

کنفرانس باندونگ**Bandung Conference**

کنفرانسی که از ۱۸ تا ۲۳ آوریل سال ۱۹۵۵ با شرکت ۲۸ کشور آسیایی و آفریقایی در شهر باندونگ اندونزی برپا گردید و در آن، سنگ بنای جنبش عدم تعهد گذارده شد. نهر، سوکارنو، عبدالناصر و چوئن لای از جمله شخصیتهایی بودند که در این کنفرانس حضور داشتند. اصولی که در بیانیه کنفرانس باندونگ اعلام شد، عبارتند از: ۱- احترام به حقوق اساسی انسانی و به هدفها و اصول منشور ملل متحد. ۲- احترام به حاکمیت و تمامیت سرزمینی همه ملتها. ۳- به رسمیت شناختن برابری همه نژادها و ملتها (بزرگ و کوچک). ۴- خودداری از دخالت یا مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر. ۵- احترام به حق هر ملت در دفاع مشروع فردی یا جمعی مطابق منشور ملل متحد. ۶- خودداری از ترتیب دادن قرارهای دفاع جمعی برای خدمت به منافع خاص هریک از قدرتهای بزرگ و نیز خودداری از اعمال فشار به هر کشور توسط کشور دیگر. ۷- خودداری از تجاوز یا تهدید به تجاوز یا استفاده از زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر کشور. ۸- حل اختلافات بین المللی از طرق صلح آمیز مثل مذاکره، آشتی، داوری یا رسیدگی قضایی و نیز راههای دیگر صلح آمیز به انتخاب طرفین اختلاف، منطبق با منشور ملل متحد. ۹- ارتقای همیاری و منافع متقابل. ۱۰- احترام به عدالت و تعهدات بین المللی.

همرنگ جماعت شدن**Bandwagon , Climbing Aboard the**

۱- یکی از شیوه های تبلیغات سیاسی در ایالات متحده آمریکا و مجازاً به معنی ابراز تمایل به حمایت از کاندیدا یا طرح پیشنهادی - بدون توجه جدی به محاسن یا معایب آن - است که به نظر می رسد موفقیت آن حتمی باشد. ۲- به چنگ آوردن حمایت افراد با استفاده از تبلیغات دامنه دار برای پشتیبانی از یک کاندیدا یا طرح پیشنهادی. یکی از ویژگیهای زندگی اجتماعی در آمریکا، هم رنگ شدن با دیگران است. این احساس بویژه در سالهای ۱۹۵۰ با قوت تمام حاکم بود و مردم سعی می کردند از یکدیگر عقب نمانند. در این شرایط، متفاوت بودن یا هماهنگ نشدن مستلزم شهامت بود و در دورانی مانند دوره "مک کارتیس" خطر محض به شمار می آمد.

قدرت چانه زنی**Bargaining Power**

اصطلاحی است که در اصل، مربوط به روابط اتحادیه های کارگری و کارفرمایان است، به معنی قدرت طرفین در قبولاندن شرایط مورد نظر خود در موافقتنامه ای که درباره دستمزدها و مزایای تنظیم می شود. در سالهای اخیر، معنی و وسعتی در مورد روابط کشورهای تولیدکننده مواد خام با کشورهای صنعتی پیدا کرده است. همچنین به معنی توان فرد و شناخت ظرایف کار در معامله یا مصالحه است.

سیاسی یهودیان در کشورهای دیگر لطمه زند، انجام نگیرد. مایه سپاسگزاری من خواهد بود که مفهوم این اعلامیه را به اطلاع اتحادیه صهیونیستها برسانید. باید به خاطر آورد که بریتانیا به شریف مکه قول داده بود فلسطین مال عربها خواهد بود، طبق قرارداد سایکس-پیکو (پیمان سری بریتانیا و فرانسه در سال ۱۹۱۶) فلسطین می‌بایست تحت اداره و نظارت هیأتی بین‌المللی قرار گیرد و با دادن قول محرمانه سوم به یهودیان، هر دو قول سابق را که خود ناقض هم بودند، دوباره نقض کرده بودند. چرچیل نیز در سال ۱۹۲۲، تمایل بریتانیا را نسبت به مهاجرت یهودیان به فلسطین، در عبارت زیر خلاصه کرد: فلسطین بدل به کانون ملی یهود نخواهد شد ولی کانون ملی یهود در فلسطین ای-ناو خواهد گردید.

بالکانی کردن؛ بالکان مانند شدن

Balkanization

این واژه پس از اضمحلال و تجزیه امپراتوری اتریش-هنگری به کشورهای کوچک فاقد ثبات سیاسی مانند آنچه که در بالکان ایجاد گردید، باب شد و به‌طور کلی اشاره است به تجزیه و تقسیم یک منطقه به کشورهای کوچکتر. این واژه همچنین در ارتباط با سیاستهای مداخله‌گرانه دولتهای آفریقای جنوبی (در دوره حکومت نژادپرست) و اسرائیل در کشورهای آنگولا و لبنان به کار رفته است.

برگه رای‌گیری؛ رای مخفی

Ballot

ورقه رأی و رأی دادن (به روش مخفی).

پرده خیزرانی

Bamboo Curtain

واژه ابداعی روزنامه‌نگاران آمریکایی در دهه ۱۹۵۰ برای بیان کنترل جریان آزادانه افکار و اندیشه‌ها و رفت و آمد افراد در مرزهای جمهوری خلق چین. این واژه طعنه‌آمیز، نظیر واژه "پرده آهنین" است که در مورد شوروی سابق به کار رفته است.

جمهوری موز

Banana Republic

اشاره است به جمهوریهای آمریکای مرکزی دارای اقتصاد تک محصولی "موز". اکوادور بزرگترین تولیدکننده موز در این منطقه است. کاستاریکا، پاناما، هندوراس و گواتمالا نیز پس از اکوادور از مهم‌ترین تولیدکنندگان موزند. بیش از ۸۰ درصد تجارت جهانی موز در اختیار شرکتهای چندملیتی چی‌کیتا، دال و دل‌مونت قرار دارد. چندین سال پیش، سرمایه‌گذاران و شرکتهای عمده دست‌اندرکار تجارت میوه در آمریکا از نیاز کشورهای آمریکای مرکزی به احداث خطوط راه‌آهن سود هنگفتی بردند. این شرکتهای در مقابل ساخت هر کیلومتر راه‌آهن، ۵۰۰ هکتار از اراضی مرغوب کشاورزی در این نواحی را به‌چنگ آوردند. شرکت آمریکایی یونایتد فروت با استفاده از این شیوه، بسیاری از زمینهای مستعد کشاورزی در این نواحی را تصاحب کرد و آنها را به کشت موز اختصاص داد. برای بسیاری از مردم آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین، شرکت یونایتد فروت، سمبل غارتگری امپریالیسم آمریکا بود. به همین دلیل، این شرکت از مدتی پیش، برچسب موز صادراتی را از یونایتد فروت به چی‌کیتا تغییر داد و از سال ۱۹۹۰ نام خود شرکت نیز چی‌کیتا شد.

تراز پرداختها؛ موازنه پرداختها**Balance of Payments**

حساب مجموع عملیات پرداختها و دریافتهای یک کشور در نتیجه دادوستد بین‌المللی در دوره‌ای معین.

موازنه قدرت؛ توازن قوا**Balance of Power**

عنوان نظریه‌ای در روابط بین‌المللی که به موجب آن، باید چنان موازنه‌ای بین قدرت دولتها برقرار باشد که مانع چیرگی یکی یا گروهی از آنها بر سایرین باشد تا در نتیجه، صلح محفوظ بماند. هدف طرفداران خلع سلاح را می‌توان تعمیم این سیاست در سراسر جهان متمدن دانست، به نحوی که هیچ دولتی قادر نباشد دولت دیگر را مورد تهدید قرار دهد یا بر آن چیره شود.

توازن ترس؛ موازنه وحشت**Balance of Terror**

توازن نیروی اتمی بین دو یا چند کشور به طوری که هیچیک از آنها نمی‌توانند ضمن حمله اتمی، اقدام به وارد ساختن ضربه اول کنند، بدون اینکه از عواقب ناشی از ضربه متقابل در امان بمانند. در نتیجه، از یک سو هیچیک توانایی وارد کردن ضربه اول را ندارند، و از سوی دیگر، بقیه قادر به وارد کردن ضربه دوم هستند. منشأ اصطلاح موازنه وحشت، این سخن چرچیل است که گفت: ای بسا امنیت که فرزندان برومند وحشت خواهد بود.

تراز بازرگانی؛ موازنه تجاری**Balance of Trade**

حساب جاری تراز پرداختها یا خلاصه حساب صادرات و واردات یک کشور در دوره‌ای معین.

نظریه تعادل**Balance Theory**

نظریه‌ای است در مورد روابط و مناسبات بین افراد. شروع این رابطه، وضعیتی است که در آن، شناخت این یا آن فرد در مورد مردمی که با آنها در ارتباط است با احساسات و هیجانانش در مورد همانها هماهنگ می‌شود. اگر افکار و احساسات فرد نسبت به مردم تغییر یابد، این تعادل برهم می‌خورد و امکان دارد که او را گرفتار فشار روانی کند.

عقاب بی‌مو**Baldheaded Eagle**

اشاره‌ای است کنایه‌آمیز به عقاب یا شاهین که سمبل ایالات متحده آمریکا است.

اعلامیه بالفور**Balfour Declaration**

روز دوم نوامبر سال ۱۹۱۷ آرتور جیمز بالفور وزیر امور خارجه بریتانیا، نامه ابهام‌آمیزی را که به اعلامیه بالفور مشهور شده است خطاب به لرد روچیلد، یهودی بریتانیایی و رئیس اتحادیه صهیونیستها صادر کرد: بسیار خوشوقتم که از طرف حکومت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا، اعلامیه زیر را مبنی بر موافقت با خواست صهیونیستها که به وسیله کابینه تصویب شده است، به اطلاعتان برسانم: "حکومت اعلیحضرت، تأسیس کانون ملی برای یهودیان را در فلسطین با نظر مساعد تلقی می‌کند و برای رسیدن به این هدف، مساعی حسنه خود را به کار خواهد برد، مشروط بر اینکه هیچ نوع اقدامی که به حقوق مدنی و مذهبی اجتماعات غیریهودی در فلسطین و یا به حقوق و موقعیت

بین‌المللی، دین منفور دینی است که در جهت اجرای مقاصدی مخالف با حقوق بین‌الملل معاصر و بویژه اصول حقوق بین‌الملل مندرج در منشور ملل متحد، تعهد شده است. دیون جنگی دیونی هستند که از طرف یک کشور برای پشتیبانی از اقدامات جنگی علیه کشور دیگر، تعهد می‌گردند. به عبارت دیگر، دیونی که به منظور تأمین هزینه‌های جنگی از طرف قدرت حاکمه سابق در جهت مقابله با جنگهای استقلال طلبانه ایجاد شده‌اند. دیون سلطه‌جویی، دیونی هستند از طرف یک کشور به منظور اینکه در سرزمینی که بر آن مسلط و یا در صدد تسلط بر آن است، نهضت‌های شورشی و یا جنگهای آزادیبخش را سرکوب کند و یا اینکه پایه‌های استعمار اقتصادی خود را مستحکم سازد. دیون رژیم: اگر یک قدرت استبدادی، دینی را تعهد کند که نه در راه منافع و احتیاجات کشور، بلکه به منظور تقویت رژیم استبدادی و سرکوبی مردمی باشد که با آن مبارزه می‌کنند، این دین برای مردم و کشور منفور است. چنین دینی، ملت را متعهد نمی‌کند، بلکه یک دین رژیم یا دین شخصی دیکتاتور تلقی می‌شود و از این رو، چنین دینی با سقوط قدرت استبدادی ساقط می‌گردد.

پیمان بغداد

Baghdad Pact

اتحادی برای حفظ صلح و امنیت در خاورمیانه و اساس توسعه سازمان پیمان مرکزی (ستتو). در سال ۱۹۵۵، نخست عراق و ترکیه و سپس انگلستان، ایران و پاکستان به آن پیوستند. آمریکا که مشوق و حامی این پیمان بود فقط به عضویت کمیته‌های نظامی و اقتصادی آن درآمد، اما بعداً قراردادهای دوجانبه با ایران، ترکیه و عراق منعقد نمود. آمریکا با توجه به سیاست محاصره یا مهار کمونیسم، پیمان بغداد را کمر بند شمالی دفاع از خاورمیانه در برابر شوروی سابق و شوروی نیز آن را به عنوان ابزاری در دست تجاوزگرانی قلمداد می‌کرد که تمایلی به صلح و امنیت ندارند. عراق پس از انقلاب ژوئیه سال ۱۹۵۸ پیمان بغداد را ترک گفت و در سال ۱۹۵۹ مرکز آن به آنکارا انتقال یافت و بجای پیمان بغداد، سازمان پیمان مرکزی یا ستتو به وجود آمد.

بیخانمانها؛ خانه بدوشان؛ بی سرپناهان

Bag People

کسانی که دار و ندارشان را در کیسه‌ای ریخته و همه جا آن را با خود حمل می‌کنند و شبها را نیز در خیابانها به سر می‌برند. این واژه در دهه ۱۹۷۰ و بویژه در مورد خانه بدوشان شهر نیویورک به کار رفت و صورت مفرد آن Bag Person است.

باکونینسم

Bakuninism

عقیده سیاسی منسوب به میخائیل باکونین، آنارشویست و انقلابی خرده بورژوازی روسی که در انترناسیونال اول به ضدمارکسیسم مبارزه می‌کرد و در سال ۱۸۷۲ از آن اخراج گردید. او به‌غرایز سوسیالیستی و روحیه انقلابی خودبخودی توده‌ها، بویژه دهقانان و لومپن پرولتار یا اعتقاد داشت و نیاز به تدارک انقلاب را انکار می‌کرد و مدافع مبارزه قهرآمیز و مشی ترور فردی به‌منظور امحاء فوری تمام نهادهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی و جایگزینی آنها با یک فدراسیون آزاد انجمنهای مستقل بود. باکونین اعتقاد داشت که هر قدرتی هر قدر هم انقلابی باشد، بالآخره به مردم خیانت می‌کند، زیرا می‌خواهد خود را جاودان سازد. لزوم نابودی دولت، حفظ فوق‌العاده حقوق فردی و انکار خداوند از جمله مشخصات این مسلک است.

نرسد که آثار طعنه آمیزش درباره زندگی طبقه متوسط آمریکا در داستانهای مثل باییت و Main Street در ادبیات آمریکا دارای مقام بزرگی است.

Babeufism

بابوفیسم؛ مساوات طلبی افراطی

طرفداری افراطی از مساوات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی. این واژه از نام فرانسوا نوبل بابوف (۱۷۹۷-۱۷۶۰) یکی از پیشوایان انقلاب کبیر فرانسه گرفته شده که انجمنی را برای ترویج مساوات اقتصادی تشکیل داد. هیأت مدیره انقلاب، این انجمن را مردود شناخت و بابوف و هواداران او نیز توطئه طرفداران مساوات را برای سقوط حکومت طرح کردند. توطئه آنها کشف شد و بابوف به اعدام محکوم گردید. دکترین بابوف از این جهت حائز اهمیت است که اول بار، کمونیسم را به عنوان یک برنامه سیاسی عرضه نمود. کمونیسم بابوف با کمونیسم مارکس و انگلس در این زمینه تفاوت دارد که روشی برای تولید و سازماندهی کار ارائه نمی دهد، بلکه فقط معطوف به توزیع برابر ثروت است.

Baby Boom

پرزایی (در آمریکا)؛ موالید بعد از جنگ جهانی دوم (در آمریکا)

نسل متولد شده بعد از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) تا سال ۱۹۶۴ در آمریکا که میزانشان بیش از حد انتظار بود. این افزایش چشمگیر جمعیت در آمریکا با اصطلاح Baby Boom بیان شده است. به هر عضو نسل متولد شده در این دوران افزایش زاد و ولد نیز Baby Boomer اطلاق شده است.

Backbencher

عضو پارلمان (در انگلستان)

نماینده معمولی پارلمان در انگلستان که در نیمکتهای جلو نمی نشیند، وزیر حکومت یا عضو کابینه مخالف خیالی (سایه) هم نیست.

Backlash

واکنش؛ شورش

این واژه در آمریکا برای اشاره به واکنش ناگهانی و تند در برابر یک سیاست بدعت آمیز به کار رفته است.

Backwarded Countries

کشورهای عقب افتاده

به کشورهایی اطلاق می شود که در آنها بیسوادی، کشاورزی و تولید فنی سنتی، عدم تمایل برای انجام درست کار، عدم وجود روحیه نوآوری و توسعه و پیشرفت، اختلاف طبقاتی، سطح پایین فرهنگ و بهداشت و تغذیه حاکم باشد.

Bacteriological Warfare

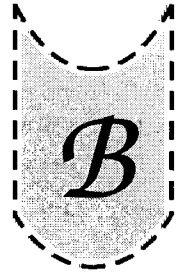
جنگ میکروبی

جنگ با انتشار انواع باکتریها و میکروبها و اقسام مختلف تبها و سایر امراض مسری در جبهه و پشت جبهه به منظور نابودی جمعی نیروهای نظامی و افراد غیر نظامی که در پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، رسماً و صریحاً ممنوع و قدغن شده است.

Bad Debts

دیون منفور؛ دیون غیر قابل وصول

دین منفور از دید دولت و یا رژیم جانشین، دینی است که از طرف دولت سابق در جهت اجرای مقاصد مخالف با مصالح عالی و دائمی ملت یا ناحیه مورد نظر تعهد شده است. از دید جامعه



بعث

Baath (Resurrection)

واژه عربی به معنی رستاخیز و برانگیختن. از نظر سیاسی، عنوان نهضت فکری و حزب سیاسی است با شعار "وحدت (اعراب)، آزادی (از سلطه خارجی)، سوسیالیسم" که اساس آن در سال ۱۹۴۰ به وسیله میشل عفلق (۱۹۸۹-۱۹۱۰) مسیحی سوری و صلاح الدین بیطار (۱۹۸۰-۱۹۱۱) مسلمان سنی سوری ریخته شد. حزب بعث در سال ۱۹۴۶ رسماً موجودیت خود را اعلام کرد. دکترین حزب بعث عمدتاً توسط میشل عفلق که بویژه تحت تأثیر اندیشه‌های آندره ژید، رومن رولان، آنتول فرانس، مارکس و نیچه قرار داشت، تدوین شده است. اعتقاد بعث به اصالت و رسالت قومیت عرب است. بعث به تأسیس دولت واحد عرب که از خلیج فارس تا اقیانوس اطلس گسترده باشد، اعتقاد دارد. سوسیالیسم بعث نیز بر پایه همکاری و تعاون اقشار اجتماعی استوار است و نه بر اساس جنگ و مبارزه طبقاتی. از این رو، بعثیها با سوسیالیسم علمی مخالفند و اصولاً سوسیالیسم را نوعی ناسیونالیسم می‌دانند که به اعراب امکان می‌دهد تا نیروهای بالقوه خود را به منصفه ظهور برسانند. بعث به جدایی سیاست از دین معتقد است و اهمیتی که به اسلام می‌دهد، صرفاً از دیدگاه قومی و فرهنگی است. بعثیها معتقدند که قوم عرب دوبرانگیختگی بزرگ تاریخی داشته است: ۱- بعثت پیامبر اسلام که در اثر آن قوم عرب یکپارچه و متحول شد ۲- رستاخیز جدید که پس از چندین قرن خمودگی و عدم تحرک اعراب به وجود آمده است. بعث که نام خود را با الهام از بعثت برگزیده، خویشتر را رهبر رستاخیز یا برانگیختگی جدید می‌داند. حزب بعث عربی در سال ۱۹۵۳ با حزب سوسیالیست عربی سوریه به رهبری اکرم حورانی ائتلاف کرد و از ائتلاف آنها "حزب سوسیالیست بعث عربی" تشکیل یافت. حزب حاکم بعث عراق بعد از اشغال این کشور توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ از بین رفت.

بابیت

Babbitt

شخص از خود راضی، تازه به دوران رسیده، فخر فروش که از آرمانها و برداشتهای طبقه متوسط پیروی می‌کند. این واژه از نام شخصیت داستان بابیت نوشته سینکلر لوئیس گرفته شده که در سال ۱۹۲۲ انتشار یافت. در میان نویسندگان آمریکایی داستانهای جدی شاید کسی به پای سینکلر لوئیس

آن دولت یا نظام برای جلب و جذب افشار آگاه و روشن محسوب می‌شود. جذب یک نیروی آگاه و روشن بیشتر از همراه کردن انبوهی از ناآگاهان و جاهلان اهمیت دارد.

Axiology

ارزش‌شناسی

نظریه‌ای که جنبه‌های فلسفی ارزشهای اخلاقی را بررسی می‌کند.

Axiom

امر بدیهی؛ اصل متعارف

این واژه در مفهوم سیاسی به معنی واقعیت روشن، تردیدناپذیر، بدیهی و غیرقابل انکار آمده است و به‌طور کلی، به‌امور پذیرفته و غیرقابل تردید گفته می‌شود.

Axis

محور

نامی که به‌همبستگی آلمان هیتلری و ایتالیای فاشیست بر پایه پیمان سری آنها در اکتبر سال ۱۹۳۶ داده شده است. این واژه را موسولینی بعد از امضای پیمان مزبور در نطق اول نوامبر همین سال به‌کار برد که ضمن آن، دو کشور آلمان و ایتالیا خود را متعهد به‌مقابله با حکومت جمهوری اسپانیا و کمونیسم ساخته بودند. وجه تسمیه "محور" این بود که همه کارهای سیاسی و اقتصادی جهان بایستی پیرامون این محور می‌چرخید. در طول جنگ جهانی دوم، شمار کشورهای محور به‌شش رسید که بجز دو کشور آلمان و ایتالیا عبارت بودند از ژاپن، مجارستان، بلغارستان و رومانی.

Axis of Evil

محور شرارت

جورج بوش (پسر) رئیس جمهوری آمریکا در ۲۹ ژانویه سال ۲۰۰۲ ضمن نطقی در کنگره، به سه کشور ایران، عراق و کره شمالی حمله کرد و از این جهت که خود را به نظر او به سلاحهای کشتار جمعی مجهز می‌کنند و صلح جهانی را مورد تهدید قرار می‌دهند، محور شر خواند.

Autocrat**حاکم مطلق؛ خودکامه؛ خودرای**

شخصی که در یک حکومت استبدادی فردی یا یک مؤسسه نسبت به دیگران اعمال قدرت می‌نماید.

Autocritics**انتقاد از خود**

انتقاد خصوصی یا علنی که انتقادکننده درباره اعمال خود و یا رفتار گذشته‌اش به عمل می‌آورد و عبارت است از روش اساسی پی‌بردن به اشتباهات و کمبودها و از بین بردن و جلوگیری از تکرار آنها.

Autogestion**خودسامانی اداری؛ خودگردانی**

اصطلاح فرانسوی برای اشاره به اعطای صلاحیت تصمیم‌گیری پاره‌ای از امور محل به یک ناحیه یا محل مانند ده، شهر، شهرستان و یا استان و نیز اداره امور یک محل کار توسط کارکنان آن. این اصطلاح فرانسوی مترادف اصطلاح دموکراسی صنعتی است.

Autonomous Republic**جمهوری خودمختار**

یکی از تقسیمات اداری (در شوروی سابق) که مبتنی بر یک ملت بخصوص و متمایز از ملیتهای مسلط است.

Autonomy**خودمختاری؛ خودگردانی؛ خویشکاری؛ آزادی عمل**

استقلال محدود یک واحد سیاسی یا جز آن در اداره امور خود. در مورد سرزمینهای تحت استعمار، خودمختاری مرحله قبل از استقلال است که طی آن مردم مستعمره، توانایی اداره امور خود را به دست می‌آورند. در تقسیمات داخلی کشورها، خود مختار عنوان آن دسته از استانها یا ایالتهاست که به جهت شرایط ویژه قومی، نژادی، مذهبی و نظایر اینها، از استقلال محدود داخلی برخوردارند و فقط در امور مربوط به سیاست خارجی و دفاع تابع حکومت مرکزی‌اند.

Avant-garde (Vanguard)**آوانگارد؛ پیشتاز؛ پیشگام**

۱- واژه فرانسوی که از ترکیب آوان (پیش) و گارد (قراول) درست شده و به مفهوم بخش پیشتاز یک جامعه، یک طبقه یا واحد نظامی است. ۲- کسی که جلوتر از رویدادها حرکت کند یا به استقبال پدیده‌های تازه بشتابد. این واژه پس از انقلاب اکتبر روسیه در مورد نوآوران فرهنگی و سیاسی به کار می‌رفته که فراتر از چارچوب درک عامه قرار داشتند.

Avulsion**تغییر وضع خاک**

در حقوق بین‌الملل، زمانی که در وضعیت مسیر یک رودخانه، تغییر ناگهانی ایجاد شود، سرحد بین دو کشور در وضعیت قبلی (بستر قدیمی رودخانه) باقی می‌ماند.

Aware**آگاه؛ بیدار؛ روشن؛ مطلع**

صفت شخص یا گروه اجتماعی که دلالت بر با خبری کامل از اوضاع و احوال و مسائل جاری (در یک حوزه خاص) دارد. یکی از معیارهای توانایی و سلامت یک دولت یا نظام سیاسی، توانایی

اشخاص قدرتمند، تسلیم است ولی در برابر ضعیفان، سختگیر. منطق برای شخصیت‌های استبدادطلب مطرح نیست. آنچه اهمیت دارد، میزان قدرت مخاطب است.

Authoritarian Regime (Government)

رژیم سلطه طلب؛ حکومت اقتدارطلب

رژیمی که در آن، قدرت در دست یک رهبر یا گروهی از برگزیدگان خودکامه متمرکز است. استقرار رژیم سلطه طلب، پاسخ سرمایه داری به جنبش انقلابی توده‌ها است در شرایطی که تعادل قدرت در پارلمان و دیگر نهادهای سیاسی به سرعت در حال تغییر به ضرر سرمایه داری است. ویژگی‌های رژیم‌های سلطه طلب به شرح زیر است: افزایش ناگهانی قدرت رئیس دولت که عملاً کارکردهای رئیس حکومت را نیز اعمال می‌کند، سلب حقوق و اختیارات پارلمان، تضعیف نهادهای مبارزه و فشار اجتماعی که می‌توانستند بر سیاست حکومتی اعمال نفوذ کنند، تغییر و تطبیق نظام انتخاباتی با نیازهای رژیم مبتنی بر قدرت شخصی، استفاده از فراندوم به منظور ایجاد این توهم که بین مردم و رئیس دولت یگانگی وجود دارد.

Authority

اقتدار؛ مرجعیت؛ اختیار؛ مقام (صلاحیت دار)؛ سازمان (دولتی)؛ اتوریته

۱- نیرویی که از سنت، قانون، عقل و یا جاذبه و فره شخصی ناشی شود؛ هریک از این موجبات مشروعیت قدرت. اقتدار یا قدرت مشروع ممکن است از آن فرد باشد (مثل مرجعیت موجود بین والدین و فرزندان) یا به منصب و دیوان تفویض شده باشد (مثل مرجعیت سنای روم) یا به سلسله مراتب سازمانهای مذهبی تعلق گیرد. مشخصه بارز اقتدار یا آمریت، شناسایی بی چون و چرای آن به وسیله کسانی است که انتظار می‌رود آن را گردن نهند. حفظ اقتدار، محتاج احترام به شخص یا به منصب است. بزرگترین دشمن اتوریته یا اقتدار، تحقیر و تمسخر است. ۲- منبع موثق، مقام (صلاحیت دار)، سازمان (دولتی) یا مؤسسه‌ای که معمولاً از طرف دولت برای انجام کار معینی مجاز شده است. ۳- داشتن قدرت انجام کار مشخص.

Autism

درونمداری؛ خودگرایی؛ درخود فرورفتگی

فرورفتن در خود و دنیای خارج را از دریچه خواهشهای دل و احتیاجات فردی دیدن.

Autistic Thinking

تفکر رویانی

حالت ذهنی کسی که واقعیات موجود در دنیا و محیط زندگی خود را نادیده می‌گیرد و آن را به صورتی که میل دارد، تصور می‌کند.

Autocracy

حکومت استبدادی فردی؛ خودکامگی؛ یک‌سالاری

۱- حکومتی که در آن، ساخت قدرت شامل ویژگیهای زیر است: تمرکز شدید قدرت در دست یک نفر، فقدان قوانین و ستنهایی که بر کاربرد قدرت حدی گذارد، فقدان حدود سنتی و قانونی بر اقتدار زمامدار. ۲- شکلی از حکومت که در آن، قدرت بدون اتکاء به قوانین اساسی بدون در کف اختیار یک فرد قرار داشته باشد و از هیچ‌گونه محدودیت قانونی نیز برخوردار نباشد و از دست وی نیز نتوان به هیچ کس یا مرجعی تظلم کرد.

تهیه می‌شود. این گونه ورقه رأی چون در استرالیا مورد استفاده قرار می‌گرفت، به ورقه رأی استرالیائی معروف شد.

Autarchy

حکومت مطلقه؛ استبداد؛ خودسالاری؛ اوتارکی

این واژه مبهم یونانی الاصل یا به دو معنی "حکومت بر خود" و "حکومت مطلقه" و یا به غلط مفهوم "خودکفایی اقتصادی" autarky به کار می‌رود، زیرا هر دو اصطلاح autarchy, autarky در زبان انگلیسی به یک صورت تلفظ می‌شوند.

خودکفایی اقتصادی؛ اوتارکی

Autarky

این واژه که از Autarchy متمایز است، بیشتر از جنبه اقتصادی و برای اشاره به هدف خودکفایی در مواد غذایی، مواد خام و تولیدات مختلف به کار می‌رود. هدف خودکفایی اقتصادی در واقع بخشی از سیاست انزوای طلبی شمرده می‌شود. در حال حاضر، رسیدن به خودکفایی اقتصادی تنها برای کشورهایی که تنوع عظیم امکانات اقتصادی در داخل آنها موجود است، امکان دارد.

صحه‌گذاری

Authentication

تأیید درستی سند و قانونی بودن آن و یا مرحله‌ای در انعقاد عهدنامه که براساس آن، متن قطعی عهدنامه به عنوان متن درست و معتبر شناخته می‌شود.

اصالت

Authenticity

ایده آل مرتبط با فیلسوفان اگزیستانسیالیست (ژان پل سارتر و مارتین هایدگر) که به موجب آن، فرد باید خودش، خودش را بیافریند، نه آنکه از طریق فرامین و ترتیبات خارجی هویت پیدا کند.

Authoritarianism

اقتدارطلبی؛ قدرت‌گرایی؛ استبدادطلبی؛ فرمان‌پرستی؛ مرجع باوری؛

اتوریتاریانیسم

۱- آیین مبتنی بر هواداری از سرسپردگی محض به مرجع اقتدار و مخالفت با آزادی فرد. ۲- حکومتی که در آن، آزادی فردی به طور کامل تحت الشعاع قدرت دولت که معمولاً در گروه کوچکی از پیشوایان یا متنفذان متمرکز است، قرار گیرد. ۳- شیوه‌ای در اداره و حکومت که به موجب آن، کارها بیشتر از روی دستورات بی‌چون و چیرا و تهدید به مجازات صورت می‌گیرد و در آن از مشورت و اقناع افراد اثری نیست.

Authoritarian Management

مدیریت اقتدارطلب؛ مدیریت قدرت‌نما

شیوه‌ای در مدیریت مبنی بر اینکه روابط انسانی نقشی در شکل‌گیری امور ندارد و مردم، خودمحور و تنبل و فاقد حس همکاری‌اند و برای برقراری انضباط میان خود احتیاج به نظارت و هدایت شدید دارند.

Authoritarian Personality

شخصیت استبدادطلب؛ شخصیت قدرت‌اندیش؛

شخصیت قدرت‌گرا؛ شخصیت قدرت‌پرست

شخصیتی که قوی را تکریم و ضعیف را تحقیر می‌کند. به بیان دیگر، شخصیتی که در برابر

Attitude to Women**نگرش به زنان**

یکی از مهمترین طرزهای برخورد اخلاقی با زنان، نگرش یک مرد به یک زن آشکار می‌کند که تا چه حد رفتار طبیعی مرد، شایسته انسان است و تا چه حد، خود او را در همان حالت می‌توان موجودی اجتماعی دانست. این نگرش و نیز روابط واقعی بین دو جنس، پدیده‌ای تاریخی است که توسط شیوه تولید و نظام اجتماعی مشخص می‌شود. در بیشتر جوامع، فعالیت‌های مردان در سلسله مراتبی بالاتر از فعالیت‌های زنان قرار داده شده است. اگرچه نباید فراموش کرد که زنان بار مسئولیت خانواده را نیز بر دوش دارند. به نظر عده‌ای، نگرش به زنان باید بر اساس اصول زیر باشد: ۱- زن یک شیء تحت سرپرستی و قدرت مرد نیست. او شریک مرد است و در فعالیت‌های شخصی و اجتماعی فرقی با دیگران ندارد. ۲- این شراکت شامل تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، کار، خانواده و زندگی روزمره می‌شود که زنان باید از فرصت‌های برابر با مردان برخوردار شوند. البته این امر متضمن هویت روانشناختی و اجتماعی دو جنس نمی‌شود. از آنجا که زنان دارای صفات اختصاصی معینی هستند که با جنبه مادری و پرورش فرزندان ارتباط دارد، به آنان حقی اخلاقی می‌دهد برای مراقبت ویژه و توجه به بخشی از اجتماع به طور کلی و جمعیت مردان به طور خاص.

Audience**حضور**

گروهی است موقت که در معرض محرک واحدی قرار دارد. در بین اعضای حضار یا مخاطبان حداقلی از عمل متقابل وجود دارد و واکنش‌های دیگران در مورد چیزی که واقع می‌شود معمولاً بر واکنش‌های هر یک از اعضای گروه اثر می‌گذارد. مثلاً وقتی شخصی در اجتماعی دست بزند اما دیگران ساکت بمانند، احساس خجالت می‌کند که حاکی از تأثیر رفتار سایر اعضای گروه بر شخص است. همچنین شخص نیز امکان دارد بر رفتار دیگران اثر گذارد. مثلاً وقتی در موقع معینی دست بزند و دیگران از او تبعیت کنند.

Augean Stables**اصطبل‌های اوژیاس؛ طویله‌های اوژیاس**

در افسانه‌های یونانی آمده است که پادشاهی به نام اوژیاس یا آوگیاس Augias سه هزار گاو نر داشت. اصطبل‌های او مدت سی سال تمیز نشده بود. هرکول قهرمان افسانه‌ای مأمور شد که آنها را در یک روز تمیز کند. وی این کار را با منحرف کردن دو رودخانه و گذراندن آنها از اصطبل‌ها انجام داد. از اصطلاح اصطبل‌های اوژیاس گاهی برای اشاره به مراکز و ادارات دولتی در بعضی کشورها که پر از فساد، ارتش و خرابکاری‌های دیگر است استفاده می‌شود که هرکول نیز قادر به پاکسازی آنها نیست.

Austerity**ریاضت (اقتصادی)**

برنامه یا سیاست سفت کردن کمر بندها در یک کشور برای کاهش مصرف و پائین آوردن سطح زندگی مردم که به منظور ایجاد موازنه در بودجه، تعادل تراز پرداخت‌های خارجی یا افزایش کالاهای سرمایه‌ای اجرا می‌شود.

Australian Ballot**برگه رأی استرالیایی**

ورقه رأیی که شامل نام‌های تمام کاندیداهای مناصب حکومتی است و توسط مقامات دولتی

ذره ذره سازی**Atomization**

فرایند تجزیه گروه‌های بزرگ جامعه به عناصر منفرد یا انحلال گروه‌های موجود به منظور به تحلیل بردن امنیت افراد، جدا کردن بیشتر آنها از هم و وابسته کردن آنها به قدرت متمرکز رژیم سیاسی.

طرح اتم برای صلح**Atoms for Peace Plan**

پیشنهاد آیزنهاور رئیس جمهوری آمریکا به اجلاس هشتم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۳ مبنی بر همکاری بین دولتهای هسته‌ای (دارنده مواد و سلاحهای هسته‌ای) و ملل دیگر در مورد کاربرد و استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی. طرح اتم برای صلح در سال ۱۹۵۷ به تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجامید. این آژانس وظیفه دارد که بر کاربرد صلح‌آمیز مواد هسته‌ای نظارت نماید.

آتاشه؛ وابسته**Attaché**

عنوان وابسته به پایین‌ترین مقام در اعضای یک مأموریت دیپلماتیک اطلاق می‌گردد. ولی اغلب برای انجام وظایفی خارج از امور ساده دیپلماتیک نیز عنوان وابسته داده می‌شود که در این صورت، وظایف خاص آنها بعد از عنوان وابسته ذکر می‌شود: مثل وابسته نظامی، وابسته فرهنگی، وابسته بازرگانی، وابسته مطبوعاتی.

دل‌بستگی؛ وابستگی (احساس عاطفی)**Attachment**

پشتیبانی صمیمانه و صادقانه از یا داشتن احساس عاطفی به یک دین، آرمان، شخص، سازمان و یا حزب سیاسی.

سوء قصد**Attentat**

این واژه در معنی لغوی فرانسه، عبارت است از هر اقدام به ضد قوانین، در یک موقعیت مهم و نسبت به یک مورد اساسی. در اصطلاح حقوقی، در معنی عملیات مقدماتی تهیه جرم و شروع جرم و بویژه جرائم بر ضد امنیت کشور به کار رفته است. سوء قصد همچنین در ارتباط با قصد قتل و ترور ناموفق به کار می‌رود، اما قتل آرشیدوک فرانز فردیناند اتریشی در سال ۱۹۱۴ سوء قصد خوانده شده است. ظاهراً آغاز جنگ جهانی اول به این علت بود که شخصی از اهالی صربستان، کشور کوچکی در بالکان که قبلاً جزء یوگوسلاوی بود و اکنون به همین نام شهرت دارد، ولیعهد اتریش، فرانز فردیناند را در روز ۲۸ ژوئن سال ۱۹۱۴ در شهر ساریه‌وو که اکنون در کشور بوسنی و هرزگووین قرار دارد و آن زمان جزء قلمرو اتریش بود، به قتل رسانید.

شرط سوء قصد**Attentat Clause**

ماده‌ای در بعضی عهدنامه‌های استرداد مجرمین که طبق آن، سوء قصد علیه جان رئیس کشور یا اعضای خانواده او، جرم سیاسی شمرده نمی‌شود و در نتیجه، مرتکب جرم قابل استرداد است.

Attitude**نگرش؛ طرز فکر؛ تلقی؛ برداشت؛ طرز تلقی؛ نظر؛ ایستار**

۱- نظر و دیدگاه ثابت و خاص در برابر یک واقعه، وضعیت یا مورد. ۲- تمایل به عمل کردن در جهت موضوعها و در وضعیتهای وابسته به هم به صورت ثابت و مشخص.

ایالات متحده آمریکا در ویتنام و نیز به دنبال تغییراتی که در کامبوج به وجود آمده، از لحاظ سیاسی فعالتر شده است. از آنجاکه یکی از اهداف آن، صنعتی کردن کشورهای عضو بوده، آسه آن با استرالیا و زلاند جدید و ژاپن مذاکراتی در این مورد انجام داده است. اخیراً عضویت کشورهای مثل هند نیز مطرح شده است. مقر آسه آن در جاکارتا قرار دارد.

Asthenia

ضعف؛ سستی

ناتوانی و کمی قدرت عمل.

Ataraxia

آرامش درون؛ بی‌غمی

حالت راحتی فکر و خیال و رهائی از اختلالات و آشفتگیهای عاطفی و احساساتی و اضطراب.

Atheism

الحاد

انکار خداوند کردن، نفی وجود فوق طبیعی، کفر و بی‌دینی.

Athenian Democracy

دموکراسی آتنی

شکل حکومت آتن باستان در فاصله قرون پنجم و چهارم قبل از میلاد مسیح که در آن تمام شهروندان بالغ ذکور حق رأی داشتند، زنان از وضعیت سیاسی و اقتصادی مستقلی برخوردار نبودند و بردگان نیز اصلاً جزء شهروندان به حساب نمی‌آمدند.

Atlantic Charter

منشور آتلانتیک

بیانیه‌ای که مشترکاً توسط چرچیل نخست وزیر بریتانیا و روزولت رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در چهاردهم اوت ۱۹۴۱ منتشر شد و دو کشور در آن، راجع به اصول اساسی مربوط به صلح جهانی و لزوم ایجاد یک نظام دائمی امنیت دسته‌جمعی به توافق رسیدند و همچنین مقرراتی را که بار طاقت فرسای تسلیحات را بر انسانهای صلح دوست سبک کند مورد تأیید قرار دادند.

Atlantic Community

جامعه آتلانتیک

این واژه بیانگر مشارکت دولتهای اروپای غربی و آمریکای شمالی برای حل مسائل مشترک امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

Atlantism

آتلانتیک‌گرایی

اصطلاح ژئوپولیتیکی که از جنبه تاریخی و جغرافیایی به بخش غربی تمدن جهان، از جنبه نظامی - راهبردی به کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و در درجه اول به ایالات متحده آمریکا، از جنبه فرهنگی به شبکه خبری و اطلاعاتی امپراتوریها - رسانه‌های غربی، از جنبه اقتصادی - اجتماعی به نظام بازار به عنوان شکل مطلق زندگی اقتصادی گرایش دارد. هدف آتلانتیک گرایان، راهبرندگان تمدن غرب و پیروان آنها در کشورهای دیگر جهان، قرار دادن نوع بشر تحت کنترل اجتماعی، اقتصادی و الگوهای فرهنگی تمدن غربی است. آنها سازندگان نظام نوین جهانی شمرده می‌شوند که در آن، یک اقلیت ثروتمند جمعیت کره زمین از همه امکانات و مواهب بهره می‌برند که به بلیون طلائی Golden Billion معروفند.

Assistance**مساعدت؛ کمک**

کمک بدون چشمداشت یک کشور به کشور دیگر.

Associated Status**موقعیت وابسته**

ارتباطی غیراستعماری بین یک کشور استعمارگر مثل بریتانیا و برخی از مستعمرات سابق آن، به این معنی که مستعمره سابق از خود مختاری کامل داخلی برخوردار می‌شود ولی حاکمیت بریتانیا را به عنوان رئیس کشور می‌پذیرد.

Association**انجمن؛ کانون؛ اتحادیه؛ پیوستگی**

۱- گروهی که آگاهانه و برای مقصودی مشخص و تخصصی تشکیل شده باشد. جامعه جدید با انواع کانونها، مثل احزاب، اتحادیه‌های کارگری، شرکتهای بازرگانی، انجمنهای علمی و فنی مشخص می‌شود. ۲- در حقوق بین الملل، بیانگر مفهوم ابداعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۶۰) به منظور استعمارزدایی است. در پیوستگی، یک منطقه پیوسته (با توافق مردم منطقه و اینکه پیوستگی در مسیر توسعه منطقه پیوسته باشد) با حفظ استقلال داخلی، پیوسته یک دولت مستقل شود که مسئولیت امور خارجی و دفاعی آن را برعهده می‌گیرد.

Association for the Taxation of Financial Transactions for the Aid of Citizens**(ATTAC)****اتحادیه همیاری مالی و مالیاتی شهروندان**

این جنبش برای نخستین بار، از مجموعه‌ای از نیروهای پیشرو فرانسه که بخشی از آنها در ارتباط با مجله لوموند دیپلماتیک فعال بودند، تأسیس شد. این جنبش، اصول خود را براساس مبارزه با فعالیت فراگیر و جهانی سرمایه مالی که نادیده گرفتن حقوق مردم از تبعات مشخص آن شمرده می‌شود، قرار داده است. اتک، تاکنون پیکارهای گسترده‌ای علیه سازمان جهانی تجارت، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و نیز تاخت و تاز لیبرالیسم جدید در نقاط مختلف دنیا سازمان داده است. هدفهای اصلی اتک عبارتند از: ۱- اخذ مالیات توبین Tobin مبادلات مالی (انتقال پول) در سطح بین‌المللی. مالیات توبین از نام جیمز توبین اقتصاددان برنده نوبل سال ۱۹۸۱ است که اخذ پنج صدم درصد مالیات از سرمایه در سطح بین‌المللی را مطرح می‌کند. ۲- لغو کامل بدهیهای کشورهای در حال توسعه. ۳- سرمایه‌گذاری با مسئولیت در برابر جامعه از سوی صندوق بازنشستگی. ۴- مبارزه با سیاست مالیات‌گریزی انحصارات و شرکتهای.

Association of South-East Asian Nations (ASEAN)**انجمن ملل جنوب شرقی آسیا؛ آسه‌آن؛ اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا**

این انجمن یا اتحادیه در هشتم اوت ۱۹۶۷ به منظور سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، ایجاد ثبات سیاسی در جنوب شرقی آسیا، پائین آوردن تعرفه‌های تجارتنی بین کشورهای منطقه و تشویق اعضا به مبادله اطلاعات علمی و اقتصادی و فنی و فرهنگی تأسیس یافت. اعضای آسه‌آن عبارتند از: اندونزی، برونئی، تایلند، سنگاپور، فیلیپین، کامبوج، لائوس، مالزی، ویتنام و میانمار رکن اصلی این سازمان، شورای وزیران امور خارجه است. اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا پس از شکست

نظام سابق روسیه شوروی می دانست. به نظر او، کمونیستهای روسی از ترس اعتراف به اینکه بر اساس شکل سوسیالیستی مالکیت جمعی، ممکن است یک بوروکراسی با قدرت استبدادی ایجاد شود، این موضوع را نادیده گرفتند. به نظر محمدعلی خنجی، نظریه وجه تولید آسیائی نشان می دهد که تبدیل مالکیتهای خصوصی به مالکیتهای دولتی در درون مرزهای ملی و تبدیل هر یک از واحدهای ملی (میهن) به یک تراست مستقل و مجزا، تغییر بنیادی اجتماع ملی و اجتماع بشری نیست. استقرار مالکیت دولتی در چارچوب مرزهای ملی نه تنها منجر به استقرار سوسیالیسم نمی شود، بلکه به نحوی اجتناب ناپذیر، منجر به استقرار مالکیت دولتی بر انسانها نیز می شود. در واحدهای ملی که مالکیت دولتی بر زمین و ابزارهای تولید مستقر می شود، در اندک مدتی این مالکیت به تمام قلمروها گسترش می یابد و هنر و ادبیات و سرانجام، وجود خود انسانها را نیز شامل می گردد.

Asocial

غیر اجتماعی؛ جامعه گریز

کسی که به اصول، آداب و رسوم و ضوابط اجتماعی بی اعتنا و از برقراری روابط اجتماعی با دیگران گریزان است.

Assassination

قتل؛ ترور

قتل یا ترور شخصیتهای مهم سیاسی توسط عوامل مزدور یا متعصب. مثلاً نیروهای سلطه گر، مستبد و خودکامه معمولاً می کوشند افراد برجسته، شخصیتهای مهم و رهبران سیاسی و انقلابی را از میان بردارند، زیرا به این امر واقفند که پیدا کردن جانشین برای چنین اشخاص بزرگی بسیار دشوار است.

Assembly

مجلس؛ مجمع

اجتماع نمایندگان ملت برای وضع و تصویب قانون و امور راجع به نمایندگی. تعداد مجالس مقننه بر حسب نظام سیاسی هر کشور متغیر است. در کشورهای فدرال معمولاً قوه مقننه از دو مجلس تشکیل می شود و در کشورهای غیر فدرال، معمولاً قوه مقننه از یک مجلس تشکیل می شود، ولی در پاره ای از این قبیل کشورها، قوه مقننه شامل دو مجلس است که یکی از آنها جنبه اشرافی دارد. این واژه همچنین به معنی رکن بزرگ و بین المللی نمایندگی، مثل مجمع عمومی سازمان ملل متحد است.

Assertiveness

ابراز وجود؛ جرات

توانائی بیان احساسات، عقاید و افکار و دفاع از آنها در موقعیتهای و شرایط مختلف زندگی، بدون اینکه حق و حقوق دیگران نادیده گرفته شود.

Assimilation

فرهنگ پذیری فردی؛ همانندسازی؛ همسان گردی

۱- مجموعه تغییرات روانی فرد که ناشی از آمیزش با فرهنگی متفاوت از فرهنگ اولیه اوست.
۲- روند جذب مهاجران بیگانه یا عادت دادن آنها به ایدئولوژی سیاسی و راه و رسم جامعه مهاجرپذیر.

شد. سه کشور پرو، ویتنام و روسیه در ششمین اجلاس ایپک (در سال ۱۹۹۸ در مالزی) رسماً به عضویت ایپک درآمدند.

Asian Tigers

ببرهای آسیا

این اصطلاح در مورد چهار کشور اندونزی، تایلند، فیلیپین و مالزی به کار رفته است که از جنبه اقتصادی و از طریق مدل توسعه ناپایدار، رشد سریعی یافته‌اند. عده‌ای ظهور ببرهای آسیا را ناشی از عوامل زیر دانسته‌اند: مقابله با گسترش افکار و اندیشه‌های سوسیالیستی، احتیاج سرمایه‌داری جهانی برای دسترسی به بازار آسیا، استفاده از نیروی کار ارزان، تحکیم مبانی سیاسی و نظامی امپریالیسم بر اساس اقتصادهای وابسته به آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن. ماهاتیر محمد، نخست وزیر مالزی در مارس سال ۱۹۹۸ و در ارتباط با بحران اقتصادی شرق آسیا گفت: کشورهایی که تا هشت ماه پیش از نظر اقتصادی، ببرهای آسیا خوانده می‌شدند، بر اثر وام‌های کمرشکن خارجی تبدیل به بچه‌گره‌های بیچاره‌ای شده‌اند.

Asiatic Despotism

استبداد آسیایی

این واژه، مترادف واژه استبداد شرقی است و برای اشاره به اشکال گوناگون خودکامگی، دیکتاتوری و حکومت استبدادی در آسیا (از جمله مغول به بعد) به کار رفته است.

Asiatic Mode of Production

شیوه تولید آسیایی؛ وجه تولید آسیایی

این واژه بیانگر وضع خودبستگی جوامع واقع در مرکز، جنوب و شرق آسیا است که به موجب آن، اقتصاد روستایی با حداقل تقسیم کار برقرار است و تولید نعم مادی نیز مبتنی بر اشکال سنتی است. مارکس در آثار خود، تفاوت و تمایز نظام آسیایی را از نظام فئودالی مورد بحث قرار می‌دهد و کوشش می‌کند تا ویژگیهای تاریخی آن را به دست دهد. علل اصلی تمایز نظام آسیایی از نظام فئودالی دو فرض زیر است: ۱- اداره امور آبیاری و مالکیت جمعی. در چنین نظام اجتماعی - اقتصادی، مالکیت فردی مذهب مالکیت جمعی است که تحت تسلط شخص فرمانروا و عمال وی قرار دارد. فرمانروای مطلق العنان از لحاظ نظری به نمایندگی اجتماع، مالک فرضی کلیه اراضی بوده و اداره امور آنها به وی تفویض می‌شود. ۲- روابط اجتماعات شهری و روستایی. براساس این فرض، علت اساسی تمایز دوره‌های تاریخی، نوع رابطه‌ای که میان زیربنای اقتصادی - اجتماعی در اجتماعات شهری و روستایی وجود دارد، دانسته شده است. مسأله اساسی به نظر مارکس درباره تحول نظام آسیایی آن است که این نظام بیش از هر نظام تاریخی دیگر، در برابر تحول و تغییر به سوی سرمایه‌داری مقاومت می‌ورزد و تا هنگامی که نظام سرمایه‌داری آن را تحت فشار (استعماری) قرار ندهد، امکان از هم پاشیدگی و تکامل آن به سوی نظام جدید اجتماعی - اقتصادی بسیار کم است. بعدها در همه این مسائل تردید شد. مفهوم شیوه تولید آسیایی از جمله موضوعهایی است که بسیار مورد بحث و نقادی قرار گرفته است. لنین، استالین و مائو نیز شیوه تولید آسیایی را مورد توجه قرار ندادند. اما پس از جنگ دوم جهانی، بعضی حزبهای کمونیست و بعضی از متفکران مستقل مارکسیست این مفهوم را احیاء نمودند. مثلاً کارل ویتفولگ Wittfogel مورخ آلمانی - آمریکایی متولد سال ۱۸۹۶، دلایل سیاسی را علت کنارگذاشتن مفهوم شیوه تولید آسیایی از طرف

با یکدیگر است و میان کسانی حاصل می‌شود که یکی از پیوندهای زندگی، آنها را به هم نزدیک کند، مثل خویشاوندی نزدیک یا دور، هم دینی و یا هم مسلکی در یک عقیده سیاسی. از نظر ابن‌خلدون، عصبیت نیروی محرکه و انگیزه اصلی فعالیتهای سیاسی است و کسب قدرت در میدان سیاست تنها با نیروی عصبیت امکان‌پذیر است. این واژه را وی برای اولین بار به کار نبرده ولی نخستین کسی است که به آن معنی فنی داده و مفاهیمش را مورد تحقیق قرار داده و نظریه جامعه‌شناختی خود را بر اساس آن استوار نموده است. عصبیت از نظر ابن‌خلدون دارای انواعی از جمله عصبیت خانوادگی، قومی یا گروهی، ملی و دینی است.

Asceticism

زهد؛ پرهیزکاری؛ ریاضت‌گرایی

دل‌کنند از دنیا و رهایی از اسارت آن یا آیین اخلاقی مبتنی بر از خود گذشتگی، کف نفس، امتناع از لذت‌گرایی، گذشتن از مواهب و آسایش دنیوی، محدود کردن خوشبهای حسی و تحمل رنج و مشقت برای نیل به هدفی اجتماعی یا تهذیب و صیانت نفس و تربیت خود یا دیگری.

Asian and Pacific Council (ASPAC)

شورای آسیا و اقیانوس آرام؛ اسپک

سازمان منطقه‌ای (با ویژگی ضد کمونیستی و طرفداری از سیاست آمریکا) که در سال ۱۹۶۶ برای تشویق همکاریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین کشورهای استرالیا، تایلند، تایوان، زلاند جدید، ژاپن، فیلیپین، کره جنوبی و مالزی تأسیس شد.

Asian-Pacific Economic Cooperation (APEC)

سازمان همکاری اقتصادی

آسیا و اقیانوس آرام؛ آپک؛ آپک؛ همکاری اقتصادی آسیا و پاسیفیک

در ماه نوامبر سال ۱۹۸۹ به دعوت استرالیا، وزیران امور خارجه و بازرگانی دوازده کشور استرالیا، زلاند جدید، اندونزی، برونئی، تایلند، سنگاپور، فیلیپین، مالزی، ایالات متحده آمریکا، ژاپن، کانادا و کره جنوبی در کانبرا گردهم آمدند تا اصول اولیه یک موافقتنامه اقتصادی و بازرگانی را پی‌ریزی کنند. در این گردهمایی تصمیم گرفته شد که یک سازمان بین‌المللی به نام "سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام" در سال ۱۹۹۰ ایجاد گردد. در سومین اجلاس آپک در نوامبر سال ۱۹۹۱ در سئول، چین و تایوان و هنگ‌کنگ نیز به آن پیوستند. در ۲۱ نوامبر ۱۹۹۳، اجلاس سران سازمان "همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام" در سیاتل آمریکا تشکیل شد که در حاشیه آن، جیانگ زمین و کلیتون رؤسای جمهوری چین و آمریکا با یکدیگر ملاقات کردند. در واقع، با ورود چین به آپک، احتمال ایجاد یک بازار گسترده منطقه‌ای که بیشترین سهم ثروت جهان را تولید کند، قطعیت یافت. کلیتون رئیس جمهوری آمریکا نیز می‌خواست در سیاتل به آمریکاییها و آسیاییها نشان دهد که ایالات متحده آمریکا تصمیم گرفته در منطقه آسیا و اقیانوس آرام بماند تا از تفوق کشورهای قدرتمند آسیا (مثل ژاپن و چین) جلوگیری کند. در اجلاس سال ۱۹۹۴ اندونزی که نمایندگان پاپواگینه نو، شیلی و مکزیک نیز حضور داشتند، رهبران ۱۸ کشور شرکت‌کننده تعهد کردند تمام تلاش خود را برای ایجاد منطقه تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد (حداکثر تا سال ۲۰۲۰) به کار گیرند در اجلاس سال ۱۹۹۶ سران در فیلیپین، با برنامه عملی برای ایجاد بزرگترین منطقه آزاد تجاری جهان موافقت به عمل آمد و تمایل به تجارت آزاد جهانی در زمینه تکنولوژی اطلاعاتی ابراز

درگیریهایی نظامی که نتایج مخرب، بویژه برای اقتصاد کشورهای فقیر دارند تنها ناشی از اختلافات محلی نیستند، بلکه ریشه در تجارت جهانی اسلحه دارند. ساختار جهانی بر این نوع تجارت، پایه‌ریزی شده و اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد (آمریکا، انگلستان، چین، روسیه، فرانسه) مسئول ۸۱ درصد اسلحه جهان بین سالهای ۱۹۶۶ تا سال ۲۰۰۰ بوده‌اند. در واقع، رهبران جهان که از بی‌مسئولیتی تظاهرکنندگان گوناگون «جهانی‌سازی» اظهار تأسف می‌کنند، رهبری کشورهایی را بر عهده دارند که بیشترین پول را از این تجارت کثیف به جیب زده‌اند.

قرار تنظیمی؛ حل و فصل؛ قرار و مدار

Arrangement

عنوان نوعی از توافقیهای دو جانبه یا چندجانبه است که معمولاً هدف آن، جمع‌آوری و تنظیم مسائل ناشی از قرارداد یا معاهده قبلی است.

تکبر

Arrogance

خصوصیت اخلاقی منفی که با بی‌ادبی تحقیرآمیز، برخورد تکبرآمیز نسبت به سایر مردم مشخص می‌شود و ناشی از خود خواهی و شایسته‌پنداشتن بیش از حد و گزاف خود است.

زرادخانه دموکراسی

Arsenal of Democracy

این اصطلاح در ۲۹ دسامبر ۱۹۴۰ توسط فرانکلین روزولت رئیس جمهوری وقت ایالات متحده آمریکا، برای اشاره به نقش این کشور در تدارک تسلیحات و مهمات جنگی و دیگر ملزومات مورد استفاده متفقین در برابر آلمان نازی و متحدانش (دول محور) به کار رفت.

هنر برای هنر

Art for Art's Sake

گرایشی در هنر و ادبیات و معتقد به ارزش ذاتی اثر هنری که به رسالت اجتماعی، سیاسی، آموزشی و اخلاقی اعتقاد ندارد. طرفداران این گرایش، هدفی غیر از رشد و تعالی خود در جهت هر چه زیباتر شدن ندارند.

ماده نوزده (سازمان)

Article Nineteen

سازمان مدافع آزادی بیان و حقوق بشر که نام خود را از ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر گرفته است. طبق ماده ۱۹، هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود، بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

طرح مطالبات

Articulation

این واژه در رویکرد کارکردگرائی ساختاری در سیاست به کار رفته است و به شکل‌گیری مطالبات سیاسی مثلاً توسط احزاب یا گروه‌های ذینفع اشاره دارد.

عصیت

Asabiyyat (Group Feeling or Spirit of Kinship)

غرور قومی و مهری که خداوند در طبیعت انسان نسبت به خویشاوندان و نزدیکان قرار داده که به‌واسطه آن در موارد نیاز، به همکاری و کمک یکدیگر اقدام می‌کنند. عصیت، یاری و همکاری

می‌بندند باید به‌وسیله فرماندهان عالی نظامی انجام شود. آثار مهم قرارداد متارکه عبارت از این است که مخاصمات را بی‌آنکه در حالت جنگ و در پایان آن تأثیری داشته باشد معلق می‌سازد و جنگ با تمام نتایج و آثار حقوقی که بر آن مترتب است، به‌حال خود باقی می‌ماند. متارکه در عصر حاضر، همواره با تصرف و اشغال قسمتی از سرزمین کشور مغلوب به‌دست قوای مسلح کشور فاتح همراه بوده است.

Arms Control

کنترل تسلیحات

تنظیم مقررات مربوط به مسابقه تسلیحاتی و تدوین مقررات و ضوابطی برای ثبات وضع نظامی و کاهش یا از بین بردن بعضی از انواع سلاحها. به‌عبارت دیگر، نگهداشتن حداقل تسلیحات موجود با رعایت قواعد و ضوابطی برای آن. این واژه در دهه ۱۹۵۰ مصطلح شد و دلالت بر تمام شیوه‌هایی دارد که یک یا چند دولت به‌منظور کاهش احتمال بروز جنگ، قصد متوقف کردن آزمایش، استقرار و خطر تسلیحات را داشته باشند.

Arms Embargo

تحریم تسلیحاتی

ممنوعیت ارسال و فروش سلاح به یک یا چند کشور.

Arms Race

مسابقه تسلیحاتی

رقابت بین دولتها برای حفظ برتری نظامی و تسلیحاتی یا افزایش مداوم توان نظامی از سوی دو یا چند دولت، براساس این اعتقاد که فقط با حفظ چنان توانی امکان تأمین امنیت و برتری ملی وجود دارد. مسابقه تسلیحاتی، عنصر اساسی استراتژی زیست کره‌ای امپریالیسم برای کند کردن روند انقلابی جهانی است.

Arms Sale

فروش تسلیحاتی

فروش اسلحه و تکنولوژی نظامی به مشتریان معمولاً خارجی. دولتهای سلطه‌گر و سوداگران مرگ با فروش، اجازه فروش و ارسال اسلحه و دادن تکنولوژی پشتیبانی به کشورهای در حال توسعه و کم‌رشد و نیز رژیمهای دیکتاتوری باعث ایجاد جنگها، درگیریها، جنایات و فجایع وحشتناکی شده‌اند. فروش و انتقال اسلحه از کشورهای صنعتی به کشورهای جهان سوم بخش عمده بازرگانی بین‌المللی تجهیزات نظامی را تشکیل می‌دهد؛ اگر چه خاتمه جنگ سرد و جنگ خلیج فارس وقعه‌ای در این سوداگری به‌وجود آورد. اکنون تولیدکنندگان تسلیحات در این فکرند که چگونه باید بین منافع اقتصادی ناشی از فروش اسلحه و الزامات ناشی از جلوگیری از افزایش تسلیحات و امنیت ارتباط ایجاد کرد. مسأله دیگری نیز که بویژه از سال ۱۹۹۴ مورد توجه مفسران نظامی و سیاسی قرار گرفته، مخاطرات ناشی از جریان یافتن سلاحهای کوچک و سبک به‌سوی گروههای قومی و مذهبی در داخل کشورها است. به نظر آمارتیا سن، اقتصاددان معروف، یکی دیگر از مسائلی که کمتر مورد بحث قرار گرفته، دست داشتن قدرتهای جهانی به‌عرصه تجارت جهانی اسلحه است که موجب فقر فراگیر و محرومیت‌های رنج‌آور می‌شود. در این مورد، نیاز به انگیزه‌های قوی برای فراتر رفتن از لزوم مقابله و جنگ با تروریسم احساس می‌شود. جنگهای منطقه‌ای و

حمله مسلحانه**Armed Attack**

جنگهای تجاوزکارانه را می‌توان به‌عنوان حمله مسلحانه تلقی نمود. حمله مسلحانه همچنین به‌صورت عبور آشکار نیروهای نظامی از یک مرز شناخته شده بین‌المللی به‌شکل وسیع و مداوم توصیف می‌شود. تهاجم، بمباران، حمله به نیروهای مسلح و کشتیها و هواپیماهای کشور دیگر نیز به‌عنوان تجاوز مستقیم دانسته شده است. در جریان بسیاری از مخاصمات بین‌المللی، این موضوع عنوان شده است که تجاوزات پنهانی از قبیل ارسال اسلحه و مهمات و سربازان مسلح و اقدام به حملات پراکنده چریکی نیز وقوع حمله مسلحانه را مسلم می‌سازد. به‌موجب ماده ۵۱ منشور ملل متحد، در صورت وقوع حمله مسلحانه، استفاده از حق دفاع مشروع، مجاز است.

دخالت مسلحانه**Armed Intervention**

مداخله آمرانه یک یا چند دولت در امور دولت یا دولتهای دیگر، با استفاده از قوه قهریه.

بیطرفی مسلح**Armed Neutrality**

حالتی که کشور بیطرف به‌وسیله اخطار کتبی به دولتهای متحارب اعلام می‌دارد که آماده است از حقوق بیطرفی خود در صورت تجاوز احتمالی دفاع کند.

صلح مسلح**Armed peace**

حالتی که دولتها بدون درگیری نظامی، خود را برای نبرد احتمالی آماده می‌کنند. از جنبه تاریخی، به‌دوره معینی از تاریخ اروپا اطلاق می‌شود: از سال ۱۸۷۱ (سال شکست فرانسه از امپراتوری آلمان) تا سال ۱۹۱۴ که جنگ جهانی اول شروع شد. در فاصله این ۴۳ سال اگرچه بین دولتهای بزرگ اروپا جنگی رخ نداد، اما کشورهای بزرگ با گسترش ارتش و تجهیز زرادخانه جنگی خود، برای نبرد آماده می‌شدند.

قیام مسلحانه**Armed Uprising**

هنگامی که توده مردم یک کشور به‌منظور واژگون کردن حکومت کهنه‌پرست خود متوسل به اسلحه شوند و بخواهند با مبارزه مسلحانه، زمام امور را به پیشوایان خود واگذار کنند، قیام مسلحانه به‌وقوع پیوسته است. قیام مسلحانه و جنگ انقلابی بالاترین اشکال مبارزه انقلابی هستند که هدفشان تسخیر قدرت و حفظ آن است. مبارزه مسلحانه انقلابی تنها در شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مناسب و از طریق بسیج و سازماندهی توده‌های وسیع مردم و اتکاء به آنها صورت می‌گیرد.

متارکه جنگ؛ ترک مطلق اسلحه؛ ترک مخاصمه**Armistice**

توقف موقت، اما کامل عملیات جنگی با موافقت طرفین محاربه. متارکه ممکن است جزئی (محلّی) باشد، در این صورت موقتی و فاقد مفهوم سیاسی است و یا کلی (عام) که اغلب، نشانه و مقدمه پایان جنگ است. متارکه جنگ از طریق قرارداد منعقد شده بین متحاربانی که معمولاً به‌منظور ملاحظه پیشنهادات یکی از طرفین برای رسیدن به صلح صورت می‌گیرد، برقرار می‌شود. انعقاد قرارداد متارکه برخلاف عقد قرارداد ترک موقت اسلحه که فرماندهان قسمتهای معین ذینفع

Archipelagic State**کشور مجمع‌الجزایری**

کشور مرکب از گروهی از جزایر. طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و تحت فشار اندونزی، فیلیپین، فیجی، موریس و کشورهای مجمع‌الجزایری کارائیب و اقیانوس‌های آرام و هند رژیم خاصی برای آبهای کشورهای مجمع‌الجزایری برقرار شد. طبق کنوانسیون، برای مشخص کردن دریای سرزمینی، منطقه مجاور، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره کشورهای مجمع‌الجزایری می‌توان از روش "خطوط مبدأ مستقیم" استفاده کرد. آبهای داخل خطوط، آبهای مجمع‌الجزایری خوانده می‌شوند که دولت مجمع‌الجزایری بر آنها حاکمیت خود را اعمال می‌کند. البته دولت‌های خارجی حقوق معینی (مثل حق کشتیرانی و عبور بی‌ضرر) در آبهای کشور مجمع‌الجزایری دارند.

Arc of Crisis**طاق بحران؛ هلال بحران**

برژینسکی مشاور امنیت ملی حکومت کارتر در سال ۱۹۷۹ از یک طاق بحران نام برده است که از شاخ آفریقا و مصر تا هند امتداد دارد. به اعتقاد وی، سرنگونی رژیم محمدرضا شاه، روی کمانه شمالی این طاق بحران، یعنی ایران، ترکیه، پاکستان و افغانستان (کشورهایی که بین شوروی سابق، منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس قرار گرفته‌اند) تأثیر می‌گذارد که خود باعث اتخاذ تصمیمات مهمی در سیاست خارجی آمریکا می‌گردد: مثل کوشش برای وادار کردن مصر و اسرائیل به نزدیکی هرچه بیشتر و تقویت پیوندهای نظامی میان پاکستان، ترکیه، یمن (شمالی) و دیگر کشورهای عربی ضد شوروی سابق به منظور توسعه الگوی همکاری منطقه‌ای.

Aristocracy**آریستوکراسی؛ اشراف‌سالاری؛ حکومت اشراف**

۱ - حکومت اشراف و برگزیدگان و یا گروهی کوچک از افراد ممتاز یا طبقه بالا. نخستین انقلاب‌های بورژوازی از جمله علیه آریستوکراسی یا اشرافیت متوجه بود. ۲ - آریستوکراسی از نظر ارسطو، حکومتی است که صلاح عموم را در نظر داشته باشد و به دست نیکان و شایستگان اعمال شود.

Aristocrat**آریستوکرات؛ اشراف‌زاده**

این واژه به معنی عام در مورد قشر فوقانی صاحب امتیاز و نفوذ از یک طبقه یا گروه‌های اجتماعی که از حقوق و امکانات مخصوص برخوردارند، به کار می‌رود.

Aristodemocracy**آریستودموکراسی**

حکومت متشکل از اشراف و مردم.

Armageddon**جنگ آخرالزمان؛ حار مجدودن؛ رزمگاه نهایی**

۱ - جنگ بزرگ سرنوشت و نبرد نهایی میان خیر و شر در پایان دنیا. ۲ - منطقه‌ای که به تعبیر مفسران مکاشفات، نبرد نهایی در آن مکان درمی‌گیرد. مجدود، شهر قدیمی شمال فلسطین، بر کنار جنوب دشت یزرعیل Esdraelon است که در طول تاریخ، صحنه بسیاری از جنگها بوده است.

Arme**آرم؛ نشان**

واژه فرانسوی به معنی نشانه، نقش و علامت ویژه و معرف دولت، تشکیلات سیاسی، شرکتها، سازمانهای دولتی یا خصوصی و مانند اینها.

Arab Maghreb Union**اتحادیه مغرب عربی**

این اتحادیه در ۱۷ فوریه سال ۱۹۸۹ با امضای عهدنامه‌ای توسط سران پنج کشور الجزایر، تونس، لیبی، مراکش و موریتانی به وجود آمد. هدف از ایجاد این اتحادیه، تحکیم روابط برادری میان دولتهای عضو و میان ملت‌های آنان، تأمین وسایل رشد و رفاه جوامع متعلق به این کشورها و دفاع از حقوق آنان، حفظ صلح براساس عدالت و انصاف، تعیین سیاست مشترک در قلمرو امور دفاعی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی (در جهت تأمین توسعه صنعتی و کشاورزی و بازرگانی)، تأمین تدریجی آزادی مردم در رفت و آمد و انتقال اموال و خدمات و سرمایه میان کشورهای عضو است. اتحادیه دارای یک شورای عالی است که از رؤسای کشورهای عضو تشکیل شده است. ریاست شورا هر بار به نوبت و برای مدت شش ماه به عهده یکی از رؤسای کشورهای عضو است. دبیرخانه اتحادیه هر بار در کشوری مستقر می‌شود که ریاست شورا در آن اقامت دارد. اتحادیه یک شورای وزیران نیز دارد که از وزیران امور خارجه کشورهای عضو ترکیب یافته است. واژه مغرب را فاتحان عرب مسلمان قرن هفتم میلادی برای توصیف سرزمینهایشان در بخش شمال غربی آفریقا (الجزایر، مراکش یا مغرب، تونس) به کار بردند.

Arab Revolt**انقلاب عربی**

اصطلاح ویژه‌ای که در مورد شروع عملیات مشترک عرب - انگلیس در ماه ژوئن سال ۱۹۱۶ علیه عثمانی که زمام امور بیشتر کشورهای عربی خاورمیانه را در دست داشت به کار برده می‌شود. رهبران انقلاب عربی عبارت بودند از: شریف حسین و پسرانش، نوری السعید، لارنس (Lawrence) عربستان، آلنبی، کیچنر و استورز. انگیزه‌های انقلاب عربی به طور کلی عبارت بود از: فساد حکومت عثمانی، بیداری ملل عرب و ظهور روح آزادیخواهی در ایشان. نقشه این بود که انگلستان از طریق کمک به نهضت اعراب، دولت عثمانی را که در عین حال، مانع بزرگی بر سر راه رخنه استعماراروپایی در خاورمیانه و نزدیک شمرده می‌شد، از داخل گرفتار سازد و آن را متلاشی کند و ضمن منحرف ساختن نهضت، عوامل خود را در جهان عرب بر سرکار آورد و رهبری دنیای جدید عربی را در مسیر منافع سیاسی و اقتصادی خود عهده‌دار گردد و همچنین امنیت نقاط کلیدی، بویژه راه‌های آبی مدیترانه به هندوستان را تأمین نماید. در نتیجه انقلاب عربی، کشورهای عرب از کنترل حکومت عثمانی خلاص گشتند ولی در دام یک شبکه استعماری گرفتار شدند و فلسطین را نیز از دست دادند. مهم‌تر از همه اینکه دنیای عرب به تعدادی کشورهای کوچک و ضعیف تقسیم شد به نحوی که هنوز هم تمام تلاشها برای اتحاد مجدد آنها به نتیجه‌ای نرسیده است.

Arbitrary Government**حکومت خودسرانه؛ حکومت غیرقانونی**

حکومتی که در آن، کنترل قانون بر زندگی، آزادی و اموال افراد برقرار نباشد.

Arbitration**داوری؛ حکمیت**

عملی است که فرد یا افرادی به درخواست دو طرف اختلاف برای رفع اختلاف آنان انجام می‌دهند. موضوع داوری بین‌المللی، فیصله دعاوی کشورها است بر مبنای احترام به حق و توسط قضاتی که خود انتخاب می‌کنند. مبنای حکمیت، اراده آزادانه کشورهای ذینفع است. حکم داور، الزام‌آور و قطعی است، ولی اجرای آن با اعمال قوه قهریه امکان ندارد.

Appellate Jurisdiction**صلاحیت رسیدگی پژوهشی**

صلاحیت یک دادگاه عالی برای رسیدگی ماهوی در مرحله پژوهش، در سلسله مراتب سازمان قضائی.

Apportionment**تقسیم کرسیها**

طرز تقسیم کرسیهای نمایندگان در کشور.

Appropriation**خویشن یابی؛ بودجه خاص؛ اعتبار تخصیصی**

۱- این واژه در آثار مارکس در مقابل از خود بیگانگی یا خود گم کردگی به کار رفته و بیانگر عینیت پیدا کردن جوهر انسانی و محو کالاپرستی است. ۲- تخصیص اعتبار یا پول توسط مقامات دولتی برای مقاصد خاص.

Approval (Approbation)**تصدیق؛ تأیید؛ تصویب**

اعلان نظر موافق از طرف دولت ثالث، نسبت به پیمان منعقد شده بین دو دولت که نه حقی برای متعاهدین و نه تکلیف و مسئولیتی برای اعلام کننده توافق ایجاد می کند و فقط موجب افزایش اهمیت و اعتبار پیمان است. بر طبق ماده ۵۵ قانون اساسی فرانسه مورخ چهارم اکتبر ۱۹۵۸، اصطلاح تصویب یا راتیفیکاسیون منحصر به معاهده و اصطلاح تصدیق یا اپروسیون به قرارداد بسیط اختصاص دارد و در آن مورد به کار می رود.

Approval by Acclamation**تصدیق به وسیله کف زدن**

در مورد قطعنامه های اجتماعات و میتینگهای سیاسی مصداق دارد که در آنها مخالفان جدی وجود نداشته باشد.

Approval Voting**رای دهی تأییدی**

نظام انتخاباتی (بویژه در آمریکا) که در آن، رای دهندگان می توانند به نسبت تعداد کاندیداهای موجود رای بدهند، ولی نمیتوانند برای هر کاندیدا بیش از یک رای منظور نمایند. در نتیجه، هر رای دهنده می تواند سیاهه کاندیداها را به دو دسته تقسیم کند: دسته مورد تأیید و دسته ای که مورد تأیید نیست.

Arab League**جامعه عرب؛ اتحادیه عرب**

جامعه کشورهای عرب در ۲۲ مارس سال ۱۹۴۵ به وجود آمد و هدف آن، حفظ تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت کشورهای عضو و ایجاد هماهنگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین آنها است. اعضای این جامعه عبارتند از: اردن، الجزایر، امارات متحده عربی، بحرین، تونس، جیبوتی، فلسطین، سودان، سوریه، سومالی، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، لیبی، مصر، مغرب، موریتانی، یمن. عضویت مصر که خود از بنیانگذاران جامعه بود در سال ۱۹۷۹ و به دنبال انعقاد قراردادهای کمپ دیوید به حالت تعلیق درآمد و مقر آن نیز از قاهره به تونس انتقال یافت. در سالهای اخیر مصر به تدریج با کشورهای عرب روابطی برقرار کرد و به اتحادیه بازگشت و به همین دلیل نیز مقر اتحادیه عرب در ۳۱ ماه اکتبر ۱۹۹۰ مجدداً به قاهره انتقال یافت.

اقلیت سفیدپوست و سیاهپوستان توافق صورت گرفت. در ماه مه ۱۹۹۴ به دنبال برگزاری اولین انتخابات همه نژادی، حزب کنگره ملی آفریقا به رهبری نلسون ماندلا به پیروزی رسید و روز دهم ماه مه ۱۹۹۴ مراسم سوگند ریاست جمهوری را بجای آورد. وی به مردم آفریقای جنوبی اعلام کرد که می‌توانند از این پس خود را آزاد بدانند.

بی‌تابعیت؛ آپاترید

Apatride (Stateless)

این واژه در مورد اشخاص فاقد تابعیت به کار می‌رود، به این معنی که ممکن است یک دولت به دلایلی، تابعیت خود را از شخصی سلب نماید و دولت دیگری نیز تابعیت خود را به شخص مزبور ندهد و یا امکان دارد اطفالی از پدر و مادر نامعلوم پیدا شوند که دولت متوقف فیه آنها را تابع خود نشناسد.

آپولیتیسیم؛ سیاست‌گریزی؛ بیطرفی در سیاست

Apolitisme (Apoliticism)

واژه فرانسوی به معنی لاقیدی نسبت به سیاست و مسائل اجتماعی و میهنی، خودداری از شرکت در جریان‌های سیاسی و امتناع از اتخاذ مشی روشن سیاسی. بیطرفی نسبت به امور سیاسی از عدم آموزش و آگاهی سیاسی ناشی می‌شود. ادعای بیطرفی در سیاست، ادعایی است ضد میهن دوستی. زیرا میهن دوستی از دخالت فعال در سیاست جدا نیست. میهن دوست، طرف و هدف دارد و نمی‌تواند نسبت به جریان‌های سیاسی بیطرف بماند و این طرف و هدف، نجات و سعادت مردم است. در هم آمیختن دانش، فرهنگ و اخلاق سیاسی با بازیگریهای سیاسی یکی از عوامل سیاست‌گریزی است.

آپارات (حزبی)

Apparat

طبقه یا مجموعه افراد تمام وقت و فرمانبردار حزب کمونیست. کسانی را که در شوروی سابق در این مجموعه جای داشتند، آپاراتچیکی Apparatchiki می‌خواندند که واژه‌ای است روسی به معنی عضو فعال حزب یا آدمک تشکیلاتی.

اتحاد (احزاب در فرانسه)

Apparentement

این واژه در فرانسه برای اشاره به اتحاد رسمی قانونی بین احزاب میانه رو این کشور برای مقابله و خشتی کردن فشار دو طیف گلیسم و کمونیسم به کار رفته است.

سیاست ارضاء؛ باج‌دهی؛ آرام‌بخشی

Appeasement

گذشتن از پاره‌ای حقوق، برای تسکین دشمن یا جلوگیری از وقوع جنگ. سیاست بریتانیا و فرانسه در قبال هیتلر، سیاست تسلیم و ارضاء نامیده شد، زیرا به او اجازه دادند تا چیزی را که می‌خواهد به دست آورد به این امید که چیز بیشتری نخواهد. هیتلر، سرزمین سودت را که ناحیه آلمانی زبان چکسلواکی بود طلب کرد. استالین به چکها پیشنهاد کمک داد، ولی طبق عهدنامه کمک دو جانبه ۱۹۳۵ شوروی سابق با فرانسه و چکسلواکی لازم بود که فرانسه نیز چنین پیشنهادی بدهد اما فرانسه بجای این کار، جانب بریتانیا را گرفت و به موجب قرارداد مونیخ، کشورهای بریتانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا، دولت چکسلواکی را مجبور کردند که سرزمین سودت را تسلیم نازیها کند.

سال ۱۸۹۰ قانون ضد تراستی را تصویب کرد که بر اساس آن، ایجاد کارتلهایی که هدف آنها ممانعت از رقابت آزاد بود، مشمول مجازات می‌شد.

Antiwar Movement

جنبش ضد جنگ

نیروی مقاومت و اعتراض مردمی علیه جنگ و سیاست جنگ طلبی که بویژه در دهه ۱۹۴۰ در جریان جنگ جهانی دوم، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در جریان جنگ ویتنام و در سال ۲۰۰۳ در جریان بحران و جنگ عراق به دنبال تهاجم نظامی آمریکا و انگلستان به عراق بروز کرد. جنبش ضد جنگ اگر از صورت احساساتی علیه جنگ خارج شود، به صورت یک جنبش اجتماعی برای تغییرات بنیادی (مثل تقسیم عادلانه ثروت اجتماعی، گسترش بیمه، اشتغال و الغای بورس بازی) در ساختار اجتماعی در می‌آید.

Anzus Pact

پیمان آنزوس

پیمان امنیت اقیانوس آرام یا پیمان آنزوس (ترکیبی از حروف اول سه کشور عضو) در اول سپتامبر سال ۱۹۵۱ در سانفرانسیسکو بین استرالیا، ایالات متحده آمریکا و زلاند جدید به امضا رسید و از ۲۹ آوریل ۱۹۵۲ به مرحله اجرا درآمد. به موجب این پیمان، هریک از کشورهای عضو پیمان، حمله مسلحانه در اقیانوس آرام علیه کشورهای دیگر عضو را تهدیدی برای صلح و امنیت خود تلقی می‌کند و برای مقابله با خطر مشترک، اقدامات لازم را به عمل می‌آورد. در سال ۱۹۸۵ حکومت زلاند جدید به یک کشتی جنگی آمریکایی که حاضر نشده بود تصدیق نماید که حامل تسلیحات اتمی نیست، اجازه پهلو گرفتن در بنادر زلاند جدید را نداد. ایالات متحده آمریکا نیز تکالیفی را که در پیمان آنزوس به عهده گرفته بود، معلق گذاشت. خارج شدن زلاند جدید از این پیمان، نخستین مورد از خروج داوطلبانه یکی از متحدان غربی آمریکا از مسابقه تسلیحاتی شمرده شده است.

Apartheid

آپارتاید؛ تبعیض نژادی؛ جدائی نژادی

آپارتاید که در زبان آفریکانس (زبان سفیدپوستان هلندی تبار آفریقای جنوبی) به معنی جدائی و جداسازی است، نامی است که دولت آفریقای جنوبی به نظام تبعیض نژادی خود داده بود. این واژه، نخستین بار در سال ۱۹۴۳ در روزنامه دی بورگر، وابسته به حزب ناسیونالیست آفریقای جنوبی به کار رفت. ظاهراً علت انتخاب واژه آپارتاید این بود که با استفاده از یک واژه خارجی در زبان انگلیسی، چیزی بیگانه و شوم القا گردد. تدوین سیاست آپارتاید، کار کمیسون ویژه‌ای بود که از طرف حزب ناسیونالیست تشکیل شده بود. معنی و ماهیت واقعی آپارتاید چنین است: زندگی پرامتیاز و پرتنعم برای اقلیت سفیدپوست بر پایه استثمار شدید نیروی کار اکثریت غیر سفیدپوست. نظام تبعیض نژادی، سکنه سفیدپوست را که کمتر از یک پنجم جمعیت کشور را تشکیل می‌داد، قادر ساخته بود که کنترل امور جمهوری را عملاً به دست داشته باشد و به استثمار اکثریت غیر سفیدادامه دهد. در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۹۱ پایان نظام آپارتاید رسماً اعلام گردید و به دنبال آن، نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی آفریقا به ریاست نهضت طرفدار مذاکره با دولت آفریقای جنوبی انتخاب شد. در سال ۱۹۹۳ در مورد انتخابات چند حزبی و حکومت چندنژادی یا تقسیم قدرت بین

Anti-Semitism**آنتی‌سمی‌تیزم؛ یهود ستیزی؛ سامی ستیزی؛ یهود آزاری**

به معنی اعم، ضدیت با نژاد سامی و به معنی اخص، ضدیت با قوم یهود و تحریک علیه آنان است. یهود ستیزی، هرگونه ملاحظات طبقاتی و اجتماعی را نادیده می‌گیرد و در همه جا به عنوان سلاحی برای تفرقه‌افکنی و انحراف توجه مردم از مسائل واقعی اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود. صهیونیسم و آنتی‌سمی‌تیزم دو جریان واپسگرا، نژادپرست و ناسیونالیست کور و دشمن اتحاد مردمند. کشمکش میان اعراب فلسطین و اسرائیل هیچ ارتباطی به یهودی بودن اسرائیلیها ندارد. عربهای مسلمان و مسیحی هیچ تعصبی نسبت به هیچ فرقه مذهبی ندارند، اما با بیگانگانی که سرزمین و سکونتگاههای آنها را اشغال کرده‌اند، دشمنند. اسرائیلیها، اشغالگر و استعمارگر کوچ‌نشین به‌شمار می‌آیند که اشغال تمام سرزمینها توسط آنان، به‌محروم شدن عربها از حقوق اساسی‌شان در زمینه تعیین سرنوشت منجر شده است. در واقع، عربها خود از نژاد سامی هستند و سامی ستیزی را بیماری ویژه غرب می‌شناسند. پیش از تأسیس دولت اسرائیل، روابط یهودی - عربی پیوسته با مدارا و همکاری همراه بوده است.

Anti-Social**ضد اجتماع؛ جامعه ستیز**

شخصی که آگاهانه یا ناآگاهانه در ستیز با نظم مورد قبول جامعه باشد و گروه اجتماعی نیز او را برای تعادل و بقای خود نامطلوب بداند، مثل دزدان و تبهکاران.

Anti-Submarine Warfare**جنگ ضد زیر دریائی**

کشف و نابودی زیردریائیهای دشمن. مراقبت و تجسس در اقیانوسها و دریاهای پهناور، مسأله استراتژیک کشف، تعیین محل و شناسایی کشتیهای حامل موشک یا زیردریائیها را تشکیل می‌دهد.

Anti-System Movement**جنبش ضد نظام (سرمایه‌داری)**

این واژه در آمریکا برای اشاره به نهضت‌های کارگری، سوسیالیستی، کمونیستی، ملی، آزادیبخش، دهقانان، زنان، صلح، محیط زیست و حتی مذهبی به کار رفته که تقاضای اصلی آنها دموکراسی بیشتر و برابری بیشتر و تلاششان در راه تحقق هدفهای سه‌گانه آزادی، برابری و برادری باشد.

Anti-System Party**حزب ضد نظام**

حزب سیاسی نظام ستیز که در صدد تغییر یا تخریب نظام سیاسی موجود است.

Antithesis**آنتی‌تزی؛ برابر نهاد**

هر چیز یا اندیشه یا گفتاری که ضد دیگری باشد که آن دیگری را "تزی" یا "نهاد" می‌نامند.

Anti-Trust Law**قانون ضد تراست**

۱- قانونی که برای جلوگیری از ایجاد تراستهای عظیم وضع می‌شود. ۲- قانونی که (بویژه در آمریکا) برای تنظیم و کنترل فعالیت تراستها، کارتلها، شرکت‌های بزرگ و یا جلوگیری از فعالیت‌های تجاری انحصارطلبانه و محدودکننده و رقابت‌های غیر منصفانه وضع می‌شود. مثلاً کنگره آمریکا در

کارتی با پیراهن عثمان کردن شیخ کمونیسم در صدد سرکوب افراد و سازمانهای مترقی و نابودی آزادیهای جامعه آمریکا برآمد. جان فوستر دالس نیز در زمان خود، جنبشهای ملی و قیام علیه حکومتهای استبدادی و نهضت‌های ضداستعماری در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را توطئه کمونیسیم بین‌المللی می‌خواند و به این بهانه، زمینه مبارزه با تغییرات بنیادی اجتماعی و سیاسی در کشورهای کم‌رشد را فراهم ساخت.

Antifeminism

زن ستیزی؛ زن سالاری ستیزی؛ حقوق زن ستیزی

۱- مخالفت با جنس مؤنث در عرصه‌های علمی، ادبی، هنری، سیاسی و جز اینها. ۲- مخالفت با برتری جنس مؤنث.

Antiglobalization

ضد جهانی‌سازی

جنبشی که با تظاهرات و اقداماتی علیه سیاستهای آزادسازی تجاری و روند جهانی شدن و علیه شرکتهای چند ملیتی، سیاستهای بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان جهانی تجارت و فلسفه نظام سرمایه‌داری که به نظر مخالفان، زمینه نابرابری در جوامع را فراهم کرده، همراه است. منشأ تظاهرات ضد جهانی سازی سالهای پایانی قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم به اوایل دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد که مخالفتی با استثمار کارگران، نقض حقوق بشر و تخریب محیط زیست بویژه توسط شرکتهای چند ملیتی صورت گرفت. به نظر عده‌ای، جهانی سازی به معنی گسترش تجارت آزاد نیست، بلکه دارای جنبه‌های پیچیده‌ای است که نتیجه‌ای جز تضعیف حاکمیت مردم در نظامهای سیاسی دموکراتیک ندارد.

Anti-Historicism

تاریخ ستیزی

اعتقاد به اینکه از راه تاریخ نمی‌توان جامعه را شناخت. زیرا آثاری که از گذشته مانده‌اند، هم ناقصند و هم براساس مقاصد مورخان و حامیان آنها تنظیم شده و با دروغ، اشتباه و تحریف آمیخته‌اند. بعلاوه، شناخت حوادث گذشته را نمی‌توان شناختی علمی دانست. زیرا شناخت علمی مستلزم کشف قانون است و کشف قانون نیز زمانی میسر است که حوادث بر اساس نظام جبری تکرار شوند. در حالی که حوادث اجتماعی، بر اساس نظام جبری تکرار پذیر رخ نمی‌دهند و اصولاً ناشی از اعمال افراد بشرند.

Anti-Satellite Weapons

سلاحهای ضدماهواره‌ای

موشکهای رهگیری که از فضا، دریا و خشکی پرتاب می‌شوند و قادر به تعیین محل و نابودی ماهواره‌های تجسسی دشمن هستند. یکی از نخستین سلاحهایی که در فضا مورد استفاده قرار گرفته، سیستم سلاحهای "ضد ماهواره" یا "آسات" است. ایالات متحده آمریکا در اوایل دهه ۱۹۶۰ سیستم آسات خود را مستقر ساخت و در آن از کلاهکهای هسته‌ای استفاده کرد. سیستم آسات به جهت خطراتی که حتی برای خود استفاده کننده در برداشت، در سال ۱۹۷۵ با توافق آمریکا و شوروی سابق برچیده شد. آسات، دوباره در سال ۱۹۸۴ به عنوان بخشی از برنامه "ابتکار دفاع استراتژیک" مطرح شد.

انگلستان، بلژیک، روسیه، زلند جدید، ژاپن، شیلی، فرانسه، نروژ، بعلاوه کشورهای آلمان، اروگوئه، برزیل، چین، لهستان و هندوستان در فعالیتهای و تصمیم‌گیریها از قدرت بیشتری برخوردارند.

Antiamericanism

ضد آمریکایی‌گری

رد ارزشها و شیوه زندگی آمریکایی و دشمنی با سیادت و سلطه (هژمونی) نظامی و اقتصادی آمریکائیان.

Anticipatory Self-Defense

دفاع مشروع سبقت‌گیرنده بر تجاوز؛ دفاع پیشگیرانه

نوعی دفاع مشروع که در مواقع خطر قریب‌الوقوع و قبل از حمله مسلحانه صورت می‌گیرد. مثلاً در ۸ دسامبر سال ۱۹۴۱ پیش از اینکه به قلمرو هلند عملاً حمله‌ای صورت گیرد، هلند به منظور دفاع مشروع، علیه ژاپن اعلان جنگ داد. اعلان جنگ هلند با توجه به این واقعیت که به موجب فرمان ستاد عالی فرماندهی پادشاهی ژاپن، ۸ دسامبر ۱۹۴۱ به عنوان تاریخ آغاز حمله علیه قلمرو هلند تعیین شده بود، انجام گرفت. امر دفاع پیشگیرانه با وجود آنکه در منشور ملل متحد پیش‌بینی نشده، بارها دستاویز کشورهای برای حمله نظامی، تجاوز و اشغال سرزمینها قرار گرفته است: اسرائیل در سال ۱۹۶۷ علیه مصر، در سال ۱۹۷۵ علیه اردوگاه فلسطینیها در لبنان و در سال ۱۹۸۱ علیه عراق دست به حمله زد.

Anti-Clericalism

روحانیت ستیزی

ضدیت با مذهب رسمی و بویژه با نفوذ کلیسای کاتولیک رم در امر سیاست. گرچه این واژه معنی مخالفت با جامعه روحانیت یا کلیسا را دارد، اما معمولاً بیانگر این احساس است که نفوذ جامعه روحانی در مسائل سیاسی و اجتماعی اگر قطع نگردد، لازم است کم شود.

Anti-Colonialism

ضد استعمار؛ استعمارستیزی

نهضت‌هایی که برای رهایی از سلطه استعمار و امپریالیسم و کسب استقلال ملی، بویژه پس از جنگ دوم جهانی در جهان سوم پدیدار شد. اگرچه اینک مستعمره‌ای وجود ندارد ولی وجود روشهای اعمال نفوذ و تسلط که از طریق استعمار نو صورت می‌گیرد، استعمار ستیزی را همچنان زنده نگاهداشته است. در استعمار نو از حضور نیروهای نظامی بیگانه اثری نیست، بلکه نظامیان خودی، حکومتها و استبدادهای داخلی است که به شکل ابزار کار استعمار کهن غربی عمل می‌کند. از این رو، فعالیتهای ضد استعماری با دشواری و کندگی شکل می‌گیرند.

Anti-Communism

کمونیسم ستیزی؛ آنتی کمونیسم

افکار و احساسات ضد کمونیستی که به صورت غیر عادی و با چهره و ماسکهای گوناگون ظاهر می‌شود. آنتی کمونیسم غیر از این است که کسی به این یا آن علت با کمونیسم مخالف باشد و یا آن را غیر قابل اجرا یا شکست خورده بداند. لبه تیز حربه آنتی کمونیسم تنها متوجه کمونیستها نیست، بلکه فاشیسم و امپریالیسم از آن برای سرکوب تمایلات آزادیخواهی و دور کردن مردم از جنبشها و نظریات مترقی مذهبی و غیر مذهبی استفاده می‌کند. هیستری ضدیت با کمونیسم، بویژه در ایالات متحده آمریکا سابقه دارد. به عنوان مثال، در بحبوحه جنگ سرد در دهه ۱۹۵۰، سناتور جوزف مک

انگلیس دوستی

این واژه معمولاً توصیفگر شیفتگی مفرط مردم غیر انگلیسی به آداب و رسوم و نهادهای انگلیسی و تقلید از آنها است.

Anglophobia**انگلیس ترسی**

ترس یا نفرت شدید مردم غیر انگلیسی، از انگلیسیان و آداب و رسوم و نهادهای انگلیسی.

Anguish**تشویش**

ناراحتی و رنج جسمی یا روانی که با پریشانی، آشفتگی یا ترس مبهم و نامشخص همراه است.

Annexation**الحاق؛ انضمام**

انضمام منطقه‌ای که متعلق به دولتی دیگر است یا مالک بخصوصی ندارد، به خاک یک کشور. مثل انضمام سوئد به آلمان در زمان هیتلر. مقدرات مردم نواحی الحاقی بویژه در قرن ۱۹، دستخوش دادوستد و حرص دولتهای استعمارگر غربی بود.

Anomie (Anomy)**نابسامانی؛ بی‌هنجاری؛ آنومی**

۱- مفهوم ابداعی امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) جامعه‌شناس فرانسوی، برای اشاره به وضعیت جامعه فاقد ارزشهای متعارف، یعنی حالتی که در آن، هنجارها یا از بین رفته‌اند و یا جنبه آمرانه و مطلوب خود را از دست داده‌اند و یا با هم متناقضند به نحوی که فرد نمی‌تواند جهت رفتار خود را مشخص سازد. ۲- پریشانی قوانین و هنجارهای اجتماعی به نحوی که فرد در کوشش برای هماهنگ شدن با آنها ناکام شود و به خود پناه برد و بدبینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی کند. ۳- شرایط اجتماعی ویژه‌ای که ناشی از جدایی و بریدن از مقررات و ضوابط مورد قبول عامه است.

Antagonistic Cooperation**همکاری تعارض آمیز**

لزوم همکاری با دیگران و چشم پوشی از تعارضات جزئی برای رسیدن به منافع بزرگتر. آدماسمیت گفته است: رزقمان را از خیرخواهی قصاب و نانوا توقع نداریم، بلکه آنها به اقتضای منافع خویش آن را به ما می‌دهند.

Antarctica**جنوبگان (قاره قطب جنوب): قطب جنوب (قاره)**

قاره‌ای به وسعت حدود ۱۴ میلیون کیلومتر مربع در حوالی قطب جنوب زمین که دمای متوسط آن در سراسر سال زیر صفر و قطر متوسط یخ در آن نیز دو کیلومتر است. این قاره به علت سرما، بادهای سرد، یخهای شناور و کوههای عظیم یخ هنوز هم چندان شناخته نشده است. یک نظام حقوقی بین‌المللی که بر اساس عهدنامه سال ۱۹۵۹ (در سال ۱۹۶۱ به اجرا درآمد) مربوط به قاره قطب جنوب است، ادعاهای ارضی یا سرزمینی دولتها را بر بخشهایی از این سرزمین مسکوت گذاشته، ولی استفاده از قاره را فقط برای مقاصد صلح‌آمیز مجاز شناخته است. هفت کشور آرژانتین، استرالیا، انگلستان، زلند جدید، شیلی، فرانسه و نروژ دولتهای مدعی هستند. اگرچه این عهدنامه بیشتر از ۳۵ امضاکننده دارد، اما دوازده کشور اصلی آرژانتین، آفریقای جنوبی، آمریکا، استرالیا،

دموکراتیک و مخالفت با وجود دولت، آن را سندیکالیسم آنارشیستی نیز می‌گویند. به موجب این مکتب که به واسطه نفوذ عقیده آنارشیستها در سندیکالیستها پدید آمد، کوشش به عمل می‌آید تا با توسل به مبارزه اقتصادی و نفی مبارزه متشکل سیاسی، دولت و دموکراسی پارلمانی محو شود و بجای آن جامعه‌ای مبتنی بر رهبری اتحادیه‌های کارگری یعنی سندیکاها ایجاد شود.

هرج و مرج تولید

Anarchy of Production

اشاره به توسعه خودبخودی و بدون برنامه‌ریزی قبلی شرکتهای صنعتی و کشاورزی در پاسخ عرضه و تقاضای بازارها برای مواد اولیه و کالاهای مصنوعی، براساس مالکیت خصوصی و سایل تولید که شیوه تولید سرمایه داری برای کسب حداکثر سود برای کارآفرینان و کارسالارانش دارد. این وضع، ناگزیر موجب بحرانهای ادواری اضافه تولید، بحرانهای پولی و مالی، بیکاری و کاهش سطح زندگی کارگران می‌شود.

رژیم سابق

Ancien Régime

اصطلاح فرانسوی که بویژه در مورد رژیم حکومتی قبل از انقلاب کبیر فرانسه (سال ۱۷۸۹) به کار رفته است.

گروه آندی

Andean Group

گروه کشورهای واقع در ناحیه کوههای آند، مرکب از اکوادور، بولیوی، پرو، کلمبیا و ونزوئلا که در ۲۶ مه سال ۱۹۶۹ به منظور همکاری اقتصادی و سیاسی و بویژه ایجاد یک بازار مشترک و لغو تعرفه‌های گمرکی بین کشورهای عضو تشکیل گردید. پاناما، عضو شریک و کشورهای کستاریکا، دومینیکن، پاناما و اسپانیا اعضای ناظر این گروهند. شیلی در سال ۱۹۷۶ و پرو در سال ۱۹۹۷ از آن خارج شدند.

مردم‌محوری؛ مردم‌داری (مردم‌محوری)

Androcentrism

مجموعه ارزشهای فرهنگ مردسالار که براساس معیارهای مردانه قرار دارد.

حکومت مردان

Androcracy

مردسالاری و فرمانروایی مردان.

آنگاری؛ مصادره و تخریب اموال بیطرف؛ مصادره بحری

Angary

حقی است برای دولت در حال جنگ که به موجب آن می‌تواند کشتی یا مال التجاره کشور بیطرفی را که در سرزمین خودی یا دشمن و یا در آبهای آزاد باشد، به علت ضرورت نظامی و به شرط تأدیه ما بازا مصادره یا تخریب نماید. آنگاری نوعی "امبارگو" زمان جنگ است. اکنون حق آنگاری به معنی حق یک کشور است در صورت جنگ یا ضرورت فوری برای توقیف و ضبط کشتیهای تجارتي بیطرف (بیطرفی در جنگ دریائی) در آبهای داخلی یا سرزمینی اش به منظور استفاده موقتی و در مقابل پرداخت کامل غرامت.

هوادار انگلستان؛ انگلوفیل

Anglophile

دوستدار، شیفته و طرفدار سیاست انگلستان. این اصطلاح در دهه ۱۳۲۰ و بویژه در دوران اشغال ایران از طرف نیروهای متفقین در مطبوعات رواج یافت و گاهی نیز برای تهمت زدن به اشخاص مورد استفاده قرار می‌گرفت.

Analysis**تحلیل؛ تجزیه و تحلیل**

موشکافی و بررسی یک پدیده در ابعاد متفاوت برای رسیدن به پاسخ یا نتیجه مطلوب. تحلیل یکی از روشهای پژوهش علمی در کلیه مسائل، از جمله مسائل سیاسی است که به وسیله آن بخشهای متعدد یک پدیده و ارتباط این بخشها با یکدیگر و در مجموع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

Anarchic Order**نظام سروری ستیز**

نظام ناشی از هماهنگی متقابل در غیاب یک قدرت بالاتر.

Anarchism**بی‌دولتی؛ بی‌سروری؛ آنارشیزم**

آنارشیزم از واژه یونانی آنارشیا گرفته شده و به معنی بی‌سروری و فقدان رهبری و حکومت است. مخالفانش آن را هرج و مرج طلبی نامیده‌اند. به موجب این مکتب، انسان ذاتاً دارای گزینه اجتماعی است و اگر به حال خود گذاشته شود، راه زندگی جمعی را در پیش می‌گیرد. آنارشیزم به اصالت فرد و حفظ آزادیهای فردی اهمیت می‌دهد و هر نوع حکومت و قدرت سازمان یافته (حتی دولت پروتاریایی) را به عنوان اینکه وسیله استثمار و خفقان مردم است رد می‌کند و با مالکیت خصوصی نیز مخالف است. به نظر آنارشیزمها جامعه (بجای هر نوع حکومت و سلطه) باید بر اساس یک سلسله پیمانها و قراردادهای اجتماعی منعقد شده بین افراد اداره شود و امور مربوط به تولید و توزیع نیز در دست خود تولید کنندگان و مصرف کنندگان قرار داشته باشد. آنارشیزم خواستار یک مبارزه اجتماعی بیواسطه و اعتصاب عمومی در مقیاس جهانی است تا با یک اقدام قهرآمیز، نظام سرمایه‌داری برچیده شود و بجای آن سوسیالیسم بدون سازمان و قوه قهریه مستقر گردد. شعار اصلی آنارشیزم، حذف قدرت و زائد دانستن دولت است. از نظر مارکسیستها، آنارشیزم جز جملات کلی علیه استثمار سرمایه‌داری و بدون درک ریشه و علت آن چیزی نمی‌گوید و به بهانه اینکه شخصیت انسان آزاد است، تنها عمل انفرادی را قبول دارد و اقدام متشکل جمعی، مبارزه طبقاتی و نهضت اجتماعی را نادیده می‌گیرد.

Anarcho-Communism**آنارکو کمونیسم؛ کمونیسم آنارشیستی**

نسخه بدل نظریه آنارشیستی که توسط کراپتکین (۱۹۲۱-۱۸۴۲) آنارشیست و انقلابی روسی بسط و توسعه داده شده است. کراپتکین و پیروانش به این بهانه که هر نوع مالکیت بر اساس بی‌عدالتی استوار است، آن را به کلی رد کردند و از حدود سوسیالیسم تجاوز کرده و خواستار کمونیسم تام و تمام شدند که یادآور یوتویا یا جامعه کمال مطلوب و تخیلی توماس موراست. در اواخر قرن نوزدهم معمولاً دو جریان متفاوت در آنارشیزم تشخیص داده می‌شد: یکی آنارشیزم بر اساس اصالت فرد که به حفظ مالکیت خصوصی تعدیل شده اعتقاد داشت و دیگری آنارشیزم کمونیستی که مخالف با هر نوع مالکیت خصوصی بود. آنارشیزم بر اساس اصالت فرد به وسیله پرودون و آنارشیزم کمونیستی توسط باکونین و شاگرد مکتب او یعنی کراپتکین ارائه شد.

Anarcho-Syndicalism**سندیکالیسم آنارشیستی؛ آنارکوسندیکالیسم**

این واژه معادل سندیکالیسم است که به خاطر مخالفت سندیکالیستها با اعمال روشهای

انقلاب آمریکا**American Revolution**

فرایند آزادی مستعمره‌نشینان آمریکای شمالی از امپراتوری انگلستان برای ایجاد ایالات متحده. این انقلاب که به جنگ استقلال آمریکا نیز معروف است، از سال ۱۷۷۵ شروع شد و در سال ۱۷۸۳ پایان یافت و براساس پیمان پاریس (۱۷۸۳) ایالات متحده به عنوان یک ملت مستقل شناخته شد.

داوطلب کمک به دادگاه**Amicus Curiae**

اصطلاح لاتین به معنی دوست دادگاه که در حقوق آمریکا برای اشاره به کارشناس مطلعی به کار می‌رود که برای رفع شبهه از دادگاه و به نفع جامعه یا اشخاص ثالث، دادگاه را از نکات قانونی مطلع می‌کند و لایحه قانونی ارائه می‌دارد.

عفو؛ عفو عمومی**Amnesty**

معاف کردن دسته‌ای از مجرمین از مجازات. عفو عمومی در مورد عموم محکومین اعم از سیاسی و غیرسیاسی اجرا می‌شود و به موجب آن، دولت اعمال تنبیه و تهدید را نسبت به آنها متوقف می‌سازد و اشخاصی را هم که در بازداشت بسر می‌برند، آزاد می‌کند. بخشودگی اغلب در ایام ویژه، تغییر تاج و تخت و یا تغییر رژیم انجام می‌شود.

عفو بین‌المللی؛ سازمان عفو بین‌المللی**Amnesty International**

سازمانی که در سال ۱۹۶۱ برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، توسط گروهی از حقوقدانان و سیاستمداران لیبرال در بریتانیا تأسیس شد و بیش از یک میلیون عضو دارد که بیشتر آنها را حقوقدانان و نمایندگان پارلمانهای کشورهای مختلف و نویسندگان تشکیل می‌دهند. عفو بین‌المللی، هزینه فعالیتهای خود را از محل کمکهای داوطلبانه تأمین می‌کند و بودجه سالانه آن به هفت میلیون پوند می‌رسد. مقر سازمان، در شهر لندن است. دولتها، نظریات متفاوتی نسبت به عفو بین‌المللی دارند. مثلاً به نظر بعضی از آنها، سازمان عفو بین‌المللی با سازمانهای اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا - یعنی سیا و اینتلیجنس سرویس - ارتباط دارد و اینکه کار اصلی آن، جمع‌آوری اطلاعات برای سازمانهای جاسوسی غرب است.

بی‌اخلاقی؛ اخلاق ستیزی؛ بی‌اعتقادی به اخلاق**Amoralisme**

واژه فرانسوی به معنی مردود شمردن و انکار هرگونه اصول و موازین اخلاقی، وجدانی و شرافتی. برخی از هواداران این مکتب در دوره رنسانس اعتقاد داشتند که اخلاق باید کاملاً تابع خواستها و مقاصد سیاسی باشد.

ناسازگاری با زمان؛ نابگاهی؛ ناپهنگامی؛ واپسگرایی**Anachronism**

تطبیق نکردن با مقتضایات زمان، اشتباه در گاهشماری و گرایش به عادات و عقاید کهنه و منسوخ، مثلاً وقتی کسی از عقیده‌ای که مطابق با مسائل روز و روح زمان نیست دفاع کند، رفتار او را آناکرونیستی یا ناسازگار با زمان و خلاف روند تاریخ می‌خوانند.

خطرناک منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در ماورای بحار و برقراری سلطه جهانی حرکت می‌کند، ابراز داشته‌اند. محمد حسنین هیکل در سال ۲۰۰۳ در مقاله امپراتوری آمریکا نوشته است، جورج بوش (پدر)، گروه گسترش امپراتوری را در سال ۱۹۹۱ و پس از جنگ دوم خلیج فارس و باز پس‌گیری کویت از عراق ایجاد کرد. اما این طرح در زمان ریاست جمهوری پسر او در سال ۲۰۰۳ به اجرا درآمد. کانونهای علاقه‌مند به ایجاد امپراتوری آمریکا از نظر هیکل مختصراً به شرح زیر است:

- ۱- امپراتوری خواهان تندرو نظامی، مثل دونالد رامسفلد، ریچارد پرل، پل ولفو ویتز که خواهان برقراری سلطه سیاسی - نظامی بر خاورمیانه‌اند و اسرائیل را به عنوان پایه اصلی نقشه‌های خود می‌دانند. از نظر آنها در منطقه خاورمیانه دو کشور وجود دارد که دارای امکانات خدمت به طرح آنها هستند: یکی اسرائیل که کشورهای عربی اطراف آن، در بهترین حالت، فقط زمینهایی قابل خرید و فروش شمرده می‌شوند. دیگر، ترکیه که نیرومندترین کشور منطقه به حساب می‌آید و اینکه کشوری عربی نیست و در حاشیه کشورهای عرب قرار دارد و قدرت در آن، طبق قانون اساسی در اختیار نیروهای مسلح است. ۲- امپراتوری خواهان نفتی که شامل بزرگان صنعت نفت هستند، مثل جورج بوش (پدر)، جیمز بیکر، ریچارد چنی که عقیده دارند، نفت همان کالای موردنظر آینده است که با سلطه کامل بر منابع آن می‌توان طرح امپراتوری را به اجرا درآورد تا زمانی که فناوری جدیدی به عنوان جایگزین برای آن به وجود آید. ۳- امپراتوری خواهان مالی و تجاری و سیاسی، مثل راکفلر، بانکها و بورس اوراق بهادار نیویورک، محققان و سیاستمدارانی مثل هنری کی‌سینجر، برژینسکی، کاندولیزا رایس، از نظر آنها اروپا، تنها قدرتی است که به دلایل زیر، توان مقابله با تکروری آمریکا را دارد: دارای منافع حیاتی در خاورمیانه است، ۸۵ درصد مصرف نفت اروپا از منابع این منطقه تأمین می‌شود، شامل کشورهایی است که دوران امپراتوری را گذرانده‌اند، اروپا منزلت سیاسی و فرهنگی و ذخایر فکری و فلسفی خود را سرشارتر از ذخایر سلاح آمریکا می‌داند. دونالد رامسفلد با گفتن «اروپا قاره‌ای پیر است»، خیال اروپا (بویژه فرانسه) را راحت کرد و مشغول بازی فکری و فلسفی خود شد. به نظر یورگن هابرماس، دکترین بوش که تحت لوای مبارزه و جنگ علیه تروریسم به اجرا درآمده، در مقایسه با سیاستهای صریح سلطه جویانه، هیچ مزیتی ندارد و نمی‌توان از آن، مشروعیت پیروزی نیروی سلطه طلب را نتیجه گرفت. این‌گونه حفظ و تأمین برتری، مختص امپراتوریهای قدیم بوده است.

Americanism

آمریکادوستی؛ آمریکایی مآبی

وفاداری به آمریکا و نهادهای آن یا رسم و عرف خاص آمریکا یا شهروندان.

Americanization

آمریکایی سازی؛ آمریکایی مآب شدن (کردن)

اصطلاحی برای توصیف فعل و انفعال فرهنگی و اجتماعی که به وسیله آن، مهاجرین به آمریکا، زبان و افکار و عقاید و رسوم و آداب زندگی آمریکایی را فراگیرند. از آنجا که آمریکا، سکوی اصلی پرتاب موشک جهانی شدنهای کنونی است، زبان و علم و فرهنگ و مفاهیم و اخلاق آمریکایی، بدنه فرهنگی و تمدنی این جهان شدنهارا تشکیل می‌دهد. صرف نظر از خوب یا بدشمردن این ویژگیهای هویتی آمریکایی، جهانی شدنهای کنونی بار عظیمی از آمریکایی شدن را همراه خود دارد.

خوشایندی**Amenity**

این واژه با مفهوم کیفیت زندگی ارتباط دارد. شرایط آسایش و تفریح که خوشایندی را موجب می‌شوند عبارتند از: خدمات عمومی قابل دسترسی، بعلاوه محیط زندگی راحت و پاک و عاری از آلودگی.

اسلام آمریکایی**American Brand of Islam**

اسلام آمریکایی به تعبیر امام خمینی (ره) رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، یعنی اسلام رفاه و تجمل و در خدمت زر و زور، اسلام تقدس‌مآبی و تحجرگرایی، اسلام راحت طلبان، سازشکاران، فرصت طلبان و مستکبران. در مقابل، اسلام ناب محمدی (ص)، اسلام محرومان و مظلومان است که براساس آن از جمله باید با نظم ظالمانه حاکم بر جهان و دولتهای سلطه‌گر به مبارزه برخاست و از آرمان آزادی قدس شریف دفاع کرد.

چپ آمریکایی**American Brand of Left**

کنایه از طیف عوامل امپریالیسم که در لباس چپهای ماورای انقلابی ظاهر می‌شوند و به‌درون جنبشهای آزادیبخش و انقلابی نفوذ می‌کنند و با ایجاد تفرقه و از هم پاشیدن صفوف آنها، مانع پیروزی نیروهای انقلابی می‌گردند.

کنوانسیون آمریکائی حقوق بشر**American Convention on Human Rights**

معاهده "سازمان کشورهای آمریکائی" که در اجلاس سال ۱۹۶۹ کاستاریکا پذیرفته شد و درباره حمایت قانونی و بین‌المللی حقوق بشر در نیمکره غربی بحث می‌کند. این کنوانسیون که ظاهراً جامعتر از "کنوانسیون اروپائی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی" است، حدود بیست و دو حق سیاسی و مدنی (مثل حق زندگی و آزادی و در امان بودن از بازداشت خودسرانه و حقوق کودک) را تضمین نموده است. کنوانسیون در سال ۱۹۷۸ به مرحله اجرا درآمد، اما با وجود اینکه اکثر دولتهای نیمکره غربی آن را امضا کرده‌اند (کشورهایی مثل برزیل و ایالات متحده آمریکا تا سال ۱۹۸۷ امضا نکرده‌اند) کارنامه حقوق بشری آنها منفی است.

رؤیای آمریکایی**American Dream**

ایده‌آل آزادیخواهی و عدالت طلبی و توزیع فرصتهای اجتماعی به‌طور مساوی که بنیانگذاران ایالات متحده آمریکا و تنظیم‌کنندگان قانون اساسی این کشور به آن دل بسته بودند. از اواسط دهه ۱۹۶۰، عده‌ای از نویسندگان آمریکایی، این مفهوم را به‌باد طعن و تمسخر گرفتند.

امپراتوری آمریکا**American Empire**

عده‌ای از کارشناسان سیاسی پس از اشغال افغانستان و عراق پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توسط ایالات متحده آمریکا، و حدود ۲۲۷ سال پس از تأسیس این کشور (در سال ۱۷۷۶) به عنوان یک جمهوری با حکومتی از مردم، توسط مردم و برای مردم، واژه امپراتوری را برای انتقاد از آرزوهای جهانی جورج بوش (پسر) رئیس‌جمهوری آمریکا به کار برده‌اند و بدین وسیله، نگرانی خود را از اینکه آمریکا دیگر نمی‌خواهد یک جمهوری دموکراتیک باشد و اینکه در جهت گسترش

Ambassador

سفیر

سفیر، بالاترین درجه و مقام مأموریت دیپلماتیک است. ذکر کبیر به دنبال سفیر، نادرست ولی متداول است. در اصطلاح خارجی، لغتی را که معنی کبیر داشته باشد در دنبال سفیر نمی آورند. هر سفیری کبیر است زیرا سفیر صغیر وجود ندارد. نمایندگی از سوی شخص رئیس دولت از ویژگیهای سفیر است. سفیر، موظف به انجام کلیه امور سفارت و برقراری تماس دائم با کشور متبوع خود و کشور محل اقامت است. کسانی که در وزارت امور خارجه (ایران) در رسته اداری و سیاسی کارمند می شوند، نخست وابسته می شوند، سپس دبیر سوم، دبیر دوم و دبیر اول، سپس رایزن سوم، رایزن دوم و رایزن اول. در مرحله بعد، در صورت انتصاب از طرف رئیس جمهوری به مقام سفیری نایل می شوند.

Ambassador Accrédité (Accredited Ambassador)

سفیر اکر دیته

سفیر یک کشور اگر غیر از کشور محل مأموریت خود، در یک یا چند کشور دیگر هم مأموریت داشته باشد، در این گونه کشورها، اکر دیته (معتبر، رسمی، مجاز و دارای اختیار) نامیده می شود. علت این امر، معمولاً مسائل مالی کشورهای فرستنده سفیر، عدم روابط در حد کافی و کمبود افراد صلاحیتدار برای سمت ریاست دیپلماتیک است.

Ambassador-at-Large (Roving Ambassador)

سفیر سیار

مأمور دیپلماتیک متحرک یا سیار. به این مأمورین در تمام مدتی که مأموریت آنها در خارج ادامه دارد، سفیر سیار اطلاق می شود و از کلیه مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک برخوردارند. سمت و مأموریت و خط سیر سفیر سیار باید قبلاً به اطلاع کشورهای مورد سفر برسد.

Ambassador Extraordinary

سفیر فوق العاده

سفیری که برای کار معین و یا برای مدت محدودی نزد دولت دیگر سفارت دارد. سفیر فوق العاده، نماینده دولت است و نه نماینده رئیس دولت و لذا حق درخواست مستقیم ملاقات از رئیس دولت محل مأموریت را ندارد.

Ambition

جاه طلبی؛ بلندپروازی

خواستاری ترقی بسیار و رسیدن به مقامها و درجه‌های عالی یا آرزوی کسب افتخارات عمومی و نفوذ در بعضی از عرصه‌های زندگی اجتماعی که در خیلی از موارد ممکن است به تکبر، خودبینی، غرور منفی و نادیده گرفتن منافع اجتماعی منجر شود.

Ambivalence

دو احساسی؛ دوسودائی

همزیستی دو حالت عاطفی متناقض در یک فرد، مانند کسی که نسبت به یک چیز یا شخص معین، هم احساس تنفر و بیزاری داشته باشد و هم عشق و محبت.

Amendment

اصلاح (قانون)؛ اصلاحیه (قانون)

جریان تغییر، تصحیح و تجدیدنظر در لایحه، طرح، مقررات، مواد قانونی و قانون اساسی یا متمم و اصلاحیه قانونی.

Alternative**آلترناتیو؛ گزینه؛ راه (دیگر)؛ بدیل؛ جانشین؛ جایگزین**

آنچه به عنوان یکی از دو - گاهی چند - چیز انتخاب یار د شود، چنانکه با انتخاب یکی، دیگری - یا دیگران - ناگزیر کنار گذاشته شود. به این ترتیب، دو یا چند چیز را که باید از بین آنها یکی انتخاب گردد، آلترناتیوهای یکدیگر گویند.

Alternative Vote**رای جایگزین شونده؛ رای گیری تناوبی**

شیوه انتخاب کاندیدائی که توان ایجاد اکثریت را دارد. در این روش که در استرالیا معمول است، رأی دهندگان، مرتبه کاندیداها را مشخص می کنند. اولویت‌های نخست، شمرده می شوند و کاندیدائی انتخاب می شود که بیش از نصف آنها را داشته باشد. اگر هیچ کاندیدائی انتخاب نشود، کاندیدائی که حداقل اولویت‌های نخست را دارا باشد، کنار گذاشته می شود و آرای آنها دوباره توزیع می گردد. این کار تا وقتی که لازم باشد تکرار می شود تا کاندیدائی بیش از نصف آرای معتبر را به دست آورد.

Altruism**غیرخواهی؛ ایثار؛ از خود گذشتگی**

۱- نظریه مبتنی بر این اصل که انسان در فطرت خود گرایش به دیگر خواهی دارد و باید منافع خود را فدای منافع جمع کند. ۲- گذشت و انصراف از جان و مال و خوشاوند و امنیت شخصی و آسودگی مقام به خاطر عدالت و حق و حقیقت و منافع جامعه. ۳- بخشیدن همه چیز و گرفتن هیچ چیز. ۴- برتر داشتن و مقدم داشتن دیگران نسبت به خود و کرم نمودن به آنها. تمایل فایده رساندن به دیگران از تمایلات اصیل بشری است ولی بعضی از فیلسوفان منکر این تمایل شده اند. مثلاً جیمز میل و استوارت میل و اسپنسر اعتقاد دارند که اصالت با خودخواهی است و تحولات اجتماعی باعث شده است تا غیرخواهی از خودخواهی به وجود آید. اما اگوست کنت و دورکیم معتقدند که غیرخواهی مانند خودخواهی یک اصل انسانی است و این هر دو حالت از اصل میل به زندگی ریشه گرفته اند.

Altruistic Suicide**خودکشی ایثاری**

امیل دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) جامعه شناس فرانسوی، خودکشی را به چهار نوع تقسیم می کند: خودخواهانه، ناشی از بی هنجاری و نابسامانی، تقدیر گرایانه و ایثاری. خودکشی ناشی از نابسامانی یا آنومیک هنگامی رخ می دهد که یک دگرگونی یا بی سازمانی اجتماعی بزرگی حادث شود. این گونه خودکشیها در شرایطی که جامعه دچار انحطاط و بحران و ناامیدی است اتفاق می افتد. مثلاً وقتی هیتلر بر اتریش تسلط یافت، بسیاری از یهودیان دست به خودکشی زدند. خودکشی ایثاری یا نعدوستانه هنگامی اتفاق می افتد که فردی خویشتن را فدای گروه و جامعه می سازد. به نظر دورکیم این نوع خودکشی مقبول جامعه است و خوشنامی به دنبال دارد، مانند خودکشی سالمندان در قبایل اسکیمو و مادران در شرایط قحطی و کمبود مواد غذایی به منظور نجات کودکان، خودکشی در عملیات انتحاری برای انهدام مواضع و نیروهای دشمن، قربانی کردن پیشوایان مذهبی برای اثبات حقیقت و پیروزی بر ظلم و ناحق مثل خودسوزی راهبان ویتنامی در اعتراض به تجاوز آمریکا به ویتنام، خودکشی در راه آرمانهای سیاسی مثل خودکشی ناشی از اعتصاب غذای بابی ساندز مبارز ایرلندی.

شرایط به انحصار گروه در بسته‌ای از افراد درمی‌آید و لذا برای کلیه اعضای دیگر جامعه به چیزی غریبه و بیگانه تبدیل می‌گردد، زیرا فرآورده کار، از سازنده آن جدا و به شکل کالا وارد بازار می‌شود. یعنی، محصول کار متعلق به کسی نیست که آن را تولید می‌کند. در زندگی اجتماعی - سیاسی، بیگانگی به صورت خصلت خود به خودی تکامل جامعه و عجز انسان در برابر نیروهای اجتماعی که خود او به وجود آورده است (دولت، جنگ و بحران) درمی‌آید. انسان نمی‌تواند تعیین کند که چه می‌خواهد، بلکه تابع نیروهای کنترل‌ناپذیر مسلط بر جامعه است و از این رو، به نظر می‌رسد که موازین و اشکال زندگی اجتماعی را اراده وی و افراد جامعه تعیین نمی‌کنند، بلکه نیروهای مرموز آنها را وضع و تحمیل کرده‌اند. در جوامع آزاد نیز نوعی از خودبیگانگی ظریف و پیچیده احساس می‌شود.

Alliance

اتحاد؛ پیمان؛ اتفاق

قرارداد رسمی، سری یا آشکار، بین دو یا چند دولت که به یکدیگر تعهد کمکه‌های سیاسی و نظامی در صورت بروز جنگ و جز آن می‌دهند. معمولاً دولت‌های تشکیل دهنده اتحاد یا اتحادیه، دارای هدف‌های سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژی و فرهنگ مشابهی هستند.

Al-Qaeda

القاعده

مجموعه‌ای از گروه‌های سیاسی دینی مسلمان سنی مذهب که مشی مبارزه مسلحانه تروریستی را برای رسیدن به هدف‌های خود، یعنی برقراری حکومت اسلامی به صورت نظام خلافتی برگزیده‌اند. القاعده را اسامه بن لادن در سال ۱۹۸۸ و در دوران جهاد اسلامی افغانستان علیه نیروهای مداخله‌گر شوروی سابق با بر خور داری از کمکه‌های آمریکا و انگلستان تشکیل داد. علائم حضور آن غیر از افغانستان و عربستان، در کشورهای دیگر مثل الجزایر، پاکستان، اندونزی، سوریه، فیلیپین، مالزی، مصر، سودان، کویت، چین، کشمیر، کنیا، تانزانیا و یمن نیز مشاهده شده است. حادثه حمله هواپیماهای مسافربری ریزه شده به مراکز حساس یعنی برج‌های دوقلوی مرکز جهانی تجارت و پنتاگون در شهرهای نیویورک و واشنگتن در آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مهمترین اقدام تروریستی القاعده شمرده می‌شود.

Alteration

استحاله؛ تغییر

تغییر از حالتی به حالت دیگر یا تغییر در کیفیت.

Alternat

تناوب

قائل شدن نوبت برای مأمورین عالی‌رتبه سیاسی که از حیث مقام و رتبه مساوی هستند تا به نوبت شاغل شوند. مفهوم دیگر این واژه از نظر تعیین تقدم و تاخر دولتهای امضاکننده یک سند است. مثلاً در عهدنامه‌های دوجانبه، نام هر دولت در نسخه‌ای که به او تعلق می‌گیرد، اول قید می‌شود. در عهدنامه‌های چندجانبه اگر عهدنامه در یک نسخه تنظیم و امضا شده باشد (در این صورت به دولتهای متعاقد یک نسخه رونوشت مصدق داده می‌شود) نام دولتهای متعاقد به ترتیب حروف تہجی زبانی که عهدنامه تنظیم شده است، قید می‌گردد.

انتفاضه نخست با انتفاضه الاقصی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: ۱- چشمگیر بودن جنبه مذهبی (اسلامی) انتفاضه الاقصی در جهان. ۲- تقویت وحدت بین فلسطینیها. ۳- حمایت آشکار آمریکا از اسرائیل. ۴- یکپارچگی و همگانی بودن قیام فلسطینیها و حتی فلسطینیهای دارای تابعیت اسرائیل. ۵- مردود شمرده شدن نظر کسانی که عقیده به توافقی بدون لزوم تخلیه کامل اراضی اشغال شده در جنگ ۱۹۶۷ داشتند. ۶- قطع روابط دیپلماتیک بعضی کشورها با اسرائیل. ۷- انتفاضه دوم به تدریج از حالت قیام و پرتاب سنگ خارج شد و به صورت نوعی جنگ درآمد. براساس طرح صلح «نقشه راه» که در سال ۲۰۰۳ ارائه شد، قرار است تا سال ۲۰۰۵ بین اسرائیل، فلسطین و کشورهای عربی سازش اساسی به عمل آید.

هشداردهنده؛ جنجال برانگیز Alarmist

کسی که کوشش می‌کند تا ترس همگان را در ارتباط با نتایج برخی از سیاستهای دولتی برانگیزد.

سفید سالاری؛ حکومت سفیدپوستان Albocracy

سروری سفیدپوستان. از نظر عده‌ای، جامعه ایالات متحده آمریکا سفید سالار است، زیرا سفیدپوستان آن خود را از اقلیتهای سیاهپوست و سرخپوست دور می‌گیرند و در حفظ فاصله‌های اجتماعی می‌کوشند.

عضو شورای شهر؛ عضو انجمن شهر Alderman

در انگلستان و آمریکا برای اشاره به نمایندگان منتخب در شوراهای محلی و انجمنهای شهر به کار رفته است.

آماده باش Alert

حالتی که به موجب آن، اشخاص با آگاهی از خطر یا تهدید، برای هر نوع عملیات آماده می‌شوند.

بیگانه؛ اجنبی Alien

۱- شخص مقیم یا ساکن در کشوری که تبعه یا شهروند آن کشور نباشد. ۲- شخصی که به موجب قانون یک کشور، تبعه یا شهروند آن کشور محسوب نشود، هر چند که مقیم یا ساکن آن باشد.

بیگانگی؛ از خود بیگانگی؛ ناخویشی؛ بیگانه شدن با خود؛ مسخ Alienation

۱- تضاد بین نوع انسان (یعنی زندگی اجتماعی) و فرد انسان (یعنی احتیاجات زندگی فردی) در جوامع طبقاتی که چنین تضادی در آنها شدید است، باعث از خود بیگانگی می‌شود. ۲- تبدیل انسان به شیء و محروم شدن او از خصایص انسانی. ۳- حالت و موقعیت پست و غیر بشری فردی که به وسیله فرد دیگر استثمار شده است. ۴- تبدیل محصولات فعالیت انسانی (کار مولد، مناسبات اجتماعی و سیاسی، موازین اخلاقی، تئوریهای علمی و اشکال شعور اجتماعی) و نیز مختصات و استعدادهای انسانی به چیزی مستقل از انسان، بیگانه از او و مسلط بر او. از خود بیگانگی ناشی از روابط نامطلوب تولیدی است. هر نوع از فعالیت (اعم از کار تولیدی، علم، هنر و اداره امور) در این

مربوط به فضای ملی به وسیله کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی که در سال ۱۹۴۴ در شیکاگو به امضا رسید، به رسمیت شناخته شده است و فقط امکان دارد که با امضای قرارداد‌های دو یا چند جانبه بین کشورها محدود شود. مرز بین فضای ملی و فضای ماورای جو مشخص نشده است.

Air Warfare

جنگ هوایی

جنگی که در هوا صورت می‌گیرد و شامل کلیه عملیات نظامی (یعنی عمل مراقبت و مواظبت و عمل انهدام) است که به وسیله انواع سفینه‌های هوایی مثل بالن، هواپیما و هلیکوپتر علیه دشمن انجام می‌شود. بمباران شهرهای بلادفاع طبق ماده ۲۵ قرارداد ۱۹۰۷ لاهه ممنوع است. بمباران هوایی درباره هدفهای نظامی (نیروی نظامی، استحکامات نظامی، تأسیسات مخصوص جنگ، خطوط ارتباطی و حمل و نقل مورد استفاده نظامی) که اگر تمام و یا قسمتی از آنها منهدم گردد، برای متخاصم امتیاز نظامی مسلمی به‌شمار می‌آید، مجاز است.

Al-Aqsa Intifada

انتفاضه الاقصی

دور دیگری از قیام مردم فلسطین معروف به انتفاضه که روز ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ (۷ مهر ۱۳۷۹) با ورود آریل شارون رهبر حزب لیکود اسرائیل، همراه با شش تن از مسئولان حزب در پناه صدها پلیس مسلح، وارد مسجد الاقصی شد تا حاکمیت اسرائیل را بر این مکان نشان دهد. روز بعد، پس از نماز جمعه، هنگامی که نمازگزاران فلسطینی با خشم از مسجد خارج می‌شدند، نیروهای مسلح اسرائیلی برای جلوگیری از هرگونه اعتراضی به سوی آنها تیراندازی کردند و ۷ نفر از نمازگزاران فلسطینی را شهید و حدود ۲۵۵ نفر رازخمی کردند. در آن روز و روزهای بعد، اعتراضات در بیت‌المقدس گسترش یافت و به شهرهای دیگر سرایت کرد. روز ۱۰ مهر ۱۳۷۹ گزارش تلویزیونی تصویربرداران فرانسوی شهادت محمد الدوره کودک ۱۲ ساله فلسطینی که سعی داشت خود را در پناه پدرش حفظ کند، تأثیری جهانی برجای گذاشت و منجر به محکومیت گسترده اسرائیل به علت استفاده بیش از حد از خشونت و زور گردید. اعتراضات فلسطینیها و پرتاب سنگ به طرف نیروهای اسرائیلی شدت گرفت و قیامی جدید آغاز شد که انتفاضه دوم یا انتفاضه الاقصی نام گرفت. دور جدید انتفاضه، ریشه در اقدامات متعدد اسرائیل در سالهای پس از کنفرانس صلح مادرید در سال ۱۹۹۱ دارد. اقداماتی که با ادعای صلح‌خواهی این کشور مطابقت ندارد، یعنی افزایش بی‌سابقه اشغال سرزمینهای فلسطینی، ایجاد شهرکهای جدید یهودی و گسترش شهرکهای موجود در کرانه باختری و نوار غزه، تخریب خانه‌های فلسطینیها و مجازات دسته‌جمعی آنها. اسرائیل که موجودیت و منافع خود را با ادامه انتفاضه در خطر می‌دید، تلاش کرد تا با زور و استفاده از سلاحهای گوناگون مثل گلوله‌های جنگی و انفجاری، تانک و موشک و حتی اورانیوم ضعیف شده و بویژه با هدف قرار دادن کودکان و جوانان فلسطینی، مبارزهٔ حقوق‌طلبانه مردم فلسطین را سرکوب و روند انتفاضه را کنترل و در نهایت خاموش کند. هدف نیروهای اسرائیلی در مقابله با نسل جدید قیام کنندگان، در هم شکستن روحیه مقاومت و پیکارجویی آنها است. اما انتفاضه الاقصی ثابت کرده که ملت فلسطین همچنان زنده است و علی‌رغم تلاشهایی که برای منحرف ساختن آنها از احقاق حقوقشان صورت می‌گیرد، حاضر به گذشتن از خواسته‌های مشروعشان نیستند. تفاوت‌های قیامی

اصلاحات ارضی یا بهبود وضع اقتصادی کشاورزان و جلوگیری از استثمار روستائیان به وسیله شهرنشینان. ۳- شیوه زندگی مبتنی بر اقتصاد کشاورزی.

حزب کشاورزی

Agrarian Party

حزبی که نمایندگی کشاورزان را عهده دار است.

نظام ارضی

Agrarian System

الگوی تقسیم زمین، مالکیت و مدیریت آن؛ ساخت اجتماعی و نهادی اقتصاد ارضی.

صور تجلسه مذاکرات؛ توافقنامه

Agreed Minute(s)

خلاصه مذاکرات یا سندی است مشتمل بر مواضع، رئوس مطالب و توافقات حاصله در جریان مذاکرات مسئولان اجرایی دو کشور، این واژه به صورت مفرد، مترادف "یادداشت تفاهم" است.

موافقتنامه؛ قرارداد (بسيط)

Agreement

قراردادی که از لحاظ شکل و صورت بسیار ساده است و تشریفات ویژه و مفصل هم ندارد. این گونه قراردادها بدون ملاحظه رسمی و صریح رئیس کشور منعقد می شود. قرارداد بسیط معمولاً به وسیله وزیر امور خارجه و مأموران دیپلماسی با مبادله یادداشت و نامه و اعلامیه و یا در پایان مذاکرات، فی المجلس منعقد می شود و به محض امضا معتبر شناخته شده و به تصویب رئیس کشور نیازی ندارد.

پذیرش؛ اگرمان

Agrément

قبل از اعزام افراد مورد نظر برای تصدی پست نمایندگی دیپلماتیک، نخست باید موافقت دولت متقابل را درباره شخصی که برای سفارت یا وزارت مختار معین شده به دست آورد. این موافقت یا رضایت را پذیرش گویند. جلب موافقت به وسیله نامه ای صورت می گیرد که وزارت امور خارجه دولت فرستنده به وسیله سفارت کشور پذیرنده و یا سفارت خود در کشور پذیرنده برای دولت مزبور می فرستد و در آن تمام خصوصیات گذشته و حال شخص مورد نظر را ذکر می نماید. دولت پذیرنده نیز پس از انجام تحقیقات لازم، موافقت خود را با اعزام آن شخص اعلام می کند.

یادداشت؛ تذکاریه

Aide Mémoire

یادداشت و خلاصه کتبی مذاکرات که به نمایندنده دولت طرف مذاکره تسلیم می شود و حاوی اهم نکات طرح شده در مذاکره است. مطالب آن به صیغه غایب نوشته می شود و خالی از تعارفات رایج دیپلماسی و بدون امضا و مهر است.

قدرت هوایی

Air Power

نیرویی که یک ملت می تواند به وسیله وسایل نظامی هوایی به منظور نیل به هدفهای نظامی و سیاسی خود اعمال کند.

فضای ملی؛ حریم هوایی؛ آسمان کشور

Air Space

فضای بالای آب و خاک هر کشور که تحت حاکمیت یا صلاحیت آن کشور قرار دارد. صلاحیت

هر گونه ضمیمه‌سازی سرزمین یک دولت یا قسمتی از آن با استفاده از زور ۲- بمباران سرزمین یک دولت توسط نیروی مسلح دولت دیگر، یا کاربرد هر نوع سلاح توسط یک دولت علیه سرزمین دولت دیگر ۳- محاصره بنادر یا سواحل یک دولت توسط نیروهای مسلح دولت دیگر ۴- حمله نیروهای مسلح یک دولت به نیروهای زمینی، دریایی، یا هوایی، یا ناوگانهای هوایی و دریایی دولت دیگر ۵- استفاده یک دولت از نیروهای مسلح مغایر با شرایط مورد توافق با دولت دیگر که در سرزمین آن مستقر شده‌اند یا ادامه حضور آن نیروها در این سرزمین پس از پایان مدت مورد توافق ۶- اجازه یک دولت برای استفاده از سرزمینش، که در اختیار دولت دیگر قرار داده، به منظور انجام یک اقدام تجاوزکارانه علیه دولت ثالث ۷- اعزام دسته‌ها، گروه‌ها، نیروهای نامنظم یا مزدوران مسلح توسط یا از جانب یک دولت به منظور انجام عملیات مسلحانه علیه دولت دیگر با چنان شدتی که در شمار اقدامات یاد شده فوق قرار گیرند، یا درگیر شدن قابل توجه دولت مزبور در آن عملیات. هیچ یک از موارد و اقداماتی که شرح داده شد، نباید چنان تفسیر شود که مشروعیت مبارزات جنبشهای آزادیبخش، جنگهای چریکی، یا نهضت‌های مقاومت را مورد تردید قرار دهد.

Aggressiveness

پرخاصگری

عدم اعتماد به نفس و عزت نفس، عدم توجه به دیگران و افکار و عقاید آنها، حقیر و خوار شمردن دیگران، احساس برتری داشتن، علاقه به کنترل مردم و موقعیت‌های مختلف، تحریف افکار و عقاید دیگران، رفتار واکنشی سریع علیه دیگران، خوب شمردن خود و بد دانستن دیگران.

Aggressor Nation

ملت تجاوزکار

ملتی که داوری یا حکم داور را قبول نکند و یا روشهای حل مسالمت‌آمیز اختلافات را نپذیرد و بر تهدید و توسل به زور اصرار ورزد.

Agitation

تحریک؛ آژیتاسیون؛ آشوبگری؛ تبلیغ (آژیتاسیون)

تأثیر سیاسی گذاشتن در بین توده‌های وسیع مردم و جلب آنها برای شرکت در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از طریق سخنرانی، گفتگو، کتابها، نشریات، رادیو و تلویزیون و جزاینها. در آژیتاسیون از شیوه‌های تهییجی و احساسی زیاد استفاده می‌شود.

Agitator

محرک؛ آشوبگر؛ آژیتاتور؛ مبلغ (آژیتاتور)

مبارز، مبلغ، شورانگیز، تحریک کننده یا کسی که با استفاده از روشهای تهییجی می‌کوشد بر فکر و عمل مردم نسبت به یک امر سیاسی تأثیر گذارد.

Agrarian Bourgeoisie

بورژوازی کشاورزی

بورژوازی زمیندار یا گروه و طبقه‌ای که به خاطر به دست آوردن منفعت و با منطق کسب و کار به تملک زمین و تولید محصولات کشاورزی و دامی روی می‌آورد.

Agrarianism

تقسیم اراضی به تساوی؛ هواداری از اصلاحات ارضی؛ زندگی روستایی

۱- دکتترین تقسیم متساوی یا توزیع منصفانه اموال زمینی. ۲- جنبش اجتماعی یا سیاسی برای

آفریقایی، سوسیالیستی و همچنین نمایندگان برخی از سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی شرکت داشتند.

خبر باوری

Agathism

اعتقاد به پیروزی نهائی نیکی بر بدی.

Agenda

دستور جلسه؛ موضوعهای مورد بحث

مواد یا موضوعهای مورد بحث جلسه که معمولاً قبل از تشکیل آن تهیه و در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده می‌شود.

Agenda for Development

دستور کار برای توسعه

بطوروس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ برنامه کاری را برای توسعه صادر کرد که در آن بر ابعاد پنجگانه توسعه، یعنی صلح، رشد اقتصادی، محیط زیست، عدالت اجتماعی و دموکراسی تأکید شده بود. سند نهائی دستور کار برای توسعه، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ژوئن سال ۱۹۹۷ به تصویب رسید. این سند نه تنها برای جنبه‌های شناخته شده توسعه، مثل رشد اقتصادی، از بین بردن فقر و بیکاری، مدیریت خوب یا حسن تدبیر و تقویت جایگاه زنان در فرایند توسعه اهمیت قائل شده، بلکه چارچوبی نیز برای همکاری بین‌المللی در زمینه توسعه ارائه نموده است.

Agenda Setting

تعیین دستور جلسه؛ گرداندن دستور جلسه؛ طرح برنامه

هنر یا علم تعیین موارد دستور جلسه یا اداره کردن و هدایت دستور جلسه یا یک برنامه، به نحوی که حتی المقدور حداکثر نتیجه مطلوب از آن گرفته شود.

Agent Provocateur

آژان پرووکاتور؛ مفسده‌جو؛ عامل مخرب؛ عامل فتنه‌انگیز

۱- اصطلاح فرانسوی به معنی کسی که ضمن کشمکشهای سیاسی و اجتماعی بین گروههای متخاصم، به داخل صفوف طرف مقابل فرستاده می‌شود تا در لباس طرفدار گروه، سعی در به‌خطر انداختن و برهم زدن اقدامات مصالحه‌آمیز نماید. ۲- شخصی که گروههای زیرزمینی یا مخفی را به مقاومت علنی و ادار سازد تا اولیای امور بتوانند آنها را دستگیر کنند.

Aggregation

جمع مطالبات

این واژه در ارتباط با برگرداندن یا تبدیل تقاضاهای سیاسی به راه و روشهای جایگزین به کار رفته است که معمولاً توسط حزبهای سیاسی انجام می‌شود.

Aggression

تجاوز

کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی، یا استقلال سیاسی دولت دیگر، یا کاربرد آن از دیگر راههای مغایر با منشور ملل متحد. پیشدستی یک دولت در کاربرد نیروی مسلح مغایر با منشور ملل متحد، نشانه نخستین اقدام تجاوزکارانه است. به‌طور کلی، هریک از اقدامات زیر دارای کیفیتی تجاوزکارانه است: ۱- تهاجم، یا حمله نیروهای مسلح یک دولت به سرزمین دولت دیگر، یا هرگونه اشغال نظامی هر چند موقت، ناشی از چنان تهاجم یا حمله‌ای، یا

Affidavit

اظهارنامه به قید سوگند

اعلامیه مکتوب به قید سوگند و امضا شده.

Affirmative Action

حفظ تساوی حقوق؛ رفع تبعیض؛ کنش مثبت؛ سیاست ضد تبعیض شغلی

برنامه، اقدامات و سیاستهای استخدامی یک مؤسسه برای اطمینان از اینکه اشخاصی که اغلب مورد تبعیض قرار می‌گیرند، مثل اقلیتهای قومی، زنان و سالمندان می‌توانند در تمام سطوح مؤسسه کار کنند. کندی، رئیس جمهوری آمریکا در سال ۱۹۶۱ ضمن صدور حکمی از پیمانکاران دولتی خواست تا برای مبارزه با تبعیض شغلی در محیطهای کاری، کنش مثبت را پیش گیرند و افراد متعلق به گروههای محروم اجتماعی را استخدام کنند. سه سال بعد، بند هفتم قانون اساسی سال ۱۹۶۴ در مورد حقوق مدنی، هر گونه تبعیض مبتنی بر تفاوتهای نژادی، رنگ پوست، مذهب، جنسیت یا ملیت را ممنوع اعلام کرد. در سال ۱۹۶۵ نیز مؤسسات دولتی موظف شدند تا هدفهای ویژه و جدولهای زمانبندی شده‌ای را برای افزایش استخدام زنان و اقلیتهای تدریس کنند.

Affluent Society

جامعه مرفه؛ جامعه رفاه و فراوانی

جامعه ثروتمند و متمکنی که در آن، اشیاء مادی به وفور یافت می‌شود و فعالیت تولیدی نیز به نحو فزاینده‌ای در جهت تولید تجملات است. جامعه مرفه یا متنعم و مصرفی، متکی بر یک بازار همیشه در حال گسترش است. وقتی هر کس از هر چیز یکی در اختیار دارد، لازم است که یکی دیگر به او فروخته شود. چنین جامعه‌ای نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ در ایالات متحده آمریکا رشد کرد و بعضی خصوصیات آن عبارتند از: نقش آگهی‌های تجارتي و تبلیغات در تمام زمینه‌ها؛ وجود نقشه و سیاستی برای آنکه اشیاء کهنه دور ریخته شود، یعنی تولیدکننده باید چیزی بسازد که هر چه زودتر خراب و فرسوده گردد و قابل تعمیر نباشد؛ خرید کالا از طریق قرض. جان کنت گالبرایت اقتصاددان آمریکایی در سال ۱۹۵۸ در کتاب "جامعه متنعم" از مسئولین جامعه آمریکا می‌خواهد به جای تأکید بر گسترش مواد مصرفی که تذبذب به دنبال دارد، در ارتقای سطح آموزش و بهداشت بکوشند.

Affluent Worker

کارگر مرفه

کارگری که بیش از حد لازم برای رفع نیازهای خود و خانواده‌اش دستمزد دریافت می‌دارد. وجود کارگران مرفه یکی از مشخصه‌های چشمگیر سرمایه‌داری غربی پس از جنگ جهانی دوم تلقی شده است.

Afro-Asian People's Solidarity Organization (AAPSO)

سازمان همبستگی خلیفهای آسیا و آفریقا

سازمان غیردولتی با خط مشی ضد امپریالیستی که تصمیم به ایجاد آن در کنفرانس همبستگی آسیا و آفریقا که در سال ۱۹۵۷ در قاهره تشکیل گردید، گرفته شد. دومین کنفرانس سازمان همبستگی در سال ۱۹۶۰ با حضور نمایندگان بیش از ۵۰ کشور در کوناکری تشکیل گردید. در سال ۱۹۷۵ نیز یک کنفرانس در مسکو برگزار شد که در آن، نمایندگان بیش از ۷۰ کشور آسیایی،

Advanced Capitalism**سرمایه‌داری پیشرفته**

نظام اقتصادی که در آن مالکیت خصوصی وجود دارد اما بخش دولتی هم دارای نقش مهمی است. بسیاری از اقتصادهای پیشرفته بازار، مثل اروپای غربی، آمریکای شمالی، استرالیا و ژاپن از نمونه‌های این نوع سرمایه‌داری شمرده می‌شوند.

Adventism**انتظار ظهور؛ ظهور باوری**

این واژه به‌طور اخص، اشاره است به عقیده به بازگشت مسیح به زمین برای تأسیس ملکوت خداوند.

Advent of Mahdi**ظهور مهدی (ع)**

آرمان ظهور، قیام و انقلاب مهدی (دوازدهمین امام شیعیان) یعنی اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق بر باطل و گسترش جهانی ایمان اسلامی و تشکیل جامعه کمال مطلوب. مشخصات آن به شرح زیر است: ۱- خوشبینی به آینده بشریت ۲- پیروزی نهایی صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و ظلم و اختناق ۳- حکومت جهانی واحد ۴- عمران تمام زمین ۵- بلوغ بشریت به‌خردمندی کامل ۶- برقراری مساوات کامل میان انسانها در امر ثروت ۷- منتفی شدن کامل مفاسد اخلاقی ۸- سازگاری انسان و طبیعت. امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی انسانی، انتظار فرج خوانده شده که خود بردو گونه است: ۱- انتظار سازنده ۲- انتظار ویرانگر. انتظار ویرانگر یعنی اینکه مهدویت و قیام مهدی (ع) فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها، تبعیضها، اختناقها، حق‌کشیها و تباهیها ناشی می‌شود و از این رو بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است. به‌موجب انتظار سازنده که در روایات اسلامی بدان اشاره شده و در جهت عکس برداشت فوق است، ظهور مهدی (ع) حلقه‌ای است از حلقه‌های مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود، و سهم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد.

Adventurism (Aventurisme)**ماجراجویی؛ حادثه‌جویی؛ آوانتوریزم**

گونه‌ای فعالیت سیاسی که بر محاسبات واقع‌گرایانه شرایط و امکانات عملی و قوانین مربوط به پیشرفت جامعه و نیز علم انقلاب متکی نباشد.

Adversary Politics**سیاست هم‌اوردی**

این اصطلاح در ارتباط با نظام پارلمانی انگلستان و نبرد در روی دو رقیب حزبی کارگر و محافظه کار برای جلب ناظران به کار رفته است.

Advisory Opinion**رای مشورتی**

پاسخ دیوان بین‌المللی دادگستری به‌سؤالی که برای روشن شدن مطالب قانونی از آن مرجع شده است. هر مسأله حقوقی قابل طرح و اظهار نظر مشورتی در دیوان است و فقط مجمع عمومی و شورای امنیت می‌توانند مستقیماً و بدون قید و شرط از دیوان تقاضای رأی مشورتی کنند. سایر ارکان سازمان ملل و سازمانهای تخصصی وابسته به آن نیز حق درخواست رأی مشورتی را دارند، منوط به اینکه اجازه مجمع عمومی را در این مورد کسب کرده باشند.

بسیاری از آنها وظایف عادی را انجام می‌دهند و فقط تعداد کمی از آنها مسئولیت‌های بزرگی دارند که نخبگان اداری نامیده می‌شوند. قدرت و پایگاه آنها در این یا آن کشور بسیار متفاوت است. در فرانسه و انگلستان از پایگاه والائی برخوردارند، زیرا از طریق امتحانات مختلف و از میان بهترین و با صلاحیت‌ترین افراد انتخاب می‌شوند. دوره تصدی آنها طولانی و از مسائل سیاسی جدا است. در آمریکا با تغییر رؤسای جمهوری، نخبگان اداری نیز تغییر می‌کنند و از این‌رو، دوره تصدی آنها کوتاه است. به نظر فرانک بیلی Bealey استاد علوم سیاسی انگلیسی، نخبگان اداری در کشورهای مثل کشورهای خاورمیانه، به خاطر فسادشان، از اعتبار، شهرت و آبروی اندکی برخوردارند.

Administrative Law

حقوق اداری

۱- مجموعه مقرراتی است که سازمان و فعالیت و وظایف مؤسسات اداری و حدود اختیارات و امتیازات قوای عمومی دولتی و کیفیت حفظ منافع متقابل دولت و افراد و روابط طرفین را با هم تعیین می‌کند. ۲- مجموع مقررات حقوقی مستثنی از حقوق خصوصی که حاکم بر اعمال اداری اشخاص حقوق عمومی است.

Administrative Revolution

انقلاب اداری

دگرگونی و اصلاحات در نظام اداری. از جمله علل عدم موفقیت برنامه‌های اصلاحات اداری در بعضی کشورهای در حال توسعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عدم انجام بررسی همه‌جانبه و دقیق نظام اداری کشور، نبودن عزم ملی در مراتب عالی مدیریت کشور در مورد تحول نظام اداری و عدم احساس ضرورت برای ایجاد تناسب بین نظامهای مدیریتی با برنامه‌ها و اوضاع و احوال مناسب توسعه کشور، عدم تجهیز نظام اداری به یک برنامه راهبردی مناسب اصلاحات، فقدان روحیه مشارکت‌پذیری و نیز عدم مشارکت کارشناسان و صاحب‌نظران و مدیران سازمانهای اجرایی در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های اصلاحات اداری، نبودن اقتدار قانونی مناسب و جایگاه تأثیرگذار در سازمان مسئول و رهبری نظام اداری کشور برای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و هدایت برنامه‌های تحول اداری.

Adomide

آدومید؛ بی‌اقامتگاه

شخصی که اقامتگاه معینی ندارد.

Ad Referendum

کسب تکلیف؛ با حق مراجعه

حالتی که نماینده دیپلماتیک یک کشور، حین مذاکره در مقابل پیشنهاد طرف دیگر اظهار می‌دارد که پیش از پاسخ دادن باید مسأله مطروحه را با دولت متبوع خود در میان گذارده، کسب تکلیف کند. به عبارت دیگر، هر مذاکره‌کننده‌ای گاهی چنین مصلحت می‌بیند که پیشنهاداتی را از طرف مذاکره‌پذیرد بدون اینکه تعهدی برای دولت متبوعش ایجاد کند. در چنین مواقعی پیشنهادات را با حق مراجعه قبول می‌کند و این معنی را می‌دهد که پذیرفتن، مشروط به این است که دولت متبوعم آن را قبول نماید.

کنند موجب شده‌اند که هر رویدادی اصولاً ناچیز به نظر آید. ارزش خبر یک بمباران در لبنان ممکن است چه باشد، اگر قبل از پخش آن یک آگهی شاد مربوط به فلان کمپانی هواپیمائی و بعد از آن یک آگهی برای شلوار جین پخش شود؟ در واقع، مجریان برنامه‌های اخبار تلویزیونی، زبان ما را با عبارت "و حالا.." غنی کرده‌اند. این عبارتی است که دو عنصر را به هم نمی‌پیوندد، بلکه آنها را از هم جدا می‌کند. هنگامی که مجریان می‌گویند "و حالا.."، می‌خواهند بگویند چیزی که تا حالا دیدید یا شنیدید، هیچ ارتباطی به آنچه همین حالا می‌بینید یا می‌شنوید ندارد. هیچ قتل فجیع، لغزش و خطای بزرگ سیاسی و بمباران ویرانگری نیست که با شنیدن "و حالا" از اذهان پاک نشود. گوینده تلویزیون با گفتن "و حالا" تصور می‌کند بینندگان به اندازه کافی درباره موضوع، تامل نموده‌اند، یعنی حدود چهل ثانیه. و حالا باید توجه خود را به آگهی معطوف کنند. چنین نمایشی، اطلاع‌رسانی نیست، بلکه حاکی از این واقعیت است که چرا آمریکائیان در شمار ناآگاهترین مردم دنیا هستند."

مدیر سالاری

Administrocracy

این واژه راگی اس کلیر Guy S. Claire به کار برده تا آریستوکراسی مقامات اداری - حکومتی را توضیح دهد که به شکلی مؤثر توسط کارمندان دولتی حرفه‌ای اداره می‌شود.

اداره؛ زمامداری؛ دستگاه رهبری؛ مسئولان؛ حکومت

Administration

۱ - نظام اجتماعی خاصی که بر اساس آن، عده‌ای از افراد بشر به منظور نیل به یک سلسله هدفهای نسبتاً مشخص با یکدیگر همکاری می‌کنند، به این معنی که تصمیماتی را اتخاذ می‌نمایند و تصمیماتی را به مرحله اجرا و عمل درمی‌آورند. اداره همچنین بیانگر روند اجرای تصمیمات و سازماندهی حکومت یک کشور است. ۲ - اداره به مفهوم مادی کلمه، عبارت از مجموع فعالیتهای پلیس اداری و خدماتی است که به وسیله حکومت و یا زیر نظر او انجام می‌شود. اداره از نظر سازمانی، عبارت از مجموع اشخاص حقیقی و یا حقوقی است که در اجرای فعالیتهای اداری از نظر مادی شرکت دارند. ۳ - سازمان عبارت است از تشکیل یا ایجاد یک ماشین مؤثر، مدیریت به کار انداختن این ماشین است، اداره در حکم رهبری و هدایت مؤثر یک چنین ماشینی به حساب می‌آید. ۴ - نوعی کوشش منطقی مبتنی بر همکاری و مشارکت گروههای انسانی. ۵ - حکومت وقت در یک کشور، یعنی سیاستمداران منصوب از طرف رهبر برای انجام مسئولیتهای واحدهای ویژه.

امور اداری

Administrative Affairs

اموری که به روابط دولت با مردم از طریق سازمانهای عمومی و دستگاههای دولتی مربوط می‌شود.

فساد اداری

Administrative Corruption

سوء استفاده شخصی از منابع عمومی توسط کارکنان دولت. فساد مالی و اداری از جنبه‌های مهم فساد سیاسی است. انواع فسادهای مالی ناشی از تعدیات مأموران دولت عبارتند از: رشوه، اختلاس، تصرف غیرقانونی، تدلیس و اعمال نفوذ یا پارتی‌بازی.

نخبگان اداری

Administrative Elites

دولت‌های مدرن به علت داشتن خدمات دولتی گسترده، کارمندان دولتی کثیری نیز دارند.

Adhocracy**سازمان ویژه موقت**

سازمانی که در آن، هیأت کارکنان به‌طور دائم دارای وظایف ثابت سازمانی نیست، بلکه آنها می‌توانند هر موقع و هر جا که لازم باشد با صلاحیت کامل و به‌طور خاص عمل کنند. عدم تمرکز، انعطاف‌پذیری، سلسله مراتب افقی، موقتی بودن و حداقل مقررات رسمی از ویژگیهای سازمان ویژه موقت یا ادهوکراسی است. این نوع سازمان، به‌سادگی قابل تطبیق با شرایط متغیر عصر حاضر است.

Adjournment**تنفس (بحث)؛ تعطیل موقت (بحث)**

در مورد مجالس و انجمنها، جلسه بحث را به‌طور موقت از جمله برای استراحت تعطیل کردن.

Adjutant**آجودان**

واژه فرانسوی به‌معنی افسری که نزد افسر عالی‌رتبه‌ای خدمت می‌کند.

Adjudication**رسیدگی قضایی**

یکی از طرق حل و فصل اختلافات بین‌المللی که به‌موجب آن، یک دادگاه رسمی در مورد اختلاف موجود بین طرفین، حکم به‌محق بودن مستحق می‌کند. بین داوری و رسیدگی قضایی فرق آشکاری وجود ندارد. هر دو طریقه که برای فیصله مناقشات به‌کار می‌رود، از جمله طرق حل و فصل حقوقی اختلافات بین‌المللی است. مبنای آیین حل و فصل داوری مانند آیین حل و فصل قضایی اراده و رأی کشورهای در حال کشمکش است؛ در حالی که پایه قضاوت در حقوق داخلی براساس قانون گذاشته شده است، پایه داوری و قضاوت در نظم بین‌المللی منحصرأ براساس اراده برقرار گردیده است. تنها فرقی که در حقوق بین‌الملل، داوری را از رسیدگی قضایی مشخص می‌سازد، فرقی تشکیلاتی است. در حالی که دستگاه حکمیت اتفاقی است، دستگاه رسیدگی قضایی قبل از هر مناقشه‌ای تشکیل می‌شود و طرفین دعو نیز در تأسیس آن دخالتی ندارند.

Adjustment**سازگاری**

درجه انطباق و هماهنگی یک عضو یا موجودی است با محیطی که در آن زندگی می‌کند، هدفهایی که مایل است به‌آنها برسد و نقشهایی که از او انتظار می‌رود.

Admass**نظام آگهی‌های تجاری**

این واژه در سال ۱۹۵۵ توسط جان بویتون پرستلی، نویسنده انگلیسی برای اشاره به یک نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساخته شد که در آن یک محرک مصرف کالا بر آن سلطه داشته باشد. این محرک یا میل درونی، انعکاس آن دنیای توخالی است که آگهی پرداز در آگهی تجاری ارائه می‌نماید و رسانه‌های جمعی نیز به‌صورتی و سوسه‌انگیز به آن آب و تاب می‌دهند. حاصل این نظام، جامعه‌ای مصرفی است که خلاقیت و شخصیت را نابود و احساسات و احتیاجات راستین آدمی را قلب می‌کند. نیل پستمن Neil-Postman صاحب‌نظر فقید آمریکایی در سال ۱۹۸۷ در یک سخنرانی اظهار داشت: "آگهی‌های تجاری تلویزیونی بسیار زیانمند بوده‌اند. سرمایه‌داران ما با پافشاری بر اینکه بتوانند آگهی‌های تجاری را در هر لحظه از برنامه‌های خبری قبل، بعد و یا در میان آن پخش

و فعالیتهای تحقیق و توسعه هسته‌ای خود به آژانس و یا پذیرفتن باز دیده‌های غیر منتظره (سرزده) از هر محل با اعلام ۲۴ ساعت قبل و یا کمتر از آن است. تا سال ۲۰۰۳ بیش از ۸۰ کشور، از جمله ۵ کشور بزرگ دارنده سلاحهای هسته‌ای (آمریکا، انگلستان، چین، روسیه، فرانسه) آن را امضا کرده‌اند و کشورهای مثل کانادا، ژاپن، استرالیا، ترکیه و آفریقای جنوبی که فاقد سلاح هسته‌ای ولی دارای فعالیتهای هسته‌ای صلح‌آمیز هستند، پروتکل الحاقی را امضا کرده و به تصویب نهائی نیز رسانده‌اند. بعضی دولت‌ها (مثل آمریکا) نیز به شرط حفظ امنیت و اسرار کشور، پروتکل را پذیرفته‌اند.

هوادار؛ عضو آزمایشی

Adherent

حامی یک سازمان سیاسی که هنوز رسماً به عضویت سازمان در نیامده است، اما مراحل پیوستن به آن را می‌گذراند. عضوگیری بویژه در سازمانهای سیاسی مخفی، مسأله پیچیده‌ای است که حل آن برای یک سازمان فقط در عمل و طی پروسه طولانی و گذر از آزمایشات مختلف امکان‌پذیر می‌گردد.

الحاق؛ پیوستگی

Adhesion

قبول یک عهدنامه از سوی کشور ثالث با رضایت امضا کنندگان اصلی آن. تفاوت آن با accession در این است که دولتهای امضا کننده عهدنامه باید با تقاضای الحاق دولتی که در مذاکرات شرکت نداشته است، قبلاً موافقت کنند. بعد از موافقت دولتهای متعاقد، دولت اخیر جزء دولتهای متعاقد می‌شود.

داوری خاص

Ad Hoc Arbitration

نوعی از داوری بین‌المللی است که حسب نیاز و اقتضا و به دنبال اجتماع شرایط ویژه‌ای فقط برای یکبار تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی به اختلاف و اتمام کار، منحل می‌گردد: مانند کمیسیونهای داوری مختلفی که پس از جنگ جهانی دوم برای حل اختلافات بین کشورهای مختلف تشکیل یافت، و دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده آمریکا.

ماموریت خاص؛ ماموریت ویژه

Ad Hoc Mission (Special Mission)

این عنوان، توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۰ به کار رفت. کمیسیون ششم ملل متحد، سه نوع ماموریت دیپلماتیک مخصوص را شناخته است: ۱- ماموریت در کنفرانسهای بین‌المللی ۲- ماموریت فرستاده سیار ۳- ماموریت یک یا چند نفر که از طرف یک دولت نزد دولت دیگر برای انجام ماموریت ویژه‌ای اعزام می‌شوند. ماموریت دیپلماتیک ویژه، انواع دیگری نیز دارد و استفاده از آن روزافزون است. کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره ماموریت‌های ویژه، این گونه ماموریت‌ها را چنین تعریف کرده است: ماموریت ویژه، یک ماموریت موقت است که نمایندگی یک دولت را بر عهده دارد و از طرف یک دولت نزد دولت دیگر اعزام می‌شود، با این شرط که دولت اخیر الذکر، رضایت خود را از مذاکره با آن در مسائلی که مطرح می‌گردد ابراز نماید یا اینکه رضایت آن دولت در ارتباط با انجام وظیفه‌ای خاص از طرف آن ماموریت حاصل شود.

اجتماعی و وجود یک گروه گزیده از اعضا و طرفداران حزبهای حاکم. ۵- سرکوب اندیشه آزاد و نبودن امکان کنترل شخص بر زندگی خویش. با تحولاتی که در این جوامع در جریان است، آینده نشان خواهد داد کدام یک از این مشکلات برطرف خواهند شد.

Adaptation

انطباق؛ سازش با محیط

روندی که براساس آن، فرد یا گروه، امکان ادامه کار و زندگی در یک محیط خاص را می‌یابد.

Additional Member System

نظام اعضای اضافی

نوعی نظام نمایندگی به نسبت رأی (تناسبی) که در آن، مجموعه‌ای از نمایندگان به عنوان تکمیل کننده سایر نمایندگان منتخب به طرق دیگر، انتخاب می‌شوند تا مجلس نمایندگان، بیانگر نسبی آرای اخذ شده باشد. مثلاً در آلمان، رأی دهندگان با رأی اول، نماینده واحد حوزه انتخاباتی برگزینندگان را براساس قاعده اکثریت نسبی انتخاب می‌کنند و با رأی دوم، به ترکیب کلی حزبی مجلس شکل می‌دهند.

Additional Protocol of the Nuclear Non - Proliferation Treaty

پروتکل الحاقی منع گسترش سلاحهای هسته‌ای

سند مکمل موافقتنامه تدابیر و اقدامات حفاظتی (پادمان) هسته‌ای بین کشورهای عضو و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به منظور بالا بردن کارایی و اثربخشی سیستم تدابیر حفاظتی هسته‌ای طراحی شده است. موافقتنامه یا مصوبه تدابیر حفاظتی هسته‌ای در سال ۱۹۹۷ به تصویب شورای حکام و کنفرانس عمومی کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی رسیده و دارای دو بخش است. طبق مفاد بخش اول، کشورهای عضو «عهدنامه منع گسترش سلاحهای هسته‌ای» باید آن دسته از اقدامات لازم برای تقویت ضوابط تدابیر حفاظتی هسته‌ای را که به مصوبه قانونی جدید نیاز ندارد، در آیین‌نامه اجرایی موافقتنامه قبلی خود با آژانس منظور نمایند. بخش دوم مصوبه از کشورهای عضو می‌خواهد با تصویب قانون جدید، ضوابط تکمیلی تقویت تدابیر حفاظتی هسته‌ای را براساس الگوی پروتکل الحاقی بپذیرند. پروتکل الحاقی دارای یک مقدمه، هشت سرفصل، ۱۸ ماده و دو پیوست است. پس از سرفصل اول که به ارتباط بین پروتکل و مصوبه یا موافقتنامه تدابیر حفاظتی اختصاص دارد، مهمترین مواد تعهدآور پروتکل در دو سرفصل ارائه اطلاعات و دستیابی تکمیلی آمده است. سایر فصلها به نحوه انتصاب بازرسان آژانس، صدور ویزا، موافقتنامه جانبی، سیستم ارتباطات، حفاظت اطلاعات محرمانه، پیوستها، رسمیت یافتن اجرایی و تعاریف مربوط می‌شود. فهرست تفصیلی فعالیتهای مندرج در ماده ۲ پروتکل و فهرست تجهیزات و مواد مشمول گزارش دهی واردات و صادرات در دو پیوست یاد شده آمده است. پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، رویکرد سیاسی دولت آمریکا در ارتباط با تعهدات مندرج در عهدنامه منع گسترش سلاحهای هسته‌ای و پروتکل الحاقی در جهت سختگیری تغییر یافته است. اگرچه تمام عهدنامه‌های بین‌المللی برای کشورهای امضاکننده، محدودیت به بار می‌آورد و به طور نسبی، حق حاکمیت ملی را متزلزل می‌سازد، ولی محدودیتها و تعهدات ناشی از امضای پروتکل الحاقی جدی‌تر است. مثلاً کشور امضاکننده پروتکل موظف به ارائه دادن اطلاعات مربوط به کلیه تأسیسات

مبتنی بر مسئولیت فردی شهروندان. سیاست شهروندی فعال تاجر به نظر منتقدان به صورت ضد اجتماعی بودن و ضد اجتماعی فکر کردن درآمد، بخش دولتی را تحت تأثیر قرار داد، حومه نشینی را تقویت کرد، خانه‌سازی برای اقشار کم درآمد را محدود ساخت و مانع از تقویت حمل و نقل عمومی گردید و بر میزان جرم و جنایت افزود. گرایش تاجر به لیبرالیسم و اقتصاد آزاد سرمایه‌داری و انتخاب فردی و خصوصی‌سازی و دور شدن از عدالت اجتماعی و عدم توجه به خیر و صلاح عمومی را تاجریسم Thatcherism نیز خوانده‌اند.

مقاومت مثبت**Active Resistance**

مقاومت عملی در برابر اجرای قانون.

فعالگری؛ عمل‌گرایی؛ فعالیت (سیاسی)؛ کوشندگی**Activism**

۱- در زمینه مسائل و امور سیاسی عبارت است از اعتقاد به لزوم عملیات حاد بجای مذاکره و انتشار اعلامیه. در یک گروه سیاسی به طرفداران این رویه، فعالان یا عمل‌گرایان گفته می‌شود. ۲- گرایش به عمل و فعالیت.

اعلامیه چاپولتیک**Act of Chapultepec**

قطعنامه کنفرانس بین‌قاره‌ای آمریکا که در تاریخ ۶ مارس ۱۹۴۵ در مکزیکوسیتی توسط نمایندگان بیست و یک دولت آمریکایی به امضا رسید و بیانگر تصمیم آنها به یاری به یکدیگر و جلوگیری از حمله و تجاوز دولتهای غیر آمریکایی به دولتهای آمریکایی است.

کار خدا**Act of God**

حکم و قضای الهی یا آنچه در نتیجه قهر طبیعت روی دهد.

دکترین حاکمیت دولت؛ دکترین اعمال حاکمیت**Act of State Doctrine**

در حقوق بین‌الملل عمومی، حاکمیت دولتها محترم است. هر دولت در قلمرو خود به اعتبار حاکمیتش اعمالی انجام می‌دهد که باید مصون از تعرض باشد. رئیس هر کشور نیز که از جهت سمتش صاحب اختیارات کم و بیش زیادی در اعمال حاکمیت دولت تحت ریاستش است، طبعاً از چنین مصونیتی برخوردار می‌باشد. بدین ترتیب، براساس این دکترین، اعمال اجرائی، تقنینی و قضائی دولت در قلمرو خود، مشمول رسیدگی قضائی دولتهای دیگر نمی‌شود.

سوسیالیسم واقعاً موجود**Actually Existing Socialism**

اصطلاحی که در کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق برای بیان نظامهای حکومتی در کشورهای کمونیستی به کار می‌رفت و منظور از آن، نظام سوسیالیستی - مبتنی بر تئوری سوسیالیسم علمی - بود که در برخی از کشورها در پی انقلابهای بزرگ و در نتیجه مبارزات مردم برقرار شده و تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال ۱۹۹۱ وجود داشت. از جمله دلایلی که برای از بین رفتن سوسیالیسم واقعاً موجود ذکر شده می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- توزیع ناعادلانه ثروت. ۲- فقدان آزادیهای مدنی یا فردی. ۳- فساد سیاسی و اجتماعی. ۴- نابرابری سیاسی و

Achievement Motivation**انگیزش پیشرفت**

انگیزش پیشرفت یا "نیاز به دست به کار شدن" یا "نیاز به کسب موفقیت" بیانگر حالتی است که فرد را به جدیت و کردار فعالانه خاصی سوق می‌دهد و اگر در اکثریت افراد جامعه وجود داشته باشد باعث رشد سریع اقتصادی و اجتماعی آن جامعه می‌شود.

Achieving Society**جامعه دست به کار**

جامعه‌ای که در آن نیاز به دست به کار شدن، یعنی طرز فکری که انسان را به پشتکار و خوب انجام دادن کار سوق می‌دهد، و انگیزش به‌نوسازی و رشد اقتصادی در حد بالایی است. در این جوامع، افراد برای کسب موفقیت و کامیابی به‌سختی می‌کوشند و در انجام کارها بار مسئولیت را به‌دوش می‌گیرند و ساعتهای طولانی کار می‌کنند. عده‌ای نقش محتوای دروس دبستان را در ایجاد و تقویت نیاز به دست به کار شدن و کسب موفقیت مؤثر دانسته‌اند.

Achilles' Heel (Heel of Achilles)**پاشنه آشیل**

کنایه از نقطه ضعف یک شخص یا سازمان است. آشیل مشهورترین قهرمان افسانه‌ای یونان است که طبق روایات هومر در کتاب ایلیاد، مادرش پس از تولد پا دو انگشت قوزک پای او را گرفت و وارونه در رودخانه افسانه‌ای استیکس فرو برد و بدین صورت تمام بدن آشیل، غیر از قوزک پا، آسیب‌ناپذیر شد. اما سرانجام آشیل در جنگ تروا از همین نقطه زخم برداشت و به‌هلاکت رسید.

Acid Test**آزمایش تعیین‌کننده**

این اصطلاح به معنی آزمایش تعیین‌کننده ارزش چیزی یا شخصی به کار رفته است.

Actionism**عمل‌گرایی؛ کنش‌گرایی**

در جنبشهای دانشجویی و چپ نو عبارت از روشی است که به‌موجب آن بحث نظری مردود شمرده می‌شود و اقدام به‌عمل، تنها راه‌حل به‌حساب می‌آید. تبلور اصل کنش‌گرایی را می‌توان در جنبشهای تروستی و چریکی مشاهده کرد. در جنبش ۱۹۶۸ فرانسه وقتی به‌دانشجویان انتقاد می‌کردند که برای چنین نهضت بزرگی برنامه‌ای مشخص نداشته‌اند و کارشان ناشی از احساسات بوده است، دانشجویان پاسخ می‌دهند که در این گونه موارد برنامه انقلاب را نباید از پیش تعیین کرد. فقط باید شعار انقلابی داد، یعنی سرنگونی حکومت بیداد و فشار بورژوازی. برنامه عمل، ضمن کار و ضمن پیشرفت از طرف شرکت‌کنندگان تنظیم و اعلام می‌گردد.

Active Citizenship**شهروندی فعال**

این واژه به‌عنوان پایه تفکر و سیاست حکومت مارگارت تاچر نخست وزیر بریتانیا به کار رفته است. اصول آن با توجه به‌سخنرانی وی در سال ۱۹۸۸ در مجمع کلیسای اسکاتلند به‌شرح زیر است:

- ۱- به‌حداقل رساندن نقش قانونگذاری در اجرای سیاست شهروندی فعال ۲- تقویت حس وظیفه‌شناسی ناشی از اعتقادات مذهبی مسیحی ۳- تأکید بر ضرورت تولید ثروت با توجه به تواناییهای افراد و به‌حداقل رساندن کمکهای خیرخواهانه نسبت به‌دیگران ۴- به‌حداقل رساندن نقش دولت و افزایش میزان مسئولیتهای فردی و خانوادگی یا تأکید بر نظام اجتماعی - اقتصادی

توافق؛ قرارداد؛ قرار**Accord (Agreement)**

تفاهم یا توافق (معمولاً با ویژگی شفاهی) در موضوعهای کلی امور بین‌المللی که اهمیت آنها به اندازه‌های نیست که عقد پیمان یا کنوانسیون را ایجاد کند. به‌طور کلی، چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین‌الملل، وقتی بین دو یا چند طرف راجع به مطلبی اتفاق قول و نظر وجود داشت و در انجام دادن و یا خودداری از انجام دادن کاری، آرای هماهنگی ابراز شد، توافق حاصل و عقد آن بسته می‌شود. یعنی بین طرفین عقد - خواه قبلاً اختلاف نظر و منافع وجود داشته و خواه وجود نداشته باشد - آیینی به وجود می‌آید و شروطی می‌شود که بر طبق موازین آن باید رفتار کنند. این واژه در مورد قرارها یا سازشهای حاصله بین گروههای سابقاً مخالف و هم‌ستیز در یک کشور نیز به کار می‌رود.

مسئولیت (پاسخگویی)؛ مسئولیت گزارش‌دهی**Accountability**

۱- زبانی که فرد برای توجیه رفتارش در موقع روبرو شدن با بازخواستهای یک عامل یا گروهی از عوامل اجتماعی به کار می‌برد. ۲- حالت پاسخگو بودن فرد در مقابل شخص یا گروهی خاص، برای دادن گزارش یا توجیه کارهایی در ارتباط با موضوعهای معین.

اعزام با استوارنامه؛ پذیرفتن سفرا (اعتبارنامه دادن)**Accredit (Accrédité)**

۱- اعزام نماینده دیپلماتیک با استوارنامه (اعتبارنامه). ۲- پذیرفتن نماینده دیپلماتیک خارجی و اجازه دادن به او برای شروع کار.

اکردیته**Accredited (Accrédité)**

این واژه به معنی معتبر، مجاز و پذیرفته شده است. نماینده سیاسی یک کشور اگر علاوه بر کشور محل مأموریت، در کشور یا کشورهای دیگر نیز مأمور باشد، در کشورهای اخیرالذکر "اکردیته" نامیده می‌شود. اصولاً ممکن است یک کشور، شخص معینی را در چند کشور به عنوان رئیس یا عضو مأموریت تعیین نماید. علت این امر غالباً مسائل مالی دولتهای فرستنده، عدم روابط در حد کافی و کمبود اشخاص صلاحیتدار برای سمت ریاست دیپلماتیک است. سفیری (یا نماینده سیاسی) که مأمور در چند کشور است در یکی از آنها مقیم می‌شود و براساس ضرورت به سایر کشورهای محل مأموریت خود سفر می‌کند. هر یک از کشورهای پذیرنده نه فقط باید قبلاً با این ترتیب موافقت کرده باشند، بلکه باید جداگانه نسبت به شخص تعیین شده، پذیرش داده باشند.

افزایش طبیعی خاک**Accretion**

در حقوق بین‌الملل، افزایش اراضی از طریق رسوبگذاری یک رودخانه مرزی و تعلق یافتن آن به کشور واقع شده در ساحل رودخانه.

فرهنگ‌پذیری**Acculturation**

۱- جذب و هضم قومی که دارای فرهنگ ویژه خود است، در درون فرهنگ دیگر. ۲- دگرگونی فرهنگ فرد یا گروه از راه تماس مستقیم با فرهنگ دیگر. فرهنگ‌پذیری بر خلاف همانندسازی، روند یکطرفه کسب خصوصیات فرهنگی است.

نیست و نمی‌توان آن را برای گزند دیگران و به نیت بد مورد استفاده قرار داد. حق، حتی در چارچوب مقررات و حدود قانون، وقتی محترم و نافذ شناخته می‌شود که برای زیان وارد آوردن به غیر به‌مورد اجرا گذارده نشود و علیه مصالح اجتماع به کار نیفتد. در قوانین بسیاری از کشورها، صریحاً قاعده بطلان سوء استفاده از حق بیان شده است.

اخراج ناروا؛ اخراج اهانت آمیز

Abusive Dismissal

اخراج به ظاهر قانونی کارمند، اما با سوء استفاده مدیریت از قدرت خود.

آزادی بحث و تحقیق؛ آزادی دانشگاهی؛ آزادی علمی؛ آزادی دانش پژوهی Academic Freedom

۱- حق و آزادی آموختن به هر صورتی که شخص مناسب می‌داند یا مجموعه‌ای از حقوق و امتیازاتی که استادان، دانشجویان، معلمان و محققان در امر نشر افکار، بیان، نگارش، آموزش و پژوهش از آن استفاده می‌کنند. ۲- آزادی معلمان و استادان و دانشجویان و محققان در بیان و نگارش، در تدریس و تحقیق و نشر افکار خود بدون این که مؤسسه‌ای که در استخدام آند و یا هر مرجع دیگر، بتواند به آنان تعرضی کند یا ایشان را تحت فشار قرار دهد. قائل بودن به آزادی بحث و تحقیق مبتنی بر این اصل است که تحقیق چون بدون ترس از نتایج آن صورت گیرد، حقیقت را بهتر آشکار می‌سازد. در پاره‌ای کشورها به‌بانه‌های گوناگون، از جمله تعارض با مصالح مملکتی از آزادی بحث و تحقیق جلوگیری به عمل می‌آید و در نتیجه، راه رشد و ترقی سد می‌شود.

الحاق

Accession

عملی است حقوقی که به موجب آن، دولتی که طرف متعاقد در انعقاد یک عهدنامه بین‌المللی نیست، تبعیت خود را از قواعد و مقررات آن عهدنامه اعلام می‌نماید و در مقابل از مزایای آن استفاده می‌کند. این عمل معمولاً بعد از انعقاد یک عهدنامه صورت می‌گیرد و دولتی که الحاق خود را اعلام می‌دارد، مثل دولتهای اصلی امضاکننده عهدنامه، دارای حقوق و تکالیف مقرر در عهدنامه خواهد شد. الحاق ممکن است به‌روی همه کشورها باز باشد مثل منشور ملل متحد و یا به‌روی برخی از کشورها باز باشد مثل اتحادیه عرب که تنها به‌روی کشورهای مستقل عربی باز است.

جنگ اتفاقی؛ جنگ تصادفی

Accidental War

کشمکش مسلحانه ناخواسته‌ای که به‌واسطه اشتباه انسانی یا خطای الکترونیکی و یا نقص فنی روی دهد. طرق گوناگونی برای کاهش احتمالی جنگ اتفاقی وجود دارد که از جمله می‌توان به خطوط ارتباطی مستقیم (خط داغ یا تلفن قرمز) اشاره کرد.

همسازی

Accommodation

فیصله موقت اختلافات بین طرفین متخاصم برای متوقف ساختن ستیزه یاروندی که براساس آن، قدرتهای متخاصم اقدام به برقراری مصالحه موقت می‌کنند تا بتوانند مقاصد خود را پیش ببرند بدون اینکه در مقابل یکدیگر دست به تجاوز آشکار بزنند. این واژه در سیاست معمولاً متمایز از رویارویی و آشتی است.

ولی بعداً سب و چارپایان بارکش دیگر هم به دلیل استفاده سوار نظام و توپخانه و حمل و نقل نظامی به فهرست قاچاق مطلق اضافه گردید. قاچاق مطلق به محض اینکه فقط برای حمل به سرزمین دشمن آماده شده باشد قابل تصرف است که این ترتیب را مقصد بر حسب سمت می نامند.

Absolute Majority

اکثریت مطلق

اکثریتی که حداقل آن عبارت است از نصف بعلاوه یک مجموع آرای رأی دهندگان. روش اکثریت مطلق در کشورهای دو حزبی مثل انگلستان و ایالات متحده آمریکا متداول است. در این روش، کشور به تعداد لازم حوزه‌های انتخاباتی تقسیم می‌گردد و از هر حوزه یک نفر نماینده انتخاب می‌شود. هر کس که اکثریت آراء را که عملاً اکثریت مطلق است به دست آورد به نمایندگی مجالس مقننه انتخاب خواهد شد.

Absolute Monarchy

سلطنت مطلقه؛ حکومت سلطنتی استبدادی؛ ستمشاهی

سلطنت با داشتن اختیارات نامحدود. یعنی سلطنتی که در آن، قدرتهای دولتی به دست شاه یا سلطان باشد و او با هوای نفس خود بر مردم حکومت کند و نه به موجب قانون معین یا اراده ملت.

Absolute Poverty

فقر مطلق

وضعی که در آن، افراد فقط می‌توانند حداقل نیازهای معیشتی خویش را از نظر غذا، پوشاک و مسکن تأمین کنند.

Absolute War

جنگ مطلق

جنگی که هدف آن، قلع و قمع یا تسلیم بلا شرط دشمن است.

Absolutism

حکومت مطلقه؛ حکومت استبدادی؛ استبداد

۱- اعمال قدرت یک یا چند نفر بر گروه یا جامعه‌ای بدون مشارکت دیگران. ۲- حکومتی که در آن، اعمال حق حاکمیت در دست یک فرد (یا معدودی) تمرکز یافته است، بدون این که نظارتی از سوی عموم مردم و یا بخشی از آنها در امور حکومت اعمال شود. این اصطلاح، گاهی مرادف دسپوتیسم به کار رفته است.

Abstentionism

امتناع‌گرایی

گرایش فرد به خودداری از انجام وظایف اجتماعی، از جمله عدول از انجام وظایف انتخاباتی و بویژه امتناع از دادن رأی است. امتناع از دادن رأی ممکن است ناشی از بی‌اعتنایی و یا مبین نوعی مخالفت ضمنی باشد.

Absurdism

بوج‌گرایی

اعتقاد به اینکه بشر در یک عالم (جهان) بی‌منطق، یاوه و بی‌معنا زندگی می‌کند.

Abuse of Right

سوءاستفاده از حق

حق، قدرت و اختیاری است که به موجب قانون به کسی اعطاء می‌شود. این قدرت و اختیار مطلق

شرقی حومه پاریس و در کنار رودخانه مارن برپا شد، اما به علت اختلاف و ناسازگاری اعضا و مشکلات اقتصادی دوام نیاورد. نام این گروه، از صومعه تخیلی تلم Abbaye de Thélème که فرانسوارابله (۱۵۵۳-۱۴۹۳) نویسنده انساندوست فرانسوی تصورش را کرده بود، اقتباس شده است.

ABC of Politics

الفبای سیاست

ساده‌ترین قسمتها یا اصول مقدماتی علم سیاست. برای تسلط پیدا کردن بر عناصر این علم، نخست باید درباره جامعه بشری اطلاعاتی کسب نمود، یعنی زمان پیدایش، چگونگی پیشرفت و تکامل آن و قوانین حاکم بر گذار از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر.

ABC Powers

کشورهای آرژانتین - برزیل - شیلی

از کشورهای آمریکای لاتین، سه کشور آرژانتین، برزیل و شیلی با توجه به حرف اول اسم آنها کشورهای ABC خوانده شده‌اند. این سه کشور در سال ۱۹۱۴ هنگام بروز اختلاف بین ایالات متحده آمریکا و مکزیک، میانجی شدند.

Abdication

کناره‌گیری (از سلطنت)

چشم‌پوشی داوطلبانه از یک مقام عالی و حقوق و امتیازات ویژه آن، پیش از انقضای موعد مقرر. در اروپا این اصطلاح بویژه در مورد کناره‌گیری سلاطین از تاج و تخت به کار رفته است، مثل مورد ادوارد هشتم پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند که برای ازدواج با یک زن مطلقه آمریکائی، در دهم دسامبر ۱۹۳۶ از سلطنت کناره‌گیری کرد و به فرانسه رفت.

Abjuration

نقض عهد؛ پیمان شکنی

بی‌اعتبار یا باطل اعلام کردن سوگند به یک اصل، حق یا امتیاز. مثل بیگانه‌ای که برای کسب تابعیت، از وفاداری به کشور محل تولدش دست بردارد.

Abolitionism

الغای؛ الغاگرایی؛ بردگی ستیزی

۱- هواداری از الغای سدهای گمرکی بین کشورها یا هر رسم، عادت و یا نهاد. ۲- هواداری از عقیده الغای بردگی. این واژه بیشتر برای اشاره به الغای بردگی، بویژه در ایالات متحده آمریکا در قرن نوزدهم، و لغو خرید و فروش برده به کار رفته است. الغاگران نیز در تاریخ ایالات متحده آمریکا، عنوان کسانی است که در الغای برده‌داری کوشیدند.

Absenteeism

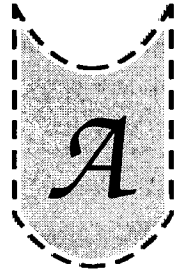
غیبت از کار؛ مالکیت غایبانه

۱- کارگریزی یا عدم حضور غیرموجه کارگر و کارمند در محل کار موظف خود. ۲- غیبت مالکان عمده زمین در روستاها و اقامت در شهرهای بزرگ ولی سهم بود نشان در بهره زمین.

Absolute Contraband

قاچاق مطلق جنگ

قاچاق جنگ، کالایی است که کشور بیطرف حق ندارد چه از نظر جنس و چه از نظر مقصد برای متخاصم حمل کند. در آغاز، قاچاق مطلق فقط شامل اسلحه، مهمات و ابزار و آلات جنگ می‌شد،



AAPSO (Afro-Asian People's Solidarity Organization)

آپسو (سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا)

سازمان ظاهر ساز کمونیستی تحت نظر شورای جهانی صلح که در سال ۱۹۵۷ برای بسیج کردن گروه‌های بیطرف و صلح‌دوست در جهان سوم تشکیل شد و فعالیت‌های آن تا دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت.

Abackwarded Countries

کشورهای عقب افتاده

کشورهایی که در آنها بی فرهنگی، فقر و بیسوادی، کشاورزی و تولید فنی سنتی حاکم باشد.

Abandoned Territory

سرزمین رها شده

در حقوق بین‌الملل به سرزمینی اطلاق می‌شود که کشور کاشف و اداره کننده قبلی، رها کرده و کشور دیگری آن را به تصرف آورده باشد. این نوع تصرف در پراتیک بین‌المللی به دفعات، مورد پیدا کرده است، بویژه از طرف کشور اسپانیا درباره جزیره پالما (به نفع هلند) و جزایر فالکلند یا مالویناس (به نفع انگلستان). از سال ۱۸۳۳ که انگلستان جزایر مالویناس (واقع در جنوب شرقی آرژانتین) را اشغال کرد، آرژانتین همواره ادعای حاکمیت بر آنها را داشته است. چنانکه در سال ۱۹۸۲ نیز جنگی بین این کشور و انگلستان بر سر حاکمیت بر جزایر مالویناس در گرفت که با پیروزی انگلستان به پایان رسید.

Abasement

خواری طلبی؛ پستی

نیاز به حقارت، رضا، زبونی و خاکساری. انتقاد، اهانت و تحقیر را با بردباری تحمل کردن. لذت بردن از کیفر، به دنبال رنج و بدبختی رفتن، به کم‌مایگی و خطای خود اعتراف کردن. بدون مقاومت، تسلیم حوادث و پیشامدها بودن.

Abbey of Créteil

صومعه کوه‌تی

نوعی زندگی اجتماعی، همدلانه و مشترک که توسط عده‌ای از هنرمندان و روشنفکران فرانسوی مثل ژرژ دو هامل و ژول رومن در فاصله سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۰۸ در کوه‌تی واقع در جنوب



Publisher: Chapar Publication - Tehran - Tel: 8899680



A Dictionary of Political Science

Authors: A. Aghabakhshi M. Afsharirad

E-mail: aghabakhshi@yahoo.com

Impression: 1st (Sixth Edition)

Circulation: 3000

Publication Date: Winter 2005

Computer Services: Elm-e Rooz

ISBN 964-7790-27-9

All Rights Reserved.

Price: 85000 Rials

A DICTIONARY of
POLITICAL SCIENCE

A. Aghabakhshi
M. Afsharirad



Chapar Publication
Spring 2004

A Dictionary of Political science

A.Aghabakhshi

M.Afsharirad

ISBN 964-7790-27-9



9 789647 790277

